

دارای رتبه علمی پژوهشی



یازدهمین همایش کشوری آموزش علوم پزشکی

ویژه گروه علوم پزشکی
وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی

فصلنامه علمی پژوهشی

ویژه یازدهمین همایش کشوری آموزش علوم پزشکی

ISSN:1608-2397



رهبری در آموزش پزشکی

یازدهمین
همایش کشوری
آموزش علوم پزشکی

11th
Iran
Medical
Education
Conference

دارای امتیاز آموزش مداوم برای کلیه رشته های گروه پزشکی

محور های بخش دانشجویی:

- دانشجوی آینده
- دانشجوی پاسخ گو
- یادگیری مادام العمر
- دانشجو و تعالی آموزشی

محور های بخش اصلی همایش:

- مدل های رهبری در آموزش علوم پزشکی
- نقش ها و مهارت های رهبران در آموزش پزشکی
- نقش رهبری آموزشی در نظام توسعه سلامت
- پاسخ گوئی در آموزش علوم پزشکی
- بهره وری آموزشی در علوم پزشکی
- تعالی آموزشی در علوم پزشکی
- آینده نگاری و آینده پژوهی در علوم پزشکی
- رهبری در محیط آموزش علوم پزشکی

۱۲ الی ۱۳ اردیبهشت ۱۳۸۹
دانشگاه علوم پزشکی ایران

مهلت ارسال آثار: ۱۵ آبان الی ۳۰ بهمن ۱۳۸۸
<http://iranmeduc.iums.ac.ir>

تلفن: ۵۱ - ۸۲۹۴۴۲۵۰، فکس: ۸۲۹۴۴۲۳۹
دیرخانه همایش: تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی





اعضای هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفباء: دکتر محمد مهدی اصفهانی (استاد گروه تغذیه، دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران) دکتر عبدالرضا پازوکی (استادیار گروه جراحی عمومی دانشگاه علوم پزشکی ایران) دکتر سید ضیاء الدین تابعی (استاد گروه پاتولوژی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز) دکتر موسی زرگر (استاد گروه جراحی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران) دکتر محمود دوستی (استاد گروه بیوشیمی دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران) دکتر علی حائری (دانشیار گروه فارماکولوژی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی) دکتر سیدجلیل حسینی (دانشیار گروه ارولوژی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی) دکتر حسین کشاورز (استاد، عضو هیئت علمی گروه انگل شناسی و قارچ شناسی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران) دکتر رسول فراست کیش (استاد عضو هیئت علمی گروه بیهوشی دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران) دکتر بهرام عین اللهی (استاد گروه چشم دانشگاه شهید بهشتی) دکتر کاظم محمد (استاد گروه اپیدمیولوژی و آمار دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران) دکتر علیرضا مصداقی نیا (استاد گروه بهداشت محیط دانشگاه علوم پزشکی تهران) دکتر سید علیرضا مرندی (استاد گروه بیماری‌های کودکان، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی) دکتر محمد علی محقق (دانشیار گروه جراحی دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران) دکتر ابوالفتح لامعی (استاد گروه عفونی و بیماریهای گرمسیری، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه) دکتر باقر لاریجانی (استاد گروه غدد و متابولیسم دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران).

اسامی داوران این شماره براساس حروف الفبا: دکتر سلیمان احمدی - دکتر علیرضا اولی‌پور - دکتر حمیدرضا برادران - دکتر زینب بیابانگردی - دکتر شعله بیگلی - دکتر مهدی بیگرخانی - دکتر عبدالرضا پازوکی - دکتر سرور پرویزی - دکتر محمد جلیلی - دکتر طاهره چنگیز - دکتر مرتضی خاقانی‌زاده - دکتر پیام خزانلی - دکتر رامین سرچمی - دکتر سید کامران سلطانی عربشاهی - دکتر ژیل شجری - دکتر مهستی علیزاده - دکتر جواد کجوری - دکتر ابراهیم کلانتر - دکتر جلیل کوهپایه‌زاده - دکتر رقیه گندمکار - دکتر نوید محمدی - دکتر سید سعید مظلومی - دکتر عباس مکارم - دکتر محمدرضا ملکی - دکتر کوروش وحیدشاهی - دکتر آنژیلای عطایی - دکتر سید محمد فرشته‌نژاد - فرهاد شکرانه ننه‌کران - فائزه سوداگری - زینب هدایت - نیلوفر اباذریان - سمانه رضوانی گیوی - حمیده وحید - ستاره‌السادات بنی‌حسینی - بهنام صادقی‌راد - سلیمان سراوانی

صاحب امتیاز: وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

مدیر مسئول: دکتر محمدعلی محقق

سر دبیر: دکتر عبدالرضا پازوکی

دبیر اجرایی: عبدالناصر نوروززاده

کارشناس مجله: مجید عسگری

صفحه‌آرایی: دکتر لادن فتی

طرح جلد: محمدرضا شریف کاظمی

حوزه فعالیت نشریه: مجله طب و تزکیه مجله‌ای علمی - پژوهشی ارگان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌باشد که ضمن انعکاس سیاستهای کلان این وزارت در خصوص مسائل مختلف بهداشت، درمانی، آموزشی، دانشجویی و فرهنگی به درج مقالات پژوهشی و تدوینی مرتبط با این موضوعات می‌پردازد. این مجله علاوه بر رسالت فوق، مسئولیت پرداختن به مسائل فرهنگی و انعکاس اندیشه‌های جامعه محترم پزشکی کشور را نیز بر عهده دارد.

اطلاعات مربوط به نشریه: دانشگاه‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کشور و سایر مؤسسات مرتبط با بهداشت درمان و آموزش پزشکی می‌باشند.

طب و تزکیه با بودجه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دریافت حق اشتراک و سایر کمک‌های مالی منتشر می‌گردد.
آدرس دفتر نشریه: تهران، شهرک قدس، میدان صنعت، خیابان ایوانک، خیابان فلامک جنوبی، خیابان سیمای ایران، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، طبقه سیزدهم

کد پستی: ۱۴۷۶۶۹۶۱ تلفن و دورنویس: ۸۸۳۶۴۲۳۶-۸۱۴۵۲۹۰۹ آدرس سایت مجله: www.TebvaTazkiyeh.ir

براساس مصوبه هیئت ممیزه مرکزی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به مقالات (تحقیقی و تدوینی) مندرج در مجله طب و تزکیه امتیاز ارتقاء (مخصوص اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی سراسر کشور) تعلق می‌گیرد.

پیش‌گفتار

رخداد خوش‌یمن و انقلابی واگذاری تربیت و آموزش نیروهای تخصصی رشته‌های پزشکی و وابسته آن به وزارت بهداشتی در نظام مقدس جمهوری اسلامی علاوه بر فواید و برکات فراوانی که در زمینه تأمین نیروی انسانی متخصص مورد نیاز مناطق محروم به دنبال داشت، منجر به تحولات جدی و ارتقاء آموزش علوم پزشکی شد و مراکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی به عنوان مسئول و سردمدار حرکت به سمت ارتقاء کیفیت آموزش علوم پزشکی با همت مسئولین وقت و زحمات مرحوم دکتر حمیدرضا رضایی در وزارتخانه و سپس در دانشگاه‌های علوم پزشکی ایجاد گردید.

یکی از پی‌آمدهای این رویداد خجسته، برگزاری همایش‌های آموزش پزشکی بود که از سال ۱۳۷۳ با هدف آشنا کردن هر چه بیشتر متخصصان علوم پزشکی با مباحث تخصصی این حوزه و به اشتراک گذاشتن دانش و تجربه آنان برگزار شده و هر یک به نوبه خود در پیشبرد هدف‌های آموزش علوم پزشکی مؤثر و ماندگار بوده است. مروری سریع بر عنوان این همایش‌ها خالی از لطف نخواهد بود:

❖ اولین همایش (۱۳۷۳)، دانشگاه علوم پزشکی ایران

معرفی و تبیین نقش و جایگاه علم تعلیم و تربیت در تأمین، حفظ و ارتقای سلامت جامعه از طریق اعتلای کیفیت آموزش در دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور

❖ دومین همایش (۱۳۷۴)، دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی

تشویق و ترغیب اعضای هیئت علمی به انجام پژوهش در زمینه آموزش پزشکی

❖ همایش (۱۳۷۷)، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

ارائه راهبردهای علمی و عملی برای ارتقای کیفیت آموزش پزشکی

❖ چهارمین همایش (۱۳۷۹)، دانشگاه علوم پزشکی تهران

ارتقای کیفیت آموزش پزشکی

❖ پنجمین همایش (۱۳۸۱)، دانشگاه علوم پزشکی شیراز

تبیین دیدگاه‌ها در خصوص آینده آموزش پزشکی، و تهدیدها و فرصت‌ها، و ارائه دستاوردهای پژوهش‌های انجام گرفته در زمینه آموزش پزشکی کشور

❖ ششمین همایش (۱۳۸۲)، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

طرح نظرات متخصصان و صاحب‌نظران آموزش پزشکی در سطح کشور و جهان در مورد موضوعات کلیدی آموزش پزشکی، چالش‌ها، فرصت‌ها، مشکل‌های پیش رو و راه‌حل‌های جدید

❖ هفتمین همایش (۱۳۸۴)، دانشگاه علوم پزشکی تبریز

ارتقای آموزش بالینی

❖ هشتمین همایش (۱۳۸۵)، دانشگاه علوم پزشکی کرمان

دستیابی به راه‌کارهای کاربردی جهت ارتقای کیفیت ارزشیابی آموزشی

❖ نهمین همایش (۱۳۸۶)، دانشگاه علوم پزشکی یزد

معرفی روش‌های نوین در آموزش پزشکی

❖ دهمین همایش (۱۳۸۸)، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شیراز

ارتقای کمی و کیفی کارایی استاد به عنوان پایه اصلی آموزش

یازدهمین همایش کشوری آموزش پزشکی با عنوان اصلی **رهبری در آموزش علوم پزشکی** بازکننده‌ی راهی نو در مفاهیم آموزش علوم پزشکی در ایران بوده، مشتمل بر دو بخش اصلی و دانشجویی خواهد بود که محورهای هر بخش ذیلاً آرایه می‌گردد:

محورهای بخش اصلی همایش شامل:

- ۱- مدل‌های رهبری در آموزش علوم پزشکی
- ۲- نقش و مهارت‌های رهبران آموزشی
- ۳- نقش رهبری آموزشی در توسعه نظام سلامت
- ۴- پاسخ‌گویی در آموزش علوم پزشکی
- ۵- بهره‌وری آموزشی
- ۶- تعالی آموزشی در علوم پزشکی
- ۷- آینده‌نگاری و آینده‌پژوهی در علوم پزشکی
- ۸- رهبری در محیط آموزش علوم پزشکی

محورهای بخش دانشجویی شامل:

- ۱- دانشجوی آینده
- ۲- دانشجوی پاسخگو
- ۳- یادگیری تا پایان عمر
- ۴- دانشجو و تعالی آموزشی

فصلنامه علمی پژوهشی طب و تزکیه افتخار دارد که در راستای هدف‌های خویش که همانا اعتلای علم طب و شاخه‌های آن و ارتقای سلامت، در کنار تزکیه نفس از طریق آموزش مفاهیم عالیه فرهنگی است، ناشر ویژه‌نامه‌ی یازدهمین همایش کشوری آموزش علوم پزشکی باشد. امیدواریم که برگزاری این همایش و انتشار این ویژه‌نامه، بستر نهادینه شدن اصول علمی در کنار شاخص‌ها و مفاهیم فرهنگی و اخلاقی در مجموعه‌ی آموزش علوم پزشکی کشور را فراهم آورد.

از عموم دست‌اندرکاران، اعضای معزز هیئت علمی و اجرایی، اعضای محترم هیئت علمی دانشگاه‌ها، دانشجویان عزیز، مراکز محترم مطالعات، انجمن‌های محترم علمی و عموم همراهان و راهیان همایش نهایت تقدیر و تشکر به‌عمل آمده از خداوند تبارک و تعالی مزید توفیقات و تأییدات همگان را مسئلت دارد.

دکتر محمدعلی محقق

معاون آموزشی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی

و مدیر مسئول فصلنامه طب و تزکیه



پیام وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی

بسم الله الرحمن الرحيم

"ملت ما ملت بصیری است، ملت باایمانی است."

«مقام معظم رهبری»

یازدهمین همایش کشوری آموزش پزشکی فضای مغتنمی برای تبادل آراء و تضارب اندیشه‌ها ایجاد نموده است. برگزاری این همایش بزرگ هم اندیشی جامعه پزشکی در سال همت و تلاش مضاعف، نوید بخش تحولات بنیادین در آموزش پزشکی می‌باشد، حیطة‌ای که عرصه تعالی و خدمت به ابناء بشری است. شایسته است تا موضوع همایش را به نمایش گفتمان بزرگ جامعه علمی کشور حول موضوع تحول تبدیل نمائیم. تحول در ریشه‌ها و ارکان آموزش پزشکی با حفظ اصالت، حفظ هویت ملی، بومی سازی تجربیات و تلاش‌ها و دست آوردها، انقلابی بودن و در رأس همه آنها اسلامی بودن. در این راستا برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح، پیشرفت عادلانه، داشتن مدل‌ها و الگوهای صحیح و نافذ، و انتخاب راه‌های میان‌بر با مشارکت همه جانبه نخبگان و متخصصان بر اساس رهنمودهای مقام معظم رهبری باید سرلوحه‌ی امور قرار گیرد. تحول باید همه جانبه باشد و همه‌ی جوانب و شئون آموزش پزشکی و عوامل تأثیرگذار بر آن، اعم از مدیریت آموزش، استاد، دانشجو، محیط آموزش، منابع آموزش، مقررات ناظر بر آموزش و نظارت و ارزشیابی را شامل گردد. فرصت را مغتنم دانسته تا در آستانه‌ی سالگرد شهادت اسوه‌ی ایمان و فضیلت، معلم بزرگ انقلاب، آیت‌الله مرتضی مطهری "ره" از تلاش‌های عموم دانشگاهیان سربلند و به‌ویژه اساتید عظام علوم پزشکی کشور تقدیر نموده و برای عموم عزیزان از درگاه قادر علیم حکیم آرزوی توفیقات روزافزون و سلامت و عزت داشته باشیم. تلاش شایسته دست اندرکاران همایش موجب امتنان است.

والسلام علی من اتبع الهدی

دکتر مرضیه وحید دستجردی

وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

مهرت ارسال آثار: ۱۵ آبان الی ۳۰ بهمن ۱۳۸۸
<http://iranmeduc.iums.ac.ir>

پیام رئیس همایش

خدای بزرگ را شاکریم که ما را توفیق داد تا باری دیگر گامی در راه اعتلای یکی از اهداف مقدس نظام جمهوری اسلامی، یعنی پیشبرد آموزش علوم پزشکی برداریم. تردیدی نیست که علوم پزشکی به عنوان یکی از کهن ترین و مقدس ترین علوم و مهارت های بشری، وجهی خدایی داشته و آن چه ما را در ادامه راه دشوار آموزش در علوم پزشکی مصمم تر کرده، جنبه مقدس دوگانه آن است. از طرفی آموزش که به تعبیر معمار پیر نظام، شغل انبیاست و از طرف دیگر علوم پزشکی که مفهوم قداست را در خود مستتر دارد. این همایش سالانه که محل گردهمایی متخصصان این حیطه است، فرصتی مغتنم را فراهم آورده تا تجربیات و دانش این نخبگان به گردش در آمده و به میوه شیرینی که همانا ارتقای سطح آموزش علوم پزشکی در کشور است منتهی گردد. برای همه شرکت کنندگان محترم آرزوی توفیق در بهره گیری از مباحث ارزشمند همایش را دارم.

والسلام

دکتر محمدعلی محقق

معاون آموزشی، وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی

مجله ارسال آثار: ۱۵ آبان الی ۳۰ بهمن ۱۳۸۸

<http://iranmeduc.iums.ac.ir>



پیام نایب رئیس همایش

در آغاز سالی نو سلامی به لطافت عطر و به طراوت شبنم و به زیبایی شکوفه های بهاری تقدیم
پیشگاه شما نیکان و اهل هنر و معرفت.
خرسندم که گردش روزگار گردهمایی دانشمندان و اندیشمندان آموزش علوم پزشکی کشور را به
گونه ای رقم زده است که در این خجسته بهار، یازدهمین همایش این فرهیختگان، دوباره در نخستین
جایگاه شکل گیری آن یعنی دانشگاه علوم پزشکی ایران تشکیل می شود. همت و تلاش و کار مضاعف
همکاران من بستر مطبوعی را فراهم آورده تا اساتید و دانشجویان و کارشناسان علاقمند آموزش علوم
پزشکی کشور بتوانند از چشمه سارهای جاری اندیشه در این همایش علمی عطش دانستن و لذت هم
آوا جستن خود را سیراب نمایند.
شاخه شاخه گل محمدی نثار قدوم سبز شما میهمانان ارجمند این فرخنده انجمن.

دکتر سید علی ابطی

عضو هیئت علمی و رئیس دانشگاه علوم پزشکی ایران

۱۲ الی ۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۹

دانشگاه علوم پزشکی ایران

مهرت از سال آغاز: ۱۵ آبان الی ۲۵ بهمن ۱۳۸۸

<http://iranmeduc.iums.ac.ir>



پیام دبیر علمی همایش

خمیرمایه کارگاه علوم پزشکی، جان انسان هاست که با ارزش تر از آن متاعی وجود ندارد. برای تربیت دانش آموختگانی که بتوانند با این متاع مقدس، با لطیف ترین شیوه های و انسانی برخورد کنند، نیاز به اجزای بسیاری داریم. آموزشی مناسب، دانشجوی پر تلاش و مسئول و استاد فرهیخته ی دانشمند و پاسخگو از جمله اجزای ضروری این فرآیند هستند ولی آن چه نباید به روی آن چشم بست، اصول علمی آموزش در علوم پزشکی است، همان اصولی که به کار بستن آنها سبب کاهش اتلاف منابع و اصلاح الگوی مصرف در این حوزه شده و عمل کردن به آنها، همتی مضاعف و کاری دو چندان می طلبد. جای خوشوقتی بسیار است که امسال در سال همت مضاعف و کار مضاعف، یازدهمین همایش کشوری آموزش علوم پزشکی در روزهای هفته مقدس معلم برگزار می شود و یک بار دیگر به ما این امکان را می دهد که از دستاوردهای آموزشی همکاران در همه دانشگاه ها و این بار تحت عنوان «رهبری در آموزش پزشکی» با خبر شده و با به کار بستن آن ها گامی دیگر در راه ارتقای سطح آموزش علوم پزشکی در ایران و جهان برداریم. بدون شک انتظار آن است که بهره گیری عملی از تجربه های ارائه شده در همایش در سطح دانشگاه ها زمینه را برای شکوفایی بیشتر آموزش پزشکی آماده کرده و در نهایت تأثیر نهایی آن را در قالب بهبود شاخص های سلامتی و بهره گیری عادلانه از خدمات گروه پزشکی شاهد باشیم. در این صورت است که می توان امیدوار بود تلاش های جمعی یک گروه چند صد نفره که دست اندرکار فرآیندهای علمی و اجرایی این همایش در سطح دانشگاه های علوم پزشکی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بوده اند به بار نشست است. برای همه شرکت کنندگان محترم آرزوی پیروزی و بهروزی دارم.

دکتر عبدالرضا پازوکی

عضو هیئت علمی و معاون آموزشی دانشگاه علوم پزشکی ایران

<http://iranmeduc.iiums.ac.ir>



پیام دبیر همایش

برگزاری سالانه همایش آموزش علوم پزشکی فرصتی مغتنم برای علاقه مندان این حیطه است تا تجربیات و دانش خود را با همکاران و علاقمندان به اشتراک گذاشته، سود گروهی را نصیب جامعه پزشکی کشور سازند. برگزاری چنین همایشی صرف نظر از برداشت های علمی، درس های نهفته ای برای دست اندرکاران دارد که هریک زادهی همکاری ها و همدلی ها نزد گروهی از افراد است که سختکوشی و تلاش را بر آسایش و آرامش خود ترجیح داده، روزها و شب ها را برای آماده سازی مقدمات چنین خوان گسترده علمی سپری کرده اند. شایسته نخواهد بود که این جانب بعنوان دبیر همایش از زحمات تک تک افرادی که در قالب کمیته اجرایی و خارج از آن دلسوزانه فعالیت کرده اند تا همه چیز بر پاشنه درست بچرخد سپاسگزاری نکنم. برای همه شرکت کنندگان در همایش اوقات پر بار و خوشی را از پروردگار خواهانم.

دکتر سلیمان احمدی

دبیر همایش و مدیر مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی ایران

مهیلت ارسال آثار: ۱۵ آبان الی ۳۰ بهمن ۱۳۸۸

<http://iranmeduc.iums.ac.ir>

فهرست مطالب

■ سخنرانی‌های اصلی

- 1) (S.3Kns) آموزش پزشکی در هزاره سوم: بیم‌ها و امیدها.....۳۴
دکتر کامران باقری لنکرانی
- 2) (S.3Kns) The role of academic leadership in medical education.....۳۴
Professor Janet Grant
- 3) (S.3Kns) پیشنهاد یک برنامه آموزشی ضروری برای رهبران آموزشی.....۳۵
دکتر الهه ملکان‌راد
- 4) (S.47Kns) Using distance learning to support medical education.....۳۶
Professor Janet Grant
- 5) (S.47Kns) Socially Accountable Medical Education (SAME) and academic leadership.....۳۷
Professor John Hamilton
- 6) (S.47Kns) توسعه رهبری آموزشی و رویکردهای نوین در برنامه‌های رشد و بالندگی (Faculty Development).....۳۷
دکتر سلیمان احمدی
- 7) (S.47Kns) آیا واقعاً پایش و ارزشیابی حلقه مفقوده در مدیریت راهبردی در آموزش است؟.....۳۸
دکتر علی اکبر حقدوست

ارائه‌های شفاهی (oral presentations)

- محور: نقش‌ها و مهارت‌های رهبران آموزش علوم پزشکی
- (S.801) معلم پزشکی در نقش رهبر آموزشی: بررسی کیفی نظرات اساتید دانشگاه علوم پزشکی ایران.....۳۹
نویسندگان: دکتر شعله بیگدلی، دکترزینب بیابانگردی، الهام بوشهری
 - (S.802) بررسی نظام‌های آموزش پزشکی دوره‌ی پزشکی عمومی و آرایه‌ی چارچوب مفهومی مناسب در کشور.....۴۰
نویسندگان: ژیللا شجری، دکتر اختر جمالی، دکتر محمد علی محقق، دکتر محمد اسماعیل اکبری
 - (S.803) نقد نظریه مردم‌سالاری در رهبری آموزشی.....۴۰
نویسندگان: میترا قریب، اتوسا قریب، عیسی ابراهیم زاده
 - (S.804) وظایف مدیران دانشگاهی در جهت ارتقاء دستاوردهای آموزشی.....۴۱
نویسندگان: رامین سرچمی
 - (S.805) مدیریت دانش پژوهی آموزشی در دانشگاه با استفاده از نظرات اعضای هیات علمی.....۴۲
نویسندگان: اکبر درخشان، عباس مکارم، آرش بیرقی طوسی

محور: نقش رهبری آموزشی در توسعه منابع نیروی انسانی

- (S.901) ابزارهای مدیریت از دیدگاه امام علی (ع).....۴۲
نویسندگان: زهره فرح نژاد، پروین زارعیان



(S.902) رهبری آموزشی، مروری بر کلیات و تبیین مفاهیم.....۴۳

نویسندگان: پروین رضایی

(S.903) رابطه هوش هیجانی با عملکرد مدیران در سازمان‌های بهداشتی درمانی و خدماتی دانشگاه علوم پزشکی تبریز سال

۱۳۸۸.....۴۳

نویسندگان: پریسا گل عنبر، فریبا سالک، کتایون نسیمی، دکتر سوسن حسن زاده سلماسی

(S.904) روابط انسانی مدیران آموزشی و اساتید در دانشگاه‌ها.....۴۴

نویسندگان: لیدا فتاحی زاده، سعید حاجی آقاجانی

محور: پاسخ‌گویی و ارزشیابی در آموزش علوم پزشکی

(S.1101) رهبری و هدایت اجرای روش‌های مستمر ارزشیابی دستیاران تحت وب و به‌صورت آنلاین برای اولین بار در کشور.....۴۵

نویسندگان: سکینه حاج ابراهیمی، فاطمه صادقی غیائی، دکتر رامین مصری، دکتر فاطمه علیپور یگانه

(S.1102) رهبری دانشجو در ارزشیابی طولی اساتید دانشگاه.....۴۶

نویسندگان: محمد رفیعی، اکرم سیفی

(S.1103) پاسخگویی در دانشگاه و آموزش مبتنی بر پیامدها.....۴۶

نویسندگان: فروزان شکوه، محمدعلی حسینی، سید علی حسینی

(S.1104) ارزیابی دوره آموزش پزشکی بر اساس مدل شایستگی: مطالعه موردی رشته آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی

کرمان.....۴۷

نویسندگان: پیام خزائی، محمدحسین مهرانحسینی، هدی ودیعی

محور: سبک‌ها و مدل‌های رهبری در آموزش علوم پزشکی

(S.2101) رهبری آموزشی مؤثر در دانشگاه‌های علوم پزشکی.....۴۸

نویسندگان: علی بیکمردی، پروفسور متز بروملز، دکتر علیرضا شغلی، دکتر ایتالو ماسیلو

(S.2102) معیارهای رهبری آموزش اثربخش از دیدگاه اسلام.....۴۸

نویسندگان: افسانه یخ‌فروش‌ها، رفعت محبی‌فر، مجید بهادرخانی، کریم عسگری غنچه، میر فتح مرتضوی

(S.2103) بررسی وضعیت آموزش پزشک عمومی از لحاظ پاسخگویی به جامعه.....۴۹

نویسندگان: اطهر امید، دکتر شقایق حق‌جوی جوانمرد، مصطفی دهقانی، دکتر علی اصیلیان

(S.2104) بررسی عوامل ارتقاء بهره‌وری نیروی انسانی در دانشگاه علوم پزشکی گیلان با استفاده از آنالیز مسیر.....۵۰

نویسندگان: فردین مهربان، دکترامیر اشکان نصیری پور، دکتر پوران ریسی، دکترسید جمال الدین طیبی، دکترربیع الله فرمانبر

(S.2105) بررسی نقش مدیریت و رهبری در نظام آموزشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه.....۵۱

نویسندگان: پروانه عبدالمالکی، سعید عبدالمالکی، ژیلا خانی آباد

(S.2106) بررسی انواع سبک رهبری و رهبری اثر بخش در مدیران سطوح میانی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در سال

۱۳۸۸.....۵۲

نویسندگان: مهسا شکور، مریم علیزاده

(S.2107) بررسی سبک رهبری مدیران گروه‌های آموزشی در دانشگاه علوم پزشکی یاسوج.....۵۳

نویسندگان: حمیده خلقی‌فرد، راضیه شیرین حصار

(S.2108) بررسی تفاوت سبک‌های رهبری زنان و مردان.....۵۳

نویسندگان: حمیده خلقی‌فرد، نسرین دهقانی

(S.2109) بررسی ویژگی‌های رهبری اثر بخش از دید دانشجویان، کارکنان و مدیران دانشگاه ۵۴

نویسندگان: محمد حسن شیخ‌ها، فاطمه عالم رجبی، محمد رضا حیدری، عبدالعظیم اقبال، دکتر مهدی عالم رجبی

محور: تعالی آموزشی در علوم پزشکی

- (S.2201) بررسی میزان آمادگی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور برای اجرای مدیریت جامع کیفیت از دیدگاه مدیران آموزشی.....۵۵
نویسندگان: فرنگیس شوقی شفق آریا، ابوالفتح لامعی، رضا لباف قاسمی، نادر ممتازمنش
- (S.2202) بررسی رویکردهای انتخابی معاونین آموزشی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور در مورد مدیریت کیفیت آموزش.....۵۵
نویسندگان: فرنگیس شوقی شفق آریا، نادر ممتازمنش، کمال درانی، ابوالفتح لامعی، رضا لباف قاسمی
- (S.2203) بررسی بهره‌وری آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان پزشکی.....۵۶
نویسندگان: اختر بردبار، رقیه قدسی، مدینه پورداراب
- (S.2204) تعیین شکاف کیفیت خدمات آموزشی ارائه شده به دانشجویان کارورز پزشکی.....۵۶
نویسندگان: محمد صباحی بیدگلی، زیرچهر وکیل، فخرالسادات میرحسینی، سید غلامعباس موسوی، نگین خوشبخت
- (S.2205) کاربرد اصول مدیریت جامع کیفیت (TQM) در مدیریت آموزش پزشکی: موانع و راه کارها.....۵۷
نویسندگان: زکيه پیری، آمنه محمدپورارمنیان
- (S.2206) بررسی میزان انطباق آئین‌نامه مدیریت دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی با معیارهای رهبری در آموزش.....۵۸
نویسندگان: کامران آزما، جواد یزدانی‌جو، زهره فرح نژاد، بابک شکارچی
- (S.2207) بررسی کیفیت معیار «رهبری آموزشی» در بیمارستان بقیه الله (عج) براساس مدل تعالی مالکولم بالدريج در سال ۱۳۸۸.....۵۸
نویسندگان: محمدصالح فلاح، دکتر شهرام توفیقی، مجتبی خواجه آزاد

محور: نقش‌ها و مهارت‌های رهبران آموزش علوم پزشکی

- (S.2301) مشخصات یک رهبر آموزشی.....۵۹
نویسندگان: سهیل اشکانی، صدیقه ابراهیمی
- (S.2302) بررسی بعضی از رویه‌های گوناگون مدیریت و رهبری در آموزش علوم پزشکی.....۶۰
نویسندگان: صغری یاسائی، سید محمد رضا آقائی میبدی
- (S.2303) بررسی نظرات کارشناسان شاغل در دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز در ارتباط با ویژگی‌های مدیران میانی در سال ۱۳۸۸.....۶۰
نویسندگان: لیلا بذرافکن، نورالهدی فخرزاد، مریم فخرزاد، کریم عباسی
- (S.2304) بررسی وضعیت رفتار رهبری در کلاس از جنبه‌ی "توجه به فرد و سازمان" در دانشگاه علوم پزشکی آجا.....۶۱
نویسندگان: زهره فرح نژاد، مینو شاددل، محمدرضا رفیعی
- (S.2305) بررسی صلاحیت و شایستگی‌های مورد نیاز برای کارآمد بودن یک رهبر پزشکی از نظر دانشجویان و اساتید بالینی دانشکده پزشکی بوشهر - ۱۳۸۸.....۶۲
نویسندگان: نیلوفر معتمد، آزاده عازمیان، نورالسادات ساجدی
- (S.2306) بررسی عملکرد مدیران گروه‌های پایه در زمینه رهبری گروه‌های آموزشی دانشکده پزشکی شیراز در سال ۸۸-۸۷ از دیدگاه ریاست دانشکده، اساتید و فراگیران.....۶۳
نویسندگان: هاجر دهقان، فاطمه رحیمی، سرور اینالو
- (S.2307) ویژگی‌های رهبر مؤسسات آموزشی.....۶۳
نویسندگان: تیمور آقاملایی، اسماعیل فاضل
- (S.2308) مقایسه مهارت‌های رهبری معاونین آموزشی دانشکده بهداشت و تغذیه و دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز از نظرگاه دانشجویان در سال ۱۳۸۸.....۶۴
نویسندگان: حبیب‌اله قمی، علیرضا زادگان، حسن سلامی، شاپور نادرغام، ولی علیزاده، مرتضی جباری، رضا رشید زاد، ربعلی یوسفی
- (S.2309) بررسی مهارت‌های رهبری در اعضای هیئت علمی علوم پایه‌ی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر.....۶۵
نویسندگان: مهستی گنجو، لیلا دهقانی، فرحناز کمالی، طیبه غریبی و راضیه باقرزاده

**محور: پاسخ گویی و ارزشیابی در آموزش علوم پزشکی**

- (S.2401) ویژگی های لازم برای اساتید جهت رهبری آموزشی از دید آنان دانشجویان.....۶۶
نویسندگان: صدیقه شایق، جواد کجوری، لیلا بذرافکن، میترا امینی، محمدرضا دهقانی
- (S.2402) ارزیابی درونی گروه آموزشی بهداشت مادر و کودک در حوزه های رسالت، اهداف و.....۶۶
نویسندگان: سودابه آقابابایی، طیبه آرتیمانی، رفعت بخت
- (S.2403) طراحی ابزار ارزشیابی یک دوره آموزشی در دانشکده پرستاری دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج) یک پژوهش کیفی.....۶۷
نویسندگان: اسماعیل حیدرانلو، عباس عبادی، یدالله سیاوش وهابی، بتول تحریر علی اکبر فردوسی، ناهید اقدسی
- (S.2404) بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت مستندسازی پرونده های پزشکی و ارائه راه کار از دیدگاه مدیران و پزشکان شاغل در بیمارستانهای تابعه دانشگاه علوم پزشکی کاشان: ۱۳۸۷.....۶۸
نویسندگان: مهتاب کرمی، رضا صفدری
- (S.2405) طراحی و اجرای سیستم پایش و ارزشیابی مستمر فعالیت های آموزشی بعنوان ابزار مدیریتی ارتقای گروه آموزشی زنان، زایمان و مامایی دانشگاه علوم پزشکی کردستان.....۶۹
نویسندگان: آرش پولادی، مژده بهرام رضایی، فرشاد فرزادفر، شعله شاه غیبی
- (S.2406) تحلیل وضعیت آموزش پاسخگو در دانشگاه علوم پزشکی تبریز و راهکارهای گسترش آن.....۷۰
نویسندگان: مهستی علیزاده، نازیلا تاج الدینی، دکتر رضا غفاری، دکتر لیلا واحدی
- (S.2407) پاسخگویی در آموزش علوم پزشکی.....۷۱
نویسندگان: فاطمه سمیعی راد
- (S.2408) خودارزیابی دانشکده های دانشگاه علوم پزشکی ایران با استفاده از مدل IEQM.....۷۱
نویسندگان: دکتر رقیه گندم کار، دکتر زهره سهرابی، محبوبه مافی نژاد
- (S.2409) بررسی تناسب شخصیتی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مازندران برای تحصیل و کار در این حرفه در سال ۸۶-۸۵.....۷۲
نویسندگان: میترا محمدی، کوروش وحیدشاهی، یاسر سلحشور، ستاره هاشمی، سمیه اولادی، بهاره ناظریان

محور: بهره وری آموزشی در علوم پزشکی

- (S.2501) ایجاد خلاقیت در تدوین برنامه آموزشی بخش زنان با هم فکری دانشجویان پزشکی در جهت بهبود کیفیت آموزش بالینی.....۷۳
نویسندگان: الهام رحمانی
- (S.2502) جایگاه بازاندیشی در کوریکولوم پنهان.....۷۳
نویسندگان: نعمت بیلان
- (S.2503) بررسی تأثیر گذراندن درس اصول مدیریت در دوره کارشناسی بر آگاهی، نگرش و عملکرد مدیران پرستاری و مامایی.....۷۴
نویسندگان: رقیه گشمرد، فرحناز کمالی، صدیقه افراسیابی، راضیه باقرزاده
- (S.2504) بررسی تأثیر آموزش پرستاران به روش بحث گروهی بر کیفیت مدیریت مراقبت های پرستاری در بیماران مبتلا به سکنه قلبی در مرکز آموزشی درمانی قلب و عروق امام علی (ع) کرمانشاه.....۷۵
نویسندگان: قباد عبدالمالکی، پروانه عبدالمالکی
- (S.2505) تأثیر نقش رهبری در تطبیق نظام آموزشی با راهبردهای سازمان در دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه.....۷۵
نویسندگان: سعید عبدالمالکی، پروانه عبدالمالکی

- (S.2506) بکارگیری روش نوین در فرایند اجرای نظام استاد راهنما در دانشجویان پزشکی.....۷۶
- نویسندگان: پریناز محنتی، حمیده هریزچی
- (S.2507) بررسی مقایسه‌ای انواع ترمیم‌های موظف کوریکولوم با ترمیم‌های انجام شده توسط دانشجویان دندانپزشکی عمومی در دانشکده دندانپزشکی مشهد در سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۸۶.....۷۷
- نویسندگان: حوریه موسوی، احمد شریعتی
- (S.2508) ضرورت آموزش رویکردهای مقابله‌ای با پریشانی اخلاقی به ارائه دهندگان مراقبت‌های بالینی ۷۷
- نویسندگان: دکتر لیلا مهستی جویباری، دکتر اکرم ثناگو
- (S.2509) طراحی روش نوین آموزشی جهت ارتقای تفکر انتقادی و تصمیم‌گیری بالینی دانشجویان پرستاری.....۷۸
- نویسندگان: حسین کمیلی ثانی، منیره بابا شاهی، فتانه قدیریان، علی رضا اولی‌پور، کبری کرمی

محور: سبک‌ها و مدل‌های رهبری در آموزش علوم پزشکی

- (S.3601) الگوی مناسب برای رهبری آموزشی در دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور کدام است؟.....۷۹
- نویسندگان: پروین رضایی
- (S.3602) الگوی ایرانی سرپرستی و رهبری آموزشی دانشجویان پرستاری.....۷۹
- نویسندگان: دکتر فروغ رفیعی
- (S.3603) بررسی سبک‌های رهبری اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی تبریز در دانشگاه تبریز.....۸۰
- نویسندگان: حکیمه حضرتی کندیجانی، قاسم چتربحر، فریبا سالک، سوسن حسن زاده سلماسی
- (S.3604) بررسی سبک رهبری مدیران گروه‌های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی کاشان در حیطه‌های عملکردی شش گانه بر اساس مدل لیکرت.....۸۱
- نویسندگان: لیلا شکری زاده ارانی، زهرا میدانی، دکتر مهرداد فرزندی پور
- (S.3605) بررسی سبک رهبری مدیران گروه‌های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد.....۸۱
- نویسندگان: مهدیه ممیزی، محمد رضا امینی پور، محمد حسن شیخها، زهرا حافظی، محمدرضا حیدری
- (S.3606) مدل‌های رهبری در آموزش پزشکی و نتایج آن برای مراقبت‌های سلامت در آینده.....۸۲
- نویسندگان: محمدرضا کارگزار، محسن قنبری،
- (S.3607) بررسی سبک رهبری معاونین آموزشی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور.....۸۳
- نویسندگان: دکتر محمدعلی محقق، دکتر نادر ممتازمنش، فرنگیس شوقی شفق آریا
- (S.3608) مهم‌ترین چالش‌های تولید در حیطه آموزش نظام سلامت.....۸۳
- نویسندگان: رفعت محبی‌فر، پرویز فلاح، رامین سرچمی، افسانه بیخ فروش‌ها
- (S.3609) بررسی وضعیت رفتار رهبری در کلاس از جنبه "\توجه به فرد و سازمان" در دانشگاه علوم پزشکی آجا.....۸۵
- نویسندگان: زهره فرح نژاد، مینو شاددل، محمد رضا رفیعی

محور: آینده نگاری و آینده پژوهی در علوم پزشکی

- (S.3701) نیازهای آموزشی مدیران برای رهبری تغییرات در آموزش پزشکی.....۸۵
- نویسندگان: محمد دادگسترنیا، وجیهه وفامهر
- (S.3702) قابلیت استفاده از الگوی مدیریت گرای CIPP در همه مراحل تغییرات در آموزش پزشکی (بیان یک تجربه).....۸۶
- نویسندگان: محمد رضا اخلاقی، محمد دادگسترنیا
- (S.3703) تبیین نقش رهبری آموزشی در فرآیند تغییر در آموزش پزشکی.....۸۶
- نویسندگان: وجیهه وفامهر، محمد دادگسترنیا
- (S.3704) آینده پژوهی و علوم و فناوری‌های نوین پزشکی.....۸۷
- نویسندگان: علی کرمی



(S.3705) چگونگی برخورد با مقاومت در برابر تغییر از دیدگاه اساتید دانشگاه علوم پزشکی شیراز..... ۸۸

نویسندگان: لیلا بذرافکن

(S.3706) مطالعه تطبیقی آینده نگاری نیازهای آموزشی در کشورهای منتخب و ارائه پیشنهادات برای ایران..... ۸۸

نویسندگان: سمیه نوری حکمت، رضا دهنویه، سلیمه گوهری نژاد

(S.3707) آینده نگری ضرورتی برای رهبران علوم پزشکی در عصر پویایی..... ۸۹

نویسندگان: مهناز جویانی، ناصر شکری و دکتر رضا کاظمی

(S.3708) اثر بخشی طرح ادغام در بهبود کیفیت آموزش دانشجویان از نظر اعضای هیات علمی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم

پزشکی قزوین..... ۹۰

نویسندگان: فریبا درخشان، عباس علامی، دکتر آرش کردی

(S.3709) نوآوری در آموزش پزشکی بر پایه مدل مدیریت کیفیت آموزش ایرانی..... ۹۰

نویسندگان: عباس علامی، دکتر مجید سررشته داری، فریبا درخشان، فاطمه صفدری

(S.37010) اولویت‌های آینده در برنامه‌ریزی آموزشی از دید صاحب‌نظران در دانشگاه علوم پزشکی شیراز..... ۹۱

نویسندگان: محمد رحیم کدیور، فرهاد لطفی، جواد کجوری، میترا امینی، زهره اسماعیل زاده، محسن مقدمی

محور: رهبری در محیط آموزش علوم پزشکی

(S.3801) بررسی عوامل انگیزشی اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز..... ۹۲

نویسندگان: جواد کجوری، فرهاد لطفی، میترا امینی، علی حق نگهدار، زهره اسماعیل زاده

(S.3802) بررسی سبک‌های رهبری مدیران گروه‌های آموزشی در دانشگاه علوم پزشکی بوشهر و ارتباط آن با جو سازمانی گروه

از دیدگاه اعضا هیئت علمی و مدیر گروه - ۱۳۸۸..... ۹۲

نویسندگان: آزاده عازمیان، دکتر نیلوفر معتمد، عاتکه ترک‌زاده

(S.3803) بررسی نگرش و میزان رضایت دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بابل از آموزش در مرکز پزشکی جامعه‌نگر در سال

۱۳۸۸..... ۹۳

نویسندگان: زینب جهانیان بهمنمیری، حوریه محمدی، بهاره اسبکیان، فاطره رزاقی

(S.3804) مدیریت بر مبنای هدف (MBO) به عنوان یک ابزار مدیریت انگیزشی، ارزشیابی و مؤثر در بیمارستان..... ۹۴

نویسندگان: فریدخت یزدانی

(S.3805) نقش رهبری استاد بالینی در انگیزش آموزش دانشجویان پرستاری (تحلیل کیفی)..... ۹۵

نویسندگان: نسرين حنیفی، سرور پرویزی، سودابه جولایی

(S.3806) بررسی نظرات اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند در مورد عوامل انگیزشی درونی مؤثر در مدیریت

آموزشی..... ۹۵

نویسندگان: زهره خزاعی

(S.3807) اندازه‌گیری کیفیت خدمات آموزشی از دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی در دانشگاه علوم پزشکی ایران -

۱۳۸۸..... ۹۶

نویسندگان: سلیمه گوهری نژاد، محمدرضا ملکی، راضیه خواجه کاظمی، علیرضا عباسی، سمیه نوری حکمت، سکینه شریفیان

(S.3808) بررسی تأثیر خودکارآمدی و خودپنداری بر انگیزش پیشرفت و موفقیت تحصیلی دانشجویان دانشکده‌های علوم

پیراپزشکی و بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ۱۳۸۸..... ۹۷

نویسندگان: نوشین پیمان، ناصر شعبی

محور: روش‌های آموزش و یادگیری

(S.3901) خودآموزی مهارت مراقبت از سالمندان از طریق داستان‌سرایی و ارائه فیدبک..... ۹۷

نویسندگان: فاطمه شجاعی، ابوالحسن رفیعی

(S.3902) طراحی یک برنامه ترکیبی و بررسی تأثیرات آن بر مهارت شناختی و فراشناختی دانشجویان..... ۹۸

- نویسندگان: لیلی مصلی نژاد، احمد علی پور، بهمن زندی
(S.3903) تأثیر اجرای الگوی نوین آموزش بر صلاحیت بالینی دانشجویان پرستاری.....۹۹
- نویسندگان: یوسف محمد پور، حمی رضا حریریان، حسین حبیبزاده
(S.3904) بررسی شیوه‌های آموزش پزشکی در طب سنتی ایران.....۹۹
- نویسندگان: حوریه محمدی کناری، روشنگر ثاقبی، غلامرضا کردافشاری
(S.3905) طراحی و تولید نرم افزار آموزشی مهارت‌های بالینی ویژه دانشجویان پزشکی و پیراپزشکی به شیوه چند رسانه‌ای.....۱۰۰
- نویسندگان: داریوش رخ‌افروز، اشرف السادات حکیم، ندا صیادی، طاهره طلایی، علیرضا اولی پور
(S.3906) پروژه تولید فیلم آموزشی، مدیریتی نوین در آموزش عملی درس مدیریت دانشجویان پرستاری و مامایی ۱۰۱
- نویسندگان: محمد رحیمی مدیسه، دکتر معصومه معزی، زهرا خلیل زاده
(S.3907) تحصیلات تکمیلی دغدغه اصلی دانشجویان کارشناسی: اتنوگرافی آموزشی.....۱۰۲
- نویسندگان: اکرم ثناگو، زهرا یساقی، لیلا مهستی جویباری
(S.3908) بررسی میزان ارتباط ویژگی‌های مربی بالینی با یادگیری مهارت‌های بالینی در زایشگاه از دیدگاه دانشجویان مامایی
دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز سال ۱۳۸۷.....۱۰۲
- نویسندگان: پروانه موسوی، شهناز نجار، سیمین منتظری
(S.3909) بررسی نظرات دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم پزشکی بابل در خصوص فرایند آموزشی.....۱۰۳
- نویسندگان: سلیمان محجوب

محور: نقش رهبری آموزشی در توسعه منابع نیروی انسانی

- (S.5101) معیارهای رهبری آموزشی از دیدگاه اسلام.....۱۰۴
- نویسندگان: معصومه حسینیان، سوفیا اصالت منش
(S.5102) بررسی تأثیر رهبری آموزشی - پژوهشی در توانمندسازی اساتید محترم عضو هیئت علمی، دانشگاه علوم پزشکی
شیراز- سال ۱۳۸۸.....۱۰۵
- نویسندگان: مریم غلامی، سید علیرضا تقوی، مرجان غلامی
(S.5103) بررسی نقش رهبری معنوی در توانمندسازی کارکنان ۱۰۵
- نویسندگان: طیبه جمند، رزیتا خرم رودی، صدیقه افراسیابی، نسرین شبانکاره
(S.5104) نقش رهبری اثربخش آموزشی در نظام سلامت.....۱۰۶
- نویسندگان: فرشته فرزین پور، عباس رحیمی، مسعود بیدگلی، اصغر زارعی

محور: بهره‌وری آموزشی در علوم پزشکی

- (S.5201) بررسی تأثیر نظارت و مشاوره آموزشی در ارتقای کیفیت آموزش بالینی در گروه بیماری‌های داخلی دانشکده پزشکی بقیه
الله (عج).....۱۰۷
- نویسندگان: مرضیه لک، دکتر بیات نوشین، محبوبه سادات حسینی، مجتبی خواجه آزاد
(S.5202) سیستم اطلاعات بالینی و تحقیقاتی بیماری‌های روماتیسمی.....۱۰۸
- نویسندگان: دکتر هادی پورمقیم، دکتر رضا طالبی، میرسجاد امیری
(S.5203) آموزش پزشکی قرن ۲۱: کار دسته جمعی و رهبری.....۱۰۸
- نویسندگان: فائزه دهقان، دکتر ایرج میرزایی دیزگاه
(S.5204) بررسی مقایسه‌ای تأثیر و پیاده‌سازی استراتژی آموزش بر مبنای حل مسئله و سخنرانی در ارتقاء مهارت‌های تصمیم-
گیری و حل مشکل.....۱۰۹
- نویسندگان: احمد جنیدی جعفری

**محور: تعالی آموزشی در علوم پزشکی****(S.5401)** بررسی نظرات اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین در خصوص تعالی آموزشی در علوم پزشکی،

۱۳۸۸.....۱۰۹

نویسندگان: فاطمه سمیعی‌راد، دکتر عباس داندپور، دکتر محمدحسن کریم‌فر، دکتر نعمت‌الله غیبی

(S.5402) مفاهیمی در توسعه آموزش: مطالعه کیفی تجارب اعضای هیئت علمی و کارشناسان مرکز مطالعات و توسعه آموزش

علوم پزشکی.....۱۱۰

نویسندگان: زهرا قاسمی، پرویز فلاح عابد، فاطمه سمیعی‌راد، نوید محمدی

(S.5403) بررسی تأثیر اجرای بند دانش‌پژوهی آئین نامه ارتقا بر کیفیت فعالیت‌های آموزشی اعضای هیئت علمی.....۱۱۱

نویسندگان: محبوبه صابر، هاجر شیع، دکتر جواد کجوری

(S.5404) استفاده از مدل‌های تعالی سازمانی؛ نگاهی نو به رهبری در آموزش پزشکی.....۱۱۲

نویسندگان: رضا دهنویه، سمیه نوری حکمت، بنت الهدی ودیعتی، رضانی

محور: رهبری در محیط آموزش علوم پزشکی**(S.6401)** رهبری در محیط آموزش بالینی.....۱۱۲

نویسندگان: طاهره خزاعی، محمدرضا حاجی آبادی، طویه خزاعی

(S.6402) بررسی رابطه سبک رهبری و رضایت شغلی بین کارکنان دانشکده علوم پزشکی اردبیل.....۱۱۳

نویسندگان: مهناز جویانی، ناصر شکری، مریم دیده‌دار

(S.6403) بررسی محیط آموزشی بخش‌های بالینی زنان و زایمان بر اساس مدل DREEM از دیدگاه دستیاران در

بیمارستان‌های آموزشی تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی ایران - سال ۱۳۸۸.....۱۱۴

نویسندگان: دکتر جلیل کوهپایه‌زاده، دکتر سید کامران سلطانی عربشاهی، دکتر مریم کاشانیان، دکتر حمیدرضا برادران

(S.6404) ارتباط بین تیپ شخصیتی با پیشرفت تحصیلی دانشجویان رشته پرستاری دانشگاه علوم پزشکی قزوین.....۱۱۵

نویسندگان: اعظم قربانی، کبری نوروژی، محمد ابراهیم ساریچلو، حسن جهانی هاشمی

محور: روش‌های آموزش و یادگیری**(S.6501)** بررسی چگونگی آموزش مهارت‌های ارتباط بین دانشجوی و بیمار از دیدگاه فراگیران گروه پرستاری - مامایی (کارآموز و

کارورز) دانشگاه علوم پزشکی بوشهر.....۱۱۵

نویسندگان: راضیه باقرزاده، حکیمه واحدپرست فرحناز کمالی، طویه غریبی، لیلا دهقانی، زهره افراسیابی، مریم چنانه، سعادت

فخری

(S.6502) آموزش جراحی نوین با بررسی الگوی برنامه‌ی مدون جراحی توراکس ایران و دیگر کشورهای جهان.....۱۱۶

نویسندگان: حمیدرضا داوری

(S.6503) بررسی عملکرد اعضای هیئت علمی بالینی در مدیریت و رهبری آموزش سرپایی در درمانگاه دردانشکده پزشکی

گران.....۱۱۷

نویسندگان: سیامک رجایی، محمدرضا یوسفی، شرابه هزارخوانی، محمدرضا قنبری

(S.6504) مدیریت پژوهش در آموزش: تعیین اولویت‌های پژوهش در آموزش در منطقه مدیترانه شرقی.....۱۱۸

نویسندگان: میترا امینی، جواد کجوری، فرهاد لطفی، زهرا کریمیان

(S.6701) بررسی تأثیر آموزش بر میزان آگاهی دانشجویان از برنامه درسی، گامی در جهت پاسخگویی به یک نیاز.....۱۱۹

نویسندگان: مهرداد مهدیان، اکبرعلی اصغرزاده، فخرالسادات میرحسینی، زریچهر وکیلی، فاطمه عطفوف

(S.6702) مداخله، آموزش، مقایسه تأثیر آموزش آیین‌نامه‌ها و مقررات آموزشی در افزایش آگاهی دانشجویان.....۱۱۹

نویسندگان: اکبرعلی اصغرزاده، مهرداد مهدیان، فخرالسادات میرحسینی، سمیه صادقی، زهرا زنجانی

▪ پوسترها

محور: نقش رهبری آموزشی در توسعه نظام سلامت

- (S.14Pos.1) بررسی کیفیت معیار «مدیریت دانش» در حوزه آموزش بالینی بیمارستان بقیه الله بر اساس مدل تعالی مالکولم بالدريج در سال ۱۳۸۸.....۱۲۰
- نویسندگان: مجتبی خواجه آزاد، دکتر شهرام توفیقی، محمد صالح فلاح
- (S.14Pos.2) مقایسه رهبری آموزشی مدیران گروه‌های پایه و بالینی دانشکده پزشکی شیراز از دیدگاه اساتید در سال ۸۸-۸۷.....۱۲۱
- نویسندگان: فاطمه رحیمی، هاجر دهقان، سرور اینالو
- (S.14Pos.3) بررسی مهارت‌های مهم و عوامل مفید در کارایی دانش آموختگان رشته مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی از دید فارغ التحصیلان این رشته.....۱۲۲
- نویسندگان: محمدرضا امینی پور، مهدیه ممیزی، دکتر سید سعید مظلومی، زهرا حافظی، دکتر فاطمه عالم رجبی
- (S.14Pos.4) رهبری و برگزیدن رهبر.....۱۲۲
- نویسندگان: فائزه دهقان
- (S.14Pos.5) جایگاه استاد در فضای مجازی آموزشی و درمانی.....۱۲۳
- نویسندگان: شرافت اکابریان، صدیقه افراسیابی، راضیه باقرزاده
- (S.14Pos.6) بررسی ارتباط بین سبک‌های رهبری سرپرستاران با رضایت شغلی پرستاران شاغل در بخش‌های داخلی و جراحی بیمارستان‌های وابسته به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن.....۱۲۳
- نویسندگان: مریم احسانی، مریم صداقتی و عاطفه قنبری
- (S.14Pos.7) سبک رهبری مدیران پرستاری: رابطه مداری یا وظیفه مداری.....۱۲۴
- نویسندگان: مرضیه عدل مهربان، پروین قلع ریز و علیرضا یوسفی
- (S.14Pos.8) تدوین کارنامه فعالیت‌های آموزشی اعضاء هیئت علمی، رهبری در هم‌گرایی نظام توسعه آکادمیک آموزش با شیوه ارزشیابی اساتید ۱۲۵
- نویسندگان: داریوش سوادی اسکویی، مهستی علیزاده، سعیده غفاریفر، حسن جلیلیان حامد

محور: آینده‌نگاری و آینده پژوهشی در علوم پزشکی

- (S.15Pos.1) یک دهه پژوهش در آموزش مداوم جامعه پزشکی کشور.....۱۲۵
- نویسندگان: لیلی پناهنده، اعظم اصلانی
- (S.15Pos.2) بررسی منابع و خدمات علمی پژوهشی مورد نیاز دانشگاه برای تحقق یادگیری مادام العمر از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند.....۱۲۶
- نویسندگان: اقدس کریمی، محمد دهقانی، زهره خزاعی
- (S.15Pos.3) ارتقای کیفیت کارآموزی دانشجویان مدیریت خدمات بهداشتی درمانی با رویکرد اقدام پژوهی.....۱۲۷
- نویسندگان: جعفر صادق تبریزی، زهرا حمزه‌ای
- (S.15Pos.4) راهکار مدیریت پژوهش در آموزش: تحلیل محتوای مقالات منتشر در مجلات آموزش پزشکی.....۱۲۷
- نویسندگان: رقیه ارشاد سرابی، طاهره اسلامی نژاد، هاجر شفیعیان
- (S.15Pos.5) سرمایه‌گذاری صحیح در پژوهش به منظور ارتقاء نتایج بالینی.....۱۲۸
- نویسندگان: حسین معالی، زهرا السادات اسدی

(S.15Pos.6) بررسی چالش‌ها و راهکارهای آموزش از راه دور در علوم پزشکی-تهران-۱۳۸۸.....۱۲۹
نویسندگان: شیدا جلالی، کامبیز پوشانه، مهدی دوائه

محور: بهره‌وری در آموزش علوم پزشکی

- (S.16Pos.1) عوامل تسهیل‌گر و ممانعت‌کننده در استفاده از روش یادگیری از هم‌مطرازان.....۱۲۹
نویسندگان: مریم روانی پور، مرضیه بهارلو
- (S.16Pos.2) ارزیابی جلسات بازخورد وضعیت تحصیلی دستیاران جراحی در یک مرکز دانشگاهی.....۱۳۰
نویسندگان: علی امینیان، عباس ربانی، سید حسن امامی رضوی، سید رسول میرشریفی، علیرضا کاظمینی و علی جعفریان
- (S.16Pos.3) بررسی تاثیر رویکرد آموزش مبتنی بر حل مساله بر میزان فهم و یادگیری، علاقمندی و رضایتمندی دانشجویان پزشکی در درس بافت‌شناسی.....۱۳۰
نویسندگان: محمد جعفر رضایی، دکتر آرش پولادی
- (S.16Pos.4) نتایج مستندسازی فعالیت‌های آموزش سرپایی اعضاء هیئت علمی دانشکده پزشکی در تغییر نگرش اساتید برای تدریس در درمانگاه.....۱۳۱
نویسندگان: سعیده غفاریفر، داریوش سوادی اسکویی، محمد محمدزاده، علی مشکینی
- (S.16Pos.5) مقایسه دو روش آموزشی مبتنی بر سخنرانی و نقشه مفهومی بر سطوح یادگیری شناختی دانشجویان پرستاری در واحد قلب و عروق.....۱۳۲
نویسندگان: معصومه معصومی، فروغ سرهنگی، افسانه رئیسی‌فر
- (S.16Pos.6) رهبری و هدایت ژورنال کلاب مبتنی بر شواهد تحت وب و به‌صورت آنلاین.....۱۳۲
نویسندگان: سکینه حاج ابراهیمی، فاطمه صادقی غیائی، لی‌لی نصرتی
- (S.16Pos.7) میزان تاثیرات مواجهه بالینی مقدماتی در نگرش دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مازندران در خصوص درس علوم پایه.....۱۳۳
نویسندگان: میترا محمودی، کوروش وحیدشاهی، منصور رنجبر، مهدی آهنگری، سمیه اولادی
- (S.16Pos.8) دیدگاه اعضاء هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند نسبت به برنامه‌های آموزشی و مدیریتی و مقایسه آن با وضعیت مطلوب در جهت پاسخگویی در آموزش علوم پزشکی.....۱۳۴
نویسندگان: طاهره حاجی آبادی، محمدرضا حاجی آبادی، طیبه حاجی آبادی

محور: تعالی آموزشی در علوم پزشکی

- (S.17Pos.1) بررسی میزان آگاهی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند در مورد عوامل انگیزشی موثر بر یادگیری آموزش پزشکی.....۱۳۵
نویسندگان: الیاس رفیعی
- (S.17Pos.2) آموزش مفاهیم و اخلاق حرفه‌ای به دانشجویان و شاغلین رشته‌های علوم پزشکی دانشگاه از طریق مدیریت وبلاگ به عنوان یک رسانه آموزشی.....۱۳۵
نویسندگان: محمد رحیمی مدیسه، دکتر معصومه معزی، مائده خراجی، علی صفدری، شیما عابدی مدیسه
- (S.17Pos.3) بررسی میزان گرایش به حقیقت‌جوئی و ارتباط آن با عزت نفس در دانشجویان پرستاری.....۱۳۶
نویسندگان: معصومه برخوردار
- (S.17Pos.4) تبیین درک اعضاء هیئت علمی از نقش معلمی در محیط بالینی: مطالعه کیفی.....۱۳۴
نویسندگان: رقیه گندم کار، دکتر مهوش صلصالی، دکتر عظیم میرزازاده
- (S.17Pos.5) بررسی تاثیر نظارت و مشاوره آموزشی در ارتقای کیفیت آموزش بالینی در گروه جراحی عمومی دانشکده پزشکی بقیه الله (عج).....۱۳۷
نویسندگان: دکتر مرضیه لک، دکتر سید احمد فنایی، دکتر شعبان مهرورز، دکتر سید مرتضی موسوی نائینی، مجتبی خواجه آزاد

- (S.17Pos.6) بررسی تاثیر نظارت و مشاوره آموزشی در ارتقای کیفیت آموزش بالینی در گروه داخلی اعصاب دانشکده پزشکی بقیه الله (عج).....۱۳۸
- نویسندگان: دکتر مرضیه لک، دکتر حسین کچویی، مجتبی خواجه آزاد
- (S.17Pos.7) تأثیر جنسیت بر تفکر انتقادی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا.....۱۳۹
- نویسندگان: شهین سوادزاده، نگین مددزاده
- (S.17Pos.8) تسهیل اجرای شیوه آموزش بر اساس حل مشکل برای دانشجویان بالینی در بخش ارولوژی بیمارستان شهید بهشتی یاسوج.....۱۴۰
- نویسندگان: سید محمدرضا ربانی، امراالله روزبهی

محور: بهره‌وری در آموزش علوم پزشکی

- (S.28Pos.1) جستجوی راهی برای افزایش بهره‌وری آموزشی در گزارش صبحگاهی.....۱۴۱
- نویسندگان: منصوره مومن هروی، دکتر زریچهر وکیلی، دکتر اسماعیل فخاریان، دکتر احمد طالبیان، دکتر بتول زمانی، دکتر حمیدرضا صابری، دکتر زهرا سلیمانی
- (S.28Pos.2) بررسی مهارت‌های ارتباط غیرکلامی اساتید راهنمای دانشگاه علوم پزشکی کاشان.....۱۴۲
- نویسندگان: محمد صباحی بیدگلی، سید غلام‌عباس موسوی، اقدس محمدی، محمد یزدانی، طیبه سادات جدی آرانی، فرشته سادات نوابی
- (S.28Pos.3) بازنگری کارنامه‌های یادگیری تکمیل شده مقطع کارآموزی گروه زنان طی سال ۸۸ و تدوین الگوی جدید.....۱۴۲
- نویسندگان: فرناز صحاف، زهرا فردی آذر، سعیده غفاری‌فر، منیژه سیاح ملی، عالیه قاسم‌زاده
- (S.28Pos.4) تدوین اولیه استانداردهای آموزشی بیمارستان‌های آموزشی کشور.....۱۴۳
- نویسندگان: لیلی پناهنده، زهره سهرابی
- (S.28Pos.5) مقایسه تاثیر دو روش آموزشی سخنرانی و مشارکتی بر میزان یادگیری و ایجاد انگیزه و علاقمندی دانشجویان بهداشت خانواده دانشکده پرستاری و مامایی ایرانشهر، نیم‌سال اول ۱۳۸۸.....۱۴۴
- نویسندگان: طیبه سمیعی‌زاده طوسی، ندا محمدی نیا، علیرضا داشی‌پور
- (S.28Pos.6) مقایسه آموزش مبتنی بر دستاورد با روش مرسوم آموزش بالینی دستیاران بیهوشی.....۱۴۵
- نویسندگان: میترا یاری، دکتر فرحناز کشاورزی، دکتر انیس‌الدوله نانکلی، دکتر نسربین جلیلیان، دکتر طراوت فاخری
- (S.28Pos.7) مقایسه روش Grand Stand Model و روش Report Back Model در آموزش درمانگاهی کلینیک سرپایی مرکز قلب شهید مدنی تبریز.....۱۴۵
- نویسندگان: فریبرز اکبرزاده، دکتر هادی حکیم، دکتر فاطمه رنجبر، سویل آقابالایی
- (S.28Pos.8) میزان تولید علم توسط دستیاران بالینی دانشکده پزشکی تبریز در ۷ سال گذشته-یک مطالعه طولی.....۱۴۶
- نویسندگان: سکیه حاج ابراهیمی، دکتر مهدی فرهودی، دکتر همایون صادقی بازرگانی، دکتر فاطمه علیپور یگانه، دکتر الیزا صادقی فر
- (S.28Pos.9) ارتقاء بهره‌وری آموزش علوم پزشکی با به‌کارگیری روش تدریس فعال: یک مطالعه موردی.....۱۴۷
- نویسندگان: محمد مسافری
- (S.28Pos.10) کاربرد کارت امتیاز متوازن به‌عنوان ابزار برنامه‌ریزی استراتژیک و اندازه‌گیری عملکرد در آموزش عالی: مطالعه موردی دانشکده پرستاری و مامایی ایران.....۱۴۸
- نویسندگان: دکتر سیده فاطمه حق دوست اسکویی، لیلی بریم نژاد، دکتر نعیمه سیدفاطمی، دکتر فروغ رفیعی، فریدون خیری
- (S.28Pos.11) مقایسه بهره‌وری با ارزیابی کارایی درونی و ارزیابی درونی و بیرونی در علوم پزشکی.....۱۴۸
- نویسندگان: زهره اشرف گنجویی، نعمت الله موسی‌پور
- (S.28Pos.12) ارزیابی میزان نوآوری شغلی کارشناسان آموزشی، پژوهشی و کارشناسان گروه‌های دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد در سال ۱۳۸۸.....۱۴۹



نویسندگان: سید سعید مظلومی، زهره انصاری، لیلا کوچه بیوکی، فریمه شمس، زهرا حافظی
(S.28Pos.13) یادگیری الکترونیکی و تأثیر آن در افزایش بهره‌وری در آموزش پزشکی.....۱۵۰
نویسندگان: سهیلا بزم

محور: نقش‌ها و مهارت‌های رهبران آموزش علوم پزشکی

- (S.29Pos.1) بررسی نقطه نظرات مدیران آموزشی و اساتید دانشگاه علوم پزشکی شیراز در خصوص حیطه‌های مهم آموزش اساتید در ۵ سال آینده در دانشگاه علوم پزشکی شیراز.....۱۵۰
نویسندگان: جواد کجوری، زهره اسماعیل‌زاده، فرهاد لطفی، میترا امینی، محسن مقدمی، محمد رحیم کدیور
- (S.29Pos.2) مدیریت عوامل خطرزا در آموزش پزشکی: با تأکید بر کنترل عوامل موثر بر نتایج آزمون جامع علوم پایه.....۱۵۱
نویسندگان: زهرا تقریبی، اسماعیل فخاریان، فخرالسادات میرحسینی، سیداصغر رسولی‌نژاد، حسین اکبری، حسین عاملی
- (S.29Pos.3) بررسی رابطه ابعاد هوش هیجانی در مدیریت، رهبری و کیفیت فرآیند تدریس از دیدگاه اساتید دانشگاه علوم پزشکی بوشهر در سال ۱۳۸۸.....۱۵۲
نویسندگان: حکیمه واحدپرست، شرافت اکابریان، بی‌بی‌ماه محمدی باغملایی، مریم روانی‌پور
- (S.29Pos.4) بررسی میزان آگاهی اعضای هیئت علمی به عنوان رهبران آموزشی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ارتش، از اهمیت آشنایی با انواع روش‌های یادگیری و یاددهی.....۱۵۲
نویسندگان: دکتر ناهید آرین‌پور، محمدرضا رفیعی، مهدی اکبرزاده
- (S.29Pos.5) بررسی اختلاف بین وضعیت موجود و مطلوب مدیریت خدمات آموزشی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد.....۱۵۳
نویسندگان: مهندس محمدرضا امینی‌پور، فاطمه عالم رجبی، محمدرضا حیدری، عبدالعظیم اقبال، مهدیه ممیزی
- (S.29Pos.6) مهارت‌های موثر در رهبری آموزشی دانشکده بهداشت و تغذیه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی تبریز از نظر دانشجویان در سال تحصیلی ۸۸-۸۹.....۱۵۴
نویسندگان: حبیب اله قمی، علیرضا زادگان، حسن سلامی، شاپور نادرغام، ربعلی یوسفی، مالک قربان نیتی
- (S.29Pos.7) لزوم جهت‌گیری رهبری آموزش در راستای توانمندسازی اعضای هیئت علمی دانشکده‌های پزشکی در طراحی سوالات آزمون‌های کتبی.....۱۵۴
نویسندگان: دکتر رامین مصری، دکتر داریوش سوادی اسکوئی، دکتر حمیده هریزچی، ندا رحمت‌وند
- (S.29Pos.8) بررسی مهارت‌های موثر در رهبری آموزشی دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی تبریز از نظرگاه دانشجویان در سال تحصیلی ۸۸-۸۹.....۱۵۵
نویسندگان: حبیب اله قمی، علیرضا زادگان، حسن سلامی، شاپور نادرغام، مقصود گیاهی
- (S.29Pos.9) بررسی تأثیر به‌کارگیری سیستم رهبری آموزشی تطبیق‌پذیر در آزمون جامع علوم پایه پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران.....۱۵۶
نویسندگان: مهندس مهران کامکار حقیقی، علیرضا عباسی، مهندس مهدی ستایش برحق
- (S.29Pos.10) نقش مدیریت آموزشی کارآمد در دستیابی دانشجویان پزشکی به اهداف آموزشی کارآموزی‌های بالینی.....۱۵۶
نویسندگان: رضا پورمیرزا کلهری
- (S.29Pos.11) ارزشیابی مدیریت آموزشی دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی رشت.....۱۵۷
نویسندگان: مینو میترا چهرزاد، عاطفه قنبری، پروانه رضا سلطانی، مجید پورشیخان، افسانه پاشا، کبری سلامی کهن
- (S.29Pos.12) تأثیر هدایت آموزشی EDC بر ارزیابی طرح درس‌های ارائه شده توسط اساتید دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه سال ۱۳۸۸.....۱۵۸
نویسندگان: ناهید جلیلیان، نسرين جلیلیان، فرح روشن پور، ژاله دزفول منش، رضا پور میرزا کلهری، علی اکبر ده حقی

محور: مدل‌های رهبری در آموزش علوم پزشکی

- (S.30Pos.1) مقایسه سبک مدیریت آموزشی دانشکده بهداشت و تغذیه با دانشکده پیراپزشکی تبریز از دیدگاه دانشجویان در سال ۱۳۸۸..... ۱۵۹
- نویسندگان: علیرضا زادگان، حبیب اله قمی، حسن سلامی، شاپور نادرغام، میر جلیل ارجمند، اقدس ممقانی، نادره زادگان
- (S.30Pos.2) مدیریت تغییر در برنامه‌ریزی درسی: لزوم تدوین درس فناوری اطلاعات پزشکی از نظر دستیاران در دوره پزشکی عمومی..... ۱۶۰
- نویسندگان: رقیه ارشاد سرابی، دکتر طاهره اسلامی نژاد، زینت روانگرد
- (S.30Pos.3) مدل‌های مختلف رهبری در علوم پزشکی..... ۱۶۱
- نویسندگان: مهناز جویانی، ناصر شکری، دکتر رضا کاظمی
- (S.30Pos.4) بررسی سبک رهبری آموزشی در دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد- ۱۳۸۸..... ۱۶۱
- نویسندگان: معصومه معزی، محمد رحیمی، امیرعلی ناطق، دکتر جعفر نصیری، دکتر بهروز پورحیدر
- (S.30Pos.5) تلفیق فیزیولوژی سلول و گردش خون با کلینیک: یک روش تدریس جدید با رویکرد دانشجو محور نویسندگان: عابدین وکیلی..... ۱۶۲
- (S.30Pos.6) بررسی نگرش مدیران عضو هیئت علمی نسبت به ضرورت و شیوه ارزشیابی مدیران دانشگاه علوم پزشکی شیراز در سال ۱۳۸۸..... ۱۶۳
- نویسندگان: محبوبه صابر، نورالهدی فخرزاد، مریم فخرزاد
- (S.30Pos.7) اکسترنی، تجربه‌ای موفق در رهبری و برنامه‌ریزی آموزشی..... ۱۶۳
- نویسندگان: مصطفی دهقانی پوده، دکتر اطهر امید، دکتر وحید عشوریون، دکتر آتوسا اسماعیلی، مریم آویژگان
- (S.30Pos.8) ارتباط سبک رهبری مدیران گروه‌های آموزشی با رضایت شغلی اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی گیلان در سال ۱۳۸۸..... ۱۶۴
- نویسندگان: ماهدخت طاهری، عطاء... اسدی، حسین خوشرنگ، علی منفرد
- (S.30Pos.9) بررسی مهارت و قدرت رهبری مدیران آموزشی دانشگاه علوم پزشکی تبریز..... ۱۶۵
- نویسندگان: دکتر رضا غفاری، فریبا سالک رنجبرزاده، دکتر سوسن حسن زاده سلماسی، پریسا گل عنبر

محور: پاسخگوئی در آموزش علوم پزشکی

- (S.31Pos.1) نوآوری در تدریس دروس آناتومی به صورت ادغام مباحث نظری و عملی..... ۱۶۵
- نویسندگان: محمدحسن کریم‌فر، شهرام محمدپور، ابراهیم خرازی نژاد
- (S.31Pos.2) تجارب اساتید و انترن‌ها از یادگیری حرفه‌ای‌گری در آموزش بالینی..... ۱۶۶
- نویسندگان: نیکو یمانی، دکتر طاهره چنگیز، دکتر پیمان ادیبی
- (S.31Pos.3) تاثیر راهنمای مطالعه مربوط به فیزیولوژی عملی بر یادگیری دانشجویان دکترای عمومی..... ۱۶۷
- نویسندگان: رعنا کیهان منش، دکتر شیرین ببری، دکتر گیسو محدث، هادی ابراهیمی، فریبا میرزایی باویل
- (S.31Pos.4) پادکست‌ها و ویدئوکست‌ها: روش‌های نوین برای آموزش پزشکی و هدایت آن..... ۱۶۷
- نویسندگان: فاطمه صادقی غیائی، دکتر سکینه حاج ابراهیمی، معصومه صادقی غیائی، علی خلیل‌زاد
- (S.31Pos.5) بررسی نظر اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین پیرامون استفاده از مراکز خصوصی در آموزش کارآموزان، کاروزان و دستیاران پزشکی..... ۱۶۸
- نویسندگان: زهره یزدی، عباس علامی، نوید محمدی، ابوالفضل فرهمند
- (S.31Pos.6) تعیین کارایی برنامه‌های کارآموزی در حرفه پرستاری..... ۱۶۹
- نویسندگان: شهناز کریمی، فاطمه دری پور، مجید نجفی کلیانی



(S.31Pos.7) یک رویکرد سیستماتیک در برنامه‌ریزی درسی دستیاران داخلی برای کسب پیامدهای مطلوب و مورد انتظار...۱۶۹

نویسندگان: محمدحسین صومی، سعیده غفاری‌فر

(S.31Pos.8) تسهیل اجرای روش دانشجویمحوری در یادگیری درس بافت‌شناسی دانشجویان پزشکی یاسوج.....۱۷۰

نویسندگان: امرالله روزبی

(S.31Pos.9) عوامل تنش‌زای محیط بالینی از دیدگاه دانشجویان پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی حضرت زینب (س) یاسوج

.....۱۳۸۷

نویسندگان: آسیه مبارکی

(S.31Pos.10) نیاز آموزشی اعضای هیئت علمی دانشگاه در استفاده از پایگاه‌های داده.....۱۷۱

نویسندگان: مهین دیانت، دکتر مهدی سیاح برگرد، دکتر علی اکبر شایسته، مهندس محمد دیانت، مهرزاد مدیری

(S.31Pos.11) نقد گرافیکی مطالعات: روشی جدید در آموزش پزشکی مبتنی بر شواهد و نظرات اعضای هیئت علمی...۱۷۲

نویسندگان: فرید نجفی، بهروز حمزه

(S.31Pos.12) فرهنگ کلاسی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد.....۱۷۳

نویسندگان: معصومه دل‌آرام، سیدعلی هاشمی‌نیا

محور: پاسخگویی در آموزش علوم پزشکی

(S.42Pos.1) بررسی مقایسه‌ای انواع روش‌های ترجیحی یادگیری ادراکی و رضایت دانشجویان پزشکی و دندانپزشکی دانشگاه

علوم پزشکی رفسنجان (۱۳۸۵).....۱۷۳

نویسندگان: دکتر مصطفی صادقی، حمید بخشی، الهیار نجفی

(S.42Pos.2) مقایسه دیدگاه دانشجویان رشته پزشکی و مردم شهرستان بندرعباس در ارتباط با رعایت اصول اخلاق

پزشکی.....۱۷۴

نویسندگان: شهناز قاسمی، دکتر شهرام زارع، سمیره عابدینی

(S.42Pos.3) مطالعه انگیزش تحصیلی و شغلی در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند.....۱۷۴

نویسندگان: طویه کرمانی، سید علی‌رضا جوادینیا

(S.42Pos.4) بررسی عوامل دخیل در برقراری ارتباط مؤثر بین استاد و دانشجو از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی

لرستان.....۱۷۵

نویسندگان: علی خسروبیگی، دکتر محمد زیبایی

(S.42Pos.5) بررسی عوامل مرتبط با پذیرش یادگیری الکترونیکی توسط دانشجویان پرستاری بر اساس مدل پذیرش

فناوری.....۱۷۵

نویسندگان: محمدمهدی سالاری، فریده نیمایی، رمضان رحمانی، علی افضلی، زهره وفادار

(S.42Pos.6) شیوه مطالعه درسی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز.....۱۷۶

نویسندگان: مهری غفوریان بروجردنیا، عبدالحسین شکورنیا

(S.42Pos.7) بررسی علل مرتبط با دستیابی پرستاران و ماماهاى تازه‌کار به صلاحیت‌های حرفه‌ای در طی دوران

تحصیل.....۱۷۷

نویسندگان: لیلی یکه فلاح

(S.42Pos.8) بررسی مقایسه‌ای دو روش آموزش یادگیری بر اساس حل مشکل و سخنرانی بر یادگیری دانشجویان کارشناسی

پرستاری.....۱۷۸

نویسندگان: فاطمه علی اکبری، موسی رضایی

(S.42Pos.9) همخوانی سؤالات امتحان جامع علوم پایه پزشکی در درس ایمونولوژی با سرفصل‌های این درس...۱۷۸

نویسندگان: فاطمه حاجی قاسمی

(S.42Pos.10) تحلیل وضعیت آموزش پاسخگو در دانشگاه علوم پزشکی تبریز و راهکارهای گسترش آن.....۱۷۹

نویسندگان: مهستی علیزاده، نازیلا تاج الدینی، دکتر رضا غفاری، دکتر لیلا واحدی

- (S.42Pos.11) بررسی عوامل مداخله‌گر در یادگیری دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی.....۱۸۰
نویسندگان: سید عباس حسینی
- (S.42Pos.12) بررسی وضعیت طرح درس اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی گیلان در سال ۱۳۸۸.....۱۸۰
نویسندگان: دکتر ماهدخت طاهری، دکتر شادمان نعمتی، عطاءالله اسدی
محور: بهره‌وری در آموزش علوم پزشکی
- (S.43Pos.1) یک استراتژی تسهیل‌کننده در محیط‌های آموزشی PBL برای دانشجویان پرستاری.....۱۸۱
نویسندگان: نسرين فروزنده، نسرين اکبري، ندا پروين، فرانک صفدری، سمیه درخشنده
- (S.43Pos.2) تأملی بر نقش آموزش مسأله محور بر یادگیری دانشجویان پرستاری دانشگاه آزاد نجف آباد سال ۸۸-۱۳۸۷.....۱۸۲
نویسندگان: مریم مقیمیان، مهرداد آذربرزین
- (S.43Pos.3) نظرسنجی از اعضای هیئت علمی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین در مورد اجرای طرح ادغام در کوریکولوم آموزشی.....۱۸۲
نویسندگان: فریبا درخشان، دکتر عباس علامی
- (S.43Pos.4) تدوین سند چشم انداز دوره پزشکی عمومی دانشگاه علوم پزشکی تهران.....۱۸۳
نویسندگان: دکتر عظیم میرزازاده، دکتر حمید عمادی کوچک، دکتر محمد جلیلی، دکتر سارا مرتضی هجری، دکتر فاطمه السادات نیری، دکتر علی جعفریان، دکتر امیرحسین امامی، دکتر منوچهر امینی، دکتر ابوالفضل گلستانی، دکتر محسن نصیری طوسی، دکتر احمد سلیم زاده
- (S.43Pos.5) ارزیابی میزان شیوع درک غلط از بیماری‌های قلبی عروقی و علائم آن‌ها در دانشجویان پزشکی و پرستاری دانشگاه علوم پزشکی اراک.....۱۸۴
نویسندگان: محمدرضا پالیزوان، الهه صالحی فراهانی، الهام ابراهیمی
- (S.43Pos.6) بررسی تأثیر آموزش به سبک تئوری اورم بر کیفیت علائم بیماران مبتلا به آسم.....۱۸۴
نویسندگان: ماندانا آرش
- (S.43Pos.7) مقایسه عملکرد کارورزان در مراقبت‌های سرپایی کودکان زیر ۵ سال در دو روش مراقبت معمول و مراقبت‌های ادغام یافته ناخوشی‌های اطفال (مانا) در درمانگاه تخصصی کودکان.....۱۸۵
نویسندگان: دکتر سید رضا اسحاقی، دکتر بهزاد شمس، دکتر حبیبه احمدی پور، دکتر ندا زمانی
- (S.43Pos.8) الگوهای برنامه درسی.....۱۸۶
نویسندگان: مرتضی خاقانی‌زاده، حسن ملکی، کوروش فتحی واجارگاه
- (S.43Pos.9) نظرات گیرندگان خدمات بهداشتی و درمانی استان فارس.....۱۸۷
نویسندگان: صدیقه ابراهیمی، لیلا بذرافکن دانشیار دانشگاه علوم پزشکی شیراز
- (S.43Pos.10) پرونده سلامت فردی، پاسخگوئی و مراقبت بیمارمدار از طریق اطلاعات بیمارمدار.....۱۸۸
نویسندگان: مریم احمدی، فرحناز صدوقی، محمود گوهری، فاطمه رنگرز جدی
- (S.43Pos.11) بررسی ارتباط بین وضعیت سلامت روانی، ابعاد آن و سایر ویژگی‌های فردی با موفقیت تحصیلی در دانشجویان دانشگاه‌های اراک.....۱۸۸
نویسندگان: نرگس محمدصالحی، دکتر ابوالفضل محمدبیگی
- (S.43Pos.12) تبیین و اولویت‌بندی نیازهای آموزشی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور، گامی در جهت افزایش کارایی و بهره‌وری نظام آموزش عالی.....۱۸۹
نویسندگان: سکینه سبزواری، دکتر طیبه فصیحی هرندی، رقیه ارشاد، اشرف ادهمی
- (S.43Pos.13) تأثیر دوره یک‌ماهه آموزشی اساتید بر توانمندسازی آن‌ها.....۱۹۰
نویسندگان: محمدرضا دهقانی، صدیقه امینی، جواد کجوری، میترا امینی، لیلا بذرافکن، محبوبه صابر، رویا خلیلی، زهرا صفاری
- محور: نقش‌ها و مهارت‌های رهبران آموزش علوم پزشکی



- (S.44Pos.1) بررسی سبک رهبری مدیریت آموزشی دانشکده بهداشت و تغذیه تبریز از دیدگاه دانشجویان دانشکده بهداشت و تغذیه تبریز در سال ۱۳۸۸ ۱۹۰
- نویسندگان: حسن سلامی، علیرضا زادگان، حبیب اله قمی، شاپور نادرغام، مرتضی واحد جباری، مالک قربان نیتی
- (S.44Pos.2) استانداردهای آموزش ایزاری برای رهبری آموزشی ۱۹۱
- نویسندگان: فرانک صفدری ده چشمه، محمد رحیمی، تهمینه صالحیان، نسرين اکبری
- (S.44Pos.3) تأثیر مدیریت و سازمان در فعالیتهای تحقیقاتی؛ موانع و راهکارها ۱۹۲
- نویسندگان: جواد کجوری، زهرا کریمیان، دکتر میترا امینی، دکتر محمدرضا دهقانی، زهره اسماعیلزاده
- (S.44Pos.4) بررسی عنصر زمان در روش آموزش درس تمرین درمانی ۲ از دیدگاه شرکاء برنامه درسی شهر تهران ۱۹۲
- نویسندگان: سیده زهرا نهاردانی، محمد اکبری، دکتر محمدرضا امام جمعه، دکتر محمدرضا سرمدی
- (S.44Pos.5) میزان رضایتمندی دانش آموختگان رشته مدیریت خدمات بهداشتی درمانی از مهارتهای آموخته شده در طی دوره تحصیلی سال ۸۷ ۱۹۳
- نویسندگان: فاطمه میر
- (S.44Pos.6) بررسی نقش جلسات مباحثه (بحث و گفتگو) در پیشبرد اهداف مدیران آموزش پزشکی ۱۹۴
- نویسندگان: پروانه عبدالملکی، ژیلا خانی آباد
- (S.44Pos.7) اهمیت حاکمیت و رهبری از دیدگاه هرسی و بلانچارد ۱۹۴
- نویسندگان: حمیده خلقی فرد، نسرين دهقانی، علی عباسی
- (S.44Pos.8) بررسی تیپهای شخصیتی مدیران مؤثر در دانشگاه علوم پزشکی تبریز ۱۹۵
- نویسندگان: حکیمه حضرتی کندجانی، کریم نظری، فریبا سالک رنجبرزاده، سیروس دبیر، سوسن حسنزاده سلماسی
- (S.44Pos.9) مدیریت کارآموزی در عرصه (پزشکی جامعه‌نگر) دانشکده‌های علوم پزشکی شیراز با طراحی logbook و course plan طی سال‌های ۱۳۸۷ الی ۱۳۸۸ ۱۹۶
- نویسندگان: آسیه صالحی، نورالهدی فخرزاد
- (S.44Pos.10) مهارت‌های تدریس در رهبران آموزشی دانشکده پزشکی دانشگاه شاهد ۱۹۷
- نویسندگان: زهرا جوهری، اشرف پیراسته
- (S.44Pos.9) نقش مدیران فرهنگی و فعالیتهای فوق برنامه در بهزیستی روانشناختی دانشجویان ۱۹۷
- نویسندگان: خدیجه شریفی، زهرا سوکی، زهرا تقری، حسین اکبری

محور: رهبری در محیط آموزش علوم پزشکی

- (S.45Pos.1) اهمیت محیط آموزش از دید مدیران آموزش: چه محیط‌های جدید آموزشی در آینده باید جهت آموزش تهیه و طراحی گردد؟ ۱۹۸
- نویسندگان: دکتر محسن مقدمی، دکتر میترا امینی، دکتر جواد کجوری، فرهاد لطفی، زهره اسماعیلزاده، دکتر محمدرحیم کدیور
- (S.45Pos.2) مدیریت کیفیت جامع و آموزش مدرسان ۱۹۹
- نویسندگان: اشرف السادات حکیم
- (S.45Pos.3) دیدگاه مدیران دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران نسبت به معیارهای رهبری در آموزش ۱۹۹
- نویسندگان: زهره فرح نژاد، بابک شکارچی، پروین زارعیان، جواد یزدان‌جو
- (S.45Pos.4) ارزشیابی دروس، مقدمه‌ای برای تقویت رهبری در محیط آموزشی ۲۰۰
- نویسندگان: میترا دادمان، مصطفی دهقانی، مریم تیموری، طاهره چنگیز، نیکو یمانی، اکبر حسنزاده
- (S.45Pos.5) بررسی نقش آموزش در مدیریت مراکز بهداشتی درمانی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه ۲۰۱
- نویسندگان: سعید عبدالملکی، پروانه عبدالملکی
- (S.45Pos.6) بررسی دیدگاه‌های اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ارتش در مورد اصول کار تیمی ۲۰۱

- نویسندگان: شهناز تفنگچی‌ها، دکتر محمدرضا رفیعی
(S.45Pos.7) بررسی رابطه مهارت‌های سه گانه مدیران گروه‌های آموزشی با کیفیت آموزشی گروه‌های آموزشی دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز.....۲۰۲
- نویسندگان: دکتر رضا غفاری، فریبا سالک رنجبرزاده، دکتر سوسن حسن زاده سلماسی
(S.45Pos.8) بررسی دیدگاه اعضاء هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز در زمینه رهبری آموزشی مدیران گروه‌ها درسال ۱۳۸۷-۱۳۸۸.....۲۰۳
- نویسندگان: هاجر دهقان، فاطمه رحیمی، سرور اینالو
(S.45Pos.9) بررسی تأثیر عوامل شخصیتی و سازمانی در نوآوری مدیران آموزشی دانشکده پزشکی تبریز.....۲۰۳
- نویسندگان: دکتر ناصر صفایی، فریبا سالک رنجبرزاده، دکتر رضا غفاری، دکتر سوسن حسن زاده سلماسی، کریم نظری
(S.45Pos.10) بررسی رضایت دانشجویان از ارزشیابی درس اعمال یدای مقطع PhD طب سنتی به شیوه میزگرد.....۲۰۴
- نویسندگان: حوریه محمدی کناری، غلامرضا کرد افشاری
(S.45Pos.11) بررسی رهبری در محیط آموزشی دانشکده بهداشت و تغذیه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تبریز از نظر دانشجویان در سال تحصیلی ۸۹-۸۸.....۲۰۵
- نویسندگان: حبیب‌اله قمی، علیرضا زادگان، حسن سلامی، شاپور نادرغام، مرتضی جباری، مالک قربان نیتی
(S.45Pos.12) بررسی محیط آموزشی بخش‌های بالینی اطفال بر اساس مدل DREEM از دیدگاه فراگیران در بیمارستان‌های آموزشی تخصصی تحت پوشش دانشگاه‌های علوم پزشکی تهران-سال ۱۳۸۸.....۲۰۶
- نویسندگان: جلیل کوهپایه‌زاده، بهنام ثبوتی، سید کامران سلطانی عربشاهی
(S.45Pos.13) بررسی محیط آموزشی بخش‌های بالینی زنان و زایمان بر اساس مدل DREEM از دیدگاه اساتید در بیمارستان‌های آموزشی تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی ایران - سال ۱۳۸۸.....۲۰۶
- نویسندگان: جلیل کوهپایه‌زاده، مریم کاشانیان، سید کامران سلطانی عربشاهی، حمیدرضا برادران

محور: رهبری در محیط آموزش علوم پزشکی

- (S.57Pos.1) بررسی تسهیلات و موانع کاربرد دانش پژوهی آموزشی از دیدگاه اعضاء هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر- ۱۳۸۸.....۲۰۷
- نویسندگان: دکتر نیلوفر معتمد، آزاده عازمیان، نورالسادات ساجدی
(S.57Pos.2) بررسی متدولوژی مقالات ارائه شده در همایش آموزش پزشکی "سال ۸۸".....۲۰۸
- نویسندگان: افسانه یخ فروش‌ها، پرویز فلاح عابد، رفعت محبی‌فر، محمدحسن کریم‌فر، علی سکاکی
(S.57Pos.3) بررسی موانع و مشکلات دسترسی به اینترنت در فعالیت‌های پژوهشی از دیدگاه دانشجویان استعداد درخشان دانشگاه علوم پزشکی قزوین در سال ۱۳۸۸.....۲۰۹
- نویسندگان: افسانه یخ فروش‌ها
(S.57Pos.4) آیا اعضاء هیئت علمی گروه‌های داخلی، جراحی و بیهوشی دانشکده پزشکی از شغل خود راضی‌اند؟.....۲۰۹
- نویسندگان: مریم تیموری، مصطفی دهقانی پوده، میترا دادمان، اکبر حسن‌زاده، نیکو یمانی
(S.57Pos.5) نیازهای یادگیری استعدادهای درخشان دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان در مباحث آموزشی، پژوهشی و مدیریتی.....۲۱۰
- نویسندگان: رفعت جوادی، سمیره عابدینی

محور: تعالی آموزشی در علوم پزشکی

- (S.58Pos.1) بررسی عوامل موثر بر موانع ارتباط پرستار- بیمار.....۲۱۱
- نویسندگان: آسیه مبارکی
(S.58Pos.2) توسعه و تولید علم پارادایمی در تعالی آموزشی علوم پزشکی و بررسی عوامل و موانع موجود.....۲۱۱



نویسندگان: زهرا جامه بزرگ، محمد سلیمی

(S.58Pos.3) بررسی عوامل موثر بر نگرش آموزشی دانشجویان پرستاری.....۲۱۲

نویسندگان: داوود عودی، زینب رفیعی، احمد نصیری، صدیقه کیانفر، فاطمه پاسبان

(S.58Pos.4) بررسی ارزشیابی سخنرانان برنامه‌های مدون ویژه پزشکان عمومی آموزش مداوم دانشگاه علوم پزشکی

کاشان.....۲۱۳

نویسندگان: فرحناز جهانگیر، سید محسن میری، دکتر رضوان منیری

(S.58Pos.5) ارزیابی درونی گروه آموزش و ارتقاء سلامت دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران.....۲۱۳

نویسندگان: دکتر داوود شجاعی‌زاده، گیتی ابراهیم طاهری، هادی طهرانی، محسن صفاری

(S.58Pos.6) خودباوری علمی و توجه جدی به جنبش نرم افزاری و تولید علم جهت بومی نمودن فناوری‌های نوین.....۲۱۴

نویسندگان: علی کرمی

(S.58Pos.7) بررسی همبستگی عزت نفس و پیشرفت تحصیلی در دانشجویان دانشکده پرستاری و مامایی زنجان ۱۳۸۸...۲۱۵

نویسندگان: صدیقه کمالی، الهام جعفری

(S.58Pos.8) تاثیر حل مسئله با روش سوال کلیدی (Key Question) در آموزش پزشکی.....۲۱۵

نویسندگان: عبدالرحیم قلی زاده پاشا، ایمان جهانیان

محور: بهره‌وری در آموزش علوم پزشکی

(S.59Pos.1) کیفیت محیط یادگیری دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان از دیدگاه فراگیران بر اساس مدل

dreem.....۲۱۶

نویسندگان: محمدمهدی یاقوتی، حمید بخشی، ثمانه چالاک

(S.59Pos.2) بررسی پایایی سنجش توانمندی دانشجویان پزشکی از طریق کامپیوتر.....۲۱۷

نویسندگان: نعمت بیلان، سیامک شیوا

(S.59Pos.3) مدیریت معنوی.....۲۱۷

نویسندگان: صدیقه ابراهیمی

(S.59Pos.4) مداخله آموزشی و تاثیر آن در گروه‌های مختلف ارائه‌کننده خدمات اورژانس پیش بیمارستانی.....۲۱۸

نویسندگان: دکتر تهمینه فقیه ملک مرزبان، دکتر سعید عباسی، دکتر مشیانه حدادی

(S.59Pos.5) بررسی اثر گروه‌های بحث کوچک در آموزش فیزیولوژی پزشکی به روش حل مسئله.....۲۱۸

نویسندگان: فیروز قادری پاکدل، سمیه نادری

(S.59Pos.6) بررسی تعیین تاثیر تدریس بعضی از سرفصل‌های آموزشی به دانشجویان توسط دستیاران همراه با شیوه‌های نوین

آموزشی-گزارش یک مداخله جهت بهبود بهره‌وری آموزش.....۲۱۹

نویسندگان: دکتر حمید نصری، دکتر سعید بهراد منش، دکتر ام‌الله ابراهیمی، دکتر علی مومنی، دکتر قربانعلی رحیمیان، دکتر

حمید روحی، دکتر سعید مردانی، دکتر افشین تقی خانی، دکتر آذر برادران، دکتر محمد کرمی، دکتر محمد گرگ یراقی، الهام اسفندیاری،

احمد ابراهیمی

محور: رهبری در محیط آموزش علوم پزشکی

(S.60Pos.1) بررسی تاثیر سن و سابقه کار بر سبک رهبری مدیران گروه‌های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی

یزد.....۲۲۰

نویسندگان: مهدیه ممیزی

(S.60Pos.2) مقایسه نظرات دانشجویان دانشکده‌های پیراپزشکی و بهداشت و تغذیه، دانشگاه علوم پزشکی تبریز در خصوص

رهبری روسای دانشکده‌ها در محیط آموزشی در سال ۱۳۸۸.....۲۲۱

نویسندگان: حبیب الله قمی، علیرضا زادگان، حسن سلامی، شاپور نادرغام، مقصود گیاهی، مالک قربان نیتی، ربعلی یوسفی (S.60Pos.3) فاکتورهای موثر بر توسعه آموزش پزشکی از دید رهبران آموزشی (اعضای هیئت علمی) دانشگاه علوم پزشکی ارتش.....۲۲۲

نویسندگان: محمدرضا رفیعی

(S.60Pos.4) بازخورد ۳۶۰ درجه‌در مدیریت و آموزش بالینی.....۲۲۲

نویسندگان: مرضیه پاکیان

(S.60Pos.5) اجرای کارآموزی فرآیند محور برای دانشجویان کارشناسی مدارک پزشکی.....۲۲۳

نویسندگان: زکيه پیری، لیلا قادری نانس، پیمان رضایی

(S.60Pos.6) درک دانشجویان پرستاری از جو روانی اجتماعی محیط یادگیری بالینی در بیمارستان‌های آموزشی درمانی شهر اراک

.....۱۳۸۸ ۲۲۴

نویسندگان: کورش رضایی، حمیدرضا کوهستانی، نیره باغچقی

(S.60Pos.7) رهبری آموزش در فضای الکترونیک: چگونه ممکن است؟.....۲۲۴

نویسندگان: رضا اسدی

محور: بهره‌وری در آموزش علوم پزشکی

(S.70Pos.1) تاثیرات روش آموزش مبتنی بر فناوری (یادگیری ترکیبی) بر ابعاد شخصیتی دانشجویان.....۲۲۵

نویسندگان: لیلی مصلی‌نژاد، احمد علی‌پور، بهمن زندگی

(S.70Pos.2) بررسی ارتباط کارپوشه آموزشی، پژوهشی با ارتقا اساتید در دانشگاه علوم پزشکی شیراز.....۲۲۵

نویسندگان: لیلا بذرافکن، صدیقه شایق، بهمن شجاعیان، قاسم یوسفی

(S.70Pos.3) بررسی میزان هوش فرهنگی مدیران آموزشی در دانشگاه علوم پزشکی تبریز.....۲۲۶

نویسندگان: فریبا سالک رنجیزاده، دکتر رضا غفاری، دکتر سوسن حسن‌زاده سلماسی، کتابون نسیمی، فاطمه دنبلی میان‌دوایی

(S.70Pos.4) بررسی میزان پایایی اثر یادگیری برنامه‌های بازآموزی در بین پزشکان عمومی شرکت کننده در برنامه های آموزش مداوم.....۲۲۷

نویسندگان: دکتر فاطمه علوی‌نیا، دکتر امیر هوشنگ مهرپرور، دکتر سید علی علوی‌نیا، دکتر فاطمه عالم رجبی، محمدرضا

حیدری

(S.70Pos.5) ارزیابی درونی حوزه رسالت و اهداف دانشکده پزشکی بقیه الله (عج) بر اساس استانداردهای ملی و جهانی برای

آموزش پزشکی عمومی.....۲۲۷

نویسندگان: دکتر مرضیه لک، مجتبی خواجه آزاد، دکتر مصطفی نادری

(S.70Pos.6) ارزیابی عملکرد واقعی دستیاران در برقراری مهارت‌های ارتباطی پزشک و بیمار.....۲۲۸

نویسندگان: سعیده غفاری‌فر، ابوالقاسم امینی، منوچهر خوش باطن، بهار ضمیران

(S.70Pos.7) بررسی راهبردهای مطالعه و یادگیری در میزان موفقیت تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران درسال

.....۱۳۸۶ ۲۲۹

نویسندگان: دکتر میترا محمودی، دکتر کوروش وحیدشاهی، دکتر سارا احتشامی، دکتر لیلا شهبازنژاد

محور: نقش رهبری آموزشی در توسعه نظام سلامت

(S.71Pos.1) دوره آموزشی "اداره اورژانس‌های شایع کودکان" برای ارتقای دانش و مهارت انترن‌های دانشگاه علوم پزشکی

تبریز.....۲۳۰

نویسندگان: امیر حسین جعفری روحی، دکتر سیامک شیوا، دکتر محمود صمدی

(S.71Pos.2) نقش رازی در آموزش پزشکی نوین.....۲۳۱

نویسندگان: سعید چنگیزی آشتیانی، محسن شمسی، کبری کبیری‌نیا



- (S.71Pos.3) بررسی دیدگاه اساتید و دانشجویان دانشکده دندانپزشکی مشهد در مورد واحد درسی درمان جامع در سال تحصیلی ۸۸-۸۷.....۲۳۱
- نویسندگان: مجید اکبری، امیر معین تقوی، نورالله جعفری
- (S.71Pos.4) مقایسه دو محیط آموزشی در برنامه تماس زودرس یا بیمار بر اساس مدل DREEM دانشجوی پزشکی، ترس‌ها و امیدها، تماس زودرس با بیمار.....۲۳۲
- نویسندگان: جواد کجوری، صدیقه ابراهیمی، هاجر شیعیه، پویا فرهادی
- (S.71Pos.5) کارگروهی، خود سنجی، هم‌تا سنجی.....۲۳۳
- نویسندگان: نسربین رضائی، زینب قهرمانی، لیلا مومنی
- (S.71Pos.6) مروری بر چگونگی مدیریت آموزش پزشکی جامعه‌نگر در ایران و کشورهای منتخب جهان.....۲۳۳
- نویسندگان: آسیه صالحی، ساناز سهرابی‌زاده، پیمان حسن‌پور
- (S.71Pos.7) مدیریت توزیع نیروی انسانی متخصص پزشکی.....۲۳۴
- نویسندگان: رفعت محبی‌فر، مینا نجاتی، خاطره خوشنام، خاطره اعتصام
- (S.71Pos.8) بررسی تاثیر آزمون علوم پایه پزشکی بر فرایند ادامه تحصیل دانشجویان رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان.....۲۳۵
- نویسندگان: هوشنگ رفیق‌دوست، غلامرضا کمیلی، حسنعلی نصیرپور

محور: رهبری در محیط آموزش علوم پزشکی

- (S.72Pos.1) طراحی و ارزیابی روایی پرسشنامه رهبری حمایتی برای مدیران آموزش پزشکی.....۲۳۶
- نویسندگان: سید جمال میرموسوی
- (S.72Pos.2) ارزیابی کیفیت مدیریت عالی و اجرایی در دانشکده پزشکی بقیه الله (عج) بر اساس استانداردهای ملی و جهانی برای آموزش پزشکی عمومی.....۲۳۷
- نویسندگان: مجتبی خواجه آزاد، محمد یمنی، علی زارعی
- (S.72Pos.3) مقایسه میزان رهبری کلاس آموزشی با امتیاز ارزشیابی استاد در دانشگاه علوم پزشکی تبریز سال ۱۳۸۸.....۲۳۸
- نویسندگان: شاپور نادرغام، حسن سلامی، حبیب اله قمی، علیرضا زادگان
- (S.72Pos.4) تفکر به روش شش کلاه روش مناسب در تصمیم‌گیری گروهی در برنامه‌های آموزشی.....۲۳۸
- نویسندگان: یعقوب سالک زمانی
- (S.72Pos.5) بررسی تجارب اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر در مورد رهبری آموزشی و ارتباط آن با رویکرد آموزشی آنان - ۱۳۸۸.....۲۳۹
- نویسندگان: نیلوفر معتمد، نرگس عبیدی، فرشته کریمی، قمر بهرام پور
- (S.72Pos.6) بررسی تاثیر روش آموزش تفحص گروهی بر میزان یادگیری دانشجویان پرستاری ارومیه.....۲۴۰
- نویسندگان: نادر آقاخانی، شیوا روشن میلانی، نرگس رهبر، حمیده کریمی، رضا اطهری‌فر، اکبر مروت

محور: تعالی آموزشی در علوم پزشکی

- (S.73Pos.1) تاثیر برنامه تماس زودرس با بیمار بر نگرش اخلاقی و حرفه‌ای دانشجویان پزشکی.....۲۴۱
- نویسندگان: جواد کجوری، صدیقه ابراهیمی، زهره اسماعیل زاده، هاجر شیعیه
- (S.73Pos.2) نقش آموزش پزشکی در اعتماد به نفس فارغ التحصیلان رشته‌های مختلف پزشکی و پرستاری در فاز انتقالی به دوره طبابت.....۲۴۲
- نویسندگان: طراوت فاخری، دمیترا یاری، فرحناز کشاورزی، انیس الدوله نانکلی، نسربین جلیلیان
- (S.73Pos.3) Standard setting ارزشیابی پایان دوره کارورزان گروه طب اورژانس.....۲۴۲

نویسندگان: سعیده غفاریفر، چنگیز قلی پور، علی تقی زادیه، حسن سلیمانپور، علیرضا علا، پیمان محرم زاده، امیرحسین جعفری روحی، حسن امیری

(S.73Pos.4) ارزشیابی سیستم ارزشیابی اساتید دانشگاه علوم پزشکی مشهد: یک مطالعه فرارزوبایی.....۲۴۳

نویسندگان: سید مسعود حسینی

(S.73Pos.5) آموزش مهارت‌های برقراری ارتباط جرات مندانه به اساتید مشاور، ضرورتی مهم در جهت تعالی آموزشی

دانشگاه...۲۴۴

نویسندگان: منیره پروانه، پروین سجادی

(S.73Pos.6) بررسی اعتماد به نفس اعضای هیئت علمی در مناصب مدیریتی در دانشگاه علوم پزشکی تبریز.....۲۴۴

نویسندگان: حکیمه حضرتی کندیانی، کتایون نسیمی، فریبا سالک رنجبرزاده، کریم نظری، سوسن حسن زاده سلماسی

(S.73Pos.7) بررسی نگرش و علاقه دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد در مورد رشته تحصیلی خود در بدو ورود

به دانشگاه در سال ۱۳۸۸.....۲۴۵

نویسندگان: علی مومنی، فروزان گنجی

▪ ارائه‌های دانشجویی

ارائه‌های شفاهی دانشجویی

محور: مدیریت و رهبری در آموزش علوم پزشکی

(S.10SO1) مدیریت دانشگاهی و پاسخگویی؛ ضرورت استقلال و آزادی علمی.....۲۴۶

نویسندگان: زهرا کریمیان، جواد کجوری، فرهاد لطفی، میترا امینی

(S.10SO2) بررسی رابطه بین هوش عاطفی و سبک رهبری (تحول‌بخش - مبادله‌ای) در مدیران بیمارستان‌های آموزشی شهر

قزوین.....۲۴۷

نویسندگان: لیلا سبزمکان، لیلا بهرام‌خانی، سعید مظلومی، مجید سرشته‌داری، فریده بهرام‌خانی، فریبا هاشمی

(S.10SO3) تعیین سبک رهبری و رابطه آن با جنسیت و سن در کارکنان و معاونان حوزه ریاست دانشکده پزشکی...۲۴۸

نویسندگان: راضیه نشاط‌آور، هاجر دهقان

(S.10SO4) بررسی سبک رهبری در گروه‌های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی کاشان در سال ۱۳۸۸.....۲۴۹

نویسندگان: الهام شهیدانی، مریم سامی، زهرا ضیایی، زهرا اکبری

محور: برنامه ریزی درسی

(S.53SO1) مقایسه محتوای آموزشی بخش ریه با استانداردهای آموزشی دوره پزشکی عمومی در دانشکده پزشکی مشهد.....۲۴۹

نویسندگان: زهرا نیک فرجام، تکتیم مسعودی

(S.53SO2) "بررسی میزان اثر بخشی کارگاه‌های توانمند سازی برگزار شده توسط کمیته مرکزی دانشجویی مرکز مطالعات و

توسعه آموزش دانشگاه علوم پزشکی شیراز بر تعالی آموزشی دانشجویان این دانشگاه".....۲۵۰

نویسندگان: محمد اسمعیل قربانی نژاد، میترا امینی، علی شرف خواه، روژین بدیعی، مریم پنجه شاهین

(S.53SO3) بررسی خصوصیات اساتید برتر در زمینه اخلاق از نظر دانشجویان دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید

صدوقی یزد در سال ۱۳۸۸.....۲۵۱

نویسندگان: علی محمد فلاح تفتی، هنگامه زندی، حمیدرضا دهقان، مهران کریمی، محمد رضایی صدرآبادی، ساناز زند

Comparing the effect of emergency medicine internship course on promoting (S.53SO4)

interns' knowledge, attitude, skills and self-assessment in Iran.....۲۵۱



دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

فصلنامه علمی پژوهشی

مطبوعات

نویسندگان: سمانه رمضانی گیوی، پیمان حافظی مقدم، دانشبیدی، عرفان طلب اوینی، حمیدرضا برادران، جلیلی
(S.53S05) بررسی میزان آشنایی دانشجویان پزشکی مقطع علوم پایه با EDC و نقش و عملکرد آن در پاسخگویی
آموزشی.....۲۵۲

نویسندگان: امیدحسینی اکبریه، میلاد انوری، محمدرضا جمعه زاده
(S.53S06) تبیین مفهوم استرس در محیطهای آموزشی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی.....۲۵۳

نویسندگان: فاطمه مهرآور، اکرم ثناگو، لیلا جویباری
(S.53S07) تحلیل وظایف و تعیین نیازهای آموزشی اعضای هیئت علمی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان...۲۵۴
نویسندگان: مریم آویژگان، آتوسا اسماعیلی، پروانه نصری، مرضیه حسینی
(S.53S08) بررسی نظرات دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در ارتباط با فرآیند استاد راهنمای آموزشی
دانشجویان پزشکی.....۲۵۵

نویسندگان: سلیمه سیروس، محمدرضا صبری، مهدی نعمت بخش، وحید عشوریون، پردیس ادهمیان

محور: رهبری و مدیریت

(S.66S01) مطالعه روند مقالات آموزش علوم پزشکی توسط کشورهای منطقه مدیترانه شرقی در همایش ها و مجلات معتبر بین
المللی (سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ میلادی).....۲۵۶

نویسندگان: زهرا کریمیان، میترا امینی، جواد کجوری، فرهاد لطفی، علی صادقی حسن آبادی
(S.66S02) مقایسه سطح رضایتمندی دانشجویان از نحوه ارزشیابی دروس اختصاصی مقطع علوم پایه پزشکی با شیوه های مختلف
ارزشیابی پایان ترم در دانشگاه های علوم پزشکی کشور ۲۵۷
نویسندگان: زهرا نیک فرجام، تکتیم مسعودی

(S.66S03) بررسی دیدگاه های دانشجویان کارشناسی علوم آزمایشگاهی نسبت به کارآمدی دروس تخصصی در دانشگاه علوم
پزشکی ایران سال ۱۳۸۸.....۲۵۷

نویسندگان: محبوبه مافی نژاد، مریم عبداله زاده، جلیل کوهپایه زاده، حمیدرضا برادران
(S.66S04) نقش رهبری آموزشی در افزایش میزان علاقه و ارتقاء توانمندی دانشجویان در فعالیت در حیطه رشته خود...۲۵۸
نویسندگان: حمیدرضا محدث حکاک، معصومه طاهرپور، علیرضا عباسپور،

ارائه پوستر دانشجویی (Poster Presentation)

محور: آموزش و یادگیری الکترونیک

(S.12SPos.1) بررسی جامع دانش، نگرش و مهارت دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد به یادگیری از طریق
نظام الکترونیک.....۲۵۹

نویسندگان: زهرا نیک فرجام، تکتیم مسعودی
(S.12SPos.2) یادگیری مشارکتی در یک درس الکترونیکی از دوره ارشد آموزش پزشکی از راه دور ۲۶۰
نویسندگان: شیما طباطبایی

(S.12SPos.3) بهبود آموزش و یادگیری دروس علوم تشریحی از طریق ارتقای مهارت های نوشتاری.....۲۶۰
نویسندگان: محمد غراوی

(S.12SPos.4) بررسی نیازها و مهارت های تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات ICT در دانشجویان رشته پرستاری دانشگاه علوم
پزشکی اصفهان.....۲۶۱

نویسندگان: سید امیرعلی فاطمی، شیوا حسینی فولادی
(S.12SPos.5) چالش سازمان ها در اجرای آموزش الکترونیک به عنوان آموزش مادام العمر دانش آموزان دانشگاهی...۲۶۲
نویسندگان: شیما عابدی مدیسه، محمد رحیمی مدیسه، سمیه عابدی مدیسه

محور: آموزش جامعه‌نگر، پاسخگو و آینده

(S.13SPos.1) بررسی دیدگاه کارآموزان و کارورزان دانشکده پزشکی اصفهان در ارتباط با کیفیت آموزش پزشکی جامعه‌نگر

(COME) در سال ۱۳۸۶.....۲۶۳

نویسندگان: شیوا حسینی، سید امیر علی فاطمی

(S.13SPos.3) بررسی رضایت‌مندی کارآموزان و کارورزان بالینی رشته پزشکی دانشگاه آزاد نجف آباد اصفهان از فرایندهای

آموزشی در عرصه‌های مختلف (درون بیمارستانی و درون جامعه) در سال ۱۳۸۶.....۲۶۴

نویسندگان: سید امیر علی فاطمی، شیوا حسینی فولادی

(S.13SPos.4) دانشجوی پاسخگو.....۲۶۵

نویسندگان: پرستو نعمت‌اللهی، فرناز سادات جوانمردی، محمد اسمعیل قربانی نژاد، پگاه جهانی، محمد رضا بازرگانی، علی شرف

خواه، احسان کریمی، مسعود ابولوردی، میترا امینی

(S.13SPos.5) آیا دانشجویان پرستاری به سمت پاسخگویی و آماده شدن برای آینده هستند؟.....۲۶۶

نویسندگان: مریم ملاح، عمار عباسی، محمدزمان مجنونی، دکتر اکرم ثناگو، دکتر لیلا مهستی جویباری

(S.13SPos.6) دانشجوی آینده و پژوهش: بررسی موانع پیش روی پژوهش دانشجویی از دید دانشجویان دانشکده پزشکی

شیراز.....۲۶۷

نویسندگان: علی شرف خواه، میترا امینی، محمد اسمعیل قربانی نژاد، فرناز سادات جوانمردی، درنا فانی

محور: مدیریت، رهبری و بهره‌وری در آموزش علوم پزشکی

(S.26SPos.1) بررسی اهمیت ویژگی‌های یک رهبری توانمند در آموزش پزشکی از دیدگاه دانشجویان پزشکی ایلام.....۲۶۸

نویسندگان: فاطمه نصیری، پریسا مجیدی

(S.26SPos.2) ارتباط سبک‌های رهبری با رضایت شغلی در پرستاران شهر کرمان.....۲۶۸

نویسندگان: مریم مرتضوی

(S.26SPos.3) بررسی راهکارهای افزایش بهره‌وری آموزشی از دیدگاه دانشجویان پرستاری و مامایی دانشکده پرستاری و مامایی

شهرکرد در سال ۱۳۸۸.....۲۶۹

نویسندگان: فاطمه نادری بنی، محمد رحیمی مدیسه، دکتر معصومه معزی

(S.26SPos.4) بررسی شاخص‌های مهارت گوش دادن فعال (active listening skill) رهبران آموزشی، به منظور تدوین

چک لیست ارزیابی مناسب این مهارت.....۲۷۰

نویسندگان: مریم علیزاده، مهسا شکور

(S.26SPos.5) بررسی کیفیت معیار «مدیریت فرآیند» در حوزه آموزش بیمارستان بقیه الله بر اساس مدل تعالی مالکولم بالدریج در

سال ۱۳۸۸.....۲۷۱

نویسندگان: محمد صالح فلاح، دکتر شهرام توفیقی، مجتبی خواجه آزاد

(S.26SPos.6) مدیریت دانشگاهی و پاسخگویی؛ ضرورت استقلال و آزادی علمی.....۲۷۲

نویسندگان: زهرا کریمیان، جواد کجوری، فرهاد لطفی، میترا امینی

(S.26SPos.7) بررسی تاثیر ارائه طرح درس توسط اساتید بر بهره وری آموزشی از دیدگاه دانشجویان مقطع علوم پایه پزشکی در

دانشگاه علوم پزشکی مشهد.....۲۷۳

نویسندگان: میلاد انوری، امید حسنی، محمدرضا جمعه زاده

(S.26SPos.8) بررسی نگرش دانشجویان پزشکی و فارغ التحصیلان پزشکی در مورد کاربردهای کامپیوترهای جیبی در پزشکی؛

یک مطالعه کیفی.....۲۷۳

نویسندگان: آیدین پرنیا، دکتر پیام کبیری، حسام الدین خدادادی، دکتر مجید احسن، دکتر امیر مومنی

(S.26SPos.9) ارزشیابی مدیریت آموزشی دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی رشت.....۲۷۴



نویسندگان: مینو میترا چهرزاد، عاطفه قنبری، پروانه رضا سلطانی، مجید پورشیخان، افسانه پاشا، کبری سلامی کهن

محور: آموزش اثربخش

- (S.27SPos.1) بررسی تطابق سرفصل‌ها و کمیت و کیفیت فعالیت دانشجویان بخش پروتز دانشکده دندانپزشکی قزوین با دانشجویان در سال ۱۳۸۸.....۲۷۵
- نویسندگان: فاطمه جوادی، شراره قاسمی
- (S.27SPos.2) مقایسه سه روش سخنرانی، سخنرانی همراه با پرسش و پاسخ و یادگیری براساس حل مسئله در آموزش دروس اختصاصی علوم پایه پزشکی از دیدگاه دانشجویان دانشکده پزشکی مشهد.....۲۷۶
- نویسندگان: تکتب مسعودی، زهرا نیک فرجام
- (S.27SPos.3) تغییر در جو آموزشی: نیاز دانشجویان علوم پزشکی.....۲۷۶
- نویسندگان: فاطمه مهرآور، لیلا مهستی جویباری، اکرم ثناگو
- (S.27SPos.4) بررسی عوامل مؤثر بر تمرکز در کلاس از دیدگاه دانشجویان.....۲۷۷
- نویسندگان: محسن پورعزیزی، حمید شاهین‌فر، رونا ز نیکخواه، راهب قربانی، شیدا ذوالفقاری، سمیرا مهرعلیزاده
- (S.27SPos.5) بررسی دروس پایه و تخصصی دوره کارشناسی ارشد رشته مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی و ارائه الگوی پیشنهادی.....۲۷۸
- نویسندگان: روح الله قائد امینی، فاطمه عزیزیان، طه نصیری، شهرام توفیقی
- (S.27SPos.6) بررسی عوامل مؤثر بر حضور و عدم حضور در کلاس‌های درس نظری از دیدگاه دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی چهارم در سال ۱۳۸۷.....۲۷۹
- نویسندگان: محمد یاسین کرمی، آیدا امانت، عبدالرضا ستوده چهرمی
- (S.27SPos.7) بررسی بیشترین موارد دروس مردودی و ترم‌های مشروطی و تعیین عوامل مؤثر بر افت تحصیلی دانشجویان رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه.....۲۸۰
- نویسندگان: رضا سالم صافی، پیمان میکائلی، پرویز سالم صافی، دکتر سید جواد موسوی، میرحجت ربیحانی
- (S.27SPos.8) ارزیابی میزان مهارت بالینی کارورزان دانشکده پزشکی تبریز در شرایط اورژانس.....۲۸۰
- نویسندگان: کمال نصیری پرتوی، الهام اللهیاری
- (S.27SPos.9) بررسی سنجش و ارزشیابی آموزش پزشکی الکترونیکی بر اساس مدل Rodric Sims.....۲۸۱
- نویسندگان: شیوا حسینی، سید امیر علی فاطمی
- (S.27SPos.10) Development of a valid and reliable questionnaire to assess interns' attitudes toward emergency medicine issues.....۲۸۲
- نویسندگان: سمانه رضانی، جلیلی، حافظی مقدم، دانشبدی، محسن عباسی، حمیدرضا برادران

محور: آموزش مادام العمر

- (S.40SPos.1) مهم‌ترین عوامل مؤثر در یادگیری درس آناتومی از دیدگاه دانشجویان پزشکی.....۲۸۳
- نویسندگان: سید مصطفی پورحسینی، رونا ز نیکخواه، شیدا ذوالفقاری، راهب قربانی، سمیرا مهرعلیزاده
- (S.40SPos.2) بررسی کیفیت معیار «تمرکز بر دانشجویان» در آموزش بیمارستان بقیه الله براساس مدل تعالی مالکولم بالدربج در سال ۱۳۸۸.....۲۸۳
- نویسندگان: محمد صالح فلاح، دکتر شهرام توفیقی
- (S.40SPos.3) تنوع سبک‌های یادگیری و عوامل مؤثر بر آن در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ایلام.....۲۸۴
- نویسندگان: منیره محمد حسن نهال، هادی پیمان، الهام قیصر بیگی، مرضیه عزیزیان فر، امینه زریان، جمیل صادقی فر، دکتر علی دل‌پیشه

- (S.40SPos.4) بررسی شیوه‌های موثر بر یادگیری درس فارماکولوژی از دیدگاه دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند (گامی در جهت تعالی آموزشی).....۲۸۵
- نویسندگان: عاطفه رضایی، زهره نصیری مقدم، سارا طاهری بجد، غلامرضا شریف زاده، آذر خزایی، محسن ناصری
- (S.40SPos.5) بررسی عوامل مؤثر در روند یادگیری و خود ارزیابی دانشجویان پزشکی دانشکده پزشکی شیراز.....۲۸۶
- نویسندگان: فرناز سادات جوانمردی، پرستو نعمت‌اللهی، محمد اسمعیل قربانی‌نژاد، محمد رضا بازرگانی، میترا امینی
- (S.40SPos.6) بررسی ارتباط ارزشیابی آموزشی و انگیزه مطالعه و یادگیری در دانشجویان پزشکی مقطع علوم پایه دانشگاه علوم پزشکی مشهد.....۲۸۶
- نویسندگان: امید حسنی اکبری، میلاد انوری، محمدرضا جمعه زاده، دکتر سید رضا موسوی
- (S.40SPos.7) عوامل مؤثر بر مشروطی دانشجویان رشته پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی ارومیه.....۲۸۷
- نویسندگان: رضا سالم صافی، میکائلی، میرحجت ریحانی، پرویز سالم صافی، اکرم اکبری
- (S.40SPos.8) ارزشیابی محیط آموزشی دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی رشت.....۲۸۸
- نویسندگان: مینو میترا چهرزاد، عاطفه قنبری، مجید پورشیخان، افسانه پاشا، کبری سلامی کهن، پروانه رضا سلطانی
- (S.40SPos.9) بررسی ارتباط افسردگی و موفقیت تحصیلی در بین دانشجویان پسر دانشگاه علوم پزشکی ایلام ۱۳۸۸.....۲۸۹
- نویسندگان: یوسف رجبی، محمد سپهوند، امیر عبدالکریمی، سجاد علیزاده، فرناز سهیلی، معصومه چراغی
- (S.40SPos.10) بررسی میزان دانش، نگرش و عملکرد مدیران بیمارستان‌های وابسته به دانشگاه علوم پزشکی اصفهان پیرامون کاربرد رایانه و آموزش الکترونیکی در کیفیت مدیریت نظام سلامت.....۲۸۹
- نویسندگان: شیوا حسینی، سید امیر علی فاطمی

محور: آموزش علوم پایه و بالینی

- (S.41SPos.1) بررسی گزارش وضعیت بیماران بستری در هنگام خاتمه کار در بخش داخلی مرکز آموزشی و درمانی امام رضا (ع) توسط کارآموزان.....۲۹۰
- نویسندگان: اتابک اسودی کرمانی، سوسن کلاهی، مهرزاد حاجعلیلو، تورج اسودی کرمانی
- (S.41SPos.2) بررسی عوامل مؤثر بر حضور دانشجویان مقطع علوم پایه دانشکده‌ی پزشکی تبریز و سنجش در کلاس‌های درس.....۲۹۱
- نویسندگان: امیر کمالیفر، مهستی علیزاده، نیما اسماعیل نسب
- (S.41SPos.3) بهره‌وری آموزش بالینی با مدیریت کیفیت فراگیر (TQM): راه کار.....۲۹۱
- نویسندگان: آمنه محمدپور ارمنیان، حمیده نوری اصل
- (S.41SPos.4) بررسی نقد فرآیند تفکر انتقادی با رویکرد تصمیم‌گیری بالینی، چالش‌ها و راهکارها.....۲۹۲
- نویسندگان: فریبا عسگری، هاجر محبوب مؤدب
- (S.41SPos.5) بررسی کیفیت معیار «برنامه‌ریزی استراتژیک» در آموزش بیمارستان بقیه الله بر اساس مدل تعالی مالکولم بالدريج در سال ۱۳۸۸.....۲۹۳
- نویسندگان: محمد صالح فلاح، دکتر شهرام توفیقی، مجتبی خواجه آزاد
- (S.41SPos.6) خود ارزیابی دانشجویان مامایی دانشگاه علوم پزشکی ایلام از سطح مهارت‌های بالینی خود در سال ۱۳۸۸.....۲۹۳
- نویسندگان: الهام قیصریگی، مرضیه عزیزیان فر، هادی پیمان، امینه زریان، منیره محمد حسن نهال، جمیل صادقی فر، علی دل‌پیشه
- (S.41SPos.7) بررسی سطح آگاهی دانشجویان پزشکی مقطع استیودنتی دانشگاه علوم پزشکی شیراز نسبت به شخصیت حرفه‌ای یک پزشک در محیط کار.....۲۹۴
- نویسندگان: پرستو نعمت‌اللهی، احسان کریمی، فرناز سادات جوانمردی، امیر حسین کریمی میترا امینی
- (S.41SPos.8) بررسی مقایسه‌ای دیدگاه اساتید و دانشجویان پرستاری در خصوص آموزش بالینی اثر بخش.....۲۹۵
- نویسندگان: یوسف فتح‌اللهی، ابراهیم سلیمی، مریم دارش، محمد بانوی، جمیل صادقی فر
- (S.41SPos.9) مروری بر مدل‌های آموزش‌های بالینی.....۲۹۵



نویسندگان: هنگامه حبیبی، عباس عبادی

(S.41SPos.10) بررسی دیدگاه های دانشجویان پزشکی مقطع کارورزی نسبت به آموزش دروس علوم پایه در دانشگاه علوم

پزشکی ایران سال ۱۳۸۸.....۲۹۶

نویسندگان: محبوبه مافی نژاد، مریم عبدالله زاده، منصوره تقوی نیا، جلیل کوهپایه زاده، زینب بیابانگردی

(S.41SPos.11) چالش های توزیع نیروی متخصص بالینی جهت گذراندن تعهدات قانونی.....۲۹۷

نویسندگان: مینا نجاتی، دکتر رفعت محبی فر، خاطره خوشنام، خاطره اعتصام

محور: آزمون و ارزشیابی

(S.55SPos.1) بررسی تطابق ارزشیابی پیشرفت تحصیلی با هدف های آموزشی دروس نظری تخصصی دوره کارشناسی مامایی در

دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.....۲۹۸

نویسندگان: اشرف کاظمی، سهیلا احسانپور

(S.55SPos.2) بررسی میزان رضایت کارآموزان و کارورزان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان از ارزشیابی مهارت های بالینی

با استفاده آزمون بالینی با ساختار عینی (OSCE) به عنوان یک رویکرد نوین آموزشی.....۲۹۸

نویسندگان: شیوا حسینی، سید امیر علی فاطمی

(S.55SPos.3) مقایسه بهترین شیوه ارزشیابی در دروس اختصاصی مقطع علوم پایه از دیدگاه اساتید و دانشجویان در دانشکده

پزشکی مشهد.....۲۹۹

نویسندگان: زهرا نیک فرجام، تکتیم مسعودی

(S.55SPos.4) بررسی سیستم ارزشیابی رایج در دروس اختصاصی مقطع علوم پایه پزشکی در دانشگاه های علوم پزشکی کشور-

تایستان ۱۳۸۸.....۳۰۰

نویسندگان: تکتیم مسعودی، زهرا نیک فرجام

(S.55SPos.5) بررسی مقایسه ای عوامل مؤثر بر «ارزشیابی دانشجو از استاد» از دیدگاه اساتید و دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی

شهید بهشتی در سال تحصیلی ۸۵-۸۴.....۳۰۰

نویسندگان: رامین همایونی زند، حسین سلمان زاده، جلیل کوهپایه زاده

محور: برنامه ریزی درسی

(S.56SPos.1) مهارت های ارتباطی و حرفه گرایی در ارتباط با بیماران: خودارزیابی دانشجویان علوم پزشکی.....۳۰۱

نویسندگان: نجمه شاهینی، محمد زمان مجنونی، دکتر لیلیا جویباری، اکرم ثناگو

(S.56SPos.2) بررسی عوامل مؤثر در کاهش انگیزه تحصیلی و راهکارهای افزایش آن از دیدگاه دانشجویان دانشکده بهداشت

دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد.....۳۰۲

نویسندگان: رضا شیرانی، مریم زاهدی، شکوفه محمدی، سیده صغری احمدی، دکتر معصومه معزی

The effect of emergency medicine internship course on improving the (S.56SPos.3)

interns' paraclinical tests interpretation skills.....۳۰۳

نویسندگان: مرضیه دانشبدی، سمانه رضانی، پیمان حافظی مقدم، پیمان عرفان طلب

To assess the healthcare professionals' attitude toward diabetes: As an (S.56SPos.4)

outcome for medical schools training curriculum in Iran.....۳۰۴

نویسندگان: سمانه رضانی، حمید ضا برادران، مریم وطنی، دکتر محمد ابراهیم خسته

(S.56SPos.5) آیا دانشجویان سازمان نظام پرستاری را می شناسند؟.....۳۰۵

نویسندگان: سامیه غنا، محمد زمان مجنونی، اکرم ثناگو، لیلا مهستی جویباری

(S.56SPos.6) ارزیابی طرح درس های ارائه شده توسط اساتید دانشگاه علوم پزشکی ایلام در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷...۳۰۶

نویسندگان: اکرم فیضی، محمد بانوی، علیرضا میرزایی، جمیل صادقی فر، مریم دارش، یوسف فتح الهی

محور: استاد توانمند

- (S.68SPos.1) بررسی مهارت ارتباطی اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام در سال تحصیلی ۸۹-۸۸.....۳۰۶ نویسدگان: پریسا مجیدی، فاطمه نصیری
- (S.68SPos.2) بررسی الگوهای استاندارد استاد برتر در زمینه آموزشی در دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد در سال ۱۳۸۸.....۳۰۷ نویسدگان: محمد رضایی صدرآبادی، هنگامه زندی، حمیدرضا دهقان، مهران کریمی، ساناز زند، علی محمد فلاح
- (S.68SPos.3) ویژگی‌های یک استاد توانمند از دیدگاه دانشجویان.....۳۰۸ نویسدگان: امینه زریان، مرضیه عزیزیان فر، هادی پیمان، منیره محمد حسن نهال، الهام قیصر بیگی، جمیل صلدقی‌فر، علی دل پیشه
- (S.68SPos.4) بررسی نظرات دانشجویان در خصوص عملکرد اساتید راهنمای تحصیلی در حل مشکلات آنان.....۳۰۸ نویسدگان: رضا سالم صافی، دکتر پیمان میکائیلی، دکتر سیدجواد موسوی
- (S.68SPos.5) بررسی دیدگاه اساتید راهنمای دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان نسبت به فرایند استاد راهنمای آموزشی دانشجویان پزشکی.....۳۰۸ نویسدگان: سلیمه سیروس، محمد رضا صبری، مهدی نعمت بخش، وحید عشوریون، پردیس ادهمیان

محور: دانشجوی توانمند

- (S.69SPos.1) بررسی نقش آموزش مبانی و اصول اخلاق پزشکی بر میزان توانمندی دانشجویان مقطع استیودنتی دانشکده پزشکی شیراز در مواجهه با موارد اخلاقی.....۳۱۰ نویسدگان: پرستو نعمت الهی، فرناز السادات جوانمردی، محمداسماعیل قربانی‌نژاد، مسعود ابولوردی، میترا امینی
- (S.69SPos.2) بررسی عوامل استرس‌زا و ارتباط آن با سلامت روان در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گرگان.....۳۱۱ نویسدگان: سامیه غنا، محمد قزل، اکرم ثناگو، لیلا مهستی جویباری
- (S.69SPos.3) بررسی ویژگی‌های دانشجوی توانمند از دیدگاه اساتید و دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند.....۳۱۱ نویسدگان: عاطفه رضایی، فرنوش شریفی مود، غلامرضا شریف زاده
- (S.69SPos.4) بررسی مهارت‌های مطالعه در دانشجویان دندانپزشکی شیراز (۱۳۸۷-۱۳۸۸).....۳۱۲ نویسدگان: لادن زرشناس، شهلا مومنی دانایی، الهام مزارعی، هومن ظریف
- (S.69SPos.5) بررسی دیدگاه دانشجویان رشته بهداشت حرفه‌ای درباره وضعیت آموزشی این رشته.....۳۱۳ نویسدگان: احمد عبدالمالکی، مهناز صلحی، علی اصغر فرشاد، مجید فلاحی، فاطمه شاه کرمی

پایان‌نامه‌های دانشجویی (Student Dissertation Report)

- (S.18SR1) بررسی مقایسه‌ای دیدگاه بیماران، دانشجویان بالینی و اعضای هیئت علمی بالینی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بابل در خصوص بیمار محوری در ارتباط پزشک و بیمار با استفاده از پرسشنامه PPOS.....۳۱۴ سخنران: ایمان جهانیان
- (S.18SR2) تبیین درک اعضای هیئت علمی از فرایند آموزش بالینی: مطالعه کیفی.....۳۱۵ سخنران: رقیه گندمکار
- (S.18SR3) تعیین حداقل‌های ضروری یادگیری کارورزان رشته پزشکی در چهار بخش اصلی (داخلی-جراحی-زنان-اطفال) و مقایسه میزان حصول به اهداف در دانشگاه‌های علوم پزشکی اصفهان- چهارمحال و بختیاری و دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد.....۳۱۵ سخنران: مسیح صبوری



- (S.18SR4) بررسی مقایسه‌ای انواع روش‌های ترجیحی یادگیری ادراکی و رضایت دانشجویان پزشکی و دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان (۱۳۸۵).....۳۱۶
سخنران: الهیار نجفی
- (S.18SR5) مقایسه سبک‌های یادگیری دانشجویان سال اول و سال پنجم رشته پزشکی و ارتباط آن با پیشرفت تحصیلی ...۳۱۷
سخنران: اعظم معیاری
- (S.18SR6) مطالعه تطبیقی تکنیک‌ها و مؤلفه‌های مؤثر در نیازسنجی برنامه‌های آموزش مداوم و ارائه راهنمای کاربردی برای انتخاب و به کارگیری هر یک از تکنیک‌های نیازسنجی.....۳۱۸
سخنران: شهلا شهیدی
- (S.18SR7) تأثیر آموزش الکترونیک بر خود مراقبتی بیماران دیابت نوع ۲ مراجعه کننده به مراکز دیابت دانشگاه علوم پزشکی کرمان در سال ۱۳۸۷.....۳۱۸
سخنران: مریم خاندان
- (S.32SR1) بررسی تأثیر استفاده از "بیمار استاندارد" برای ارتقای مهارت گرفتن شرح حال دانشجویان دوره مقدمات پزشکی بالینی.....۳۱۹
سخنران: مریم کریمی نقندر
- (S.32SR2) کیفیت محیط یادگیری دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان از دیدگاه فراگیران بر اساس مدل DREEM.....۳۲۰
سخنران: ثمانه چالاک
- (S.32SR3) بررسی دیدگاه اساتید و کارورزان در مورد وضعیت عرصه آموزش درمانگاهی در بخش‌های بالینی اصلی دانشگاه علوم پزشکی تهران ۸۷-۸۶.....۳۲۰
سخنران: مهدی بیگلر خانی
- (S.32SR4) طراحی ابزار ارزشیابی برنامه درسی دوره علوم پایه از نظر استراتژی‌های درهم تنیدگی و مسأله محوری (راهنمایی برای اجرای عملی).....۳۲۱
سخنران: وجیهه غلامی رنانی
- (S.32SR5) قابلیت تلفیق آموزش اخلاق پزشکی در طول دوره بالینی دانشجویان پزشکی از دیدگاه اعضای هیئت علمی بالینی دانشگاه علوم پزشکی تهران (مطالعه کیفی).....۳۲۲
سخنران: محمد رضا یوسفی
- (S.32SR6) بررسی فرایند یاددهی- یادگیری در درمانگاه‌های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان به منظور پیشنهاد الگوی مناسب تدریس.....۳۲۳
سخنران: رویا ملاباشی
- (S.32SR7) بررسی تفکر انتقادی و تصمیم‌گیری بالینی دانشجویان کارآموز و کارورز پرستاری دانشگاه علوم پزشکی کرمان...۳۲۴
سخنران: مریم کریمی نقندر
- (S.48SR1) تدوین مدل انفرادی سازی ارزشیابی تدریس اعضای هیات علمی.....۳۲۵
سخنران: نیکو یمانی
- (S.48SR2) رهبری در معیارهای آموزشی الگوی بالدریج.....۳۲۶
سخنران: سارا آقابابا
- (S.48SR3) ارزیابی نیازهای دندانپزشکان استان کرمان در مورد محتوای آموزشی برنامه آموزش مداوم در سال ۱۳۸۷...۳۲۶
سخنران: محمد علی نظریان
- (S.48SR4) چالش‌های آموزش پزشکی از دیدگاه دانشجویان.....۳۲۷
سخنران: هومن یزدچی
- (NP1) تأثیر بازاندیشی در شناخت خطای پزشکی.....۳۲۸
نویسنده: نعمت بیلان

- (NP2) بررسی نگرش دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی پزشکی رفسنجان در مورد کیفیت آموزشی درس عفونی.....۳۲۸
نویسندگان: نازنین ضیاء شیخ الاسلامی ، مهرداد فرخ نیا
- (NP3) نظر خواهی از اساتید بالینی در مورد ادغام برخی مطالب پایه در دوره بالینی.....۳۲۹
نویسنده: زهرا بیگم موسوی
- (NP4) آموزش درمانگاهی : نگاهی به واقعیت ها ، کاستی ها و مشکلات موجود از دیدگاه کارورزان دانشکده پزشکی کرمانشاه در سال ۸۸-۸۷.....۳۳۰
نویسندگان: یزدان حمزوی، علی محمد احمدی
- (NP5) بررسی وضعیت مطلوب و موجود برنامه آموزش بالینی پرستاری.....۳۳۱
نویسندگان: حسین کریمی موقی ، فاطمه زوبین ، سید رضا مظلوم ، اکبر درخشان
- (NP6) بررسی عوامل موثر جهت افزایش روحیه آموزشی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی لرستان.....۳۳۲
نویسندگان: محمد زیبایی ، علی خسروبیگی ، علی محمدی
- (NP7) دیدگاه و عملکرد مدرسین برنامه های آموزش مداوم پزشکی تبریز در مورد اصول یادگیری بزرگسالان در سال ۱۳۸۸.....۳۳۲
نویسندگان: مهدی امیرنیا ، فائزه محمدی، مهستی علیزاده ، چنگیز قلیپور ، مرتضی قوجازاد
- (NP8) دیدگاه اساتید در مورد اهمیت سؤالات پرسشنامه ارزشیابی کیفیت تدریس ۳۳۳
نویسندگان: صدیقه جوادپور، سمیره عابدینی ، تیمور آقاملایی
- (NP9) ادغام اورژانسهای جراحی در دوره کارورزی در جهت افزایش کیفیت آموزش طب اورژانس.....۳۳۴
نویسندگان: محمد رضا اخلاقی ، وجیهه وفامهر، محمد دادگستر نیا
- (NP10) گزارش صبحگاهی مبتنی بر بازاندیشی برای دانشجویان پزشکی.....۳۳۵
نویسنده: نعمت بیلان
- (NP11) تاثیر بازاندیشی در تغییر سبک یادگیری.....۳۳۵
نویسنده: نعمت بیلان
- (NP12) نیازهای آموزشی پرستاران شاغل از نظر مدیران پرستاری در بیمارستانهای استان همدان.....۳۳۶
نویسنده: عفت صادقیان
- (NP13) نقش رهبری چشم اندازانه در بهبود عملکرد سیستم های آموزشی.....۳۳۶
نویسندگان: مریم روانی پور، معصومه روانی پور
- (NP14) وظایف، توانائیا و معیارهای سنجش عملکرد معاون آموزشی دانشگاه.....۳۳۷
نویسندگان: رامین سرچمی، علی اکبر ز
- (NP15) بررسی وضعیت مطلوب و موجود برنامه آموزش بالینی پرستاری.....۳۳۸
نویسندگان: حسین کریمی موقی ، فاطمه زوبین، سید رضا مظلوم ، اکبر درخشان
- (NP16) خود ارزیابی عملکرد دانشکده های علوم پزشکی منتخب کشور در طرح تعالی آموزشی علوم پزشکی با استفاده از مدل مالکوم بالدريج.....۳۳۹
نویسندگان: دکتر زهره سهرابی، معصومه فرج الهی
- (NP17) ارزیابی درونی گروههای آموزشی دانشکده بهداشت علوم پزشکی ایران.....۳۳۹
نویسندگان: دکتر محمد رضا وفا، دکتر مهدی فرزادکیا، دکتر میترا غلامی، دکتر شهناز ریماز، مهندس اختر افشاری، دکتر محمد حسین تقدیسی ، دکترمهناز صلحی، دکتر روشنک رضایی کلاتری ، دکتر شهریار اقتصادی، دکتر شهناز بانکد ، مهندس اعظم مقتدری ، دکتر محسن اسدی لاری، دکتر علی اصغر فرشاد
- (NP18) آیا آزمون ارتقاء دستیاران بالینی در سال پنجم بعد از واگذاری به دانشگاه ها به سمت ارتقای کیفیت آن رهبری شده است؟ ۳۴۰
نویسندگان: رامین مصری، داریوش سوادی اسکوئی، سکینه حاج ابراهیمی، یاسر احدى
- (NP19) بررسی مدل رهبری خدمتگزار در آموزش پزشکی.....۳۴۱



داری راه علمی و پژوهشی

فصلنامه علمی پژوهشی

مجله و پژوهش

- نویسندگان: دکتر داریوش سوادی اسکویی، دکتر آذین عزیزاده اصل، مقصود شریفی، آمنه محمدپور ارمنیان، حمیده نوری اصل (NP20) سازماندهی نحوه اجرا و مستندسازی گزارشات صبحگاهی برگزار شده در گروههای آموزشی بالینی دانشکده پزشکی ۳۴۲....
- نویسندگان: داریوش سوادی اسکویی، ابوالقاسم امینی، سعیده غفاریفر، پریناز صحاف (NP21) تحلیل کارایی حوزه معاونت آموزشی دانشگاه های علوم پزشکی ایران ۳۴۲.....
- نویسندگان: دکتر زهره سهرابی، مهدی یوسفی (NP22) سنجش نحوه عملکرد آموزشی یک بیمارستان آموزشی با استفاده از الگوهای تعالی در سال ۱۳۸۶..... ۳۴۳
- نویسندگان: آزاده فاتح پناه، محمد رضا ملکی (NP23) آیا میزان آشنایی و انگیزه دانشجویان از رشته تحصیلی در بدو ورود به دانشگاه تضمین کننده هدایت آنان به سمت تعالی آموزشی است؟: نتایج یک بررسی ۳۴۴.....
- نویسندگان: آقای حیدر آرش، آقای مسلم حسام، آقای سیدضیا عسکری، دکتر اکرم ثناگو، دکتر لیلا جویباری (NP24) اهمیت کاربرد آموزش الکترونیک در درس آناتومی و اثربخشی آن در یادگیری ۳۴۵.....
- نویسندگان: محمدحسن کریم فر، آقای شهرام محمدپور، آقای ابراهیم خرازی نژاد (NP25) راهبردهای مدیریت تغییر در برنامه درسی رشته های علوم پزشکی در عصر تحولات سریع اطلاعات و دانش ۳۴۵....
- نویسندگان: رمضان رحمانی، فاطمه رحمانی، حسن ملکی، یدا.. وهابی، محمد مهدی سالاری، حسن قشونی، بتول نحیر (NP26) بررسی میزان مشارکت اعضای هیئت علمی در تصمیم گیریهای دانشگاهی از دیدگاه مسئولین آموزشی دردانشگاه علوم پزشکی شهرکرد-۱۳۸۸..... ۳۴۶
- نویسندگان: معصومه معزی، دکتر جعفر نصیری، محمد رحیمی، امیر علی ناطق، دکتر بهروز پورحیدر (NP27) پاسخگویی به جامعه، پارادایم جدید آموزش پزشکی ۳۴۷.....
- نویسنده: مصطفی دهقانی پوده (NP28) آیا دانشگاه یک سازمان یادگیرنده است؟..... ۳۴۷
- نویسندگان: رامین سرچمی، پرویز فلاح عابد، علی اکبر زینالو (NP29) بررسی دیدگاه اعضای هیئت علمی در مورد نظارت مدیران گروههای آموزشی بالینی بر انجام برنامه های آموزشی
- نویسندگان: روزیتا حسینی، داریوش سوادی اسکویی، زینب خلیل زاده، حسن جلیلیان، آیدین دهقان زاده، سهیلا مجتبابی، رقیه ماکویی، نگار بناکار..... ۳۴۸

(S.3Kns.1) نشست ۳، سخنرانی اصلی ۱

آموزش علوم پزشکی در هزاره سوم: بیم ها و امید ها

دکتر کامران باقری لنکرانی

استاد دانشگاه علوم پزشکی شیراز، مرکز تحقیقات سیاستگذاری سلامت

پایان دهه اول از هزاره سوم میلادی فرصتی است تا با نگاه به آنچه که در هزاره قبل به دست آمده و با شناخت نقاط ضعف و قوت دستاوردها و همچنین درک الزامات امروزی، آموزش علوم پزشکی را ارتقا داد. بخش مهمی از پیامدهای ارتقا یافته سلامت در هزاره پیشین مرهون ارتقای عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت بوده اند. شناخت این ظرفیت و توانمندی برای استفاده از این عرصه چنانچه در برنامه های آموزشی لحاظ گردد، امکان ارتقای جهشی را در پیامدهای سلامت فراهم خواهد کرد.

در هزاره جدید نظام سلامت با چالش های جدیدی چون تغییرات دموگرافیک تغییر در روند بیماری ها تغییر در نیازها و خواسته ها و حضور پررنگ فن آوری در عرصه سلامت روبروست. آموزش علوم پزشکی باید بتواند دانش آموختگان آتی را برای مواجهه با این مسائل آماده و توانمند سازد. رقابت فزاینده فرصت آموزشی با تحقیقات و خدمات، آموزش با بهره وری بیشتر را ضروری می کند. برای تطبیق با این شرایط و همچنین با توجه به حجم و تنوع بالای مطالبی که فراگرفتن آنها متوقع است، معلمان سلامت در عصر حاضر باید بیش از گذشته آموزش علوم پزشکی را به مثابه یک تخصص فراگیرند و به کار ببندند.

آموزش بین رشته ای، ارتقای محتوای دروس و پوشش مطالب مغفول به ویژه در عرصه پیشگیری و سلامت اجتماعی، انتقال دیدگاه همه جانبه نگر و جامع و مداوم در مراقبت، تغییر در روش های ارزیابی و موثرتر نمودن آنها، ارتقای روند پذیرش دانشجو و تطبیق بیشتر آن با نیازهای فعلی از الزامات ارتقای آموزش علوم پزشکی در روزگار ماست که باید در اصلاحات نظام آموزشی لحاظ گردند.

ادغام آموزش با خدمت و پژوهش امکان هدفمندی و افزایش تأثیر آموزش را به شدت افزایش می دهد و به عنوان یک رویکرد برتر باید تبیین شده و تجارب موجود آن ارتقا یابند. ارتقای سلامت جهان امروز بیش از گذشته محتاج ارتقای نظام آموزش علوم پزشکی است و این رسالتی است که امروز از دانشگاه های علوم پزشکی مورد انتظار است.

(S.3Kns.2) نشست ۳، سخنرانی اصلی ۲

The role of academic leadership in medical education

Professor Janet Grant, London Open University

This lecture draws on the current situation prevailing in the United Kingdom. Nevertheless, general lessons can be drawn about the role of academic leadership in ensuring that medical education serves both professional values and the requirements of the health service and community, as well as ensuring the highest standards of education for students and trainees.

Two factors underpin this role:

- That any profession, including medicine, has an academic dimension. Every doctor has academic characteristics in terms of appreciation of research, understanding of theory, and continuing to keep up to date with new knowledge, as well as being involved with the production of the new generation of doctors.



• That academic doctors, in the form of university faculty, are simultaneously doctors, teachers and researchers. It is their duty to remember all those roles.

• That there is an academic literature building up around medical education – although its messages are still unclear.

This new academic discipline of medical education has arisen over the past two decades. Within this, there are both medical and non-medical faculty. This is both a strength, in terms of the ability of non-medical people to bring academic rigour to the discipline, and a weakness, in terms of their ability to understand fully the nature of medical practice. This is mirrored by the conflicting paradigms of educational and scientific or clinical research which often is a barrier to clinicians' understanding of the academic basis of medical education. . This weakness is compounded in the challenge that doctors face in understanding the concepts and critical processes of education, when approaching the subject at postgraduate level, having not completed the relevant undergraduate degree.

A further issue concerns the developing disjunction between academic medical education and the actual body of practising medical teachers. The implication of this is clearly that all these sectors [clinical and scientific academics, the profession, medical teachers and medical education academics] must work together in synergy to advance medical education to serve its professional and social purposes. So far, this joint working is not very evident and these parts of the academy tend to work in parallel rather than in co-operation. One of the key roles of this academic partnership must be to address the many global moral panics about medical practice and medical education by constantly asking about the evidence base for such concerns and changes, and by highlighting the nature of theory that is applied to this field and either questioning it, rejecting it or establishing its relevance.

(S.3Kns.3) نشست ۳، سخنرانی اصلی ۳

پیشنهاد یک برنامه آموزشی ضروری برای رهبران آموزشی

دکتر الهه ملک‌ان‌راد، دانشیار

دانشگاه علوم پزشکی تهران

رهبری آکادمیک فرآیندی است که طی آن فرد رهبر با تأثیرگذاری بر روی جامعه اطراف خود و بدون توسل به الزام و اجبار و در راستای مصلحت عمومی ایجاد تغییرات مثبت می‌نماید. رهبری آکادمیک با مدیریت تفاوت می‌کند ولی هر دو برای اداره یک محیط آکادمیک به نحو مطلوب ضروری می‌باشند. رهبری آکادمیک نیاز به ویژگی‌های شخصیتی مناسب، هوش اجتماعی و آموزش‌های لازم دارد. در حقیقت رهبران آکادمیک برای موفقیت نیاز به هر دوی nature و nurture دارند. برای دستیابی به برنامه آموزشی برای رهبران آکادمیک، طی کردن شش مرحله کلاسیک برای تدوین برنامه آموزشی ضروری است اما با توجه به تجارب و اطلاعات موجود، با در نظر گرفتن پیامدهای (outcomes) لازم و مورد انتظار از برنامه آموزشی، بیست عنوان زیر به عنوان سرفصل‌های ضروری (core contents) برای رهبران آکادمیک دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور پیشنهاد می‌شود:

۱- رهبری و اصول اساسی رهبری

۲- رهبری آکادمیک، تفاوت‌های رهبری و مدیریت (management)

- ۳- شرایط و ویژگی‌های لازم برای رهبری آکادمیک
- ۴- رهبری درونی (leading the self)
- ۵- چگونگی ارتباط رهبران (leaders) و پیروان (followers)
- ۶- توانمندسازی پیروان (followers' empowerment)
- ۷- مهارت‌های ارتباطی
- ۸- عوامل هوش اجتماعی (emotional intelligence) و راه‌های تقویت آنها
- ۹- راه‌های تقویت خلاقیت
- ۱۰- راه‌های تقویت مهارت‌های تفکر شامل تفکر انتقادی (critical thinking)، تفکر نو (lateral thinking)
- ۱۱- ایجاد تغییر و مدیریت تغییر
- ۱۲- مهارت‌های توانمندی برگزاری جلسات مؤثر و رسیدن به توافق جمع
- ۱۳- مهارت‌های اداره کردن و حل تعارض (conflict resolution) به صورت مؤثر
- ۱۴- مهارت‌های سخنرانی مؤثر
- ۱۵- راه‌های ایجاد انگیزه در گروه‌ها
- ۱۶- مهارت‌های کارگروهی، دینامیک کارگروهی و راه‌های تقویت کارگروهی
- ۱۷- تدوین برنامه‌ریزی استراتژیک
- ۱۸- مهارت‌های لازم برای فراگیری مداوم (constant learning)
- ۱۹- مهارت‌های مذاکره (negotiation)
- ۲۰- مهارت‌های ضروری برای آموزش پزشکی (education essential skills for medical)

(S.47Kns.4) نشست ۴۷، سخنرانی اصلی ۴

Using distance learning to support medical education

Professor Janet Grant, London Open University

This lecture will:

- Define distance learning and offer proof of concept
- Describe the value of distance learning for teachers and learners in medicine
- Describe the qualities of effective distance learning
- Differentiate between distance learning and e-learning
- Offer examples of the student experience of distance learning
- Outline approaches to preparation and production of distance learning courses
- Discuss the role of distance learning in basic and postgraduate medical education
- Show how distance learning can be used to develop the service as well as to educate students and doctors

The lecture will use examples of distance learning courses, as follows:

- Continuing medical education course on HIV-AIDS care: India
- Postgraduate course on diabetes: Bangladesh
- FAIMER-WFME distance learning course for medical education development
- Addis Ababa: Distance learning medical centre [DLMC]

(S.47Kns.5) نشست ۴۷، مقاله اصلی ۵



دانشگاه علوم پزشکی تهران

فصلنامه علمی پژوهشی

مبارزات

Socially Accountable Medical Education (SAME) and academic leadership

Professor John Hamilton,
Emeritus Professor, University of Newcastle, Australia

Abstract

This address will explore the parameters of leadership in medical education, drawing forty years of experience in medical education in several countries and some aspects of the history of medical education.

Individual, institutional and national leadership each play a part, together with systems of accreditation and research in medical education, both qualitative. Recently global networks and partnerships have assisted leadership and co-operation world wide and some of these will be described.

The elements and scope of medical education have changed with time and with closer attention to the needs of society. The hazards of transfer of practice and values from one country to another and the risks of what has been referred to as 'post-colonial hegemony' will be considered together with examples of particularly powerful initiatives arising in developing countries.

The crucial importance of developing students experience and capacity for leadership for academic and educational leaders of the future will be considered.

Social Accountability is an emerging priority for medical education. This presentation will explore its philosophic foundation and its relation to the role and activities of a medical school in response to societal priorities. It will touch upon the aims and outcomes for student learning and professional development, the implication for faculty organization and career development and the means to success.

Success depends on secure cooperation with essential partners: communities, health systems, policy makers, health and welfare professionals and above all students. Given the opportunity, students themselves may be the most effective players in these new developments, gaining the skills for future leadership.

The presentation will be illustrated by specific initiatives in diverse countries with which the presenter has been involved. These will illustrate the practical matters of implementing a International networks for co-policy of social accountability, the benefits and challenges. operation will be reviewed together with implications for accreditation and cross-disciplinary and inter-professional co-operation.

(S.47Kns.6) نشست ۴۷، سخنرانی اصلی ۶

A comprehensive approach to faculty development programmes in Iran: implications for academic development in developing countries

Soleiman Ahmady MD, PhD
Department of Medical Education, Iran University of Medical Sciences

Modern universities achieve institutional goals when faculty members are able to fulfil diverse roles. Faculty development programmes must therefore employ pedagogical principles while guided by institutional needs. In addition faculty development programmes should be aligned with institutional needs. These programmes are less explored systematically from this perspective in developing countries. This presentation examines features that influence faculty development in Iran, where

medical universities have a reformed structure that combines educational and extensive health care responsibilities (Integration of medical education into healthcare services). It analyses managerial and pedagogical approaches applicable to all aspects of faculty development. This provided faculty and administrators with a rigorous and shared understanding of faculty needs, and it revealed the necessity to create professional growth opportunities and accomplish institutional objectives. The present (findings) can contribute in productivity of faculty development programmes and identifies strategies to improve productivity through faculty development.

دانشگاههای امروزی اساتید خود را برای نقشهای متعددی توانمند میکنند تا در تحقق رسالت موسسه خود موفق گردند. بنابراین، در برنامه‌های توانمندسازی (رشد و بالندگی) اساتید باید هم اصول پداگوژی و هم نیازهای موسسه ملحوظ باشد. در کشورهای در حال توسعه کمتر از زاویه نظام مند به اینگونه برنامه‌ها توجه شده است. در این حاضر برخی عوامل دخیل در توانمندسازی اساتید در ایران را، به عنوان موردی از دانشگاههای علوم پزشکی ادغام یافته در نظام سلامت با مسوولیت سنگینتر در خدمات، شرح می دهد. رویکردهای پداگوژیک و مدیریتی در مورد ابعاد مختلف توانمندسازی اساتید تحلیل شده تا به درک بهتر مدیران از ضروریات برنامه‌ها کمک کند. تحقیق حاضر با ارائه استراتژی‌های مناسب می تواند در باروری بیشتر برنامه‌های توانمندسازی اساتید موثر افتد.

(S.47Kns.7) نشست ۴۷، سخنرانی اصلی ۷

آیا واقعاً پایش و ارزشیابی حلقه مفقوده در مدیریت راهبردی در آموزش است؟

دکتر علی اکبر حقدوست

دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی کرمان

مدیریت راهبردی و یا استراتژیک در کلام بسیار شیرین و جذاب است ولی پیاده‌سازی آن در عمل بسیار دشوار می‌باشد. تحلیل ساده‌ای بر شیوه مدیریت آموزش در دانشگاههای کشور نشان می‌دهد که عدم استقرار مدیریت راهبردی به معنای جامع آن ریشه بسیاری از مشکلات است و با تدبیر در این مسیر می‌توان سرعت رشد و تعالی را افزایش داد. اینکه با تغییر مدیریتها گاه در عرصه اجرا سیستم دچار یک زلزله می‌شود، همین که نمی‌توان در عمل ارزشیابی خوبی از مدیریتها به صورت مستند داشت، درد همگانی که از پروژه‌های نیمه تمام در عمق جان همه دست‌اندرکاران آموزش کشور کم و بیش وجود دارد و دهها شاهد عینی دیگر مبین خلا پیاده‌سازی مدیریت راهبری به صورت جامع در آموزش کشور و اختصاصاً آموزش علوم پزشکی است.

اگرچه تنظیم و تدوین برنامه‌های بلند مدت و راهبردی که جامع بوده و ابعاد مختلف فعالیتها را در بر بگیرد یکی از ارکان مدیریت راهبردی است، ولی مفهوم و مصداق چنین مدیریتی بس فراتر از نگارش برنامه است. به همین دلیل است که منتقدان به مدیریت راهبردی در شرایط حاضر کشور به عنوان شاهد همیشه از کتابخانه‌ای شدن اکثر برنامه راهبردی که با زحمت زیاد تنظیم می‌شود و اینکه کمتر کسی به آن نگاه عملیاتی دارد شاکی هستند. اما دلیل چیست؟ چرا کمتر سراغ برنامه‌های بلند مدت می‌رویم و با این رویکرد افق دید کوتاهی را دنبال می‌کنید در حالی که همه به اهمیت آن اذعان داریم؟

بعضی وجود چالشهای غیر مترقبه متعدد در مسیر اجرا را دلیل تمایل به برنامه‌های کوتاه مدت می‌دانند. اما واقعیت آن است که گریز از چالشها و تبدیل تهدیدها به فرصت از مزایای برنامه‌های راهبردی شمرده می‌شود. پس اگر ما در آینده‌نگاری خود دچار اشکال هستیم و برنامه‌های راهبردی خود را بد و نامناسب طراحی می‌کنید به شکلی که حوادث غیر مترقبه را پیش‌بینی نمی‌کند، ایراد از روش پیاده‌سازی مدیریت راهبردی است نه ذات چنین مدلی.

اما چالش مهمتر نبود نگرش درست در مسئولین اجرایی به اهمیت و ارزش برنامه‌ها و مدیریت راهبردی شمرده می‌شود. شاید چنین توجیه‌ای درست باشد و نگرش بدنه اجرایی در عمل و نه در کلام با چنین رویکردی کمتر سخت‌داشته‌باشد، ولی چرا سیستم نمی‌تواند تفکر مناسب را بر بدنه خود تزریق کند؟ آیا همین مدیران در بخشهای خصوصی و یا در خارج از کشور از جمله مدیران موفق در چارچوب مدیریت راهبردی حرکت نمی‌کنند؟



پاسخ از دید نگارنده در یک رمز و نکته ساده نهفته است، کم‌رنگ بودن برنامه مدون برای پایش و ارزشیابی مدیریتهای در سیستم آموزشی کشور. طبیعی است لازمه ارزشیابی درست عملکردها و وزن دادن به آنها داشتن شاخصهایی است که از قبل طراحی شده باشند و این شاخصها فقط در افق اهداف بلندمدت قابل طراحی هستند. تا زمانی که برنامه توسعه‌ای یک دانشگاه چه در بُعد کمی و چه کیفی مشخص نباشد، نمی‌توان مدلی مناسب برای پایش و ارزشیابی آن طراحی نمود و تنها زمانی می‌توان مدل پایش و ارزشیابی عملکرد یک مدیر گروه و حتی یک عضو هیئت علمی را طراحی نمود که ابتدا از قبل مدل پایش و ارزشیابی سطوح بالاتر تبیین شده باشد.

اما وجود برنامه مدون و منسجم پایش و ارزشیابی که نتیجه یک برنامه دقیق راهبردی است، ضامن اجرا شدن برنامه نیز خواهد بود. طبیعی است که هیچ مدیری تمایل ندارد که به عنوان مسئول ناموفق شمرده شود و اگر بداند مبنای وزن‌دهی به عملکرد وی شاخصهایی است که منتج از یک برنامه بلند مدت و راهبردی است، خود را ملزم می‌داند در عمل در چارچوبی عمل کند که افق بلند مدت را هدف قرار داده است.

پس تدوین برنامه‌ای منسجم برای پایش و ارزشیابی در سطوح مختلف آموزش از کلان کشوری گرفته تا سطوح خرد گروه‌های آموزشی هم حاصل یک برنامه راهبردی خواهد بود و هم ضامن اجرایی شدن آن. لذا سزاوار است آن را حلقه مفقوده‌ای دانست که احتمالاً می‌تواند انقلابی در عملکرد مدیریتی آموزش کشور به وجود آورد.

(S.801) نشست: ۸، ارائه شفاهی: ۱

معلم پزشکی در نقش رهبر آموزشی: بررسی کیفی نظرات اساتید دانشگاه علوم پزشکی ایران

دکتر شعله بیگدلی^{*}، دکتر زینب بیابانگردی^{**}، الهام بوشهری^{***}

^{*} استادیار گروه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران

^{**} عضو هیئت علمی دفتر مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران

^{***} دانشجوی دکتری تخصصی آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان

مقدمه: یکی از نقش‌های اثرگذار بر یادگیری فراگیران، نقش رهبری آموزشی معلم است که ویژگی، نوع و وسعت اثرگذاری آن بسیار متنوع برآورد شده است. در تعریف نقش رهبری آمده است که نحوه اثرگذاری رهبر بر فراگیر در قالبی جدا از وظایف حرفه‌ای و مقررات سازمانی یا دانشگاهی و اثرگذاری او بر دیگران، آزادانه و خارج از فشار یا اضطراب سازمانی است. به عبارتی شکل‌گیری بخش قابل توجهی از انگیزه‌ها، رضایتمندی‌های شغلی، الگوگیری‌ها، پیشرفت‌ها و تغییر نگرش‌های ایجاد شده توسط مدرس در فراگیران و همکاران خود، در قالب تعاملات قانونی میسر نیست و تنها در صورت پیروی و الگوگیری از مدرس و راهنمایی وی در قالبی فراتر از مقررات اداری امکان پذیر خواهد بود. این قالب غیر سازمانی همان قالبی است که رهبران در محیط‌های مختلف از جمله محیط‌های آموزشی از آن استفاده می‌نمایند و با وجود شناخته شدن پیامدهای آن بر اطرافیان، نحوه اعمال آن کاملاً شناخته شده نیست.

هدف: این پژوهش به توصیف ویژگی‌های عملکردی معلم در نقش رهبر آموزشی می‌پردازد و در نهایت به ارائه راهنمای چگونگی اعمال رهبری آموزشی موفق می‌پردازد.

روش: اطلاعات با استفاده از روش تحقیق کیفی (پدیدار شناسی) و انجام مصاحبه نیمه ساختاریافته با مدرسین دانشگاه علوم پزشکی ایران گردآوری گردید. مراحل تحقیق بر اساس روش هدایت تحقیق استروبرت (۱۹۹۱) طراحی شد. نمونه‌گیری با روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف (Purposive Sampling) از افراد مهم (Critical Cases) انجام شد و به منظور اشباع داده‌ها تعداد نمونه با استفاده از روش Snowball افزایش یافت. به منظور دستیابی به دقت داده‌ها از دو روش "تأیید مطالب توسط شرکت‌کنندگان" (Member Check) و "بازنگری ناظرین" (External Check) استفاده شد. از کلیه شرکت‌کنندگان پیش از انجام مصاحبه رضایتمندی آگاهانه و مکتوب اخذ گردید و در کلیه مراحل نگارش، تحلیل و گزارش نتایج از نام مستعار برای شرکت‌کنندگان استفاده شد.

یافته‌ها: نتایجی که تا کنون از بازخوانی، دسته‌بندی و بررسی تم‌های مصاحبه‌ها به دست آمده، نشان می‌دهد که حیطه اثرگذاری رهبری آموزشی مدرس به مراتب وسیع‌تر از محدوده کلاس درس است و ارتباط مدرس با همکاران و مدیران را نیز در بر می‌گیرد. در حیطه همکاران و مدیران، عمده‌ترین ویژگی‌های ذکر شده‌ی مربوط به رهبری عبارت است از ارائه‌ی داوطلبانه‌ی اطلاعات و راه‌کارهای مؤثر برای ارتقاء نتایج آموزش و حل مشکلات، در بخش ارتباط با دانشجویان غالباً به صفاتی مانند توانایی ایجاد انگیزه و قدرت حل مسئله اشاره شده است.

بحث و نتیجه گیری: به نظر می‌رسد که تحقق اهداف سازمانی و آموزشی دانشگاه‌ها به همان اندازه که نتیجه تعهد مدرسین به وظایف سازمانی است می‌تواند از تعاملات رهبری ایشان با همکاران و دانشجویان نیز تأثیر پذیرد. لذا شناخت و معرفی نحوه عملکرد مدرسین به عنوان رهبران آموزشی می‌تواند به موثرتر شدن نقش مدرسین در انجام این مهم کمک نماید.

کلیدواژه‌ها: رهبری آموزشی، معلم پزشکی، مطالعه کیفی.

(S.802) نشست: ۸، ارائه شفاهی: ۲

بررسی نظام‌های آموزش پزشکی دوره‌ی پزشکی عمومی و ارایه‌ی چارچوب مفهومی مناسب در کشور

دکتر ژیل شجری*، دکتر اختر جمالی**، دکتر محمد علی محققى***، دکتر محمد اسماعیل اکبری****

* استادیار گروه پزشکی اجتماعی و آموزش پزشکی دانشگاه ایران

** استادیار گروه مدیریت آموزش عالی - واحد علوم و تحقیقات - دانشگاه آزاد اسلامی

*** استاد بخش جراحی دانشگاه علوم پزشکی تهران

**** استاد بخش جراحی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

مقدمه: نظام آموزش پزشکی عبارت است از آموزشی که به منظور تربیت پزشک بوده که در نقاط مختلف دنیا متفاوت است. به طور کلی هر نظام آموزشی در درون بستری قرار دارد و شامل اجزاء درون داد، فرآیند، برون داد و پیامد است. چنانچه طراحی این نظام مبتنی بر چارچوبی مفهومی باشد به گونه‌ای که تعاملات بین اجزاء و عناصر نظام از چیدمانی معنادار برخوردار باشد و روابط بین متغیرهای کمی و کیفی یا ترکیب آنها بر اساس مبانی نظری و پژوهش‌های علمی تعیین شود، از پشتوانه علمی محکمی برخوردار خواهد شد که ضامن ارتقاء مستمر کیفیت آن خواهد بود. نظام آموزش پزشکی دوره پزشکی عمومی کشور ما فاقد این چارچوب مفهومی بوده، لذا هرگونه اصلاح یا تغییری نتیجه مطلوب را عاید نمی‌سازد. هدف این مطالعه، ارائه چارچوب مفهومی مناسب برای نظام آموزشی دوره پزشکی عمومی می‌باشد.

روش: در یک مطالعه توصیفی به صورت پیمایشی بر اساس استخراج ابعاد و مولفه‌هایی از مبانی نظری رویکردها و مطالعات جهانی، بین‌المللی و کشوری در زمینه نظام‌های آموزش پزشکی دوره پزشکی عمومی، طی پرسشنامه‌ای محقق ساخته مشتمل بر ۸۹ گویه، پس از اطمینان از اعتبار و پایایی آن توسط صاحب‌نظران و متخصصین آموزش پزشکی کشور که ۶۵ نفر شناسایی گردیدند، وضعیت موجود نظام آموزش پزشکی دوره پزشکی عمومی مورد بررسی قرار گرفت، داده‌ها با نرم افزار آماری SPSS از طریق آزمون T مستقل و زوج و آزمون تحلیل واریانس ANOVA و ضریب همبستگی پیرسون تجزیه و تحلیل شد و با استفاده از آزمون t مستقل و زوج و آزمون گردشی وری مکس با نرمال نمودن کیزر، عوامل و زیرمولفه‌های مربوط به چارچوب مفهومی مشخص شده و نام‌گذاری گردید.

یافته‌ها: بین وضع موجود و وضع مطلوب نظام آموزش پزشکی دوره پزشکی عمومی اختلاف معناداری وجود دارد ($P < 0/0001$). نتایج تحلیل عاملی ۷ بعد برای نظام دوره پزشکی عمومی را ایجاد کرد که بر اساس ابعاد حاصله و میزان بار عاملی هر بعد، چارچوب مفهومی نام‌گذاری گردید که حاصل آن در دیاگرام شماره ۱ ارائه شده است و نتایج میزان تناسب ابعاد چارچوب مفهومی در دیاگرام شماره ۲ آمده است.

بحث و نتیجه گیری: نظام آموزشی دوره پزشکی عمومی در کشور ما دچار نارسائی‌هایی ناشی از فقدان تعاملات معنادار و متکی بر پشتوانه علمی و مبانی نظری بین ابعاد و مولفه‌های این نظام بوده، لذا هرگونه تلاش در جهت بهبود و ارتقاء کیفیت آن نتوانسته است موثر واقع گردد. بنابراین پیشنهاد می‌شود بر مبنای ابعاد ۷ گانه حاصل از این مطالعه، نظام آموزشی دوره‌ی پزشکی عمومی به بازتعریف خود پرداخته و با تشکیل کمیته‌های مشترک الگوی اجرایی این نظام تدوین گشته، تا بدین وسیله پشتوانه‌ی محکمی جهت ارتقاء مستمر کیفیت نظام فراهم گشته و انطباق مفاهیم نوین و نوآوری‌ها در نظام موجود تحقق پذیرد.

کلیدواژه‌ها: نظام‌های آموزش پزشکی، دوره پزشکی عمومی، چارچوب مفهومی

(S.803) نشست: ۸، ارائه شفاهی: ۳

نقد نظریه مردم سالاری در رهبری آموزشی

میترا قریب^۱، آتوسا قریب^۲، عیسی ابراهیم زاده^۳

* ۱- مربی دانشگاه علوم پزشکی تهران - دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران gharibmi@sina.tums.ac.ir

۲- استادیار دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی - atoosagharib@yahoo.com

۳- دانشیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه پیام نور - ebrahimz@pnu.ac.ir

مقدمه: هر چند مدیریت به عنوان فعالیتی عملی شناخته شده و غالباً گسست بین تئوری و عمل مشاهده می شود، استفاده از تئوریها به عنوان چارچوبی برای تصمیم گیری و فعالیت مدیران آموزشی را قادر می سازد تا با چالش های قرن حاضر مقابله نمایند. مقاله حاضر با نقد مدل رهبری مردم سالار، نقاط قوت و ضعف و امکان کاربرد آن را مورد بحث قرار می دهد.

روش: این مقاله مروری با بررسی منابع مدیریت آموزشی و بانک های اطلاعاتی به توصیف مدل رهبری مردم سالار از جمله شاخص های کلی؛ اهداف، ساختار، محیط و رهبری؛ نقد درونی و کاربرد آن می پردازد.

یافته ها: رهبری مردم سالار از جمله ویژگی های فرهنگ سنتی دانشگاهی بوده و به معنی اشتراک در تصمیم گیری است. این الگو به ایده هایی چون آزادی های فردی آکادمیک، رشته های تحصیلی به عنوان مرجع اصلی، و استقلال دانشگاه ها می پردازد. نقاط ضعف این مدل باعث شده تا مردم سالاری واقعی عملاً در محیط های دانشگاهی مشاهده نشود.

بحث و نتیجه گیری: دانشگاه ها برای حفظ کیفیت آموزشی، مشارکت در تولید علم، کسب رتبه مناسب در دنیا، جلب دانشجویان خارجی و دستیابی به منابع مالی نیاز به تغییر روش های سنتی مدیریت و تطابق با تغییرات دارند. علیرغم تمامی محدودیت های مدل مردم سالار، عدم توانایی پاسخگویی مدل های سنتی به نیازهای آموزشی باعث می شود تا جنبه های مثبت مدل مدیریت مردم سالار مورد توجه قرار گیرد. هیچیک از مدل های مدیریت آموزشی به تنهایی نمی توانند جوابگوی چالش های دنیای آموزش امروز باشند؛ در نتیجه می توان با تعدیل نمودن الگوهای موجود در نظام آموزش عالی که عمده تاً سلسله مراتبی است، به الگویی مناسب با شرایط جامعه دست یافت.

کلیدواژه ها: رهبری آموزشی، نظریه مردم سالاری، دانشگاه

(S.804) نشست: ۸، ارائه شفاهی: ۴

وظایف مدیران دانشگاهی در جهت ارتقاء دستاوردهای آموزشی

رامین سرچمی*، علی اکبر زینالو، پرویز فلاح عابد

* مربی علوم پزشکی قزوین - قزوین، بلوار شهید باهنر، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی sarchami_3000@yahoo.com

مقدمه: هدف اصلی مدیریت آموزشی تسهیل و پیشبرد امر آموزش و یادگیری است که برای رسیدن به این هدف مدیران آموزشی باید وظایف زیر را انجام دهند: برنامه ریزی مشتمل بر تعیین اهداف و تدارک فعالیت ها، امکانات و وسایل؛ سازماندهی مشتمل بر نظم و ترتیب دادن به کار و فعالیت، تقسیم و تکلیف آن به افراد به منظور انجام دادن کار و تحقق هدف های معین و هماهنگی؛ هدایت و رهبری شامل فراگرد اثر گذاری و نفوذ در رفتار اعضای سازمان برای یاری و هدایت آنها در ایفای وظایفشان؛ و نظارت و کنترل شامل فراگرد ارزشیابی عملکرد فردی و سازمانی. هدف از این مطالعه توصیفی تعیین دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین در مورد وظایف رهبران دانشگاهی در جهت ارتقاء دستاوردهای آموزشی در سال ۱۳۸۶ بود.

روش: برای انجام این پژوهش، از پرسشنامه ای با سوالات باز در ارتباط با مشکلات رهبری و مدیریت آکادمیک استفاده شده است. روش نمونه گیری، سرشماری بود و پرسشنامه مورد نظر از طریق ارتباط مستقیم با اساتید و یا از طریق دفتر رؤسای دانشکده ها به ایشان ارائه گردید تا پس از تکمیل به مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی دانشگاه عودت داده شوند. در نهایت، ۱۳۸ پرسشنامه از مجموعه ۴ دانشکده عودت داده شد که مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: محور پاسخ‌های ارائه شده بیشتر در حول موضوعاتی نظیر سوء مدیریت‌ها، فقدان انگیزه و بی توجهی مسئولین، وجود ارتباطات نامناسب بین گروه‌های مختلف، سیستم گزینش نامناسب اعضاء هیأت علمی، سیستم ارتقاء نامناسب، وجود شرایط کاری ضعیف، حجم کاری زیاد، و نیز برخی گلایه‌های شخصی بودند.

بحث و نتیجه‌گیری: حمایت مدیران دانشگاه برای ایجاد تحول در آموزش و تدریس، بدیهی است و بدون وجود چنین حمایت‌هایی نمی‌توان از اساتید توقع ارائه فعالیت‌های کیفی را در راستای اعتلای آموزش در دانشگاه داشت. از سوی دیگر شرایط مناسب به لحاظ امکانات و فضاهای آموزشی، فرصت‌های آزاد برای حرکت‌های خارج از برنامه‌های آموزشی مقرر، و نیز هدایت رویه‌های اجرایی و مدیریتی و نیز رهبری علمی دانشگاه جز ضرورت‌هایی است که باعث ارتقاء انگیزه اساتید و دانشجویان به سوی هدف مشترک «آموزش-پژوهش-خدمات اجتماعی برتر» می‌گردد. بنابراین لازم است مدیران و رهبران دانشگاهی برای این جایگاه‌ها تربیت شوند.

کلیدواژه‌ها: مدیریت آموزشی، رهبری، دانشگاه، آموزش، عضو هیئت علمی

(S.805) نشست: ۸، ارائه شفاهی: ۵

مدیریت دانش پژوهی آموزشی در دانشگاه با استفاده از نظرات اعضاء هیات علمی

دکتر اکبر درخشان*، دکتر عباس مکارم**، آرش بیرقی طوسی***

*دانشیار دانشگاه علوم پزشکی مشهد

**استاد دانشگاه علوم پزشکی مشهد

***استادیار دانشگاه علوم پزشکی مشهد - مشهد-خ دانشگاه-دانشگاه علوم پزشکی مشهد-ساختمان قریشی

beiraghia@mums.ac.ir

هدف از دانش پژوهی آموزشی قدم برداشتن به سمت مستند سازی، ارزیابی دقیق و منصفانه و امتیازدهی فعالیت های نوآورانه و دانش پژوهی اعضاء هیات علمی در زمینه آموزش علوم پزشکی است. این امر بدون مدیریت صحیح و توجه به نظرات اعضاء هیات علمی محقق نخواهد شد. هدف کلی: ارتقاء کمی و کیفی فعالیت های دانش پژوهی اعضاء هیات علمی دانشگاه. اهداف اختصاصی: ۱- ایجاد انگیزش و توانمند سازی اعضاء هیات علمی دانشگاه جهت انجام فعالیت های دانش پژوهی آموزشی ۲- ارزیابی قدم به قدم و ترغیب کننده مدارک دانش پژوهی آموزشی اعضاء هیات علمی جهت حساسیت زدائی آنها ۳- توانمند سازی مسئولین اجراء و ارزیابی کننده فعالیت های دانش پژوهی آموزشی روش کار: پس از شناسایی افراد مطلع و علاقمند به فعالیت، جلساتی برای ۱- تبادل نظر بین همکاران در مورد مفهوم دانش پژوهی ۲- طراحی کارگاه های آموزشی ۳- سیاست گذاری نحوه اجرای آیین نامه دانش پژوهی ۴- نحوه پایش نتایج برگزار گردید. برگزاری کارگاه ها و نظر سنجی از شرکت کنندگان با برگزاری کارگاه پایلوت دانش پژوهی آموزشی و نحوه ارزشیابی آن برای اعضاء دفاتر توسعه آموزش دانشکده های مختلف آغاز گردید. کمیته دانش پژوهی و شورای مشورتی تشکیل شدند و فرآیندی جهت ارائه مشاوره به اعضاء هیات علمی، کسب نظرات ایشان و دادن بازخورد به آنها طراحی گردید. نظرات ارائه شده بررسی شده و با تبادل نظر با صاحب نظران، راه های حساسیت زدایی، نحوه پاسخ دهی مناسب به ایرادهای وارده در بررسی مدارک و تغییرات مورد نیاز در برنامه کارگاه ها مشخص می شدند. نتایج: - فعالیت های دانش پژوهی آموزشی کوتاه مدت با کیفیت نسبتا خوب توسط اعضاء هیات علمی ارائه گردید (۲۰ مورد). ۸ کارگاه دانش پژوهی (۴۰ ساعت) برگزار گردید. در کارگاه های اولیه نقش های اعضاء هیات علمی به بحث گذاشته شده و در قالب مثالهایی ضرورت دانش پژوهی مطرح می شد. در پایان کارگاه ها، شرکت کنندگان (عمدتاً مسئولین و اعضاء کمیته ها و دفاتر توسعه آموزش) آشنایی با دانش پژوهی را امری ضروری دانسته و علاقمند به شرکت در کارگاه های تکمیلی بودند به طوری که یکی از کارگاه ها (برای اعضاء کمیته منتخب دانشکده ها) ۴ روز ادامه یافت. با توجه به بازخوردهای ارائه شده، کارگاه ها برای اعضاء هیات علمی متقاضی ارتقا بصورت فشرده تر و با بیان تفاوت های آیین نامه قدیم و جدید ارتقا و نحوه عملی ارائه فعالیت های دانش پژوهی با ارائه کارهای گروهی برگزار گردیدند. با ارائه مشاوره ها، واکنش های منفی اعضاء هیات علمی کاهش یافته و اعضاء هیات علمی که در ابتدا مخالف این موضوع بودند نیز فعالیت های ارزشمندی را ارائه دادند. تعدادی از اعضاء هیات علمی اظهار داشتند که قبلا فعالیت های دانش پژوهی داشته اند ولی راهی برای ارائه آنها وجود نداشته است. فرهنگ فعالیت های مشارکتی و به مشورت گذاشتن فعالیت های با ارزش آموزشی با همکاران گروه و در نتیجه ایجاد تحرک در روند آموزشی گروه ها تقویت گردید. بحث: با مدیریت مناسب می توان دانش پژوهی آموزشی را در دانشگاه گسترش داد.

**کلیدواژه‌ها:** دانش پژوهی آموزشی، مدیریت و رهبری آموزشی

(S.901) نشست: ۹، ارائه شفاهی: ۱

ابزارهای مدیریت از دیدگاه امام علی (ع)زهره فرح نژاد^۱، پروین زارعیان^۲

۱- دکترای دانشگاه علوم پزشکی ارتش EDO zfarahnejad@yahoo.com

۲- دکترای دانشگاه علوم پزشکی ارتش zareianparvin2009@yahoo.com

مقدمه: موفقیت سازمان در تامین هدف و انجام مسئولیت‌های اجتماعی‌اش تا حد بسیار زیادی به مدیران آن بستگی دارد. اگر مدیران وظایف خود را به نحو عالی انجام دهند سازمان به هدف‌هایش می‌رسد و می‌توان به توسعه مطلوب رسید. از نظر استرلینگ لوئیگ مدیران موفق سه ویژگی دارند. احساس نیاز به مدیریت، احساس نیاز به قدرت و احساس نیاز به هم‌دردی. هدف مطالعه حاضر بررسی خصوصیات یا عوامل اصلی موفقیت مدیر از نظر دیدگاه امام علی (ع) است.

یافته‌ها: از دیدگاه امام علی ابزارهای موفقیت یک مدیر عبارت‌اند از: ۱- سپردن اجرای کارها به نیروهای قوی، متعهد و با فضیلت ۲- داشتن سعه صدر در برخورد با مشکلات و نظرات مخالف ۳- برنامه‌ریزی و اندیشیدن قبل از اجرای کارها و فعالیت‌ها ۴- تعیین مدیران با تجربه برای واحدها و سازمان‌های تحت نظارت خود ۵- مشورت با صاحب نظران، مسئولان و کارکنان تحت نظارت خود و استفاده از نظرات ارزشمند آنها ۶- ارتباط مستمر با نیروهای تحت نظارت خود ۷- داشتن سجایای اخلاقی مانند فروتنی، مهربانی و خوشرویی و نداشتن کبر و غرور ۸- پرداختن به اهداف اصلی سازمان تحت نظارت و واگذار کردن امور جزئی به افراد تحت نظارت ۹- استفاده از شیوه تشویق و تنبیه برای افزایش انگیزه کار در بین کارکنان و بهبود امور

کلیدواژه‌ها: مدیریت، دیدگاه امام علی (ع)

(S.902) نشست: ۹، ارائه شفاهی: ۲

رهبری آموزشی، مروری بر کلیات و تبیین مفاهیم

پروین رضایی*

* کارشناسی ارشد دانشگاه علوم پزشکی کرمان p.rezail@gmail.com

سابقه مدیریت را به تاریخ پیدایش حیات و به‌ویژه حیات اجتماعی انسانها نسبت می‌دهند. رهبری نیز از جمله تعبیری است که هم-زمان با تعاریف متعدد و متکثر مدیریت، در این حوزه نمود یافته است. مدیریت اگر چه هنر یا دانش لازمه اداره سازمان‌ها دانسته شده است اما بی‌تردید آنچه سازمان‌های موفق را از سازمان‌های ناموفق باز می‌شناسد، موضوعی به نام رهبری است. به تعبیر استاگدیل (۱۹۸۱) و ارنولد و فلدمن (۱۹۸۶)، رهبری مفهوم پیچیده‌ای است که به تعداد پژوهشگران درباره آن، تعریف ارائه شده است و شاید به همین دلیل است که تبیین دقیق این مفهوم، به ویژه در حوزه های غیر علوم انسانی از جمله پزشکی و به‌ویژه آموزش پزشکی، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. با وجود تفاوت و تکثر تعاریف ارائه شده و نظر به اهمیت ویژه این موضوع، ارائه اجماعی از نظرات صاحب‌نظران در این حوزه، لازم به نظر می‌رسد. این مقاله با بررسی تعاریفی که صاحب‌نظران مختلف از جمله تانن بام (۱۹۵۹)، دفتر مطالعات اوهاییو (۱۹۴۵)، استاگدیل (۱۹۸۱)، هامپ شن (۱۹۸۱)، داتری و ریکس (۱۹۸۴)، ارنولد و فلدمن (۱۹۸۶)، مینتزربرگ (۱۹۸۹)، دوبرین و همکاران (۱۹۸۹)، کوت (۱۹۹۰)، هرسی و بلانچارد (۱۹۹۶)، تری (۱۹۹۹)، ایگری (۲۰۰۰)، هارتورگ و کوپمن (۲۰۰۱)، مدسن (۲۰۰۱)، استون سون و همکاران (۲۰۰۴) و طوسی (۱۳۷۰) از رهبری ارائه داشته اند، به تبیین این تعریف و تعیین وجوه تمایز و افتراق آنها پرداخته و زوایای مختلف این تعریف را مورد کاوش قرار داده است.

کلیدواژه‌ها: رهبری آموزشی، دانشگاه، مفاهیم

رابطه هوش هیجانی با عملکرد مدیران در سازمان‌های بهداشتی- درمانی و خدماتی دانشگاه علوم پزشکی تبریز سال ۱۳۸۸

- پریسا گل عنبر^۱، فریبا سالک^۲، کتایون نسیمی^۳، دکتر سوسن حسن زاده سلماسی^۴
- * ۱- کارشناس آموزش مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی تبریز medical.seo@gmail.com
- ۲- کارشناس پژوهش مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی تبریز
- ۳- کارشناس آموزش مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی تبریز
- ۴- مسئول دوره‌های آموزشی مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی تبریز

مقدمه: مدیریت مهم‌ترین دلیل تحولاتی است که امروزه بشر در همه زمینه‌ها شاهد آن است، و جایگاه مدیران به‌عنوان هدایت‌گران اصلی سازمان‌ها برکسی پوشیده نیست. شکی نیست که سازمان‌های موفق نیاز به مدیران کارآمد دارند که در انتخاب آنان معیارهای مختلفی در نظر گرفته می‌شود، امروزه یکی از معیارهایی که به‌عنوان مهارتی اجتماعی برای موفقیت در جوامع تعریف شده و متغیرهای مختلفی به آن نسبت داده شده پدیده هوش هیجانی است که می‌تواند شکل تکامل یافته‌ای از توجه به انسان باشد. هدف از این پژوهش بررسی رابطه هوش هیجانی با عملکرد مدیران است.

روش: در این مطالعه تحلیلی ۳۰ مدیر میانی دانشگاه علوم پزشکی تبریز مورد بررسی قرار گرفته‌اند. جمع آوری داده‌ها برای تعیین میزان EQ با استفاده از پرسشنامه معتبر bar-on و ارزیابی عملکرد مدیران با استفاده از پرسشنامه طراحی شده (آلفا=۰/۹) و با نظر خواهی از کارمندان‌شان با پرکردن حدود ۶۰ پرسشنامه با مقیاس لیکرت و آنالیز داده‌ها با نرم افزار SPSS انجام شد.

یافته‌ها: با توجه به به‌کارنرفتن آزمون هوش هیجانی برای انتصاب این مدیران، حدود ۴۷/۷٪ دارای EQ عالی و ۵۲/۶٪ دارای EQ خوب بوده‌اند که نشانگر بروز شایستگی‌های فردی و نمود خارجی عمل کرد مطلوب است، در افراد مورد مطالعه که EQ خوب را نشان داده‌اند، ۲۰٪ عمل کرد متوسط و ۳۰٪ عمل کرد خوب و ۵۰٪ عمل کرد عالی داشته‌اند و در افراد با EQ عالی، ۲۲/۲٪ عمل کرد متوسط و ۲۲/۲٪ عمل کرد خوب و ۵۵/۶٪ عمل کرد عالی داشته‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری: با وجود رابطه مثبت، همبستگی معنی داری بین EQ و عملکرد مشاهده نگردید و نتایج نشانگر تاثیر عوامل محیطی و درونی فراوانی روی عمل کرد مدیران می‌باشد که نیاز به بررسی همه جانبه را نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: هوش هیجانی، عملکرد مدیران

روابط انسانی مدیران آموزشی و اساتید در دانشگاه‌ها

لیدا فتاحی زاده^۱، سعید حاجی آقاجانی^۲

- * ۱- کارشناس مسئول برنامه‌ریزی و ارزشیابی آموزش دانشگاه علوم پزشکی سمنان fatahi_lida@yahoo.com
- ۲- عضو هیئت علمی و مدیر مرکز مطالعات و توسعه علوم پزشکی سمنان - sa_haji@yahoo.com

مقدمه: یک نظام آموزشی زمانی بازدهی کامل دارد که تمامی دست‌اندرکاران امور با فراهم ساختن محیطی مناسب و کارایی و استفاده هر چه بیشتر از توان و نیروی خود و دیگران در انجام صحیح امور مشارکت نمایند تا شرایطی ایجاد شود که افراد به یکدیگر اعتماد داشته باشند و با اجرای اصول و روابط صحیح انسانی و استفاده از اصل عدل و انصاف به پویایی گروه بیافزایند. تا هر یک از اعضای گروه از کارکردن، تماس و هم‌فکری یکدیگر احساس رضایت و خشنودی نموده و در نهایت به کارایی نظام آموزشی کشور جامه عمل بپوشانند. مسئله روابط انسانی میان مدیر آموزشی و اساتید در ابعاد گسترده آن از اهم مسائلی است که در هر گونه فعالیت آموزشی و پژوهشی چهره می‌نماید. و اثرات مهم آن در ارتقاء سطح آموزش جامعه اجتناب ناپذیر است.

روش: این مطالعه به شیوه مروری و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، جستجو در مقالات و منابع الکترونیکی تدوین شده است.

یافته‌ها: اساتید همانند سایر نیروهای انسانی دیگر مؤسسات، انسان‌هایی با نیازهای متنوع و گاه متضادند. زمانی آنها نقش کلیدی و عملکرد مطلوبی دارند که در محیط کار روابط انسانی صحیح حاکم باشد. پس در دانشگاه‌ها فعالیت و همکاری مؤثر در محیط آموزشی مستلزم وجود روابط انسانی توأم با اعتماد متقابل میان مدیران و اساتید دانشگاه‌ها است. همانند مدیران و گاه فراتر از آنها و در نتیجه هم‌ردیف و گاه بیشتر از کسانی که سطح بالاتری را در سلسله مراتب سازمانی به خود اختصاص داده‌اند، شایستگی و تخصص دارند. این وضع به نوبه خود بر دشواری کار مدیر، که باید بین انسان‌های گوناگونی که هیچ دو نفرشان با هم یکسان نیستند، علاقه و تمایل به کار ایجاد کنند و فعالیت‌هایشان را هماهنگ سازند، می‌افزاید. روابط انسانی در پرتوی برقراری ارتباط (به طور رسمی یا غیررسمی، کلامی و غیر کلامی و ...) پدید می‌آید که یک وجه میان مدیر و اساتید است. با توجه به نتایج تحقیقات و بررسی‌های زیادی که دانشمندان علوم رفتاری در این زمینه به عمل آورده‌اند. عوامل مؤثر در رفتار سازمانی و پویایی گروه را می‌توان به سه دسته متغیرهای فردی، گروهی و محیطی تقسیم نمود، که در پرورش و حفظ همبستگی گروه، میل به آمیزش و معاشرت اجتماعی، ایجاد هنجارهای گروهی، بهبود مهارت‌ها و رفتار فردی و به ویژه در میزان بهره‌وری و کارایی گروه مؤثر دانست. تعداد زیادی از پرسنل وقتی یک کار جدید را آغاز می‌کنند، بسیار شیفته و علاقه‌مند آن هستند. اما طبق یافته‌های بدست آمده در دیگر تحقیقات، در ۸۵ درصد، انگیزه پرسنل در شش ماهه اول به سرعت کاهش می‌یابد و در سال‌های بعد نیز روحیه آنها بدتر خواهد شد. دیگر تحقیقات حاکی از این است که رضایت از ارتباط در واحدهای آموزشی با رضایت شغلی رابطه مثبتی دارد (مربیان نسبت به کمیت و کیفیت ارتباطات در واحدهای آموزشی حساس بوده و رضایت از ارتباط آنها با رضایت شغلی شان رابطه مثبتی داشته است).

بحث و نتیجه‌گیری: مدیریت فرایندی است که به وسیله آن کوشش‌های فردی و گروهی برای رسیدن به هدف مشترک هماهنگ می‌شود. مدیریت کار پیچیده‌ای است و در واقع هنری تمام و کمال است. یکی از دلایل این موضوع آن است که مدیریت آموزشی برای انجام وظایف خود با اساتید و دانشجویان بطور مستقیم یا غیر مستقیم سرو کار دارد. شکی نیست که چگونگی مدیریت در ایجاد روابط انسانی، در نحوه سلوک و رفتار اساتید و در نتیجه در تحقیق هدف‌های آموزش عالی و کارایی آنها مؤثر است. در حقیقت توفیق امر مدیریت در گرو شناخت صحیح از منابع انسانی و برقراری روابط مناسب با آنها و ترغیب آنان به کوشش در جهت دستیابی به اهداف ساز مانها است. از این رو ضروری است که روابط انسانی به طور منظم و علمی مورد مطالعه و دقت نظر قرار گیرد. تا با توجه به مسائل اجتماعی و روانی در میان کادر آموزشی ایجاد روحیه شده و در نتیجه سبب بهبود شرایط محیط کار و افزایش کارایی مؤسسات آموزشی گردد.

کلیدواژه‌ها: مدیریت، منابع انسانی، اساتید، دانشگاه

(S.1101) نشست: ۱۱، ارائه شفاهی: ۱

رهبری و هدایت اجرای روش‌های مستمر ارزش‌یابی دستیاران تحت وب و به صورت آنلاین برای اولین بار در کشور

سکینه حاج ابراهیمی*، فاطمه صادقی غیائی، دکتر رامین مصری، دکتر فاطمه علیپور یگانه

* دانشیار معاونت آموزش تخصصی و فوق تخصصی و مرکز پزشکی مبتنی بر شواهد ایران - hajebrahimis@gmail.com

دانشگاه علوم پزشکی تبریز - دانشکده پزشکی

مقدمه: ارزیابی‌های مستمر دستیاری در محل خدمت برای بررسی شیوه‌های عملکردی دستیاران در برخورد با بیماران در محیط‌های واقعی طراحی شده است. به نظر می‌رسد تأکید صرف بر آزمون‌های پایانی نمی‌تواند عملکرد دستیار را ارزیابی کند. مهمترین مشکلات در سر راه اجرای این روش در گروه‌های آموزشی دانشکده پزشکی عبارتند از: عدم آشنایی اساتید و دستیاران با آن، در دسترس نبودن ابزارها یا چک لیست‌های لازم و در نهایت سهم این روش در نمره درون بخشی دستیاران. جهت حل مشکلات فوق الذکر، یک مدل عملی جهت رهبری و هدایت و ترغیب گروه‌های آموزشی به انجام ارزیابی مستمر دستیاران در محل خدمت طراحی و راه اندازی شد.

روش: این مدل به صورت دو مرحله‌ای طراحی شده است. در مرحله نخست از سال ۸۶ تا پایان سال ۸۷ در محل گروه‌های آموزشی، کارگاه‌های آموزشی در قالب آموزش گروه‌های کوچک برگزار شد و در همین طیف زمانی تعداد کثیری جزوه اطلاع رسانی و آموزشی در مورد روش‌های مستمر ارزیابی منتشر شد و در اختیار گروه‌های آموزشی و دستیاران قرار گرفت. مرحله دوم این مدل در قالب وب سایت «ارزیابی مستمر دستیاران بالینی» [۱] در سال ۸۸ در دانشکده پزشکی تبریز طراحی و راه اندازی شد. هدف از راه‌اندازی این وب سایت،

آموزش نحوه ارزیابی‌های مستمر به اساتید و دستیاران است که تک تک روش‌های ارزیابی از جمله Miniex, Dops, OSCE, PBA آموزش داده شد. در طراحی وب سایت لینک‌هایی برای آشنایی با انواع آزمون‌ها، ارزیابی مستمر در محل خدمت، بازخورد و سایر موارد تعبیه شده است. علاوه بر آن امکان مشاهده فیلم‌های آموزشی مفید وجود دارد. در این وب سایت logbook های گروه‌های بالینی این دانشگاه نیز در قالب فرمت pdf قرار داده شده است. از جمله ویژگی‌های این سایت وجود چک لیست‌های مربوط به هر روش ارزیابی به زبان فارسی یا انگلیسی در بخش مربوطه است. مجموعه این فعالیت‌ها راه را برای تحلیل کوریکولوم آموزشی رشته‌های تخصصی می‌کند که به این تحلیل‌ها نیز در وب سایت اشاره شده است.

یافته‌ها: پس از معرفی وب سایت به مدیران گروه‌های آموزشی و دستیاران مراحل اجرایی تدوین شد و حتی برخی از گروه‌های آموزشی در قالب پروژه‌های دانش پژوهشی اقدام به اجرای این نوآوری نمودند. در سال ۸۸ بیش از ۸۰٪ از گروه‌های آموزشی حداقل یک روش به عنوان ابزار ارزیابی مستمر برای دستیاران خود استفاده نمودند و مستندات مربوطه بطور مرتب در کارنامه دستیاران در معاونت آموزشی نیز ثبت می‌شود. بر اساس بررسی‌های انجام گرفته این وب سایت تنها وب سایت ایرانی طراحی شده برای موضوع فوق می‌باشد. از برنامه‌های آتی این طراحان وب سایت امکان تکمیل چک لیست‌ها بصورت آن لاین و تحت وب توسط اعضای هیئت علمی و دستیاران می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری: با این روش معاونت آموزش تخصصی و فوق تخصصی دانشکده با تعریف، تسهیل روند و نظارت بر آن موفق به رهبری و هدایت مناسب گروه‌های آموزشی در اجرای روش‌های نوین شده است.

کلیدواژه‌ها: ارزیابی مستمر دستیاران بالینی، ارزیابی مستمر دستیاران بالینی تحت وب، مدل رهبری

(S.1102) نشست: ۱۱، ارائه شفاهی: ۲

رهبری دانشجو در ارزشیابی طولی اساتید دانشگاه

محمد رفیعی*، اکرم سیفی

* استادیار دانشگاه علوم پزشکی اراک

rafeie@yahoo.com

مجتمع دانشگاه علوم پزشکی اراک- دانشکده پزشکی

مقدمه: تربیت نیروی انسانی متخصص یکی از اهداف اصلی آموزش عالی در هر کشوری محسوب می‌شود. دارا بودن مهارت لازم از شروط اساسی در این آموزش است. یکی از مشکلات اساسی در آموزش فعلی در دانشگاه‌های علوم پزشکی ایستا بودن این آموزش است. یکی از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند آموزش را از حالت ایستا به مسیری پویا سوق دهد، ارزشیابی است. هدف از مطالعه مقطعی حاضر که در سال ۱۳۸۸ انجام شده، مقایسه نمرات ارزشیابی دانشجویان از اساتید دوره‌های بالینی و پایه خود بعد از فارغ التحصیلی، با نمرات ارزشیابی حین تحصیل آن‌ها است.

روش: بعد از فارغ التحصیلی دانش آموزان از تعداد ۶۴ دانش آموخته جهت دروس نظری و ۱۹۴ دانش آموخته دیگر جهت بررسی دروس و دوره‌های عملی این دانشگاه که مراحل دانش آموختگی خود را انجام داده و عملاً به عنوان یک فرد فارغ التحصیل بوده‌اند، خواسته شد که مجدداً جهت اساتید علوم پایه، دانشکده پزشکی، پرستاری و مامائی و پیراپزشکی دانشگاه فرم ارزشیابی را تکمیل نمایند و فرم‌های فوق توسط همان سیستم قبلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: میانگین نمره ارزشیابی فارغ التحصیلان دانشگاه برای کلاس‌های تئوری و نظری برابر با $14/57 \pm 3/81$ (نمرات از ۰ تا ۲۰ نمره گذاری شده است) بوده است. میانه و نمای نمرات ارزشیابی کل نیز برای فارغ التحصیلان به ترتیب برابر با $15/16$ و 20 بوده است. همچنین میانگین نمرات ارزشیابی کل برای کلاس‌های بالینی در فارغ التحصیلان دانشگاه، $15/32 \pm 3/61$ با میانه $15/89$ و نمای 20 بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به این که میانگین نمرات ارزشیابی اساتید در کلاس‌های تئوری و نظری (قبل از فارغ التحصیلی دانشجویان مورد مطالعه) مقدار $16/12 \pm 1/93$ بوده است، بنابراین اختلاف آماری معنادار بسیار قوی بین میانگین نمرات ارزشیابی بعد از فارغ التحصیلی و قبل از فارغ التحصیلی آن‌ها وجود دارد ($P=0/001$).

کلیدواژه‌ها: ارزشیابی طولی، دانش آموختگان، بالینی، پایه

(S.1103) نشست: ۱۱، ارائه شفاهی: ۳

پاسخ‌گویی در دانشگاه و آموزش مبتنی بر پیامدهافروزان شکوه^{*}، محمدعلی حسینی، سیدعلی حسینی^{*} مربی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی مرکز توسعه آموزش

مقدمه: به‌نظر می‌رسد عملکرد دانشگاه‌ها در تربیت فارغ التحصیلان با رسالت‌های مورد انتظار از آنان کاملاً همسو نبوده است. آموزش پزشکی به‌ویژه در دو دهه آخر قرن بیستم، به دلایلی مانند آموزش بیش از اندازه نیروهای متخصص و برهم خوردن نسبت نیروهای متخصص به نیروهای عمومی، تمرکز بیش از اندازه بر درمان به‌جای سلامت، عدم کفایت آموزش‌ها، در زمینه اخلاق پزشکی و مواردی از این گونه، مورد انتقاد قرار گرفت. ابهام در ارزیابی اطلاعات مربوط به کیفیت و اثربخشی آموزش پزشکی لزوم پای‌بندی به نظام پاسخ‌گویی در مؤسسات آموزش عالی را آشکار می‌سازد. درغیاب مکانیسم‌های مؤثر پاسخ‌گویی، موفقیت دانشگاه‌ها در امر تربیت، مناسب دانشجویان تضمین نخواهد شد. این امر مستلزم آن است که راه‌های اندازه‌گیری اثربخشی آموزش را اصلاح کنند. به‌همین دلیل در سال‌های اخیر بر ارزیابی و اندازه‌گیری پیامدهای آموزشی به منظور پاسخ‌گویی در قبال جامعه تأکید شده است. ضرورت پاسخ‌گویی از طریق ارزیابی پیامدها یا به زبانی دیگر ضرورت کاربرد آموزش مبتنی بر پیامدها در آموزش پزشکی است.

روش: طرحی با عنوان «نظام آموزش مبتنی بر پیامدها» در مرکز توسعه دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهیه گردیده است که هدف از آن نهادینه‌سازی نظام آموزشی مبتنی بر پیامدها در رشته‌های مختلف دانشگاه می‌باشد. این طرح مشتمل بر پنج گام است که به تفصیل به آن اشاره خواهد شد.

یافته‌ها: طرح مورد نظر در گام اول و دوم توسط مرکز توسعه آموزش به‌طور موفقیت‌آمیزی اجرا شده است و این مرکز درصدد است گام‌های بعدی طرح را نیز با جدیت دنبال نماید. نتایج اجرای کامل طرح در گزارشات بعدی به اطلاع رسانده خواهد شد.

بحث و نتیجه‌گیری: فلسفه مفروض اختیارات بی‌چون و چرای دانشگاه‌ها در قرن گذشته با نهضت پاسخ‌گویی و ارزیابی در آموزش عالی روبه‌فراموشی است. سیستم پاسخ‌گویی در آموزش پزشکی باید بگونه‌ای عمل کند که داده‌های حاصل از آن به انگیزه‌های مناسب برای تاثیر و تغییر رفتار دانشگاه‌ها تبدیل شود. رهبران و مدیران آموزشی باید منابع را به نحوی استفاده کنند که فرهنگ مبتنی بر یادگیری ساخته شود. به‌همین علت همه مؤسسات آموزش عالی و دانشگاه‌ها باید بر مقاصد یادگیری تأکید ورزند.

کلیدواژه‌ها: پاسخ‌گویی، آموزش عالی، آموزش مبتنی بر پیامدها

(S.1104) نشست: ۱۱، ارائه شفاهی: ۴

ارزیابی دوره آموزش پزشکی بر اساس مدل شایستگی: مطالعه موردی رشته آموزش پزشکی دانشگاه علوم**پزشکی کرمان**پیام خزائلی^{۱*}، محمدحسین مهرالحسنی^۲، هدی ودیعتی^۳^{*} ۱- دانشیار مرکز مطالعات و توسعه آموزش دانشگاه علوم پزشکی کرمان payam.khazaeli@gmail.com

۲- دانشجوی دکترا مرکز مطالعات و توسعه آموزش mhmhealth@gmail.com

۳- کارشناس مرکز مطالعات و توسعه آموزش b.v1384@gmail.com

دانشگاه علوم پزشکی کرمان- مرکز مطالعات و توسعه آموزش

مقدمه: انسان سالم محور توسعه پایدار است، از سوی دیگر وجود نظام و مدیریت شایستگی در حوزه سلامت یکی از مولفه‌های اصلی تحقق این هدف توسعه پایدار است. از آنجاکه شایسته‌پروری به عنوان یکی از اجزای نظام شایستگی نقش مهمی را در این زمینه برعهده دارد رشته آموزش پزشکی با هدف مدیریت و رهبری آموزش پزشکی به منظور ایجاد شایستگی‌های لازم برای متخصصان حوزه سلامت تاسیس گردید. سوال اساسی این است که آیا این دوره، خود بر اساس مدل شایستگی و توسعه رهبری آموزشی طراحی گردیده

است؟ هدف مطالعه حاضر ارزیابی دوره آموزش پزشکی بر اساس مدل شایستگی بود که به صورت موردی رشته آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کرمان مورد بررسی قرار گرفت.

روش: مطالعه حاضر از نوع توصیفی و اکتشافی بود. داده‌ها از طریق چک لیست، مصاحبه و بررسی اسناد و مدارک مربوط به دوره جمع‌آوری گردید که مقیاس اندازه‌گیری به صورت لیکرت ۵ درجه (بی‌تاثیر، کم‌تاثیر، تاثیر متوسط، تاثیر زیاد و کاملاً موثر) بود. سپس داده‌ها با استفاده از شاخص‌های توصیفی مرکزی (فراوانی و میانگین) در نرم افزار اکسل مورد تحلیل قرار گرفت و جهت قضاوت از درجه متوسط به بالا وضعیت مطلوب و درجه متوسط به پایین وضعیت نامطلوب در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که دوره آموزش پزشکی در ایجاد بعد دانش، مهارت لازم بر اساس اهداف و راهبردهای طراحی شده رشته در وضعیت متوسط قرار داشت اما در ایجاد شایستگی‌های مربوط به ابعاد توانایی، نگرش و ارزش‌ها و شخصیت وضعیت نامطلوب بود. در دوره آموزش پزشکی فقط از ساز و کار آموزشی تدریس و کارگاه آموزشی و کارگروهی مربوط به بعد دانش و مهارت استفاده شده بود و از ساز و کارهای آموزشی مربوط به دیگر ابعاد شایستگی همچون سمینار، مطالعه موردی، مطالعه تطبیقی، کارورزی، ایفای نقش و بازدیدهای علمی و تیم حل مسأله و تحلیل فیلم استفاده نشده بود.

بحث و نتیجه‌گیری: تأثیر دروس و سازو کارهای آموزشی طراحی شده در رشته آموزش پزشکی در ایجاد شایستگی‌های لازم برای رهبری آموزشی در حوزه سلامت کم ارزیابی شد. لذا بازنگری دوره آموزش پزشکی بر اساس مدل شایستگی رهبری آموزشی در حوزه سلامت پیشنهاد می‌گردد. در این راستا در بعد دانش می‌توان واحد درسی نظام و مدیریت شایستگی، توسعه ملی و استراتژی‌های آموزشی، مطالعه تطبیقی نظام‌های آموزش پزشکی جهان ارائه گردد. پایان نامه‌ها در راستای ارائه مدل توسعه شایستگی هر رشته در دانشگاه‌های علوم پزشکی سازمان‌دهی گردد. همچنین برگزاری دوره آموزش پزشکی در قالب آموزش ضمن خدمت اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور پیشنهاد می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: شایستگی، ارزیابی، دوره آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کرمان

(S.2101) نشست: ۲۱، ارائه شفاهی: ۱

رهبری آموزشی مؤثر در دانشگاه‌های علوم پزشکی

علی بیک‌مرادی

دانشگاه علوم پزشکی همدان

مقدمه: دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران در خدمت آموزش پزشکی و ارائه مراقبت‌های بهداشتی و درمانی به جامعه هستند و در نتیجه مسئولیت اداره مراکز بهداشتی درمانی و آموزشی متعددی را در سراسر کشور بر عهده دارند. این مخلوط نظارت بالینی و دانشگاهی بتدریج منجر به پیشرفتهایی گردیده است و بنابراین فرصت خوبی را برای تبیین چالشهایی که رهبران آموزشی در این دانشگاه‌ها با آن روبرو هستند را در اختیار می‌گذارد. هدف مطالعه حاضر تبیین چالشهای پیش روی رهبر ان آموزشی در دانشکده ها و دانشگاههای علوم پزشکی می باشد.

روش: مطالعه ای کیفی با ۱۸ مصاحبه رودرو با مدیران آموزشی دانشگاههای علوم پزشکی و وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی در ایران انجام شد. همه مصاحبه ها بطور دیجیتال ضبط و بازنویسی و مورد تجزیه و تحلیل محتوی بصورت کیفی قرار گرفت.

یافته‌ها: چالشهای عمده رهبری آموزشی در دانشگاههای علوم پزشکی به سه تم اصلی (با سه زیر تم در داخل پرانتز) به شرح ذیل تقسیم می شوند: چالشهای سازمانی (رهبری آموزشی دولتی غیر موثر، مسئولیتها و ماموریتهای گسترده و فقدان نگرانی برای انتخاب مدیران)، چالشهای مدیریتی (سبکهای مدیریتی، عدم تناسب بین اختیارات و مسئولیتها، و تواناییهای رهبری آموزشی)، و چالش‌های فرهنگی (تمایل به مدیریت دولتی، فرهنگ رئیس محوری، و انگیزش پائین).

بحث و نتیجه گیری: رهبری آموزشی در دانشگاههای علوم پزشکی بویژه در ایران باید با بحث انتشار اطلاعات، تعلیم و تربیت، آموزش و قانونگذاری روی پیش نیازهایی برای بکارگیری بعنوان مدیر آموزشی توسعه پیدا کند. نقشها و اختیارات رهبران مدیر و هیات علمی و کارکنان دانشگاهی نیز باید بطور بهتر و مناسبتری توصیف گردند.

کلید واژه‌ها: رهبری آموزشی، دانشگاههای علوم پزشکی، چالشها

**معیارهای رهبری آموزش اثربخش از دیدگاه اسلام**

افسانه یخ فروش ها*، رفعت محبی فر، مجید بهادرخانی، کریم عسگری غنچه، میر فتاح مرتضوی

star2000_y@yahoo.com

دانشگاه علوم پزشکی قزوین

مقدمه: تعلیم اساس و بنیادی است که قوام و پایداری دین و آیین بر روی آن استوار شده است. جامعه بشری از طریق تعلیم می تواند از کسادی و افول خورشید علم و نابودی کالا و سرمایه های علمی پیشگیری کند. بنابراین تعلیم، که به معنای انتقال اندوخته های علمی به دیگران است، از مهمترین عبادات و مؤکدترین واجبات کفایی است. خداوند (سوره آل عمران آیه ۱۸۷) فرموده است مردمی که اهل علم و دانش هستند باید محتوای آن را برای دیگران تشریح کرده و از بازگو کردن آن کتمان نورزند. هدف از مطالعه حاضر، بررسی معیارهای رهبری آموزش اثربخش از دیدگاه اسلام می باشد.

روش: این پژوهش، یک مطالعه مروری است که با بررسی منابع معتبر اسلامی و سیره و آموزه های پیامبر اسلام (ص) و نیز جستجوی بانک های اطلاعاتی در مورد تعیین ملاک معیارهای رهبری آموزش اثربخش از دیدگاه اسلام مورد بررسی قرار گرفته است.

یافته ها: مطابق دیدگاه اسلام، آموزشی اثر بخش است که مبتنی بر اصول زیر باشد ۱- آموزش مبتنی بر شناخت مخاطبین باشد: خداوند در قرآن در این باره می فرماید: «بگو هر کس بر اساس شاکله ی خویش عمل می نماید». حضرت محمد (ص) در این باره می فرماید: ما گروه پیامبران ماموریم تا با مردم در حد قدرت و اندیشه ایشان سخن بگوئیم. ۲- در آموزش مداومت و استمرار بحث و اشتغالات علمی میان استاد و دانشجو باشد: امام باقر (ع) در این باره می فرماید: مذاکره و گفتگوهای علمی به عنوان درس و بررسی است و دروس و بررسی و مطالعه به عنوان نماز و عبادتی نیکو به شمار می آید. ۳- بیان کاربردها و ضرورت فراگیری دروس: حضرت امام باقر (ع) در این باره می فرماید: هر که آگاه گشت معرفتش او را به سوی عمل راهنمایی می نماید و هر که آگاه نگشت هیچ عملی برای او نخواهد بود. ۴- پرداختن به ریشه ها و ضرورت گزیده گویی در آموزش: امام علی (ع) در این باره می فرماید: عمر کوتاه تر از آن است که هر چه را که دانستن اش به تو سود می رساند فراگیری، پس ابتدا به فراگیری مهم ترین و سپس آموختن امور دیگر بپرداز.

بحث و نتیجه گیری: فلسفه تعلیم و تربیت اسلام تمام جنبه های انسان و جهان هستی را در یک ارتباط هماهنگ و موزون در مسیر الهی مورد توجه قرار می دهد. و بین ماده و روح، ایمان و عقل و علم، بین دین و دنیا، بین فکر و عمل، بین لذت و کار و کوشش و عبادت، بین جنبه های ایده آلی و واقعی، بین انسان و عمل وجود و بین عالم و خالق آن ارتباط ایجاد می کند. تعلیم و تربیتی که استعدادها و قابلیت های آدمی را بشناسد، محدودیت ها و امکانات انسان ها را بررسی نموده و اصول اساسی عملی نمودن عمل صالح را به آدمیان بیاموزد. حضرت علی (ع) می فرماید: «وارفعه ما ظهر فی الجوارح و الارکان» یعنی والاترین درجه علم آن است که در اعضا و ارکان وجود انسان ظاهر شود. یعنی اگر درک و فهم درستی از مطلب دریافت شود، معنای آن مطلب را می توان بیان کرد و در مورد آن اظهار نظر نمود. در این صورت است که می توان رفیع ترین و والاترین مرتبه علم را کسب نمود، که در ارکان وجود شخص ظاهر شده است.

کلیدواژه ها: معیار، رهبری آموزش اثربخش، دیدگاه اسلام**بررسی وضعیت آموزش پزشکی عمومی از لحاظ پاسخ گویی به جامعه**

اطهر امید*، دکتر شقایق حق جوی جوان مرد، مصطفی دهقانی، دکتر علی اصیلیان

* دکترای پزشکی عمومی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

athar_omid@yahoo.com

دانشگاه علوم پزشکی اصفهان؛ دانشکده پزشکی، دفتر توسعه آموزش

مقدمه: هدف اصلی دانشکده های پزشکی تربیت پزشکانی است که بتوانند به بهترین نحو آلام و بیماری های جامعه را تسکین و التیام بخشند تا در نهایت منجر به ارتقاء سطح سلامت جامعه شوند. به همین سبب سازمان جهانی بهداشت تمامی اعضای خود را به تلاش در جهت حمایت از اقداماتی که به پاسخگویی به نیازهای جامعه منتهی می شود ملزم ساخته است. در مطالعه حاضر از طریق بررسی مطالعات

گذشته و انجام نظرسنجی‌های متعدد، کاستی‌های برنامه آموزشی رشته پزشکی عمومی به‌ویژه در زمینه پاسخگویی به جامعه مورد بررسی قرار گرفته است.

روش: ابتدا اقدامات زیر انجام شد: مرور بیش از ۵۰۰ مقاله در مجله آموزش پزشکی، مرور پایان نامه‌ها و تحقیقات انجام شده در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، بررسی صورت جلسات EDO از ابتدا تا کنون، بررسی Log book ها، مطالعه صورت جلسه هم‌اندیشی با مسئولین و اساتید آموزش بالینی پیرامون مشکلات آموزش بالینی، برگزاری یک جلسه هم‌اندیشی و تعدادی مصاحبه با دانشجویان پزشکی. سپس در جلسه‌ای با حضور نماینده‌ای از گروه‌های اساتید، مسئولین دانشگاه و پزشکان عمومی مشکلات استخراج شده از نظر شدت و اهمیت از ۱۰ تا ۱۰۰ نمره‌دهی شد. همچنین از لحاظ کنترل و اختیار دانشگاه در تغییر هر مورد با سه گزینه بدون کنترل، کنترل و اختیار متوسط و کنترل و اختیار زیاد امتیازدهی شد. سپس با استفاده از نرم افزار Excell و محاسبه میانگین نمرات شدت و اهمیت مشکل، مواردی که دانشگاه اختیار و کنترلی بر روی آن نداشت حذف و سپس مشکلات هر حیطه بصورت جداگانه مرتب و از هر کدام ۲-۳ مشکل و در نهایت ۲۰ اولویت مشکلات آموزش پزشک عمومی انتخاب شد.

یافته‌ها: مشکلات آموزش پزشک عمومی در مقاطع علوم پایه، ICM، کارآموزی و کارورزی فهرست و سپس طبقه‌بندی و نام گذاری شد. موارد استخراج شده شامل ۷ حیطه، ارزشیابی، محتوا، سازمان دهی و مدیریت، عرصه آموزش، دانشجوی، بودجه و منابع مالی و هیئت علمی بود. در حیطه‌های ارزشیابی ۱۱ مورد، دانشجوی ۵ مورد، محتوا ۱۳ مورد، هیئت علمی ۷ مورد، عرصه آموزش ۷ مورد، بودجه یک مورد و سازمان دهی ۶ مورد به دست آمد. در این میان عدم ارزیابی دانشجوی در کلیه حیطه‌های توانمندی‌های پزشکی عمومی، عدم آموزش مبتنی بر جامعه، نامشخص بودن اولویت‌ها و اهداف آموزشی، نقش ناچیز آموزش درمانگاهی و سرپایی و محیط آموزشی تخصصی و فوق تخصصی بیشترین امتیاز را کسب کردند.

بحث و نتیجه‌گیری: به خوبی از این نتایج نمایان است که به دلایل زیر پزشک عمومی برای انجام وظایفی که برای او در جامعه تعیین شده است تربیت نمی‌شود: پس از فراغت از تحصیل، عرصه اصلی انجام وظیفه پزشک، درمانگاه می‌باشد، درحالی‌که بخش اعظم آموزش او در محیط‌های تخصصی و فوق تخصصی و در بخش‌های بیمارستانی ارائه می‌شود. محتوای آموزشی پزشک عمومی باید با توجه به نیازهای علمی و مهارتی که از او انتظار می‌رود تعیین شود اما در حال حاضر محتوای آموزشی سرفصل‌های کتب مرجع می‌باشد. ارزیابی دانشجوی بر اساس توانمندی‌هایی که از پزشک عمومی انتظار می‌رود انجام نمی‌شود و در اکثر موارد تنها به ارزیابی در حیطه دانش اکتفا می‌شود.

کلیدواژه‌ها: پزشکی عمومی، پاسخ‌گویی به جامعه، آموزش درمانگاهی

(S.2104) نشست: ۲۱، ارائه شفاهی: ۴

بررسی عوامل ارتقاء بهره‌وری نیروی انسانی در دانشگاه علوم پزشکی گیلان با استفاده از آنالیز مسیر

فریدین مهرابیان*، دکتر امیر اشکان نصیری‌پور، دکتر پوران رئیسی، دکتر سید جمال الدین طیبی، دکتر ربیع‌الله فرمانبر

* دانشجوی دکترای مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی دانشگاه علوم پزشکی رشت

mehrab5002@yahoo.com

مقدمه: بهره‌وری نیروی انسانی یکی از دغدغه‌های مدیران امروزی بوده و در این بین بهره‌وری آموزشی در دانشگاه‌ها به عنوان مرکز پرورش نیروی انسانی توانمند و متخصص از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. عوامل متعددی در ارتقاء بهره‌وری نیروی انسانی نقش دارند که شناسایی مهمترین آنها و ارائه مدل مناسب بهره‌وری جهت انجام مداخلات، ضروری و مهم می‌باشد که امروزه استفاده از آنالیز مسیر یک روش بهینه و با صرفه در این خصوص می‌باشد. تعیین عوامل ارتقاء بهره‌وری نیروی انسانی در دانشگاه علوم پزشکی گیلان با استفاده از آنالیز مسیر

روش: پژوهش یک مطالعه توصیفی-تحلیلی از نوع مقطعی است که در ماه‌های مهر و آبان ۱۳۸۸ انجام شده است. جامعه هدف ۳۲۱ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی گیلان بود. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و مطالعه راهنما که اعتبار محتوای آن بصورت Expert Panel و اعتبار سازه آن با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی (تحلیل مولفه‌های اصلی) و تحلیل عاملی تأییدی (حداکثر درست نمایی) صورت گرفت. پایایی آن از روش آزمون مجدد و روش همسانی درونی با استفاده از آلفا کرونباخ انجام گرفت و در مرحله بعد مهمترین عوامل ارتقاء بهره‌وری نیروی انسانی از طریق آنالیز مسیر و با استفاده از نرم افزار لیزرل ۸/۸۰ شناسایی شد.

یافته‌ها: در تحلیل مسیر با استفاده از نرم افزار لیزرل ۸/۸۰ و مقایسه مدل‌های مختلف و استفاده از شاخص‌های برازش و آماره T و سطح معنی‌داری ۵ عامل ارتقاء بهره‌وری نیروی انسانی شامل: ۱) فرهنگ سازمانی با ضریب مسیر استاندارد ۰/۵۱ (۲) عوامل انگیزشی با ضریب مسیر استاندارد ۰/۲۵ (۳) شرایط محیطی با ضریب مسیر استاندارد ۰/۱۷ (۴) توانمند سازی اعضای هیئت علمی با ضریب مسیر استاندارد ۰/۱۱ (۵) شیوه رهبری با ضریب مسیر استاندارد ۰/۰۸ تغییرات بهره‌وری نیروی انسانی دانشگاه علوم پزشکی گیلان را تبیین نمودند.

بحث و نتیجه‌گیری: فرهنگ سازمانی، عوامل انگیزشی، شرایط محیطی، توانمند سازی و شیوه رهبری به ترتیب عوامل ارتقاء بهره‌وری اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی گیلان می‌باشند که فرهنگ سازمانی از اهمیت بیشتری نسبت به سایر عوامل برخوردار بود.

کلیدواژه‌ها: بهره‌وری نیروی انسانی، آنالیز مسیر، الگوسازی معادلات ساختاری

(S.2105) نشست: ۲۱، ارائه شفاهی: ۵

بررسی نقش مدیریت و رهبری در نظام آموزشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

پروانه عبدالمالکی*، سعید عبدالمالکی، ژیلا خانی‌آباد

* مربی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

pabdolmaleki@yahoo.com

مقدمه: در جوامع مختلف، مدیریت و رهبری دارای معانی و مفاهیم مختلف است و هر کس بر حسب تجارب، احتیاجات و مقاصد خود برای آن معنی و مفهومی در نظر می‌گیرد، بعضی آن را در بهبود برنامه‌های آموزشی موثر می‌دانند، برخی آن را بازرس قلمداد می‌کنند و آن را به منزله‌ی تهدیدی برای خویش تلقی می‌کنند. صرف نظر از این تعابیر به نظری‌رسد در جامعه‌ی کنونی ما و بالاخص در مراکز آموزشی و درمانی نقش و جایگاه مدیریت در رهبری آموزشی به شکل منطقی تبیین نگردیده است و معمولاً خیلی از امور و انجام آنها به مدل و سلیقه‌ی افراد مسئول در آن پست ختم می‌شود. می‌توان گفت این مسئله خسارت جبران ناپذیری به نظام آموزشی کشور وارد می‌کند. زیرا افراد در حوزه و قلمرو کاری خویش زیاد مورد پرسش قرار نمی‌گیرند و از راهنمایی و مدد یک مجموعه تاثیرگذار به عنوان مدیران آموزش بی نصیب می‌مانند. لذا این بررسی با در نظر گرفتن اهداف: الف) بررسی نقش مدیریت و رهبری آموزشی در بهبود فرایندهای آموزشی در مراکز علمی و آموزشی ب) تعیین نقش و جایگاه مدیریت در رهبری آموزشی به منظور اصلاح روش‌ها، انجام شد.

روش: این مطالعه به صورت توصیفی بر روی ۲۵۰ نفر از مدیران آموزشی، اساتید و هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه در سال ۸۸ انجام شد. از پرسشنامه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده و روایی آن از طریق روایی محتوا و پایایی آن از طریق روش کل به جزء و تعیین ضریب همبستگی اسپیرمن مشخص گردید. داده‌ها به وسیله نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: آیت‌های نقش هدایت و رهبری و آموزش در بالا بردن کیفیت ۹۰٪، هماهنگی امور آموزش با بهره‌گیری از مدیران مجرب و توانمند ۸۵٪، تنوع بخشی به کار و فعالیت در حوزه‌ی مدیریت انسانی ۸۳٪ (ایمان - اعتماد به نفس - تقویت روحیه در کارکنان) ۸۵٪، ایجاد تحول در نظام آموزشی و ارزیابی و پایش منطقی عملکرد ۷۰٪، رفع موانع و اشکالات آموزشی ۸۱٪، افزایش رضایت‌مندی کارکنان در حوزه‌ی کاری ۷۵٪، بسط مهارت در روابط را به خود اختصاص دادند.

بحث و نتیجه‌گیری: نظر به نقش محوری و کلیدی مدیریت در نظام بخشی به امور آموزش و ضرورت استفاده از پتانسیل و ظرفیت‌های موجود در مراکز دانشگاهی، بدیهی است باید بستری فراهم شود تا ضمن برقراری یک انسجام در امر آموزش از محصول آن نیز به شرح ذیل بهره‌جست: ۱- باتوجه به هماهنگ نمودن امور آموزش با استفاده از ابزارهای کنترلی و نظارتی، بایستی زمینه‌ای برای بروز استعداد و شکوفایی آن در راستای تسهیل امور فراهم گردد. ۲- با عنایت به یافته‌های تحقیق برجسته کردن جایگاه مدیریت و رهبری آموزش در فراگرد علمی و آموزشی می‌توان خلاء ناشی از عدم پایش فعالیت‌ها را در سیکل زمان مرتفع نمود. ۳- انسجام یک نظام کارآمد مستلزم گماردن افراد کاردان در هماهنگ کردن و هدایت امور است، که اجرای این نقش با ترسیم قلمرو مشخص برای مدیران آموزشی میسر خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: نقش، مدیریت، آموزش، نظام، رهبری

(S.2106) نشست: ۲۱، ارائه شفاهی: ۶

بررسی انواع سبک رهبری و رهبری اثربخش در مدیران سطوح میانی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در سال

۱۳۸۸

مهسا شکور*، مریم عزیزاده

* دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

shakoor@nm.mui.ac

مقدمه: مدیر به عنوان نماینده رسمی سازمان برای ایجاد هماهنگی و افزایش بهره‌وری در رأس سازمان قرار دارد. موفقیت سازمان در تحقق اهداف در گرو چگونگی اعمال مدیریت و سبک‌های موثر رهبری مدیر است. و از این میان مدیریت سازمان‌های آموزشی از حساسیت خاصی برخوردار است. فیلیپ کومبز یادآور می‌شود که اگر قرار است تحولی در عرصه‌ی تعلیم و تربیت به‌وقوع پیوندد، این تحول و دگرگونی باید از مدیریت آموزش و پرورش آغاز شود. مطالعات نشان داده که موفقیت سازمانی در گرو رهبری اثربخش است. این امر در کلیه سازمان‌ها از جمله مراکز دانشگاهی صادق است. از آن‌جا که دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در هزاره سوم میلادی با چالش‌های فزاینده‌ای مواجه هستند، حل و فصل این‌گونه چالش‌ها مستلزم برخورداری از رهبری و مدیریت کارآمد و اثربخش خواهد بود. لذا در تحقیق حاضر با بررسی سبک‌های رهبری و اثربخشی به بررسی رابطه اثر بخشی رهبری و سبک رهبری در میان مدیران میانی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان پرداختیم.

روش: پژوهش از نوع توصیفی می‌باشد و کلیه مدیران سطوح میانی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان که در زمان انجام پژوهش در یکی از دانشکده‌های دانشگاه به عنوان رییس دانشکده و یا معاون دانشکده انجام وظیفه می‌کنند جامعه پژوهش را تشکیل می‌دهند. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش، پرسش‌نامه‌ای مشتمل بر سه قسمت است: قسمت اول شامل سؤالاتی راجع به ویژگی‌های دموگرافیک مدیران آموزشی می‌باشد. قسمت دوم یک پرسش‌نامه بررسی سبک رهبری از مقیمی، ابداعی از باردنز و متزکاس و قسمت سوم پرسش‌نامه بررسی رهبری اثربخش از رضائی می‌باشد. سبک رهبری بر اساس تمایل به وظیفه‌گرایی و انسان‌گرایی به سه دسته: آزادمنشانه و خود-کامه و تلفیقی طبقه‌بندی شد و اصول رهبری اثربخش بر حسب امتیاز حاصله با عناوین رهبری قوی، رهبری خوب، رهبری نیازمند به تلاش بیشتر و رهبری ضعیف، توصیف می‌گردد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS و روش‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد.

یافته‌ها: بر اساس نتایج حاصله در بررسی بخش اول پرسش‌نامه یعنی مشخصات دموگرافیک میانگین سن ۴۴/۹ سال، ۷۶٪ مرد و میانگین سابقه کار برابر با ۱۷/۵ سال و سابقه مدیریت ۷ سال و میانگین مدت آموزش کمتر از ۱ ماه می‌باشد. ۸۷٪ از مدیران مدرک تحصیلی بالاتر از دکترا دارند. در بخش دوم بررسی سبک رهبری ۶۰٪ از مدیران، سبک رهبری خودکامه و ۲۶٪ مدیران سبک رهبری تلفیقی و البته در حد متوسط روبه ضعیف و ۱۳٪ از مدیران سبک رهبری آزادمنشانه داشتند و بخش سوم بررسی رهبری اثربخش، نشان‌دهنده این است که ۸۴٪ رهبری را متناسب با رهبری قوی ارزیابی کرده‌اند و ۱۶٪ در حد خوب و هیچ‌یک رهبری خود را نیازمند تلاش بیشتر یا ضعیف ارزیابی نکرده بودند.

بحث و نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج تحقیق می‌توان گفت که مدیران در سن بالای میان‌سالی و با سابقه نسبتاً مناسب در پست‌های مدیریتی انتخاب شده‌اند ولی هیچ‌یک دوره آموزشی مناسب را برای مدیریت ندیده‌اند و به نظر می‌رسد انتخاب مدیران با مرتبه مدارک آنها، نه نوع مدرک، مرتبط می‌باشد طوری که ۸۷٪ مدیران با مدرک دکترا به بالا در رشته‌های علوم پزشکی بوده‌اند. اکثراً رهبری را با انجام وظیفه یکسان می‌دانند و مطلوبیت را در بهره‌وری بیشتر می‌دانند و به جنبه انسانی آن، توجه کمتری دارند و به رهبری انسان‌گرا عقیده‌ای نداشته‌اند و در عین حال رهبری خود را رهبری اثربخش می‌دانسته‌اند و این برخلاف بعضی از تحقیقات معاصر در عرصه آموزش می‌باشد که به جنبه انسان‌گرایی رهبری توجه بیشتری شده است و از طرفی از آنجا که سبک رهبری مشخصی لزوماً برای همه جوامع مناسب نمی‌باشد، لذا محقق بررسی رهبری اثربخش از طریق کارکنان را جهت بررسی رابطه سبک‌ها با اثربخشی رهبری و کاهش مشکلات و عینیت بیشتر تحقیق پیشنهاد می‌دهد. در نهایت، با توجه به نتایج تحقیق مذکور مؤسسات آموزشی خصوصاً دانشگاه‌ها باید برای داشتن یک رهبری اثربخش از حالت رهبری سنتی و بدون بررسی، خارج شوند. و برای این منظور لازم است مدیران دوره‌های رسمی و غیررسمی مدیریت را گذرانده باشند و صرفاً افراد بر اساس مدارک بالاتر انتخاب نشوند.

کلیدواژه‌ها: سبک رهبری، رهبری اثربخش، مدیران سطوح میانی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان



(S.2107) نشست: ۲۱، ارائه شفاهی: ۷

بررسی سبک رهبری مدیران گروه‌های آموزشی در دانشگاه علوم پزشکی یاسوج

حمیده خلقی فرد^{*}، راضیه شیرین حصار

دانشگاه علوم پزشکی یاسوج - مرکز توسعه آموزش پزشکی

*mkho_59@yahoo.com

مقدمه: امروزه سازمان‌ها به مدیران و کارکنان اثربخش و کارآمد نیاز دارند تا بتوانند به اهداف تعیین شده در جهت رشد و توسعه همه‌جانبه کشور دست یابند. موفقیت هر سازمانی در تحقق اهداف از پیش تعیین شده و در گرو چگونگی اعمال مدیریت و سبک‌های مؤثر رهبری، مدیر است.

روش: این پژوهش از نوع توصیفی - مقطعی است. کلیه مدیران گروه‌های آموزشی (۲۰ نفر) مورد مطالعه قرار گرفتند. داده‌های پژوهش از طریق پرسش‌نامه که شامل دو بخش مشخصات فردی و سبک رهبری مدیران گروه بود. داده‌های پژوهش از طریق ضریب پیرسون توسط نرم افزار SPSS مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: در مجموع بیشترین میزان سبک رهبری اثربخشی که مدیران گروه‌های آموزشی استفاده می‌کردند، سبک رهبری هدایت کننده (۳۵/۳) بود. بین سبک رهبری اثربخشی مدیران گروه‌های آموزشی و سن آنها همبستگی معنی‌داری وجود داشت.

بحث و نتیجه‌گیری: از آنجا که تغییر در سطح مختلف آموزشی، بهداشتی و نیاز درمانی نیاز به ایجاد ساختارهای انعطاف‌پذیر سازمانی و الگوهای جدید مدیریتی در ارائه خدمات دارد، لازم است که زمینه مناسب برای ایجاد این تغییرات به وجود آید تا مدیران گروه‌ها از سبک رهبری اثربخش حمایت کننده بیشتر استفاده نمایند.

کلیدواژه‌ها: سبک رهبری، مدیران آموزشی، خدمات بهداشتی، درمانی، آموزشی

(S.2108) نشست: ۲۱، ارائه شفاهی: ۸

بررسی تفاوت سبک‌های رهبری زنان و مردان

حمیده خلقی فرد^۱، نسرین دهقانی^۲

۱- کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی mkho_59@yahoo.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پزشکی ndehghani_64@yahoo.com

دانشگاه علوم پزشکی یاسوج - مرکز توسعه آموزش پزشکی

مقدمه: در زمان حاضر با گسترش حضور زنان در نقش‌های مدیریتی و اجرایی درمان‌ها، مطالعات بسیاری به بررسی توانایی‌های رهبری زنان، و همچنین تفاوت‌های احتمالی در سبک‌های رهبری زنان و مردان پرداخته‌اند. مسئله‌ای که وجود دارد این است که علی‌رغم نرخ مشارکت بالای زنان در نیروی کار و افزایش روز به روز آن، حضور در رده‌های بالای مدیریتی بسیار اندک است. مباحثی که از طرف اندیشمندان حوزه علم مدیریت مطرح شده بر آن است که زن، مدیر دیگری است. و در نتیجه زنان سبک رهبری و مدیریت خاص خود را دارند. با توجه به این مسائل لزوم بازنگری مقوله توسعه مدیریت با رویکرد جنسیتی در برنامه‌های توسعه کشور به شدت احساس می‌شود که در این مقاله مروری تفاوت سبک‌های رهبری زنان و مردان بررسی شده است.

روش: در این مقاله با رجوع به تحقیقات انجام شده و برخی کتب در مورد سبک‌های رهبری و تفاوت سبک‌های رهبری زنان و مردان بحث شده است.

یافته‌ها: در مورد تفاوت‌های موجود میان سبک‌های رهبری زنان و مردان نظریه‌های گوناگونی ارائه شده که عبارتند از ۱- میان سبک‌های رهبری زنان و مردان تفاوت وجود دارد ۲- میان سبک‌های رهبری و مدیریت زنان و مردان تفاوت‌های مبتنی بر تصورات قالبی وجود دارد.

بحث و نتیجه گیری: بطور کلی زنان نه تنها در کشورهای جهان سوم بلکه در کشورهای توسعه یافته و صنعتی نیز با مشکلات زیادی جهت تصدی پست‌های مدیریتی مواجه هستند. در کشورما نیز از دیدگاه مدیریتی به زنان کمتر نگریده شده است و به توانمندسازی زنان برای مشارکت بیشتر در پست‌های مدیریتی توجه چندانی نشده است.

کلیدواژه‌ها: سبک‌های رهبری، سبک‌های رهبری زنان، سبک‌های رهبری مردان، تفاوت سبک‌های رهبری زنان و مردان

(S.2109) نشست: ۲۱، ارائه شفاهی: ۹

بررسی ویژگی‌های رهبری اثر بخش از دید دانشجویان، کارکنان و مدیران دانشگاه علوم پزشکی شهید

صدوقی یزد

دکتر محمد حسن شیخها، فاطمه عالم رجیبی*، محمد رضا حیدری، عبدالعظیم اقبال، دکتر مهدی عالم رجیبی

* پزشک عمومی دانشگاه علوم پزشکی یزد - yazdcme@yahoo.com

مقدمه: بررسی ویژگی‌های رهبری اثر بخش از دید دانشجویان، کارکنان و مدیران دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد محمد حسن شیخها، فاطمه عالم رجیبی*، محمد رضا حیدری، عبدالعظیم اقبال، مهدی عالم رجیبی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد زمینه و هدف: در سالهای اخیر تعداد دانشجویان و فارغ التحصیلان رشته های پزشکی افزایش چشمگیری پیدا کرده است به طوری که تعداد دانشگاههای علوم پزشکی از ۱۳ عدد در سال ۱۹۷۹ به ۴۷ عدد در سال ۲۰۰۷ رسیده است و با در نظر گرفتن این موضوع که دانشگاههای علوم پزشکی به عنوان متولیان سلامت جامعه نقش بسیار مهمی را در سلامت جامعه ایفا می کنند و رهبری مراکز آموزشی با چالشهای فراوانی روبرو است و با قشرهای گوناگونی در تماس است و حل و فصل اینگونه چالشها مستلزم برخورداری از رهبری کارآمد و اثر بخش است در این مطالعه سعی شده است خصوصیات رهبری اثربخش از ۳ بعد مهارتها، رفتارها و صفات مشخصه رهبری از دیدگاه مدیران کارمندان و دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد بررسی گردد.

روش: این پژوهش از نوع توصیفی و با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی بر روی دانشجویان کارمندان و مدیران دانشگاه انجام شده و اطلاعات از طریق پرسشنامه پایا و روا جمع آوری شده است خصوصیات رهبری اثر بخش در سه حیطه مهارتها، صفات مشخصه و رفتارها بر اساس مقیاس فاصله ای لیکرت در یک پیوستار ۵ گزینه دای با ارزش عددی یک تا پنج از دید نمونه ها سنجیده و در پایان هر قسمت مهمترین مولفه در هر حیطه مورد پرسش قرار گرفته است.

یافته‌ها: در بررسی صفات مشخصه رهبری موثر مشخصه باراده و مصمم بودن با میانگین ۴/۶۸ و انحراف معیار ۰/۵۷۴ دارای بیشترین و خود باوری با میانگین ۲/۹۱ و انحراف معیار ۱/۲۳ دارای کمترین اهمیت بود. در حیطه رفتارهای رهبری اثر بخش رفتار جویا شدن ایده های جدید با میانگین ۴/۵۴ و انحراف معیار ۰/۵۸۰ دارای بیشترین میانگین و ایجاد هیئت های نظارتی با میانگین ۳/۸۷ و انحراف معیار ۱/۰۹ دارای کمترین میانگین بود در حیطه مهارتهای رهبری، آشنایی با اصول مدیریت با میانگین ۴/۰۷ و انحراف معیار ۰/۵۴۴ بیشترین و آشنایی با قوانین دینی با میانگین ۳/۸۴ و انحراف معیار ۱/۱۹ دارای کمترین اهمیت بود. مهمترین صفت، رفتار و مهارت از نظر دانشجویان، مدیران و کارمندان و با توجه به جنسیت تفاوت معنی داری نداشت. در بررسی صفات و ویژگیهایی که اهمیت بیشتری داشته است با استفاده از آزمون MANN WITHNEY و با اطمینان ۹۵٪ مشخص گردید که صفت پیگیر بودن در زنان و مردان با میانگین رتبه ای ۴۱/۱۳ و ۳۱/۷۰ و در حیطه مهارتها، مهارت ارتباطات در زنان و مردان با میانگین رتبه ای ۳۹/۹۸ و ۳۰/۸۷ تفاوت معنی داری وجود داشت

بحث و نتیجه گیری: باتوجه داده های این پژوهش مدیران دارای صفات اعتماد به نفس بالا و صادق و مهارتهای آشنایی با اصول مدیریت و ارتباطات و رفتارهای جویا یی ایدههای جدید و ایجاد انگیزه در افراد موثر خواهند بود. خصوصیات رهبری موثر که اهمیت بالاتری داشتند از دیدگاه هر سه گروه مورد پژوهش (دانشجویان و کارمندان و مدیران) از اهمیت یکسانی برخوردار بود.

کلیدواژه‌ها: رهبری اثربخش، رهبری موثر، اثربخشی، رهبری آکادمیک

(S.2201) نشست: ۲۲، ارائه شفاهی: ۱

بررسی میزان آمادگی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور، برای اجرای مدیریت جامع کیفیت از دیدگاه مدیران**آموزشی**

فرنگیس شوقی شفق آریا*، ابوالفتح لامعی، رضا لباف قاسمی، نادر ممتازمنش
* کارشناس ارشد مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی،
shoghif@gmail.com
ستاد مرکزی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

مقدمه: مدیریت جامع کیفیت، یک رویکرد جدید مدیریتی است که اجرای آن باید به تدریج و طی مراحل انجام پذیرد. اولین مرحله، ایجاد آمادگی برای تغییر است و اجرای مدیریت جامع کیفیت قبل از آمادگی میسر نمی‌باشد. هدف از این پژوهش تعیین میزان آمادگی دانشگاه‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کشور برای اجرای مدیریت جامع کیفیت از دیدگاه مدیران آموزشی است.

روش: در این مطالعه توصیفی، کلیه مدیران آموزشی ۳۴ دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کشور شامل ۳۱۴ نفر از معاونین آموزشی دانشگاه‌ها، مدیران مراکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی، رؤسا و معاونین آموزشی دانشکده‌ها شرکت نمودند. ابزار پژوهش، پرسش‌نامه محقق ساخته‌ای بود که ۲۷ سؤال درباره ۱۱ نشانه آمادگی را شامل می‌شد.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد که ۹ درصد از دانشگاه‌های علوم پزشکی، از نظر آمادگی برای اجرای مدیریت جامع کیفیت در سطح متوسط (۵۹-۵۰ درصد امتیاز)، ۷۹ درصد از دانشگاه‌ها در سطح نسبتاً خوب (۶۹-۶۰ درصد امتیاز) و ۱۲ درصد در وضعیت خوب (۷۹-۷۰ درصد امتیاز) قرار دارند. میانگین آمادگی دانشگاه‌ها، ۶۴/۵ درصد بود. میزان آمادگی در به کارگیری فلسفه مدیریت جامع کیفیت در رفتار با میانگین ۷۸/۰۴ درصد بالاترین، و میزان آمادگی در اختصاص منابع با میانگین ۴۷/۸۶ درصد، پایین‌ترین رتبه را داشته است.

بحث و نتیجه‌گیری: نتایج حاکی از این است که دانشگاه‌ها حرکت پیشرونده‌ای داشته‌اند و بستر اجرایی مناسبی برای اجرای مدیریت جامع کیفیت فراهم شده است.

کلید واژه‌ها: مدیران آموزشی، مدیریت جامع کیفیت، رویکرد مدیریتی، فلسفه مدیریت کیفیت، دانشگاه‌های علوم پزشکی

(S.2202) نشست: ۲۲، ارائه شفاهی: ۲

بررسی رویکردهای انتخابی معاونین آموزشی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور، در مورد مدیریت کیفیت**آموزش**

فرنگیس شوقی شفق آریا*، نادر ممتازمنش، کمال درانی، ابوالفتح لامعی، رضا لباف قاسمی
* کارشناس ارشد مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی،
shoghif@gmail.com
ستاد مرکزی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

مقدمه: در سال‌های اخیر رویکردهای مختلف مدیریت کیفیت مانند اعتباربخشی، مدیریت جامع کیفیت، نظام پیشنهادات ایزو ۹۰۰۰ و بهره‌وری در دانشگاه‌های علوم پزشکی مورد توجه قرار گرفته و هر دانشگاه دلایلی برای انتخاب آنها داشته است. هدف از انجام پژوهش حاضر تعیین رویکردهای انتخاب شده در دانشگاه‌های علوم پزشکی و آگاهی از دلایل انتخاب و اقدامات به عمل آمده در راستای آن رویکردها است.

روش: مطالعه حاضر از نوع پیمایشی بود. جامعه آماری را معاونین آموزشی کلیه ۴۱ دانشگاه علوم پزشکی وابسته به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تشکیل داده بودند. ابزار پژوهش، پرسش‌نامه محقق ساخته‌ای شامل ۲۷ سؤال بود.

یافته‌ها: ۶٪ دانشگاه‌ها رویکرد مدیریت جامع کیفیت، ۴۶٪ نظام پیشنهادات، ۴۱٪ اعتباربخشی، ۲۲٪ بهره‌وری و ۱۶٪ رویکرد ایزو ۹۰۰۰ را انتخاب کرده بودند. دلیل "آشنایی با الزامات رویکرد" بیشترین تاثیر را (۶۹٪) در انتخاب رویکرد اعتباربخشی و کمترین تاثیر

را (۶۲٪) در انتخاب ایزو داشته است. دلیل "آگاهی و اعتقاد" بیشترین تاثیر را (۷۵٪) در بهره وری و کمترین تاثیر را (۶۹٪) در نظام پیشنهادات و دلیل "وزارت متبوع" بیشترین تاثیر را (۷۷٪) در ایزو و کمترین تاثیر را (۶۸٪) در انتخاب نظام پیشنهادات داشته است. از بین اقدامات، بیشترین "آموزش‌ها" (۶۶٪) در مورد رویکرد اعتباربخشی و کمترین (۵۸٪) در مورد نظام پیشنهادات ارائه شده است. بیشترین "حمایت" (۶۶٪) از ایزو و کمترین (۶۰٪) از رویکردهای اعتباربخشی و مدیریت جامع کیفیت به عمل آمده است. بیشترین "موفقیت" (۷۲٪) مربوط به رویکردهای بهره وری و نظام پیشنهادات و کمترین (۶۲٪) مربوط به ایزو و اعتباربخشی بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری: دانشگاه‌ها در انتخاب رویکردها بیشتر تحت تاثیر دستورهای اداری بوده‌اند و حتی رویکرد مدیریت جامع کیفیت را نیز که به‌طور غیر رسمی به آنان معرفی شده، یک دستور وزارتی تلقی نموده‌اند.

کلید واژه‌ها: رویکرد مدیریت کیفیت، معاونین آموزشی، دانشگاه‌های علوم پزشکی، آموزش

(S.2203) نشست: ۲۲، ارائه‌شده‌ای: ۳

بررسی بهره‌وری آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان پزشکی

اختر بردبار^{*}، رقیه قدسی، مدینه پورداراب

^{*} پرستار، phyrg2001@yahoo.com

دانشگاه علوم پزشکی فسا

مقدمه: دانشجویان پزشکی با سلامت مردم در ارتباط هستند و بهره‌وری مفید آموزش بالینی متضمن اجرای این امر است. تکامل حرفه پزشکی یک مسئله جدی و حیاتی است و برنامه‌های آموزشی در راستای یادگیری مفید باید به گونه‌ای طراحی شوند که علاوه بر رشد و توسعه فکری دانشجویان زمینه جهت کسب مهارت‌های مربوط نیز ایجاد نمایند. از آنجا که نظرات و ایده‌های دانشجویان به عنوان عضو مهم آموزشی می‌تواند تاثیر گذار باشد، در این پژوهش به بررسی بهره‌وری آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان پرداختیم.

روش: در این بررسی توصیفی، نمونه‌ای مورد مطالعه ۵۰ نفر از دانشجویان پزشکی مقطع بالینی بودند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه‌ای برگرفته از Barbara and soloman questionnaire مشتمل بر ۲۵ سؤال در محدوده یادگیری بود. برای بررسی داده‌ها از نرم‌افزار SPSS و آزمون t استفاده شد.

یافته‌ها: طبق نتایج بدست آمده تدریس مطالب کاربردی (۸۸٪)، امکانات کافی و مناسب آموزش بالینی (۸۵٪)، شرکت دادن دانشجویان در بحث‌های گروهی (۸۲٪)، تدریس مطالب کاربردی (۸۰٪)، مهمترین عوامل مؤثر بر بهره‌وری مفید و مطالعه فردی از کم اهمیت‌ترین عوامل تأثیرگذاری بر این امر بودند.

بحث و نتیجه‌گیری: پیشنهاد می‌شود این گونه مطالعات باید در سطح وسیع‌تر انجام گیرد تا بتوان با کاهش چالش‌های آموزش بالینی، در جهت ارتقاء این امر گامی برداشت.

کلیدواژه‌ها: بهره‌وری، یادگیری، آموزش بالینی، دانشجویان پزشکی

(S.2204) نشست: ۲۲، ارائه‌شده‌ای: ۴

تعیین شکاف کیفیت خدمات آموزشی ارائه شده به دانشجویان کارورز پزشکی

محمد صباحی بیدگلی^{*}، زریچهر وکیلی، فخرالسادات میرحسینی، سید غلامعباس موسوی، نگین خوشبخت

^{*} مربی دانشگاه علوم پزشکی کاشان - sabahibidgoli@gmail.com

دانشگاه علوم پزشکی کاشان - دانشکده بهداشت و پیراپزشکی

مقدمه: ارزیابی کیفیت خدمات از گام‌های اساسی در تدوین برنامه‌های ارتقا کیفیت محسوب می‌شود. از آنجاکه ارتقا کیفیت آموزش پزشکی از مسایل عمده سیستم آموزش پزشکی است ارزیابی آن به عنوان یکی از روش‌های ارتقاء کیفیت مطرح شده است. در تعاریف متعددی که از کیفیت مطرح است بر مفاهیمی از قبیل «تطابق با خواسته‌ها»، «تناسب برای استفاده»، «برآوردن نیازهای مشتری» و حتی «پیشی

گرفتن از خواسته‌های مشتریان» تاکید شده است. لذا با توجه به اهمیت شناخت شکاف کیفیت خدمات آموزشی این پژوهش به منظور تعیین شکاف کیفیت خدمات آموزشی از دیدگاه اساتید و فراگیران این خدمت طراحی و به اجرا درآمده است.

روش: در یک مطالعه توصیفی مقطعی در دانشگاه علوم پزشکی کاشان بهار ۱۳۸۸، کیفیت خدمات آموزشی در مقطع کارورزی پزشکی از دیدگاه اعضاء هیئت علمی و فراگیران مورد سنجش و مقایسه قرار گرفت. ابزار مورد استفاده پرسشنامه ۲۲ گزینه‌ای کیفیت خدمات (SERVQUAL) طراحی شده توسط بری و همکارانش بود که توسط جمعی از پژوهشگران داخلی مورد تجدید نظر و استفاده قرار گرفته است. این ابزار، کیفیت را در پنج بعد اطمینان، ملموس، پاسخ‌گویی، همدلی و تضمین مورد سنجش قرار می‌دهد و از مقیاس ۵ امتیازی لیکرت استفاده می‌کند. پایایی پرسشنامه با آزمون آلفای کرونباخ سنجش و با ضریب آلفای ۰/۹۳ مورد تایید قرار گرفت. در این مطالعه شکاف کیفیت از طریق تفاضل انتظارات دانشجویان و اساتید نسبت به مولفه‌های کیفیت و ادراک آنها حاصل گردید [شکاف = ادراکات (وضع موجود) - انتظارات (وضع مطلوب)]. این پژوهش به منظور تعیین و مقایسه شکاف کیفیت خدمات آموزشی از دیدگاه اساتید و فراگیران این خدمت طراحی و به اجرا درآمده است. داده‌ها با استفاده از آماره‌های میانگین، انحراف معیار و آزمون‌های آماری ویلکاکسون و کروسکالوالیس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: شرکت‌کنندگان شامل ۶۶ نفر از اساتید بالینی (۷۱ درصد مرد و از سن ۴۲ سال به بالا و سابقه کار ۵ تا بیش از ۱۵ سال در تخصص‌های مختلف) و ۵۴ کارورز (۷۶ درصد مرد) بودند.

نتایج حاصل از مطالعه شکاف مثبت را در تمامی ابعاد پنج‌گانه نشان داد که بیشترین شکاف مثبت از دیدگاه اساتید و فراگیران در بعد تضمین به ترتیب $0/81 \pm 0/63$ و $1/97 \pm 0/94$ بود. کمترین میزان شکاف از دیدگاه فراگیران در بعد ملموس ($1/4 \pm 1/23$) و از دیدگاه اساتید در بعد پاسخگویی ($0/39 \pm 0/47$) نشان داده شد.

بحث و نتیجه‌گیری: مشاهده شکاف کیفیت مثبت در تمامی ابعاد پنج‌گانه کیفیت بیانگر آن است که دانشگاه در تأمین انتظارات اساتید و فراگیران موفق نبوده است. نظر به اینکه یافته‌های مطالعه نشانگر بیشترین شکاف کیفیت در بعد تضمین می‌باشد و در این مولفه جنبه‌هایی از قبیل سهولت بحث و تبادل نظر در راندها بین اتدینگ و فراگیران، موجودیت منابع مطالعاتی کافی برای افزایش آگاهی تخصصی، اختصاص وقت کافی از سوی اتدینگ جهت پاسخگویی به فراگیران مطرح می‌باشد. لذا مدیریت آموزشی دانشگاه می‌تواند با طراحی راه-کارهای مناسب موجبات ارتقاء خدمات را در این زمینه‌ها فراهم نماید.

کلیدواژه‌ها: شکاف کیفیت، ابعاد پنج‌گانه، خدمات آموزشی، دانشجویان کارورز پزشکی، اساتید

(S.2205) نشست: ۲۲، ارائه شفاهی: ۵

کاربرد اصول مدیریت جامع کیفیت (TQM) در مدیریت آموزش پزشکی؛ موانع و راهکارها

زکيه پیری^۱، آمنه محمدپور ارمنیان

* ۱- استادیار دانشکاه علوم پزشکی - دانشکده پیراپزشکی - تبریز - خ دانشگاه - دانشکده پیراپزشکی pz1385@gmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی - کارشناس پژوهشی دانشکده پزشکی - دانشگاه علوم پزشکی تبریز

مقدمه: امروز استفاده از نظام مدیریت کیفیت فراگیر، برای نظام‌های آموزشی همانند سایر سازمان‌ها مطرح شده است و بسیاری از آموزش‌دهندگان معتقدند که فقط اصول و قواعد TQM می‌تواند نیازهای آموزش در دنیای جدید را برآورده نماید. هدف از این پژوهش جستجوی تجربیات استفاده از اصول مدیریت جامع کیفیت در آموزش پزشکی و دلایل عدم موفقیت در به کارگیری آنها بوده است.

روش: این پژوهش یک مطالعه مروری بوده که با بررسی کتابخانه‌ای و اسنادی و نیز جستجو در بانک‌های اطلاعاتی در مورد مدیریت کیفیت فراگیر، نقش مدیریت کیفیت فراگیر در آموزش عالی و تجربیات مربوطه در زمینه آموزش پزشکی انجام گرفته است.

یافته‌ها: اصولی از مدیریت جامع کیفیت که در مدیریت آموزش پزشکی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد، عبارتند از: ارتباط بر اساس تشریک مساعی و فعالیت تیمی، بهبود مداوم و ارزیابی خود، تفکر سیستمیک، نگرش فرایندی، توجه تمام و کمال به دریافت‌کننده خدمات آموزشی، تعهد و رهبری مدیر ارشد. موانع زیادی برای عدم اجرای TQM بر اساس اصول یاد شده در متون مربوطه آمده است. دلایلی که برای اثربخشی محدود TQM در مدیریت آموزشی ارائه شده است، متعدد بوده و می‌توان به این موارد اشاره نمود: ملموس نبودن محصول فرایندها نسبت به فرایندهای بهداشتی و درمانی، عدم درک مدیریت کیفیت فراگیر از سوی مدیران و رهبران آموزشی به طور یکسان، عدم بسترسازی مناسب فرهنگی، مشغله فراوان مدیران آموزش پزشکی به دلیل درگیر بودن در فرایندهای بهداشتی و درمانی، بخشی‌نگری و

گرایش به تخصص حرفه ای در مدیران آموزش پزشکی، عدم آشنایی با فواید کاربست اصول TQM در آموزش و عدم علاقمندی این مدیران به نسبت کارکنان درگیر در فرآیندهای محیطی بوده است. پژوهش‌ها روش‌های اجرایی بسیاری برای کاربردی کردن اصول TQM در آموزش پزشکی ارائه می‌دهند.

بحث و نتیجه‌گیری: اگر چه حیطه آموزش و به‌خصوص آموزش پزشکی تا کنون به اندازه محیط‌های بهداشتی و درمانی در زمینه اجرای مدیریت کیفیت موفق نبوده اند، اما با کاربردی کردن اصول TQM برای محیط‌های آموزش پزشکی می‌توان به اندازه سایر عرصه‌ها در این زمینه نیز به موفقیت نائل گشت.

کلیدواژه‌ها: آموزش پزشکی، مدیریت کیفیت فراگیر، موانع

(S.2206) نشست: ۲۲، ارائه شفاهی: ۶

بررسی میزان انطباق آئین‌نامه مدیریت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی با معیارهای رهبری در آموزش

کامران آزما*، جواد یزدانی‌جو، زهره فرح‌نژاد، بابک شکارچی

* استادیار دانشگاه علوم پزشکی ارتش DR_azma@ymail.com

عصر حاضر را عصر مدیریت و رهبری می‌نامند. زیرا موفقیت نهادها و سازمان‌ها به میزان زیادی به کارایی و اثر بخشی مدیریت بستگی دارد. در این میان نظریه‌های گوناگونی در مورد نقش رهبری در رشد و بهره‌وری سازمان‌ها و دانشگاه‌ها بیان شده است. مهمترین آنها نظریه‌های خصوصیات فردی رهبری، نظریه‌های رفتار رهبری (با دو گرایش انسان‌گرا و سازمان‌گرا) و نظریه‌های موقعیتی و اختصاصی می‌باشد. بنابراین، کسانی می‌توانند نقش رهبری را در سازمان و رشد آنها ایفا نمایند، که علاوه بر خصوصیات فردی رهبری مانند تحصیلات، تجربیات، هوشمندی، برون‌گرایی، پشتکار، تلاش، بلوغ اجتماعی و ظاهری زیبا و آراسته دارای موقعیت‌های اجتماعی و سبک و روش رهبری مانند انسان‌گرایی، قدرت مرجع و الگو بودن، قدرت مدیریت، قدرت ابداعات و ابتکارات و قدرت مدیریت آنها باشند. از آنجائی که آئین‌نامه مدیریت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی معیارهای لازم در انتخاب رؤسا، هیئت رئیسه و معاونین دانشگاه‌ها را معرفی می‌نمایند، به نظر می‌رسد بررسی این آئین‌نامه و انطباق آن با معیارهای رهبری در آموزش ضروری و مهم می‌باشد. بدین منظور این مطالعه با هدف بررسی میزان انطباق آن با معیارهای رهبری پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: آئین‌نامه مدیریت، معیارهای رهبری، آموزش

(S.2207) نشست: ۲۲، ارائه شفاهی: ۷

بررسی کیفیت معیار «رهبری آموزشی» در بیمارستان بقیه‌الله براساس مدل تعالی مالکولم بالدريج در سال

۱۳۸۸

محمد صالح فلاح*، دکتر شهرام توفیقی، مجتبی خواجه آزاد

* کارشناس ارشد دانشگاه بقیه‌الله - خیابان ملا صدرا - دانشگاه بقیه‌الله - معاونت پژوهش mosafa52@yahoo.com

مقدمه: مدل تعالی مالکولم بالدريج اصول مدیریت کیفیت فراگیر (TQM) را برای سازمان‌های آموزشی-درمانی بهینه نموده که اولین معیار این مدل رهبری می‌باشد. هدف این مطالعه ارزیابی کیفیت رهبری آموزشی در بیمارستان بقیه‌الله بر اساس مدل تعالی مالکولم بالدريج بود.

روش: مطالعه توصیفی و مقطعی بود و اطلاعات از طریق مصاحبه، مشاهده مستندات و فرایندها با استفاده از چک‌لیست استاندارد مدل تعالی مالکولم بالدريج (نسخه ۲۰۱۰-۲۰۰۹) جمع‌آوری شد. کیفیت معیار رهبری و هریک از شاخص‌های آن با استفاده از ماتریس مدل در چهار سطح رویکرد، استقرار، یادگیری سازمانی و یکپارچگی امتیازدهی و تحلیل گردید.

یافته‌ها: در مجموع معیار رهبری آموزشی در بیمارستان بقیه‌الله براساس مدل بالدريج از مجموع ۱۲۰ امتیاز ۵۳/۹۵۵ (۴۴/۹۶٪) امتیاز را کسب نمود. این امتیاز از میانگین شاخص‌های «ارزشها، چشم انداز، رسالت» ۴۵٪ - «ارتباطات و عملکرد سازمانی» ۴۲/۵٪

مربوط به زیر معیار رهبری ارشد و شاخص‌های «اداره سازمان» ۵/۵۲٪ - «رفتار اخلاقی و قانونی» ۴۰٪ - «پاسخگویی اجتماعی و حمایت از جوامع کلیدی» ۵/۴۷٪ مربوط به زیر معیار کنترل و پاسخگویی اجتماعی بدست آمده است.

بحث و نتیجه‌گیری: نتایج نسبت به مطالعه مشابه در سال ۱۳۸۶ در بیمارستان شهید هاشمی‌نژاد که ۱۹٪ امتیاز معیار «رهبری» حوزه آموزش مدل بالدریج را کسب نموده، بسیار بهتر بود. این امر علاوه بر الزامات یک سازمان نظامی، می‌تواند به دلیل تلاش برای اعتباربخشی آموزش پزشکی بر اساس استانداردهای ملی و جهانی (WFME) در دانشکده پزشکی بقیه الله باشد. کیفیت معیار رهبری آموزشی در بیمارستان بقیه الله در سطوح رویکرد و استقرار نسبتاً خوب ارزیابی شد، اما در سطوح یادگیری سازمانی و یکپارچگی همچنان نیازمند ارتقاء کیفیت است. پیشنهاد می‌شود با استفاده از الگوی سازمان یادگیرنده از توان بخش‌های پیشرو برای یکپارچه‌سازی برنامه توسعه در همه بخش‌های سازمان استفاده شود و برنامه توسعه با در نظر گرفتن شاخص‌های معیار رهبری در مدل بالدریج بازنگری و تقویت شود.

کلیدواژه‌ها: مدل تعالی، کیفیت، رهبری آموزشی، مالکولم بالدریج، بیمارستان بقیه‌الله

(S.2301) نشست: ۲۳، ارائه شفاهی: ۱

مشخصات یک رهبر آموزشی

سهیل اشکانی*، صدیقه ابراهیمی

* دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی شیراز. oashkani@gmail.com

مقدمه: زمان حاضر را عصر مدیریت و رهبری می‌نامند. به دلیل اینکه، موفقیت نهادها و سازمان‌ها تا حد زیادی به کارایی و اثربخشی مدیریت بستگی دارد. هیچ یک از روش‌های مدیریت به‌اندازه‌ی مدیریت آموزشی حائز اهمیت نیست، چرا که هرگونه کوتاهی، سهل‌انگاری و اشتباه در زمینه‌ی آموزش و پرورش انسان‌ها تأثیرات نامطلوب و زیان‌باری در رشد افراد و جامعه دارد. مهم‌ترین هدف مدیریت آموزشی رسیدن به اهداف کلی تعلیم و تربیت است. بهترین نوع مدیریت آموزشی، مدیریتی است که همراه با رهبری باشد.

روش: پژوهش حاضر از نوع کتابخانه‌ای می‌باشد.

یافته‌ها: یک رهبر آموزشی به طور مداوم سعی در افزایش دانش خود و روش استفاده از این دانش در تصمیم‌های حرفه‌ای خود دارد و نقاط قوت و ضعف خود را شناسایی کرده و خود را ارزیابی می‌نماید و در صورت نیاز برای بهبود در نقاط ضعف خود از کمک دیگران استفاده می‌کند. یک رهبر آموزشی اهمیت همکاری و مشورت و تشریک مساعی با همکاران، خانواده‌ها و همهی افرادی که در آموزش سهیم هستند را درک می‌کند. یک رهبر آموزشی، توانایی مرور و استفاده از تحقیقات جدید در تصمیمات آموزشی، برقراری ارتباط موثر (شنیدن، صحبت کردن، نوشتن) با دانشجوی، همکاران، خانواده‌ها و اجتماع را داراست. این امر موجب اعتماد او و افراد دیگر می‌شود و انگیزه‌ی متقابل به‌وجود می‌آورد و در برقراری ارتباط روش‌های مؤثر و مناسب گفتاری، نوشتاری و تکنولوژی را به‌طور مؤثر ادغام می‌نماید و رفتار متناسب با فرهنگ و موقعیت اتخاذ می‌کند. یک رهبر آموزشی، فراگیران، همکاران و افراد درگیر در آموزش را به سمت تعالی و نو-آوری هدایت می‌کند و اطمینان پیدا می‌کند که بهترین کارها انجام می‌شود و پیوسته در حال ارزیابی توانایی خود در جهت یک هدایت مؤثر است. یک رهبر آموزشی خوب در حین اینکه بر هدف اصلی تمرکز دارد، می‌تواند تفکر استدلالی داشته باشد و نه تنها موقعیت کلی را شناسایی می‌کند، بلکه می‌تواند آن را به اهداف جزئی تجزیه کند و در حالیکه هدف اصلی را در نظر دارد، آن را به مراحل ساده‌تر تقسیم کند و امکان رسیدن به آن را مهیا کند. رهبری می‌تواند موفق باشد که اعتماد به‌نفس داشته باشد، از شکست نترسیده و قابلیت روبرو شدن با نتایج را داشته باشد.

بحث و نتیجه‌گیری: موفقیت در رهبری علاوه بر خصوصیات فردی رهبر، به ویژگی‌های همکاران، خانواده‌ها و همهی افرادی که در آموزش سهیم هستند، محیط و درک عوامل مؤثر بر همهی آن‌ها مربوط می‌شود. اساس این فعالیت آنها، مسائل و مشکلات آموزشی را شناسایی نموده، برای حل آنها در فضایی کاملاً دوستانه و تعاملی با همکاران و افراد درگیر در آموزش، اقدامات اصلاحی را پیش‌بینی می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: مدیریت، رهبری، رهبر آموزشی

(S.2302) نشست: ۲۳، ارائه شفاهی: ۲

بررسی بعضی از رویه‌های گوناگون مدیریت و رهبری در آموزش علوم پزشکیصغری یاسائی^۱، سید محمد رضا آقائی میبدی^۲

* ۱- دانشیار دانشکده دندانپزشکی یزد syassaei@ssu.ac.ir

۲- پزشک عمومی دانشگاه علوم پزشکی یزد

آموزش مبحث پیچیده‌ای است که در کنار فراگیری علوم خاص برای معلم نیاز به فراگیری دانش‌های گوناگون دیگری است شاید بتوان به جرأت گفت استاد باید آمیخته‌ای از علوم روانشناسی، تربیتی، جامعه‌شناسی، ارتباطات و علوم رسانه‌ای را در ذهن خود آماده و مهیا برای امکان بهتر آموزش به‌همراه داشته باشد. یکی از عناصر مهم در میان علوم آموزشی، مدیریت و رهبری در آموزش علوم پزشکی است. ۱- مدیریت می‌تواند در موارد زیر آموزش علوم پزشکی را مورد مداخله قرار دهد. مدیریت بر بالین بیمار آموزش علوم پزشکی بالینی آمیخته‌ای از آموزش دانشجو، بیمار و مدیریت برقراری ارتباط بین این دو می‌باشد. بیمار به‌عنوان موجودی انسانی دارای ویژگی‌های فردی خاص خود می‌باشد و دانشجو به عنوان آموزش پذیر دارای ویژگی‌های گاه منحصر به فرد است یک استاد باید توانایی برقراری ارتباط بین آموزش دانشجو، درمان مناسب بیمار و ایجاد اعتماد در بیمار را داشته باشد. ۲- مدیریت و رهبری در آموزش گروهی در آموزش علوم پزشکی بطور معمول یک گروه دانشجو در یک مقطع تحصیلی با استاد در بازه زمانی مشخص در ارتباط هستند و همراه با آموزش ارائه خدمات نیز انجام می‌شود فاصله زمانی بین آموزش استاد و ارائه خدمات دانشجو به بیمار گاهی به صفر می‌رسد یعنی آموزش ← یادگیری ← عملیات ← ارائه خدمات و این موضوع مدیریت و رهبری خاصی را در آموزش گروهی می‌طلبد ۳- مدیریت و رهبری در برقراری ارتباط بین دانسته‌های تئوری و عمل فاصله بین فراگیری درس تئوری و عملی ویژگی دیگر این نوع آموزش است و این فاصله شاید به تعمیق آموزش کمک کند زیرا طی مراحل تکوینی آموزش بین این دو مولفه و بازه زمانی بین آن می‌تواند در فهم بیشتر مطالب تاثیرگذار باشد ولی گاه سرعت فراموشی مطالب تئوری با توجه به ویژگی‌های فردی دانشجویان شکل دیگری را ایجاد خواهد کرد وظیفه استاد این خواهد بود تا با مدیریت و رهبری در برقراری ارتباط بین دانسته‌های تئوری و عملی و یادآوری و تکرار مطالب تئوری بر بالین بیمار به تمهید و درک بهتر و تفهیم بالاتر و همچنین فراگیری بهتر درس عملی کمک کند ۴- مدیریت برنامه‌ریزی آموزشی در بهره‌وری دانشجو توالی و ترتیب این مطالب آموزشی در فراگیری تعمیق و تفهیم و کارکرد آینده دانش‌پذیر بسیار اثرگذار است. ترتیب توالی سرفصل‌های آموزش اصولاً به صورت تصادفی است. در یک فصل آموزشی نیز ترتیب و توالی اهمیت ویژه‌ای دارد. استاد می‌تواند با آموزش منحصر به فرد خود توالی سرفصل‌های درسی را با توجه به توانایی دانشجویان در فراگیری مباحث علمی و عملی مشخص نماید و با مدیریت و رهبری نامرئی در آموزش فردی به بهبود فراگیری کمک نماید ۵- مدیریت ایجاد اعتماد در بیمار در حین درمان استاد با مدیریت و رهبری خود بر بالین بیمار باید محیط مناسبی را برای آموزش و هم برای ارائه خدمات فراهم کند تردیدی نیست اگر این کار با ظرافت‌های خاص خود صورت گیرد حتی می‌تواند اهمیت و کارکرد مناسبی داشته و رغبت بیماران را به مراکز آموزشی افزایش دهد

کلید واژه‌ها: آموزش، پزشکی، رهبری، دندانپزشکی

(S.2303) نشست: ۲۳، ارائه شفاهی: ۳

بررسی نظرات کارشناسان شاغل در دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز در ارتباط با ویژگی‌های**مدیران میانی در سال ۱۳۸۸**

لیلا بذرافکن، نورالهدی فخرزاد، مریم فخرزاد، کریم عباسی

دانشگاه علوم پزشکی شیراز

مقدمه: مدیریت از دیرباز در فعالیت‌های انسان وجود داشته، البته نه به اندازه و اهمیتی که در حال حاضر وجود دارد. انسان برای انجام هر فعالیتی باید از عوامل زیادی بهره ببرد اما این عوامل به خودی خود موجب نیل به هدف نمی‌شود چون این عوامل باید با یکدیگر هماهنگ باشند و یک مجموعه ی یکپارچه را تشکیل دهند تا بتوانند به هدف خود برسند اما این هماهنگی نیز به خودی خود به دست نمی‌آید

آید. در اینجاست که ما به اهمیت مدیریت با ویژگی‌های خاص آن پی می‌بریم. هر مدیر باید دارای ویژگی‌هایی باشد که او را درخور و شایسته رهبری محیط آموزشی گرداند. این توانمندی‌ها که به توانمندی‌های رهبری موسوم است فرد را در بین سایر افراد متمایز نموده و او را قابل مراجعه، اعتماد و اطمینان سازد. این مطالعه در راستای بررسی نظرات کارکنان و کارشناسان شاغل در دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز در ارتباط با رفتار و ویژگی‌های مدیران میانی طراحی شده است.

روش: در این مطالعه توصیفی مقطعی، ۳۵ نفر از کارشناسان دانشگاه علوم پزشکی شیراز با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. پرسشنامه با ۴۰ سؤال و مقیاس فاصله‌ای لیکرت (۵-۱) از بسیار موافقم تا بسیار مخالفم طراحی شده است، سؤالات در ۶ حیطه دسته‌بندی گردید. (۱- کارمندیابی و شایسته سالاری ۲- ارزیابی رفتار کارکنان ۳- افزایش ظرفیت کاری کارکنان ۴- تعالی شغلی در محیط کار ۵- ارتباطات موثر ۶- رفتار انسانی). روایی پرسشنامه با اخذ نظرات چند تن از اساتید باتجربه و صاحب‌نظر و پایایی آن نیز با توزیع تعداد ۲۰ پرسشنامه بین جامعه آماری و با استفاده از آلفای کرونباخ، ضریب ۰/۷۶ برآورد گردیده است. داده‌های جمع‌آوری شده در دو سطح توصیفی و استنباطی همچون درصد و میانگین، از طریق نرم‌افزار آماری SPSS v.11.5 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌ها: نتایج نشان می‌دهد بیشترین میانگین در حیطه "کارمندیابی و شایسته سالاری" ($3/58 \pm 0/83$)، در حیطه "ارزیابی رفتار کارکنان" ($2/83 \pm 1/11$)، در حیطه "افزایش ظرفیت کاری کارکنان" ($3/73 \pm 0/75$)، در حیطه "تعالی شغلی در محیط کار" ($3/23 \pm 0/85$)، در حیطه "ارتباطات موثر" ($3/27 \pm 0/95$) و در حیطه "رفتار انسانی" ($3/39 \pm 0/96$) بوده است. به نظر می‌رسد با توجه به اینکه حیطه "افزایش ظرفیت کاری کارکنان"، بیشترین و حیطه "ارزیابی رفتار کارکنان"، کمترین نمره را کسب نموده، به‌ترتیب، کمترین و بیشترین تغییر از جانب مدیریت واحد در این حیطه‌ها لازم است.

بحث و نتیجه‌گیری: همانطور که می‌دانیم اهمیت تبیین ویژگی‌های مدیران جهت تعیین استانداردها و حیطه‌های تاثیرگذار رفتاری و شخصیتی ایشان، برکسی پوشیده نیست. تشخیص این استانداردها و توانمندی‌ها و همچنین نقاط ضعف مدیران و سعی در اصلاح این نقاط، مدیر را قابل اعتماد و اطمینان می‌سازد. شایان توجه است که افزایش ظرفیت کاری کارکنان از مهمترین دغدغه‌های مدیران میانی دانشگاه است اما بنظر می‌رسد کارشناسان در مورد آیتم ارزیابی رفتار کارکنان توسط مدیران زیاد خوشبین نمی‌باشند. که بایستی جهت رفع این نقیصه ارزشیابی‌های معتبر و مستمر پی ریزی شود.

کلیدواژه‌ها: نظرات کارشناسان، ویژگی‌های مدیران

(S.2304) نشست: ۲۳، ارائه‌شده: ۴

بررسی وضعیت رفتار رهبری در کلاس از جنبه "توجه به فرد و سازمان" در دانشگاه علوم پزشکی ارتش

زهره فرح نژاد*، مینو شاددل، محمد رضا رفیعی

* استادیار دانشگاه علوم پزشکی ارتش، تهران، دانشگاه علوم پزشکی ارتش، دانشکده پزشکی، مدیر علوم پایه
farahnejad@yahoo.com

مقدمه: آگاهی از وضعیت کلی رفتار رهبری در کلاس به دقیق تر شدن برنامه ریزی‌ها جهت رسیدن به اهداف عالیه کمک خواهد کرد. جهت شناخت اولیه از آن، برآن شدیم پژوهشی در ارتباط با مشخص شدن مسیر رهبری در کلاس از جنبه "توجه به فرد و سازمان" انجام دهیم.

روش: به ۳۵ نفر از اعضای هیئت علمی گروه علوم پایه و بالینی دانشکده پزشکی، پرسشنامه مخصوص را داده تا به سؤالات آن از جنبه‌های مختلف رفتار رهبری در کلاس پاسخ دهند. سپس طبق روش ارزیابی که در اختیار داشتیم، امتیازات بر اساس نوع پاسخ‌ها محاسبه شد. امتیازهای کسب شده در ارتباط با "توجه به سازمان" در محور افقی و امتیازهای کسب شده در ارتباط با "توجه به فرد" در محور عمودی جدولی مخصوص ثبت شد. محل تقاطع آنها در جدول، جایگاه هر نفر را در شبکه مدیریت (یا جدول سبک‌های رهبری) مشخص می‌کرد. سپس مجموع نتایج به جدولی مشترک منتقل شد و طبق آن درصد پراکندگی افراد در هر خانه از جدول بدست آمد. وضعیت افراد با دو عدد بیان شد که عدد سمت چپ امتیاز "توجه به فرد" و عدد سمت راست امتیاز "توجه به سازمان" است.

یافته‌ها: از مجموع ۱۴ وضعیت بدست آمده، بالاترین درصد پراکندگی در وضعیت ۳-۴ جدول قرار داشت (۲۰/۰۲٪). درصد پراکندگی سایر وضعیت‌ها به ترتیب: ۲-۵ و ۴-۲ (۱۱/۴۴٪)، ۵-۱ و ۴-۱ و ۲-۲ (۸/۵۸٪)، ۳-۶ و ۵-۳ و ۳-۲ (۵/۷۲٪)، ۶-۲ و ۴-۴ و ۴-۱، ۳-۱ و ۲-۳ و ۲-۴ (۲/۸۶٪) بود.

بحث و نتیجه گیری: به نظر می‌رسد که نحوه عمل و رفتارهای رهبری در کلاس به سمت "توجه به فرد" متمایل تر است و به این جنبه از رفتار رهبری نزدیک تر می‌باشد. در نتیجه از اهمیت بیشتری نیز برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: رفتار رهبری، توجه به فرد، توجه به سازمان

(S.2305) نشست: ۲۳، ارائه شفاهی: ۵

بررسی صلاحیت و شایستگی‌های مورد نیاز برای کارآمد بودن یک رهبر پزشکی از نظر دانشجویان و اساتید بالینی دانشکده پزشکی بوشهر-۱۳۸۸

دکتر نیلوفر معتمد*، آزاده عازمیان، نورالسادات ساجدی

* استادیار دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر motamed_drn@yahoo.com
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر- مرکز توسعه و مطالعات آموزش علوم پزشکی

مقدمه: افزایش پیچیدگی در سیستم‌های خدمات سلامت نیاز به رهبران پزشکی کارآمد را برای تصمیم‌گیری در سازمان و هدایت سیاسی بیشتر می‌کند. ولی تعداد کمی از پزشکان برای کار به عنوان یک رهبر موثر آموزش دیده‌اند. در مدارس پزشکی برخی کشورهای پیشرفته علیرغم وجود کرسی‌های متعدد برای مسئولیت دپارتمان، تعداد ناچیزی از این کرسی‌ها توسط رؤسا اشغال شده‌اند و علی‌رغم این واقعیت که کرسی‌های بالاتر دپارتمان بیشتر از تعداد مدیران هستند ولی سیاستگذاران توجه کمی به نقش‌ها، مسئولیت‌ها و نیازهای موسسه برای تربیت مدیران کارآمد داشته و آمادگی لازم را در تربیت افراد و آماده کردن آنها برای پذیرش مسئولیت ایجاد نمی‌کنند. یکی از نشانه‌های این چالش، میزان گردش و تغییر مدیریت دپارتمانها است. لذا توسعه برنامه‌های آموزش رهبری و تمرکز بر توسعه مهارت‌های رهبری در آموزش پزشکی و سیستم‌های سلامت یک ضرورت محسوب می‌گردد. این پژوهش در نظر دارد نگرش و درک دانشجویان پزشکی و اساتید بالینی را در مورد صلاحیت و شایستگی‌های مورد نیاز برای کارآمدی یک رهبر پزشکی و دیدگاه آنها در مورد بهترین راه برای توسعه این شایستگی را بررسی کند.

روش: در یک مطالعه مقطعی، کلیه دانشجویان و اساتید بالینی دانشکده پزشکی از طریق تکمیل یک پرسشنامه خود ایفا مورد بررسی قرار گرفتند. پرسشنامه مشتمل بر دو بخش بود: مشخصات دموگرافیک و ۲۵ سؤال مربوط به شایستگی و صلاحیت‌های مورد نیاز جهت کارآمدی یک رهبر پزشکی. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS، آمار توصیفی و آزمون کای مربع صورت گرفت.

یافته‌ها: از بین ۴۰ عضو هیئت علمی شرکت کننده در پژوهش، ۸۲/۵٪ استادیار و ۵٪ دانشیار و از ۸۰ نفر دانشجو ۷۹/۷٪ زن و ۲۰/۳٪ مرد بودند. ۹۷/۵٪ از اعضا هیئت علمی و ۱۰۰٪ دانشجویان مهمترین صلاحیت را برای کارآمد بودن یک رهبر پزشکی داشتن مهارت‌های ارتباطی و بین فردی می‌دانستند. همچنین ۹۰٪ اساتید تدریس و آموزش در دوره‌های مختلف پزشکی و برنامه‌های آموزش مداوم و ۹۷/۵٪ از دانشجویان تعالی خدمات بالینی و توانایی تصمیم‌گیری در موارد خاص بالینی را نشانگر کارآمد بودن یک رهبرپزشکی می‌دانستند. ۹۴/۵٪ از اعضا هیئت علمی و ۹۳/۷٪ از دانشجویان مهمترین روش را برای توسعه شایستگی رهبری داشتن تجربه کاری می‌دانستند. همچنین بین نظرات دانشجویان و اساتید در وجود برنامه آموزشی در موضوع رهبری ($P>0.04$)، ارائه دوره‌های رسمی آموزشی منجر به مدرک ($P>0.36$) و همچنین خودآموزی بعنوان روشی برای توسعه شایستگی رهبری ($P>0.19$) اختلاف معنی دار وجود داشت.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به تاکید اعضا هیئت علمی و دانشجویان بر اهمیت مهارت‌های ارتباطی و بین فردی برای کارآمد بودن یک رهبر پزشکی و همچنین لزوم آشنایی اساتید و دانشجویان پزشکی با مفاهیم رهبری و تربیت آنها بعنوان رهبران کارآمد به نظر می‌رسد ارائه دروس رهبری و مدیریت بصورت رسمی در دوره آموزش پزشکی یا به صورت دوره‌های آموزش مداوم امری ضروری باشد.

کلیدواژه‌ها: آموزش پزشکی، رهبری در پزشکی، صلاحیت و شایستگی

(S.2306) نشست: ۲۳، ارائه شفاهی: ۶

بررسی عملکرد مدیران گروه‌های پایه در زمینه رهبری گروه‌های آموزشی دانشکده پزشکی شیراز در سال ۸۷-۸۸ از دیدگاه ریاست دانشکده، اساتید و فراگیران

هاجر دهقان*، فاطمه رحیمی، سرور اینالو

* کارشناس دانشگاه علوم پزشکی شیراز hdehghan@sums.ac.ir

دانشگاه علوم پزشکی شیراز- دانشکده پزشکی

مقدمه: با توجه به اینکه رضایت‌مندی گروه‌های مختلف از عملکرد مدیر گروه یکی از شاخص‌های اصلی اثر بخشی گروه آموزشی می‌باشد. این مطالعه به بررسی میزان رضایت‌مندی ریاست دانشکده، اعضای هیئت علمی گروه، دانشجویان پایه و تحصیلات تکمیلی از عملکرد مدیران گروه‌های پایه دانشکده پزشکی شیراز در سال ۸۷-۸۸ می‌پردازد.

روش: این مطالعه به صورت توصیفی-تحلیلی و به روش مقطعی انجام شد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه‌های مدون مرکز توسعه آموزش پزشکی بود که روایی آن از طریق نظرسنجی از متخصصین مربوطه تأیید شد و پایایی آن به روش همسانی درونی و محاسبه آلفای کرونباخ ارزیابی شد. ضریب آلفای کرونباخ جهت پرسش‌نامه‌های ریاست دانشکده ۰/۷۵، اعضای هیئت علمی پایه ۰/۹۱، دانشجویان پایه ۰/۹۰، کارشناسی ارشد و دکترا ۰/۸۶ تعیین شد. پرسش‌نامه‌ها به صورت مکاتبه‌ای برای ریاست دانشکده و اعضای هیئت علمی گروه-های پایه ارسال شد و پرسش‌نامه‌های ارزیابی از دید فراگیران پایه و تحصیلات تکمیلی در جلسات متعدد در اختیار فراگیران قرار گرفت. پرسش‌نامه‌های تکمیل شده بعد از جمع‌آوری با استفاده از نرم افزار SPSS، آمار توصیفی و استنباطی و ضریب همبستگی اسپیرمن و پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: بر اساس نتایج این مطالعه ارزیابی کلی از عملکرد مدیر گروه‌های پایه ($18/26 \pm 0/67$) به دست آمد، میزان رضایت‌مندی از عملکرد مدیران گروه از دید ریاست دانشکده ($18/09 \pm 0/61$)، اساتید ($18/25 \pm 1/51$)، دانشجویان پایه ($17/64 \pm 1/01$)، دانشجویان تحصیلات تکمیلی ($18/17 \pm 0/78$)، به دست آمد. سایر یافته‌ها نشان داد بین میزان رضایت‌مندی اساتید پایه، فراگیران و ریاست دانشکده از عملکرد مدیر گروه ارتباط معنی داری وجود نداشت ولی بین میزان رضایت‌مندی اساتید گروه از عملکرد مدیر گروه و میانگین کلی نمره عملکرد مدیر گروه رابطه معنی دار وجود داشت ($r=0/635$).

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج این مطالعه مدیر گروه‌های پایه از لحاظ همکاری مؤثر با معاونت آموزشی و مسئولین دانشکده (از دید ریاست دانشکده)، رعایت احترام متقابل بین استاد و فراگیر (از دید دانشجویان تحصیلات تکمیلی و علوم پایه) و اختصاص زمان مناسب جهت رسیدگی به امور گروه (از دید اعضای هیئت علمی) بیشترین امتیاز را کسب کردند. بین میزان رضایت‌مندی اعضای هیئت علمی پایه، دانشجویان پایه و تحصیلات تکمیلی و ریاست دانشکده از عملکرد مدیر گروه ارتباط معنی داری وجود نداشت. همچنین بین نمره کلی عملکرد مدیر گروه و میزان رضایت‌مندی ریاست دانشکده و فراگیران از عملکرد مدیر گروه ارتباط معنی داری مشاهده نشد.

کلیدواژه‌ها: رهبری گروه‌های آموزشی، اساتید، فراگیران، مدیر گروه

(S.2307) نشست: ۲۳، ارائه شفاهی: ۷

ویژگی‌های رهبر مؤسسات آموزشی

تیمور آقاملایی*، اسماعیل فاضل

* دانشیار دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان taghamolaei@hums.ac.ir

دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، دانشکده بهداشت

رهبر یک مؤسسه آموزشی در موفقیت مؤسسه و سیستم آموزشی آن نقش بسیار مهمی دارد. با در نظر گرفتن اینکه نقش رهبر یک مؤسسه آموزشی چند بعدی است مهارت‌های زیر را می‌توان برای وی در نظر گرفت: ۱. رهبری آموزشی. یکی از مهمترین ویژگی‌های رهبر یک مؤسسه آموزشی، رهبری آموزشی است. رهبری آموزشی شامل طراحی استراتژی‌های آموزشی، نظارت و ارزیابی برنامه‌ها، توسعه

کوریکولوم آموزشی و نیازهای فارغ التحصیلان می‌باشد. بنابراین مدیر مؤسسه آموزشی باید درک عمیقی از فرآیندهای یاددهی و یادگیری شامل آگاهی از روش‌های جدید تدریس، ایجاد دانش و آگاهی در دانشجویان، و مهارت در حل مسئله داشته باشد. علاوه بر این، رهبران خوب لازم است بخش عمده‌ای از وقت و انرژی خود را به بهتر کردن فرآیند یاددهی و یادگیری اختصاص دهند. همچنین مدیر مؤسسه آموزشی باید به موفقیت‌های دانشجویان نیز توجه داشته باشد. رهبری آموزشی متفاوت از رهبری حوزه‌های دیگر است. رهبری آموزشی از سطح کلاس درس تا سایر فعالیت‌های آموزشی را شامل می‌شود. بعضی از رهبران آموزشی وقت قابل ملاحظه‌ای را در کلاس درس صرف می‌کنند، در حالی که بعضی دیگر از آنها تیم‌هایی از معلمان یا معلمان و رهبران را برای انجام فعالیت‌هایی در جهت بهبودی و اصلاحات در سیستم آموزشی بوجود می‌آورند. عناصر کلیدی رهبری آموزشی خوب عبارتند از: ایجاد بازخورد، راهنمایی، حمایت، و توسعه فعالیت‌های حرفه‌ای^{۲۰}. مدیریت، بحث پر تنش در بین جامعه آموزشی در مورد این موضوع وجود دارد که مدیر مؤسسه آموزشی در درجه اول نقش مدیریتی (مدیریت سرمایه، والدین، معلمان، و مانند آن) است یا نقش رهبری آموزشی. شکی نیست که رهبر خوب باید مدیر خوبی نیز باشد. او باید در مورد منابع مالی اطلاعات داشته باشد. رهبران خوب باید مهارت مدیریت معلمان، پرسنل، ذینفعان، زمان، امکانات و تسهیلات را داشته باشند. امروزه در اصلاح محیط‌های آموزشی موضوعات مدیریتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند^۳. ارتباطات و همکاری دسته جمعی رهبر یک مؤسسه آموزشی نیاز به مهارت‌های ارتباطی و همکاری دسته جمعی دارد. رویکردها به رهبری یک مؤسسه آموزشی، تغییر از فرمان‌های عمودی و کنترل فرآیند به تقسیم مسئولیت‌ها در میان اساتید، دانشجویان، والدین، جامعه و رهبران آموزشی است. رهبران آموزشی خوب به جای اینکه به اساتید و زیر مجموعه خود بگویند چه کاری انجام دهند، باید دورنمای مهمی را برای آنها ترسیم نموده، مقاصد را روشن نمایند و در آنها ایجاد انگیزه نمایند تا برای رسیدن به این مقاصد سخت تلاش کنند^۴. توسعه دورنما، خطر کردن و تغییر مدیریت رهبران خوب باید یک دورنما برای مؤسسه آموزشی خود، طرح و نقشه‌ای برای رسیدن به آن و توانایی معرفی و شناساندن این دورنما را داشته باشند. علاوه بر این باید بدانند که چگونه با تشویق تمام اعضای مؤسسه آموزشی و پذیرفتن خطر با چالش‌هایی که مؤسسه آموزشی در ضمن تغییر ممکن است مواجه شود پایان دهند.

کلیدواژه‌ها: مدیریت، رهبری، آموزش

(S.2308) نشست: ۲۳، ارائه شفاهی: ۸

مقایسه مهارت‌های رهبری معاونین آموزشی دانشکده بهداشت و تغذیه و دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز از نظرگاه دانشجویان در سال ۱۳۸۸

حبیب اله قمی^{*}، علیرضا زادگان، حسن سلامی، شاپور نادر فام، ولی علیزاده، مرتضی جباری، رضا رشید زاد، ربعلی یوسفی

^{*} کارشناسی آموزش زبان انگلیسی دانشگاه علوم پزشکی تبریز habibollahghomi6@gmail.com

دانشگاه علوم پزشکی تبریز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

مقدمه: تحولات شگرف و روزافزون در زمینه‌های مختلف آموزشی و پیشرفت فنون و مهارت‌های رهبری موجب شکل‌گیری روش‌های مدیریتی در دانشگاه‌ها شده‌اند. رهبری هنر یا علم نفوذ در اشخاص است. به‌طوری که با میل و خواسته خود در جهت حصول هدف‌های تعیین شده گام بردارند. این مقاله با محوریت نقش و مهارت‌های رهبران آموزشی تحریر شده است. ایجاد بستر مناسب و شرایط مطلوب جهت حل مسائل آموزشی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی-درمانی تبریز بررسی و مقایسه مهارت‌های رهبری در آموزش را می‌طلبد.

روش: این مطالعه به روش توصیفی تحلیلی و از نوع پیمایشی می‌باشد. برای مقایسه مهارت‌های رهبری این دو دانشکده پرسشنامه مورد سنجش که در برگزیده دوازده سوال برای هر کدام از دانشکده‌ها ارائه و بصورت تصادفی ساده و حضوری به دانشجویان دانشکده‌ها تحویل داده شد، که از ۴۵۰ پرسشنامه ارسالی به تعداد ۲۸۰ پرسشنامه توسط دانشجویان دانشکده دندانپزشکی و از ۱۵۰ پرسشنامه ارسالی ۹۲ پرسشنامه توسط دانشجویان دانشکده بهداشت و تغذیه تکمیل و برگردانده شد. داده‌ها با برنامه SPSS و روش لیکرت با مقیاس‌های (خیلی کم=۱، کم=۲، زیاد=۳، خیلی زیاد=۴) تجزیه و تحلیل شدند. پایایی مطالعه براساس آزمون آلفای کرونباخ ۰/۸۵۵. برای دانشکده دندانپزشکی و ۰/۹۱۳ برای دانشکده بهداشت و تغذیه حاصل شد.

یافته‌ها: دانشجویان با گذاشتن علامت به این سؤالات که در خصوص مهارت‌های رهبری معاون آموزشی دانشکده‌شان بود نظر خود را بیان کردند. برون داده‌ها با میانگین و اولویت بندی به شرح زیر بدست آمدند: (۱) برای ایجاد حس مشترک با دانشجویان همکاری



می‌کند: دندانپزشکی میانگین ۳/۳۹ و بهداشت و تغذیه میانگین ۲/۷۳ (۲) تفکر منطقی را اساس کار خود قرار می‌دهد: دندانپزشکی میانگین ۳/۳۹، بهداشت و تغذیه میانگین ۲/۹۱ (۳) دارای مهارت برقراری ارتباط است: دندانپزشکی میانگین ۳/۳۷، بهداشت و تغذیه میانگین ۳/۱۶ (۴) با فرهنگ جامعه خود آشنایی کافی دارد: دندانپزشکی میانگین ۳/۳۵، بهداشت و تغذیه میانگین ۲/۹۶ (۵) به تعامل بین مسئولین آموزشی و دانشجو معتقد است: دندانپزشکی میانگین ۳/۳۵، بهداشت میانگین ۲/۸۶ (۶) نسبت به کار خود نگرش علمی دارد: دندانپزشکی میانگین ۳/۳۴، بهداشت میانگین ۲/۹۷ (۷) در زمینه آموزش تجربه کافی دارد: دندانپزشکی میانگین ۳/۳۲، بهداشت میانگین ۲/۹۰ (۸) مسائل و مشکلات روانی و رفتاری دانشجویان را درک می‌کند: دندانپزشکی میانگین ۳/۳۱، بهداشت میانگین ۲/۷۱ (۹) بین دانشجویان به عدالت رفتار می‌کند: دندانپزشکی میانگین ۳/۲۶، بهداشت میانگین ۲/۷۸ (۱۰) برای حل مشکلات روانی و رفتاری دانشجویان کوشش می‌کند: دندانپزشکی میانگین ۳/۲۶، بهداشت میانگین ۲/۷۳ (۱۱) به نظرات دانشجویان اهمیت می‌دهد: دندانپزشکی میانگین ۳/۲۴، بهداشت میانگین ۲/۸۸ (۱۲) در فرایند آموزش صرفاً اهداف را بر دانشجویان تحمیل می‌کند: دندانپزشکی میانگین ۲/۲۴، بهداشت و تغذیه میانگین ۲/۵۲.

بحث و نتیجه‌گیری: در این مطالعه مهارت‌های رهبری معاون آموزشی دانشکده بهداشت و تغذیه و دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز بررسی و مقایسه شد. با عنایت به نظرات دانشجویان معاون آموزشی دانشکده بهداشت و تغذیه بعنوان رهبر آموزشی در برقراری ارتباط با دانشجویان حائز بالاترین میانگین است. معاون آموزشی دانشکده دندانپزشکی در فراهم کردن شرایط برای ایجاد حس مشترک آموزش و یادگیری بین دانشجویان بیشترین میانگین را به خود اختصاص داده است.

کلیدواژه‌ها: مهارت‌های رهبری، دانشجویان، ابزارهای جمع‌آوری، معاون آموزشی

(S.2309) نشست: ۲۳، ارائه شفاهی: ۹

بررسی مهارت‌های رهبری در اعضای هیئت علمی علوم پایه‌ی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

مهستی گنجو^{*}، لیلا دهقانی، فرحناز کمالی، طیبه غریبی، راضیه باقرزاده

* مربی دانشگاه علوم پزشکی، بوشهر، خیابان معلم mahastyganjoo@yahoo.com

دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

مقدمه: سردمداران علم مدیریت همیشه در جستجوی راهی برای کمی کردن مهارت‌های رهبری بوده‌اند. البته باید پذیرفت که کمی کردن مهارت‌های رهبری و به تبع آن رهبری آموزشی کار بسیار مشکلی است. هر انسانی به عنوان یک رهبر نقاط قوت و همچنین نقاط ضعفی دارد. شناختن نقاط قوت به فرد اجازه‌ی پیشرفت در کار را می‌دهد. هدف از این پژوهش تعیین قوی‌ترین و ضعیف‌ترین مهارت‌های رهبری در اعضای هیئت علمی علوم پایه دانشگاه علوم پزشکی بوشهر است.

روش: پژوهش حاضر یک پژوهش توصیفی است که به منظور بررسی مهارت‌های رهبری در میان اعضای هیئت علمی علوم پایه‌ی دانشگاه علوم پزشکی انجام شده است. برای بررسی این مهارت‌ها از پرسشنامه‌ی کفه استفاده شده است. این پرسشنامه برگرفته از پرسشنامه‌ی فیدلر است. پرسشنامه حاوی ۶۰ سوال است که صفاتی را از قبیل صمیمیت، بلندپروازی، امیدواری، همدلی، همکاری، گرمی، انعطاف‌پذیری و وقت‌شناسی را در فرد می‌سنجد.

یافته‌ها: بر اساس پژوهش انجام شده ضعیف‌ترین صفت رهبری در اعضای هیئت علمی بلندپروازی (۷/۷۶٪) و قوی‌ترین صفت رهبری همدردی و همدلی (۳/۴۳٪) بوده است. صفات قوی دیگر رهبری در این پژوهش وفاداری (۷/۲۶٪) پشتکار و جدیت (۳/۱۳٪) و صحبت کردن در جمع (۱۰٪) بوده است. از دیگر ضعیف‌ترین مهارت‌های رهبری در اعضای هیئت علمی می‌توان به توانایی حل مسئله و مواجهه اشاره کرد.

بحث و نتیجه‌گیری: پیش‌بینی موفقیت رهبری کار پیچیده‌ای است، اما آگاهی فرد از جنبه‌های گوناگون رهبری موفق باعث می‌شود که او الهام بخش بهترین اعمال برای دیگران باشد. به نظر می‌رسد که فرهنگ جامعه‌ی ما کفه‌ی ترازوی قوی‌ترین مهارت‌های رهبری را به سوی همدردی و همدلی سنگین کرده است. رهبری آموزشی مستلزم ظرفیت‌سازی در تمام سطوح است و موجب تشویق دانشجو در امر یادگیری و عمل‌کرد بهتری گردد. از آن جایی که مهارت‌های عمومی رهبری را نمی‌توان از رهبری آموزشی تفکیک کرد پس آگاهی از قوی‌ترین مهارت‌های رهبری به ما به عنوان آموزش دهنده اجازه می‌دهد که تا بهترین راه را جهت دستیابی به اهداف

آموزشی خود انتخاب کنیم. از طرفی تکیه بر نقاط قوت ما را قادر می‌سازد تا به عنوان یک رهبر قوی و با اعتماد به نفس در عرصه‌ی آموزش ظاهر شویم.

کلیدواژه‌ها: رهبری، مهارت‌های رهبری، رهبری آموزشی، ویژگی‌های رهبری

(S.2401) نشست: ۲۴، ارائه‌شده‌ای: ۱

ویژگی‌های لازم برای اساتید جهت رهبری آموزشی از دید آنان و دانشجویان

صدیقه شایق^{*}، جواد کجوری، لیلا بذرافکن، میترا امینی، محمدرضا دهقانی

^{*} کارشناس دانشگاه علوم پزشکی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

مقدمه: دانشجویان ساعتی را با اساتید خود سپری می‌کنند، اساتیدی که دارای ویژگی‌های اخلاقی و کاری متفاوت می‌باشند و می‌توانند با راهنمایی‌های خود در زمینه ارتقا و پیشرفت نگرش‌ها، ارزش‌ها، مهارت‌های حرفه‌ای و دیگر مسئولیت‌ها، برای دانشجویان، الگوی مناسبی باشند. آموزش نیز بیش از هر چیز به شخصیت، و خصایص آنان بستگی دارد، بنابراین شناخت ویژگی‌های لازم جهت اساتید تاثیر به‌سزایی در کمک به آنان است تا برنامه‌های آموزشی مناسب‌تری انجام داده و بهتر به اهداف آموزشی از پیش تعیین شده دست یابند. این تحقیق با هدف بررسی ویژگی‌های لازم برای اساتید از دید آنان و دانشجویان انجام گرفته است.

روش: در یک مطالعه توصیفی-تحلیلی پرسش‌نامه‌ای اقتباس شده از چند پرسش‌نامه نمونه خارجی منطبق با فرهنگ ما به صورت تصادفی، در اختیار ۹۰ نفر از اساتید و ۹۰ دانشجوی دانشکده پزشکی قرار گرفت و توسط آنان تکمیل شد. داده‌ها با نرم افزار SPSS ۱۴ و با به‌کارگیری آمارتوصیفی و independent-samples T-test تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق نشان داد که اساتید به ترتیب اولویت را به ویژگی‌های زیر داده اند: قابلیت اطمینان (۶۶٪)، اعتماد واحساس مسئولیت (۵۷٪)، مهارت‌های معاینه (۴۴٪)، صلاحیت و شایستگی کلی، انتقادپذیری (۴۳٪)، مشارکت و نظارت بر تمامی جنبه‌های درمان (۳۵٪)، حضور و مشارکت فعال در اجرای جلسات و گردهمایی‌ها، قوه ابتکار، وضوح و روشنی در امر ارتباطات (۳۱٪)، مهارت-های رهبری (۲۵٪)، اعتماد به نفس. و از نظر دانشجویان نیز به ترتیب: (۵۶٪) مهارت‌های معاینه، (۳۹٪) قابلیت اطمینان، اعتماد و احساس مسئولیت (۳۲٪)، صلاحیت و شایستگی کلی، انتقادپذیری (۳۰٪)، مشارکت فعال در اجرای جلسات و گردهمایی‌ها (۳۸٪)، مشارکت و نظارت بر تمامی جنبه‌های درمان، اعتماد به نفس، وضوح و روشنی در امر ارتباطات (۲۷/۵٪) مهارت‌های رهبری، (۲۶٪) حضور در جلسات و گردهمایی‌ها، (۲۵٪) قوه ابتکار، (۲۴٪) دلسوزی و همدردی تجزیه و تحلیل اطلاعات نشان داد که در ۴ ویژگی اول بین نظرات اساتید و دانشجویان تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری: می‌توان بر اساس نتایج این پژوهش، مهم‌ترین ویژگی‌های رهبری آموزشی را مورد توجه قرار داد و با برگزاری دوره‌ها و کنفرانس‌های اثربخش، توجه اساتید را به رسالت‌شان به عنوان رهبران آموزش و الگوی دانشجویان معطوف نمود.

کلید واژه‌ها: اساتید، رهبری آموزشی، دانشجو

(S.2402) نشست: ۲۴، ارائه‌شده‌ای: ۲

ارزیابی درونی گروه آموزشی بهداشت مادر و کودک در حوزه‌های رسالت، اهداف و مدیریت گروه در دانشکده

پرستاری و مامایی

^{*} سودابه آقابابایی^۱، طیبه آرتیمانی^۲، رفعت بخت^۳

^{*} ۱- کارشناسی ارشد عضو هیئت علمی گروه بهداشت مادر و کودک دانشکده پرستاری و مامایی همدان

aghababaei@umsha.ac.ir

۲- کارشناسی ارشد عضو هیئت علمی گروه مامایی دانشکده پرستاری و مامایی همدان

۳- کارشناسی ارشد عضو هیئت علمی گروه بهداشت مادر و کودک دانشکده پرستاری و مامایی همدان

دانشگاه علوم پزشکی همدان،

مقدمه: ارزشیابی درونی فرآیند به تصویر کشیدن وضعیت نظام دانشگاهی توسط خود اعضای نظام می‌باشد تا جنبه‌های قوت و ضعف خود را دریابند و به اصلاح نقاط ضعف به‌پردازند و نهایتاً "کیفیت آموزشی و پژوهشی گروه آموزشی را بهبود بخشند. هدف از پژوهش حاضر، ارزیابی درونی گروه آموزشی بهداشت مادر و کودک در زمینه رسالت، اهداف و مدیریت گروه در دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی همدان است.

روش: این مطالعه توصیفی در دانشکده پرستاری و مامایی همدان در سال ۸۷-۱۳۸۶، از طریق به‌کارگیری مراحل اجرایی فرآیند ارزیابی درونی جهت بررسی گروه بهداشت مادر و کودک انجام گرفت. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه بود که پس از تدوین توسط کمیته ارزیابی درونی دانشکده و تأیید روایی و پایایی آن مورد بررسی قرار گرفت. در پرسشنامه مذکور حیطه رسالت و اهداف گروه در قالب ۱۱ جدول و ساختار سازمانی و مدیریت گروه در قالب ۱۶ جدول مورد بررسی قرار گرفتند، سه طیف، مطلوب، نسبتاً "مطلوب و غیرمطلوب برای هر شاخص مورد استفاده قرار گرفت و با محاسبه وزن و ارزش مربوط به هر شاخص، حداکثر نمره کسب شده ۳۰ و حداقل نمره کسب شده ۹/۸۸ محاسبه گردید.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد که گروه بهداشت مادر و کودک، دانشکده پرستاری و مامایی همدان در حیطه رسالت و رهبری با کسب ۸۷/۰۴٪ از کل ۳۰ نمره از وضعیت مطلوب برخوردار است. مشخص بودن فرآیند اعمال تغییرات ضروری در اهداف، مشخص بودن فرآیندهای سنجش میزان تحقق اهداف، وجود گزارش‌های ادواری مبنی بر میزان دستیابی به اهداف، وجود روش‌های مدون برای مشارکت گروه‌های منتخب دانشجویان، اعضای هیئت علمی و کارکنان در تدوین بیانیه رسالت و اهداف دانشکده در این بررسی از وضعیت نسبتاً مطلوب برخوردار بود. همچنین بر اساس نتایج پژوهش گروه بهداشت مادر و کودک، دانشکده پرستاری و مامایی همدان در حیطه مدیریت و رهبری گروه نیز با کسب ۸۷/۰۴٪ از کل ۳۰ نمره در وضعیت مطلوب قرار داشت. بررسی نیازهای مالی گروه شامل تهیه لوازم، کتاب‌ها و نشریات مورد نیاز، روشن و مکتوب بودن نقش گروه در فرآیند جذب هیئت علمی، سابقه مدیریت در گروه، نیروی انسانی خدماتی، اداری و دفتری (منشی گروه، ماشین نویس، بایگان) و وجود برنامه مدون برای ارزیابی مستمر اعضای گروه به منظور اعتلاء و ارتقاء علمی و توانمندی شغلی اعضای گروه، در این بررسی از وضعیت نسبتاً مطلوب برخوردار بود.

بحث و نتیجه‌گیری: ارزیابی درونی ابزاری است که به اعضای دانشکده‌ها کمک می‌کند تا با شناسایی جایگاه و امکانات خویش و رفع نواقص از شرایط مطلوب‌تر آموزشی برخوردار شده و در راستای رسیدن به اهداف و همچنین ارتقاء کیفیت گام‌های استوارتری بردارند.

کلید واژه‌ها: ارزیابی درونی، گروه آموزشی بهداشت مادر و کودک، دانشکده پرستاری و مامایی همدان

(S24O3) نشست: ۲۴، ارائه شفاهی: ۳

طراحی ابزار ارزشیابی یک دوره آموزشی در دانشکده پرستاری دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج): یک پژوهش کیفی

اسماعیل حیدرآلو*، عباس عبادی، یدا..سیاوش وهابی، بتول نحیر علی اکبر فردوسی، ناهید اقدسی

* کارشناس ارشد-دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج)heidaranlu@yahoo.com

دانشگاه بقیه الله (عج)- دانشکده پرستاری

مقدمه: امروزه کیفیت بخش اساسی و مهم، آموزش علوم پزشکی است که ارتقاء آن مستلزم بررسی مستمر و دقیق وضعیت آموزش و پژوهش و خدمات رفاهی دوره‌های آموزشی و مقایسه آن با یکدیگر و سایر دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها می‌باشد. در واقع یکی از مهمترین و اثر بخش‌ترین اقداماتی که سبب اصلاح کیفیت فعالیت‌های دانشجویان در بحث آموزش و پژوهش و خدمات رفاهی آنان می‌شود، ارزشیابی دوره‌های آموزشی پس از دانش آموختگی و بی بردن به نقاط ضعف و قوت هر دوره آموزشی در ۳ حیطه (آموزش و پژوهش و فعالیت‌های فوق برنامه) و ارتقاء کیفیت آنان می‌باشد. لذا هدف از این مطالعه، ساخت ابزار ارزشیابی دوره‌های آموزشی علوم پزشکی جهت ارزشیابی دوره‌های مختلف و مقایسه آن‌ها با یکدیگر جهت ارتقاء کیفیت آموزش و پژوهش دانشجویان می‌باشد.

روش: این پژوهش یک مطالعه روش شناسی است که هدف آن طراحی ابزار ارزشیابی یک دوره آموزشی است. ابتدا مطالعه‌ای از منابع مختلف کتابخانه‌ای و الکترونیکی در خصوص نحوه طراحی فرم ارزشیابی انجام شد، فرآیندهای آموزش و پژوهش دانشکده پرستاری

مطالعه و نیازسنجی خاصی مطابق با استانداردهای بین المللی در خصوص ارزشیابی یک دوره آموزشی انجام گردید. در یک دوره ۶ ماهه جلسات فشرده با اعضاء هیئت علمی و صاحب نظران (۳۰ نفر) در خصوص چارچوب کلی ابزار ارزشیابی انجام شد، سپس روایی آن از طریق اعتبار محتوی به دست آمد. ۵ حیطه کلی برای ابزار انتخاب گردید، سپس برای هر حیطه وزن دهی انجام و پس از تشکیل جلسات متعدد معیارهای نمره دهی در هر زیر شاخه تعیین شد. نهایتاً داده های مورد نظر از هر دوره آموزشی از دانش آموختگان جمع آوری و تحلیل گردید. داده های این مطالعه به کمک نرم افزار SPSS ویرایش ۱۸ و آزمون های آماری مناسب مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: ابتدا ۵ حیطه کلی برای ارزشیابی تعیین شد: الف) حیطه پیشرفت تحصیلی ب) "فعالیت های علمی ج) "سرانه ها د) "قبولی در مقاطع تحصیلی ذ) "فعالیت های فوق برنامه برای هر حیطه وزن دهی کلی طبق نظر صاحب نظران انجام شد که وزن حیطه پیشرفت تحصیلی ۳۰٪، حیطه فعالیت های علمی ۲۵٪، حیطه سرانه ها ۱۵٪، حیطه مقاطع تحصیلات تکمیلی ۲۰٪ و نهایتاً حیطه فعالیت های فوق برنامه ۱۰٪ از وزن کل ابزار تعیین گردید. سپس پرسشنامه اولیه مجدداً توسط صاحب نظران به بحث گذاشته شد. که برای حیطه پیشرفت تحصیلی ۱۲ زیر شاخه، حیطه فعالیت های علمی ۷ زیر شاخه، حیطه سرانه ها ۶ زیر شاخه، حیطه مقاطع تحصیلات تکمیلی ۲ زیر شاخه و حیطه فعالیت های فوق برنامه ۴ زیر شاخه تعیین و مجدداً وزن دهی انجام شد.

بحث و نتیجه گیری: طراحی فرم ارزشیابی یک دوره آموزشی موجب مستندسازی فعالیت های آموزشی و پژوهشی و فوق برنامه دوره های آموزشی در داخل دانشکده و دانشگاه و سایر مراکز مشابه می شود. طبق نتایج به دست آمده اجرایی شدن فرم طراحی شده مذکور موجب مشخص شدن نقاط ضعف و قوت دوره آموزشی جهت ارتقاء کیفی آنان می شود. مقایسه دوره های مختلف آموزشی با یکدیگر در داخل دانشکده ها و حتی سایر مراکز آموزشی با هم از تاثیرات مثبت اجرایی شدن فرم ارزشیابی یک دوره آموزشی است.

کلید واژه ها: ارزشیابی، دوره های آموزشی، ارتقاء کیفیت

(S.2404) نشست: ۲۴، ارائه شفاهی: ۴

بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت مستندسازی پرونده های پزشکی و ارائه راه کار از دیدگاه مدیران و پزشکان شاغل در بیمارستان های تابعه دانشگاه علوم پزشکی کاشان: ۱۳۸۷

مهتاب کرمی*، رضا صفدری

* دانشجوی دکترا مدیریت اطلاعات بهداشتی و درمانی دانشگاه علوم پزشکی ایران - m_karami33@yahoo.com

مقدمه: مستندسازی پرونده پزشکی یک نیاز مهم قانونی و حرفه ای برای کلیه متخصصین در امور بهداشت و درمان است که باعث تسهیل در تبادل اطلاعات بیمار در بین کادر درمانی و تضمین کلیه اقدامات انجام شده برای بیمار می گردد. هدف از انجام این مطالعه شناسایی عوامل مؤثر بر افزایش کیفیت مستند سازی و ارائه راهکارهایی در این جهت می باشد.

روش: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی- مقطعی است که در سال ۱۳۸۷ بر روی ۳۰۰ نفر از مدیران و پزشکان شاغل در بیمارستان های دانشگاه علوم پزشکی کاشان انجام شد. ابزار پژوهش پرسشنامه ای محقق ساخته شامل سوالاتی درباره تأثیر عوامل آگاهی و نگرش، رویه ها، استانداردها، پیگیری و نظارت بر کیفیت مستندسازی بود که پس از سنجش پایایی و روایی توسط جامعه پژوهش تکمیل گردید. سپس، داده های پژوهش با استفاده از شاخص های آمار توصیفی (درصد، میانگین و انحراف معیار) و تحلیلی (آزمون One way ANOVA) با کمک نرم افزار SPSS-14 تحلیل شد.

یافته ها: در زمینه عوامل مؤثر بر کیفیت مستندسازی به ترتیب عوامل آگاهی و نگرش بیشترین میانگین امتیازات (۹۴/۳) و بعد از آن عوامل پیگیری و نظارت (۹۰/۱) و عوامل رویه ها و استانداردها امتیاز ۸۸/۵ را گرفت. اما، نظر جامعه پژوهش در زمینه راهکارهای ارائه شده بر این بود که راهکارهای پیشنهادی در زمینه پیگیری و نظارت بیشترین تأثیر (۹۰/۶) و راهکارهای مربوط به رویه ها و استانداردها کمترین تأثیر را دارد. تفاوت بین دیدگاه گروه های مختلف مورد پژوهش معنادار (P=۰/۰۵) بود.

کلیدواژه ها: کیفیت، مستندسازی، پرونده های پزشکی، مدیران، بیمارستان، پزشکان، مترون، سرپرستار

طراحی و اجرای سیستم پایش و ارزشیابی مستمر فعالیت‌های آموزشی به‌عنوان ابزار مدیریتی ارتقای گروه آموزشی زنان، زایمان و مامایی دانشگاه علوم پزشکی کردستان.

آرش پولادی*، مزده بهرام رضایی، فرشاد فرزادفر، شعله شاه غیبی

*پزشک، a_pooladi@yahoo.com

مرکز مطالعات و توسعه آموزش دانشگاه علوم پزشکی کردستان

مقدمه: روش‌های متنوع و مختلفی در ارتباط با چگونگی ارزیابی سیستم‌ها و ارزشیابی برنامه‌ها وجود دارند تا بتوان نتایجی را در دسترس مدیران سطوح مختلف به‌منظور تصمیم‌گیری و مداخله مناسب قرار داد. هر کدام از این روش‌ها بر مبنای رویکردهای خاصی بوده و بر نکات ویژه‌ای تأکید می‌ورزند. شناخت این رویکردها برای انتخاب مناسب‌ترین روش‌ها و ابزارها به منظور بهره‌گیری بهتر و استفاده عملی‌تر مفیدند. با توجه به این که پایش فعالیت‌های یک واحد مدیریتی و ارزشیابی برنامه‌های آن لازمه ارتقای آن می‌باشد و گروه‌های آموزشی نیز در دانشگاه‌ها به‌عنوان واحدهای مدیریتی شناخته می‌شوند و ارتقای سطح و اثربخشی فعالیت‌های آنان از مهمترین عوامل ارتقای کل سیستم آموزشی در آموزش عالی محسوب می‌گردد، لذا توجه به ساختار مدیریتی آنها و کمک به طراحی الگوهای متناسب ارزشیابی در آنها بسیار ضروری به‌نظر می‌رسد. با توجه به وجود شباهت‌های ساختاری میان گروه‌های آموزشی در دانشگاه‌های مختلف، انعکاس تجارب خاص در این راستا خالی از لطف نبوده و می‌تواند بسیار کارآمد باشد.

روش: این مطالعه یک Method Report می‌باشد که با بهره‌گیری از رویکرد ارزشیابی مبتنی بر مدیریت و با کمک مدل سیپ طراحی و اجرا شده است. در این الگو استانداردهای پایش و ارزشیابی توسط شاخص‌های بررسی ساختاری، فرآیندی، پوششی و اثربخشی در قسمت‌های مختلفی تدوین و فلوچارت مدیریتی نیز جهت بصری سازی و سهولت کشف نقاط دارای مشکل در اجرای برنامه ارائه شده است. پس از ارائه روند و فرآیند فعالیت‌های آموزشی، نیازمند تعریف شاخص‌های ویژه‌ای برای بررسی میزان انجام و پیشرفت کار و کیفیت کار انجام شده می‌باشیم. این شاخص‌ها معیارهایی برای اثربخشی برنامه‌های پیشنهادی ارائه شده می‌باشند. معیارها در دو حیطه هستند:

۱) حیطه پایش شامل بررسی‌های ساختاری و انجام فرآیند (۲) حیطه ارزشیابی شامل بررسی‌های out put و اثربخشی. حیطه پایش بیشتر به کمیت برگزاری‌ها و انجام برنامه‌ها طبق بررسی مستندات اشاره دارد در حالیکه، حیطه ارزشیابی، بیشتر بر کیفیت انجام برنامه‌ها تأکید می‌نماید. مستندات منبع برای محاسبه شاخص‌ها، مجموعه‌ای از فرم‌ها، چک لیست‌ها و مندرجات پرونده کارآموزی هستند. راهنما یا فرمول محاسبه و توالی زمانی لازم برای استخراج هر شاخص با تعریف منبع استخراج داده‌ها، نیز در کنار جدول شاخص‌ها، تدوین شده‌اند.

یافته‌ها: در این پروژه پس از انجام بحث‌های گروهی متمرکز و در دست داشتن ملاک‌های انتخاب شاخص‌ها، در نهایت برای چهار سطح کلی شاخص‌ها، یعنی سطوح ساختاری، فرآیندی، پوششی و اثربخشی، زیر شاخص‌ها و زیر دسته‌هایی به شرح ذیل حاصل گردید. در سطح شاخص‌های ساختاری، (با در نظر داشتن سه زیر شاخص کلی شاخص‌های نیروی انسانی، شاخص‌های امکانات و تجهیزات و شاخص‌های محیط آموزشی که هر کدام به زیر دسته‌های کمی و کیفی و در مورد کیفیت نیروی انسانی به شاخص‌های دانشی و مهارتی، تقسیم می‌گردند)، در مجموع ۲۷ شاخص اصلی تعریف گردیدند و در سطح شاخص‌های فرآیندی نیز ۳۵ شاخص در زیر شاخه‌های اهداف و محتوای آموزشی، برنامه‌ریزی آموزشی، شیوه‌های تدریس و اجرای برنامه و ارزیابی آموزشی (و در رابطه با مورد اخیر، با تعریف ۳ زیر دسته ارزیابی دانشجویان، ارزیابی اساتید، ارزشیابی دوره و ارزیابی ابزارهای ارزیابی و آزمون‌ها) مشخص شدند. در سطح سوم شاخص‌ها یعنی شاخص‌های پوششی، بیشتر به بررسی برون داده‌های گروه توجه گردیده و در آن به تعداد ۱۱ شاخص در ارتباط با بررسی برون داده‌های اجرای برنامه آموزشی، برون داده‌های دانشی و آموزشی گروه، برون داده‌های مهارتی دانشجویان و برون داده‌های نگرشی فراگیران توجه شده است. دست آخر نیز تعداد ۵ شاخص کلی برای ارزیابی سطح اثربخشی برنامه در تغییر ابعاد دانش، نگرش و مهارت دانشجویان طراحی گردید. تعداد شاخص‌ها در مجموع ۷۸ شاخص می‌باشند که ارزیابی آنها به‌طور سیستماتیک در فرآیند شروع تا خاتمه دوره آموزشی کارآموزی دانشجویان پزشکی در بخش زنان، زایمان و مامایی و در ابزارهای ارزیابی دانشجویان (عمدتاً) در پرونده کارآموزی دانشجویان و ... گنجانده شده است تا ضمن آموزش آنها در طول دوره اجزای مورد نیاز برای محاسبه و اندازه‌گیری شاخص‌های مختلف مورد نیاز ثبت گردد. از آنجایی که تمامی مستندات آموزشی و ارزیابی در گروه بایگانی می‌گردد، لذا دسترسی به داده‌های لازم و امکان اجرای ارزشیابی در گروه به‌طور مستمر توسط مدیر گروه و همکاران وی در هر زمانی به‌صورت به روز شده امکان پذیر است.

بحث و نتیجه‌گیری: خاصیت این سیستم در یافتن سریع و آسان نقاط مداخله برای مدیر گروه است. بالاخص اینکه امکان ارزیابی تکوینی دوره در سطح شاخص‌های فرآیندی وجود دارد و در صورت بروز هر گونه مشکل فرآیندی و اجرایی در برنامه آموزشی، ضمن کشف سریع منبع مشکل به صورت مستند، امکان مداخله و اصلاح نیز فراهم می‌گردد و نیاز به گذشت چند دوره و متضرر شدن گروه‌هایی چند از دانشجویان تا رفع مشکل مربوطه نیست. تکمیل، گسترش و تغییر این شاخص‌ها بر مبنای نیازهای آموزشی آتی غیرقابل اجتناب می‌نماید چرا که ماهیت ارتقاء کیفیت در ایجاد تغییر روبه رشد، نهفته است.

کلیدواژه‌ها: سیستم پایش و ارزشیابی، فعالیت‌های آموزشی، گروه آموزشی زنان، زایمان و مامایی

(S.2406) نشست: ۲۴، ارائه شفاهی: ۶

تحلیل وضعیت آموزش پاسخ‌گو در دانشگاه علوم پزشکی تبریز و راه‌کارهای گسترش آن

دکتر مهستی علیزاده^۱، خانم نازیلا تاج‌الدینی^۲، دکتر رضا غفاری^۳، دکتر لیلا واحدی^۴

۱-تبریز- خیابان دانشگاه مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی، alizadm@yahoo.com

۲-تبریز- خیابان دانشگاه مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی، nazila.tajaddini@gmail.com

۳-تبریز- خیابان دانشگاه مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی، ghafarir@gmail.com

۴-تبریز- خیابان دانشگاه مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی، vahedi.149@gmail.com

دانشگاه علوم پزشکی تبریز

مقدمه: آموزش پاسخگو یا آموزش جامعه‌نگر بیانگر کوریکولومی است که اساس و پایه آن پاسخگویی به نیازهای سلامت جامعه و آماده‌کردن دانشجویان برای کار و ارائه خدمات به جامعه باشد. هدف از این مطالعه تحلیل وضعیت فعلی از نظر نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدهای آموزش پاسخگو در دانشگاه علوم پزشکی تبریز می‌باشد.

روش: در این مطالعه ابتدا فرم‌هایی جهت تعیین نقاط قوت و ضعف و تهدیدها و فرصت‌ها (SWOT) در آموزش جامعه‌نگر تهیه و به دانشکده‌ها ارسال شد. بخشی از فرم‌ها تکمیل و بازگردانده شد. در فاز بعدی ۳ جلسه متشکل از نماینده‌های دانشکده‌ها تشکیل و در قالب بحث گروهی متمرکز بحث شد. در مرحله سوم، از دانشکده‌ها خواسته شد تا کمیته جامعه‌نگر دانشکده را تشکیل و اسامی اعضای کمیته را به مرکز مطالعات ارسال کنند. پس از تعیین اعضای کمیته‌های جامعه‌نگر دانشکده‌ها برنامه کارگاه ۲ روزه‌ای ترتیب داده شد که شرکت‌کنندگان آن مسئولین دانشکده‌ها و اعضای کمیته جامعه‌نگر دانشکده‌ها و اعضای گروه‌های آموزشی مرتبط بودند و نظرات جمع‌بندی شد.

یافته‌ها: SWOT مربوط به دانشکده‌های دانشگاه علوم پزشکی تبریز به‌دست آمد. نگرش مثبت مسئولین دانشگاه، وجد اساتید علاقمند، وجود کمیته‌های جامعه‌نگر در دانشکده‌ها از نقاط قوت، نبودن عرصه‌های عمومی برای بخش‌های تخصصی، آشنایی ناکافی اساتید با مفاهیم آموزش پاسخگو، عدم تخصیص منابع مالی کافی برای گسترش عرصه‌های آموزشی پاسخگو، نامناسب بودن منابع امتحانی داخلی و جامع از نقاط ضعف، وجود ساختار پزشک خانواده و تیم سلامت در نظام سلامت، وجود پروتکل‌های درمانی و پیشگیری در نظام سلامت، ادغام آموزش با ارائه خدمات از فرصت‌ها و عدم هماهنگی با پرسنل بخش‌ها و مراکز ارائه دهنده خدمات، فقدان انگیزه جامعه‌نگری در بین اساتید و دانشجویان از برخی از تهدیدها بودند. جهت گسترش آموزش پاسخگو، اهداف و عرصه‌ها و نحوه ارزیابی و ارزشیابی به تفکیک دانشکده‌ها نیز به‌دست آمد.

بحث و نتیجه‌گیری: نقاط ضعف و تهدیدها بطور مشخصی بیشتر از نقاط قوت و تهدیدها هستند و جایگاه و وضعیت آموزش پاسخگو و جامعه‌نگر نیاز به مداخله و برخورد جدی در دانشگاه علوم پزشکی تبریز دارد که طی مقایسه با یافته‌های مطالعات انجام شده در سطح کشور وضعیت این دانشگاه در سطح سایر دانشگاه‌ها می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت و تهدید، آموزش پاسخگو، آموزش جامعه‌نگر

(S.2407) نشست: ۲۴، ارائه شفاهی: ۷

Abstract:

Background: Educational accountability, the assurance that degrees or certificates "evidence some set of proficiencies achieved at some minimum level", is central to the reputation of the nation's medical schools. Growing skepticism about educational quality, however, has tarnished this reputation. Indeed, the National Commission on Excellence in Education reports that "the average graduate of our medical schools today is not as well-educated as the average graduate of 25 or 35 years ago. Public confidence in higher education, then, rests on the ability of educators to document the actual learning that accompanies degree or program completion. The aim of this review is to provide the reader with an overview of four methods for evaluation of educational accountability.

Materials and methods: Present survey is a qualitative descriptive study and performed by standard structured format interview with 6 educational informant. In this study with questions about characteristics of common training methods Two achieve index such as competence required graduation, granting degree and diploma. The view points were analyzed by using of assortment method. Result: Mastery learning programs, under which students are required to demonstrate competency in specified cognitive, affective, and/or psychomotor skills, can be used to document learning. Rather than basing grades on how well a student performs in relation to his or her classmates, instructors require students to demonstrate mastery of course subject matter on criterion-referenced tests. Competency-based education requiring students to achieve mastery of sequentially ordered course material, require students to demonstrate competence in performing skills or behaviors that are central to specific tasks, activities or careers. The structure of the curriculum and the flow of students through it are important indications of the learning that accompanies degree or course completion. Thus, "students pass through certain checkpoints before proceeding on with their education. Much of the effort to improve educational accountability focuses on the identification and testing of minimum competencies. Increasingly, students are being asked to demonstrate competency in academic skills both upon college entrance and upon receipt of the associate degree.

Conclusion: Mastery learning, competency-based education, curriculum tracking, and minimum competency testing are all methods of assuring the general public that degree attainment is a process of learning. Yet none of the four is without problems or controversy. The final word on the four techniques mentioned above awaits further research. Key words:

accountability, medical sciences, education

Keywords: accountability, medical sciences, education

(S.2408) نشست: ۲۴، ارائه شفاهی: ۸

خودارزیابی دانشکده‌های دانشگاه علوم پزشکی ایران با استفاده از مدل IEQMدکتر رقیه گندم‌کار^۱، دکتر زهره سهرابی^{۲*}، محبوبه مافی نژاد^۳

- استادیار دانشگاه علوم پزشکی ایران
- کارشناس ارشد آموزش پزشکی
- دانشجوی کارشناسی آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران

مقدمه: به منظور اجرای صحیح و مورد انتظار برنامه‌ها و حرکت به سوی تعالی آموزشی، لازم است که واحدهای دانشگاهی در مواقع لازم و به صورتی مناسب مورد ارزیابی قرار گیرند. بدین منظور روش‌ها و ابزارهای مختلفی طراحی شده است. مدل‌های تعالی یک ابزار خود ارزیابی جهت سنجش میزان استقرار سیستم‌ها در سازمان می‌باشند. مدل مالکولم بالدريج یکی از مهمترین مدل‌های تعالی سازمانی

می‌باشد که توسط مؤسسات آموزشی جهت ارزیابی و بهبود عمل کرد استفاده می‌شوند. مدل مدیریت کیفیت آموزش ایران (IEQM) نیز از جمله طرح‌های تعالی سازمانی است که بر گرفته از مدل مالکوم بالدريج بوده و با توجه به شرایط ملی، بومی و فرهنگی کشور تنظیم شده است. این مطالعه با هدف خود ارزیابی دانشکده‌های علوم پزشکی ایران با استفاده از مدل IEQM صورت گرفت.

روش: در این مطالعه از چک لیست خود ارزیابی IEQM بر گرفته از مدل مالکوم بالدريج استفاده شد که در هفت حیطه تنظیم شده است. این چک لیست توسط کمیته ارزشیابی موسسه در دانشکده‌های علوم پزشکی ایران تکمیل شد اطلاعات حاصل از ۸ دانشکده مورد تجربه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نمرات حاصل از خودارزیابی‌های دانشکده‌ها در بحث رهبری در دامنه‌ی (۷۷.۱۱۰-۷۸.۵۴)، برنامه‌ریزی استراتژیک (۷۵.۵۵-۷۸.۲۵)، تمرکز بر دانشجویان، ذی نفعان و بازار (۷۲.۷۱-۷۹.۸۲)، مدیریت اندازه‌گیری، تحلیل و دانش (۸۶-۵۳.۶)، تمرکز بر نیروهای کاری (۷۵.۳۹-۹۰.۷۵)، مدیریت فرایندها (۷۷.۵۶-۴۵.۴۴) و نتایج (۴۱۹.۳۳-۳۰۹.۵) قرار داشت.

بحث و نتیجه‌گیری: با مقایسه امتیازات معیارهای خود ارزیابی (رهبری=۱۲۰، استراتژی=۸۵، تمرکز بر ذینفعان=۸۵، مدیریت اندازه‌گیری دانش=۹۰، تمرکز نیروهای کاری=۸۵، مدیریت فرایندها=۸۵، نتایج=۴۵۰) با نتایج حاصل از خود ارزیابی‌های به عمل آمده مشخص شد که تفاوت آشکاری بین خود ارزیابی دانشکده‌های مختلف وجود دارد که انجام آن‌ها به شکل دوره‌ای در دانشکده‌های مختلف زمینه‌ی بازنگری منظم، سیستماتیک و جامع از فعالیت‌های دانشگاه را فراهم می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: مدل مالکوم بالدريج، تعالی آموزشی، خودارزیابی، دانشگاه‌های علوم پزشکی

(S.2409) نشست: ۲۴، ارائه‌شده‌ای: ۹

The relationship between personality compatibility and career preferences in medical students of Mazandaran University of Medical Sciences

Dr Yaser Salahshour¹, Dr Setareh¹, Dr koorosh Vahidshahi¹, Dr Mitra Mahmoudi¹, Hashemi¹, Somayyeh Oladi¹, Bahereh Nazerian¹
Education Development Center Mazandaran University of Medical Sciences¹ -
mtmhmmit@yahoo.com

There are some evidences indicating lack of interest towards medicine among medical students during education. This study was conducted to survey the personality characteristics of medical students and their compatibility with medical career in Mazandaran University of Medical Sciences.(MUMS) Summary of work This was a cross sectional descriptive survey.

Study population was all medical students of MUMS. The tool for the data collection was Holland career –personality questionnaire. Data were analyzed using appropriate statistical test in SPSS 13. Summary of results 35.6% of participants were male. Average age was 22.1 ± 2.5 . The findings showed that , 47.5% of medical students were not compatible with medical career regarding their personality characteristics. 46% of participants reported that they had not been enough familiar with the field of medicine when they was supposed to choose their field and more than 78% of the students in this category indicated that their aim for choosing medicine as their professional field had been neither their interest nor their abilities. Conclusions many of medical students of Mazandaran University of Medical Sciences were not compatible with medicine as a career regarding the most important personality characteristics for this job. It is suggested to use personality and attitude tests for admission of medical students for faculties in addition to knowledge test and necessity of conclusion

.Keywords: Personality, Career preference, Medical students



دانشگاه علوم پزشکی تهران

فصلنامه علمی پژوهشی

مطب و تزکیه

(S.2501) نشست: ۲۵، ارائه شفاهی: ۱

ایجاد خلاقیت در تدوین برنامه آموزشی بخش زنان با همفکری دانشجویان پزشکی در جهت بهبود کیفیت آموزش بالینی

الهام رحمانی*

* استادیار دانشگاه علوم پزشکی بوشهر ermrat1350@yahoo.com

دانشگاه علوم پزشکی بوشهر بیمارستان فاطمه زهرا، اتاق عمل بنت الهدی

مقدمه: تدوین برنامه آموزشی دقیق و کامل نیازمند مطالعه جامع و بررسی همه جانبه تمام شرایط می باشد. به هر حال، در هنگام اجرای هر برنامه نقاط ضعف و قوت آن بهتر مشخص می گردد. افرادی که در متن اجرای برنامه می باشند، بهتر می توانند در رفع مشکلات و بهینه کردن آموزش، مشارکت و همفکری داشته باشند. بر همین اساس از کلیه دانشجویان بخش زنان خواسته می شود که در طی دوره آموزشی خود پیشنهادات و انتقادات سازنده خود را به مدیر گروه زنان اعلام کنند تا در جهت اصلاح و ارائه خلاقیت بیشتر در برنامه های آموزشی استفاده گردد.

روش: گروه هدف کارآموزان و کاروزان بخش زنان می باشند که این برنامه در بخش زنان از فروردین ۱۳۸۷ اجرا شده و در هر دوره تکرار می شود. در روز اول بخش به دانشجویان اعلام می گردد که برنامه های آموزشی خود را مورد بررسی قرار دهند و در صورتی که پیشنهاد و انتقاد سازنده ای به ذهنشان می رسد در طی دوره یا در روز آخر بخش به صورت کتبی به مدیر گروه زنان اعلام کنند و به بهترین آن به عنوان جایزه یک نمره اضافه می شود. پس از امتحان آخر بخش در حضور دانشجویان و اساتید، کلیه پیشنهادات و انتقادات بدون ذکر نام خوانده می شود. پیشنهادات خوب در همان زمان تصویب می شود که از ماه آینده در برنامه آموزشی اجراء شود و برنامه هایی که شرایط لازم را ندارند با ذکر علت حذف می گردد. برنامه هایی که نیاز به بودجه و امکانات بیشتری دارند، جهت پیگیری به دانشکده علوم پزشکی یا مرکز توسعه آموزش پزشکی ارسال می شود. در مورد انتقادات هم به صورت کاملاً واضح برای دانشجویان شفاف سازی صورت می گیرد تا مشکلات در حد امکان رفع گردد. در کل از نظرات دانشجویان برای اصلاح و خلاقیت بیشتر برای آموزش های آینده استفاده می شود. طبق نظر حاضرین جلسه به دانشجویی که بهترین ایده را داشته، یک نمره اضافه می گردد.

یافته ها: در هر برنامه ریزی زمانی که از فکرها و ایده های متفاوت استفاده شود، باعث ایجاد خلاقیت و تنوع در برنامه می شود. به خصوص اینکه این عقاید مربوط به گروهی باشد که در متن اجرای همان برنامه می باشند. در نظر گرفتن نمره به عنوان جایزه هم باعث می شود دانشجویان در جهت ارتقاء آموزش خود تفکر بهتری داشته باشند. در صورتی که دانشجویان ببینند که به نظر آنها اهمیت و احترام گذاشته می شود با پشتکار و اراده بهتری در کارهای آموزشی بخش شرکت می کنند.

بحث و نتیجه گیری: همفکری با دانشجویان در تدوین برنامه آموزشی باعث ایجاد خلاقیت و تنوع در جهت ارتقاء کیفیت آموزش بالینی می شود.

کلیدواژه ها: تدوین برنامه ریزی آموزشی، خلاقیت، بهبود کیفیت آموزش، دانشجویان پزشکی، همفکری

(S.2502) نشست: ۲۵، ارائه شفاهی: ۲

جایگاه بازاندیشی در کوریکولوم پنهان

نعمت بیلان*

* استاد علوم پزشکی تبریز bilan@tbzmed.ac.ir

مقدمه: کوریکولوم مکتوب آن چیزی است که ما می نویسیم ولی مطالب زیادی را نیز خارج از آن یاد می دهیم اما فراگیران موارد زیادی را یاد می گیرند که خارج از نوشته ها و یاددهی ماست، یکی از روش های که می تواند این یادگیری ها را ثبت و ضبط نموده و آن را پالایش و عمق بدهد، استفاده از ابزار بازاندیشی است.

روش: در این روش از فراگیران خواسته می‌شود آنچه را که در حیطه نگرش دیده، یادگرفته یا با آن برخورد می‌نمایند، با جزئیات خویش در دفتر یادداشت روزانه وارد و در جلسات مربوطه ارائه و مورد نقد و بررسی قرار دهند.

یافته‌ها: فراگیران در طی دوره موارد متعددی از مصادیق کرامت انسانی، پیگیری، مسئولیت‌پذیری، تعهد، پاسخگویی و احترام یادگرفته، در دفتر خویش یادداشت و آن را برای دورانی که خود نقش مستقیم در تولید خدمات داشته باشند ذخیره می‌نمایند.

بحث و نتیجه‌گیری: استفاده از ابزار بازاندیشی برای مکتوب نمودن مصادیق کوریکولوم پنهان مخصوصاً در حیطه نگرش می‌تواند به بازشدن هرچه بیشتر ابعاد این حیطه و این نوع کوریکولوم کمک نماید.

کلید واژه‌ها: بازاندیشی، کوریکولوم پنهان

(S.2503) نشست: ۲۵، ارائه شفاهی: ۳

بررسی تأثیر گذراندن درس اصول مدیریت در دوره کارشناسی بر آگاهی، نگرش و عملکرد مدیران پرستاری

و مامایی

رقیه گشمرد^{*}، فرحناز کمالی، صدیقه افراسیابی، راضیه باقرزاده

^{*} مربی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر – r.gashmard@bpums.ac.ir

دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، دانشکده پرستاری مامایی

مقدمه: مدیریت هسته حیات‌بخش هر سازمان است. هنوز تاریخ نویسان و محققان علوم اجتماعی نهادی را نیافته‌اند که بدون داشتن سلسله مراتب مدیریتی پایدار مانده باشد. مدیران پرستاری در نقش مترون، سوپروایزر یا سرپرستار نسبت به کیفیت ارائه خدمات پرستاری مسئول هستند. هدف از انجام این تحقیق بررسی تأثیر گذراندن درس اصول مدیریت در دوره کارشناسی بر آگاهی، نگرش و عملکرد مدیران پرستاری و مامایی می‌باشد.

روش: مطالعه حاضر یک مطالعه توصیفی تحلیلی از نوع مقطعی بوده که به بررسی رابطه بین میزان آگاهی، نگرش و عملکرد مدیران پرستاری و مامایی و رابطه آن با گذراندن درس مدیریت در دوره کارشناسی می‌پردازد. این پژوهش بصورت سرشماری بر روی کلیه مدیران پرستاری و مامایی بیمارستان‌های بوشهر (۱۰۰ نفر) انجام شده است. ابزار گردآوری داده‌ها یک پرسشنامه ۴ قسمتی شامل سوالات دموگرافیک، آگاهی، نگرش و عملکرد می‌باشد که با استفاده از معیار پنج درجه‌ای لیکرت امتیازدهی می‌شد. پس از جمع‌آوری اطلاعات، آنالیز، توسط نرم افزار آماری SPSS 13 و با استفاده از آزمونهای توصیفی و استنباطی شامل توزیع فراوانی، میانگین، انحراف معیار و ANOVA انجام شد.

یافته‌ها: از مجموع کل نمونه ها ۸۷٪ زن و ۱۳٪ مرد بودند با میانگین سنی 39.6 ± 5.35 . در این پژوهش آگاهی مدیران ۶۶٪ در حد زیاد و ۳۴٪ در حد متوسط بود. از نظر نگرش ۶۸٪ خنثی، ۳۱٪ مثبت و ۱٪ نگرش منفی داشتند. از نظر عملکرد نیز ۸۳٪ مطلوب، ۱۵٪ متوسط و ۲٪ دارای عملکرد نامطلوب بودند. ۴۴٪ از شرکت کنندگان بر این باور بودند که گذراندن اصول مدیریت در دوره کارشناسی به میزان کمی در آگاهی‌شان از اصول مدیریت موثر بوده است. ۵۱٪ از افراد اذعان داشتند که درس مدیریت به میزان زیادی نیاز به بازنگری دارد. ۳۶٪ نقش گذراندن این واحد را در کسب آگاهی، متوسط و ۲۰٪ زیاد گزارش کرده بودند. افرادی که گذراندن درس مدیریت را در دوره کارشناسی در ایجاد آگاهی‌شان بسیار موثر دانسته بودند میانگین نمره آگاهی و عملکردشان بیشتر بود (p به ترتیب ۰.۰۰۷ و ۰.۰۱۷) که این تفاوت میانگین از لحاظ آماری معنی‌دار بود همین‌طور کسانی که آگاهی خود را از اصول مدیریت خوب برآورد کرده بودند میانگین نمره عملکرد بالاتری داشتند.

کلیدواژه‌ها: درس مدیریت، کارشناسی، مدیر، پرستاری، مامایی



(S.2504) نشست: ۲۵، ارائه شفاهی: ۴

بررسی تأثیر آموزش پرستاران به روش بحث گروهی بر کیفیت مدیریت مراقبت‌های پرستاری در بیماران مبتلا به سکنه قلبی در مرکز آموزشی درمانی قلب و عروق امام علی (ع) کرمانشاه

قیاد عبدالمالکی^{*}، پروانه عبدالمالکی^{*} پزشک عمومی Pabdolmaleki@yahoo.com

دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

مقدمه: با توجه به مقاصد و خط‌مشی‌های به‌سازی نیروی انسانی، آموزش همواره به‌عنوان وسیله‌ای مطمئن در جهت کیفیت عملکرد در حل مشکلات به شمار می‌رود. با توجه به این که پرستاران گردانندگان اصلی بخش‌های ویژه در بیمارستان هستند، کیفیت کار آنها تأثیر به‌سزایی در بهبود بیماران دارد. هدف از این پژوهش بررسی تأثیر آموزش پرستاران به روش بحث گروهی بر کیفیت مدیریتی مراقبت پرستاران در بیماران مبتلا به سکنه قلبی می‌باشد.

روش: این مطالعه به‌صورت نیمه تجربی انجام شده و تعداد ۱۵ پرستار در سه شیفت کاری و تعداد ۳۵ بیمار بستری شده در سال ۸۷ انتخاب شدند. کیفیت مراقبت پرستاری قبل از بحث گروهی توسط چک‌لیست‌های بررسی گزارش پرستاری در پرونده بیمار، بررسی عملکرد پرستار و اصول گزارش نویسی و پرسش‌نامه رضایت‌مندی بیماران انجام شد. یک ماه بعد، پس از اجرای برنامه آموزش پرستاران، کیفیت مراقبت پرستاری مورد سنجش قرار گرفت. جهت روایی ابزار گردآوری اطلاعات از روش اعتبار محتوی و جهت پایایی از روش پایایی درونی و آزمون مجدد استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که در بررسی کیفیت عملکرد پرستاران، میانگین نمرات گزارش نویسی و ثبت، قبل و بعد از بحث گروهی از ۲۵/۴، ۶/۸، ۱۹/۴ به ۳۶، ۱۲/۳، ۲۶/۱۵ تغییر یافت و همچنین درخصوص میزان اثربخشی برنامه گروهی رشد، ۴۵/۴ درصد، ثبت مراقبت پرستاری ۴۲/۸ درصد و در عملکرد مراقبتی پرستاران ۶۹/۸ درصد داشت.

بحث و نتیجه‌گیری: باتوجه به یافته‌های پژوهش می‌توان استنباط کرد که بحث گروهی در آموزش مدیریت پرستاران در گروه‌های کوچک می‌تواند باعث ایجاد موقعیت‌های یادگیری متفکرانه و در گروه‌های گسترده‌تر با مشارکت مدیران در سطوح بالای آموزش پرستاری و پرستاران با استفاده از آموزش نوین، سبب ارتقای کیفیت در مراقبت‌های ویژه قلبی شود.

کلیدواژه‌ها: آموزش، بحث گروهی، سکنه قلبی

(S.2505) نشست: ۲۵، ارائه شفاهی: ۵

تاثیر نقش رهبری در تطبیق نظام آموزشی با راهبردهای سازمان در دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

سعید عبدالمالکی^۱، پروانه عبدالمالکی^۲

۱- کارشناس ارشد سازمان صنایع و معادن abdolmalekisaeed@yahoo.com

۲- مربی دانشگاه علوم پزشکی pabdolmaleki@yahoo.com

مقدمه: بسیاری از تلاش‌هایی که در جهت تغییر و تحول آموزشی و اثربخش نمودن آنها از طریق ادغام به‌سازی و مهندسی مجدد انجام می‌شود، به علت عدم توجه کافی به لوازم انطباق‌پذیری با استراتژی سازمان با شکست روبرو می‌شود و اغلب سازمان‌ها مرتکب یک اشتباه قدیمی شده و با تفاوت قائل شدن بین چالش‌های انطباق‌پذیری و مسائل فنی می‌کوشند تا این چالش‌ها را به وسیله روش‌های مدیریتی حل و فصل کنند. تبعات این اشتباه تا بطن فرآیندهای آموزش گسترش می‌یابد و اغلب برنامه‌های به‌ظاهر مناسب، در اجرا با شکست روبرو می‌شود، این پژوهش با هدف شناسایی درست و منطقی و نقش و جایگاه رهبر آموزشی و ضرورت تبیین فرآیند تطبیق نظام آموزشی با استراتژی رهبری در سازمان و همچنین شناسایی میزان اثربخش رهبری در تغییر و تحولات سازمان انجام شد.

روش: روش مطالعه به صورت توصیفی انجام و جامعه آماری را ۱۷۰ نفر از رؤسا و مدیران آموزشی در سطوح مختلف دانشگاه علوم پزشکی تشکیل و به صورت تصادفی انتخاب گردیدند، برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه‌ای که حاوی یک‌سری سؤالات بسته بود استفاده شد، پایایی و روایی آن نیز قبل از اجرای نهایی تأیید گردید و در نهایت اطلاعات به دست آمده از طریق نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: یافته‌های حاصل از پژوهش نشان داد که شناسایی رسالت سازمان با ۷۵٪، شناسایی ارزش‌ها و فرهنگ سازمان ۸۰٪، شناسایی سازمان از حیث فرصت‌ها و تهدیدها ۷۳٪، شناسایی سازمان از حیث قوت‌ها و ضعف‌ها ۸۵٪ و تدوین هدف‌های خرد و کلان ۷۰٪ را به خود اختصاص داده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری: نظر به اینکه مدیریت آموزشی در هدایت برنامه‌های راهبردی و حصول اجرای آنها بستگی به دو مسئولیت تدوین راهبرد و اجرای راهبرد دارد، لذا مدیریت در سازمان با رویکرد تغییر و تحول باید به مولفه‌هایی عنایت داشته باشند از آن جمله: رسالت سازمان، نیازهای ارزشی در سازمان، فرهنگ حاکم بر سازمان، نقاط ضعف و قدرت برنامه‌های اجرایی در سازمان و ... در این راستا موارد زیر پیشنهاد می‌گردد: ۱- توجه جدی مدیران جهت بهره‌گیری بهتر از توان و پتانسیل نیروی سازمانی در کنار رسالت اصلی سازمان ۲- توجه به ارزش‌ها و فرهنگ حاکم بر سازمان علی‌الخصوص فرهنگ درون سازمانی توسط مدیران ارشد در سازمان ۳- باتوجه به اینکه حلقه اصلی و اساسی راهبردی در سازمان، ارزیابی درزنجیره اجرایی برنامه‌های سازمان است باید نگاه منطقی و عقلانی خوبی به آن داشت.

کلید واژه‌ها: نقش، تطبیق، نظام آموزش، راهبرد

(S.2506) نشست: ۲۵، ارائه شفاهی: ۶

بکارگیری روش نوین در فرایند اجرای نظام استاد راهنما در دانشجویان پزشکی

پریناز محنتی*، حمیده هریزچی

*دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تبریز- Parinazmehnati@yahoo.com

دانشگاه علوم پزشکی تبریز

مقدمه: تجربیات اساتید راهنما در سال‌های پیش و مطرح نمودن آنها در جلسات اساتید راهنما نشان داد که مهمترین مشکل اجرای نظام استاد راهنما نبود، امکان ملاقات اولیه و منظم دانشجوی و استاد راهنماست.

روش: امکان ملاقات در روزهای ثبت‌نام و بدو ورود دانشجوی با استاد راهنما پیشنهاد شد. پیشنهاد بعدی همراه نمودن والدین هنگام ملاقات با دانشجوی و امکان آشنائی حضوری والدین و استاد راهنما بود که غیر از روزهای ثبت‌نام شاید در بقیه ایام امکان پذیر نباشد. برای ارزیابی میزان موفقیت این برنامه در نیمسال اول سال تحصیلی ۸۹-۸۸ در بین ۱۰۱ نفر از دانشجویان رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز نظرات دانشجویان با استفاده از پرسش‌نامه (محقق - ساخته) جمع‌آوری و نتایج با نرم افزار SPSS 13 آنالیز گردید.

یافته‌ها: از بین ۱۰۱ دانشجوی شرکت‌کننده در بررسی ۸۷/۵ درصد افراد در روزهای ثبت‌نام توانستند با استاد راهنما ملاقات نمایند. حدود ۶۴/۴ درصد والدین دانشجویان نیز امکان دیدار با استاد راهنما را داشتند. طبق نظرخواهی قرار ملاقات بعدی و دیدارهای بعدی با استاد راهنما برای ۶۰/۶ دانشجویان میسر گردید. تاثیر ملاقات استاد راهنما در آشنائی اولیه با دانشگاه را ۷۲/۱۱ درصد افراد زیاد و متوسط پاسخ دادند. میزان رضایت والدین دانشجوی از ملاقات با استاد راهنما در هنگام ثبت نام ۷۳ درصد زیاد و متوسط بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری: درصد بالای امکان ملاقات حضوری دانشجویان و رضایتمندی والدین دانشجوی از این ملاقات حاکی از موفق بودن این روش نوین و رفع مشکل اجرایی نظام استاد راهنما است.

کلیدواژه‌ها: استاد راهنما، فرایند اجرایی، دانشجویان پزشکی

(S.2507) نشست: ۲۵، ارائه شفاهی: ۷

بررسی مقایسه‌ای انواع ترمیم‌های موظف کوریکولوم با ترمیم‌های انجام شده توسط دانشجویان دندانپزشکی عمومی در دانشکده دندانپزشکی مشهد در سالهای ۱۳۸۶-۱۳۸۷

حوریه موسوی^{*}، احمد شریعتی

^{*} استادیار دانشگاه علوم پزشکی مشهد dentist_57@yahoo.com

دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده دندانپزشکی، گروه ترمیمی

مقدمه: آموزش نظری و کلینیکی منطبق بر کوریکولوم دندانپزشکی، محدود است. اما آنها به عنوان پایه‌ای هستند که فارغ التحصیلان جدید دندانپزشکی، کار خود را بر آن اساس شروع می‌کنند. هدف از این مطالعه بررسی میزان تطابق برنامه موظفی آموزشی کوریکولوم موجود با کارهای انجام شده در بخش ترمیمی دانشکده دندانپزشکی مشهد در دو سال تحصیلی متوالی ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ بود.

روش: در این مطالعه، اطلاعات ثبت شده اختصاص داده شده به ترمیم‌های آمالگام و کامپوزیت خلفی از آرشیو بخش ترمیم جمع آوری شد. اطلاعات موجود برای ترمیم‌های خلفی مستقیم گذاشته شده در بخش به وسیله دانشجویان سال چهارم، پنجم و ششم از برگه گزارش کار دانشجویان استخراج شد. اطلاعات جمع‌آوری شده بر مبنای کلاس یک، کلاس دو و وسیع جهت ترمیم‌های آمالگام و کامپوزیت خلفی نامگذاری و دسته بندی شدند. داده‌ها در برنامه صفحه گسترده Excel قرار گرفتند و منحنی‌های مربوطه رسم شد تا مقایسه‌های میان آنچه در کوریکولوم لحاظ شده و در برنامه آموزشی تدریس می‌شود و تعداد ترمیم‌های انجام شده آمالگام و کامپوزیت خلفی امکان پذیر شود.

یافته‌ها: تدریس عملی و نظری ترمیم‌های آمالگام و کامپوزیت به نسبت ۲ به ۱ در طول دو سال آخر به نفع آمالگام بوده است. از نظر بالینی ترمیم‌های کامپوزیت خلفی قرار داده شده سه برابر آن چیزی است که در کوریکولوم مشخص شده و ترمیم‌های آمالگام وسیع خلفی بر کامپوزیت در طی این دو سال ارجح بوده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری: تغییر و تمایل به قراردادی ترمیم کامپوزیت خلفی نیاز دارد تا در نهادهای برنامه‌ریزی آموزشی دندانپزشکی مورد توجه قرار گیرد و دندانپزشکان تازه فارغ التحصیل شده برای انجام ترمیم‌های کامپوزیت بطور مناسب آماده شوند.

کلیدواژه‌ها: کوریکولوم دندانپزشکی، ترمیم‌های آموزشی مصوب، ترمیم‌های انجام شده

(S.2508) نشست: ۲۵، ارائه شفاهی: ۸

ضرورت آموزش رویکردهای مقابله‌ای با پریشانی اخلاقی به ارائه‌دهندگان مراقبت‌های بالینی

لیلامهستی جویباری^{*}، دکتر اکرم ثناگو

^{*} استادیار مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی گلستان lm_jouybari@yahoo.com

دانشگاه علوم پزشکی گلستان، معاونت آموزشی

مقدمه: امروزه پیشرفت‌های پزشکی و محیط‌های مراقبتی، پرستاران را با تصمیمات و موقعیت‌های دشواری مواجه می‌سازد که قبلاً وجود نداشته است و ممکن است سبب پریشانی، سردرگمی و رنج اخلاقی گردد. که جدی بودن موضوع در پرستاری نادیده گرفته شده است. هدف از این مقاله جلب نمودن توجه پرستاران بالینی به مشکلات اخلاقی و فشارهای حاصل از آن بر فرسایش جسمی و روانی و مراقبتی است.

روش: بررسی متون و مطالعه کتابخانه‌ای می‌باشد.

یافته‌ها: اخیراً از پریشانی اخلاقی یا سردرگمی اخلاقی به عنوان یک تشخیص پرستاری مورد تأیید در کتاب تشخیص‌های پرستاری یاد شده است. سردرگمی اخلاقی یعنی وقتی کسی می‌داند که کاری درست باید انجام شود اما به دلیل محدودیت‌های سازمانی تقریباً انجام آن غیر ممکن است. در تعریف جدیدتر آن به صورت "عدم تعادل روانی دردناک" توصیف شده است. در این شرایط پرستار به دلیل موانعی

مانند محدودیت زمانی، عدم تمایل بالادست، ساختار قدرتی در پزشکی، یا ملاحظات قانونی، چیزی را که می‌داند درست است، انجام نمی‌دهد. پریشانی اخلاقی اضطراب و رنج یا احساس عاطفی است که پرستاران به‌ویژه در بخش مراقبت‌های ویژه آن را تجربه می‌کنند. هرگاه محدودیت‌های درونی و بیرونی مانع انجام رفتارهایی شود که طبق باور فرد درست است این احساسات ناخوشایند بروز خواهد کرد. تقابل انتظارات و نقش، تقابل نقش و ارزش‌های شخصی سبب رنج اخلاقی پرستاران می‌گردد. فراهم نمودن مراقبت و درمان‌های شدید برای طولانی کردن عمر بیماران در موقعیت‌هایی که ارائه مراقبت بی‌فایده یا بی‌اثر است نیز سبب سردرگمی‌های اخلاقی شود. پریشانی اخلاقی شدیداً بر رضایت شغلی اثر منفی دارد. مقالات حاکی از آن است بدخواهی و استرس عاطفی اثر منفی بر رضایت شغلی دارند و می‌توانند به عنوان نشانه‌هایی از تجربه پریشانی اخلاقی تعبیر شوند. برای کاهش پریشانی‌های اخلاقی، فعالیت‌ها و مداخلات متعددی توصیه شده است که در اصل مقاله به آن پرداخته می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری: شاید به عنوان یک پرستار هیچ‌گاه به طور مستقیم ندانیم که دچار رنج‌های اخلاقی هستیم و بسیاری از ما نمی‌دانیم چگونه تظاهر می‌کند. لذا شناسایی آن یک گام مهم برای برطرف نمودن و یا کاهش دردهای اخلاقی است. استرس، فرسودگی، اضمحلال عاطفی و نارضایتی شغلی به عنوان بارزترین نشانه‌های دردهای اخلاقی می‌تواند پرستاران را به ترک واحد کاری خود و یا به طور کلی کناره‌گیری از حرفه پرستاری ترغیب نماید که بی‌تردید این امر برای سیستم دانشگاهی کشورمان که تحصیل رایگان برای تربیت نیروی انسانی پرستاری فراهم می‌نماید بسیار گران تمام می‌شود. با توجه به اینکه در هیچ یک از مراحل آموزش دوره کارشناسی به دانشجویان رویکردهای مقابله‌ای با چنین پدیده‌هایی آموزش داده نمی‌شود ضروری است تا جاییگاهی را در برنامه آموزشی حاضر برای این امر در نظر گرفت.

کلیدواژه‌ها: پریشانی اخلاقی، پرستاران، بخش‌های مراقبت ویژه، فرسودگی شغلی، ناسودگی اخلاقی

(S.2509) نشست: ۲۵، ارائه شفاهی: ۹

طراحی روش نوین آموزشی جهت ارتقای تفکر انتقادی و تصمیم‌گیری بالینی دانشجویان پرستاری

حسین کمیلی ثانی^{*}، منیره بابا شاهی، فتانه قدیریان، علی رضا اولی پور، کبری کرمی

* مربی دانشگاه علوم پزشکی اهواز EDC hossainkomeili@yahoo.com

دانشگاه علوم پزشکی اهواز

مقدمه: هدف اصلی تعلیم و تربیت در دانشگاه باید تربیت انسان‌های متفکر و خلاق باشد. تفکر انتقادی قضاوتی هدفمند است. باتوجه به پایین بودن سطح تفکر انتقادی و قضاوت بالینی دانشجویان پرستاری و عدم کارآمدی روش‌های رایج آموزش در ارتقاء سطح تفکر انتقادی، پژوهشگر بر آن شد تا با تدوین یک برنامه آموزشی مکمل در کنار شیوه آموزشی رایج مرکب از بحث گروه، ایجاد سؤال و یادگیری بر پایه حل مسئله به آموزش غیرمستقیم فرآیند تفکر انتقادی پرداخته و به بررسی تأثیرات این شیوه آموزشی بر تفکر انتقادی و قضاوت بالینی دانشجویان بپردازد.

روش: پژوهش حاضر یک مطالعه نیمه‌تجربی در دانشجویان پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی اهواز، محیط پژوهش کلاس درس دانشکده و محیط بالینی در بیمارستان بود. واحدهای مورد پژوهش دانشجویان ترم ۶ پرستاری به صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به دو گروه مساوی، سپس هر گروه به سه واحد ۵ نفره تقسیم شدند. برای هر گروه به صورت تصادفی یک عنوان درسی از دروس داخلی - جراحی ویژه در نظر گرفته شد. سپس ۵ جلسه (۴۵-۶۰ دقیقه) در برنامه آموزشی مربوطه شرکت کردند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل آزمون معلم ساخته و دو پرسشنامه مهارت‌های تفکر انتقادی کالیفرنیا که شامل ۳۴ سؤال (این پرسشنامه در دانشگاه علوم پزشکی تهران توسط خلیلی و همکاران روایی و پایانی شده) و پرسشنامه تصمیم‌گیری بالینی (۱۵ سؤال با مقیاس لیکلرت جهت قضاوت بالینی که روایی و پایانی این پرسشنامه در سال ۸۴ توسط صالحی و همکاران تعیین گردیده) مورد استفاده قرار گرفت. در شروع مطالعه آزمون معلم ساخته از دروس مذکور، پرسشنامه تفکر انتقادی کالیفرنیا و پرسشنامه قضاوت بالینی توسط واحدها تکمیل شد. پس از آخرین جلسه آموزشی پرسشنامه‌های مذکور مجدداً توسط واحدهای پژوهش تکمیل شد. دو هفته بعد آزمون معلم ساخته از دانشجویان گرفته شد. داده‌ها جمع‌آوری و توسط نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج مطالعه تفاوت معنی‌داری را در میانگین تفکر انتقادی در دو گروه قبل و بعد از مداخله نشان داد ($P=0/02$). در حالی که در گروه کنترل تفاوت معنی‌دار مشاهده نشد ($P=0/24$). همچنین تفاضل میانگین نمرات تصمیم‌گیری بالینی در گروه مداخله

قبل و بعد از مداخله تفاوت آماری معنی داری را نشان داد ($P=0/001$). یافته‌های مطالعه حاضر نشان داد که اجرای شیوه آموزشی فعال جهت دانشجویان بر میزان تفکر انتقادی و تصمیم‌گیری بالینی آنان تاثیر مثبت داشته است.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به پایین بودن سطح تفکر انتقادی و قضاوت بالینی دانشجویان پرستاری و عدم کارآمدی روش‌های رایج آموزشی در ارتقاء سطح تفکر انتقادی، اجرای این روش فعال آموزشی در سیستم آموزشی دانشگاهی پیشنهاد می‌شود تا به توسعه این مهارت گامی جهت ارتقاء سیستم آموزش پرستاری و افزایش کیفیت مراقبت بهداشتی برداشته شود.

کلیدواژه‌ها: تفکر انتقادی، تصمیم‌گیری بالینی، آموزش فعال، دانشجویان پرستاری

(S.3601) نشست: ۳۶، ارائه شفاهی: ۱

الگوی مناسب برای رهبری آموزشی در دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور کدام است؟

پروین رضایی *

* کارشناسی ارشد دانشگاه علوم پزشکی کرمان p.rezail@gmail.com

پیچیدگی جوامع و تغییرات سریع و غیر قابل پیش‌بینی در نقش و حتی ماهیت فعالیت سازمان‌های علمی در عصر جهانی شدن، بیش از پیش رهبرانی اثربخش را برای اداره بهتر امور دانشگاه‌ها، طلب می‌کند. شرایط موجود از یک سو و ویژه بودن دانشگاه‌ها به عنوان سازمان‌های انسانی‌ای که با سرمایه‌های دانش و اندیشه سر و کار دارند به همراه نقشی که دانشگاه‌ها در پیدایش تحولات جامعه و پاسخگویی به نیازهای ناشی از این تحولات، به عهده دارند. از سوی دیگر، وجود الگوهای منعطف و همه‌سو نگری را در اداره امور و به ویژه در رهبری‌های سازمان، طلب می‌کند. تحقق این امر نیازمند بررسی مدل‌های گوناگونی است که از رهبری ارائه شده است. این مقاله ضمن بررسی سبک‌های رهبری و الگوهای اداره سازمانی در چند دانشگاه برتر (و بررسی منابع موجود در این زمینه)، به تشریح وضعیت درونی و برون سازمانی و البته کارکردهای دانشگاه‌های علوم پزشکی پرداخته و میزان تطابق و عدم تطابق الگوهای معرفی شده را با ساخت اجتماعی دانشگاه‌های علوم پزشکی مورد بررسی قرار داده و در نهایت مناسب‌ترین الگوی رهبری در این دانشگاه‌ها را ارائه می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: الگو، رهبری آموزشی، دانشگاه، علوم پزشکی

(S.3602) نشست: ۳۶، ارائه شفاهی: ۲

الگوی ایرانی سرپرستی و رهبری آموزشی دانشجویان پرستاری

فروغ رفیعی *

* دانشیار مرکز تحقیقات مراقبت‌های پرستاری، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی ایران

fracii@iums.ac.ir

مقدمه: تحولات روزافزون در علم مدیریت و خصوصاً رهبری آموزشی ایجاب می‌کند که رهبران پرستاری دیدگاهی آینده‌نگر داشته و با نوآوری در نظام آموزشی نقش تاثیرگذاری در شیوه‌های آموزش نظری و بالینی پرستاری ایفا نمایند. هدف از این مقاله معرفی الگوی ایرانی سرپرستی و رهبری آموزشی دانشجویان پرستاری در واحدهای نظری و بالینی است.

روش: پژوهشگر با استفاده از نظریه سه بعدی اثربخشی رهبری در حیطه مدیریت و کاربرد روش رتروداکشن و همچنین استفاده از مفاهیم تفکر انتقادی و راهبردهای تقویت‌کننده آن مانند فرایند پرستاری و حل مسئله، با توجه به نقش‌های پرستار و روش‌های فعال یادگیری و بافت دانشکده‌های پرستاری کشور، مدل ایرانی رهبری آموزشی دانشجویان پرستاری را توسعه داد.

یافته‌ها: بر اساس این مدل، رهبری و سرپرستی آموزشی دانشجویان پرستاری سال‌های اول تا چهارم بر اساس بلوغ گروهی، میزان تعهد و شایستگی، متفاوت بوده و به ترتیب شامل شیوه‌های هدایت‌کننده، مربی‌گرایانه، حمایت‌کننده و تفویض‌کننده می‌باشد. الگو، کاهش تدریجی حجم تدریس به شیوه سخنرانی و افزایش تدریجی شیوه‌های دانشجو محور را در سال‌های اول تا چهارم مطرح می‌کند. در این الگو فرایند پرستاری بر اساس سلسله مراتب نیازهای مازلو در سال‌های مختلف در بالین به کار می‌رود. در نهایت، ارزشیابی دانشجویان از

ارزیابی کامل توسط استاد در سال اول شروع می‌شود و به تدریج ارزشیابی توسط همگنان و خودارزشیابی در سال‌های بعدی اضافه می‌گردد.

بحث و نتیجه‌گیری: در الگوی ایرانی سرپرستی و رهبری آموزشی دانشجویان پرستاری، اصل فراگیر رهبری بر اساس الگوی سه بعدی اثر بخشی رهبری و راهبردهای تفکر انتقادی است. این اصل فراگیر، رهبری و سرپرستی دانشجویان را بطور کلی و همچنین در حیطه‌های نظری و بالینی و ارزشیابی در بر می‌گیرد. در راستای تعدیل و توسعه این الگو، آزمون آن در حیطه‌های نظری و بالینی پرستاری پیشنهاد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: رتروداکشن، نظریه سه بعدی اثربخشی رهبری، آموزش پرستاری، تفکر انتقادی

(S.3603) نشست: ۳۶، ارائه شفاهی: ۳

بررسی سبک‌های رهبری اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تبریز در دانشگاه تبریز

حکیمه حضرتی کندیجانی^۱، قاسم چتریحرا^۲، فریبا سالک^۳، سوسن حسن زاده سلماسی^۴

۱- کارشناس آموزش مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی تبریز

۲- کارشناس بیمارستان امام رضا تبریز

۳- کارشناس ارشد پژوهش مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی تبریز

۴- مسئول دوره‌های آموزشی مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی تبریز

دانشگاه علوم پزشکی تبریز- مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

مقدمه: برخورد کتابداران با مراجعان یکی از عوامل موفقیت یا عدم موفقیت کتابخانه‌ها در ارائه خدمات می‌باشد. از آنجایی که کارایی کارکنان ارتباط مستقیم با نوع بینش و عملکرد مدیران دارد. لذا سبک رهبری مدیران کتابخانه نقش بسزایی در شیوه عملکرد و نحوه برخورد آنان با مراجعان خواهد داشت. لذا در این تحقیق برآن شدیم که به مقایسه سبک‌های مدیریتی در دو گروه از کتابخانه‌های علوم پزشکی و دانشگاه تبریز بپردازیم تا از طریق آن به عملکرد دو گروه از کتابخانه‌ها پی ببریم.

روش: این پژوهش از نوع تحلیلی است که ۸۰ نفر از مدیران و مسئولان کتابخانه‌های علوم پزشکی و دانشگاه تبریز به صورت سرشماری مورد مطالعه قرار گرفته، داده‌های پژوهش از طریق پرسشنامه استاندارد "لوتانز" است که دو سبک انسان‌گرائی و سازمان‌گرائی را می‌سنجد مورد مطالعه قرار گرفته پرسشنامه شامل دو بخش بود. بخش اول شامل مشخصات دموگرافیک و بخش دوم سبک‌های رهبری را مورد بررسی قرار می‌دهد. یافته‌ها از طریق نرم افزار SPSS مورد بررسی قرار گرفت و رابطه سبک‌های رهبری بین دو گروه از کتابخانه‌ها با استفاده از t-test مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: متوسط سن مدیران دانشگاه تبریز ۳۹ سال و علوم پزشکی ۴۲ سال، سابقه مدیریت در دانشگاه تبریز ۱۲/۵ و علوم پزشکی ۱۵ سال می‌باشد و میانگین کلی سبک‌های مدیریتی در دانشگاه علوم پزشکی $4/6 \pm 67/60$ و دانشگاه تبریز $7/96 \pm 62/98$ برآورد شد که سبک غالب رهبری در هر دو گروه رهبری انسان‌گرا می‌باشد. و از آنجا که در هر دو گروه از کتابخانه‌ها سبک غالب انسان‌گرا نشان داده شد رابطه معناداری در دو گروه مشاهده نشد.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج به دست آمده سبک انسان‌گرا به عنوان سبک غالب نشان داده شد. لازم است تلاش‌های علمی و عملی در جهت سوق دادن مدیریت کتابخانه‌ها به سمت مدیریت برتر یعنی مدیریت سازمان‌گرا (تفویضی- مشارکتی) انجام گیرد.

کلیدواژه‌ها: سبک‌های رهبری، مدیران کتابخانه



(S.3604) نشست: ۳۶، ارائه شفاهی: ۴

بررسی سبک رهبری مدیران گروه‌های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی کاشان در حیطه‌های عملکردی شش- گانه بر اساس مدل لیکرت

لیلا شکری زاده ارانی، زهرا میدانی، دکتر مهرداد فرزندی پور
اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی کاشان

مقدمه: کارکردهای برنامه‌ریزی، سازماندهی، انگیزش و کنترل در بحث مدیریت اثربخش گروه که یکی از وظایف مدیران گروه‌های آموزشی است، اهمیت دارد. بنابراین موفقیت سازمان در تحقق اهداف در گرو چگونگی اعمال مدیریت و سبک‌های مؤثر رهبری در حیطه‌های شش‌گانه می‌باشد.

روش: این پژوهش از نوع توصیفی-مقطعی است که کلیه اعضای گروه‌های آموزشی (۱۶۳ نفر) به صورت سرشماری مورد مطالعه قرار گرفتند. داده‌های پژوهش از طریق پرسشنامه‌ی پایا و روا (پرسشنامه لیکرت) جمع‌آوری گردید. پرسشنامه شامل دو بخش بود. بخش اول مشخصات فردی و بخش دوم سبک رهبری مدیران را در ۶ حیطه‌ی عملکردی مدیریت، انگیزش، ارتباطات، تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و کنترل مورد بررسی قرار داد. داده‌های پژوهش به صورت توزیع فراوانی، محاسبات دستی، مجذور کای توسط نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل گردید.

یافته‌ها: سبک رهبری مشاوره‌ای (با امتیاز ۳۱۶) به عنوان سبک غالب در جامعه پژوهش از دیدگاه اعضای گروه و مدیران گروه بوده است. در حیطه‌های عملکردی مدیریت و انگیزش به ترتیب با امتیاز ۳۳۲/۸۴ و ۳۳۱/۹۴ سبک مشارکتی و در حیطه‌های ارتباطات (۳۱۵/۲۰)، تصمیم‌گیری (۳۲۲/۲۰)، برنامه‌ریزی (۲۸۷/۷۰) و کنترل (۳۰۸/۳۰) سبک مشاوره‌ای مشاهده شده است. همچنین بین سبک رهبری و حیطه‌ی عملکردی ارتباطات رابطه‌ی معناداری وجود داشت (P)

کلیدواژه‌ها: رهبری آموزشی، حیطه‌های عملکردی، مقیاس لیکرت

(S.3605) نشست: ۳۶، ارائه شفاهی: ۵

بررسی سبک رهبری مدیران گروه‌های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

مهديه ممیزی*، محمدرضا امینی پور، محمد حسن شیخ‌ها، زهرا حافظی، محمدرضا حیدری
دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد- معاونت آموزشی
mahdieh_momayyezi@yahoo.com

مقدمه: سبک‌های مختلفی در مورد رهبری بیان شده است. هرسی و بلانچارد بر ترکیب رفتار وظیفه‌گرا و رابطه‌گرا تاکید دارند. رفتار وظیفه‌گرا با سعی در انجام وظایف و روش کار موفقیت آمیز مشخص می‌شود و رفتار رابطه‌گرا توسط کانال‌های ارتباطی باز و رفتارهای تسهیل‌کننده مشخص می‌شود. از میان انواع رهبری در سازمان‌های مختلف، رهبری مؤسسات آموزشی از اهمیت بسزایی برخوردار است. رهبری مؤسسات آموزشی می‌تواند بر میزان توسعه فرایندها و شایستگی‌های افراد اثر گذاشته و در نتیجه، یادگیری دانشجویان را افزایش دهد. رهبری آموزشی، یاری رساندن به آموزش و بهبود کار آموزش است. در گروه‌های مختلف آموزشی دانشگاه، مدیران آموزشی و اعضای هیئت علمی فعالیت دارند. ضرورت تحقیق از این جا ناشی می‌شود که گروه‌های آموزشی توسط مدیران گروه با سبک‌های متفاوت رهبری، اداره می‌شود.

روش: این پژوهش از نوع توصیفی است که بر روی مدیران گروه‌های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد انجام گرفته است. داده‌ها از طریق پرسشنامه سبک رهبری باردنز و مترکاس که شامل ۳۵ سوال و براساس مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت است، جمع‌آوری گردید. پس از نمره‌گذاری پرسشنامه‌ها، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از نرم افزار SPSS و آمار توصیفی استفاده گردید.

یافته‌ها: نتایج پژوهش بیانگر آن است که اکثریت مدیران گروه از سبک رهبری رابطه‌گرا (۴۶/۸۸٪) استفاده می‌نمودند و ۴۰/۳۳٪ آن‌ها از سبک رهبری وظیفه‌گرا و ۱۲/۷۹٪ آن‌ها از سبک رهبری تلفیقی استفاده می‌نمودند. توزیع فراوانی پاسخ‌ها بیانگر آن بود که در دانشکده‌های دندان پزشکی و مامایی و پرستاری اکثریت پاسخ‌ها مربوط به سبک رهبری وظیفه‌گرا بود در حالی که در دانشکده پیراپزشکی اکثریت مدیران سبک رهبری رابطه‌گرا داشتند و دانشکده بهداشت و پزشکی از دو سبک رابطه‌گرایی و وظیفه‌گرایی تقریباً مساوی برخوردار بودند. نتایج پژوهش همچنین نشان داد که اکثریت مربیان (۵۶/۶٪) از سبک رهبری وظیفه‌گرا و اکثریت استادیاران سبک رهبری انسانگرا (۴۳/۵۲٪) داشتند. سبک رهبری اکثریت دانشیاران (۵۰٪) نیز وظیفه‌گرا بود.

بحث و نتیجه‌گیری: در این پژوهش حدود نیمی از واحدهای مورد پژوهش از سبک رهبری انسانگرا و حدود ۱۳٪ درصد از آنها از سبک رهبری تلفیقی استفاده می‌کردند و این در حالی است که هیچگاه نمی‌توان بهترین سبک رهبری را انتخاب نمود چون در هر موقعیت سبک رهبری خاصی باید مورد استفاده قرار گیرد و با توجه به شرایط نسبتاً پویای سازمان‌ها بویژه سازمان‌های آموزشی و ایجاد تغییراتی در ساختار و ارتباطات سازمانی بهتر است مدیران از سبک‌های مناسب استفاده نمایند.

کلیدواژه: رهبری، سبک رهبری، مدیران گروه، گروه آموزشی

(S.3606) نشست: ۳۶، ارائه‌شده: ۶

مدل‌های رهبری در آموزش پزشکی و نتایج آن برای مراقبت‌های سلامت در آینده

محمدرضا کارگذار، محسن قنبری

kargozarmr1@mums.ac.ir, Ghanbarim1@mums.ac.ir

دانشگاه علوم پزشکی مشهد

Leadership in education, also referred to as shared decision-making, is essential to school reform and to the changing demands in a global world. The principal is the building leader who structures the climate to empower both teachers and students at the site. Educational leadership translates in to teacher leadership and exemplifies a paradigm shift with the decisions made by those working most closely with students rather than those at the top of the pyramid. Phases of Leadership in Medical Education Scholars in the field of educational leadership in health care and medical education have given relatively scant attention to developing theories of career progression in the profession. This is particularly the case for empirically supported theories. Recent interest has focused on identifying leadership stages and a number of schemas have resulted. These originate, however, more from a conceptual than an empirical base. Consequently, this aspect of leadership remains a 'hot topic' for future empirical research in medical education. As the following paragraphs reveal, there is as yet no universally agreed, unequivocal consensus on a stage theory of leadership. Many of the conceptual schemas proposed recognise stages or phases of leadership, and have been conjured by policy-makers and professional developers seeking to improve the training and preparation of school leaders. In Hong Kong, for example, the government has based its policy of needs assessment and school leader professional development on a three-stage structure of aspiring, newly appointed and experienced principals (Education Department, Hong Kong, 2002). There are problems of terminology with this taxonomy. For example, the term 'aspiring' is condescending, especially when many such candidates already occupy senior leadership positions. Likewise, some 'newly appointed' principals may have already been principals, but in other schools. Models of Leadership in Medical Education The reader might wonder whether there are not already sufficient conceptualizations of educational leadership in medical education. (One review of educational leadership listed more than 30 leadership theories – see Richmon and Allison 2003.) A typology of leadership concepts is shown in Figure1. This is based on that of Bush and Glover (2003), and adds ethically transforming leadership and democratic leadership. Figure1: Concepts of leadership in

Medical Education Conclusion: Consequence for Future Health care has never been in greater need of exemplary leaders. It now finds itself at a major crossroads, with system integrations, mergers and acquisitions, hospital closures, reengineering and restructuring, downsizing and rightsizing, increased managed care penetration, new reimbursement models, increased regulatory constraints, accelerating consumer expectations, and intensified human relations issues all creating a tremendous demand for strong, skillful leaders. Even the leadership paradigm is shifting: the old command-and-control approach is simply no longer effective, and leaders at all levels need different skills for the future. Some of these leadership skills or characteristics—integrity, a sense of mission, and a clear and inspiring vision—cannot be taught, except perhaps in life's classroom. The wisdom that comes from deep personal reflection and knowledge of what is most important brings a commitment to living by these values day to day, especially when we must make difficult choices that require courage and belief in ourselves.

Key words: Leadership Models |ethical transformation| Medical Education| Future Health Care

(S.3607) نشست: ۳۶، ارائه شفاهی: ۷

بررسی سبک رهبری معاونین آموزشی دانشگاههای علوم پزشکی کشور

دکتر محمد علی محقق^۱، دکتر نادر ممتازمنش^۲، فرنگیس شوقی شفق آریا^۳

۱. معاون آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

۲. رئیس مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

۳. معاون مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

مقدمه: مرور آثار مولفان مدیریت نشان می دهد که اغلب آنان رهبری را فرایند تأثیر گذاری بر فعالیت های یک فرد یا یک گروه در تلاش به منظور تحقق هدفی در یک وضعیت معین تعریف کرده اند. از این رو وظایف و روابط انسانی باید مورد توجه یک رهبر قرار گیرد. این ملاحظات را باید انعکاس دو مکتب فکری اولیه در تئوری سازمانی یعنی مدیریت علمی و روابط انسانی قلمداد کرد. بر طبق نظریه روابط انسانی وظیفه رهبر این است که تحقق هدفها را از طریق تعاون و همیاری در بین زیردستان خود تسهیل کند و در ضمن فرصت های برای رشد و پرورش شخصی آنان بوجود آورد. از این دیدگاه تمرکز رهبر بر خلاف نظریه مدیریت علمی عمدتاً بر نیازهای افراد است نه نیاز های سازمان. پس نهضت مدیریت علمی اصولاً توجه به وظیفه و کار را تأکید می کرد، در حالیکه نهضت روابط انسانی توجه به روابط (انسانها) را اهمیت می داد. بر این اساس قبول رسمی دو سبک رهبری یک تأکید بر وظیفه و دیگری توجه به روابط در مطالعات گوناگون رهبری مورد تأیید قرار گرفته است. هدف این مطالعه تعیین نوع سبک رهبری معاونین آموزشی دانشگاههای علوم پزشکی با توجه به دو بعد وظیفه مداری و رابطه مداری بود.

روش: مطالعه از نوع توصیفی است که وضعیت موجود سبک رهبری معاونین آموزشی را می سنجد. در این مطالعه از روش سرشماری استفاده شد و جامعه آماری شامل معاونین آموزشی دانشگاههای علوم پزشکی بود و ۳۲ نفر از معاونین آموزشی در این مطالعه شرکت کردند. ابزار جمع آوری داده ها پرسشنامه استاندارد بود که اولین بار توسط محققان دانشگاه ایالتی اهایو برای توصیف اینکه یک رهبر چگونه فعالیت های خود را انجام می دهد، تهیه شده و توسط متخصصان رشته مدیریت کشور ما بازنگری و بومی شده است. پرسشنامه شامل ۳۵ سؤال بود که ۲۰ سؤال وظیفه مداری و ۱۵ سؤال رابطه مداری یک رهبر را می سنجد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از آمار توصیفی و نرم افزار آماری SPSS استفاده شد.

یافته ها: نتایج پژوهش نشان داد که بیشترین میزان توجه به وظیفه و سازمان ۸۵٪، کمترین میزان توجه به آن ۲۰٪ و میانگین آن ۶۰٪ و بیشترین میزان توجه به رابطه و فرد ۸۰٪، کمترین میزان توجه به آن ۲۷٪ و میانگین آن ۶۰٪ بوده است. با محاسبه میانگین مجموع امتیازات حاصله از دو سبک مذکور معلوم گردید که معاونین آموزشی دانشگاههای علوم پزشکی در بکارگیری از سبک رهبری تلفیقی، در جایگاه متوسط قرار دارند.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به اینکه دانشگاهها سازمان هایی هستند که استفاده محض از سبک وظیفه مداری، رهبران آنها را می تواند با مشکلات جدی روبرو کند و توجه بیشتر به فرد، ضمن مد نظر داشتن منافع سازمان بتوانند جایگاه خود را به مرتبه عالی سبک رهبری تلفیقی ارتقاء دهند.

(S.3608) نشست: ۳۶، ارائه شفاهی: ۸

مهم ترین چالش های تولید در حیطه آموزش نظام سلامت

رفعت محبی فر^۱، پرویز فلاح^۲، رامین سرچمی^۳، افسانه یخ فروش ها^۴

۱- استادیار دانشگاه علوم پزشکی قزوین smrf55@yahoo.com

۲- دانشیار دانشگاه علوم پزشکی قزوین

۳- مربی دانشگاه علوم پزشکی قزوین

۴- کارشناس ارشد دانشگاه علوم پزشکی قزوین

مقدمه: نظر به پیچیدگی نظام سلامت ایران بر اساس وظایف چندگانه ای که پس از طرح ادغام آموزش پزشکی با ارائه خدمات سلامت به عهده وزارت بهداشت و آموزش پزشکی گذاشته شد، سنگینی وظیفه مدیریت نظام سلامت ایران دو چندان گردیده است. همان گونه که در بخش خدمات سلامت در مدل سازمان جهانی بهداشت نیاز به تولید احساس می گردد، توجه ویژه به این مقوله در بخش آموزش نیز می باشد. این مطالعه با هدف بررسی مهمترین چالش های تولید حیطه آموزش در نظام سلامت انجام گرفته است.

روش: این پژوهش یک مطالعه توصیفی و از نوع کاربردی می باشد که در سال ۱۳۸۸ انجام گردیده است. جامعه آماری شامل اعضاء هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین می باشد که نمونه ای به حجم ۵۴ نفر از اعضاء هیئت علمی با سابقه در امور آموزشی به صورت نمونه گیری مبتنی بر هدف مورد مطالعه قرار گرفته است. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه ای مشتمل بر ۴۵ سوال با مقیاس لیکرت در سه حیطه اصلی جمع آوری و استفاده از خرد؛ شکل دهی به سیاست ها و رویکردهایی برای کنترل و تنظیم بود. اعتبار پرسشنامه با استفاده از نظر کارشناسان در مطالعات واحد سیاست گذاری و اصلاح نظام سلامت در بحث نظرات کارشناسی به صورت مصاحبه ساختارمند با صاحب نظران و دست اندرکاران سیاست گذاری در دوره های گذشته، تایید شده است.

یافته ها: نتایج نشان داد مهمترین چالش ها در بعد جمع آوری و استفاده از خرد، ضعف در اطلاع رسانی پیشرفت برنامه ها و سیاست های آموزشی در سطح کلان با ۹۰/۷ درصد، مشخص نبودن نقش هریک از بخش های ستادی در جمع آوری داده ها در زمینه آموزش با ۸۳/۴ درصد می باشد. در شکل دهی به سیاست ها، تعیین چشم اندازها و راهبردها، پایش نامرتب و غیرقابل دفاع اهداف برنامه های توسعه آموزشی با ۸۸/۹ درصد و نقص در سیاست های آموزشی، پژوهشی و ارائه خدمات با ۸۸/۹ درصد می باشد. از مهمترین چالش های حیطه "رویکردهایی برای کنترل و تنظیم" فقدان شیوه تنظیم و نظارت وزارتخانه در زمینه آموزشی با ۸۷ درصد، مشخص نبودن برنامه و راهبردهای وزارت متبوع برای دستیابی به چشم انداز ۲۰ ساله نظام آموزشی و به تبع آن نامتناسب بودن ساختار فعلی برای اجرای راهبردهای آموزشی، با ۸۷/۱ درصد؛ ضعف سیاست های جلب مشارکت سازمان ها برای ساماندهی خدمات آموزشی با ۹۰/۸ درصد و کم آگاهی سایر بخش های آموزشی از وضعیت آموزش و ندانستن نقش و سهم خود برای ارتقای وضعیت آموزشی با ۸۷ درصد بوده است.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به نتایج بدست آمده با تشکیل شبکه فعال مشارکت و ائتلاف ذینفعان برای سیاست گذاری و ساماندهی نظام مدیریت اطلاعات آموزش، تدوین برنامه وزارت بهداشت برای دستیابی به چشم انداز ۲۰ ساله در حیطه آموزش، ساماندهی نظام سیاست سازی، برنامه ریزی و اجرای آن در وزارت بهداشت با تشکیل واحد سیاست گذاری و اصلاح نظام آموزش سلامت در هماهنگی کامل با معاونت های تابعه و توانمندسازی کارکنان بخش دولتی برای نظارت بر عملکرد ارایه کنندگان خدمات آموزشی می توان در راه رفع مشکلات اساسی مدیریت آموزش در نظام سلامت گام برداشت.

کلید واژه ها: تولید، مدیریت و رهبری آموزش پزشکی، نظام سلامت



(S3609) نشست: ۳۶، ارائه شفاهی: ۹

بررسی وضعیت رفتار رهبری در کلاس از جنبه "توجه به فرد و سازمان" در دانشگاه علوم پزشکی آجا

زهرة فرح نژاد*، مینو شاددل، محمد رضا رفیعی

* استادیار دانشگاه علوم پزشکی ارتش - تهران - دانشگاه علوم پزشکی ارتش - دانشکده پزشکی - مدیر علوم پایه
farahnejad@yahoo.com

آگاهی از وضعیت کلی رفتار رهبری در کلاس، کمک به دقیق تر شدن برنامه ریزی ها جهت رسیدن به اهداف عالیه خواهد کرد. جهت شناخت اولیه از آن، برآن شدیم پژوهشی در ارتباط با مشخص شدن مسیر رهبری در کلاس از جنبه "توجه به فرد و سازمان" انجام دهیم. روش اجرا: به ۳۵ نفر از اعضای هیأت علمی گروه علوم پایه و بالینی دانشکده پزشکی، پرسشنامه مخصوص را داده تا به سوءالات آن از جنبه های مختلف رفتار رهبری در کلاس پاسخ دهند. سپس طبق روش ارزیابی که در اختیار داشتیم، امتیازات بر اساس نوع پاسخها محاسبه شد. امتیازهای مکتسبه در ارتباط با "توجه به سازمان" در محور افقی و امتیازهای مکتسبه در ارتباط با "توجه به فرد" در محور عمودی جدولی مخصوص ثبت شد. محل تقاطع آنها در جدول، جایگاه هر نفر را در شبکه مدیریت (یا جدول سبک های رهبری) مشخص می کرد. سپس مجموع نتایج به جدولی مشترک منتقل شد و طبق آن درصد پراکندگی افراد در هر خانه از جدول بدست آمد. وضعیت افراد با دو عدد بیان شد که عدد سمت چپ امتیاز "توجه به فرد" و عدد سمت راست امتیاز "توجه به سازمان" است. نتایج: از مجموع ۱۴ وضعیت بدست آمده، بالاترین درصد پراکندگی در وضعیت ۳-۴ جدول قرار داشت (۲۰.۰۲٪). درصد پراکندگی سایر وضعیت ها به ترتیب: ۲-۵ (۱۱.۴۴٪)، ۱-۵، ۲-۴ (۸.۵۸٪)، ۳-۶، ۳-۵ (۵.۷۲٪)، ۲-۶، ۴-۴، ۱-۳، ۳-۳ و ۲-۴ (۲.۸۶٪) بود. نتیجه گیری: به نظر می رسد که نحوه عمل و رفتارهای رهبری در کلاس به سمت "توجه به فرد" متمایل تر است و به این جنبه از رفتار رهبری نزدیک تر می باشد. در نتیجه از اهمیت بیشتری نیز برخوردار است.

کلیدواژه ها: رفتار رهبری، توجه به فرد، توجه به سازمان

(S.3701) نشست: ۳۷، ارائه شفاهی: ۱

نیازهای آموزشی مدیران برای رهبری تغییرات در آموزش پزشکی

محمد دادگسترنیا، وجیهه وفامهر

icm dadgostar@med.mui.ac.ir

دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

مقدمه: مدیران آموزشی در دانشکده های پزشکی علاوه بر مدیریت فرآیندهای جاری و تغییرات، گاه نقش رهبری آموزشی را نیز بر عهده دارند. در متون علمی مختلف به مهارتهایی برای ایفای نقش رهبری به خصوص در خلال تغییرات آموزشی پرداخته شده است. عدم وجود چنین مهارتهایی به خصوص در هنگام رهبری تغییرات آموزشی باعث ایجاد چالش های جدی می گردد. این مطالعه به بررسی نیازهای آموزشی مدیران دانشکده پزشکی در زمینه ایفای نقش رهبری آموزشی پرداخته است.

روش: در مطالعه توصیفی مقطعی، مدیران آموزشی دانشکده پزشکی اصفهان (مدیران گروه ها و مدیران سازمانی دانشکده) مورد پرسش قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده ها پرسش نامه خودایقایی بود، که روایی و پایایی آن تأیید گردیده بود. پرسش نامه ها از طریق email برای گروه مورد مطالعه ارسال و ۸۰٪ دریافت مجدد گردید. نتایج با استفاده از نرم افزار SPSS مورد بررسی قرار گرفت. یافته ها: پژوهش به صورت توزیع فراوانی نسبی و انجام آزمون t آنالیز شد.

یافته ها: نتایج نشان می دهد که از میان ۱۵ مهارت رهبری مشخص در پرسش نامه، آموزش توانایی عمل کردن به عنوان یک عضو موثر در یک تیم، توانایی خلق یک چشم انداز، توانایی مدیریت روابط در خلال مشاجره ها و منازعات، توانایی هدایت افراد به طرف چشم انداز از مهارت های کاملاً ضروری برای آموزش شناخته شده بودند. همچنین از میان مفاهیم مربوط به آموزش پزشکی، آموزش مفاهیم اولیه برنامه ریزی، ارزشیابی برنامه و استراتژی های آموزشی در آموزش پزشکی برای یک مدیر آموزشی که نقش رهبری را نیز ایفا می کند،

ضروری شناخته شده بودند. در کل، میانگین آیت‌های مربوط به مهارت‌های رهبری تغییر بالاتر از میانگین آیت‌های مربوط به مهارت‌های کلی ارتباطی بود.

کلید واژه‌ها: پرسش‌نامه خود ایفا، روایی، پایایی

(S.3702) نشست: ۳۷، ارائه شفاهی: ۲

قابلیت استفاده از الگوی مدیریت‌گرای CIPP در همه مراحل تغییرات در آموزش پزشکی (بیان یک تجربه)

محمد رضا اخلاقی^{*}، محمد دادگسترنیا

* استاد یار دانشکده پزشکی - دانشگاه علوم پزشکی اصفهان icm akhlaghi@med.mui.ac.ir

دانشگاه علوم پزشکی اصفهان - دانشکده پزشکی

مقدمه: الگوی CIPP برای کمک به تصمیم‌گیری در همه مراحل (تعیین اولویت‌ها، برنامه ریزی، نظارت بر اجرا، ارزشیابی) رهبری و مدیریت برنامه‌های آموزشی طراحی شده است. این مقاله به بیان تجربه‌ای درباره استفاده از این الگو پیش از اجرای یک برنامه از پیش طراحی شده، به منظور توسعه و تکامل این برنامه و اجرای هر چه بهتر آن می‌پردازد.

روش: برنامه جدید دوره کارآموزی بالینی که در راستای تفکیک این دوره به دوره استیودنتی و اکسترنی در سال ۱۳۸۶ توسط کمیته‌ای در دانشکده پزشکی اصفهان طراحی شده بود، از بهمن ماه سال ۱۳۸۷ توسط معاونت بالینی این دانشکده به اجرا درآمد. اگر چه این برنامه پیش از این طراحی و برنامه‌ریزی شده بود، اما با اجرای الگوی CIPP مجدداً توسعه و تکمیل گردیده و نواقص آن پوشش داده شد.

یافته‌ها: با یک ارزیابی درون‌داد، قابلیت‌های فعلی سیستم مورد ارزیابی مجدد قرار گرفت. به عنوان مثال عرصه‌های آموزشی و نیروی انسانی (هیات علمی) موجود، برای استفاده از حداکثر ظرفیت، تعیین و ارزیابی گردید. اهداف آموزشی دو دوره و روش‌های رسیدن به آن و منابع مورد نیاز و نیز برنامه‌های جانشین تعیین شد. همچنین چندین نوع برنامه برای توزیع متناسب دانشجویان در هر مرحله از اجرا، تهیه گردید. سپس یک ارزشیابی فرایند همزمان با اجرای برنامه آغاز شد و عملیات برنامه به طور مستمر مانیتور گردید و اشکالات و نواقص طرح یا اجرای آن پیش بینی و شناسایی شد. از این طریق اطلاعاتی برای تصمیم‌گیری قبل از اتمام اولین دوره اجرای این طرح، فراهم گردید. علاوه بر این از طریق سفارش یک ارزشیابی برون‌داد به دفتر EDO دانشکده پزشکی، مقدمات تصمیم‌گیری در مورد ادامه یا توقف و یا تعدیل و بازنگری برنامه و توصیه تغییرات لازم در برنامه فراهم گردید.

بحث و نتیجه‌گیری: اگر چه استفاده از این الگو از زمانی آغاز می‌شود که بحث درباره تغییر یک برنامه به میان می‌آید، اما در هر مرحله از کار برنامه ریزی و اجرای تغییرات می‌توان کار با این الگو را آغاز نمود و از مزایای آن بهره برد.

کلیدواژه‌ها: CIPP، ارزش‌یابی، دوره استیودنتی، دوره اکسترنی، دوره کارآموزی

(S.3703) نشست: ۳۷، ارائه شفاهی: ۳

تبیین نقش رهبری آموزشی در فرآیند تغییر در آموزش پزشکی

وجیهه وفامهر^۱، محمد دادگسترنیا^۲

۱- دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان دانشکده پزشکی

vgrenani@yahoo.com icm

۲- دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان دانشکده پزشکی

dadgostar@med.mui.ac.ir icm

مقدمه: بسیاری از تلاش‌هایی که برای تغییر و تحول در آموزش پزشکی انجام می‌شوند، به علت عدم توجه کافی به لزوم کاربرد مهارت‌های رهبری با شکست روبرو می‌شوند. بسیاری از دانشکده‌های پزشکی با تفاوت قائل نشدن بین مدیریت و رهبری، می‌کوشند تا چالش‌های پیش‌روی تغییرات را تنها به وسیله روش‌های مدیریتی حل و فصل کنند. تبعات این اشتباه باعث می‌شود تا اغلب برنامه‌های به

ظاهر مناسب در آموزش پزشکی، در اجرا با شکست روبرو شوند در حالیکه علت اصلی عدم موفقیت به درستی شناسایی نمی شود. در این مقاله نقش رهبری آموزشی در فرآیند تغییر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

روش: این مطالعه با جستجو در ۵ پایگاه اطلاعاتی (Medlin, Eric...) و از طریق دسترسی به منابع دست اول در قالب یک مقاله توصیفی به بررسی جنبه‌های مختلف نقش رهبری آموزشی و مدیریت آموزشی به‌خصوص در خلال تغییرات در آموزش پزشکی می‌پردازد.

یافته‌ها: اگرچه در مطالعات مختلف مفاهیم مدیریت و رهبری تغییرات در آموزش پزشکی به صور مختلف در نظر گرفته شده بودند، اما در مجموع مفاهیم زیر قابل برداشت هستند: در مدیریت دستیابی به برنامه طراحی شده از طریق سازمان‌دهی منابع، به‌کارگیری افراد باتجربه، تفویض مسئولیت برای پیشبرد برنامه و طراحی سیستم کنترل و نظارت رسمی و غیر رسمی و در کل هنر پاسخ‌گویی به نیازها و انتظارات نظام آموزش امکان پذیر است. اما فعالیت‌های رهبری شامل ایجاد سازگاری با تغییرات، تعیین چشم انداز و تدوین استراتژی برای دستیابی به آن چشم انداز، هم‌سو کردن افراد با چشم انداز، انگیزاندن و الهام بخشی برای دستیابی به هدف‌ها و در کل در حرکت نگاه داشتن فرآیند تغییر در جهت درست (باوجود موانع اساسی که برای تغییر وجود دارد) می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری: بررسی دقیق‌تر هریک از این ویژگی‌ها، به تصریح مهارت‌هایی کمک می‌کند که مدیران و رهبران به آنها نیاز دارند. این به معنای ایجاد برتری در معانی و کاربرد مفاهیم مدیریت و رهبری بر یکدیگر نیست. چراکه این دو نه‌تنها منافاتی با یکدیگر ندارند، بلکه با اجماع آنها می‌توان فرآیند تغییرات در آموزش پزشکی را به گونه‌ای سامان داد که در کوتاهترین زمان ممکن، بیشترین اثربخشی را برای آموزش بهتر حاصل کند.

کلید واژه‌ها: سیستم کنترل، اجماع، اثر بخشی

(S.3704) نشست: ۳۷، ارائه‌شده‌ای: ۴

آینده پژوهی و علوم و فناوری‌های نوین پزشکی

علی کرمی *

* دانشیار مرکز تحقیقات بیولوژی مولکولی دانشگاه علوم پزشکی بقیه ا... karami@bmsu.ac.ir

آینده‌پژوهی یکی از علوم استراتژیک است که در حوزه فناوری‌های نرم‌قرار می‌گیرد. متأسفانه این رشته تاکنون در کشور ما آنچنان مورد توجه قرار نگرفته است و شاید بتوان گفت این علم برای اکثر اساتید و پژوهشگران داخلی ناشناخته است. آینده پژوهی دانش و معرفتی است که چشم مردم را نسبت به رویدادها، فرصت‌ها و مخاطرات احتمالی آینده باز نگه میدارد، ابهام‌ها، تردیدها، و دغدغه‌های فرساینده مردم را می‌کاهد. توانایی انتخاب‌های هوشمندانه جامعه و مردم را افزایش می‌دهد، و به همگان اجازه می‌دهد تا بدانند که به کجاها می‌توانند بروند (آینده‌های اکتشافی)، به کجا باید بروند (آینده‌های هنجاری) و از چه مسیرهایی می‌توانند با سهولت بیشتری به آینده‌های مطلوب خود برسند (راهبردهای معطوف به آینده‌سازی). آینده پژوهی در حقیقت دانش و معرفت شکل بخشیدن به آینده به گونه‌ای آگاهانه، فعالانه و پیش‌دستانه است. همان دانش و معرفت سترگی که می‌تواند بذر رویاها، آرزوها و آرمان‌های نجیب و اصیل یک فرد، یک سازمان و یک ملت را بارور کند. در طی تاریخ بشریت همواره انسان‌ها در تلاش بوده‌اند که روش‌هایی برای پیش‌گویی آینده پیدا کنند. مانند نگاه کردن به ستاره‌ها و گوی کریستالی و غیره. اما در سال‌های اخیر خصوصاً بعد از جنگ جهانی دوم دانشمندان و محققان بسیاری که خود را آینده پژوه می‌نامند، روش‌های کمی و کیفی متعددی را تهیه کرده‌اند که مبنای آنها آینده پژوهی بر مبنای عقلانیت است. آنچه که این آینده پژوهان را از غیب‌گوها و رمالان جدا می‌سازد، عقلانیت حاکم بر روش‌ها و نیز آگاهی از این واقعیت مهم است که آینده به هیچ وجه به طور مطلق و صد در صد قابل شناخت نیست. در این مقاله سعی بر آن شده که اصول و مبانی مورد نیاز در آینده پژوهی معرفی شوند. تعریف آینده‌نگری تفکر درباره آینده کار نسبتاً آسانی است. همه ما تجربیات فراوانی در این زمینه داریم و در زندگی روزمره خودمان مرتباً از آن استفاده می‌کنیم مانند برنامه‌ریزی برای مسافرت تفریحی، نوشتن کارهای هفتگی که باید انجام دهیم و از این قبیل فعالیت‌ها که می‌بایست در روزهای آتی انجام دهیم. همه این اقدامات درحقیقت فکر کردن درباره اتفاقات آینده قبل از به وقوع پیوستن آنهاست. بنابراین می‌توان گفت که همه ما در زندگی شخصی واجتماعی خودمان یک آینده پژوه هستیم.

کلیدواژه‌ها: آینده پژوهی، پزشکی، علوم و فناوری‌های نو آموزش

(S.3705) نشست: ۳۷، ارائه شفاهی: ۵

چگونگی برخورد با مقاومت در برابر تغییر از دیدگاه اساتید دانشگاه علوم پزشکی شیراز

لیلا بذرافکن*

*مربی دانشکده پزشکی، دانشکده علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

bazrafcan@gmail.com

مقدمه: دنیا در حال تغییر است. عصر فن آوری اطلاعات شاخص‌های کسب موفقیت‌های زندگی را دگرگون کرده است. وقتی در یک محیط علمی افراد به تغییر فکر می‌کنند، به صورت خودکار به این می‌اندیشند، که تغییر چه اثری بر شخصیت و کار آنها خواهد داشت و ممکن است مقاومت زیادی به تغییرات نشان دهند. برای تأثیر اثربخش بر کارکنان، باید بر این مقاومت‌ها غلبه کنیم. این مطالعه در راستای تعیین چگونگی برخورد با مقاومت در برابر تغییر از دیدگاه اساتید دانشگاه علوم پزشکی شیراز بر اساس سه استراتژی انجام شده است.

روش: در این مطالعه توصیفی مقطعی، ۱۳۲ نفر از اساتید دانشگاه علوم پزشکی شیراز با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و پرسشنامه‌ای شامل دو بخش اطلاعات دموگرافیک و ۱۵ گویه در مورد عوامل موثر در مدیریت تغییر مشتمل بر سه استراتژی رهبری (رهبری تغییر از طریق قدرت، رهبری تغییر از طریق استدلال و رهبری تغییر از طریق بازآموزی) با مقیاس رتبه‌ای چهار نقطه‌ای از بسیار موثر تا بی‌تأثیر اجراء گردید، روایی پرسشنامه با اخذ نظرات چند تن از اساتید باتجربه و صاحب‌نظر بدست آمد. برای محاسبه پایایی آن نیز تعداد ۲۰ پرسشنامه بین جامعه آماری توزیع و با استفاده از آلفای کرونباخ، ضریب ۰/۸۷ برآورد گردید. داده‌های جمع‌آوری شده در دو سطح توصیفی و استنباطی همچون درصد میانگین، آزمون مجذور کای، از طریق نرم‌افزار آماری SPSS15 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: بعد از حذف پرسشنامه‌های مخدوش تعداد ۱۰۵ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیلی آماری قرار گرفت. میانگین سنی پاسخ دهندگان ۳۹/۲ سال بود و ۶۷ درصد از آنها مرد و ۳۳ درصد از آنها زن بودند. نتایج نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌دار آماری بین نظرات اساتید سن و جنس استاد وجود ندارد. اساتید مهم‌ترین عوامل موثر در توانایی ایجاد تغییر در آموزش را رهبری تغییر از طریق استدلال (۸۴/۵٪) می‌دانند. البته نقش بازآموزی در درجه دوم اهمیت (۷۶/۵٪)، و حمایت اجرایی مدیران (۶۸/۵٪) را در پیشبرد اهداف آموزشی ضروری می‌دانند.

بحث و نتیجه‌گیری: برای ایجاد تغییر در محیط آکادمیک دانشگاه به همراهی و همکاری کارکنان بالاخص اساتید نیازمندیم. بنابراین لازم است در ابتدا پیش از تغییر، با کارکنان مانند بزرگسالان رفتار کنیم و چرایی تغییر را به آنها توضیح دهیم، تابوتوانیم انگیزه‌ها، نیازها، سنت‌ها و استانداردهای کارکنان و سازمان را تشخیص دهیم. البته آموزش و توسعه ارزش‌ها بایستی در بازآموزی لحاظ نمود و در مواقعی نیز از قدرت کنترلی پاداش‌ها، ترفیع‌ها و ارتقاءها را بهره جست.

کلیدواژه‌ها: مقاومت، تغییر، دیدگاه اساتید، دانشگاه علوم پزشکی شیراز

(S.3706) نشست: ۳۷، ارائه شفاهی: ۶

مطالعه تطبیقی آینده‌نگاری نیازهای آموزشی در کشورهای منتخب و ارائه پیشنهادات برای ایران

سمیه نوری حکمت*، رضا دهنویه، سلیمه گوهری نژاد

*Ph.D مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی علوم پزشکی کرمان snhekmat@gmail.com

مقدمه: در عصر تغییرات سریع تکنولوژیکی، اطلاعاتی، جمعیتی و اپیدمیولوژیک، توانایی تشخیص تقاضای آتی بازار بخش سلامت امری بسیار حیاتی است. رشد بیکاری در میان افراد تحصیل کرده و تغییرات تکنولوژیک موجب می‌شوند بسیاری از رشته‌های تحصیلی، فلسفه وجودی خود را از دست بدهند. برخی از کشورها از روش‌های آینده‌نگاری جهت پیش‌بینی و برنامه‌ریزی نیازهای آتی نیروی کار بهره می‌جویند. هدف از پژوهش حاضر، مطالعه مکانیزم‌های آینده‌نگاری نیازهای آموزشی در کشورهای منتخب و ارائه پیشنهادات برای کشور می‌باشد.

روش: پژوهش حاضر به روش تطبیقی انجام گرفته است و در آن مکانیزم‌های آینده‌نگاری نیازهای آموزشی نیروی کار در کشورهای منتخب مورد بررسی قرار گرفته‌اند. به این منظور از جداول تطبیقی جهت جمع‌آوری داده‌های مرتبط با عوامل شغلی-حرفه‌ای، ساختاری و آموزشی، که بر عرضه و تقاضای بازار کار تأثیر دارند، استفاده شد. ساختار جداول تطبیقی توسط تیم پژوهشگران و با بررسی مبنای نظری آینده‌نگاری تدوین و جهت بررسی روایی آن از نظر صاحب‌نظران استفاده گردید. جامعه پژوهش شامل کلیه کشورهای که مستندات مربوط به برنامه آینده‌نگاری آنها موجود بوده و از این میان کشورهای فرانسه، آمریکا، آلمان، هلند و ایرلند، به علت قابلیت دسترسی به اطلاعات کامل و بهره‌گیری از تجارب، بعنوان نمونه انتخاب شدند.

یافته‌ها: آینده‌نگاری در هلند با هدف تدوین برنامه تربیت دانشجو در رشته‌های مختلف تحصیلی انجام می‌شود و تعداد فرصت‌های شغلی آینده در هر حرفه و نوع آموزش‌های مورد نیاز قبل و حین کار را تخمین می‌زند. در کشورهای آلمان و فرانسه، بیشترین تمرکز بر شفاف سازی بازار کار آینده است تا افراد بتوانند با توجه به شرایط کار در پایان دوره تحصیل، اقدام به انتخاب رشته تحصیلی نمایند.

بحث و نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که رویکرد کشورهای مورد بررسی در آینده‌نگاری مهارت‌ها و نیازهای آموزشی آتی بر حسب ۳ عامل متفاوت بود؛ الف) هدفی که برای آن داده‌ها جمع‌آوری می‌شوند، ب) تعداد رشته‌های تحصیلی و مقاطع آموزشی که برای آنها آینده‌نگاری انجام می‌گیرد و ج) تمرکز کشورها بر نظام عرضه یا نظام تقاضای نیروی کار در بازار آتی. با وجود این تفاوت‌ها در هدف، دامنه و کانون توجه، تمام این کشورها از مکانیزم‌های تعریف شده‌ای جهت جمع‌آوری داده‌ها برای مطالعات آینده-نگاری استفاده می‌نمایند. در ادامه این مطالعه پیش نیازهای اساسی برای تدوین رویکرد آینده‌نگاری نیازهای آموزشی کشور خودمان ارائه شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: آینده‌نگاری، آموزش پزشکی، نیازهای آموزشی، مطالعه تطبیقی

(S.3707) نشست: ۳۷، ارائه‌شده: ۷

آینده‌نگاری ضرورتی برای رهبران علوم پزشکی در عصر پویایی

مهناز جویانی^۱، ناصر شکری^۲، رضا کاظمی^۳

۱. کارشناس ارشد مدیریت آموزشی مسئول اداره EDO دانشگاه آزاد اردبیل

۲. کارشناس ارشد بیوشیمی رییس اداره آموزش پزشکی دانشگاه آزاد اردبیل

۳. متخصص روانپزشکی-هیئت علمی دانشگاه آزاد اردبیل

تحقق اهداف و رسالت دانشگاه‌های علوم پزشکی در گرو برنامه‌ریزی استراتژیک و دیدگاه سیستماتیک به روند پویایی‌های عصر حاضر می‌باشد. این تغییر و تحولات دانشگاه‌های علوم پزشکی را با شرایط، بحران‌ها و چالش‌های مختلفی روبه‌رو کرده است، که پیش‌بینی که بر مبنای دید جزئی‌نگر، استا و بر پایه داده‌های کمی می‌باشد، غیر ممکن ساخته است. این عدم اطمینان و عدم قطعیت در خصوص برنامه‌ریزی دانشگاه‌ها آینده‌نگاری اکتشافی را که دورنمایی از آینده‌های ممکن است جایگزین پیش‌بینی نموده است. از دیدگاه فایول آینده‌نگاری (پیش‌بینی) هنر پژوهیدن آینده است تا بهتر بتوان آن را شناخت. عموماً فنون آینده‌نگاری برای شناسایی وضعیت آتی موقعیت پدیده‌های مختلف دانشگاه‌های علوم پزشکی و نیز پدیده‌های محیط و امور مربوط به سلامت عمل می‌کنند. در این مقاله فنون مختلف آینده‌نگاری از جمله ماتریس احتمال - انتشار، نیمرخ ارزش‌ها، فن دلفی، شیوه سناریونویسی و الگوسازی به تفصیل بیان شده‌اند. این پژوهش از نوع توصیفی بوده و برای جمع‌آوری اطلاعات مربوطه از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. این بررسی نشان می‌دهد در شرایط پویا و متحول کنونی امکان پیش‌بینی در برنامه‌ریزی آموزش پزشکی ناممکن است و باید آینده‌نگاری اکتشافی را که بر مبنای دید کلی‌نگر و روابط پویا و ساختارهای تکامل و دورنمایی از آینده‌های ممکن است را جایگزین پیش‌بینی کرد.

کلیدواژه‌ها: آینده‌نگاری، رهبری، علوم پزشکی

(S.3708) نشست: ۳۷، ارائه شفاهی: ۸

اثربخشی طرح ادغام، در بهبود کیفیت آموزش دانشجویان از نظراعضای هیئت علمی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین

فریبا درخشان*، عباس علامی، دکتر آرش کردی
استادیار دانشگاه علوم پزشکی قزوین، دفتر توسعه آموزش دانشکده پزشکی
faribaderakhshan@gmail.com*

مقدمه: مطالعات نشان داده است تلفیق موضوعات در کوریکولوم پزشکی باعث بهبود کیفیت آموزش می‌شود. با توجه به این که دانشکده پزشکی قزوین در حال پیاده‌سازی این طرح می‌باشد و دیدگاه و نظرات اعضاء هیئت علمی در این خصوص حائز اهمیت است، لذا مطالعه حاضر جهت بررسی نظرات آنان در رابطه با اثربخشی اجرای طرح ادغام در زمینه بهبود کیفیت آموزش دانشجویان صورت گرفت.

روش: مطالعه به روش توصیفی با استفاده از پرسش‌نامه انجام شده است. سؤالات پرسش‌نامه، مشتمل بر اثر طرح ادغام در بهبود کیفیت آموزش (ارتقاء سطح علمی، تاثیرگذاری بر انگیزه و علاقمندی و کارایی عملی و بالینی دانشجویان) بوده است. ۵۰/۴٪ پرسش‌نامه‌های توزیع شده قابلیت بررسی داشت (۶۵ پرسش‌نامه). اطلاعات پس از جمع‌آوری وارد نرم افزار SPSS16 شد و نتایج به صورت آمار توصیفی ارائه گردید.

یافته‌ها: بررسی بر روی پرسش‌نامه‌ها نشان داد ۵۳/۹٪ اعضای هیئت علمی، تاثیرگذاری اجرای طرح ادغام را در بهبود کیفیت آموزشی و ارتقاء سطح علمی دانشجویان کم می‌دانستند. ۵۰/۷٪ بر این باور بودند که با اجرای طرح ادغام، انگیزه و علاقمندی در دانشجویان افزایش نخواهد یافت. ۴۶/۱٪، پیاده‌سازی طرح ادغام را در افزایش کارایی عملی و بالینی دانشجویان بی‌تاثیر تا کم می‌دانستند. ۶۶/۵٪ اعضای هیئت علمی، استقبال دانشجویان از طرح ادغام را متوسط یا کم پیش‌بینی کردند.

بحث و نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج به‌دست آمده، به نظر می‌رسد دانشگاه در حوزه آشنا سازی اساتید با اثراتی که اجرای طرح ادغام در بهبود کیفیت آموزش دانشجویان خواهد گذاشت، موفق عمل نکرده است. بنابراین اتخاذ تدابیری جهت حل این مشکل ضروری به نظر می‌رسد.

کلید واژه‌ها: اثر بخشی، ادغام، کیفیت، آموزش

(S.3709) نشست: ۳۷، ارائه شفاهی: ۹

نوآوری در آموزش پزشکی بر پایه مدل مدیریت کیفیت آموزش ایرانی

علامی عباس*، مجید سررشته‌داری، فریبا درخشان، فاطمه صدقی
*استادیار دانشگاه علوم پزشکی قزوین، مسول دفتر توسعه آموزش پزشکی allami@qums.ac.ir

مقدمه: دانشکده‌های پزشکی برای ماندگاری مجبور هستند نوآوری را استراتژی اصلی خود قرار دهند. پیاده‌سازی این مهم به شکل ساختارمند تنها با استفاده از مدل‌های بومی مدیریت کیفیت امکان پذیر خواهد بود. در این مقاله، تجربیات دانشکده پزشکی قزوین در بکارگیری "مدیریت کیفیت آموزش ایرانی" را تشریح خواهیم نمود.

روش: ابتدا یک مرکز عهده‌دار برنامه‌های مدیریت کیفیت در آموزش شد. تمامی کارکنان آموزشی و اداری و تعدادی از اعضای هیئت علمی در قالب چندین کارگاه آموزشی، اصول و مبانی مدل را فرا گرفتند و در زیر گروه‌های هفت گانه این مدل (رهبری، برنامه ریزی راهبردی، تمرکز بردانشجویان، ذینفعان و بازار، سنجش، تحلیل و مدیریت دانش، تمرکز بر کارکنان و اعضای هیئت علمی دانشکده، مدیریت فرایند و نتایج عملکرد دانشکده) تقسیم شدند. در طول دو سال کلیه فرآیندها و نتایج حاصله در دانشکده ثبت و مورد ارزیابی قرار گرفت.



یافته‌ها: کمترین نمره اخذ شده در حیطه‌های تمرکز بر نیروهای کاری و مدیریت فرایندها به ترتیب با ۱۳/۲ و ۱۳/۹ درصد و بیشترین امتیاز در حیطه مدیریت با ۳۲/۵ درصد کل امتیاز بود. در مجموع دانشکده ۲۱ درصد کل امتیاز را کسب کرد. ارزیابی سئوالات قبل از برگزاری امتحانات و ارائه بازخورد به اساتید باعث شد میزان اعتراضات دانشجویی به سئوالات امتحانی از ۲۷ مورد در نیم‌سال تحصیلی قبل از شروع برنامه، پس از گذشت سه دوره ارزیابی به دو مورد کاهش یابد. ادغام در دوره فیزیوپاتولوژی، برگزاری کارگاه‌های غیر حضوری و تاسیس رشته‌های جدید با رویکرد بهینه‌سازی ظرفیت‌های انسانی و تجهیزاتی دانشکده موارد دیگری بودند که بر پایه اصول IEQM انجام گرفت. پیاده سازی این مدل باعث افزایش بهره‌وری، رضایت‌مندی بیشتر دانشجویان، اعضای هیئت علمی و کارکنان دانشکده شده است.

بحث و نتیجه‌گیری: مهم‌ترین نتیجه حاصل از استقرار این مدل، یک‌سویی و یکپارچگی فرایندها در دانشکده است. مرور این تجربه نشان می‌دهد بکارگیری مدیریت کیفیت آموزش، پیاده سازی طرح‌های متعدد نوآورانه را در دانشکده‌های پزشکی امکان‌پذیر می‌کند.

کلیدواژه‌ها: مدیریت، کیفیت، آموزش، دانشکده پزشکی، نوآوری

(S.37010) نشست: ۳۷، ارائه‌شده‌ای: ۱۰

اولویت‌های آینده در برنامه ریزی آموزشی از دید صاحب‌نظران در دانشگاه علوم پزشکی شیراز

دکتر محمد رحیم کدیور، فرهاد لطفی، دکتر جواد کجوری، زهره اسماعیل زاده، دکتر میترا امینی، دکتر محسن مقدمی
دانشگاه علوم پزشکی شیراز

مقدمه: برنامه آموزشی مهمترین فاکتور در آموزش عالی است که در دانشگاه‌ها باید مد نظر قرار گیرد. اگر برنامه درسی مورد توجه و بازبینی قرار نگیرد باعث به هدر رفتن سرمایه‌های مادی و معنوی کشور می‌گردد. جایگاه برنامه‌ریزی در آموزش پزشکی به دلیل ماهیت خاص و توجه به سلامت جامعه حائز توجه فوق العاده می‌باشد. بازنگری برنامه‌های درسی در آموزش پزشکی همواره مورد توجه بوده است. توجه به دانشجوی محور بودن، آموزش مبتنی بر طرح مسئله، ادغام آموزش مبتنی بر جامعه، دروس اختیاری و بررسی سیستماتیک که توسط آقای هاردن تحت عنوان استراتژی SPICES مطرح شده است، در کلیه دانشگاه‌های جهان و ایران باید مد نظر قرار گیرد. در این تحقیق برآن هستیم که نظر اساتید و صاحب‌نظران آموزش را در خصوص بکارگیری اجزاء این استراتژی در ۵ سال آینده در دانشگاه علوم پزشکی شیراز مورد بررسی قرار دهیم.

روش: برای انجام این پژوهش، ابتدا با استفاده از رأی‌گیری مهمترین اولویت‌ها توسط صاحب‌نظران آموزش پزشکی تدوین گردید. سپس پرسشنامه‌ای معتبر و پایا مشتمل بر این اولویت‌ها با نمراتی از مقیاس ۱-۱۰ تهیه و توسط اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز تکمیل گردید. داده‌ها پس از جمع‌آوری توسط نرم افزار آماری SPSS ۱۴ آنالیز گردید.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داده است که از دیدگاه اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز استفاده از روش‌های نوین آموزش با میانگین ۷/۹۲ از ۱۰ و بازنگری محتوای آموزشی در جهت ارتقاء کیفیت آموزش با میانگین ۷/۸۸ و یادگیری بر مبنای حل مسئله با میانگین ۷/۸۰ به ترتیب بیشترین اولویت و به نسبت کمترین اولویت را انتخابی بودن دروس (Elective) با میانگین ۶/۶۱ دارد. **بحث و نتیجه‌گیری:** اهمیت برنامه ریزی آموزشی و تاثیر آن بر کسی پوشیده نیست، در واقع برنامه آموزشی است که مسیر آموزش و یادگیری دانشجویان را مشخص می‌نماید. بنابراین ضرورت بازنگری برنامه آموزش و لحاظ نمودن اولویت‌های روش‌های نوین آموزش، بازنگری مکرر محتوای آموزشی و یادگیری بر مبنای حل مسئله می‌تواند گامی موثر در ارتقای وضعیت آموزش دانشجویان واقع شود.

کلیدواژه‌ها: برنامه آموزشی، استراتژی SPICES

(S.3801) نشست: ۳۸، ارائه شفاهی: ۱

بررسی عوامل انگیزشی اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

جواد کجوری، فرهاد لطفی، میترا امینی، علی حق نگهدار، زهره اسماعیل زاده

مقدمه: نیروی انسانی در همه سازمان‌ها، یکی از عوامل مهم در پیشبرد اهداف سازمانی تلقی می‌شود. یکی از مهمترین ورودی‌ها، در مراکز آموزشی و دانشگاه‌ها، اعضای هیئت علمی هستند که در جهت نیل به افزایش کارایی و بهره‌وری هر چه بیشتر این نیروی مهم، باید عوامل انگیزاننده را در او شناخت، و سپس برای ارضای این نیازها در جهت افزایش کارایی همت گماشت. نظر به اینکه کلیه صاحب‌نظران مدیریت، انگیزش را فرایندی پیچیده و بنابراین دارای ماهیت چند بعدی دانسته‌اند، از این رو فهم و کاربرد آن نیازمند وقوف بر دانش مربوط و هنر به کارگیری آن می‌باشد. آگاهی از مسئله انگیزش اساتید برای مسئولان آموزشی دانشگاه‌ها که در واقع باعث تداوم رفتار اعضای هیئت علمی در جهت آموزش موثر و کارا می‌باشد، ضرورت تام دارد. این پژوهش با هدف بررسی عوامل انگیزشی اساتید دانشگاه علوم پزشکی شیراز صورت گرفت.

روش: مطالعه حاضر که یک مطالعه توصیفی-مقطعی می‌باشد، بر روی ۱۲۰ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز، انجام گردید. برای انجام این کار از پرسش‌نامه محقق ساخته مشتمل بر ۱۰ سوال در مقیاس لیکرت که روایی آن با استفاده از نظرات صاحب‌نظران و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ (۰/۸۳) تایید شده بود، استفاده گردید. داده‌ها پس از جمع‌آوری با استفاده از نرم افزار SPSS14 آنالیز گردید.

یافته‌ها: نشان داد که "افتخار عضویت در دانشگاه" (۸۴٪)، "مورد احترام واقع شدن در خارج از دانشگاه" (۷۸٪)، "لذت بردن از فعالیت‌های آموزشی دانشگاه" (۷۷٪) به ترتیب بیشترین عوامل انگیزشی و "عدم دریافت حقوق مناسب با فعالیت‌ها" (۷۷٪)، "عدم تقدیر مناسب و عدم احترام کافی در سازمان" (۶۱٪) و "عدم تعریف شرح وظایف به خوبی" (۶۱٪) به عنوان عوامل کاهش انگیزه توسط اعضای هیات علمی عنوان گردید.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به اهمیت و نقشی که اعضای هیئت علمی دانشگاه در توسعه کمی و کیفی آموزش و پیشرفت علمی و رشد و توسعه کشور دارد، توجه رهبران و متولیان آموزش به این نیروهای ارزشمند و توجه به انگیزه‌های آنان می‌تواند زمینه رسیدن به جایگاه واقعی کشور در سطح منطقه، دستیابی به چشم انداز بیست ساله و رسیدن به اهداف مندرج در نقشه جامع علمی کشور مخصوصاً در بخش سلامت را فراهم نمایند.

کلیدواژه‌ها: انگیزش، رهبری آموزشی، اساتید

(S.3802) نشست: ۳۸، ارائه شفاهی: ۲

بررسی سبک‌های رهبری مدیران گروه‌های آموزشی در دانشگاه علوم پزشکی بوشهر و ارتباط آن با جو سازمانی گروه از دیدگاه اعضا هیئت علمی و مدیر گروه-۱۳۸۸

آزاده عازمیان، دکتر نیلوفر معتمد، عاتکه ترک زاده*

* کارشناس خدمات آموزشی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر atekehtorkzade@yahoo.com

دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، معاونت آموزش و تحقیقات، مرکز مطالعات و توسعه آموزش

مقدمه: با توجه به اینکه موفقیت هر سازمان به نیروی انسانی موجود در آن بستگی دارد و از آنجا که اثر بخشی در سازمان‌های آموزشی از اهمیت خاصی برخوردار است، در این میان انتخاب سبک رهبری مناسب برای افزایش اثر بخشی، کارایی و بهره‌وری سازمان ضروری می‌باشد. سازمان آموزشی زمانی می‌تواند به رسالت خود که همانا انطباق آموزش با نیازهای جامعه، دستیابی به استانداردهای آموزشی، توانمند سازی اعضا هیئت علمی و دانشجویان و بهره‌وری جامع برسد که سبک رهبری اثربخش داشته باشد. لذا اطلاع از انواع سبک‌های رهبران مدیران آموزشی نخستین گام در جهت اصلاح رهبری آموزشی می‌باشد. با توجه به اینکه تا کنون مطالعه‌ای در زمینه انواع

سبک‌های رهبری مدیران آموزشی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر انجام نشده است، این تحقیق در نظر دارد سبک رهبری مدیران گروه‌های آموزشی در دانشگاه علوم پزشکی بوشهر و رابطه آن با جو سازمانی گروه را مورد بررسی قرار دهد.

روش: در یک مطالعه مقطعی در سال ۱۳۸۸، کلیه مدیران و اعضای هیئت علمی گروه‌های آموزشی که حداقل ۴ نفر عضو هیئت علمی داشتند مورد مطالعه قرار گرفتند. داده‌های پژوهش از طریق پرسش‌نامه‌ای روا و پایا و خودایفا جمع‌آوری گردید و مدیران و اعضای هیئت علمی پرسش‌نامه سبک رهبری مشتمل بر ۲ بخش مشخصات دموگرافیک و سؤالات مربوط به سبک رهبری را تکمیل کردند. به علاوه اعضای هیئت علمی پرسشنامه بررسی جوسازمانی شامل ۳۲ سوال در ۸ حیطه را نیز تکمیل کردند. از آمار توصیفی، آزمون t استیودنت و ANOVA با استفاده از نرم افزار SPSS ۱۳ جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد.

یافته‌ها: از تعداد ۱۵ مدیر گروه شرکت کننده در طرح ۹ نفر مرد و ۶ نفر زن و از ۴۵ نفر اعضای هیئت علمی شرکت کننده در طرح ۶۶/۷٪ مرد و ۳۳/۳٪ زن بودند. اکثر مدیران (۷۳/۳٪) ۵-۱ سال سابقه مدیریت داشتند. ۴۶/۷٪ از مدیران دارای سبک رهبری نامشخص و ۲۶/۷٪ سبک رهبری تفویض کننده داشتند. ۲۰٪ در حال transition و تغییر سبک خود بودند و فقط ۶/۷٪ سبک دموکراتیک داشتند. همچنین از نظر ۸۰٪ اعضای گروه سبک مدیران نامشخص بود و ۲۰٪ در مرحله transition و تغییر سبک بودند. بین سبک رهبری مدیران از نظر خودشان با سابقه مدیریت ($p>0.047$) و حیطه علاقمندی جوسازمانی از نظر اعضای هیئت علمی ($p>0.022$) ارتباط معنی دار وجود داشت. همچنین بین نظرات اعضاء هیئت علمی و مدیران گروه در مورد سبک‌های رهبری تفاوت معنی داری وجود داشت ($p>0.001$).
بحث و نتیجه‌گیری: عدم تفاوت بین نظرات اکثر مدیران و کارکنان در داشتن سبک روشن و خاص مدیران نشان‌دهنده عدم وجود درک روشن از مدل‌های رهبری توسط مدیران است. با توجه به عدم وجود سبک رهبری مشخص در اغلب مدیران و برای پویایی سیستم مدیریت لازم است برنامه‌ریزی مناسب جهت آموزش مدیران در مورد مفاهیم و سبک‌های رهبری به صورت مناسب صورت گیرد.

کلیدواژه‌ها: سبک رهبری، آموزش پزشکی، جو سازمانی

(S.3803) نشست: ۳۸، ارائه شفاهی: ۳

بررسی نگرش و میزان رضایت دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بابل از آموزش در مرکز پزشکی جامعه‌نگر در سال ۱۳۸۸

زینب جهانیان بهنمیری^{*}، حوریه محمدی، بهاره اسبکیان، فاطمه رزاقی

* پزشک عمومی z.jahanian@yahoo.com

دانشگاه علوم پزشکی بابل - واحد EDC

مقدمه: با توجه به اینکه امروزه اکثر بیمارستان‌های آموزشی - درمانی در سطوح فوق تخصصی و سطح ۳ سیستم ارجاع فعالیت می‌کنند. برای آموزش دانشجویان دوره پزشکی عمومی کارایی چندانی نداشته و جواب‌گوی انتظارات آنان به عنوان خط اول درمان جامعه نمی‌باشد. این امر موجب شده است سیاست‌گذاران آموزشی و بهداشتی کشور به توسعه درمانگاه‌های پزشکی جامعه‌نگر توجه بیشتری نمایند. این مطالعه جهت ارزیابی نگرش و میزان رضایت دانشجویان پزشکی بابل در مورد آموزش در مرکز پزشکی جامعه‌نگر در سال تحصیلی ۸۸ صورت گرفته است.

روش: در این مطالعه توصیفی، پرسشنامه‌ای برای ارزیابی نگرش دانشجویان نسبت به ضرورت دوره، میزان علاقه آنان، نحوه و کیفیت آموزش در مرکز پزشکی جامعه‌نگر و موقعیت درمانگاه طراحی گردید. سپس از دانشجویانی که در این درمانگاه‌ها حضور داشته‌اند خواسته شد آن را تکمیل نمایند. در نهایت ۸۰ پرسشنامه جمع‌آوری و توسط نرم افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: از ۸۰ نفر دانشجوی تکمیل کننده پرسشنامه ۴۷ نفر زن و ۳۳ نفر مرد بودند، ۲۲ نفر از آنها کارآموز (۲۷/۵٪) و ۵۸ نفر کارورز (۷۲/۵٪) بودند. ۶۵٪ (۵۸/۶٪ کارورزان و ۸۱/۸٪ کارآموزان) علاقه‌مند به حضور در مرکز آموزشی جامعه‌نگر می‌باشند. ۵۴ نفر (۶۷/۵٪) این دوره را ضروری دانسته و ۲۲/۵٪ از فضای فیزیکی درمانگاه و ۴۰٪ از موقعیت مکانی آن جهت سهولت رفت و آمد راضی بودند. ۳۵٪ بیان کردند آموزش در درمانگاه جامعه‌نگر با سایر مراکز تفاوت دارد. ۸۵٪ وسایل و تجهیزات معاینه در مرکز را نامناسب دانسته و ۵۷/۵٪ دانشجویان تعداد بیماران مرکز را برای آموزش مناسب دانسته و ۴۷/۵٪ از دانشجویان معتقد بودند که بیماران دارای تنوع تشخیصی مناسب جهت آموزش دانشجویان هستند و ۷۰٪ معتقد بودند که تعداد مراجعین بر ارتقاء کیفیت آموزش تاثیرگذار است. ۳۱/۰۴٪

از کارورزان و ۱۸/۱٪ از کارآموزان آموزش جامعه‌نگر را مهم تلقی کرده که ۷۷/۵٪ آنان از نحوه آموزش راضی بودند. ۵/۵٪ نیز بیان کردند که ارزیابی نهایی آنها از دوره، بر اساس آموخته‌های طول دوره شان می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری: این مطالعه نشان داد که نگرش و میزان علاقه دانشجویان جهت حضور در مرکز در حد متوسط و رضایت آنان از آموزش این درمانگاه‌ها خوب است که باید با ایجاد فضای فیزیکی مناسب‌تر و همچنین تجهیز و حمایت مالی از مرکز و نظارت جدی‌تر، فضای مناسبی برای آموزش دانشجویان فراهم کرده و دانشجویان به این مراکز به عنوان محیط شغلی آینده خود با دید بهتری بنگرند.

کلیدواژه‌ها: مرکز پزشکی جامعه‌نگر، نگرش، آموزش، دانشجوی

(S.3804) نشست: ۳۸، ارائه شفاهی: ۴

مدیریت بر مبنای هدف (MBO) به عنوان یک ابزار مدیریت انگیزش، ارزشیابی و مؤثر در بیمارستان

فریدخت یزدانی*

* مربی دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد، دانشکده پرستاری و مامایی
faridokht.yazdani@yahoo.com

مقدمه: بدون شک طی ده سال آینده در بخش بهداشت و درمان، اصلاحاتی در مورد بهبود مراقبت‌های بهداشت و درمان انجام خواهد گرفت. این اصلاحات از طریق تغییرات اجتماعی و فشارهای مالی، جهت ارائه مراقبت‌های بهداشتی بهتر، هدایت می‌گردند. مهارت‌های جدید، نگرش‌های نوین، فرهنگ جدید سازمانی و تمایل به حرکت از مدیریت حاکم بر بیمارستان‌ها، موجب نیاز به یکی از مدیریت‌های حرفه‌ای خواهد شد.

روش: مقاله مروری فوق یک مطالعه کتابخانه‌ای بر روی جدیدترین مقالات اینترنتی است. که پس از جمع‌آوری حدود ۲۰ مقاله و با بررسی آن‌ها، بهترین مطالب انتخاب شد.

یافته‌ها: مدیریت بر مبنای هدف (MBO) به عنوان فرایندی دائمی تعریف شده است که به موجب آن مرتباً افراد مافوق و زیردست، اهداف مشترک خود را تبیین می‌کنند. MBO مشخص می‌کند که پتانسیل فکری انسان به طور متوسط فقط تا حدودی در سیستم‌های مدیریت سنتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین، پیشنهاد می‌کند محیطی فراهم شود که در آن تخیل، ابتکار، و خلاقیت همه کارکنان در دستیابی به اهداف مشترک در هم ادغام شود. چهار عنصر مهم در MBO وجود دارد که عبارت است از: ایجاد اهداف خاص، دانستن نتایج مورد نظر، نظارت بر پیشرفت، و رسیدن به اهداف. MBO نیاز به تلاش‌های قابل توجه، سیاست و ساختار دارد.

بحث و نتیجه‌گیری: بیمارستان، سازمان پیچیده‌ای است متشکل از افراد غیرمتخصص تا بسیار مجرب که به عنوان یک تیم، کار می‌کنند. منابع انسانی، توجه خود را روی بخش کار متمرکز می‌کند که در صنعت مراقبت‌های بهداشتی، از درجه اول اهمیت برخوردار است. بیمارستان نیز، سازمانی متمرکز بر کار است و به رغم تأثیر فن‌آوری و اهمیت امکانات و تجهیزات اساسی، به عنوان یک سرویس صنعت-گرا باقی می‌ماند که در درجه اول، بستگی به ورود مؤلفه‌های کار دارد. مدیریت مناسب منابع انسانی به منظور در بر گرفتن هزینه‌ها در سطوح مناسب، ارزیابی مجدد به طور مداوم از خدمات موجود، نظارت بر بهره‌وری و کارایی، استفاده خلاقانه از افراد برای ماندن با تکنولوژی در حال پیشرفت، و مدیریت کارآمد نسبت به افراد در زمان کاهش نیروی کار نیاز به برنامه‌ریزی دقیق از خدمات ارائه شده دارد. از این رو مدیریت مؤثر برای چنین سازمانی ضروری است.

کلیدواژه‌ها: مدیریت بر مبنای هدف (MBO)، ابزار مدیریت، مدیریت بیمارستان



نقش رهبری استاد بالینی در انگیزش آموزش دانشجویان پرستاری (تحلیل کیفی)

نسرین حنیفی*، سرور پرویزی، سودابه جولایی

*دانشجوی دکتری دانشگاه علوم پزشکی ایران، nasrinhanifi@yahoo.com

مقدمه: بیشتر نظریه‌پردازان آموزشی و یادگیری بر اهمیت انگیزش تاکید کرده اند، و در رشته‌های خود یکی از موانع یادگیری را فقدان انگیزش می‌دانند. انگیزش در آموزش پرستاری نیز مانند سایر رشته‌های آموزشی اهمیت فراوانی دارد. مربیان بالینی نقش تعیین کننده‌ای در انگیزش فرایند یادگیری دانشجویان ایفا می‌کنند. در مطالعات انجام شده، به اهمیت ارتباط دانشجو-معلم، به‌ویژه در ارتباطات بین‌فردی، در جهت افزایش انگیزش دانشجویان تاکید شده است. حمایت دریافت شده از مدرسان، اعتماد به نفس و انگیزش یادگیری، رشد حرفه‌ای، و پی‌آمدهای مثبت آن را در دانشجویان افزایش می‌دهد. برای افزایش انگیزش، ارتباط موثر با فراگیر، مشاوره، ایجاد چالش برای او بدون نا امید کردن وی، بازخورد و تقویت مثبت در مورد چیزی که یاد می‌گیرد اهمیت زیادی دارد. مربیان باید از استنباط دانشجویان و عقاید پیشین آنان نسبت به پرستاری آگاه باشند، این آگاهی به میزان زیادی در تعاملات یک به یک مربی و دانشجو، به دست می‌آید. در مجموع می‌توان اذعان داشت که مربیان پرستاری، در هدایت دانشجویان و ایجاد نگرش مثبت نسبت به حرفه، نقش اساسی دارند. با این زمینه این مطالعه با هدف بررسی نقش رهبری استاد بالینی در انگیزش آموزش بالینی دانشجویان پرستاری طراحی شد.

روش: در این مطالعه ده دانشجوی پرستاری مقطع کارشناسی سال دوم به بالا شرکت کردند. داده‌ها از طرق مصاحبه عمیق و تک به تک دانشجویان اخذ شد و مورد آنالیز قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج مطالعه نشان داد که دانش و رفتار استاد و حمایت استاد از دانشجو در محیط بالین عوامل موثر انگیزشی در دانشجویان بود.

بحث و نتیجه‌گیری: موفقیت هر استاد به میزان انگیزه یادگیری فراگیران بستگی دارد، بنابراین در برنامه‌ریزی‌های نوین آموزشی، باید اساتید تلاش کنند که از روش‌های موثر برانگیختن دانشجویان مطلع بوده و آنها را در تدریس بالینی خود به کار گیرند. با توجه به اینکه یکی از وظایف اصلی اساتید، ایجاد انگیزه لازم برای یادگیری در دانشجویان به منظور افزایش میزان آگاهی، دانش و مهارت‌های تکنیکی و همچنین آشنا ساختن آنها با علوم پیشرفته و روش‌های نوین مراقبتی است. لذا با شناخت هرچه بیشتر عوامل موثر در انگیزش دانشجویان، می‌توان مشارکت فعالانه آنها را در یادگیری افزایش داد.

کلیدواژه‌ها: رهبری، استاد بالینی، انگیزش، دانشجویان پرستاری

بررسی نظرات اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند در مورد عوامل انگیزشی درونی مؤثر در

مدیریت آموزشی

دکتر زهره خزاعی*

* دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، مرکز مطالعات و توسعه آموزش، abadh60@yahoo.com

مقدمه: شناخت عوامل انگیزشی مؤثر بر عملکرد اعضای هیئت علمی می‌تواند در رسیدن به تعالی آموزشی کمک کننده باشد. عوامل انگیزشی درونی شامل: موفقیت، شناخت، قدردانی، رقابت، پیشرفت، مسئولیت، رشد قابلیت‌ها و رشد حرفه‌ای است. مدیریت به فراهم آوردن عوامل انگیزنده می‌پردازد و تلاش و مشارکت همگانی را فراهم می‌آورد. مطالعه حاضر با هدف تعیین نظرات اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند در مورد عوامل انگیزش درونی مؤثر در مدیریت آموزشی آنان در سال ۱۳۸۸ انجام گرفت.

روش: در یک مطالعه توصیفی تحلیلی کلیه اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند مورد بررسی قرار گرفتند ابزار گردآوری پرسشنامه در مورد عوامل انگیزش درونی و عوامل دموگرافیک بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون T مستقل ضریب همبستگی پیرسون و آنالیز واریانس یک طرفه در سطح $\alpha \leq 0.05$ استفاده گردید.

یافته‌ها: نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که ۶۳/۱٪ اعضای هیئت علمی مذکر، ۵۷/۷٪ استادیار، میانگین سنی اعضای هیئت علمی ۴۰/۳۱ سال و میانگین سابقه کار ۱۲/۴۳ سال بود. میانگین نمره نگرش آنان از مجموع ۴۲ نمره $6/2 \pm 30/83$ بود نظر اعضای درمورد عوامل انگیزش درونی بیشترین فراوانی مربوط به شرایط مناسب جهت نوآوری، خلاقیت و به‌کارگیری توانایی و مهارت ۵۶/۸٪ و سپس توفیق در انجام کارهای آموزشی ۵۵/۹٪ بود مشارکت در تصمیم‌گیری‌های متناسب با معلومات موجود ۵۲/۳٪، وجود شرایط صحیح ارزشیابی در دانشکده ۴۹/۵٪ با اثر زیاد بر عملکرد اعضا بود. آزمون آماری آنالیز واریانس یک طرفه اختلاف معنی‌داری را بین میانگین نمره نگرش درونی اعضای هیئت علمی و رتبه علمی آنان نشان داد.

بحث و نتیجه‌گیری: در مجموع اعضای هیئت علمی نمره بالایی را به عوامل انگیزشی درونی دادند که این نشان دهنده این است که برای انجام وظایف خود و مدیریت آموزشی وجود عوامل انگیزشی را ضروری دانسته‌اند. انگیزش و پر بارگی شغل یک فرایند مداوم مدیریتی است. توفیق در انجام کارهای آموزشی و شرایط مناسب جهت نوآوری، خلاقیت، و به‌کارگیری توانایی‌های و مهارت‌ها و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مناسب و معلومات و تخصص که دارند اثر زیادی بر عملکرد اعضا دارد.

کلید واژه‌ها: اعضای هیات علمی، عوامل انگیزش درونی، مدیریت آموزشی

(S.3807) نشست: ۲۸، ارائه‌شده: ۷

اندازه‌گیری کیفیت خدمات آموزشی از دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی در دانشگاه علوم پزشکی ایران- ۱۳۸۸

سلیمه گوهری نژاد*، محمدرضا ملکی، راضیه خواجه کاظمی، علیرضا عباسی، سمیه نوری حکمت، سکینه شریفیان
* کارشناس ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی دانشگاه علوم پزشکی ایران- goharinezhad@gmail.com
دانشگاه علوم پزشکی ایران

مقدمه: در دنیای متغیر کنونی، بسیاری از سازمان‌ها، بدنبال راه‌هایی هستند تا از طریق آنها به مزیت رقابتی دست یابند و خدمات و محصولات خود را از دیگران متمایز سازند. یکی از استراتژی‌های موجود برای دستیابی به این مهم، ارائه خدمات باکیفیت است. بنابراین این مطالعه، با هدف اندازه‌گیری کیفیت خدمات آموزشی ارائه شده به دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم پزشکی ایران و با استفاده از مدل SERVQUAL انجام شد.

روش: این پژوهش یک مطالعه توصیفی-مقطعی است. جامعه پژوهش را دانشجویان تحصیلات تکمیلی که حداقل یک ترم تحصیلی را پشت سر گذاشته‌اند تشکیل می‌دهد. نمونه پژوهش متشکل از ۹۷ نفر از دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی می‌باشد. که با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی انتخاب شدند. گردآوری داده‌ها به کمک پرسشنامه پایا و روا صورت گرفت. پرسشنامه، شکاف کیفیت را در پنج بعد خدمت اندازه‌گیری نمود. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS16 و آماره‌های توصیفی و آزمون ویلکسون تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که براساس نظرات دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی در هر پنج بعد خدمت و تمام عبارات مربوط به هر بعد شکاف کیفیت وجود دارد. بیشترین شکاف کیفیت در بعد پاسخگویی ($0/84 \pm 1/66$) - مشاهده شد و بعد از آن به ترتیب ابعاد تضمین ($0/89 \pm 1/56$)، ملموس بودن ($0/82 \pm 1/28$)، قابلیت اطمینان ($0/74 \pm 1/28$) و همدلی ($0/77 \pm 1/23$) قرار داشتند. تفاوت مشاهده شده بین شکاف کیفیت در ابعاد مختلف خدمات آموزشی از نظر آماری معنادار بود. ($p=0/0001$)

بحث و نتیجه‌گیری: براساس نتایج، انتظارات دانشجویان فراتر از درک آنها از وضعیت موجود است و در هیچکدام از ابعاد خدمت انتظارات آنها برآورده نشده است. لذا در برنامه‌ریزی جهت ارتقای کیفیت خدمات آموزشی در مقطع تحصیلات تکمیلی باید در راستای برآورده نمودن انتظارات دانشجویان تلاش نمود و ابعادی که بیشترین شکاف را دارند در اولویت قرار گیرند.

کلیدواژه‌ها: کیفیت، خدمات آموزشی، دانشجویان



(S.3808) نشست: ۳۸، ارائه شفاهی: ۸

بررسی تأثیر خودکارآمدی و خودپنداری بر انگیزش پیشرفت و موفقیت تحصیلی دانشجویان دانشکده‌های علوم پیراپزشکی و بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ۱۳۸۸

نوشین پیمان*، ناصر شعبی

* هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد peymann@mums.ac.ir

دانشگاه علوم پزشکی مشهد

مقدمه: پژوهش حاضر به منظور بررسی تأثیر خودکارآمدی و خودپنداری بر انگیزش پیشرفت تحصیلی و موفقیت تحصیلی صورت گرفته است. خودکارآمدی و خودپنداری به عنوان ویژگی‌های شخصیت، تأثیرات مهمی بر رفتار، انگیزش پیشرفت و موفقیت تحصیلی دارند و براساس این ویژگی‌ها می‌توان رفتارهای خاصی را در دانشجویان پیش‌بینی کرد.

روش: اعضای گروه نمونه ۳۷۲ نفر از دانشجویان بودند که به طور تصادفی ساده سهمیه‌ای از بین رشته‌های مختلف انتخاب شدند. جمع‌آوری اطلاعات از طریق مقیاس خودپنداری راجرز، پرسشنامه انگیزش پیشرفت هرمنس، پرسشنامه خودکارآمدی تحصیلی، پرسشنامه مشخصات فردی و معدل دیپلم و معدل ترم‌های گذرانده شده صورت گرفت. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات بدست آمده از ضریب همبستگی پیرسون، آزمون t و تجزیه و تحلیل رگرسیون چند متغیری استفاده گردید.

یافته‌ها: نتایج به دست آمده نشان داد که بین میزان خودپنداری و موفقیت تحصیلی رابطه معناداری وجود دارد. بین انگیزش پیشرفت و خودکارآمدی تحصیلی با موفقیت تحصیلی نیز رابطه معناداری وجود دارد، به طوری که براساس این دو متغیر می‌توان ۲۵ درصد از تغییرات موفقیت تحصیلی دختران را تبیین کرد. بین دختران و پسران از لحاظ انگیزش پیشرفت و خودکارآمدی تفاوت معناداری وجود ندارد، ولی از نظر موفقیت تحصیلی تفاوت معنادار مشاهده می‌شود. خودپنداری دانشجویان موفق بیشتر از میزان خودپنداره دانشجویان ناموفق است. نتایج پژوهش نشان دادند که بین موفقیت تحصیلی با انگیزش پیشرفت و خودکارآمدی و خودپنداری رابطه معنادار وجود دارد. از سوی دیگر، نتایج این نکته را نیز آشکار کردند که مؤلفه‌های خودکارآمدی دختران و پسران با یکدیگر تفاوت ندارند. بررسی‌های علمی نیز مؤید این نکته است که انگیزه پیشرفت و خودکارآمدی در افراد، یک خصوصیت ارثی نیست و در ایجاد آن، آموزش و به طور کلی تعلیم و تربیت، محیط خانوادگی و اجتماعی نقش مهمی دارند.

کلید واژه‌ها: خودکارآمدی، خودپنداری، انگیزش پیشرفت، موفقیت تحصیلی، دانشجویان

(S.3901) نشست: ۳۹، ارائه شفاهی: ۱

خودآموزی مهارت مراقبت از سالمندان از طریق داستان سرایی و ارائه بازخورد

فاطمه شجاعی*، ابولحسن رفیعی

* مربی دانشگاه علوم پزشکی زنجان shojaei_f2000@yahoo.com

دانشگاه علوم پزشکی زنجان، دانشکده پرستاری ابهر

دانشگاه علوم پزشکی شیراز

مقدمه: براساس مطالعات مشخص شده است که پرستاران دانش و نگرش پایینی نسبت به مراقبت از سالمندان بستری داشته و از طرفی واحدهای مرتبط با سالمندی در برنامه آموزش پرستاری ایران بسیار ناچیز می‌باشد. لذا ضروری است که اساتید و دانشجویان پرستاری را هر چه زودتر در شرایط مراقبت بالینی از سالمندان قرار دهند و جهت ایجاد انگیزه و تغییر اطلاعات در نگرش و عملکرد دانشجویان از شیوه‌های نوین آموزشی بهره بگیرند تا خلاء موجود در برنامه آموزشی را در بالین بر طرف سازند لذا این مقاله استفاده از داستان‌سرایی جهت انعکاس و بررسی تجارب، احساسات و عملکرد دانشجویان در مراقبت از سالمندان و فراهم کردن یادگیری بازتابی را گزارش می‌کند.

روش: از دانشجویان خواسته شد طی دوره‌ای که در بخش داخلی مراقبت از سالمندان را بر عهده دارند تجارب و احساسات خود را به صورت داستانی و انشائی نوشته و جهت ارائه بازخورد به استاد تحویل دهند مراحل به این ترتیب بود ۱- در مورد تفکر مشاهدات عملکرد و احساسات خود در مراقبت از سالمند توضیح دهد. ۲- مهارت‌های لازم برای مراقبت از سالمندان را بنویسد. ۳- براساس نتایج خود ارزیابی و مهارت‌های استاندارد برای خودش اهداف یادگیری تدوین کند. ۴- استراتژی‌هایی برای رسیدن به اهدافش بنویسد. ۵- استراتژی‌های مراقبت از سالمند به کارگیرد. ۶- نهایتاً در مورد نگرش مشاهدات و تجارب خود توضیح دهد و مهارت خود را در مراقبت از سالمندان ارزیابی کند. گزارش‌ها به صورت کتبی اخذ شد و استاد به دانشجو بازخورد ارائه داد. در پایان پرسش‌نامه‌ای و دو سؤال باز پاسخ جهت بررسی نظر دانشجویان نسبت به این روش طراحی شد.

یافته‌ها: در بررسی نظر دانشجویان نسبت به این روش مشخص شد ۸۷٪ دانشجویان این روش را جهت یادگیری بهتر و پایدارتر، موثرتر می‌دانستند. و ۹۰ درصد بیان کرده بودند که این روش سبب شده تا نقاط قوت و ضعف خود را بشناسند. ۸۳ درصد دانشجویان از اینکه در تدوین اهداف یادگیری خود نقش داشتند اعلام رضایت نمودند. دانشجویان بیان کردند که این روش سبب شد آنها نگرش بهتری نسبت به مراقبت از سالمندان داشته باشند و مهارت‌های خود را جهت مراقبت از این قشر توسعه دهند همچنین نیازهای آموزشی خود را شناخته و جهت برطرف کردن آن اقدام موثری را انجام دهند.

بحث و نتیجه‌گیری: استفاده از این روش سبب شد که دانشجویان به صورت انتقادی در مورد عملکرد خود قضاوت کنند، راه-کارهایی نیز جهت ارتقاء مهارت خود در مراقبت از سالمندان پیشنهاد کرده و به کار گیرند و در امر یادگیری خود به طور فعالانه شرکت کنند.

کلیدواژه‌ها: خودآموزی، مراقبت از سالمندان، داستان سرایی، بازخورد

(S.3902) نشست: ۳۹، ارائه شفاهی: ۲۰

طراحی یک برنامه ترکیبی و بررسی تأثیرات آن بر مهارت شناختی و فراشناختی دانشجویان

لیلی مصلی نژاد*، احمد علی پور، بهمن زندی

* دانشجوی دکترا دانشگاه علوم پزشکی جهرم mossila_1@yahoo.com

دانشگاه علوم پزشکی جهرم، دانشکده پیراپزشکی

مقدمه: یادگیری ترکیبی عبارت است از به‌کارگیری تلفیقی از شیوه‌ها و استراتژی‌های یادگیری که با هدف ارتقای یادگیری فراگیر مورد استفاده قرار می‌گیرد. هدف این تحقیق طراحی یک برنامه آموزش ترکیبی و بررسی مقایسه اثرات آن بر بعد شناختی دانشجو (تفکر انتقادی و باورهای فراشناخت) است.

روش: این مطالعه یک تحقیق نیمه‌تجربی است که بر روی ۴۱ نفر از دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی جهرم که واحد بیماری‌های روانی را در ترم اول ۱۳۸۷-۸۸ اخذ کرده بودند انجام گردید. پس از تقسیم تصادفی دانشجویان ۲۰ نفر در گروه آموزش سنتی و ۲۱ نفر در گروه آموزش ترکیبی و دو گروه تحت آموزش سنتی و یا ترکیبی قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده‌ها آزمون سنجش تفکر انتقادی واتسون-گلیر و فرم کوتاه آزمون فراشناخت (فرم کوتاه ۳۰ سؤالی) بوده و جهت آنالیز داده‌ها از آزمون‌های تی استیودنت، تی زوجی، مجذور کای و آنالیز واریانس (مانوا) از طریق نرم‌افزار SPSS ۱۳ استفاده شد.

یافته‌ها: نمره تفکر انتقادی در هر دو گروه پس از آموزش افزایش داشت. آزمون آنالیز واریانس نشان داد که آموزش بر تفکر انتقادی دانشجویان تأثیر دارد. ($p=0.03$). تعامل بین نوع آموزش، نمره پیشرفت تحصیلی و فراشناخت نشان داد که ارتباط مثبتی بین موارد مذکور و مولفه نیاز به کنترل فکر وجود دارد. ($p=0.03$) میانگین نمره نهایی دانشجو در گروه آموزش ترکیبی (۱۵/۶۷) بیشتر از آموزش سنتی (۱۳/۸۸) بود. ($p=0.004$)

بحث و نتیجه‌گیری: نظر به تأثیرات مثبت این روش آموزشی بر تفکر انتقادی، باورهای فراشناختی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان استفاده از این روش‌ها به خصوص بهره‌گیری از آموزش‌های الکترونیک در آموزش علوم پزشکی توصیه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: فراشناخت، یادگیری ترکیبی، پیشرفت تحصیلی، تفکر انتقادی

(S.3903) نشست: ۳۹، ارائه شفاهی: ۳

تأثیر اجرای الگوی نوین آموزش بر صلاحیت بالینی دانشجویان پرستاری

یوسف محمد پور*، حمیدرضا حریریان، حسین حبیبزاده

* مربی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، yousef.nurse@gmail.com

مقدمه: ارتقاء کیفیت آموزش بالینی مستلزم استفاده از روش‌های کارآمد است. آموزش مبتنی بر دستاورد یکی از حرکت‌های اصلاحی آموزشی است که در سالیان اخیر کشورهای بسیاری را تحت نفوذ خود قرار داده است. علی‌رغم پذیرش جهانی آموزش مبتنی بر دستاورد، مستندات تحقیقی در مورد اثر آن بر صلاحیت بالینی (مهارت‌های شناختی و رفتاری) بسیار اندک است. هدف از این مطالعه بررسی تأثیر آموزش مبتنی بر دستاورد بر صلاحیت بالینی دانشجویان پرستاری بود.

روش: در یک مطالعه نیمه تجربی با طرح دو گروهی پیش‌آزمون-پس‌آزمون ۲۶ دانشجوی پرستاری به‌صورت سرشماری انتخاب و به صورت تصادفی ساده به دو گروه کنترل و دو گروه تجربی تقسیم شدند. هر گروه شامل ۷-۶ نفر بود. پس از اجرای پیش‌آزمون مهارت‌های شناختی، دانشجویان گروه‌های کنترل با روش سنتی و دانشجویان گروه‌های تجربی با روش آموزش مبتنی بر دستاورد به مدت ۹ روز تحت آموزش بالینی قرار گرفتند. در نهایت مهارت‌های شناختی دانشجویان با پس‌آزمون و مهارت‌های رفتاری با چک لیست مورد مشاهده قرار گرفت. دو گروه اول به عنوان گروه کنترل، آموزش مرسوم را در بخش همودیالیز بیمارستان امام (ره) دریافت نمودند و آموزش دو گروه بعدی به عنوان گروه تجربی با استفاده از برنامه آموزشی که بر اساس آموزش مبتنی بر دستاورد طراحی شده بود به همان مدت صورت گرفت. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون ویلکاکسون و من‌ویتنی و آزمون دقیق فیشر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد آموزش مبتنی بر دستاورد در ارتقای مهارت‌های شناختی و رفتاری دانشجویان موثر است. میانگین مهارت‌های شناختی و رفتاری گروه تجربی در پس‌آزمون در تمامی موارد و در کل بطور معنادار از گروه کنترل بیشتر بود. صلاحیت بالینی دانشجویان گروه تجربی بطور معنادار از گروه کنترل بیشتر بود.

بحث و نتیجه‌گیری: روش آموزش مبتنی بر دستاورد بیش از روش سنتی منجر به ارتقای صلاحیت دانشجویان پرستاری شده، بنابراین پیشنهاد می‌شود از این روش در آموزش بالینی بیشتر استفاده گردد.

کلیدواژه‌ها: آموزش پرستاری، آموزش بالینی، آموزش مبتنی بر دستاورد، صلاحیت بالینی، دانشجویان پرستاری

(S.3904) نشست: ۳۹، ارائه شفاهی: ۴

بررسی شیوه‌های آموزش پزشکی در طب سنتی ایران

حوریه محمدی کناری*، روشنگر ثاقبی، غلامرضا کردافشاری

* دکترای علوم پزشکی dr_hmohammadi@yahoo.com

دانشگاه علوم پزشکی تهران دانشکده طب سنتی

مقدمه: نیاکان ما پایه‌گذاران اصلی شاخه‌های مهمی از علوم به ویژه پزشکی و آموزش آن در دنیا بوده‌اند. در زمانی که بیمارستان‌های اروپایی از هیچ نوع امکانات بهداشتی و رفاهی و آموزشی برخوردار نبوده‌اند (سال ۱۵۳۶ میلادی و قبل آن) در ایران بیمارستان‌هایی مجهز، با اتاق‌هایی مجزا با امکانات کامل، لوله کشی آب در هر اتاق در بهترین نقطه شهر از نظر آب و هوا به درمان بیماران و آموزش دانشجویان پزشکی می‌پرداختند. امید است با گردآوری روش‌های آموزش پزشکی در ایران، در جهت حفظ اصالت فرهنگی و دانش این مرز و بوم کهن کوشید.

روش: در این مطالعه کیفی تاریخی، کتاب‌ها و نگاره‌های اصیل و قابل اعتماد مربوط به آموزش پزشکی در ایران و اسلام مطالعه و فیش‌برداری شد. سپس طی مصاحبه‌های حضوری با صاحب‌نظران تاریخ و طب سنتی ایران و تلفیق نظرات آنها با مطالب مکتوب قبلی، یافته‌های زیر جمع‌آوری و تدوین گردید.

یافته‌ها: دانش پزشکی در طب سنتی به دو بخش نظری و عملی تقسیم می‌شد، که آموزش هر کدام در جایگاه خاص خود صورت می‌گرفته است. دروس نظری با عناوین علم تشریح، شناخت کارهای طبیعی بدن، سبب‌شناسی بیماری‌ها، نشانه‌شناسی و علامت‌شناسی در مدارس طب تدریس می‌شد. استفاده از سخنرانی در حلقه‌های کوچک دور استاد، پرسش و پاسخ، حل مساله، آموزش بر اساس جدول و الگوریتم و استفاده از شعر جزء شایع‌ترین شیوه‌های تدریس بوده است. آموزش دروس عملی در بیمارستان‌های آموزشی درمانی (مریض‌خانه و معلم خانه طبی) صورت می‌گرفت. بیمار در ابتدای ورود به بیمارستان در قسمت پلی کلینیک توسط پزشک و دانشجویان مورد معاینه و آزمایش اولیه قرار گرفته و به یکی از دو روش زیر درمان می‌شد: روش درمان بیرونی (درمانگاهی) که بیمار دارو را از بیمارستان دریافت می‌کرد و به خانه برمی‌گشت تا در آنجا آن را به کاربندد و دیگر روش درمان درونی یا بستری که بیمار در بخش خصوصی یا تالاری که به بیماری وی اختصاص داشت بستری می‌شد تا بهبود یابد. در هر دوی این روش‌ها دانشجویان همراه با استاد به معاینه و درمان بیماران می‌پرداختند. روش تدریس در بیمارستان‌ها به شیوه رازی بود یعنی بیمار ابتدا توسط دانشجویان رده‌های پایین تر و سپس توسط دانشجویان بالاتر و نهایتاً توسط استاد معاینه می‌شد. نتیجه معاینه، نظریه پزشک، دستورات پزشک و تاثیرات آنها، تغییراتی که در طول بیماری حاصل شده و خلاصه داستان کامل بیماری برای بیماران بستری نوشته می‌شد. رازی معمولاً مشکل ترین بیماران خود را برای تدریس انتخاب می‌کرد. گاهی دروس نظری نیز در بالین بیمار تدریس می‌شد. همچنین نوشتن پایان‌نامه و امتحان جامع نهایی برای دریافت گواهینامه پزشکی الزامی بود.

بحث و نتیجه‌گیری: دانشمندان ایرانی با تلفیقی از روش‌های آموزش دروس تئوری، هم بر میزان یادگیری و هم یادداری دانشجویان توجه داشته‌اند چرا که ایجاد توانایی برای احراز وظایف اجتماعی پس از فراغت از تحصیل از جمله مسائلی است که در باب آداب تعلیم و تربیت در اسلام به آن توجه ویژه شده است. نکته مهمی که در گذشته ایران به آن بیشتر از اکنون توجه شده، آزادی تحصیل در همه رشته‌ها حتی پزشکی بوده است ولی دانشجوی پس از فراغت تحصیل باید علاوه بر نوشتن پایان‌نامه از سد امتحانات جامع و پایانی عبور می‌کرد تا اجازه کار و طبابت در آن رشته را پیدا می‌کرد. چیزی که در آموزش فعلی پزشکی عمومی مملکت ما جای خالی آن به وضوح احساس می‌شود.

کلیدواژه‌ها: آموزش پزشکی، طب سنتی ایران، روش‌های تدریس

(S.3905) نشست: ۳۹، ارائه شفاهی: ۵

طراحی و تولید نرم‌افزار آموزشی مهارت‌های بالینی ویژه دانشجویان پزشکی و پیراپزشکی به‌شیوه چند-

رسانه‌ای

داریوش رخ‌افروز*، اشرف السادات حکیم، ندا صیادی، طاهره طلایی، علیرضا اولی پور

* هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور، rokhafriz@gmail.com

دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز - دانشکده پرستاری مامایی

مقدمه: یکی از وسایل کمک آموزشی که در امر آموزش می‌توان مورد استفاده قرار داد ویدیو است. امروزه استفاده از وسایل آموزشی چند رسانه‌ای نقش مهمی در یادگیری ایفا می‌کند. لذا پژوهش حاضر با هدف ارزشیابی میزان یادگیری دانشجویان در مورد آشنایی با مهارت‌های بالینی از طریق تدریس به روش پرسش و پاسخ و توضیحی و آموزش از طریق فیلم ویدئویی طراحی گردید.

روش: در این مطالعه ۱۰۰ دانشجو در رشته‌های پرستاری (۸۰ نفر) و فوریت‌های پزشکی (۲۰ نفر) به مدت یک‌نیمسال تحصیلی تحت آموزش با روش پرسش و پاسخ و توضیحی به همراه فیلم ویدئویی قرار گرفتند. سپس میزان رضایت دانشجویان با استفاده از پرسش‌نامه و میزان یادگیری به کمک ارزشیابی تحصیلی در پایان ترم بررسی شد. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی در نرم افزار SPSS نسخه ۱۵ تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که میزان رضایت از این روش آموزشی در بین دانشجویان ۸۰٪ و پیشرفت یادگیری ۴۰٪ بود. همچنین دانشجویان در این روش، مفاهیم درسی را به صورت معنادار آموخته بودند ($p = 0.01$) و کارایی بهتری در انجام مهارت داشتند.

بحث و نتیجه‌گیری: می‌توان از آموزش چند رسانه‌ای به همراه سایر روش‌های تدریس برای بهبود روند آموزش و افزایش میزان رضایت در بین یادگیرندگان از طریق یادگیری معنادار بهره جست و به این شیوه کارایی دانشجویان را در انجام مهارت‌های بالینی مهم افزایش داد.

کلیدواژه‌ها: نرم افزار، مهارت بالینی، دانشجو، آموزش چندرسانه‌ای

(S.3906) نشست: ۳۹، ارائه شفاهی: ۶

پروژه تولید فیلم آموزشی، مدیریتی نوین در آموزش عملی درس مدیریت دانشجویان پرستاری و مامایی

محمد رحیمی مدیسه^۱، دکتر معصومه معزی^۲، زهرا خلیل زاده^۳

۱- دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد مرکز مطالعات و توسعه، m_rahimi7@yahoo.com

۲- دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد مرکز مطالعات و توسعه، Masumeh Moezzi@yahoo.com

۳- دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، مرکز مطالعات و توسعه

مقدمه: واحد درس مدیریت در اغلب رشته‌های تحصیلی مقطع کارشناسی دانشگاه‌های علوم پزشکی وجود دارد. پرداختن به موضوعات صرف علوم انسانی بخصوص برای دانشجویان علوم پزشکی اغلب ناخوشایند و از این موضوع گلایه‌مند هستند و واحد کارآموزی این درس نیز در ترم‌های بعد ارائه که خود به بی‌انگیزگی دانشجویان کمک می‌نماید. با توجه به تجربه مدرس این واحد درسی و ارائه دهنده این فرآیند دانش پژوهی و فرصتی که جهت حضور و رقابت در یازدهمین همایش آموزش پزشکی و جشنواره آموزشی سال ۱۳۸۹ فراهم گردید، با طرح موضوع تولید فیلم در کلاس درس مدیریت خدمات پرستاری، تعدادی از دانشجویان جهت تولید دو فیلم آموزشی اعلام آمادگی و سازماندهی شده تا با اجرای پروژه تولید فیلم، اصول مدیریت و آموخته‌های نظری خود چون: برنامه ریزی، سازماندهی، هماهنگی، هدایت، کنترل، بودجه بندی، گزارش دهی و ارزشیابی را به طور عملی تمرین نمایند.

روش: پس از طرح موضوع تولید فیلم آموزشی در کلاس مدیریت و اعلام آمادگی و سازماندهی دانشجویان علاقمند به مشارکت در این طرح، موضوع به شورای پژوهش در آموزش دانشگاه منعکس و پس از موافقت با کلیات طرح با معاونت‌های آموزشی، دانشجویی فرهنگی و درمان دانشگاه، دانشکده پرستاری و مامایی، بیمارستان‌های آیت الله کاشانی و هاجر هماهنگی لازم جهت فیلم‌برداری به عمل آمد. سپس عوامل تولید، دانشجویان بازیگر و کلیه دست اندرکاران فیلم مشخص و توجیه گردیدند. و در نهایت اقدام به فیلم‌برداری، صداگذاری، میکس و مونتاژ فیلم گردید. در پایان پرسشنامه محقق ساخته در اختیار کلیه عوامل قرار و پس از استخراج اطلاعات مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: دانشجویان مورد مطالعه در نظر سنجی این طرح، پزشکی، پرستاری، مامایی و فوریت‌های پزشکی شاغل به تحصیل با میانگین سن ۲۱/۴۹ سال که ۶۴٪ از آنان مونث و ۳۶٪ مذکر بودند. بر اساس نتایج حاصله ۶۹/۳٪ دانشجویان معتقد بوده‌اند که با کمک اساتید و دوستان‌شان می‌توانند فیلم تاثیرگذار آموزشی بسازند، ۶۸٪ دانشجویان علاقه‌مند به داشتن مسئولیت نویسنده‌گی و کارگردانی در تولید فیلم بوده‌اند. ۷۴٪ ایشان توجه و ترغیب استادان جهت مشارکت و ۶۲٪ از دانشجویان ورود به عرصه و تولید فیلم را برای خود افتخار امیز دانسته‌اند. ۴۸٪ دانشجویان با همکاری در تولید فیلم به عنوان تجربه عملی مدیریت موافق و کاملاً موافق بوده‌اند. و در سایر گویه‌های پرسشنامه نظر بیش از ۵۰٪ دانشجویان مطلوب تعیین گردید.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به شرایط دانشجویان علوم پزشکی ورود ایشان به عرصه تولید فیلم‌های آموزشی برای گروه‌های مخلف جامعه مثبت ارزشیابی و اغلب دانشجویان با ورود به این عرصه، دانش نظری مدیریت خود را بطور عملی تمرین و از این فعالیت علمی آموزشی احساس غرور و افتخار می‌نمایند.

کلید واژه‌ها: پروژه، فیلم آموزشی، مدیریت، آموزش عملی، دانشجو

(S.3907) نشست: ۳۹، ارائه شفاهی: ۷

تحصیلات تکمیلی دغدغه اصلی دانشجویان کارشناسی: اتنوگرافی آموزشیاکرم ثناگو^۱، زهرا یساقی^۲، لیلا مهستی جویباری^۳

* ۱- استادیار مرکز مطالعات و آموزش علوم پزشکی گرگان a_sanagu@yahoo.com

۲- دانشجو کمیته دانشجویی مرکز مطالعات و آموزش علوم پزشکی گرگان a_sanagu@yahoo.com

۳- استادیار مرکز مطالعات و آموزش علوم پزشکی گرگان a_sanagu@yahoo.com

دانشگاه علوم پزشکی گرگان

مقدمه: هدف کلی آموزش پرستاری در مقطع کارشناسی تربیت افرادی است که قادر باشند به عنوان عضوی از تیم سلامت به ارائه خدمات مراقبتی و بهداشتی، آموزشی، پژوهشی، مشاوره‌ای، مدیریتی و حمایتی و توانبخشی جهت تأمین، حفظ و ارتقاء سلامت فرد، خانواده و جامعه به‌پردازند هدف از این مقاله نگاهی توأم با بازاندیشی بر اهداف غائی دانشجویان از تحصیل در مقطع کارشناسی پرستاری می‌باشد.

روش: در این مطالعه از نوع اتنوگرافی آموزشی، اطلاعات از طریق مصاحبه باز به شیوه گفت‌وگو با پنج دانشجوی دختر پرستاری و استاد مشاور تحصیلی دانشجویان گردآوری شد. نمونه‌گیری مبتنی بر هدف بوده و در سال ۱۳۸۸ در یکی از دانشکده پرستاری شمال کشور انجام شده است. مشاهده رفتار دانشجویان طی پنج ترم و ثبت حکایات نیز به عنوان منبع دوم گردآوری اطلاعات بوده است.

یافته‌ها: بررسی داده‌ها حاکی از آن است که تمامی ذهن دانشجویان متمرکز بر راهیابی به مقطع تحصیلی بالاتر است به طوری که ماندن در مقطع کارشناسی به "کابوس" تعبیر می‌شود. "استیگمای دانشجوی پرستاری"، "فوبیای کارشناسی" دو مضمون اصلی در این مطالعه بود. شرکت کنندگان اظهار داشتند از اینکه دیگران آنها را "امپول زن" خطاب کنند هراس دارند. آنان با استرس‌هایی در زندگی خود مواجه شده‌اند که تاکنون تجربه مقابله با آن را نداشته‌اند. شرکت کنندگان اظهار داشتند که تمام "آرزوها، آینده، شخصیت" خود را در راهیابی به مقطع تحصیلی بالاتر می‌دانند به طوری که منجر به مشکلات سایکوسوماتیک متعدد و نیازمند به مراجعه به پزشک شده است. "اضطراب کارشناسی ارشد"، فراگیران پرستاری را از بسیاری از یادگیری‌ها به‌ویژه یادگیری‌های بالینی، فرصت‌های پژوهشی دانشجویی محروم نموده است به گونه‌ای که شرکت کنندگان اظهار داشتند "ما فکر نمی‌کنیم چه کنیم تا یک پرستار خوب باشیم فکر می‌کنیم چگونه ارشد قبول شویم".

بحث و نتیجه‌گیری: نتایج این گزارش و مشاهدات و گفت‌وگو روزمره دانشجویان پرستاری نشان می‌دهد که اهداف این دوره و اهداف دانشجویان با هم همخوانی ندارد. آموزش پرستاری در سطح کارشناسی زمینه ساز تربیت پرستار حرفه‌ای است که به عنوان یک پرستار عمومی بتواند بررسی و شناخت وضعیت سلامت، ارائه خدمات و هماهنگی مراقبت‌ها را در عرصه‌های مختلف به فرد خانواده و جامعه عهده دار شود و نه آمادگی برای کنکور کارشناسی. به نظر می‌رسد کوریکولوم و اهداف آموزشی پنهانی در بین دانشجویان پرستاری جاری است که نیاز است مسئولین امر جهت هدر نرفتن این دوره چاره اندیشی نمایند.

کلید واژه‌ها: کارشناسی، پرستاری، استرس، کوریکولوم پنهان

(S.3908) نشست: ۳۹، ارائه شفاهی: ۸

بررسی میزان ارتباط ویژگی‌های مربی بالینی با یادگیری مهارت‌های بالینی در زایشگاه از دیدگاه دانشجویان**مامایی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز سال ۱۳۸۷**پروانه موسوی^{*}، شهرناز نجار، سیمین منتظری

* مربی دانشگاه علوم پزشکی، دانشکده پرستاری مامایی mousavip2009@yahoo.com

اعضاء هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز - کارشناس ارشد مامایی.

مقدمه: آموزش بالینی از مقاطع حساس آموزش پزشکی است که در شکل‌دهی توانمندی‌های حرفه‌ای فراگیران، نقش عمده‌ای دارد. ارزشیابی مربیان بالینی توسط دانشجویان، یکی از عواملی است که می‌تواند در ارتقاء کیفیت آموزش بالینی موثر واقع شود. اگر مهمترین نتیجه و اثر فرایند آموزش رایادگیری بدانیم، بدیهی است که بهترین معیار برای تعیین یادگیری عقیده و نظر خود فراگیر می‌باشد. پژوهش حاضر با هدف تعیین میزان ارتباط ویژگی‌های مربی بالینی با یادگیری مهارت‌های بالینی در زایشگاه از دیدگاه دانشجویان مامایی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز سال ۱۳۸۷ انجام گردید.

روش: در این مطالعه توصیفی ۴۵ نفر از دانشجویان مامایی ترم ۵ به بالا بصورت تصادفی انتخاب گردیدند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه‌ای با ۲۵ سوال و در ۵ حیطه شامل: شخصیت فردی، توانایی ارتباط، ارزشیابی، ویژگی‌های حرفه‌ای و علمی با مقیاس لیکرت صفر تا پنج بود. نتایج با نرم افزار SPSS و بصورت میانگین و انحراف معیار مورد تجزیه تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد که مهمترین خصوصیات یک مدرس بالینی اثر بخش در یادگیری از دیدگاه دانشجویان مامایی به ترتیب عبارتند از: احترام و حفظ شخصیت دانشجو با میانگین (۴۶۷)، حمایت از دانشجو توسط مربی در موقع روبرو شدن با مشکل (۴۶۴)، به روز بودن اطلاعات و دانش مربی (۴۶۴)، مسئولیت‌پذیری مربی نسبت به دانشجو و بیمار (۴۶۲)، ایجاد انگیزه و فرصت لازم برای تمرین و مهارت بالینی (۴۶۰)، تجارب آموزشی و عملی مربیان (۴۶۰) و پایین‌ترین خصوصیت از دیدگاه دانشجویان: وجود استرس در مربی با میانگین (۲۰۴۴)، خستگی مفرط مربی (۲۰۶۹)، برقراری کنفرانس‌های آموزشی (۳۰۳۲)، سختگیری مربی (۳۰۵۸) بود.

بحث و نتیجه‌گیری: ایجاد انگیزه و علاقه در دانشجویان برای تمرین و مهارت بالینی و به روز بودن اطلاعات و دانش مربی امر بسیار مهمی در کیفیت یادگیری مهارت‌های بالینی در دانشجویان می‌باشد. امید است نتایج بدست آمده راه‌گشای اساتید مامایی در جهت تدریس بالینی موثر و مفید باشد تا از این راه بتوان ماماهاى آینده را خوب تربیت نمود و گامی موثر در ارتقای سلامت جامعه برداشت.

کلیدواژه‌ها: دیدگاه دانشجویان مامایی، مربی بالینی، مهارت‌های بالینی

(S.3909) نشست: ۳۹، ارائه شفاهی: ۹

بررسی نظرات دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم پزشکی بابل در خصوص فرایند آموزشی

سلیمان محجوب *

* دانشیار دانشگاه علوم پزشکی بابل، گروه بیوشیمی، mahjoub_s@yahoo.com

مقدمه: ارتقای کیفیت آموزشی، مسئله اصلی سیستم‌های آموزشی است و این موضوع در دوره‌های تحصیلات تکمیلی که می‌بایست متخصصین مجرب و آگاه به علم روز تربیت نمایند، از اهمیت بیشتری برخوردار است. همچنین بررسی و ارزیابی نظرات و دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی که از تجربه آموزشی بیشتری در مقایسه با دانشجویان رشته‌های غیرتحصیلات تکمیلی برخوردارند، اهمیت زیادی دارد و می‌تواند به اساتید و برنامه‌ریزان آموزشی در بازنگری و اصلاح فرایند آموزشی کمک موثری نماید. با توجه به نوظ بودن دوره‌های تحصیلات تکمیلی علوم پایه پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی بابل، این مطالعه با هدف بررسی نظرات دانشجویان دوره‌های دوم و سوم کارشناسی ارشد بیوشیمی بالینی در زمینه فرایند آموزشی در گروه بیوشیمی انجام شده است.

روش: این مطالعه توصیفی-تحلیلی در گروه بیوشیمی دانشگاه علوم پزشکی بابل در سال ۱۳۸۷ اجرا گردید. نمونه‌های پژوهش شامل دانشجویان دوره‌های دوم (۴ نفر) و سوم (۴ نفر) رشته کارشناسی‌ارشد بیوشیمی بالینی بوده است. برای انجام این مطالعه، پرسشنامه با مقیاس لیکرت رتبه‌ای بر اساس الگوی دبیرخانه شورای نظارت، ارزشیابی و گسترش وزارت متبوع تهیه و تنظیم گردید. گزینه‌های پرسشنامه در ۳ حیطه آموزشی، پژوهشی و تجهیزات و فضای آموزشی طبقه بندی شد. گزینه‌های پرسشنامه ۳ بخشی و شامل وضعیت مطلوب (امتیاز بیشتر از ۷۰٪)، نسبتاً مطلوب (۷۰-۵۰٪) و نامطلوب (کمتر از ۵۰٪) بود. به منظور آنالیز ساده‌تر نتایج پرسشنامه‌ها، رتبه وضعیت مطلوب ۲، نسبتاً مطلوب ۱ و نامطلوب صفر تعیین شد و امتیاز نهایی هر شاخص در ۳ حیطه مورد نظر بصورت درصد و میانگین رتبه گزارش شد.

یافته‌ها: بعد از آنالیز داده‌های استخراج شده از پرسشنامه، در حیطه آموزشی شاخص روش تدریس بکار گرفته در گروه بیوشیمی حائز امتیاز ۸۱/۲۵٪ (رتبه ۱/۶۳)، برگزاری منظم کلاس‌ها طبق برنامه مدون آموزشی گروه ۸۱/۲۵٪ (رتبه ۱/۶۳)، کیفیت برگزاری سمینارها و کنفرانس‌های علمی ۷۵٪ (رتبه ۱/۵)، مشارکت دانشجویان در فرایند آموزشی دروس بصورت ارائه سمینارها و تحقیق کلاسی و

شرکت در مباحث کلاسی ۱۰۰٪ (رتبه ۲) و تعداد و نوع واحدهای ارائه شده در هر نیمسال تحصیلی ۸۷/۵٪ (رتبه ۱/۷۵) بدست آورد. در حیطه پژوهشی در زمینه مراحل و مدت زمان تصویب نهایی پروپوزال پایان نامه امتیاز ۶۲/۵٪ (رتبه ۱/۲۵) و هزینه مصوب برای هر پایان نامه ۹۳/۷۵٪ (رتبه ۱/۸۸) بدست آمد. در حیطه تجهیزات و فضای آموزشی شاخص امکانات سمعی و بصری کلاس تحصیلات تکمیلی گروه بیوشیمی ۹۳/۷۵٪ (رتبه ۱/۸۸)، فضای آموزشی و امکانات گرمایشی و سرمایشی حائز ۱۰۰٪ امتیاز (رتبه ۲)، تعداد آزمایشگاههای گروه ۸۱/۳۵٪ (رتبه ۱/۶۳) و شاخص دستگاهها و تجهیزات آزمایشگاهی بخش بیوشیمی امتیاز ۹۳/۷۵٪ (رتبه ۱/۸۸) را کسب کرد. از بین شاخصهای مورد بررسی، فقط شاخص مراحل و مدت زمان تصویب نهایی پروپوزال پایان نامه وضعیت نسبتاً مطلوب داشت و وضعیت سایر شاخصها طبق نظر دانشجویان ۲ دوره تحصیلات تکمیلی در محدوده مطلوب قرار گرفت.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به اینکه دوره تحصیلات تکمیلی علوم پایه پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی بابل جدید است و بعنوان اولین تجربه گروه بیوشیمی در راهاندازی دوره کارشناسی ارشد بیوشیمی بالینی، بررسی نظرات و دیدگاههای فراگیران این دوره در زمینه شاخصهای مختلف آموزشی- پژوهشی، فضا و امکانات آموزشی و تجهیزات آزمایشگاهی، می تواند بسیار مفید و موثر باشد و باعث ارتقای فرایند آموزشی در دوره کارشناسی ارشد و اخذ مجوز برای ادامه این دوره و همچنین تاسیس مقطع دکتری تخصصی بیوشیمی بالینی شود. بر اساس نتایج این مطالعه، تنها شاخص مراحل و مدت زمان تصویب نهایی پروپوزال پایان نامه در وضعیت نسبتاً مطلوب قرار داشت که آن هم بدلیل مراحل متعدد بررسی پروپوزال پایان نامه ها بوده است و قرار داشتن سایر شاخصهای مورد بررسی در وضعیت مطلوب، نشانه سعی و تلاش وافر اساتید گروه و مسئولین ذیربط دانشگاه است. همچنین امتیاز ۱۰۰٪ برای شاخص مشارکت دانشجویان در فرایند آموزشی، نشانه شیوه دانشجو محوری و دخالت فراگیران در امر آموزش می باشد. بازخورد نتایج این مطالعه باعث پیگیری بیشتر گروه و اصلاح مراحل موازی در بررسی پروپوزالها و به طبع آن جلوگیری از بروز تأخیر در فارغ التحصیلی دانشجویان و رضایت مندی بیشتر فراگیران و همچنین تاسیس شورای تحصیلات تکمیلی در دانشکده پزشکی و بازنگری و ارتقای فرایند آموزشی بوده است.

کلیدواژه ها: فرایند آموزشی، تحصیلات تکمیلی، نظرات دانشجویان، دانشگاه علوم پزشکی بابل

(S.5101) نشست: ۵۱، ارائه شفاهی: ۱

معیارهای رهبری آموزشی از دیدگاه اسلام

معصومه حسینیان*، سوفیا اصالت منش

* عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی کاشان hoseinian_1342@yahoo.com

دانشگاه علوم پزشکی کاشان

مقدمه: اسلام مکتبی است جامع که در تمام شئون زندگی بشر آموزه های ارزنده ای دارد و تاثیر رهبری و مدیریت در آموزش در دانشجویان جای هیچ تردیدی ندارد. تجربه نشان داده است که فراگیران هر اندازه هم که مقاومت نمایند نمی توانند از شیوه رهبری مؤثر در اجرای فرایند آموزش جلوگیری نمایند، به همین دلیل ایجاد و اعمال رهبری مؤثر در فرایند آموزش همواره مورد توجه اولیای دین بوده است و هدف بررسی رهبری در آموزش از دیدگاه اسلام می باشد.

روش: این پژوهش نوعی مطالعه مروری است که با بررسی منابع معتبر اسلامی و سیره و آموزه های پیامبر اسلام (ص) و ائمه اطهار (س) و نیز جستجوی بانک های اطلاعاتی در مورد معیارهای رهبری در آموزش از نظر اسلام استخراج شده است.

یافته ها: دین مبین اسلام نقش رهبر آموزشی به عنوان مربی یا آموزشگر را حول محورهای زیر تعیین می کند ۱- معیارهای مربوط به مربی و آموزشگر و نقش تاثیرگذاری آن با توجه به نقش تربیتی که یک مدیر یا رهبر آموزشی دارد. ۲- لزوم ایجاد یک جو مناسب جهت آموزش. ۳- مهارت های کلیدی رهبر آموزشی یا آموزشگر که شامل مهارت های مشاهده ای، تحلیلی، تفویض اختیار، مصاحبه کردن و باز خورد است. ۴- مراحل رهبری آموزشی که شامل آغاز گری، پرورش، جدایی و تعریف مجدد است. ۵- رهبری آموزشی به عنوان تعلیم و خود سازی است.

بحث و نتیجه گیری: نظام تربیتی اسلام نظامی جامع نگر و پاسخگو به نیازهای انسان است که نگاه تک بعدی به انسان نداشته است و سیره عملی پیامبر (ص) و ائمه اطهار (س) و آموزه های دینی الگو و معیارهای جامعی را برای رهبری آموزشی بر جا گذاشته اند یا به عبارتی رهبر آموزشی باید شرایط شناخت فراگیر نقش تاثیرگذاری خود و مهارت های تاثیر گذاری، محیط، مراحل آموزش موفق و نهایتاً ارزشیابی از خود را در نظر داشته باشد.



دانشگاه علوم پزشکی تهران

فصلنامه علمی پژوهشی

مطب و تزئین

کلیدواژه‌ها: معیار، رهبری آموزشی، اسلام

(S.5102) نشست: ۵۱، ارائه شفاهی: ۲

بررسی تأثیر رهبری آموزشی - پژوهشی در توانمندسازی اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز -

سال ۱۳۸۸

مریم غلامی^{*}، سید علیرضا تقوی، مرجان غلامی

* کارشناس دانشگاه علوم پزشکی شیراز

دانشگاه علوم پزشکی شیراز مرکز توسعه پژوهش‌های بالینی ghom5@yahoo.com

مقدمه: روش‌های سنتی آموزش، به تنهایی پاسخ‌گوی حرکت سریع علم و دانش نخواهد بود. نقش ممتاز یک رهبر آموزشی - پژوهشی این است که استعداد های افراد را شکوفا کند و با ایجاد انگیزه قوی در آنها، موجبات خودانگیختگی، خودجوشی و حرکت هدفمند به سوی کمال را برای آنان فراهم نماید. با پیشرفت‌هایی که در تکنولوژی رایانه‌ای به وجود آمده است، این وسیله نیز می‌تواند در آموزش، پژوهش و یادگیری به کار رود. هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر رهبری آموزشی - پژوهشی در توانمندسازی اعضای هیئت علمی در انجام مراحل مختلف امور تحقیقاتی است.

روش: این مطالعه به صورت مقطعی و کاربردی می‌باشد. طبق نظر متخصص آمار، از کل اعضاء هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز (۶۵۰ نفر)، تعداد ۱۵۰ نفر از اساتید مراجعه کننده به مرکز توسعه پژوهش‌های بالینی، طی ۱۰ ماه از سال ۱۳۸۸، مورد مطالعه قرار گرفتند. در بدو مراجعه افراد به این مرکز، پس از دریافت راهنمایی‌های لازم، در مشاوره‌های مختلف شامل: (آمار، طراحی پژوهشی، تهیه پروپوزال، مقاله نویسی و خدمات رایانه‌ای، از قبیل نحوه کدگذاری و ورود اطلاعات در کامپیوتر و غیره)، با استفاده از نرم افزارهای مناسب از قبیل Spss و Excel و...، به صورت حضوری و چهره به چهره، مهارت‌های لازم را کسب نمودند، در انتهای آموزش و پس از دریافت کلیه خدمات مورد نیاز ایشان، با استفاده از یک پرسش نامه، نظرات اساتید در مورد تأثیر رهبری آموزشی - پژوهشی موجود در مرکز و نقش آن در توانمندسازی آنها مورد بررسی قرار گرفت. داده‌ها با روش‌های آمار توصیفی در نرم افزار Spss تحلیل و به صورت درصد بیان شد. **یافته‌ها:** یافته‌ها نشان داد که ۹۱٪ از افراد تأثیر روش فوق را در یادگیری و توانمندسازی پژوهشی، بسیار قوی، ۵٪ متوسط و ۴٪ بدون تأثیر، ارزیابی کردند.

بحث و نتیجه‌گیری: رهبران برای موفقیت به انعطاف پذیری شناختی - رفتاری و برنامه‌ریزی مناسب در جهت حل مشکلات نیاز دارند. همچنین آموزش امور تحقیقاتی با استفاده از رایانه و با در نظر گرفتن محیط‌های تعاملی مناسب و جذاب ساختن محیط‌های مجازی برای بر انگیزختن محققان توصیه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: رهبری، توانمندسازی، پژوهش، آموزش، عضو هیئت علمی

(S.5103) نشست: ۵۲، ارائه شفاهی: ۳

بررسی نقش رهبری معنوی در توانمندسازی کارکنان

طیبه جمند^{*}، رزیتا خرم رودی^۲، صدیقه افراسیابی^۳، نسرین شبانگاه^۴

۱ و ۳. اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

۴. کارشناس مامائی مرکز بهداشت

* مربی هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر t.jamand@bpums.ac.ir

دانشگاه علوم پزشکی بوشهر دانشکده پرستاری مامایی

در طلایه قرن جدید که سازمان‌ها با محیط رقابت جهانی مواجه‌اند همواره نیاز به تغییرات ریشه‌ای و خلاقیت‌های کاری احساس می‌شود، از این رو نیاز به رهبری مقدس‌تر به وجود آمده است که چهار عرصه اساسی ماهیت انسان یعنی جسم (فیزیکی)، ذهن (تفکر

منطقی)، سرشت (عواطف و احساسات) و روح را در هم ادغام می‌کند. در واقع پاسخ به این نیازها، نیاز به تغییر شکل سازمانی را الزامی می‌کند. هدف این مطالعه تعیین نقش رهبری معنوی در توانمندسازی کارکنان می‌باشد. تحقیق حاضر مطالعه مروری بوده که پس از جستجوی سیستماتیک در منابع کتابخانه‌ای و مقالات دارای روایی و پایایی، به‌دست آمده است. در مقاله اخیر سعی شده به بررسی نقش رهبری معنوی در توانمندسازی کارکنان به تفصیل پرداخته شود. ورود معنویت و خدا در محیط کار و سازمان و کاربردهای آن، برای رهبران سازمان و کارکنان اهمیت فراوانی دارد. معنویت را می‌توان به عنوان یک بخش جزئی و مقدماتی از فرایند توسعه سازمانی در نظر گرفت. که معنویت به طور مثبت بر عملکرد سازمانی تأثیر می‌گذارد. افزایش خلاقیت، رضایت، عملکرد تیم و تعهد سازمانی، در سازمان‌هایی که تلاش می‌کنند بالندگی معنوی اعضای خود را ارتقا بخشند، گزارش شده است. نقش رهبران معنوی تحریک و برانگیختن کارکنان با استفاده از چشم انداز معنوی و ایجاد زمینه‌های فرهنگی بر اساس ارزش‌های انسانی می‌باشد تا کارکنانی توانمند، دارای بهره‌وری بالا، متعهد و با انگیزه را تربیت و پرورش دهند. تحقیق مارکوز ۲۰۰۶ نشان داد، معنویت در کار، در نهایت تعالی سازمانی پایدار را به همراه خواهد داشت. نتایج پژوهش ضیائی و همکاران نشان داد ارتباط معناداری بین رهبری معنوی و توانمندسازی کارکنان جهت پیشبرد اهداف سازمان وجود دارد. بنابراین رهبری معنوی با فراهم نمودن زمینه‌های مساعد و پشتیبانی کننده به کارکنان نشان می‌دهد که آنها می‌توانند با کوشش در جهت تحقق اهداف سازمان، نیازها و هدف‌های خود را برآورده سازند و توانایی‌های بالقوه خود را آشکار نمایند.

کلیدواژه‌ها: رهبری معنوی، توانمندسازی کارکنان

(S.5104) نشست: ۵۱، ارائه شفاهی: ۴

نقش رهبری اثر بخشی آموزشی در نظام سلامت

فرشته فرزبان پور^۱، عباس رحیمی^۲، مسعود بیدگلی^۳، اصغر زارعی^۴

* ۱- استادیار دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران farzianp@yahoo.com

۲- استادیار دانشگاه علوم پزشکی تهران rahimia@yahoo.com

۳- استادیار علوم پزشکی تهران bidgoliim@yahoo.com

۴- دانشجو علوم پزشکی تهران zaraeia@yahoo.com

رهبری آموزشی اثر بخشی یکی از مولفه‌های توسعه در نظام سلامت است. سلامت و آموزش دو رکن اساسی توسعه ملت‌ها است و این دو شاخص، میزان کیفیت زندگی را در یک کشور رقم می‌زنند. از این رو شاهدیم بسیاری از کشورها به بازنگری و باز آفرینی نظام‌های سلامت و آموزش خود پرداخته اند. طبق این مفهوم، وظیفه مدیر یا رهبر آموزشی عبارت از فراهم ساختن تسهیلاتی است که افراد بتوانند باهم به‌مشورت به پردازند و از تجارب یکدیگر بهره برند و در جهت اهداف نظام سلامت چون تامین و حفظ و ارتقاء سلامت جامعه، پاسخگویی به نیازهای بهداشتی و درمانی مردم و مشارکت عادلانه مردم در تامین منابع مالی حوزه سلامت برنامه‌ریزی نمایند. هدف اصلی این پژوهش طراحی الگویی برای رهبران اثربخش در نظام سلامت و ویژگی‌های شخصیت مدیران است. تعداد ۲۲۷ نفر از مدیران بیمارستان‌های دانشگاهی به‌طور تصادفی انتخاب شدند. و به پرسشنامه‌های شخصیتی گوردن و رهبری اثر بخشی آموزشی را مسدن پاسخ دادند. در مجموعه پرسش‌های اثربخشی آموزشی از مولفه‌های هدف‌مداری، ترغیب‌مداری، کارمداری، تحول‌مداری، تفاهم‌مداری و انسان‌مداری استفاده شد. نتیجه‌گیری می‌شود از نظر ویژگی‌های شخصیتی مدیران مسئولیت‌پذیری بیشتری نسبت به تفکر ابتکاری و جامعه‌پذیری در محیط بیمارستانی احساس می‌کردند. رهبری کارمدار بهترین مدل رگرسیون است که متغیرهای دوستی و همکاری، ضابطه‌ها، خطر پذیری بهترین ترکیب برای پیش بینی آن است. رهبری در نظام سلامت در هر کشوری باید رهبری اثربخش، کارمدار، جامعه‌پذیر با تفکری ابتکاری که قادر به پیش‌برد امور و انجام رسالت خویش باشد.

کلید واژه‌ها: رهبری، اثر بخشی، آموزش، نظام سلامت

(S.5201) نشست: ۵۲، ارائه شفاهی: ۱

بررسی تاثیر نظارت و مشاوره آموزشی در ارتقای کیفیت آموزش بالینی در گروه بیماری های داخلی دانشکده پزشکی بقیه الله (عج)

دکتر مرضیه لک^۱، دکتر بیات نوشین^۲، دکتر حسینی محبوبه سادات^۳، آقای مجتبی خواجه آزاد^۴
۱- تهران- خیابان ملاصدرا- دانشکده پزشکی- دفتر توسعه آموزش، marziehlak@yahoo.com

۲- تهران- خیابان ملاصدرا- دانشکده پزشکی- گروه داخلی

۳- تهران- خیابان ملاصدرا- دانشکده پزشکی- گروه داخلی

۴- تهران- خیابان ملاصدرا- دانشکده پزشکی- دفتر توسعه آموزش، mkhajehazad@yahoo.com

مقدمه: نظارت و راهنمایی آموزشی از موثرترین و شناخته شده ترین تکنیک های رهبری آموزشی است. گروه بیماری های داخلی دانشکده پزشکی بقیه الله (عج) در مشاوره های آموزشی دفتر توسعه آموزش مشارکت فعال داشته است. هدف این مطالعه بررسی تاثیر نظارت و مشاوره های آموزشی در ارتقای کیفیت آموزش بالینی دوره پزشکی عمومی این گروه ب ود.

روش: این مطالعه کیفی به روش پژوهش در عمل (Action Research) و با استفاده از ابزارهای محقق ساخته شامل ۱. چک لیست «ارزیابی دوره ای گروه های بالینی» و ۲. فرم «نظارت بر اجرای صحیح طرح دوره» انجام شد. با مشارکت مدیر، معاون آموزشی و اساتید گروه و تیم کارشناسان آموزش پزشکی، سه مرحله مشاوره آموزشی با هدف ارتقای کیفیت آموزش بالینی گروه انجام شد. در هر مشاوره اطلاعات گروه به روش مشاهده اسناد و مصاحبه در ۶ معیار شامل ۱. اهداف آموزشی، ۲. طرح دوره (3 Course plan). لاگ بوک، ۴. اطلاع رسانی، ۵. پرونده نویسی و ۶. ارزشیابی توسط چک لیست «ارزیابی» در مقیاس لیکرت جمع آوری شد. همچنین یک ماه پس از آخرین مشاوره، با استفاده از فرم «نظارت» به صورت تصادفی در ۴۰ نوبت، استقرار برنامه درسی مصوب در ۸ معیار شامل ۱. گزارش صبحگاهی، ۲. آموزش در بخش، ۳. آموزش درمانگاهی، ۴. آموزش مهارت عملی، ۵. آموزش کلاسی، ۶. آموزش در اورژانس، ۷. پرونده نویسی کارآموزان و ۸. پرونده نویسی کارورزان ارزشیابی شد. و نتایج هر معیار در بازه ای از صفر تا ۲ با تعریف عملیاتی صفر: فعالیت آموزشی انجام نشد؛ یک: انجام فعالیت آموزشی استاد محور و دو: انجام فعالیت آموزشی مبتنی بر تعامل استاد و دانشجو به دست آمد. میانگین و خطای استاندارد میانگین هر ۱۴ معیار توسط نرم افزار Prism و آزمون های آماری تحلیل شد.

یافته ها: در مجموع براساس ۶ معیار ارزیابی دوره ای، میانگین درصد امتیاز این گروه از $(4/6 \pm 10/6\%)$ برای دوره کارورزی و $(6/02 \pm 21/21\%)$ برای کارآموزی در مشاوره اول به ترتیب به $(6/74 \pm 59/1\%)$ و $(6/82 \pm 56/82\%)$ در مشاوره سوم افزایش یافته بود $(P \text{ value} < 0/0001)$. تست تعقیبی (Post hoc) نشان داد که این افزایش در همه معیارها بجز دو معیار پرونده نویسی و ارزشیابی معنادار بوده است. نتایج فرم نظارت نیز نشان داد که این گروه از هر ۸ روش آموزشی با کیفیت اجرای $(10/73 \pm 71/96\%)$ استفاده می کند.

بحث و نتیجه گیری: مشاوره های آموزشی در ارتقای کیفیت گروه بیماری های داخلی بسیار موثر بوده اند. عدم تغییر در معیارهای پرونده نویسی و ارزشیابی ناشی از اجرا نشدن مصوبات مشاوره بوده است. تنوع روش های آموزشی و کیفیت اجرای برنامه درسی نیز بجز در معیار پرونده نویسی دانشجویان مطلوب بود. اما کیفیت معیارهای ۶ گانه مورد ارزیابی هنوز به ۶۰٪ نرسیده است. پیشنهاد می شود روند ارتقای کیفیت گروه با بهبود معیارهای «ارزشیابی» و «پرونده نویسی» در قالب ارزشیابی درونی مبتنی بر استانداردهای ملی و جهانی پی گیری شود.

کلیدواژه ها: ارتقای کیفیت، مشاوره آموزشی، نظارت، آموزش پزشکی عمومی، آموزش بالینی، گروه داخلی، دانشکده پزشکی بقیه الله (عج)

(S.5202) نشست: ۵۲، ارائه شفاهی: ۲

سیستم اطلاعات بالینی و تحقیقاتی بیماری‌های روماتیسمیدکتر هادی پورمقیم^۱، دکتر رضا طالبی^۲، میرسجاد امیری^۳

۱- بیمارستان فیروز گر، hadipoormoghim@yahoo.com

۲- مدیریت آمار و فناوری اطلاعات دانشگاه علوم پزشکی ایران

۳- مدیریت آمار و فناوری اطلاعات دانشگاه علوم پزشکی ایران

بیمارستان فیروزگر، درمانگاه بیماران سرپایی روماتولوژی

مقدمه: سیستم اطلاعات بالینی و تحقیقاتی بیماری‌های روماتیسمی یک نرم‌افزار می‌باشد که اطلاعات بالینی بیماران با استفاده از کامپیوتر به صورت دیجیتالی ذخیره می‌شود.

روش: بوسیله CRIS امکان گردآوری اطلاعات بیماران جهت تصمیم‌گیری بالینی و نیز تحقیقات بالینی فراهم می‌شود. در این نرم افزار اطلاعات بالینی بیماران در فرمت‌های آماده ثبت می‌شود و داده‌های بیماران به وسیله مستندات پذیرفته شده روماتولوژی ترکیب شده و بصورت گزارش ارائه می‌شود.

یافته‌ها: داده‌های بالینی، آزمایشگاهی و درمان بیماران، در طول زمان آنالیز می‌شود و نتایج به صورت نمودار یا جدول ارائه می‌شود و تفاوت در اندکسهای فعالیت بیماری‌ها محاسبه می‌شود و پیشنهادات درمان به درمانگر ارائه می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری: سیستم CRIS به عبارتی یک سیستم پشتیبانی تصمیم‌گیری می‌باشد که اطلاعات را بصورت داده‌های ساختارمند در آورده که می‌تواند جهت جستجوهای بعدی و گزارش‌دهی مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: پرونده کامپیوتری بیماران CPR، سیستم حمایت از تصمیمات بالینی، پرونده سلامت الکترونیک EHR، پرونده پزشکی سلامت EMR، بیماری‌های روماتیسمی، ورود اطلاعات ساختارمند

(S.5203) نشست: ۵۲، ارائه شفاهی: ۳

آموزش پزشکی قرن ۲۱: کار دسته جمعی و رهبری

فائزه دهقان*، دکتر ایرج میرزایی دیزگاه

* استادیار دانشگاه علوم پزشکی ارتش drdehghanf@yahoo.com

دانشگاه علوم پزشکی ارتش - مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

سیستم ارائه خدمات بهداشتی درمانی نوین پیچیده و به سرعت در حال تغییر است. نقش و مسئولیت‌های پزشکان با این تغییرات رو به توسعه است و آن مستلزم دانش و مهارت‌های جدید برای پزشکان امروز و فردا است. مهارت‌هایی که در برنامه آموزشی پزشکی سنتی شامل نمی‌شده است. برای مدیریت بهینه مراقبت افراد و گروه‌های بیماران، پزشکان باید بفهمند چگونه سیستم‌های مراقبتی عمل می‌کنند و چطور باید به طور موثر آن سیستم‌ها را به کار ببرند. کار بالینی موثر و با کیفیت بالا در این محیط مستلزم آن است که پزشک یک عضو و اغلب یک رهبر از تیم‌های بسیاری باشد که باید با یکدیگر کار کنند تا خدمات بهداشتی را ارائه دهند. نیروهایی که نقش و مسئولیت‌های پزشکان امروزی را تغییر می‌دهد از منابع بسیاری شامل تحقیقات بالینی و بیومدیکال، بیوتکنولوژی، علوم مدیریت اطلاعات، انفورماتیک پزشکی، اقتصاد، سیاست و البته بیماران ما می‌آیند. برای تعامل با این نیروها، پزشکان باید اصول نخستین را در مهارت‌های جدیدی نظیر مراقبت مبتنی بر سیستم‌ها، پزشکی مبتنی بر شواهد، مراقبت استاندارد مبتنی بر پیامد، طب جمعیت، مدیریت کیفیت و مدیریت دسترسی و اطلاعات به خوبی یاد بگیرند. همراه با این شایستگی‌های جدید، پزشکانی که در سیستم خدمات بهداشتی قرن ۲۱ کار می‌کنند باید مطلع و ماهر در دینامیک رهبری و تیم شامل عملکرد و فرهنگ سازمان‌ها باشند. آموزش پزشک حرفه‌ای باید شامل مفاهیم پایه ساختار سیستم و



دولت اسلامی ایران

فصلنامه علمی پژوهشی

مطالعات و پژوهش

عملکرد و مفاهیم رهبری موثر باشد. در نظر گرفتن آن در برنامه آموزشی دانشجویان پزشکی برای کسب مهارت‌های مورد نیاز ضروری است. مهمترین عناوین این برنامه آموزشی جدید عبارتند از: ۱- روانشناسی کار دسته جمعی و رهبری ۲- تجارب بالینی با تیم‌های مراقبت‌های بهداشتی ۳- رهبری و مدیریت در سازمان‌ها. شایعترین برنامه آموزش برای تدریس کار دسته جمعی و رهبری، استفاده از راندهای بالینی است. در این روش نقش، مسئولیتها و تعامل بین پزشکان و دیگر اعضای تیم رشته‌های چندگانه نشان داده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: رهبری، آموزش، پزشکی، برنامه درسی

(S.5204) نشست: ۵۲، ارائه شفاهی: ۴

بررسی مقایسه ای تاثیر و پیاده سازی استراتژی آموزش بر مبنای حل مسأله و سخنرانی در ارتقاء مهارت‌های

تصمیم گیری و حل مشکل

دکتر احمد جنیدی جعفری*

*دانشیار گروه بهداشت محیط دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی ایران

Ahmad_jonidi@yahoo.com

مقدمه: روش تدریس بر پایه حل مسأله (PBL) یکی از روشهای تدریس است که بر پایه دانشجو محوری طراحی شده است و مدرس نقش تسهیل کننده فرایند یادگیری و جهت دهنده فعالیتهای آموزشی به سمت اهداف آموزشی را بعهده دارد در حالیکه در روش بر پایه سخنرانی محوریت آموزش بر عهده مدرس است و دانشجو گاهی حتی ممکن است فرصت تفکر که امری ضروری در یادگیری است را نداشته باشد. هدف از این مطالعه ارزیابی مقایسه ای تاثیر و پیاده سازی استراتژی آموزش بر مبنای حل مسئله (PBL) و سخنرانی (LC) در ارتقاء مهارتهای تصمیم گیری و حل مشکل می باشد.

روش: در این مطالعه چهار دوره از دانشجویانی بهداشت محیط که درس آلودگی هوا را انتخاب کرده بودند مشتمل بر ۱۱۰ نفر دانشجو مورد بررسی قرار گرفت. تدریس دانشجویان بهداشت محیط در هر دوره فقط با یک روش انجام شد البته انتخاب روش پس از یک توضیح مختصر در جلسه اول بعهده خود دانشجویان واگذار شد و ارزیابی از دانشجویان بر پایه سه سطح ارزیابی در پایان هر نیمسال و وسط نیمسال و کار کلاسی انجام شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که نمرات دانشجویان با روش PBL نسبت به دانشجویان با روش سخنرانی بالاتر بود. ($P < 0/01$). دانشجویان دختر توانایی یافتن پاسخ سوالات با سطح تاکسونومی ۱ و ۲ را نسبت به دانشجویان پسر بیشتر نشان دادند ($P < 0/03$) ولی دانشجویان پسر استدلال بالاتر و سوالات با تاکسونومی ۳ را بهتر پاسخ می دادند. ($P < 0/05$) دانشجویان اظهار می داشتند که در روش سخنرانی نسبت به روش بر پایه حل مسئله کمتر وقت صرف مطالعه می کردند.

بحث و نتیجه گیری: روش تدریس بر پایه حل مسئله می تواند به عمق درک مطلب و مطالعه بیشتر در دانشجویان منجر شود و نهایتاً نسبت به حل مشکلات توانایی بهتری از خود بروز می دادند و لیکن تصور ذهنی دانشجویان از این روش هنوز بخوبی روش سخنرانی نیست.

کلیدواژه‌ها: روش تدریس، دانشجو محور، مدرس محور، روش سخنرانی، روش حل مسأله

(S.5401) نشست: ۵۴، ارائه شفاهی: ۱

بررسی نظرات اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین در خصوص تعالی آموزشی در علوم پزشکی،

۱۳۸۸

فاطمه سمیعی راد*، دکتر عباس داننده پور، دکتر محمدحسن کریم‌فر، دکتر نعمت‌الله غیبی

* استادیار دانشگاه علوم پزشکی قزوین، fsamieerad@gmail.com

دانشگاه علوم پزشکی قزوین

مقدمه: شتاب یافتن و گسترش تکنولوژی و علم در جهتی است که تأکید بر به خاطر آوردن محاسبات و حقایق سریع و بر مبنای داده‌ها و نیز اهمیت یافتن مهارت‌های تحلیلی سریع بیش از پیش احساس می‌شود. امروزه یادگیری نیاز به افزایش مبانی و ظرفیت دریافت و پذیرش دانش و استفاده از آن برای حل مسائل را دارد، آموزش علوم پزشکی فرآیندی است که با ورود دانشجو به دانشکده شروع شده و با توقف عملکرد حرفه‌ای یک پزشک یا پیراپزشک پایان می‌یابد. بدین ترتیب آموزش مقدماتی پزشکی یا پیراپزشکی تنها بخش کوچکی از این آموزش می‌باشد. مؤثرترین و متعالی‌ترین آموزش وقتی است که ما به دانشجویان مان می‌آموزیم چطور فکر کنند و چگونه در سال‌های متممادی زندگی و کار حرفه‌ای خود که در پیش رو دارند، بیاموزند. لزوم گرایش به این سبک آموزشی در رشته‌هایی نظیر پزشکی و پیراپزشکی، با توجه به پیامدهای مستقیم آن بر روی زندگی انسان بیش از پیش اهمیت پیدا می‌کند. والتون و ماتو معتقد هستند که برخی از پزشکان با برنامه درسی معمول مدارس پزشکی قادر به کسب اطلاعات جدید می‌باشند، ولی بسیاری از آنها به طور مؤثری قادر به انجام آن نمی‌باشند. هدف مطالعه حاضر، بررسی نظرات اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین در خصوص تعالی آموزشی در علوم پزشکی می‌باشد.

روش: پژوهش حاضر یک تحقیق کیفی و توصیفی است که از طریق مصاحبه ساختارمند با فرمت استاندارد با ۱۰ نفر مطلع آموزشی دانشگاه صورت گرفت و اطلاعاتی در مورد تعالی آموزشی بدست آمد. در این بررسی با طرح سؤالات، در خصوص مشخصه‌های دانش‌آموختگان توانمند به نیازها و بستر مناسب جهت دستیابی به شاخص‌های تعالی آموزشی دست یافتیم. دیدگاه‌های آنان با استفاده از روش مقوله‌بندی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: ما به دلیل پشتوانه‌های فرهنگی و دینی خود باید به طور جدی مقوله تعالی آموزشی را سرلوحه برنامه‌ها و تصمیم‌گیری‌های خود قرار می‌دادیم. استقلال در یادگیری، مدیریت خودمحور، جستجو، ارزیابی نقادانه و آموزش دستیابی به سطوح بالای یادگیری از ارکان اساسی تعالی آموزشی محسوب می‌شود. ایجاد توانمندی‌های ذیل در دانشجویان جهت نیل به تعالی آموزشی در علوم پزشکی ضروری است: ۱- مهارت‌های ارتباطی (مهارت‌های خواندن، نوشتن، صحبت کردن و گوش کردن) ۲- مهارت‌های یادگیری خودمحور ۳- مهارت-های جستجو در محیط‌های الکترونیکی و کتابخانه (مهارت‌های دستیابی به اطلاعات) ۴- مهارت‌های مطالعه و استراتژی‌های یادگیری (تاکتیک‌های یادگیری و بخاطر سپاری موضوعات) ۵- مهارت‌های فراشناختی (مهارت‌های فراشناختی شامل خودآگاهی، خودنظارتی و خود-تنظیمی می‌باشد) ۶- مهارت‌های تفکری سطوح بالا (تفکر نقادانه، استدلال، پرسش، استفاده از فرآیندهای علمی تفکر درباره سیستم‌های پیچیده، تفکر کل‌نگر، تفکر انتزاعی، خلاقیت)

بحث و نتیجه‌گیری: بدیهی است، پرورش دانش‌آموختگانی که دارای ویژگی‌های مزبور باشند، مستلزم برنامه درسی و سازمان‌دهی مجدد دوره‌ها و روش‌های آموزشی است. اجزای چنین برنامه‌ای دارای ویژگی‌های خاص است. برای اجرای این برنامه از راه کارهای متعدد و متنوعی می‌توان استفاده نمود، اما بررسی چگونگی به کارگیری آنها متناسب با شرایط و امکانات موجود در دانشگاه‌های کشور ما، مستلزم انجام پژوهش است.

کلیدواژه‌ها: تعالی آموزشی، علوم پزشکی

(S.5402) نشست: ۵۴، ارائه شفاهی: ۲

مفاهیمی در توسعه آموزش: مطالعه کیفی تجارب اعضای هیئت علمی و کارشناسان مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

زهره قاسمی*، پرویز فلاح عابد، فاطمه سمیعی راد، نوید محمدی

* کارشناسی ارشد دانشگاه علوم پزشکی قزوین

دانشگاه علوم پزشکی قزوین، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

مقدمه: اطمینان از نقش رهبری آموزشی مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی و حمایت این مرکز در سیاست‌گذاری‌های آموزشی دانشگاه، یکی از مهم‌ترین فرآیندهایی است که منجر به ارتقاء کیفیت آموزش در سطح دانشگاه می‌شود. مطالعه حاضر مفاهیم مربوط به این نقش را تصویر می‌کند.



روش: در این مطالعه کیفی از رویکرد پدیدة شناسی استفاده شد و فعالیت‌های جاری یک مرکز EDC و ۴ مرکز EDO وابسته آن مورد مشاهده قرار گرفت. ۱۶ نفر عضو فعال این مراکز مورد مصاحبه بدون ساختار قرار گرفتند. تجزیه و تحلیل اطلاعات به روش کلایزی صورت گرفت. روایی و پایایی مطالعه از طریق توجه به چهار محور ارزش واقعی، کاربردی بودن، تداوم و مبتنی بر واقعیت بودن حاصل شد.

یافته‌ها: متن مصاحبه‌های استخراج شده، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و کدهای مفهومی از آن استخراج و سپس کدها به چند مفهوم اصلی دسته بندی شدند. این مفاهیم که بر اساس فعالیت‌های مرکز به دست آمده عبارتند از: ۱- Academic capacity building ظرفیت سازی علمی 2- policy making of Academic Support حمایت از سیاست گذاری علمی 3- فعالیت-های اجرایی آموزش و تداخل آن با رسالت مرکز

بحث و نتیجه گیری: نتایج پژوهش حاضر با تأکید بر نقش مرکز مطالعات و توسعه آموزشی علوم پزشکی در ارتقای کیفیت آموزشی دانشگاه، ویژگی‌ها و مفاهیمی را آشکار می‌سازد که توجه به آنها در تسهیل روند جاری و پرداختن به نقش اصلی این مرکز که رهبری آموزشی و حاکمیت علمی در همه عرصه های آموزشی است را وسعت می‌بخشد.

کلیدواژه‌ها: رهبری آموزشی، ظرفیت سازی علمی، توسعه آموزش

(S.5403) نشست: ۵۴، ارائه شفاهی: ۳

بررسی تأثیر اجرای بند دانش پژوهی آئین نامه ارتقا بر کیفیت فعالیت‌های آموزشی اعضای هیئت علمی

محبوبه صابر *، هاجر شیعه، دکتر جواد کجوری

* کارشناس ارشد دانشگاه علوم پزشکی شیراز، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

saber_mahboobeh@yahoo.com

دانشگاه علوم پزشکی شیراز مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

مقدمه: فرایند دانش پژوهی با ابلاغ آئین نامه جدید ارتقا در دانشگاه‌ها آغاز شد و اجرای آن با مخالفت‌های پراکنده همراه بود. امروز با گذشت نزدیک ده ماه از اجرای آن در دانشگاه به تدریج تأثیرات مثبت آن را مشاهده می‌کنیم. در این پژوهش به بررسی تأثیر دانش پژوهی بر کیفیت فعالیت‌های آموزشی اعضای هیئت علمی پرداخته‌ایم. فعالیت‌های آموزشی که بررسی شده‌اند شامل: طرح درس و طرح دوره، راهنمای مطالعه و شیوه‌های نوین آموزشی است.

روش: در این تحقیق مقایسه‌ای بین کیفیت فعالیت‌های آموزشی انجام شده شامل: طرح درس و طرح دوره، راهنمای مطالعه و شیوه‌های نوین آموزشی در ۶ ماه گذشته (مرداد تا بهمن ۸۸) و ۶ ماه سال گذشته (مهر تا اسفند ۸۷) انجام شد. برای بررسی کیفیت فعالیت‌های مذکور چک لیست‌هایی تهیه شد که مبنای بررسی در این دو بازه زمانی بود. چک لیست طرح دوره ۱۷ مورد، طرح درس ۱۴ مورد و راهنمای مطالعه ۱۳ مورد را بررسی می‌نمود.

یافته‌ها: در این بررسی کیفیت ۳۵ طرح درس ۱۲ طرح دوره و ۲۱ راهنمای مطالعه که به‌عنوان مدارک دانش پژوهی-گروه آزمایشی- تهیه شده بود با کیفیت ۲۷ طرح درس ۹ طرح دوره و ۱۵ راهنمای مطالعه- گروه کنترل- مقایسه شد. میانگین نمره کیفیت طرح درس‌های گروه کنترل ۷/۳ در حالیکه میانگین نمره گروه آزمایشی ۱۰/۸ از ۱۴ نمره بود. در بررسی کیفیت طرح دوره‌ها میانگین نمره ۱۲ طرح دوره گروه آزمایشی از ۱۷ معادل ۱۴/۲ و در گروه کنترل معادل ۹ بود. میانگین نمره کیفیت راهنمای مطالعه در گروه آزمایشی ۱۱ و در گروه کنترل ۱۰/۳ از ۱۳ بود. در بررسی روش‌های نوین آموزش با توجه به آنکه قبل از برنامه دانش پژوهی این نوع فعالیت‌ها مستند و ارائه نمی‌شد امکان مقایسه نبود اما کیفیت روش‌های نوین ارائه شده بر اساس معیارهای کلاسیک بررسی شد. تعداد روش‌های نوین دریافت شده ۱۹ عدد بود که در ۴ مورد بیش از ۸۰٪ از معیارهای کلاسیک رعایت شده بود و روش‌های ارائه شده از کیفیت مناسبی برخوردار بودند در ۹ مورد دیگر بین ۴۰٪ تا ۸۰٪ از معیارهای کلاسیک رعایت شده بود و در ۶ مورد کمتر از ۴۰٪ از معیارهای کلاسیک لحاظ شده بود.

بحث و نتیجه گیری: بر اساس نتایج این تحقیق، دانش پژوهی بر کیفیت فعالیت‌های اعضای هیئت علمی تأثیر مثبت داشته است. با توجه به برنامه‌های آموزشی که برای اساتید برگزار می‌شود، اطلاعات آن‌ها هر روز کامل‌تر می‌گردد و بخشی از اختلاف گروه کنترل و آزمایشی مرسوم این امر است، اما وجود برنامه‌های هدفمند در ارزشیابی و ارتقا برای سوق دادن ایشان به سمت فعالیت‌های آموزشی که

حائز معیارهای دانش پژوهی باشد سبب تأثیرات شگرف در رویکرد اساتید نسبت به فعالیتهای آموزش خواهد شد. خصوصاً در شرایطی که عملاً تا قبل از این مصوبه اعضای هیئت علمی با داشتن معیارهای پژوهشی امتیازات آموزشی مانعی برای ارتقا ایشان نبود.

کلیدواژه‌ها: کلمات کلیدی، دانش پژوهی، کیفیت آموزش، معیار گلاسیک

(S.5404) نشست: ۵۴، ارائه شفاهی: ۴

استفاده از مدل‌های تعالی سازمانی، نگاهی نو به رهبری در آموزش پزشکی

رضا دهنویه*، سمیه نوری حکمت، بنت الهدی ودیعی، رضانی

* استادیار دانشگاه علوم پزشکی کرمان rdehnavi@gmail.com

دانشگاه علوم پزشکی کرمان، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی

مقدمه: علی‌رغم اینکه مدت زیادی از زمان ظهور مدل تعالی سازمانی EFQM در دنیا نمی‌گذرد. اما مزایای بسیار این مدل باعث شد تا به‌شدت از سوی سازمان‌های مختلف از جمله مراکز آموزشی مورد استفاده قرار گیرد. در بعضی از کشورها این موضوع از پشتیبانی وزارتخانه‌های مربوطه نیز برخوردار شده است. در کشور ما نیز اخیراً استفاده از این مدل در برخی مراکز آموزشی آغاز شده و انتظار می‌رود که دانشکده‌های دیگری نیز در سطح وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تمایل به استفاده از این مدل داشته باشند. با توجه به تجارب داخلی و خارجی در زمینه استفاده از مدل تعالی EFQM به خصوص در مراکز آموزشی داخلی و خارجی به نظر می‌رسد که دسته‌بندی و استفاده از تجارب و شناخت عوامل مؤثر در استفاده مناسب از این مدل در بخش آموزش، می‌تواند به استفاده مؤثر از این در دانشکده‌ها کمک نماید. هدف از انجام این مطالعه دسته‌بندی تجارب مرتبط داخلی و خارجی و تعیین عوامل مؤثر بر استفاده از این تجارب است.

روش: این مطالعه از نوع مطالعات توصیفی و مروری است که در آن با استفاده از مرور منابع و مقالات موجود سعی گردید تا مهمترین عوامل موفقیت در استفاده از مدل EFQM تعیین گردد. در نهایت ۲۲ مقاله قابل استفاده تشخیص داده شد و سعی گردید تا عوامل مؤثر از این مطالعات استخراج گردد.

یافته‌ها: مهمترین عوامل مؤثر در موفقیت استفاده از مدل EFQM در بخش آموزش شامل پشتیبانی مدیران ارشد و تسهیل امور، داشتن رویکرد پایین به بالا، مبتنی بر فلسفه بهبود حرکت کردن، تبدیل مدل عمومی EFQM به مدل خاص مراکز آموزشی، وجود تسهیل‌کننده‌های خبره و توجه سیستم رهبری مرکز آموزشی به منافع کلیه ذی‌نفعان است.

بحث و نتیجه‌گیری: می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که با توجه به استفاده گسترده از مدل EFQM در مراکز آموزشی در گام اول می‌بایست مزایای استفاده از چنین مدلی در رهبری مراکز آموزشی برای سازمان‌های آموزشی تشریح شود و در مرحله بعد با توجه به عواملی نظیر تعهد و حمایت مددیاران مراکز آموزشی، درگیر نمودن کلیه سطوح، توجه به فلسفه استفاده از مدل، تهیه مدلی خاص در بخش آموزش کشور و انتخاب و آموزش تسهیل‌گران و توجه به منافع کلیه ذی‌نفعان موجبات استفاده مناسب از این مدل را در این مراکز فراهم کند.

کلیدواژه‌ها: مدل‌های تعالی EFQM، رهبری، آموزش پزشکی

(S.6401) نشست: ۶۴، ارائه شفاهی: ۱

رهبری در محیط آموزش بالینی

طاہرہ خزاعی*، محمد رضا حاجی آبادی، طیبہ خزاعی

* دانشکده پیراپزشکی گروه اطاق عمل و هوشبری، azar.khazaei@yahoo.com

مقدمه: هدف آموزش پزشکی تربیت نیروهای با کفایت و شایسته برای ارائه خدمت در محیط‌های متفاوت بهداشتی و درمانی است. یکی از اهداف مهم آموزش دانشجویان اطاق عمل تربیت نیروهایی است که در اطاق عمل بتوانند در سلامت و بهبود بیمار مشارکت داشته باشند. آموزش ارائه شده به این دانشجویان باید بتواند توانایی و تصمیم‌گیری مستقل بالینی در حین عمل جراحی را به آنها بدهد.

دانشجویان در طول دوران کارآموزی با مشکلات عدیده‌ای روبرو هستند و این مطالعه با کاوش و توصیف معانی چالش‌ها و احساسات تجربه شده آنها انجام گرفته است.

روش: این مطالعه کیفی از نوع گراند تئوری است که بر روی ۲۰ نفر از دانشجویان ترم آخر دوره کاردانی اطلاق عمل با نمونه‌گیری هدفمند انجام شد. از مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد و تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش استراوس و کوربین انجام شد.

یافته‌ها: یافته‌ها در قالب ۵ درونمایه اصلی: ۱- چالش فضای فیزیکی و وسایل اطلاق عمل ۲- جایگاه دانشجو در اطلاق عمل ۳- یک‌پارچه کردن دانش و عمل ۴- اداره محیط آموزش ۵- دیدگاه دانشجو در مورد اطلاق عمل و کار در آن به‌دست آمدند.

بحث و نتیجه‌گیری: مصاحبه با دانشجویان بصیرتی را در خصوص چالش‌های محیط آموزشی که دانشجویان با آن در دوران تحصیل خود مواجه بودند، فراهم نمود. مدرسان با استفاده از نتایج این مطالعه می‌توانند بر اساس تجربیات و نظرات مشارکت‌کنندگان، فضای مثبتی برای یادگیری دانشجویان ایجاد نمایند و سبب شوند تا علاقه دانشجویان به تحصیل تداوم یابد.

کلیدواژه‌ها: آموزش بالینی، دانشجویان اطلاق عمل، چالش

(S.6402) نشست: ۶۴، ارائه‌شده: ۲

بررسی رابطه سبک رهبری و رضایت شغلی بین کارکنان دانشکده علوم پزشکی اردبیل

مهناز جویانی^{۱*}، ناصر شکری^۲، مریم دیده‌دار^۳

۱. کارشناس ارشد مدیریت آموزشی مسئول اداره EDO دانشگاه آزاد اردبیل

۲. کارشناس ارشد بیوشیمی دانشگاه آزاد اردبیل

۳. دانشجوی دکتری روانشناسی دانشگاه آزاد اردبیل

مقدمه: نظر به اهمیت و نقش تعیین‌کننده سبک رهبری بر کارکردها و عوامل گوناگون سازمان و در نتیجه، تاثیر آن بر برداشت‌های شغلی کارکنان و فراهم نمودن زمینه افزایش رضایت شغلی آنها، مشخص شدن سبک رهبری آموزش پزشکی ضروری است. از این رو هدف در پژوهش حاضر بررسی نقش سبک رهبری و تاثیر آن بر رضایت شغلی کارکنان دانشکده علوم پزشکی است.

روش: این تحقیق از نوع توصیفی-همبستگی است. کلیه کارکنان دانشگاه به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند (۳۴ نفر). جهت گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌های استاندارد استفاده گردید، و جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار آماری spss استفاده شد. سبک رهبری که یکی از عوامل نه‌گانه فرهنگ سازمانی پرسشنامه هافستد می‌باشد. سبک رهبری مورد بررسی در این پرسشنامه به ترتیب به صورت سبک رهبری محافظه کارانه، هدایت و هدف‌مدار، فردی و مخاطره‌پذیر و حمایتی و دوستانه می‌باشد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد عامل سبک رهبری هدایتی و هدف‌مدار در بین کارکنان علوم پزشکی در محدوده ۱۴/۲۲ قرار می‌گیرد. تفاوت معنی‌داری از لحاظ رضایت شغلی بین زنان و مردان وجود نداشت. رضایت شغلی (JDI) که با دامنه اعداد (۱۹۵ تا ۳۹) به بررسی ۵ بعد رضایت شغلی یعنی کار، سرپرست، همکار، ارتقاء و پرداخت، پرداخته بود، معادل ۱۱۹/۴۵ بدست آمد که رضایت شغلی کارکنان دانشکده اردبیل را متوسط (از طیف خیلی کم- کم - متوسط - زیاد - خیلی زیاد) تعیین نمود.

بحث و نتیجه‌گیری: این بررسی نشان می‌دهد که سبک رهبری حمایتی و دوستانه از ضروریات پیشرفت و ترقی دانشکده‌های پزشکی و یکی از عوامل مهم رضایت شغلی کارکنان دانشکده پزشکی می‌باشد و در شکل‌گیری فرهنگ سازمانی مشارکتی نقش اساسی دارد.

کلیدواژه‌ها: سبک رهبری، رضایت شغلی، دانشکده علوم پزشکی

(S.6403) نشست: ۶۴، ارائه شفاهی: ۳

بررسی محیط آموزشی بخش‌های بالینی زنان و زایمان بر اساس مدل DREEM از دیدگاه دستیاران در بیمارستان‌های آموزشی تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی ایران - سال ۱۳۸۸
جلیل کوهپایه زاده*، سید کامران سلطانی عربشاهی، مریم کاشانیان، حمید رضا برادران
* دانشیار دانشگاه علوم پزشکی ایران Edc Jkuhpayeh@Yahoo.Com
دانشگاه علوم پزشکی ایران

مقدمه: برنامه‌های آموزشی برای بهبود و حفظ کیفیت آموزشی در مؤسسات تلاش دارند تا خود را به استانداردهای مطلوب برای فعالیت‌های یاددهی و یادگیری برسانند. ارزشیابی آموزشی از برنامه‌ها به منظور تعیین میزان دستیابی به کیفیت مطلوب ضروری است. برای ارزشیابی ابزارهای تشخیصی گوناگونی پیشنهاد شده است. یکی از این ابزارها استفاده از الگوی DREEM (Dundee Ready Education Environment Measure) است که بعنوان ابزار تشخیصی برای بررسی مشکلات درسی و نیز اثربخشی تغییر در آموزش و شناسایی تفاوت محیط واقعی با محیط مطلوب بکار می‌رود. این ابزار آتمسفر محیط آموزشی و یادگیری را اندازه می‌گیرد. هدف از این مطالعه بررسی نظرات دستیاران بخش زنان و زایمان نسبت به محیط آموزشی بر اساس مدل DREEM در ۳ بیمارستان آموزشی دانشگاه علوم پزشکی ایران است.

روش: این مطالعه از نوع مقطعی و با استفاده از ابزار استاندارد DREEM با مختصر تغییرات متناسب با فرهنگ ملی در بخش بالینی زنان و زایمان در ۳ بیمارستان آموزشی (رسول اکرم (ص)- فیروزگر و اکبرآبادی) انجام شد. پرسشنامه‌ها در قالب ۵۰ سؤال خود ایفاء به صورت مقیاس درجه‌بندی ۵ درجه‌ای در پنج حیطه یادگیری- استادان- درک دانشجو از توانایی علمی خود- آتمسفر و فضای حاکم بر محیط آموزشی و درک دانشجو از شرایط اجتماعی خود توسط دستیاران (۸۰ نفر) تکمیل گردید. داده‌های حاصل توسط نرم‌افزار SPSS ۱۱ تجزیه و تحلیل شد. مطالعه آزمایشی بر روی ۱۰ دانشجو برای تعیین پایایی و روایی پرسشنامه انجام شد.

یافته‌ها: ۱۰۶/۲٪ از مجموع ۲۰۰ امتیاز مطلوب محاسبه شد که گرایش بیشتر به سمت مثبت را نشان داد. میانگین حیطه‌های پنج‌گانه تفاوت معنی‌داری را نشان نداد و به ترتیب عبارتند از ۱۱۲/۸٪، میانگین امتیازات کسب شده در پنج حیطه (۹۵٪ تا ۱۰۱/۸٪ CI) حیطه یادگیری ۲۴/۱ از ۴۸ امتیاز مطلوب، استادان ۲۴/۷ از ۴۴ امتیاز مطلوب، درک دانشجو از توانایی علمی خود- ۱۹/۵ از ۳۲ امتیاز مطلوب، آتمسفر و فضای حاکم بر محیط آموزشی ۲۴/۸ از ۴۸ امتیاز مطلوب و درک دانشجو از شرایط اجتماعی خود ۱۳/۷ از ۲۸ امتیاز مطلوب. نظرات دو جنس در فراگیران تفاوت معنادار نشان نداد.

بحث و نتیجه‌گیری: اگرچه محیط آموزشی بخش‌های بالینی زنان در دانشگاه با گرایش بیشتر به سمت مثبت ارزیابی شد. اما توجه بیشتر استادان به رعایت اصول طراحی آموزشی و ایجاد فضای مناسب آموزشی به منظور یادگیری بهتر دانشجو ضروری است. علاوه بر آن دانشگاه باید برای بهبود شرایط خارج از تحصیل دانشجو با فراهم نمودن برنامه‌های تفریحی- هنری ورزشی و گردش‌های سیاحتی انگیزه و نشاط دانشجویان را برای یادگیری افزایش دهد. این مطالعه نشان داد که الگوی DREEM می‌تواند برای پایش و سنجش اصلاح و تغییر در برنامه کاربرد داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: الگوی DREEM، محیط آموزشی، بخش زنان و زایمان، دستیار بالینی

(S.6404) نشست: ۶۴، ارائه شفاهی: ۴

ارتباط بین تیپ شخصیتی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان رشته پرستاری دانشگاه علوم پزشکی قزوین

اعظم قربانی^{*}، کبری نوروزی، محمد ابراهیم ساریچلو، حسن جهانی هاشمی

^{*} مربی دانشگاه علوم پزشکی قزوین، ghorbani_az@yahoo.com

دانشگاه علوم پزشکی قزوین، دانشکده پرستاری و مامایی

مقدمه: موفقیت و پیشرفت تحصیلی دانشجویان می‌تواند موجب ایجاد انگیزه و افزایش اعتماد به نفس و موفقیت کاری بیشتر در زندگی آینده آنان شود و عدم موفقیت در اخذ مدرک تحصیلی و دانشگاهی باعث اتلاف وقت دانشجویان، احساس ناامیدی، یأس، شکست، بی تفاوتی، افسردگی و در نهایت از بین رفتن منابع مادی و انسانی می‌گردد. بنابراین، بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان که، آینده‌سازان ایران اسلامی هستند، بسیار مهم و قابل تامل است. مطالعه حاضر به منظور تعیین ارتباط تیپ شخصیتی، از دیدگاه آیزنک و پیشرفت تحصیلی دانشجویان رشته پرستاری انجام گردید.

روش: این پژوهش توصیفی-تحلیلی در نیم‌سال اول ۸۸-۱۳۸۷ بر روی کلیه دانشجویان پرستاری (۱۶۱ نفر) دانشکده پرستاری و مامایی قزوین انجام شد، آزمودنی‌ها به وسیله پرسش‌نامه اطلاعات جمعیت‌شناسی و پرسش‌نامه شخصیتی آیزنک (EPI)، مورد بررسی قرار گرفته و معدل نیم‌سال‌های تحصیلی به عنوان شاخص پیشرفت تحصیلی در نظر گرفته شد. داده‌ها با آزمون‌های آماری t، تحلیل واریانس، ضریب همبستگی پیرسون و نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: ۸۳/۹ درصد آزمودنی‌ها دختر و ۱۶/۱ درصد پسر بودند، ۱۱/۲٪ آزمودنی‌ها، درون‌گرا با ثبات هیجانی، ۱۹/۳٪ درون‌گرا با بی‌ثباتی هیجانی، ۲۵٪ برون‌گرا، با ثبات هیجانی و ۴۴/۱٪ برون‌گرا با بی‌ثباتی هیجانی بودند. آزمون آماری، بین تیپ شخصیتی و معدل، ارتباط معنی‌داری را نشان داد، یعنی افرادی که دارای شخصیت برون‌گرای بی‌ثبات هیجانی بودند، پیشرفت تحصیلی بیشتری داشتند، بین تیپ شخصیتی و معدل در گروه پسران ارتباط معنی‌داری وجود داشت، بین تیپ شخصیتی و سهمیه پذیرش در دانشگاه، تیپ شخصیتی و محل سکونت، تیپ شخصیتی و وضعیت تأهل، ارتباط معنی‌داری نشان داده نشد.

بحث و نتیجه‌گیری: چنین به نظر می‌رسد که دانشجویان برون‌گرا، در تحصیل رشته پرستاری موفق‌ترند و پیشرفت تحصیلی افراد متأثر از ویژگی شخصیتی و وضعیت روانی آنها است. لذا بررسی بیشتر مسایل روانی و شخصیتی دانشجویان و بیشتر فعال‌تر نمودن مراکز مشاوره‌ای دانشجویان، ضروری به نظر می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: تیپ شخصیتی، پیشرفت تحصیلی، دانشجویان پرستاری

(S.6501) نشست: ۶۵، ارائه شفاهی: ۱

بررسی چگونگی آموزش مهارت‌های ارتباط بین دانشجویان و بیمار از دیدگاه فراگیران گروه پرستاری-مامایی (کارآموز و کارورز) دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

راضیه باقرزاده^{*}، حکیمه واحدپرست فرحناز کمالی، طیبه غربی، لیلا دهقانی، زهره افراسیابی، مریم چنانه، سعادت فخری

^{*} مربی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر r.bagherzadeh@bpums.ac.ir

دانشگاه علوم پزشکی بوشهر دانشکده پرستاری و مامایی

مقدمه: ارتباط پایه همه تعاملات انسانی و هم‌چنین تمام امور پرستاری است. برای آنکه پرستاران بتوانند به نحو مطلوبی خدمات حرفه‌ای خود را ارائه دهند، بایستی قادر باشند ارتباط مناسب با بیمار و خانواده وی، پزشکان، سایر پرسنل و مراکز درمانی برقرار کنند. با توجه به گزارش کمبودها و مشکلات در آموزش و ارزیابی مهارت‌های ارتباطی در پرستاران و اهمیت آشنا بودن با این مهارت‌ها از زمان تحصیل و نقش مهمی که آموختن و استفاده از این مهارت‌ها در آینده شغلی افراد خواهد داشت لذا بررسی چگونگی آموزش این مهارت‌ها برای دستیابی به مسیر آموزشی و برنامه‌ریزی برای بهینه کردن آموزش در دانشگاه‌های مختلف ضروری است. از این رو پژوهش حاضر با

هدف بررسی چگونگی آموزش مهارت‌های ارتباط با بیمار از نظر فراگیران گروه پرستاری- مامایی (کارآموز و کارورز) دانشگاه علوم پزشکی بوشهر انجام گردیده است.

روش: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی-تحلیلی و از نوع مقطعی است. حجم نمونه را کلیه کارآموزان و کارورزان گروه پرستاری- مامایی تشکیل می‌دادند که از ۱۵۰ پرسشنامه توزیع شده بین دانشجویان ۱۱۵ پرسشنامه بازگردانده شد. ابزار جمع آموری اطلاعات پرسشنامه دو قسمتی پژوهشگر ساخته و کنترل شده از لحاظ روایی و پایایی بود. قسمت اول حاوی سؤالاتی در مورد خصوصیات عمومی دانشجویان بود و قسمت دوم نظرات دانشجویان را در مورد آموزش مهارت‌های ارتباطی می‌سنجید. اطلاعات بدست آمده پس از کدگذاری وارد کامپیوتر شده و با استفاده از نرم افزار SPSS 5/11 و توسط آزمونهای آماری توصیفی و تحلیلی تی و مجذور کا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در کلیه مراحل انجام مطالعه آلفا برابر ۰/۰۵ فرض گردید.

یافته‌ها: میانگین سنی شرکت کنندگان در پژوهش $21/35 \pm 1/33$ سال بود. ۵۸/۳ درصد از شرکت کنندگان دانشجوی رشته پرستاری و ۴۱/۷ درصد رشته مامایی بودند. اغلب شرکت کنندگان آشنایی خود با مهارت‌های ارتباطی را در حد متوسط ذکر نموده بودند (۵۸/۳ درصد). اغلب سطح آموزش مهارت‌های ارتباطی را ضعیف (۳۱/۳ درصد) و متوسط (۴۷/۸ درصد) ذکر کرده بودند. بیشترین روشی که فراگیران برای یادگیری انواع مهارت‌های ارتباطی ذکر نموده بودند آموزش از طریق مشاهده رفتار مربی با بیمار بود (با فراوانی بین ۲۲/۶ تا ۵۰/۴ درصد). در ۳۵/۵ درصد از شرکت کنندگان کاربرد مهارت‌های ارتباطی در حد مطلوب و در ۶۳/۵ درصد نیمه مطلوب بود. بین میانگین نمره کاربرد مهارت‌های ارتباطی با رشته تحصیلی شرکت کنندگان در پژوهش ارتباط آماری معنی دار مشاهده نشد. کارآموزان آشنایی با مهارت‌های ارتباطی را بیش از کارورزان در حد کم گزارش نموده بودند ($P=0/007$) در حالیکه کاربرد مهارت‌های ارتباطی در این دو گروه تفاوتی نداشت.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به اینکه شرکت کنندگان اغلب سطح آموزش مهارت‌های ارتباطی را ضعیف و متوسط گزارش نموده- اند و همچنین کاربرد این مهارت‌ها در اغلب آنها نیمه مطلوب است و نکته دیگر اینکه با افزایش سال‌های تحصیل و کارورز شدن دانشجویان و آشنایی بیشتر آنها با مهارت‌های ارتباطی کاربرد این مهارت‌ها مطلوبتر نگردیده است، لذا به نظر می‌رسد بازنگری در روش آموزش این مهارت‌ها ضروری می‌باشد تا ماماها و پرستارانی تربیت شوند که بتوانند بهترین خدمات را به مددجویان ارائه دهند.

کلیدواژه‌ها: مهارت‌های ارتباطی، آموزش، دانشجو

(S.6502) نشست: ۶۵، ارائه شفاهی: ۲

آموزش جراحی نوین با بررسی الگوی برنامه‌ی مدون جراحی توراکس ایران و دیگر کشورهای جهان

حمیدرضا داوری*

* دانشیار دانشگاه علوم پزشکی ایران، بیمارستان حضرت رسول davarih@sums.ac.ir

مقدمه: آموزش جراحی توراکس در زیر چتر بزرگ‌تر آموزش جراحی و نیز، در گستره‌ی آموزش پزشکی جامی‌گیرد و اثرات دو سویه و مثبت آنها، نوید بخش آموزش و آرایه‌ی کاری برتر از گذشته خواهد بود. برنامه‌ی مدون آموزش دستیاری، در حقیقت حرکت به سمت آموزش کامل‌تر و هدایت شده و تفویض تدریجی مسئولیت جراحی و دور شدن از روش پیشین شاگردی با یادگیری چند شیوه و روش جراحی است.

روش: در فرایند تدوین برنامه‌های مدون آموزشی و برنامه‌ی راهبردی جراحی قفسه صدری (توراکس) با بررسی برنامه‌های مدون آموزشی در امریکا، انگلیس، کانادا، آلمان و کشورهای اتحادیه‌ی اروپا، چالش‌های آموزشی جراحی توراکس، و تغییرات در گستره‌ی فعالیت آن بررسی شد. برنامه‌ی مدون جراحی فوق توراکس در کارگاه آموزشی تدوین برنامه‌های فوق تخصصی به عنوان الگو مورد استفاده قرار گرفت. چالش‌های آموزشی و گستره‌ی جراحی توراکس در جهان و ایران فراتر از جستارهای برنامه‌ی مدون می‌تواند به توانمند شدن آموزش جراحی توراکس و الگوی کاربردی مناسب برای دیگر شاخه‌های جراحی باشد.

یافته‌ها: در دهه‌های گذشته، آموزش دستیاری جراحی توراکس دگرگونی‌های شایان توجه بسیار داشته است. این دگرگونی‌ها در سه موضوع کاملاً نزدیک به هم، مانند محتوی آموزش (آنچه باید آموزش داد)، روش آموزش (چگونه باید آموزش داد) و مدت زمان آموزش (زمان آموزش) رخ داده است. انجمن‌های تخصصی، اعضای هیئت علمی، دانش‌آموختگان در کنار اعضای برد جراحی توراکس و مسئولان تغییرات را رقم زده است. تصویب آموزش پایه‌ی جراحی و ادامه‌ی رشته‌های تخصصی جراحی در دهه‌ی ۱۹۹۰ در آلمان و در سال‌های بعد



در اروپا، ارائه‌ی سند راهبردی جراحی توراکس اروپا و بررسی چالش‌های جراحی در دهه‌ی اول هزاره‌ی سوم در امریکا همه نشان از تداوم پویایی در آموزش دارد. استفاده از شیوه‌های نوین دیداری- شنیداری و آموزش مجازی و اینترنتی با توجه به حجم گسترده‌ی پیشرفت و دگرگونی در درمان بیماری‌ها و زمان محدود آموزش به طراحی مدل و سازگان جدید، در امریکا به گونه‌ای که، در برگرفته‌ی پیش نیاز، آموزش دوره‌ی دستیاری و آموزش پس از دانش آموختگی را در برگرد، انجامید. تهیه هیبرید لوح فشرده-اینترنت توسط انجمن مدیران آموزشی جراحی توراکس امریکا از شاخص‌های این تغییرات است. تعیین چند کتاب مرجع آموزشی بدون راهبرد آموزشی پویا، بی انگیزه بودن دستیار و استاد، محدودیت و ناتوانی در پژوهش، عدم ارتباط و کار مشترک با مراکز علمی سایر کشورها، کارآمدی آموزش جراحی کشور را به چالش می‌کشد. نباید آموزش را محدود به خواندن کتاب‌های مرجع بی راهنما (mentor) و بی توجه به نوآوری‌ها در آموزش و ارزشیابی دانست. آموزش به سرمایه‌گذاری دولت و شرکت فعال و با انگیزه‌ی استادان نیاز دارد. برنامه‌ریزی آن با اصلاحات تربیتی و نه جهشی سازگارتر است. تدوین برنامه، گام نخست و حرکت به سوی اجرایی شدن برنامه گامی بزرگ تر و شگونی است.

بحث و نتیجه‌گیری: نگاهی ژرف به سیر دگرگونی در کشورهایی که دوران گذار خود را را طی کرده اند نشان از هماهنگی و تعادل میان شرایط بومی با پیشرفت دانش دارد. آگاهی به این برنامه‌ها، می‌تواند با الگوی اسلامی و بومی به توسعه، عدالت و برابری بیشتر بینجامد. هیچ برنامه‌ی آموزشی بی در نظر گرفتن وضعیت علمی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و آینده نگری پاسخ مطلوب ندارد.

کلیدواژه‌ها: آموزش جراحی، جراحی توراکس، برنامه مدون، چالش‌های آموزش

(S.6503) نشست: ۶۵، ارائه شفاهی: ۳

بررسی عملکرد اعضای هیئت علمی بالینی در مدیریت ورهبری آموزش سرپایی در درمانگاه در دانشکده پزشکی گرگان

سیامک رجایی^۱، محمدرضا یوسفی^۲، شرابه هزارخوانی^۳، محمدرضا قنبری^۴

* ۱- دکترای تخصصی جراحی عمومی-عضوهیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی گلستان rajaeiss@hotmail.com

۲- دکترای پزشکی-عضوهیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی گلستان dr.mryousefi@yahoo.com

۳- فوق دکترای تخصصی غدد-عضوهیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی گلستان sharabehhezarkhani@yahoo.com

۴- کارشناس ارشد-عضوهیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی گلستان Ghanbarimr@yahoo.com

دانشگاه علوم پزشکی گلستان، معاونت آموزشی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

مقدمه: طب سرپایی و آموزش درمانگاهی در آموزش پزشکی عملکرد و جایگاه ویژه‌ای دارد. در آموزش درمانگاهی برای ایجاد ارتباط مؤثر، گرفتن اطلاعات و انجام معاینه و مرور تشخیص‌های افتراقی و همچنین درمان سرپایی و نسخه نویسی، عملکرد و نقش رهبری اساتید با رویکرد دانشجو محور و براساس مدل‌های استاندارد آموزش سرپایی، فرصت کافی را برای تعامل استاد با فراگیر فراهم می‌کند. بدین منظور این مطالعه در نظر دارد عملکرد اعضای هیئت علمی بالینی را در مدیریت ورهبری آموزش سرپایی در درمانگاه جهت توسعه آموزش بالینی بررسی نماید.

روش: این مطالعه از نوع توصیفی تحلیلی است و روش نمونه‌گیری به صورت سرشماری می‌باشد. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه‌ای است که در مطالعه‌ای در دانشگاه علوم پزشکی تهران پایایی و روایی آن بررسی شده است. جامعه مورد مطالعه کل اعضای هیئت علمی بالینی دانشکده پزشکی گرگان می‌باشند. همه آنها در چهار گروه آموزشی داخلی، جراحی، کودکان و زنان قرار گرفتند که در نیمسال اول سال تحصیلی ۸۹-۸۸ مشغول فعالیت بودند. تعداد ۵۷ پرسشنامه ارسال گردید که تعداد ۵۳ نفر آن را تکمیل نمودند. پرسشنامه شامل ۶ سؤال در مورد نحوه عملکردشان در مدیریت ورهبری آموزش سرپایی در درمانگاه می‌باشد. هریک از گزینه‌های سؤالات در مقیاس لیکرت بصورت هرگز بانمره ۱ تا همیشه بانمره ۵ در نظر گرفته شده است. اطلاعات پس از جمع آوری و ورود در نرم افزار SPSS 13 و با استفاده از آزمون‌های آماری مناسب مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت که سطح معنی دار آنها ۰/۰۵ در نظر گرفته شده است.

یافته‌ها: نتایج این مطالعه نشان داد که ۹۲/۲٪ آنها اغلب سعی می‌کنند که روی یک نکته آموزشی تمرکز کنند و یک اصل کلی را در آموزش سرپایی رهبری کنند که این رقم در گروه کودکان بیشتر از سایر گروه‌های آموزشی می‌باشد. ۵۱٪ افراد اغلب و ۲۷/۵٪ گاهی اوقات با الگوی آموزشی SNAPPS آموزش سرپایی در درمانگاه را رهبری می‌کنند، و ۴۵/۱٪ افراد در اغلب موارد و ۲۵/۵٪ گاهی اوقات از وضعیت آموزش و سطح و مرحله آموزشی دانشجویان آگاهی دارند. این موارد در گروه داخلی بیشتر از سایر گروه‌های آموزشی می‌باشد.

۵۳/۸٪ افراد اغلب و ۱۹/۲٪ گاهی اوقات دانشجویان را با نشان دادن یافته‌های بالینی بیماران، به طرح برنامه‌های تشخیصی و یا درمانی ترغیب می‌کنند و حدود ۲۰٪ آنها به ندرت این عملکرد را دارند که این ترغیب در گروه زنان بیشتر و در گروه کودکان کمتر از سایر گروه‌های آموزشی می‌باشد. ۶۱/۵٪ افراد با مدل Report back آموزش دانشجویان بالینی در درمانگاه را رهبری می‌کنند. به‌طوریکه دانشجویان هر کدام مستقلاً یک بیمار را ویزیت می‌کنند و نتیجه را به استاد ارائه می‌دهند تا استاد تصمیم تشخیص و درمان مناسب را بگیرد. گروه داخلی و زنان بیشتر از سایر گروه‌های آموزشی از این مدل آموزشی استفاده می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری: آموزش سرپایی در درمانگاه محیط آموزش مناسبی جهت تجربه تنوع بیماری‌هاست. توسعه مهارت‌های بالینی در درمانگاه در بسیار موارد بستگی به عملکرد اساتید در مدیریت و رهبری آموزش سرپایی در آن محیط دارد. نتایج این مطالعه نشان داد که با توجه به عملکرد اساتید که اغلب یک اصل کلی را در آموزش سرپایی رهبری می‌کنند ولی بخاطر اینکه شکل غالب آموزش سرپایی با مدل Report back می‌باشد. پیشنهاد می‌گردد جهت بهبود مهارت‌های بالینی دانشجویان، با توجه به عملکرد اساتید وضعیت آموزشی دانشجویان، آموزش سرپایی در درمانگاه طوری طراحی گردد که با الگوهای استاندارد از جمله SNAPPS و مدل گزارش‌دهی (Report back m). رهبری گردد. به‌طوریکه دانشجویان بامعاینه بیماران سرپایی و استخراج یافته‌های بالینی از آنان جهت طرح برنامه‌های تشخیصی و درمان ترغیب گردند.

کلید واژه‌ها: آموزش سرپایی، درمانگاه، هیئت علمی بالینی، مهارت‌های بالینی، دانشجویان بالینی

(S.6504) نشست: ۶۵، ارائه‌شده‌ای: ۴

مدیریت پژوهش در آموزش: تعیین اولویت‌های پژوهش در آموزش در منطقه مدیترانه شرقی

میترا امینی^۱، جواد کجوری^۲، فرهاد لطفی^۳، زهرا کریمیان^۴

* ۱- دانشیار مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، شیراز خیابان زند دانشکده پزشکی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

mitraamini51@yahoo.com

۲- دانشیار مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

۳- کارشناس ارشد مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

۴- کارشناس ارشد مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

مقدمه: مشکلات زیادی در انجام پژوهش‌های مرتبط با آموزش در کل دنیا و همچنین در منطقه مدیترانه شرقی وجود دارد از جمله این مشکلات می‌توان به کمبود منابع مالی، کمبود نیروی انسانی ورزیده و ضعف متدولوژی‌های این پژوهش‌ها اشاره کرد یکی از راه‌های حل این مشکل مشخص کردن اولویت‌های پژوهشی در این زمینه است. از طریق تعیین اولویت‌ها می‌توان عناوین مهم را مشخص نمود و به نتایج قابل توجهی در این زمینه دستیابی پیدا کرد. این مطالعه به منظور تعیین اولویت‌های پژوهش در آموزش در منطقه مدیترانه شرقی تهیه و تنظیم گردید.

روش: این پروژه از طرف دفتر منطقه سازمان بهداشت جهانی به مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی شیراز پیشنهاد گردید و پس از تهیه پروپوزال اولیه مورد تصویب قرار گرفت. روش کار به صورت راند دلفی سه گانه انجام شد که در راند اول به وسیله روش گروه-های نامی (Group Technique Nominal) با شرکت ۳۰ نفر از صاحب‌نظران اولویت‌ها مشخص شد. در مرحله بعد این اولویت‌ها به کلیه مراکز توسعه ایران و مراکز همکار سازمان بهداشت جهانی در منطقه مدیترانه شرقی ارسال گردید. در راند دوم دلفی نتایج پرسشنامه‌های ارسالی به صاحب‌نظران مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. پس از تعیین میانگین نمره و اولویت‌های برتر در راند سوم دلفی از صاحب‌نظرانی که نمره‌های داده شده آنان تفاوت قابل توجهی با میانگین داشت، خواسته شد که علت دلیل توجیهی خود را ذکر کنند و بر اساس دلیل خود نمره خود را تغییر داده و یا بدون تغییر باقی بگذارند پس از جمع بندی مجدد و مشخص شدن میانگین نمرات اولویت‌های برتر مشخص شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که ۱۰ اولویت اول به ترتیب نقش استاد به عنوان معلم، مدل‌های آموزش پزشکی مبتنی بر نیاز جامعه، مدل‌های آموزش بالینی، اخلاق حرفه‌ای، آموزش پزشکی مبتنی بر شواهد، روش‌های ارزشیابی عمل کرد، اعتبار بخشی، کاهش خطاهای پزشکی، مهارت‌های ارتباطی، آموزش الکترونیک بودند.

بحث و نتیجه گیری: به نظر می‌رسد که مشخص شدن اولویت‌های منطقه مدیریتانه شرقی گام مفیدی در تقویت متخصصین آموزش پزشکی در انجام پژوهش‌های مرتبط با آموزش با فعالیت در این حیطه‌ها باشد این فعالیت می‌تواند پژوهش را به پیشرفت‌های عملی در حیطه آموزش پزشکی به‌خصوص در منطقه مدیریتانه شرقی تبدیل کند.

کلید واژه‌ها: اولویت‌های پژوهش، پژوهش در آموزش، آموزش پزشکی، مدیریتانه شرقی

(S.6701) نشست: ۶۷، ارائه شفاهی: ۱

بررسی تاثیر آموزش بر میزان آگاهی دانشجویان از برنامه درسی، گامی در جهت پاسخگویی به یک نیاز

مهرداد مهدیان، اکبر علی اصغرزاده، فخرالسادات میرحسینی، زریچهر وکیلی، فاطمه عطوف

مقدمه: بدون شک اطلاع دانشجویان از طرح درس و اطلاعات ارائه شده در آن از قبیل اهداف آموزشی، فعالیت‌های یاددهی و یادگیری، نحوه ارزشیابی و منابع مورد مطالعه نقش به سزائی در آماده سازی ذهنی دانشجویان برای یادگیری بهتر و نتیجه بخش تر شدن آموزش دارد. متأسفانه در بسیاری از موارد طرح درس در شروع ترم تحصیلی در اختیار دانشجو قرار نمی‌گیرد و اصولاً دانشجو نیز از این حق خود برای آگاهی از مفاد برنامه درسی اطلاعی ندارد به منظور پاسخگویی به این نیاز و درجریان آموزش یک دوره مهارت‌های ورودی، الگوی طرح درس ترمی و ساختار آن و اهداف نگارش آن و استفاده هائی که دانشجو می‌تواند در جهت یادگیری بهتر بنماید به دانشجویان آموزش داده شد.

روش: طی یک مطالعه مداخله ای تعداد ۵۲ دانشجوی دانشکده پیراپزشکی به عنوان گروه مورد بررسی و ۱۴۱ نفر دانشجویان رشته پزشکی، پرستاری و بهداشت به عنوان گروه کنترل دربررسی شرکت داده شدند. در گروه مورد بررسی (دانشجویان پیراپزشکی) ابتدا بوسیله یک پرسشنامه با ۱۰ سوال که قبلاً اعتبار سنجی شده بود و عمدتاً آگاهی دانشجویان را در مورد طرح درس، اجزای آن و کاربرد آن را می‌سنجید، یک پیش آزمون صورت می‌گرفت. سپس مداخله که به صورت آموزش مبانی طرح درس، اهداف آموزشی، نحوه ارزشیابی و... بود آموزش داده می‌شد و به دنبال آن پس آزمون صورت می‌گرفت. در گروه کنترل (دانشجویان پزشکی، پرستاری و بهداشت) فقط پیش آزمون و پس آزمون بدون هیچ مداخله ای صورت پذیرفت. در پایان نتیجه بخش بودن آموزش با آزمون های آماری $t\text{-test}/\text{co-variance}$ مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

یافته‌ها: از بین دانشجویان دانشکده پیراپزشکی تعداد ۸ نفر پسر و ۴۴ نفر دختر با میانگین سنی $19/38 \pm 1/27$ بودند. در سایر دانشکده‌ها تعداد ۵۳ نفر پسر و ۸۸ نفر دختر با میانگین سنی $19/17 \pm 0/78$ بودند. با استفاده از آزمون آماری کوواریانس و با کنترل نمرات پیش آزمون بین گروه مورد با میانگین $2/34 \pm 0/48$ و کنترل با میانگین $2/77 \pm 1/89$ در میزان آگاهی دانشجویان از برنامه درسی تفاوت معنی دار مشاهده شد ($p < 0/001$). همچنین نشان داد که بین پیش آزمون و پس آزمون دانشجویان دانشکده پیراپزشکی تفاوت معنی دار بود. در حالیکه بین پیش آزمون و پس آزمون گروه کنترل تفاوت معنی دار مشاهده نگردید.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به نتایج بدست آمده و با عنایت به نقش آگاهی از برنامه درسی در دستیابی روشنتر به اهداف از پیش تعیین شده می‌توان امیدوار بود دانشجویانی که با طرح درس آشنائی دارند دغدغه کمتری در مطالعه مطالب درسی داشته و در ارزشیابی پایانی نتایج بهتری کسب نمایند. لذا پیشنهاد می‌گردد آموزش مبانی طرح درس به عنوان بخشی از مهارت‌های ورود به دانشگاه به دانشجویان تدریس گردد.

(S.6702) نشست: ۶۷، ارائه شفاهی: ۲

مداخله، آموزش، مقایسه تاثیر آموزش آئین نامه ها و مقررات آموزشی در افزایش آگاهی دانشجویان

اکبر علی اصغرزاده، مهرداد مهدیان، فخرالسادات میرحسینی، سمیه صادقی، زهرا زنجانی

مقدمه: عدم اطلاع دانشجویان جدیدالورود از مقررات آموزشی موجب مشکلات عدیده ای برای آنان می‌گردد که طیف آن از افت تحصیلی تا افزایش سنوات تحصیلی متغیر می‌باشد. علیرغم اینکه در بسیاری از موارد در بدو ثبت نام دفترچه راهنمایی در این خصوص به

دانشجو تحویل می گردد ولی عملاً مورد استفاده بسیاری از آنان قرار نمی گیرد. به این منظور با برگزاری یک دوره مفاهیم و تعاریف آموزشی و آشنائی با مقررات و آئین نامه های آموزشی مربوط به دانشجویان تلاش گردید میزان آگاهی آنان از موارد مذکور که نقش مهمی در روند تحصیلی آنان ایفا می کند افزایش یابد.

روش: طی یک مطالعه مداخله ای تعداد ۵۲ دانشجوی دانشکده پیراپزشکی به عنوان گروه مورد بررسی و ۱۴۱ نفر دانشجویان دانشکده های دیگر به عنوان گروه کنترل در بررسی شرکت نمودند. در گروه مورد ابتدا بوسیله یک پرسشنامه محقق ساخته با ۱۷ سوال که قبلاً اعتبار سنجی شده بود یک پیش آزمون صورت گرفت، سپس مداخله که به صورت آموزش برخی مفاهیم آموزشی (مانند مقررات مربوط به ثبت نام، حذف و اضافه، حذف اضطرابی، معرفی به استاد، مهمانی، انتقال و...) بود آموزش داده شد و در پایان پس آزمون صورت گرفت. در گروه کنترل فقط پیش آزمون و پس آزمون بدون هیچ مداخله ای صورت پذیرفت. در پایان نتیجه بخش بودن آموزش با استفاده از آزمون کوواریانس مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

یافته ها: میانگین سنی دانشجویان دانشکده پیراپزشکی $19/38 \pm 1/27$ و میانگین سنی دانشجویان سایر دانشکده ها $19/17 \pm 0/78$ بود با استفاده از آزمون آماری کوواریانس و آنالیز اطلاعات نشان داده شد که قبل از انجام مداخله (آموزش) بین دو گروه مورد و شاهد از نظر میزان آگاهی از و آئین نامه ها و مقررات آموزشی تفاوت معنی داری وجود نداشت. در حالی که پس از مداخله بین گروه مورد با میانگین $16/46 \pm 3/85$ و گروه کنترل با میانگین $15/36 \pm 2/65$ در میزان آگاهی دانشجویان از آئین نامه ها و مقررات آموزشی تفاوت معنی دار دیده شد ($p < 0/001$). این بررسی همچنین نشان داد که بین پیش آزمون و پس آزمون دانشجویان دانشکده پیراپزشکی تفاوت معنی دار بود در حالیکه بین پیش آزمون و پس آزمون گروه کنترل تفاوت معنی داری مشاهده نگردید.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به اینکه آگاهی دانشجویان از آئین نامه ها و مقررات آموزشی نقش مهمی در پیشگیری از کسب نمرات ضعیف و کاهش پیشرفت تحصیلی دارد لذا می توان امید داشت که دانشجویانی که در این پژوهش با مقررات و آئین نامه های آموزشی آشنا شده اند نسبت به سایرین با مشکلات کمتری مواجه گردند.

کلیدواژه ها: آموزش، مقررات، آئین نامه ها، دانشجو

ارائه پوستر (poster presentation)

(S.14Pos.1) نشست: ۱۴، پوستر: ۱

بررسی کیفیت معیار «مدیریت دانش» در حوزه آموزش بالینی بیمارستان بقیه الله بر اساس مدل تعالی مالکولم بالدریج در سال ۱۳۸۸

مجتبی خواجه آزاد*، دکتر شهرام توفیقی، محمد صالح فلاح

* کارشناسی ارشد دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله؛ خیابان ملاصدرا، دانشگاه بقیه الله، دانشکده پزشکی
mosafa52@yahoo.com

مقدمه: مدل تعالی مالکولم بالدریج اصول مدیریت کیفیت فراگیر (TQM) را برای سازمان های آموزشی- درمانی بهینه نموده که چهارمین معیار این مدل سنجش، تحلیل و مدیریت دانش می باشد. هدف این مطالعه، ارزیابی کیفیت مدیریت دانش در آموزش بیمارستان بقیه الله بر اساس مدل تعالی مالکولم بالدریج بود.

روش: مطالعه توصیفی و مقطعی بود و اطلاعات از طریق مصاحبه، مشاهده مستندات و فرایندها با استفاده از چک لیست استاندارد مدل تعالی مالکولم بالدریج (نسخه ۲۰۱۰-۲۰۰۹) جمع آوری شد. کیفیت معیار مدیریت دانش و هر یک از شاخص های آن با استفاده از ماتریس مدل در چهار سطح رویکرد، استقرار، یادگیری سازمانی و یک پارچه گی امتیازدهی و تحلیل گردید.

یافته ها: در مجموع معیار مدیریت دانش در آموزش بیمارستان بقیه الله، بر اساس مدل بالدریج از مجموع ۹۰ امتیاز $39/375$ ($43/75\%$) امتیاز را کسب نمود. این امتیاز از میانگین شاخص های «سنجش عملکرد» $37/5\%$ - «تجزیه و تحلیل و بازنگری عملکرد» $47/5\%$ - «بهبود عملکرد» 35% مربوط به زیر معیار سنجش، تحلیل و به سازی عملکرد سازمانی و شاخص های «داده ها، اطلاعات و

مدیریت دانش «۵۲/۵٪-» «مدیریت فن آوری و منابع اطلاعاتی» «۴۲/۵٪» مربوط به زیر معیار مدیریت اطلاعات، دانش و فن آوری اطلاعات به دست آمده است.

بحث و نتیجه گیری: نتایج نسبت به مطالعه مشابه در سال ۱۳۸۶ در بیمارستان شهید هاشمی نژاد که ۲۰٪ امتیاز معیار «مدیریت دانش» حوزه آموزش مدل بالدریج را کسب نموده، بسیار بهتر بود. این امر علاوه بر ضرورت ارزیابی های مستمر در یک سازمان نظامی، می تواند ناشی از به کارگیری نرم افزارهای رایانه ای در مدیریت دانش بیمارستان بقیه الله باشد. کیفیت معیار مدیریت دانش در آموزش بیمارستان بقیه الله به طور کلی، متوسط ارزیابی شد. نتایج نشان می دهد که جمع آوری داده ها در سازمان به صورت عمده با استفاده از سیستم های نوین و رایانه ای جمع آوری و پردازش اطلاعات انجام می شود. هرچند کیفیت فرآیند تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز متوسط ارزیابی شده اما این فرآیند براساس معیارهای یک استاندارد آموزشی مشخص نبوده است و در نتیجه بهبود عمل کرد ناشی از فرآیند مدیریت دانش نسبتاً ضعیف بود. در پی رویکرد سازمان برای اعتباربخشی آموزش پزشکی بر اساس استانداردهای ملی و جهانی، زمینه مناسبی جهت استقرار مدیریت دانش سازمانی مبتنی بر معیارهای مشخص فراهم شده است. پیشنهاد می شود ضمن گسترش شاخص های نظام اعتباربخشی، با تدوین برنامه توسعه، جمع آوری و تحلیل یکپارچه دانش سازمانی مدیریت شود.

کلیدواژه ها: مدل تعالی، کیفیت، مدیریت دانش، مالکولم بالدریج، بیمارستان بقیه الله

(S.14Pos.2) نشست: ۱۴، پوستر: ۲

مقایسه رهبری آموزشی مدیران گروه های پایه و بالینی دانشکده پزشکی شیراز از دیدگاه اساتید در سال

۸۷-۸۸

فاطمه رحیمی*، هاجر دهقان، سرور اینالو

* کارشناس دانشگاه علوم پزشکی شیراز؛ شیراز، خ زند، دانشکده پزشکی arzeshdept@sums.ac.ir

مقدمه: از آنجا که مدیریت در سازمان مهمترین منبع و کلید بهبود کارایی است ضروری است که مدیران گروه های آموزشی دانشگاه ها از طریق برنامه ریزی صحیح و اصولی در ابعاد اداری آموزشی و علمی، موجبات رشد و توسعه همه جانبه گروه را فراهم کنند. این مطالعه به منظور مقایسه رهبری آموزشی مدیران گروه های پایه و بالینی دانشکده پزشکی شیراز از دیدگاه اساتید در سال ۸۷-۸۸ انجام گرفت.

روش: این مطالعه به صورت توصیفی-تحلیلی و به روش مقطعی انجام شد، ابزار جمع آوری اطلاعات پرسش نامه مدون مرکز توسعه آموزش پزشکی بود که روایی آن از طریق نظرسنجی از متخصصین مربوطه تأیید شد و پایایی آن به روش همسانی درونی و محاسبه آلفای کرونباخ ارزیابی گردید. ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۵ تعیین شد. پرسش نامه به صورت مکاتبه ای برای اعضاء هیئت علمی دانشکده پزشکی که ۳۴۰ نفر می باشد، ارسال شد. فرم های تکمیل شده، بعد از جمع آوری با استفاده از نرم افزار SPSS آمار توصیفی و استنباطی و ضریب همبستگی اسپیرمن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: بر اساس نتایج این مطالعه میانگین و انحراف معیار رضایت مندی اساتید در زمینه رهبری آموزشی، با حداقل صفر و حداکثر ۲۰، برای مدیران گروه های پایه ($1/51 \pm 18/25$) و برای مدیران گروه های بالینی ($2/011 \pm 17/68$) به دست آمد. حداقل نمرات برای مدیر گروه های پایه و بالینی به ترتیب ($1/41 \pm 17/40$) و ($1/74 \pm 15/84$) بود، و حداکثر نمرات به ترتیب ($2/17 \pm 19/69$) و ($2/0 \pm 20$) برای گروه های پایه و بالینی به دست آمد. ضریب همبستگی اسپیرمن نیز بین سؤالات پرسش نامه کاملاً معنادار به دست آمد ($P = 0/000$).

بحث و نتیجه گیری: با توجه به نتایج این مطالعه در زمینه رهبری آموزشی گروه مدیران گروه های پایه نسبت به گروه های بالینی عملکرد بهتری داشتند، مدیران گروه های پایه در زمینه صرف زمان مناسب جهت رسیدگی به امور گروه، مدیران گروه های بالینی در زمینه داشتن ارتباط مؤثر با سایر مدیران گروه های آموزشی و مسئولین دانشگاه و دانشکده، بیشترین امتیاز را کسب کردند.

کلیدواژه ها: مدیر گروه، رهبری آموزشی، گروه های آموزشی پایه، گروه های آموزشی بالینی

(S.14Pos.3) نشست: ۱۴، پوستر: ۳

بررسی مهارت‌های مهم و عوامل مفید در کاربایی دانش‌آموختگان رشته مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی از دید فارغ‌التحصیلان این رشته

محمد رضا امینی پور، مهدیه ممیزی*، دکتر سید سعید مظلومی، زهرا حافظی، دکتر فاطمه عالم رجبی
* کارشناس ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشگاه علوم پزشکی یزد، یزد بلوار ۱۷ شهریور، ۲۴ متری امام شهر، خیابان
شیخ صدوق، کوچه شماره ۷، پلاک ۱۷ mahdieh_momayyezi@yahoo.com

مقدمه: جذب فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها در بازار کار منوط به داشتن توانایی‌ها و ویژگی‌هایی است که بخشی از آنها در طول دوران تحصیل در دانشگاه ایجاد می‌گردد. مهم‌ترین عامل، موفق نبودن فارغ‌التحصیلان در اشتغال، عدم تناسب بین مواد آموزشی رشته‌های تحصیلی موجود در دانشگاه‌ها با مهارت‌ها و توانایی‌های مورد نیاز بازار کار است. اکثر کشورهای دنیا با مشکلات اشتغال درگیرند ولی تعدد و ناشناخته بودن برخی عوامل مشکل آفرین در کشورهای جهان سوم موجب پیچیده‌تر شدن موضوع شده است. امروزه مدیریت کلان کشور به دنبال استفاده از روش‌های علمی برای شناخت و کنترل عوامل مشکل آفرین در زمینه اشتغال و تبدیل چالش‌ها به فرصت‌ها برای شتاب‌دادن به حرکت توسعه است. رشته مدیریت خدمات بهداشتی - درمانی از جمله رشته‌هایی است که علی‌رغم نقش مهم در افزایش کارایی سازمان‌های بهداشتی و درمانی، هنوز جایگاه خود را در بازار کار نیافته است. از این رو پژوهش‌گران درصدد برآمدن به بررسی بازخورد دانش‌آموختگان این رشته در مورد عوامل مهم در کاربایی و اشتغال پیردازند.

روش: مطالعه توصیفی - مقطعی می‌باشد و داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه‌ای محقق‌ساخته که با استفاده از مطالعه کتب و مقالات علمی تدوین گردیده و شامل ۲۳ مهارت کاربایی می‌باشد، جمع‌آوری گردید. پرسش‌نامه جهت تکمیل برای کلیه دانش‌آموختگان رشته مدیریت خدمات بهداشتی - درمانی (۶۹ نفر) ورودی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۸۴ دانشگاه، ارسال گردید که ۵۷ پرسش‌نامه بازگشت داده شد و داده‌ها با نرم‌افزار SPSS و آمار توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: بررسی نتایج نظرسنجی عوامل مفید در کاربایی نشان داد که طبق نظر واحدهای مورد پژوهش، مهارت در برقراری ارتباط گفتاری (۸۵/۷٪)، توان انجام مصاحبه (۷۸/۶٪) و داشتن مدرک تحصیلی مرتبط (۷۸/۶٪) به ترتیب مهمترین عوامل و بومی بودن، وضعیت تأهل و جنس به ترتیب کم‌اهمیت‌ترین عوامل در اشتغال دانش‌آموختگان مدیریت خدمات بهداشتی - درمانی می‌باشند.

بحث و نتیجه‌گیری: طبق نظر واحدهای مورد پژوهش، عوامل و مهارت‌های مهم در اشتغال دانش‌آموختگان رشته مدیریت خدمات بهداشتی - درمانی، به ترتیب اهمیت عبارتند از: مهارت‌های ارتباطی مانند توانایی برقراری ارتباط گفتاری و نوشتاری و توان مصاحبه، عوامل شخصیتی مانند قاطعیت و وقار، عوامل تحصیلی چون معدل و مدرک و دانشگاه محل تحصیل، عوامل ظاهری مانند ظاهر و لباس و در نهایت عوامل دموگرافیک مانند بومی بودن، تأهل، جنس و **کلیدواژه‌ها:** مهارت‌های کاربایی، اشتغال، دانش‌آموختگان،

(S.14Pos.4) نشست: ۱۴، پوستر: ۴

رهبری و برگزیدن رهبر

فائزه دهقان*

* استادیار دانشگاه علوم پزشکی ارتش؛ تهران، خ دکتر فاطمی غربی، خ سرهنگ اعتماد زاده، دانشگاه علوم پزشکی ارتش، ساختمان پروژه، طبقه اول، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی drdehghanf@yahoo.com

رهبری، مهارتی است که از طریق آموزش و تعلیم می‌تواند کسب شود. برای اعضای هیئت علمی در مقاطع علوم پایه و بالینی، ارتقاء، توسعه و پیشرفت مهارت‌های رهبری آموزشی و یاد دادن ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. تا از این طریق بتوان رهبران آینده را آماده نمود. در نظر گرفتن این نکته مهم است که برخی خصوصیات یا رفتارها این احتمال را افزایش می‌دهند که فردی رهبر شود. این خصوصیات شامل هوش، علم و فضیلت، قابلیت اعتماد در اعمال مسئولیت‌ها، فعالیت و مشارکت اجتماعی می‌باشند. از طرفی هنگامی که کسی سمت رهبری

را احراز می کند برخی خصوصیات خصوصیات احتمال کارایی او را کم یا زیاد می کنند. این خصوصیات عبارتند از: اجتماعی بودن، ابتکار عمل، اصرار و پافشاری، آگاهی از نحوه انجام کارها، اعتماد به نفس، هشیاری و بینش نسبت به موقعیت ها، همکاری، محبوبیت، سازش-پذیری، روانی و سلاست کلامی. شیوه های مختلفی در برگزیدن رهبر وجود دارد: ۱- شیوه صفات: در این شیوه صفات شخصیتی زیر در برگزیدن رهبر مؤثرند آنها شامل: سائق قوی برای انجام مسئولیت و انجام وظیفه، نیرو و پافشاری در پیگیری اهداف، خلاقیت در حل مشکلات، برخورداری از ابتکار عمل در موقعیت های اجتماعی، اعتماد به نفس و احساس هویت شخصی، توانایی پذیرش پیامدهای تصمیم و اقدام، آمادگی جذب فشار ناشی از مناسبات متقابل، توانایی تحمل ناکامی و تأخیر، توانایی اعمال نفوذ بر رفتار دیگران هستند. ۲- شیوه رفتاری: بر اساس سبک های رفتاری تعیین می شود. این رفتارها شامل فعالیت، انجام وظیفه، دوست داشتنی بودن، شغل مدار، کارکن مدار است. ۳- شیوه اقتضایی: در این شیوه بنا به نظر فیدلر اثربخشی رهبر هم به ویژگی های خود رهبر و هم به مساعد بودن شرایط و موقعیت ها بستگی دارد و شامل اجزای شخصیت رهبر و ویژگی های موقعیتی است.

کلیدواژه ها: رهبری، برگزیدن، نقش

(S.14Pos.5) نشست: ۱۴، پوستر: ۵

جایگاه استاد در فضای مجازی آموزشی و درمانی

شرافت اکابریان*، صدیقه افراسیابی، راضیه باقرزاده

* هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، خ معلم دانشگاه علوم پزشکی بوشهر دانشکده پرستاری مامایی
sh.akabarian@bpums.ac.ir

مقدمه: عصر امروز را عصر اطلاعات و دانایی نام نهاده اند زیرا دانش محوری در حال گسترش در همه ابعاد زندگی انسان است و استفاده از فناوری اطلاعات به ویژه رایانه و اینترنت در آموزش به سرعت در حال افزایش می باشد. در این راستا بسیاری از دانشگاه ها درصدد به کارگیری آموزش مجازی به جای آموزش مرسوم حضوری می باشند، در این نوع آموزش که دانشجو محوری را به اوج می رساند، مدرسین چه جایگاهی دارند.

روش: این مطالعه، یک مطالعه مروری و کتابخانه ای است که پس از بررسی مقالات مختلف در راستای هدف پژوهش، اطلاعات جمع آوری شده است.

یافته ها: اصولاً در فضای مجازی، اگر چه رنگ و روح ارتباط حقیقی، رنگ می بازد و تأثیرپذیری معنوی فراگیر از استاد حذف می شود اما دانش محوری به اوج خود می رسد و حاشیه ها حذف می گردد. روش ها و ابزارها و تعاملات تغییر می کند. بحث و نتیجه گیری: استاد در فضای مجازی علاوه بر توانمندی های قبلی، باید بیاموزد که تعاملات مجازی اخلاقی باشند، توانایی جستجو در سایت های مرتبط علمی و انطباق با بهترین روش های یاددهی و یادگیری، توانایی استفاده از روش های خلاق آموزشی با استفاده از تکنولوژی جدید استفاده از شبیه سازی کامپیوتری و ایجاد بسترهای آموزشی سودمند، توانایی پاسخ گویی و درگیری پویا، ایجاد گروه و انجام کار گروهی به صورت آنلاین، گرفتن بازخورد از فراگیران و نظرسنجی از کاربران آنلاین را داشته باشد.

کلیدواژه ها: جایگاه استاد، فضای مجازی، آموزشی و درمانی

(S.14Pos.6) نشست: ۱۴، پوستر: ۶

بررسی ارتباط بین سبک های رهبری سرپرستاران با رضایت شغلی پرستاران شاغل در بخش های داخلی و جراحی بیمارستان های وابسته به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن

مریم احسانی*، مریم صداقتی، عاطفه قنبری

* کارشناس ارشد پرستاری داخلی - جراحی و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن

مقدمه: پرستاران ۵۰ تا ۶۰ درصد نیروی انسانی تخصصی در بیمارستان ها را تشکیل می دهند و قسمت عمده مراقبت از بیماران به عهده آنها می باشد. بنابراین اهمیت رهبری آگاهانه در خدمات بهداشتی درمانی خصوصاً در سطح پرستاری به خوبی آشکار است. از آنجایی-

که کسب رهبری یکی از عوامل مؤثر بر رضایت شغلی پرستاران و کیفیت مراقبت‌های ارائه شده توسط آنان است، مطالعه حاضر با هدف بررسی ارتباط بین سبک‌های رهبری سرپرستاران با رضایت شغلی پرستاران شاغل در بخش‌های داخلی جراحی انجام شد.

روش: مطالعه به صورت توصیفی-مقطعی بر روی ۶۴ نفر از پرستاران شاغل در بخش‌های داخلی جراحی بیمارستان‌های وابسته به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن انجام شد. نمونه‌گیری به روش سرشماری و از پرستارانی که حداقل ۳ ماه سابقه کار در بخش‌های مذکور را داشتند، صورت گرفت. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌ای ۳ قسمتی مشتمل بر مشخصات فردی پرستاران و سرپرستاران، پرسش‌نامه توصیف رفتار رهبری سرپرستاران (پرسش‌نامه دانشگاه ایالت اوهایو ۱۹۵۷) و پرسش‌نامه مربوط به سنجش رضایت شغلی پرستاران شاغل (مقیاس رضایت شغلی موهرمن- کوک- موهرمن، ۱۹۸۷) بود.

یافته‌ها: بر اساس یافته‌های این پژوهش اکثریت واحدهای دارای رضایت شغلی بالا (۸۰/۵٪) افرادی بودند که سرپرستاران آنها از سبک رهبری متقاعد کننده استفاده می‌کردند و بر عکس اکثریت افراد دارای رضایت شغلی پایین (۶۶/۷٪) پرستارانی بودند که سرپرستارانشان از سبک رهبری تفویضی برای سرپرستی بخش استفاده می‌کردند. علاوه بر این بین رضایت شغلی پرستاران با سبک رهبری سرپرستاران با استفاده از آزمون کای اسکوئر تفاوت معناداری از نظر آماری وجود داشت ($P < 0/02$).

بحث و نتیجه‌گیری: در سازمان‌هایی که مدیران علاوه بر بعد وظیفه‌مداری به بعد رابطه‌مداری هم توجه بالایی دارند و با ایجاد محیط مشاوره‌ای سعی می‌کنند کارکنان را در تصمیمات، مشارکت دهند میزان رضایت شغلی بالا می‌رود که این خود منجر به افزایش تعهد سازمانی در کارکنان، افزایش کیفیت ارائه خدمات و در نهایت بالا رفتن رضایت در بیماران می‌شود.

کلیدواژه‌ها: سبک رهبری، رضایت شغلی، پرستاری

(S.14Pos.7) نشست: ۱۴، پوستر: ۷

عنوان: سبک رهبری مدیران پرستاری: رابطه‌مداری یا وظیفه‌مداری

مرضیه عادل مهربان^۱، پروین قلع ریز^۲، علیرضا یوسفی^۳

۱. عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری و مامائی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان adel@nm.mui.ac.ir

۲. عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری و مامائی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

۳. عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری و مامائی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

مقدمه: مراکز درمانی به عنوان یکی از مهمترین سازمان‌ها که نقش ارائه خدمات بهداشتی-درمانی را در سطح کشور ایفا می‌کنند نیازمند رهبری علمی و پویا در کلیه رده‌ها می‌باشند و این نیاز در مراکز آموزشی که علاوه بر ارائه خدمات درمانی در راستای تربیت نیروهای متخصص و کارآمد تلاش می‌نمایند بیشتر مشهود است. در این بین نقش مدیران پرستاری در سیستم‌های بهداشتی، درمانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است به‌طور کلی اگر وجود بهره‌وری اندک، فقدان انگیزه و کم‌کاری مفرط و سایر معضلات همگی ناشی از رهبری نامناسب نباشد حداقل می‌توان گفت شیوه رهبری یکی از عوامل عمده این مشکلات می‌باشد. از آنجا که تاکنون شیوه‌های رهبری مدیران پرستاری در مراکز درمانی کشورمان مشخص نشده بود مطالعه‌ای جهت پاسخ‌گویی به سئوالات در این زمینه صورت گرفت.

روش: در یک مطالعه مقطعی به‌صورت پیمایشی و تک مرحله‌ای به بررسی و مقایسه سبک رهبری ۱۳۰ مدیر پرستاری مراکز آموزشی-درمانی شهر اصفهان پرداخته شد. از این مدیران که در سه رده مترون(عالی) سوپروایزر(میانی) و سرپرستار (اجرایی) که شرایط ورود به مطالعه را داشتند خواسته شد به پرسش‌نامه استاندارد که جهت بررسی سبک رهبری آنها طراحی شده بود پاسخ دهند. ۲۰ سؤال این پرسش‌نامه میزان توجه مدیران به وظیفه و ۱۵ سؤال دیگر میزان توجه مدیر را به رابطه نشان می‌دهد. نتایج حاصل از یافته‌ها با استفاده از آمار توصیفی، تحلیل واریانس یک‌طرفه و تحت نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: یافته‌های این پژوهش نشان داد که میزان توجه مدیران پرستاری به کار و وظیفه ۷۰/۵٪ و میزان توجه آنان به فرد و رابطه ۵۵/۲٪ می‌باشد. در مقایسه سبک رهبری مدیران پرستاری رده‌های مختلف(عالی، میانی، اجرایی) تفاوت معناداری مشاهده نگردید.



بحث و نتیجه گیری: بر اساس این مطالعه مدیران پرستاری بیش از آنکه به افراد و کارمندان توجه داشته باشند و رعایت حال آنان را در نظر گیرند به اجرای دستورات و انجام وظیفه توسط آنان تأکید می‌ورزند. همچنین عدم تفاوت سبک رهبری در رده‌های مختلف این مدیران نشان می‌دهد که در وضعیت موجود مدیران ارشد برای جلوگیری از تعارضات و ایجاد مشکلات همواره مدیرانی را به کار می‌گیرند که سیاستی مشابه مدیران رده‌های بالاتر اتخاذ نمایند تا منافع آنان تأمین گردد.

کلیدواژه‌ها: سبک رهبری، مدیران پرستاری، رهبری وظیفه‌گرا، رهبری رابطه‌گرا

(S.14Pos.8) نشست: ۱۴، پوستر: ۸

تدوین کارنامه فعالیت‌های آموزشی اعضای هیئت علمی، رهبری در همگرایی نظام توسعه آکادمیک آموزش با

شیوه ارزش‌یابی اساتید

داریوش سوادی اسکویی^۱، مهستی علیزاده^۲، سعیده غفاريفر^۳، حسن جلیلیان حامد^۴

* ۱- دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تبریز - دانشکده پزشکی-EDO savadi_d@yahoo.com

۲- دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تبریز - دانشکده پزشکی-EDO

۳- پزشک عمومی دانشگاه علوم پزشکی تبریز - دانشکده پزشکی-EDO sa.ghafarifar@yahoo.com

۴- پزشک عمومی دانشگاه علوم پزشکی تبریز - دانشکده پزشکی-EDO

مقدمه: امروزه تلاش برای تغییر و تحول آموزش‌ها و اثربخش کردن نتایج آنها یکی از دغدغه‌های عمده رهبران نظام‌های آموزشی به‌شمار می‌رود. لذا برآن شدیم به منظور پاسخ‌گویی اجتماعی بهتر، انتظارات ایجاد شده از نظام آموزش پزشکی را با جزئیات و چگونگی مراحل دستیابی به اهداف آموزشی در قالب کارنامه فعالیت‌های آموزشی اعضای هیئت علمی تدوین و آنرا ابزاری برای ارزش‌یابی ماهانه فعالیت‌های دانشگاهی آنان به کار ببریم.

روش: در این مطالعه کیفی، بعد از جمع‌بندی و دسته‌بندی کلیه ملاک‌های آموزشی در عملکرد مطلوب اعضای هیئت علمی با در نظر گرفتن آیین‌نامه‌های وزارتی و مصوبات کمیته ارزش‌یابی دانشکده پزشکی و معاونت آموزشی دانشگاه علوم پزشکی تبریز، طی ۶ جلسه ۲ ساعته بحث گروهی با حضور مدیر EDC، ریاست، معاونین و کارشناسان دفتر توسعه آموزش پزشکی دانشکده پزشکی و مدیران گروه-های آموزشی ابزار لازم برای ارزش‌یابی ساختارمند فعالیت‌های آموزشی اساتید تهیه و به منظور پایا و رواسازی آن، کارنامه آموزشی تدوین شده جهت ۱۰ درصد از اساتید دانشکده (۳۵ نفر) که به‌طریق نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شدند تکمیل و به منظور بررسی میزان صحت اطلاعات، پس‌خوراند لازم از شرکت‌کنندگان اخذ و تغییرات لازم در نسخه نهایی کارنامه داده شد.

یافته‌ها: ۱- پررنگ نمودن نقش آموزش در توسعه کیفی عملکردهای دانشگاه ۲- همگرایی نظام آموزش دانشگاه با استراتژی‌های وزارتخانه و مورد قبول مجامع بین المللی ۳- به حداقل رساندن چالش‌های انطباقی اساتید در مدیریت زمان برای ارائه آموزش‌های کیفی به دانشجویان

بحث و نتیجه گیری: شناساندن ساختارمند انتظارات و اهداف آموزشی سازمان و معرفی شفاف میزان تأثیر تحقق آنها در ارتقا پایه و مرتبه اعضای محترم هیئت علمی می‌تواند از طریق ایجاد یک مدیریت مشارکتی ظرفیت سازمان برای رهبری را توسعه بخشیده و ریسک خطاپذیری عملکرد آموزشی را به حداقل رساند.

کلیدواژه‌ها: کارنامه آموزشی، ارزش‌یابی اساتید، توسعه آموزش

(S.15Pos.1) نشست: ۱۵، پوستر: ۱

یک دهه پژوهش در آموزش مداوم جامعه پزشکی کشور

لیلی پناهنده، اعظم اصلانی*

* اداره کل آموزش مداوم؛ وزارت بهداشت، خ سیمای ایران، طبقه هفتم، اداره کل آموزش مداوم

azamaslani@yahoo.com

مقدمه: حدود دو دهه از استقرار آموزش مداوم جامعه پزشکی در کشور می‌گذرد. وسعت گروه‌های درگیر در آموزش مداوم و حوزه وسیع جغرافیایی برگزاری برنامه‌ها، ضرورت انجام تحقیقات کاربردی، جهت آگاهی از موانع و مشکلات و نیز اثرات و پیامدهای این نوع آموزش را ایجاب می‌کند. این مطالعه با هدف بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در آموزش مداوم انجام شده است، تا بتواند بر اساس مدارک موجود به سؤالات مطروحه در این حوزه پاسخ علمی دهد.

روش: در این مطالعه چهار سؤال طراحی شد: ۱- نظر مشمولین آموزش مداوم جامعه پزشکی در خصوص جنبه‌های مختلف آموزش مداوم چیست؟ ۲- آیا مدارکی وجود دارد که نشان دهد، آموزش مداوم بر ارتقاء دانش، نگرش و مهارت (عملکرد) مشمولین تأثیر داشته؟ (در کوتاه‌مدت و درازمدت، بیش از ۳۰ روز) ۳- براساس مدارک موجود آیا برنامه‌های آموزش مداوم منطبق با نیازهای گروه‌های هدف بوده است؟ ۴- انواع مطالعات انجام‌شده در آموزش مداوم و ابزار گردآوری اطلاعات در این مطالعات کدامند؟ برای پاسخ‌گویی به این سؤالات پژوهش‌های انتشاریافته در بانک‌های اطلاعاتی Medline، Medex Iran، Iran Doc، Magiran جستجو شد. ملاک انتخاب پژوهش‌ها: (۱) مطالعه در سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۸ انجام یا انتشار یافته باشد. (۲) گروه هدف، مشمولین آموزش مداوم جامعه پزشکی باشد.

یافته‌ها: سؤال ۱: ضرورت آموزش مداوم و احساس نیاز به آن مورد توافق اکثریت مشمولین آموزش مداوم است. در خصوص رضایت از محتوای برنامه‌ها تفاوت محسوسی به چشم می‌خورد ولیکن درخصوص نحوه برگزاری برنامه‌ها تقریباً یک نارضایتی عمومی مشاهده می‌شود. در مجموع مطالعات حاکی از آنند که عوامل انگیزه در پزشکان عمومی جهت شرکت در برنامه‌های آموزش مداوم عبارتند از سهولت (دسترسی به برنامه‌ها)، تناسب (محتوا با نیازها)، توجه به فرد (مشارکت افراد در برنامه‌ریزی)، خودآزمایی، ایجاد علاقه‌مندی جهت شرکت در برنامه‌ها و سازمان‌دهی مناسب برنامه‌ها. سؤال ۲: نتایج بسیاری از مطالعات بررسی شده، حاکی از افزایش دانش مشمولین به دنبال شرکت در برنامه‌های آموزش مداوم است. گرچه مدارک حاکی از افزایش دانش هستند اما در بسیاری مطالعات این افزایش درحد قابل قبولی نبوده و کمتر از میزان مطلوب است. در حیطه‌های نگرش و مهارت تعداد مطالعات انجام شده بسیار محدود است. سؤال ۳: آنچه از بررسی مطالعات انجام شده به‌دست آمده متداول‌ترین شیوه نیازسنجی در آموزش مداوم روش‌های توافقی است. موضوع دیگر دیدگاه طراحان و برنامه‌های آموزش مداوم و استفاده‌کنندگان (مشمولین) برنامه‌ها است. در مطالعات مختلف میزان انطباق این دو دیدگاه بررسی شده است. اگرچه به‌نظر مدیران و کارشناسان آموزش مداوم کشور، مناسب‌ترین منبع نیازسنجی، استخراج نیازهای آموزشی براساس وظایف اصلی و حرفه و در جهت توانمندکردن افراد برای ارائه آن وظایف است. اما در عمل حتی نتوانسته رضایت جامعه پزشکی را تأمین کند.

کلیدواژه‌ها: آموزش مداوم، مرور مطالعات، مشمولین، دانش، نگرش، عملکرد، نیاز آموزشی

(S.15Pos.2) نشست: ۱۵، پوستر: ۲

بررسی منابع و خدمات علمی- پژوهشی مورد نیاز دانشگاه، برای تحقق یادگیری مادام‌العمر از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

اقدس کریمی*، محمد دهقانی، زهره خزاعی

* عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند - karimi_midwife@yahoo.com

مقدمه: از دیدگاه یادگیری مادام‌العمر باید دانشجویان به مهارت‌های یادگیری مادام‌العمر، سواد اطلاعاتی، یادگیری چگونه یادگرفتن و جست‌وجو در منابع اطلاعاتی مجهز شوند بنابراین دانشگاه‌ها باید زمینه تقویت فرایند یادگیری مادام‌العمر را فراهم کنند. لذا این مطالعه با هدف بررسی میزان یادگیری مادام‌العمر در کارکنان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند در سال ۱۳۸۸ انجام گرفت.

روش: جهت جمع‌آوری اطلاعات از روش خودگزارشی با استفاده از پرسش‌نامه انجام شد.

یافته‌ها: نتایج مطالعه نشان داد از کل دانشجویان شرکت‌کننده در مطالعه ۵۴ درصد خدمات ارائه شده از سوی کتابخانه‌ها، ۴۵/۶ درصد وجود ابزارها و منابع مناسب، ۴۵ درصد برگزاری همایش‌ها و کنفرانس‌ها و کارگاه‌های آموزشی، ۴۱ درصد ارائه خدمات از سوی مراکز اطلاع‌رسانی، ۳۲ درصد گسترش خدمات مشاوره‌ای، ۳۱ درصد خدمات مرکز آموزش مهارت‌های مطالعه و یادگیری و ۲۸/۷ درصد وجود تشکلهای و انجمن‌های حرفه‌ای را به عنوان منابع و خدمات علمی- پژوهشی مورد نیاز که در حیطه یادگیری مادام‌العمر نقش مؤثری دارد، بیان نمودند.

بحث و نتیجه‌گیری: استفاده از منابع و خدمات علمی- پژوهشی برای کمک به تداوم یادگیری ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

کلیدواژه‌ها: منابع، خدمات علمی- پژوهشی، یادگیری مادام‌العمر، یادگیرنده مادام‌العمر

(S.15Pos.3) نشست: ۱۵، پوستر: ۳

ارتقای کیفیت کارآموزی دانشجویان مدیریت خدمات بهداشتی درمانی با رویکرد اقدام پژوهی

جعفر صادق تبریزی*، زهرا حمزه‌ای

* استادیار دانشگاه علوم پزشکی تبریز؛ تبریز، خیابان گل‌گشت، خیابان عطار نیشابوری، دانشکده بهداشت و تغذیه
tabrizijs@tbzmed.ac.ir

مقدمه: دانشجویان رشته مدیریت خدمات بهداشتی درمانی برای تحقق ویژگی‌های حرفه‌ای و کسب مهارت‌ها و شایستگی‌های مورد نیاز به منظور انجام درست وظایف حرفه‌ای در نظام سلامت نیازمند آموزش سازمان‌یافته، به‌ویژه مدیریت هدف‌مند و برنامه‌ریزی شده کارآموزی در عرصه هستند. بدین منظور، مطالعه حاضر با هدف ارتقای کیفیت کارآموزی در عرصه با مشارکت فعال دانشجویان طراحی و اجرا گردید.

روش: یک مطالعه کیفی با رویکرد اقدام پژوهی در دانشکده بهداشت و تغذیه تبریز با مشارکت فعال دانشجویان از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۸۷ انجام و داده‌های قبل و بعد از مداخله با پرسش‌نامه و دوازده بحث گروهی متمرکز (FGD) جمع‌آوری گردید. علاوه بر این در طول انجام مداخله جلسات مستمری با تیم‌های دانشجویی ارتقای کیفیت (هشت تیم دانشجویی در طی چهار ترم تحصیلی) برای شناسایی مشکلات و ضعف‌ها، و اصلاح برنامه‌ها انجام گرفت. بر اساس داده‌های اولیه، مداخله طراحی و اجرا شده و نهایتاً داده‌های بعد از مداخله به روش FGD برای تعیین بهبود کیفیت حاصله انجام گرفت. داده‌های کمی با SPSS و داده‌های کیفی به‌صورت دستی و با روش درون-مایه‌ای تحلیل گردید.

یافته‌ها: بر اساس داده‌های قبل از مداخله عمده‌ترین مشکلات مربوط به هماهنگی، حضور مربی و آموزش در عرصه، آزمون پایان دوره، طرح درس و برنامه مدون آموزشی، نقش‌ها و وظایف عرصه‌های کارآموزی، منابع آموزشی، گزارش کارآموزی و کلاس‌های توجیهی می‌شد که اقدام به طراحی مداخله‌ای شامل برنامه‌ریزی جامع آموزشی، تدوین طرح درس، تأمین مربیان ثابت، تدوین کارپوشه (Portfolio) و بهره‌گیری از OSFE برای ارزیابی مهارت گردید. مداخله فوق با مشارکت اعضای هیئت علمی و دانشجویان ذی‌نفع انجام گرفت که در نهایت موفقیت برنامه‌ها از دید دانشجویان سنجیده شد. فارغ از برخی پیشنهادات و گلایه‌های دانشجویان، آنها در کل از برنامه‌ریزی انجام گرفته، اجرای منظم برنامه‌ها، حضور مربیان و ارزیابی صحیح مهارت‌ها ابراز رضایت کردند.

بحث و نتیجه‌گیری: داده‌های قبل و بعد از مداخله، نشان‌دهنده موفقیت مداخله انجام گرفته بوده و از این رو طرح درس‌ها، کارپوشه‌ها و روش‌های ارزیابی، که در حال استاندارد سازی هستند، قابلیت استفاده در سایر دانشگاه‌ها برای بهبود کارآموزی دانشجویان مدیریت خدمات بهداشتی درمانی را دارند.

کلیدواژه‌ها: کارآموزی دانشجویان، کارورزی، آموزش در عرصه

(S.15Pos.4) نشست: ۱۵، پوستر: ۴

راه‌کار مدیریت پژوهش در آموزش: تحلیل محتوی مقالات منتشر در مجلات آموزش پزشکی

رقیه ارشاد سرابی*، طاهره اسلامی نژاد، هاجر شفیعیان

* مربی دانشگاه علوم پزشکی کرمان؛ کرمان، چهارراه شفا، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، معاونت آموزشی
a.ershadsarabi@gmail.com

مقدمه: پژوهش در آموزش و در پی آن انتشار مقالات، فراهم‌کننده مستندات مورد نیاز جهت تصمیم‌گیری‌های آموزشی می‌باشد. این مستندات، ضمن فراهم نمودن دانش مورد نیاز رشته، بر چگونگی یادگیری دانشجویان پزشکی و پزشکان، ارزش‌یابی آنان، مدیریت فرآیند آموزش و در نهایت بر کیفیت درمان بیماران تأثیرگذار می‌باشد. در این راستا ما با هدف درک بیشترین موضوعات پرداخته شده در حوضه آموزش پزشکی به بررسی مقالات چاپ شده در مجلات ایرانی دارای امتیاز پژوهشی در آموزش پزشکی پرداختیم.

روش: در این مطالعه مقطعی، مقالات از سه مجله علمی پژوهشی در حوزه آموزش در علوم پزشکی از سال ۱۳۷۹ تا سال ۱۳۸۶ مورد مطالعه قرار گرفته و کلیه ۴۸۳ عنوان استخراج و در پایگاه طراحی شده در Excel شامل نام نویسندگان، خلاصه مقالات و موضوع مقاله، نوع پژوهش و نام دانشگاه مربوطه، ذخیره و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: از ۴۸۳ مقاله بررسی شده ۳۸ عنوان (۸٪) از مجله‌ی گام‌های توسعه، نشریه دانشگاه علوم پزشکی کرمان ۲۹۰ عنوان (۶۰٪) از مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، نشریه دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و ۱۵۵ عنوان (۳۲٪) از مجله *Journal of medical education*، نشریه دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی بود. بیشترین موضوع پرداخته شده در مجلات مربوط به مدیریت آموزشی ۱۵۹ مقاله (۳۳٪)، شیوه‌های آموزش ۱۲۸ مقاله (۲۶٫۵٪) و کم‌ترین موضوع پرداخته شده در مقالات مربوط به مهارت‌های ارتباطی ۱۰ مقاله (۲٫۱٪) بود.

بحث و نتیجه‌گیری: بیشترین پژوهش‌های انجام شده در مقالات بررسی شده مربوط به موضوع شیوه‌های آموزشی، مدیریت آموزشی و ارزش‌یابی برنامه بود. با مقایسه اولویت‌های اعلام شده در زمینه پژوهش در آموزش در منابع معتبر با نتایج حاصل از این پژوهش، توجه به موضوعاتی از قبیل مهارت‌های ارتباطی، تکنولوژی آموزشی و پژوهش در آموزش بیشتر روشن گردید.

کلیدواژه‌ها: تحلیل محتوا، مقالات، آموزش پزشکی، ایران

(S.15Pos.5) نشست: ۱۵، پوستر: ۵

سرمایه‌گذاری صحیح در پژوهش به منظور ارتقاء نتایج بالینی

حسین معالایی*، زهرا السادات اسدی

* استادیار قارچ‌شناسی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، مرکز توسعه و آموزش پزشکی، سبزوار خیابان سید جمال الدین اسد آبادی
moallaei43@yahoo.com

مقدمه: مؤسسات پژوهشی و بالینی در یک مرکز علمی سلامت کاملاً به هم وابسته هستند و فعالیت‌های آنها اثر افزایش بر یکدیگر دارند. استراتژی مشارکت بین اقدامات علمی و بالینی و سرمایه‌گذاری در هر دو، نتایج چشم‌گیری در مقایسه با سرمایه‌گذاری در هر کدام از آنها به تنهایی دارد.

روش: مطالعه حاضر از نوع توصیفی-مروری است و با استفاده از مقالات موجود در شبکه استراتژی‌های انجام شده در کشورهای مختلف برای سرمایه‌گذاری صحیح در زمینه پژوهش به منظور ارتقاء نتایج بالینی مورد بحث قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج حاصل از این مطالعه مروری نشان داد که برای نیل به اهداف مطلوب بالینی باید به بنیان‌های اصولی ذیل توجه ویژه‌ای صورت گیرد. ۱. مؤسسات بهداشتی باید به منظور استفاده محققین در زمینه‌های مختلف از تسهیلات و تکنولوژی‌های جدید شامل پیشرفت در زمینه ژنومیک، پروتئومیک، بیوانفورماتیک، تحقیقات بالینی، تعیین سکاس DNA و سایر علوم پایه به منظور بالا بردن و ارتقای روش‌های درمانی سرمایه‌گذاری نمایند. ۲. استفاده از سایر منابع مالی برای تأمین بودجه‌های پژوهشی شامل کمک در به‌دست آوردن منابع مالی از سایر مؤسسات، استفاده از مشوق‌های مالی، مکانیسم‌های ارزیابی شده و دقیق در سرمایه‌گذاری، و استفاده مالی از تجارت نتایج تحقیقات. ۳. استراتژی‌های سرمایه‌گذاری را در ریزساختارهای پژوهشی شامل افزایش تسهیلات، تجهیزات و فراهم نمودن زمینه برای ارتقاء محققین پیاده نمائیم.

بحث و نتیجه‌گیری: برای رسیدن به نتایج بهتر اقدامات ذیل باید صورت گیرد. دانشکده‌ها باید قادر باشند نتایج بالینی را به نحوی ارائه دهند که بتوانند کمک‌های مالی قابل توجهی از مؤسسات غیر دولتی دریافت نمایند.

ب) دانشکده‌ها باید مرتباً نتایج تحقیقات خود را به ویژه آنهایی که تغییرات معنادار و بارزی در بالا بردن نتایج بالینی دارند را گزارش نمایند. ت) میدان فعالیت هر دانشکده دانشگاه گسترش یابد. ث) تحقیقات بالینی کاملاً با مشکلات بهداشتی همسو باشند. ج) با افزایش قدرت درمان بیماران توانایی سودآوری مراکز آموزشی را ارتقاء دهیم. ح) با افزایش تحقیقات جامع مراکز آموزشی را به مراکز کار آفرینی تبدیل نمائیم. خ) در سطوح مدیریت افرادی را به کار گیریم که دارای سابقه خوبی از نظر پژوهشی داشته باشند و متعهد به انجام پروژه‌های تحقیقاتی مفید و موفقیت آمیز باشند. د) تعداد رشته‌های علمی در مقطع دکتری را در زمینه بیولوژی مولکولی و بیولوژی ساختاری افزایش دهند و پذیرش دانشجویان در مقطع PhD را زیاد نمایند و تمهیدات لازم در افزایش تجهیزات لازم برای تحقیقات دانشجویان فراهم نمایند.

کلیدواژه‌ها: سرمایه‌گذاری صحیح، پژوهش، نتایج بالینی

(S.15Pos.6) نشست: ۱۵، پوستر: ۶

بررسی چالش‌ها و راهکارهای آموزش از راه دور در علوم پزشکی، تهران-۱۳۸۸

شیدا جلالی*، کامبیز پوشانه، مهدی دوانه

*دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده‌ی پزشکی، تهران، خیابان جعفرگوی آبادی

sh_djalali@yahoo.com

در جامعه پزشکی به‌روزرودن اطلاعات از طریق رایانه و اینترنت در جهت پربارتر شدن علوم و فعالیت‌های حرفه‌ای امری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. عصر حاضر به دوران اطلاع رسانی و رایانه شهرت یافته است. در عرصه اطلاعات، تکنولوژی نوین در تمامی ابعاد ذهن بشر را به خود مشغول نموده است. کاربرد روزافزون منابع الکترونیکی و تحولات جدید در دنیای اطلاعات، نیاز به دستیابی آسان و سریع به اطلاعات پزشکی را از اجزای جدایی‌ناپذیر نموده است. امروزه عصر اطلاعات و جامعه اطلاعات محور است. خصوصیات جامعه پزشکی از جمله تعداد افراد در گروه‌های پزشکی و پیراپزشکی، گستردگی جغرافیایی، علایق مختلف در یادگیری، و ... باعث می‌شود این گروه به-عنوان گروه هدف در برنامه‌های علمی و آموزش از راه دور قرار بگیرد. در این میان بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و نیاز به شبکه در تمامی سطوح در دانشگاه‌های کشور احساس می‌شود. همانند بسیاری از کشورهای دنیا، دانشگاه‌های ما نیز می‌بایست بر برنامه‌های آموزش از راه دور تمرکز بیشتری نموده و با استفاده از برنامه‌های کوتاه مدت و بلند مدت آموزشی، و در جهت ارتقای کیفیت آموزش و تربیت نیروی انسانی در جامعه پزشکی بیش از پیش تلاش نماید. مسائل اقتصادی، زیرساخت‌های فنی و مخابراتی، آموزش رایانه، تدوین آیین نامه‌های آموزشی، داشتن تکنولوژی نوین در کنار آموزش سنتی و ... از جمله چالش‌های موجود می‌باشند. در این میان مدرسین برای برقراری ارتباط مؤثر و به روز باید بسیار تلاش نمایند تا بتوانند در این عرصه به‌خوبی وارد شوند.

کلیدواژه‌ها: چالش‌های آموزش، آموزش از راه دور، آموزش در علوم پزشکی

(S.16Pos.1) نشست: ۱۶، پوستر: ۱

عوامل تسهیل‌گر و ممانعت‌کننده در استفاده از روش یادگیری از هم‌طرازان

مریم روانی‌پور*، مرضیه بهارلو

* استادیار دانشگاه علوم پزشکی بوشهر؛ بوشهر، خیابان معلم، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر ravanipour@bpums.ac.ir

مقدمه: یادگیری، نیازمند حمایت و همیاری اساتید، منتورها، هم‌طرازان و سایر منابعی هستند که هر یک روش‌های متفاوتی از یادگیری را برای رفع نیازهای یادگیری دانشجویان فراهم می‌آورد. با توجه به نقش هم‌طرازان در سهولت یادگیری مهارت‌های بالینی و حساسیت‌بخش اطفال و نوزادان در دادن دارو، تنظیم سرم‌ها و مشکلاتی که دانشجویان دوره‌های پیشین هم در انجام مهارت‌های بالینی و هم تحمل استرس زیاد با آن مواجه بودند بر آن شدیم به بررسی اثرات استفاده از هم‌طرازان در آموزش عمده مهارت‌های پرستاری در بخش اطفال و نوزادان (تنظیم سرم و دارو) بپردازیم.

روش: این پژوهش بخشی از مطالعه بزرگتر است که در خصوص دیدگاه دانشجویان پرستاری از مفهوم یادگیری از هم‌طرازان به صورت کیفی انجام شده است. جهت انجام این پژوهش دو گروه از دانشجویان کارشناسی ناپیوسته که کارورز در فیلدهای کودکان و نوزادان و زیر نظر یک مربی خاص بودند به‌طور متقاطع در یک فیلد به‌صورت یادگیری از هم‌طرازان و در فیلد دیگر به‌صورت معمولی آموزش دیدند. پس از اتمام دوره کارورزی هر دو گروه به صورت جداگانه در خصوص تجارب و دیدگاه‌هایشان از یادگیری از هم‌طرازان مورد مصاحبه قرار گرفتند. مصاحبه‌ها پس از ضبط بر روی کاغذ پیاده و به‌صورت روش متداول پژوهش‌های کیفی کدگذاری و تحلیل شدند.

یافته‌ها: عوامل تسهیل‌گر یادگیری از هم‌طرازان از دید دانشجویان عبارت بود از حجم کار محدود، نوع کار کم استرس، آموزش قبلی مربی در مورد ویژگی‌ها و نحوه عملکرد هم‌طرازان، شخصیت خوب مربی، آشنایی قبلی مربی با دانشجویان جهت انتخاب هم‌طرازان

مناسبتر و روحیه پرسش‌گری دانشجویان. عوامل ممانعت‌کننده از استفاده از هم‌طرازان عبارت بود از رقابت دانشجویان بر سر نمره، محیط یا پرسنل پرسترس، ناتوانی برخی دانشجویان در ایفای نقش هم‌طرازان، عدم نظارت مربی بر کار آموزش هم‌طرازان (رها شدن فرایند آموزش هم‌طرازان).

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به نظرات عنوان شده دانشجویان به نظر می‌رسد فرآیند ارزش‌یابی دانشجو به چندبخش تقسیم شده و فرآیند یاددهی و یادگیری از هم‌طرازان علاوه بر ارزش‌یابی عملکرد مستقل دانشجویان نیز در نظر گرفته شود و همچنین هم‌طرازان در یکی دو روز اول داوطلبی بوده و نمره‌ای به منظور ارزش‌یابی برای آنها در نظر گرفته نشود. اگر یادگیری از هم‌طرازان همه‌گیر شده و این نقش توسط دانشجویان درونی شود راحت‌تر و سریع‌تر به نتایج مثبت دل‌خواه‌مان دست خواهیم یافت.

کلیدواژه‌ها: عوامل تسهیل‌گر، عوامل ممانعت‌کننده، یادگیری از هم‌طرازان، دانشجو، تحقیقات کیفی

(S.16Pos.2) نشست: ۱۶، پوستر: ۲

ارزیابی جلسات بازخورد وضعیت تحصیلی دستیاران جراحی در یک مرکز دانشگاهی

علی امینیان^{*}، عباس ربانی، سید حسن امامی رضوی، سید رسول میرشریفی، علیرضا کاظمینی، علی جعفریان
^{*} استادیار دانشگاه علوم پزشکی تهران؛ تهران، انتهای بلوار کشاورز، بیمارستان امام خمینی، گروه جراحی عمومی
aaminian@tums.ac.ir

مقدمه: ارائه بازخورد یک از اجزای مهم برنامه‌های آموزشی می‌باشد. به کمک بازخوردهای مستمر و سازنده، فراگیر نقاط ضعف و قوت خود را شناسایی می‌کند. لازم است که بازخورد با روشی مناسب انجام پذیرد تا نتیجه مطلوب حاصل گردد. هدف از این مطالعه ارزیابی جلسات بازخورد وضعیت تحصیلی دستیاران جراحی از نگاه ایشان می‌باشد.

روش: در گروه جراحی از هفت روش مختلف برای ارزیابی دستیاران شامل امتحان ارتقاء سالیانه، امتحانات چهارگزینه‌ای ماهیانه، آزمون اسکی، فرم‌های نظرخواهی از اساتید، لاگ بوک، ارزیابی پرونده‌ها، و مشاهده مستقیم عملکرد (DOPS) استفاده می‌شود. کارنامه‌ای در پایان هر سال تحصیلی شامل نمرات دستیاران در هر یک از آزمون‌ها و نقاط ضعف و قوت ایشان و برنامه پیشنهادی در جهت بهبود عملکرد ایشان تهیه می‌گردد. در جلسات فیدبک مسئولین آموزش و رؤسای بخش‌های گروه جراحی با هر یک از دستیاران به صورت جداگانه وضعیت وی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و بازخورد مناسب ارائه می‌گردد. در پایان جلسه بازخورد از دستیاران در مورد کیفیت این جلسات نظرخواهی کتبی انجام شد و نتایج حاصله (بر اساس مقیاس لیکرت از ۰ تا ۴) بررسی گردیدند.

یافته‌ها: متوسط شدت استرس پیش از جلسه بازخورد $2\pm 1/6$ با میانگین میزان رضایت‌مندی از نحوه برخورد اساتید در جلسه بازخورد $3/8\pm 0/4$ بود. میانگین میزان پذیرش نقاط قوت و ضعف ارائه شده از دیدگاه دستیاران به ترتیب برابر $3/5\pm 0/9$ و $3/2\pm 0/8$ بیان گردید. اکثر دستیاران برنامه پیشنهادی گروه در جهت بهبود عملکرد خود را قبول داشتند (میانگین ۳). اکثر دستیاران ذکر نمودند که از نتایج این جلسه استفاده خواهند نمود (میانگین $3/3\pm 1/2$ و میانگین ۴). ۲۵٪ دستیاران خواهان برگزاری بیشتر این جلسات بودند.

بحث و نتیجه‌گیری: جلسات بازخورد، از دیدگاه فراگیران در شناسایی نقاط قوت و ضعف ایشان و بهبود عملکردشان مثبت ارزیابی می‌گردد. لازم است اعضای هیئت علمی با روش‌های علمی ارائه بازخورد آشنا باشند و بهتر است جلسات بازخورد با تناوب بیشتری در هر سال تحصیلی انجام پذیرد.

کلیدواژه‌ها: بازخورد، ارزیابی، آموزش

(S.16Pos.3) نشست: ۱۶، پوستر: ۳

بررسی تأثیر رویکرد آموزش مبتنی بر حل مسئله بر میزان فهم و یادگیری، علاقمندی و رضایت‌مندی دانشجویان پزشکی در درس بافت‌شناسی

محمد جعفر رضایی^{*}، دکتر آرش پولادی

^{*} استادیار عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان، مرکز آموزش پزشکی mjrezaie@hotmail.com

Abstract

Back ground & Aims: Problem Based Learning (PBL) is a term used within education for a range of teaching approaches that encourage students to learn through the structured exploration of a research problem. We understand that our medical students' lives have become more complicated and the more successful students have become masters at juggling their studies with the other aspects of their lives. It appears that, due to the pure volume of material, the students often rely on routine memorization. In the case of histology, the students don't seem to connect the histological ideas with clinical practice. Histology comes early in the curriculum and the medical students seem unable to see the value of the content, they don't appear to be motivated to learn the content. This project used Problem Based Learning to help the students make the connection between the content and clinical aspects.

Method and materials: Thirteen six undergraduate medical students, 22 female and 14 male, enrolled in a Histology course in the study during the spring semester of 2008. A demographic survey which collected information relative to gender, course load, and workload and study time was used. The course examined was accessory glands of digestive system histology. The course is designed into four units. Three units: salivary glands, pancreas and gall bladder histology, were presented in a traditional lecture format. The fourth unit, liver was presented in a problem-based format that used clinical practice. Assessment focused on three issues: 1) Student engagement, 2) Unit assessment of clarity, interest and usefulness and 3) Student understanding.

Results: Student comments collected during PBL class periods indicate engagement in the topic. Our results showed that twenty-one out of 36 comments (58%) listed information on specific concepts of the unit. In contrast, comments from the traditional unit nine out of 36 (25%) that indicate less focused. Our results about partnership showed that in PBL method of teaching most of the responses discussing about the unit according to the aim of teaching but in Traditional unit a few of responses relate to the unit & unit the students have active partnership playing in PBL method. Student answering about usefulness, interesting and clearness of material during PBL is significantly higher than traditional method.

Conclusion: In this project student comments collected during PBL class periods indicate more engagement in the topic. Unit assessment of clarity, interest and usefulness and also Student understanding in material are significantly higher & according to this project student partnership in PBL method was more than traditional methods.

Keyword: Problem Based Learning, histology, medical students

(S.16Pos.4) نشست: ۱۶، پوستر: ۴

نتایج مستندسازی فعالیت‌های آموزش سرپایی اعضای هیئت علمی دانشکده پزشکی در تغییر نگرش اساتید برای تدریس در درمانگاه

سعیده غفاری فر*، داریوش سوادی اسکویی، محمد محمدزاده، علی مشکینی

* پزشک عمومی دانشگاه علوم پزشکی تبریز - دانشکده پزشکی - EDO - sa.ghafarifar@yahoo.com

مقدمه: در این مطالعه توصیفی که بخشی از آن به صورت کیفی انجام شد، اطلاعات مربوط به ویزیت سرپایی اساتید دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز، شامل ساعات ورود و خروج اساتید به درمانگاه آموزشی و تعداد بیماران ویزیت شده در هر روز را در دفتری که به منظور مستندسازی فعالیت‌های آموزش سرپایی در EDO دانشکده طراحی شده بود، ثبت و پس از تحلیل داده‌ها توسط نرم-افزار SPSS.15، پس‌خوراند مربوط به ویزیت اساتید در ۱۲ درمانگاه آموزشی مرکز آموزشی درمانی امام رضا(ع) را شامل میانگین تعداد بیماران ویزیت شده، جمع کل ساعات ویزیت و میانگین زمان صرف شده برای ویزیت هر بیمار را به تفکیک هر یک از اساتید در ماه‌های مختلف به دفتر مدیران گروه‌های آموزشی ارسال و تأکید کردیم که از نتایج این ارزشیابی‌ها در ارتقاء پایه و مرتبه اعضای هیئت علمی

استفاده خواهیم کرد. میزان تغییر نگرش اساتید برای تدریس در درمانگاه‌های آموزشی را از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با تعداد ۳۸ نفر از اساتید و مشاهدات حضوری محققین در محل درمانگاه‌ها سنجیدیم.

یافته‌ها: تغییر در نگرش اساتید شرکت‌کننده در طرح در حد سطح سوم طبقه بندی بلوم (valuing) بود. ۸/۸۶ درصد اساتید تعهد خویش برای برقراری تعادل بین تدریس بر بالین بیمار و درمانگاه را با ۱- حضور منظم در درمانگاه، طبق برنامه مدون گروه و ۲- افزایش میزان علاقه خویش برای ارائه آموزش‌های کیفی لازم به بیماران و فراگیران آموزش بیان نمودند، بررسی مستندات و مشاهدات حضوری کارشناسان دفتر توسعه آموزش در درمانگاه‌ها نیز حاکی از نتایج مشابه بود.

بحث و نتیجه‌گیری: با استفاده از مکانیسم‌های ارزیابی و ارائه فیدبک من جمله ترفیع و ارتقا عملکردهای برتر می‌توان نگرش اساتید برای تدریس در درمانگاه‌های سرپایی را ارتقا داد.

کلیدواژه‌ها: مستندسازی، آموزش سرپایی، فیدبک

(S.16Pos.5) نشست: ۱۶، پوستر: ۵

مقایسه دو روش آموزشی مبتنی بر سخنرانی و نقشه مفهومی بر سطوح یادگیری شناختی دانشجویان

پرستاری در واحد قلب و عروق

معصومه معصومی*، فروغ سرهنگی، افسانه رئیسی‌فر

* دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله، دانشکده پرستاری - masoumy@yahoo.com

مقدمه: از آنجای که هدف نهایی از پرستاری حرفه‌ای، ارائه مراقبت‌هایی با بالاترین کیفیت به بیماران در تمام حیطه‌ها (زیستی، روانی، اجتماعی) می‌باشد. بنابراین مدرسان پرستاری باید روش‌های تدریسی را به کار ببرند که از یادگیری سطحی دانشجویان جلوگیری کرده و باعث ارتقای یادگیری معنادار و سطح بالا در آنها شود. این مطالعه با هدف مقایسه دو روش آموزشی مبتنی بر سخنرانی و نقشه مفهومی بر سطوح یادگیری شناختی دانشجویان پرستاری در درس پرستاری بیماری‌های قلب و عروق انجام شد.

روش: در یک مطالعه نیمه‌تجربی با طرح دو گروهی و با روش پیش‌آزمون - پس‌آزمون، ۶۶ دانشجوی ترم ۵ پرستاری با روش سرشماری و به روش تصادفی ساده به دو گروه شاهد و مورد تقسیم شدند. پس از اجرای پیش‌آزمون، دانشجویان گروه‌های شاهد و مورد به مدت ۸ جلسه و در طول ۲ ماه به ترتیب تحت آموزش با روش سخنرانی و نقشه مفهومی قرار گرفتند. سپس پس‌آزمون اجرا شد و ۴ هفته بعد از اجرای پس‌آزمون یادداری گرفته شد. برای جمع‌آوری داده‌ها از یک آزمون پیشرفت تحصیلی محقق ساخته، متشکل از دو قسمت استفاده گردید که سطوح دانش و یادگیری معنادار (درک و کاربرد) دانشجویان را در زمینه درس قلب و عروق مورد ارزش‌یابی قرار داد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون آماری آنالیز واریانس با اندازه‌گیری مکرر و نرم‌افزار SPSS15 استفاده شد.

یافته‌ها: روند تغییر میانگین نمرات کل (سطح دانش و یادگیری معنادار) در هر دو روش از نظر آماری معنادار بوده است ($P<0.01$) روند تغییر میانگین نمرات سطح دانش بین دو گروه از نظر آماری معنادار نبود ($P=0.052$) ولی روند تغییر میانگین نمرات سطح یادگیری معنادار در گروه نقشه مفهومی از نظر آماری معنادار بود ($P<0.005$).

نتیجه‌گیری: روش نقشه مفهومی برای دستیابی به سطوح بالای یادگیری و یادگیری معنادار، نسبت به روش سخنرانی مؤثرتر می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: نقشه مفهومی، سطوح یادگیری، یادگیری معنادار

(S.16Pos.6) نشست: ۱۶، پوستر: ۶

رهبری و هدایت ژورنال کلاب مبتنی بر شواهد تحت وب و به صورت آنلاین

سکینه حاج ابراهیمی*، فاطمه صادقی غیائی، لی‌لی نصرتی

* دانشیار مرکز پزشکی مبتنی بر شواهد ایران - دانشکده پزشکی - دانشگاه علوم پزشکی تبریز -

hajebrahimis@gmail.com

مقدمه: برگزاری ژورنال کلاب مبتنی بر شواهد سنگ بنای تفکر و عملکرد مبتنی بر شواهد در بخش‌های بالینی به حساب می‌آید. با وجود گرایش نسبی اعضای هیئت علمی به شیوه‌های بررسی منتقدانه مستندات پزشکی هنوز عملیاتی کردن این روند در گروه‌های آموزشی بطئی است. به نظر می‌رسد که شاید تسهیل روند رهبری سیستم از برون و نظارت بر آن بتواند راه‌گشای کار باشد. برای این منظور یک سیستم آن‌لاین جهت آشنایی با ژورنال کلاب مبتنی بر شواهد، آموزش روش‌های بهینه اجرا و همچنین هدایت آن توسط مرکز پزشکی مبتنی بر شواهد ایران طراحی و راه‌اندازی شد.

روش: این مدل در قالب وب سایت «ژورنال کلاب مبتنی بر شواهد» [۱] طراحی و مورد راه‌اندازی قرار گرفت. هدف از راه‌اندازی این وب سایت معرفی اهداف برگزاری، نقش [۲] EBM در ژورنال کلاب، روش‌های برگزاری آن در گروه‌های بالینی، ارائه کاربرگ‌های [۳] مفید برای نقادی مقالات و ارائه مطالب آموزشی مفید برای آشنایی با این مباحث و در نهایت کمک و هدایت گروه‌های آموزشی بالینی در اجرا و نهادینه‌سازی ژورنال کلاب مبتنی بر شواهد به جای اجرای ژورنال کلاب سنتی است. در طراحی وب سایت لینک‌هایی برای آشنایی با تاریخچه، اهداف و آمادگی برای برگزاری ژورنال کلاب مبتنی بر شواهد تعبیه شده است. علاوه بر آن امکان دانلود کاربرگ‌ها، اسلایدها و ... در قالب فرمت pdf و word وجود دارد. از جمله ویژگی‌های این سایت امکان تبادل اطلاعات بین کاربران و مجریان طرح است و کاربران می‌توانند در لینک «تماس با ما» سؤالات خود را مطرح کنند و با ارائه ایمیل خود منتظر پاسخ آن توسط مرکز باشند. برای اجرای این پروژه مرکز پزشکی مبتنی بر شواهد ایران هدایت و رهبری این برنامه را در تمامی مراحل اعم از آموزش این روش، مشاوره و پاسخ‌گویی به سؤالات مطرح شده کاربران سایت و روزآمد کردن سایت بر عهده دارد. در گام بعدی برنامه عملیاتی قدم به قدم در قالب برنامه دانش‌پژوهی برای اعضای هیئت علمی گروه‌های آموزشی به‌صورت پیش‌نویس آماده شده لذا اجرای این روند در گروه‌ها به عنوان فعالیت دانش پژوهی احتساب خواهد شد. نمونه مقالات نقادی شده به‌صورت آماده در وب سایت قرار گرفته است و برنامه ژورنال کلاب کلیه گروه‌های آموزشی به‌صورت آن‌لاین در وب سایت آماده شده است.

یافته‌ها: این مدل که برای اولین بار در ایران ارائه می‌شود، مورد استقبال و استفاده تعداد زیادی از گروه‌های آموزشی بالینی قرار گرفته است. در حال حاضر برنامه در گروه‌های آموزشی داخلی، بیماری‌های اعصاب، ارولوژی، پوست، توان‌بخشی، گوش، حلق و بینی، پزشکی اجتماعی، ... دانشگاه علوم پزشکی تبریز به‌شکل پروژه‌های دانش پژوهی در حال اجرا می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری: ارتقا دست‌یابی به اهداف تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد نیازمند تسهیل روند اجرایی، ایجاد انگیزش و ترغیب کارکنان سلامت، نظارت و رهبری مناسب و ارائه بازخورد مؤثر و به موقع می‌باشد. این وب سایت می‌تواند پاسخ‌گوی بخشی از نیازهای سیستم‌های بهداشتی درمانی در درک صحیح سطح شواهد علمی باشد.

کلیدواژه‌ها: ژورنال کلاب مبتنی بر شواهد، ژورنال کلاب مبتنی بر شواهد تحت وب، مدل رهبری

(S.16Pos.7) نشست: ۱۶، پوستر: ۷

میزان تأثیرات مواجهه بالینی مقدماتی در نگرش دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مازندران در

خصوص درس علوم پایه

Mitra mahmoodi¹, Kouros Vahidshahi¹, Mansoor Ranjbar¹, Mahdi Ahangari¹, Somayeh Oladi¹

1. Education Development Center Mazandaran University of Medical Sciences
mtmhmit@yahoo.com

Now a day's early clinical experience (ECE) in medical education has been developed to improve integration of basic sciences and clinical education and some other objectives. This study was conducted to evaluate the effect of ECE on attitude of basic science medial students of Mazandaran University of Medical Sciences (MUMS) 2008. Summary of work In this interventional study all medical students in second educational year (basic science), enrolled. An ECE program in 12 sessions was designed and developed during 4th educational semester. Attitudes of the students toward clinical importance of basic science courses were assessed before and after the program using a valid and reliable questionnaire. Data were

analyzed using Wilcoxon, X2 and McNemar in SPSS 15.00. Summary of results Forty seven students enrolled in the study, of them 42 returned completed questionnaire (response rate 89%). 25 of them were female (60%). The findings showed that ECE only improved the attitude of the students toward neuroanatomy ($P < 0.01$). Global attitude toward ECE was positive and some evidence like students attendance in hospitals in vacations indicated highly motivating role of ECE. To enhance the students' attitude toward basic science courses, other motivate methods in integration, PBL, ... is necessary. Conclusions Early Clinical Experience program by itself can not improve attitude of students about basic sciences courses properly, but can improve general attitude of them about learning medicine.

Key words: Early clinical experience – Attitude – Basic sciences – Medical students

(S.16Pos.8) نشست: ۱۶، پوستر: ۸

دیدگاه اعضاء هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند نسبت به برنامه‌های آموزشی و مدیریتی و مقایسه آن با وضعیت مطلوب در جهت پاسخ‌گویی در آموزش علوم پزشکی
طاهره حاجی آبادی^۱، محمدرضا حاجی آبادی^۲، طیبه حاجی آبادی^۳
۱. دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، دانشکده پیراپزشکی، خیابان غفاری، azar.khazaei@yahoo.com
۲. دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، دانشکده پیراپزشکی، خیابان غفاری
۳. دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، دانشکده پرستاری، خیابان غفاری

مقدمه: یکی از عواملی که کمک به تقویت آموزش و توانمندی اعضاء هیئت علمی می‌نماید، بهره‌وری فردی است. منظور از بهره‌وری فردی استفاده بهینه از مجموعه استعدادها و توانایی‌های بالقوه انسان و نعمت‌های الهی در طول زندگی شخصی و اجتماعی است، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی از واحدهای تحت مجموعه دانشگاه است که تأثیر به‌سزایی در رشد و توانمندسازی اعضاء هیئت علمی در حیطه‌های شش‌گانه آموزش، پژوهش، خدمات‌درمانی، خدمات‌اجرایی و مدیریتی، توسعه حرفه‌ای و فعالیت‌های تخصص خارج از دانشگاه دارد مطالعه حاضر بررسی دیدگاه اعضاء هیئت علمی در مورد برنامه‌های آموزشی و توسعه حرفه‌ای مدیریتی اعضاء هیئت علمی است.

روش: این مطالعه توصیفی – تحلیلی با تکمیل پرسش‌نامه متوسط ۸۷ نفر از اعضاء هیئت علمی با نمونه‌گیری سیستماتیک انجام شد. پرسش‌نامه شامل مشخصات دموگرافیک و شغلی پنج حیطه ۱- نیاز سنجی برنامه‌های آموزشی و مدیریتی ۲- طراحی و اجرای آموزشی و توسعه حرفه‌ای ۳- گسترش مستمر توانایی‌های اعضاء هیئت علمی ۴- نقش اعضاء هیئت علمی در برنامه‌های توسعه حرفه‌ای ۵- مشارکت فعال اعضاء هیئت علمی در برنامه‌های آموزشی بود.

یافته‌ها: ۷۱/۸ درصد اعضاء، زن بودند. میانگین سابقه کار شرکت‌کنندگان $7/5 \pm 15/2$ بود. (۵۷٪) اعضاء از وضعیت فعلی نیازسنجی برنامه‌های آموزشی و اجرایی برنامه‌های آموزشی و توسعه حرفه و مدیریتی رضایت داشتند ولی (۶۸٪) آنها از وضعیت موجود گسترش مستمر توانایی‌های اعضاء هیئت علمی و نقش دانشگاه در برنامه‌های توسعه حرفه‌ای و بودجه لازم برای آموزش ناراضی بودند مقایسه وضعیت موجود در حیطه‌های توسعه طراحی و اجراء گسترش مستمر توانمندی و نقش دانشگاه و بودجه لازم برای برنامه‌های توسعه حرفه-ای با (۲۰/۵۰ p) معنادار بود.

بحث و نتیجه‌گیری: نظر سنجی ابزار مؤثری در راهنمایی مدیران ارشد دانشگاه است و تکرار و استمرار آن می‌تواند انگیزه مشارکت را در اعضاء هیات علمی تقویت نماید و روند تغییرات را در مورد برنامه‌های مدیریتی مورد ارزیابی قرار دهد

کلیدواژه‌ها: دیدگاه اعضاء هیئت علمی، برنامه‌های آموزشی و مدیریتی، وضعیت مطلوب

(S.17Pos.1) نشست: ۱۷، پوستر: ۱

بررسی میزان آگاهی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند در مورد عوامل انگیزشی مؤثر بر یادگیری آموزش پزشکی

الیاس رفیعی*

* کارشناس EDC دانشگاه علوم پزشکی بیرجند- بیرجند- خیابان غفاری- دانشگاه علوم پزشکی- معاونت آموزشی- مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی abadh60@yahoo.com

مقدمه: اهمیت آموزش پزشکی از آنجا ناشی می‌شود که پا به پای توسعه و پیشرفت روزافزون علوم از جمله پزشکی و نمایان شدن نیازها و انتظارات نوین بهداشتی - درمانی، آموزش پزشکی نمی‌تواند بی‌تأثیر از این تغییر و تحولات باشد. و در همین رابطه آموزش پزشکی نقش مهم و اصلی را در پیش‌بینی و تغییر و تحولات آینده، و تعیین نیازهای جدید به‌منظور پیشرفت در نظام آموزش پزشکی در سطح جهانی متناسب با تحولات جهانی ایفا می‌نماید. از این رو آشنایی دانشجویان با یادگیری آموزش پزشکی و عوامل انگیزشی بیرونی مؤثر بر آن می‌تواند راه همواری را برای ارتقاء سطح کیفی آموزش و تربیت نیروی انسانی متخصص در کلیه سطوح علوم پزشکی ایجاد کند.

روش: این مطالعه یک مطالعه توصیفی- تحلیلی است که در دی ماه سال ۸۸ به‌منظور بررسی آگاهی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند در مورد عوامل انگیزشی مؤثر بر یادگیری آموزش پزشکی انجام شد. جمعیت مورد مطالعه ۴۰۰ نفر بودند که به تفکیک رشته، شامل ۲۰ نفر بهداشت عمومی، ۸۰ نفر پزشکی، ۱۵۰ نفر پرستاری، ۵۰ نفر اتاق عمل، ۵۰ نفر رادیولوژی، و ۵۰ نفر هوشبری بودند. پرسش‌نامه تهیه شده دارای سؤالات دموگرافیک و سؤالات اختصاصی بود، که پس از توزیع و جمع‌آوری بین دانشجویان توسط نرم‌افزار SPSS، آزمون t مستقل، ضریب همبستگی پیرسون و آنالیز واریانس یک‌طرفه در سطح $\alpha \leq 5$ استفاده گردید.

یافته‌ها: در این مطالعه نسبت جنسی افراد مورد مطالعه مساوی بود، آگاهی افراد مورد مطالعه در مورد عوامل انگیزشی مؤثر بر یادگیری آموزش پزشکی ۲۰٪ آگاهی خوب، ۳۰٪ آگاهی ضعیف و ۵۰٪ فاقد آگاهی بودند.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج به‌دست آمده، اکثر دانشجویان پسر مورد مطالعه دارای آگاهی ضعیف بودند که نشان‌دهنده عدم حضور در مرکز EDC بود و کسانی که آگاهی خوب داشتند عمدتاً دختر بودند که با مرکز EDC در ارتباط بودند و در کل عوامل انگیزشی در کسانی دیده می‌شود که به گونه‌ای با مراکز مطالعات و توسعه در ارتباط بودند.

کلیدواژه‌ها: آگاهی دانشجویان، عوامل انگیزشی، یادگیری آموزش پزشکی

(S.17Pos.2) نشست: ۱۷، پوستر: ۲

آموزش مفاهیم و اخلاق حرفه‌ای به دانشجویان و شاغلین رشته‌های علوم پزشکی دانشگاه از طریق مدیریت وبلاگ به‌عنوان یک رسانه آموزشی

محمد رحیمی‌مدیسه*، دکتر معصومه معزی، مائده خراجی، علی صفدری، شیما عابدی‌مدیسه

* مربی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد؛ شهرکرد بلوار آیت‌الله کاشانی، دانشگاه علوم پزشکی مرکز مطالعات و توسعه

m_rahimi7@yahoo.com

مقدمه: آموزش مفاهیم و اخلاق حرفه‌ای در مشاغل علوم پزشکی یک ضرورت جدی محسوب می‌گردد، زیرا به دلایل متعدد روز به روز به عملکرد نامناسب و بداخلاقی‌های حرفه‌ای در بین کارکنان مشاغل علوم پزشکی افزایش می‌یابد که گاه عوارض مادی و معنوی ایجاد شده برای مددجویان، جبران‌ناپذیر است که هر چقدر این آموزش‌ها از مراحل ابتدایی‌تر به دانشجویان و دانش‌آموخته‌گان ارائه گردد، تأثیر آموزش، بیشتر خواهد بود. از طرفی استفاده از اینترنت و وبلاگ یک بستر مناسب، در دسترس و کم‌هزینه جهت مدیریت اوقات فراغت دانشجویان برای مطالعه مطالب مفید و مورد نیاز ایشان و جامعه بوده و از طرف دیگر از مراجعات ایشان به سایر سایت‌های نامناسب و موجود در اینترنت و هدر رفتن اوقات ایشان جلوگیری می‌کند. بنابراین مطالعه حاضر با هدف آموزش مفاهیم و اخلاق حرفه‌ای به

دانشجویان و شاغلین رشته‌های علوم پزشکی دانشگاه، از طریق وبلاگ و تعیین رضایت و تأثیر آن، از دیدگاه فراگیران و جلب مشارکت ایشان از طریق ایجاد رقابت سالم انجام گرفت.

روش: مطالعه موجود مطالعه‌ای توصیفی و جامعه آماری دانشجویان و شاغلین حرفه پزشکی بودند. جهت اجرای این طرح از مرداد ماه ۱۳۸۸، مطالبی مرتبط با اخلاق حرفه‌ای در مشاغل چون پزشکی، پرستاری، مامایی و پیراپزشکی روی وبلاگ قرار گرفت و به تدریج کمیت و کیفیت مطالب افزایش یافت. با توجه به اهمیت موضوع اخلاق حرفه‌ای در رشته‌های علوم پزشکی و تأکید بر نهادینه گردیدن آن، برگزاری مسابقه‌ای از مطالب مذکور در وبلاگ طراحی، و پس از هماهنگی لازم با مسئولین با قراردادن سؤالات مسابقه روی وبلاگ در بهمن ماه ۱۳۸۸ به صورت "کتاب باز" اجرا گردید. در این فرایند آموزشی ۱۲۵ نفر از دانشجویان و کارکنان مشاغل علوم پزشکی شرکت نمودند، که علاوه بر تکمیل پاسخ‌نامه، یک پرسش‌نامه نظرسنجی نیز در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت تا آن را تکمیل نمایند. پس از برگزاری مسابقه و محاسبه امتیازات از بین شرکت‌کنندگانی که به ۷۵ درصد سؤالات پاسخ صحیح داده بودند، به قید قرعه جوایزی اهدا گردید. اطلاعات کسب شده از طریق نرم‌افزار SPSS۱۳ مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد ۶۸٪ مؤنث و ۳۲٪ مذکر، ۲۷٪ شاغل و ۷۳٪ دانشجو بودند. ۷۶٪ شرکت‌کنندگان ضرورت تداوم این فرایند آموزشی را زیاد، ۷۲٪ شرکت‌کنندگان پرداختن به موضوع اخلاق حرفه‌ای و مفید بودن آن را زیاد، ۶۱٪ کمیت مطالب را مناسب و ۹۸٪ کیفیت مطالب را متوسط و زیاد ارزیابی نمودند. در ارتباط با کمک این روش آموزشی جهت آشنایی واحدهای پژوهش با موضوع اخلاق حرفه‌ای پاسخ ۹۲٪ ایشان متوسط و زیاد بود. همچنین میزان تأثیرگذاری این روش آموزشی ۷۴٪ متوسط و خوب ارزیابی گردید. البته ۴۷٪ از آزمودنی‌ها معتقد بودند امکان دسترسی به محتوای آموزش پزشکی از طریق اینترنت و وبلاگ کم می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری: از یافته‌های این فرایند نتیجه‌گیری می‌گردد که آموزش اخلاق حرفه‌ای برای دست‌اندرکاران مشاغل علوم پزشکی یک ضرورت محسوب و می‌توان از راه‌های کم هزینه‌ای چون آموزش الکترونیک و از طریق وبلاگ پیام‌های آموزشی اخلاق حرفه‌ای را با تأثیرگذاری خوب به مخاطبان رساند. البته باید در خصوص ایجاد زیرساخت‌های لازم و دسترسی مناسب به اینترنت تمهیدات لازم اتخاذ گردد.

کلیدواژه‌ها: آموزش، اخلاق حرفه‌ای، دانشجو، وبلاگ، رسانه آموزشی

(S.17Pos.3) نشست: ۱۷، پوستر: ۳

بررسی میزان گرایش به حقیقت‌جویی و ارتباط آن با عزت نفس در دانشجویان پرستاری

معصومه برخورداری*

* مربی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد؛ یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده پزشکی، گروه پرستاری

barkhordary.m@gmail.com

مقدمه: دانشجویان علوم پزشکی همواره باید به دنبال دستیابی به بهترین و روزآمدترین دانش باشند و به‌طور مداوم اطلاعات و شواهد جدید را مورد ارزیابی قرار دهند، که این امر نیازمند شخصیتی هوشیار و با قدرت تصمیم‌گیری است که از شاخصه‌های عزت‌نفس می‌باشد. این مطالعه به منظور بررسی میزان حقیقت‌جویی و ارتباط آن با عزت نفس در دانشجویان کارشناسی پیوسته پرستاری انجام شده است.

روش: این پژوهش یک مطالعه توصیفی همبستگی است که بر روی ۱۷۰ نفر از دانشجویان کارشناسی پیوسته پرستاری دانشگاه-های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی-درمانی و آزاد اسلامی شهر یزد انجام شده است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه‌ای مشتمل بر دو بخش، که بخش اول شامل مشخصات دموگرافیک، بخش دوم پرسش‌نامه حقیقت‌جویی گرایش به تفکر انتقادی کالیفرنیا و بخش سوم پرسش‌نامه عزت‌نفس روزنبرگ بود. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده گردید.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که اکثریت دانشجویان (۶۷٪ درصد) دارای گرایش به حقیقت‌جویی منفی بودند و بین حقیقت‌جویی و عزت‌نفس ارتباط معناداری ($p=0.02$) وجود داشت.

نتیجه‌گیری: دانشجویان با عزت‌نفس بالاتر از گرایش به حقیقت‌جویی مطلوب‌تری برخوردار و ارتباط مستقیم و مثبتی بین این دو ویژگی وجود داشت. لذا لازم است اساتید به‌عنوان رهبران آموزشی با ایجاد شرایطی مطلوب در کلاس‌های درس به‌منظور انجام پرسش-



گری، تبادل نظر و بحث، دانشجویان را به سمت تعامل سازنده و رشد گرایش به حقیقت‌جوئی سوق دهند و در دانشجویان حس عزت‌نفس کافی برای انجام قضاوت و تصمیم‌گیری در شرایط مختلف بالینی را ایجاد نمایند.

کلیدواژه‌ها: حقیقت‌جوئی، گرایش، تفکر انتقادی، عزت‌نفس، دانشجویان پرستاری

(S.17Pos.4) نشست: ۱۷، پوستر: ۴

تبیین درک اعضای هیئت علمی از نقش معلمی در محیط بالینی: مطالعه کیفی

رقیه گندم‌کار*، دکتر مهوش صلصالی، دکتر عظیم میرزازاده

* کارشناس ارشد آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران، EDC

gandomkarr@gmail.com

مقدمه: آموزش بالینی بخش مهمی از آموزش در دوره پزشکی می‌باشد که بدون آن تربیت پزشکانی شایسته و کارآمد، غیرممکن می‌باشد. اعضای هیئت علمی به‌عنوان یکی از درون‌دادهای آموزش بالینی با چالش‌های شغلی فراوانی مواجهند. به این ترتیب که تدریس به‌صورت کار پاره‌وقت، توسط هیئت علمی که در وهله اول پزشک می‌باشند و در حضور عامل سومی به نام بیمار صورت می‌گیرد. واضح است که ایفای نقش معلمی توسط این افراد و در محیط بالینی نیازمند این است که این افراد مهارت‌هایی بیش از یک متخصص پزشکی دارا باشند. این مطالعه بخشی از یک مطالعه کیفی وسیع‌تر بوده و به هدف تبیین درک اعضای هیئت علمی بالینی از نقش معلمی آن‌ها صورت گرفته است.

روش: این یک مطالعه کیفی و به‌روش تحلیل محتوا می‌باشد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق فردی، مشاهده در عرصه، مصاحبه‌های غیررسمی با اعضای هیئت علمی بالینی به‌دست آمده است. مصاحبه‌های فردی با ۸ نفر از اعضای هیئت علمی بالینی نمونه پژوهش را تشکیل دادند. محیط پژوهش را بیمارستان‌های وابسته به دانشگاه علوم پزشکی تهران تشکیل داد. مصاحبه‌ها ضبط شده و پس از پیاده‌شدن مورد کدگذاری قرار گرفت.

یافته‌ها: کدهای حاصل از مراحل کدگذاری داده‌ها در چهار مقوله "کسب دانش و مهارت معلمی"، "لازم و ملزوم بودن طبابت و معلمی"، "نقش الگو" و "چالش‌های نقش معلم بالینی" جای گرفتند. عدم تربیت پزشک معلم، کمبود زمان در دسترس جهت ارتقای فردی، ارائه آموزش در جریان مراقبت از بیمار و الگوهای مناسب، مهمترین عامل ایجاد علاقه حرفه‌ای، کمبود الگوهای مناسب آموزشی، ماهیت غیرقابل پیش‌بینی آموزش، آموزش در حضور بیمار، میزان واگذاری نقش به فراگیر و سازماندهی آموزش متناسب با نیازهای فراگیران سطوح مختلف مضامین مرتبط با نقش معلمی در محیط آموزش بالینی را تشکیل دادند.

نتایج: نتایج این مطالعه حاکی از آن است که ایفای نقش معلمی در محیط بالینی نیازمند توانمندی اعضای هیئت علمی و کسب مهارت‌های رهبری جهت مدیریت چالش‌های این محیط می‌باشد، و این مهارت‌ها تنها از طریق آموزش تخصصی پزشکی به دست نمی‌آید. نتایج این مطالعه می‌تواند برنامه‌ریزان آموزش پزشکی کشور را جهت تدوین و اجرای برنامه‌هایی منطبق با نیازهای اعضای هیئت علمی بالینی در این زمینه، یاری نماید.

کلیدواژه‌ها: اعضای هیئت علمی، آموزش، نقش معلمی، محیط بالینی، تحقیق کیفی

(S.17Pos.5) نشست: ۱۷، پوستر: ۵

بررسی تأثیر نظارت و مشاوره آموزشی در ارتقای کیفیت آموزش بالینی در گروه جراحی عمومی دانشکده پزشکی بقیه الله (عج)

دکتر مرضیه لک، دکتر سید احمد فنایی، دکتر شعبان مهرورز، دکتر سید مرتضی موسوی نائینی، مجتبی خواجه آزاد*

* کارشناس ارشد دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج) - تهران - خیابان ملاصدرا - دانشکده پزشکی بقیه الله (عج) - دفتر توسعه

آموزش mkhajehazad@yahoo.com

مقدمه: نظارت و راهنمایی آموزشی از مؤثرترین و شناخته‌شده‌ترین تکنیک‌های رهبری آموزشی است. گروه جراحی عمومی دانشکده پزشکی بقیه الله (عج) در مشاوره‌های آموزشی دفتر توسعه آموزش مشارکت فعال داشته است. هدف این مطالعه بررسی تأثیر نظارت و مشاوره آموزشی در ارتقای کیفیت آموزش بالینی دوره پزشکی عمومی این گروه بود.

روش: این مطالعه کیفی به روش پژوهش در عمل (Action Research) و با استفاده از ابزارهای محقق ساخته شامل ۱. چک لیست «ارزیابی دوره‌ای گروه‌های بالینی» و ۲. فرم «نظارت بر اجرای صحیح طرح دوره» انجام شد. با مشارکت مدیر و معاون آموزشی گروه و کارشناسان آموزش پزشکی، سه مرحله مشاوره آموزشی با هدف ارتقای کیفیت آموزش بالینی انجام شد. در هر مشاوره اطلاعات گروه به روش مشاهده اسناد و مصاحبه در ۶ معیار شامل ۱. اهداف آموزشی ۲. طرح دوره (Course plan) ۳. لاگ بوک ۴. اطلاع رسانی ۵. پرونده نویسی و ۶ ارزشیابی توسط چک لیست «ارزیابی» در مقیاس لیکرت جمع‌آوری شد. همچنین یک ماه پس از آخرین مشاوره، با استفاده از فرم «نظارت» به صورت تصادفی در ۳۷ نوبت، اجرای برنامه‌درسی مصوب در ۸ معیار شامل ۱. گزارش صبحگاهی ۲. آموزش در بخش ۳. آموزش درمانگاهی ۴. آموزش مهارت عملی ۵. آموزش کلاسی ۶. آموزش در اورژانس ۷. پرونده نویسی کارآموزان و ۸. پرونده نویسی کارورزان ارزیابی شد و نتایج هر معیار در بازه ای از صفر تا ۲ با تعریف عملیاتی صفر: فعالیت آموزشی انجام نشد؛ یک: انجام فعالیت آموزشی استاد محور و دو: انجام فعالیت آموزشی مبتنی بر تعامل استاد و دانشجو به دست آمد. میانگین و خطای استاندارد میانگین هر ۱۴ معیار توسط نرم افزار Prism و آزمون‌های آماری تحلیل شد.

یافته‌ها: در مجموع براساس ۶ معیار ارزیابی دوره‌ای، میانگین درصد امتیاز این گروه از $(5/4 \pm 18/94\%)$ برای دوره کارورزی و $(5/3 \pm 19/7\%)$ برای کارآموزی در مشاوره اول به ترتیب به $(5/63 \pm 61/36\%)$ و $(6/07 \pm 63/64\%)$ در مشاوره سوم افزایش یافته بود ($P \text{ value} < 0/0001$). تست تعقیبی (Post hoc) نشان داد که این افزایش در همه معیارها به جز دو معیار «پرونده نویسی» و «ارزشیابی» معنادار بوده است. نتایج فرم نظارت نیز نشان داد که این گروه از ۸ روش آموزشی با کیفیت اجرای $(10/48 \pm 80/31\%)$ استفاده می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری: مشاوره‌های آموزشی در ارتقای کیفیت گروه جراحی عمومی بسیار مؤثر بوده‌اند. عدم ارتقای معیارهای پرونده نویسی (به ویژه دوره کارآموزی) ناشی از اجرا نشدن مصوبات مشاوره‌ها بوده است. همچنین تنوع و اجرایی شدن برنامه‌درسی بجز در معیار پرونده نویسی مطلوب ارزیابی می‌شود. اما کیفیت معیارهای مورد ارزیابی هنوز به ۷۰٪ نرسیده است. پیشنهاد می‌شود روند ارتقای کیفیت گروه با بهبود معیارهای «ارزشیابی» و «پرونده نویسی» در قالب ارزیابی درونی مبتنی بر استانداردهای ملی و جهانی پی‌گیری شود.

کلیدواژه‌ها: ارتقای کیفیت، مشاوره آموزشی، نظارت، آموزش پزشکی عمومی، آموزش بالینی، گروه جراحی عمومی، دانشکده پزشکی بقیه الله (عج)

(S.17Pos.6) نشست: ۱۷، پوستر: ۶

بررسی تأثیر نظارت و مشاوره آموزشی در ارتقای کیفیت آموزش بالینی در گروه داخلی اعصاب دانشکده پزشکی بقیه الله (عج)

دکتر مرضیه لک، دکتر حسین کچویی، مجتبی خواجه آزاد*

* کارشناس ارشد دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج)؛ تهران، خیابان ملاصدرا، دانشکده پزشکی بقیه‌الله (عج)، دفتر توسعه آموزش
mkhajehazad@yahoo.com

مقدمه: نظارت و راهنمایی آموزشی از مؤثرترین و شناخته‌شده‌ترین تکنیک‌های رهبری آموزشی است. گروه داخلی اعصاب دانشکده پزشکی بقیه الله (عج) در مشاوره‌های آموزشی دفتر توسعه آموزش مشارکت فعال داشته است. هدف این مطالعه بررسی تأثیر نظارت و مشاوره آموزشی در ارتقای کیفیت آموزش بالینی دوره پزشکی عمومی این گروه بود.

روش: این مطالعه کیفی به روش پژوهش در عمل (Action Research) و با استفاده از ابزارهای محقق ساخته شامل ۱) چک لیست «ارزیابی دوره‌ای گروه‌های بالینی» و ۲) فرم «نظارت بر اجرای صحیح طرح دوره» انجام شد. با مشارکت مدیر، معاون آموزشی گروه و تیم کارشناسان آموزش پزشکی، سه مرحله مشاوره آموزشی با هدف ارتقای کیفیت آموزش بالینی گروه انجام شد. در هر مشاوره اطلاعات گروه به روش مشاهده اسناد و مصاحبه در ۶ معیار شامل ۱) اهداف آموزشی ۲) طرح دوره (Course plan)، ۳) لاگ بوک ۴) اطلاع رسانی ۵) پرونده نویسی و ۶) ارزشیابی توسط چک لیست «ارزیابی» در مقیاس لیکرت جمع‌آوری شد. همچنین یک ماه پس از

آخرین مشاوره، با استفاده از فرم «نظارت» به صورت تصادفی در ۲۲ نوبت، استقرار برنامه درسی مصوب در ۸ معیار شامل ۱) گزارش صبحگاهی ۲) آموزش در بخش ۳) آموزش درمانگاهی ۴) آموزش مهارت عملی ۵) آموزش کلاسی ۶) آموزش در اورژانس ۷) پرونده نویسی کارآموزان و ۸) پرونده نویسی کارورزان ارزیابی شد. و نتایج هر معیار در بازه‌ای از صفر تا ۲ با تعریف عملیاتی صفر: فعالیت آموزشی انجام نشد، یک: انجام فعالیت آموزشی استاد محور و دو: انجام فعالیت آموزشی مبتنی بر تعامل استاد و دانشجو به دست آمد. میانگین و خطای استاندارد میانگین هر ۱۴ معیار توسط نرم افزار Prism و آزمون‌های آماری تحلیل شد.

یافته‌ها: در مجموع بر اساس ۶ معیار ارزیابی دوره‌ای، میانگین درصد امتیاز این گروه از $(3/9 \pm 13/64\%)$ برای هر دو دوره کارورزی و کارآموزی در مشاوره اول به ترتیب به $(6/34 \pm 44/7\%)$ و $(5/64 \pm 49/24\%)$ در مشاوره سوم افزایش یافته بود ($P \text{ value} < 0/0001$). تست تعقیبی (Post hoc) نشان داد که این افزایش در همه معیارها بجز معیار لاگ‌بوک معنادار بوده است. نتایج فرم نظارت نیز نشان داد که این گروه از ۴ روش آموزشی با کیفیت اجرای $(13/48 \pm 76/79\%)$ استفاده می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری: مشاوره‌های آموزشی در ارتقای کیفیت گروه داخلی اعصاب مؤثر بوده‌اند. عدم ارتقای معیار لاگ‌بوک ناشی از اجرا نشدن مصوبات مشاوره‌ها بوده است. با وجود تنوع متوسط روش‌های آموزشی و پراکندگی زیاد، استقرار و اجرایی شدن برنامه درسی مطلوب ارزیابی می‌شود؛ با این وجود کیفیت معیارهای ۶ گانه ارزیابی هنوز به ۵۰٪ نرسیده است. با توجه به اهمیت معیار لاگ‌بوک در ارتقای کیفیت دیگر شاخص‌ها نظیر ارزشیابی و اطلاع‌رسانی پیشنهاد می‌شود تدوین لاگ‌بوک در اولویت برنامه‌های ارتقای کیفیت گروه داخلی اعصاب قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: ارتقای کیفیت، مشاوره آموزشی، نظارت، آموزش پزشکی عمومی، آموزش بالینی، گروه داخلی اعصاب، دانشکده پزشکی بقیه‌الله (عج)

(S.17Pos.7) نشست: ۱۷، پوستر: ۷

تأثیر جنسیت بر تفکر انتقادی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا

شهین سوادزاده^۱، نگین مددزاده^۲

* ۱- مربی دانشگاه علوم پزشکی گیلان - shahinsavadzadeh@yahoo.com

۲- مربی دانشگاه آزاد آستارا - neghin_talesh@yahoo.com

مقدمه: امروزه، مهارت تفکر انتقادی را به عنوان برون داد اصلی آموزش عالی معرفی کرده و تدریس تفکر را نکته پایه برای یادگیری به شمار می‌آورند. این مهارت‌ها باید در آموزش‌های بالینی و در تمامی دوره‌های آموزش لحاظ گردد. در واقع نیاز آینده دانشگاه‌ها پرورش دانشجویانی است که قدرت تفکر انتقادی بالایی داشته باشند. بنابراین، این مطالعه با هدف تعیین و مقایسه تفکر انتقادی در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا در سال ۱۳۸۸ طرح‌ریزی گردید.

روش: در این مطالعه توصیفی- مقطعی، کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا (۲۰۰) نفر در تمامی مقاطع در سال ۱۳۸۸ انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه آزمون مهارت‌های تفکر انتقادی کالیفرنیا، پس از تأیید پایایی و روایی آن جمع‌آوری گردید. پرسش‌نامه تحقیق شامل دو بخش ویژگی واحدهای مورد پژوهش و سؤالات مربوط به وضعیت تفکر انتقادی که شامل ۵۲ سؤال توسط خود آنان تکمیل گردید و داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و با آزمون‌های آماری t-test، آزمون مجذور کای دو و آمار توصیفی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: میانگین سنی دانشجویان شرکت‌کننده در مطالعه ۲۲ سال بود. یافته‌ها نشان می‌دهند که نمره تفکر انتقادی اکثریت دانشجویان (۷۷٪) در حد متوسط (۴۵-۴۲) است و فقط ۱۱٪ دانشجویان تفکر انتقادی در سطح بالایی داشتند. بین سن دانشجویان و تفکر انتقادی ارتباط معنادار آماری یافت شد ($P=0.002$) و همچنین یافته نشان می‌دهد در دانشجویان دختر به‌طور معناداری نمره تفکر انتقادی بالاتر است ($P=0.03$).

بحث و نتیجه‌گیری: پایین بودن میانگین نمره تفکر انتقادی از حد متوسط در بین دانشجویان در کلیه مقاطع بیانگر آن است که فرایندهای آموزشی و یادگیری باید به سمت افزایش و تقویت قوای تفکر و نقادی و موشکافی هر چه بیشتر سوق داده شود. بنابراین باید

روش‌های مؤثری در ایجاد تفکر انتقادی، در آموزش دانشجویان در نظر گرفته شود و به افزایش و بهبود تفکر انتقادی دانشجویان توجه شود و فرایند آموزش بر این اساس ارائه گردد.

کلیدواژه‌ها: تفکر انتقادی، دانشجویان، آموزش پزشکی

(S.17Pos.8) نشست: ۱۷، پوستر: ۸

تسهیل اجرای شیوه آموزش بر اساس حل مشکل برای دانشجویان بالینی در بخش ارولوژی بیمارستان شهید

بهشتی یاسوج

سید محمد رضا ربانی^۱، امراالله روزبهی^۲

۱- بیمارستان آموزشی شهید بهشتی، smrrabani@yahoo.com

۲- یاسوج دانشکده پزشکی، aroozbehi@yahoo.com

مقدمه: درگیری‌سازی دانشجویان به طریق مختلف در فرایند آموزش- یادگیری، ضمن افزایش انگیزه، خلاقیت و ابتکار دانشجوی می‌تواند منجر به ماندگاری بیشتر محتوای آموزشی در ذهن فراگیران و نیز بالا بردن احتمال بکارگیری دانسته‌ها در موقعیت‌های شغلی بعدی شود. یادگیری بر اساس حل مشکل (PBL)، حرکت به سمت درک، تمایز و و حل نمودن مشکل می‌باشد و در فرایند یادگیری ابتدا مشکل است که با آن مواجه می‌شویم و در ضمن حل مشکل محتویات درس به یادگیرنده منتقل می‌گردد. در PBL هر دانشجویی در ساختن دانش خودش نقش مؤثری داشته و به شکل شخصی تلاش نموده و ارتباط بین آموخته‌ها و کاربرد آنها را به طور کامل یاد گرفته و از دانش جزیره‌ای پرهیز می‌نماید. از آنجاکه یادگیری بر اساس مشکل در کشور ما روتین نیست و آموزش غالب به شیوه سنتی است لذا اجرای آموزش- یادگیری بر اساس مشکل ضمن لزوم توانمندی اساتید در اشراف به این شیوه، اجرای آن باید به مراحل و گام‌هایی تجزیه گردد تا شیفت از یک آموزش سنتی به شیوه نوین باعث ایجاد مقاومت اضطراب در دانشجویان، همکاران و مسئولین آموزشی نگردد.

روش: در این بررسی سعی شده است که اجرای این شیوه از مراحل ساده به پیچیده رعایت گردد. لذا از جلسات اولیه تا انتهایی به این ترتیب اقدام گردید. ابتدا جلسات گزارش موردی و کنفرانس‌های کلینیکوپاتولوژی، سپس جلسات حل مشکل و بحث موردی و پس از آنها آموزش شیوه‌های یادگیری مستقل از طریق راهنمای مطالعه و نهایتاً یادگیری بر اساس مشکل اقدام نمودیم.

یافته‌ها: در این مطالعه که به منظور تسهیل اجرای شیوه یادگیری بر اساس مشکل بود در جلسات اول دوره، گزارش موردی و کنفرانس‌های کلینیکوپاتولوژی که توسط اساتید ارائه شده بود، دانشجویان مستمعین تقریباً منفعلی بودند که صرفاً سؤالی اگر داشتند می‌پرسیدند و پله‌های ابتدایی یادگیری بر اساس مشکل را آموختند. در جلسات حل مشکل و بحث موردی که طرح مشکل، تبیین اهداف، روش حل مشکل و محتویات لازمه برای حل مشکل توسط استاد مشخص می‌شد، دانشجویان جواب حل مشکل و تلاش برای تعیین اقدامات درمانی، طرح فرضیه‌های احتمالی و رد یا قبول فرضیه را بحث نموده و پله‌های بعدی یادگیری بر اساس مشکل را آموختند. دانشجویان در یادگیری مستقل تلاش برای یافتن مطالب، مواد و روشهای موثر برای حل مشکلاتی که اساتید اهداف آنها را تبیین کرده بودند را یاد گرفتند و به یادگیری بر اساس مشکل بسیار نزدیک شدند. در جلسات پایانی دوره اساتید فقط مشکلات را مطرح نمودند و چون تمام اقدامات بعدی به عهده دانشجویان بود عملاً شیوه یادگیری بر اساس مشکل پیاده گردید.

بحث و نتیجه‌گیری: اجرای برنامه PBL نیاز اساسی به مدیریت و رهبری دارد، یک رهبری بر اساس مدل سیستم نظام‌مند زنده (VSM) که در برخورد با هر گونه مشکل جدید در اجرا برنامه دارای انعطاف لازم بوده و اجازه به اختلال در اجرای این شیوه را ندهد. در روش PBL دانشجویان بیشتر به سمت استدلال و تفکر بالینی مطالعه نموده و هدایت می‌شوند و از حفظ کردن مطالب پرهیز می‌کنند. همچنین این روش با ایجاد حس مشارکت گروهی موجب ایجاد انگیزش برای مطالعه بیشتر می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تسهیل یادگیری، یادگیری بر اساس حل مشکل، آموزش بالینی و بخش ارولوژی



دانشگاه علوم پزشکی تهران

فصلنامه علمی پژوهشی

مطبوعات و نشریات

(S.28Pos.1) نشست: ۲۸، پوستر: ۱

جستجوی راهی برای افزایش بهره‌وری آموزشی در گزارش صبحگاهی

منصوره مؤمن هروی^{*}، دکتر زری‌چهر وکیلی، دکتر اسماعیل فخاریان، دکتر احمد طالبیان، دکتر بتول زمانی، دکتر حمیدرضا صابری، دکتر زهرا سلیمانی

* استادیار دانشگاه علوم پزشکی کاشان؛ کاشان، بلوار قطب راوندی، بلوار پزشک، مجتمع مسکونی دانشگاه علوم پزشکی،
کدپستی ۸۷۱۵۹۸۵۱۳۱ mansoreheravi@yahoo.com

مقدمه: آموزش بالینی پزشکان با توجه به اینکه فراگیری در محیط واقعی و با بیماران صورت می‌گیرد تفاوت‌های بنیادی با آموزش در سایر رشته‌ها دارد. در بین روش‌های مختلف آموزش بالینی، گزارش صبحگاهی تقریباً دارای بیشترین کاربرد در سطح دنیا می‌باشد با این وجود، تا کنون در استفاده از این شیوه آموزشی، الگوی فراگیر که مورد قبول همه متخصصان باشد ارائه نشده است. کاربردهای اصلی گزارشات صبحگاهی شامل به‌دست آوردن دید کلی از فعالیت‌های انجام شده در بخش، تحلیل ابعاد مختلف تشخیصی و درمانی بیماران، ارزیابی عملکرد دستیاران، ارزیابی خدمات ارائه شده به بیماران، شناخت حوادث نامطلوب و دلایل آنها و تعامل بین کادر پزشکی می‌باشد. با توجه به اهمیت گزارش صبحگاهی و این که تاکنون مطالعه‌ای در این زمینه در دانشگاه ما صورت نگرفته بود این مطالعه به منظور بررسی کیفیت گزارش صبحگاهی و نقاط ضعف و قوت آن و جستجوی راهی برای افزایش بهره‌وری آموزشی در دو گروه مهم بالینی دانشگاه طراحی گردید.

روش: این مطالعه مقطعی در سال ۸۸ در دو گروه بالینی مائژور دانشگاه علوم پزشکی کاشان صورت گرفت. جهت ارزیابی چک‌لیست ارزش‌یابی مبتنی بر استاندارد تهیه گردید و سپس با حضور در گزارش صبحگاهی گروه‌ها به صورت اتفاقی به بررسی وضعیت موجود پرداختیم. سپس از طریق مصاحبه با اینترن‌ها و رزیدنت‌ها نظرات آنها را از نظر نحوه برگزاری گزارش صبحگاهی جویا شدیم و سپس به جمع‌بندی نظرات و تکمیل چک‌لیستها پرداختیم. در پایان ارزیابی وضعیت موجود بر اساس چک‌لیستها انجام و شکاف موجود بین وضعیت موجود و استاندارد شناسائی گردید. جلسه آموزشی درمورد نحوه برگزاری گزارش صبحگاهی استاندارد برای اعضاء گروه تشکیل داده و نقاط ضعف گروه به آنها بازخورد داده شد تا در جهت رفع آنها اقدام نمایند.

یافته‌ها: از نظر سازمان‌دهی Organization در گروه الف ۴۲/۹٪ و در گروه ب ۸۵/۷٪ از عوامل مورد بررسی مطابق با استاندارد بود. از نظر انتخاب بیمار Case selection در گروه الف ۳۳/۳٪ و در گروه ب ۱۰۰٪ عوامل و از نظر معرفی بیمار Presentaion در گروه الف ۳۳/۳٪ و در گروه ب ۶۶/۶٪ از عوامل مورد بررسی مطابق با استاندارد بود. از نظر بحث در مورد بیمار Discussion در گروه الف ۲۸/۶٪ و در گروه ب ۵۷/۱٪ از عوامل مورد بررسی مطابق با استاندارد بود. از نظر ثبت بیماران معرفی شده Record در هر دو گروه الف و ب ثبت بیماران صورت نمی‌گرفت و مطابق با استاندارد نبود. از نظر پیگیری بیماران معرفی شده (Follow up) در گروه الف پیگیری صورت نمی‌گرفت و در گروه ب پیگیری به‌صورت برگزاری جلسات mortality conference و discharge conference صورت می‌گرفت.

بحث و نتیجه‌گیری: ضعف در هر دو گروه از نظر نحوه بحث در مورد بیمار و ثبت بیماران وجود دارد نقاط ضعف موجود در گروه الف به مراتب بیش از گروه ب می‌باشد و فاصله این گروه از استاندارد زیاد می‌باشد. در جهت رفع این نقایص و استاندارد کردن گزارش صبحگاهی و افزایش کیفیت آموزشی گزارش صبحگاهی به‌ویژه در زمینه بحث در مورد بیماران به منظور بهره‌وری بیشتر فراگیران از این برنامه مهم آموزشی باید تلاش کرد.

کلیدواژه‌ها: گزارش صبحگاهی، گروه بالینی، کیفیت

(S.28Pos.2) نشست: ۲۸، پوستر: ۲

بررسی مهارت‌های ارتباط غیر کلامی اساتید راهنمای دانشگاه علوم پزشکی کاشان

محمد صباحی بیدگلی^{*}، سید غلام عباس موسوی، اقدس محمدی، محمد یزدانی، طیبه سادات جدی آرانی، فرشته سادات نوابی
* مربی دانشگاه علوم پزشکی کاشان - کاشان بلوار قطب راوندی کیلومتر ۵ جاده راوند بلوار پزشک
sabahibidgoli@gmail.com

مقدمه: دانشجویان دانشگاه‌ها در طی تحصیل خود برای توانمندی، موفقیت و پیشگیری از مشکلات تحصیلی نیازمند مشاوره و راهنمایی تحصیلی می‌باشند. دانشگاه‌ها موظف‌اند نیاز دانشجویان را در این خصوص برطرف نمایند. یکی از مهمترین اصول مشاوره استفاده صحیح از مهارت‌های ارتباطی و موثرترین نوع آن، ارتباط غیر کلامی است. ضمناً نحوه برقراری ارتباط بین استاد و دانشجو از جمله موضوعاتی است که اهمیت آن مبرهن می‌باشد. لذا انجام این تحقیق در زمینه سنجش میزان مهارت‌های ارتباطی غیر کلامی برای اساتید مشاور می‌تواند اثرات خدمات مشاور و راهنمایی را مشخص و زمینه ارتقا این بخش از مهارت‌ها را فراهم نماید.

روش: در این مطالعه که به صورت توصیفی در دی ماه سال ۱۳۸۸ انجام گرفت ۲۰۲ نفر از دانشجویان ترم سوم و چهارم شاغل به تحصیل در دو دانشکده بهداشت و پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی کاشان که به روش طبقه ای و در هر طبقه به روش تصادفی انتخاب شده بودند از طریق پرسش‌نامه‌ای که روایی آن به روش روایی محتوی مورد تأیید قرار گرفته بود مورد پرسش قرار گرفتند. پرسش‌نامه مذکور شامل دو بخش اطلاعات دموگرافیک و ۴۰ گویه اختصاصی در مورد مهارت‌های ارتباط غیر کلامی اساتید از استاد با مقیاس ۵ رتبه - ای لیکرت از خیلی زیاد تا خیلی کم طراحی شده بود. داده‌ها با روش‌های آماری توصیفی به صورت توزیع فراوانی و میانگین و انحراف معیار با استفاده از نرم افزار spss و ضریب همبستگی Spearman p و آزمونهای Wilcoxon و Whitney U - Mann مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که ۲۷/۲٪ دانشجویان پسر و ۷۲/۸٪ دختر بودند. میانگین و انحراف معیار سنی دانشجویان ($21/74 \pm 1/92$) سال بود. ۵۹/۴٪ در مقطع کاردانی و ۴۰/۶٪ در مقطع کارشناسی شاغل به تحصیل بودند. با توجه به یافته‌های به دست آمده از دیدگاه دانشجویان بیشترین امتیاز از بین مهارت‌های ارتباط غیر کلامی مربوط به پوشش ظاهری اساتید با میانگین و انحراف معیار ($3/54 \pm 1/07$) و حالت چهره اساتید هنگام مشاوره با میانگین و انحراف معیار ($3/31 \pm 0/52$) بود. همچنین ضریب همبستگی پیرسون رابطه آماری معناداری بین میزان رضایت‌مندی دانشجویان از اساتید خود و بعد حالات و اشاره‌های استاد هنگام راهنمایی و مشاوره نشان داد.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به اینکه اولویت‌بندی مهارت‌ها از دیدگاه دانشجویان به ترتیب عبارتند از: ۱- پوشش ظاهری ۲- حالت چهره ۳- چشم‌ها (طرز نگاه کردن) ۴- حالات و اشاره‌ها ۵- لحن کلام لذا ضمن توجه‌دادن مدیران آموزشی دانشکده‌ها به این امر، برنامه‌ریزی لازم جهت ارتقای مهارت‌های مربوطه مطرح می‌باشد و با توجه به نقش مؤثر مهارت‌های ارتباطی به‌ویژه مهارت ارتباطی غیر- کلامی در امر مشاوره تحصیلی ارائه کارگاه‌های آموزشی برای بهبود این مهارت‌ها توصیه می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: دانشجو، ارتباط غیر کلامی، استاد راهنما، مهارت ارتباطی

(S.28Pos.3) نشست: ۲۸، پوستر: ۳

بازنگری کارنامه‌های یادگیری تکمیل شده مقطع کارآموزی گروه زنان طی سال ۸۸ و تدوین الگوی جدید

فرناز صحاف^{*}، زهرا فردی آذر، سعیده غفاری فر، منیژه سیاح ملی، عالییه قاسم‌زاده
* استادیار دانشگاه علوم پزشکی تبریز؛ دانشکده پزشکی - EDO farnazsahhaf@yahoo.com

مقدمه: سهم پررنگ Logbook در ارزش‌یابی دانشجو و ثبت پس‌خوراند روزانه اساتید در آن در ایجاد انگیزه برای یادگیری دانشجو محور ما را بر آن داشت Logbook کارآموزی گروه زنان را بازنگری و تدوین مجدد نماییم .

روش: در این مطالعه توصیفی و کیفی، بعد از مرور متون موجود حداقل‌های آموزشی موجود در یک Logbook مطلوب را که مورد توافق صاحب‌نظران آموزش پزشکی بود استخراج و براساس چک‌لیست محقق ساخته تعداد ۸۷ Logbook تکمیل شده توسط کارآموزان گروه در سال ۸۸ را بررسی و داده‌ها را با استفاده از نرم‌افزار SPSS.16 و روش‌های آماری توصیفی تحلیل، نتایج را طی ۵ جلسه بحث-گروهی با اساتید و کارشناس آموزش گروه بحث و تغییرات لازم در کارنامه قبلی را اعمال کردیم.

یافته‌ها: میزان ثبت نحوه، نوع، تاریخ، محتوای آموزشی مطالب آموخته‌شده و بازاندیشی انجام فعالیت‌های آموزشی توسط دانشجو به ترتیب ۱۰۰، ۲۵، ۳، ۴۶، ۹۲ و فیدبک روزانه اساتید: ۱۰، ۱ درصد بود. ۴۲، ۵ درصد Logbook ها مرتب و منظم حفظ و فقط ۶، ۹ درصد آنها کامل تکمیل شده بودند. لذا در نسخه جدید کارنامه ستون بازاندیشی و نحوه انجام فعالیت‌های آموزشی (مستقل، تحت نظارت، با کمک و مشاهده) را اضافه نموده، با افزودن تعداد صفحات کارنامه فرصت ثبت کیفی محتوا و نوع فعالیت‌های آموزشی برای دانشجو را فراهم و برای افزایش انگیزه اساتید جهت ثبت بازخوردها، بر نقش مستقیم ثبت بازخورد اساتید در ارزش‌یابی‌های اساتید تأکید کردیم.

بحث و نتیجه‌گیری: بازنگری در شیوه‌های ارزش‌یابی دانشجویان به‌عنوان یکی از وظایف رهبران آموزشی باید در خدمت تعالی آموزش باشد.

کلیدواژه‌ها: کارنامه یادگیری، ارزش‌یابی، کارآموز

(S.28Pos.4) نشست: ۲۸، پوستر: ۴

تدوین اولیه استانداردهای آموزشی بیمارستان‌های آموزشی کشور

لیلی پناهنده*، زهره سهرابی

* اداره کل آموزش مداوم - وزارت بهداشت - خ سیمای ایران - طبقه هفتم - اداره کل آموزش مداوم lilipan81@yahoo.com

مقدمه: بیمارستان‌های آموزشی از نظر وسعت خدمات حدود ۵۰٪ بخش‌های بیمارستان‌های دولتی را تشکیل می‌دهند. این بیمارستان‌ها علاوه بر ارائه خدمات درمانی موظف به تربیت نیروهای متخصص و کارآمد نیز می‌باشند. بیمارستان‌های آموزشی در دنیا از نظر ارائه خدمات و سطح رضایت‌مندی در جایگاه مناسبی قرار دارند ولیکن این نوع از بیمارستان‌ها در کشور علیرغم ادغام آموزش با خدمات بهداشتی درمانی و با به‌کارگیری بهترین متخصصین و اعضای هیئت علمی نتوانسته‌اند بایدها و وظایف متعدد محوله را به‌خوبی ایفا نمایند. با توجه به تلاش‌های متعدد و بمنظور ساماندهی وضعیت بیمارستان‌های آموزشی جهت شناسایی کامل و شفاف نمودن وضعیت موجود تدوین و اجماع بر استانداردها پیشنهاد شد تا بدین وسیله ضمن توافق بر سر مکتوبی که نشان‌دهنده وضعیت موجود می‌باشند، از آن به عنوان هدایت‌گر سازمان به سمت ارتقای کیفی سود جست تا راه‌کارهای لازم برای جبران خلاها و کاستی‌های موجود ارائه شود و در پی آن به ارتقای استانداردها یا الزامات موجود پرداخت. هدف کلی از این پژوهش تدوین استانداردهای آموزشی بیمارستان آموزشی می‌باشد.

روش: در مرحله اول مطالعه تطبیقی با مرور منابع گوناگون، تجزیه و تحلیل آنان، تفسیر و ترکیب استانداردهای آموزشی بیمارستان‌های آموزشی در سطح دنیا پیش‌نویس استانداردهای مناسب کشوری تدوین شد و سپس در مرحله دوم با مطالعه موردی استانداردهای گردآوری شده مورد نظرسنجی صاحب‌نظران قرار گرفت. در این پژوهش به دلیل تخصصی بودن نظرات تعداد ۵۲ نفر از رؤسای و معاونین آموزشی بیمارستان‌های آموزشی بر اساس میزان اطلاع ایشان به صورت غیرتصادفی انتخاب شدند. روش گردآوری داده‌ها در این پژوهش پرسش‌گری و ابزار آن پرسش‌نامه می‌باشد.

یافته‌ها: نتایج تدوین استانداردها براساس بررسی استانداردهای بین‌المللی بیمارستانی و آموزش بالینی بود. در یک نگاه اجمالی کاملاً مشهود است که سیستم‌های اعتباربخشی با توجه به دیده‌گاه‌های متفاوت و توجه به امور و عوامل خاص هر کدام حوزه‌های متفاوتی را جهت سنجش کیفیت انتخاب نموده‌اند. از طرف دیگر شیوه تدوین استانداردها نیز متفاوت بود برخی حیطه‌ها و زیرحیطه‌ها را تدوین نموده و استاندارد و توضیحات آن را ذکر نموده‌اند. براساس مطالعه استانداردها در ۸ حیطه دسته‌بندی شده و مورد نظرسنجی صاحب‌نظران واقع شدند. نظرات شرکت‌کنندگان در پژوهش نشان می‌دهد که ۳۸ استاندارد (۶۰٪) از لحاظ شفافیت و وضوح (سؤال اول)، همگی (۱۰۰٪) از نظر مرتبط بودن (سؤال دوم)، ۱۵ استاندارد (۲۳٪) از لحاظ دسترسی به اطلاعات (سؤال سوم)، ۵۹ استاندارد (۹۲٪) از لحاظ مؤثر بر کیفیت خدمات (سؤال چهارم)، ۶۱ استاندارد (۹۵٪) از نظر حامی برنامه استراتژیک (سؤال پنجم)، ۸ استاندارد (۱۲٪) از نظر دسترسی به منابع (سؤال ششم) و نهایتاً ۵۲ استاندارد (۸۱٪) از نظر ضرورت (سؤال هفتم) بالای ۵۰٪ مورد تأیید بوده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری: از منظر صاحب‌نظران در تدوین استانداردها شاخص‌های مرتبط بودن تأثیر بر کیفیت خدمات، حامی برنامه استراتژیک و ضرورت به‌خوبی لحاظ شده است ولیکن دسترسی به منابع و دسترسی به اطلاعات شاخص‌هایی می‌باشند که کمترین امتیاز را بخود اختصاص داده‌اند که این نشان‌دهنده ضعف سیستم اطلاعاتی و منابع از لحاظ انسانی و مالی است که امکان اجرایی نمودن و پایش هر استاندارد را به چالش می‌کشد.

کلیدواژه‌ها: بیمارستان‌های آموزشی، استاندارد، بررسی تطبیقی

(S.28Pos.5) نشست: ۲۸، پوستر: ۵

مقایسه تأثیر دو روش آموزشی سخنرانی و مشارکتی بر میزان یادگیری و ایجاد انگیزه و علاقمندی دانشجویان بهداشت خانواده دانشکده پرستاری و مامایی ایران‌شهر، نیم‌سال اول ۱۳۸۸

طیبه سمیعی زاده طوسی^{*}، ندا محمدی نیا، علیرضا داشی پور

^{*} کارشناس ارشد دانشگاه علوم پزشکی زاهدان- ایران‌شهر، خ بلوچ، دانشکده پرستاری و مامایی
samieizadeht@gmail.com

مقدمه: یادگیری مؤثر بیش از هر چیز، نتیجه یاددهی خوب است که در یک محیط یادگیری مناسب و از طریق روش‌های خلاق تشویق‌کننده یادگیری کسب می‌شود. هدف از انجام این پژوهش، تغییر در شیوه یاددهی سنتی سخنرانی و استادمحور با استفاده از روش مشارکت دادن دانشجویان بهداشت خانواده در تدریس و مقایسه تأثیر آن بر میزان یادگیری و انگیزه و علاقمندی آنان می‌باشد.

روش: مطالعه نیمه تجربی توسط دو استاد بر روی کلاس ۲۰ نفری دانشجویان بهداشت خانواده ترم ۳ صورت گرفت. در دو درس جمعیت و تنظیم خانواده و بهداشت محیط طرح درس‌های مربوطه تعیین شده و کل ۱۶ جلسه هر درس به دو بخش تقسیم شده و به طور مجزا توسط استاد مربوطه به دو شیوه سخنرانی به مدت ۸ جلسه و مشارکت توسط دانشجویان نیز به مدت ۸ جلسه تدریس شد. عناوین مباحث مشارکتی دروس با ذکر منابع به دانشجویان ارائه شده و هر عنوان به‌صورت داوطلبانه توسط دانشجویان پذیرفته شده و با کمک استاد تدریس شد. سپس در پایان ترم پس اتمام امتحان هر درس پرسش‌نامه توسط دانشجویان تکمیل گردید. با استفاده از نرم افزار spss و آزمون‌های تی زوج و آزمون ویل کاکسون مقایسه میانگین نمرات دو شیوه تدریس در هر درس در حیطه‌های ادراکی و شناختی و کلی و همچنین بررسی میزان انگیزه و علاقه‌مندی دانشجویان انجام شد.

یافته‌ها: شیوه تدریس مشارکتی هر دو درس به مبادله اطلاعات دانشجویان در کلاس کمک کرده بود (۸۲/۵٪ در برابر ۷۷/۵٪) و این اختلاف معنادار بود ($p=0/06$) همچنین رجوع به اینترنت و مطالعات خارج از کلاس روش مشارکتی در هر دو درس بیشتر بود (۸۲/۵٪ در برابر ۷۵/۵٪) ($p=0/01$) در روش سخنرانی دانشجویان بیشتری ذکر کرده بودند که به درس علاقه‌مند شدند. اما این اختلاف معنادار نبود. و ۶۵٪ دانشجویان پیشنهاد کرده بودند از روش مشارکتی در درسهای دیگر استفاده شود. میانگین کل نمرات روش مشارکتی در درس جمعیت و تنظیم خانواده ۱۲/۷ در برابر ۱۴/۴ روش سخنرانی با ($p=0.007$) و میانگین کل نمرات روش مشارکتی در درس بهداشت محیط نیز ۱۴/۲ در برابر ۱۶/۷ از روش سخنرانی کمتر بود و این اختلاف معنادار بود ($p=0.001$) در هر دو درس میانگین نمرات حیطه ادراکی روش مشارکتی با روش سخنرانی اختلاف معناداری نداشت. میانگین نمرات حیطه شناختی روش مشارکتی در درس جمعیت و تنظیم خانواده ۱۲/۷۳ در برابر ۱۴/۳ روش سخنرانی با $p=0.004$ و میانگین نمرات حیطه شناختی روش مشارکتی در درس بهداشت محیط ۱۳/۳ در برابر ۱۷/۵ روش سخنرانی تفاوت معنادار داشت $p=0.0001$ مقایسه میانگین نمرات ادراکی بخش مشارکتی دو درس با هم اختلاف معناداری نداشتند.

بحث و نتیجه‌گیری: میانگین نمرات شناختی هر دو درس در روش سخنرانی بالاتر بود اما میانگین نمرات ادراکی هر دو درس در روش تفاوتی نداشتند. میزان انگیزه و علاقه‌مندی دانشجویان در روش مشارکتی به طور معناداری بالاتر بود. لذا روش مشارکتی برای درک عمیق‌تر دروس و ایجاد انگیزه در دانشجویان پیشنهاد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: سخنرانی، روش آموزشی، مشارکتی، یادگیری، انگیزه

(S.28Pos.6) نشست: ۲۸، پوستر: ۶

مقایسه آموزش مبتنی بر دستاورد با روش مرسوم آموزش بالینی دستیاران بیهوشی

میترا یاری^{*}، دکتر فرحناز کشاورزی، دکتر انیس الدوله نانکلی، دکتر نسرين جلیلیان، دکتر طراوت فاخری
* استادیار دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، سرخه لیژه، بلوار پرستار، بیمارستان امام رضا (ع)، مرکز تحقیقات زایمان،
دفتر آموزش زنان yarimitra@yahoo.com

مقدمه: آموزش بالینی دستیاران رشته‌های تخصصی در بخش‌های مختلف تخصصی می‌باشد، با وجود اینکه اهداف آموزشی بر طبق کریکولوم تعیین شده‌اند ولی در عمل آموزش بالینی بر اساس مواجهه با موارد بالینی است که در بخش وجود دارند و مواردی که دستیار با آنها مواجه نمی‌شود مورد بحث قرار نمی‌گیرند و با توجه به زمان کوتاه هر بخش در رشته بیهوشی ممکن است فرصت کافی برای مواجهه با تمام موارد بالینی که در آینده ضروری است یک متخصص از آنها آگاه باشد وجود نداشته باشد که این کمبود را می‌توان با آموزش مبتنی بر عملکرد جبران کرد. در این مطالعه سعی شده نتایج آموزش در چندین بخش که در آنها آموزش مبتنی بر دستاورد بوده با بخش ما قبل آن که آموزش به روش مرسوم بوده مقایسه گردد.

روش: آموزش دستیاران بیهوشی رده‌های مختلف در ۷ بخش چرخشی در اتاق عمل‌های جراحی زنان، گوش و حلق و بینی و چشم مبتنی بر دستاورد بود (آموزش بر پایه تمام مواردی که دستیار باید در مورد آن بخش بداند) از دستیاران خواسته شد که به پرسش‌نامه‌ای مشتمل بر ۱۲ سؤال پاسخ دهند که در آن حیطه‌های مختلف آموزش در بخش فعلی با بخش ماقبل آن که آموزش به روش مرسوم بود مقایسه می‌شد (در روش مرسوم آموزش بر اساس موارد بالینی بود که در اتاق عمل وجود داشتند) و نتایج توسط spss15 مورد بررسی آماری قرار گرفت.

یافته‌ها: تغییرات ایجاد شده از نظر دستیاران با یکدیگر تفاوت داشت و روش جدید نسبت به روش مرسوم باعث افزایش نمرات در همه سؤالات در جهت تأیید روش جدید شد بیشترین تغییر مربوط به رضایت‌مندی از روش آموزش (۸۵.۷٪) و نحوه تدریس استاد (۱۰۰٪) و کمترین آن مربوط به تغییر توانمندی در تصمیم‌گیری در موارد اورژانس (۴۲.۹٪ بدون تغییر) و (۵۷.۱٪ افزایش) بود. به‌طور کلی در تمام حیطه‌های آموزشی افزایش دیده شد. تغییرات مؤلفه‌های حیطه شناختی ۲۸.۶٪ در حد زیاد و بقیه در حد خیلی زیاد افزایش داشت، در حیطه عاطفی ۱۴.۳٪ در حد زیاد و بقیه در حد خیلی زیاد افزایش داشت و در حیطه روانی حرکتی ۴۲.۹٪ در حد زیاد و بقیه در حد خیلی زیاد افزایش داشت.

بحث و نتیجه‌گیری: آموزش مبتنی بر دستاورد می‌تواند به عنوان یک روش موفق در آموزش بالینی دستیاران و تحقق کریکولوم آموزشی به‌کار رود. پیشنهاد می‌شود در بخش‌های دیگر و با وسعت بیشتر این روش مورد مطالعه قرار گیرد تا بهترین شیوه‌ی ارائه این روش شناخته شود.

کلیدواژه‌ها: آموزش، آموزش مبتنی بر دستاورد، آموزش بالینی

(S.28Pos.7) نشست: ۲۸، پوستر: ۷

مقایسه روش Grand Stand Model و روش Report Back Model در آموزش درمانگاهی کلینیک**سرپایی مرکز قلب شهید مدنی تبریز**

فریبرز اکبرزاده^{*}، دکتر هادی حکیم، دکتر فاطمه رنجبر، سویل آقابالایی
* دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تبریز- دفتر گروه قلب- مرکز قلب شهید مدنی- خیابان دانشگاه- تبریز - ایران
f_Akbarzadeh@yahoo.com

مقدمه: با تغییر روش‌های رسیدگی به بیماران اهمیت آموزش داخل بیمارستانی کاهش یافته برعکس بر اهمیت آموزش سرپایی و درمانگاهی افزوده می‌شود. به دلیل مشکلاتی که در روش‌های قدیمی آموزش سرپایی وجود دارد اکثر دانشکده‌های پزشکی برای رفع آن

روش‌های جدید را تدارک دیده‌اند تا در زمینه آموزش سرپایی و رسیدگی بیشتر به بیماران اقدامات مؤثری را انجام دهند. به‌خصوص در حیطه آموزش پزشکی عمومی و خانواده این موضوع اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

روش: از فروردین لغایت بهمن سال ۱۳۸۸ در کلینیک سرپایی مرکز قلب شهید مدنی تبریز وابسته به دانشگاه علوم پزشکی تبریز و در بین دانشجویان کارآموز و کارورز که در چرخه کاردیولوژی بودند بر اساس پرسش‌نامه‌های از قبل تهیه شده که روایی و پایایی آنها تأیید شده بود در سه موضوع رضایت بیماران، رضایت دانشجویان و تکمیل بودن پرونده‌های درمانگاهی در دو مرحله ۱- وضعیت موجود 2 (Grand Stand Model (GSM- وضعیت بعد از اصلاح بروش (Report Back Model (RBM بررسی‌های لازم انجام و نتایج مورد مقایسه قرار گرفتند.

یافته‌ها: در مجموع در بسیاری از موارد پرسش شده در خصوص رضایت بیماران از وضعیت موجود رضایت در حد متوسط یا پایین‌تر بود. دانشجویان نیز از وضعیت موجود راضی نبودند و پرونده‌های کلینیکی به‌عنوان اسناد پزشکی نقایص فراوان داشتند. بعد از انجام اقدامات اصلاحی به‌روش RBM در موارد رضایت بیماران شامل کیفیت و کمیت ویزیت دانشجویان، اکثراً با $P < 0.001$ رضایت بیماران افزایش یافته بود اگر چه در موارد رضایت در خصوص مدت زمان اقامت در درمانگاه جهت ویزیت، مدت زمانی که استاد برای ویزیت بیماران صرف می‌نمود، توضیح بیماری و نحوه توضیح در مورد ادامه روش تشخیصی تغییر چندانی مشاهده نشده بود و رضایت در حد متوسط بود. بیماران به‌طور قابل ملاحظه‌ای اطلاعات بیشتری در خصوص رژیم‌درمانی خود کسب کرده بودند. در خصوص رضایت دانشجویان در اکثر مواردی که مربوط به ویزیت بیماران به‌طور انفرادی توسط دانشجو بود نظیر مدت زمان معاینه انفرادی، تهیه شرح حال و نحوه تعامل با دانشجویان مقاطع بالاتر و رزیدنت با $P < 0.05$ افزایش یافته بود ولیکن از نحوه ویزیت و ارایه گزارش به استاد راضی نبودند. رضایت از نحوه موارد توضیح به بیمار در خصوص تشخیص و نحوه اقدامات درمانی و تشخیصی نیز در حد متوسط بوده و تغییری نشان ندادند. اکثر موارد مربوط به تکمیل بودن پرونده‌های درمانگاه با $P < 0.01$ بهبود در موارد تهیه شرح حال و معاینه فیزیکی اتفاق افتاده بود اگر چه موارد مربوط به جمع‌بندی و تشخیص‌های نهایی و افتراقی اختلاف معنادار نبود.

بحث و نتیجه‌گیری: افزایش قابل ملاحظه در رضایت بیماران با ویزیت به‌روش RBM به‌دست آمده بود ولی رضایت دانشجویان از آموزش درمانگاهی به‌روش فوق نسبت به‌روش قدیمی چندان تغییری را نشان نمی‌دهد. نقایص موجود در موارد عدم رضایت دانشجویان در ارایه گزارش به استاد و جمع‌بندی یافته‌ها می‌تواند ناشی از ضعف علمی دانشجویان باشد. پرونده‌های پزشکی که ارزش زیادی در پیگیری و تحقیقات بعدی دارند در ویزیت به‌روش RBM به‌طور قابل ملاحظه‌ای تکمیل‌تر بودند. استفاده از این روش ویزیت درمانگاهی را برای بخش‌های داخلی و قلب نیاز به بازنگری و یا احتمالاً اجرای صحیح‌تر این روش دارد.

کلیدواژه‌ها: آموزش سرپایی، مدل Grand Stand، مدل Report Back

(S.28Pos.8) نشست: ۲۸، پوستر: ۸

میزان تولید علم توسط دستیاران بالینی دانشکده پزشکی تبریز در ۷ سال گذشته- یک مطالعه طولی

سکینه حاج ابراهیمی^{*}، دکتر مهدی فرهودی، دکتر همایون صادقی بازرگانی، دکتر فاطمه علی‌پور یگانه، دکتر الیزا صادقی‌فر

^{*} دانشیار ارولوژی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز- دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز

مقدمه: انجام پژوهش‌های بالینی چه در قالب پایان‌نامه و یا پروژه، بخشی از کوریکولوم آموزشی دستیاران بالینی کلیه رشته‌های پزشکی را شامل می‌شود. از سال ۸۴ تا ۸۸ برنامه آموزشی متعددی برای دستیاران بالینی توسط مرکز توسعه و هماهنگی پژوهش دانشکده پزشکی اجرا می‌شود. با وجود تلاش‌های زیاد در جهت توانمندسازی دستیاران موضوع تولید علم به عنوان یکی از مهمترین پیامدهای اولیه با اهمیت می‌باشد. لذا جهت بررسی این ره آورد اقدام به بررسی میزان تولید علم توسط دستیاران فارغ التحصیل از دانشکده پزشکی در ۷ سال گذشته نمودیم.

روش: طی یک مطالعه طولی تعداد مقالات علمی- پژوهشی ایندکس شده در بانک اطلاعاتی pubmed حاصل فعالیت‌های پژوهشی دستیاران تخصصی و فوق تخصصی در زمان تحصیل در ۷ سال اخیر استخراج شد. و سپس نسبت تعداد مقالات بر اساس تعداد فارغ التحصیلان و دستیاران در حال تحصیل محاسبه شد.

یافته‌ها: میزان تولید علم بر اساس تعداد فارغ التحصیلان در ۲۰ رشته تخصصی و فوق تخصصی به ترتیب ۳۰٪، ۲۲٪، ۱۹٪، ۷٪، ۴٪، ۲٪، ۱٪ مقاله در سال‌های ۸۸، ۸۷، ۸۶، ۸۵، ۸۴، ۸۳، ۸۲ بوده است. میزان تولید علم بر اساس تعداد دستیاران

شاغل به تحصیل در هر سال از ۷٪ تا ۷۲٪ از سال ۸۲ تا ۸۸ محاسبه گردید. در مجموع سرانه پژوهش از ۰/۲٪ به ۳٪ ارتقا پیدا کرده است.

بحث و نتیجه گیری: به نظر می‌رسد با توجه به برنامه‌ریزی و مدیریت مناسب پژوهش در دانشکده پزشکی تبریز تولید علم توسط دستیاران رشد پیشرونده‌ای را نشان می‌دهد. و این در حالی است که فقط pub med معیار جستجوی این پوهش بوده است و مقالات مجلات فارسی بررسی نشده است. اما سرانه تولید علم دستیاران به عنوان سرمایه های علمی کشور در مجموع پائین می‌باشد که احتمالاً نشان‌گر ضعف سیستماتیک در کوریکولوم آموزشی و یا عملیاتی‌نشدن فرآیندهای پژوهشی در گروه‌های آموزشی باشد.

کلیدواژه‌ها: تولید علم، دستیاران، تبریز

(S.28Pos.9) نشست: ۲۸، پوستر: ۹

ارتقاء بهره‌وری آموزش علوم پزشکی با به‌کارگیری روش تدریس فعال: یک مطالعه موردی

محمد مسافری *

* استادیار دانشگاه علوم پزشکی تبریز- عطار نیشابوری دانشکده بهداشت و تغذیه mmosaferi@yahoo.com

مقدمه: بهبود شیوه‌های آموزشی عاملی مهم در راستای ارتقاء بهره‌وری آموزشی در سیستم علوم پزشکی است. در این میان استفاده از روش‌های تدریس فعال می‌تواند ابزاری مهم تلقی گردد. روش تدریس فعال روشی است که در آن دانشجویان در جریان آموزش، نقش فعالی بر عهده می‌گیرند و مدرس، نقش راهنما و هدایت کننده را ایفا می‌کند. در این حالت تعاملی دو سویه بین دانشجویان و استاد وجود دارد. در روش تدریس غیرفعال، نقش اساسی به عهده‌ی مدرس بوده و مطالب غالباً به شیوه شفاهی بیان می‌شود و دانشجویان شنونده مطالب هستند. در آموزش علوم پزشکی برخی از دروس وجود دارند که صرفاً تئوریک می‌باشند. لذا استفاده از روش‌های فعال تدریس می‌تواند تأثیر مهمی بر سطح یادگیری و بهره‌وری آموزشی داشته باشد. مطالعه حاضر با هدف ارتقاء بهره‌وری آموزشی در دانشکده بهداشت و تغذیه دانشگاه علوم پزشکی تبریز اجرا شد.

روش: در تحقیق حاضر در ارائه‌ی یکی از دروس تئوریک رشته‌ی بهداشت محیط، روش تلفیقی تدریس غیرفعال و تدریس فعال به صورت سری، اجرا و سپس از دانشجویان در خصوص روش‌های اجرا شده نظرسنجی به عمل آمد. در نیمی از جلسات، مدرس با روش سخنرانی تدریس نمود و در ادامه‌ی جلسات، مطالب مورد نظر در اختیار دانشجویان قرار داده شد و وظیفه‌ی ارائه مطالب بر عهده دانشجویان قرار گرفت به گونه‌ای که هر دانشجو بخشی از مطالب را به جای مدرس ارائه داد و استاد نقش مکمل راهنمایی و توضیحات حاشیه‌ای موضوع را برعهده داشت (مشابه با روش portfolio). در نهایت با استفاده از پرسش‌نامه‌ای، نظرسنجی از دانشجویان در خصوص روش اجرا شده انجام و با استفاده از SPSS 11.5 آنالیز آماری نتایج انجام گردید.

یافته‌ها: نتایج حاصله نشان داد که ۷۴٪ دانشجویان دوست دارند در تدریس درس با استاد مشارکت داشته باشند و ۶۲٪ دانشجویان یکی از بهترین شیوه‌های مشارکت دانشجویان را، ارائه بخش‌هایی از درس از روی منبع علمی معرفی شده برای درس توسط دانشجویان می‌دانند. فقط ۱۷٪ دانشجویان استفاده از مشارکت دانشجویان در ارائه درس را باعث ایجاد استرس آزاردهنده می‌دانستند. بیش از ۹۰٪ دانشجویان اعتقاد داشتند که استفاده از مشارکت دانشجویان در ارائه درس باعث تقویت توان علمی و سخنرانی، رفع استرس دانشجویان و ایجاد اعتمادبه‌نفس در آنها می‌شود و فقط ۱۹٪ دانشجویان همیشه دوست داشتند که شیوه تدریس به‌صورت سخنرانی توسط استاد باشد.

بحث و نتیجه گیری: نتایج به‌دست آمده از تحقیق حاضر نشان داد که اکثر دانشجویان، علاقمند به مشارکت با استاد در امر تدریس هستند و آن را مفید ارزیابی می‌کنند. از این‌رو روش تدریس فعال اجرا شده در طرح حاضر می‌تواند به عنوان روشی مناسب در نظر گرفته شود. البته لازم است این روش در نیمسال‌های مختلف تحصیلی و برای درس‌های مشابه اجرا شود تا با رفع نواقص روش بتوان بهره‌وری در آموزش به روش تدریس فعال را ارتقاء داد.

کلیدواژه‌ها: آموزش، تدریس فعال، بهره‌وری

(S.28Pos.10) نشست: ۲۸، پوستر: ۱۰

کاربرد کارت امتیاز متوازن به عنوان ابزار برنامه ریزی استراتژیک و اندازه گیری عملکرد در آموزش عالی: مطالعه موردی دانشکده پرستاری و مامایی ایران

دکتر سیده فاطمه حق دوست اسکویی، لیلی بریم نژاد*، دکتر نعیمه سیدفاطمی، دکتر فروغ رفیعی، فریدون خیری
* استادیار دانشگاه علوم پزشکی ایران - borimnej@iums.ac.ir

مقدمه: امروزه دانشگاه ها دریافته اند که استفاده از معیارها و شاخص ها در تصمیم گیری استراتژیک امری ضروری است. تنها ۱۰ درصد استراتژی هایی که خوب طراحی شده باشند به عمل درمی آیند. و ۷۰ درصد دلیل شکست مدیران ارشد اجرایی، عدم توفیق آنها در پیاده سازی استراتژی هایشان بوده است. به منظور حل این معضل استفاده از کارت متوازن پیشنهاد شد کاربرد این ابزار از محدوده مؤسسات مالی به سمت استفاده در کلیه سازمان ها پیشرفت کرده است. این ابزار به دانشگاه ها کمک می کند تا سرمایه های غیرمشهود خود را برای رشد آینده خود بکارگیرند. در کشور ما مطالعات اندکی در این زمینه بخصوص در آموزش عالی انجام شده است. لذا محققان بر آن شدند تا با انجام یک مطالعه راهنما به امکان سنجی و اثربخشی استفاده از این ابزار در طراحی برنامه استراتژیک و اندازه گیری عملکرد دانشکده پرستاری و مامایی بپردازند.

روش: این طرح در قالب یک مطالعه اقدام پژوهی ۹ مرحله ای از سال ۱۳۸۶ شروع شد. در ابتدا کمیته پایش راهبردی دانشکده تشکیل شد و گام های زیر به منظور پیاده سازی مدل با همکاری اعضای هیئت علمی و کارکنان اجرا گردید. (۱) بررسی: بازنگری چشم انداز و مأموریت و ارزش های دانشکده (۲) راهبرد: برگزاری کارگاه مشترک با نمایندگان ذی نفعان به منظور شناسایی ارزش ها و نیازهای آنان (۳) تدوین اهداف استراتژیک بر اساس اطلاعات به دست آمده در مرحله اول و دوم (۴) تدوین نقشه استراتژیک به منظور اطمینان از وجود ارتباط منطقی بین اهداف و همسویی اهداف با چشم انداز و مأموریت دانشکده (۵) تعیین شاخص های پایه و مورد انتظار براساس بهینه کاوی برای اهداف استراتژیک (۶) تدوین پروژه های اجرایی در راستای راهبردها (۷) کنترل و هدایت: انتشار دانش در دانشکده و تدوین گزارش پیشرفت پروژه ها (۸) تدوین کارت های امتیاز متوازن در زیرمجموعه ها (گروه های آموزشی و غیر آموزشی) (۹) ارزش یابی: بررسی میزان دستیابی به اهداف و علل عدم دستیابی احتمالی نتایج.

یافته ها: نتایج اصلی این پروژه براساس میزان دستیابی به اهداف تعیین شده تا پایان نیمسال اول ۸۸-۸۹ عبارتند از: کاهش ده درصدی سرانه مصرف انرژی در وجه مالی، دوبرابر شدن شرکت کنندگان در برنامه های آموزش مداوم در وجه مشتری و بازار، کاهش ۵۰ درصدی دانشجویان مشروطی، افزایش ۱۰ درصدی استفاده کنندگان از روش های نوین تدریس در وجه فرایندهای داخلی و سیر صعودی نمره خودارزیابی و کسب لوح تعهد به تعالی جایزه ملی بهره وری در وجه رشد و یادگیری

بحث و نتیجه گیری: در حال حاضر دانشکده روند روبه رشدی در هر چهار وجه نشان می دهد. از مزایای استفاده از این روش می توان به اعلام خطر فوری در صورت عقب ماندن پروژه ها از تاریخ تعیین شده است که در حقیقت نفوذ مدیریت ریسک در فرایندهای اصلی دانشکده را نشان می دهد. به منظور سامان دهی و افزایش سیر رشد در وجه فرایندهای داخلی برنامه ریزی جهت استقرار سیستم مدیریت فرایند ISO 9001-2008 در حال انجام است. همچنین، به منظور به روزرسانی اطلاعات واحدها، مرحله ۷ و ۸ در حال اجرا می باشد. به نظر می رسد مؤسسات آموزشی می توانند از این ابزار هم به منظور اندازه گیری عملکرد و هم چارچوبی برای طراحی برنامه استراتژیک خود بهره گیرند.

کلیدواژه ها: کارت امتیاز متوازن، برنامه ریزی استراتژیک، اندازه گیری عملکرد، آموزش عالی

(S.28Pos.11) نشست: ۲۸، پوستر: ۱۱

مقایسه بهره وری با ارزیابی کارایی درونی و ارزیابی درونی و بیرونی در علوم پزشکی

زهره اشرف گنجویی*، نعمت الله موسی پور

* کارشناس ارشد دانشگاه علوم پزشکی - کرمان بیمارستان شفا z_aganjooie@yahoo.com

مقدمه: ارزش‌یابی آموزشی را می‌توان با استفاده از دو رویکرد درونی و بیرونی انجام داد. این دو رویکرد بر یک چارچوب نظری یعنی نظریه تغییر استوارند، به‌طوری که با استفاده از آنها می‌توان شرایط مناسب را برای تحول گروه‌های آموزشی و مؤسسه‌های آموزش عالی فراهم کرد. تفاوت این دو رویکرد در این است که چه کسی، چگونه و در چه زمانی درباره واحد آموزش عالی قضاوت نماید. هدف از این مطالعه مقایسه مقوله‌های ذکر شده در آموزش عالی می‌باشد.

روش: این مقاله به‌صورت مروری بوده و در تهیه آن از کتب معتبر و منابع اینترنتی استفاده شده است.

یافته‌ها: در ارزیابی درونی، میزان تطابق هدف‌های برنامه با وضعیت موجود آن، ارزیابی و بر اساس آن، فعالیت‌های آینده برنامه‌ریزی می‌شود. این نوع ارزش‌یابی در قالب نوعی روش تحقیق به نام «اقدام پژوهی» به منظور خودسنجی و اطمینان از تحقق اهداف کلی و عینی در ساختار دانشگاه‌ها انجام و برای حل مشکلات و اعمال تغییرات به کار می‌رود. ارزیابی بیرونی فرآیندی است که گروه همگنان انجام می‌دهند که در آن، مجموعه‌ای از استانداردها از قبل تعیین شده و میزان تطابق وضعیت موجود نظام با استانداردهای یاد شده مورد قضاوت قرار می‌گیرد این امر توسط هیئت ارزشیابان خارج از دانشگاه و اغلب با الگوی اعتبار سنجی انجام می‌شود. در فرآیند اعتبار سنجی، شاخص‌های کارایی، بهره‌وری و شاخص‌های تضمین کیفیت در آموزش عالی مورد بررسی قرار می‌گیرد پیشنهاد بهره‌وری به اقتصاد باز می‌گردد. بهره‌وری در نظام آموزش عالی شامل سه بعد کارایی، اثربخشی و متعالی‌سازی است. در کارایی به بعد کمی بهره‌وری توجه و سنجش بر اساس محیط درونی آموزش عالی می‌باشد. در اثربخشی به بعد کیفی بهره‌وری توجه و سنجش بر اساس محیط بیرونی آموزش عالی می‌باشد، متعالی‌سازی نیز به بعد تعالی و انسان‌سازی در آموزش عالی توجه دارد. از این رو شاخص بهره‌وری کل، نشانه‌ی میزان کل داده‌های مصرف شده در بخش آموزش عالی برای تولید کل ستانده‌های این بخش است.

بحث و نتیجه‌گیری: مقایسه مفاهیم کارایی و ارزیابی درونی و بیرونی و بهره‌وری نشان می‌دهد ارزیابی کارایی و بهره‌وری در حیطه ارزیابی بیرونی نظام آموزشی با استفاده از یک‌سری شاخص‌های استاندارد انجام می‌پذیرد، بهره‌وری، مفهومی وسیع‌تر از کارایی داشته و سه جزء کارایی، اثربخشی و متعالی‌سازی را در نظام آموزشی در برمی‌گیرد و جهت انجام ارزیابی بیرونی و سنجش بهره‌وری سنجش کارایی به‌عنوان یک اصل است و ارزیابی درونی نیز مقوله‌ای جدا از مفهوم کارایی درونی است.

کلیدواژه‌ها: بهره‌وری، ارزیابی درونی، ارزیابی بیرونی، کارایی درونی

(S.28Pos.12) نشست: ۲۸، پوستر: ۱۲

ارزیابی میزان نوآوری شغلی کارشناسان آموزشی، پژوهشی و کارشناسان گروه‌های دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد در سال ۱۳۸۸

سید سعید مظلومی*، زهره انصاری، لیلا کوچه بیوکی، فریماه شمس، زهرا حافظی

* دانشیار دانشگاه علوم پزشکی یزد- یزد میدان امام حسین مجتمع پیراپزشکی mazloomys@yahoo.com

مقدمه: استفاده از توانایی‌های بالقوه منابع انسانی برای هر سازمان، مزیتی بزرگ به شمار می‌رود. در بهره‌وری فردی، سازمان از مجموعه استعدادها و توانایی‌های بالقوه فرد به‌منظور پیشرفت سازمان استفاده می‌کند و با بالفعل درآوردن نیروهای بالقوه و استعدادهای شگرف در جهت سازندگی موجب پیشرفت فرد و هم‌سویی با سازمان خواهد شد. افراد خلاق کسانی هستند که پیشرفت‌های عظیم علوم پزشکی و سایر علوم، مدیون آنهاست. امروزه روانشناسان، جامعه‌شناسان و سایر دانشمندان ارزش و اهمیت خلاقیت را برای افراد و جامعه شناسانده‌اند و بر آن تأکید می‌کنند. زیرا همگی به این واقعیت رسیده‌اند که علم، هنر و تکنولوژی مدیون و محصول فرایند خلاقیت آدمی هستند و بین آنها و فرایند خلاقیت، همبستگی وجود دارد. با توجه به اینکه خلاقیت و نوآوری کارکنان باعث پیشرفت‌های عظیم آموزشی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی دانشگاه می‌شود و همچنین رسیدن به اهداف سازمان را ممکن می‌سازد، به پژوهش‌های وسیعی در مورد خلاقیت کارکنان دانشگاه نیازمندیم.

روش: این یک مطالعه توصیفی- مقطعی است که میزان نوآوری را برحسب متغیرهای سن، جنس، رشته تحصیلی، سابقه کار و محل کار می‌سنجد. جامعه مورد بررسی، کلیه کارشناسان آموزشی، پژوهشی و کارشناسان گروه‌های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی (۶۶ نفر) در سطح پنج دانشکده پرستاری و مامایی، پیراپزشکی، بهداشت، دندانپزشکی، پزشکی و ساختمان مرکزی دانشگاه است

که تعداد ۴۹ نفر از آنها پرسش‌نامه نوآوری شغلی را پر کرده‌اند. نمونه‌گیری سرشماری است، داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و با استفاده از آزمون‌های ANOVA و t-test تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد که ۷۵/۵٪ کارکنان امتیاز متوسط، ۱۴/۲٪ امتیاز خوب و ۱۰/۲٪ امتیاز ضعیف را کسب نموده‌اند. میانگین کلی امتیاز نوآوری شغلی گروه هدف ۱۹/۱۴ و حداقل و حداکثر امتیاز مکتسبه به ترتیب ۱۰ و ۲۶ بود. علاوه بر این ارتباط معناداری بین میزان نوآوری شغلی و متغیرهای سن، جنس، سابقه کار، رشته تحصیلی و محل خدمت وجود ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش نشان می‌دهد میزان نوآوری و ابتکار کارکنان مورد مطالعه، در حد متوسط است. برطبق نتایج این مطالعه و مطالعات مشابه در سایر ارگانها، ما نیازمند روش‌هایی برای اجرای برنامه یا تغییر در برنامه‌های آموزشی گذشته هستیم. به دلیل اینکه نقش برنامه‌های آموزشی در فرایند یادگیری، تثبیت و تحکیم آموخته‌های کارکنان شناخته شده است، کارگاه‌های آموزش نوآوری به عنوان یکی از برنامه برای افزایش تفکر خلاق در دانشگاه‌ها پیشنهاد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: نوآوری شغلی، کارشناسان آموزشی، کارشناسان پژوهشی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی

(S.28Pos.13) نشست: ۲۸، پوستر: ۱۳

یادگیری الکترونیکی و تاثیر آن در افزایش بهره‌وری در آموزش پزشکی

سهیلا بزم soheila_bazm@yahoo.com

دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی- درمانی شهید صدوقی

Introduction: The aim of this review was to summarise the experience on implementation of information technology to support the teaching and learning process in medicine. Particular attention was paid to E-learning clinical education tutorials. most of studies selected for the purpose of the review comprised evaluation in view of strengths, weakness and main preferences in comparison with traditional education

Method: I searched MEDLINE via PubMed using term "e-learning" between 2000-2009 and selected for inclusion in this review were studies on the implementation and evaluation of clinical education tutorials. Additional related papers were obtained through cross-referencing

Results: Student prefer web tutorials to traditional classes for accessibility, ease of use, freedom of navigation, high medical image quality and advantage of repeated practice

Conclusion: E-learning education is an important tool in medical training. It will require transformation in the way medicine is taught from instructor based to self directed learning

Keywords: E-learning|medical education|clinical education tutorials

(S.29Pos.1) نشست: ۲۹، پوستر: ۱

بررسی نقطه‌نظرات مدیران آموزشی و اساتید دانشگاه علوم پزشکی شیراز در خصوص حیطه‌های مهم آموزش اساتید، در ۵ سال آینده در دانشگاه علوم پزشکی شیراز

جواد کجوری، زهره اسماعیل زاده، فرهاد لطفی، میترا امینی، محسن مقدمی، محمدرحیم کدیور

دانشگاه علوم پزشکی شیراز

مقدمه: اساتید به عنوان رکن اصلی آموزش نقش مهمی در کارآیی مؤسسات آموزشی و دانشگاه‌ها دارند. در این تحقیق اولویت‌های مهم آموزش اساتید در ۵ سال آینده، از دید اساتید و مدیران آموزشی مورد بررسی قرار گرفت.

روش: برای انجام این پژوهش، ابتدا با استفاده از رأی گیری مهم ترین اولویت ها توسط صاحب نظران آموزش پزشکی تدوین گردید. سپس پرسش نامه ای معتبر و پایا مشتمل بر این اولویت ها با نمراتی از مقیاس ۱۰-۱ تهیه و توسط اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز تکمیل گردید. داده ها پس از جمع آوری توسط نرم افزار آماری SPSS ۱۴ آنالیز گردید.

یافته ها: یافته ها نشان داد که از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز، افزایش انگیزه و علاقه مندی با میانگین (۸/۵۷) از ۱۰، ارتقاء اخلاق حرفه ای با میانگین (۸/۱۲)، آموزش مداوم حرفه ای با میانگین (۷/۸۸) به ترتیب بیشترین اولویت و مسئولیت پذیری در امور اجرایی دانشگاه با میانگین (۶/۶۶) کمترین اولویت را در حیطه اساتید در برمی گیرد.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به اینکه اعضای هیئت علمی می توانند به عنوان الگویی (Role Model) برای دانشجویان در آموزش، پژوهش و ارائه خدمات بهداشتی- درمانی واقع شوند. توجه به خواسته های اساتید می تواند تأثیر زیادی در ارتقاء این فعالیت ها برای دانشجویان و همچنین افزایش انگیزه اساتید داشته باشد. بنابراین با توجه به اولویت هایی که در حیطه اساتید توسط اعضای هیئت علمی مطرح گردید، توجه به مقوله افزایش انگیزه و ارتقاء اخلاق حرفه ای و آموزش مداوم می تواند باعث علاقه مندی اساتید به فعالیت های آموزشی و پژوهشی و نهایتاً ارتقاء سطح سلامت افراد و جامعه گردد.

کلیدواژه ها: حیطه اساتید، انگیزه، اخلاق حرفه ای

(S.29Pos.2) نشست: ۲۹، پوستر: ۲

مدیریت عوامل خطرزا در آموزش پزشکی: با تأکید بر کنترل عوامل مؤثر بر نتایج آزمون جامع علوم پایه

زهرا تقربی*، اسماعیل فخاریان، فخرالسادات میرحسینی، سیداصغر رسولی نژاد، حسین اکبری، حسین عاملی
* مربی دانشگاه علوم پزشکی کاشان؛ کاشان، دانشگاه علوم پزشکی tagharobi_z@yahoo.com

مقدمه: یکی از دغدغه های مسئولین دانشکده های پزشکی، پیشگیری از شکست دانشجویان در آزمون جامع علوم پایه می باشد. جهت اعمال مدیریت صحیح، شناسایی و کنترل عوامل خطر آفرین، ضروری است. لذا مطالعه ای با هدف بررسی عوامل مؤثر بر نتایج آزمون جامع علوم پایه در دانش آموزان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کاشان از سال ۱۳۶۵ تا انتهای سال ۱۳۸۲ انجام شد.

روش: در این مطالعه مقطعی، کلیه دانش آموزان آمخته گانی که مندرجات پرونده آنها کامل بود (۳۰۵ نفر)، انتخاب شدند. پرسش نامه ای حاوی داده های آموزشی، دموگرافیک و نتیجه آزمون جامع، مورد استفاده قرار گرفت. توسط SPSS16 شیوع عدم موفقیت، محاسبه و با استفاده از آزمون کای دو یا دقیق فیشر، وضعیت هر یک از عوامل، بررسی و در صورت معناداری، نسبت شانس خام و محدوده آن با ۹۵٪ اطمینان برآورد شد. برای حذف اثر مخدوش کننده گی سایر عوامل، کلیه عوامل مؤثر احتمالی وارد مدل رگرسیون لجستیک چندمتغیره شده و نسبت شانس تطبیق یافته، مدنظر قرار گرفت. سپس نمره امتحان، به تفکیک هر یک از عوامل با t مستقل، مقایسه و به منظور تعیین سهم هر یک از متغیرها در تبیین نمره از آنالیز رگرسیون خطی گام به گام استفاده شد.

یافته ها: میزان عدم موفقیت در آزمون ۴/۶٪ بود. آزمون های تک متغیره نشان داد میهمانی در سایر دانشگاه ها، تأخیر در گذراندن دوره علوم پایه، پایین بودن معدل دیپلم و علوم پایه، سن بالا در بدو ورود به دانشگاه، و استفاده از سهمیه های خاص خطر بروز شکست در امتحان جامع علوم پایه را افزایش می دهند. در این ارتباط رگرسیون لجستیک چندمتغیره فقط تأثیر میهمانی در سایر دانشگاه ها را معنادار گزارش کرد.

[Adjusted OR=7/4(1/08-50/51) رگرسیون خطی چندمتغیره، نیز مهمترین عامل مؤثر در برآورد نمره آزمون را معدل علوم پایه گزارش نمود (R2 = ۰/۵۵).

بحث و نتیجه گیری: مسئولین با حمایت از دانشجویان آسیب پذیر و تدوین برنامه های آماده سازی برای این گروه خواهند توانست گام مؤثری در جهت کنترل عوامل خطر بروز شکست در امتحان جامع علوم پایه بردارند.

کلیدواژه ها: آزمون جامع علوم پایه، دانشجوی پزشکی، عوامل مؤثر

(S.29Pos.3) نشست: ۲۹، پوستر: ۳

بررسی رابطه ابعاد هوش هیجانی در مدیریت، رهبری و کیفیت فرآیند تدریس از دیدگاه اساتید دانشگاه علوم پزشکی بوشهر در سال ۱۳۸۸

حکیمه واحدپرست*، شرافت اکابریان، بی‌بی‌ماه محمدی باغ‌ملایی، مریم روانی‌پور
* مربی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر؛ بوشهر، دانشگاه علوم پزشکی، دانشکده پرستاری و مامایی
h.vahedparast@bpums.ac.ir

مقدمه: هوش هیجانی به عنوان توانایی مدیریت هیجانات و احساسات، نقش مهمی در زندگی و موفقیت افراد دارد و پژوهش درباره کیفیت تدریس در دانشگاه از جمله مهم‌ترین مسائل در ارتقاء کمیت و کیفیت آموزش می‌باشد. بنابراین پژوهش حاضر با هدف کلی تعیین رابطه ابعاد هوش هیجانی در مدیریت و رهبری با کیفیت فرآیند تدریس از دیدگاه اساتید طرح‌ریزی شد.

روش: مطالعه حاضر یک پژوهش توصیفی تحلیلی است که کلیه اساتید دانشگاه علوم پزشکی بوشهر که رضایت جهت شرکت در طرح را داشتند، شامل می‌شد. جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه استاندارد شده ۳۳ سؤالی هوش هیجانی شرینگ و کیفیت تدریس که هر دو با مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت درجه‌بندی شده بودند استفاده شد. هر دو به‌روش خودپاسخ‌گویی، تکمیل شد. جهت تجزیه و تحلیل داده با استفاده از آزمون آماری توصیفی و تحلیلی از نرم‌افزار SPSS۱۵ استفاده گردید.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد که ۴۹/۹٪ نمونه‌ها مرد و ۵۸/۱٪ زن با میانگین سنی ۴۲/۰۶ سال بودند. میانگین نمره هوش-هیجانی ۱۱۰/۱۳ و کسب ۶۶/۶۶٪ کل نمرات دارای وضعیت قوی متمایل به متوسط بودند. حداکثر نمونه‌ها ارزش‌یابی چندگانه را مؤثرترین شیوه ارزش‌یابی دانسته‌اند (۶۶/۷٪). در رابطه با ابعاد فرآیند تدریس و مؤلفه‌های هوش هیجانی، بین خودکنترلی و سبک تدریس ($P=0/04$) و همدلی ($P=0/015$) و همچنین رابطه دانشجو-استاد و خودآگاهی ($P=0/009$) رابطه معنی‌داری را نشان داد.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به معنی‌دار بودن رابطه بین برخی از مؤلفه‌های هوش هیجانی و کیفیت فرآیند تدریس در این مقاله پیشنهاد می‌شود در بهبود روند انتخاب و گزینش اساتید، علاوه بر اهمیت دادن یکسان به آموزش و پژوهش و بر اساس مهارت‌های هوش-هیجانی عملکرد اساتید را در آموزش و پژوهش، بهبود بخشید.

کلیدواژه‌ها: هوش هیجانی، اساتید، کیفیت فرآیند تدریس

(S.29Pos.4) نشست: ۲۹، پوستر: ۴

بررسی میزان آگاهی اعضای هیئت علمی به‌عنوان رهبران آموزشی، دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ارتش از اهمیت آشنایی با انواع روش‌های یادگیری و یاددهی

دکتر ناهید آرین‌پور، محمدرضا رفیعی*، مهدی اکبرزاده
* استادیار دانشگاه علوم پزشکی ارتش؛ تهران، خ فاطمی غربی، خ اعتمادزاده

مقدمه: یادگیری مؤثر نتیجه یک یاددهی خوب است. هدف از این مطالعه، تعیین میزان آگاهی اعضای هیئت علمی به‌عنوان رهبران آموزشی دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ارتش، از اهمیت آشنایی با انواع روش‌های یاددهی و یادگیری است.

روش: روش کار اعضای هیئت علمی به‌عنوان رهبران آموزشی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ارتش در این مطالعه قرار می‌گیرند. ابزار مطالعه پرسش‌نامه‌ای حاوی سؤالاتی درخصوص لزوم آشنایی رهبران آموزشی با انواع روش‌های یاددهی و یادگیری بود. پرسش‌نامه از لحاظ پایایی با روش آلفای کرونباخ ارزش‌یابی شد. داده‌ها با آزمون آماری من-ویتنی U و با استفاده از جداول و نمودارهای مورد نیاز و در نرم‌افزار SPSS، ویرایش ۱۸ تحلیل شدند.

یافته‌ها: اطلاعات پرسش‌نامه که توسط رهبران آموزشی که هر یک تدریس یکی از دروس پزشکی را به‌عهده دارند، مبین آن است که آشنایی مدرس دانشگاه با انواع روش‌های یاددهی و یادگیری الزامی است. ۸۰٪ افرادی که پرسش‌نامه را تکمیل کرده‌اند به انواع روش-

های یادگیری آشنا هستند. ۹۰٪ به انواع روش‌های یاددهی آشنا می‌باشند. ۳۳/۳٪ اساتید بالینی و ۵۷/۱٪ اساتید گروه علوم پایه عنوان کرده‌اند که تمایل به یادگیری انواع روش‌های تدریس دارند. تفاوت معناداری از نظر آگاهی از اهمیت و لزوم آشنایی با انواع روش‌های یاددهی و یادگیری بین رهبران آموزشی دو گروه علوم پایه و بالینی وجود ندارد. همسان بودن روش تدریس اعضای هیئت علمی یک گروه آموزشی از دیگر نکاتی بود که مورد نظرخواهی قرار گرفت. ۹۰٪ بر این اعتقاد هستند که فعالیت‌های آموزشی یک رهبر آموزشی باید هم-سان با سایر اعضای گروه خود باشد و میزان تأثیر آن‌را بر پیشرفت آموزشی، در ۹۰٪ موارد زیاد و خیلی زیاد دانستند. گرچه فقط ۲۰٪ بر این عقیده‌اند که روش تدریس اعضای هیئت علمی یک گروه آموزشی، باید یکی باشد. از این تعداد ۳۳/۳٪ گروه بالینی و ۱۴/۳٪ گروه علوم پایه بودند.

بحث و نتیجه‌گیری: رهبران آموزشی از مسئولیت مهم خود، آگاه هستند، لذا آگاهی‌های لازم را کسب کرده‌اند و دقت کافی در ارتقای آگاهی خود را نیز دارند. از نظر آماری تفاوت معناداری بین میزان آگاهی و علاقمندی رهبران آموزشی بالینی و علوم پایه به آشنایی با روش‌های یاددهی و یادگیری مشاهده نشد ($p > 0.05$).

کلیدواژه‌ها: رهبر آموزشی، روش‌های یادگیری، روش‌های یاددهی، تدریس، آموزش پزشکی،

(S.29Pos.5) نشست: ۲۹، پوستر: ۵

بررسی اختلاف بین وضعیت موجود و مطلوب مدیریت خدمات آموزشی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم

پزشکی شهید صدوقی یزد

مهندس محمدرضا امینی‌پور، فاطمه عالم رجبی^{*}، محمدرضا حیدری، عبدالعظیم اقبال، مهدیه ممیزی

* پزشک عمومی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد - yazdcme@yahoo.com

مقدمه: شواهد گوناگون حاکی از آن است که نظام آموزشی در صورتی از عهده وظایف و اهداف خود برمی‌آید که از نظر کیفیت آموزشی در وضعیت مطلوبی باشد، با توجه به این موضوع ضرورت یافتن راه‌هایی که بتوان کیفیت آموزش را ارتقا داد روشن می‌شود. در این راستا ارزیابی کیفیت خدمات از جمله گام‌های اساسی در تدوین برنامه‌های ارتقا کیفیت محسوب می‌شود در حال حاضر دیدگاه دانشجویان در مورد همه جنبه‌های آموزش‌های ارائه شده در مؤسسات آموزشی بررسی می‌گردد و به‌عنوان عامل ضروری در پایش کیفیت در دانشگاه‌ها در نظر گرفته می‌شود. این ارزیابی مدیریت مجموعه را قادر می‌سازد تا ضمن جلوگیری از افت کیفیت، منابع مالی محدود در دسترس را به نحوی بهتر تخصیص دهد تا عملکرد سازمان بهبود یافته و کیفیت خدمات ارتقا یابد در این بررسی سعی شده شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب عملکرد مدیریت خدمات آموزشی از دیدگاه دانشجویان تعیین گردد

روش: این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و به‌طور مقطعی انجام گرفته است. جامعه این پژوهش را تعدادی از دانشجویان دانشکده‌های مختلف دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، تشکیل می‌دهد که به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند و اطلاعات از طریق پرسش‌نامه خودساخته روا و پایا که جهت تعیین وضعیت موجود و مطلوب عملکرد مدیریت خدمات آموزشی دانشگاه طراحی شده جمع‌آوری گردید و داده‌ها با نرم‌افزار SPSS و به کمک آمارهای توصیفی تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: بین وضعیت موجود و مطلوب عوامل و امکانات دانشگاه با استفاده از آزمون t و با اطمینان ۹۵٪، از نظر دانشجویان تفاوت معناداری ($t \text{ test} = -9.992, p\text{value} = .000$) وجود داشت، ولی این تفاوت با توجه به متغیرهای وضعیت تأهل ($p\text{value} = .270$)، جنس ($F = 1.22, p\text{value} = .617$)، دانشکده‌ها ($F = .842, p\text{value} = .43$) وضعیت سکونت ($F = .449, p\text{value} = .639$) و رشته تحصیلی ($F = .515, p\text{value} = .822$) معنادار نبود. در بررسی میزان شکاف بین متغیرها، متغیر ایجاد زمینه مناسب برای بحث و تبادل نظر با پژوهش‌گران برتر و افراد برگزیده با میانگین ۱/۲۵۲ دارای بیشترین شکاف و متغیر روند ارزش‌یابی دانشجویان در دانشگاه با میانگین ۰/۵۴۷ دارای کمترین شکاف بود. همچنین وضعیت موجود و مطلوب دسترسی دانشجویان به مدیریت آموزشی دانشکده دارای شکاف نبود.

بحث و نتیجه‌گیری: مدیریت خدمات آموزشی در سطح دانشگاه از مدیریت مهم محسوب می‌گردد و با توجه به شکاف کیفیت در ۱۱ مورد از سؤالات مطرح شده می‌توان این‌گونه استنباط کرد که مدیران ارشد دانشگاه در این موارد باید نظارت بیشتری داشته باشند و با ایجاد تسهیلاتی همچون ایجاد زمینه مناسب برای بحث و تبادل نظر با پژوهشگران برتر و افراد صاحب نظر در امور پژوهشی و فراهم کردن امکانات لازم برای پژوهش در دانشگاه امکان ارائه عملکرد مناسب‌تری را فراهم نمایند.

کلیدواژه‌ها: مدیریت آموزشی، وضعیت مطلوب و موجود، نظرات دانشجویان

(S.29Pos.6) نشست: ۲۹، پوستر: ۶

**مهارت‌های مؤثر در رهبری آموزشی دانشکده بهداشت و تغذیه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی،
درمانی تبریز از نظر دانشجویان در سال تحصیلی ۸۹-۸۸**

حبیب اله قمی*، علیرضا زادگان، حسن سلامی، شاپور نادر فام، ربعلی یوسفی، مالک قربان نیتی

*تبریز، خیابان دانشگاه، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی، habibollahghomi6@gmail.com

مقدمه: این مقاله با محوریت نقش و مهارت‌های رهبران آموزشی تحریر شده است. مهارت‌های رهبری، مهمترین مهارت‌ها برای اثربخشی تلاش‌های رؤسای دانشکده‌ها می‌باشند. بسیاری از صاحب‌نظران در این زمینه، اظهار می‌کنند که، رهبری آموزشی بیشترین تأثیر را بر پیشبرد برنامه‌های آموزشی در دانشکده‌ها داشته‌اند. ایجاد بستر مناسب و شرایط مطلوب جهت حل مسائل آموزشی دانشکده بهداشت و تغذیه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی تبریز، بررسی مهارت‌های رهبری در آموزش این دانشکده را می‌طلبد.

روش: این مطالعه به روش توصیفی-تحلیلی و از نوع پیمایشی می‌باشد، جمع‌آوری اطلاعات از طریق ۲۵۰ پرسش‌نامه به صورت تصادفی ساده و حضوری در بین دانشجویان این دانشکده در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ انجام گرفته، که تعداد ۱۲۰ پرسش‌نامه تکمیل و برگردانده شد، داده‌ها با برنامه SPSS و روش لی‌کرت و مقیاس‌های (خیلی کم=۱، کم=۲، زیاد=۳، خیلی زیاد=۴) تجزیه و تحلیل شدند. پایایی مطالعه بر اساس آزمون آلفای کرونباخ ۰/۹۰۵ می‌باشد.

یافته‌ها: پرسش‌نامه‌های چهارگزینه‌ای دوازده سؤالی ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها بودند. دانشجویان به این سؤالات که در خصوص مهارت‌های رهبری رئیس دانشکده‌شان بود، جواب دادند. برون داده‌ها با میانگین توزیع فراوانی مطلق و اولویت‌بندی به تفسیر زیر به دست آمدند: ۱- در برخورد با دانشجویان موازین اسلامی و اخلاقیات را رعایت می‌کند ۲/۹۵، ۲- به ارتقاء فرهنگ عمومی کارکنان دانشکده اهمیت می‌دهد ۲/۴۷، ۳- با اندیشه‌ها و نظریه‌های مدیریت و رهبری آشناست ۲/۴۱، ۴- عدالت و انصاف را سرلوحه امورات قرار می‌دهد ۲/۳۹، ۵- برای پیشرفت دانشجویان در زمینه تحقیقی اهمیت می‌دهد ۲/۳۶، ۶- شرایط را برای کارآمد ساختن دانشجویان فراهم می‌کند ۲/۳۴، ۷- روابط متقابل، خانواده، محیط دانشگاه و جامعه را درک می‌کند ۲/۲۴، ۸- به مسائل و مشکلات دانشجویان اهمیت می‌دهد ۲/۲۴، ۹- از رهنمودهای اندیشه‌ها و نظریه‌های مدیریت، در عمل و رفتار تبعیت می‌کند ۲/۲۳، ۱۰- به نقطه نظرات دانشجویان درباره دانشکده اهمیت می‌دهد ۲/۱۸، ۱۱- مشکلات و مسائل آموزشی را در ارتباط با شرایط جامعه تجزیه و تحلیل می‌کند ۲/۱۸، ۱۲- مهارت ترغیب مجموعه آموزشی به پذیرش کارگروهی را دارد ۲/۱۵

بحث و نتیجه‌گیری: در این مطالعه مهارت‌های رهبری رئیس دانشکده بهداشت و تغذیه دانشگاه علوم پزشکی تبریز بررسی و اولویت‌بندی شد. با عنایت به نظرات دانشجویان، رئیس دانشکده به عنوان رهبر آموزشی از نظر رعایت اخلاق اسلامی بیشترین میانگین را به خود اختصاص داد و از نظر مهارت ترغیب مجموعه به کارگروهی دارای کمترین میانگین است.

کلیدواژه‌ها: توصیفی، ابزارهای جمع‌آوری، مهارت‌های رهبری

(S.29Pos.7) نشست: ۲۹، پوستر: ۷

**لزوم جهت‌گیری رهبری آموزش در راستای توانمندسازی اعضای هیئت علمی دانشکده‌های پزشکی در
طراحی سؤالات آزمون‌های کتبی**

دکتر رامین مصری*، دکتر داریوش سوادی اسکویی، دکتر حمیده هریزچی، ندا رحمت‌وند

* دکترای حرفه‌ای دانشکده پزشکی، تبریز، خیابان گلگشت، خیابان عطار نیشابوری، دانشکده پزشکی، ساختمان آموزش، دایره

امتحانات dr_mesry@yahoo.com

مقدمه: آزمون، ابزاری است برای سنجش تغییر رفتار آموزشی که به طور همزمان توانائی‌های آموزش دهنده، فراگیر و مجریان و دست‌اندرکاران عرصه آموزش را محک می‌زند. طراحی آزمون‌های نوشتاری و به‌ویژه چندگزینه‌ای، کار آسانی نیست و اگر این آزمون‌ها درست طراحی شوند از کارائی بالائی در سنجش دانش نظری و کاربرد دانش برخوردار خواهند بود. از خصوصیات برجسته یک استاد توانا، توانمندی او در سنجش واقعی پیشرفت تحصیلی است. آزمون و سؤال باید در جهت هدف آزمون طراحی شده و ضرایب سختی و تمییز سؤالات، باید در حد مناسب بوده و آزمون نیز باید دارای پایائی و روائی صوری، محتوی، ملاکی و ساختاری، قابل قبول باشد. تقارب و همبستگی درونی ما بین سؤالات و آزمون باید دیده شود. طراحی یک آزمون هدفمند نیازمند آشنائی اساتید با اصول طراحی سؤالات کتبی و چندگزینه‌ای از یک طرف و بررسی نتایج تحلیلی از طرف دیگر می‌باشد. در این مطالعه با بررسی نتایج تحلیل آماری آزمون‌ها میزان توانمندی اساتید در این زمینه مورد بررسی قرار گرفته است.

روش: طی یک مطالعه توصیفی و تحلیلی کلیه آزمون‌های چندگزینه‌ای ترم و میان‌ترم علوم پایه، فیزیوپاتولوژی و کارآموزی نیم‌سال اول جاری دانشکده پزشکی به تعداد ۴۶ فقره، انتخاب و پاسخ‌نامه‌های کامپیوتری دانشجویان (با حجم نمونه ۵۵۲۵ عدد) توسط دستگاه OMR اصلاح و با استفاده از نرم‌افزار تحلیل آزمون و نسخه SPSS۱۵، مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

یافته‌ها: میانگین‌ها، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۶۹۵، میزان خطای استاندارد ۲/۷۱۴، واریانس کل آزمون ۳۷/۳۵۵، انحراف معیار ۵/۵۳۰، ضریب دشواری ۰/۶۸۲، ضریب افتراق ۰/۲۷۴، واریانس سؤال ۸/۴۶۶، براساس چک لیست میلن در ۵۶/۶٪ سؤالات اشکال ساختاری وجود داشت و ۷۹/۲٪ از سؤالات در سطح تاکسونومی ۱ طراحی شده اند.

بحث و نتیجه‌گیری: بررسی یافته‌ها نشان‌گر این واقعیت است که نتایج و میانگین‌ها در حد انتظار نبوده و آزمون‌های فعلی نمی‌تواند آن‌طور که شاید و باید دانشجو را به‌صورت واقعی ارزیابی نموده و ضمن سنجش تغییر رفتار آموزشی و دانشجوی قوی را از ضعیف تفکیک نماید. ضریب پایایی و تکرارپذیری، همبستگی درونی سؤال و آزمون و درجه تمایز این آزمون‌ها کم بوده و با توجه به یافته‌های فوق و نظر به اهمیت فوق‌العاده ارزیابی صحیح و واقعی دانش نظری دانشجویان پزشکی و با علم به اینکه دانش نظری مبنای آموزش سطوح دیگر یادگیری می‌باشد، لزوم جهت‌گیری مدیریت و رهبری آموزش به سمت توانمندسازی اساتید در زمینه طراحی بهینه سؤالات چندگزینه‌ای و آشنائی با چگونگی تفسیر نتایج تحلیل آزمون‌ها امری ضروری و انکارناپذیر می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: آزمون، چندگزینه‌ای، طراحی سؤال، رهبری آموزش

(S.29Pos.8) نشست: ۲۹، پوستر: ۸

بررسی مهارت‌های مؤثر در رهبری آموزشی دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی-درمانی تبریز از نظرگاه دانشجویان در سال تحصیلی ۸۹-۸۸

حبیب اله قمی^{*}، علیرضا زادگان، حسن سلامی، شاپور نادرغام، مقصود گیاهی

* کارشناسی آموزش زبان انگلیسی دانشگاه علوم پزشکی تبریز- تبریز خیابان دانشگاه مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی
habibollahghomi6@gmail.com

مقدمه: این مقاله با محوریت نقش و مهارت‌های رهبران آموزشی تحریر شده است. مهارت‌های رهبری، مهمترین مهارت‌ها برای اثربخشی تلاش‌های رئسای دانشکده‌ها می‌باشند. بسیاری از صاحب‌نظران در این زمینه اظهار می‌کنند که، رهبری آموزشی بیشترین تأثیر را بر پیشبرد برنامه‌های آموزشی در دانشکده‌ها داشته‌اند. ایجاد بستر مناسب و شرایط مطلوب جهت حل مسائل آموزشی دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی-درمانی تبریز، بررسی مهارت‌های رهبری در آموزش این دانشکده را می‌طلبد.

روش: این مطالعه به روش توصیفی تحلیلی و از نوع پیمایشی می‌باشد، جمع‌آوری اطلاعات از طریق ۴۰۰ پرسش‌نامه به صورت تصادفی ساده و حضوری در بین دانشجویان دانشکده پیراپزشکی تبریز در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ انجام گرفته، که به تعداد ۲۵۰ پرسش‌نامه تکمیل و برگردانده شد، داده‌ها با برنامه SPSS و روش لیکرت و مقیاس‌های (خیلی کم=۱، کم=۲، زیاد=۳، خیلی زیاد=۴) تجزیه و تحلیل شدند. پایائی مطالعه بر اساس آزمون آلفای کرونباخ ۰/۸۵۷ می‌باشد.

یافته‌ها: پرسش‌نامه‌های چهارگزینه‌ای دوازده سؤالی ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها بودند. دانشجویان با گذاشتن علامت t به این سؤالات که در خصوص مهارت‌های رهبری رئیس دانشکده‌شان بود نظر خود را بیان کردند. برون‌دادها با میانگین توزیع فراوانی مطلق و اولویت‌بندی به تفسیر زیر بدست آمدند، در برخورد با دانشجویان موازین اسلامی و اخلاقیات را رعایت می‌کنند ۳/۲۸، روابط متقابل، خانواده،

محیط دانشگاه و جامعه را درک می کند ۳/۱۰، به مسائل و مشکلات دانشجویان اهمیت می دهد ۳/۰۴، عدالت و انصاف را سرلوحه امور قرار می دهد ۲/۹۱، با اندیشه ها و نظریه های مدیریت و رهبری آشناست ۲/۹۰، از رهنمودهای اندیشه ها و نظریه های مدیریت در عمل و رفتار تبعیت می کند ۲/۸۳، به ارتقاء فرهنگ عمومی کارکنان دانشکده اهمیت می دهد ۲/۸۳، مشکلات و مسائل آموزشی را در ارتباط با شرایط جامعه تجزیه و تحلیل می کند ۲/۷۸، برای پیشرفت دانشجویان در زمینه تحقیقی اهمیت می دهد ۲/۷۲، مهارت ترغیب مجموعه آموزشی به پذیرش کارگروهی را دارد ۲/۷۲، به نقطه نظرات دانشجویان درباره دانشکده اهمیت می دهد ۲/۷۱، شرایط را برای کارآمد ساختن دانشجویان فراهم می کند ۲/۶۲

بحث و نتیجه گیری: در این مطالعه مهارت های رهبری رئیس دانشکده پیرایشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز بررسی و اولویت بندی شد. با عنایت به نظرات دانشجویان رئیس دانشکده به عنوان رهبر آموزشی در رعایت موازین اسلامی و اخلاقیات به هنگام برخورد با دانشجویان حائز بالاترین میانگین است و همچنین در رابطه با کارآمد ساختن دانشجویان از طریق تجهیز دانشکده به وسایل آموزشی (بعنوان مثال تجهیز بهینه آزمایشگاه و ...) پایین ترین میانگین را به خود اختصاص داده است. امید است با توجه بیش از پیش به تجهیز دانشکده به وسایل پیشرفته تر موجبات پیشرفت دانشکده مذکور فراهم گردد

کلید واژه ها: مهارت های رهبری، دانشجویان، ابزارهای جمع آوری

(S.29Pos.9) نشست: ۲۹، پوستر: ۹

بررسی تأثیر به کارگیری سیستم رهبری آموزشی تطبیق پذیر در آزمون جامع علوم پایه پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران

مهندس مهران کامکار حقیقی^{*}، علیرضا عباسی، مهندس مهدی ستایش برحقی

* مربی دانشگاه علوم پزشکی ایران - تهران - بزرگراه همت شرق - دانشگاه علوم پزشکی ایران - ساختمان ستاد مرکزی - اتاق ۲۲۸
kamkar@iums.ac.ir

مقدمه: پژوهش حاضر با هدف ارزیابی اثربخشی به کارگیری سیستم رهبری آموزشی تطبیق پذیر در نتایج امتحانات جامع علوم پایه پزشکی دانشجویان دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران انجام شد.

روش: جامعه مورد مطالعه در این تحقیق دانشجویان واجد شرایط امتحان جامع علوم پایه پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران بودند که به صورت داوطلبانه، ۳۸ نفر از میان این افراد، سیستم CAA را مورد استفاده قرار دادند (گروه آزمایش) ولی ۴۸ نفر باقیمانده، از این سیستم استفاده نکردند (گروه شاهد).

یافته ها: بررسی میانگین نمرات آزمون جامع علوم پایه پزشکی گروه آزمایش، شاهد و میانگین نمرات ۶ دوره گذشته، با استفاده از روش تحلیل واریانس یک طرفه ANOVA نشان داد که نمرات گروه ها با هم متفاوت می باشد.

کلیدواژه ها: امتحان جامع علوم پایه پزشکی، Computer-Assisted-Assessment، سیستم رهبری آموزشی تطبیق پذیر

(S.29Pos.10) نشست: ۲۹، پوستر: ۱۰

نقش مدیریت آموزشی کارآمد در دستیابی دانشجویان پزشکی به اهداف آموزشی کارآموزی های بالینی

رضا پورمیرزا کلهری^{*}

* مربی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه - کرمانشاه، دولت آباد، دانشکده پیرایشکی، گروه فوریت های پزشکی.

rpourmirza@ymail.com

مقدمه: یکی از مهمترین اجزاء تکنولوژی آموزشی طراحی اهداف آموزشی توسط مدرس است که به عنوان مهمترین مهارت مدیریت آموزشی محسوب می گردد. نظیر سایر علوم، پزشکی نیز به تعیین اهداف آموزشی بخصوص در طول کارآموزی های بالینی نیاز دارد. ضروری است مدرسین علوم پزشکی با روش های مختلف ارزشیابی دستیابی به اهداف آموزشی را ارزیابی نمایند. یکی از روش های

ارزش‌یابی، استفاده از نظرات دانشجویان است که این مطالعه با هدف بررسی تأثیر استفاده از مدیریت آموزشی کارآمد بر دستیابی به اهداف آموزشی کارآموزی‌های بالینی در بیمارستان امام رضا (ع) کرمانشاه در سال ۱۳۸۷ صورت گرفت.

روش‌ها: در این مطالعه توصیفی-تحلیلی، ۱۳۵ دانشجو در مقاطع کارآموزی و کارورزی پزشکی با روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی تصادفی انتخاب گردیدند. نمونه‌گیری در طول ۶ ماه نیم‌سال اول تحصیلی سال ۸۷-۱۳۸۶ صورت گرفت. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسش‌نامه پژوهش‌گر ساخته‌ای بود که روایی صوری و محتوای آن با استفاده از نظرات پانزده نفر از متخصصین علوم آموزش پزشکی و پایائی آن با انجام یک مطالعه مقدماتی و با استفاده از فرمول اسپیرمن-براون ($r = 0/86$) محاسبه گردید. داده‌ها با نرم‌افزار آماری SPSS تجزیه و تحلیل آماری گردید.

یافته‌ها: نتایج این مطالعه نشان داد که ۱۱/۱٪ شرکت‌کنندگان در پژوهش به‌طور ضعیفی به اهداف آموزشی دستیابی پیدا کرده-بودند، ۸۵/۲٪ دستیابی را در حد متوسط و ۳/۷٪ دستیابی را در حد مطلوب داشتند.

نتایج: تحلیل داده‌ها نشان‌دهنده تفاوت آماری معناداری بین میزان دستیابی به اهداف آموزشی برحسب جنس و سال و مقطع تحصیلی نبود. اما تفاوت‌های آماری معناداری بین میزان دستیابی به اهداف آموزشی با ارائه اهداف در ابتدای دوره کارآموزی براساس مدیریت آموزشی کارآمد، معرفی روش‌های ارزش‌یابی، ارائه برنامه آموزش در بخش اورژانس و جلسه توجیهی در ابتدای دوره کارآموزی وجود داشت.

بحث و نتیجه‌گیری: نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که امکان افزایش دستیابی دانشجویان پزشکی به اهداف آموزشی کارآموزی‌های بالینی با استفاده از رعایت اصول مدیریت آموزشی کارآمد که شامل برگزاری جلسه توجیهی ابتدای دوره، ارائه اهداف آموزشی و روش ارزش‌یابی و همچنین استفاده از برنامه‌های آموزشی در بخش اورژانس وجود دارد

کلید واژه‌ها: مدیریت آموزشی، کارآموزی بالینی، اهداف آموزشی

(S.29Pos.11) نشست: ۲۹، پوستر: ۱۱

ارزش‌یابی مدیریت آموزشی دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی رشت

مینومیترا چهرزاد*، عاطفه قنبری، پروانه رضاسلطانی، مجید پورشیخان، افسانه پاشا، کبری سلامی‌کهن

* مربی دانشگاه علوم پزشکی گیلان- دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی رشت

مقدمه: مدیریت آموزشی قلب دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی بوده و سنجش این امر که وضعیت یک نظام آموزشی چگونه است، تنها توسط یک رهیافت مناسب ارزش‌یابی از مدیریت آموزشی و عوامل تشکیل‌دهنده نظام و عملکرد آن امکان‌پذیر است. بنابراین نقش ارزش-یابی جهت شناخت قوت‌ها و ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها به عنوان مبنای برنامه‌ریزی توسعه و بهبود، قابل توجه است.

روش: مطالعه حاضر، توصیفی بوده که هدف آن ارزش‌یابی مدیریت آموزشی دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی رشت می-باشد. جامعه پژوهش، کلیه اعضای هیئت علمی، مدیران گروه‌های آموزشی، معاون و ریاست دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی رشت بودند که به روش سرشماری نمونه‌گیری شدند. ابزارگردآوری اطلاعات، پرسش‌نامه اطلاعات دموگرافیک و پرسش‌نامه سنجش مدیریت آموزشی در حیطه‌های رسالت و اهداف آموزشی، سنجش و ارزش‌یابی آموزشی و مدیریت و سازماندهی بود که به روش خودایفا توسط واحدهای مورد پژوهش تکمیل می‌گردید. اطلاعات جمع‌آوری شده با استفاده از SPSS ۱۶ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد در حیطه رسالت و اهداف آموزشی، اکثریت واحدهای مورد پژوهش وضعیت کوریکوم آموزشی (۱۰۰٪) و وجود اهداف آموزشی (۱۰۰٪) را مطلوب و بازنگری رسالت و اهداف آموزشی (۵۷/۱٪) و مشارکت اساتید در تدوین اهداف (۷۱/۴٪) را نامطلوب ارزش‌یابی نمودند. در حیطه سنجش و ارزش‌یابی اکثریت واحدهای مورد پژوهش وضعیت سنجش و ارزش‌یابی امتحانات نظری (۸۰٪) و امتحانات بالینی (۸۳/۳٪) را، نسبتاً مطلوب ارزش‌یابی نمودند. در حیطه مدیریت و سازماندهی نیز، اعضای هیئت علمی، مدیران را مورد ارزش‌یابی قرارداده و یافته‌ها نشان داد مدیران آموزشی از نظر ویژگی‌های فردی (۴۳٪) نسبتاً مطلوب، از نظر نحوه انتخاب (۹۵/۷٪) و نحوه ارزش‌یابی (۶۴/۳٪) مطلوب و از نظر نحوه تغییر (۵۵٪) نامطلوب می‌باشند. همچنین مدیران از نظر وظایف، مورد سنجش قرار گرفته، علاوه بر آن یافته‌ها نشان داد مدیران آموزشی از نظر توانایی برنامه‌ریزی (۴۲/۳٪)، تهیه برنامه‌های اجرایی (۸۵/۷٪)، ارزیابی مستمر اعضا (۶۰/۷٪)، تشویق و تنبیه (۶۲/۱٪)، برگزاری مرتب جلسات (۷۵٪) مطلوب و از نظر نظارت بر اجرای اهداف آموزشی (۵۲٪)،

بررسی محیط آموزش بالینی قبل و حین کارآموزی (۳۷/۰۹٪)، توانمندسازی پژوهشی اعضای هیئت علمی (۵۷/۱٪) نسبتاً مطلوب و از نظر توانمند سازی آموزشی اعضای هیئت علمی (۴۴/۴٪) نامطلوب می‌باشند.

بحث و نتیجه گیری: با توجه اینکه ارتقاء کیفیت آموزشی به شرایط مطلوب مدیریت آموزشی نیاز دارد، ارتقاء موارد بازنگری رسالت و اهداف آموزشی، مشارکت اساتید در تدوین اهداف، سنجش و ارزشیابی امتحانات نظری و بالینی، نظارت مدیران بر اجرای اهداف آموزشی، بررسی محیط آموزش بالینی قبل و حین کارآموزی و توانمند سازی پژوهشی و آموزشی اعضای هیئت علمی ازمواردی است که باید مورد توجه قرارگیرد.

کلیدواژه‌ها: ارزشیابی، مدیریت آموزشی، دانشکده پرستاری و مامایی

(S.29Pos.12) نشست: ۲۹، پوستر: ۱۲

تاثیر هدایت آموزشی EDC بر ارزیابی طرح درس های ارائه شده توسط اساتید دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه سال ۱۳۸۸

ناهید جلیلیان*، نسرين جلیلیان، فرح روشن پور، ژاله دزفول منش، رضا پور میرزا کلهری، علی اکبر ده حقی
njjalilian@yahoo.com*
مرکز تحقیقات زایمان بیمارستان امام رضا(ع) دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

مقدمه: طرح درس یکی از ابزارهای مهم برنامه‌ریزی درسی و فرآیندهای کلیدی در امر آموزش است. تدوین طرح درس از مراحل اساسی فعالیتهای قبل از تدریس برای مدرس محسوب می‌شود و می‌تواند راهگشای استاد برای آموزش فراگیران باشد هدف اصلی از تهیه طرح درس سازماندهی فعالیتهای آموزشی یک استاد، تسهیل در امر یادگیری فراگیران، برقراری یک راه ارتباطی و همچنین کمک به ارزیابی مدرسین توسط موسسه آموزشی می‌باشد. این مطالعه بمنظور تعیین وضعیت طرح درسها و اهداف تدوین شده توسط مدرسین در دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه انجام شد.

روش: این مطالعه از نوع توصیفی-مقطعی با تعداد ۱۱۷ طرح درس ارائه شده توسط اساتید کلیه دانشکده‌های علوم پزشکی کرمانشاه در نیمسال دوم ۸۷-۸۶ انجام شد. برای گرد آوری داده‌ها از یک چک لیست شامل مشخصات درس و ۲۰ سوال مربوط به نگارش طرح درس با امتیاز ۱۰۰ نمره که روایی صوری و محتوایی آن توسط صاحب نظران آموزشی پس از پایلوت مقدماتی مورد تایید قرار گرفت، استفاده شد همچنین برای تجزیه و تحلیل آماری از نرم افزار SPSS نگارش ۱۱/۵ استفاده شد.

یافته‌ها: بر اساس نتایج بدست آمده از این مطالعه (۶۵ درصد اساتید مرد) و (۳۵ درصد زن) و از نظر رتبه علمی (۶۰ درصد استادیار)، (۲۷ درصد مربی)، (۱۰ درصد دانشیار) و (۰/۳ درصد استاد) بودند، همچنین بترتیب اعضای هیات علمی دانشکده پیراپزشکی (۱۰۰ درصد)، پرستاری و مامایی (۷۳ درصد)، پزشکی علوم پایه (۶۸ درصد)، بهداشت (۵۲ درصد)، پزشکی علوم بالینی (۳۴ درصد) و داروسازی (۲۵ درصد) اقدام به تدوین طرح درس نمودند. میانگین امتیازات بدست آمده از نمرات چک لیست بترتیب دانشکده بهداشت با کسب ۶۶ درصد کل نمره بالاترین و علوم پایه پزشکی ۵۲ درصد، علوم بالینی پزشکی ۴۷ درصد، پرستاری مامایی ۳۹ درصد، پیراپزشکی ۲۴ درصد و دانشکده داروسازی با کسب ۲ درصد کل نمره در پائین ترین سطح بود.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به نتایج بدست آمده از این مطالعه و ضرورت تدوین طرح درس در شروع هر ترم تحصیلی و لزوم ارائه آن به دانشجویان بمنظور آگاهی از اهداف آموزش و انتظارات اساتید، بنظر میرسد بمنظور ترغیب هر چه بیشتر اعضای هیات علمی در تهیه طرح درس می‌توان از طریق برگزاری کارگاههای آموزشی و منظور نمودن امتیاز دانش پژوهی آموزشی به این مهم دست یافت.

کلید واژه ها: اساتید دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، تاثیر هدایت آموزشی EDC

مقایسه سبک مدیریت آموزشی دانشکده بهداشت و تغذیه با دانشکده پیراپزشکی تبریز از دیدگاه دانشجویان در سال ۱۳۸۸

علیرضا زادگان*، حبیب‌اله قمی، حسن سلامی، شاپور نادر فام، میرجلیل ارجمند، اقدس ممقانی، نادره زادگان
* کارشناس ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه علوم پزشکی تبریز؛ تبریز، خیابان دانشگاه مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی
alirezaa69@gmail.com

مقدمه: امروزه نیاز به مدیریت، در عرصه آموزش عالی، نقش کلیدی و حیاتی در امر آموزش عالی را، می‌تواند در توسعه همه‌جانبه، پایدار و مؤثر، نقش پیشرو در روند تحولات اجتماعی را ایفا نماید. لذا با این نگاه، این مطالعه به مقایسه سبک مدیریت آموزشی در سیستم مدیریتی دانشکده بهداشت و تغذیه و دانشکده پیراپزشکی تبریز از دیدگاه دانشجویان در سال تحصیلی ۱۳۸۸ پرداخته است، امید است نتایج یافته‌های این مقایسه، برای تقویت و اصلاح رفتارهای مدیران دانشکده‌های فوق‌الشاره و در ارتقاء فرآیندهای آموزشی، مفید واقع شود.

روش: این مطالعه از نوع توصیفی-تحلیلی و به‌صورت میدانی و پیمایشی بوده، جمع‌آوری داده‌ها از طریق توزیع تعداد ۲۰۰ پرسش-نامه در قالب شانزده سؤال چهارگزینه‌ای بود که به‌صورت تصادفی ساده و حضوری در بین دانشجویان رشته‌های بهداشت و تغذیه، دانشکده بهداشت و تغذیه تبریز، توزیع گردید، که به تعداد ۱۳۰ پرسش‌نامه برگردانده شد، و ۱۸۰ پرسش‌نامه در قالب شانزده سؤال چهارگزینه‌ای و به‌صورت تصادفی ساده و حضوری در بین دانشجویان پیراپزشکی تبریز توزیع گردید، که تعداد ۱۲۵ پرسش‌نامه برگردانده شدند. سپس، داده‌ها با استفاده از برنامه نرم‌افزاری SPSS و روش لیکرت و با مقیاس (کم=۱، متوسط=۲، زیاد=۳، خیلی زیاد=۴) مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت، روایی پرسش‌نامه‌ها به تأیید اساتید خبره دانشگاه علوم پزشکی تبریز و کارشناسان مرکز مطالعات و توسعه علوم پزشکی رسیده و پایایی مطالعه بر اساس آزمون آلفای کرونباخ دانشکده بهداشت ۰/۸۹۳ و دانشکده پیراپزشکی ۰/۸۸۷ می‌باشد.

یافته‌ها: جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسش‌نامه در قالب شانزده سؤال ۴گزینه‌ای بود. نتایج به‌صورت اولویت‌بندی با مقیاس ۴ به شرح زیر به‌دست آمد: ۱- نحوه برخورد معاون آموزشی دانشکده با دانشجویان (با احترام و اعتماد متقابل) دانشکده بهداشت ۳/۱۰، و دانشکده پیراپزشکی ۳/۳۱

۲- اعتقاد و تعهد معاون آموزشی نسبت به رعایت نظم و انضباط دانشجویان بهداشت ۲/۸۲، و پیراپزشکی ۳/۱۸
۳- رعایت عدالت و انصاف از سوی رئیس دانشکده در برخورد با دانشجویان ۲/۶۴، و رئیس پیراپزشکی ۳/۱۲،
۴- ارج نهادن به کرامت انسانی دانشجویان و بستر سازی جهت شکوفایی استعداد های آنان از سوی معاون آموزشی بهداشت ۲/۵۹، و پیراپزشکی ۳/۰۴

۵- ارتباط مؤثر و صمیمانه و ایجاد انگیزه یادگیری بهتر از طرف معاون آموزشی بهداشت ۲/۴۸، و پیراپزشکی ۲/۷۸
۶- اهمیت دادن معاون آموزشی بهداشت به نظرات دانشجویان به نتایج ارزش‌یابی اساتید ۲/۴۳، و پیراپزشکی ۲/۶۴
۷- ایجاد شرایط برای خلاقیت دانشجویان از سوی معاون آموزشی بهداشت ۲/۴۲، و پیراپزشکی ۲/۸۱
۸- در اختیار نهادن منابع و ایجاد تمهیدات لازم به‌منظور پشتیبانی معاون آموزشی بهداشت از فعالیت‌های مبتکرانه دانشجویان به-عنوان رویکرد آموزشی ۲/۴۲، و پیراپزشکی ۲/۸۴

۹- پاسخ‌گو بودن رئیس دانشکده بهداشت در قبال وظایف و مسئولیت‌ها ۲/۲۴ و پیراپزشکی ۲/۸۹
۱۰- اهمیت دادن رئیس دانشکده بهداشت به تناسب فضای لازم با تعداد دانشجویان ۲/۱۲ و رئیس پیراپزشکی ۲/۷۶
۱۱- اهمیت دادن رئیس دانشکده به تعداد کتاب‌های مرجع و روزآمد کتابخانه با نیازهای دانشجویان ۲/۱۰، و پیراپزشکی ۲/۷۶
۱۲- اهمیت دادن رئیس دانشکده به حل مسائل متنوع دانشجویان (تقویم دانشگاهی، برنامه‌ریزی درسی، آزمایشگاهی، امکانات و تجهیزات آموزشی) با لحاظ داشتن نظر آنان ۲/۰۲، و پیراپزشکی ۲/۶۸

۱۳- اهمیت دادن رئیس بهداشت به حل مسائل رفاهی دانشجویان ۲/۰۰، و رئیس پیراپزشکی ۲/۸۶
۱۴- ارزش قائل شدن رئیس بهداشت به نظر دانشجویان در حل مسائل آموزشی ۱/۹۶، و پیراپزشکی ۲/۷۷
۱۵- همکاری رئیس بهداشت در تشکیل انجمن‌های علمی دانشجویی ۱/۶۸ و پیراپزشکی ۲/۸۱

۱۶- مشارکت دادن دانشجویان در جلسات کمیته برنامه‌ریزی آموزشی از طرف رئیس بهداشت ۱/۷۲ و پیراپزشکی ۲/۵۸
بحث و نتیجه‌گیری: در این مطالعه مقایسه سبک مدیریت آموزشی دو دانشکده بهداشت و تغذیه و پیراپزشکی تبریز که به‌عنوان اصلی‌ترین و مهمترین عنصر در سیستم و ساختارهای سازمانی در عصر پرتلاطم مدیریت مطرح است، نوع سبک رهبری در سیستم آموزش عالی می‌تواند با رهبری تیمی و اهمیت دادن به مشارکت دانشجویان در برنامه‌ریزی‌ها و فرآیندهای آموزشی و استفاده از حداکثر ظرفیت‌ها، و نگاه انسانی به ارزش‌های آنها و اهمیت دادن به انرژی بی‌پایان آنان، به بهبود و ارتقاء کیفیت آموزش منجر شود.
کلیدواژه‌ها: سبک مدیریت آموزشی، دیدگاه دانشجویان، دانشکده بهداشت و تغذیه، دانشکده پیراپزشکی

(S.30Pos.2) نشست: ۳۰، پوستر: ۲

مدیریت تغییر در برنامه‌ریزی درسی: لزوم تدوین درس فناوری اطلاعات پزشکی از نظر دستیاران در دوره

پزشکی عمومی

رقیه ارشاد سراپی^{*}، دکتر طاهره اسلامی‌نژاد، زینت روان‌گرد،
^{*} مربی دانشگاه علوم پزشکی کرمان؛ بلوار جمهوری اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی، طبقه سوم معاونت آموزشی، مرکز مطالعات و توسعه a.ershadsarabi@gmail.com

مقدمه: امروزه بخش‌های مختلف بیمارستان‌های دنیا از طریق شبکه‌های محلی به یکدیگر متصل می‌باشند و ارائه خدمات پزشکی و دسترسی به منابع و اطلاعات مورد نیاز از این طریق امکان‌پذیر است. بنابراین داشتن آگاهی و مهارت در دستیابی سریع و آسان به اطلاعات مورد نیاز و برآورده ساختن نیازهای اطلاعاتی، از مسائل با اهمیت، در آموزش و پژوهش حوزه پزشکی است. وجود پزشکان آگاه به دانش فن‌آوری اطلاعات، ارائه خدمات به سایر گروه‌ها در سیستم‌های سلامت، را سریع‌تر و با کیفیت بالا، امکان‌پذیرتر می‌نماید. و از همین روست که سازمان‌های مختلف، در توسعه کمی و کیفی آموزش پزشکی از سال ۱۹۷۷، کمیته‌ای از مشاوران را جهت توسعه استفاده از کامپیوتر و فناوری اطلاعات در برنامه آموزش پزشکی، تشکیل داده‌اند. این پژوهش نتایج مطالعه‌ای به منظور تعیین نظرات گروهی دستیاران جدیدالورود درباره ضرورت تدوین برنامه درسی فن‌آوری اطلاعات در دوره پزشکی عمومی را ارائه می‌کند.

روش: جامعه هدف در این پژوهش را کلیه دستیاران جدیدالورود تخصص‌های مختلف پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی کرمان در سال ۸۸-۸۹ کرمان تشکیل می‌دادند. درصد پاسخ‌گویی ۸۲/۵ درصد بود. اطلاعات مربوط به میزان توانمندی شرکت‌کنندگان در زمینه استفاده از برنامه‌ها و نرم‌افزارهای کامپیوتری، میزان استفاده از برنامه‌های مختلف، راهکارهای توسعه و موانع موجود در استفاده از فناوری اطلاعات پزشکی به‌وسیله پرسش‌نامه ساختار یافته پژوهش‌گر ساخته گردآوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: پنجاه و چهار درصد جامعه مورد مطالعه را مردان تشکیل می‌دادند و ۸۰ درصد پاسخ‌گویان در گروه سنی ۲۵-۳۵ سال قرار داشتند. اکثر دستیاران مورد مطالعه فارغ‌التحصیلان دانشگاه علوم پزشکی کرمان (۲۶٪) و دانشگاه علوم پزشکی مشهد (۱۹٪) بودند. همچنین ۸۹ درصد پاسخ‌گویان تجربه کار بالینی داشتند. ۹۷ درصد دستیاران مورد مطالعه، آموزش مباحث کامپیوتر و تکنولوژی اطلاعات در دوره پزشکی عمومی را ضروری می‌دانستند و مهمترین دلایل به ترتیب عبارت بودند از دسترسی سریع‌تر به یافته‌های جدید پزشکی از طریق سایت‌ها و مجلات الکترونیکی، دسترسی به منابع الکترونیکی مورد نیاز در حوزه‌های تخصصی، امکان شرکت در کنفرانس‌های پزشکی، امکان مشاوره سریع‌تر و راحت‌تر در مورد مشکلات بیماران با همکاران در مناطق مختلف و دسترسی سریع و آسان به اطلاعات مربوط به بیماران دانشجویان مورد مطالعه مهمترین مشکل را در زمینه توسعه آموزش فن‌آوری اطلاعات عدم دسترسی به اینترنت و پایین بودن سرعت آن ذکر نموده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به تغییرات سریع در دانش و تکنولوژی، توسعه آگاهی و مهارت‌های دانشجویان پزشکی به‌منظور هماهنگ شدن با تغییرات و تحولات علمی برای موفقیت در آینده شغلی و زندگی‌شان بسیار ضروری است. با توجه به اینکه اکثریت پاسخ‌گویان مهمترین مشکلاتشان را عدم دسترسی به اینترنت و فشار کاری دانسته‌اند پیشنهاد می‌شود مسئولین آموزش پزشکی نسبت توسعه ساختار سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و همچنین در برنامه آموزشی به منظور افزایش آگاهی و توانایی دانشجویان در استفاده از سیستم‌ها و فن‌آوری اطلاعات اصلاحات لازم را ایجاد نمایند.

کلیدواژه‌ها: واحد درسی، فن‌آوری اطلاعات پزشکی، برنامه آموزشی، پزشکی عمومی، منابع الکترونیکی، دسترسی به اطلاعات



(S.30Pos.3) نشست: ۳۰، پوستر: ۳

مدل‌های مختلف رهبری در علوم پزشکیمهناز جویانی^{۱*}، ناصر شکری^۲، رضا کاظمی^۳

۱. کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، مسئول اداره EDO دانشگاه آزاد اردبیل M_jooyani@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد بیوشیمی، رئیس اداره آموزش پزشکی دانشگاه آزاد اردبیل

۳. متخصص روان‌پزشکی - هیئت علمی دانشگاه آزاد اردبیل

مقدمه: رهبری، عنوانی با کاربرد جهانی است و در نشریات مشهور و ادبیات علمی و تحقیقی، مطالب زیادی در مورد آن آمده است. به‌رغم فراوانی نوشته‌ها درباره رهبری، هنوز هم محققان، سازمان‌ها را به یک کوشش جدی برای فهم آن دعوت می‌کنند. هدف این مقاله بررسی مبانی، تشابهات و تفاوت‌های موجود در زمینه رهبری و ارائه چارچوبی برای تعیین تفاوت‌های سبک‌های مختلف رهبری است. در این تحقیق، ضمن بررسی ماهیت رهبری و ضرورت آن در علوم پزشکی، ویژگی‌های رهبران اثربخش در شرایط کنونی بیان شده است و تمامی سبک‌های مختلف رهبری برخاسته از مدل‌های خصوصیات فردی رهبر، نظریه‌های رفتاری رهبر، نظریه‌های اقتضایی رهبری و نظریه‌های جدید بیان شده‌اند. و در نهایت ویژگی‌ها و خصوصیات مشترک رهبری تحول‌گرا، رهبری خدمتگذار و رهبری معنوی، در تحریک و برانگیختن زیردستان، با استفاده از چشم‌انداز معنوی و ایجاد زمینه‌های فرهنگی بر اساس ارزش‌های انسانی در چالش‌های آموزش پزشکی در هزاره سوم بیان شده است.

روش: این پژوهش از نوع توصیفی بوده و برای جمع‌آوری اطلاعات مربوطه از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. این بررسی نشان می‌دهد از نظریه رهبری معنوی، باید به‌طور گسترده به‌عنوان یک مدل توسعه شغلی، سازمانی در ایجاد تغییر و تحولات سیستمی علوم پزشکی استفاده کرد. در واقع طرفداران معنویت در محیط کار، می‌گویند: همه افرادی که وارد سازمان می‌شوند دارای ویژگی‌ها و روحیات منحصر به فردی هستند، ولی همگی آنها در جستجوی تعالی روحی و همبستگی در محل کار هستند. در این میان نقش رهبران معنوی، تحریک و برانگیختن کارکنان با استفاده از چشم‌انداز معنوی و ایجاد زمینه‌های فرهنگی بر اساس ارزش‌های انسانی است تا کارکنانی فعال، دارای بهره‌وری بالا، متعهد و باانگیزه را تربیت کنند. از طرف دیگر رهبری خدمتگذار، با استفاده از مکانیزم‌های سازمانی مانند پاداش، ارتباطات، سیاست‌های سازمانی، شیوه‌ها و روش‌ها، باعث ایجاد فرهنگ مولدروانی با ویژگی‌های معنوی بودن، شخصی، مولد، منفعل و تمایل به حفظ وضع موجود می‌شود که این فرهنگ موجب می‌شود که رهبر خدمتگذار در محیط‌های ثابت موفق‌تر عمل کند و کلاً این سبک رهبری را برای دوره ثبات و آرامش در سازمان مناسب می‌دانند. در مقابل رهبری تحول‌گرا، با استفاده از مکانیزم‌های سازمانی باعث ایجاد فرهنگ توانمندسازی پویا با ویژگی‌های فعال، قوی، پویا و نوآور می‌شود. این فرهنگ سبب می‌شود که رهبری تحول‌گرا در محیط‌های پویا موفق‌تر، عمل کند و این سبک رهبری را برای دوره‌های بحران یا گذار از وضعیت فعلی و مخصوصاً زمان‌های ایجاد تغییر و شرایط خاص و ویژه در آموزش پزشکی مناسب می‌دانند.

کلیدواژه‌ها: مدل‌های رهبری، علوم پزشکی

(S.30Pos.4) نشست: ۳۰، پوستر: ۴

بررسی سبک رهبری آموزشی در دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، ۱۳۸۸معصومه معزی^{*}، محمد رحیمی، امیرعلی ناطق، دکتر جعفر نصیری، دکتر بهروز پورحیدر^{*} استادیار گروه پزشکی اجتماعی مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی؛ شهرکرد، خیابان کاشانی، ستاد دانشگاه علوم پزشکی،

lmoezzi@yahoo.com مرکز مطالعات

مقدمه: رهبری آموزشی یاری‌رساندن به آموزش و بهبود کار آموزش است و هر عملی که بتواند فرادهنده را یک قدم پیشتر ببرد، رهبری آموزشی است. رهبری آموزشی مناسب می‌تواند باعث ارتقاء کیفیت آموزشی گردیده و زمینه را برای پیش‌برد اهداف توسعه کیفی و کمی آموزش فراهم سازد. این پژوهش با هدف بررسی سبک رهبری مسئولین آموزشی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد انجام گرفت.

روش: مطالعه حاضر مطالعه توصیفی- مقطعی بوده و مسئولین آموزشی دانشگاه شامل رؤسای دانشکده‌ها، معاونین آموزشی دانشکده‌ها و مدیران گروه‌های آموزشی به‌صورت سرشماری مورد مطالعه قرار گرفتند و بیش از نیمی از آنان در مطالعه شرکت نمودند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسش‌نامه پایا و روا بود که سبک رهبری مسئولین را مورد بررسی قرار می‌داد. داده‌های کسب شده از طریق نرم‌افزار spss و پارامترهای آماری توصیفی تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: میانگین سنی شرکت‌کنندگان در مطالعه 40.1 ± 4.6 بود سابقه تدریس 5.25 ± 5.46 و میانگین سابقه اجرا 7.3 ± 9.7 بود. براساس نتایج این مطالعه میانگین سبک رهبری حمایتی (4.19 ± 0.78)، تفویض‌کننده (3.89 ± 0.96)، هدایتی (3.86 ± 1.07)، آمرانه (3.14 ± 1.1) بود.

بحث و نتیجه‌گیری: استفاده از سبک‌های مدیریتی حمایتی و تفویض‌کننده به‌عنوان سبک‌های اثربخش رهبری محسوب گردیده و با توجه به بلوغ فکری اعضای هیئت علمی، زمینه‌ساز افزایش رضایت شغلی آنان و فراهم شدن زمینه مناسب جهت تغییر، ابداع، نوآوری و خلاقیت می‌باشد که خوشبختانه به‌نظر می‌رسد این امر در دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد مورد توجه مسئولین آموزشی می‌باشد. ایجاد ساختار سازمانی مناسب در جهت استفاده از این سبک‌های رهبری در آموزش پیشنهاد می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: سبک رهبری، مسئول آموزشی، آموزش

(S.30Pos.5) نشست: ۳۰، پوستر: ۵

تلفیق فیزیولوژی سلول و گردش خون با کلینیک؛ یک روش تدریس جدید با رویکرد دانشجوی محور

عابدین وکیلی*

* استادیار دانشگاه علوم پزشکی سمنان؛ دانشکده پزشکی، بخش فیزیولوژی، سمنان، کیلومتر ۵ جاده دامغان، دانشکده پزشکی،

بخش فیزیولوژی abvakili@yahoo.com

مقدمه: دروس علوم پایه پزشکی از ارکان مهم و اساسی در دانش پزشکی است. یکی از سؤالاتی که همواره دانشجویان دارند، این است که آیا ارائه سنتی دروس علوم پایه پزشکی به‌صورت سنتی، با اهداف نهایی تربیت پزشک، که ارائه خدمات بالینی است، هم خوانی دارد؟ بر همین اساس این روش تدریس جدید با هدف افزایش یادگیری و توجه دانشجویان به درس فیزیولوژی، ساده‌تر و ملموس‌تر شدن درک مکانیسم‌های فیزیولوژی محض طراحی شد.

روش: جمعیت مورد مطالعه دانشجویان پزشکی دوره ۲۵ ورودی ۸۷ دانشگاه علوم پزشکی سمنان بودند. جهت ایجاد انگیزه و مشارکت حداکثری دانشجویان، بین صفر تا ۲ نمره برای فعالیت کلاس و همکاری تعلق می‌گرفت. در هر جلسه حدود ۴۵ دقیقه مباحث اصلی درس به‌صورت سخنرانی ارائه شد. دانشجویان کلاس چهار گروه ۶ نفری تقسیم شدند و سر گروه موظف می‌شد با همکاری سایر اعضای ارتباط کلینکی مطالب درسی هر جلسه را از کتاب و مقالات و... جستجو نموده سپس آنرا در غالب سمینار ۱۰ تا ۱۵ دقیقه در کلاس ارائه دهد، در پایان دوره پرسش‌نامه‌ای در غالب ۱۱ سؤال به معیار ۵ نمره‌ای لیکرت ۱ تا ۵ (کاملاً موافق، موافق، بی‌نظر، مخالف و کاملاً مخالف) و ۲ سؤال باز جهت دریافت نظرات آزاد در اختیار دانشجویان قرار داد شد. داده‌های به‌دست آمده از پرسش‌نامه پس از آنالیز با آمار توصیفی به‌صورت توزیع فراوانی بیان گردید.

یافته‌ها: نتایج این مطالعه نشان داد، حدود ۸۴٪ دانشجویان اظهار داشتند که این روش تدریس درک مکانیسم‌های فیزیولوژی محض را آسان‌تر کرده و ۸۴٪ این روش تدریس برای آموزش فیزیولوژی مفید می‌دانستند. ۷۰٪ دانشجویان بیان کردند که این روش تدریس باعث افزایش بحث‌گروهی داخل و خارج کلاس شده و اشتیاق برای حضور در کلاس افزایش می‌دهد. نزدیک ۶۰٪ دانشجویان اظهار داشتند.

بحث و نتیجه‌گیری: این روش تدریس، باعث افزایش توجه دانشجویان به مقطع علوم‌پایه و صمیمی‌تر شدن رابطه استاد و دانشجو می‌شود.

کلیدواژه‌ها: روش تدریس، تلفیق، فیزیولوژی، کلینیک



(S.30Pos.6) نشست: ۳۰، پوستر: ۶

بررسی نگرش مدیران عضو هیئت علمی نسبت به ضرورت و شیوه ارزش‌یابی مدیران دانشگاه علوم پزشکی شیراز در سال ۱۳۸۸

محبوبه صابر، نورالهدی فخرزاد، مریم فخرزاد
دانشگاه علوم پزشکی شیراز

مقدمه: ارزیابی عملکرد، فرآیندی بسیار مهم و از حساس‌ترین مسائلی است که مسئولان سازمان‌ها با آن روبه‌رو هستند. شناخت مسائل و مشکلات و بهینه‌سازی نظام ارزیابی عملکرد، دست‌کم از دو بعد دارای اهمیت است: اول اینکه سازمان‌ها برای بهبود و ارتقای بهره‌وری فردی و سازمانی، نیازمند آگاهی از کارایی کارکنان و مدیران هستند. دوم اینکه، آگاه شدن کارمندان و مدیران از نتایج عملکرد خود برای آنها مطلوب بوده، احساس رشد خواهند کرد، همچنین تعیین شاخص‌های رفتاری مناسب برای ایجاد تعامل مؤثر و اثربخش با محیط پیرامون، در جهت ایفای نقش‌برتر نیز، امری ضروری است.

روش: این پژوهش، یک مطالعه کیفی با استفاده از روش دلفی بوده و برای انجام آن، پرسش‌نامه‌ای با ۱۰ پرسش باز در زمینه‌های ضرورت، ساختار و اجرای ارزش‌یابی تهیه شد. پرسش‌نامه‌ها، برای ۲۵ نفر از مدیران عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز ارسال شد که ۱۶ نفر فرم را تکمیل نمودند. سپس نظرات این ۱۶ نفر جمع‌آوری و اصلاح و دوباره به ایشان ارسال گردید. در ادامه، ۵ نفر به سؤالات و نظرات ارسال شده پاسخ دادند که نظرات آنها دوباره بررسی شده و اجماع کلی حاصل گردید.

یافته‌ها: نتایج نشان می‌دهد که از دیدگاه مدیران، ارزش‌یابی مدیران ضرورت داشته و بهتر است در قالب یک ساختار با هدف بهبود کیفیت و از بین بردن ضعف‌ها انجام گیرد. برطبق نظر ایشان، کلیه مدیران دانشگاه می‌بایست مشمول ارزش‌یابی بوده و بدین‌منظور کمیته ارزش‌یابی ویژه مدیران ضرورت دارد. نتایج ارزش‌یابی باید جهت تقویت نقاط قوت افراد توانا و رفع کاستی‌های مدیران، تشویق و تعیین امتیازات اجرایی آیین‌نامه ارتقاء مدیریت موفق و ناموفق، قابل استفاده و بهره‌برداری باشد. نظر به اینکه هم‌اکنون، ارزش‌یابی مدیران به صورت انتزاعی انجام می‌گیرد، وجود یک ساختار مناسب از طریق فرم‌های ارزشیابی (rating scales) توصیفی، مشاهده، مصاحبه، بازدید از مکان، مراجعه به خرد جمعی، بارش افکار، حضور فیزیکی در محل کار، تعداد طرح‌ها و ایده‌های جدید، از خود گذشتگی، مشورت، قاطعیت، رضایت‌مندی کارمندان و مراجعین و غیره، از دیدگاه مدیران، ضروری بیان شده است. همچنین مدیران، تطبیق فعالیت‌ها با شرح وظایفشان را به دلیل عدم وجود شاخص و تعریف مشخصی از کار، دشوار عنوان نمودند.

بحث و نتیجه‌گیری: ارزیابی عملکرد، یکی از مباحث ویژه مدیریت و ابزار مناسبی برای ارتقای عملکرد کارکنان، مدیران و سازمان به‌حساب می‌آید. در صورتی که ارزیابی عملکرد با ملزومات و پیش‌نیاز آن در سازمان طراحی و اجرا شود، می‌تواند بخشی از مسائل و مشکلات سازمان را شناسایی کرده، در جهت حل آنها راهکارهای عملی ارائه کند.

کلیدواژه‌ها: ارزیابی عملکرد، عملکرد مدیران، روش دلفی

(S.30Pos.7) نشست: ۳۰، پوستر: ۷

اکسترنی، تجربه‌ای موفق در رهبری و برنامه‌ریزی آموزشی

مصطفی دهقانی پوده*، دکتر اظهر امید، دکتر وحید عشوریون، دکتر آتوسا اسماعیلی، مریم آویژگان
* کارشناس ارشد دانشگاه علوم پزشکی اصفهان؛ اصفهان، خیابان هزار جریب، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دانشکده پزشکی، دفتر توسعه آموزش m_dehghani@edc.mui.ac.ir

مقدمه: طبق تعریف، رهبری آموزشی هدایت معلمان در جهت بهبود امر تعلیم و تعلم است. پس برنامه‌ریزی آموزشی را می‌توان از کارکردها و اثرات رهبری موفق در آموزش دانست. از آنجا که مطالعات، گویای عدم آمادگی دانشجویان پزشکی برای ورود به دوره ایترنی می‌باشد، این مطالعه با هدف استفاده از اصول رهبری آموزشی در جهت بهبود آموزش دوره اکسترنی، که به منظور رفع مشکل یاد شده طراحی شده است، انجام شد.

روش: طی یک مطالعه کیفی با اخذ نظرات کلیه ذی‌نفعان برنامه، مشخص شد انتظارات نظام آموزشی از کارآموزان نامشخص می‌باشد. لذا ابتدا بر اساس نتایج مطالعات قبلی و فهرست توانمندی‌های مورد انتظار از پزشکان عمومی، از مصوبات شورای آموزش پزشکی عمومی، توانمندی‌های لازم جهت ورود به دوره‌ی اینترنتی، بخش‌های شش ماه اول دوره اکسترنی تدوین شد. این توانمندی‌ها سپس با تشکیل چند (Focus group) با حضور مدیر، مسئول آموزش اکسترنی و یکی از اساتید با تجربه هر گروه، مسئول و یکی از کارشناسان دفتر توسعه آموزش دانشکده مورد بحث قرار گرفت و نهایی شد.

یافته‌ها: در مجموع تعداد ۱۰۴ عنوان توان‌مندی به‌دست آمد. این توان‌مندی‌ها به دو دسته عمومی و اختصاصی تقسیم شدند. ۳۰ عنوان توان‌مندی عمومی و ۷۴ عنوان اختصاصی. در توان‌مندی‌های عمومی گروه‌های داخلی اعصاب و اطفال با ۲۱ عنوان بیشترین و گروه عفونی با ۱۸ عنوان کمترین تعداد توان‌مندی عمومی را آموزش خواهند داد. در بین توان‌مندی‌های عمومی ۹ عنوان در تمامی گروه‌ها، آموزش داده خواهد شد مثل استدلال بالینی، نسخه‌نویسی، پرونده‌نویسی و تفسیر نتایج آزمایشات مختلف و آموزش ۳ عنوان یعنی انما، رنگ آمیزی AFB، و اندازه‌گیری هماتوکریت به روش میکروتیوب، توسط هیچ‌یک از گروه‌ها تقبل نشد. در توانمندی‌های اختصاصی گروه داخلی با ۱۸ عنوان بیشترین و گروه اطفال با ۸ عنوان، کمترین تعداد را به خود اختصاص دادند. تعداد ۱۵ جلسه (Focus group)، تشکیل شد. گروه داخلی با ۴ جلسه بیشترین و گروه ارتوپدی با ۱ جلسه، کمترین تعداد جلسات را داشتند.

بحث و نتیجه‌گیری: این مطالعه از آنجا حائز اهمیت است که در آن گروه‌های آموزشی با راهنمایی و رهبری دفتر توسعه آموزش دانشکده برنامه‌ریزی آموزشی را عملاً تمرین و تجربه نمودند که خود یقیناً اهتمام و تعهد بیشتر به اجرای آن را به‌دنبال خواهد داشت. گروه اطفال که بیشترین توانمندی عمومی را آموزش خواهد داد، گروهی است که در آینده بیشترین مراجعه به پزشک عمومی را خصوصاً در مناطق محروم خواهد داشت. از طرف دیگر از آنجا که این گروه برنامه کشوری مانا را آموزش می‌دهد، در این مطالعه کمترین عنوان اختصاصی را داشته است و گروه داخلی نیز که مانند اطفال، مراجعین زیادی را به خود اختصاص خواهد داد بیشترین توانمندی اختصاصی را آموزش خواهد داد. این موارد همگی مؤید دقت گروه‌ها در تعیین توانمندی‌ها می‌باشد که همه در سایه رهبری اثربخش آموزشی حاصل شده است.

کلیدواژه‌ها: رهبری آموزشی، آموزش بالینی، مهارت‌های بالینی

(S.30Pos.8) نشست: ۳۰، پوستر: ۸

ارتباط سبک رهبری مدیران گروه‌های آموزشی با رضایت‌شغلی اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی گیلان در سال ۱۳۸۸

ماهدخت طاهری*، عطا... اسدی، حسین خوش‌رنگ، علی منفرد

* استادیار دانشگاه علوم پزشکی گیلان؛ رشت، خیابان نامجو، خیابان شهید سیادت، ساختمان معاونت آموزشی
mtaheri@gums.ac.ir

مقدمه: موفقیت و شکست یک سازمان بستگی به کیفیت رهبری آن دارد. سازمان موفق مشخصه مهمی دارد که آن را از سازمان‌های ناموفق متمایز می‌سازد. سبک رهبری مدیران، یکی از عوامل مؤثر در افزایش کارایی، اثربخشی و در نهایت بهره‌وری سازمان‌ها است. الگوی رفتاری مناسب مدیر در هر سازمان باعث به‌وجود آمدن روحیه و انگیزش قوی در کارکنان و افزایش رضایت آنان از شغل و حرفه خود می‌شود. رضایت شغلی کارکنان یکی از شاخص‌های اثربخش مدیریت و رهبری در سازمان است. این پژوهش با هدف تعیین رابطه بین سبک‌های رهبری مدیران گروه‌های آموزشی و رضایت‌شغلی اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی گیلان صورت گرفت.

روش: این مطالعه توصیفی-مقطعی بر روی کلیه اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی گیلان (۳۳۰ نفر) به‌صورت سرشماری انجام شد. که در مجموع ۲۵۵ نفر در پژوهش شرکت نمودند. داده‌های پژوهش از طریق پرسش‌نامه پایا و روا جمع‌آوری گردید. پرسش‌نامه شامل سه بخش بود. بخش اول: مشخصات فردی، بخش دوم: پرسش‌نامه تعیین سبک رهبری LBDQ و بخش سوم پرسش‌نامه رضایت شغلی اعضای هیئت علمی (در سه بعد شخصی، اجتماعی و سازمانی) را مورد بررسی قرار می‌داد. داده‌ها پس از جمع‌آوری از طریق آزمون‌های توصیفی و استنباطی توسط نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.



دانشگاه علوم پزشکی تهران

فصلنامه علمی پژوهشی

مطالعات و پژوهش‌ها

یافته‌ها: مدیران گروه‌های آموزشی از دیدگاه اعضای هیئت علمی بیشتر از سبک رهبری ساختارمند (Initiating structure) نسبت به سبک رابطه‌مدار (Consideration) استفاده می‌کردند. بین نظرات اعضای هیئت علمی و جنسیت آنها تفاوت معناداری وجود داشت.

کلیدواژه‌ها: سبک‌های رهبری، رضایت شغلی، اعضای هیئت علمی، ساختارمدار، رابطه‌مدار

(S.30Pos.9) نشست: ۳۰، پوستر: ۹

بررسی مهارت و قدرت رهبری مدیران آموزشی دانشگاه علوم پزشکی تبریز

دکتر رضا غفاری^{*}، فریبا سالک رنجبرزاده، دکتر سوسن حسن زاده سلماسی، پریسا گل‌عنبر
* پزشک عمومی مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی تبریز؛ تبریز، خیابان دانشگاه، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

مقدمه: مدیریت و رهبری دو سیستم عمل متمایز و مکمل هستند. مدیریت، پاسخ‌گویی به نیازهای سازمان و انتظارات ایجادشده، از نظام آموزش است و نظم و ثبات در ابعاد کلیدی مانند کیفیت و اثربخشی را موجب می‌شود. ولی رهبری، سازگاری با تغییرات است و به‌سوی تغییر سازنده با تعیین جهت، همراه با تدوین استراتژی‌هایی برای ایجاد تغییرات لازم آغاز می‌شود. رهبر آموزشی علاوه بر آگاهی از موضوعات تخصصی آموزش، باید دارای صفات مشخصه رهبری، رفتار و مهارت‌های لازم باشد. هدف این مطالعه بررسی مهارت رهبری مدیران آموزشی دانشگاه علوم پزشکی تبریز می‌باشد.

روش: این بررسی یک مطالعه توصیفی می‌باشد. ۵۰ نفر از مدیران نظام آموزشی به‌طور تصادفی وارد مطالعه شده و مهارت‌های رهبری آنان با استفاده از پرسش‌نامه محقق ساخته، مورد سنجش قرار گرفت. اطلاعات با استفاده از نرم‌افزار SPSS با استفاده از پارامترهای پراکندگی و مرکزی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: این بررسی نشان داد که مدیران آموزش دانشگاه علوم پزشکی تبریز از نظر دارا بودن صفات مشخصه رهبری با میانگین $77/7 \pm 15/67$ در حد عالی، از نظر دارا بودن رفتارهای ویژه رهبری با میانگین $69 \pm 21/53$ در حد خوب، و از نظر دارا بودن مهارت‌های رهبری با میانگین $75/62 \pm 21/33$ در حد عالی قرار دارند.

بحث و نتیجه‌گیری: رهبر آموزشی با ویژگی‌های رفتاری و مهارتی خود قادر است کارکنان را برای استفاده از حداکثر توانمندی خود در مسیر تحقق اهداف سازمانی برانگیزاند. در دانشگاه علوم پزشکی تبریز مدیران از حد بسیار بالایی از این ویژگی‌ها برخوردارند که این مهم در رسیدن دانشگاه به اهداف عالی بسیار مؤثر است.

کلید واژه‌ها: مهارت، قدرت رهبری، مدیران آموزشی

(S.31Pos.1) نشست: ۳۱، پوستر: ۱

نوآوری در تدریس دروس آناتومی به‌صورت ادغام مباحث نظری و عملی

محمدحسن کریم فر^{*}، شهرام محمدپور، ابراهیم خرازی نژاد

* استادیار دانشگاه علوم پزشکی ایلام؛ ایلام دانشگاه علوم پزشکی ایلام، دانشکده پزشکی، گروه آناتومی

mhkarimfar@yahoo.com

مقدمه: با توجه به بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و همچنین پیشرفت تکنولوژی و افزایش تعداد دانشجویان رشته‌های وابسته به علوم پزشکی از جمله در کشور ما بهبود کیفیت تدریس و آموزش از اهمیت خاصی برخوردار است و یافتن یک روش استاندارد واحد و قابل‌قبول برای همگان در امر تدریس و آموزش بسیار مشکل می‌باشد و لذا در تدریس آناتومی تنوع آموزشی در بین اساتید دانشگاه‌های مختلف بسیار است و هر کدام از روش‌ها، مزایا و معایب خاص خود را دارد. لذا با توجه به مشکل یادگیری درس استخوان‌شناسی در بین دانشجویان پزشکی نوآوری در تدریس را، طراحی و به مرحله اجرا بگذاریم که استخوان‌شناسی اندام فوقانی را به‌صورت سنتی ولی استخوان‌شناسی اندام تحتانی را به شکل نوآوری ادغام مباحث نظری و عملی تدریس نمودیم و از آنجایی که در روش جدید دانشجویان

بیشتر و بهتر از وقت خود استفاده نموده بودند منجر به یادگیری بیشتری شده بود. در صورتی که در مبحث استخوان شناسی اندام فوقانی که به روش سنتی به صورت تفکیک شده، نظری و عملی تدریس شده بود دانشجویان از وقت خود کمتر استفاده نموده و یادگیری کمتر صورت گرفته بود و در پایان ترم پرسش نامه‌ای به دانشجویان تحویل و از آنان خواسته شد که به سؤالات مطرح، پاسخ دهند که تعدادی از سؤالات و نتایجشان به شرح ذیل می‌باشد.

یافته‌ها: ۹۸٪ دانشجویان اعلام نموده بودند که از مبحث تدریس شده به صورت نوآوری از نمره بالاتری برخوردار هستند و همچنین ۹۵٪ دانشجویان اعلام نموده بودند مباحث بخش تدریس شده، به صورت نوآوری را بهتر، بیشتر و دقیق‌تر یاد گرفته‌اند و ۹۲٪ دانشجویان رضایت‌مندی خود را در روش تدریس نوآوری اعلام نمودند.

بحث و نتیجه گیری: لذا نتیجه می‌گیریم که بایستی رهبران آموزشی درصدد تهیه برنامه‌ها و روش‌های نوین آموزشی بوده و در امر آموزش نوآوری و خلاقیت از خود نشان داده تا دانشجویان بهتر از وقت خود جهت یادگیری، استفاده نمایند.

کلیدواژه‌ها: تدریس، آناتومی، نوآوری

(S.31Pos.2) نشست: ۳۱، پوستر: ۲

تجارب اساتید و انترن‌ها از یادگیری حرفه‌ای‌گری در آموزش بالینی

نیکو یمانی*، دکتر طاهره چنگیز، دکتر پیمان ادیبی

* مربی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان؛ خیابان هزار جریب، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، خیابان هزار جریب، مرکز تحقیقات آموزش پزشکی yamani@edc.mui.ac.ir

مقدمه: تأثیرگذاری بر شکل‌گیری شخصیت حرفه‌ای و رفتارهای مرتبط با حرفه‌ای‌گری، یکی از موضوعات پرچالش و مشکل‌آفرین در آموزش پزشکی است. دانشجویان پزشکی نگرش‌های حرفه‌ای خود را در طول دوره تحصیل به خصوص در بخش‌های بالینی به مرور کسب می‌کنند که رفتارهای آینده آنان را عمیقاً تحت تأثیر قرار می‌دهد. این مطالعه به منظور پاسخ به سؤال محوری "دانشجویان پزشکی و اساتید چه تجربی از فراگیری حرفه‌ای‌گری در آموزش بالینی دارند؟" انجام شده است.

روش: در یک مطالعه کیفی با نمونه‌گیری هدفمند، ۱۰ نفر استاد و ۱۰ نفر انترن بخش‌های داخلی و جراحی انتخاب و مورد مصاحبه نیمه‌ساختاردار قرار گرفتند. تحلیل داده‌ها به روش تحلیل محتوای موضوعی بر اساس رویکرد کرپندورف، شامل گردآوری داده‌ها، تقلیل داده‌ها، استنباط و تحلیل انجام گرفت. برای تأیید دقت و صحت داده‌ها از شیوه‌های پرسش از همکار و چک اعضا استفاده گردید.

یافته‌ها: مشارکت‌کنندگان در این مطالعه پنج تم "تبادل اطلاعات" شامل برقراری ارتباط با بیمار و همکار، و اطلاع رسانی به بیمار، "پاسخ‌گویی به کرامت انسانی" شامل رعایت حقوق بیمار، و احترام به دیگران، "مهربانی" شامل محبت و دلسوزی، ایثار، "جلب اعتماد" شامل صداقت و رازداری و اطمینان به پزشک و "پاسخ‌گویی حرفه‌ای" شامل مسئولیت‌پذیری و پذیرش خطا را به عنوان آموخته‌های حرفه‌ای‌گری در آموزش بالینی مطرح نمودند.

بحث و نتیجه‌گیری: تجارب مثبت و منفی در آموخته‌های حرفه‌ای‌گری نشان‌دهنده نقش برنامه درسی پنهان در آموزش بالینی است. تجارب منفی می‌تواند موجب بروز رفتارهای غیرحرفه‌ای و غیراخلاقی گشته و تأثیر آموزشی منفی بر شکل‌گیری رفتارهای حرفه‌ای داشته باشد. آشنایی بیشتر اساتید با حرفه‌ای‌گری، توجه به نقش برنامه‌درسی پنهان و الگوگیری فراگیران از هنجارها و طرز رفتارها، تلفیق ملاک‌های حرفه‌ای‌گری در فرم‌های ارزش‌یابی و نظارت سیستمیک بر عملکرد دانشجویان و اساتید در مورد حرفه‌ای‌گری به منظور اصلاح وضعیت پیشنهاد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: حرفه‌ای‌گری، آموزش بالینی، برنامه درسی پنهان، دانشجویان پزشکی، هیئت علمی، مطالعه کیفی

(S.31Pos.3) نشست: ۳۱، پوستر: ۳

تأثیر راهنمای مطالعه مربوط به فیزیولوژی عملی بر یادگیری دانشجویان دکترای عمومی

رعنا کیهان منش^{*}، دکتر شیرین بیری، دکتر گیسو محدث، هادی ابراهیمی، فریبا میرزایی باویل
* استادیار دانشگاه علوم پزشکی تبریز، گروه فیزیولوژی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، ایران
r_keyhanmanesh@yahoo.com

مقدمه: فیزیولوژی عملی یکی از دروسی است که برای دانشجویان دکترای عمومی اعم از پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی در مقطع علوم پایه ارائه می‌گردد و دانشجویان با یادگیری آزمایشات مختلف ارائه شده در این درس می‌توانند در شناخت بیماری‌ها و درمان آنها موفق گردند. متأسفانه تا کنون هیچ‌گونه راهنمای مطالعه‌ای در اختیار فراگیران قرار نگرفته بود. لذا بر آن شدیم که راهنمای مطالعه مربوط به درس فیزیولوژی عملی را تدوین نموده و در انتهای دوره، تأثیر آن بر میزان یادگیری دانشجویان سنجیده شود.

روش: راهنمای مطالعه این درس برای اولین بار در نیم‌سال اول سال تحصیلی ۱۳۸۸-۱۳۸۹ تدوین گردید و در اختیار دانشجویان دندانپزشکی ترم ۳ (۴۰ نفر) قرار گرفت و در انتهای دوره، تأثیر آن بر میزان یادگیری دانشجویان (نمره انتهای دوره و میزان یادگیری روش‌های مختلف آزمایشگاهی) در مقایسه با گروه کنترل (۶۳ نفر از دانشجویان پزشکی که راهنمای مطالعه دریافت نکرده‌اند) سنجیده شد. تدریس در تمام گروه‌های ۱۵-۲۰ نفره توسط یک استاد انجام شده است.

یافته‌ها: میانگین نمره دانشجویان دندانپزشکی $1/57 \pm 18/01$ (با حداکثر ۲۰ و حداقل ۱۲) می‌باشد و میانگین نمره دانشجویان پزشکی $1/43 \pm 17/94$ (با حداکثر ۲۰ و حداقل ۱۲) می‌باشد. میانگین نمره دانشجویان دندانپزشکی به‌طور معناداری بیشتر از میانگین نمره دانشجویان پزشکی بود.

بحث و نتیجه‌گیری: نتایج این مطالعه تأیید می‌کند که راهنمای مطالعه مورد نظر موجب تسهیل یادگیری در دانشجویان شده است.

کلیدواژه‌ها: راهنمای مطالعه، دکترای عمومی، آموزش، فیزیولوژی عملی، پزشکی

(S.31Pos.4) نشست: ۳۱، پوستر: ۴

پادکست‌ها و ویدئوکست‌ها: روش‌های نوین برای آموزش پزشکی و هدایت آن

فاطمه صادقی غیائی^{*}، دکتر سکینه حاج ابراهیمی، معصومه صادقی غیائی، علی خلیل زاد
* کارشناس ارشد مرکز پزشکی مبتنی بر شواهد ایران، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز،
ghyassif@tbzmed.ac.ir

مقدمه: امروزه تأثیر اینترنت و سایبرنتیک در تمامی حوزه‌ها و علوم، انکارناپذیر است. با مشکلات دنیای امروزی از جمله: کمبود وقت، حجم بالای اطلاعات، نیاز بیشتر به آگاهی و به‌روزرسانی اهمیت استفاده از اینترنت و فضای مجازی بیشتر احساس می‌شود. با توجه به هدف مراکز پزشکی مبتنی بر شواهد که ارائه اطلاعات پزشکی به روز و قابل اعتماد به کاربران است، استفاده از تکنولوژی‌های جدید ضروری به‌نظر می‌رسد. این تحقیق به بررسی نقش پادکست‌ها و ویدئوکست‌ها به عنوان ابزاری جدید در آموزش مداوم پزشکان، کادر بالینی و بیماران و همچنین ابزاری برای نظارت بر آموزش صحیح و به‌روز می‌پردازد.

روش: این مطالعه با بررسی متون و تحقیقات انجام گرفته در این زمینه پرداخته است و امکان‌سنجی راه‌اندازی خدمات پادکستینگ و ویدئوکستینگ در سایت مرکز پزشکی مبتنی بر شواهد و سایت پزشکی مبتنی بر شواهد برای عموم به‌منظور افزایش آگاهی را مورد بررسی قرار می‌دهد. برای این منظور کلیدواژه‌های "videocasting، podcasting" و "medical education, web2.0" و معادل‌های فارسی آن «پادکست»، «ویدئوکست»، «آموزش پزشکی» و «وب ۲/۰» در google، scopus، magiran و google scholar مورد جستجو و توسط نویسندگان مورد ارزیابی قرار گرفتند.

یافته‌ها: پادکستینگ و ویدئوکستینگ از جدیدترین و شایع‌ترین دستاوردهای «وب ۲/۰» برای انتشار اطلاعات به‌طور پیوسته هستند. این فناوری‌ها در گروه وب‌لاگها و RSS قرار می‌گیرند. این دو فناوری که محصولات «وب اجتماعی» به شمار می‌روند یکی از روش‌های ارائه محتوا از طریق انتشار فایل صوتی و ویدئویی بر روی اینترنت هستند و به سادگی توسط یک دستگاه پخش‌کننده و حتی موبایل و عموماً «آی‌پاد»ها قابل استفاده هستند. پادکستها و ویدئوکستها از دو فایل تشکیل شده‌اند: ۱- فایل‌های صوتی یا تصویری ۲- فایلی که محتوای برنامه را نشان می‌دهد (RSS). ویژگی‌های این فناوری که آن را برای استفاده در آموزش مناسب می‌سازد عبارتند از: ۱- براساس روش pull technology طراحی می‌شوند یعنی کاربر بر اساس تقاضای مشخص خود به محتوای وب دسترسی دارد. ۲- کاربر غیر از کامپیوتر می‌تواند از دستگاه‌های پخش دیگر استفاده کند و لزوماً نیازی به کامپیوتر نیست. ۳- در هر بار استفاده نیاز به اتصال به اینترنت نیست. ۴- امکان مرور دوباره و جلو و عقب‌بردن آن و استفاده در هر زمان وجود دارد. ۵- برای بیماران نابینا و یا کم‌شنوا و یا افراد کم‌سواد مناسب است.

بحث و نتیجه‌گیری: «وب ۲/۰» همانند تمامی علوم در پزشکی نیز به‌طور فراگیر رواج یافته است به‌طوری‌که امروزه واژه «پزشکی ۲/۰» برای این حوزه مطرح می‌شود. ایجاد محیط‌های مجازی اینترنتی و سایت‌هایی برای پزشکان و دانشجویان علوم پزشکی و حتی بیماران به استفاده از تکنولوژی پادکستینگ و ویدئوکستینگ روز به روز گسترش می‌یابد. بررسی نشان می‌دهد که با توجه به سادگی تهیه و درعین حال مفید بودن این فناوری، مراکز پزشکی، آموزشی و تحقیقاتی دانشگاه‌های کشور می‌توانند با صرف هزینه کم به راه‌اندازی آن اقدام کنند.

کلیدواژه‌ها: پادکستینگ، ویدئوکستینگ، آموزش پزشکی، وب ۲.۰

(S.31Pos.5) نشست: ۳۱، پوستر: ۵

بررسی نظر اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین پیرامون استفاده از مراکز خصوصی در آموزش کارآموزان، کاروان و دستیاران پزشکی

زهره یزدی*، عباس علامی، نوید محمدی، ابوالفضل فرهمند

* استادیار، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین؛ دانشگاه علوم پزشکی قزوین، بلوار شهید باهنر، دانشگاه علوم پزشکی قزوین yazdizohreh@yahoo.com

مقدمه: تحقیقات زیادی در مورد ایجاد مکان‌های جدید آموزشی جهت آموزش دانشجویان پزشکی در ایران انجام نشده است. یکی از این فضاها، جدید آموزشی، مراکز درمانی خصوصی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها می‌باشد. این مطالعه با هدف بررسی نظرات اعضای هیئت علمی دارای مراکز درمانی خصوصی در مورد استفاده از مطب‌ها و داروخانه‌های آنها برای آموزش دانشجویان انجام گردید. **روش:** این مطالعه به‌صورت توصیفی بر روی تعداد ۱۰۴ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه که دارای مطب خصوصی بودند، انجام گردید. جهت جمع‌آوری اطلاعات در این مطالعه از یک پرسش‌نامه حاوی ۲۰ سؤال استفاده گردید. و نظرات اعضای هیئت علمی با استفاده از مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت پرسیده شد. تجزیه و تحلیل آماری با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS انجام گردید.

یافته‌ها: حاصل از ۱۰۴ پرسش‌نامه تکمیل شده مورد بررسی قرار گرفت. میانگین نمره کل پرسش‌نامه $2/8 \pm 0/82$ از ۵ نمره بود. اعضای هیئت علمی معتقد بودند که آموزش در مطب سبب افزایش فرآیند کیفیت آموزش و پژوهش می‌گردد. همچنین آنها اعتقاد داشتند که آموزشی‌شدن مطب‌های خصوصی سبب کاهش درآمد این مراکز و کاهش تعداد بیماران خواهد شد.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، مشخص شد که نگرش اعضای هیئت علمی به آموزشی‌شدن مراکز خصوصی مثبت است. ولی به دلایلی از جمله ترس از کاهش اعتماد بیماران و کاهش درآمد این مراکز در مجموع تمایلی به خصوصی‌شدن این مراکز ندارند.

کلیدواژه‌ها: آموزش در پزشکی، اعضای هیئت علمی، مطب‌های خصوصی



(S.31Pos.6) نشست: ۳۱، پوستر: ۶

تعیین کارایی برنامه‌های کارآموزی در حرفه پرستاری

شهناز کریمی*، فاطمه دری پور، مجید نجفی کلیانی

* مربی دانشگاه علوم پزشکی فسا- دانشگاه علوم پزشکی فسا shahkar20022002@yahoo.com

مقدمه: تعیین کارایی یکی از مهمترین مراحل برنامه‌ریزی آموزشی است که انجام صحیح آن اطلاعات بسیار مفیدی را درباره چگونگی طرح‌ریزی و اجرای برنامه‌های آموزشی در اختیار مدیران می‌گذارد و مبنای مفیدی جهت ارزیابی عملکرد آموزشی مراکز آموزشی به‌دست می‌دهد. از آنجایی که هدف برنامه‌های کارآموزی معمولاً گسترش شایستگی‌های خاص می‌باشد مطالعه حاضر با هدف تعیین کارایی برنامه‌های کارآموزی در حرفه پرستاری انجام شد.

روش: در این مطالعه مقطعی جهت تعیین کارایی برنامه کارآموزی از مجموعه قدم‌های منطقی ارزش‌یابی کرت‌پاتریک استفاده شده است که شامل گام‌های واکنش- یادگیری و رفتار می‌باشد. این مطالعه بر روی جمعیت دانشجویان پرستاری (۱۰۰ نفر) به‌روش سرشماری در ارتباط با دوره‌های مختلف کارآموزی بالینی انجام شد. جهت تعیین واکنش یا درجه پذیرش برنامه کارآموزی از مقیاس دیداری استفاده شد به منظور اندازه‌گیری یادگیری یا آزمون مداد و کاغذی بر مبنای اهداف رفتاری استفاده گردید. ارزش‌یابی رفتار نیز بر اساس چک‌لیست عملکرد فراگیر در فرم‌های ارزش‌یابی نهایی صورت گرفت.

یافته‌ها: نشان می‌دهد در زمینه درجه پذیرش برنامه کارآموزی حضور در دوره‌های آموزشی (۸۰٪) مؤثر بوده است و دوره‌های آموزشی نیاز فراگیران را (۷۵٪) تأمین کرده است و فراگیران در دوره‌های آموزش بالینی از امکانات و نحوه برگزاری دوره‌های آموزشی رضایت دارند. در زمینه میزان یادگیری بر اساس یافته‌ها اجرای دوره‌های آموزشی بالینی تا ۶۹٪ در تحقق اهداف آموزشی موفق بوده است. همچنین ارزش‌یابی رفتار بر اساس چک لیست عملکرد حاکی از کسب مهارت‌های مورد نظر در ۷۳٪ موارد بود.

بحث و نتیجه‌گیری: به طور کلی در تعیین کارایی توجه به ماهیت ارزش‌یابی و جایگاه آن در برنامه درسی و ارزش‌یابی اثربخشی (تحقق یافتن هدف‌ها) به منظور تصمیم‌گیری‌های مربوط به ادامه، قطع، تعدیل یا گسترش برنامه‌های آموزشی ضروری است.

کلیدواژه‌ها: ارزش‌یابی، کارایی، آموزش بالینی

(S.31Pos.7) نشست: ۳۱، پوستر: ۷

یک رویکرد سیستماتیک در برنامه‌ریزی درسی دستیاران داخلی برای کسب پیامدهای مطلوب و مورد انتظار

محمدحسین صومی*، سعیده غفاری‌فر

* دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تبریز، مرکز تحقیقات بیماری‌های دستگاه گوارش و کبد mhosseinsina@yahoo.com

مقدمه: با یک برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر پیامد، رهبران آموزشی می‌توانند مسئولیت تحقق پیامدهای مشخص و مطلوب و تربیت فارغ‌التحصیلانی توانمند را به نحو احسن انجام دهند.

روش: طی یک مطالعه کیفی و بحث‌گروهی با معاونین آموزشی بخش‌ها میزان قبولی دستیاران در امتحانات مورد نیاز به‌عنوان ملاک تحقق کسب desired outcomes از فعالیت‌های آموزشی گروه داخلی دانشگاه علوم پزشکی تبریز انتخاب، با انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۷ نفر عضو هیئت علمی گروه داخلی و ۱۹ نفر از فارغ‌التحصیلان گروه طی سال‌های اخیر، مهمترین felt need و مداخله امان، برگزاری کلاس‌های صبحگاهی دانشجوی محور و مبتنی بر پیامد برای شناسایی فاصله‌های موجود در هر سه حیطه دانش، نگرش و مهارت و تلاش برای رفع آنها تعیین شدند که بعد از ۱۶ ماه برگزاری کلاس‌های آموزشی یک‌ساعته قبل از برگزاری جلسات گزارش صبحگاهی و مرور کلیه منابع درسی آزمون مورد تخصصی میزان قبولی دستیاران در آزمون سال ۸۸-۸۷ را با سال‌های قبل مقایسه نمودیم.

یافته‌ها: میزان قبولی دستیاران داخلی دانشگاه علوم پزشکی تبریز در امتحانات مورد سال ۸۸-۸۷، صد درصد و حاکی از یک افزایش ۲۲ درصدی نسبت به سال گذشته بود. دستیارانی که بیش از یک سال در کلاس‌ها حضور یافته بودند با تداوم کلاس‌ها موافق بودند.

بحث و نتیجه‌گیری: در صورتی که برنامه‌های آموزشی Health care provider ها نشأت گرفته از نیازها و خواسته‌های سیستم سلامت باشد، مسئولیت عواقب مداخلات آموزشی برای رهبران آموزشی تجربه‌ای شیرین و به یادماندنی و الگویی عملی برای سایرین خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: دستیار، برنامه‌ریزی درسی، پیامد

(S.31Pos.8) نشست: ۳۱، پوستر: ۸

تسهیل اجرای روش دانشجو محوری در یادگیری درس بافت‌شناسی دانشجویان پزشکی یاسوج

امراالله روزبهی*

* استادیار دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، یاسوج دانشکده پزشکی aroozbehi@yahoo.com

مقدمه: دانشجومحوری از مهمترین استراتژی‌های آموزشی است که سالهاست مدنظر مدرسین رشته پزشکی است ولی اجرای آن مشکل و حساس می‌باشد. اجرای آن در مقاطع بالینی به دلیل گذشت چندین سال از تحصیل دانشجویان و کسب تجربه در مطالعه و یادگیری محتوای دروس، ساده بوده ولی در مقطع علوم پایه و به خصوص در ترم‌های نخست، خیلی مشکل می‌باشد. تجربه ۱۲ ساله تدریس درس ۴ واحدی بافت‌شناسی دانشجویان پزشکی، استفاده از شیوه‌های مختلف آموزشی و اجرای دو طرح پژوهشی بر آن شدیم که با تغییر - برنامه این درس و همچنین تغییر شیوه آموزشی متناسب، به تدریج به استراتژی دانشجومحور در این درس نائل گردیم.

روش: بعد از مشخص شدن مشکل و روشن شدن اهداف جدید و آموزش اساتید و کارشناسان و به منظور اجرای استراتژی دانشجو-محور در محتوا و شیوه‌های آموزش این درس تغییراتی را ایجاد کردیم. محتوای درسی از ۴ واحد در یک ترم تحصیلی به ۱/۵ واحد بافت - شناسی عمومی در ترم دوم و ۲/۵ واحد بافت شناسی اختصاصی در ترم سوم تبدیل گردید. در شیوه آموزش بافت شناسی عمومی به دانشجویان، نقش‌های فعالی از قبیل فعالیت در گروه‌های کوچک، سازمان‌دهی مجدد مطالب درسی، خلاصه نویسی، مباحثه و تدریس برای هم‌کلاسی با استفاده از امکانات کمک آموزشی متنوع، داده شد که در ضمن یادگیری عمیق‌تر درس به توانمندی‌های بیشتری برای افزایش سهم دانشجو در بافت شناسی اختصاصی و کسب تجربه برای اجرای شیوه دانشجومحوری برسیم.

یافته‌ها: در بافت شناسی اختصاصی توانایی دانشجویان به سطح مطلوبی رسید به نحوی که بیش از ۹۰ درصد ارائه تئوری و عملی این درس توسط خود دانشجویان انجام گردید. نحوه ارزش‌یابی در امتحانات میان‌ترم و پایان‌ترم کلاس‌های عملی و تئوری به شیوه‌هایی متناسب با استراتژی دانشجومحور اجرا گردید.

بحث و نتیجه‌گیری: مقاومت‌های زیادی مقابل اجرای این روش صورت گرفت ولی نهایتاً به شکل مطلوب و رضایت‌بخشی اجرا و گام مهمی در خودآموزی مادام‌العمر و تجربه یادگیری خوب برداشته شد. این شیوه با اصلاحاتی برای ورودی بعدی در حال اجرا می‌باشد. آموزش خودمحور یا دانشجو محور را می‌توان در هر مقطعی از تحصیل دانشجویان و به همراه سایر استراتژی‌هایی از قبیل: استراتژی مبتنی بر جامعه، استراتژی ادغام شده، استراتژی مبتنی بر مسئله، استراتژی انتخابی و استراتژی نظام‌مند به کار گرفت.

کلیدواژه‌ها: روش نوین آموزشی، دانشجو محوری، استراتژی آموزشی، اصلاح برنامه درسی، بافت شناسی پزشکی

(S.31Pos.9) نشست: ۳۱، پوستر: ۹

عوامل تنش‌زای محیط بالینی از دیدگاه دانشجویان پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی حضرت

زینب(س) یاسوج ۱۳۸۷

آسیه مبارکی*

* مربی دانشگاه علوم پزشکی - mobarakiasea@yahoo.com

مقدمه: پرستاری حرفه‌ای پرتنش محسوب و آموزش بالینی بخش اساسی و مهم آموزش دانشجویان پرستاری می باشد. وجود استرس در محیط بالینی دانشجویان را با چالش‌هایی مواجه می‌سازد و می‌تواند باعث افت تحصیلی، تأثیر بر شخصیت، بروز رفتارهای نامطلوب و عملکرد نامؤثر گردد. مطالعه حاضر با هدف تعیین عوامل تنش‌زای محیط بالینی از دیدگاه دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی یاسوج انجام گرفت تا با شناسایی عوامل تنش‌زا در جهت رفع آنها برنامه‌ریزی نمود.

روش: مطالعه توصیفی مقطعی، که به‌روی ۹۸ نفر دانشجوی پرستاری ترم ۴ تا ۸ انجام شد. نمونه‌گیری به صورت سرشماری آسان انجام گرفت، در محیط بالینی با استفاده از پرسش‌نامه ۲۹ سؤالی اطلاعات، جمع‌آوری و توسط نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل داده‌ها صورت پذیرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که اکثریت دانشجویان مؤنث، ۵۷/۱ درصد مجرد ۷۹/۶ درصد و خوابگاهی ۷۵/۵ درصد بوده‌اند. در حیطه ارتباط بین فردی، برقراری ارتباط با مربی با میانگین $1/07 \pm 2/28$ بیشترین تنش و در حیطه کارهای بالینی، تمیز کردن بیماران بعد از دفع و مراقبت از بیماران بدحال به ترتیب با میانگین و انحراف معیار $1/15 \pm 2/62$ و $2/44 \pm 2/90$ ، حداکثر عوامل تنش‌زا، و احساسات ناخوشایند، بیشترین فراوانی‌ها مربوط به زجر کشیدن بیماران بدحال با میانگین $3/14 \pm 8/8$ و درمان ناکافی بیماران به علت فقر با میانگین $1/04 \pm 2/92$ بوده است. در راستای تجارب تحقیرآمیز تذکر مربی در حضور پرسنل و پزشکان بخش با میانگین و انحراف معیار $3/05 \pm 9/6$ بیشترین استرس و کمترین عوض کردن تخت بیمار با میانگین $2/13 \pm 1/18$ را نزد دانشجویان به خود اختصاص داده است.

بحث و نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد ارتباط غیرمؤثر بین مربی و دانشجو، عدم آشنایی دانشجو با شرح وظایف خود در محیط بالین و نبود مددکار فعال در بیمارستان‌ها برای افراد بی‌بضاعت بیشترین تنش را بر دانشجویان وارد می‌کند. برای تعدیل استرس با به‌کارگیری مربیان با تجربه، آشنا نمودن دانشجویان با وظایفشان قبل از ورود به محیط بالین و تدارک مددکاری در بیمارستان‌ها برای افراد نیازمند، می‌توان باعث تسهیل یادگیری در دانشجویان شد.

کلیدواژه‌ها: عوامل تنش‌زا، محیط بالین، دانشجویان پرستاری

(S.31Pos.10) نشست: ۳۱، پوستر: ۱۰

نیاز آموزشی اعضای هیئت علمی دانشگاه در استفاده از پایگاه‌های داده

مهین دیانت*، دکتر مهدی سیاح برگرد، دکتر علی اکبر شایسته، مهندس محمد دیانت، مهرزاد مدیری

* استادیار دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز؛ دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، دانشکده پزشکی، گروه فیزیولوژی

dianatmah@yahoo.com

مقدمه: با افزایش سریع منابع و اطلاعات در اینترنت و سهولت دسترسی به این اطلاعات، نیاز به ایجاد بانک‌های اطلاعاتی با قابلیت جستجوی آسان در آنها، افزایش یافته است. اعضای هیئت علمی و دانشجویان در دانشگاه‌های علوم پزشکی، نیاز به کسب آگاهی نسبی از چگونگی بازیابی اطلاعات مورد نظر خود از منابع الکترونیکی موجود و ذخیره این اطلاعات دارند. امکان صرفه‌جویی در وقت، ذخیره حجم قابل توجهی از اطلاعات مفید در بانک تخصصی و در نهایت مدیریت این اطلاعات با استفاده از قابلیت نرم‌افزارهای موجود در کتابخانه دیجیتالی پزشکی به‌راحتی امکان‌پذیر است. نظر به قابلیت و خدمات متنوع این کتابخانه و از آنجایی که اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی نیاز به جمع‌آوری اطلاعات روزآمد در پایگاه‌های داده را دارند، لذا پژوهش حاضر به‌منظور بررسی نیاز اعضای هیئت علمی نسبت به استفاده از کتابخانه دیجیتالی پزشکی و ارتقای کیفیت پزشکی انجام شد.

روش: این پژوهش یک مطالعه توصیفی است و نمونه‌های پژوهش را اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز تشکیل دادند. با استفاده از پرسش‌نامه ساختاریافته (روایی و پایایی آن مورد تأیید قرار گرفت) حاوی پرسش‌های اپیدمیولوژیک و پرسش‌هایی در زمینه کتابخانه دیجیتالی پزشکی و منابع الکترونیکی اطلاعات، به‌دست آمد. داده‌های حاصل به وسیله نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: اکثر اعضای هیئت علمی بیان نمودند که با کتابخانه دیجیتالی پزشکی آشنایی اولیه دارند ولی بیش از ۹۰ درصد آنان بیان نمودند که همچنان نیاز دارند که با منابع و پایگاه‌های داده موجود در آن به‌صورت کاملتری آشنا شوند که در این میان تمایل آنان بیشتر آشنایی با پایگاه داده End Note بود و بیان نمودند که استفاده از کتابخانه دیجیتالی پزشکی به همان میزان که باعث تسهیل فعالیت-

های پژوهشی می‌شود، می‌تواند باعث تسهیل فعالیت‌های آموزشی نیز بشود و پیشنهاد کردند که مرکز مطالعات و توسعه آموزشی علوم پزشکی در برگزاری این گونه دوره‌های آموزشی فعال تر باشد.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به نتایج این پژوهش و اهمیت توجه به نیازهای آموزشی و پژوهشی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها به نظر می‌رسد که برنامه‌ریزان و مدیران بخش‌های مختلف دانشگاهی برای ارتقای کیفیت آموزش با برگزاری دوره‌هایی جهت افزایش مهارت دست‌یابی به پایگاه‌های داده به ویژه کتابخانه دیجیتال پزشکی و همچنین توسعه زیرساخت‌های لازم جهت دسترسی بیشتر به این-گونه منابع در امر ارتقای آموزش دانشگاه‌ها گام‌های مهمی می‌توانند بردارند.

کلیدواژه‌ها: کتابخانه دیجیتال پزشکی، برنامه‌ریزی، نیاز آموزشی، ارتقای کیفی آموزش

(S.31Pos.11) نشست: ۳۱، پوستر: ۱۱

نقد گرافیکی مطالعات؛ روشی جدید در آموزش پزشکی مبتنی بر شواهد و نظرات اعضای هیئت علمی

فرید نجفی*، بهروز حمزه

* استادیار دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه؛ کرمانشاه، بلوار شهید بهشتی، ساختمان شماره ۲ دانشگاه، معاونت تحقیقات و فن‌آوری
farid_n32@yahoo.com

مقدمه: امروزه پیشرفت سریع علم در همه زمینه‌ها بر کسی پوشیده نیست. این مسئله سبب به‌وجود آمدن مشکل، به‌روز شدن اطلاعات علمی متخصصین به‌خصوص آنهایی که در حیطه سلامت مشغول به کار هستند، شده است. بر اساس تجارب به‌دست آمده از سایر کشورها، پزشکی مبتنی بر شواهد یکی از راه‌های مناسب برای حل این مشکل می‌باشد. علیرغم آموزش چندین ساله این روش متأسفانه به‌دلایل متعدد از پزشکی مبتنی بر شواهد نه در آموزش دانشجویان و نه در انتخاب درمان مناسب برای بیماران، استفاده مناسبی نمی‌گردد. نقد گرافیکی مطالعات یکی از روش‌هایی است که می‌تواند در یادگیری و به‌کار بستن پزشکی مبتنی بر شواهد بسیار مؤثر باشد. این مطالعه جهت بررسی نظرات اعضای هیئت علمی در مورد اثر روش "نقد گرافیکی" در تسهیل درک مفاهیم و به‌کارگیری پزشکی مبتنی بر شواهد اجرا گردید.

روش: در این مطالعه ابتدا کارگاه نقد گرافیکی مطالعات برای ۲۰ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه کرمانشاه برگزار شد و در پایان، نظرات افراد شرکت‌کننده در خصوص کیفیت کارگاه و تفاوت‌های این روش آموزش با روش‌های دیگر و همچنین ضرورت آموزش نقد گرافیکی به دانشجویان پزشکی مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: از مجموع ۲۱ نفر ۹ نفر قبلاً در کارگاه‌های قبلی پزشکی مبتنی بر شواهد شرکت کرده بودند. اما هیچکدام از افراد در کارگاه نقد گرافیکی شرکت نکرده بودند. از کل ۹ نفری که قبلاً در کارگاه‌های پزشکی مبتنی بر شواهد شرکت کرده بودند هر ۹ نفر معتقد بودند که نقد گرافیکی به‌دلیل تسهیل در مفاهیم غامض اپیدمیولوژیک و آماری، روش بهتری می‌باشد. در مجموع ۱۱ نفر معتقد بودند که در این کارگاه نقد سیستماتیک و ۹ نفر معتقد بودند که این روش فهم مطالب آماری و اپیدمیولوژیک را بالا می‌برد. ۸۰٪ (۱۷ نفر) از شرکت‌کنندگان معتقد به مفید بودن برگزاری دوره‌هایی مشابه برای دانشجویان رشته‌های پزشکی بودند.

بحث و نتیجه گیری: به نظر می‌رسد که آموزش پزشکی مبتنی بر شواهد با روش "نقد گرافیکی" که یکی از اساسی‌ترین مراحل پزشکی مبتنی بر شواهد می‌باشد، می‌تواند آموزش و انتقال مفاهیم علمی آن را ساده‌تر و عملی‌تر کند.

کلیدواژه‌ها: نقد گرافیکی، پزشکی مبتنی بر شواهد، کارگاه

(S.31Pos.12) نشست: ۳۱، پوستر: ۱۲

فرهنگ کلاسی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

معصومه دل آرام*، سید علی هاشمی نیا**

*استادیار، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

**مربی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

مقدمه: شناخت ادراکات و احساسات دانشجویان نسبت به فرهنگ و روابط اعضای کلاس برای برنامه‌ریزی، و ایجاد تغییرات مثبت، حائز اهمیت است. هدف این پژوهش تعیین نظرات دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد در مورد فرهنگ حاکم بر کلاس‌های درس بود.

روش: طی یک مطالعه توصیفی-تحلیلی نظرات ۳۳۰ نفر از دانشجویان سال آخر دانشکده‌های پزشکی، پرستاری و مامائی، بهداشت و پیراپزشکی، مورد بررسی قرار گرفت. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه فرهنگ کلاسی استافان رایینز (Stephen P Robins) با مقیاس لیکرت ۵ نقطه‌ای بود. پردازش داده‌ها با نرم‌افزار SPSS انجام و از توزیع فراوانی، میانگین و انحراف معیار، و برای تعیین ارتباط بین متغیرها، از آزمون‌های مجذور کای استفاده گردید.

یافته‌ها: اکثر دانشجویان (۵۹/۱ درصد) به فرهنگ کلاسی دانشگاه امتیاز بینایی (۲۹-۲۰) دادند. ۲۷/۳ درصد فرهنگ کلاسی را باز (امتیاز ≥ 30) و ۱۳/۶ درصد آن را بسته (امتیاز < 20) توصیف کردند. اکثر دانشجویان معتقد بودند که ارتباط اساتید و همچنین هم-کلاسی‌های آنها دوستانه و حمایتی نیست. همچنین اعتقاد داشتند که اساتید انتظارشان از دانشجویان را به روشنی بیان نکرده و آنها را به یادگیری بیشتر تشویق نمی‌کنند. ارتباط مقطع تحصیلی دانشجویان و فرهنگ کلاسی معنی‌دار بود و دانشجویان دوره کاردانی امتیاز بیشتری به فرهنگ کلاسی داده بودند ($P < 0.001$). به‌طور کلی میانگین و انحراف معیار امتیازات کسب شده از فرهنگ کلاسی 26.23 ± 5.08 از مجموع ۴۰ نمره بود، حد اقل امتیاز ۱۱ و حداکثر آن ۳۹ بود.

بحث و نتیجه‌گیری: از نظر اکثر دانشجویان دانشکده‌های پزشکی، پرستاری و مامائی، بهداشت و پیراپزشکی، فرهنگ حاکم بر کلاس‌های درسی یک فرهنگ بینایی بود. تعامل و ارتباط بیشتر اساتید با دانشجویان و به‌کارگیری روش‌های دانشجوی-محور که می‌تواند منجر به برقراری ارتباط بیشتر بین استاد و دانشجو و دانشجویان با یکدیگر و ایجاد فرهنگ باز و صمیمی گردد، پیشنهاد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ کلاسی، نظرات دانشجویان، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

(S.42Pos.1) نشست: ۴۲، پوستر: ۱

بررسی مقایسه‌ای انواع روشهای ترجیحی یادگیری ادراکی و رضایت دانشجویان پزشکی و دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان (۱۳۸۵)

دکتر مصطفی صادقی، حمید بخشی، الهیار نجفی
دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان

مقدمه: عوامل موثر بر یادگیری بسیار متفاوت می‌باشد. شناخت سبک‌های یادگیری و رضایت تحصیلی دانشجویان توسط اساتید، می‌تواند در الگوی آموزشی اساتید و بر موفقیت تحصیلی فراگیران مفید باشد زیرا انتخاب روش‌های متنوع در تدریس می‌تواند فرصت‌های مناسب یادگیری را افزایش دهد. لذا این بررسی با هدف تعیین انواع سبک‌های یادگیری ترجیحی و رضایت تحصیلی دانشجویان پزشکی و دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان در سال ۱۳۸۵ طراحی و اجرا گردیده است.

روش: این مطالعه توصیفی بر روی تعداد ۲۲۰ نفر از دانشجوی پزشکی و دندانپزشکی دانشگاه با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی بر اساس رشته تحصیلی و جنس صورت گرفت. پس از اجرای مطالعه پایلوت با کمک پرسش‌نامه‌های تعیین‌کننده رضایت تحصیلی و پرسش‌نامه سبک‌های یادگیری ترجیحی (Joy Reid) مطالعه اصلی صورت گرفت که دانشجویان به‌طور تصادفی و با روش مذکور از لیست‌های اسامی دانشجویان رشته‌های پزشکی و دندانپزشکی دانشگاه در آموزش کل صورت گرفت و برای هر کدام یک نمونه، پاکت حاوی پرسش‌نامه‌ها در محل دانشکده‌ها تحویل آنان شد و پس از جمع‌آوری، اطلاعات آنان وارد برنامه SPSS شد. بر اساس دستورالعمل پرسش‌نامه‌ها استخراج نتایج گرفت. متغیرهای مورد اندازه‌گیری به‌وسیله پرسش‌نامه شامل روش‌های یادگیری ترجیحی دانشجویان شامل روش‌های بصری، سمعی، تجربی، عملی و رضایت بود.

یافته‌ها: نتایج بررسی نشان داد که سبک‌های ترجیحی یادگیری در دانشجویان پزشکی و دندانپزشکی به ترتیب سبک حرکتی یا عملی، بصری، لمسی، سمعی، گروهی و فردی بود. سبک‌های اصلی (ماژور) ترجیحی یادگیری در دانشجویان دندانپزشکی: سبک حرکتی، بصری و سبک ماژور دانشجویان پزشکی هم مشابه بود. سبک ترجیحی فرعی دانشجویان سبک سمعی و گروهی بود. ضمناً سبک

نامحسوس در دانشجویان مورد بررسی سبک فردی و گروهی در الویت قرار داشتند. بیشتر از نیمی از دانشجویان از وضعیت تحصیلی خود رضایت نداشتند که تفاوت آماری بر حسب جنس مشاهده گردید ولی بر حسب رشته تفاوت آماری دیده نشد.

بحث و نتیجه گیری: جهت آموزش دانشجویان توجه به سبک اصلی و ترجیحی یادگیری دانشجویان و رضایت درونی و بیرونی آنان ضروری است و باید اساتید بیشتر برای دانشجویان دانشگاه از روش‌های فعال در تدریس دروس به دلیل سبک اکثریت دانشجویان "کار عملی در فیلد و آزمایشگاه" استفاده نمایند تا تأثیر بیشتری در امر یادگیری دانشجویان داشته باشند و از روش‌های غیرفعال تدریس همانند سخنرانی پرهیز کنند.

کلیدواژه‌ها: DREEM، محیط یادگیری، دانشکده دندانپزشکی رفسنجان

(S.42Pos.2) نشست: ۴۲، پوستر: ۲

مقایسه دیدگاه دانشجویان رشته پزشکی و مردم شهرستان بندرعباس در ارتباط با رعایت اصول اخلاق

پزشکی

شهناز قاسمی*، دکتر شهرام زارع، سمیره عابدینی

* کارشناس دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان؛ دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان

shahnaz.ghaseminangi@gmail.com

مقدمه: علوم پزشکی از جایگاه ویژه و منزلت والایی برخوردار است و این فضیلت از آنجا نشأت می‌گیرد که دانش پزشکی تجلی‌گاه عظمت، تلاش صادقانه و مظهر اراده خداوندی است و حفظ قداست و حرمت معنی خدمات پزشکی، درآمیختگی عمیق این خدمات با اصول و مبانی اخلاقی است. هدف از این مطالعه مقایسه، دیدگاه دانشجویان رشته پزشکی و مردم شهرستان بندرعباس در ارتباط با رعایت اصول اخلاق پزشکی توسط پزشکان می‌باشد.

روش: این مطالعه توصیفی-تحلیلی بر روی دانشجویان پزشکی که واحد اخلاق پزشکی را گذرانده بودند و بیماران بستری در بیمارستان شهید محمدی بندرعباس بود. نمونه‌گیری دانشجویان به روش سرشماری (۱۰۰ نفر) و تعداد بیماران نیز، بر اساس روش تصادفی سیستماتیک (۱۰۰ نفر) انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه‌ای شامل پانزده سؤال که در برگرفته چهار اصل اخلاق پزشکی (خودمختاری- رازداری- نفع‌رسانی و عدم آسیب‌رسانی) بود و از مقیاس چهار درجه‌ای لیکرت (بسیار زیاد تا کم) در پاسخ‌گویی به سؤالات، استفاده شد. روایی و پایایی پرسش‌نامه نیز مورد تأیید قرار گرفت.

یافته‌ها: اکثریت دانشجویان (۶۳ نفر) زن و اکثریت بیماران (۵۸ نفر) مرد بودند. در خصوص چهار اصل مذکور، نتایج نشان داد که میانگین امتیازات مربوط به نظرات دانشجویان در ارتباط با رعایت اصل خودمختاری $0.56 \pm 2/50$ و میانگین نظرات بیماران در مورد این اصل $0.57 \pm 2/15$ بود. میانگین امتیازات در ارتباط با رعایت اصل رازداری به ترتیب $0.75 \pm 2/98$ و $0.64 \pm 2/76$ در دانشجویان و بیماران بود. در مورد اصل عدم آسیب‌رسانی، میانگین امتیازات به ترتیب $0.64 \pm 2/96$ و $0.71 \pm 0/84$ در دانشجویان و بیماران بود و در این سه اصل، بین دو گروه ارتباط معناداری مشاهده شد.

کلیدواژه‌ها: دانشجویان، مردم، اخلاق پزشکی

(S.42Pos.3) نشست: ۴۲، پوستر: ۳

مطالعه انگیزش تحصیلی و شغلی در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

طیبه کرمانی*، سیدعلی رضا جوادینیا

* استادیار دانشگاه علوم پزشکی بیرجند؛ دانشگاه علوم پزشکی، دپارتمان علوم تشریح

TKermany@yahoo.com

مقدمه: انگیزش، مبحث گسترده‌ای است که دربرگیرنده مجموعه علائق، کنج‌کاوی‌ها، سلائیق، نیازها و حتی هیجانات فرد است. وجود انگیزه به عنوان منبع انرژی برای یادگیری بهتر و رسیدن به اهداف، ضروری است و به تعبیری قلب آموزش، انگیزش است. در این



مطالعه تأثیر عوامل مختلف (شغل، نگرش، درس زیست‌شناسی، مشوق‌ها، گرایش‌ها...) بر انگیزش دانشجویان و تأثیر این انگیزه بر میزان یادگیری، مورد بررسی قرار گرفته است.

روش: مطالعه توصیفی - تحلیلی در نیم‌سال دوم سال تحصیلی ۸۸-۸۷ انجام پذیرفت که طی آن ۱۰۰ دانشجوی ترم اول و سوم پزشکی بر اساس سرشماری انتخاب شدند. ۹۵ نفر به سؤالات، پاسخ داده که ۶۰٪ در ترم اول و ۴۰٪ در ترم سوم تحصیلی می‌کردند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه لیکرت چهارطبقه‌ای بود که برای سهولت و فهم بیشتر به صورت کمی شده و برای معیار کیفی "کاملاً موافقم" تا "کاملاً مخالفم" به صورت "۲۰٪ و کمتر" تا "۸۰٪ و بیشتر" امتیازگذاری شده بود. آزمون داده‌ها به وسیله کای اسکوار و t تست انجام پذیرفت.

یافته‌ها: در این مطالعه از مجموع ۹۵ دانشجو که پرسش‌نامه‌ها را پر کرده بودند ۶۰٪ زن و ۴۰٪ مرد بودند. انگیزه تحصیلی در دختران، خوب و در پسران، متوسط بود که اختلاف معناداری وجود داشت. دانشجویانی که نگرش خوبی نسبت به عوامل مؤثر در آموزش داشتند، انگیزش خوبی داشته و دانشجویانی که نگرش متوسط نسبت به عوامل مؤثر در آموزش داشتند، انگیزش متوسط داشتند که اختلاف معناداری وجود داشت (۰/۰۵).

کلیدواژه‌ها: انگیزش، یادگیری، آموزش پزشکی، پیشرفت تحصیلی

(S.42Pos.4) نشست: ۴۲، پوستر: ۴

بررسی عوامل دخیل در برقراری ارتباط مؤثر بین استاد و دانشجو از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی

لرستان

علی خسرویگی*، دکتر محمد زیبایی

* استادیار دانشگاه علوم پزشکی لرستان؛ خرم‌آباد، کمالوند، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، مجتمع آموزشی پردیس، دانشکده پزشکی، گروه بیوشیمی khosrowbeygi@yahoo.com

مقدمه: ارتباط مؤثر بین استاد و دانشجو اهمیت بالایی جهت بهبود فرایند آموزش دارد. هدف از مطالعه حاضر بررسی عوامل دخیل در برقراری ارتباط مؤثر بین استاد و دانشجو از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی لرستان بود.

روش: یک مطالعه توصیفی - مقطعی طراحی گردید. پرسش‌نامه‌ای شامل دو بخش اطلاعات دموگرافیک و ۲۲ گویه در مورد عوامل دخیل و با مقیاس رتبه‌ای چهار نقطه‌ای از بسیار مؤثر تا بی‌تأثیر، بین ۱۶۹ دانشجو توزیع شد. داده‌ها با استفاده از روش‌های آمار توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و مقایسه گروه‌ها به وسیله آزمون‌های غیرپارامتری بررسی شد.

یافته‌ها: مهم‌ترین عوامل در برقراری ارتباط مؤثر بین استاد و دانشجو، از دیدگاه دانشجویان شامل حفظ حرمت دانشجو توسط استاد (۸۲/۳٪ بسیار مؤثر و ۱۵/۹٪ مؤثر)، اخلاق استاد (۷۸/۸٪ بسیار مؤثر و ۱۸/۹٪ مؤثر)، فن بیان (۷۶/۵٪ بسیار مؤثر و ۲۰/۴٪ مؤثر)، تسلط علمی استاد (۷۶/۱٪ بسیار مؤثر و ۲۲/۷٪ مؤثر) و تجربه استاد (۶۷/۵٪ بسیار مؤثر و ۲۸/۸٪ مؤثر) بود. از نظر دانشجویان سن استاد (۴۰/۲٪ کم‌تأثیر و ۱۴/۶٪ بی‌تأثیر) و جنس استاد (۳۷/۷٪ کم‌تأثیر و ۲۴/۷٪ بی‌تأثیر) کمترین اهمیت را داشت.

بحث و نتیجه‌گیری: مهم‌ترین ویژگی‌های رفتاری در برقراری ارتباط مؤثر بین استاد و دانشجو از دیدگاه دانشجویان، حفظ حرمت دانشجو توسط استاد و اخلاق استاد بود. مهم‌ترین ویژگی‌های آموزشی در برقراری این ارتباط شامل فن بیان و تسلط علمی استاد بود.

کلیدواژه‌ها: ارتباط، استاد، دانشجو

(S.42Pos.5) نشست: ۴۲، پوستر: ۵

بررسی عوامل مرتبط با پذیرش یادگیری الکترونیکی توسط دانشجویان پرستاری بر اساس مدل پذیرش فناوری

فناوری

محمد مهدی سالاری*، فریده نیمایی، رمضان رحمانی، علی افضلی، زهره وفادار

* mmsalaree@gmail.com

مقدمه: هم‌زمان با تغییرات سریع و ظهور پدیده‌های نوین در فناوری اطلاعات، وجود شبکه‌های ارتباطی بسیار گسترده، امکانات آموزشی پیشرفته و روش‌های آموزشی متحول شده، این امکان را فراهم ساخته است که طیف وسیعی از جویندگان علم و دانش در نقاط مختلف جهان تحت پوشش شبکه آموزشی از راه دور درآیند و با روش‌هایی متفاوت از روش‌های معمول، آموزش ببینند. در آموزش از راه دور، امکان یادگیری طولانی مدت بدون محدودیت مکانی و زمانی برای هر فرد وجود دارد. با به‌کارگیری روش آموزش از راه دور، فرایند پژوهش در جامعه به دلیل محور واقع شدن یادگیرنده در فرایند آموزش به منظور رفع نیازهای اطلاعاتی خویش، توسعه می‌یابد.

روش: این پژوهش یک مطالعه توصیفی همبستگی است. جامعه پژوهش را دانشجویان پرستاری که براساس روش نمونه‌گیری آسان، که تعداد ۳۳ نفر از دانشجویان به عنوان نمونه وارد مطالعه شدند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه بوده است. پرسش‌نامه در سه بخش طراحی شده و پرسش‌های مربوط به هر بخش، بر اساس سازه‌ها و عوامل تشکیل دهنده "مدل پذیرش فناوری" تنظیم گردیده است. اعتبار پرسش‌نامه از روش اعتبار محتوا و پایایی آن با آلفای کرونباخ تعیین شد.

یافته‌ها: میزان "درک از آسان بودن یادگیری الکترونیکی"، همچنین "درک از مفید بودن یادگیری الکترونیکی" در سطح خوب بود. از طرفی در حدود نیمی از افراد پژوهش "نگرش و تمایل به استفاده یادگیری الکترونیکی" را متوسط بیان نمودند.

بحث و نتیجه‌گیری: بین دو مفهوم "درک از آسان بودن یادگیری الکترونیکی" و "درک از مفید بودن یادگیری الکترونیکی" همبستگی وجود داشت.

کلیدواژه‌ها: مدل پذیرش فناوری، دانشجویان پرستاری، یادگیری الکترونیکی

(S.42Pos.6) نشست: ۴۲، پوستر: ۶

شیوه مطالعه درسی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز

مهری غفوریان بروجردنیا*، عبدالحسین شکورنیا

* دانشیار دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز؛ دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، دانشکده پزشکی، گروه ایمونولوژی،

صندوق پستی ۱۸۹ Mehri_Ghafourian@yahoo.com

مقدمه: پیشرفت تحصیلی دانشجویان هدف اصلی برنامه‌ریزی آموزشی در دانشگاه‌ها می‌باشد. در دوران علوم پایه دانشجویان پزشکی بیشتر درگیر کلاس‌های تئوری و مطالعه درسی هستند. چگونگی مطالعه دروس در بالا بردن کیفیت آموزشی دانشجویان تأثیر به‌سزایی دارد. هدف از مطالعه حاضر بررسی نحوه مطالعه دانشجویان پزشکی مقطع علوم پایه در سال ۱۳۸۶ در دانشگاه علوم پزشکی اهواز می‌باشد.

روش: دریک مطالعه توصیفی - مقطعی ۶۰ دانشجوی پزشکی دوره کارورزی در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفتند. جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از پرسش‌نامه‌ای مشتمل بر ۲۲ سؤال دوگزینه‌ای (بلی، خیر) که روایی و پایایی آن تأیید شده بود، صورت گرفت. نتایج به‌دست آمده با استفاده از نرم‌افزار SPSS در قالب آمار توصیفی مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: حدود دو سوم درصد دانشجویان شرکت‌کننده در این مطالعه مؤنث و بقیه مذکر بودند. ۵۲/۶٪ از پسران از کتابخانه برای مطالعه استفاده می‌کردند و سعی داشتند از کتاب‌های جدید و آخرین چاپ استفاده کنند. در حالی که این نسبت در دختران به‌طور قابل توجهی کمتر از ۳۵٪ کاهش نشان داد. ۴۷/۴٪ پسران فقط در دوره امتحانات و به خاطر نمره امتحانی درس می‌خوانند در حالی که این میزان در دختران ۳۵٪ است. پسران بیشتر از دختران عقیده دارند که انگلیسی آنها خوب است و تقریباً ۴۷/۴٪ از پسران متن‌های درسی را به زبان انگلیسی نیز مطالعه کرده‌اند، این امر در میان دختران ۱۷/۵٪ اتفاق افتاده است. تقریباً نصف دانشجویان جهت مطالعه دروس فقط به جزوه اکتفا می‌کنند. پسران به‌طور قابل توجهی نسبت به دختران بیشتر با هم‌کلاسی‌های خود، کاری مشترک جهت پیشرفت تحصیلی - شان انجام داده‌اند. دختران نسبت به پسران بیشتر در تابستان به مطالعه درسی پرداخته‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به رشته پزشکی و مسئولیت خطیر فارغ التحصیلان در امر درمان انتظار می‌رود تمامی دانشجویان به‌ویژه دختران از وضعیت مطالعه بهتری برخوردار باشند. لازم است دست‌اندرکاران امر آموزش در دانشگاه جهت ارتقای کیفیت آموزشی و ایجاد انگیزه بیشتر در دانشجویان جهت مطالعه توجه بیشتری نمایند.

کلیدواژه‌ها: دانشجویان پزشکی، شیوه مطالعه، علوم پایه

بررسی علل مرتبط با دستیابی پرستاران و ماماهاى تازه کار به صلاحیت‌های حرفه‌ای در طی دوران تحصیل

لیلی یکه فلاح*، حمیدایرانیپور**

* کارشناس ارشد آموزش پرستاری، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین، دانشگاه علوم پزشکی قزوین

leili_fallah@yahoo.com

** کارشناس پرستاری -فرشته یکه فلاح کارشناس بهداشت عمومی شبکه بهداشت و درمان ساوجبلاغ

مقدمه: یکی از عمده ترین مشکلات محیطهای بالینی پرستاران تازه کار و کم تجربه ای هستند که مدیران پرستاری از سطح کفایت آنها ناراضی اند. پرستاران و ماماها در شروع به کار خود دارای مشکلاتی در ارائه مراقبتها هستند و گاه دچار شوک واقعیت می شوند. عدم صلاحیت حرفه ای مطلوب منجر به اختلال در ارائه مراقبتهای موثر به مددجویان و آسیب های جبران ناپذیر می گردد. عدم کسب مهارتهای حرفه ای مطلوب در دوران تحصیل در طی آموزشهای بالینی عامل اصلی این سردرگمی پرستاران در بدو شروع به کار می باشد. آگاهی از علل عدم کسب مهارتهای حرفه ای مطلوب می تواند کمک کننده بوده و در نهایت باعث ارائه مراقبتهای موثر و ایمن با توجه به استانداردهای عملکرد پرستاری و مامایی در مراکز مختلف مراقبتهای بهداشتی شود.

روش: این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی بود نمونه مورد مطالعه شامل کلیه پرستاران و ماماهاى طرحی شاغل در مراکز آموزشی - درمانی دانشگاه علوم پزشکی قزوین بودند که در زمان انجام پژوهش در پایان شش ماه اول از خدمت طرح خود قرار داشتند. تعداد افراد واجد شرایط ۱۳۰ نفر بودند. نمونه گیری به روش سرشماری در شیفتهای مختلف کاری صورت گرفت. ابزار جمع اوری داده ها پرسشنامه ای ۲ قسمتی با طرح ۴۰ سوال بود که قسمت اول پرسشنامه سوالات دموگرافیک و قسمت دوم ۴۰ سوال در مورد عوامل موثر در کسب مهارتهای حرفه ای در آموزش بالینی در چهار حیطه مربی - برنامه ریزی آموزشی، محیط بالینی و فراگیربود که سوالات بر مبنای مقیاس رتبه بندی لیکرت به ۵ امتیاز به صورت خیلی زیاد - زیاد - تا حدودی - کم - اصلاً امتیازبندی شده بود. برای بررسی اعتبار ابزار از روش اعتبار محتوی و نظرسنجی از ۱۵ عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری مامایی استفاده شد و پس از تحلیل نظرات ایشان ویرایش نهایی انجام شد. و پایایی ابزار از طریق آزمون مجدد با ضریب همبستگی ۷۸٪ محاسبه گردید. داده ها با نرم افزار SPSS13 و آزمونهای کای دو - فیشر آنالیز شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که در محیط کار پرستاران و ماماهاى تازه کار، مهمترین عوامل موثر در کسب صلاحیت‌های حرفه ای مطلوب، مورد اعتماد و پذیرش همکاران بودن (۷۶/۶٪)، حمایت توسط مسئول بخش (۶۳/۳٪) و برگزاری برنامه های آموزشی توجیهی در شروع کار از طرف مسئولین بیمارستان (۶۳/۳٪) می باشد. در خصوص نقش مربیان دوره کار آموزی در کسب صلاحیت‌های حرفه ای مطلوب، انگیزه مربی در ارائه آموزش بالینی کارآمد (۴۵٪)، نقش مربی در ایجاد اعتماد به نفس در دانشجو (۵۶/۶٪) و دادن آزادی عمل به دانشجو از سوی مربی (۴۶/۶٪) از مهمترین ویژگیهای موثر مربی در کسب صلاحیت حرفه ای مطرح شدند. در خصوص عوامل موثر آموزشی و برنامه ریزی در کسب صلاحیت حرفه ای، کسب آمادگی لازم در واحد پراتیک قبل از ورود به محیط بالینی (۶۰/۱٪)، امکانات و تجهیزات پراتیک (۵۰٪) و نوع برنامه ریزی کارآموزی از نظر فشردگی دوره (۵۸/۳٪) از مهمترین عوامل موثر محسوب شدند. ۶۸/۳٪ واحدهای مورد پژوهش تناسب تعداد پروسیجرهای پرستاری با تعداد دانشجویان در کارآموزی را عامل بسیار موثری در کسب صلاحیت حرفه ای مطلوب مطرح نمودند. همچنین در خصوص عوامل مربوط به دانشجو میزان انگیزش درونی دانشجو (۷۰٪)، آمادگی دانشجو به هنگام ورود به کارآموزی (۶۳/۳٪) و میزان علاقه مندی دانشجو به رشته تحصیلی (۵۶/۶٪) از مهمترین عوامل موثر در کسب صلاحیت حرفه ای مطلوب در دوران تحصیل محسوب شدند.

بحث و نتیجه گیری: نتایج پژوهش نشان می دهد که آموزش بالینی از عوامل بسیار مهم در کسب صلاحیت حرفه ای مطلوب می باشد اما این امر در آموزش پرستاری و مامایی تحت تاثیر عواملی چون ویژگیهای مربی، امکانات پراتیک، نوع آمادگی دانشجو می باشد. با شفاف شدن علل موثر مهم در کسب مهارتهای حرفه ای مطلوب، پیشنهاد می شود برنامه ریزی آموزشی دانشجویان پرستاری و مامایی در محیط بالینی مورد تجدید نظر قرار گیرد چرا که ارتقاء کیفیت آموزش بالینی می تواند موجب تربیت پرستاران و ماماهاى با کفایت حرفه ای مطلوب گردد.

کلیدواژه‌ها: صلاحیت حرفه ای، عوامل مؤثر، آموزش بالینی، پرستاران و ماماهاى تازه کار

(S.42Pos.8) نشست: ۴۲، پوستر: ۸

بررسی مقایسه‌ای دو روش آموزش یادگیری بر اساس حل مشکل و سخنرانی، بر یادگیری دانشجویان کارشناسی پرستاری

فاطمه علی اکبری*، موسی رضایی

* مربی - aliakbarifa@gmail.com

مقدمه: یادگیری بر اساس حل مشکل، باعث روشن نمودن لغات و مفاهیم، تجزیه و تحلیل مشکل، فراهم آوردن یک روش سیستماتیک جهت توصیف موقعیت در طی فرآیند تجزیه و تحلیل، تعیین اهداف یادگیری، به دست آوردن دانش بیشتر با توجه به نیازهای یادگیری و ترکیب دانش جدید با راه‌حلها می‌شود. آموزش به شیوه یادگیری فعال موجب ارتقا و همبستگی میان آموزش و بالین به طور معنی‌دار می‌گردد یکی از راه‌های پیشنهادی برای از بین بردن خلاء میان آموزش و بالین تغییر سیستم آموزشی سنتی به یادگیری بر اساس حل مشکل (problem based learning=pbl) می‌باشد. با توجه به پیشرفت‌های علم پرستاری در دنیا و اهمیت ارتقای آموزش با استفاده از روش‌های جدید آموزشی، این پژوهش به منظور تعیین تأثیر آموزش به روش یادگیری بر اساس حل مشکل و سخنرانی بر یادگیری دانشجویان کارشناسی پرستاری انجام گرفته است.

روش: پژوهش حاضر یک مطالعه نیمه تجربی است. نمونه‌های پژوهش شامل ۴۰ نفر از دانشجویان ترم ششم کارشناسی پرستاری دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد که در حال گذراندن پرستاری در بحران بودند، انتخاب گردیدند. از این تعداد به صورت تصادفی ۲۰ نفر در گروه شاهد و ۲۰ نفر در گروه مورد قرار گرفتند. در گروه شاهد از روش تدریس سنتی (سخنرانی) و در گروه مورد از شیوه‌ی یادگیری بر اساس حل مشکل، جهت تدریس استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌های حاصل از نتایج آزمون انجام شده در زمینه‌ی تأثیر دو روش سنتی و یادگیری بر اساس حل مشکل بر یادگیری، نشان می‌دهد که میانگین سطح ارزش‌یابی و کار بستن از حیطة شناختی در روش pbl نسبت به روش سنتی بیشتر بوده است و در حالت کلی اختلاف آماری معنادار بین نمرات حاصل از دو روش آموزش سنتی و یادگیری بر اساس حل مشکل وجود داشت و میانگین نمرات گروه یادگیری در روش pbl بالاتر بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری: یافته‌های حاصل از نتایج آزمون نشان داد میانگین نمرات گروه یادگیری در روش pbl بالاتر بوده است. در دیگر مطالعات نیز مشخص شده که شیوه‌ی تدریس تفحص گروهی در میزان یادگیری مؤثرتر از سخنرانی بوده است.

کلیدواژه‌ها: یادگیری، روش حل مشکل، سخنرانی

(S.42Pos.9) نشست: ۴۲، پوستر: ۹

همخوانی سؤالات امتحان جامع علوم پایه پزشکی در درس ایمونولوژی با سرفصل‌های این درس

فاطمه حاجی قاسمی*

* استادیار گروه ایمنی شناسی، دانشکده پزشکی، دانشگاه شاهد، گروه ایمنی‌شناسی، دانشکده پزشکی، دانشگاه شاهد، بلوار کشاورز، خ شهید عبدالله زاده، شماره ۲۹، کدپستی: ۱۴۱۵۶۳۵۱۱۱، تهران، ایران Resoome@yahoo.com

مقدمه: یکی از ارکان اصلی فرآیند آموزش، ارزیابی میزان یادگیری فراگیران می‌باشد. از معیارهای ارزش‌یابی معتبر آن است که با سرفصل‌های آموزشی و برنامه درسی مطابقت داشته باشد. هدف از این مطالعه بررسی میزان تطبیق سؤالات امتحان جامع علوم پایه پزشکی در درس ایمونولوژی با سرفصل‌های این درس می‌باشد.

روش: این مطالعه از نوع توصیفی بوده که در آن سرفصل‌های درس ایمونولوژی و سؤالات امتحان جامع علوم پایه پزشکی طرح شده در این درس برای یکی از گروه‌های امتحانی، در دو دوره پیاپی تهیه شد. تعداد سؤالات مربوط به سرفصل‌های مختلف دروس عملی و نظری (بر حسب مباحث پایه و بالینی) تعیین و درصد آنها محاسبه گردید. همچنین سهم هر موضوع درسی در بین مباحث پایه یا بالینی تعیین و درصد مربوطه محاسبه شد. داده‌ها به کمک نرم‌افزار Excel، توصیف گردیدند.

یافته‌ها: در هر دو دوره امتحان جامع علوم پایه که مورد بررسی قرار گرفت، تعداد ۹ سوال از درس ایمونولوژی طرح شده بود که همه آنها مربوط به درس نظری بودند. در بین این سؤالات در یکی از دوره‌ها، ۵ (۵۶٪) و ۴ (۴۴٪) به ترتیب مربوط به موضوعات پایه و بالینی بودند. در دوره دیگر عکس دوره قبلی، ۴۴٪ و ۵۶٪ سؤالات به ترتیب مربوط به موضوعات پایه و بالینی هستند. این در حالی است که در سرفصل درس ایمونولوژی تقریباً ۳۷٪ و ۶۳٪ عناوین به ترتیب مربوط به موضوعات پایه و بالینی هستند. به علاوه در یکی از دوره‌ها در بین سؤالات مباحث پایه، بیشترین سؤالات (تقریباً ۶۰٪)، مربوط به مباحث پاسخ‌های ایمنی بود در حالی که این مبحث تقریباً ۲۸٪ عناوین مربوط به موضوعات پایه ایمونولوژی را در سرفصل درس به خود اختصاص می‌دهد. همچنین در دوره مذکور در بین سؤالات مباحث بالینی، یعنی (۵۰٪)، مربوط به مبحث افزایش حساسیت زودرس بود در حالیکه این مبحث تقریباً ۸٪ عناوین مربوط به موضوعات بالینی را در سرفصل درس به خود اختصاص می‌دهد. در دوره دیگر در بین سؤالات مباحث پایه، یعنی (۵۰٪)، مربوط به مبحث کمپلمان بود در حالی که این مبحث تقریباً ۱۴٪ عناوین مربوط به موضوعات پایه ایمونولوژی را در سرفصل درس به خود اختصاص می‌دهد.

بحث و نتیجه گیری: ارزشیابی، میزان دسترسی به اهداف آموزشی را نشان می‌دهد و این خود مستلزم تناسب سؤالات ارزش-یابی با موضوعات تدریس شده و در واقع سرفصلهای درس می‌باشد. به نظر می‌رسد که در طراحی سؤالات امتحان جامع پزشکی رعایت تناسب بین تعداد سؤالات و سرفصل‌های درس بر اعتبار ارزش‌یابی بیفزاید و در نتیجه بازخورد مناسب‌تری برای برنامه‌ریزیها و فعالیت‌های آموزشی حاصل خواهد شد که بی‌شک نقش مهمی در اصلاح و پیشرفت نظام آموزشی پزشکی خواهد داشت.

کلیدواژه‌ها: امتحان جامع، علوم پایه پزشکی، سرفصل، ایمونولوژی

(S.42Pos.10) نشست: ۴۲، پوستر: ۱۰

تحلیل وضعیت آموزش پاسخگو در دانشگاه علوم پزشکی تبریز و راهکارهای گسترش آن

دکتر مهستی علیزاده^۱، خانم نازیلا تاج‌الدینی^۲، دکتر رضا غفاری^۳، دکتر لیلا واحدی^۴

۱. تبریز، خیابان دانشگاه، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی، alizadm@yahoo.com

۲. تبریز، خیابان دانشگاه، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی، nazila.tajaddini@gmail.com

۳. تبریز، خیابان دانشگاه، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی، ghafarir@gmail.com

۴. تبریز، خیابان دانشگاه، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی، vahedi.l49@gmail.com

مقدمه: آموزش پاسخگو یا آموزش جامعه‌نگر (Community-oriented education) بیانگر کوریکولومی است که اساس و پایه آن پاسخگویی به نیازهای سلامت جامعه و آماده کردن دانشجویان برای کار و ارائه خدمات به جامعه باشد. هدف از این مطالعه تحلیل وضعیت فعلی از نظر نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدهای آموزش پاسخگو در دانشگاه علوم پزشکی تبریز می‌باشد.

روش: در این مطالعه ابتدا فرم‌هایی جهت تعیین نقاط قوت و ضعف و تهدیدها و فرصت‌ها (SWOT) در آموزش جامعه‌نگر تهیه و به دانشکده‌ها ارسال شد. بخشی از فرم‌ها تکمیل و بازگردانده شد. در فاز بعدی ۳ جلسه متشکل از نماینده‌های دانشکده‌ها تشکیل و در قالب بحث گروهی متمرکز بحث شد. در مرحله سوم، از دانشکده‌ها خواسته شد تا کمیته جامعه‌نگر دانشکده را تشکیل و اسامی اعضای کمیته را به مرکز مطالعات ارسال نمایند. پس از تعیین اعضای کمیته‌های جامعه‌نگر دانشکده‌ها برنامه کارگاه ۲ روزه‌ای ترتیب داده شد که شرکت‌کنندگان آن مسئولین دانشکده‌ها و اعضای کمیته جامعه‌نگر دانشکده‌ها و اعضای گروه‌های آموزشی مرتبط بودند و نظرات جمع‌بندی شد.

یافته‌ها: SWOT مربوط به دانشکده‌های دانشگاه علوم پزشکی تبریز بدست آمد. نگرش مثبت مسئولین دانشگاه، وجد اساتید علاقمند، وجود کمیته‌های جامعه‌نگر در دانشکده‌ها از نقاط قوت، نبودن عرصه‌های عمومی برای بخش‌های تخصصی، آشنایی ناکافی اساتید با مفاهیم آموزش پاسخگو، عدم تخصیص منابع مالی کافی برای گسترش عرصه‌های آموزشی پاسخگو، نامناسب بودن منابع امتحانی داخلی و جامع از نقاط ضعف، وجود ساختار پزشکی خانواده و تیم سلامت در نظام سلامت، وجود پروتکل‌های درمانی و پیشگیری در نظام سلامت، ادغام آموزش با ارائه خدمات از فرصت‌ها و عدم هماهنگی با پرسنل بخش‌ها و مراکز ارائه‌دهنده خدمات، فقدان انگیزه جامعه‌نگری در بین اساتید و دانشجویان از برخی از تهدیدها بودند. جهت گسترش آموزش پاسخگو، اهداف و عرصه‌ها و نحوه ارزیابی و ارزشیابی به تفکیک دانشکده‌ها نیز بدست آمد.

بحث و نتیجه گیری: نقاط ضعف و تهدیدها بطور مشخصی بیشتر از نقاط قوت و تهدیدها هستند و جایگاه و وضعیت آموزش پاسخگو و جامعه نگر نیاز به مداخله و برخورد جدی در دانشگاه علوم پزشکی تبریز دارد که طی مقایسه با یافته های مطالعات انجام شده در سطح کشور وضعیت این دانشگاه در سطح سایر دانشگاه ها می باشد.

کلید واژه ها: نقاط قوت- نقاط ضعف- فرصت و تهدید- آموزش پاسخگو- آموزش جامعه نگر

(S.42Pos.11) نشست: ۴۲، پوستر: ۱۱

بررسی عوامل مداخله گر در یادگیری دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی

سید عباس حسینی

دانشگاه علوم پزشکی زاهدان

مقدمه: یادگیری دروس به طریقه درست و خاص قسمت مهمی از افکار یک مدرس است. هدف از این مقاله این است که آیا دانشجویان ورودی دارای سنی بیشتر از ۲۴ سال کند تر از دانشجویان ورودی با سن کمتر از ۲۴ سال درس را یاد می گیرند؟ دوم اینکه آیا رشته تحصیلی دانشجوی ورودی با یادگیری درس رابطه ای دارد؟

روش: یک مطالعه مقطعی در سال ۲۰۰۹ روی تعدادی از دانشجوی ورودی رشته پزشکی و دندان پزشکی و بهداشت دانشگاه علوم پزشکی زاهدان انجام شد. در این مطالعه ۵۶ دانشجو شرکت کردند که ۳۳٪ پسر و ۵۷٪ دختر بودند. آنها به دو گروه تقسیم گردیدند: گروه اول دارای سن بیشتر ۲۴ سال و گروه دوم سن کمتر از ۲۴ سال را داشتند. از گروه اول و دوم امتحان درس فیزیک پزشکی به طور نظری بعمل آمد. قبلاً کتاب فیزیک پزشکی را به عنوان منبع امتحانی معرفی شده بود و در تاریخ مشخصی از آنها در دو نوبت از فصل های ۱ و ۲ و ۳ آن کتاب امتحان بعمل آمد و سپس نمرات دریافتی آنها در دو نوبت میان ترم اول و جبرانی مقایسه گردید. از گروه سوم که رشته بهداشت محیط بودند امتحانی به شیوه امتحان فیزیک پزشکی به عمل آمد. دو باره از افراد شرکت کننده مربوط به رشته بهداشت پرتوها امتحان میان ترم اول به خصوص آنهایی که نمره کمتر از ۱۵ داشتند امتحان جبرانی به عمل آمد و سپس نمرات میان ترم اول و نمرات دریافتی جبرانی درس فیزیک پزشکی دو رشته فوق الذکر با رشته بهداشت محیط مقایسه گردید. این کتر با کمک نرم افزار SPSS انجام شد. آزمون تفاضل میانگین دو جامعه را با ۵ درصد P-value این مسئله را تایید می کند.

یافته ها: یافته ها نشان داد با مقایسه درس فیزیک پزشکی قبل و بعد از امتحان جبرانی مربوط به دانشجویان با سن کمتر از ۲۴ سال و بیشتر از ۲۴ سال، راندمان یادگیری مطلوب خوب مربوط به گروه اول نسبت به گروه دوم بود ولی در دانشجویان کمتر از ۲۴ سال نسبت به دانشجویان با سن ۲۴ سال به بالا نمره ناطلوب بد و خیلی بد کاهشی در نمرات دریافتی نشان می دهد اما رشته بهداشت نیز تغییری نشان نمی دهد در این مطالعه معلوم شد رابطه غیر مستقیمی بین نمره دریافتی و سن دانشجو و نیز رابطه مستقیمی بین رشته تحصیلی و یادگیری وجود دارد.

بحث و نتیجه گیری: سن ورود به دانشگاه عامل مهمی در کیفیت یادگیری دانشجو محسوب می شود به خصوص اینکه اگر دانشجو برای رشته پزشکی و دندان پزشکی جذب شود.

کلیدواژه ها: سن دانشجو، یادگیری درس، رشته درسی

(S.42Pos.12) نشست: ۴۲، پوستر: ۱۲

بررسی وضعیت طرح درس اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی گیلان در سال ۱۳۸۸

ماهدخت طاهری^۱، شادمان نعمتی^۲، عطا... اسدی^۳

۱. استادیار دانشگاه علوم پزشکی گیلان؛ رشت- خیابان نامجو-خیابان شهید سیادت-ساختمان معاونت آموزشی

mtaheri@gums.ac.ir

۲. بیمارستان امیرالمومنین رشت، nemayi@gums.ac.ir

۳. رشت- خیابان نامجو-خیابان شهید سیادت-ساختمان معاونت آموزشی، a.a.louyeh@gmail.com

مقدمه: به ترتیب و در زمان‌های مشخص تنظیم می‌شود و به کیفیت آموزش کمک خواهد کرد. این پژوهش با هدف تعیین وضعیت طرح درس اعضای هیات علمی مقطع علوم پایه دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی گیلان انجام گرفت.

روش: این مطالعه توصیفی - مقطعی بر روی کلیه دروس نظری دوره علوم پایه رشته پزشکی عمومی در سال ۱۳۸۸ انجام گرفت. جهت جمع آوری اطلاعات از چک لیست محقق ساخته وضعیت طرح درس در ۱۴ بخش جداگانه شامل اطلاعات اولیه مربوط به درس، اهداف آموزشی، قرار دادن اهداف بر اساس سطوح و طبقات یادگیری، استراتژی آموزشی، روش و نحوه ارزشیابی، منابع، زمان بندی و مطابقت اهداف با سرفصل مصوب وزارت متبوع استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد سطوح استفاده شده در اهداف آموزشی صرفاً از حیثه شناختی ۶۴/۴ درصد در سطح ادراک، ۲۴/۳ درصد در سطح دانش، ۷/۶ درصد در سطح کاربرستن و ۳/۷ درصد در سطح تجزیه و تحلیل قرار داشت. ۸۹ درصد از موارد اهداف آموزشی تدوین شده با سرفصل‌های اعلام شده مصوب وزارت متبوع مطابقت داشت.

بحث و نتیجه‌گیری: نتایج حاکی از آن است که اکثر اشکالات در تدوین طرح درس اساتید پایه مربوط به استفاده از اهداف رفتاری و طبقه‌بندی اهداف آموزشی می باشد. لذا پیشنهاد می گردد کارگاه‌های آموزش تدوین طرح درس به صورت کاربردی در درون هر گروه-های آموزشی با روش بحث در گروه‌های کوچک (small group) صورت گیرد.

کلیدواژه‌ها: طرح درس - اهداف آموزشی - اعضای هیات علمی

(S.43Pos.1) نشست: ۴۳، پوستر: ۱

یک استراتژی تسهیل کننده در محیط‌های آموزشی PBL برای دانشجویان پرستاری

نسرين فروزنده*، نسرين اکبري، ندا پروين، فرانک صفدری، سمیه درخشنده

* مربی عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد- شهرکرد، رحمتیه، دانشکده پرستاری، صندوق پستی ۳۸۷
nas_for@yahoo.com

مقدمه: شوخی باعث ایجاد یک فضای آرامش در محیط، انتقال تجربیات شادی بخش، حس ارتباط، پذیرش و پیوندهای اجتماعی، ارتقای بهداشت و سلامتی، انعطاف‌پذیری و سازش می‌شود. گرچه شوخی نقش مهمی را در آموزش پرستاری و آموزش تجربیات و یادگیری ایفاء می‌کند، ولی اطلاعات اندکی در مورد اثرات آن در کلاس‌های PBL و چالش‌های اصلی آن مانند نقش استاد و راه‌های استفاده از آن در آموزش پرستاری وجود دارد، لذا در این مقاله به تعیین نقش شوخی در محیط‌های آموزشی PBL برای دانشجویان پرستاری و راهکارهای استفاده از آن پرداخته شده است.

روش: با استفاده از کتب و مقالات موجود (اینترنت و مجلات) مطالب جمع‌آوری گردیده است.

بحث و نتیجه‌گیری: شرایط کلاس PBL کلیدی برای تسهیل کارگروهی و تفکر انتقادی در دانشجویان پرستاری است. دانشجویان را برای مهارت‌های لازم آماده می‌کند و باعث تقویت و گسترش سایکوموتور و مهارت‌های حل مشکل و تصمیم‌گیری در دانشجویان می‌شود و شکاف بین دروس تئوری و عملی را که بزرگترین چالش پرستاری است، از بین می‌برد. و اما شوخی اثرات تسهیل‌کننده‌ای مانند افزایش یادگیری، توجه و نگهداری مطالب، کاهش سطح استرس، حل مشکلات و کار گروهی افزایش قدرت مشارکت دانشجویان و ایجاد رابطه همکاری بین استاد و دانشجو و راهکارهای مقابله‌ای در تیم‌کاری، تسهیل ارتباط، تسهیل یادگیری در محیط‌های آموزشی PBL برای دانشجویان پرستاری است. به علاوه شوخی اثرات مثبت فیزیولوژیکی و روان‌شناختی بسیاری روی سلامتی و بهداشت دانشجو دارد و باعث پیشبرد خلاقیت، ایفای نقش و کارگروهی می‌شود. شرایط یادگیری ایجاد شده به وسیله شوخی به اساتید اجازه تمرکز روی فرآیندهای گروهی، ایجاد مشارکت، تفکر خلاق، حل مشکل، یادگیری طولانی مدت را می‌دهد و در نهایت باعث رسیدن به اهداف آموزشی دانشجویان پرستاری برای مهارت‌های بالینی حرفه ای و سازشی می‌گردد. تأثیرات بیشتر شوخی در محیط‌های آموزشی PBL برای دانشجویان پرستاری در اصل مقاله گنجانیده شده است.

کلیدواژه‌ها: آموزش PBL، دانشجویان پرستاری، شوخی

(S.43Pos.2) نشست: ۴۳، پوستر: ۲

تأملی بر نقش آموزش مسئله‌محور بر یادگیری دانشجویان پرستاری دانشگاه آزاد نجف آباد سال ۸۸-۱۳۸۷

مریم مقیمیان*، مهرداد آذربیزین

* مربی دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد- دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد- دانشکده پرستاری

m-moghimian @ iaun .ac.ir

مقدمه: روش‌های آموزشی می‌توانند مهارت‌های مختلفی از جمله ظرفیت‌های تصمیم‌گیری را توسعه دهند. این پژوهش یک مطالعه نیمه‌تجربی با هدف بررسی نقش آموزش به روش مسئله‌محور بر یادگیری دانشجویان پرستاری دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ است.

روش: این پژوهش یک مطالعه نیمه‌تجربی است که نمونه آن را ۴۴ نفر از دانشجویان پرستاری ورودی سال ۱۳۸۵ دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد تشکیل می‌داد که با روش نمونه‌گیری غیراحتمالی انتخاب و به طور تصادفی به دو گروه ۲۲ نفره تجربی و شاهد تقسیم شدند. ابزار گردآوری داده پرسش‌نامه چهارگزینه‌ای امتحان پایان دوره بود و تجزیه و تحلیل داده‌ها با محاسبه میانگین و انحراف- معیار مقایسه‌ها توسط نرم‌افزار SPSS ویرایش ۱۵ انجام شد.

یافته‌ها: در گروه شاهد که به روش آموزش سنتی سخنرانی مباحث پرستاری بیماری‌های مغز و اعصاب تدریس شد، میانگین و انحراف معیار نمرات پایان دوره $12/9 \pm 1/9$ و در گروه مورد که بر پایه آموزش به روش مسئله‌محور تدریس گردید، میانگین و انحراف معیار نمرات $13/5 \pm 2/43$ بود. مقایسه میانگین و انحراف معیار با $P < 0.005$ ، برتری یادگیری را در آموزش مسئله‌محور نشان داد.

بحث و نتیجه‌گیری: این مطالعه نشان داد که با توجه به میانگین بالاتر نمرات در آموزش حل مسئله پیشنهاد می‌گردد. دست- اندرکاران آموزش، در برنامه درسی مقاطع دانشگاهی به این روش آموزشی نیز، توجه بیشتری نمایند.

کلیدواژه‌ها: آموزش پرستاری، آموزش مسئله‌محور، سخنرانی، روش تدریس

(S.43Pos.3) نشست: ۴۳، پوستر: ۳

نظرسنجی از اعضای هیئت علمی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین در مورد اجرای طرح ادغام**در کوریکولوم آموزشی**

فریبا درخشان*، دکتر عباس علامی

* کارشناس دانشگاه علوم پزشکی قزوین- قزوین- بلوار دکتر باهنر- دانشگاه علوم پزشکی قزوین- دانشکده پزشکی- دفتر توسعه

آموزش fariba953@yahoo.com

مقدمه: با توجه به این که استراتژی ادغام یکی از اصول اساسی در تحول آموزشی به حساب می‌آید و اجرای این طرح در دانشکده پزشکی جزء اهداف استراتژیک دانشگاه علوم پزشکی قزوین می‌باشد، لذا این مطالعه به منظور بررسی نظرات اعضای هیئت علمی این دانشکده در رابطه با ضرورت اجرای طرح ادغام در کوریکولوم آموزشی انجام گرفته است.

روش: این مطالعه توصیفی در سال ۱۳۸۷ انجام گرفت. جامعه مورد نظر اعضای هیئت علمی دانشکده پزشکی بودند که با روش سرشماری وارد مطالعه شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه بود. پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها، از ۱۲۰ پرسش‌نامه توزیع شده ۶۵ پرسش‌نامه قابل بررسی بود، اطلاعات وارد نرم‌افزار SPSS16 گردید و نتایج به صورت آمار توصیفی ارائه شد.

یافته‌ها: ۸۴/۶٪ از اعضای هیئت علمی معتقد بودند با ادغام در آموزش پزشکی آشنایی دارند. تنها ۵۵/۴٪ از آن‌ها اجرای این طرح را در شرایط فعلی در دانشگاه ضروری دانستند. ۷۰٪ افراد اثربخشی طرح ادغام را در ارتقاء عملکرد علمی و پژوهشی اعضای هیئت علمی و دپارتمان‌ها، ناچیز یا بی‌تأثیر می‌دانستند و ۶۴/۶٪ معتقد بودند که اجرای این طرح باعث سلب استقلال از دپارتمان‌های مختلف می‌گردد.



بحث و نتیجه گیری: علیرغم این که اکثر اعضای هیئت علمی بر این باور بودند که با مفهوم ادغام در آموزش پزشکی آشنا هستند، یافته‌ها نشان می‌دهد اعضای هیئت علمی نگران عواقب ناشی از پیاده‌سازی این طرح می‌باشند. با عنایت به ضرورت اجرای طرح ادغام به نظر می‌رسد در این مورد اطلاعات جامع‌تر و کامل‌تری باید در اختیار اعضای هیئت علمی قرار داده شود.

کلیدواژه‌ها: نظرسنجی، هیئت علمی، ادغام، کوریکولوم

(S.43Pos.4) نشست: ۴۳، پوستر: ۴

تدوین سند چشم‌انداز دوره پزشکی عمومی دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر عظیم میرزاده*، دکتر حمید عمادی کوچک، دکتر محمد جلیلی، دکتر سارا مرتاض هجری، دکتر فاطمه السادات نیری، دکتر علی جعفریان، دکتر امیرحسین امامی، دکتر منوچهر امینی، دکتر ابوالفضل گلستانی، دکتر محسن نصیری طوسی، دکتر احمد سلیم زاده

دانشگاه علوم پزشکی تهران، * mirzazad@tums.ac.ir

مقدمه: تلاش برای ارتقای کیفیت آموزش، امری با سابقه در تاریخچه دانشکده پزشکی و دانشگاه علوم پزشکی تهران است. در سال‌های گذشته تلاش‌های فراوانی در دوره‌های مختلف برای بهبود وضعیت آموزشی صورت گرفته است که شاهد نتایج ارزشمند آنها به صورت جایگاه ممتاز دانشگاه علوم پزشکی تهران در عرصه آموزش کشور بوده‌ایم. با این وجود تا کنون بازنگری عمده و جامعی در این برنامه صورت نگرفته است. دانشکده پزشکی در سال ۱۳۸۴ با توجه به نتایج ارزشیابی درونی انجام شده و با در نظر گرفتن ضرورت‌های درونی و بیرونی، طرح پیشنهادی خود را برای روند تدوین طرح جامع بازنگری ارائه نمود. در واقع بسیاری از صاحب‌نظران بر این عقیده بودند که برنامه جاری دوره پزشکی عمومی دانشکده به قدری دچار مشکل است که انجام اصلاحات جزئی و موردی نتیجه مناسبی در بر نداشته و این برنامه نیازمند تغییرات اساسی است. تصمیم بر این شد که طرح جامع و کلان اصلاحات دوره، هماهنگ با برنامه‌های راهبردی معاونت آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با مشارکت اعضای هیئت علمی تهیه شود. برای تحقق این امر ضروری بود که سند چشم‌انداز دوره پزشکی عمومی تدوین گردد تا مبنای بازنگری قرار گیرد.

روش: در راستای بازنگری دوره پزشکی عمومی و به منظور فراهم کردن زمینه‌های قانونی انجام این مهم، موافقت هیئت امنای دانشگاه و نیز مجوز وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اخذ گردید. مبنای اصلی تدوین سند چشم‌انداز دوره پزشکی عمومی، نتایج "گزارش جامع ارزشیابی دوره پزشکی عمومی دانشگاه علوم پزشکی تهران" بود. پیش‌نویس سند چشم‌انداز پس از طرح در جلسات متعدد کارشناسی کمیته بازنگری دوره پزشکی عمومی، هیئت رئیسه دانشکده، شورای دانشکده، نشست‌های هم‌اندیشی با بیش از ۱۷۰ نفر از اعضای هیئت علمی رشته‌های علوم پایه و بالینی، نظرخواهی از دانشجویان و رازنی با صاحب‌نظران آموزش پزشکی در سطح بین‌المللی با مجموع ۲۵۰۰ نفر ساعت کار کارشناسی تهیه شد. این سند که در ده محور شامل پیامدها، محتوای آموزشی، راهبردهای آموزشی، روش‌های آموزشی، جو آموزشی، ارزشیابی، مدیریت دوره، اعضای هیئت علمی، دانشجویان و منابع مالی و فیزیکی تهیه شده است، پس از بررسی و تأیید در شورای آموزشی دانشگاه به تصویب شورای دانشگاه علوم پزشکی تهران رسید.

بحث و نتیجه گیری: در حال حاضر دانشکده پزشکی با پیش‌بینی شیوه‌های مؤثر اطلاع‌رسانی و جلب مشارکت اعضای هیئت علمی و دانشجویان در این فرایند دشوار و نیز تدوین تشکیلات مدیریتی دوره، اقدامات لازم برای شروع مراحل اجرایی بازنگری را بر مبنای این سند آغاز نموده است تا بر اساس موارد سند چشم‌انداز از ابتدای سال تحصیلی ۱۳۹۰ آموزش دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران را طبق برنامه جدید آغاز کند.

کلیدواژه‌ها: سند چشم‌انداز، دوره پزشکی عمومی

(S.43Pos.5) نشست: ۴۳، پوستر: ۵

ارزیابی میزان شیوع درک غلط از بیماری‌های قلبی - عروقی و علایم آنها در دانشجویان پزشکی و پرستاری دانشگاه علوم پزشکی اراک

محمد رضا پالیزوان*، الهه صالحی فراهانی*، الهام ابراهیمی

* دانشیار دانشگاه علوم پزشکی اراک؛ دانشگاه علوم پزشکی اراک palizvan@yahoo.com

مقدمه: بیماری‌های قلبی و عروقی از مهم‌ترین علل مرگ و میر در انسان‌ها است. یادگیری شیوه‌های صحیح مراقبت، پیش‌گیری و مراجعه به‌موقع به پزشک می‌تواند تا حدود زیادی از مرگ و میر ناشی از این بیماری‌ها جلوگیری کند. در تمام سطوح آموزشی، دانشجویان پیش‌فرض‌های غلطی در مورد بیماری‌های قلبی - عروقی دارد که این پیش‌فرض‌ها با حقایق علمی پذیرفته‌شده، مغایرت دارند. این مدل‌ها و یا پیش‌فرض‌های غلط در آموزش و درمان به‌عنوان مفاهیم غلط یا (misconceptions) معروف هستند. برای تشخیص و درمان درست، استاد باید از قبل، مفاهیم غلط ذهنی دانشجویان را دانسته و بر این اساس در کلاس درس سعی بر اصلاح آنها نماید. هدف این مطالعه تعیین میزان شیوع درک غلط در مورد چند مفهوم مهم درباره‌ی بیماری‌های قلبی - عروقی است که در آنها امکان درک غلط وجود دارد.

روش: با مراجعه به مقالاتی که در زمینه بیماری‌های قلبی - عروقی و علائم آنها، منتشر شده‌اند لیستی از مفاهیمی که دانشجویان در درک درست آنها مشکل دارند، تهیه شده است. از این لیست، سه مورد برای بررسی درک غلط به‌وجود آمده، انتخاب شدند. این سه مورد به دلیل اهمیتی که درک درست آنها در پیشگیری، تشخیص و درمان بیماری‌های قلبی - عروقی داشتند انتخاب شدند. این سه مفهوم عبارتند از: (۱) علایم سکنه قلبی (۲) سن شروع آترواسکلروزیس (۳) علائم فشارخون در نهایت با استفاده از آمار توصیفی درصدی از دانشجویان که به هر سؤال پاسخ غلط داده بودند، مشخص شد.

یافته‌ها: شیوع درک غلط در مورد بیماری‌های قلبی - عروقی در دانشجویان پرستاری و پزشکی بین ۵۵ تا ۹۴ درصد بود.
بحث و نتیجه‌گیری: شیوع درک غلط در مورد تمامی سه مفهوم اندازه‌گیری شده نسبتاً بالا بود با این نکته که در مورد سن شروع آترواسکلروزیس بسیار بالا بود. درک صحیح کادر درمانی از زمان شروع سفت‌شدن شریانها می‌تواند در جلوگیری از این عارضه مفید باشد.
کلیدواژه‌ها: یادگیری، درک غلط، بیماری‌های قلبی - عروقی

(S.43Pos.6) نشست: ۴۳، پوستر: ۶

بررسی تأثیر آموزش به‌سبک تئوری اورم بر کیفیت علائم بیماران مبتلا به آسم

ماندانا آرش*

* کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج؛ کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده پرستاری مامایی، گروه پرستاری

mandana_arash@kiaou.ac.ir

مقدمه: آسم بیماری راه‌های هوایی است که با التهاب و افزایش حساسیت، نسبت به تعداد زیادی از محرکات شناخته می‌شود. این افزایش حساسیت منجر به انسداد راه‌های هوایی می‌شود و در نتیجه بروز حملات علائم سرفه، تنگی نفس، احساس سنگینی در قفسه سینه و ویزینگ به‌وجود می‌آید. عامل اصلی در درمان آسم برطرف کردن التهاب تراکئوبرونشئال است و اقدامات پرستاری جهت یاری بیماران مبتلا، در راستای بهبود تبادل گازها، تخلیه ترشحات ریه‌ها، بهبود وضعیت بدنی، جلوگیری از عفونت ریوی، ورزش‌های تنفسی و آموزش مراقبت از خود می‌باشد. یکی از سیستم‌های پرستاری که بر روی آموزش اصول مراقبت از خود تکیه دارد تئوری اورم است، اورم بیمار را فردی می‌داند که به دلایلی از قبیل کمبود اطلاعات، مهارت‌ها، انگیزه یا آمادگی، قادر به برآوردن خواسته‌های مراقبت از خود نیست و نیازمند کمک است. مبتلایان به بیماری‌های مزمن، یکی از بزرگ‌ترین گروه‌هایی هستند که به آموزش نیازمندند و با افزایش یافتن طول-عمر جامعه، تعداد افرادی که در این طبقه قرار می‌گیرند نیز، افزایش می‌یابد، بنابراین آموزش می‌تواند به شخص در تطابق یافتن با بیماری و

همانگ شدن با درمان تجویز شده و راه‌های مراقبت از خود کمک نماید. بنابراین این پژوهش در راستای تأیید تأثیر آموزش بر تسکین علائم بیماران مبتلا به آسم و افزایش عملکرد آنان در اثر بهبود ناتوانی ناشی از بیماری، صورت گرفته است.

روش: این پژوهش یک مطالعه تجربی می‌باشد که بر روی ۲۵ بیمار مبتلا به آسم که در بیمارستان‌های علوم پزشکی غرب تهران بستری شده بودند و به صورت تصادفی انتخاب شدند صورت گرفته است. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه بود که در دو بخش مشخصات دموگرافیک و بررسی علائم بیماری (۱۷ سؤال) تنظیم گردیده بود و پس از آموزش اصول خودمراقبتی به بیماران به صورت تک به تک و چهره‌به‌چهره در سه مرحله، یک ماه قبل، یک ماه بعد و سه ماه بعد از آموزش توسط پژوهشگر تکمیل گردید.

یافته‌ها: داده‌ها پس از جمع‌آوری توسط نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل گردید. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که یافته‌های مورد پژوهش دارای میانگین سنی ۴۵ سال، ۵۲٪ مرد و ۴۸٪ زن بودند و اکثراً (۴۴٪) دارای تحصیلات دیپلم، کارمند (۵۶٪) و با همسر و فرزندان (۶۰٪) در منزل استیجاری (۵۲٪) زندگی می‌کردند و اکثراً سابقه مصرف سیگار (۵۶٪) را نداشتند و دارای حجم بازدمی کوشایی بالاتر (۸۸٪) از ۶۰٪ بودند. در مقایسه علائم بیماری در سه دوره، اختلاف معنی‌دار با آزمون آماری آنالیز واریانس با تکرار اندازه‌گیری ($p=0/0$) مشاهده گردید و همچنین در مقایسه دوبه‌دو علائم بیماری یک ماه قبل از آموزش، با یک ماه بعد از آموزش و سه ماه بعد از آموزش با آزمون آماری حداقل اختلافات، معنادار ($p=0/0$) و در مقایسه یک ماه بعد از آموزش با سه ماه بعد از آموزش نیز با همین آزمون اختلاف معنادار ($p=0/0$) به دست آمد.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج به دست آمده از این پژوهش و نقش مثبت آموزش و رعایت اصول مراقبت از خود در بهبود و تسکین علائم بیماران، باید توجه مراقبین و برنامه‌ریزان بهداشتی را به سوی آموزش بیماران معطوف داشت و با بالابردن سطح آموزش و اجرای برنامه‌های آموزشی علاوه بر ارتقاء مراقبت‌ها، نقش بیماران را در امر مراقبت از خود و کاهش هزینه‌های مراقبتی و درمانی افزایش داد.

کلیدواژه‌ها: آموزش، تئوری اورم، آسم، علائم بیماری

(S.43Pos.7) نشست: ۴۳، پوستر: ۷

مقایسه عملکرد کارورزان در مراقبت‌های سرپایی کودکان زیر ۵ سال در دو روش مراقبت معمول و مراقبت-های ادغام‌یافته ناخوشی‌های اطفال (مانا) در درمانگاه تخصصی کودکان

دکتر سیدرضا اسحاقی، دکتر بهزاد شمس، حبیبه احمدی پور*، دکتر ندا زمانی

* متخصص پزشکی اجتماعی دانشکده پزشکی افضلی‌پور کرمان؛ کرمان، دانشکده پزشکی، گروه پزشکی اجتماعی

habibehahmadipour@gmail.com

مقدمه: کودکان تقریباً ۷۰-۳۰٪ همه بیماران مراجعه‌کننده به درمانگاه‌های سرپایی را تشکیل می‌دهند. مطالعات مختلف نشان داده‌اند که برنامه مراقبت‌های ادغام‌یافته ناخوشی‌های اطفال (مانا)، باعث بهبود کیفیت مراقبت‌های سرپایی در کودکان می‌شود. هدف مطالعه حاضر، مقایسه عملکرد کارورزان در مراقبت‌های سرپایی کودکان زیر ۵ سال در دو روش مراقبت معمول و مراقبت‌های ادغام‌یافته ناخوشی‌های اطفال (مانا) در درمانگاه تخصصی کودکان بود.

روش: تحقیق حاضر به صورت نیمه تجربی و دوسویه‌کور در بیمارستان امین اصفهان صورت گرفت. برای رسیدن به هدف مطالعه، کلیه کارورزان حاضر در دو درمانگاه کودکان، طی مدت مطالعه با روش سرشماری انتخاب شدند. عملکرد کارورزان مذکور در نحوه ویزیت کودکان مراجعه‌کننده توسط یک مشاهده‌گر و از طریق چک‌لیست ارزیابی شد. در مرحله بعد کارورزان یکی از درمانگاه‌ها، در مورد راهنماهای بالینی مانا آموزش دیدند. در پایان دوره، عملکرد کارورزان در نحوه ویزیت کودکان در دو گروه مجدداً ارزیابی شد. نمره عملکرد هر یک از آنها در دو مرحله تعیین و میانگین آن محاسبه و با استفاده از آزمون مقایسه دو میانگین مستقل مقایسه شد. فراوانی نسبی هر یک از موارد مراقبتی در نظر گرفته شده، چک لیست تعیین و با استفاده از آزمون χ^2 مقایسه شد.

یافته‌ها: بین میانگین نمره عملکرد کارورزان در درمانگاه مداخله و کنترل در پایان دوره تفاوت معنادار از نظر آماری وجود نداشت ($p > 0/05$). در بین فراوانی‌های نسبی موارد چک‌لیست، فقط در چند مورد از آنها تفاوت مشاهده شده از لحاظ آماری معنادار آماری بود ($p > 0/05$).

بحث و نتیجه گیری: میانگین نمره عملکرد کارورزان در دو درمانگاه در پایان دوره افزایش یافته بود، اما این افزایش در هر گروه و بین دو گروه از لحاظ آماری معنادار نبود. عدم مشاهده تفاوت قابل ملاحظه ممکن است به دلیل کم بودن مدت زمان آموزش، کوتاه بودن زمان پی گیری، علاقه بیشتر به کتب مرجع، عدم فرصت کافی کارورزان در استفاده از آموخته ها باشد.

کلیدواژه ها: کودکان زیر ۵ سال، کیفیت مراقبت سرپایی، مراقبت های ادغام یافته ناخوشی های اطفال (مانا)

(S.43Pos.8) نشست: ۴۳، پوستر: ۸

الگوهای برنامه درسی

مرتضی خاقانی زاده*، حسن ملکی، کوروش فتحی واجارگاه

* مربی دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج)؛ تهران، میدان جمهوری، بن بست رشید، پلاک ۷۲

khaghanizade@bmsu.ac.ir

مقدمه: برنامه های درسی به عنوان قلب آموزش پزشکی محسوب می شود. عدم توجه و بازبینی های دقیق و مداوم نسبت به برنامه های درسی می تواند یکی از دلایل عمده نارسایی آموزش پزشکی باشد. به همین دلیل باید زمینه های لازم را برای بررسی و سپس ارائه برنامه های جالب تر و پویاتر فراهم نمود. لذا در این مقاله ضمن تشریح ویژگی ها و اهداف برنامه درسی آموزش پزشکی سعی نموده است الگوهای برنامه درسی مناسب آموزش عالی را معرفی کند تا بدین طریق زمینه ای را برای محققان فراهم آورد تا جهت تدوین و توسعه برنامه درسی دوره های آموزش پزشکی کشور، الگوهای مناسبی را طراحی نمایند.

روش: این مطالعه یک پژوهش میدانی است که بر اساس یافته های مطالعات اسنادی و میدانی درحوزه مطالعات برنامه درسی دانشگاهی، به بررسی دیدگاه های نظری و عملی برنامه درسی، پرداخته است و ضمن شناسایی انواع الگوهای برنامه درسی برای آموزش عمومی و آموزش عالی به معرفی عناصر کلیدی در الگوهای برنامه درسی آموزش پزشکی می پردازد.

یافته ها: انواع متنوعی از الگوهای برنامه درسی دانشگاهی ارائه شده است. الگوها، ارتباطات نظری را بازنمایی می نمایند و رفتارهای روئیت پذیر را توصیف می کنند. دو شیوه طراحی الگوهای برنامه درسی عبارتند از: ۱- الگوهای نهادی و ساختاری: در این الگو روش های مفهومی کردن و تحلیل ساختاری سازمانی مؤسسات آموزش عالی، دانشکده ها و گروه های آموزشی و نظیر آنها به دست می آید. ۲- الگوهای رشد دانشجو، این الگوها تعامل بین دانشجو و محیط دانشکده را که به تجربه یادگیری منتهی می شود، توصیف می کند. به طور خلاصه الگوهای برنامه درسی آموزش عالی را می توان درحوزه های زیرطبقه بندی نمود: ۱- برنامه درسی به عنوان طرح یا دستور کار ۲- برنامه درسی به عنوان یک نظام ۳- برنامه درسی به عنوان تجربه ۴- برنامه درسی به مثابه حوزه پژوهش دانش پژوهانه بر اساس عناصر مشترک الگوهای برنامه درسی آموزش عالی می توان عناصر برنامه درسی آموزش پزشکی عمومی را به شرح ذیل خلاصه نمود: ۱- طرح ریزی، تدوین، ارائه و ارزشیابی آموزشی، مبتنی بر نظریه سیستمی باشد. ۲- اهداف و مقاصد کلی بر اساس تجزیه و تحلیل از محیط سیستم، صورت پذیرد. ۳- اهداف آموزشی بر مبنای عملکرد دانشجویان بیان شود. ۴- طراحی برنامه درسی نسبت به پرورش صلاحیت های دانشجویان و اهداف کوتاه مدت و بلندمدت آنها بسیار حساس باشد. ۵- به راهبردهای برنامه ریزی درسی و انتخاب رسانه به طور قابل ملاحظه ای توجه شود. ۶- ارزشیابی بخشی از فرایند طراحی و بازبینی برنامه درسی باشد. ۷- دانشجویان بر مبنای میزان دستیابی شان به استانداردهای معینی، مورد سنجش قرار گیرند.

بحث و نتیجه گیری: برنامه های درسی، آیینه تمام نمای میزان پیشرفت و انعکاس از پاسخ گو بودن دانشگاه ها به نیازهای در حال تغییر جامعه هستند و جهت هرگونه تصمیم گیری در حوزه های برنامه های درسی باید بر اساس الگوی مناسب و جامع عمل کرد. الگوها، ساختار، محتوا و فرایند تحصیلات، دوره های آموزشی را به گونه ای تنظیم می کند که باعث پیشرفت در سطوح مختلف آموزشی می شود. با توجه به اینکه به برنامه های درسی آموزش پزشکی، توجه کافی نشده است امید است محققان با استفاده از الگوهای معرفی شده در این مقاله به تدوین و توسعه برنامه درسی متناسب با وضعیت نظام آموزش پزشکی کشور، بپردازند.

کلیدواژه ها: برنامه درسی، الگو، آموزش عالی

نظرات گیرندگان خدمات بهداشتی و درمانی استان فارس

صدیقه ابراهیمی*، لیلا بذرافکن

* دانشیار دانشگاه علوم پزشکی شیراز - sedighehebrah@yahoo.com

مقدمه: مردم جوامعی که اطلاعات صحیح و کافی را نسبت به مراقبت از سلامت خود دارند، کمتر دچار بیماری شده و در صورت ابتلا به بیماری نیز می‌دانند که در چه زمانی و به چه کسی رجوع کنند. در دسترس بودن خدمات سلامت، یکی از دغدغه‌های مدیران ارشد در نظام سلامت می‌باشد، تغییر در انتظارات و نیازهای مصرف‌کنندگان، تحول و نوآوری دائمی در امر آموزش علوم پزشکی و ضرورت کنترل دائمی و رفع نقایص در برنامه‌های مدیریت سلامت در کشور را ایجاب می‌کند. در این راستا به‌منظور نظرسنجی از مردم استان فارس (گیرندگان خدمات) و با این ایده که مشتریان اصلی در ارائه خدمات بهداشتی - درمانی، مردم (مددجویان جامعه) هستند بر آن شدیم تا با بررسی نظرات مردم استان، پیرامون در دسترس بودن خدمات اورژانس، گامی مثبت در جهت اصلاحات مورد نیاز در برنامه آموزش پزشکی برداریم.

روش: این مطالعه از نوع توصیفی است و جمعیت مورد مطالعه را گیرندگان خدمات بهداشتی - درمانی در سطح استان فارس تشکیل می‌دهند. از آنجا که اطلاع دقیقی از نظر مردم در مورد این‌گونه خدمات در دست نیست فرض بر این بوده که ۵۰٪ از افراد نظر مساعد و ۵۰٪ نظر مخالف دارند و بر این اساس، حجم نمونه در نمونه‌گیری تصادفی ساده ۹۷ نفر در هر شهرستان به‌دست می‌آید. به‌دلیل امکان‌پذیر نبودن نمونه‌گیری تصادفی ساده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شده است که خوشه‌ها شامل ۷ خانوار می‌باشند که در شهرستان ۱۰ خوشه شهری و ۱۰ خوشه روستایی انتخاب شده‌اند. و در کل استان از ۴۵۰ نفر پرسش‌گری شده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه‌ای است که در یک گروه ۱۰۰ نفری که از نظر مشخصات، شبیه به جمعیت هستند به‌صورت پیلوت اجرا شده به‌عمل آمده است و بر اساس نتایج از مطالعه پیلوت پرسش‌نامه نهایی تدوین شده است. اعتبار محتوی پرسش‌نامه با نظرخواهی از اساتید و صاحب‌نظران و روایی آن با انجام test-retest سنجیده شده است. سپس با هماهنگی با حوزه معاونت بهداشتی و توجیه کارشناسان آن معاونت پرسش‌گری در سطح استان انجام شده است. بعد از ورود اطلاعات به کامپیوتر به‌وسیله نرم‌افزار آماری spss v.15 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌ها: از تعداد ۴۵۰ نفر که پرسش‌گری شده‌اند، ۴۲۸ نفر پرسش‌نامه را تکمیل نموده‌اند که ۱۵۶ نفر (۳۶/۴ درصد) به راحتی و ۵۴ نفر (۱۲/۶ درصد) تا حدودی به مراکز اورژانس دسترسی داشتند. ۲۰۰ نفر (۵۱ درصد) در مواقع ضروری به مراکز اورژانس دسترسی نداشته‌اند. نسبت عدم دسترسی به مراکز اورژانس در شیراز در مقایسه با شهرستان‌ها تفاوت آماری معناداری نشان نداده است.

بحث و نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج این مطالعه به‌نظر می‌رسد که علی‌رغم سعی و تلاش دست‌اندرکاران در بهبود ارائه خدمات درمانی هنوز بخش بزرگی از جامعه، دسترسی کامل به خدمات درمانی اورژانس ندارند که این می‌تواند به علت کمبود امکانات و یا ناآگاهی از وجود و یا استفاده از مراکز فوریت‌ها باشد که آموزش افراد جامعه و استفاده بهینه از امکانات موجود با مدیریتی کارآمد می‌تواند گامی مؤثر در کاهش این نقصان می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: مدیریت، خدمات اورژانس، گیرندگان خدمات

(S.43Pos.10) نشست: ۴۳، پوستر: ۱۰

پرونده سلامت فردی، پاسخ‌گوئی و مراقبت بیمارمدار از طریق اطلاعات بیمارمدارمریم احمدی^۱، فرحناز صدوقی^۲، محمود گوهری^۳، فاطمه رنگرز جدی^۴

* ۱- دانشیار دانشگاه علوم پزشکی ایران - تهران بالاتر از میدان ونک- کوچه شهید بهرامی- دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی fatemeh115@yahoo.com

۲- استادیار دانشگاه علوم پزشکی ایران - تهران بالاتر از میدان ونک- کوچه شهید بهرامی- دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی fatemeh115@yahoo.com

۳- استادیار دانشگاه علوم پزشکی ایران - تهران بالاتر از میدان ونک- کوچه شهید بهرامی- دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی fatemeh115@yahoo.com

۴- مربی دانشگاه علوم پزشکی کاشان - کاشان جاده راوند- دانشگاه علوم پزشکی کاشان fatemeh115@yahoo.com

مقدمه: پرونده سلامت فردی، دسترسی افراد به اطلاعات بهداشتی آنان را امکان‌پذیر می‌سازد و با آموزش بیمار، تسهیل ارتباط بین پزشک و بیمار و حمایت از روش مراقبت از خود موجب ارتقاء کیفیت مراقبت می‌گردد. این تحقیق به بررسی پرونده سلامت فردی، مراقبت بیمارمدار از طریق اطلاعات بیمارمدار از دیدگاه بیماران می‌پردازد.

روش: پژوهشی توصیفی - مقطعی بر روی ۴۶۱ نمونه تصادفی از بیماران بستری بیمارستان‌های تابعه دانشگاه علوم پزشکی در شهر کاشان در سال ۱۳۸۷ صورت پذیرفت. گردآوری داده‌ها با مصاحبه و پرسشنامه محقق ساخته پایا (اسپرم - براون ۲۰/۸۳) و روا (صوری و محتوائی)، در دو قسمت شامل، اطلاعات زمینه‌ای (سطح تحصیلات، محل سکونت، سابقه بستری، شغل، سن، جنسیت) و اهداف با جواب‌های بلی، خیر و چهار گزینه‌ای صورت پذیرفت. داده‌ها با آمار توصیفی و استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل گردید. **یافته‌ها:** ۴۶/۶ درصد از بیماران، اطلاعات پزشکی خود را نگهداری می‌کنند، ۴۶/۳ درصد از افرادی که اطلاعات پرونده پزشکی خود را نگهداری نمی‌کنند، علت آن را عدم آگاهی نسبت به مزایای نگهداری این اطلاعات، ذکر نمودند. ۸۵/۷ درصد تمایل به دسترسی به اطلاعات خود برای استفاده در موارد اورژانسی داشته، ۹۱/۹ درصد از بیماران آگاهی لازم جهت نگهداری آن بر روی کامپیوتر نداشتند، ۸۰ درصد تمایل به دریافت اطلاعات مربوط به رژیم غذایی از طریق پرونده سلامت فردی داشتند.

بحث و نتیجه‌گیری: نیاز به تهیه پرونده سلامت فردی در کشور احساس می‌گردد، اما بیماران آگاهی لازم در خصوص نحوه تهیه و مزایای آن را ندارند، پیشنهاد می‌گردد ضمن ارائه آموزش‌های لازم، پرونده سلامت فردی ابتدا مبتنی بر کاغذ ایجاد و سپس به تدریج و با شکل‌گیری سایت‌های بیمارستان‌ها، سیستم‌های اطلاعات بیمارستانی و پرونده الکترونیک سلامت، درگاهی برای دسترسی بیماران به پرونده خود تهیه و در نهایت سیستم‌های پرونده سلامت فردی کامل تشکیل گردد.

کلیدواژه‌ها: پرونده سلامت فردی، مراقبت، بیمار، اطلاعات، دیدگاه، بیماران

(S.43Pos.11) نشست: ۴۳، پوستر: ۱۱

بررسی ارتباط بین وضعیت سلامت روانی، ابعاد آن و سایر ویژگی‌های فردی با موفقیت تحصیلی در**دانشجویان دانشگاه‌های اراک**

نرگس محمدصالحی*، دکتر ابوالفضل محمدبیگی

* کارشناس ارشد دانشگاه علوم پزشکی اراک؛ اراک، کوی گلستان، معاونت بهداشتی، واحد بیماری‌ها

salehi_narges@yahoo.com

مقدمه: عدم سلامت روانی از پیشرفت و اعتلای فرد و توانایی انجام وظایفی که بر عهده وی می‌باشد جلوگیری خواهد نمود که این امر می‌تواند سبب افت تحصیلی دانشجویان شود. از آنجا که افت تحصیلی یکی از مشکلات عمده در کیفیت مراکز آموزش عالی کشور محسوب می‌شود مطالعه حاضر با هدف تعیین ارتباط بین سلامت روانی و موفقیت تحصیلی و سایر عوامل مرتبط صورت گرفت.

روش: در مطالعه‌ای مقطعی در سه‌ماهه سوم سال ۱۳۸۷، ۳۰۴ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی و علوم پایه شهر اراک با نمونه‌گیری دو مرحله‌ای مورد مطالعه قرار گرفتند. داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه استاندارد GHQ-28 و پرسش‌نامه‌ای شامل اطلاعات دموگرافیک جمع‌آوری و با آزمون‌های همبستگی اسپیرمن، کای اسکوتر و استقلال دو گروه مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: میانگین و انحراف معیار نمره سلامت عمومی دانشجویان شرکت‌کننده در مطالعه برابر با $26/46 \pm 11/43$ به دست آمد. موفقیت تحصیلی دانشجویان همبستگی معناداری با نمره سلامت عمومی، سلامت جسمی و نمره افسردگی نشان داد. اما بین نمره اضطراب و عملکرد اجتماعی هیچ‌گونه همبستگی معناداری دیده نشد ($0/05$).

کلیدواژه‌ها: سلامت روانی، افسردگی، موفقیت تحصیلی، دانشجویان

(S.43Pos.12) نشست: ۴۳، پوستر: ۱۲

تبیین و اولویت‌بندی نیازهای آموزشی اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور، گامی در جهت افزایش کارایی و بهره‌وری نظام آموزش عالی

سکینه سبزواری*، دکتر طیبه فصیحی هرنندی، رقیه ارشاد، اشرف ادهمی

* مربی دانشگاه علوم پزشکی کرمان؛ کرمان، بولوار جمهوری، دانشگاه علوم پزشکی، مرکز مطالعات و توسعه دانشگاه

مقدمه: آموزش عالی به‌عنوان بالاترین سطح آموزشی در یک جامعه از اهمیت خاصی برخوردار است. اعضای هیئت علمی بزرگترین نقش را در بهبود کیفیت آموزش‌های عالی ایفا می‌کنند. هدف این مطالعه، انجام نیازسنجی و تعیین دقیق نیازهای آموزشی اعضای هیئت علمی باعث ارتقای کیفیت آموزش و مبنای طراحی، اجرا و ارزش‌یابی فعالیت‌های آموزشی قرار می‌گیرد.

روش: این پژوهش از نوع Triangulation بوده که در بخش کیفی از نوع مطالعات تئوری پایه‌ای Grounded theory و روش جمع‌آوری اطلاعات شامل مصاحبه و بررسی متون بوده است که به‌منظور پاسخ به سؤال اصلی پژوهش یعنی نیازهای آموزشی اعضای هیئت علمی کدامند؟ صورت گرفت. نتایج حاصل از اطلاعات این مرحله ۱۳۴ کد بود که در مرحله دوم در ۶ گروه اصلی تقسیم‌بندی شد که شامل نیازهای آموزشی در حیطه‌های آموزش و یادگیری، عمومی، ارزش‌یابی، پژوهش، فن‌آوری اطلاعات و زبان انگلیسی بود. پرسش‌نامه مذکور بعد از تأیید پایایی و روایی، مورد استفاده قرار گرفت. بر این اساس پرسش‌نامه به منظور نظرخواهی از اساتید تنظیم و به آدرس پست الکترونیک ایشان ارسال شد. حجم نمونه پیش‌بینی‌شده برای این مرحله ۱۱۹۷ نفر بود که علیرغم ارسال برای ۴۶۰۰ نفر، ۲۲۰ پرسش‌نامه تکمیل شده عودت داده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که بیشترین نیازهای آموزشی در حیطه آموزش و یادگیری مربوط به شیوه‌های تدریس، اصول و سبک‌های یادگیری و آموزش مهارت‌های بالینی، در حیطه عمومی مربوط به مهارت‌های ارتباطی، در حیطه ارزش‌یابی مربوط به نحوه ارزیابی بالینی، آزمون‌های پیشرفت تحصیلی، تعیین پایایی و روایی آزمون‌های پیشرفت تحصیلی بود. در زمینه پژوهش مربوط به مقاله‌نویسی، استفاده از نرم‌افزارهای آماری، کاربرد آمار حیاتی در پژوهش‌های علوم پزشکی بود. در حیطه فن‌آوری اطلاعات و زبان انگلیسی مربوط به نگارش متون به زبان انگلیسی و استفاده از منابع الکترونیکی بود.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به وظایف آموزشی و پژوهشی اعضای هیئت علمی توجه به نیازهای آموزشی در این حیطه‌ها قابل توجه است. ارائه مطالب و مباحث مربوطه در قالب کارگاه‌ها، دوره‌های بازآموزی، ارائه خودآموز، همچنین آموزش مجازی در این زمینه می‌تواند گام مثبتی در جهت رشد و بالندگی اعضای هیئت علمی باشد.

کلیدواژه‌ها: اعضای هیئت علمی، دانشگاه‌های علوم پزشکی، نیازهای آموزشی

(S.43Pos.13) نشست: ۴۳، پوستر: ۱۳

تأثیر دوره یک‌ماهه آموزشی اساتید بر توانمندسازی آنها

محمدرضا دهقانی، صدیقه امینی، جواد کجوری، میترا امینی، لیلا بذرافکن، محبوبه صابر، رویا خلیلی، زهرا صفاری
دانشگاه علوم پزشکی شیراز

مقدمه: ضرورت پرداختن به تعالی کیفیت آموزشی به‌ویژه در دانشگاه‌های علوم پزشکی، امری آشکار است. حیات دانشگاه و رسیدن به اهداف آن بستگی به علاقه و مهارت اعضای هیئت علمی دارد. به‌تدریج برنامه‌های آموزشی جهت اعضای هیئت علمی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. بسیاری از این برنامه‌ها توانمندی اساتید در امر آموزش را تعالی می‌بخشد. و ارزیابی این برنامه‌ها به مدیران کمک می‌کند که نقاط قوت و ضعف و نیازهای آموزشی را دریابند. هدف از این مطالعه بررسی تأثیر برنامه یک‌ماهه آموزشی اساتید و توانمندسازی آنها می‌باشد.

روش: مرکز توسعه آموزش پزشکی دانشگاه شیراز در راستای رسالت خویش و دستیابی به اهداف در حوزه عملکرد خود که همان بالندگی اعضای هیئت علمی دانشگاه است، پس از نیازسنجی، اقدام به برگزاری دوره‌های یک‌ماهه آموزشی اساتید از دی ماه ۱۳۸۶ در سه‌حیطه مبانی و برنامه‌ریزی آموزشی، ارزش‌یابی، ارائه بازخورد و آشنایی با نرم‌افزارهای کامپیوتری نمود و از آن زمان تا کنون ۸ دوره یک‌ماهه برگزار شده است. این برنامه‌ها در طی ۴ هفته برگزار گردید. هفته اول مباحث آماری و رایانه‌ای و هفته دوم و سوم برنامه‌ریزی درسی و مبانی آموزشی و آموزش تبحر و تعهد حرفه‌ای و در هفته چهارم روش‌های ارزیابی و بازخورد ارائه گردید. این مطالعه از نوع توصیفی - تحلیلی و از نوع Triangular می‌باشد و جامعه مورد مطالعه، اعضای هیئت علمی بودند که در یکی از دوره‌های فوق شرکت نمودند.

یافته‌ها: جمعاً تعداد ۷۵۴ نفر (۳۶ درصد) از اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز در این دوره‌ها شرکت نمودند که ۵۳ درصد از شرکت‌کنندگان، سابقه کمتر از ۵ سال داشتند. ارزیابی کارگاه به‌صورت ارزیابی مدرسین، رضایت‌مندی، بررسی و تأثیر آموزشی کوتاه‌مدت دوره بر اساس پیش و پس‌آزمون، انجام گرفت، که میانگین نمرات پیش‌آزمون $4/6 + 8/3$ و پس‌آزمون $5/6 + 13/2$ (حداکثر از ۲۰) بود که تفاوت آماری قابل توجهی در آزمون t نشان داد.

کلیدواژه‌ها: دوره یک‌ماهه، توانمندسازی، اساتید

(S.44Pos.1) نشست: ۴۴، پوستر: ۱

بررسی سبک رهبری مدیریت آموزشی دانشکده بهداشت و تغذیه تبریز از دیدگاه دانشجویان دانشکده**بهداشت و تغذیه تبریز در سال ۱۳۸۸**

حسن سلامی*، علیرضا زادگان، حبیب‌اله قمی، شاپور نادرغام، مرتضی واحدجباری، مالک قربان‌نیتی
* متخصص داخلی دانشگاه علوم پزشکی تبریز - تبریز خیابان دانشگاه مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی
salamih@gmail.com

مقدمه: امروزه نیاز به مدیریت و رهبری در عرصه آموزش عالی که پیشرو در تحولات عمیق جوامع به‌شمار می‌رود، امر محسوس و حیاتی است لذا با این رویکرد این مطالعه به بررسی سبک رهبری آموزشی در سیستم مدیریتی دانشکده بهداشت و تغذیه تبریز از دیدگاه دانشجویان در سال تحصیلی ۱۳۸۸ پرداخته است، امید است یافته‌های این مطالعه برای تغییر و تقویت و اصلاح رفتارهای مدیران دانشکده و در ارتقاء فرآیندهای آموزشی کمک حال آنان باشد.

روش: این مطالعه از نوع توصیفی - تحلیلی و به‌صورت میدانی و پیمایشی بوده، جمع‌آوری داده‌ها از طریق توزیع تعداد ۲۰۰ پرسش - نامه در قالب شانزده سؤال چهار گزینه‌ای و به‌صورت تصادفی ساده و حضور در بین دانشجویان رشته‌های بهداشت و تغذیه دانشکده بهداشت و تغذیه تبریز، که به تعداد ۱۳۰ پرسش‌نامه برگردانده شد، سپس داده‌ها با استفاده از برنامه نرم‌افزار آماری SPSS و روش لیکرت و با مقیاس (کم=۱، متوسط=۲، زیاد=۳، خیلی زیاد=۴) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت، روایی پرسش‌نامه‌ها به تأیید اساتید مبرز دانشگاه



علوم پزشکی تبریز و کارشناسان مرکز مطالعات و توسعه علوم پزشکی رسیده و پايانی مطالعه بر اساس آزمون آلفای کرونباخ ۰/۸۹۳ می باشد.

یافته ها: جمع آوری داده ها از طریق پرسش نامه در قالب شانزده سؤال، ۴ گزینه ای بود. نتایج به صورت اولویت بندی با مقیاس ۴ به شرح زیر به دست آمد. نحوه برخورد معاون آموزشی دانشکده با دانشجویان (با احترام و اعتماد متقابل) ۳/۱۰، اعتقاد و تعهد معاون آموزشی نسبت به رعایت نظم و انضباط دانشجویان ۲/۸۲، رعایت عدالت و انصاف از سوی رئیس دانشکده در برخورد با دانشجویان ۲/۶۴، ارج نهادن به کرامت انسانی دانشجویان و بستر سازی جهت شکوفائی استعداد های آنان از سوی معاون آموزشی ۲/۵۹، ارتباط مؤثر و صمیمانه و ایجاد انگیزه یادگیری بهتر از طرف معاون آموزشی ۲/۴۸، اهمیت دادن معاون آموزشی به نظرات دانشجویان و نتایج ارزشیابی اساتید ۲/۴۳، ایجاد شرایط برای خلاقیت دانشجویان از سوی معاون آموزشی ۲/۴۲، در اختیار نهادن منابع و ایجاد تمهیدات لازم به منظور پشتیبانی معاون آموزشی از فعالیت های مبتکرانه دانشجویان به عنوان رویکرد آموزشی ۲/۴۲، پاسخ گو بودن رئیس دانشکده در قبال وظایف و مسؤ- لیتها ۲/۲۴، اهمیت دادن رئیس دانشکده به تناسب فضای لازم با تعداد دانشجویان ۲/۱۲، اهمیت دادن رئیس دانشکده به تعداد کتاب های مرجع و روزآمد کتابخانه با نیازهای دانشجویان ۲/۱۰، اهمیت دادن رئیس دانشکده به حل مسائل متنوع دانشجویان (تقویم دانشگاهی، برنامه ریزی درسی، آزمایشگاهی، امکانات و تجهیزات آموزشی) با لحاظ داشتن نظر آنان ۲/۰۲، اهمیت دادن رئیس دانشکده به حل مسائل رفاهی دانشجویان ۲/۰۰، ارزش قائل شدن رئیس دانشکده به نظر دانشجویان در حل مسائل آموزشی ۱/۹۶، همکاری رئیس دانشکده در تشکیل انجمن های علمی دانشجویی ۱/۸۶، مشارکت دادن دانشجویان در جلسات کمیته برنامه ریزی آموزشی از طرف رئیس دانشکده ۱/۷۲.

بحث و نتیجه گیری: در این مطالعه بررسی سبک رهبری آموزشی که به عنوان اصلی ترین و مهمترین عنصر در سیستم و ساختارهای سازمانی در عصر پرتلاطم مدیریت مطرح است، نوع سبک رهبری در سیستم آموزش عالی می تواند با رهبری تیمی و اهمیت دادن به مشارکت دانشجویان در برنامه ریزی ها و فرآیندهای آموزشی و استفاده از حداکثر ظرفیت ها، و نگاه انسانی به ارزش های آنها و اهمیت دادن به انرژی بی پایان آنان به بهبود و ارتقاء کیفیت آموزش منجر شود.

کلیدواژه ها: سبک مدیریت آموزشی، دیدگاه دانشجویان، دانشکده بهداشت و تغذیه

(S.44Pos.2) نشست: ۴۴، پوستر: ۲

استانداردهای آموزش، ابزاری برای رهبری آموزشی

فرانک صفدری ده چشمه*، محمد رحیمی، تهمنه صالحیان، نسرین اکبری

* مربی عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد- شهرکرد- رحمتیه- دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد- دانشکده پرستاری و مامایی- گروه مامایی faranaksafdari@gmail.com

مقدمه: امروزه از واژه استاندارد در زمینه های مختلفی استفاده می شود. صرف نظر از گوناگونی موارد استفاده از این واژه، نکته مشترک در همه این موارد، کاربرد آن به عنوان راهنمایی برای مقایسه است. استانداردها در حقیقت شاخص های توافق شده ای هستند که به عنوان نتیجه مطالعات و تحقیقات در سطح آموزش عالی و حوزه های آن حاصل شده اند بنابراین استاندارد، مفهومی است که می تواند نشان گر انسجام و انضباط فعالیت های فکری، عملی، فنی و فرهنگی جامعه باشد. مفهوم استاندارد در آموزش مفهوم جدیدی نیست، با این تفاوت که امروزه تأکید بر این است که استانداردها را واضح و همگانی کنیم. این مقاله به بررسی نقش و فواید استاندارد در آموزش می پردازد.

روش: این مطالعه مروری بوده بر تعداد کثیری از پژوهش های منتشر شده پیرامون نقش و فواید استاندارد در آموزش که با استفاده از مقالات موجود در مجلات، سایت های معتبر اینترنتی و کتب مختلف فارسی و خارجی انجام شده است.

یافته ها: استاندارد بایستی قابل توصیف، بامعنا، متناسب، منطبق، قابل اندازه گیری و قابل قبول از طرف استفاده کنندگان و در عین حال قابل اجرا، تنوع پذیر و قابل توسعه باشند. به زمینه فرایند، محیط آموزش و محصول آموزش مربوط باشند، وسیله ای برای تغییر و تحول و اصلاح باشند. به گونه ای طراحی شوند که تفاوت های ملی و منطقه ای را در برنامه های آموزشی به رسمیت شناخته و به استقلال هر دانشگاه برای تحقق طرح های مختلف و توسعه خود احترام بگذارد. ارزیابی بر اساس چنین استانداردهایی موجب تأیید، دستیابی مؤسسه به سطح استانداردهای رسمی و مدون، کمک به دانشجویان متقاضی ورود به دانشگاه در امر شناسایی مؤسسات معتبر و قابل قبول

و در نهایت تقویت ارتقاء مداوم برنامه‌های آموزشی می‌گردد. استانداردهای آموزشی دارای انوعی است که در اصل مقاله به‌طور مبسوط در مورد این انواع و نقش و فواید استاندارد ها بحث خواهد شد.

بحث و نتیجه‌گیری: استانداردهای آموزشی، چارچوبی را به‌دست می‌دهد تا در طراحی و اجرای فعالیت‌های ارزیابی آموزشی، مطلوبیت مورد نظر فراهم شود. به عبارت دیگر استانداردهای یاد شده، حد مطلوبی است برای قضاوت درباره کیفیت فعالیت‌های ارزیابی آموزشی.

کلیدواژه‌ها: استاندارد، رهبری، آموزش

(S.44Pos.3) نشست: ۴۴، پوستر: ۳

تأثیر مدیریت و سازمان در فعالیت‌های تحقیقاتی: موانع و راهکارها

جواد کجوری*، زهرا کریمیان، دکتر میترا امینی، دکتر محمدرضا دهقانی، زهره اسماعیل زاده
* دانشیار مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی - شیراز، خیابان کریم خان زند، دانشکده پزشکی، ساختمان شماره ۳، طبقه هفتم، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی lotfifarhad@gmail.com

مقدمه: نقش تحقیقات در توسعه یافتگی جوامع بر کسی پوشیده نیست. چنانکه شاخص‌هایی چون میزان سرمایه‌گذاری در تحقیقات، نسبت تعداد محقق به جمعیت، تعداد مقالات چاپ شده در مجلات معتبر علمی و ویژگی‌هایی از این دست از ملاک‌های مهم توسعه یافته‌گی به شمار می‌رود. اما مسیر تحقیقات دانشگاهی گاه متأثر از موانعی است که روند آن را با مشکلاتی مواجه می‌سازد. پژوهش حاضر با هدف شناسایی موانع مدیریتی در ۴ حوزه (مالی، منابع انسانی، امکانات و سازمان) انجام گرفته است.

روش: جامعه آمار تحقیق را اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز تشکیل دادند. نمونه‌ای مشتمل بر ۲۲۰ نفر به‌روش تصادفی و به نسبت دانشکده و مراکز تحقیقاتی دانشگاه انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسش‌نامه محقق ساخته با ۲۵ سؤال بسته‌پاسخ بود که روایی آن با دیدگاه متخصصین و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ ۹۲ درصد مورد تأیید قرار گرفت و داده‌ها با نرم‌افزار Spss با آزمون-های تی و واریانس یک‌راهه مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان داد، تأثیر نام و معروفیت افراد بر تصویب طرح‌های پژوهشی (۸۹/۲)، بوروکراسی زیاد در تصویب طرح‌ها (۸۷/۸)، عدم به کارگیری نتایج تحقیقات در عرصه (۸۷/۷)، ارزیابی نامناسب عملکرد پژوهشی و عدم تمایز پژوهش‌های اصیل از پژوهش‌های غیر هدفمند (۸۶/۹)، ناهماهنگی بین بخشی (۸۶/۵)، ضعف مدیریت دانش و اطلاعات آماری در بخش‌های مختلف دانشگاه (۸۶/۱)، نامشخص بودن و تعدد مراجع تصمیم‌گیری (۸۰/۳)، بیشترین مشکلات مدیریتی و سازمانی در فعالیت‌های تحقیقاتی محسوب می‌شوند.

بحث و نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد بازنگری در شیوه‌های تصویب طرح‌های پژوهشی و رفع بوروکراسی‌های پیچیده اداری و اهمیت بیشتر به کاربرست نتایج، به‌عنوان یک شاخص مهم در تصویب طرح‌های بعدی می‌تواند مطرح شود. طراحی سیستم اطلاعاتی و ارتباطاتی نیز می‌تواند در ایجاد شبکه اطلاعاتی و مدیریت دانش در دانشگاه در ارائه آمار و ارقام به‌هنگام و دقیق، مؤثر باشد.

کلیدواژه‌ها: مدیریت، سازمان، فعالیت‌های تحقیقاتی، موانع

(S.44Pos.4) نشست: ۴۴، پوستر: ۴

بررسی عنصر زمان در روش آموزش درس تمرین درمانی ۲ از دیدگاه شرکاء برنامه‌درسی شهر تهران

سیده زهرا نهاردانی، محمد اکبری*، دکتر محمدرضا امام‌جمعه، دکتر محمدرضا سرمدی
* دکترای تخصصی دانشگاه علوم پزشکی ایران - بلوار میرداماد - خ شاه نظری - کوچه نظام - دانشکده علوم توانبخشی
akbarimo@iums.ac.ir

مقدمه: موضوع این پژوهش عبارت است از بررسی عنصر زمان در برنامه درس تمرین درمانی ۲ از نظر شرکاء برنامه درسی و هدف این تحقیق شناسایی و مقایسه دیدگاه‌های شرکاء برنامه‌درسی (اساتید، هیئت بازنگری و دانشجویان رشته فیزیوتراپی شهر تهران) نسبت به تناسب عنصر زمان با سایر عناصر برنامه درسی، درس تمرین درمانی ۲ است.

روش: جامعه آماری این پژوهش عبارت است از کلیه اساتید تمرین درمانی و دانشجویان مقطع کارشناسی رشته فیزیوتراپی دانشگاه-های شهر تهران که درس تمرین درمانی ۲ را اخذ نموده و گذرانده‌اند، تعداد اساتید و دانشجویان به ترتیب ۲۰ و ۲۴۰ نفر می‌باشد. همچنین کلیه متخصصین فیزیوتراپی در هیئت بازنگری رشته فیزیوتراپی وزارت بهداشت- درمان و آموزش پزشکی که به نحوی تمرین درمانی ۲ را می‌شناسند و تدریس کرده‌اند که به تعداد ۱۰ نفر در دسترس محقق قرار گرفته است، به دلیل محدود بودن جامعه آماری، نمونه برابر جامعه انتخاب شده است. ابزار پژوهش عبارت است از پرسش‌نامه محقق‌ساخته. داده‌های این پژوهش با استفاده از نرم‌افزار SPSS، از روش‌های آماری توصیفی (فراوانی، درصد و نمودار و ...) و آمار استنباطی (آزمون t تک نمونه ای، t گروه‌های مستقل و تحلیل واریانس یک‌راهه مورد تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش، حاکی از آن است که از نظر شرکاء برنامه‌درسی عنصر زمان با محتوای برنامه درسی تناسبی در حد مطلوب و قابل قبول دارد، همچنین نشان می‌دهد که از نظر شرکاء برنامه‌درسی عنصر زمان با روش آموزش برنامه‌درسی تمرین درمانی ۲ تناسب ندارد و بین نظرات دانشجویان و اساتید با هیئت بازنگری تفاوت وجود دارد. اما در رابطه با تناسب عنصر زمان با عنصر دیگر برنامه-درسی یعنی ارزش‌یابی مستمر بین نظرات شرکاء برنامه‌درسی تفاوت وجود دارد به طوری که نظر اساتید مثبت‌تر است، اما تناسب عنصر زمان با اهداف برنامه‌درسی، بسیار مطلوب ارزیابی شده است.

بحث و نتیجه‌گیری: می‌توان نتیجه گرفت که از نظر شرکاء برنامه درسی تناسب عنصر زمان با عناصر برنامه‌درسی تمرین درمانی ۲ تقریباً قابل قبول می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: برنامه درسی، زمان، محتوا، روش آموزش، ارزش‌یابی مستمر، شرکاء برنامه درسی، تمرین درمانی ۲

(S.44Pos.5) نشست: ۴۴، پوستر: ۵

میزان رضایتمندی دانش‌آموختگان رشته مدیریت خدمات بهداشتی درمانی از مهارت‌های آموخته شده در طی

دوره تحصیلی سال ۸۷

فاطمه میر *

* کارشناس مرکز توسعه- دانشکده پزشکی شیراز mohaymen1@gmail.com

مقدمه: رشته مدیریت خدمات بهداشتی- درمانی رشته‌ای است که هدف آن پرورش نیروی انسانی کارآمد جهت هماهنگی فعالیت-های خدمات بهداشتی- درمانی می‌باشد. کارشناسان فارغ التحصیل این رشته در طی مدت تحصیل مهارت‌هایی را می‌آموزند که لازم است میان تطابق آموخته‌های آنها با فعالیت‌های کاری بعد از فارغ التحصیلی به چالش گذاشته شود.

روش: در انجام این طرح ۱۰ مهارت اصلی دوره تحصیل دانشجویان رشته مدیریت خدمات بهداشتی- درمانی طراحی و طی پرسش‌نامه‌ای در اختیار فاغ التحصیلان این رشته که اکنون در مراکز مختلف خدمات بهداشتی درمانی به کار مشغولند قرار داده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان می‌دهد که میزان رضایتمندی از مفاد آموزشی در مورد مباحث مالی، بیمه ها و تعرفه‌های خدمات بهداشتی- درمانی، آشنایی با خدمات پرستاری و اصول برنامه‌ریزی در سیستم بهداشتی و درمانی نسبتاً مناسب و در بقیه موارد رضایتمندی خوبی وجود ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به نظرسنجی انجام شده و عدم رضایتمندی مناسب در همه موارد، لازم است جهت تطابق هر چه بیشتر این مهارت‌ها با نیازهای کاری هماهنگی بهتری به عمل آید.

کلیدواژه‌ها: مدیریت خدمات بهداشتی درمانی

(S.44Pos.6) نشست: ۴۴، پوستر: ۶

بررسی نقش جلسات مباحثه (بحث و گفتگو) در پیشبرد اهداف مدیران آموزش پزشکی

پروانه عبدالمالکی، ژیلا خانی آباد

مقدمه: تشکیل جلسات مباحثه یکی از روشهای مدیریت و رهبری موثر در آموزش می باشد، که بخشی از این مسئولیت خطیر توسط اساتید و بخشی هم به عنوان فرایند آموزشی جهت پایش و ارزیابی سطح عملکرد و میزان تاثیر آموزش توسط مدیران جلوه می کند، در احادیث و روایات زیادی، اهل علم و جویندگان آن به مباحثه و مذاکره علمی فراخوانده شده اند، چنانچه مرحوم نراقی در جامع السعاده نقل می فرماید " که روزی پیامبر خطاب به ابوذر فرمودند، یک ساعت مذاکره علمی نزد خدا محبوب تر از هزار شب نماز شب خواندن و یک ساعت مذاکره و مباحثه علمی فضایلش بیشتر از هزار غزوه و جنگ در رکاب پیامبر است و همچنین دانشمندانی نظیر "مکشی" به نقش و جایگاه مباحثه در علوم توصیه های بسیار ارزشمندی دارند که نشان از تاثیر این کار بزرگ است و مدیران آموزشی می توانند بستری فراهم کنند که به عنوان روش جاری آموزش در دانشگاه ها عملیاتی شود. هدف از این مطالعه بررسی نقش و جایگاه مباحثه در بهبود اهداف آموزشی با رویکرد (مدیرمحوری) و هدایت در آموزش و کیفی کردن آموزش با روش مذاکره و مباحثه در کلاس می باشد.

روش: این مطالعه به صورت توصیفی انجام و جامعه آماری را ۲۰۰ نفر از دانشجویان واساتید دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه تشکیل داده اند، از پرسشنامه برای جمع آوری اطلاعات استفاده و داده ها با بهره گیری از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: باتوجه به نتایج مطالعه موارد، مشارکت در بحث و تشدید فعالیت ذهنی ۸۵٪، تشویق و ترغیب دانشجو به گفتگو در کلاس و کسب آمادگی فکری و ذهنی ۸۵٪، ایجاد جو صمیمیت و تفاهم و تعامل در کلاس بحث ۵۸٪، ایجاد فضای آزاد در کلاس به منظور بیان نظرات دانشجو در زمینه بحث ۷۵٪، رقابت سالم در بحث و استفاده از توانمندی طرفین ۸۲٪، را به خود اختصاص دادند.

بحث و نتیجه گیری: نظر به اهمیت امر مباحثه و مذاکره علمی در کلاس درس و فواید ناشی از آن ضرورت دارد مدیران در سطوح مختلف آموزشی در مراکز آموزشی و درمانی تدابیری ایجاد کنند که سازوکار لازم در این زمینه فراهم شود و جلسات توجیهی با حضور اساتید و دانشجویان در خصوص نقش و جایگاه آنان در تبیین راهکارهای منطقی و درست گذاشته شود. از آنجائیکه یکی از اقدام های شاخص و برجسته مدیران ایجاد تحولات جدید در انتقال مفاهیم به شکل محققانه با مشارکت جمعی می باشد، لذا پیشنهادات زیر ارائه می گردد: ۱- ایجاد جو تفاهم و هم فکری در جهت تشویق و ترغیب دانشجویان به بحث در کلاس و آمادگی ذهنی و فکری بیشتر. ۲- استفاده از معلومات و توانمندی ذهنی دانشجویان در شکل بهتر اداره کلاس. ۳- تحرک جدی در کلاس و جلوگیری از کسل شدن روح و جسم دانشجو و در نهایت به کار گیری افکار به صورت جمعی

کلیدواژه ها: مباحثه - مدیر - اهداف - آموزش

(S.44Pos.7) نشست: ۴۴، پوستر: ۷

اهمیت حاکمیت و رهبری از دیدگاه هرسی و بلانچارد

حمیده خلقی فرد^{*}، نسرين دهقانی، علی عباسی

* مسئول برنامه ریزی آموزشی دانشگاه علوم پزشکی - یاسوج - مرکز توسعه آموزش پزشکی mkho_59@yahoo.com

مقدمه: در سه دهه گذشته، کاربرد علوم مدیریت در علوم پزشکی به حدی بوده است که هم اکنون حتی تصوری این دو موضوع اساسی علم، امکان پذیر نیست. از جمله مهمترین اطلاعات و علمی که می تواند مدیران سازمان را در جهت رسیدن به اهداف عالی یاری نماید، آگاهی نسبت به سبک های رهبری می باشد که استفاده از سبک های مختلف رهبری، خود نیازمند آگاهی نسبت به علوم مربوط به نحوه رفتار با کارکنان هدایت و سرپرستی است که از وظایف کلیدی و مهم مدیران به حساب می آیند. شناسایی الگوهای رفتاری مدیران (سبک های رهبری) نقش مهمی در اثربخشی امور سازمانی دارد. در این مقاله مروری، سعی گردیده چهار سبک رهبری هرسی و بلانچارد بیان گردد.

روش: با توجه به اهمیت سبک های رهبری و انجام مطالعات وسیع و مرور سیستماتیک سعی گردید که نظریات هرسی و بلانچارد در این زمینه مطرح گردد.

یافته‌ها: یکی از متداول‌ترین الگوهای رهبری توسط هرسی و بلانچارد ارائه شده است که نظریه اقتضایی نامیده می‌شود. در این الگو زیردستان (پیروان) یک رهبر مورد توجه هستند و موفقیت یا اثربخشی یک رهبر در گرو شرایط محیطی و درونی سازمان، سطح آمادگی پیروان و پذیرش رهبر توسط آنها می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری: سبک رهبری در تئوری هرسی و بلانچارد بر ترکیب رفتار وظیفه‌گرا تأکید دارد. رفتار وظیفه‌گرا با سعی در انجام وظایف الگوهای سازمانی معین و دقیق، کانال‌های ارتباطی و روش‌های کار موفقیت‌آمیز مشخص می‌شود. سازمان‌های پیچیده، استراتژی‌های مختلفی را برای ارائه خدمات بهداشتی- درمانی اجرا می‌کنند. این استراتژی‌ها بستگی به عوامل مختلفی نظیر مهارت حرفه‌ای، تکنیک‌ها و فن‌آوری‌های پیشرفته، وضعیت جامعه و وضعیت سازمان‌های دیگر دارد.

کلیدواژه‌ها: سبک‌های رهبری، اهداف، هرسی و بلانچارد

(S44PoS..8) نشست: ۴۴، پوستر: ۸

بررسی تیپ‌های شخصیتی مدیران مؤثر در دانشگاه علوم پزشکی تبریز

حکیمه حضرتی*، کریم نظری، فریبا سالک‌رنجبرزاده، سیروس دبیر، سوسن حسن‌زاده سلماسی
* کارشناس آموزش مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی تبریز- تبریز- خیابان دانشگاه- مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

مقدمه: مهارت‌های مدیران مؤثر، نقش کلیدی در بهبود وضع ادارات دارد. یکی از مهارت‌های لازم جهت تعاملات مطلوب با محیط اجتماعی انعطاف‌پذیری روان‌شناختی فرد در جهت حذف عوامل استرس‌زای محیطی می‌باشد. در اکثر مقالات مشاهده می‌شود افرادی با ویژگی‌های روان‌شناختی معین که به آن تیپ‌های شخصیتی A و B می‌گوییم به طور متفاوت عمل می‌کنند. افراد تیپ A، مبارزه‌جو، رقابت‌پیشه، بی‌حوصله و پرخاشجو هستند و در مقابل، افراد تیپ B مسائل را آسان گرفته، بیشتر به کیفیت می‌اندیشند و منظم و محتاط هستند. شناسایی مدیران از لحاظ خصوصیات رفتاری از نظر آسیب‌پذیری در مقابله با استرس‌های محیطی امری مهم است تا برنامه‌ریزی مناسب جهت بهبود وضع مدیریتی باشد. هدف از این تحقیق بررسی تیپ‌های شخصیتی مدیران مؤثر دانشگاه علوم پزشکی تبریز می‌باشد.

روش: این مطالعه از نوع تحلیلی است که به وسیله دو پرسش‌نامه روا و پایایی مدیران مؤثر و تیپ‌های شخصیتی بود و جامعه آماری ۱۰۰ نفر از اعضای هیئت علمی که از طریق نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده بودند می‌باشد و داده‌ها از طریق نرم‌افزار SPSS و تست Chi-Square رابطه بین مدیران مؤثر و تیپ‌های شخصیتی، مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: ۷۵٪ مدیران با تیپ A و ۷۵٪ مدیران با تیپ متعادل مابین B و A مؤثر بودند. رابطه بین تیپ شخصیتی و مدیران مؤثر از طریق تست Chi-Square مورد بررسی قرار گرفت و رابطه معناداری مشاهده نشد. بنابراین تیپ شخصیتی در این مطالعه تأثیری بر مدیریت مؤثر ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج به‌دست آمده توزیع پراکندگی مدیران مؤثر در دانشگاه علوم پزشکی با توجه به تیپ شخصیتی آنان به‌صورت مساوی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: تیپ شخصیتی، مدیران مؤثر، دانشگاه علوم پزشکی تبریز

(S.44Pos.9) نشست: ۴۴، پوستر: ۹

مدیریت کارآموزی در عرصه (پزشکی جامعه‌نگر) دانشکده‌های دانشگاه علوم پزشکی شیراز با طراحی logbook و course plan طی سال‌های ۱۳۸۷ الی ۱۳۸۸

آسیه صالحی*، نورالهدی فخرزاد

* کارشناس ارشد دانشگاه علوم پزشکی شیراز- خیابان زند، دانشکده پزشکی، ساختمان شماره ۳، مرکز مطالعات و توسعه آموزش
nasim.salehi@gmail.com

مقدمه: مدیریت کارآموزی در عرصه (پزشکی جامعه‌نگر) دانشکده‌های دانشگاه علوم پزشکی شیراز با طراحی Log book و Course plan، طی سال‌های ۱۳۸۷ الی ۱۳۸۸ مقدمه: آموزش عملی رشته‌های علوم پزشکی به سبب نیاز به عرصه‌های متنوع یادگیری در گستره وسیع و شکل‌گیری مسایل مرتبط با سلامت و بیماری مردم، نسبت به سایر آموزش‌ها از ویژگی‌های خاصی برخوردار است. اهداف آموزش جامعه محور به آموزش بر مبنای مشکلات سلامت اولویت‌دار جامعه‌ای که سازمان در آن قرار دارد متمرکز است. قراردادن جامعه در کوریکولوم آموزشی سازمان، با هدف توجه به مشکلات سلامت، و درگیر نمودن دانشجویان به عنوان متخصصان سلامت، تحت عنوان پزشکی جامعه‌نگر از ضروریات هر جامعه می‌باشد، که منجر به افزایش ارتباط آموزشی دانشجویان با نیازهای جامعه گردیده و از این طریق می‌توان گامی در جهت کاستن مشکلات مرتبط با سلامت جامعه برداشت. پژوهش حاضر با هدف مدیریت کارآموزی در عرصه دانشکده‌های دانشگاه علوم پزشکی شیراز از طریق طراحی Log book و Course plan، طی سال‌های ۱۳۸۸ الی ۱۳۸۷ صورت گرفته است.

روش: مدیریت کارآموزی در عرصه دانشکده‌های دانشگاه علوم پزشکی شیراز در دو مرحله صورت گرفت؛ بنابر روال معمول در ابتدا وضعیت جاری برنامه‌ریزی آموزشی دانشکده‌های دانشگاه علوم پزشکی شیراز مورد بررسی قرار گرفت و سپس کارگاه‌هایی به صورت اختصاصی جهت هفت دانشکده (پیراپزشکی، دندانپزشکی، داروسازی، مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی، پرستاری و مامایی، بهداشت و تغذیه، توانبخشی) در خصوص چگونگی برنامه‌ریزی آموزشی جهت کارآموزی‌ها و کارورزی‌ها طبق استانداردهای موجود، برگزار گردید و مشاوره‌های لازم در این زمینه به آنها داده شد. در مرحله بعد course plan و log book های طراحی شده توسط دانشکده‌ها مورد بررسی و تأیید قرار گرفت.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش، بیانگر این موضوع است که در ابتدای سال ۱۳۸۷، هفت دانشکده مورد تحقیق دانشگاه علوم پزشکی شیراز جهت اجرای برنامه پزشکی جامعه‌نگر خود، (کارآموزی و کارورزی‌ها) برنامه سازمان یافته‌ای به صورت log book و course plan نداشته که با برگزاری کارگاه‌ها و جلسات متعدد آموزشی در انتهای سال ۱۳۸۸ شاهد افزایش تعداد book log و course plan جهت تمامی کارآموزی‌ها به شرح زیر بودیم: تعداد کارآموزی‌ها و کارورزی‌های رشته رادیولوژی دانشکده پیراپزشکی ۸ کارآموزی بوده که تعداد log book و course plan های تهیه شده جهت این کارآموزی‌ها از سال ۸۷ الی ۸۸ از ۱ به ۷ افزایش یافته است. رشته کارشناسی پرستاری و رشته مدارک پزشکی به ترتیب دارای ۱۵ و ۳ کارآموزی بوده که تعداد book log و course plan های تهیه شده جهت این کارآموزی‌ها به ترتیب از سال ۸۷ الی ۸۸ از ۳ به ۱۵ و از ۰ به ۳ افزایش یافته است. رشته علوم آزمایشگاهی دارای یک کارآموزی با ۱۳ زیرمجموعه مجزا و رشته فیزیوتراپی دانشکده توانبخشی دارای ۱۰ کارآموزی بوده که تعداد book log و course plan های تهیه شده از سال ۸۷ الی ۸۸ به ترتیب از ۰ به ۱۳ و از ۰ به ۱۰ افزایش یافته است. رشته دندانپزشکی شامل ۵ کارآموزی بوده که تعداد book log و course plan های تهیه شده جهت این کارآموزی‌ها از سال ۸۷ الی ۸۸ از ۰ به ۵ افزایش یافته است. رشته کارشناسی پیوسته و ناپیوسته مامایی دارای ۷ کارآموزی و رشته کارشناسی ارشد مامایی نیز شامل ۷ کارآموزی بوده که تعداد book log و ساختار بالینی‌های تهیه شده جهت این کارآموزی‌ها از سال ۸۷ الی ۸۸ به ترتیب از ۲ به ۷ و از ۰ به ۶ افزایش یافته است. رشته داروسازی شامل ۴ کارآموزی و رشته کارشناسی مدیریت نیز شامل ۴ کارآموزی بوده که تعداد book log و course plan های تهیه شده جهت این کارآموزی‌ها از سال ۸۷ الی ۸۸ برای هر دو رشته از ۰ به ۴ افزایش یافته است. رشته کارشناسی ارشد مدیریت دارای ۲ کارآموزی بوده که این ارقام از سال ۸۷ الی ۸۸ از ۰ به ۲ افزایش یافته است. رشته بهداشت محیط دارای ۲ کارآموزی، رشته بهداشت عمومی ۴ کارآموزی، رشته بهداشت حرفه‌ای ۳ کارآموزی و رشته تغذیه دارای ۳ کارآموزی بوده‌اند که این ارقام از سال ۸۷ الی ۸۸ به ترتیب از ۰ به ۲، از ۰ به ۴، از ۰ به ۳ و از ۰ به ۳ افزایش یافته است.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به این که آموزش پزشکی جامعه‌نگر، نقشی وافر در نهادینه‌سازی دروس عملی به صورت کاملاً کاربردی و مطابق با نیازهای جامعه دارد و همچنین در افزایش توانایی دانشجویان در ورود به بازار کار بسیار مؤثر است، از این رو، دانشگاه



علوم پزشکی شیراز در مدیریت پزشکی جامعه‌نگر نسبت به سایر دانشگاه‌ها پیش قدم بوده است و از سال ۱۳۸۷ فعالیت‌های خود را به طور جدی آغاز نموده که منجر به برنامه‌ریزی مناسب در زمینه افزایش تعداد course plan و log book‌های دوره‌های عملی گردیده که این امر در نهایت به افزایش کنترل و نظارت هر چه بیشتر جهت اجرای دوره‌های عملی منتج می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: پزشکی جامعه‌نگر، برنامه درسی روزانه

(S.44Pos.10) نشست: ۴۴، پوستر: ۱۰

مهارت‌های تدریس در رهبران آموزشی دانشکده پزشکی دانشگاه شاهد

زهره جوهری^{*}، اشرف پیراسته

* مربی دانشکده پزشکی دانشگاه شاهد- تهران- بلوار کشاورز- خیابان شهید برادران عبدال-زاده- دانشکده پزشکی دانشگاه شاهد
jouhari42@yahoo.com

مقدمه: روش‌های تدریس به عنوان ابزاری مؤثر در ایجاد انگیزه برای یادگیری و ارتقاء آن در دانشجویان محسوب می‌گردند. این مطالعه با هدف بررسی مهارت‌های تدریس در اعضای هیئت علمی پایه و بالینی دانشکده پزشکی دانشگاه شاهد طراحی و اجرا گردیده است. **روش:** در این مطالعه به‌منظور بررسی روش‌های تدریس اعضای هیئت علمی دانشکده پزشکی پرسش‌نامه‌ای تهیه و پس از اعتبارسنجی با روش دلفی در اختیار اعضای هیئت علمی پایه و بالینی قرار گرفت. این پرسش‌نامه دو بخشی، پس از تکمیل از طریق Spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: از بین شرکت‌کنندگان ۳۹/۱ درصد مونث بوده‌اند. از نظر تخصص ۵۴/۳ درصد در گروه علوم پایه قرار داشتند. و ۳۴/۸ درصد در مقطع علوم پایه تدریس می‌نمودند. از نظر مرتبه علمی بیشترین فراوانی مربوط به گروه استادیار با فراوانی ۵۸/۷ درصد بود. میانگین سابقه تدریس ۱۳/۴۵ سال بود. از نظر عوامل مؤثر در روش تدریس نوع درس (عملی یا نظری) با ۴۴/۷ درصد بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده بود. روش سخنرانی شایع‌ترین روش تدریس بود و اسلاید با فراوانی ۳۷/۲ درصد بیشترین استفاده را در تدریس به خود اختصاص داده بود. ۸۴/۸ درصد از جامعه آماری دارای طرح درس بوده‌اند و ۴۵/۲ درصد آنان کارگاه‌های روش تدریس، طرح درس و ارزش‌یابی دانشجویان را گذرانده‌اند. سایر نتایج به‌صورت اجمال در متن مقاله آورده شده است.

بحث و نتیجه‌گیری: مهارت‌های تدریس و عوامل مؤثر در انتخاب و به‌کارگیری آنها به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در فرایند یاددهی و یادگیری محسوب می‌گردند. بر این اساس لازم است تا در مقاطع مختلف زمانی روش‌های موجود مورد ارزیابی و اصلاح قرار گیرند تا نقاط ضعف، اصلاح و نقاط قوت تقویت گردند این امر مستلزم پایش مداوم این فرایند از سوی اعضای هیئت علمی، مسئولین دانشگاه‌ها و سطوح بالاتر می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: دانشجویان، تدریس، دانشکده پزشکی، اعضای هیئت علمی

(S.44Pos.11) نشست: ۴۴، پوستر: ۱۱

نقش مدیران فرهنگی و فعالیتهای فوق برنامه در بهزیستی روانشناختی دانشجویان

خدیجه شریفی^۱، زهرا سوکی^۲، زهرا تقربی^۳، حسین اکبری^۴

۱- کاشان، جاده راوند، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی کاشان، دانشکده پرستاری و مامایی، sharifi81k@yahoo.com

۲- کاشان، جاده راوند، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی کاشان، دانشکده پرستاری و مامایی

۳- کاشان، جاده راوند، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی کاشان، دانشکده پرستاری و مامایی

۴- کاشان، جاده راوند، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی کاشان، دانشکده بهداشت، گروه آمار حیاتی

مقدمه: نقش مدیران فرهنگی و فعالیتهای فوق برنامه در بهزیستی روانشناختی دانشجویان مقدمه و هدف: بهزیستی روانشناختی و شادکامی موجب سلامت روانی و موفقیت‌های تحصیلی قشر فرهیخته جامعه می‌گردد. با توجه به اینکه شناسایی عوامل مؤثر بر نشاط در

محیط‌های دانشگاهی می‌تواند وضعیت دانشجویان و دانشگاه‌ها را ارتقا بخشد پژوهش حاضر پیرامون نقش مدیران فرهنگی و فعالیتهای فوق برنامه در بهزیستی ذهنی دانشجویان انجام شد.

روش: پژوهش مقطعی به طریق سرشماری بر روی ۴۴۵ دانشجوی شاغل به تحصیل در مقاطع کاردانی و کارشناسی دانشکده پرستاری و مامایی کاشان در نیمسال دوم ۱۳۸۵-۸۶ انجام شد. بعد از توجیه نمونه‌های مورد پژوهش جهت تعیین میزان نشاط از تست استاندارد آکسفورد (29) Oxford ماده ای استفاده شد. علاوه بر تست مذکور پرسشنامه ۳۱ سئوالی محقق ساخته در زمینه مشخصات دموگرافیک و فردی استفاده شد. داده ها با استفاده از آزمون T, ANOVA, من ویتنی یو و کراس کالوالیس مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: از مجموع ۴۴۵ دانشجوی ۳۴۶ مورد زن و ۹۹ نفر مرد با میزان نشاط به ترتیب $43/09 \pm 12/89$ و $44/42 \pm 14/93$ بودند. دانشجویان شرکت کننده در فعالیتهای فوق برنامه به‌طور معنی‌دار دارای نشاط بالاتری نسبت به بقیه دانشجویان بودند ($47/48 \pm 13/51$) در مقایسه با $41/56 \pm 12/92$ میزان نشاط دانشجویان روستایی بیش از شهری ($P \leq 0/01$) بوده است و با بهبود وضعیت اقتصادی میزان نشاط افزایش نشان داد ($P \leq 0/001$). مردان بیش از زنان در فعالیتهای فوق برنامه شرکت می‌کردند و دارای نشاط بالاتری بودند. دانشجویان بومی بیش از غیر بومی و روستایی بیش از شهری در فعالیتهای فوق برنامه شرکت می‌کردند.

بحث و نتیجه گیری: ایجاد و سازمان‌دهی فعالیتهای غیر درسی دانشجویان توسط مسئولان مدیران دانشگاه می‌تواند بهزیستی روانشناختی و به تبع آن سلامت روان و عملکرد تحصیلی و انگیزه یادگیری دانشجویان را که یکی از اهداف غایی تحصیل در آموزش عالی است ارتقا دهد. کلمات کلیدی: فعالیتهای فوق برنامه، بهزیستی روانشناختی دانشجویان

کلیدواژه‌ها: فعالیتهای فوق برنامه، بهزیستی روانشناختی دانشجویان، مدیران فرهنگی دانشگاه

(S.45Pos.1) نشست: ۴۵، پوستر: ۱

اهمیت محیط آموزش از دید مدیران آموزش: چه محیط‌های جدید آموزشی در آینده باید جهت آموزش تهیه و طراحی گردد.

دکتر محسن مقدمی، دکتر میترا امینی، دکتر جواد کجوری، فرهاد لطفی، زهره اسماعیل زاده، دکتر محمد رحیم کدیور
دانشگاه علوم پزشکی شیراز

مقدمه: یکی از عوامل مهم در آموزش و یادگیری، محیط آموزشی مناسب است. ویگوتسکی یکی از معروف‌ترین نظریه‌پردازان رشد شناختی معتقد است که یکی از عوامل مهم یادگیری کنش متقابل میان یادگیرنده و محیط اجتماعی او است. به نظر می‌رسد اگر مطالب درسی رشته‌های پزشکی در محیط مناسب آموزش داده شود موجبات رشد ذهنی دانشجویان و توانمندسازی آنان بیشتر فراهم می‌گردد در این تحقیق برآنیم که از دید مدیران آموزش اهمیت طراحی محیط‌های جدید آموزشی در دانشگاه علوم پزشکی شیراز را بررسی نمائیم.

روش: برای انجام این پژوهش، ابتدا با استفاده از رأی‌گیری مهم‌ترین اولویتهای توسط صاحب‌نظران آموزش پزشکی تدوین گردید. سپس پرسش‌نامه‌ای معتبر و پایا مشتمل بر این اولویتهای با نمراتی از مقیاس ۱۰-۱ تهیه و توسط اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز تکمیل گردید. داده‌ها پس از جمع‌آوری توسط نرم‌افزار آماری SPSS ۱۴ آنالیز گردید.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داده است که از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز، افزایش کتابخانه و منابع الکترونیک با میانگین ۸/۳۱ از ۱۰ و تقویت آموزش مداوم پزشکی (Education Continuous Medical)، آموزش درمانگاهی سرپایی (Ambulatory Care Teaching Center Clinical) با میانگین ۷/۹۷ و ارتقاء محیط‌های آموزشی جامعه آموزشی، درمانگاهی و علوم پایه با میانگین ۷/۷۹ به ترتیب بیشترین اولویت و به نسبت، کم‌ترین اولویت را ارتقاء برنامه‌های آموزشی بین رشته‌ای و ایجاد محیط‌های coffee shop آموزشی جهت اساتید و دانشجویان با میانگین ۷/۴۴ دارد.

بحث و نتیجه‌گیری: امکانات و محیط آموزشی نقش به‌سزایی در افزایش یادگیری و تعمیق دانش و همچنین انجام پژوهش‌های کاربردی دارد. و برای دستیابی به این مهم بایستی با گسترش کتابخانه و منابع الکترونیک، آموزش مداوم پزشکی (Continuous Medical Education)، آموزش درمانگاهی سرپایی (Ambulatory Care Teaching Center) و ارتقاء محیط‌های آموزشی جامعه آموزشی، Clinical، درمانگاهی و علوم پایه بیشتر مد نظر قرار گیرد و اساتید بایستی به این موضوعات که می‌تواند تأثیر زیادی در یادگیری طولانی مدت دارد، اهتمام لازم داشته باشند.

کلیدواژه‌ها: محیط آموزشی، افزایش کتابخانه

(S.45Pos.2) نشست: ۴۵، پوستر: ۲

مدیریت کیفیت جامع و آموزش مدرسان

اشرف السادات حکیم

دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز

آموزش یک بعد ضروری فرایند مدیریت کیفیت جامع، به شمار می‌رود. از طرف دیگر، کیفیت آموزش نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه منابع انسانی و توسعه سازمانی ایفا می‌کند. آموزش با کیفیت به چگونگی آموزش دلالت دارد که در این رابطه به منظور ارتقاء کیفیت نظام آموزش مدرسان و تحقق مدیریت کیفیت جامع در بخش آموزش می‌توان اصول مدیریت کیفیت جامع را که توسط صاحب‌نظران مختلف ارائه شده است، مبنا قرار داد. در این راستا استفاده از اصول دمنینگ در طراحی مدل مدیریت کیفیت جامع برای حوزه نظام آموزش مدرسان به صورت ذیل از اهمیت به سزایی برخوردار است. ۱- اهداف نظام آموزش مدرسان را مشخص سازید و کوشش‌های نظام را از طریق بهبود مستمر فعالیت‌ها به سوی آن اهداف هدایت کنید. ۲- جهت توسعه نظام آموزش مدرسان، روش‌های جدید کار را بپذیرید. ۳- نظام ارزش-یابی آموزشی را متحول سازید. ۴- افزایش کارایی نظام آموزش مدرسان را به طور مستمر مورد نظر قرار دهید. ۵- به طور مداوم فرآیندهای نظام آموزش مدرسان را بهبود بخشید. ۶- به منظور اثربخش ساختن فرایند آموزش، به ارتقاء دانش و توانایی مدرسان و کارشناسان آموزش پردازید. ۷- نقش یاری‌دهنده نظام آموزش مدرسان را بر عهده داشته باشید نه ناظر و بازدارنده. ۸- ترس از ارتکاب اشتباه را در محیط کار از بین ببرید. ۹- موانع ارتباطی بین سطوح و واحدهای مختلف نظام آموزش مدرسان را حذف کنید. ۱۰- از ذکر شعارهای دور از عمل خودداری کنید و روش‌های غیراثربخش را در نظام آموزش مدرسان به کار نبرید. ۱۱- اهداف کیفی را جایگزین اهداف کمی کنید. ۱۲- موانع موجود بر سر راه فعالیت بیشتر افراد در زمینه آموزش و یادگیری را از بین ببرید. ۱۳- برنامه آموزش مداوم را برای تمام اعضاء نظام آموزش مدرسان فراهم سازید تا همه آنان در انجام وظایف شان توانا تر شوند. ۱۴- برای بهبود مستمر نظام آموزش مدرسان (جهت تحقق هدفهای آن)، ساختار مدیریت آن را آشکار کنید.

کلیدواژه‌ها: مدیریت کیفیت جامع، آموزش مدرسان

(S.45Pos.3) نشست: ۴۵، پوستر: ۳

دیدگاه مدیران دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران نسبت به معیارهای**رهبری در آموزش**زهره فرح نژاد^{*}، بابک شکارچی، پروین زارعیان، جواد یزدان‌جو^{*} دکترای، دانشگاه علوم پزشکی ارتش، تهران، علوم پزشکی ارتش، دانشکده پزشکی - دفتر EDO

zfarahnejad@yahoo.com

مقدمه: عصر حاضر را عصر مدیریت و رهبری می‌نامند. موفقیت نهادها و سازمان‌ها به میزان زیادی بستگی به کارایی و اثربخشی رهبران و مدیران این مراکز دارد. از آنجا که رشد مراکز آموزشی مدیون داشتن رهبران آموزشی شایسته می‌باشد، تعیین معیارهای مناسب برای انتخاب چنین رهبران آموزشی اهمیت ویژه‌ای دارد. هدف مطالعه حاضر بررسی نظرات مدیران آموزشی دانشگاه علوم پزشکی ارتش در خصوص معیارهای رهبری در آموزش می‌باشد.

روش: در این مطالعه توصیفی-تحلیلی، نظریات ۲۰ نفر از مدیران آموزشی دانشگاه علوم پزشکی ارتش در رابطه با ۱۰ معیار رهبر آموزشی بررسی شد. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS ۱۳ و آنالیز آماری Kruskal-Wallis مورد بررسی قرار گرفت و مهم‌ترین معیارهای یک رهبر آموزشی از دید مدیران آموزشی این دانشگاه استخراج گردید.

یافته‌ها: نتایج این مطالعه نشان داد که از نظر مدیران آموزشی دانشگاه مهمترین ویژگی‌های یک رهبر آموزشی به ترتیب اولویت شامل موارد ذیل بود: ۱- اعتماد به نفس، حسن خلق و رفتار حسنه ۲- استفاده از نظرات جمعی و گروه‌مداری ۳. انسان‌گرایی و دین‌گرایی

۴- هوشمندی و آینده‌نگری ۵- قدرت مرجع و الگو بودن ۶- داشتن تحصیلات و توانایی‌های تخصصی ۷- سابقه مدیریتی و اجرایی ۸- آشنایی با فن آوری روز ۹- تغییر و تحول در خط و مشی‌ها ۱۰- نوآوری و انگیزه بین مورد ۱۰ با موارد ۱، ۲، ۴، ۶، ۷، ۸ و بین مورد ۱ با موارد ۸، ۹، ۱۰ و بین مورد ۴ و ۹ اختلاف آماری معنادار وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری: رهبر آموزشی کسی است که دارای ویژگی‌های انسانی- فردی و اجتماعی ممتاز باشد.

کلیدواژه‌ها: معیارهای رهبر آموزشی، مدیران آموزشی، دانشگاه

(S.45Pos.4) نشست: ۴۵، پوستر: ۴

ارزش‌یابی دروس، مقدمه‌ای برای تقویت رهبری در محیط آموزشی

میترا دادمان*، مصطفی دهقانی، مریم تیموری، طاهره چنگیز، نیکو یمانی، اکبر حسن‌زاده

* مربی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، مرکز تحقیقات علوم پزشکی dadman@nm.mui.ac.ir

مقدمه: امروزه وجود سیستم ارزش‌یابی برنامه درسی در مؤسسات آموزشی به‌عنوان یکی از شیوه‌های اساسی برای ارزیابی فرآیندهای یاددهی- یادگیری، ارائه نیم‌رخ از چگونگی رهبری در کلاس درس و ارائه پیشنهاداتی برای اصلاح فرآیندهای آموزشی، توسط سیستم پایش مستمر دروس، در اغلب دانشگاه‌های دنیا استقرار یافته است. مطالعه حاضر با هدف ارزش‌یابی دروس نظری و بالینی و مقایسه نتایج، در سه گروه آموزشی دانشکده پزشکی اصفهان در جهت بررسی و اصلاح فرآیندهای آموزشی در کلاس درس صورت پذیرفت.

روش: این مطالعه یک پژوهش توصیفی تحلیلی به‌صورت مقطعی بوده که در سه گروه داخلی، جراحی و بیهوشی دانشکده پزشکی اصفهان انجام شد. از آنجا که گروه داخلی نیز دارای پنج زیرگروه فوق تخصصی، روماتولوژی، گوارش، نفرولوژی، هماتولوژی و غدد می‌باشد، نتایج به‌صورت مجزا اعلام خواهد شد. ابزار گردآوری داده‌ها، دو پرسش‌نامه دروس نظری و بالینی بود که پنج حیطه اصلی برنامه درسی یعنی شناسنامه، اهداف، محتوا، روش ارائه و چگونگی ارزش‌یابی دانشجویان را مورد سنجش قرار می‌داد. پرسش‌نامه‌ها به‌صورت حضوری در اختیار کلیه دانشجویانی که مشغول گذراندن دوره کارآموزی بالینی بودند قرار گرفت و پس از تکمیل، جمع‌آوری گردید. داده‌های بدست آمده با استفاده از نرم‌افزار SPSS ویراست ۱۱/۵ و ۲/۴۱، وضعیت پایین‌تری نسبت به سایر گروه‌ها داشته‌اند ($P=91/20/001$) و در حیطه ارزش‌یابی نیز گروه روماتولوژی ($P=88/20/90$)، در حیطه روش ارائه گروه روماتولوژی ($P=60/21/003$)، در حیطه محتوا گروه روماتولوژی ($P=15/30/80$)، در حیطه اهداف گروه جراحی ($P=11/04$) آزمون آنالیز واریانس یک‌طرفه تجزیه و تحلیل گردید.

یافته‌ها: در مجموع ۳۷۰ پرسش‌نامه بازگردانده شد (۹۵٪). گروه گوارش با ۹۷ نفر بیشترین و گروه جراحی با ۳۴ نفر کمترین تعداد پرسش‌نامه را تکمیل کردند. نتایج گویای آن بود که گروه بیهوشی در تمامی پنج حیطه وضعیت بهتری داشته است. در حیطه شناسنامه درس گروه روماتولوژی ($P=0/97$). مقایسه دروس نظری و بالینی نشان داد در حیطه اهداف و با کمی اغماض، در حیطه روش‌های ارائه درس، دروس نظری به ترتیب با ($P=0/001$) و ($P=0/08$) وضعیت بهتری داشته‌اند. در سایر حیطه‌ها بین دروس نظری و بالینی اختلاف معنی‌داری مشاهده نشد.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج مطالعه کنونی و مقایسه حیطه‌های پنج‌گانه در هفت گروه انتخابی می‌توان دریافت که اساتید، به انجام وظایف اصلی فرآیندهای یاددهی و یادگیری که از مهمترین عوامل موفقیت در محیط‌های آموزشی است، علاقه‌مند می‌باشند. نامناسب بودن وضعیت برخی از حیطه‌ها در زیرگروه‌های داخلی می‌تواند ناشی از فوق تخصصی بودن ماهیت این گروه‌ها باشد، این نکته با توجه به این‌که پاسخ‌دهندگان دانشجویان کارآموزی بالینی رشته پزشکی عمومی بوده‌اند منطقی به نظر می‌رسد، چرا که از یک طرف مباحث فوق تخصصی با نیازها و سطح علمی دانشجویان سازگار نبوده، و از طرف دیگر اساتید از نیازهای دانشجویان بی‌اطلاع می‌باشند. بنابراین پیشنهاد پژوهش‌گر، تعیین اهداف یادگیری دانشجویان بر اساس نیازهای شغلی آینده فراگیران، و نیز سطح دانش فعلی آنها می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: رهبری آموزشی، ارزش‌یابی برنامه، ارزش‌یابی دروس

(S.45Pos.5) نشست: ۴۵، پوستر: ۵

بررسی نقش آموزش در مدیریت مراکز بهداشتی درمانی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

سعید عبدالملکی^{*}، پروانه عبدالملکی

^{*} کارشناس ارشد سازمان صنایع و معادن - کرمانشاه، بلوار شهید بهشتی، محوطه بیمارستان طالقانی، پشت کتابخانه مرکزی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی abdolmalekisaeed@yahoo.com

مقدمه: امروزه پیشرفت و توسعه کشورها، سازمان‌ها و مؤسسات کوچک و بزرگ در گرو علم و دانش بشری است. زیرا بنای توسعه کشورها و سازمان‌ها با خلاقیت و نوآوری منابع انسانی مرتبط است. در مراکز بهداشتی - درمانی که رسالت حفظ، تأمین و نگهداری اعتلای سلامت، کنترل و پیشگیری از بیماری‌ها را بر عهده دارند این نیاز بیشتر احساس می‌شود. با این منطق که یکی از اجزاء مهم مراکز بهداشتی - درمانی، مدیریت است، مدیران این بخش باید خود را با تغییرات و پیشرفت‌ها هماهنگ و همگام سازند. توسعه روش‌های آموزشی گامی در افزایش آگاهی مدیران و بهره‌دهی مراکز بهداشتی درمانی است. هدف از این مطالعه بررسی نقش آموزش در مدیریت مراکز بهداشتی و درمانی و همچنین میزان تأثیرگذاری آموزش در بهبود عملکرد مدیران در دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه می‌باشد.

روش: این مطالعه به صورت توصیفی انجام و جامعه آماری را ۲۱۰ نفر از مدیران مراکز آموزشی درمانی که دوره‌های آموزش ضمن خدمت را گذرانده بودند تشکیل دادند. برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه که روایی و پایایی آن نیز مورد تأیید قرارگرفت استفاده شد. داده‌ها، پس از جمع‌آوری با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS، مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج این بررسی نشان داد که روش‌های فعال آموزشی نظیر هم‌افزایی ۷۵٪، روش حل مسئله ۸۰٪، کارگاه آموزشی ۸۵٪، بارش فکری ۷۵٪، بحث جامع ۶۵٪ و بیشترین درصدها را به خود اختصاص دادند.

بحث و نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد با توجه به نقش کلیدی و مؤثر مدیران در مراکز بهداشتی - درمانی، اهتمام به برگزاری دوره‌های آموزش و لزوم بهره‌گیری از فضاهای مختلف علی‌الخصوص روش‌ها و متدهای خاص نظیر کارگاه‌های آموزشی یا به تعبیری هم‌اندیشی در حوزه و قلمرو مسئولیت می‌توان از، ظرفیت و پتانسیل نیروی انسانی کارآمد (مدیران آموزش) بهتر بهره جست. لذا برای وصول به این مهم باید گام‌های اساسی برداشته شود، از جمله ۱- برگزاری دوره‌های آموزشی متناسب با نیازمندی‌های مدیریتی ۲- توسعه روش‌های مؤثر آموزشی در سطوح و شقوق مختلف به صورت منطقه‌ای - محلی ۳- ایجاد یک سیستم پایش منظم در طول فعالیت‌های مدیران به منظور بهره‌گیری از توان و ظرفیت مدیران آموزش دیده.

کلیدواژه‌ها: نقش، آموزش، مدیریت

(S.45Pos.6) نشست: ۴۵، پوستر: ۶

بررسی دیدگاه‌های اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ارتش در مورد اصول کار تیمی

شهناز تفنگچی‌ها^{*}، دکتر محمدرضا رفیعی

^{*} استادیار دانشگاه علوم پزشکی ارتش، تهران خیابان فاطمی غربی، خیابان اعتماد زاده stofangchiha@yahoo.com

مقدمه: با توجه به این که مدیریت منابع انسانی یکی از پرچالش‌ترین بخش وظایف مدیریت است و موفقیت در هر کاری میسر نمی‌گردد مگر با همکاری و هماهنگی همه‌ی گروه، ایجاد و توسعه فرهنگ کار تیمی در یک سازمان، یکی از فاکتورهای مهم در موفقیت تیم است. در این راستا بر آن شدیم تا دیدگاه اعضای هیئت علمی را در مورد اصول کار تیمی جویا شویم.

روش: این مطالعه به صورت کیفی - تحلیلی به منظور ایجاد فرصتی برای به بحث کشیدن نظرات اساتید در زمینه کارهای تیمی و بررسی مشکلات موجود در کارهای تیمی و ایجاد همدلی و رفع مشکلات طراحی شد و با پرسش‌نامه‌ای از همکاران خواسته شد نظرات خود را در مورد اصول کار تیمی به ترتیب اهمیت بیان کنند. تا در مراحل بعدی این نظرات به بحث گروهی کشیده شده و در جهت رفع مشکلات اقدام شود.

یافته‌ها: در ابتدا ۳۰ نفر از اعضای هیئت علمی به این پرسش‌نامه پاسخ دادند که نتایج آن به شرح زیر است. اصول پیشنهادی از طرف همکاران به سه زیر گروه اصلی تقسیم می‌شد: ۱- مدیریت ۲- ویژگی‌های اعضای گروه ۳- اهداف گروه در زمینه ویژگی‌های مدیریتی.

مهمترین فاکتورهای مطرح شده به شرح ذیل می‌باشد: الف) تقسیم کار منصفانه و استفاده از همه اعضا با تعیین وظیفه مشخص ۷۳٪ ب) تعیین مدیر لایق و کارآمد ۴۳٪ پ) بازبینی و بازنگری روند حرکت گروه، در جهت رسیدن به اهداف، توسط مدیر گروه و مسئولین ۴۰٪ ت) توجیه اعضای گروه در مورد اهداف تعیین شده ۳۳٪ ث) تشویق هدف‌مند افراد فعال (شایسته سالاری) ۳۳٪ ج) در زمینه ویژگی‌های اعضای گروه مهم‌ترین فاکتورهای مطرح شده به شرح ذیل می‌باشد: الف) هماهنگی و هم‌فکری گروه با هم ۵۰٪ ب) حس همکاری جمعی ۳۰٪ پ) نظم‌پذیری گروه ۲۳٪ ت) وجود روابط صمیمانه و دوستانه ث) عدم دخالت در کار دیگران و احترام به همدیگر د) الویت دادن به منافع گروه ذ) مسئولیت‌پذیری ر) هم‌رتبه و هم‌رشته بودن گروه در زمینه اهداف گروه مهم‌ترین فاکتورهای مطرح شده به شرح ذیل می‌باشد: الف) تعیین اهداف کوتاه مدت و بلند مدت ۴۳٪ ب) برنامه‌ریزی صحیح

بحث و نتیجه‌گیری: واقعیت این است که هر کدام از عوامل فوق به اذعان همه صاحب‌نظران تأثیر به‌سزایی در موفقیت یک کار-گروهی دارند و بر فرض تعیین مدیری واجد شرایط مدیریت و تعیین اهداف مشخص برای گروه، یکی از مؤثرترین فاکتورها خود گروه است که باید ویژگی‌های لازم را برای کار تیمی به همراه داشته باشند که همکاران ما به خوبی به مواردی از آن اشاره کرده‌اند اما موارد دیگری هم مطرح شده است که بهتر است با ایجاد بحث‌های گروهی و توجیه افراد، این ویژگی‌ها را در گروه نهادینه کرد.

کلیدواژه‌ها: کار تیمی، مدیریت

(S.45Pos.7) نشست: ۴۵، پوستر: ۷

بررسی رابطه مهارت‌های سه‌گانه مدیران گروه‌های آموزشی با کیفیت آموزشی گروه‌های آموزشی دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز

دکتر رضا غفاری^{*}، فریبا سالک رنجبرزاده، دکتر سوسن حسن زاده سلماسی

^{*} پزشک عمومی مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی تبریز، تبریز، خیابان دانشگاه، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

مقدمه: ارتقاء کیفیت آموزشی رسالت اصلی مراکز آموزش عالی می‌باشد. هر جا سخن از کیفیت آموزشی است بحث مدیریت را نیز به‌دنبال دارد. چرا که، گسترش همه‌جانبه سازمان‌های آموزشی از جمله ارتقاء کیفیت آموزشی نیازمند وجود مدیران ماهر و توانمند است. لذا به‌منظور ارتقاء کیفیت گروه‌های آموزشی لازم است سطح مهارت‌های مدیریتی مدیران افزایش یابد. هدف این پژوهش بررسی رابطه مهارت‌های مدیریتی مدیران گروه‌های آموزشی با کیفیت آموزشی گروه‌ها است.

روش: در این مطالعه تحلیلی که از نوع همبستگی می‌باشد. مدیران تمام گروه‌های آموزشی دانشکده‌ها به‌صورت تمام شمار وارد مطالعه شدند. مهارت‌های سه‌گانه مدیران با استفاده از پرسش‌نامه محقق ساخته و کیفیت آموزشی گروه‌ها با استفاده از روش CIPO (درونداد، فرآیند، برونداد) مورد ارزیابی قرار گرفت. اطلاعات، با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS و آماره‌های توصیفی (درصد، میانگین و انحراف معیار) و آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید.

یافته‌ها: رابطه مستقیم و معنی‌داری بین مهارت فنی و اداری مدیران گروه‌های آموزشی با کیفیت آموزشی مشاهده گردید ($R = 0/49$ و $P = 0/002$ و $P = 0/042$). ولی بین مهارت روابط انسانی با کیفیت آموزشی در این دانشکده مشاهده نگردید.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج به‌دست آمده به‌منظور ارتقای کیفیت گروه‌های آموزشی باید سطح مهارت‌های فنی و اداری مدیران از طریق آموزش‌های تکمیلی و دوره‌های کاربردی و برگزاری کارگاه‌های آموزشی تقویت شود.

کلیدواژه‌ها: مهارت‌های سه‌گانه، مدیران، کیفیت آموزشی

(S.45Pos.8) نشست: ۴۵، پوستر: ۸

بررسی دیدگاه اعضاء هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز در زمینه رهبری آموزشی مدیران گروه‌ها در سال ۱۳۸۸-۱۳۸۷

هاجر دهقان*، فاطمه رحیمی، سرور اینالو

* کارشناس دانشگاه علوم پزشکی شیراز؛ شیراز، خ زند، دانشکده پزشکی hdehghan@sums.ac.ir

مقدمه: رهبری اثربخش گروه، یکی از مهم‌ترین وظایف مدیران گروه‌های آموزشی است. در تئوری و عمل، اثربخش بودن مدیران آموزشی موجب بهبود وضعیت آموزشی و فراهم آوردن زمینه برای توسعه اعضاء می‌شود. این مطالعه به منظور بررسی دیدگاه اعضاء هیئت علمی دانشکده پزشکی شیراز در زمینه رهبری آموزشی مدیران گروه‌های دانشکده پزشکی شیراز در سال ۸۸-۸۷ صورت پذیرفت.

روش: این مطالعه به صورت توصیفی-تحلیلی و به روش مقطعی انجام شد. ابزار جمع‌آوری، اطلاعات پرسش‌نامه مدون مرکز توسعه آموزش پزشکی بود که روایی آن از طریق نظرسنجی از متخصصین مربوطه تأیید شد و پایایی آن به روش همسانی درونی و محاسبه آلفای کرونباخ ارزیابی گردید ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۵ تعیین شد. پرسش‌نامه به صورت مکاتبه‌ای برای اعضاء محترم هیئت علمی دانشکده پزشکی که ۳۴۰ نفر بودند، ارسال شد. فرم‌های تکمیل شده بعد از جمع‌آوری با استفاده از نرم‌افزار Spss آمار توصیفی و استنباطی و ضریب همبستگی اسپیرمن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: میانگین و انحراف معیار رضایت‌مندی اعضاء هیئت علمی در زمینه رهبری آموزشی مدیران گروه‌ها با حداقل صفر و حداکثر ۲۰ ($1/89 \pm 17/85$) بود، ضریب همبستگی اسپیرمن بین سؤالات پرسش‌نامه کاملاً معنادار به دست آمد ($P=0/000$) مطابق نظرات اعضاء محترم هیئت علمی عملکرد مدیران گروه‌های آموزشی در زمینه‌های صرف زمان مناسب برای رسیدگی به امور گروه ($2/18 \pm 18/36$)، برقراری ارتباط مؤثر با سایر مدیران گروه‌های آموزشی و مسئولین دانشکده و دانشگاه ($2/04 \pm 18/34$)، برقراری ارتباط مناسب با فراگیران مقاطع مختلف و تلاش جهت حل مشکلات آنها ($2/06 \pm 18/30$) رعایت ضوابط و عدالت در زمینه برنامه‌ریزی فعالیت موظف اساتید ($2/24 \pm 18/07$)، استفاده از روش‌های مشارکتی در مدیریت گروه ($2/51 \pm 17/82$) برنامه‌ریزی مؤثر فعالیت‌های گروه ($2/51 \pm 17/82$)، برنامه‌ریزی و تلاش جهت بهبود سطح علمی اساتید و کیفیت آموزشی فراگیران ($2/48 \pm 17/28$)، ارزیابی شد.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج این مطالعه، مدیران گروه‌ها از لحاظ صرف زمان مناسب جهت رسیدگی به امور گروه و برقراری ارتباط مؤثر با سایر مدیران، وضعیت مطلوبی داشتند. از جهت دیگر ارتقاء اثربخشی عملکرد گروه‌ها نیازمند نظارت کافی بر عملکرد آموزشی و پژوهشی اساتید و ارائه بازخورد مناسب به آنها و برنامه‌ریزی و تلاش جهت بهبود سطح علمی اساتید و کیفیت آموزش فراگیران می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: رهبری آموزشی، گروه‌های آموزشی، مدیر گروه

(S.45Pos.9) نشست: ۴۵، پوستر: ۹

بررسی تأثیر عوامل شخصیتی و سازمانی در نوآوری مدیران آموزشی دانشکده پزشکی تبریز

دکتر ناصر صفایی^{۱*}، فریبا سالک رنجبرزاده^۲، دکتر رضا غفاری^۳، دکتر سوسن حسن زاده سلماسی^۴، کریم نظری^۵

* ۱- استادیار مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی تبریز- تبریز- خیابان دانشگاه- مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

۲- کارشناس ارشد پژوهش مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی تبریز- تبریز- خیابان دانشگاه- مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

۳- پزشک عمومی مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی تبریز- تبریز- خیابان دانشگاه- مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

۴- مسئول دوره‌های آموزشی مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی تبریز- تبریز- خیابان دانشگاه- مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

۵- کارشناس مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی تبریز- تبریز- خیابان دانشگاه- مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

مقدمه: نوآوری فرآیند هدایت شده‌ای در باب تولیدات و خدمات یک سازمان بوده و یکی از الزامات اساسی پیشرفت جوامع مخصوصاً درحیطه آموزش می‌باشد. تربیت مدیران نوآور در عرصه آموزش فرآیند توسعه را سریع‌تر نموده و شناسایی عوامل زمینه‌ای، مسئولین را در تربیت چنین مدیرانی یاری خواهد کرد. ازجمله عوامل مؤثر بر نوآوری مدیران عوامل شخصیتی و سازمانی است. این مطالعه به بررسی عوامل شخصیتی از منظر مرکز کنترلی و عوامل سازمان از منظر سبک‌های مدیریتی و تأثیر آنها بر نوآوری مدیران پرداخته است.

روش: در این مطالعه تحلیلی مدیران تمام گروه‌های آموزشی دانشکده وارد مطالعه شدند. عوامل شخصیتی با پرسش‌نامه راتنر، عوامل سازمانی با پرسش‌نامه سبک‌های مدیریت لوتانز و میزان نوآوری مدیران با پرسش‌نامه نوآوری اتلی ارزیابی شد. اطلاعات با نرم افزار آماری SPSS و آماره‌های توصیفی و رگرسیون چندمتغیره تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: مدیران از نوآوری بالایی برخوردار هستند ($17/12 \pm 76$). سبک رهبری به‌طور قابل توجهی ضابطه‌مدار می‌باشد. بین نوآوری و عوامل شخصیتی رابطه معنی‌داری مشاهده گردید ($R=0/69$ و $P=0/004$). درخصوص آزمون تأثیر هم‌زمان عوامل شخصیتی و سازمانی با توجه به تحلیل رگرسیون چندگانه هر دو عامل سازمانی و شخصیتی در مدل رگرسیونی باقی ماندند که ضریب همبستگی چندگانه آنها با نوآوری برابر $0/53$ با ضریب تبیین خالص برابر $0/52$ می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری: نتایج نشان داده که عوامل سازمانی و شخصیتی توانستند فقط ۵۲ درصد از واریانس نوآوری مدیران را تبیین کنند. این امر نشان می‌دهد که نوآوری، محصول عوامل مختلفی است که باید از طریق مطالعات دقیق‌تر مشخص شده و آموزش‌های لازم در این زمینه به مدیران آموزشی داده شود.

کلیدواژه‌ها: نوآوری، مدیران آموزشی، عوامل شخصیتی و سازمانی

(S.45Pos.10) نشست: ۴۵، پوستر: ۱۰

بررسی رضایت دانشجویان از ارزش‌یابی درس اعمال یدای مقطع PhD طب سنتی به شیوه میزگرد

حوریه محمدی کناری*، غلامرضا کردافشاری

*دکترای دانشگاه علوم پزشکی تهران - تهران، خیابان طالقانی، ابتدای قدس، دانشکده طب سنتی.

dr_hmohammadi@yahoo.com

مقدمه: برگزاری آزمون یکی از مهم‌ترین راه‌های اطمینان از دست‌یابی به اهداف آموزشی می‌باشد که به واسطه آن معلم می‌تواند از کسب مهارت‌ها و توانایی‌های لازم توسط دانشجو آگاهی یافته و ضعف‌ها و نواقص آموزشی را برطرف نماید. شیوه‌های رایج ارزیابی دروس تئوری اکثراً به‌صورت مکتوب و حاوی تعدادی سوال (MCQ, SAQ, ...) می‌باشند که بیشتر دانش، دانشجو را سنجیده و نمی‌توانند همه اهداف آموزشی به‌ویژه نگرش و مهارت‌های ذهنی آنان را بیازمایند. در حالی که در ارزیابی دانشجویان postgraduate نیازمند ارزش-یابی فرایندهای عالی ذهنی و سطوح بالای حل مسئله می‌باشیم. بدین منظور امتحان درس اعمال یدای و جراحی‌های صغیر رشته طب سنتی به صورت گروهی و شفاهی برگزار گردید. این مطالعه به منظور بررسی میزان رضایت دانشجویان از این شیوه طراحی گردید.

روش: ابتدا سؤالات مرتبط با اهداف آموزشی درس به صورت باز طراحی شد. دانشجویان نیز بر اساس حروف الفبا به ۶ گروه ۵ نفره تقسیم شدند و هر دانشجو با انتخاب یک شماره از سؤالات موجود، سؤال خود را انتخاب و به آن پاسخ می‌داد. سایرین به دقت به او گوش داده سپس اعضای حاضر در این میزگرد پیرامون پاسخ ارائه شده، به بحث می‌پرداختند تا همه گروه قانع شوند. در نهایت استاد و سایر دانشجویان و فرد پاسخ‌دهنده هر یک در فرم‌های جداگانه از لحاظ تسلط علمی، قدرت بیان و ارتباط بین مطالب ارائه شده نمره دادند که نمره استاد با ضریب ۳ و نظرات همکلاسان و خود دانشجو با ضریب ۱ به عنوان نمره نهایی دانشجو منظور گردید. در پایان فرم نظرسنجی در مورد رضایت دانشجویان از این شیوه ارزیابی به همه داده شد و اطلاعات بدست آمده با نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: طبق نتایج به‌دست آمده $71/42\%$ از دانشجویان معتقد بودند که این شیوه می‌تواند تسلط علمی (دانش) آنان را بسنجد و 75% معتقد بودند که نگرش آنان نسبت به موضوع درس را ارزیابی کرده و $96/42\%$ اعتقاد داشتند که قدرت بیان آنها را در تفهیم موضوع درس ارزیابی می‌کند. $46/42\%$ با قضاوت همکلاسان در مورد نمره خود موافق و $71/42\%$ نیز بر ضرورت برگزاری امتحان این درس به این صورت تأکید داشتند.



بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به رضایت بالای دانشجویان از اجرای این شیوه ارزیابی، سنجش نگرش و قدرت بیان دانشجو در تفهیم مطالب ضمن کاربرد دانش آموخته شده، پیشنهاد می‌گردد این شیوه برای ارزیابی دروس دیگری که نیاز به کاربرد بیشتر آموخته‌ها دارد به کار گرفته شود.

کلیدواژه‌ها: ارزشیابی، میزگرد، دانشجویان postgraduate

(S.45Pos.11) نشست: ۴۵، پوستر: ۱۱

بررسی رهبری در محیط آموزشی دانشکده بهداشت و تغذیه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی تبریز از نظر دانشجویان در سال تحصیلی ۸۹-۸۸

حبیب اله قمی*، علیرضا زادگان، حسن سلامی، شاپور نادرفام، مرتضی جباری، مالک قربان نیتی
*تبریز، خیابان، دانشگاه روبروی بیمارستان شهید مدنی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی،
habibollahghomi6@gmail.com

مقدمه: این مقاله مطابق با محور رهبری در محیط آموزشی نوشته شده است. رهبری آموزشی بیشترین تأثیر را بر پیشبرد برنامه‌های آموزشی در دانشکده‌ها دارد. برای ایجاد بستر مناسب و شرایط مطلوب، جهت حل مسائل آموزشی دانشکده بهداشت و تغذیه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی- درمانی تبریز، بررسی رهبری در محیط آموزشی این دانشکده ضروری است.

روش: این مطالعه به روش توصیفی تحلیلی و از نوع پیمایشی می‌باشد، جمع‌آوری اطلاعات از طریق ۱۵۰ پرسش‌نامه به صورت تصادفی ساده و حضوری در بین دانشجویان دانشکده بهداشت و تغذیه تبریز در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ انجام گرفته، که به تعداد ۹۲ پرسش‌نامه تکمیل و برگردانده شد، داده‌ها با برنامه SPSS و روش لیکرت و مقیاس‌های (خیلی کم=۱، کم=۲، زیاد=۳، خیلی زیاد=۴) تجزیه و تحلیل شدند. پایائی مطالعه بر اساس آزمون آلفای کرونباخ ۰/۹۱۳ می‌باشد.

یافته‌ها: نظرات دانشجویان این دانشکده در قالب پرسش‌نامه چهارگزینه‌ای دوازده سؤالی بررسی شد. دانشجویان به این سؤالات که در خصوص رهبری در محیط آموزشی معاون آموزشی دانشکده خود بود، پاسخ دادند. برون‌داده‌ها با میانگین توزیع فراوانی مطلق و اولویت‌بندی به تفسیر زیر از مقیاس ۴ به دست آمدند ۱- دارای مهارت برقراری ارتباط است ۳/۱۶، ۲- نسبت به کار خود، نگرش علمی دارد ۲/۹۷، ۳- با فرهنگ جامعه خود آشنایی کافی دارد ۲/۹۶، ۴- تفکر منطقی را اساس کار خود قرار می‌دهد ۲/۹۱، ۵- در زمینه آموزش تجربه کافی دارد ۲/۹۰، ۶- به نظرات دانشجویان اهمیت می‌دهد ۲/۸۸، ۷- به تعامل بین مسئولین آموزشی و دانشجو معتقد است ۲/۸۶، ۸- بین دانشجویان به عدالت رفتار می‌کند ۲/۷۸، ۹- برای ایجاد حس مشترک با دانشجویان همکاری می‌کند ۲/۷۳، ۱۰- برای حل مشکلات روانی و رفتاری دانشجویان کوشش می‌کند ۲/۷۳، ۱۱- مسائل و مشکلات روانی و رفتاری دانشجویان را درک می‌کند ۲/۷۱، ۱۲- در فرآیند آموزش صرفاً اهداف را بر دانشجویان تحمیل می‌کند ۲/۵۲

بحث و نتیجه‌گیری: در این مطالعه رهبری در محیط آموزشی معاون آموزشی دانشکده بهداشت و تغذیه دانشگاه علوم پزشکی تبریز بررسی و اولویت‌بندی شد. با عنایت به نظرات دانشجویان این دانشکده دارا بودن مهارت برقراری ارتباط به عنوان خصوصیت مثبت رهبری معاون آموزشی بیشترین میانگین را به خود اختصاص داد و تحمیل کردن اهداف بر دانشجویان به عنوان خصوصیت منفی برای معاون آموزشی دانشکده فوق دارای کمترین میانگین است.

کلیدواژه‌ها: رهبری در محیط آموزشی، توصیفی تحلیلی، ابزارهای جمع‌آوری

(S.45Pos.12) نشست: ۴۵، پوستر: ۱۲

بررسی محیط آموزشی بخش‌های بالینی اطفال بر اساس مدل DREEM از دیدگاه فراگیران در بیمارستان‌های آموزشی تخصصی تحت پوشش دانشگاه‌های علوم پزشکی تهران، سال ۱۳۸۸

جلیل کوهپایه زاده*، بهنام ثبوتی، سید کامران سلطانی عرب‌شاهی

* دانشیار دانشگاه علوم پزشکی ایران - تهران - بزرگراه همت - دانشگاه علوم پزشکی ایران، EDC

jkuhpayeh@yahoo.com

مقدمه: مؤسسات آموزشی برای ارزش‌یابی فعالیت‌های خود از ابزارهای متفاوتی استفاده می‌کنند. محیط و اتمسفر یا به عبارتی فضای حاکم بر آموزش روح و جلوه‌ای از فرایندهای یاددهی و یادگیری در برنامه درسی است که نشان می‌دهد تا چه حد برنامه‌ها و نیروی انسانی برای رسیدن به یک یادگیری دارای کیفیت، می‌توانند مؤثر باشند. الگوی Dundee Ready Education (DREEM) Environment) به‌عنوان یک ابزار تشخیصی برای بررسی مشکلات درسی و اثربخشی تغییر در آموزش به‌کار می‌رود. هدف از این مطالعه بررسی دیدگاه دستیاران و کارورزان نسبت به محیط آموزشی بخش‌های اطفال سه مرکز آموزشی درمانی ارجاعی مفید، مرکز طبی و حضرت علی اصغر (ع) با استفاده از الگوی DREEM می‌باشد.

روش: این مطالعه از نوع مقطعی و با استفاده از ابزار استاندارد DREEM و با مختصر تغییرات منطبق با فرهنگ ملی در بخش‌های اطفال ۳ مرکز آموزشی درمانی وابسته به دانشگاه‌های علوم پزشکی تهران (مرکز طبی)، شهید بهشتی (مفید) و ایران، حضرت علی اصغر (ع) به صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده توسط دستیاران و کارورزان بخش‌های مربوطه تکمیل شد. پرسش‌نامه‌های ۵۰ سؤال خود ایفاء به صورت مقیاس درجه بندی ۵ درجه ای در پنج حیطه یادگیری - استادان - درک دانشجو از توانایی علمی خود - اتمسفر و فضای حاکم بر محیط آموزشی و درک دانشجو از شرایط اجتماعی خود طراحی شده است. داده‌های حاصل توسط نرم‌افزار SPSS ۱۱ تجزیه و تحلیل شد. مطالعه آزمایشی بر روی ۱۰ دستیار و ۱۰ کارآموز برای تعیین پایایی و روایی پرسش‌نامه انجام شد.

یافته‌ها: ۹۹.۵٪ از مجموع ۲۰۰ امتیاز مطلوب محاسبه شد که گرایش بیشتری به سمت مثبت را نشان داد. میانگین حیطه‌های پنج‌گانه میانگین امتیازات کسب شده در پنج حیطه به ترتیب عبارتند از حیطه یادگیری ۲۲.۹٪ از امتیاز ۴۸، استادان ۲۱.۸٪ از امتیاز ۴۴، درک دانشجو از توانایی علمی خود ۱۷.۵٪ از امتیاز ۳۲، اتمسفر و فضای حاکم بر محیط آموزشی ۲۳.۱٪ از امتیاز ۴۸ و درک دانشجو از شرایط اجتماعی خود ۱۴.۳٪ از امتیاز ۲۸. دیدگاه فراگیران در مراکز آموزشی درمانی به طور کلی و بر حسب سطح آموزشی ایشان تفاوت معنی‌دار نشان نداد.

بحث و نتیجه‌گیری: باتوجه به میانگین امتیاز کسب‌شده که وضعیت نیمه مطلوب را نشان می‌دهد به‌نظر می‌رسد دستیاران و کارورزان محیط آموزشی را در مراکز تخصصی مناسب نمی‌دانند. از آنجا که این مدل می‌تواند برای پایش تغییرات آموزشی مناسب باشد، می‌توان با مقایسه دیدگاه فراگیرنده به‌صورت ادواری برنامه‌ریزی آموزشی بهتری در بخش‌های بالینی انجام داد.

کلیدواژه‌ها: محیط آموزشی، بخش اطفال، ارزش‌یابی آموزشی، مدل DREEM

(S.45Pos.13) نشست: ۴۵، پوستر: ۱۳

بررسی محیط آموزشی بخش‌های بالینی زنان و زایمان بر اساس مدل DREEM از دیدگاه اساتید در بیمارستان‌های آموزشی تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی ایران، سال ۱۳۸۸

جلیل کوهپایه زاده*، مریم کاشانیان، سید کامران سلطانی عرب‌شاهی، حمید رضا برادران

* دانشیار دانشگاه علوم پزشکی ایران - تهران - بزرگراه همت - دانشگاه علوم پزشکی ایران - EDC

jkuhpayeh@yahoo.com

مقدمه: برنامه‌های آموزشی برای بهبود و حفظ کیفیت آموزشی در مؤسسات تلاش دارند تا خود را به استانداردهای مطلوب برای فعالیت‌های یاددهی و یادگیری برسانند. ارزش‌یابی آموزشی از برنامه‌ها به‌منظور تعیین میزان دست‌یابی به کیفیت مطلوب ضروری است و برای ارزش‌یابی ابزارهای تشخیصی گوناگونی پیشنهاد شده است. یکی از این ابزارها استفاده از الگوی Dundee Ready Education (DREEM) Education Environment Measure) است که به‌عنوان ابزار تشخیصی برای بررسی مشکلات درسی و نیز اثربخشی تغییر در آموزش و شناسایی تفاوت محیط واقعی با محیط مطلوب به‌کار می‌رود این ابزار اتمسفر محیط آموزشی و یادگیری را اندازه می‌گیرد. هدف

از این مطالعه بررسی نظرات اساتید بخش زنان و زایمان نسبت به محیط آموزشی بر اساس مدل DREEM در ۳ بیمارستان آموزشی دانشگاه علوم پزشکی ایران است.

روش: این مطالعه از نوع مقطعی و با استفاده از ابزار استاندارد DREEM با مختصر تغییرات متناسب با فرهنگ ملی در بخش بالینی زنان و زایمان در ۳ بیمارستان آموزشی (رسول اکرم (ص)- فیروزگر و اکبرآبادی) انجام شد. پرسشنامه‌های ۳۵ سؤال خود ایفاء به صورت مقیاس درجه بندی ۵ درجه ای در سه حیطه یادگیری- استادان- اتمسفر و فضای حاکم بر محیط آموزشی توسط اساتید (۳۲ نفر) تکمیل گردید. داده‌های حاصل توسط نرم‌افزار SPSS ۱۱ تجزیه و تحلیل شد. مطالعه آزمایشی بر روی ۸ استاد برای تعیین پایایی و روائی پرسش- نامه انجام شد.

یافته‌ها: میانگین امتیازات کسب شده در پنج حیطه (۸۱ از مجموع ۱۴۰ امتیاز مطلوب محاسبه شد که گرایش بیشتر سمت مثبت را نشان داد. میانگین حیطه‌های سه‌گانه تفاوت معناداری را نشان نداده و به ترتیب عبارتند از (95% CI 76.8% to 86.8%) حیطه یادگیری ۲۹/۲ از ۴۸ امتیاز مطلوب، استادان ۲۷/۸ از ۴۴ امتیاز مطلوب، اتمسفر و فضای حاکم بر محیط آموزشی ۳۰/۹ از ۴۸ امتیاز مطلوب بود.

بحث و نتیجه‌گیری: اگرچه محیط آموزشی بخش‌های بالینی زنان (clinical Educational Environment) در دانشگاه با گرایش بیشتر به سمت مثبت ارزیابی شد. اما توجه بیشتر استادان به رعایت اصول طراحی آموزشی و ایجاد فضای مناسب آموزشی به- منظور یادگیری بهتر دانشجو ضروری است. این مطالعه نشان داد که الگوی DREEM می‌تواند برای پایش و سنجش اصلاح و تغییر در برنامه، کاربرد داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: الگوی DREEM، محیط آموزشی، بخش زنان و زایمان، اساتید بالینی

(S.57Pos.1) نشست: ۵۷، پوستر: ۱

بررسی تسهیلات و موانع کاربرد دانش پژوهی آموزشی از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر- ۱۳۸۸

دکتر نیلوفر معتمد*، آزاده عازمیان، نورالسادات ساجدی

علوم پزشکی بوشهر؛ بوشهر، خیابان معلم، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی motamed_drn@yahoo.com

مقدمه: یکی از مؤثرترین و راهبردی‌ترین اقدامات در جهت توجه به آموزش، مفهوم جدیدی است که از دانش پژوهی آموزشی به عنوان یکی از مهم‌ترین نقش‌های اعضای هیئت علمی ارائه شده است. توسعه شواهد مرتبط با دانش پژوهی نشان می‌دهد که دپارتمان‌های دانشکده پزشکی و سازمان‌های حرفه‌ای باید مکانیسم‌هایی را برای حمایت از خلاقیت، مرور نقادانه و انتشار فعالیت‌های دانش پژوهی آموزشی فراهم کنند. ولی بدون وجود شالوده‌های اساسی در سازمان، اعضای هیئت علمی فقط به‌عنوان کسانی که دانش را نزد خود نگه داشته و نتایج حاصل از آن را با جامعه آموزشی به اشتراک نمی‌گذارند، فعالیت و تلاش می‌کنند. لذا با توجه به مباحث گسترده‌ای که در این زمینه وجود دارد، ورود بحث دانش پژوهی آموزشی نیازمند فراهم‌سازی زمینه‌ها و زیرساخت‌های متعددی است. تأمین این زیرساخت‌ها تعادل لازم بین انتظارات مؤسسه از فرد و امکاناتی که توسط مؤسسه در اختیار وی قرار می‌گیرد را فراهم می‌کند. بر همین اساس، این پژوهش در نظر دارد تسهیلات و موانع لازم جهت کاربرد دانش پژوهی را در دانشگاه علوم پزشکی بوشهر از نظر اعضای هیئت علمی مورد بررسی قرار دهد.

روش: در یک مطالعه مقطعی، کلیه اساتید دانشگاه علوم پزشکی بوشهر به‌صورت سرشماری مورد بررسی قرار گرفتند. داده‌ها توسط پرسشنامه‌ای که روایی و پایایی آن مورد تأیید قرار گرفت، جمع‌آوری شد. پرسشنامه شامل ۳ بخش بود: مشخصات دموگرافیک، سؤالات مربوط به عوامل تسهیل‌کننده دانش پژوهی (۱۹ گویه) و سؤالات مربوط به موانع انجام دانش پژوهی (۲۳ گویه). داده‌های پژوهش، با استفاده از آمار توصیفی و توسط نرم‌افزار SPSS ویرایش ۱۳ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: میزان پاسخ ۸۰/۵٪ (۷۲ نفر) بود. از مجموع شرکت‌کنندگان، ۵۳/۳٪ در رتبه استادیاری و ۴۴/۷٪ در رتبه مربی و ۲/۱٪ در رتبه دانشیاری بودند. ۵۹/۳٪ از شرکت‌کنندگان عامل تسهیل‌کننده جهت اجرای دانش پژوهی را برگزاری نشست‌های کشوری و درون دانشگاهی که به‌طور خاص به موضوع آموزش توجه دارد می‌دانستند. در حالی که ۶۰/۳٪ از شرکت‌کنندگان مهم‌ترین مانع

جهت انجام فعالیت دانش پژوهی را عدم وجود افراد شاخص جهت همکاری و ارائه مشاوره جهت نوشتن و انتشار مقالات خود در دانشگاه می‌دانستند. همچنین اکثر اعضای هیئت علمی علاقمند به فعالیت در حیطه تدریس از حیطه‌های دانش پژوهی آموزشی بودند (۲۳/۱٪). همچنین، ۲۱/۴٪ حیطه تدریس را مناسب‌ترین حیطه برای کسب ۳ امتیاز شرطی دانش پژوهی دانسته و ۳۴/۷ درصد مشکل‌ترین مرحله انجام دانش پژوهی را استفاده از متدولوژی مناسب می‌دانستند.

بحث و نتیجه‌گیری: وجود چارچوب ساختارمند در دانشگاه برای آموزش و مشاوره، بررسی صحیح و تشویق فعالیت‌های دانش-پژوهی امری ضروری به نظر می‌رسد. همچنین در نظر گرفتن زیرساخت‌های لازم جهت اجرای فعالیت دانش‌پژوهی و چاره‌اندیشی برای بهبود فرصت انجام فعالیت‌های دانش پژوهی به وسیله اساتید بالینی به علت درگیری‌های بالینی از مشکلات پیش‌روی دانشگاه‌ها می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: دانش پژوهی آموزشی، تسهیلات، موانع، اعضای هیئت علمی

(S.57Pos.2) نشست: ۵۷، پوستر: ۲

بررسی متدولوژی مقالات ارائه شده در همایش آموزش پزشکی سال ۸۸

افسانه یخ‌فروش‌ها*، دکتر پرویز فلاح عابد، دکتر رفعت محبی‌فر، دکتر محمد حسن کریم‌فر، علی سکاکی
* دانشگاه علوم پزشکی قزوین، دانشگاه علوم پزشکی قزوین star2000_y@yahoo.com

مقدمه: تحولات عظیمی که در سه دهه اخیر در رشد تکنولوژی و علوم پزشکی رخ داده است، نیاز به دگرگونی و تغییر در آموزش پزشکی را بیشتر نمایان ساخته و منجر به شکل‌گیری مراکز توسعه آموزش پزشکی با هدف ارتقای کمی و کیفی خدمات آموزشی و پژوهشی در سطح ملی و دانشگاهی شده است. برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های پژوهشی از عمده وظایف مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی است. برنامه‌های پژوهش در آموزش که با هدف توسعه پژوهش در سطح دانشگاه و اساتید طراحی شده است بایستی خود بتواند مشکلی از مشکلات آموزشی را رفع کرده و به عنوان الگوی آموزشی عمل نماید. در این مطالعه سعی بر آن شده تا به بررسی طرح-های پژوهشی ارائه شده در همایش آموزش پزشکی بپردازیم.

روش: مقالات موجود در کتاب خلاصه مقالات همایش آموزش پزشکی سال ۸۸ مورد مطالعه قرار گرفت و در بخش مواد و روش‌ها نوع مطالعه بررسی شد. سپس مقالات بر اساس نوع مطالعه طبقه بندی گردید و نتایج با استفاده از آمار توصیفی تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: از تعداد کل مقالات چاپ شده در خلاصه مقالات بیشترین مورد مربوط به مقالات توصیفی با فراوانی ۸۰/۷۴٪ و بعد به ترتیب مقالات مداخله‌ای ۹/۳۸٪ بعد مقالات کیفی ۶/۱۷٪ و در انتها مقالات مروری با فراوانی ۳/۷٪ می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری: مطالعات پزشکی به لحاظ ارزش کاربردی Evidence Level به ۵ سطح تقسیم می‌شود و بالاترین سطح مربوط به مطالعه کارآزمایی بالینی (RCT) تصادفی و کنترل شده است و همچنین بعضی مطالعات تشخیصی و مروری مدون در این سطح قرار دارد. در سطح دوم، مطالعات کوهورت پروسپکتیو، و کوهورت تاریخی قرار دارند. سطح سوم مربوط به مطالعات مورد - شاهدهی و مروری مدون مطالعات مروری شاهدهی و سطح چهارم مربوط به مطالعات توصیفی می‌باشد و سرانجام سطح پنجم، اظهارنظر متخصصان (بدون ارزیابی صریح و نقادانه) را شامل می‌شود. امروزه مجلات با استفاده از این درجه بندی، مقالات خود یا دیگران را ارزیابی می‌کنند اما با توجه به نتایج حاصل شده پی می‌بریم که بیشترین مطالعات همایش مذکور مربوط به مطالعات توصیفی می‌باشد. پس شاید وقت آن رسیده باشد که به دنبال راه کارهای ارتقادهنده قابلیت‌های علمی و عملی دانشجویان در گروه‌های مختلف رشته پزشکی باشیم که لازمه ارائه این راه-کارها توجه بیشتر محققین حوزه آموزش پزشکی به تحقیقات تحلیلی و مداخله‌ای است.

کلیدواژه‌ها: متدولوژی، مقالات، آموزش پزشکی

(S.57Pos.3) نشست: ۵۷، پوستر: ۳

بررسی موانع و مشکلات دسترسی به اینترنت در فعالیت‌های پژوهشی از دیدگاه دانشجویان استعداد درخشان دانشگاه علوم پزشکی قزوین در سال ۱۳۸۸

افسانه یخ‌فروش‌ها *

* دانشگاه علوم پزشکی قزوین - star2000_y@yahoo.com

مقدمه: اینک که دنیای دانش، سریع‌تر از هر زمان دیگر، به شناخت و کشف اسرار نهفته نظام آفرینش دست می‌یابد و گسترش و تکامل ارتباطات، آخرین یافته‌های علمی بشر را در سراسر این جهان پهناور در دسترس پویندگان راه کمال و پژوهش‌گران قرار می‌دهد و این آگاهی‌ها خود موجبی برای افزودن بر سرعت گسترش دامنه پژوهش‌های علمی می‌گردد، بهره‌گیری مداوم از یافته‌های دیگران و ارائه نوآوری‌ها به جهان دانش، بیش از هر زمان دیگر اهمیت و ارج یافته است. لذا پژوهش حاضر با شناخت موانع و مشکلات موجود در استفاده بهتر از خدمات پژوهشی این شبکه پویای جهانی از دیدگاه دانشجویان استعداد درخشان انجام شد.

روش: این مطالعه از نوع تحلیلی است برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه استفاده شد که روایی و پایایی آن مورد تأیید قرار گرفت و داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و آمار توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج مطالعه نشان داد که بیشتر دانشجویان (۸۰٪) در منزل یا خوابگاهشان به رایانه دسترسی دارند ۸۸٪ آنها جستجو در اینترنت را مهمترین شیوه جهت دستیابی به اطلاعات را می‌دانند و ۳۴٪ آنها اینترنت را مهمترین منبع اطلاعاتی می‌دانند و مهم‌ترین مشکل آنها در دسترسی به اینترنت به ترتیب شامل عدم دسترسی به اینترنت در زمان و مکان مناسب با فراوانی ۴۴٪، عدم آشنایی با موتورهای جستجوی تخصصی با فراوانی ۲۴٪، کند بودن سرعت بازیابی اطلاعات با فراوانی ۲۰٪ بود. از طرفی ۸۸٪ دانشجویان استعداد درخشان خود را نیازمند آموزش درباره انواع سایت‌ها و منابع اطلاعات می‌دانند.

بحث و نتیجه‌گیری: یافته‌ها نشان می‌دهد که اکثریت دانشجویان استعداد درخشان دانشگاه به رایانه جهت جستجو در سایت‌های علمی و پژوهشی دسترسی دارند و از طرفی با توجه به گرایش روز افزون استفاده از رسانه‌های جهانی و شناخت موانع و مشکلات در استفاده بهتر دانشجویان پیشنهاد می‌گردد با ایجاد بستر مناسب از قبیل برگزاری کارگاه‌ها و کلاس‌های آموزشی در جهت ارتقاء سطح آگاهی و عملکرد دانشجویان، ایجاد زیرساخت‌های مناسب و سرعت بخشیدن به خطوط ارتباطی و دائمی نمودن اطلاعات شبکه اینترنتی و ... زمینه را برای بهره‌گیری بیشتر دانشجویان از خدمات گسترده رسانه‌های جهانی در دانشگاه فراهم آید.

کلیدواژه‌ها: موانع، دانشجویان استعداد درخشان، پژوهش، اینترنت.

(S.57Pos.4) نشست: ۵۷، پوستر: ۴

آیا اعضای هیئت علمی گروه‌های داخلی، جراحی و بیهوشی دانشکده پزشکی از شغل خود راضی‌اند؟

مریم تیموری *، مصطفی دهقانی پوده، میترا دادمان، اکبر حسن زاده، دکتر نیکو یمانی

* کارشناس ارشد، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی Teimouri@edc.mui.ac.ir

مقدمه: مدرسین دانشگاه، بدنه اصلی تولید نیروی تخصصی کشور و رکن اساسی سازندگی در برنامه‌های توسعه و آینده کشور می‌باشند. با توجه به نقش خطیر اعضای هیئت علمی، رضایت آنها موجب می‌شود میل و رغبت بیشتری برای انجام وظایف خود داشته باشند. لذا در این تحقیق بر آن شده‌ایم تا با بررسی میزان رضایت شغلی اعضای هیئت علمی، و عوامل مرتبط با آن در سه گروه داخلی، جراحی و بیهوشی در دانشکده پزشکی اصفهان، با یاری رهبران آموزشی دانشگاه، در این راستا ادای دین کرده باشیم.

روش: این مطالعه به صورت توصیفی مقطعی بر روی کلیه اعضای هیئت علمی گروه‌های داخلی، جراحی و بیهوشی (۵۸ نفر) انجام شد ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه‌ای بود که در شش حیطه حقوق و مزایا، فرصت‌های ارتقاء، نحوه سرپرستی و ارتباطات، امنیت شغلی، شرایط فیزیکی و محیط کار و ماهیت کار تهیه، و میزان رضایت اعضای هیئت علمی این گروه‌ها را مورد ارزیابی قرار می‌داد. پرسش‌نامه خصوصاً در اختیار افراد قرار گرفت و پس از تکمیل، با استفاده از نرم‌افزار SPSS ویراست ۱۱/۵ و با آزمون‌های آنالیز واریانس یک‌طرفه، t مستقل و همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: ۴۳/۰۵ میزان رضایت را به خود اختصاص داده بود، آزمون آنالیز واریانس یک‌طرفه نشان داد که میانگین نمره در تمامی حیطه‌ها در این سه گروه یکسان بود ($P < 0.05$) (34/80) بیشترین و شرایط فیزیکی و محیط کار کمترین (29/59۱۵/۵۶) رضایت را داشتند. گرچه حیطه ماهیت کار (04/63۱۵/۵۶) و گروه داخلی کمترین (60/60۱۷/۴۴) بود که گروه جراحی بیشترین (۱۲/۷۳) در مجموع ۵۶ پرسشنامه، (۱۱ زن و ۴۵ مرد)، بازگردانده شد (۹۶/۵٪). میانگین و انحراف معیار رضایت‌مندی کل گروه‌ها (۱۵/۵۶) **کلیدواژه‌ها:** رضایت شغلی، اعضای هیئت علمی، رهبری آموزشی

(S.57Pos.5) نشست: ۵۷، پوستر: ۵

نیازهای یادگیری استعدادهای درخشان دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان در مباحث آموزشی، پژوهشی و

مدیریتی

رفعت جوادی*، سمیره عابدینی

* کارشناس ارشد، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی rafa_1317@yahoo.com

مقدمه: دستیابی به توسعه پایدار در کشور، بدون توسعه انسانی و بهره‌برداری مناسب از توانایی بالقوه منابع انسانی، امکان‌پذیر نمی‌باشد. توسعه، یک فرایند خودجوش و خودکار نیست بلکه باید سازمان یافته و برنامه‌ریزی شود. از آنجائی که نخبگان و استعدادهاى برتر هر جامعه‌ای از سرمایه‌های اصلی برای توسعه انسانی و در نتیجه توسعه کشور می‌باشد، طبیعی است که برنامه‌ریزی برای بهره‌مندی جامعه از توانمندی‌های این قشر، از جمله مؤثرترین گام‌ها در جهت شکوفایی و بالندگی یک کشور است. موضوع نخبگان و توسعه سرمایه انسانی، چند سالی است که مورد توجه پژوهش‌گران، نویسندگان و مدیران جامعه ما قرار گرفته است و دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور نیز با توجه به تحت پوشش قراردادن جمع زیادی از دانشجویان از فعالان حوزه حمایت از نخبگان و استعدادهای درخشان می‌باشد. به همین جهت دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان با شناسایی نیازها، برنامه‌ریزی و اجرای صحیح برنامه‌ها می‌تواند نقش خود را در شکوفایی علمی کشور به درستی ایفا نماید.

روش: این پژوهش یک مطالعه موردی و زمینه‌ای است که در آن تمامی جامعه پژوهش (دانشجویان واجد شرایط عضویت استعدادهای درخشان)، به عنوان نمونه پژوهش به صورت سرشماری انتخاب شده‌اند. داده‌ها در سه حیطه آموزشی، پژوهشی و مدیریتی است که ابزار جمع‌آوری آن پرسش‌نامه محقق‌ساخته، حاوی ۳۰ سؤال می‌باشد. داده‌ها پس از گردآوری، با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: دانشجویان شرکت‌کننده در این مطالعه شامل ۸۰٪ خانم‌ها و ۲۰٪ آقایان بوده، ۵۳٪ در مقطع پزشکی عمومی، ۲۰٪ کارشناسی پیوسته، ۲۰٪ کارشناسی ناپیوسته و ۶.۷٪ کاردانی بوده‌اند. از مجموع سؤالات پرسش‌نامه در حیطه آموزشی، بالاترین نیاز دانشجویان، توجه مدرسان به یاددهی بر اساس تعلیم نحوه تفکر به دانشجویان (۱۰۰٪) و پائین‌ترین نیاز در مورد روش‌های صحیح مطالعه (۷۳.۳٪) می‌باشد. در حیطه پژوهشی، بالاترین نیاز، یادگیری روش تحقیق (۱۰۰٪) و مقاله‌نویسی (۸۶.۷٪) است و روش‌های جستجو در اینترنت در درجه پائین‌تری از اهمیت قرار دارد (۵۳.۳٪). در حیطه مدیریتی، میزان آشنایی دانشجویان با مباحث مدیریت منابع انسانی (۸۶.۷٪) و مدیریت زمان (۶۰٪) می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری: از میان تمامی حیطه‌های مورد پرسش، حیطه آموزشی و اختصاصاً نحوه یاددهی اساتید با تأکید بر تقویت تفکر دانشجویان، بیش از همه مورد توجه دانشجویان بوده است. پس از آن حیطه پژوهشی و نهایتاً حیطه مدیریتی قرار دارد. به نظر می‌رسد در نظر گرفتن این اولویت‌ها برای این گروه از دانشجویان در برنامه‌ریزی برای پرورش استعدادهای آنها ضروری است.

کلیدواژه‌ها: استعداد درخشان، پژوهش، آموزش، مدیریت

(S.58Pos.1) نشست: ۵۸، پوستر: ۱

بررسی عوامل مؤثر بر موانع ارتباط پرستار-بیمار

آسیه مبارکی*

* مربی دانشگاه علوم پزشکی یاسوج؛ mobarakiasa@yahoo.com

مقدمه: ارتباط مؤثر ویژگی اساسی مراقبت‌های پرستاری و بخش اصلی از وظایف پرستاری است و موجب بهبود سریع در روابط بیمار و پرستار می‌گردد و ارتباط موفق منجر به اجرای کامل دستورات پزشکی توسط بیمار، افزایش کیفیت مراقبت‌ها شده و میزان شکایت و نارضایتی بیماران کاسته می‌شود. پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهد، مهارت‌های ارتباطی پرستاران نارسا بوده و شناسایی عواملی که مانع برقراری ارتباط مؤثر بین پرستار و بیمار می‌شود این امکان را می‌دهد که از جهت اخلاقی، اقدامات ضروری برای تعدیل موانع ارتباطی در سطح بهداشت و درمان به عمل آید و دیدگاه‌های پرستاران در این مورد دارای اهمیت به‌سزایی است.

روش: این مطالعه توصیفی-مقطعی است که جامعه پژوهش را پرستاران شاغل در بخش‌های بیمارستان امام سجاد(ع) یاسوج در برمی‌گیرد. اطلاعات با استفاده از پرسش‌نامه ۲۶ سؤالی در زمینه موانع ارتباطی بین پرستار و بیمار که بر مبنای مقیاس ۵ درجه لیکرت بوده، جمع‌آوری و با استفاده از نرم‌افزار SPSS شماره ۱۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان داد زیاده‌بودن حجم کاری پرستاری و فرصت ارتباط نداشتن با ۸۰ درصد و کمبود امکانات رفاهی و کافی نبودن حقوق بیماران با ۶۲ درصد خستگی روحی و شیفته‌بودن با ۵ درصد، بیشترین موانع را به خود اختصاص داده ولی پرستاران اختلاف طبقاتی بیمار و پرستار و انتظارات بی‌جای بیماران را اصلاً جزء موانع ارتباط عنوان ننموده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری: کمبود کادر پرستاری نسبت به بیماران، کمبود امکانات رفاهی و شیفته‌بودن کادر پرستاران، سختی کار در شیفته‌های متفاوت و خستگی روحی جزء مهم‌ترین موانع ارتباطی می‌باشد. لذا پیشنهاد می‌شود که مدیران بخش درمان با روشن نمودن وظایف پرستاران و تأمین بیشتر نیروی انسانی پرستاری در خدمت به بیماران به‌منظور حفظ خدمت و عزت او موجب درمان بهتر و سریع‌تر بیمار و کاهش هزینه و افزایش کرامت انسانی در بخش‌های درمان گردند.

کلیدواژه‌ها: عوامل مؤثر، موانع ارتباط پرستار، بیمار

(S.58Pos.2) نشست: ۵۸، پوستر: ۲

توسعه و تولید علم پارادایمی در تعالی آموزشی علوم پزشکی و بررسی عوامل و موانع موجود

زهره جامه بزرگ*، محمد سلیمی

کارشناس ارشد دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه؛ کرمانشاه، میدان ایثار، خیابان عشایر، دانشکده پرستاری و مامایی

jamebozorgzahra@ymail.com

مطالعات تطبیقی مربوط به سیر تحول جوامع، نشان می‌دهد پیشرفت، توسعه، رفاه و برتری انسان در نتیجه تلاش، فعالیت، نظم و هدف-مندی اوست و آنچه سبب شکاف عمیق بین جوامع شده، مربوط به این است که پاره‌ای از این آنان دانش و تکنولوژی بیشتری در اختیار دارند و از آن به‌عنوان اهرمی برای برتری خود استفاده می‌نمایند. این گفته بیانگر تأثیر تعیین‌کننده تولید علم بر سرنوشت جوامع جهانی است. کشورهای در حال توسعه برای رسیدن به آرمان‌های اساسی جامعه باید نقش خود را در تولید دانش جهان افزایش دهند تا بتوانند به-طور طبیعی جایگاه مناسبی در عرصه جهانی به‌دست آورند. این امر نیازمند شناسایی مبانی و شیوه‌های تولید علم و تحلیل موانع و راه-کارهای موجود است. درباره آفرینش و تولید علم، آنچه بیشتر از دیگر قضایا دارای اهمیت است چگونگی و کیفیت پیدایش، ظهور و آفرینش علم، نحوه رشد و تکامل و در نهایت، تثبیت و رونق آن در جوامع بشری است. علم در واقع بیش از آنکه یک علت باشد یک معلول و محصول است همچنان که یک محصول و ثمره از بهاء ارزش و شأن والایی برخوردار است، نگاه واقع‌بینانه متوجه این نکته ظریف است که بسترهای زمینه-ساز پدیدآوری و آفرینش علم، از خود علم ارزشمندتر است. ظهور و آفرینش علم، جریان مستمر و دائمی و در عین حال فراگیر است که باید به‌طور دائم تعقیب شود و نسبت به شرایط نوظهور، شیوه‌های نوین، ارائه گردند و پی گرفته شود. تولید علم در علوم پزشکی بسیار مهم و حیاتی است. سیستم و نظام آموزشی با فرایندهای یاددهی و یادگیری مبتنی بر تولید و توسعه علم در علوم پزشکی جهت دستیابی به اهداف فوق هدایت‌کننده، است. تولید دانش در طول مراحل توسعه در علوم پزشکی به عوامل زیادی بستگی

دارد از جمله: توسعه نظام آموزشی فراگیر محور و پژوهش محور، تربیت دانشجویان و اساتید محقق و پژوهش گر، تشویق و حمایت مالی در زمینه چاپ مقاله و انجام پژوهش و اختراع، اختصاص بودجه مناسب به تحقیق، حمایت از اساتید و دانشجویان محقق بر مبنای فعالیت‌های تحقیقاتی، تأکید بر پژوهش محوری در مراکز آموزش عالی علوم پزشکی، دسترسی آسان به خدمات رایانه ای و منابع اطلاعاتی روز، تشکیل همایش‌های علمی پژوهشی با محورهای تخصصی و بهره‌برداری از نتایج آن، و..... مطالعه و بررسی تولید علم در ایران بیان‌گر آن است که عوامل متعددی مانع از پیشرفت واقعی تولید علم در علوم پزشکی می‌شود از جمله: ضعف پژوهش‌های بنیادین، به کار نرفتن نتایج پژوهش‌ها در جامعه، کمبود اعتبارات پژوهشی، ضعف پژوهش‌های کیفی، پژوهش محور نبودن مراکز آموزشی، نظام آموزشی سنتی در مراکز آموزش عالی، ضعف مدیریت تولید علم و..... در این مطالعه به مفهوم تولید علم در جهان، و سهم ما در تولید آن، سپس به شرح و بسط مشکلات موجود و ارائه پیشنهاد و راه کارهای حل آن پرداخته می‌شود. بررسی به صورت کتابخانه‌ای و با مطالعه منابع مختلف اطلاعاتی و مروری بر یافته‌های چند پژوهش و..... انجام شده است.

کلیدواژه‌ها: تولید علم، توسعه علم، علوم پزشکی، تعالی آموزشی، موانع

(S.58Pos.3) نشست: ۵۸، پوستر: ۳

بررسی عوامل موثر بر نگرش آموزشی دانشجویان پرستاری

داوود عودی^۱، زینب رفیعی^۲، احمد نصیری^۱، صدیقه کیانفر^۱، فاطمه پاسبان^۳

۱- مربی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند - دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

۲- کارشناس دانشگاه علوم پزشکی مشهد - مشهد آزادشهر امامت ۱ پ ۹۸ rafiee.faezeh@yahoo.com

۳- کارشناس دانشگاه علوم پزشکی بیرجند - دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

مقدمه: موفقیت در هر کاری و رسیدن به هدف نیازمند نوعی نگرش مثبت به آن عمل یا هدف است. دانشجویان پرستاری به عنوان یک زیر گروه از نیروهای اصلی بخش بهداشت و درمان در آینده عهده دار تامین، حفظ و ارتقای سطح سلامت جامعه خواهند بود. عوامل مختلفی در دوره دانشجویی می‌تواند سبب علاقه و نگرش مثبت نسبت به رشته تحصیلی و یا برعکس منجر به خستگی، دلزدگی و ناامیدی از ادامه تحصیل شود. شناخت عوامل موثر بر نگرش تحصیلی دانشجویان پرستاری از جمله ضروریاتی است که می‌تواند در تدوین مقررات، فراهم نمودن امکانات مناسب و برنامه‌ریزی موفق برای تربیت پرستارانی توانمند و ایجاد محیطی پر شور و انگیزه در دانشکده‌های پرستاری ما را یاری نماید.

روش: این پژوهش یک مطالعه توصیفی تحلیلی بوده که بر روی ۱۸۴ دانشجوی پرستاری انجام شد. روش نمونه‌گیری به شکل سرشماری بود و پژوهش‌گر به تمام دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی دولتی و آزاد شهر بیرجند مراجعه کرد. (به جز دانشجویان ترم ۱). روش جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه ای شامل ۲ بخش اطلاعات دموگرافیک و سوالات مربوط به بررسی عوامل موثر بر انگیزه تحصیلی بوده است. داده‌های حاصل با روش‌های آماری محاسبه و مقایسه فراوانی‌ها با مجذور کای و با نرم‌افزار SPSS تحلیل گردیده است.

یافته‌ها: بیشترین عواملی که در افزایش انگیزه تحصیلی دانشجویان تأثیر داشت: دیدگاه اساتید (۷۴٪) و خانواده‌ها (۷۳/۵٪) نسبت به رشته، کاربرد اطلاعات علمی برگرفته از دروس تئوری در کار بالینی ۶۸ درصد، سطح اطلاعات علمی اساتید پرستاری ۶۷ درصد، رابطه بیمار با پرستاران و قوانین آموزشی خاص دانشجویان پرستاری مانند رعایت یونیفورم در مرتبه‌های بعدی افزایش دهنده نگرش قرار دارند.

بحث و نتیجه‌گیری: نظام آموزش پرستاری می‌تواند با تغییر کیفی برنامه‌های آموزشی و تربیت دانشجویانی با نگرش مثبت، به ایفای نقش بهتر پرستاران کمک کند. مدرسان پرستاری در محیط کار بالینی می‌توانند الگوی خوبی در این زمینه باشند چون جزو اولین افرادی هستند که نقش دانشجو و نگرش وی نسبت به رشته خود را، به وی تفهیم و القا می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: نظام آموزشی، پرستاری، نگرش

(S.58Pos.4) نشست: ۵۸، پوستر: ۴



بررسی ارزش‌یابی سخنرانان برنامه‌های مدون ویژه پزشکان عمومی آموزش مداوم دانشگاه علوم پزشکی

کاشان

فرحناز جهانگیر*، سیدمحسن میری، دکتر رضوان منیری

* کارشناس دانشگاه علوم پزشکی کاشان؛ حوزه معاونت آموزشی Farahnaz_jahangir@Yahoo.com

مقدمه: داشتن نمره‌های ارزش‌یابی واقعی از عملکرد آموزش اساتید که لازمه هرگونه برنامه‌ریزی برای بهبود کیفیت مشروط به وجود یک سیستم ارزش‌یابی معتبر و جامع و ارزیابی مداوم این سیستم می‌باشد. این مطالعه با هدف تعیین روند نتایج ارزش‌یابی اساتید در طی یک سال در برنامه‌های آموزش مداوم دانشگاه علوم پزشکی کاشان انجام گرفته است.

روش: در یک مطالعه توصیفی-مقطعی نمره ارزش‌یابی ۴۷ نفر از سخنرانان برنامه‌های مدون ویژه پزشکان عمومی که در دانشگاه علوم پزشکی کاشان برگزار گردید، مورد بررسی قرار گرفت. نمرات ارزش‌یابی اساتید با توجه به فرم‌های نظرسنجی که پایان هر برنامه از فراگیران انجام می‌گردد، استخراج و نتایج آن مورد ارزیابی قرار گرفت.

یافته‌ها: نظرات ۳۰۵ نفر از پزشکان عمومی شرکت‌کننده در ۱۱ برنامه مدون اجرا شده توسط اساتید دانشگاه علوم پزشکی کاشان به این شرح بوده که ۸۲ درصد، دارای بیان شیوا و روان، ۸۸ درصد محتوای انتخاب شده با موضوع تناسب داشته، ۹۸ درصد بر موضوع تسلط علمی داشته، ۹۶ درصد از مطالب ارائه‌شده با امکانات موجود کشور، کاربرد داشته و ۸۲ درصد در پایان سخنرانی، خلاصه و نتیجه‌گیری را بیان نمودند.

بحث و نتیجه‌گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که بیش از ۸۰ درصد شرکت‌کنندگان در برنامه‌های مدون طراحی شده توسط آموزش مداوم دانشگاه علوم پزشکی کاشان به نحوی اجرا توسط اساتید، نظرات مثبتی داشته‌اند. با بهبود اجرای برنامه‌ها می‌توان میزان رضایت شرکت‌کنندگان را در برنامه‌های آموزش مداوم افزایش داد.

کلیدواژه‌ها: ارزش‌یابی، برنامه مدون، پزشکان عمومی

(S.58Pos.5) نشست: ۵۸، پوستر: ۵

ارزیابی درونی گروه آموزش و ارتقاء سلامت دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر داوود شجاعی زاده^۱، گیتی ابراهیم طاهری^۲، هادی طهرانی^۳، محسن صفاری^۴

۱- استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران - دانشکده بهداشت گروه آموزش و ارتقا سلامت

۲- مربی دانشگاه علوم پزشکی تهران - دانشکده بهداشت گروه آموزش و ارتقا سلامت

* ۳- دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی تهران - دانشکده بهداشت، گروه آموزش و ارتقا سلامت

tehrani.hadi420@gmail.com

۴- دانشجو دانشگاه علوم پزشکی تهران - دانشکده بهداشت گروه آموزش و ارتقا سلامت

مقدمه: ارزیابی درونی فرآیندی است که با جمع‌آوری اطلاعات و قضاوت برای پیشرفت فعالیت‌های آموزشی سروکار دارد و روش مناسبی درباره کیفیت آموزش و مشخص نمودن نقاط قوت و ضعف گروه‌های آموزشی می‌باشد. با توجه به نقش مهم ارزیابی در کیفیت آموزش، هدف از این مطالعه ارزیابی درونی گروه آموزشی، آموزش و ارتقاء سلامت دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران می‌باشد. **روش:** این بررسی توصیفی-مقطعی با الگوی ارزیابی درونی در ده گام و یازده حوزه انجام شد. داده‌ها توسط پرسشنامه‌هایی که سؤالات آن براساس طرح مدون موجود در نرم افزار جامع ارزیابی درونی طراحی شده بود جمع‌آوری گردید. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری مناسب که در داخل نرم افزار ارزیابی درونی و براساس بسته نرم افزاری تهیه شده بود استفاده گردید.

یافته‌ها: در این مطالعه گروه بالاترین امتیاز (۴/۰۸ از ۵) را از حوزه ساختار سازمانی و مدیریت و کمترین امتیاز (۲/۵۸) را از حوزه دانشجویان کارشناسی کسب نمود. امتیازات کسب شده در حوزه‌های ۹ حوزه دیگر به ترتیب: دوره‌های آموزشی و برنامه‌های درسی (۴/۰۵)، دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی (۳/۹۵)، رسالت و اهداف (۳/۸)، فرآیند تدریس و یادگیری (۳/۷۸)، هیئت علمی (۳/۶۳)، دانش

آموختگان کارشناسی (۳/۶)، دانشجویان تحصیلات تکمیلی (۳/۵۹)، پژوهش (۳/۴) و امکانات و تجهیزات آموزشی و پژوهشی (۳/۳۹) بود. به این ترتیب عامل اصلی ارزشیابی که گروه آموزشی، آموزش و ارتقاء سلامت می‌باشد از یازده حوزه مورد ارزشیابی امتیاز ۳/۶۲ از ۵ (۷۲/۴٪) را به دست آورد.

بحث و نتیجه گیری: در این بررسی گروه آموزشی، آموزش و ارتقاء سلامت در وضعیت مطلوب قرار دارد، که با توجه به نقاط ضعف، قوت فرصت‌ها و تهدیدهای گروه به نظر می‌رسد بتوان این وضعیت را بهبود بخشیده و تا سطح بسیار مطلوب افزایش داد.

کلیدواژه‌ها: ارزیابی درونی، گروه آموزش و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران.

(S.58Pos.6) نشست: ۵۸، پوستر: ۶

خود باوری علمی و توجه جدی به جنبش نرم‌افزاری و تولید علم جهت بومی‌نمودن فناوری‌های نوین

علی کرمی *

* دانشیار دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله، خ ملاصدرا شیخ بهایی karami@bmsu.ac.ir

دانش ودیعه ایست الهی به انسانی که جانشین خداوند تبارک و تعالی در زمین است، علم عنصر اساسی تعالی انسان، پیشرفت، توسعه، رفاه و سعادت‌مندی بشر و در عین حال سبب قدرت و تولید سرمایه و تجارت است. آری در عصر علوم و فنون دانش‌مدار به‌سر می‌بریم. دانش ثبت می‌گردد و اختراعات به فروش می‌رسند. عرصه ثبت کشفیات علمی به حوزه‌های علوم انسانی و طبیعی نیز رسیده است. دانش قدرت است و ثروت. حال که دانش مایه قدرت و استیلاست، حال که علم تجارت شده است و رونق تجارت نیز با علم است حال که ذخایر طبیعی رو به کاهش‌اند و جمعیت جهان رو به فزون، حال که آلودگی محیط زیست به جو و فضا کشیده است و تعداد موجودات در خطر انقراض روز بروز افزایش می‌یابند، حال که خطر بحران‌های زیستی و کاهش منابع انرژی، آب سالم، افزایش دمای زمین و احتمال به زیر آب رفتن ده‌ها شهر و کشور هر روز مطرح می‌گردد، حال که دانش بشر جهت تولید انواع فرآورده‌های غذایی دستکاری شده و داروهای نو ترکیب و تجهیزات نانویی و رباتیک سبب سیطره علم به زندگی بشر گردیده و مخابرات و اینترنت ماهواره‌ای در کف دست و درون اتومبیل شماست، همه این‌ها حاصل سرمایه‌گذاری‌های کلان در تحقیقات و توسعه در علوم و فناوری‌های نوین است. فناوری‌های نوین، زمانی علوم پایه تجربی اساسی شامل شیمی، فیزیک، زیست‌شناسی و ریاضیات و نجوم بود. هر چند این علوم هنوز نیز مادر علوم تجربی امروز می‌باشند و لیکن کشف پدیده‌ها و رازهای هستی در ابعاد اتمی و مولکولی سبب تحولی جدی و رشد گسترده در علوم و فناوری‌ها در ابعاد کشفیات و پاسخ به سؤالات و مجهولات علوم مادی شده و از طرف دیگر تحقیق و توسعه جهت کاربردی نمودن این کشفیات سبب بروز و ظهور علوم و فنون بیشتری شده است. بشر با شناخت رازهای هستی و پدیده‌های حیاتی ارتباط بسیار گسترده‌ای را بین موجودات جاندار و غیر جاندار کشف نموده و در عین حال کشف فرایندهای بسیار پیچیده و هوشمند موجودات زنده از کوچکترین ذرات حیاتی مانند ژن‌ها و پروتئین‌ها تا بزرگترین موجودات زنده تحول عمده‌ای را در ارتباط علوم مواد غیرحیاتی مانند شیمی و فیزیک و ریاضیات با پدیده‌های حیاتی برقرار نموده به نحوی که از ترکیب علوم زیست‌شناسی و شیمی، علوم زیست شیمی (بیوشیمی)، از ترکیب زیست با فیزیک زیست فیزیک (بیوفیزیک) گردید. انواع علوم پایه زیستی شامل میکروب‌شناسی، ایمنی‌شناسی، همه‌گیر شناسی، بافت‌شناسی و فیزیولوژی و صدها رشته دیگر نظری و کاربردی ابداع گردید. و همچنین کاربردهای گسترده ریاضیات و الکترونیک و مواد منجر به ابداع انواع علوم مهندسی و در نهایت رایانه و علمی چون آمار و احتمالات گردید. حال تلفیق مهندسی با علوم پایه سبب ایجاد انواع رشته‌های کاربردی چون مهندسی شیمی، مهندسی پزشکی و غیره گردید. با گذشت زمان و کشفیات بیشتر و افزایش دانایی انسان در علوم تجربی ارتباط و تلفیق بین علوم بیشتر شد به نحوی که با همکاری سه یا چند علم، علوم و فناوری‌های نوینی ابداع گردید که کاربردهای بسیار مفید و در عین حال گسترده‌ای داشتند. به عنوان مثال از تلفیق زیست‌شناسی، میکروب‌شناسی، ایمنی‌شناسی، رایانه، مهندسی پزشکی و مهندسی شیمی فناوری نوینی به نام فناوری زیست (بیوتکنولوژی) ابداع گردید. به این نوع علوم و فنون به دلیل گستره کاربردهای آن در بهداشت و درمان، کشاورزی و دامپروری و تغذیه، صنایع مختلف و محیط زیست به فناوری‌های نوین گفته می‌شود. مهمترین فناوری‌های نوینی که واجد اهمیت بسیار زیادی هستند و تقریباً تمام کشورهای جهان آن‌ها را در برنامه راهبردی توسعه همه جانبه خود قرار داده‌اند شامل: ۱- فناوری زیستی (بیوتکنولوژی) ۲- ریزفناوری یا نانو تکنولوژی ۳- فناوری اطلاعات، ۴- هوافضا ۵- میکروالکترونیک ۶- مواد جدید هسته-ای ۷- لیزر ۸- رباتیک ۹- پزشکی مولکولی ۱۰- سلول‌های بنیادین و شبیه‌سازی هستند.

کلیدواژه‌ها: آینده‌نگاری فناوری‌های نوین جنبش نرم‌افزاری

(S.58Pos.7) نشست: ۵۸، پوستر: ۷

بررسی همبستگی عزت نفس و پیشرفت تحصیلی در دانشجویان دانشکده پرستاری و مامایی زنجان ۱۳۸۸صدیقه کمالی^{*}، الهام جعفری^{*} عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری و مامایی؛ زنجان، دانشکده پرستاری و مامایی kamalysg@yahoo.com

مقدمه: یکی از بزرگترین معضلات آموزشی، افت تحصیلی دانشجویان است. بنابراین توجه به بهداشت روانی و پیشرفت تحصیلی این گروه اهمیت به سزایی دارد. پاره‌ای از مطالعات بیانگر ارتباط مستقیم بین عزت نفس و پیشرفت تحصیلی است، لیکن بعضی از صاحب‌نظران رابطه مستقیم این دو را مورد تردید قرار داده‌اند. این پژوهش با هدف تعیین همبستگی عزت نفس با پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشکده پرستاری و مامایی زنجان انجام شده است.

روش: این پژوهش یک مطالعه همبستگی بود، کلیه دانشجویان دانشکده پرستاری و مامایی زنجان که حداقل دو نیمسال سابقه تحصیلی داشتند (۱۸۲ نفر) در مطالعه شرکت کردند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه بود. پرسش‌نامه از دو بخش شامل: ویژگی‌های فردی و تحصیلی واحدهای پژوهش و آزمون ۵۸ سؤالی عزت نفس کوپراسمیت تشکیل شده بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری spss11 انجام شد.

یافته‌ها: ضریب همبستگی پیرسون رابطه معناداری بین عزت نفس و پیشرفت تحصیلی دانشجویان نشان داد ($r=0.31$). ولی عزت نفس با سن و جنسیت ارتباط آماری معناداری نداشت ($p>0.05$). پیشرفت تحصیلی دانشجویان دختر به طور معناداری بهتر از دانشجویان پسر بود ($p<0.05$).

بحث و نتیجه‌گیری: از آن‌جا که بین عزت نفس و پیشرفت تحصیلی دانشجویان همبستگی مثبتی وجود دارد، به نظر می‌رسد استفاده از روش‌های تقویت عزت نفس می‌تواند در جلوگیری از افت تحصیلی دانشجویان نقش داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: عزت نفس، پیشرفت تحصیلی، دانشجو

(S.58Pos.8) نشست: ۵۸، پوستر: ۸

تاثیر حل مسئله با روش سوال کلیدی (Key Question) در آموزش پزشکیعبدالرحیم قلی زاده پاشا^۱، ایمان جهانیان^۲

۱- گروه جراحی، بیمارستان شهید بهشتی، دانشگاه علوم پزشکی بابل، drgholizadehpasha@yahoo.com

۲- مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی (EDC)، دانشگاه علوم پزشکی بابل، dr.jahanian@yahoo.com

مقدمه: اکثر وقت‌ها فراگیر نمی‌داند دنبال چه چیزی باید بگردد. قطعاً کسی که نداند چه چیزی می‌خواهد هیچ وقت به اهداف خود نمی‌رسد و یا در برخی از اوقات به دنبال مسائل بسیار جزئی و بی‌اهمیت می‌گردد. پس از بیان شکایات از طرف بیمار و همراهان او، قدم بعدی انتخاب یک سوال کلیدی (Key Question) است. پس از بیان شکایات، سوالات مختلفی به ذهن پزشک می‌رسد که موظف است پاسخ دهد. در این مطالعه در اکثر موضوعات مربوط به جراحی سوال کلیدی هر شکایت مشخص شده و سپس راه‌های پاسخ به آن (Problem Solving) بیان گردیده است.

روش: این مطالعه توصیفی-تحلیلی، در دانشگاه علوم پزشکی بابل در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۸۸ انجام گردید. پس از طرح شکایت از فراگیر خواسته می‌شد تمام سوالات مربوط به این شکایت را لیست کند، سپس استاد مربوطه سوالات دیگری را نیز ارائه می‌داد و از بین این سوالات مطرح شده سوال کلیدی با مشخصات ذکر شده انتخاب می‌گردید. سپس راه‌های پاسخ به آن سوال با روش بسیار ساده و راحت تشریح می‌شد. این مفاهیم در کتاب سوال کلیدی (Key Question) ارائه شده است. متعاقباً با تهیه پرسشنامه‌ای پژوهشگر ساخته در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت، از ۹۰ نفر از فراگیران که با این روش آموزش دیده بودند، نظر سنجی بعمل آمد که رضایتمندی آنان از کارایی این شیوه مشخص گردید. اطلاعات کدگذاری و وارد کامپیوتر شده و با نرم افزار SPSS 15.0 آنالیز گردید.

یافته‌ها: نتایج حاصله موید این مطلب می باشد که ۴۵٪ از فراگیران تاثیر انتخاب سوال کلیدی در یادگیری مباحث مربوطه را بسیار زیاد و ۴۱٪ زیاد اعلام کردند. ۴۵٪ تاثیر انتخاب سوال کلیدی بر روند تصمیم گیری برای بیماران را بسیار زیاد و ۴۱٪ زیاد اعلام کردند. ۲۶٪ معتقد بودند که سوال کلیدی در شرایط اورژانس کمک بیشتری نموده و ۱۲٪ معتقد بودند که سوال کلیدی در شرایط غیر اورژانس کمک بیشتری نموده و ۶۰٪ همه مواقع را برگزیدند.

بحث و نتیجه گیری: فراگیران در مورد تاثیر فوق العاده زیاد این روش در یادگیری و نیز بر روند تصمیم گیری برای بیماران صحنه گذاشته اند. قدم اول پس از بیان شکایات، انتخاب یک سوال کلیدی است و پزشک باید ابتدا به آن پاسخ دهد. زیرا پس از پاسخ به این سوال کلیدی خیلی از سوالات خود به خود حذف یا پاسخ داده می شوند. با توجه به اهمیت فراوان سوال کلیدی در پزشکی و تاکید فراگیران در مورد تاثیر فوق العاده زیاد این روش در آموزش، پیشنهاد می گردد در سایر گروه های آموزشی نیز چنین روشی اجرا گردد.

کلیدواژه‌ها: حل مسئله، سوال کلیدی، آموزش، پزشکی

(S.59Pos.1) نشست: ۵۹، پوستر: ۱

کیفیت محیط یادگیری دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان از دیدگاه فراگیران بر اساس

مدل DREEM

دکتر محمدمهدی یاقوتی^۱، حمید بخشی^۲، ثمانه چالاک^۳

۱. استادیار عضو هیئت علمی دانشکده دندانپزشکی

۲. عضو هیئت علمی مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

۳. دانشجوی دندانپزشکی

مقدمه: محیط یادگیری نقش اساسی در موفقیت آموزشی دانشجویان ایفا می نماید براین اساس این مطالعه با هدف تعیین کیفیت محیط یادگیری در دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان از نظردانشجویان در سال ۱۳۸۷ انجام شده است.

روش: مطالعه حاضر از نوع توصیفی است که با کمک پرسشنامه استاندارد DREEM (دانشگاه دندی) حاوی ۵۰ سؤال در پنج حیطه یادگیری، اساتید، درک دانشجو از توانایی فرد، فضای آموزشی و درک از شرایط اجتماعی فرد بود. بر روی ۱۰۷ نفر از دانشجویان دوره علوم پایه، کارآموز و کارورز دانشکده دندانپزشکی رفسنجان انجام گرفت. داده ها براساس دستور العمل پرسشنامه و با نرم افزار SPSS 17 و کاربرد آمار توصیفی و تحلیلی تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: میانگین امتیازات بدست آمده در پنج حیطه از نظردانشجویان ۹۸/۷۲ از ۲۰۰ بود ($p=0.04$) ($C=93/82-103/6$) تفاوت نمرات کل بر حسب سال ورودی و دوره تحصیلی و سن از نظر آماری معنی دار بود ($P<0.05$) بطوری که نمرات کل DREEM جنس مؤنث (۹۶) در برابر مذکر (۱۰۳) کمتر بود ($P<0.05$) و نمرات نظرات دانشجویان بر حسب دوره تحصیلی نشان داد که بیشترین نمره درخصوص دانشجویان کارآموز، و کمترین نمره مربوط به دانشجویان کارورز بوده است ($P<0.05$). ضمناً بیشترین نمره مربوط به درک خود آکادمیک فضای آموزشی و کمترین نمره مربوط به درک از یادگیری، درک از خود اجتماعی و درک از اساتید بوده است.

بحث و نتیجه گیری: مطالعه حاضر مشخص نمود که درک دانشجویان دندانپزشکی از محیط یادگیری خود در دانشکده منفی است و از محیط یادگیری خود در حیطه درک از یادگیری و درک از اساتید ناراضی و از درک خود آکادمیک رضایت داشتند که توجه اساتید و مسئولین دانشکده به رعایت اصول برنامه ریزی آموزشی و ایجاد فضای مناسب و رفع نواقص جهت ارتقا محیط یادگیری دانشجویان ضروری است.

(S.59Pos.2) نشست: ۵۹، پوستر: ۲

بررسی پایائی سنجش توانمندی دانشجویان پزشکی از طریق کامپیوتر

نعمت بیلان*، سیامک شیوا

* استاد علوم پزشکی تبریز، تبریز، بیمارستان کودکان bilan@tbzmed.ac.ir

مقدمه: استفاده از روش OSCE برای سنجش مهارت و نگرش فراگیران، اگرچه به دلیل شرایط یکسان برای همه از قابلیت اتکای بالائی برخوردار است. ولیکن وجود شرایط استرسزای محیط (نظیر وجود ناظر، ایستگاهها و عدم امکان بازگشت ایستگاه قبلی و ...) را نمی توان انکار کرد، لذا استفاده از روشهایی که میزان استرس کمتری بر فراگیر تحمیل نماید، از ضروریات خواهد بود.

روش: ما ایستگاههای ۱۵ گانه OSCE را با تهیه فیلمهای مختلفی که در آن خطاهای عمدی وجود دارد جایگزین کرده و داوطلبین با استقرار بر سر یک کامپیوتر در فرصت زمانی مشخصی به تمام سؤالات پاسخ داده و در صورت لزوم سؤالات قبلی را اصلاح می نمایند. در این مطالعه نتایج حاصل از هر دو نوع امتحان با هم سنجیده شد.

یافته ها: مطالعه نشان می دهد که در میانگین حاصل از نمرات دانشجویان در دو نوع ارزیابی تفاوت معنی دار وجود نداشته ($P \leq 3$) و در عین حال میانگین نمرات در نوع کامپیوتری پایین تر نیز می باشد.

بحث و نتیجه گیری: به نظر می رسد روش استفاده از کامپیوتر چنانچه دارای فیلمهای آموزشی مناسب باشد، می تواند جایگزین روش OSCE شود.

کلیدواژه ها: پایائی، توانمندی، سنجش

(S.59Pos.3) نشست: ۵۹، پوستر: ۳

مدیریت معنوی

صدیقه ابراهیمی*

* دانشیار علوم پزشکی یاسوج؛ یاسوج، بیمارستان امام سجاد، بخش اطفال sedighehebrah@yahoo.com

مقدمه: مدیریت معنوی به معنی استفاده از متافیزیک و فراروانشناسی در مدیریت است. در این مدیریت اصول براساس مبانی اندیشه و ناظر به فلسفه وجودی و چارچوبهای ساختاری و محتوایی یک اندیشه مدیریتی تبیین می شوند، که نویدبخش مدیریت بهتر و در جهت ارتقاء سطح کیفی و بهره روری سازمانهاست.

روش: مرور مقالات و مطالعه استنادی و تلفیق

یافته ها: مدیریت معنوی یک مفهوم جدید است که ریشه در آغاز آفرینش انسان دارد. در جهان جدید که به سرعت در حال تکامل است، مدیریت سنتی به تدریج جای خود را به مدیریت معنوی می دهد که بر پایه هماهنگ سازی انگیزه ذاتی برای ایجاد تناسب بینش و ارزش در سطوح فردی، گروهی و سازمانی و در نهایت تحکیم سطوح بالاتری از تعهد سازمانی و بهره وری، رفاه، بقای معنوی و رشد انسان می باشد. در این مدیریت وظیفه رهبر هدایت فعالیت ها، انگیزش و آموزش کارکنان، انتخاب راه های ارتباط موثر و حل و فصل تعارضات در راستای برنامه ریزی و مدیریت منابع و نظارت می باشد. مدیریت معنوی شامل مشارکت کارکنان و کار در زمینه هایی از انسانیت است. در این مدیریت اگر چه رعایت سلسله مراتب وجود دارد لیکن مسائل انسانی حفظ می شود. از منافع این مدیریت رابطه نزدیکتر کارکنان و کارگزاران و بهبود کیفیت کار و توجه کارکنان نسبت به ارتقاء سازمان می باشد. سیستم مدیریت معنوی متکی بر مقبولیت است که در پرتو اقتدار وجودی دیدگاههای خویش را نافذ می کند و بسط می دهد و نگرش از مدیریت حداقلی به مدیریت حداکثری دارد. در این سیستم مدیر الگوی عینی و شاخص کاملی برای تفکر است. و سعی می کند که نیروهای خود را برای انجام کارهای بزرگ تشویق کند و زمینه را برای شکوفایی استعدادهای آنها فراهم نماید. مدیریت معنوی مدیریت عشق و تدبیر است.

بحث و نتیجه گیری: مدیریت معنوی جای خود را در تعاریف جدید باز کرده است. لیکن در مسیر عبور از مدیریت سنتی به مشارکت مدیریت و معنویت مشکلاتی وجود دارد و باید ابتدا مفاهیم خود و شخصیت را در چارچوب معنویت مشخص کنیم و چگونگی ادغام معنویت در مدیریت را به گفتمان گذاشت و ارتباط معنویت با ابعاد مهم مدیریت را بیان نمود.

کلیدواژه ها: مدیریت معنوی، رهبری

(S.59Pos.4) نشست: ۵۹، پوستر: ۴

مداخله آموزشی و تاثیر آن در گروه‌های مختلف ارائه‌کننده خدمات اورژانس پیش بیمارستانی

دکتر تهمینه فقیه ملک مرزبان*، دکتر سعید عباسی**، دکتر مشایه حدادی***

*پزشکی عمومی، MPH، دانشگاه علوم پزشکی ایران

**متخصص طب اورژانس، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران

***متخصص پزشکی اجتماعی، وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی

مقدمه: فوریت‌های پزشکی هر ساله در کشور منجر به مرگ و معلولیت جسمی و روانی هزاران نفر و صدمات مالی بسیار می‌گردد. پزشکان، پرستاران و امداد گرانی که با اورژانس‌های پزشکی سر و کار داشته‌اند کاملاً واقفند که این فوریت‌ها از تنوع فراوانی برخوردارند. نکته مهم‌تر این‌که درمان بیشتر این فوریت‌ها دارای زمان‌های طلایی خاص خود است که با گذشت این زمان خسارت‌های جبران ناپذیر سیستم و بار مالی قابل توجه آن گاه کمر شکن خواهد بود.

لذا دانش تئوری و مهارت عملی کارکنان سیستم اورژانس همیشه مورد توجه بوده است و با توجه به پیشرفت‌های سریع در عرصه علم و دانش، وافزایش آگاهی مردم و از دغدغه‌های اصلی مسئولین مملکتی است.

روش: این مطالعه در دانشگاه علوم پزشکی ایران بر روی ۶۰ نفر از پرسنل اورژانس پیش بیمارستانی که با نمونه‌گیری تصادفی از کارکنان اورژانس پیش بیمارستانی انجام گرفت. پس از انجام مطالعه اولیه از نظر سطح آگاهی و عملکرد با روش مداخله‌ای خود کنترل (self control)، بسته آموزشی که توسط گروه مدرسین طب اورژانس این دانشگاه بر اساس منابع مورد تأیید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تدوین شده بود به گروه هدف آموزش داده شد و سطح دانش و عملکرد افراد بعد از آموزش نیز مورد مطالعه قرار گرفت.

یافته‌ها: متوسط آگاهی افراد قبل از آموزش ($۶۳/۱۸ \pm$) و بعد از آموزش ($۶۷/۲۱ \pm$) اختلاف آماری معنی داری داشت. بود. بعد از آموزش آگاهی افراد افزایش پیدا کرد به طوری که امتیاز مکتسبه ($۷/۱۸ \pm$) در مقابل ($۵/۱۷ \pm$) ($p < ۰/۰۰۱$) لحاظ گردید.

بحث و نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد با توجه به تأثیر مثبت و قابل توجه آموزش در سایر نقاط دنیا، توصیه می‌گردد آموزش در ارائه دهندگان خدمت در پرسنل اورژانس پیش بیمارستانی مورد توجه قرار گیرد و با توجه به نقش مؤثرتر گروه کاردان و تأثیر بیشتر آموزش این گروه، گروه هدف اصلی محسوب گردند.

کلیدواژه‌ها: آموزش، فوریت‌های پزشکی امدادگر اول، تکنسین فوریت‌های پزشکی میانی، بسته آموزشی

(S.59Pos.5) نشست: ۵۹، پوستر: ۵

بررسی اثر گروه‌های بحث کوچک در آموزش فیزیولوژی پزشکی به روش حل مسئلهفیروز قادری پاکدل^۱ و سمیه نادری^۲

۱. گروه فیزیولوژی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، صندوق پستی ۱۱۳۸، ارومیه، ایران

fgpakdell@umsu.ac.ir ، info@fgpakdel.com

۲. گروه زیست‌شناسی، دانشکده علوم، دانشگاه ارومیه

مقدمه: بحث گروهی دارای نقش مهمی در آموزش دانشجویان می‌باشد. برای موارد کلینیکی و نیز آموزش موثر، گروه‌های بحث کوچک دارای ارزش ویژه‌ای در آموزش دانشجویان پزشکی هستند. در صورتی که روش تدریس با استفاده از گروه‌های بحث بهتر صورت گیرد، دانشجویان قادر خواهند بود در خصوص مفاهیم بهتر صحبت کنند، خودشان را به عنوان فردی در گروه عرضه نمایند و در نهایت میزان صمیمیت و تعامل دانشجویان با همدیگر برای یادگیری را افزایش دهد. بحث‌های گروهی همچنین یادگیری مهارت‌های دستگاہی و نیز توانایی گوش دادن به یادگرفته‌های دیگران را در دانشجویان افزایش داده و آنها را در ارائه ایده‌های خود و ترغیب به کار در بخشی از تیم را بیشتر می‌نماید.

روش: روش تدریس فیزیولوژی پزشکی در سالهای اخیر توسعه یافته است. در تحقیق حاضر فیزیولوژی پزشکی به روش حل مسأله با بحث گروهی در قالب گروه‌های کوچک برای افزایش یادگیری فیزیولوژی تلفیق شده است. دانشجویان هدایت می‌شدند تا

به ۴ الی ۶ گروه بحث کوچک تقسیم گردند. هر گروه به این ترتیب از ۸ الی ۱۰ دانشجو تشکیل می شود. در شروع تدریس یک یا دو مسئله به دانشجویان ارائه شده و به گروه های آنها فرصت داده می شد تا در مورد هر مسئله به مدت ۱۰ دقیقه بحث و تبادل نظر نمایند. در انتهای هر بحث هر مسئله توسط مدرس به مدت ۵ دقیقه مورد تجزیه قرار گرفته و پاسخهای ارائه شده گروه های مورد ارزیابی قرار می گرفتند. نمرات گروه های بحث محاسبه شده و اثر روش بوسیله پرسشنامه با طیف لیکرت ارزیابی می شد.

یافته ها: تجزیه تحلیل داده های حاصل نشان داده است که بیش از ۷۰ درصد دانشجویان اتفاق نظر دارند که روش گروه های بحث کوچک میزان یادگیری تعاملی آنها، میزان مراجعه آنها به منابع اصلی و مطالعه مطالب اضافی را افزایش داده و نوعی یادگیری مبانی مکانیسمی را در آنها ایجاد می نماید. همچنین بیشتر دانشجویان معتقدند تلفیق روش تدریس به شیوه حل مسئله و گروه های بحث کوچک موجب می شود درس فیزیولوژی حالت مکانیسمی پیدا کرده و در کشف پایه پاتولوژیک، برخی آسیب ها به آنها کمک می نماید.

بحث و نتیجه گیری: استفاده از گروه های بحث کوچک در تدریس فیزیولوژی پزشکی مهارتهای شناختی در دانشجویان را افزایش داده و فراخوانی آموخته های پایه ای فیزیولوژی را در افزایش می دهد. این روش همچنین کمک می نماید تا درس فیزیولوژی برای دانشجویان حالت مکانیسمی پیدا نماید.

(S.59Pos.6) نشست: ۵۹، پوستر: ۶

بررسی تعیین تاثیر تدریس بعضی از سرفصلهای آموزشی به دانشجویان توسط دستیاران همراه با شیوه های نوین آموزشی - گزارش یک مداخله جهت بهبود بهره وری آموزش
دکتر حمید نصری^۱، دکتر سعید بهراد منش^۲، دکتر امراالله ابراهیمی^۳، دکتر علی مومنی^۴، دکتر قربانعلی رحیمیان^۵، دکتر حمید روحی^۶، دکتر سعید مردانی^۷، دکتر افشین تقی خانی^۸، دکتر آذر برادران^۹، دکتر محمد کرمی^{۱۰}، دکتر محمد گرگ یراقی^{۱۱}، الهام اسفندیاری^{۱۲}، احمد ابراهیمی^{۱۳}

۱. شهرکرد بیمارستان هاجر دفتر گروه داخلی، A-ev11@yahoo.com
۲. شهرکرد بیمارستان هاجر دفتر گروه داخلی، S_BEHRADMANESH@YAHOO.COM
- ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۰، ۱۱. شهرکرد بیمارستان هاجر دفتر گروه داخلی،
۹. اصفهان بیمارستان الزهرا آزمایشگاه،
- ۱۲، ۱۳. دانشگاه علوم پزشکی اصفهان،

مقدمه: یکی از شیوه های افزایش بهره وری آموزش، تعریف مدلهای جدید رهبری آموزش بر مبنای شیوه های دانشجو محوری است. یاددهی و ارزشیابی دو طرفه بهترین شیوه یادگیری است. هدف از این مداخله تعیین تاثیر مشارکت دستیاران در فرایند آموزش دانشجویان، تعمیق یادگیری خود آنان بر مبنای شیوه گروههای کوچک و رضایتمندی هر دو گروه بود.

روش: این مطالعه مقطعی از آذر ۸۷ لغایت دیماه سال ۸۸ در گروه داخلی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد اجرا شد. ابتدا تعدادی از سرفصلها بطور راندم توسط گروه آموزشی تعیین و سپس بین دستیاران سال دوم و سوم بتعداد شش نفر جهت تدریس تقسیم شد. این سرفصلها در کلاسهای تئوری روتین دانشجویان به تعداد ۲۷ نفر توسط دستیاران تدریس میشد. مباحث توسط دستیاران به شکل power point و شامل مطالب تئوری و تصاویر مربوطه برگرفته از بیماران و همچنین از اطلس آماده و به بحث گذاشته میشد. در جلسات استاد رشته مربوطه نیز بعنوان facilitator حضور داشت. ساعات تدریس از ۱۲/۵ الی ۲ بعدازظهر بود. در پایان پروژه از دستیاران مصاحبه حضوری و از دانشجویان نظر سنجی پرسشنامه ای بعمل آمد. نظریات جمع آوری و توسط نرم افزار spss آنالیز شد.

یافته ها: در بررسی نگرش، ۱۰۰٪ دستیاران، ۹۵٪ اساتید و ۷۵٪ دانشجویان کاملاً موافق و موافق با این شیوه تدریس بودند (p<0/05). دستیاران در پاسخگوئی سوالات ارتقا و پره ارتقا، در مباحثی که تدریس کرده بودند ۹۰٪ و در مباحث تدریس نشده ۶۰٪ جواب داده بودند (p<0/05). همه دستیاران با حضور استاد بعنوان تسهیل کننده در ارائه و فهم مطلب کاملاً موافق بودند. ۸۰٪ دستیاران خواهان تغییر ساعت تدریس بودند.

بحث و نتیجه گیری: با عنایت به اینکه کلاسهای تئوری یکی از عرصه های اصلی آموزش دانشجویان پزشکی است، نتایج مداخله نشان داد استفاده از دستیاران همراه با شیوه های نوین آموزش موجب افزایش رضایتمندی دستیاران شده ولی رضایتمندی لازم را در دانشجویان برآورده نکرده است، لذا لازم است بطور شفاف در شرح وظایف آنان تعریف و در ارزشیابی آنان لحاظ شود. مشارکت آنان در طراحی سوالات امتحانی موجب افزایش انگیزه آنان خواهد شد. یادگیری مشارکتی آزمودن مجدد یک تجربه همراه با بهره وری آنی در محیط آموزشی ما بود که leader آن دستیاران بودند استفاده از دستیاران در مرکز مهارت های بالینی قطعاً موجب تسلط بیشتر خود آنان و فراگیران میشود. در ضمن برگزاری کارگاه های فنون تدریس نیز جهت افزایش بهره وری آنان توصیه میشود. تهیه بانک تصاویر بیماری های شایع وبومی و نهایی کشوری میتواند راهکاری مناسب و جذاب در کاهش چالش موجود case study deficiency باشد

کلیدواژه ها: دستیاران، تدریس، یادگیری، دانشجوی، ارتقاء کیفیت

(S.60Pos.1) نشست: ۶۰ پوستر: ۱

بررسی تأثیر سن و سابقه کار بر سبک رهبری مدیران گروه های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی

یزد

مهديه ممیزی *

* دانشگاه علوم پزشکی یزد- بلوار ۱۷ شهریور، ۲۴ متری امام شهر، خیابان شیخ صدوق، کوچه شماره ۷، پلاک ۱۷
mahdieh_momayyezi@yahoo.com

مقدمه: عوامل متعددی در طرز تلقی و رفتار مدیران مؤثر است. از این جمله می توان سطح دانش و سن را نام برد. در سازمان های امروزی کارمندان و مدیران از نظر سنی متفاوتند و معمولاً تیم های مدیریتی از اعضای متنوع از نظر سنی تشکیل شده اند. مدیران جوان و پیر دارای سبک های رهبری مجزا و در نتیجه رفتارهای متفاوتی هستند و مدت خدمت و سن آنها تأثیر قابل ملاحظه ای در طرز تلقی، هدف و اثربخشی در سازمان دارد. مدیران با سابقه معمولاً دارای میزان بیشتری از مشارکت با سایر اعضای گروه هستند و این نوع رفتار سبب ارتقای علمی سایر اعضای گروه و در نتیجه ارتقای علمی و پژوهشی دانشجویان می گردد. لذا پژوهش گر بر آن شد که به بررسی رابطه بین سبک رهبری مدیران گروه های آموزشی و میزان سابقه و سن آنها بپردازد.

روش: پژوهش حاضر توصیفی بوده و بر روی مدیران گروه های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد انجام گرفته است. داده ها از طریق پرسش نامه سبک رهبری باردنز و متزکاس که شامل ۳۵ سؤال و بر اساس مقیاس ۵ درجه ای لیکرت است، جمع آوری گردید و توسط نرم افزار SPSS و آمار توصیفی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: نتایج نشان داد بیشتر مدیران گروه های آموزشی (۶۲٪) در محدوده سنی ۴۰-۵۰ سال، قرار دارند و ۲۰/۶٪ در محدوده سنی کمتر و ۱۷/۴٪ در محدوده سنی بالاتر از این محدوده می باشند. از نظر سابقه کار نیز ۲۰٪ دارای سابقه بیش از ۲۰ سال و ۳۰٪ دارای سابقه کمتر از ۱۰ سال و ۵۰٪ دارای سابقه بین ۱۰-۲۰ سال بودند. نتایج بررسی بیانگر آن بود که با افزایش سن و سابقه کار، سبک رهبری مدیران از نوع مشورتی می شود و هرچه مدیر دارای سابقه و سن کمتری باشد سبک رهبری انفرادی با درجه تفویض اختیار کم را برمی گزیند.

بحث و نتیجه گیری: از تحلیل نتایج آشکار می شود که مدیران جوان کمتر روش مدیریت مشارکتی و مشورتی را اتخاذ می کنند و می توانند به تنهایی و بدون مشورت با دیگر اعضای گروه عمل کنند. از طرف دیگر مدیران پیر و دارای سابقه کار بیشتر با اعضای گروه مشورت می کنند و سبک رهبری گروهی را برمی گزینند.

کلید واژه ها: سن، سابقه کار، رهبری، سبک رهبری، گروه آموزشی، مدیر گروه

(S.60Pos.2) نشست: ۶۰ پوستر: ۲

مقایسه نظرات دانشجویان دانشکده‌های پیراپزشکی و بهداشت و تغذیه دانشگاه علوم پزشکی تبریز در خصوص رهبری رؤسای دانشکده‌ها در محیط آموزشی در سال ۱۳۸۸

حبیب الله قمی^{*}، علیرضا زادگان، حسن سلامی، شاپور نادر فام، مقصود گیاهی، مالک قربان نیتی، ربعلی یوسفی
* کارشناسی آموزش زبان انگلیسی دانشگاه علوم پزشکی تبریز- تبریز خیابان دانشگاه مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی
habibollahghomi6@gmail.com

مقدمه: پیشرفت‌های برجسته در زمینه‌های مختلف آموزشی و مهارت‌های رهبری موجب شکل‌گیری روش‌های مدیریتی در دانشگاه‌ها شده‌اند. رهبری وقتی تحقق می‌یابد که شخص بخواهد افراد را به منظور نیل به هدف‌های پیش‌بینی شده به‌کار وادارد. این مقاله با محوریت رهبری در محیط آموزشی تحریر شده است.

روش: این مطالعه به روش توصیفی-تحلیلی و از نوع پیمایشی می‌باشد. برای مقایسه نظرات دانشجویان این دو دانشکده، پرسش-نامه مورد سنجش که در برگیرنده دوازده سؤال برای هر کدام از دانشکده‌ها ارائه و به‌صورت تصادفی ساده و حضوری به دانشجویان دانشکده‌ها تحویل داده شد، که از ۴۰۰ پرسش‌نامه ارسالی به تعداد ۲۵۰ پرسش‌نامه توسط دانشجویان دانشکده پیراپزشکی و از ۲۵۰ پرسش‌نامه ارسالی ۱۵۰ پرسش‌نامه توسط دانشجویان دانشکده بهداشت و تغذیه تکمیل و برگردانده شد داده‌ها با برنامه SPSS و روش لیکرت و مقیاس‌های (خیلی کم=۱، کم=۲، زیاد=۳، خیلی زیاد=۴) تجزیه و تحلیل شدند. پایایی مطالعه براساس آزمون آلفای کرونباخ ۰/۸۵۷ برای دانشکده پیراپزشکی و ۰/۹۰۵ برای دانشکده بهداشت و تغذیه حاصل شد.

یافته‌ها: دانشجویان با گذاشتن علامت به این سؤالات که در خصوص رهبری در محیط آموزشی رؤسای دانشکده‌شان بود نظر خود را بیان کردند. برون‌دادها با میانگین و اولویت‌بندی به شرح زیر به‌دست آمدند: ۱- در برخورد با دانشجویان موازین اسلامی و اخلاقیات را رعایت می‌کند: میانگین پیراپزشکی ۳/۲۸، میانگین بهداشت و تغذیه ۲/۹۵، ۲- روابط متقابل، خانواده، محیط دانشگاه و جامعه را درک می‌کند: میانگین پیراپزشکی ۳/۱۰، میانگین بهداشت ۲/۲۴، ۳- به مسائل و مشکلات دانشجویان اهمیت می‌دهد: میانگین پیراپزشکی ۳/۰۴، میانگین بهداشت ۲/۲۴، ۴- عدالت و انصاف را سرلوحه امورات قرار می‌دهد: میانگین پیراپزشکی ۲/۹۱، میانگین بهداشت ۲/۳۹، ۵- با اندیشه‌ها و نظریه‌های مدیریت و رهبری آشناست: میانگین پیراپزشکی ۲/۹۰، میانگین بهداشت ۲/۴۱، ۶- از رهنمودهای اندیشه‌ها و نظریه‌های مدیریت در عمل و رفتار تبعیت می‌کند: میانگین پیراپزشکی ۲/۸۳، میانگین بهداشت ۲/۲۳، ۷- به ارتقاء فرهنگ عمومی کارکنان دانشکده اهمیت می‌دهد: میانگین پیراپزشکی ۲/۸۳، میانگین بهداشت ۲/۴۷، ۸- مشکلات و مسائل آموزشی را در ارتباط با شرایط جامعه تجزیه و تحلیل می‌کند: میانگین پیراپزشکی ۲/۷۸، میانگین بهداشت ۲/۱۸، ۹- برای پیشرفت دانشجویان در زمینه تحقیق اهمیت می‌دهد: میانگین پیراپزشکی ۲/۷۲، میانگین بهداشت ۲/۳۶، ۱۰- مهارت ترغیب مجموعه آموزشی به پذیرش کارگروهی را دارد: میانگین پیراپزشکی ۲/۷۱، میانگین بهداشت ۲/۱۵، ۱۱- به نقطه نظرات دانشجویان درباره دانشکده اهمیت می‌دهد: میانگین پیراپزشکی ۲/۷۱، میانگین بهداشت ۲/۱۸، ۱۲- شرایط را برای کارآمد ساختن دانشجویان فراهم می‌کند: میانگین پیراپزشکی ۲/۶۲، میانگین بهداشت ۲/۳۴

بحث و نتیجه‌گیری: با عنایت به نظرات دانشجویان، رؤسای دو دانشکده در رعایت موازین اخلاقی به‌هنگام برخورد با دانشجویان دارای بالاترین میانگین هستند. رئیس دانشکده پیراپزشکی در فراهم کردن شرایط برای کارآمد ساختن دانشجویان، و رئیس دانشکده بهداشت در ترغیب مجموعه آموزشی به پذیرش کارگروهی کمترین میانگین را به خود اختصاص داده‌اند.

کلیدواژه‌ها: مقایسه، رهبری در محیط آموزشی، دانشجویان، ابزارهای جمع‌آوری

فاکتورهای مؤثر بر توسعه آموزش پزشکی از دید رهبران آموزشی (اعضای هیئت علمی) دانشگاه علوم

پزشکی ارتش

محمد رضا رفیعی *

* استادیار دانشگاه علوم پزشکی ارتش - اصفهان - خ سلمان کوچه سعدی پلاک ۱۲ کدپستی ۸۱۷۳۹۳۷۸۶۱

www.mrrafiei2002@yahoo.com

مقدمه: بهبود مستمر فاکتورهای مؤثر بر توسعه آموزشی باعث شده است که آموزش شتاب بیشتری یابد.

روش: اعضای هیئت علمی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ارتش به عنوان رهبران آموزشی، افراد تحت مطالعه را تشکیل می‌دهند. نظر رهبران آموزشی در مورد فاکتورهای دخیل در امر توسعه آموزشی یک دانشگاه از طریق پرسش‌نامه‌ای که به روش لیکرت تنظیم گردیده بود، پرسیده شد. ابتدا پرسش‌نامه از لحاظ پایایی با روش آلفای کرونباخ مورد ارزش‌یابی قرار گرفت. پس از جمع‌آوری داده‌ها و ورود آنها به نرم‌افزار SPSS - ۱۸ تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: اطلاعات به‌دست آمده از پرسش‌نامه نشان می‌دهد گذراندن دوره‌های پیشرفته آموزشی و نیز گذراندن دوره‌های آموزشی در دانشگاه‌های خارج از کشور برای یک رهبر آموزشی ۱۰۰٪ حائز اهمیت می‌باشد. میزان تأثیر امکانات پیشرفته آموزشی بر رسالت و اهداف آموزشی دانشگاه بر رهبری آموزشی را کاملاً مهم (۷۳/۳٪) و مهم (۲۶/۷٪) دانستند. برخورداری از امکانات پیشرفته آموزشی، امکانات رفاهی اعضای هیئت علمی، وجود ارتباط مستمر با دانشجو و مسئولین آموزشی را از دیگر عوامل مؤثر بر توسعه و پیشرفت آموزش در دانشگاه دانستند که از این نظر تفاوتی بین نظرات اعضای هیئت علمی گروه بالینی و علوم پایه وجود نداشت.

بحث و نتیجه‌گیری: برای ارتقای علمی و به روز کردن اطلاعات یک رهبر آموزشی (مدرس دانشگاه) برخورداری از امکانات پیشرفته و به روز موسسه آموزشی (دانشگاه) الزامی به‌نظر می‌رسد. با توجه به جهانی شدن علم و پیشرفت لحظه‌ای آن لازم است دانشگاه به‌عنوان یک مرکز تولید علم در تعامل بیشتر با سایر مراکز علمی دنیا باشد تا علم آفرین گردد.

کلیدواژه‌ها: رهبری آموزشی، آموزش، توسعه آموزشی

(S.60Pos.4) نشست: ۶۰، پوستر: ۴

بازخورد ۳۶۰ درجه در مدیریت و آموزش بالینی

مرضیه پاکیان

دانشگاه علوم پزشکی قزوین

مقدمه: فیدبک نقد عینی، آگاهانه، و بدون قضاوت از عملکرد فراگیرنده است که با هدف بهبود مهارت‌های بالینی وی صورت می‌گیرد. رهبری و مدیریت در آموزش پزشکی برای بهبود کیفیت آموزش بالینی و ارتقاء خدمات ضروری است. رهبری به‌وسیله آموزش رسمی در میان تجربه و تکامل شخصی است. یکی از مهم‌ترین ابزارهای توسعه فردی برای سازمان‌دهی توسط مدیر ۳۶۰ degree feedback یا بازخورد چندتابی (multi-source feedback) است که بازخورد توسط افرادی که در کنار کارمند هستند، انجام می‌شود. در واقع ۳۶۰ درجه به دایره‌ای اشاره دارد که فرد مورد ارزش‌یابی در وسط دایره است که توسط خود، فرادست، زیردست و همکاران و حتی افراد دریافت‌کننده، خدمات از شخص هم بررسی می‌شود. ۴ فاکتور مؤثر در این ابزار مهارت‌های فنی از قبیل دانش، حمایت، منابع مهارت‌های اجرایی مانند به روز کردن اطلاعات، نظارت، مهارت‌های انسانی مانند حس هم‌دردی و روشن‌فکری، رفتارهای شهروندی مانند تعهد و همکاری است. فیدبک یا بازخورد عنصر ضروری در اصول ارتباط است، بعد از انتخاب این که چه وظیفه‌ای توسط رهبر تفویض اختیار شود، جور کردن وظیفه با شایستگی فرد و مشخص کردن ارتباط مؤثر ضروری است و سپس ارزشیابی مشارکتی (feedback) باعث انگیزه بیشتر در فرد می‌شود. فیدبک مؤثر یک احساس بازشناسی در انجام وظیفه تفویض شده، ایجاد می‌کند.

روش: این مقاله در واقع حاصل یک فراتحلیل کیفی است که با مرور متون، جستجوی اینترنتی و مطالعات کتابخانه‌ای بین سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۰ آغاز و سپس یک تحلیل جامع انجام و ارائه شده است.



یافته‌ها: مطالعات متفاوت نشان داد که استفاده از بازخورد ۳۶۰ درجه در بهبود عملکرد افراد موثر است. مطالعات نشان داد که ۳۳/۰ رهبران از این فیدبک استفاده می‌کنند، متاتالیز از ۲۴ مطالعه مقطعی نشان داد با دادن این نوع فیدبک رفتارها تعدیل و عملکرد به سوی رسیدن به اهداف هدایت می‌شود. دو عنصر مهم در پذیرش این نوع بازخورد، خودکارآمدی فرد (self-efficacy) و آگاهی نسبت به اهداف (goal orientation) است.

بحث و نتیجه‌گیری: تحقیقات نشان دادند که این نوع فیدبک باعث بهبودی عملکرد و تغییرات رفتاری و درک فرد می‌شود و به-طور اجتناب‌ناپذیری باعث افزایش مهارت‌های رهبری می‌شود. مطالعات نشان دادند که مداخلاتی از قبیل آگاهی به افراد در اول کار و افزایش کارآمدی مدیر در بهبود عمل کرد سازمان بسیار مؤثر است. از امتیازات این روش ارزشیابی تکوینی می‌توان گفت که کارمند، همکار، مدیر و سازمان را درگیر می‌کند. بازخورد برای فراگیر ایجاد انگیزه می‌کند، بازخورد سبب بهبود معنی دار عملکرد می‌شود، ارائه بازخورد برای اطمینان از یادگیری ضروری است، فراگیران بازخورد را مهم می‌دانند. در نهایت داده‌های قابل اعتماد از منابع مختلف به‌دست آمده و در حفظ زمان، منابع داخلی کمک می‌کند و در نهایت راه‌های انتقادی را جهت بهبود عملکرد سازمان می‌توان پیشنهاد کرد.

کلید واژه‌ها: مدیریت، آموزش بالینی، ۳۶۰ degree feedback

(S.60Pos.5) نشست: ۶۰، پوستر: ۵

اجرای کارآموزی فرآیند محور برای دانشجویان کارشناسی مدارک پزشکی

زکيه پیری*، لیلا قادری نانس، پیمان رضایی

* استادیار دانشگاه علوم پزشکی تبریز - piriz_444@yahoo.com

مقدمه: بررسی‌های به عمل آمده و بازخورد مسئولین مدارک پزشکی بیمارستان‌ها و دانشجویان مدارک پزشکی، حاکی از این است که کارآموزی بخش محور تا کنون با مشکلات و نارضایتی‌هایی همراه بوده‌است. کارآموزی بخش - محور برای دانشجویان مدارک پزشکی تاکنون با مشکلات و نارضایتی‌هایی همراه بوده‌است. هدف این پژوهش شناسایی و اجرای استراتژی‌های مفید آموزشی برای کارآموزی رشته مدارک پزشکی بوده‌است.

روش: دانشجو حداقل به ۲ بیمارستان معرفی شده و در هر بیمارستان مسئولیت ۱۰ پرونده بستری، ۵ پرونده سرپایی و ۵ پرونده اورژانس را از ابتدای تشکیل تا بایگانی را شخصاً به عهده می‌گیرد. کلیه آموخته‌های خویش را در مورد آنها به کار می‌گیرد. وی با پیگیری چرخه پرونده در کلیه واحدهای مرتبط با پرونده (حتی بیمه گری و ترخیص) حضور می‌یابد و از نزدیک در جریان مستندسازی فعالیت‌ها قرار می‌گیرد. نهایت تلاش خود را انجام می‌دهد تا یک پرونده کامل و استاندارد از نظر مستندسازی فراهم نماید. حضور دانشجو در هر واحد الزاماً همراه با پرونده‌های تحت مسئولیت خود می‌باشد. نمره دانشجو از طریق ارزیابی مستندات Log book، بررسی کامل بودن پرونده‌ها توسط مربی، شرکت در جلسات آموزشی و کنفرانس‌های مرتبط در بیمارستان توسط مربی و نمره حضور و غیاب توسط مسئول بخش مدارک پزشکی انجام می‌گیرد. این روش به مدت دو سال در دانشکده پیراپزشکی اجرا گردید.

یافته‌ها: آشنایی دانشجویان با چرخه اطلاعات در کل بخش‌ها و همراهی آنها با پرونده، باعث شناسایی شکاف‌ها و گلوگاه‌ها در چرخه صحیح و به‌موقع اطلاعات گردیده و علاوه بر کاهش نقص پرونده‌ها منجر به کاهش مدت زمان انباشت پرونده‌ها در بخش‌های مختلف و افزایش رضایت‌مندی دانشجویان، مربیان و مسئولین مدارک پزشکی گردیده‌است.

بحث و نتیجه‌گیری: اجرای روش فرآیند-محور به جای روش بخش‌محوری موجب فراهم آوردن رضایت مربیان، دانشجویان و مسئولین بخش‌های مدارک پزشکی می‌گردد و از طرف دیگر باعث شناسایی مشکلات مربوط به فرایندهای بخش مدارک پزشکی و بهبود آنها می‌گردد.

کلید واژه‌ها: کارآموزی، روش فرآیند محور، دانشجویان کارشناسی مدارک پزشکی

(S.60Pos.6) نشست: ۶۰ پوستر: ۶

درک دانشجویان پرستاری از جو روانی اجتماعی محیط یادگیری بالینی در بیمارستان‌های آموزشی درمانی شهر اراک ۱۳۸۸

کوروش رضایی*، حمیدرضا کوهستانی**، نیره باغچقی
*k.rezaei@arakmu.ac.ir، **hamidnbkb@yahoo.com
دانشگاه علوم پزشکی اراک

مقدمه: پرستاری یک رشته مبتنی بر عمل می‌باشد. یک محیط حمایت‌کننده به عنوان یک جزء مهم یادگیری در محیط بالین می‌باشد. هدف از این مطالعه تعیین درک دانشجویان پرستاری از جو روانی اجتماعی محیط یادگیری بالینی می‌باشد.

روش: این پژوهش یک مطالعه توصیفی و مقطعی می‌باشد که در سال ۱۳۸۸ در دانشگاه علوم پزشکی اراک انجام شد. درک روانی اجتماعی ۱۱۰ دانشجویان پرستاری از محیط یادگیری بالینی با استفاده از پرسش‌نامه محیط یادگیری بالینی (CLEI) مورد ارزیابی قرار گرفت. این ابزار شامل ۴۲ عبارت و ۶ حیطه و ۷ عبارات برای بررسی هر حیطه می‌باشد. حیطه‌های مختلف این پرسش‌نامه شامل فردی‌سازی، نوآوری، مشارکت، روابط بین‌فردی، آگاهی از شرح وظایف و رضایت می‌باشد.

یافته‌ها: درک تعداد زیادی از دانشجویان پرستاری از جو روانی-اجتماعی محیط یادگیری مناسب نبود (۲۶/۳۳ درصد خیلی بد، ۲۸/۱۸ درصد بد). میانگین نمرات دانشجویان در بخش‌های مختلف بین ۹۷/۲ الی ۱۱۰/۳ متغیر بود (دامنه امتیازات ۱۶۸-۴۲). کمترین امتیاز به بخش چشم داده شده بود. به ترتیب حیطه "آگاهی از شرح وظایف" و "نوآوری" بیشترین و کمترین امتیاز را کسب کرده بود. در میان کل ۴۲ عبارت کمترین امتیاز به عبارت "روش‌های جدید و متفاوت تدریس بالینی به دانشجویان در این بخش به‌ندرت استفاده می‌شود" داده شده بود.

بحث و نتیجه‌گیری: از نظر تعداد زیادی دانشجویان، جو روانی-اجتماعی محیط یادگیری بالینی مناسب نبود و این شرایط در بخش‌های مختلف متغیر بود. لازم است نسبت به ارتقای کیفی جو روانی اجتماعی محیط بالین در بخش‌های مختلف تمهیداتی صورت گیرد.

کلیدواژه‌ها: دانشجوی پرستاری، محیط یادگیری بالینی، روانی اجتماعی

(S.60Pos.7) نشست: ۶۰ پوستر: ۷

رهبری آموزش در فضای الکترونیک: چگونه ممکن است؟

رضا اسدی*

* پژوهش‌گر دانشگاه علوم پزشکی مشهد- EDC دانشگاه علوم پزشکی مشهد، asadir1@mums.ac.ir

مقدمه: در شیوه‌های نوین آموزش گفته می‌شود که باید یادگیری فراگیرمحور شود و نقش مدرسین به مدیر و مشاور آموزش تغییر یابد. این مسئله زمانی که آموزش‌های الکترونیکی مطرح می‌شود که ماهیتاً بیشتر از نوع فراگیرمحور است این مسئله بیشتر ضرورت می‌یابد. اما مسئله اینجا است که آیا مدرسین در دانشگاه‌های علوم پزشکی با مفاهیم رهبری فراگیران در فضاهای مجازی آشنا هستند؟

روش: در دانشگاه علوم پزشکی مشهد، از سال ۱۳۸۵ به مقوله آموزش الکترونیک توجه شده است و درس‌های زیادی به فرمت الکترونیک تهیه و عرضه شده‌اند، اما دوره‌های کمتری به‌صورت مجازی، کاملاً غیرحضور یا نیمه حضوری اجرا شده‌اند. اما در همین دوره‌ها مسائل زیادی بروز نموده‌اند. در این دوره‌ها فراگیران مدرس خود را نمی‌بینند و باید با پست الکترونیک و ابزارهای سیستم الکترونیک با وی ارتباط برقرار کنند. اما مدرسینی که وارد این حوزه شده بودند، اکثراً افراد جوان‌تر و دارای تسلط کافی بر فن‌آوری اطلاعات بودند. آنها از ابزارهای مانند چت، انجمن، ارسال تکالیف و درج آگهی و پست الکترونیک برای برقراری ارتباط با فراگیران استفاده نمودند. اما این شیوه‌ها کافی به‌نظر نمی‌رسید و میزان رضایت‌مندی فراگیران در مقایسه با دوره‌های حضوری کم بود. نکته بعدی این است که رهبری در آموزش مجازی مستلزم این است که فراگیران و مدرسین یکدیگر را به شیوه مجازی درک کنند و این روح معنوی آموزش را



از بین می‌برد اما در عوض فراگیری را قانون‌مند می‌کند. براساس مستندات دوره‌های اجرا شده، در این نوع آموزش عدالت بهتر اجرا می‌شود ولی برخی رفتارهای رایج آموزشی در فرهنگ کشور که چانه‌زنی برای نمره و یا گرفتن فرصت برای تکالیف است از بین می‌رود.

بحث و نتیجه‌گیری: باید دقیقاً در آموزش‌های مجازی ابزارها و روش‌ها برای مدرسين تعریف شوند که چه میزان پی‌گیری فراگیران و از طریق چه ابزارهایی ضروری است. باید هر مدرس بداند که چه زمانی از چه ابزاری و به چه طریقی استفاده نماید تا نقش مدرس الکترونیکی خود را صحیح ایفا نماید. ابزارهای هم‌زمان و غیرهم‌زمان باید به‌نحوی به کار گرفته شوند که فراگیر سایه مدرس را ولو به‌طور مجازی بر فرآیند یادگیری خود احساس نماید.

کلیدواژه‌ها: رهبری آموزشی، آموزش الکترونیکی، فضای مجازی آموزشی

(S.70Pos.1) نشست: ۷۰، پوستر: ۱

تأثیرات روش آموزش مبتنی بر فناوری (یادگیری ترکیبی) بر ابعاد شخصیتی دانشجویان

لیلی مصلی‌نژاد^{*}، احمد علی‌پور، بهمن زندی

^{*} دانشجوی دکترای دانشگاه علوم پزشکی جهرم؛ جهرم، دانشگاه علوم پزشکی جهرم، دانشکده پیراپزشکی

mossila_1@yahoo.com

مقدمه: پیشرفت‌های گسترده علمی و فن آوری همراه با منسوخ شدن سریع یافته‌ها و اطلاعات قبلی ملزم نوعی تعلیم است که در آن دانش‌آموزان به طور مداوم درگیر یادگیری و حل مسئله باشند. و از رویارویی با تغییرات لذت ببرند. یادگیری ترکیبی از شیوه‌های نوین آموزشی است که انواع مختلفی از روش‌ها و رویکردهای آموزشی را با هدف ارتقای تجربیات یادگیری دانشجویان با یکدیگر تلفیق می‌نماید. این تحقیق با هدف طراحی آموزشی یک برنامه استاندارد ترکیبی و بررسی تأثیرات آن بر سبک اسناد و شخصیت دانشجویان انجام پذیرفته است.

روش: این مطالعه یک تحقیق نیمه‌تجربی است. ۴۱ نفر از دانشجویان پرستاری که واحد بیماری‌های روانی را در ترم اول ۱۳۸۸-۱۳۸۷ اخذ کرده بودند، در مطالعه شرکت کرده و پس از تقسیم تصادفی دانشجویان به دو گروه تحت آموزش سنتی و یا ترکیبی قرار گرفتند. در طراحی آموزش ترکیبی از مدل‌ها و رویکردهای استاندارد طراحی آموزشی استفاده گردید. ابزار گردآوری داده‌ها را آزمون سنجش اسناد علی، فرم کوتاه آزمون شخصیت نتو (طرح پنج عاملی سنجش شخصیت) و سپس نمره نهایی دانشجویان بوده است. از آمار توصیفی جهت بررسی پراکندگی داده‌ها و از آمار استنباطی چون تی زوجی و مستقل با هدف مقایسه میانگین آزمون در قبل و بعد در دو گروه و بین گروه و سپس آزمون خی دو و آنالیز واریانس با هدف بررسی تعامل متغیرهای پژوهش بر یکدیگر استفاده شده است.

یافته‌ها: ۹۳.۸ دانشجویان رضایت خود را از آموزش ترکیبی اعلام داشتند، در بررسی تعامل بین نوع آموزش و سبک اسناد دانشجویان از طریق آزمون آنالیز واریانس مشخص گردید که ارتباط مثبتی بین نوع آموزش و مقوله موفقیت کلی- جزئی ($P = 0/04$, $F = 10/52$) وجود دارد. در بررسی تعامل نوع آموزش و آزمون پنج عاملی شخصیت، نیز نتایج معرف ارتباط مثبت معنی‌دار بین کلیه مؤلفه‌ها شامل برون‌گرایی، باز و گشاده‌بودن، وجدانی بودن و توافق به جز معیار عصبیت بود.

بحث و نتیجه‌گیری: نظر به تأثیرات مثبت این روش آموزشی بر تفکر انتقادی، باورهای فراشناختی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان استفاده از این متدها به خصوص بهره‌گیری از آموزش‌های الکترونیک در آموزش علوم پزشکی توصیه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: یادگیری ترکیبی، سبک اسناد، رگه‌های شخصیتی، پیشرفت تحصیلی دانشجویان

(S.70Pos.2) نشست: ۷۰، پوستر: ۲

بررسی ارتباط کارپوشه آموزشی، پژوهشی با ارتقاء اساتید در دانشگاه علوم پزشکی شیراز

لیلا بذرافکن^{*}، صدیقه شایق، بهمن شجاعیان، قاسم یوسفی

^{*} مربی دانشگاه علوم پزشکی - شیراز - دانشکده پزشکی - طبقه هفتم ساختمان شماره ۳ - مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

مقدمه: توجه به مسئله ارزشیابی اساتید در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، ارتقاء کیفیت آموزش و تعهد بیشتر آنان را به بهبود فرآیند آموزش نوید می‌دهد. یکی از راه‌های ارتقاء کیفیت آموزش، مستند ساختن کیفیت و کمیت فعالیت‌های اساتید توسط خودشان (خودسنجی) می‌باشد. روش کار پوشه در سال‌های اخیر به عنوان یک روش نوآور به منظور مستندسازی و تدوین تجربیات مؤثر آموزشی و پژوهشی برای اعتباربخشی هرچه بیشتر ارزشیابی‌ها و مدیریت اساتید بر اداره زندگی حرفه‌ای خودشان تعبیر شده است.

روش: در این مطالعه توصیفی-مقطعی به روش نمونه‌گیری آسان دیدگاه ۸۰ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز (۶۵ نفر استاد بالینی، ۲۵ نفر استاد پایه) در مورد اولویت‌بندی ارزشیابی آموزشی استاد مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه پژوهش‌گر ساخته بر اساس ساختار کارپوشه آموزشی پژوهشی اساتید بود که براساس نظر محققین شامل ۴ معیار اصلی مدرس، توانایی علمی آموزشی، علمی پژوهشی، و اجرایی در نظر گرفته شد. و اطلاعات مربوط به ارتقاء اساتید با همکاری معاونت آموزشی دانشگاه استخراج گردید. روایی هر دو پرسش‌نامه با نظرخواهی از متخصصان ذیربط مورد تأیید قرار گرفت. پایایی آنها نیز در یک مطالعه مقدماتی که بر روی یک گروه ۲۰ نفره انجام شد، از طریق آلفای کرونباخ برابر ۸۶٪ محاسبه گردیده است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش‌های آمار توصیفی و آمار استنباطی همچون آزمون‌های خی دو، همبستگی اسپیرمن و رگرسیون چندگانه استفاده شده است.

یافته‌ها: از ۴۸۵ عضو هیئت علمی ۲۶۱ نفر (۵۳/۸٪) در سال ۸۷ ارتقاء یافته‌اند و یک نفر سال ۷۵ ارتقاء در دانشکده پزشکی از سال ۷۵، دندانپزشکی از سال ۷۹، داروسازی ۸۴، توانبخشی، بهداشت و پرستاری ۸۶، مدیریت ۸۲، پیراپزشکی ۸۵ و پرستاری لاراز سال ۸۷ بوده است. سیر صعودی ترفیع در دانشکده‌ها از سال ۸۵ تا ۸۷ بوده است نتایج به‌دست آمده نشان داد که با اطمینان ۹۵٪ بین کار پوشه آموزشی، پژوهشی و ارتقاء اساتید در دانشگاه علوم پزشکی شیراز رابطه معناداری وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری: برای اینکه کار پوشه آموزشی، پژوهشی اثربخش باشد باید حاوی اطلاعات مناسب بوده و به خوبی سازماندهی شده باشد. یک پوشه آموزشی مفید مجموعه‌ای است مشتمل بر شواهد مستدل، مستحکم و پویا که حاکی از کفایت استاد می‌باشد و لازم است به‌طور مداوم به روز گردد. کارپوشه آموزشی به اساتید کمک می‌کند تا از امتیازات لازم جهت ارتقاء استفاده نمایند که نرم‌افزار سامان در راستای رسیدن به این هدف در دانشگاه تعبیه شده است.

کلیدواژه‌ها: کار پوشه، ارتقاء اساتید، دانشگاه علوم پزشکی شیراز

(S.70Pos.3) نشست: ۷۰، پوستر: ۳

بررسی میزان هوش فرهنگی مدیران آموزشی، در دانشگاه علوم پزشکی تبریز

فریبا سالک رنجبرزاده*، دکتر رضا غفاری، دکتر سوسن حسن زاده سلماسی، کتابون نسیمی، فاطمه دنبلی میاندوایی
* کارشناس ارشد پژوهش مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی تبریز- تبریز- خیابان دانشگاه - مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی salmasish@yahoo.com

مقدمه: با توجه به نظریه ساختارگرایی، سازمان آموزشی نیز جزئی از کل است که تحت تأثیر جهانی شدن قرار دارد و با قبول این نظریه، نقش فرهنگ‌های مختلف در آموزش را نمی‌توان نادیده گرفت. بنابراین مدیران مناسب سازمان‌های آموزشی امروزی، مدیرانی خواهند بود که علاوه بر برخورداری بودن از مهارت‌های فردی و تکنیکی، از هوش فرهنگی بالایی برخوردار باشند. هدف این مطالعه بررسی میزان هوش فرهنگی در قالب ابعاد سه‌گانه شناختی، رفتاری و احساسی- انگیزشی می‌باشد.

روش: در این مطالعه توصیفی مدیران تمام گروه‌های آموزشی دانشکده‌ها به‌صورت تمام شمار وارد مطالعه شدند. میزان هوش فرهنگی آنان با استفاده از پرسش‌نامه محقق ساخته با $R=0.85$ مورد ارزیابی قرار گرفت. اطلاعات با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS و آماره‌های توصیفی (درصد، میانگین و انحراف معیار) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که ۶۴٪ از مدیران رده اول از هوش فرهنگی بالا، ۲۰٪ دارای هوش فرهنگی متوسط و ۱۶٪ دارای هوش فرهنگی پائین هستند. در مدیران میانی نیز ۴۰٪ از هوش فرهنگی بالا، ۳۵٪ دارای هوش فرهنگی متوسط و ۲۵٪ دارای هوش فرهنگی پائین هستند. مدیران میانی به‌طور معناداری نسبت به مدیران رده اول از هوش فرهنگی پائین‌تری برخوردارند ($P=0.004$).

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج به‌دست آمده و با عنایت به اکتسابی بودن هوش فرهنگی، برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات مناسب جهت ارتقاء هوش فرهنگی مدیران و جلوگیری از وارد آمدن شوک فرهنگی، به دانشگاه ضروری می‌باشد.



بررسی میزان پایایی اثر یادگیری برنامه‌های بازآموزی در بین پزشکان عمومی شرکت کننده در برنامه‌های آموزش مداوم

دکتر فاطمه علوی نیا*، دکتر امیر هوشنگ مهرپرور، دکتر سید علی علوی نیا، دکتر فاطمه عالم رجبی، محمدرضا حیدری
*یزد- میدان باهنر- ساختمان مرکزی دانشگاه علوم پزشکی- معاونت آموزشی
Email:Keyvanpanah110@Yahoo.com

مقدمه: در مورد تأثیر برنامه‌های آموزش مداوم در افزایش میزان آگاهی مشمولین مطالعات زیادی انجام شده است اما تقریباً تمامی آزمون‌های سنجش میزان افزایش آگاهی بلافاصله بعد از برنامه‌ها انجام می‌شود و تا کنون مطالعه‌ای در مورد میزان دوام اثر یادگیری برنامه‌ها صورت نگرفته است. دانستن میزان دوام اثر یادگیری برنامه‌ها می‌تواند راه‌گشای زمان‌بندی صحیح تکرار برنامه‌های مشابه و تعداد برنامه‌های مشابه در طول سال باشد. لذا هدف از انجام این مطالعه بررسی اثربخشی برنامه‌های بازآموزی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد بر میزان آگاهی شرکت‌کنندگان و میزان پایایی اثر یادگیری این برنامه‌ها است.

روش: در این پژوهش ۴۰ نفر از پزشکان عمومی شرکت‌کننده در سمینار اورژانس‌های اطفال و ۴۶ پزشک عمومی شرکت‌کننده در سمینار راه‌کارهای کاهش مصرف دخانیات مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار سنجش در این مطالعه پرسش‌نامه‌های خود ایفا و چند گزینه‌ای پایا و روا بوده که ویژه هر برنامه و با توجه به موضوع تخصصی آن تنظیم و قبل و بعد از برنامه و سپس دو ماه بعد در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت. برای هر پاسخ صحیح دو امتیاز و هر پاسخ غلط صفر امتیاز در نظر گرفته شد. پس از نمره‌گذاری پرسش‌نامه‌ها برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده و میانگین امتیاز شرکت‌کنندگان قبل و بعد از برنامه (بلافاصله پس از پایان برنامه و دو ماه بعد) مقایسه گردید.

یافته‌ها: در مجموع ۳۸ پزشک عمومی حاضر در سمینار راه‌کارهای کاهش مصرف دخانیات (ضریب بازگشت ۸۳٪) و ۴۰ پزشک عمومی حاضر در سمینار اورژانس‌های طب اطفال (ضریب بازگشت ۸۳٪) در این مطالعه شرکت کردند. میانگین نمرات کسب شده قبل از برگزاری برنامه راه‌کارهای کاهش مصرف دخانیات $2/45 \pm 14/37$ و بلافاصله پس از اتمام برنامه $1/32 \pm 17/37$ (از ۲۰ نمره) با افزایش نمره ۱۵٪ بود. میانگین نمره این افراد دو ماه بعد $1/59 \pm 15/53$ بود که نشانه کاهش ۹/۲٪ می‌باشد. در مورد سمینار اورژانس‌های طب اطفال نمره اکتسابی قبل از برنامه $4/43 \pm 11/57$ ، بلافاصله پس از برنامه $3/55 \pm 15/42$ بود که نشانه افزایش ۱۹/۲۵٪ در نمره‌ها می‌باشد. میانگین نمره این افراد دو ماه بعد $3/57 \pm 15/40$ بود که نشانه کاهش ۱/۰٪ می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به افزایش میزان آگاهی شرکت‌کنندگان پس از برگزاری برنامه، به نظر می‌رسد اثربخشی این دو برنامه در حد مطلوبی بوده است و کاهش نمرات در طی دو ماه بعد نشان‌دهنده آن است که این برنامه‌ها لازم است همراه با استمرار و تکرار باشد.

کلیدواژه‌ها: پزشکان عمومی، افزایش آگاهی، برنامه‌های آموزش مداوم

ارزیابی درونی حوزه رسالت و اهداف دانشکده پزشکی بقیه‌الله (عج) بر اساس استانداردهای ملی و جهانی برای آموزش پزشکی عمومی

دکتر مرضیه لک*، مجتبی خواجه آزاد، دکتر مصطفی نادری
*تهران، خیابان ملاصدرا، دانشکده پزشکی دانشگاه بقیه‌الله (عج)، دفتر توسعه آموزش، marziehlak@yahoo.com

مقدمه: ارزیابی کیفیت تدوین بیانیه رسالت و اهداف دوره پزشکی عمومی دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج) بر اساس استانداردهای ملی و فدراسیون جهانی آموزش پزشکی (World Federation for Medical Education WFME) بود.

روش: از دو روش نگرش سنجی با پرسش نامه و بررسی مستندات مبتنی بر نشان گرهای حوزه رسالت و اهداف در «استانداردهای پایه دوره آموزش پزشکی عمومی ایران» و راهنمای جمع آوری داده‌های (WFME Outline for Data Collection) استفاده شد. در روش نگرش سنجی، پس از تأیید اعتبار و پایایی پرسش نامه، جمع آوری داده‌ها از دو جامعه اساتید و دانشجویان پزشکی عمومی دانشگاه بقیه الله (عج) با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقاتی در دو طبقه علوم پایه و بالینی انجام شد. کیفیت تدوین بیانیه رسالت و اهداف در هر یک از شاخص‌های استانداردهای ملی و جهانی در بازه‌ای از صفر تا ۵ به دست آمده و بر اساس تعریف عملیاتی و با نرم‌افزار Prism و آزمون‌های آماری تی تست یا من-ویتنی و آنالیز واریانس یا کراسکال-والیس (بسته به نوع متغیر و نتیجه آزمون KS Normality test) در محدوده اطمینان ۹۵٪ تحلیل و با اسناد حاصل از بررسی مستندات تفسیر شد.

یافته‌ها: ۱) کیفیت تدوین بیانیه رسالت و اهداف از دیدگاه اساتید بر اساس استاندارد ملی در سطح مطلوب ($2/3 \pm 0/76$) بود و براساس استاندارد جهانی در سطح «کیفیت» ($0/75$ امتیاز پایه و $0/75$ امتیاز کیفیت) قرار داشت. از نظر اساتید «تبیین استقلال آموزشی» و «تبیین سیاست‌های اجرایی» ضعیف‌ترین و «بیان رسالت و اهداف» و «مشارکت در تدوین رسالت و اهداف» قویترین شاخص‌ها در این حوزه بودند. نظر اساتید مستقل از طبقه (علوم پایه و بالینی)، جنسیت و مرتبه علمی آنان بود. ۲) از دیدگاه دانشجویان، حوزه رسالت و اهداف بر اساس استاندارد ملی در سطح متوسط ($0/31 \pm 0/41$) و بر اساس استاندارد جهانی در سطح «کمتر از پایه» ($0/8 \pm 0/52$ امتیاز پایه و $0/29$ امتیاز کیفیت) قرار داشت. دیدگاه دانشجویان در استاندارد ملی دارای رابطه معکوس با مرحله تحصیلی آنها بود ($P=0/047$) و دانشجویان برخلاف اساتید، «مشارکت در تدوین رسالت و اهداف» را ضعیف‌ترین و «تبیین ارزش‌های حاکم بر دوره» را قوی‌ترین شاخص دانسته‌اند. ۳) دیدگاه اساتید و دانشجویان دارای تفاوت معنادار بودند (استاندارد ملی $P=0/002$ ، استاندارد جهانی $P=0/004$). نتایج بررسی مستندات دیدگاه اساتید و عدم مشارکت دانشجویان در فرآیند تدوین بیانیه رسالت و اهداف را تأیید کردند.

بحث و نتیجه‌گیری: حوزه رسالت و اهداف دوره پزشکی عمومی دانشگاه بقیه الله (عج) بر اساس استانداردهای WFME در سطح «کیفیت» قرار دارد اما در تبیین شاخص‌های «استقلال علمی» و «پیامد آموزشی» و «تبدیل رسالت و اهداف خود به سیاست‌های اجرایی» و «مشارکت دانشجویان در تدوین رسالت و اهداف» دارای ضعف است. ضعف در شاخص «استقلال علمی» می‌تواند ناشی از نظام متمرکز آموزش پزشکی در کشور باشد، اما به هر حال لازم است دانشگاه در حیطه اختیارات خود جهت بهبود چهار شاخص فوق اقدام نماید.

کلیدواژه‌ها: کیفیت، دوره پزشکی عمومی، استانداردهای ملی ایران، استانداردهای جهانی WFME، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج)، رسالت و اهداف.

(S.70Pos.6) نشست: ۷۰، پوستر: ۶

ارزیابی عملکرد واقعی دستیاران در برقراری مهارت‌های ارتباطی پزشک و بیمار

سعیده غفاری فر*، ابوالقاسم امینی، منوچهر خوش‌باطن، بهار ضمیران

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تبریز، sa.ghafarifar@yahoo.com

مقدمه: طبق پژوهش‌های موجود بیشترین شکایات بیماران از پزشکان به دلیل نقص ارتباطی و عدم درک متقابل پزشک و بیمار می‌باشد. به کارگیری صحیح و مناسب مهارت‌های ارتباطی پزشک و بیمار موجبات افزایش کارایی پزشکان و رضایت بیماران، دستیابی بیشتر به پیامدهای سلامت در جامعه را فراهم می‌آورد. از سوی دیگر محققین معتقدند تدریس و ارزیابی مهارت‌های ارتباطی در دانشکده‌های پزشکی در حال فراموش شدن می‌باشند.

روش: برای ارزیابی مهارت‌های ارتباطی پزشک و بیمار دستیاران، طی یک مطالعه کیفی در یکی از ایستگاههای OSCE آزمون ارتقاء دستیاران داخلی دانشگاه علوم پزشکی تبریز به وسیله دوربین مخفی که با توافق مسئولین اجرایی آزمون درون یکی از مانکن‌های اتاق امتحان کار گذاشته شده بود، مصاحبه بالینی ۵۳ دستیار داخلی با SP ایستگاه، ضبط و فیلم‌های گرفته شده ۳ بار با دقت، بازبینی و اطلاعات مصاحبه هر دستیار ۲ چک‌لیست محقق ساخته وارد و با استفاده از نرم‌افزار SPSS.16 تجزیه و تحلیل شدند.



یافته‌ها: هیچ‌یک از دستیاران، SP ایستگاه را با نام نوشته شده بر روی برگه راهنما و شرح حال بیمار خطاب نکرده و خودشان را به او معرفی نکردند. ۱۹ نفر مصاحبه‌شان را با یک پرسش بازپاسخ، شروع نموده و ۱۷ نفر در ارائه اطلاعات به بیمار و آموزش به او از الفاظ غیرپزشکی استفاده نمودند. فقط ۳ نفر از آنها در اتخاذ تصمیم مناسب برای پیگیری برنامه‌های تشخیصی درمانی بیمارشان را شرکت داده و تنها ۱۴ دستیار، فعالانه و در قالب رفتارهای مشارکتی به بیمار گوش دادند.

بحث و نتیجه‌گیری: به منظور افزایش میزان پاسخ‌گویی اجتماعی، مسئولین آموزشی دانشگاه‌های علوم پزشکی و دانشکده‌های پزشکی، باید تدریس و ارزیابی مستمر مهارت‌های ارتباطی پزشک و بیمار جهت کلیه فراگیران آموزشی را به اندازه تدریس و ارزیابی مهارت‌های تخصصی هر رشته مدنظر قرار دهند.

کلیدواژه‌ها: ارزیابی، مهارت‌های ارتباطی پزشک و بیمار، OSCE

(S.70Pos.7) نشست: ۷۰، پوستر: ۷

The relationship between students' study strategies and academic achievement in students of Mazandaran University of Medical Sciences, 2008

Dr Mitra Mahmoudi¹, Dr Koorosh Vahidshahi², Dr Sara Ehteshami³, Dr Leila Shahbaznejad⁴

Education Center Development- Mazandaran University of Medical Sciences .¹
mtmhmit@yahoo.com

Education Center Development- Mazandaran University of Medical Sciences .²
kvahidshahi@yahoo.com

Education Center Development- Mazandaran University of Medical Sciences .³
Maz_EDC@yahoo.com

Education Center Development- Mazandaran University of Medical Sciences .⁴
Maz_EDC@yahoo.com

Appropriate study strategies improves academic success through facilitating learning.

This research was conducted to determine students' learning and study strategies and their relationship with their academic achievements in Mazandaran University of Medical Science (MUMS), in 2008. Summary of work In this descriptive cross - sectional study, 284 students from schools of medicine, pharmacy, nursing and midwifery of MUMS were included. The Learning and Study Strategy Inventory (LASSI) prepared by Weinstein et al, which consists of 10 subscales was completed by the subjects. Academic achievement marks of the practitioners were extracted from faculty records. The profile of students' learning and study strategies was compared with American students' norms. Data was analyzed using Mann-whitney and Kruskal Wallis tests, spss15. Summary of results The most score belonged to attitude, which was 97%, and the least score belonged to selecting main idea, which was 35%. The score for different areas of learning and study strategies was significantly different among married and unmarried students.(p=0.04) Among the scopes only the score of attitude had significant relationship with the average mark as the students with higher average mark had higher attitude scores.(p=0.04) Conclusions Students had high scores in attitude, anxiety control, information processing and concentration, but low scores in selecting main idea. The use of Weinstein learning and study strategies questionnaire in identifying students' weaknesses and strengths in learning and studying is recommended. It seems that effective learning and study strategies as a course in curriculum for students is beneficial

Key words: medical students, study strategies, academic success

دوره آموزشی " اداره اورژانس های شایع کودکان " برای ارتقای دانش و مهارت انترن های دانشگاه علوم پزشکی تبریز

امیر حسین جعفری روحی*، دکتر سیامک شیوا، دکتر محمود صمدی

* استادیار دانشگاه علوم پزشکی تبریز؛ بیمارستان امام رضا، گروه طب اورژانس jafariroohi@yahoo.com

مقدمه: هدف از دوره آموزشی اداره اورژانس های کودکان (PEM Management) برای انترن های بخش کودکان و طب اورژانس دانشگاه علوم پزشکی تبریز که به صورت یک دوره چهار ماهه در بیمارستان کودکان و بیمارستان امام رضای تبریز تبریز ارائه می گردد، آموزش پزشکان عمومی است که توانایی اداره و درمان کودکان مبتلا به وضعیت های بحرانی و حاد که به اورژانس های بیمارستان های سطوح ۱ و ۲ مراجعه می کنند، را کسب نمایند. به نظر می رسد با روش های آموزش سنتی در بخش های کودکان، اهداف آموزشی مورد نیاز برای برخورد با کودکان بدحال به خوبی تأمین نمی شود. هدف این برنامه ریزی آموزشی (Curriculum Development) ارائه روش آموزشی جدید اداره اورژانس های شایع کودکان برای انترن های بخش کودکان و اورژانس که قبلاً دوره دانشجویی خود را در بخش کودکان گذرانده اند و به روش های سنتی آموزش دیده اند، می باشد. همچنین در طی اجرای این برنامه مقایسه تأثیر این روش جدید بر دانش و مهارت انترن ها با روش مرسوم قبلی انجام خواهد شد.

روش: ابتدا حداقل نیازهای آموزشی پزشکان عمومی شاغل در اورژانس های جنرال در زمینه اداره و درمان اورژانس های کودکان بر اساس تجربه و جستجوی منابع مشخص گردید. احیای پایه کودکان، احیای پیشرفته کودکان، اداره کودک مبتلا به آسپیراسیون حاد جسم خارجی، به کارگیری دفیبریلاتور، اداره کودک مبتلا به شوک، اداره کودک مبتلا به کروب و حمله آسم، اداره کودک مبتلا به تشنج و تشنج استاتوس، اداره کودک مبتلا به spell، اداره کودک تب دار بدون علامت لوکالیزه، اداره کودک بی قرار، اداره کودک مبتلا به درد شکم حاد و اداره کودک مبتلا به اختلال هوشیاری به عنوان نیازهای آموزشی حداقل که هر پزشک عمومی بایستی در آنها دانش و مهارت کافی را کسب نماید، تعیین شدند. نتایج انترن های بخش کودکان در ابتدای دوره از چگونگی این دوره اطلاع می یابند و کسانی که مایل به شرکت در این دوره هستند آمادگی خود را اعلام می دارند. همچنین جزئیات این دوره به همراه برنامه آن برای فصل حاضر توسط دفتر آموزش مداوم و سایت گروه کودکان در اختیار پزشکان عمومی علاقه مند قرار می گیرد. تعداد دانشجویان شرکت کننده در هر دوره ۱۵ تا ۲۵ نفر می باشد. تعداد جلسات آموزشی در یک دوره چهار ماهه ۱۲ جلسه می باشد که تقریباً یک هفته در میان برگزار می شود. ۱۰ جلسه در بیمارستان کودکان و ۲ جلسه در کلاس درس گروه طب اورژانس در بیمارستان امام رضا به اجرا در می آید. اداره جلسات به صورت Small Group و PBL با طرح یک سناریوی کودک دچار یک وضعیت اورژانسی حاد منطبق بر نیازهای آموزشی ذکر شده که یک هفته قبل از برگزاری کلاس به دانشجویان شرکت کننده ارائه می شود، انجام می گردد. همچنین در پایان هر جلسه یک Self-evaluation Portfolio به دانشجویان داده می شود تا تشکیل جلسه بعدی در هنگام کار در کشیک ها و یا در بخش های اورژانس، بیمارانی که ارتباط با موضوع جلسه داشته و توسط آنها ویزیت شده و مهارت های آموزش دیده به کار رفته است، توضیح داده شده و بازتاب (Reflection) خود را در مورد آن بنویسند. در جلسات آموزشی از مولاژ و ابزارهای به کار رفته در اداره بیماران همانند دفیبریلاتور و بگ و ماسک و ... استفاده می شود. همچنین قبل از شروع دوره یک پیش آزمون و پس از آن یک پس آزمون به عمل می آید که به همراه Portfolio در ارزیابی دانشجویان بکار می رود.

بحث و نتیجه گیری: در طی این دوره از یک سو دانشجو وظایف و نیازهای آموزشی خود را شناخته، سعی در افزایش مهارت علمی و عملی خود می کند و از سوی دیگر اعضا هیئت علمی با بررسی Portfolio و مقایسه نتایج پیش آزمون و پس آزمون سعی در رفع کمبودها و اشکالات و بهبود برنامه دوره آموزشی اداره اورژانس های شایع کودکان می نمایند.

کلیدواژه ها: اورژانس های کودکان، دانش، مهارت، برنامه ریزی آموزشی

(S.71Pos.2) نشست: ۷۱، پوستر: ۲

نقش رازی در آموزش پزشکی نوینسعید چنگیزی آشتیانی^{*}، محسن شمسی^{**}، کبری کبیری نیا^{***}^{*} استادیار دانشگاه علوم پزشکی اراک؛ اراک، میدان امام خمینی، سردشت، دانشکده پیراپزشکی. ashtiyani@sums.ac.ir^{**} کارشناس مرکز توسعه مطالعات و آموزش پزشکی^{***} کارشناس ارشد آموزش بهداشت و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی اراک

مقدمه: اوج شکوفایی طب در ایران، سده نهم تا چهاردهم میلادی بوده است " دوره زرین پزشکی ایران " نامیده‌اند. از جمله دانشمندان مطرح در این زمان ابوبکر محمد بن زکریای رازی بوده که تأثیر شگرف و گسترده‌ای بر مراحل تکمیل علم زمان خود و به‌ویژه آموزش علم پزشکی، به‌جهت دارا بودن دانش نظری و عملی خود برجای گذاشت. رازی را یکی از بنیان‌گذاران شیوه‌ی نوین در آموزش علوم پزشکی می‌دانند. وی از جمله پیشگامانی است که استفاده از روش یادگیری بر اساس حل مشکل Problem-Based Learning (PBL) را در موقعیت‌های بالینی به کار برده است. امروزه اکثر دانشگاه‌های دنیا در پی یافتن روش‌های آموزشی هستند که بتوانند موجب گسترش و ارتقاء ظرفیت‌های تصمیم‌گیری بالینی و یادگیری مداوم و خودمحور دانشجویان گردند. در پژوهش حاضر نیز به بررسی نقش رازی در تکوین آموزش پزشکی نوین پرداخته شده است.

روش: در این مقاله سعی شده است از طریق دسترسی به منابع معتبر در قالب یک مقاله توصیفی نقش و تأثیرگذاری رازی در تکوین آموزش پزشکی نوین مورد بررسی قرار گیرد. جهت این کار با استفاده از کلیدواژه‌های مناسب و جستجوی الکترونیکی و دستی در منابع معتبر اطلاعات گردآوری و به سؤال محوری پژوهش پاسخ داده شده است.

یافته‌ها: بر اساس نتایج مطالعات مرور شده آنچه از تألیفات و نظریات و روش‌های تدریس رازی در علوم پزشکی یافت شده با موازین پزشکی نوین هم‌خوانی داشته و بسیاری از این اصول از جمله توجه رازی به استفاده از یادگیری بر اساس حل مسئله، گرفتن تاریخچه خانوادگی از بیمار، توجه به تماس‌های شغلی بیمار، انجام معاینه سیستماتیک، توجه به گزارشات موردی بیماری‌ها، توجه به طب اورژانس یا فوریت‌های پزشکی، توجه به معیارهای اخلاقی در پزشکی، تلفیق علم و عمل در پزشکی و توجه به عوارض مصرف خودسرانه داروها امروزه به‌صورت کاربردی در آموزش پزشکی گنجانده شده است.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به در دسترس بودن منابع و نظریات ارزشمند رازی در علوم پزشکی می‌توان این نظریات را به کار بست و سیر تکوینی آموزش پزشکی نوین را ارتقاء بخشید.

کلیدواژه‌ها: رازی، آموزش پزشکی، یادگیری بر اساس طرح مسئله

(S.71Pos.3) نشست: ۷۱، پوستر: ۳

بررسی دیدگاه اساتید و دانشجویان دانشکده دندانپزشکی مشهد در مورد واحد درسی درمان جامع**در سال تحصیلی ۸۸-۸۷**مجید اکبری^{*}، امیر معین تقوی، نورالله جعفری^{*} استادیار دانشکده دندانپزشکی مشهد؛ مشهد میدان آزادی، دانشکده دندانپزشکی akbarim@mums.ac.ir

مقدمه: تعیین نیازهای آموزشی اولین گام طراحی و بازنگری هر برنامه آموزشی است. در راستای آماده‌سازی دانشجویان و ارائه خدمات درست به بیمار، کوریکولوم دندانپزشکی به‌صورت مداوم در حال تغییر است. از تغییرات اخیر اضافه شدن ۷ واحد عملی به نام درس درمان جامع می‌باشد. هدف این درس آماده‌تر ساختن دانشجو برای پذیرش بیمار در آینده است. از آنجایی که برای بررسی کیفیت آموزش بالینی نظرات آموزش‌دهندگان و آموزش‌گیرندگان، بسیار مهم است در این تحقیق به تعیین نظرات دانش‌آموختگان دندانپزشکی در سال تحصیلی ۸۸-۸۷ و اساتید درگیر با این واحد درسی راجع به توانمندی دانشجو و ضرورت وجودی واحد درمان جامع و شیوه اجرای آن پرداخته شد تا نقایص موجود برطرف شود.

روش: پرسش‌نامه‌هایی با توجه به بندهای کوریکولوم مصوب ۱۳۷۹/۲/۳۱ و نقایصی که در اجرای این واحد به نظر می‌رسید طراحی شد. بعد از بررسی روایی و پایایی و تأیید آن به دانشجویان ترم آخر و اساتید داده شده و پس از جمع‌آوری، نتایج آن به صورت توصیفی بیان گردید.

یافته‌ها: اساتید و دانشجویان، این دوره را لازم می‌دانستند ولی از شیوه اجرای آن ناراضی‌اند. کمبود امکانات، بخش مجزا، یونیت و زمان کافی از شکایات اصلی است. هر دو گروه با گذراندن بخشی از این واحد به صورت تئوری به عنوان واحد طرح درمان موافق بودند. از آمار چنین برمی‌آید که دانشجو پس از گذراندن این دوره در مرحله تشخیص و انجام درمان تا حدودی تسلط دارد ولی در مرحله طرح‌درمان احساس ضعف می‌کند. در بخش جراحی دانشجویان در مرحله انجام درمان ضعف بیشتری داشتند. در بخش پریو: تشخیص، در ترمیمی: طرح درمان، در اندو: انجام درمان و در پروتز: طرح‌درمان، احساس ضعف بیشتری در دانشجویان ایجاد می‌نمود.

بحث و نتیجه‌گیری: اهداف پیش‌بینی‌شده در کوریکولوم در مورد این واحد، متعالی و بسیار مطلوبند. ولی شیوه اجرای آن در حال حاضر با این اهداف، فاصله زیادی دارد به صورتی که دانشجو و اساتید این شیوه اجرا را نامطلوب می‌دانند و خواستار اصلاحات در شیوه اجرا می‌باشند.

کلیدواژه‌ها: استاد، دانشجو، درمان جامع، دندان پزشکی

(S.71Pos.4) نشست: ۷۱، پوستر: ۴

مقایسه دو محیط آموزشی در برنامه تماس زودرس با بیمار، بر اساس مدل DREEM دانشجوی پزشکی، ترس‌ها و امیدها، تماس زودرس با بیمار
جواد کجوری، صدیقه ابراهیمی، هاجر شیعیه، پویا فرهادی

مقدمه: محیط یا فضای حاکم بر آموزش روح و جلوه‌ای از فرآیندهای یاددهی و یادگیری است که نشان می‌دهد تا چه حد برنامه‌ها و نیروهای انسانی برای رسیدن به یک یادگیری دارای کیفیت می‌توانند مؤثر باشند. هدف از این مطالعه بررسی نظرات دانشجویان پزشکی در خصوص محیط آموزشی برنامه تماس زودرس می‌باشد.

روش: این مطالعه توصیفی، تحلیلی با استفاده از پرسش‌نامه Dreem با مختصر تغییرات منطبق با شرایط ملی انجام شد. روایی این پرسش‌نامه با استفاده از نظرات صاحب‌نظران آموزش پزشکی مورد تأیید قرار گرفت و پایایی آن با استفاده از روش Test-Retest مورد تأیید واقع شد. جمعیت مورد مطالعه دانشجویان ورودی مهر ۸۸ (۸۷) نفر دانشگاه علوم پزشکی شیراز بودند که به صورت تصادفی به دو گروه مساوی تقسیم شدند. گروه اول: جهت آشنایی با محیط بیمارستانی و مشاهده قسمت‌های مختلف آن و راند سریع بعضی از بیماران بستری به بیمارستان نمازی شیراز و گروه دوم در گروهک‌های کوچکتر همراه با سرگروه‌های ارشد مستقیماً بر بالین بیمار رفته و پس از گرفتن تاریخچه و معاینه همراه با استاد مربوطه به بحث در مورد بیماران پرداختند. در انتها پرسش‌نامه ۴۳ سؤالی مشتمل بر پنج حیطه میان دانشجویان توزیع گردید از گروه یک، ۲۲ نفر و از گروه دو، ۳۶ نفر به پرسش‌نامه پاسخ دادند. بیشترین امتیاز از مجموع پنج حیطه ۱۷۲ محاسبه گردید و بر اساس مدل ارائه شده کسب امتیاز ۴۳ بسیار نامطلوب، ۴۴ تا ۸۶ نامطلوب، ۸۷ تا ۱۲۹ مطلوب و ۱۳۰ تا ۱۷۲ بسیار مطلوب قرار داده شد.

یافته‌ها: از مجموع ۱۷۲: میانگین امتیازات کسب شده ۱۰۳ در گروه یک و ۱۱۰ در گروه دو بود که هر دو وضعیت مطلوب را نشان داد. میانگین امتیاز در خصوص حیطه‌های یادگیری، اساتید، جو آموزشی در گروه دو بیشتر و میانگین امتیاز در خصوص درک دانشجو از توانایی علمی خود و درک دانشجو از شرایط اجتماعی خود، در گروه یک بیشتر بوده است. اگر چه بین امتیازات دو گروه تفاوت معناداری وجود نداشته است. به طور کلی ۹۸ درصد از دانشجویان از این دوره رضایت داشتند و معتقد بودند که این دوره سبب آشنایی بیشتر و کاهش ترس آنها نسبت به محیط بالینی شده است.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به رضایت دانشجویان از این دوره‌ها و اثرات مثبت آن، پیشنهاد می‌شود که در جهت بهبود کیفیت این دوره‌ها و اختصاصی کردن آنها در مقاطع مختلف علوم پایه برنامه‌ریزی گردد.

کلیدواژه‌ها: مدل DREEM، تماس زودرس با بیمار



(S.71Pos.5) نشست: ۷۱، پوستر: ۵

کارگروهی، خودسنجی، همتاسنجی

نسرین رضائی*، زینب قهرمانی، لیلا مومنی

* مربی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان میدان مشاهیر دانشکده پرستاری و مامایی زاهدان

nasrin_rezaee2005@yahoo.com

مقدمه: استفاده از پروژه‌های گروهی به عنوان استراتژی ارزیابی به‌ویژه در آموزش، در حال افزایش است. ولی اغلب در کارگروهی، مشکل از اینجا ناشی می‌شود که اعضای گروه به طور همسان در فرایند و نتیجه مورد نظر سهیم نیستند. خودسنجی و سنجش همتا به عنوان یک وسیله برای غلبه بر مشکل تکروی مورد حمایت است و طرفدار دارد. این مقاله استراتژی خودسنجی و سنجش همتا را برای بهبود مشارکت دانشجویان در پروژه‌های گروهی و رضایت آنها از این شرکت را بیان می‌کند.

روش: این مطالعه یک تحقیق مروری است. اطمینان از یادگیری مثبت یک چالش مداوم برای مدرسان است. کارگروهی یک استراتژی مهم تدریس در پرستاری است، به‌طوری‌که هم تحصیل علم و هم توسعه مهارت‌های کارگروهی لازم برای کارکنان این رشته را تسهیل می‌کند. دانشجویان اغلب از کارگروهی لذت می‌برند و آنها به یادگیری از دیگران و با دیگران ارزش می‌نهند. اگر چه مشکل در وقت ارزیابی گروه ممکن است پیش بیاید و نمره‌ی یکسانی به دانشجویان بدون لحاظ سهم‌شان در کارگروهی داده شود. طبق نظر فریمن و مکزی، دانشجویان ارزیابی کارگروهی را غیرمنصفانه می‌دانند که می‌تواند به احساس نارضایتی و ناخشنودی دانشجویان از کارگروهی منجر شود. یک تحقیق کاربردی توسط الیوت و هینگز انجام شد که در آن دانشجویان در توسعه استراتژی خودسنجی و سنجش همتا با استفاده از ابزار خود سنجی و سنجش همتا درگیر شدند. در پایان پروژه گروهی دانشجویان به‌طور مستقل برای هر یک از اعضای گروه و خودشان فرم ارزیابی را پر کردند. تصمیم بر این شد که خودسنجی و سنجش همتا، ده درصد نمره را به خود اختصاص دهد. اکثریت دانشجویان (۸۳ درصد) خودسنجی و سنجش همتا را یک روش منصفانه برای کارگروهی دانستند. ۹۴ درصد قویاً معتقد بودند که قادرند سهم خودشان در کارگروهی را، منصفانه ارزیابی کنند. ۶۵ درصد معتقد بودند که خودسنجی و سنجش همتا، انگیزه‌شان را افزایش می‌دهد و ۵۳ درصد موافق بودند که انگیزه همکاری جهت شرکت در کارگروهی افزایش می‌یابد.

بحث و نتیجه‌گیری: یافته‌ها نشان داد که خودسنجی و همتاسنجی تفاوتی را روی درک دانشجو از عدالت در سیستم ارزیابی ایجاد می‌کند و انگیزه کار گروهی را افزایش می‌دهد. طبق فرایند چرخشی تحقیق کاربردی چرخه بعدی، این مطالعه روی موضوع افزایش درصد نمره توسط دانشجویان در خودسنجی و همتاسنجی متمرکز خواهد بود و معنی و مفهوم تکروی که در طول فاز مقدماتی مازول مطرح شده بود، کشف خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: کارگروهی، خودسنجی، همتاسنجی

(S.71Pos.6) نشست: ۷۱، پوستر: ۶

مروری بر چگونگی مدیریت آموزش پزشکی جامعه‌نگر در ایران و کشورهای منتخب جهان

آسیه صالحی*، ساناز سهرابی‌زاده، پیمان حسن‌پور

* کارشناس ارشد مدیریت خدمات بهداشتی درمانی مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، شیراز، خیابان زند، دانشکده پزشکی،

ساختمان شماره ۳، طبقه ۷، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی nasim.salehi@gmail.com

مقدمه: به تحقیق مهم‌ترین اهداف دانشگاه‌های علوم پزشکی تربیت نیروی انسانی متخصص و کارآمد و ارائه خدمات بهداشتی-درمانی متناسب با نیازهای جامعه و توجه به امکانات و شرایط موجود در جهت ارتقای سلامت است، اما تربیت نیروی انسانی متناسب با نیازهای بهداشتی و درمانی جامعه مستلزم تغییر در شیوه‌های آموزشی موجود می‌باشد. سیاست‌گذاران آموزش پزشکی معتقدند که نظام آموزش پزشکی باید در جهتی توسعه یابد که بتواند ضمن بهره‌گیری از تازه‌ترین دستاوردهای علمی جهان با نیازهای جامعه نیز سازگار باشد.

روش: پژوهش، توصیفی و گذشته‌نگر می‌باشد.

یافته‌ها: اهداف آموزش پزشکی مبتنی بر نیازهای جامعه در هر جامعه با توجه به عواملی مانند مراحل موجود در کوریکولوم که در آن دانشجویان وارد جامعه می‌شوند، دوره زمانی موجود و نیازهای جامعه، متفاوت خواهند بود. یکی از توصیه‌های اصلی برای اصلاح و تدوین برنامه‌های آموزش پزشکی، افزایش جهت‌گیری به سمت مراقبت اولیه و جامعه می‌باشد. آموزش پزشکی جامعه‌نگر در کشورهای پیشرفته و در حال رشد کاملاً متفاوت بوده، به گونه‌ای که در کشورهای پیشرفته، ساختارهای آموزش پزشکی بر اساس نیازها و شرایط خاص آن جامعه پیاده‌سازی گردیده و در حال گسترش می‌باشد به طوری که در کانادا روند آموزش از کوریکولوم سنتی به سمت کوریکولوم یادگیری جامعه‌محور مبتنی بر مشکل با بهبود مورد انتظار در مراقبت پیش‌گیرانه و استمرار مراقبت بدون تأخیر در تشخیص و مدیریت بیماری منتقل گردیده، در انگلستان طرح‌های نوآور مبتنی بر جامعه اکنون به وسیله دانشکده‌های پزشکی انگلستان پیشنهاد می‌شود. در استرالیا از طریق توجه همه‌جانبه به کلیه مسائل مرتبط با پزشکی جامعه‌نگر، از جمله مسائل سیاسی، کلینیکی، پزشکی، اجتماعی، شخصی و ایجاد ارتباط مناسب بین آنها، چارچوب مناسبی جهت پیاده‌سازی و آنالیز پزشکی جامعه‌نگر ایجاد نموده و به گسترش کیفیت برنامه آموزشی پزشکی جامعه‌نگر و افزایش کارایی آن پرداخته می‌شود. در آمریکا، در یک دوره نسبتاً کوتاه مدت، ۱۸ دانشکده پزشکی جامعه‌نگر، شهرت فراوانی را به خاطر فراهم کردن آموزش پزشکی برتر به‌ویژه برای ساکنین ایالت، کسب نمودند. ۶۳٪ از ۹۵ دانشکده پزشکی در امریکای شمالی در تلاشند تا نیازهای جامعه را تشخیص داده و دخالت افراد را در برنامه‌ریزی آنها، افزایش دهند... اما کشورهای در حال توسعه، از جمله ویتنام، مالزی، نیجریه، نپال، فنلاند، پاکستان، فیلیپین، آفریقای جنوبی، اندونزی و ... در حال اجرای پزشکی جامعه‌نگر به صورت پایلوت بوده و حتی برخی از آنها در حال فراهم نمودن مقدمات و ارائه ساختار پزشکی جامعه‌نگر می‌باشند. در کشورهای در حال توسعه، همکاری بخش‌های مختلف برای برنامه‌ریزی و ایجاد سیاست‌های منابع انسانی مرتبط، ضروری است. همکاری اثربخش بین برنامه‌ریزان و آموزش‌دهندگان به‌ویژه دانشگاه‌ها و خدمات سلامت به عنوان کارفرمایان، همچنان ضعیف بوده یا با فقدان آن مواجه می‌باشیم. در ایران نیز عدم کفایت و عدم انطباق کافی مطالب آموزشی در دانشگاه‌های علوم پزشکی با نیازهای جامعه از طرفی و تقاضاهای فزاینده و متفاوت جوامع مختلف از سوی دیگر، کلیه مسئولان امور آموزشی را بر آن داشت تا با ارائه سیستم نوینی از آموزش به نام «آموزش پزشکی جامعه‌نگر» سعی در حل معضلات موجود و افزایش کارایی تربیت‌شدگان دانشگاه‌ها بنمایند. که در این راستا، گروه آموزشی پزشکی اجتماعی و شورای کشوری آموزش پزشکی جامعه‌نگر تشکیل گردید، و در حال حاضر پزشکی جامعه‌نگر در ایران در مرحله اجرایی خود قرار دارد.

بحث و نتیجه‌گیری: تغییر جهت به سمت آموزش پزشکی جامعه‌نگر باید منجر به افزایش توجه به بهبود سلامت و پزشکی پیش-گیرانه، حمایت اجتماعی، کاهش اتکا به مراقبت بیمارستان و تأکید بر مراقبت سلامت مبتنی بر جامعه، گردد. دانشکده‌های پزشکی در صورت عدم تجدیدنظر در رویکرد سنتی خودمختار خود، در خطر می‌باشند. کشورهای جهان سوم در خصوص عملی نمودن پزشکی جامعه-نگر، با چالش‌هایی از جمله عدم هماهنگی لازم بین دولت-سیاست‌گذاران بدنه اجتماع، عدم نیازسنجی لازم، عدم انگیزه کافی دانشجویان و اساتید، توزیع ناعادلانه امکانات، عدم وجود آموزش‌های مدون و مبتنی بر نیازهای جامعه، توجه بیشتر به برنامه‌های آموزشی جامعه‌نگر در رشته پزشکی به نسبت سایر رشته‌ها، عدم آگاهی اعضای هیئت علمی و دانشجویان از برنامه پزشکی جامعه‌نگر، و مواجه می‌باشند. چالش‌های رایج در آموزش پزشکی، فرصت‌هایی برای نوآوری و جهت‌گیری مجدد، ارائه می‌کنند. برخی از دانشکده‌ها با نزدیک‌تر نمودن تلاش‌های آموزشی خود به جامعه‌ای که در آن ارائه خدمت می‌کنند، پاسخ‌گوی شرایط جدید می‌باشند و این موضوع، رویکردهای جدیدی را نه تنها در آموزش بلکه در نگرش‌های سازمانی، می‌طلبد.

کلیدواژه‌ها: پزشکی جامعه‌نگر

(S.71Pos.7) نشست: ۷۱، پوستر: ۷

مدیریت توزیع نیروی انسانی متخصص پزشکی

رفت محبی‌فر*، مینا نجاتی، خاطره خوشنم، خاطره اعتصام

* استادیار دانشگاه علوم پزشکی قزوین؛ قزوین، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، حوزه معاونت آموزشی دانشگاه

smrf55@yahoo.com

مقدمه: منابع انسانی به عنوان یکی از اجزای کارکرد تولید منابع در مدل ارزیابی عملکرد هر نظام سلامت می‌باشد. عملکرد هر سیستم به ترکیبی از مهارت‌ها، در دسترس بودن و عملکرد نیروهای انسانی آن وابسته است. بخش قابل توجهی از بودجه سلامت به تولید

و روزآمد کردن منابع انسانی اختصاص داده می‌شود. از طرفی دیگر، کارکنان بهداشتی در هر سطحی، نقش مهمی در شکل‌دهی آینده نظام سلامت، برعهده دارند. بدین ترتیب، تداوم ارزیابی و بررسی مجدد کفایت نیروی کار موجود و سیاست‌گذاری در زمینه منابع انسانی برای مقابله با چالش‌های پیش رو الزامی است. یکی از چالش‌های اساسی در زمینه منابع انسانی، توزیع مناسب و عادلانه نیروی تربیت شده نظام سلامت است. علی‌رغم تلاش‌های واحد مطالعات نیروی انسانی وزارت بهداشت در راستای برنامه‌ریزی نیروی انسانی پزشکی و هزینه‌های سنگین آموزش نیروهای متخصص، متأسفانه توزیع آنها در سطح کشور با مشکلات عدیده‌ای مواجه است. در این مطالعه سعی بر آن بوده تا مشکلات مربوط به توزیع نیروی انسانی متخصص پزشکی، نیروهای توزیع شده طی سال‌های ۸۷ - ۸۸ را به عنوان خروجی‌های سیستم آموزشی نظام سلامت مورد بررسی قرار گیرد.

روش: این مطالعه از نوع توصیفی، مقطعی و کاربردی می‌باشد. با توجه به امکان دسترسی به نیروهای توزیع شده، استان‌های کردستان، زنجان، قزوین، و خراسان جنوبی به‌صورت هدفمند جهت مطالعه انتخاب شدند. از میان متخصصانی که طی سال‌های ۸۷-۸۸ در سطح استان‌های مذکور مشغول به کار شده بودند، ۸۰ نفر به صورت تصادفی مورد مطالعه قرار گرفتند. داده‌ها در دو مرحله از طریق پرسش‌نامه محقق ساخته شامل ۲۵ سؤال با مقیاس لیکرت از نمونه مورد مطالعه مربوط به متخصصان توزیع شده و انجام مصاحبه با مسئولین و کارشناسان معاونت درمان استان‌های ذی‌ربط با استفاده از سؤالات باز جمع‌آوری شد. داده‌ها توسط نرم‌افزار SPSS و با استفاده از آزمون‌های آماری مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج مطالعه بیان‌گر آن است که حدود ۸۰٪ از متخصصین مورد مطالعه نظام فعلی توزیع نیرو را که خود نیز مشمول آن بوده‌اند، ضعیف توصیف نموده و اصلاح آن را ضروری دانستند. در عین حال ۶۳٪ نیز با اولویت‌هایی که وزارت بهداشت جهت توزیع نیرو در نظر می‌گیرد مخالف بوده و خواستار بازنگری آن‌ها بودند. ۷۱٪ آنان با گذراندن دوره طرح خود در شهرهای محروم و فاقد تجهیزات کافی، مشروط به دریافت مزایای خاص و تسهیلات ویژه، موافق بودند و این در حالی بود که حدود ۵۸٪ از افراد مورد مطالعه شرایط و امکانات فعلی منطقه محل خدمت‌شان را متوسط ارزیابی کرده و عامل درآمد را اولویت اول خود معرفی نمودند. ۴۹٪ نیز موافق بودند که نظام آموزش پزشکی هم باید بومی بودن را ملاک پذیرش دانشجو قرار دهد. از طرف دیگر، مسئولین و کارشناسانی که مورد مصاحبه قرار گرفتند موقتی بودن دوره طرح و غیربومی بودن افراد را ریشه بسیاری از مشکلات نظیر مدیریت ضعیف نیروی انسانی، بی‌انگیزگی پزشکان، عدم احساس تعلق در آنان و عدم پاسخ‌گویی کافی به نیازهای مردم، دانستند.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به این‌که نیروی انسانی متخصص نقش مهمی در افزایش بهره‌وری نظام سلامت داشته و از طرفی بخش اعظم هزینه‌های آموزش نیروی انسانی پزشکی را به خود اختصاص می‌دهد، راهبردهای مناسبی جهت مدیریت توزیع آن باید اتخاذ گردد. لازمه تحقق این امر بازنگری نظام فعلی توزیع این نیروها از سوی وزارت بهداشت می‌باشد، چرا که مشکلات عدیده آن، آینده سلامت کشور را در حاله‌ای از تردیدهای جدی فروبرده است. در این راستا باید نیروهای متخصص پزشکی موجود تحت آموزش، و مورد نیاز آینده با مطالعه دقیق و کارشناسانه برآورد شود تا ترکیب نهایی دستیاران رشته‌های تخصصی بالینی لازم به صورت علمی و منطبق با نیازهای بهداشتی و درمانی مردم معین گردد. در عین حال، وزارت بهداشت، باید اولویت‌هایی را که در امر توزیع مورد توجه قرار می‌دهد، بازنگری نموده و با تقویت انجمن‌های تخصصی فعال در رشته‌های مختلف، آنها را نیز به عنوان نماینده و ناظر در توزیع نیروها درگیر نماید. تسهیلات ویژه برای خدمت در مناطق محروم و همچنین اعمال تغییراتی در نظام آموزش پزشکی شاید بتواند راه‌گشای بسیاری از مشکلات باشد.

کلیدواژه‌ها: نیروی انسانی، نظام سلامت، مدیریت توزیع، متخصص پزشکی

(S.71Pos.8) نشست: ۷۱، پوستر: ۸

بررسی تأثیر آزمون علوم پایه پزشکی بر فرایند ادامه تحصیل دانشجویان رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان

هوشنگ رفیق‌دوست*، غلامرضا کمیلی، حسنعلی نصیر پور

* دانشیار دانشگاه علوم پزشکی زاهدان - زاهدان دانشکده پزشکی گروه علوم تشریح rafighdoosth@yahoo.com

مقدمه: دانشجویان رشته پزشکی عمومی در دوره هفت ساله پزشکی عمومی باید چهار مقطع علوم پایه، فیزیوپاتولوژی، استاجری و اینترنی را با موفقیت بگذرانند. دوره علوم پایه شامل پنج نیمسال تحصیلی است که پس از گذراندن کلیه دروس این دوره و کسب معدل

بالای دوازده می باید در یک آزمون کشوری بنام آزمون علوم پایه بطور همزمان با دانشجویان رشته پزشکی سایر دانشگاهها شرکت نموده و در صورت موفقیت در این آزمون اجازه ادامه تحصیل در مقطع بعدی را خواهند داشت. این آزمون به منظور اطمینان از کسب مهارتهای نظری و عملی لازم در دروس این دوره است. حداکثر فرصت شرکت برای هر دانشجو چهار مرتبه است و در صورت رد شدن در مرحله چهارم دانشجو باید به دوره کارشناسی تغییر رشته دهد و یا از تحصیل انصراف نماید و یا این که اخراج شود. از هنگام تاسیس دانشگاه علوم پزشکی زاهدان تاکنون چهل دوره آزمون جامع علوم پایه برگزار گردیده است و ۱۶۹۱ نفر دانشجوی پزشکی در آن شرکت نموده اند. از این تعداد در مجموع ۰/۴ درصد دانشجویان مجبور به تغییر رشته شده اند و یا اخراج گردیده اند. این عدد گواه این ست که آموزش در این دانشگاه در حد معمول و استاندارد کشوری است و اینکه آیا هزینه های هنگفت برگزاری این آزمون توجیه دارد یا خیر را مورد سؤال قرار می دهد. بعلاوه استرس های ناشی از آزمون برای دانشجویان نیز مشکل بزرگی بحساب می آید. همچنین در طی چهل دوره آزمون و از همان تعداد ۱۶۹۱ نفر، ۰/۵۳ درصد بیش از چهار بار در آزمون خارج از ضوابط (فراقانونی) در آزمون شرکت نموده اند و سرانجام ادامه تحصیل داده اند. در مجموع ۹۹/۶٪ دانشجویان پس از برگزاری آزمونهای جامع ادامه تحصیل داده اند.

بحث و نتیجه گیری: آمار فوق نشان می دهد که برگزاری آزمونها تاثیر چندانی در اهداف برگزاری آزمون جامع ندارد، بخصوص هنگامی که اشکال فراقانونی نیز به آن اضافه شود. هم فلسفه آزمون عملی نگردیده است و هم استرسهای ناشی از آزمون به مشکلات آن می افزاید و مهمتر این که برای تک تک درسها حد نصاب وجود ندارد تا دانشجو استاندارد آموزشی را در هر درس پس از دوره کسب نماید. عبارت دیگر می تواند از هر درس که برایش آسانتر است جبران نمره دروس مشکل تر را نماید.

کلیدواژه ها: آزمون جامع علوم پایه، رشته پزشکی، زاهدان

(S.72Pos.1) نشست: ۷۲، پوستر: ۱

طراحی و ارزیابی روایی پرسش نامه رهبری حمایتی برای مدیران آموزش پزشکی

سید جمال میروسوی^{۱*}، دکتر ماندانا شیرازی^۲، دکتر ابوالقاسم پوررضا^۳

* ۱. دکترای پزشکی حرفه ای، کارشناس ارشد آموزش پزشکی

۲. PhD آموزش مداوم پزشکی، استادیار گروه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران

۳. دانشیار گروه مدیریت و اقتصاد بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران

مقدمه: بررسی تأثیر رفتار رهبری حمایتی بر رضایت مندی و عملکرد پرستاران بیمارستان های دانشگاه علوم پزشکی تهران

روش: این مطالعه از نوع توصیفی مقطعی تحلیلی است. به منظور طراحی و ارزیابی یک پرسش نامه معتبر و پایا در خصوص رفتار

رهبری حمایتی به زبان فارسی، در مرحله اول پرسش های مرتبط از سه پرسش نامه رفتار رهبری Gerry Larsson, State Ohio

و Development و Hersey and Blanchard's انتخاب شد و با نظر صاحب نظران پرسش هایی با توجه به اهداف مطالعه طراحی

و اضافه گردید. در مرحله دوم، پس از ترجمه پرسش نامه ۵۰ سؤالی حاصل به فارسی و بازبینی و اصلاح توسط متخصصین زبان انگلیسی،

مجدداً به انگلیسی برگردانده شد و پس از ارسال به آقای دکتر گری لارسون - صاحب نظر مربوطه این مقوله - روایی درونی آن مورد تأیید

قرار گرفت. در مرحله سوم، پرسش نامه از نظر روایی محتوایی توسط خبرگان بررسی شد. ارزیابی پایایی با انجام آزمون مجدد ۱۰ روز پس

از آزمون اولیه بر روی ۲۵ نفر از پرستاران بیمارستان های دانشگاه علوم پزشکی تهران انجام شد.

یافته ها: تقریباً تمام سؤالات ضریب کاپا بیشتر از ۰/۷ داشتند و فقط ۵ سؤال ضریب کاپا کمتر از ۰/۷ در آزمون مجدد داشتند.

میانگین ضریب کاپا برای مجموعه سؤالات ۸۲۶/۰ محاسبه شد.

بحث و نتیجه گیری: پرسش نامه طراحی شده دارای روایی و پایایی بالایی برای سنجش رفتار رهبری حمایتی می باشد. یافته ها

بیان گر این مسئله است، که این پرسش نامه می تواند به عنوان ابزاری با پایایی و روایی مناسب در مطالعات رفتار رهبری در ایران مورد

استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه ها: روایی، پایایی، سبک رهبری، رفتار رهبری حمایتی، آموزش پزشکی

ارزیابی کیفیت مدیریت عالی و اجرایی در دانشکده پزشکی بقیه الله (عج) بر اساس استانداردهای ملی و جهانی برای آموزش پزشکی عمومی

مجتبی خواجه آزاد*، محمد یمنی، علی زارعی

* کارشناسی ارشد دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج)؛ تهران، خیابان ملاصدرا، دانشکده پزشکی بقیه الله (عج)، دفتر توسعه آموزش

مقدمه: ارزیابی کیفیت مدیریت دوره پزشکی عمومی دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج) براساس استانداردهای ملی و فدراسیون جهانی آموزش پزشکی (World Federation for Medical Education WFME) بود.

روش: از دو روش ۱. نگرش سنجی با پرسش نامه و ۲. پژوهش در عمل با بررسی مستندات مبتنی بر نشان گره های حوزه مدیریت عالی و اجرایی در «استانداردهای پایه دوره آموزش پزشکی عمومی ایران» و راهنمای جمع آوری داده های WFME Outline for Data Collection) استفاده شد. در روش نگرش سنجی پس از تأیید اعتبار و پایایی پرسش نامه، جمع آوری داده ها از اساتید و دانشجویان پزشکی عمومی دانشگاه بقیه الله، (عج) با روش نمونه گیری تصادفی طبقاتی در دو طبقه علوم پایه و بالینی انجام شد. کیفیت مدیریت در هر یک از شاخص های استانداردهای ملی و جهانی در بازه ای از صفر تا ۵ به دست آمده و بر اساس تعریف عملیاتی و با نرم افزار Prism و آزمون های آماری تی تست یا من-ویتنی و آنالیز واریانس یا کراسکال-والیس (بسته به نوع متغیر و نتیجه آزمون KS Normality test) در محدوده اطمینان ۹۵٪ تحلیل و با اسناد حاصل از بررسی مستندات تفسیر شد.

یافته ها: ۱) مدیریت عالی و اجرایی از دیدگاه اساتید براساس استاندارد ملی در سطح مطلوب ($10/29 \pm 74/4$) بود و بر اساس استاندارد جهانی در سطح «پایه» (75 ٪ امتیاز پایه و 50 ٪ امتیاز کیفیت) قرار داشته و دارای رابطه معکوس با رتبه علمی اساتید بود ($P = 20/358$) از دیدگاه دانشجویان بر اساس استاندارد ملی در سطح متوسط ($6/04 \pm 51/6$) و بر اساس استاندارد جهانی در سطح «کمتر از پایه» ($38/6$ ٪ امتیاز پایه و $35/4$ ٪ امتیاز کیفیت) قرار داشت. دیدگاه دانشجویان دارای رابطه معکوس با مرحله تحصیلی آنها بود ($P = 30/001$) و دیدگاه اساتید و دانشجویان از نظر کمی دارای تفاوت معنادار بودند ($P = 0/001$) اما از نظر کیفی در هر دو جامعه، ضعیف ترین شاخص مدیریت اداری و قوی ترین شاخص ها به ترتیب مدیریت عالی و ساختار و تشکیلات مدیریت بودند. ۴) در بررسی مستندات، نتایج کیفی نگرش سنجی در تعیین شاخص های ضعیف و قوی تأیید شد.

بحث و نتیجه گیری: نتایج رتبه بندی دانشکده های پزشکی کشور و مطالعات مشابه در دانشگاه های علوم پزشکی تهران و ارتش با دیدگاه اساتید در این مطالعه همخوانی دارد، اما با دیدگاه دانشجویان ناهمخوان است. نتایج نشان می دهند که دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج) از نظر «ساختار و تشکیلات» و «مدیریت عالی» عملکرد مطلوبی دارد، اما در مدیریت اداری و مالی از بوروکراسی رنج می برد. استانداردهای ملی در حوزه مدیریت عالی و اجرایی یک ساختار دیوان سالار (بوروکراتیک) دارای سلسله مراتب است، اما مدیریت عالی و اجرایی در الگوی WFME، یک ساختار پویای (دینامیک) مدیریتی است که دارای سه حوزه مدیریت موازی و در عین حال متعامل می باشد. ۱. «مدیریت عالی» که روش مدیریت راهبردی رسالت، اهداف و سیاست گذاری کلان دانشگاه را تبیین می کند. ۲. «ریاست علمی» که با شیوه مدیریت همکارانه یا دانشکده ای گروه های آموزشی را سامان دهی می نماید. و ۳. «مدیریت اداری» که مدیریت دیوان سالار پشتیبانی اداری و مالی را به عهده دارد. با توجه به ضعف بارز استانداردهای ملی در حوزه مدیریت عالی و اجرایی، پیشنهاد می شود برنامه توسعه دانشگاه در این حوزه با در نظر گرفتن استانداردهای WFME انجام شود.

کلیدواژه ها: کیفیت، دوره پزشکی عمومی، استانداردهای پایه ایران، استانداردهای جهانی WFME، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج)، مدیریت عالی و اجرایی

(S.72Pos.3) نشست: ۷۲، پوستر: ۳

مقایسه میزان رهبری کلاس آموزشی با امتیاز ارزشیابی استاد در دانشگاه علوم پزشکی تبریز سال ۱۳۸۸

شاپور نادر فام*، حسن سلامی، حبیب اله قمی، علیرضا زادگان

* دکتری تخصصی دانشگاه علوم پزشکی تبریز- تبریز- خیابان دانشگاه- روبروی بیمارستان شهید مدنی- مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی، واحد ارزشیابی ۱۳۸۸. salamih@gmail.com

مقدمه: آموزش کلاسیک پدیده‌ای است که با کلاس درس عجین شده است و وقتی از آموزش عالی صحبت می‌گردد در ذهن انسان از لحاظ روانی کلاسی بزرگ با استادی مسلط به علوم مختلف تداعی می‌گردد. در این پژوهش ما خواسته‌ایم ارتباط رضایت دانشجویان از میزان اداره و رهبری کلاس را با امتیاز ارزشیابی اساتید مشخص کنیم تا بدانیم آیا رهبری قاطع اساتید و اداره خوب کلاس تأثیری در افزایش امتیاز ارزشیابی آموزشی اساتید از دیدگاه دانشجویان دارد یا خیر؟

روش: مطالعه از نوع تحلیلی-مقایسه‌ای می‌باشد که از مقایسه امتیاز ارزشیابی کیفیت آموزشی اساتید از نظر دانشجویان با امتیاز میزان اداره و رهبری کلاس درس توسط اساتید به دست می‌آید. در این مطالعه بعد از جمع‌آوری اطلاعات ارزشیابی آموزشی اساتید از طریق پرسش از دانشجویان توسط دانشکده‌های مختلف به تعداد ۲۲۹۶۹ فرم قابل استناد و معتبر از ۸ دانشکده و تجزیه و تحلیل آماری نتایج با استفاده از نرم افزار SPSS مورد بررسی قرار گرفت. فرم‌های ارزشیابی آموزشی دارای ۲۵ سؤال در چهار حیطه می‌باشند و همچنین نحوه اداره و رهبری کلاس توسط استاد هم ارزشیابی شده است که روایی پرسش‌نامه توسط کارشناسان مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی تبریز مورد تأیید می‌باشد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که پایایی پرسش‌نامه ارزشیابی آموزشی براساس آزمون کرون‌باخ برابر است با ۰/۹۵۷ می‌باشد. میانگین امتیاز ارزشیابی کیفیت آموزشی اساتید از طریق پرسش از دانشجویان ۱۶/۰۴ با انحراف معیار ۳/۱۳ و همچنین میانگین امتیاز ارزشیابی نحوه رهبری و اداره کلاس توسط استاد ۱۷/۱۵ با انحراف معیار ۰/۸ به دست آمد که بر اساس آزمون آماری کای دو ($\chi^2=19858.5$) ($df=1014$ sig=0.000) ارتباط معنادار نحوه رهبری و اداره کلاس با امتیاز ارزشیابی آموزشی استاد اثبات می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری: می‌توان نتیجه گرفت که هرچه استاد در کلاس درس دارای اقتدار و تسلط باشد توجه دانشجویان را بیشتر به موضوعات درسی جلب می‌نماید و باعث تأثیرگذاری روی آنان می‌شود. از طرف دیگر اداره کلاس تنها به نظم و انضباط شدید و خشک اطلاق نمی‌شود، بلکه زمانی که استاد به مطالب درسی تسلط کافی و کامل داشته باشد می‌تواند مسیر درس را در مسیری پویا قرار دهد و کلاس را به سر منزل مقصود برساند و در این راه مانع از سردرگمی و چالش دانشجویان شود. لذا از نتایج به دست آمده چنین می‌توان جمع‌بندی نمود که برای این که دانشجویان جذب درس و کلاس شوند استاد باید دارای یک برنامه مشخص برای اداره مسیر کلاس به طور مسلط باشد.

کلیدواژه‌ها: رهبری، دانشجویان، ارزشیابی، ارتباط

(S.72Pos.4) نشست: ۷۲، پوستر: ۴

تفکر به روش شش کلاه، روش مناسب در تصمیم‌گیری گروهی در برنامه‌های آموزشی

یعقوب سالک زمانی*

* استادیار دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، بیمارستان امام رضا، گروه طب فیزیکی و توان بخشی

اغلب مردم برای تفکر و تصمیم‌گیری بیشتر از تعقل و آنالیزهای ذهنی استفاده می‌نمایند و کمتر به جنبه‌های هیجانی، فطری، خلاقانه و ... توجه می‌نمایند. نگرش به موضوع از دیدگاه‌های مختلف می‌تواند در روشن‌تر شدن مشکلات و مسائل آموزشی و ارائه راه‌حل برای آنها مناسب باشد. در این خصوص می‌توان شیوه تفکر شش کلاه را به کار برد که در آن به صورت استعاره‌ای از شش کلاه با رنگ‌های متفاوت برای در نظر گرفتن جنبه‌های مختلف تفکر استفاده می‌گردد که اولین بار توسط ادوارد دبنوس ارائه گردید. در این روش هر کدام از اعضای تیم به طور استعاره‌ای کلاه با رنگ‌های متفاوت می‌پوشد و از آن دیدگاه به موضوع نگاه می‌کند و در نهایت جمع‌بندی به عمل

می‌آید. با کلاه سفید به اطلاعات موجود یا مورد نیاز تأکید می‌گردد. با کلاه قرمز از طریق احساسات، هیجانات و یافته‌های شهودی بر موضوع نگاه می‌گردد. با کلاه مشکی بر ضرر و زیان احتمالی و احتیاط‌های مورد لزوم تأکید می‌گردد. با کلاه زرد بر جنبه‌های مثبت موضوع و منافع و ارزش‌ها تأکید می‌گردد و با کلاه سبز رنگ به جنبه‌های خلاقیت آن توجه می‌شود. در نهایت با کلاه آبی نظارت و کنترل بر شیوه تفکر از جنبه‌های مختلف و همچنین خلاصه کردن و مدیریت و تصمیم‌گیری به عمل می‌آید و در واقع به صورت منسجم ولی با توجه به جنبه‌های مختلف بر موضوع تأکید می‌گردد که می‌تواند در نهایت تصمیم‌گیری مناسب‌تر و عملی‌تر را به دنبال داشته باشد. بنابراین توصیه می‌گردد که با آموزش این روش و به کار بردن آن در گروه‌های آموزشی و مدیریت آن در مناسب‌تر نمودن برنامه‌های آموزشی و نوآوری‌های آن گام‌های اساسی برداشته شود.

کلید واژه‌ها: تصمیم‌گیری گروهی، تفکر، روش شش کلاه

(S.72Pos.5) نشست: ۷۲، پوستر: ۵

بررسی تجارب اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر در مورد رهبری آموزشی و ارتباط آن با رویکرد آموزشی آنان - ۱۳۸۸

دکتر نیلوفر معتمد، نرگس عبیدی^{*}، فرشته کریمی، قمر بهرام‌پور

^{*} مربی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر - مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی - بوشهر - خیابان معلم - دانشگاه علوم پزشکی بوشهر - معاونت آموزش و تحقیقات - مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی nobeidi@yahoo.com

مقدمه: اگرچه مطالعات متعددی در خصوص رویکردهای آموزشی متفاوت اساتید دانشگاه و ارتباط آن با رویکردهای یادگیری دانشجویان انجام شده، اما در زمینه ارتباط این رویکردها با درک اساتید از رهبری آموزشی در گروه‌های آموزشی مطالعات زیادی انجام نشده است. ما در این مطالعه برآنیم تا رویکرد آموزشی اساتید دانشگاه علوم پزشکی بوشهر و ارتباط با رهبری آموزشی گروه‌های آموزشی را در سال ۱۳۸۸ مورد بررسی قرار دهیم.

روش: در یک مطالعه مقطعی، پرسش‌نامه‌ای پایا و روا با استفاده از مطالعات قبلی تهیه و در اختیار اساتید دانشگاه علوم پزشکی در سال ۱۳۸۸ قرار گرفت و به صورت خودایفا تکمیل شد. پرسش‌نامه مشتمل بر ۲ بخش مشخصات دموگرافیک اساتید و ۲۹ سوال مربوط به رویکرد آموزشی و رهبری آموزشی در مقیاس ۵ گزینه‌ای لیکرت از کاملاً موافقم (۵) تا کاملاً مخالفم (۱) بود. گویه‌ها در چهار حیطه تجارب اعضای هیئت علمی از تدریس و آموزش، مدیریت مشارکتی در گروه، تعهد دانشگاهی نسبت به یادگیری دانشجویان، جنبه‌های مختلف محیط و زمینه آموزش در کلاس و رویکرد اساتید به آموزش قرار گرفت. داده‌ها توسط نرم افزار SPSS و با استفاده از آمار توصیفی و ضریب همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: بیشترین امتیاز مربوط به حیطه مدیریت مشارکتی (۱)، رهبری تدریس و آموزش (۱)، آموزش دانشجوی محور (۱) و تعهد دانشگاهی نسبت به یادگیری دانشجویان (۱) بود. همبستگی معنی‌داری بین امتیازات حیطه رهبری آموزشی با حیطه‌های مدیریت مشارکتی (۱)، تعهد دانشگاهی نسبت به یادگیری دانشجویان (۱) و آموزش دانشجوی محور (۱) وجود داشت. همچنین همبستگی معناداری بین امتیازات حیطه زمینه آموزش با رویکرد آموزشی معلم محور (۱) وجود داشت.

بحث و نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد رابطه مستقیمی بین درک اساتید دانشگاه از رهبری و مدیریت آموزشی در سطح گروه و درک آنها از حمایت دانشگاهی برای یادگیری دانشجویان در سطح گروه وجود دارد. به علاوه رابطه مستقیمی بین رویکرد مدرسین دانشگاهی به آموزش و درک آنها از زمینه‌های آموزش وجود دارد. نکته عملی قابل ذکر اینکه عملکرد مدیران آموزشی و بخصوص رؤسا و مدیران گروه‌های آموزشی برای ایجاد و بهبود تعهد دانشگاهی برای یادگیری دانشجویان ضروری می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: رهبری آموزشی، رویکرد آموزشی، گروه آموزش

(S.72Pos.6) نشست: ۷۲، پوستر: ۶

بررسی تأثیر روش آموزش تفحص گروهی بر میزان یادگیری دانشجویان پرستاری ارومیهنادر آقاخانی^{*}، شیوا روشن میلانی، نرگس رهبر، حمیده کریمی، رضا اطهری فر، اکبر مروت^{*} دانشگاه علوم پزشکی ارومیه - nader1453@umsu.ac.ir

مقدمه: امروزه برنامه‌های آموزش پرستاری به‌طور عمیقی روی رسیدن کمی و کیفی به اهداف رفتاری تأکید می‌کنند. متأسفانه به نظر می‌رسد که در دروس تئوری و از آن بدتر در کارآموزی پرستاری، مدرسین و مربیان بیش‌تر بر اساس صلاح‌دید خود و نه براساس روش‌های نوین تدریس یا کارآموزی عمل می‌کنند که نتیجه آن ضعف آموزش‌های دریافتی به‌ویژه در کارهای عملی و کارآموزی‌هاست، به طوری که اکثر دانشجویان باید بعد از فراغت از تحصیل، مجدداً کارهای عملی را درست یا غلط و براساس روتین بیمارستان فراگیرند. در صورتی که باید از ساختاری استفاده کرد که فراگیران بتوانند، بهتر یاد بگیرند و بیاموزند که چگونه یاد بگیرند. دست‌یابی به چنین هدفی، مستلزم این است که مدرسان نظری یا مربیان بالینی، در طراحی تدریس، از شیوه‌های نوین تدریس استفاده و آن‌ها را اجرا کنند و ضمن ارزیابی مناسب آن با اهداف آموزشی، لزوم تغییر را درک نمایند. یکی از روش‌های نوین تدریس، روش تفحص گروهی می‌باشد که شامل تبادل دوجانبه اطلاعات، عقاید و احساسات بین معلم و فراگیر است. در این روش می‌توان علاوه بر افزایش دانش فراگیر، شیوه برخورد با مسائل و مشکلات را آموزش داد. در این روش فراگیران در داخل گروه و بین گروه با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و همکاری، اعتماد به نفس و درک آن‌ها افزایش می‌یابد و فراگیران شیوه یادگیری فعال را نیز فرامی‌گیرند گرچه اجرای این شیوه آسان نیست، اما قدرت تجزیه تحلیل مطالب، مهارت یادگیری و برقراری ارتباط با یکدیگر را در فراگیر رشد می‌دهد و آن‌ها در فعالیت‌های آموزشی فعالانه شرکت می‌کنند و مسئولیت یادگیری را بر عهده می‌گیرند. اگر ارزیابی را فرآیند جمع‌آوری اطلاعات برای مشخص کردن میزان تحقق اهداف بدانیم، استفاده از این روش، ارزیابی تغییر رفتار دانشجویان را نیز امکان‌پذیرتر می‌کند. شواهد حاکی است که دانشجویان با این روش بهتر قادر به کاربرد دروس فراگرفته بر بالین بیماران هستند و متخصصین نیز این روش را نسبت به روش‌های سنتی تأثیرگذارتر می‌دانند. در این فرآیند تأثیر روش آموزش تفحص گروهی بر میزان یادگیری دانشجویان پرستاری ارومیه در کارآموزی پرستاری داخلی جراحی مورد بررسی قرار گرفته است.

روش: پژوهش حاضر برای اولین بار، با هدف مقایسه تأثیر روش آموزش تفحص گروهی بر میزان یادگیری دانشجویان پرستاری ارومیه در کارآموزی پرستاری داخلی، و اثر آن‌ها بر میزان یادگیری ۲۴ نفر از دانشجویان پرستاری در دو گروه آزمون و کنترل انجام گرفت (۲ گروه ۱۲ نفری شامل ۶ دانشجوی مذکر و ۶ دانشجوی مؤنث). ۱۲ نفر به صورت کارآموزی روتین و ۱۲ نفر به صورت کارآموزی همراه با آموزش تفحص گروهی بررسی شدند. در این روش ابتدا شرایط پژوهش توسط مربی کارآموزی بیان شد و در پایان هر هفته کارآموزی، اهداف رفتاری و منابع مورد نظر کارآموزی جلسه بعد مورد تأکید قرارگرفت. این موارد به صورت اجرای عملی کارآموزی به صورت ایفای نقش و نشان‌دادن روش‌های اجرایی به صورت شماتیک با استفاده از پاورپوینت بود. در طی یک هفته دانشجویان فرصت داشتند منابع مورد نظر درباره اعمال اجرایی کارآموزی را به صورت گروهی بررسی کرده و در جلسه بعد با آمادگی کافی برای بحث و تبادل نظر حضور یابند. در هر یک، سرگروه راجع به روش اجرای عملی موضوع تعیین شده در جلسه قبل صحبت می‌کرد. بعد از بحث سرگروه‌ها، دیگر اعضای گروه هم اگر مطالبی داشتند بیان می‌کردند و در خاتمه، مربی کارآموزی، مطالب را جمع‌بندی و خلاصه می‌کرد و در صورت لزوم اشتباهات اجرای پروسیجرها را اصلاح می‌کرد.

سطح اثرگذاری: در صورت ارائه به مسئولین دانشگاه، انتظار می‌رود در برخی کارآموزی‌ها، این روش به کار گرفته شود و پس از مؤثر بودن، در سطح کشوری اجرا گردد.

یافته‌ها: در این مطالعه که بر روی ۲۴ دانشجو پرستاری، در دو گروه به شیوه تفحص گروهی و کارآموزی روتین انجام گرفت، نمونه‌های این مطالعه در هر دو گروه با میانگین سنی ۱۹/۵۴ سال و انحراف معیار ۲/۵۴ سال بود. معدل ترم گذشته هر دو گروه ۱۵ با انحراف معیار ۳/۲۳ بود. نتایج آزمون‌های آماری نشان داد که معدل دیپلم، معدل ترم قبل، سن، مطالعات قبلی، بر میزان یادگیری، تأثیر معناداری را در دو گروه ندارند. به گفته دانشجویان شرکت‌کننده در مطالعه، روش تفحص گروهی علیرغم دشواری اجرا، تقویت مثبت بیش‌تری برای آنان فراهم کرده و توانسته تأثیر بیش‌تری را در ایجاد علاقه به یادگیری در دانشجو برجای بگذارد. این دانشجویان در ارزش‌یابی کارآموزی بر اساس فرم ارزش‌یابی کارآموزی دانشکده موفق به رعایت بیش‌تر آیتم‌های علمی مورد نظر شدند.

بحث و نتیجه‌گیری: پژوهش حاضر نشان داد میزان یادگیری به شیوه تفحص گروهی بهتر از کارآموزی روتین است که معمولاً مطالب و مهارت‌ها از سوی مربی و گاه پزشکان و پرستاران ارائه می‌شود. مطالعات دیگر نیز برتری شیوه تدریس تفحص گروهی در میزان یادگیری را تأیید می‌کند. در تدریس به روش تفحص گروهی، فراگیران در داخل گروه و بین گروه، با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و همکاری، اعتماد به نفس و درک آن‌ها افزایش می‌یابد، در نتیجه، نمرات بهتری کسب می‌کنند و در عین حال، فراگیران شیوه یادگیری فعال را نیز فرا می‌گیرند. گرچه این شیوه برای مدرس و دانشجویان کارآموز آسان نیست، اما باعث قدرت تجزیه و تحلیل مطالب، مهارت - یادگیری و برقراری ارتباط با یکدیگر می‌شود. شیوه تفحص گروهی در افزایش مهارت اجتماعی‌شدن، توانایی یادگیری و افزایش مهارت بر اساس مطالعه قواعد علمی و نه آموزش‌های عملی رایج در بخش و نتیجه‌گیری فراگیر مؤثر است. به طور کلی تدریس به این شیوه، در ارتقای سطح علمی دانشجویان پرستاری و یادگیری طولانی مدت آن‌ها مؤثر است و از سویی، باعث افزایش مهارت برقراری ارتباط و اجتماعی شدن آن‌ها می‌گردد که این مهم در گروه‌های علوم پزشکی، بخصوص پرستاری، بسیار با اهمیت و ارزشمند است. با توجه به اهمیت استراتژی آموزش تفحص گروهی (افزایش میزان یادگیری و کسب مهارت‌های بحث و گفتگو برای برخورد با مسائل و مشکلات و مهارت برقراری ارتباط و ضرورت نوآوری در آموزش پرستاری، پژوهش‌گر امیدوار است نتایج این تحقیق بتواند برنامه‌ریزان را بر آن دارد که به منظور توفیق بیش‌تر در اجرای این شیوه و ایجاد عادت و مهارت در امر یادگیری بر پایه تفحص گروهی، آمادگی‌های لازم را در بدو شروع تحصیل دانشگاهی دانشجویان، سامان بخشند. تفحص گروهی در دروس دیگر رشته پرستاری و دیگر رشته‌های علوم پزشکی و بررسی نقاط قوت و ضعف این شیوه تدریس توصیه می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: آموزش تفحص گروهی، میزان یادگیری، ارومیه

(S.73Pos.1) نشست: ۷۳، پوستر: ۱

تأثیر برنامه تماس زودرس با بیمار بر نگرش اخلاقی و حرفه‌ای دانشجویان پزشکی

جواد کجوری، دکتر صدیقه ابراهیمی، زهره اسماعیل زاده، هاجر شیعه

مقدمه: برنامه تماس زودرس با بیمار به عنوان کلید اولیه تغییرات اساسی‌تر در آموزش پزشکی برخی از دانشکده‌های پزشکی دنیا مطرح گردیده است. برخی از مطالعات در زمینه تأثیر مداخله پیشنهاد می‌کند که این تجربه زودرس احتمالاً برنامه پزشکی را به سمت زمینه اجتماعی اخلاقی طبابت سوق می‌دهد. هدف از این مطالعه بررسی اثر برنامه تماس زودرس با بیمار در نگرش اخلاقی، حرفه‌ای و اجتماعی دانشجویان می‌باشد.

روش: در این مطالعه توصیفی تحلیلی تعداد ۱۰۰ نفر از دانشجویان ورودی نیم‌سال اول ۱۳۸۷ شرکت و پس از جلسه توجیهی در مورد اهداف برنامه در مورد نگرش دانشجویان به حرفه پزشکی و ابعاد اجتماعی، اخلاق پزشکی پاسخ‌های اولیه به‌صورت تشریحی جمع-آوری گردید و سپس دانشجویان جهت آشنایی با بخش‌ها و نحوه آموزش بالینی و چگونگی برخورد با بیمار سایر اجرای بیمارستان آموزشی به بیمارستان‌های آموزشی رفتند و در انتها پرسش‌نامه‌ای که قبلاً روایی و پایایی آن به اثبات رسیده بود تکمیل و اطلاعات با استفاده از نرم افزار تجزیه و تحلیل گردید.

یافته‌ها: تعداد ۱۰۰ نفر از دانشجویان در انتهای نیم‌سال اول در این برنامه شرکت نمودند در پاسخ به سؤالات مربوطه به دانشجویان علاقه‌مندی خود را به برنامه به‌صورت درخواست تکرار برنامه هر ماه یک‌بار (۴۵ درصد)، ۲ ماه یک‌بار (۲۲ درصد) و ماهی ۲ بار (۱۳ درصد) ابراز کردند. دلایل ذکر شده از طرف دانشجویان حضور و آشنایی با محیط کار آینده و محیط بالینی در ۴۴ درصد و ایجاد انگیزه بیشتر در ۴۲ درصد موارد بوده است. در سؤال مربوط به ایجاد نگرش جدید ۳۳ درصد دانشجویان معتقد بودند که این برنامه باعث افزایش احساس مثبت ایشان در مورد نجات جان انسان‌ها توسط پزشک بوده و در ۳۲ درصد اظهار نمودند نگرش جدیدی نسبت به اخلاق حرفه‌ای پزشکی پیدا کرده‌اند. ۲۶ درصد از دانشجویان محیط جدید را نسبت به ذهنیات قبلی خود متفاوت دانسته‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج به‌دست آمده به نظر می‌رسد که این دوره‌ها می‌تواند اثر مثبت در دیدگاه حرفه‌ای، اجتماعی اخلاقی دانشجویان داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: تماس زودرس با بیمار، نگرش اخلاقی، دانشجوی پزشکی

(S.73Pos.2) نشست: ۷۳، پوستر: ۲

نقش آموزش پزشکی در اعتماد به نفس فارغ التحصیلان پزشکی و پرستاری در فاز انتقالی به دوره طبابت

طراوت فاخری*، دکتر میترا یاری، دکتر فرحناز کشاورزی، دکتر انیس الدوله نانکلی، دکتر نسرین جلیلیان
* استادیار مرکز تحقیقات زایمان، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، سرخ لیژه، بلوار پرستار، بیمارستان امام رضا (ع)، مرکز تحقیقات زایمان، دفتر آموزش زنان tfakheri@kums.ac.ir

مقدمه: هر چند پدیده شوک برخورد با واقعیت‌ها در گروه فارغ التحصیلان پرستاری از دهه‌های قبل شناخته شده، شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد مشکلات ناشی از این دوره انتقالی امروزه نیز کماکان جدی است. آمادگی فارغ التحصیلان رشته‌های پرستاری در زمینه‌های علمی و آموزشی عنوانی است که بسیار مورد توجه بوده و شواهد روز افزون وجود دارد که نقل و انتقال به دوران برخورد عملی با بیماران بسیار مشکل است. بسیاری از فارغ التحصیلان با مدارک کامل و قانونی و در طی چندین هفته پس از اتمام تحصیلات وارد حیطه کار درمانی و مراقبتی می‌شوند و اگر این روند انتقال بدون هدف باشد تخلیه سریع روحی و عدم اعتماد به نفس روی می‌دهد.

روش: بر اساس مدل طراحی شده "شورای ملی بورد ایالتی پرستاری" تازه فارغ التحصیلان بورد پرستاری لازم است پیش نیازهای آنرا تکمیل کنند تا بتوانند مدرک بورد خود را پس از یک سال تمدید نمایند. شرکت کنندگان در طرح انتقالی پرستاران، فارغ التحصیلان پرستاری با کمتر از یک سال سابقه کار بودند. در این طرح ۸۱ نفر شرکت کردند، سن متوسط شرکت کنندگان ۳۲ سال بود. افراد شرکت کننده لازم بود که در کلیه جلسات شرکت کنند و یک پروژه Evidence base را کامل کنند. در مطالعه ملی پزشکان بررسی روی ۵۸۰۰۰ دانشجوی پزشکی در طی سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۲ در دانشگاه میشیگان صورت گرفت.

یافته‌ها: تجارب پرستاران تازه فارغ التحصیل شده آمیزه‌ای از دو فاکتور ترس و اعتماد به نفس بود که این دو ناشی از یادگیری دوران تحصیل و انتظار در هنگام برخورد با بیمار می‌باشد، در مطالعه ملی پزشکان کمتر از نیمی از دانشجویان پزشکی در امریکا اظهار می‌دارند که آموزش کافی جهت درک سیستم‌های بهداشتی و اقتصاد در طب را در جریان مطالعات دانشگاهی میشیگان دریافت داشته‌اند. در حالی که اکثریت رو به افزایش دانشجویان از آموزش پزشکی خود راضی هستند ولی وقتی در حیطه درک اقتصاد سلامت، سیستم‌های بهداشتی، مراقبت‌های مدیریت شده و ثبت مدارک پزشکی در حدود ۵۰-۴۰٪ دانشجویان احساس عدم رضایت می‌نمایند.

بحث و نتیجه‌گیری: امروزه به علت عوامل مختلف مانند افزایش اطلاعات بیماران، کاهش طول مدت بستری، کمبود پرسنل و تکنولوژی‌های جدید پیمودن تغییرات این دوره انتقالی برای پرستاران مشکل‌تر می‌شود. یافته مطالعات پرستاران نشان‌دهنده آن است که ۳ مرحله عملکرد (Doing) شناخت (Knowing) حضور (Being) در طی ۱۲ ماه اول فاز انتقالی روی می‌دهد که هر مرحله احتیاج به حمایت دارد و در حقیقت در حمایت طولانی مدت بود که پیشنهاد کار گروه در طی این فاز انتقالی مطرح گردید. هرچند دوره انتقالی ورود به دنیای طبابت و کار در ابتدا شادی‌آور است ولی تجربه برخورد با بیماران در طی سال اول می‌تواند تروماتیک باشد.

کلیدواژه‌ها: اعتماد به نفس، آموزش پزشکی

(S.73Pos.3) نشست: ۷۳، پوستر: ۳

Standard setting ارزش‌یابی پایان دوره کارورزان گروه طب اورژانس

سعیده غفاری‌فر*، چنگیز قلی‌پور، علی تقی‌زادیه، حسن سلیمان‌پور، علیرضا علا، پیمان محرم‌زاده، امیرحسین جعفری روحی، حسن امیری

* پزشک عمومی دانشگاه علوم پزشکی تبریز، دانشکده پزشکی، ED، sa.ghafarifar@yahoo.com

مقدمه: رهبران آموزشی در قبال پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه فرایند گذر موفق دانشجویان از امتحانات پایان دوره گروه‌شان را باید به نحوی راهبری نمایند که فارغ‌التحصیلان از حداقل توانمندی‌هایی که مورد پذیرش و تأیید جامعه است برخوردار باشند. لذا بر آن شدیم از طریق standard setting ارزش‌یابی دانشجویان در گروه طب اورژانس دانشکده علوم پزشکی تبریز، threshold رد و قبولی در ارزش‌یابی پایان دوره کارورزان گروه را تعیین نماییم.

روش: در یک مطالعه عمدتاً کیفی، طی ۵ جلسه 90 focus group دقیقهای با حضور اعضاء هیئت علمی و کارشناس ارشد آموزشی گروه، بعد از بازنگری طرح درس کارورزی دوره و با در نظر گرفتن لزوم روایی محتوایی بالای آزمون، ماتریس سؤالات آزمون پایان دوره کارورزان براساس سه سطح مختلف سختی و چهار سطح متفاوت میزان ارتباط و اهمیت سؤالات چیده شد و بعد از جمع بندی و اجماع نظر، درصد سؤالات آزمون در هر خانه‌ی ماتریس تعیین شد تا همواره مورد استفاده قرار گیرد. به منظور بررسی روایی ابزارمان، نتایج ارزیابی ۴۶ نفر از کارورزان در طی ۴ دوره آزمون را با نتایج بررسی log book های تکمیل شده توسط کارورزان مطابقت دادیم و نتایج به دست آمده را با روش های آماری توصیفی تحلیل کردیم.

بحث و نتیجه گیری: از طریق standard setting آزمون ها می توان نتایج منفی و مثبت کاذب آزمون های برگزار شده در گروه ها را که در مطالعه ما به ترتیب ۴۰۳ و ۱۵۲ درصد بود، کاهش داد. به منظور افزایش میزان پاسخ گویی اجتماعی و کاهش میزان نتایج مثبت کاذب آزمون ها به نظر می رسد اساتید باید نظارت بیشتری بر تکمیل logbook ها توسط کارورزان به عمل آورند و برای پاسخ گویی بهتر به دانشجویان نیز نمره آزمون پایان دوره نباید تنها ملاک رد و قبولی آنان قرا گیرد.

کلیدواژه ها: ارزش یابی، standard setting، پاسخ گویی

(S.73Pos.4) نشست: ۷۳، پوستر: ۴

ارزشیابی سیستم ارزش یابی اساتید دانشگاه علوم پزشکی مشهد؛ یک مطالعه فرارزیابی

سیدمسعود حسینی*

* مربی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد خیابان دانشگاه ساختمان مرکزی دانشگاه علوم پزشکی مشهد مرکز توسعه آموزش
hoseinim@mums.ac.ir

مقدمه: یکی از مهم ترین کارکردهای مدیریت در سازمان های آموزشی، ارزش یابی است و تقریباً هیچ فرایندی بدون ارزش یابی کامل تلقی نمی شود. با این حال هر ارزش یابی می تواند از مسیر صحیح خود منحرف شده و سوگیری پیدا نماید. فرارزیابی فرایندی در جهت مشخص کردن، به دست آوردن و به کاربردن اطلاعات توصیفی و اطلاعات قضاوتی در باره مفید بودن، عملی بودن، مناسبت و دقت ارزش-یابی به منظور راهنمایی و گزارش عمومی آن از لحاظ نقاط قوت و ضعف آن می باشد. با توجه به توضیحات فوق و از آنجایی که اطمینان از صحت ارزیابی های انجام شده به خصوص در حوزه نیروی انسانی از اهمیت بالایی برخوردار می باشد سیستم ارزش یابی کیفیت آموزش اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد با رویکرد فرارزیابی مورد مطالعه قرار گرفت.

روش: روش جمع آوری اطلاعات مصاحبه‌ی نیمه ساختاریافته بود که با تعداد ۱۰ نفر از مسئولین، طراحان ابزارهای ارزش یابی و کارشناسان مدیریت امور هیئت علمی دانشگاه انجام شد. همچنین مستندات و آئین نامه های مرتبط و نیز نمونه فرم های ارزش یابی مورد بررسی قرار گرفت.

یافته ها: از جمله نقاط قوت این سیستم وجود ابزارهای متنوع برای ارزش یابی از منظر افراد مختلف (دانشجو، مدیر گروه، رزیدنت و...) و در عرصه های مختلف (نظری، عملی، بالینی) و امتیازبندی ارزیابی ها براساس صلاحیت فرد مورد پرسش برای اظهار نظر در مورد جنبه های مختلف فعالیت عضو هیئت علمی می باشد. از نقاط ضعف این سیستم، می توان به وجود نقائصی در بازخورد نتایج ارزش یابی به فرد و ارزیابی تأثیر آن در عملکرد وی اشاره کرد.

بحث و نتیجه گیری: بر مبنای اطلاعات به دست آمده این سیستم علی رغم نقاط قوتی چون ارزیابی از منابع مختلف، تهیه ابزارهای عینی و مرتبط با حوزه های آموزشی خاص آنان و تدوین سیستم الکترونیکی برای کاهش هزینه ها ولی دارای نقاط ضعفی نیز می باشد. از جمله این که دوره های انجام این ارزیابی در حد قابل قبول نیست همچنین اهداف تصریح شده برای این ارزیابی در دسترس نیست و در نبود اهداف تصریح شده سیستم بازخورد نتایج به عضو هیئت علمی تحت الشعاع قرار گرفته و یک سیستم بازخورد دقیق و پایش ارتقاء کیفیت عمل کرد آموزشی عضو هیئت علمی تدوین نشده است.

کلیدواژه ها: فرارزیابی، ارزش یابی اساتید

(S.73Pos.5) نشست: ۷۳، پوستر: ۵

آموزش مهارت‌های برقراری ارتباط جرأت‌مندانه به اساتید مشاور، ضرورتی مهم در جهت تعالی آموزشی دانشگاه

منیره پروانه*، پروین سجادی

* کارشناس مامایی دانشگاه علوم پزشکی بابل؛ دانشگاه علوم پزشکی بابل، حوزه معاونت آموزشی،
m.parvaneh20@yahoo.com

مقدمه: ارتباط، فرآیندی پویا و امری اجتناب‌ناپذیر است که در آن اطلاعات منتقل شده و در مسیر زمان همیشه جریان دارد. ارتباط جرأت‌مندانه به نوبه خود، نوعی رفتار بین‌فردی است که شامل ابراز صادقانه و نسبتاً صریح افکار و احساسات می‌باشد، به نحوی که از نظر اجتماعی متناسب بوده و احساسات و آسایش دیگران نیز در آن مد نظر باشد. نظر به اهمیت نقش استاد مشاور در ارتقای کیفیت آموزش و ضرورت مشاوره و راهنمایی دانشجویان در خصوص ارتقای تحصیلی و رفع مشکلات احتمالی، این مطالعه با هدف ارتقاء توانمندی اساتید مشاور تحصیلی دانشگاه علوم پزشکی بابل در زمینه برقراری ارتباط جرأت‌مندانه اجرا گردید.

روش: این مطالعه تحلیلی توسط معاونت آموزشی دانشگاه در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ انجام شده است. از میان کلیه ۶۳ استاد مشاور دانشگاه، ۳۰ نفر به صورت تصادفی انتخاب شدند و پرسش‌نامه‌ای را که حاوی ۹ سؤال چهارگزینه‌ای بود، به صورت خودایفا تکمیل نمودند. کارگاه مهارت‌های رفتار جرأت‌مندانه برگزار گردید و پرسشنامه مجدداً در اختیار اساتید مشاور قرار گرفت. افرادی که پیش‌آزمون یا پس‌آزمون را عودت نداده بودند، از مطالعه حذف شدند. نهایتاً ۱۶ نفر در این پژوهش شرکت داده شدند. اطلاعات کدگذاری، وارد کامپیوتر شده و با نرم‌افزار SPSS 15.0 آنالیز گردید.

یافته‌ها: نتایج در این مطالعه، ۱۶ استاد مشاور که حائز معیارهای ورود شده بودند، شرکت داده شدند. میانگین نمره اساتید در پیش-آزمون $1/03 + 2/00$ و در پس‌آزمون $3/34 + 3/06$ بود (بر مبنای حداکثر نمره ۸) دامنه تغییرات نمرات در پیش‌آزمون صفر تا ۴ و در پس-آزمون ۱ تا ۶ بوده است. از نظر آماری، نمره اساتید پس از انجام مداخله به‌طور معناداری افزایش یافته بود. ($Pvalue < 0.05$)

بحث و نتیجه‌گیری: رفتار جرأت‌مندانه عبارت است از بیان مناسب هر احساسی بدون اضطراب، همچنین شامل دفاع فرد از حقوق خود می‌باشد، به شکلی که حقوق دیگران پایمال نشود. چنین مهارتی به‌ویژه برای اساتید مشاور ضروری می‌نماید. بر اساس مطالعه حاضر، با توجه به تأثیر معنادار مداخله صورت گرفته، برنامه‌ریزی در جهت ارتقای مهارت‌های عملی سایر اساتید با برگزاری کارگاه‌های مشابه پیشنهاد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: استاد مشاور، مهارت، ارتباط، جرأت‌مندانه، توانمندسازی

(S.73Pos.6) نشست: ۷۳، پوستر: ۶

بررسی اعتماد به نفس اعضای هیئت علمی در مناصب مدیریتی در دانشگاه علوم پزشکی تبریز

حکیمه حضرتی*، کنایون نسیمی، فریبا سالک رنجبرزاده، کریم نظری، سوسن حسن زاده سلماسی

* کارشناس آموزش مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی تبریز، تبریز، خیابان دانشگاه، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

مقدمه: افتخار و احساس خوب از خود یعنی اعتماد به نفس. اعتماد به نفس در حالت چهره، رفتار، صحبت و حرکت افراد مشخص می‌شود. ویژگی‌های افراد دارای اعتماد به نفس عبارت است از برخورد باز و گشوده، انتقادپذیر بودن راحت در پذیرش اشتباهات خود و باور به توانایی‌ها و احساس ارزشمندی نسبت به خود و دیگران. اراده و پشتکار در اعتماد به نفس، نقش بسیار مهمی به‌عهده دارند. اراده و اختیار هر انسان به خود او بستگی دارد یعنی هر چه در زندگی روزانه، فعالیت‌های خود را واقع‌بینانه مورد ارزیابی قرار داده و خودگویی مثبت داشته باشیم، اراده ما محکم‌تر و اشتباهات ما کمتر خواهد شد، در نتیجه با اعتماد به نفس بیشتری، جهت‌دهی فعالیت‌هایمان بهتر خواهد شد. بنابراین اعتماد به نفس یکی از متغیرهای تأثیرگذار در مدیریت اعضای هیأت علمی می‌باشد.

روش: جامعه آماری این پژوهش اعضای هیأت علمی علوم پزشکی تبریز در مناصب مدیریتی می‌باشد که اعتماد به نفس با استفاده از پرسش‌نامه استاندارد روزنبرگ مورد بررسی قرار گرفته است. این پرسش‌نامه شامل ۱۰ سؤال با مقدار ۰ تا ۳ و نمره نهایی بین ۰ تا ۳۰ می‌باشد که نمره بیشتر نشانه اعتماد به نفس، بالا می‌باشد که یافته‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد بررسی قرار گرفته است.

یافته‌ها: در این پژوهش ۶۰ نفر از اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی تبریز مورد بررسی قرار گرفت که ۷۵٪ از اعضای هیأت علمی دارای اعتماد به نفس بالا و ۲۵٪ آنها دارای اعتماد به نفس پایین می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج به‌دست آمده اعتماد به نفس بالایی در اعضا هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی تبریز مشاهده شد و از آن‌جا که اعتماد به نفس بالا یکی از ابعاد مؤثر مدیریت می‌باشد، بنابراین این مهم می‌تواند در بالا بردن کیفیت مدیریت آموزشی دانشگاه مؤثر باشد.

کلیدواژه‌ها: اعتماد به نفس، اعضای هیأت علمی، مناصب مدیریتی

(S.73Pos.7) نشست: ۷۳، پوستر: ۷

بررسی نگرش و علاقه دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد در مورد رشته تحصیلی خود در بدو ورود به دانشگاه در سال ۱۳۸۸

دکتر علی مؤمنی، فروزان گنجی*

* استادیار دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد- دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد foruzan2000@yahoo.co.in

مقدمه: افراد با تعهد حرفه‌ای به دلیل علاقه به کار خود از احساس خرسندی بیشتری برخوردارند. بهبود نگرش و علاقه نیز به نوبه خود، بهبود تعهد سازمانی را به همراه دارد. شکی نیست که افزایش تعهد سازمانی در بالا رفتن کمیت و کیفیت کار و نیل به اهداف سازمانی که در جهت اهداف کلی جامعه است، تأثیر به‌سزائی دارد. عوامل مختلفی در دوران دانشجویی می‌توانند سبب علاقه و نگرش مثبت نسبت به رشته تحصیلی و یا برعکس منجر به خستگی، دلزدگی یا ناامیدی از ادامه تحصیل شوند. به‌منظور شناخت وضعیت نگرش و علاقه دانشجویان در شروع دوره پزشکی، پژوهش ذیل صورت پذیرفت.

روش: مطالعه‌ای توصیفی- تحلیلی بر روی دانشجویان پزشکی ترم یک- دو دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۸ به‌صورت سرشماری انجام شد. ورود به مطالعه داوطلبانه بود. ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه‌ای حاوی سؤالات و متغیرهای مطالعه بود. روایی محتوا با نظر چند نفر از اساتید بود و پایایی به‌صورت آزمون- آزمون مجدد به‌دست آمد. اطلاعات در نرم‌افزار SPSS آنالیز شد.

یافته‌ها: از ۶۲ نفر واجد شرایط مطالعه ۵۰ نفر پرسش‌نامه را تکمیل نمودند، که ۵۶٪ زن و ۴۴٪ مرد بودند. در ۴۸٪ موارد خود دانشجوی رشته پزشکی را انتخاب و در ۲۶/۱٪ این انتخاب اولویت پنجم و کمتر داوطلبان در کنکور بوده است. ۴۰٪ دانشجویان در اقوام درجه اول و در ۴۸٪ در اقوام درجه دوم فامیل پزشک داشتند. ۲۲٪ علاقه خود را به پزشکی خیلی زیاد عنوان کردند. ۳۸٪ میزان احترام اجتماعی به‌عنوان پزشک عمومی را زیاد ارزیابی نموده‌اند. ۷۶٪ دانشجویان در صورت انتخاب مجدد رشته، دوباره پزشکی را انتخاب خواهند کرد، در حالی که فقط ۵٪ موفقیت خود را در این رشته به‌صورت خیلی زیاد پیش‌بینی کرده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری: مسئولان دل‌سوز باید تدابیری که منجر به ایجاد روش‌های مناسب به منظور بهبود نگرش به رشته پزشکی و آموزش آن گردد، اتخاذ کنند.

کلیدواژه‌ها: نگرش، دانشجویان پزشکی، رشته تحصیلی

Oral Presentation(ارائه‌های شفاهی دانشجویی)

(S.10S01) نشست: ۱۰، ارائه شفاهی: ۱۰

مدیریت دانشگاهی و پاسخگویی؛ ضرورت استقلال و آزادی علمی

زهرا کریمیان^۱، جواد کجوری^۲، فرهاد لطفی^۳، میترا امینی^۴

- ۱- دانشجوی دکتری علوم پزشکی شیراز و دانشگاه شهید بهشتی - شیراز، خیابان کریم خان زند، دانشکده پزشکی، ساختمان شماره ۳، طبقه هفتم مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی z_karimian_z@yahoo.com
- ۲، ۴. دانشیار مرکز مطالعات و توسعه علوم پزشکی شیراز - شیراز، خیابان کریم خان زند، دانشکده پزشکی، ساختمان شماره ۳ طبقه هفتم، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی
- ۳- دانشجوی دکتری مرکز مطالعات و توسعه علوم پزشکی شیراز - شیراز، خیابان کریم خان زند، دانشکده پزشکی، ساختمان شماره ۳، طبقه هفتم مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

مقدمه: اصالت و پویایی فعالیت‌های دانشگاه نیاز به یک جو آزاد و دموکراتیک دارد. آزادی علمی از اصول پشتیبان فعالیت‌های اعضای هیات علمی به شمار می‌رود. در یک جامعه سالم اعضای هیات علمی می‌باید از حق طبیعی خود برای تبادل آزاد اندیشه‌ها و نظریه‌ها در کلاس درس، اجرای آزادانه پژوهش و انتشار نتایج آن و اظهارنظرهای تخصصی درباره موضوعات علمی و... برخوردار باشند. عامل دیگر در این مسئله بحث استقلال علمی دانشگاه‌هاست. استقلال دانشگاه به معنای آزادی در مدیریت دانشگاهی، عدم تقلید در دیوانسالاری دولتی و امکان ارائه شیوه‌های نوین در توزیع منابع مالی داخلی، کسب درآمد از منابع مالی خارجی، استخدام کارکنان، پذیرش دانشجو، شرایط تحصیل و... تعریف می‌شود. اعطای استقلال به دانشگاه‌ها سیاستی اصولی برای افزایش مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی و پویایی دانشگاه است. تحقیقات نیز نشان می‌دهد بهترین دانشگاه‌ها، مراکزی بوده‌اند که از نظر علمی مستقل عمل کرده‌اند و دولت نقش حمایتی، تسهیل‌کننده و نظارتی بر دانشگاه را داشته است. پژوهش حاضر با هدف بررسی وضعیت استقلال و آزادی علمی در دانشگاه از دیدگاه اعضای هیات علمی انجام پذیرفته است.

روش: جامعه آماری پژوهش را ۵۵۰ عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز تشکیل می‌دهند. بر اساس جدول مورگان نمونه‌ای مشتمل بر ۲۳۰ نفر از اعضای هیات علمی به نسبت دانشکده‌های مختلف انتخاب گردیدند و آزادی علمی و استقلال دانشگاه توسط پرسشنامه محقق ساخته با ۱۵ سوال بسته پاسخ در مقیاس لیکرت و یک سوال باز مورد سنجش قرار گرفت و نمره هر گویه از ۱۰۰ محاسبه گردید. روایی پرسشنامه توسط صاحب‌نظران و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ ۹۱ درصد مورد تأیید قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان داد اعضای هیات علمی معتقد بودند، عدم استقلال مالی دانشگاه و وابستگی به بودجه دولتی (۸۵/۶)، تأثیر روابط سیاسی کشور بر روابط علمی بین‌المللی و پذیرش مقالات در مجلات معتبر خارجی (۷۹/۱)، تأثیر نگرش‌های سیاسی برخی مدیران دانشگاهی بر فضای علمی (۷۶/۹)، تغییر مداوم برنامه‌ها و طرح‌های علمی بعد از تغییر و تحولات سیاسی (۷۶/۵) به ترتیب بیشترین و ناکافی بودن فضا آزاد علمی در تدریس و پژوهش (۶۶/۸) کمترین میانگین را به خود اختصاص داد. در همین رابطه هیات امنایی شدن مدیریت دانشگاهی و انتخاب مدیران علمی دانشگاه با هم رأی اعضای هیات علمی به عنوان ضرورت اساسی در محیط‌های آکادمیک بر شمرده شد. همچنین بین دیدگاه اعضای هیات علمی به تفکیک رشته تحصیلی، مرتبه علمی و جنسیت تفاوت معنی‌داری احساس نشد ($P < 0.05$). با توجه به اهمیت استقلال مالی و اداری دانشگاه در پاسخگویی و رشد خلاقیت در دانشگاه‌ها و توانمند سازی مدیران این مسئله می‌باید مورد توجه قرار گیرد. همچنین توجه به افق بلند مدت در برنامه‌ریزی‌ها و نظام مدیریت استراتژیک و استقرار سیستم پایش و پاسخگویی سیستماتیک می‌تواند از بسیاری از دوباره‌کاری‌های ناشی از تغییرات سیاسی جلوگیری نماید.

کلیدواژه‌ها: دانشگاه، آزادی علمی، استقلال دانشگاه، پاسخگویی

بررسی رابطه بین هوش عاطفی و سبک رهبری (تحول بخش - مبادله ای) در مدیران بیمارستانهای آموزشی شهر قزوین

لیلا سبزمکان^۱، لیلا بهرامخانی^۲، سعید مظلومی^۳، مجید سرشته داری^۴، فریده بهرامخانی^۵، فریبا هاشمی^۶

۱. دانشگاه علوم پزشکی یزد- دانشکده بهداشت، sabzmakan@yahoo.com

۲. دانشگاه علوم پزشکی قزوین- دانشکده پزشکی، leila.bahramkhani@yahoo.com

۳. مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، mazloomys@yahoo.com

۴. دانشگاه علوم پزشکی قزوین- دانشکده پزشکی

۵. دانشگاه علوم پزشکی قزوین- ساختمان مرکزی

۶. دانشگاه علوم پزشکی قزوین- دانشکده بهداشت

مقدمه: امروزه اکثر سازمان‌ها برای حفظ موقعیت رقابتی خود نیاز به تغییر سریع دارند. تغییرات سریع مستلزم آن است که سازمان‌ها دارای رهبران و کارکنانی باشند که انطباق‌پذیر بوده و بصورت مؤثر کار کنند. رهبری کماکان به عنوان یک موضوع مهم هنوز هم در کانون توجه قرار دارد. رهبری تحول بخش از جدیدترین سبک‌های رهبری است که از مزایای آن می‌توان به رضایت شغلی، افزایش بهره‌وری سازمان و کاهش استرس بین زیردستان اشاره کرد. رهبری مبادله ای مستلزم رابطه رهبر- زیر مجموعه است که در آن زیر مجموعه، پاداش مرتبط با عملکرد خود را در ازای انتظارات اعلام شده بوسیله رهبر دریافت می‌کند. هوش عاطفی هم یکی از جدیدترین مفاهیمی است که پا به حیطه مدیریت گذاشته است. با توجه به جدید بودن موضوع هوش عاطفی در آموزش پزشکی و لزوم توجه بیشتر به سبک رهبری تحول بخش، این مطالعه به منظور بررسی رابطه بین هوش عاطفی و سبک رهبری (تحول بخش - مبادله ای) در مدیران بیمارستان‌های آموزشی شهر قزوین انجام گردید.

روش: این مطالعه به صورت توصیفی- مقطعی (Cross-Sectional) و به روش سرشماری روی کلیه مدیران بیمارستان‌های آموزشی شهر قزوین (۴ بیمارستان) در سال ۱۳۸۸ انجام گردید ولی فقط ۵۷ پرسشنامه بصورت کامل پاسخ داده شد. جمع آوری داده‌های تحقیق از طریق دو پرسشنامه سبک رهبری و هوش عاطفی انجام شد. برای این منظور، پرسشنامه رهبری وارنر بارک، که شامل ۱۰ سوال و هر سوال خود مشتمل بر دو بخش سبک رهبری تحول بخش و مراوده ای است استفاده شد و از افراد خواسته شد تا ۵ امتیاز را در نظر بگیرند و بین این دو اختصاص دهند. برای سنجش هوش عاطفی مدیران از پرسشنامه خاص هوش عاطفی که بوسیله اچ ویزینگر طراحی شده است استفاده بعمل آمد. این پرسشنامه شامل ۲۵ سوال با مقیاس ۵ درجه ای لیکرت از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق در مجموع هوش عاطفی افراد را اندازه می‌گیرد. این پرسشنامه شامل ۵ مؤلفه: ۱- خودآگاهی، ۲- خود کنترلی، ۳- انگیزش، ۴- همدلی، ۵- مهارت اجتماعی می‌باشد و هر مؤلفه دارای ۵ سوال است. در مطالعه ای پایایی و روایی این دو پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت. در این مطالعه پایایی این پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای سوالات رهبری ۰/۷۱ و برای سوالات هوش عاطفی ۰/۸۷ بدست آمد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، آزمون تی مستقل و آزمون تی زوج انجام گردید.

یافته‌ها: ۳۱/۶٪ (۱۸ نفر) افراد مورد مطالعه مرد و ۶۸/۴٪ (۳۹ نفر) زن بودند و میانگین سنی افراد ۴۱/۴۵±۴/۱۹ بود. بیشتر مدیران ۸۰/۷٪ (۴۶ نفر) دارای سطح تحصیلات کارشناسی بودند. همچنین ۳۵/۱٪ (۲۰ مدیر) بین ۶-۱۰ سال سابقه خدمت و ۳۳/۳٪ (۱۹ مدیر) بین ۱۱ تا ۱۵ سال سابقه خدمت داشتند و ۹۶/۵٪ (۵۵ نفر) مدیران متأهل بودند. ۴۶ مدیر (۸۰/۸٪) زیر ۱۰ سال سابقه مدیریتی داشتند. میانگین نمره هوش عاطفی مدیران ۱۰/۱۴±۱۰/۴۳۵ محاسبه گردید که نشان دهنده هوش عاطفی بالا در مدیران می‌باشد. از ۵ مؤلفه هوش عاطفی، میانگین مولفه‌های خود کنترلی، همدلی و مهارت اجتماعی بالا می‌باشد. میانگین نمره سبک رهبری تحول بخش ۳/۰۴±۲۶/۲۷۲ و میانگین نمره سبک رهبری مبادله‌ای ۳/۰۲±۲۳/۷۱۱ محاسبه شد و آزمون تی زوج اختلاف معنی‌داری را در این زمینه نشان داد یعنی اکثریت مدیران بیمارستان‌های شهر قزوین دارای سبک رهبری تحول بخش بودند. آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین متغیر هوش عاطفی و سبک رهبری تحول بخش و همچنین هوش عاطفی و سبک رهبری مبادله ای رابطه معنی‌داری وجود ندارد. همچنین بین تمام عناصر هوش عاطفی و سبک رهبری تحول بخش و مبادله ای رابطه معنی‌دار یافت نشد. آزمون تی مستقل نشان داد که میانگین نمره هوش عاطفی در مردان و زنان یکسان می‌باشد، همچنین این آزمون نشان داد میانگین نمره سبک رهبری تحول بخش و

مبادله‌ای در مدیران زن و مرد یکسان می‌باشد. آزمون ضریب همبستگی نشان داد متغیر سن با هوش عاطفی و سبک رهبری تحول بخش و مبادله ای ارتباط معنی‌داری ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری: یافته‌های تحقیق نشان داد سبک رهبری اکثریت مدیران بیمارستان‌های شهر قزوین تحول بخش می‌باشد که رهبران تحول بخش به عنوان افرادی مؤثرتر از رهبران مبادله‌ای شناخته شده‌اند. همچنین مدیران بیمارستان‌های شهر قزوین دارای هوش عاطفی بالایی می‌باشند. اما بین متغیر هوش عاطفی و سبک رهبری چه تحول بخش و چه مبادله‌ای رابطه معنی‌داری یافت نشد. بالا بودن ضریب هوش عاطفی مدیران می‌تواند خود به عنوان یک شاخص، بویژه در برنامه‌های تحول سازمان‌ها مفید واقع شود و از آنجا که هوش عاطفی قابل یادگیری است می‌تواند به عنوان یک موضوع مهم آموزشی (در برنامه مدیریت) در دستور کار آموزش مدیران قرار گیرد. یافته‌های این تحقیق این فرضیه را که رهبران تحول بخش دارای هوش عاطفی بالایی هستند را تأیید نکرد و هوش عاطفی را دلیل مؤثرتر بودن رهبران تحول بخش از رهبران مبادله‌ای نمی‌داند.

کلیدواژه‌ها: سبک رهبری، رهبری تحول بخش، رهبری مبادله ای، هوش عاطفی

(S.10SO3) نشست: ۱۰، ارائه شفاهی: ۳

تعیین سبک رهبری و رابطه آن با جنسیت و سن در کارکنان و معاونان حوزه ریاست دانشکده پزشکی

راضیه نشاط آور^۱، هاجر دهقان^۲

۱. rneshtavar@yahoo.com

۲. hdehghan@sums.ac.ir

دانشگاه علوم پزشکی شیراز

مقدمه: گاهی به زیر دست نگاه کن. شاید تنها به یه دست نوازشگر نیاز داشته باشه تا بتونه زندگیش رو تغییر بده! رهبری توانایی نفوذ بر دیگران برای دستیابی به اهداف سازمانی است. رهبر می‌تواند از دو سبک اصلی رفتاری، گرایش به وظیفه (وظیفه‌گرایی) (گرایش به روابط متقابل میان افراد) (یا ترکیبی از هر دو) مدد گیرد که بر روی چگونگی تعامل با سایر کارکنان و سطوح دیگر سازمانی اثر دارد. محققانی مانند لیکرت، کورمن و فیدلر نشان داده‌اند که وضعیت‌های گوناگون مستلزم سبک‌های رهبری متفاوتی است و رهبران موفق در سازماندهی امور، رفتارهای خود را طوری هماهنگ می‌سازند که به نیازهای گروه توجه نمایند. در پژوهشی که به منظور تعیین سبک رهبری و سبک تفکر در مدیران یک شرکت انجام شده است نشان داد بین سن و سبک رهبری وظیفه‌گرا-رابطه گرا رابطه معنی - داری وجود ندارد. در این پژوهش سبک رهبری و رابطه با جنس و سن در کارکنان و معاونان بررسی شد.

روش: مطالعه از نوع مقطعی با تعداد ۱۸ نفر از کارکنان و معاونان قابل دسترس دفتر ریاست دانشکده پزشکی انجام شد که اطلاعات از طریق پرسشنامه سبک رهبری فیدلر با مقیاس درجه بندی و با تعداد ۱۸ سوال بدست آمد.

یافته‌ها: جمعیت دارای ۶ نفر مرد و ۱۲ نفر زن بودند که دو نفر دارای مدرک تحصیلی دیپلم، ۶ نفر کارشناسی، ۶ نفر کارشناسی ارشد و ۴ نفر دارای مدرک تخصصی بودند. نتایج نشان داد که ۱۱ (۶۱/۱٪) نفر دارای سبک رابطه محور و ۶ (۳۳/۳٪) نفر دارای سبک وظیفه محور و یک نفر دارای سبک رهبری بینابینی است. با ضریب همبستگی پیرسون ارتباط معنی‌داری جنس با سبک رهبری در سطح ۰/۰۲ به دست آمد و ارتباط سن و سبک رهبری معنادار نیست.

بحث و نتیجه‌گیری: پژوهشی که به منظور تعیین رابطه بین سبک‌های مدیریتی با وظایف مدیران در دانشگاه علوم پزشکی کرمان انجام شده است نشان داد که وظیفه‌گرایان و رابطه‌گرایان در برنامه‌ریزی و تعیین اهداف سازمانی موثر هستند. که مطالعه فعلی نشان داد که افراد دفتر ریاست دارای این سبک هستند. تحقیق حاضر رابطه معنی‌داری جنس و سبک رهبری را بیان می‌کند که نیاز به تحقیقات بیشتری می‌باشد. کاکابادسه و همکاران اعتقاد دارد که سن همراه با دیگر ابعاد زمانی، اثر شدیدی در شکل‌گیری طرز تلقی و بنابراین رفتار در سازمان دارد اما تحقیق حاضر این ارتباط را نشان نداد. سبک رهبری تعیین کننده جو، فرهنگ و راهبردهای حاکم بر سازمان است اما هیچ سبکی بهترین نیست یک مدیر کارآمد با تکیه بر سبک مناسب باعث بهترین بازده در سازمان است. وظیفه‌گرایان تعیین نقش، تصمیم گیرنده، تعیین کننده، گرفتار، محرم راز، پیش قدم، کنترل کننده، مستقل، مسوول، و متکی به خود هستند. در رابطه محوری، حداقل گرایش به وظیفه و کار و حداکثر گرایش به رابطه یا فرد وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: سبک رهبری وظیفه‌گرا، سبک رهبری رابطه‌گرا، کارکنان، مدیر

(S.10SO4) نشست: ۱۰، ارائه شفاهی: ۴

بررسی سبک رهبری در گروه های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی کاشان در سال ۱۳۸۸

الهام شهیدانی*، مریم سامی، زهرا ضیایی، زهرا اکبری، لیلا شکری زاده

*دانشکده پیراپزشکی گروه مدارک پزشکی، elhamshahidani@yahoo.com

مقدمه: رهبری اثربخش گروه، یکی از وظایف مدیران گروه های آموزشی است. انتخاب سبک و شیوه ی رهبری مناسب در اثربخشی گروه و سازمان و نیل به مقاصد سازمان نقش حیاتی ایفا می کند. بنابراین موفقیت سازمان در تحقق اهداف در گرو چگونگی اعمال مدیریت و سبک های مؤثر رهبری، انگیزه را در گروه تقویت می کند و برقراری ارتباطات مطلوب برای ایجاد وحدت و یکپارچگی بین کارکنان لازم است. بنابراین، این پژوهش با هدف تعیین سبک رهبری مدیران گروه های آموزشی در دانشگاه علوم پزشکی کاشان صورت گرفت.

روش: این پژوهش از نوع توصیفی مقطعی است که کلیه ی اعضای ۲۶ گروه آموزشی (۱۶۳ نفر) به صورت سرشماری مورد مطالعه قرار گرفتند. داده های پژوهش از طریق پرسشنامه ی پایا و روا (پرسشنامه لیکرت) جمع آوری گردید. بخش اول پرسشنامه، مشخصات فردی و بخش دوم سبک رهبری مدیران را در ۶ حیطه ی عملکردی مدیریت، انگیزش، ارتباطات، تصمیم گیری، برنامه ریزی و کنترل مورد بررسی قرار داد. داده های پژوهش با توزیع فراوانی، تست مجذور کا توسط نرم افزار SPSS ۱۴ در رنج امتیازبندی ۴۰۰-۱۰۰ در غالب ۴ سبک استبدادی استثماری، استبدادی خیرخواهانه، مشاوره ای و مشارکتی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: یافته های پژوهش نشان داد که از دیدگاه مدیر گروه و اعضای گروه سبک غالب مدیران گروه های آموزشی دانشگاه سبک مشاوره ای (با امتیاز ۳۱۶) بوده است. بین سبک رهبری و حیطه ی عملکردی ارتباطات رابطه ی معنی داری وجود داشت ($P < 0.02$). همچنین حیطه ی برنامه ریزی کمترین امتیازات را نسبت به سایر حیطه های عملکردی به خود اختصاص داد. در این پژوهش بین سبک رهبری وجنسیت، سن، میزان تحصیلات، سمت شغلی، شرکت در دوره های آموزشی مدیریت رابطه معنی داری یافت نشد. ($P > 0.05$)

بحث و نتیجه گیری: سبک رهبری اکثر گروه های آموزشی دانشگاه مشاوره ای است و در حیطه برنامه ریزی امتیاز کمتری کسب شده است. در جهت ایجاد سیستم مدیریت پویا و اثربخش برای رهبری آموزشی پیشنهاد می شود ضمن حرکت به سمت سبک رهبری مشارکتی، تغییرات ساختاری مناسب در حیطه های عملکردی برنامه ریزی انجام پذیرد تا در کنار عوامل انگیزشی و مدیریتی در جهت میل به اهداف آرمانی و خلافت سازمان در قالب رهبری مشارکتی اثربخش گام برداریم.

کلیدواژه ها: سبک رهبری، گروه ها آموزشی، حیطه های عملکرد مدیریت، انگیزش، ارتباطات، تصمیم گیری، برنامه ریزی، کنترل

(S.53SO1) نشست: ۵۳، ارائه شفاهی: ۱

مقایسه محتوای آموزشی بخش ریه با استانداردهای آموزشی دوره پزشکی عمومی در دانشکده پزشکی**مشهد**زهرا نیک فرجام^۱، تکتیم مسعودی^۲

۱. دانشجوی دفتر استعداد های درخشان مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی معاونت آموزشی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

nikfarjamz861@mums.ac.ir

۲. دانشجوی دفتر استعداد های درخشان مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی معاونت آموزشی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

massoudit861@mums.ac.ir

مقدمه: با توجه به وظایف مهم پزشک در جامعه نیازهای آموزش بالینی برای دانشجوی پزشکی بایستی به گونه ای تعیین شوند که با آموزش آنها بتواند پس از فارغ التحصیلی به خوبی از عهده وظایف خویش برآید. لذا بر آن شدیم که در قالب یک طرح کلی به بررسی محتوای آموزشی دوره پزشکی عمومی در دانشگاه علوم پزشکی مشهد در مقایسه با استانداردهای تعریف شده بپردازیم. در مقاله حاضر به عنوان بخشی از این طرح کلی، محتوای آموزشی بخش بیماری های ریه مورد ارزیابی قرار گرفته است.

روش: طرح با ارائه پرسشنامه به ۶۰ نفر دانشجوی دوره کارورزی دانشکده پزشکی مشهد ورودی مهر ۸۰ انتخاب شده توسط نمونه‌گیری ساده و بمنظور بررسی سطح آموخته‌های آنها در ۲ حوزه آموزش نظری تحت عناوین دهگانه: تعریف، اپیدمیولوژی، اتیولوژی، پاتوفیزیولوژی، علایم بالینی، یافته‌های پاراکلینیکی، رویکرد تشخیصی، رویکرد درمانی، عوارض، پیش‌آگهی و پیشگیری و در حوزه آموزش عملی با بیان تعداد مشاهده بیماری (Observation)، تعداد اداره بیماری زیر نظر پزشک ارشد (Collaboration) و تعداد اداره بیماری به طور مستقل (Independent) انجام گرفت. سپس داده‌ها با نرم افزار آماری SPSS آنالیز شدند.

یافته‌ها: آموزش نظری طبق نتایج درصد تطابق کلی محتوای آموزشی نظری بخش ریه با استاندارد های تعریف شده ۶۳.۳٪ می‌باشد. این عدد از میانگین، درصد تطابق ۲۱ بیماری که دانستن آنها برای دانشجویان پزشکی ضروری می‌باشد، بدست آمده است. دو بیماری Pulmonary tuberculosis با ۹۰.۹٪ و Asthma با ۹۰.۳٪ بیشترین میزان تطابق و دو بیماری Emphysema با ۱۶.۷٪ و Acute respiratory failure با ۳۰.۸٪ کمترین میزان تطابق را با استانداردها دارند. آموزش عملی طبق نتایج ۴۸.۲٪ به حداقل آموزش عملی ضروری تعریف شده در استاندارد نرسیده اند، که این عدد از میانگین، درصد عدم تطابق سه حوزه (observation) (collaboration 42.8%, independent 71.6%) حاصل شده است.

بحث و نتیجه‌گیری: توفیق ۳۳.۳٪ در حوزه آموزش نظری و ۵۷.۸٪ در حوزه آموزش عملی نشانگر آن است که نیاز به تغییر اساسی در برنامه آموزشی بخش‌های بالینی وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: محتوای آموزشی، استانداردهای آموزش پزشکی عمومی، بخش آموزشی بیماری‌های ریه

(S.53S02) نشست: ۵۳، ارائه شفاهی: ۲

"بررسی میزان اثربخشی کارگاه‌های توانمندسازی برگزار شده توسط کمیته مرکزی دانشجویی مرکز مطالعات و توسعه آموزش دانشگاه علوم پزشکی شیراز بر تعالی آموزشی دانشجویان این دانشگاه"

محمد اسمعیل قربانی نژاد^۱، میترا امینی^۲، علی شرف خواه^۳، روژین بدیعی^۴، مریم پنجه شاهین^۵

۱. دانشگاه علوم پزشکی شیراز مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، m_ghorbani1990@yahoo.com

۲. aminim@sums.ac.ir

۳. alisharafkhah@yahoo.com

مقدمه: آموزش دانشجویان توانمند و خلاق، از مهم‌ترین رسالت‌های دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور است. محدودیت‌های کریکولوم آموزشی، نیازمندی نسل جوان کشور به آشنایی با علوم زنده دنیا و همچنین ضرورت دستیابی به جدیدترین دانش روز، این انتخاب را بوجود می‌آورد که بسیاری از نیازهای آموزشی دانشجویان را در قالب کارگاه‌های آموزشی طراحی و ارائه نمود. از این رو از بدو تشکیل کمیته مرکزی دانشجویی مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز بر آن شدیم تا در قالب کارگاه‌های آموزشی توانمندسازی مباحثی را که در حال حاضر در کریکولوم آموزشی کشور جای داده نشده است، به دانشجویان این دانشگاه ارائه دهیم و زمینه‌ای برای آشنایی و آموزش خودمحور دانشجویان با این علوم فراهم آوریم. در مطالعه حاضر تأثیر کارگاه‌های آموزشی بر توانمندسازی دانشجویان در عرصه‌های مختلف بررسی شده است.

روش: در سال ۱۳۸۸ با توجه به نیازسنجی انجام شده توسط کارشناسان مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی شیراز، کمیته دانشجویی مرکز، اقدام به برگزاری ۷ کارگاه آموزشی با هدف توانمندسازی دانشجویان نمود. این کارگاه‌ها با موضوعاتی چون بارش افکار، بارش نوشتار، اولین گام خلاقیت، هفت اصل نبوغ، رسانه‌های آموزشی و پزشکی مبتنی بر شواهد ۱ و ۲ ارائه شد. جهت آموزش هم از سخنرانی و هم از روش‌های فعال آموزش نظیر PBL, PAL, small group و... استفاده شد. در پایان هر کارگاه پرسشنامه‌های طراحی شده که به تأیید کارشناسان مرکز رسیده بود، در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت و نظرات آن‌ها پیرامون میزان ارائه اطلاعات جدید، رسیدن به اهداف کارگاه، تأثیر کارگاه‌ها در زندگی حرفه‌ای، کاربردی بودن مطالب ارائه شده، کیفیت کارگروهی و میزان علاقه‌مندی آن‌ها به برگزاری کارگاه‌های مشابه توانمند سازی جمع‌آوری گردید. داده‌ها با نرم افزار SPSS 15 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان داد ۸۴ درصد از دانشجویان کارگاه‌های آموزشی را بسیار مؤثر ارزیابی نمودند. ۹۵ درصد از آن‌ها شرکت در کارگاه‌های «اولین گام خلاقیت»، «رسانه‌های آموزشی» و «پزشکی مبتنی بر شواهد» را در زندگی حرفه‌ای خود بسیار پراهمیت دانسته و



۸۵ درصد از دانشجویان اظهار داشتند این کارگاه‌ها به ایجاد نگرش جدید در آن‌ها کمک کرده است. از نظر میزان ارائه اطلاعات جدید نیز موفق‌ترین کارگاه "هفت اصل نبوغ" بوده است. همچنین حدود ۵۰ درصد از شرکت‌کنندگان کارگاه "هفت اصل نبوغ" خواهان توجه بیشتری به بحث‌های گروهی بودند.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به استقبال دانشجویان و تأثیر عمده‌ی کارگاه‌های توانمندسازی بر آموزش مباحث کلیدی از دید آن‌ها و نیز امکان برطرف نمودن محدودیت‌های سیستم آموزشی و ارائه مطالب کاربردی و جدید پیشنهاد می‌شود که مسئولان اقدامات لازم را جهت گسترش و فراگیری این قبیل کارگاه‌ها در مراکز آموزشی کشور فراهم آورند. از آنجا که ضرورت این آموزش‌ها در کشور احساس می‌شود، تخصیص منابع و حمایت مدیران آموزشی باید مورد توجه قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: کارگاه‌های توانمندسازی، آموزش پزشکی، کمیته مرکزی دانشجویی مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی شیراز، تعالی آموزشی

(S.53SO3) نشست: ۵۳، ارائه شفاهی: ۳

بررسی خصوصیات اساتید برتر در زمینه اخلاق از نظر دانشجویان دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد در سال ۱۳۸۸

mehran karimi, hamidreza dehghan, hangmen zand, i Ali Mohammad fallahtafti¹,
sanaz zand Mohammad rezaeisadrabadi,
fallah.ali.m@gmail.com ،Shahid Sadughi medical university -^۱

Introduction: Nowadays students prefer to select the best teachers in some factors especially in ethics. Ethical characteristics of a good teacher have a major role in students learning. Some studies determined important ethical aspects that should be followed by a good teacher. This study was designed to assessment the ethical characteristics of the teachers of Shahid Sadughi University of medical science by students voted and compare them by standard criteria of a good teacher.

Methods: In a descriptive cross-sectional study we designed a check list for students to score their teacher in ethical characteristics by asking them about teachers' possible criticism, Good contacts, and Justice in their behaviors. Students randomly answered the questions by choices from very bad to very good for each question and data analyzed by spss 16.

Result: Our results showed that 56.5 % of students scored their teachers criticism good and very good. These scores for suitable relation between students and teachers was 62%.justice in relationship and being accessible for students were respectively 64.1 % and 58%.

Conclusion: We concluded that our teachers were good in criticism, suitable relationship and justice but their accessibility was not as good as others. It is suggested to perform this study in other universities and compare ourselves with international studies

key words: criticism, justice, teacher, learning, ethic

(S.53SO4) نشست: ۵۳، ارائه شفاهی: ۴

Comparing the effect of emergency medicine internship course on promoting interns' knowledge, attitude, skills and self-assessment in Iran

S Ramezani Givi¹, P Hafezi Moghaddam², M Daneshbodi³, P Erfantalab Evini⁴, H R Baradaran⁵, M Jalili⁶

MD; Member of Gifted and Talented Students Center, Iran University of Medical Sciences

۲. Faculty member of Emergency Medicine Department, Iran University of Medical Sciences
۳. Medical Student; Iran University of Medical Sciences
۴. Emergency Medicine specialist; Iran University of Medical Sciences
۵. Faculty member of Medical Education Development Center, Iran University of Medical Sciences
۶. Faculty member of Emergency Medicine Department, Tehran University of Medical Sciences

Introduction: Appropriate knowledge, attitude and skills are known as the main elements in coming to a high performance, where medical education is expected to lead students to. Attitude seems to be less considered in the assessment systems. We sought to compare the effect of our emergency medicine (EM) internship course on the interns' knowledge, attitude, skills and self-assessment.

Methods: A pretest-posttest study was conducted on a total of 85 interns before and after their one-month EM internship course. Our multi-dimensional assessment tool included five axes: a written exam, a multi-station oral exam, a self-assessment questionnaire, an EM attitude questionnaire and a professionalism attitude questionnaire. The validity and reliability of all axes of the assessment tool were approved. Interns' progression in each axis was analyzed and compared with their progression in other axes.

Results: The reliability of written exam (Cronbach's $\alpha=0.72$), multi-station oral exam ($\alpha=0.97$), self-assessment questionnaire ($\alpha=0.93$), EM attitude questionnaire ($\alpha=0.85$) and professionalism attitude questionnaire ($\alpha=0.96$) were high. Interns' knowledge, skills and self-assessment were significantly upgraded during the course ($p<0.000$). In contrast, interns' attitude about EM issues and their professionalism attitude had no significant improvement ($p>0.05$).

Conclusion: EM internship course seems to be unable to promote interns' attitudes in Emergency Medicine as well as their professional attitudes. Defining attitudinal goals in undergraduate curriculum and using attitude measurement instruments in interns' education and evaluation is suggested. While EM training improves knowledge and skills, more emphasis needs to be put on enhancing learners' attitude.

(S.53SO5) نشست: ۵۳، ارائه شفاهی: ۵

بررسی میزان آشنایی دانشجویان پزشکی مقطع علوم پایه با EDC و نقش و عملکرد آن در پاسخگویی آموزشی

امید حسنی^۱، میلاد انوری^۲، محمدرضا جمعه زاده^۳

۱. دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی مشهد، hassania0861@mums.ac.ir

۲. anvarim861@mums.ac.ir

۳. jomezadehm861@mums.ac.ir

مقدمه: رسالت EDC (مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی) ارتقای کمی و کیفی فرایند آموزش است. از طرفی دانشجویان به عنوان گروه هدف آموزش بیشترین تأثیر را از نحوه آموزش می‌پذیرد و با استفاده از توانایی‌های فکری خود می‌تواند آن را ارزیابی کرده و به برطرف ساختن نواقص و کاستی‌های آن بپردازد. هدف از این پژوهش تعیین آشنایی دانشجویان پزشکی مقطع علوم پایه با EDC دانشگاه علوم پزشکی مشهد و عملکرد آن بر پاسخگویی آموزشی بود.

روش: این پروژه در نیمسال اول تحصیلی ۸۸-۸۹ با جامعه آماری ۱۰۰ نفر (۵۲٪ مرد، ۴۸٪ زن) اجرا شد. داده‌ها توسط پرسشنامه‌ای خودایفا که روایی و پایانی مورد تأیید بود، جمع‌آوری گردید. نمونه‌گیری به صورت تصادفی-طبقه‌ای از میان دانشجویان پزشکی مقطع علوم پایه صورت گرفت و داده‌ها با شاخص‌های آماری توسط نرم افزار SPSS 11 ارزیابی شد.

یافته‌ها: ۸۵٪ از دانشجویان "کمتر از ۵۰٪" با EDC آشنا بودند و در این میان ۵۲٪ از آنها اصلاً تا کنون EDC یا مرکز مطالعات را نمی‌شناختند. تنها ۴/۱٪ از جامعه آماری می‌دانستند که بهبود کیفیت آموزشی به عهده EDC است و این گروه فکر می‌کردند که دانشجو در این امر خیلی نمی‌تواند مؤثر باشد. به علاوه ۷۵٪ از آنها تقریباً معتقد بودند که به هیچ وجه مرجع پاسخگویی در زمینه بهبود کیفیت آموزشی وجود ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری: بدین ترتیب مشخص می‌گردد که ارتباط دانشجو با مراجع آموزشی دانشگاه بسیار ضعیف است و شاید اهمیت این موضوع از نظر مسئولین آموزش دور مانده است. به یقین یکی از عوامل مهم عدم پاسخگویی آموزشی دانشگاه از نظر دانشجویان نبود تعامل بین مسئولان آموزشی و آنها است.

کلید واژه‌ها: EDC، پاسخگویی آموزشی، دانشجویان پزشکی علوم پایه

(S.53S06) نشست: ۵۳، ارائه شفاهی: ۶

تبیین مفهوم استرس در محیط‌های آموزشی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی

فاطمه مهرآور^۱، اکرم ثناگو^۲، لیلا جویباری^۳

۱. دانشجو دانشگاه علوم پزشکی گلستان - گرگان - بلوار هیرکان - ابتدای جاده شست کلاه - کمیته تحقیقات دانشکده پرستاری و مامایی گرگان mehravar10261@yahoo.com

۲. استادیار دانشگاه علوم پزشکی گلستان - گرگان - بلوار هیرکان - ابتدای جاده شست کلاه - کمیته تحقیقات دانشکده پرستاری و مامایی گرگان

۳. استادیار دانشگاه علوم پزشکی گلستان - گرگان - بلوار هیرکان - ابتدای جاده شست کلاه - کمیته تحقیقات دانشکده پرستاری و مامایی گرگان

مقدمه: استرس واکنش ذهن و جسم در برابر موقعیت‌های جدید، تهدید آمیز و یا هیجان برانگیز است. زمانی خطرناک خواهد بود که بیش از میزان لازم وجود داشته باشد. اگرچه برخی از استرس‌های ناشی از مشکلات جدی و عمیق عاطفی می‌باشد ولی بسیاری از آنها چنین نیستند و با یک مشاوره ساده و یا فنون کنترل استرس قابل حل می‌باشند. دانشجویان به دلایل مختلف از جمله شرایط ویژه دانشجویی و هم قرار گرفتن در محیط آموزشی جدید و انتظارات جدید استرس‌های زیادی را تجربه می‌کنند. هدف از این مقاله تبیین تجربه دانشجویان علوم پزشکی از موقعیت‌های استرس‌زا در محیط‌های آموزشی می‌باشد.

روش: در این پژوهش توصیفی، بر اساس نمونه‌گیری مبتنی بر هدف با ۶۰ دانشجوی دختر و پسر از دانشکده‌های پرستاری و مامایی و پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی گلستان که در ترم‌های مختلف (۱۳۸۸) مشغول به تحصیل بودند، مصاحبه‌های نیمه‌ساختار بعمل آمد. کلیه مصاحبه‌ها دست نویس، کدگذاری، طبقه بندی و توصیف شدند. حداقل یک سوال باز در تمامی مصاحبه‌ها تکرار شد "اولین/آخرین/شدیدترین موقعیت استرس‌زایی که در یک محیط آموزشی تجربه کرده‌اید، را برایمان بگویید". از سوالات کاوشی برای عمیق‌تر شدن مصاحبه‌ها استفاده گردید.

یافته‌ها: "ترس از کامل نبودن" مضمون اصلی است که از آنالیز داده‌ها ظهور یافت. دانشجویان انتظاری که از خود به عنوان دانشجو دارند این است که هر کاری که انجام می‌دهند می‌بایست کامل باشد تا در مقابل استاد و همکلاسی‌ها و بیمار و مسئولین دانشگاه بدجلوه ندهند. مضامین فرعی "ترس از پاسخگو نبودن به استاد، ترس از ضایعه شدن در مقابل همکلاسی‌ها و بیمار" بوده است. مشارکت‌کنندگان اظهار داشتند عوامل متعددی برای آنان ایجاد استرس می‌کند از قبیل "ترس از امتحان و افتادن از درس، ترس از استاد سختگیر، ترس از مسئولین سختگیر، ترس از قوانین انضباطی، ترس از انجام پروسیجرها، ترس از محیط‌هایی از قبیل آزمایشگاه، پراتیک، بالین بیمار و ترس از درس‌های سخت". قرار گرفتن در شرایط استرس‌زا با بروز علائم جسمی و روحی مانند تپش قلب، لرزش دست و پا،

از دست دادن تمرکز همراه بوده است. آمادگی برای کلاس درس و آشنایی با قوانین و کناره‌گیری دانشجویان از راه‌های مقابله با استرس-های تجربه شده بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری: محیط آموزشی استرس‌زا برای دانشجویان است. آیا دانشجویان با این تصور که می‌بایست کامل باشند و خطا نداشته باشند وارد دانشگاه می‌شوند یا اینکه محیط‌های آموزشی این انتظار را از دانشجویان دارد؟ سوالی است که می‌بایست به طور جدی مورد توجه قرار گیرد. محیط‌های آموزشی می‌بایست محیط‌های تجربه و تمرین و تکرار و یادگیری و نه تولید ترس و وحشت از یادگیری باشند. ضروری است تا شیوه‌های مدیریت استرس به فراگیران به طور جامعی آموزش داده شود.

کلیدواژه‌ها: محیط آموزشی، استرس، دانشجو

(S.53S07) نشست: ۵۳، ارائه شفاهی: ۷

تحلیل وظایف و تعیین نیازهای آموزشی اعضای هیأت علمی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

مریم آویژگان، آتوسا اسماعیلی، پروانه نصری، مرضیه حسینی
دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

مقدمه: یکی از عوامل مهم پیشرفت و توسعه هر جامعه‌ای لحاظ کردن نیازها و اهداف آموزش آن جامعه می‌باشد. هدف این مطالعه تحلیل وظایف و تعیین نیازهای آموزشی اعضای هیأت علمی دانشکده پزشکی بوده است.

روش: حیطه‌های حائز اهمیت در تعیین وظایف و نیازهای آموزشی براساس دستورالعمل شرح وظایف اساتید که طیف گسترده وظایف ایشان را در شش حیطه آموزش، تحقیق و پژوهش، توسعه فردی، فعالیت‌های اجرایی و مدیریتی، ارائه خدمات درمانی و ارتقاء سلامت، فعالیت‌های تخصصی در خارج از دانشگاه تعیین نموده، مشخص گردید و محور اصلی این مطالعه قرار گرفت. با انجام یک نمونه-گیری مبتنی بر هدف، ۵۲ نفر از اساتید متشکل از مدیران و معاونین گروه‌ها (۲۶ گروه پایه و بالینی دانشکده پزشکی) انتخاب گردیدند و در یک گروه متمرکز، موضوعات وظایف و نیازهای آموزشی در شش حیطه بصورت مدل کارت سفید و فرایند توافق گروهی جمع‌آوری، پالایش و طبقه‌بندی شد. با استفاده از شاخص‌های بدست آمده از نظرسنجی، مرور متون و مطالعات داخلی و خارجی مشابه، استفاده از دستورالعمل شش حیطه‌ای شرح وظایف اساتید، مصاحبه با صاحب‌نظران در آموزش پزشکی و اعضای کمیته آموزش اساتید وظایف و نیازهای آموزشی تنظیم گردید.

یافته‌ها: از تعداد ۱۰۴ شاخص بدست آمده برای اعضای هیأت علمی بالینی به ترتیب: حیطه آموزش شامل ۲۹ شاخص، پژوهش: ۲۴ شاخص، توسعه فردی: ۲۳ شاخص، فعالیت‌های اجرایی و مدیریتی: ۱۲ شاخص، ارائه خدمات درمانی و ارتقاء سلامت: ۱۳ شاخص، فعالیت‌های تخصصی در خارج از دانشگاه: ۳ شاخص استخراج گردید و از ۹۸ شاخص برای اعضای هیأت علمی پایه به ترتیب: حیطه آموزش شامل ۲۷ شاخص، پژوهش: ۲۴ شاخص، توسعه فردی: ۲۳ شاخص، فعالیت‌های اجرایی و مدیریتی: ۱۲ شاخص، ارائه خدمات درمانی و ارتقاء سلامت: ۹ شاخص و فعالیت‌های تخصصی در خارج از دانشگاه: ۳ شاخص استخراج گردید.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به این مطالعه ترتیب اولویت فعالیت‌های اعضای هیأت علمی به تفکیک بر اساس تعداد شاخص بدست آمده برای هر حیطه: آموزش، پژوهش، توسعه فردی، فعالیت‌های اجرایی و مدیریتی، ارائه خدمات درمانی و ارتقاء سلامت و فعالیت‌های تخصصی در خارج از دانشگاه می‌باشد. تحلیل وظایف و شناسایی نیازهای آموزشی هیأت علمی و میزان اهمیت و تأثیرگذاری آن در فعالیت‌های دانشگاهی، در برنامه‌ریزی و رشد و تعالی هیأت علمی مؤثر است و تدوین و برنامه‌ریزی آموزشی مناسب گامی مهم در ارتقاء سطح علمی ایشان و نقش تعیین‌کننده‌ای در ارتقای کیفیت آموزش دارد.

کلیدواژه‌ها: آموزش استاد، نیاز آموزشی، دانشکده پزشکی

بررسی نظرات دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در ارتباط با فرآیند استاد راهنمای آموزشی دانشجویان پزشکی

سلیمه سیروس^۱، محمد رضا صبری^۲، مهدی نعمت بخش^۳، وحید عشوریون^۴، پردیس ادهمیان^۵

۱. دانشجوی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دانشکده پزشکی - salimeh.sirous@yahoo.com

۲. دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دانشکده پزشکی - sabri@med.mui.ac.ir

۳. دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دانشکده پزشکی - nematbakhsh@gmail.com

۴. دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دانشکده پزشکی - ashoorion@gmail.com

۵. دانشجوی پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، دانشکده پزشکی، باشگاه پژوهشگران جوان - adh276@yahoo.com

مقدمه: دانشجویان پزشکی همواره در محیط دانشگاه با استرس‌ها و نگرانی‌های متعددی مواجه هستند که به صورت انکارناپذیر علم آموزی و سلامت روحی و جسمی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در چنین شرایطی وجود سیستم‌های حمایتی ضروری است و راهنمایی دانشجویان توسط اساتید نقش ویژه‌ای دارد. در دانشکده پزشکی اصفهان جهت نیل به هدف مهم حمایت و راهنمایی دانشجویان، از مهر ۱۳۸۳ برای کلیه دانشجویان مقاطع علوم پایه و فیزیوپاتولوژی، از طرف دانشکده استاد راهنما انتخاب می‌گردد. لذا؛ به منظور بررسی کارایی فرآیند استاد راهنما و میزان رضایت دانشجویان از این فرآیند مطالعه حاضر طراحی گردید.

روش: در نیمسال دوم سال تحصیلی ۸۸-۸۷ کلیه دانشجویان پزشکی که در مقاطع علوم پایه و فیزیوپاتولوژی مشغول تحصیل بودند مورد بررسی قرار گرفتند و پرسشنامه‌ای حاوی اطلاعات دموگرافیک و سوالاتی در مقیاس لیکرت طراحی شد و در اختیار آنان قرار گرفت. با توجه به اینکه از نیمسال مذکور ورودی بهمن ماه در دانشکده پزشکی اصفهان حذف گردید در جمعیت مورد مطالعه دانشجویی ترم یک نداشتیم.

یافته‌ها: ۷۴.۲٪ از دانشجویان به پرسشنامه پاسخ دادند که ۳۷.۲٪ مذکر و ۶۲.۸٪ مؤنث بودند. ۷.۸٪ از دانشجویان که همگی دانشجویان مهمان یا انتقالی بودند استاد راهنما نداشتند. ۲۹.۲٪ از دانشجویان با وجود داشتن استاد راهنما تا به حال هیچ ملاقاتی با استاد راهنمای خود نداشتند که از این تعداد ۵۹.۴٪ از ترم ۲ و مابقی در ترم‌های دیگر بودند. این ۲ گروه در سایر بررسی‌ها حذف شدند. در بررسی نظرات دانشجویانی که استاد راهنما داشته و با وی ملاقات نیز داشته اند ۷۲.۹٪ وجود استاد راهنمای مناسب را برای دانشجویان ضروری دانستند. تنها ۳۸.۱٪ از دانشجویان توانمندی استاد راهنمای خود را در زمینه برقراری ارتباط مؤثر، توانایی همدلی و داشتن اعتماد به نفس مناسب دانستند. همچنین تنها ۳۵.۳٪ از دانشجویان از کفایت اطلاعات استاد راهنمای خود در ارتباط با قوانین آموزشی و انضباطی دانشکده رضایت داشتند و نیز فقط ۲۴.۱٪ معتقد بودند که استاد راهنمای آنها توانسته در جهت حل مشکلات درسی، آموزشی، اجرایی و شخصی به آنها کمک مؤثر بنماید. در ارتباط با وقت‌گذاری استاد راهنما و در دسترس بودن وی جهت برگزاری جلسات، ۶۱.۶٪ از دانشجویان معتقد بودند استاد راهنمای آنها وقت لازم برای حضور در روزها و ساعات مشخص برای برگزاری جلسات و بررسی وضعیت تحصیلی آنها را نمی‌گذارد. در حیطه انتظارات اجرایی دانشجویان از استاد راهنما و دانشکده، ۷۷.۸٪ از دانشجویان برگزاری جلسات در زمان‌های حساس مثلاً قبل از امتحانات و انتخاب واحد، بررسی وضعیت تحصیلی توسط استاد راهنما، داشتن امکان انتخاب و تعویض استاد راهنما را ضروری دانسته اند. نهایتاً تنها ۳۲.۷٪ از دانشجویان به طور کلی از استاد راهنمای خود و جلساتی که با وی داشته‌اند راضی بودند.

بحث و نتیجه‌گیری: لزوم راهنمایی دانشجویان توسط استاد راهنما و همدلی این دو در نظام آموزشی امری غیر قابل انکار است و اگر این راهنمایی و حمایت به درستی انجام پذیرد، رکن اصلی برای ارتقای علمی دانشجویان و انتقال علم و تجربه از نسلی به نسل دیگر خواهد بود. لذا؛ بازنگری در فرایند استاد راهنما در دانشکده پزشکی اصفهان به منظور افزایش کارایی و افزایش رضایتمندی دانشجویان، ضروری به نظر می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: بررسی، فرآیند استاد راهنما، نظرات دانشجویان پزشکی

(S.66SO1) نشست: ۶۶ ارائه شفاهی: ۱

مطالعه روند مقالات آموزش علوم پزشکی توسط کشورهای منطقه مدیترانه شرقی در همایشها و مجلات**معتبر بین المللی (سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ میلادی)**زهرا کریمیان^۱، میترا امینی^۲، جواد کجوری^۳، فرهاد لطفی^۴، علی صادقی حسن آبادی^۵

۱- دانشجوی دکتری مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی شیراز و دانشگاه شهید بهشتی - شیراز، خیابان کریم خان زند، دانشکده پزشکی، ساختمان شماره ۳، طبقه هفتم، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی،

z_karimian_z@yahoo.com

۲، ۳- دانشیار مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

۴- کارشناس ارشد مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی شیراز

۵- استاد نماینده سازمان بهداشت جهانی در منطقه مدیترانه شرقی - سازمان جهانی بهداشت

مقدمه: همگام با سایر حوزه‌های دانش، آموزش علوم پزشکی در دهه‌های اخیر تحولات بسیاری را درنور دیده است. نتایج و برون‌دادهای فعالیتهای آموزش علوم پزشکی، اصلاحات، نوآوری‌ها و ایده‌های نوین در زمینه‌های مختلف برنامه‌ریزی، مدیریت، راهبری، روشهای آموزشی، ارزشیابی و ... در قالب مقالات ارائه شده در مجلات و همایش‌های آموزش پزشکی تجلی می‌یابد و امکان تولید، تسهیم و انتقال دانش و تجربیات را بین کشورهای مختلف فراهم می‌آورد که از بعد مدیریت دانش و اطلاعات بسیار حائز اهمیت بوده و نشانگر مناسبی از وضعیت آموزش علوم پزشکی هر کشور محسوب می‌گردد. پژوهش حاضر با هدف مطالعه روند ارائه مقالات کشورهای منطقه مدیترانه شرقی در همایش و مجلات معتبر بین المللی علوم پزشکی انجام پذیرفته است.

روش: نوع پژوهش توصیفی، گذشته نگر و بر اساس تحلیل اسناد (مجلات و کتابچه‌های خلاصه مقالات) انجام گرفته است. نمونه آماری پژوهش کلیه مقالات ارائه شده توسط ۲۲ کشور منطقه مدیترانه شرقی در ۴ مجله Medical Academic Medicine، Education، Medical Teacher و EMR Journal و کنگره بین المللی AMEE در دهه اخیر (۲۰۰۹ - ۲۰۰۰) می‌باشد. که بر اساس شمارش نام هر کشور، مورد مطالعه قرار گرفتند. نتایج نشان داد مجموعاً ۲۲ مقاله در ۵ مجله یاد شده و ۳۷۵ مقاله در کنگره AMEE از کشورهای مورد بررسی ارائه شده است.

یافته‌ها: تعداد مقالات از رشد نسبی در طی ۱۰ سال برخوردار بوده است. کشورهای ایران (۲۰۵)، پاکستان (۴۰)، عربستان (۴۰)، امارات متحده عربی (۱۹)، لبنان (۱۲) و مصر (۱۰) به ترتیب بیشترین تعداد مقالات را به خود اختصاص دادند و کشورهای جیبوتی، لیبی، مراکش، فلسطین، قطر، سومالی، سوریه و تانزانیا هیچ مقاله‌ای نداشته‌اند، سایر کشورها نیز بین ۱ تا ۸ مقاله ارائه داده‌اند. به نظر می‌رسد روند رو به رشد مقالات ناشی از توسعه روز افزون علوم پزشکی و امکان تبادل بیشتر تجربیات ناشی از افزایش ارتباطات و اطلاعات بوده است. همچنین برخوردار بودن کشورها به لحاظ منابع مالی، نیروی انسانی محقق و امنیت اجتماعی بر میزان تولیدات علمی کشورها تأثیر داشته است.

بحث و نتیجه گیری: تفاوت قابل توجه تعداد مقالات ایران در مقایسه با سایر کشورها اگر چه تا حدی متأثر از افزایش اطلاع‌رسانی و اهتمام در علوم پزشکی و آموزش آن در سال‌های اخیر است ممکن است ناشی از مدل ارائه آموزش علوم پزشکی در نظام ادغام باشد که نزدیکی حوزه آموزش و سلامت امکان انجام تحقیقات کاربردی و دریافت بازخورد سریعتر و اصلاحات را بیشتر فراهم می‌آورد.

کلیدواژه‌ها: مقالات، آموزش علوم پزشکی، بین المللی، کشورهای منطقه مدیترانه شرقی، مطالعه روند

(S.66SO2) نشست: ۶۶، ارائه شفاهی: ۲

مقایسه سطح رضایتمندی دانشجویان از نحوه ارزشیابی دروس اختصاصی مقطع علوم پایه پزشکی با شیوه های مختلف ارزشیابی پایان ترم در دانشگاه های علوم پزشکی کشور

زهرا نیک فرجام^۱، تکتیم مسعودی^۲

۱. دانشجوی دفتر استعداد های درخشان مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی معاونت آموزشی دانشگاه علوم پزشکی مشهد - nikfarjamz861@mums.ac.ir

۲. دانشجوی دفتر استعداد های درخشان مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی معاونت آموزشی دانشگاه علوم پزشکی مشهد - massoudit861@mums.ac.ir

مقدمه: ارزشیابی یکی از جنبه های مهم در فعالیتهای آموزشی است و توسط آن می توان به کاستی ها و نقاط قوت برنامه آموزشی پی برد و نظر به آنکه بخش مهمی از فرآیند آموزشی، ارزشیابی میزان یادگیری دانشجویان می باشد، بایستی از تناسب و سازگاری روش های ارزشیابی با رضایتمندی دانشجویان، اطمینان حاصل شود از اینرو بر آن شدیم تا به مقایسه سطح رضایتمندی دانشجویان از نحوه ارزشیابی دروس اختصاصی مقطع علوم پایه پزشکی با شیوه های مختلف ارزشیابی پایان ترم در دانشگاه های علوم پزشکی کشور بپردازیم.

روش: این پژوهش به صورت توصیفی-مقطعی با تکمیل پرسشنامه توسط ۳۵ نفر از دانشجویان رشته های علوم پزشکی در ۱۸ دانشگاه علوم پزشکی کشور شامل: ارتش، اردبیل، ارومیه، اصفهان، ایران، ایلام، بابل، بقیه الله، بوشهر، تهران، رفسنجان، زاهدان، زنجان، سمنان، شیراز، مشهد، هرمزگان و یاسوج انجام گرفت و آنالیز آماری توسط نرم افزار SPSS.14 صورت گرفت.

یافته ها: در سیستم ارزشیابی کنونی دانشگاه های شرکت کننده، در دروس اختصاصی فیزیک پزشکی (۵۶٪)، بافت شناسی (۵۱/۸۵٪)، فیزیولوژی (۶۵/۵۱٪)، تغذیه (۶۰٪)، ویروس (۷۱/۴۶٪)، انگل شناسی (۵۶/۲۵٪)، ژنتیک (۶۴/۲۹٪)، ایمنی شناسی (۶۴/۷۱٪)، پاتولوژی (۸۱/۸۲٪) و جنین شناسی (۵۲٪) بیشترین شیوه سوالات از نوع چندگزینه ای بوده و در دروس بیوشیمی (۵۰٪)، آناتومی (۶۰/۶٪)، باکتری شناسی (۵۳/۳۳٪) تلفیقی از سوالات تشریحی، جواب کوتاه و چندگزینه ای بیشترین شیوه ارزشیابی را تشکیل می دادند. درصد رضایتمندی دانشجویان از شیوه ارزشیابی پایانی در دروس بیوشیمی (۷۵٪)، آناتومی (۶۰/۶۰٪)، فیزیک پزشکی (۶۰٪)، بافت شناسی (۷۰/۸۳٪)، فیزیولوژی (۶۲/۹۶٪)، تغذیه (۷۵٪)، باکتری شناسی (۶۴/۲۸٪)، ویروس شناسی (۶۴/۲۹٪)، انگل شناسی (۶۶/۶۷٪)، جنین شناسی (۷۳/۳۳٪)، ژنتیک (۵۸/۳۳٪)، ایمنی شناسی (۶۰٪)، پاتولوژی (۵۵/۵۶٪) می باشد.

بحث و نتیجه گیری: باتوجه به رضایتمندی بیش از ۵۰٪ دانشجویان از شیوه ارزشیابی فعلی و این که در بیش از ۸۰٪ دروس شیوه سوالات از نوع چندگزینه ای می باشد بیانگر استقبال دانشجویان از انتخاب این نوع ارزشیابی توسط اساتید می باشد. هرچند که باتوجه به درس پاتولوژی با کمترین درصد رضایتمندی (۵۵/۵۶٪) با بیشترین شیوه سوالات از نوع چندگزینه ای، نبایستی نقش سایر فاکتورهای دخیل در تصمیم گیری دانشجویان نادیده گرفته شود و این امر، انجام طرح های تحقیقاتی دیگر در زمینه شناخت این فاکتورها را می طلبد.

کلیدواژه ها: ارزشیابی، رضایتمندی، دروس اختصاصی، علوم پایه پزشکی

(S.66SO3) نشست: ۶۶، ارائه شفاهی: ۳

بررسی دیدگاه های دانشجویان کارشناسی علوم آزمایشگاهی نسبت به کارآمدی دروس تخصصی در دانشگاه علوم پزشکی ایران سال ۱۳۸۸

مریم عبدالله زاده، محبوبه خباز مافی نژاد، دکتر جلیل کوهپایه زاده، دکتر حمیدرضا برادران
دانشگاه علوم پزشکی ایران

مقدمه: ارزیابی نیازهای یادگیری فراگیران، از مراحل اساسی در طراحی آموزشی است، که منتهی به ایجاد تغییرات مطلوب در برنامه‌های آموزشی می‌شود. انجام این نیازسنجی نه تنها برای برنامه ریزان آموزشی سودمند است و آنان را با نیازهای دانشجویان آشنا می‌سازد، بلکه همچنین دانشجویان را به صورت فعال، مستقل و توانا در برقراری ارتباط و بیان مشکلات و نقطه نظراتشان تربیت می‌کند. این مطالعه با هدف تعیین دیدگاه‌های دانشجویان کارشناسی علوم آزمایشگاهی ترم‌های ۲،۳،۴ نسبت به کارآمدی دروس تخصصی در دانشگاه علوم پزشکی ایران صورت گرفت.

روش: مطالعه از نوع توصیفی و به روش مقطعی انجام شد. در این مطالعه بررسی بر روی ۵۲ دانشجوی کارشناسی علوم آزمایشگاهی در ترم‌های تحصیلی ۲،۳،۴ که به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند، انجام پذیرفت. جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه‌ای محقق ساخته شامل دو بخش، اطلاعات دموگرافیک و یک پرسشنامه شامل ۱۰ سوال در خصوص ۱۰ درس تخصصی مقطع کارشناسی ناپيوسته علوم آزمایشگاهی صورت پذیرفت. پاسخ‌های شرکت‌کنندگان براساس مقیاس Rating scale (کم/کافی/زیاد) انتخاب شد و در پایان داده‌های حاصل از مطالعه با استفاده از نرم افزار Spss 17 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: میانگین سنی پاسخ دهندگان ۲۳/۶ سال بود که از مجموع آنها ۳۶ نفر زن و ۱۶ نفر مرد تشکیل می‌دادند. یافته‌های تحقیق نشان‌دهنده آن است که از میان دروس تخصصی مقطع کارشناسی ناپيوسته علوم آزمایشگاهی، تعداد واحدهای عملی و نظری دروس ویروس‌شناسی (۸۱/۶٪) و ژنتیک (۶۰/۹٪) ناکافی بوده اند، از سوی دیگر نتایج مشخص‌کننده‌ی آن است که از دیدگاه دانشجویان دروس ویروس‌شناسی (۶۷/۳٪) و ژنتیک (۵۰/۰٪) در حرفه آینده آنها کاربرد کمتری را خواهند داشت. ضمناً در سایر دروس تخصصی این گروه تفاوت معنی‌داری مشاهده نگردید.

بحث و نتیجه‌گیری: علی‌رغم نظر واحدهای پژوهش مبنی بر کم بودن تعداد واحدهای نظری و عملی دروس ویروس‌شناسی و ژنتیک در دوره ی تحصیلی کارشناسی، کاربرد این دروس در حرفه آینده آنها کم بیان شده است که این موضوع این چالش را پیش‌روی برنامه‌ریزان آموزشی قرار می‌دهد که آیا در ارائه دروس مذکور باید به بحث کاربرد آنها در حرفه آینده شان توجه بیشتری شود یا به زمینه سازی برای ادامه تحصیل آنها در مقاطع بالاتر. از این رو با انجام مطالعات مشابه می‌توان برنامه‌ریزان آموزشی را با دیدگاه‌های مخاطبین اصلی خود آشنا نمود.

کلیدواژه‌ها: دیدگاه، علوم آزمایشگاهی، کارآمدی، دروس تخصصی

(S.66S04) نشست: ۶۶ ارائه‌شده‌ای: ۴

نقش رهبری آموزشی در افزایش میزان علاقه و ارتقاء توانمندی دانشجویان در فعالیت در حیطه رشته خود

حمید رضا محدث حاکک^{۱*}، معصومه طاهرپور، علیرضا عباسپور

۱. h_mohaddes@yahoo.com*

دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

مقدمه: از ابتدایی‌ترین لوازم و مقتضیات یادگیری علاقه و رغبت به آموزش است. در واقع علاقه مرکب از انگیزش و کنجکاوی است و فرد برانگیخته برای دستیابی به آگاهی‌های بیشتر و کسب موفقیت، پافشاری و ممارست بیشتری خواهد کرد. لذا؛ علاقمندی فراگیران نسبت به رشته تحصیلی‌شان از عوامل مهم پیشرفت برنامه‌های آموزشی و نهایتاً بازدهی و مسئولیت‌پذیری آتی آنان می‌باشد و باید همواره به آن توجه کافی مبذول گردد. این مطالعه به منظور تعیین نقش رهبری در آموزش پزشکی بر میزان علاقمندی دانشجویان رشته مامایی و پرستاری دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی نسبت به رشته تحصیلی‌شان در سال ۱۳۸۷ صورت گرفت.

روش: جامعه ی پژوهش شامل کلیه دانشجویان سال اول و دوم رشته مامایی و پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی بجنورد می‌باشد. روش نمونه‌گیری به صورت سرشماری و نوع مطالعه مقطعی می‌باشد. بطوریکه پرسشنامه سنجش سطح علاقمندی دانشجویان به رشته خود در دانشگاه در اختیار دانشجویان مامایی و پرستاری قرار گرفته و داده‌ها پس از جمع‌آوری و دسته‌بندی توسط نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: تعداد نمونه این پژوهش ۱۱۵ نفر دانشجویان سال اول و دوم رشته‌های مامایی و پرستاری دانشگاه علوم پزشکی بجنورد بوده است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه مشتمل بر دو قسمت مشخصات دموگرافیک و عوامل مرتبط با سنجش میزان علاقمندی طراحی

گردید. جهت تعیین اعتبار ابزار از روش اعتبار محتوی و برای پایایی آن از روش آزمون مجدد استفاده شد. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری کای اسکوار و ضریب همبستگی اسپیرمن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج بررسی نشان داد بین شناخت به رشته تحصیلی و امید به قبولی در مقاطع بالاتر ارتباط معنی‌داری وجود دارد ($P=V=0.047$). همچنین بین میزان احترام به رشته دانشجویان در دانشگاه و میل به ادامه تحصیل ارتباط معنی‌داری وجود دارد ($P=V=0.03$) بین جنس، تعداد افراد خانوار و سکونت در خوابگاه با میزان علاقمندی دانشجویان نسبت به رشته تحصیلی شان ارتباط معنی‌داری دیده نشد.

بحث و نتیجه‌گیری: باتوجه به یافته‌های پژوهش فوق ایجاد بستر مناسب جهت ارائه معرفی کامل رشته دانشجویان، در افزایش علاقه و ارتقاء توانمندی دانشجویان در فعالیت‌های آتی در حیطه رشته خود مؤثر می‌باشد. همچنین نحوه برخورد اساتید، میزان آگاهی و سطح علمی آنها در افزایش توانمندی و علاقه دانشجویان تأثیر دارد. و از آنجائیکه رهبری به معنی برانگیختن و هدایت افراد در مسیر تعیین شده می‌باشد، بنابراین مدیران و مسئولان دانشگاه‌ها با در نظر گرفتن نقش رهبری خویش و اهمیت انگیزش دانشجو در رسیدن به مقاطع بالاتر و ادامه تحصیل در نحوه ارائه مطالب آموزشی و تعالی آموزشی تأثیر بسزایی در افزایش میزان انگیزه و توانمندی آتی دانشجویان خواهد داشت.

کلیدواژه‌ها: آموزش، رهبری، دانشجو

ارائه پوستر (poster presentation) دانشجویی

(S.12SPos.1) نشست: ۱۲ پوستر: ۱

بررسی جامع دانش، نگرش و مهارت دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد به یادگیری از طریق نظام الکترونیک

زهرانیک فرجام*، تکتیم مسعودی**

nikfarjamz861@mums.ac.ir*

massoudit861@mums.ac.ir**

دفتر استعدادهای درخشان مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی معاونت آموزشی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

مقدمه: روش‌های سنتی آموزش که در حال حاضر اجرا می‌شوند، به تنهایی پاسخگوی حرکت سریع علم و دانش و تغییر مداوم نیازهای جوامع در دنیای انفورماتیک نخواهد بود. لذا نظام یادگیری الکترونیکی با قابلیت‌های ویژه آن از قبیل فراگیرمحوری، یادگیری مادام‌العمر، یادگیری فعال، تعامل در یادگیری و چند رسانه‌ای بودن باعث شده است که ادغام آن در برنامه‌های جاری آموزشی دانشگاه‌ها، به طوری که آموزش متداول به شکل تلفیقی از آموزش سنتی و آموزش الکترونیک ارائه شود، اجتناب‌ناپذیر باشد. پذیرش این امر توسط دست‌اندرکاران آموزش نیازمند زمینه‌سازی مناسب می‌باشد پس بر آن شدیم که بررسی جامع دانش، نگرش و مهارت دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد به یادگیری از طریق نظام الکترونیک بپردازیم.

روش: در این مطالعه مقطعی توصیفی، کلیه دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد به تعداد ۶۰ نفر به طریق تمام شماری مورد مطالعه قرار گرفتند. جمع آوری داده‌ها بوسیله پرسشنامه محقق ساخته- با تایید روایی و محتوایی آن توسط متخصص پژوهش در سلامت صورت گرفت. آنالیز داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS 14 انجام گرفت.

یافته‌ها: میزان پاسخ‌دهی به پرسشنامه ۸۳/۳۳٪ (۵۰ نفر) که ۶۰٪ آنها زن بودند. در حیطه سنجش دانش رایانه ای دانشجویان ۵۶٪ از افراد دارای حداقل دانش رایانه ای بودند. در حیطه نگرش ۵۷/۷۳٪ دانشجویان دارای نگرش مثبت و سایرین (۴۲/۲۷٪) دارای نگرش کاملاً منفی نسبت به یادگیری الکترونیکی بودند. در حیطه مهارت ۳۶/۴۵٪ دانشجویان از مهارت کافی برخوردار بودند همچنین ۷۴٪ از دانشجویان نسبت به شرکت در کارگاه‌های آموزشی با محوریت رایانه احساس نیاز نمودند.

بحث و نتیجه گیری: نظر به نگرش مثبت (بیش از ۵۰٪) دانشجویان نسبت به نظام آموزش الکترونیک و دانش و مهارت نسبتاً محدود و کم دانشجویان و احساس نیاز شدید دانشجویان به برگزاری کارگاه‌های آموزشی (۷۴٪) فراهم نمودن زمینه‌های لازم از جمله برپایی دوره‌های آموزشی در قالب کارگاه‌ها امری ضروری تلقی می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: دانش، نگرش، مهارت، دانشجویان دندانپزشکی، یادگیری الکترونیکی

(S.12SPos.2) نشست: ۱۲، پوستر: ۲

Collaborative Learning in an online course in the Master of Distance Medical Education program

Shima Tabatabaei

shtabatabai@yahoo.com medical education - medica informatic - sbmu-velenjak,

Introduction: Distance in the Master of Collaborative Learning in an online course development Center- Shahid beheshti & Medical Research. Medical Education program Abstract IT Department-Biomedical Engineering- Amirkabir University medical university Collaborative learning in an online classroom can take the form of discussion among the whole class or within smaller groups. This paper addresses the latter, examining first whether assessment makes a difference to the level of learner participation and then considering other factors involved in creating effective collaborative learning groups.

Methods: Data collected over one year from the Foundations course in the Master of Drawing on observations of two Distance .Distance medical Education (DME) program medical Education courses, including the Foundations course, their extensive online teaching experience, and a review of the literature, the authors identify factors other than grading that contribute positively to the effectiveness of small collaborative learning groups in the online environment.

Results: This paper reinforces the importance of reflective practice for instructors. Assumptions about what impact specific strategies have on learner behavior need to be tested constantly. In this case, it appears that instructional strategies may be equally or more effective than assessment in encouraging participation in small group activities in the online classroom. Further, well planned instructional strategies that are intended to improve the group learning experience appear to have a number of added benefits, such as helping students to achieve deeper learning and to build their confidence and skills. In particular, the paper focuses on specific instructional strategies that facilitate learner participation in small group projects, which result in an enhanced sense of community, increased skill acquisition, and better learning outcomes.

Key words: collaborative ,e-learning ,online learning ,open learning ,Distance education ,learner motivation ,instructional design ,pedagogy ,learning

(S.12SPos.3) نشست: ۱۲، پوستر: ۳

بهبود آموزش و یادگیری دروس علوم تشریحی از طریق ارتقای مهارت های نوشتاری

انه محمد غراوی

گروه علوم تشریحی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، annehgh@yahoo.com

مقدمه: مهارت‌های نوشتاری از جمله یادداشت‌نویسی و خلاصه‌برداری یکی از اصول مهم یادگیری است. این مطالعه به توصیف بهبود آموزش و یادگیری دروس علوم تشریحی از طریق ارتقاء مهارت‌های نوشتاری دانشجویان می‌پردازد.

روش: دروس علوم تشریحی دانشجویان با تلفیقی از ارائه مطالب با نرم افزار پاورپوینت همراه با برنامه های پویا نمایی مانند فلش ارائه شد. مطالعه به شکل ۱. ارائه سر فصل قبل و طی کلاس، ۲. یادداشت‌برداری دانشجویان در طی کلاس ۳. یادداشت‌نویسی در خانه، ۳. مرور یادداشت و ۴. خلاصه‌نویسی در خانه طراحی گردید. یادداشت دانشجویان براساس معیارهای یکسان مانند رتبه‌بندی پیچیدگی، رتبه‌بندی محتوا.... مورد بررسی قرار گرفت. در نهایت امتیاز نهایی یادداشت‌های ثبت گردید. کیفیت و کمیت متغیرهای اسمی یادداشت‌های دانشجویان با آزمون مجذور کای دو بررسی گردید. برای تعیین تفاوت بین متغیرها از آزمون کروسکال والیس و من ویتنی استفاده گردید. همبستگی بین متغیرها با آزمون همبستگی اسپیرمن تجزیه و تحلیل گردید.

یافته‌ها: تقریباً تمامی دانشجویان گزارش کردند. که فعالیت نوشتاری، به ویژه یادداشت‌نویسی و خلاصه نویسی اولین و مفیدترین تجربه نوشتاری آنها در دانشگاه بود. در بررسی یادداشت‌های دانشجویان ارتباط اماری معنی‌داری بین استفاده از عبارت کوتاه بجای جمله طولانی با نحوه نوشتار، پیچیدگی و سازماندهی یادداشت‌ها مشاهده گردید. همچنین دانشجویانی که از نحوه نوشتاری بهتر در یادداشت‌ها خود استفاده می کردند یادداشت‌های خود را سازمان یافته تر و پیچیده‌تر نوشته بودند.

بحث و نتیجه‌گیری: ارتقاء مهارت‌های نوشتاری موجب تشویق یادگیری دانشجویان گردیده این فرصت را داد تا باز خورد آنها در مورد تدریس مدرس و یادگیری خود در درس بافت شناسی را ارزیابی کنیم .

کلیدواژه‌ها: مهارت نوشتاری، دروس علوم تشریحی، آموزش

(S.12SPos.4) نشست: ۱۲، پوستر: ۴

بررسی نیازها و مهارت‌های تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات ICT علوم پزشکی اصفهان

سید امیر علی فاطمی^۱، شیوا حسینی فولادی^۲

۱. علوم پزشکی اصفهان، shiva4245@yahoo.com

۲. دانشگاه علوم پزشکی تهران

مقدمه: فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) به دلیل قدرت تحول‌پذیری و توانایی برقراری ارتباط پویا که می‌تواند با فراگیران داشته باشد، از نقش مهمی در انتقال دانش برخوردار است. درباره تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات در حوزه تعلیم و تربیت دو دیدگاه وجود دارد. (رویکرد اول) رویکرد اصلاح‌گرا براین باور است که اثر فناوریهای جدید (اطلاعات و ارتباطات) بر آموزش علوم تدریجی بوده و این پدیده باعث می‌شود که آموزش به شیوه سنتی، تنها به گونه‌ای کارآمدتر انجام شود. عبارت دیگر ICT باعث تسریع اصلاحات در آموزش علوم می‌شود. دوم، رویکرد تحول‌گراست که معتقد به تحول‌زایی ICT در آموزش علوم به ویژه در نظام سلامت می‌باشد و بر این باور است که فناوری اطلاعات و ارتباطات، ابزارها و حتی خط‌مشی‌ها و اهداف تعلیم و تربیت را به صورت اساسی تغییر داده و متحول می‌کند پس ضرورت آشنایی با آن برای متخصصان آموزش و حرفه های پزشکی انکار ناپذیر است. لذا؛ با توجه به اهمیت موضوع، این مطالعه با هدف بررسی مهارت‌ها و نیازهای تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات ICT در دانشجویان رشته پرستاری دانشگاه علوم پزشکی اصفهان انجام شده است.

روش: این پژوهش از نوع توصیفی-مقطعی است. جامعه آماری آن شامل ۱۰۰ نفر از دانشجویان رشته پرستاری دانشگاه علوم پزشکی اصفهان می‌باشند که به صورت نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب گردیدند. جهت گردآوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده شد. پرسشنامه مذکور شامل دو قسمت سوالات دموگرافیک و سوالات مهارت سنجی و نیاز سنجی بود که پس از تعیین روایی و پایایی آن بین جامعه آماری توزیع گشت. جهت آنالیز داده ها نیز از نرم افزار آماری SPSS استفاده شد.

یافته‌ها: براساس یافته ها، ۳۵٪ دانشجویان اغلب از اینترنت استفاده کرده در حالی که ۲۸٪ اطلاعات چندان زیادی در مورد نحوه صحیح کار با آن ندارند. ۴۱٪ دانشجویان دارای پست الکترونیکی می باشند. ۴۸٪ از اینترنت جهت سرگرمی و بازی و ۲۵٪ به عنوان یک منبع علمی و کسب اطلاعات بهره می گیرند. ۲۳٪/۵ از دانشجویان نیز عنوان کردند که از برنامه WORD، اینترنت، مدلاین و

سیستم الکترونیک هرگز و ۱۹٪ هم گهگاهی از آن استفاده می کنند. ۷۸٪ با نحوه آنالیز آماری SPSS و برنامه excel اصلاً آشنایی نداشته و اغلب آنان تمایل به یادگیری و نحوه به کارگیری آن ندارند.

بحث و نتیجه گیری: نتایج مطالعه مزبور نشان داد که تاکنون برنامه ریزی دقیقی جهت آموزش کامپیوتر و اینترنت در رشته پرستاری انجام نشده است. لذا؛ با توجه به اینکه در عصر اطلاعات به سر می بریم و امروزه اکثر کارها توسط سیستم رایانه ای انجام می شود و نیز با توجه به لزوم و علاقه مندی دانشجویان نسبت به یادگیری آن، لازم است در برنامه ریزی درسی مربوطه تجدید نظر انجام شده و پیشنهاد می گردد واحدهای درسی ویژه ای نظیر آموزش کامپیوتر، کاربرد تکنولوژی اینترنت و اطلاعات (IT) و حتی آموزش از طریق یادگیری الکترونیک (e-learning) به منظور دسترسی به بانک های اطلاعاتی، منابع درسی و توزیع آموزش در سطح وسیع تر و بدون محدودیت زمانی و مکانی به کوریکولوم آموزش رشته پرستاری و حتی دیگر رشته های دانشگاهی اضافه شود.

کلیدواژه ها: نیازها و مهارت ها، تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات ICT، دانشجویان، پرستاری

(S.12SPos.5) نشست: ۱۲، پوستر: ۵

چالش سازمانها در اجرای آموزش الکترونیک به عنوان آموزش مادام العمر دانش آموزان دانشگاهی

شیماء عابدی مدیسه^۱، محمد رحیمی مدیسه^۲، سمیه عابدی مدیسه^۳
۱- شهرکرد بلوار آیتالله کاشانی دانشگاه علوم پزشکی مرکز مطالعات و توسعه،
۳- دانشگاه علوم پزشکی اصفهان،

مقدمه: آموزش های سنتی ناگزیر به سازگاری با سیر تحولات و تغییرات جدید هستند. در این راستا شرط اساسی برای استفاده مؤثر از آموزش های مجازی، داشتن سواد فن آوری اطلاعات است. استفاده از فناوری های جدید، مستلزم آماده سازی زیر ساخت ها، تهیه وسایل و امکانات مورد نیاز، تغییر نگرش ها و مدیریت امور با روند جدید است. غفلت از این موضوعات سبب بروز مشکلاتی در استفاده از این فناوری جدید در آموزش می شود که لازم است سازمان ها برای اجرای آموزش مجازی مشکلات را شناسایی و راهکارهای مناسب جهت از بین بردن این مشکلات را ارائه نمایند.

مشکلات اجرایی آموزش مجازی:

- مشکلات فنی: به همین نسبت در سازمان ها و مؤسسات برای دسترسی سریع و آسان فراگیران به این نوع آموزش، مشکل فنی و نبود اینترنت پرسرعت یک عامل عمده به شمار می آید. اگر آنها ابزار، نرم افزار و پهنای باند مناسب را در اختیار نداشته باشند، این روش بی نتیجه خواهد بود و اگر کاربران در دسترسی به منابع آموزشی زمان زیادی را صرف کنند، دلزده و سرخورده خواهند شد و بتدریج از انجام فعالیت های آموزشی منصرف می شوند.

- مشکلات مربوط به طراحی و تهیه محتوای دروس در آموزش الکترونیک: در روش اجرای محصولات تهیه شده باید با زمینه شغلی آنها ارتباط مستقیم داشته و فراگیران نباید با صدها دوره آموزشی به روش الکترونیک مواجه شوند، محتوای آموزشی تهیه شده باید مرتبط با زمینه شغلی کارکنان باشد، در غیر این صورت فراگیران رغبت کمتری در استفاده از آن خواهند داشت. در تهیه محتوای آموزشی باید به تعاملی بودن محتوای تهیه شده، و تدوین تعدادی سؤال مناسب و مباحثی برای جلب توجه فراگیران توجه شود. یادگیری الکترونیک برای آنهایی که به آموزش از طریق حضوری در کلاس عادت دارند یک چالش است.

- مشکلات مربوط به پشتیبانی و حمایت مدیران ارشد از روش جدید: پشتیبانی و حمایت مدیران ارشد، سرمایه اساسی برای توسعه محیط یادگیری الکترونیک است. در صورتی که مدیران ارشد در خصوص موضوع از بینش و نگرش لازم برخوردار نباشند، خود مانعی جدی برای این امر است و تغییر نگرش مدیران سخت و مشکل خواهد بود، چرا که تعیین راهبردهای کلیدی برای این روش، حمایت از فراگیران و مربیان، ایجاد بستر مناسب فناوری اطلاعات، اختصاص زمان مناسب در ضمن کار برای فراگیران از الزامات اساسی این روش به شمار می رود که همه موارد فوق حمایت مدیران ارشد سازمانها را طلب می نماید.

- مشکلات مربوط به پایین بودن سواد اطلاعاتی فراگیران: لازمه اجرای آموزش الکترونیک ارائه سواد اطلاعاتی به کارکنان و کاربران سیستم است. در سازمانهایی که تکنولوژی وارد شده است، ولی کارکنان سازمان آمادگی و سواد اطلاعاتی لازم جهت استفاده از تکنولوژی را ندارند، مشکلاتی از قبیل احساس ترس و اضطراب از رویارویی و سختی استفاده از رایانه اتفاق می افتد.

- مشکلات مربوط به تعیین اهداف و اولویت‌بندی اجرای آموزش مجازی: در مرحله اول شناسایی اهداف غایی گسترش آموزش مجازی مهم است. در مجموع در هر سازمانی اولویت اصلی و اساسی، پاسخ به این پرسش است که اساسی‌ترین نگرش در اجرای آموزش مجازی بر چه محوری استوار است و یا به تعبیر دیگر هدف کلی و اساسی اجرای آموزش الکترونیک چیست. آموزش مجازی برای یک سازمان ممکن است در درجه اول کاهش هزینه‌های اجرایی آموزش و برای سازمانی دیگر افزایش کیفیت آموزش و دسترسی سریع و آسان فراگیران به منابع آموزشی باشد. که در بعضی موارد ممکن است برنامه ریزان دچار جابجایی در اولویت‌بندی اهداف گردند.

بحث و نتیجه‌گیری: در اجرای آموزش الکترونیک به عنوان یک روش آموزشی مادام العمر برای علاقمندان باید چالش‌ها و مشکلات شناسایی و برطرف گردد تا دسترسی به اهداف آموزشی میسر گردد.

کلیدواژه‌ها: چالش، سازمانها، آموزش الکترونیک، آموزش مادام العمر، دانش آموختگان

(S.13SPos.1) نشست: ۱۳، پوستر: ۱

بررسی دیدگاه کارآموزان و کارورزان دانشکده پزشکی اصفهان در ارتباط با کیفیت آموزش پزشکی جامعه نگر (COME) در سال ۱۳۸۶

شیوا حسینی فولادی^۱، سید امیر علی فاطمی^۲

۱- دانشگاه علوم پزشکی تهران، sh-hosseini@mng.mui.ac.ir

۲- دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

مقدمه: آموزش پزشکی جامعه‌نگر (Community Oriented Medical Education, COME) یک شیوه آموزش مناسب تلقی می‌گردد زیرا پزشکانی تربیت خواهد کرد که بطور مؤثر بتوانند با مسائل مرتبط با سلامتی جامعه در ابعاد اولیه، ثانویه برخورد مناسب داشته باشند. به عبارت دیگر از سیاست‌های جدید آموزش در دانشکده پزشکی، رویکرد آموزش مبتنی بر جامعه به جای آموزش سنتی در محیط بیمارستانی می‌باشد. لذا؛ با توجه به اهمیت موضوع این تحقیق به منظور تعیین کیفیت آموزش پزشکی جامعه نگر (COME) به ویژه در آموزش فیلد بهداشت در دوره کارآموزی و کارورزی در دانشکده پزشکی اصفهان انجام شد.

روش: این مطالعه توصیفی- مقطعی است که در آن ۱۲۰ نفر از دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان (کارور و کارآموز) با روش نمونه گیری غیراحتمالی آسان انتخاب شدند. داده ها و اطلاعات با استفاده از پرسشنامه نظرسنجی پایا و روایی محقق ساخته جمع‌آوری گردید و داده‌ها با نرم‌افزار SPSS و با آمار توصیفی تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: ۸۰ درصد دانشجویان مقطع کارآموزی و کمتر از ۵۰٪ دانشجویان مقطع کارورزی، از نحوه برنامه‌ریزی، ارائه مباحث کاربردی در کارگاه، حضور اعضای هیأت علمی و پاسخ‌گویی به سؤالات دانشجویان رضایت داشته‌اند. علاوه بر این، بیش از ۸۰٪ دانشجویان کارآموزی و کمتر از ۴۲٪ از دانشجویان کارورزی از آموزش مقوله‌های مدیریت سلامت مردم از نظر جمع‌آوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل اطلاعات، اولویت‌بندی مشکلات و برنامه‌ریزی و ارزشیابی اظهار رضایت نموده‌اند. آموزش برنامه‌های خاص مانند واکسیناسیون و تنظیم خانواده و... در بیشتر از ۸۵٪ موارد نظر مساعد دانشجویان دوره کارآموزی را جلب کرده است و ۹۷/۵٪ از دانشجویان مقطع کارآموزی، از آموزش مبحث تحلیل وضعیت موجود نظام ارائه خدمات بهداشتی اظهار رضایت نموده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری: با عنایت به رویکرد آموزش مبتنی بر جامعه در نظام آموزشی دانشکده‌های پزشکی جهان و گذراندن یک ماه دوره کارورزی بهداشت به صورت اجباری در کلیه دانشکده‌های پزشکی، لزوم بازنگری مسئولین آموزش در برنامه کارورزی بهداشت بیش از پیش احساس می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: آموزش پزشکی جامعه‌نگر (COME)، کارآموزان، کارورزان، کیفیت آموزش

(S.13SPos.3) نشست: ۱۳، پوستر: ۳

بررسی رضایتمندی کارآموزان و کارورزان بالینی رشته پزشکی دانشگاه آزاد نجف آباد اصفهان از فرایندهای آموزشی در عرصه های مختلف (درون بیمارستانی و درون جامعه) در سال ۱۳۸۶

سید امیر علی فاطمی^۱، شیوا حسینی فولادی^۲

۱-علوم پزشکی اصفهان

۲-دانشگاه علوم پزشکی تهران

مقدمه: به منظور شناخت وضعیت آموزشی در واحدهای مختلف و نیل به ارتقاء کیفیت آموزشی، بررسی نظرات فراگیران اهمیت ویژه‌ای دارد. لذا؛ با توجه به اهمیت موضوع این مطالعه با هدف بررسی رضایتمندی کارآموزان و کارورزان پزشکی از فرایندهای مختلف آموزشی (واحدهای سرپایی درون بیمارستانی و واحدهای سرپایی درون جامعه) انجام گرفته است.

روش: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی-مقطعی (Cross sectional) است که جامعه پژوهش شامل آن دانشجویان (کارورز و کارآموز) پزشکی دانشگاه آزاد نجف آباد اصفهان در سال ۱۳۸۶ بودند که به شیوه نمونه‌گیری آسان ۱۵۰ نفر از آنها انتخاب شدند. داده ها و اطلاعات با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری گشت. پرسشنامه ها نیز پس از آنکه روایی و پایایی آن مورد تأیید متخصصان فن قرار گرفت مورد استفاده قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده ها نیز توسط نرم افزار آماری SPSS انجام گرفت.

یافته‌ها: یافته ها نشان می‌دهد که بالاترین میزان رضایتمندی از آموزش سرپایی درون جامعه (مراکز بهداشتی-درمانی) از ابعاد عملکرد استاد، شیوه آموزشی، تعداد و تنوع بیماران بوده است در حالیکه این واحدها از نظر تجهیزات پزشکی و امکانات رفاهی، پایین‌ترین میزان رضایتمندی را دارند. در مورد رضایتمندی از عملکرد اساتید، بیشترین رضایتمندی کارآموزان و کارورزان در مراکز سرپایی داخل جامعه (۳۳/۵٪) و کمترین آن در بخش‌های بستری (۸/۰۵٪) بود. بالاترین میزان رضایتمندی کارآموزان و کارورزان از تجهیزات و امکانات پزشکی مربوط به اورژانس‌ها (۳۹٪) و پایین‌ترین آن (۳۰/۷۵٪) مربوط به درمانگاه‌های سرپایی داخل جامعه بود بخش‌های بستری، از عملکرد استاد، شیوه آموزشی و تنوع بیماران کمترین میزان رضایتمندی را داشته ولی از نظر فضای فیزیکی و تجهیزات پزشکی و امکانات جنبی در حد متوسط بوده اند. واحدهای اورژانس از نظر تجهیزات پزشکی و فضای فیزیکی خوب و از نظر عملکرد استاد و شیوه آموزشی در حد متوسط بودند.

بحث و نتیجه‌گیری: برای ارتقاء کیفیت آموزشی کارآموزان و کارورزان پزشکی دستورالعمل‌های وزارت متبوع، بررسی نظرات فراگیرندگان اهمیت ویژه دارد. با توجه به نتایج به دست آمده از مراکز سرپایی درون جامعه می‌توان در برنامه ریزی های آموزشی، بر این آموزش‌ها و افزایش سهم آن در آموزش بالینی تأکید داشت. به ویژه در مورد آموزش سرپایی در اورژانس درمانگاه‌ها به ویژه در مراکز بهداشتی- درمانی می‌تواند نقش به سزایی در پرورش یک پزشک عمومی مؤثر و مفید در برنامه های سلامت داشته باشد و توجه جدی و اکید مسؤولان و برنامه ریزان آموزشی و بهداشتی - درمانی را به این امر خطیر می‌طلبد.

پیشنهادهای: توسعه و گسترش مراکز سرپایی آموزشی در تمامی نواحی شهرهایی که دارای دانشگاه یا دانشکده پزشکی هستند. پشتیبانی کمی و کیفی از مراکز سرپایی داخل جامعه و داخل بیمارستانهای آموزشی. توجیه کارآموزان و کارورزان قبل از شروع درمانگاه-های سرپایی اختصاص دادن نیمی از زمان آموزش بالینی به صورت آموزش سرپایی و موارد اورژانس. استفاده از همکاری اساتید با تجربه در مراکز سرپایی داخل جامعه. تأمین امکانات و تجهیزات پزشکی برای درمانگاه‌های سرپایی داخل جامعه. هماهنگی هر چه بیشتر دانشکده پزشکی با مرکز بهداشت شهرستان و استان در راستای به وجود آوردن فضای فیزیکی مناسب در خور یک محیط آموزشی.

کلیدواژه‌ها: آموزش پزشکی، برنامه‌های آموزشی (درون بیمارستانی و درون جامعه)، مرکز آموزشی، رضایتمندی

دانشجوی پاسخگو

پرستو نعمت الهی^۱، فرناز سادات جوانمردی^۲، محمد اسمعیل قربانی نژاد^۳، پگاه جهانی^۴، محمد رضا بازرگانی^۵، علی شرف خواه^۶، احسان کریمی^۷، مسعود ابولوردی^۸، میترا امینی^۹

۱. دانشگاه علوم پزشکی شیراز، neamatollahi68@gmail.com

۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸. دانشگاه علوم پزشکی شیراز

۹. مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی شیراز

مقدمه: دانشجوی پاسخگو کیست؟ دانشجو چه ویژگی‌هایی داشته باشد تا او را به عنوان دانشجو پاسخگو بشناسیم؟ دانشجو واژه‌ای است که به تنهایی ویژگی‌ها و خصوصیت‌های گوناگونی را در خود جای داده است! ترکیبات گوناگونی که در زبان دانشگاهی امروزی مورد استفاده قرار می‌گیرند، از قبیل: دانشجوی پژوهشگر، دانشجوی متعهد، دانشجوی خلاق و... هر کدام بار معنایی خاصی را به این واژه می‌افزایند. اما هنگامی که واژه پاسخگو را در کنار دانشجو قرار می‌دهیم، تصویر گسترده‌تر و عمیق‌تری به دنبال آن در ذهن شکل می‌گیرد. با توجه به نگرش متفاوت دانشجویان و اساتید نسبت به عنوان دانشجوی پاسخگو، دیدگاه دانشجویان کمتر از دیگران قابل توجه قرار گرفته است. در گفتگوهایی که در بین دانشجویان هر رشته پیرامون موفقیت و آینده رشته‌ی خود و توصیف دانشجوی موفق در آن رشته رواج دارد، عوامل گوناگونی بررسی و به بحث گذاشته می‌شود. که در این مطالعه به کمک گروهی از دانشجویان دانشکده پزشکی شیراز بر آن شدیم تا به تجزیه و تحلیل آن‌ها بپردازیم. مباحث زیر مواردی است که این گروه دانشجویی با توجه به ارتباط آن با موضوع مذکور بدان پرداخته‌اند: ۱. آموزش اصول و مبانی اخلاق ۲. عوامل مؤثر در روند یادگیری و خودارزیابی دانشجویان ۳. نقش انگیزه بر پیشرفت تحصیلی ۴. خلاقیت ۵. نگرش نسبت به آینده شغلی ۶. آگاهی دانشجویان نسبت به شخصیت حرفه‌ای یک پزشک.

روش: مطالعه حاضر به صورت تحلیلی-مروری است که با استفاده از پژوهش‌هایی که توسط دانشجویان عضو کمیته دانشجویی مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی شیراز انجام شده، نگاشته شده است. عناوین پژوهش‌های مذکور از این قرار است: ۱. بررسی نقش آموزش مبانی و اصول اخلاق پزشکی بر میزان توانمندی دانشجویان مقطع استیودنتی دانشکده پزشکی شیراز در مواجهه با موارد اخلاقی ۲. بررسی عوامل مؤثر در روند یادگیری و خودارزیابی دانشجویان پزشکی دانشکده پزشکی شیراز ۳. دانشجو و تعالی آموزشی: بررسی نقش انگیزه بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشکده پزشکی شیراز ۴. مقایسه خلاقیت دانشجویان رشته‌های دندانپزشکی، پزشکی و داروسازی دانشگاه علوم پزشکی شیراز ۵. بررسی نگرش دانشجویان علوم پایه پزشکی نسبت به آینده شغلی ایشان ۶. دانشجوی آینده و پژوهش: بررسی موانع پیش روی پژوهش دانشجویی از دید دانشجویان دانشکده پزشکی شیراز ۷. بررسی سطح آگاهی دانشجویان پزشکی مقطع استیودنتی نسبت به شخصیت حرفه‌ای یک پزشک در محیط کار

یافته‌ها: یکی از مهم‌ترین اهداف برنامه‌های آموزشی (curriculum) تربیت دانشجوی چند بعدی و موفق است. بنا براین طراحان و مجریان برنامه‌های آموزشی سعی دارند با ارزیابی مرحله به مرحله در جهت بهبود آن گام بردارند. یکی از اجزای ارزشیابی توسط دانشجویان (افراد) که برنامه بر روی آن‌ها اجرا می‌شود، انجام می‌شود. این جزء از ارزشیابی اساس پژوهش‌های موردنظر قرار گرفته است. آنچه مرور مقالات مذکور در مجموع نشان می‌دهد این است که برنامه‌های آموزشی جاری نیازمند بررسی گسترده‌تر و عمیق‌تری می‌باشند، آنچنان که دانشجویان تربیت شده در آینده به معنای واقعی پاسخگوی تمام نیازهای خود و جامعه‌ی خود باشند.

اما طبق نظر دانشجویان آموزش اخلاق حرفه‌ای امروزی ایشان را برای حل و فصل موارد اخلاقی آماده نکرده است در مقابل ایشان سطح آگاهی خود را از موارد اخلاقی در سطح متوسط ارزیابی کرده‌اند. حرفه‌ای‌گری (professionalism) از نشانه‌های مهم یک دانشجو و پزشک و موفق است که باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد. تربیت دانشجوی پژوهشگر از اهداف مهم برنامه‌های آموزشی می‌باشد، این در حالی است که طبق نظر دانشجویان مهم‌ترین عوامل بازدارنده پژوهش مربوط به عوامل درونی و فردی مانند: نوع نگرش دانشجویان، نهادینه نشدن فرهنگ پژوهش در وجود آن‌ها و... می‌باشد. موارد فوق نشان می‌دهد ضعف موجود در سیستم آموزشی نیازمند توجه و بازنگری به اهداف است. در پژوهش دیگری که در آن از دانشجویان خواسته شد انگیزه خود را از ورود به دانشگاه و ادامه تحصیلات عالیه اعلام نمایند: پاسخ دانشجویان به ترتیب اولویت عبارت بود از: ۱- ارتقاء و پیشرفت شغلی و اجتماعی، ۲- گسترش دید و افق فکری، ۳- دستیابی به شغل ایده‌آل و چالش برانگیز در آینده. انگیزه‌های متعالی یک فرد برای ادامه تحصیل در موارد فوق دیده می‌شود.

شود، اما این در حالی است که درصد قابل توجهی از دانشجویان مورد پرسش (۸۰٪) اظهار داشتند احتمال دارد در آینده جهت تکمیل تحصیلات خود به خارج از کشور عزیمت کنند. خروج نیروهای انسانی توانمند از کشور مشکلی است که هم اکنون جامعه ما بدان دچار است و یکی از مهمترین راه‌حل‌های آن برنامه‌ریزی آموزشی صحیح و کاربردی در کنار تأمین امکانات و فرصت‌های ادامه تحصیل می‌باشد. چه توجیحی وجود دارد دانشجویان خلاق که میانگین خلاقیت آن‌ها (که توسط پرسشنامه رندسیپ سنجیده شده) در حد قابل قبولی (دانشجویان پزشکی: ۴۲) قرار دارد آینده درخشان خود را در خارج از کشور بسازند؟! نکته دیگری که در این مجال حائز اهمیت است نگرش دانشجویان نسبت به آینده شغلی ایشان است. بر اساس نظر دانشجویان، کارفرمایان برای موارد زیر بیشترین ارزش را قائل هستند: ۱- دانشی که در دانشکده کسب کرده اند. ۲- دانشکده‌ای که از آن فارغ التحصیل شده اند. نکته قابل توجه این است که دانشجویان به اهمیت برنامه آموزشی و نقشی که آن‌ها در توانمندسازی دانشجویان ایفا می‌کنند، پی برده اند و بین دروس دانشکده و شغلی آینده‌شان ارتباط مستقیمی را متذکر می‌شوند. بنابر این برنامه‌ریزان آموزشی می‌توانند از این نوع نگرش در جهت برنامه‌ریزی صحیح و جذب همکاری دانشجویان به بهترین صورت بهره‌برداری کنند.

در آخر عوامل مؤثر در یادگیری از نظر دانشجویان عبارتند از: ۱- هدف از یادگیری ۲- ویژگی اساتید ۳- روش‌های ارزیابی فردی ۴- اولویت‌های یادگیری. در این مقوله نقش برنامه‌ریزان در تبیین و تعیین اهداف و اولویت‌های یادگیری برای دانشجویان و تلاش برای منطبق ساختن آن‌ها با اهداف و اولویت‌های دانشجویان برای یادگیری در زمان طراحی برنامه‌های آموزشی غیر قابل انکار است. موارد فوق به نوعی منعکس‌کننده نظرات، انتقادات و پیشنهادات دانشجویان رشته پزشکی در مقاطع مختلف پیرامون برنامه‌های آموزشی کنونی کشور بود که دغدغه تعالی و پیشرفت را برای خود و تمام هم‌تایان خود را در ذهن دارند. دانشجویانی که به دنبال تعالی آموزشی خود در جهت تحقق عنوان دانشجوی پاسخگو گام بر می‌دارند.

بحث و نتیجه‌گیری: از آنجائیکه ارزیابی صحیح برنامه‌های آموزشی نارسایی‌های برنامه را مشخص می‌کند و نشان می‌دهد که نتایج بدست آمده تا چه حد با اهداف همخوانی دارد، پیشنهاد می‌شود مسئولان و برنامه‌ریزان آموزشی بیش از پیش دانشجویان را در امر ارزشیابی دخیل کنند. هم چنین پویایی و تأثیرگذاری برنامه‌های آموزشی در صورتی تحقق می‌یابد که اهداف و اولویت‌های آموزشی به خوبی تبیین و امکانات لازم جهت نیل به اهداف به صورت مناسب تأمین شوند. در این پژوهش تا حد امکان بخشی از معیارهای دانشجوی پاسخگو از دیدگاه دانشجویان بررسی شد، امید است مطالعه حاضر پنجره‌ای باشد به سوی آینده‌ای روشن برای جامعه پزشکی ایران!

کلیدواژه‌ها: دانشجوی پاسخگو، آموزش پزشکی، برنامه‌های آموزشی

(S.13SPos.5) نشست: ۱۳، پوستر: ۵

آیا دانشجویان پرستاری به سمت پاسخگویی و آماده شدن برای آینده هستند؟

خانم مریم ملاح*، آقای عمار عباسی، آقای محمدزمان مجنونی، دکتر اکرم شاگو**، دکتر لیلا جویباری***

Maryam.Mallah@gmail.com *

a_sanaguo@yahoo.com**

1m_jouybari@yahoo.com***

گران، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، معاونت آموزشی

مقدمه: شرح وظایف عمومی کارشناس پرستاری اقدامات زیادی را در بر می‌گیرد که برخی از آنها از قبیل نیازهای جسمی بیماران که به نظر ابتدایی می‌آید علاوه بر حیاتی بودن آن برای بیمار، نیاز به مراقبت بر اساس استانداردهای خدمات پرستاری و ثبت و پیگیری آن دارد که این مراقبت‌ها زمانی می‌توانند درست اجرا شوند که با دستان آموزش دیده یک پرستار صورت گیرد. اما شواهد نشان می‌دهد که پرستاران و دانشجویان پرستاری برخی از این مراقبت‌ها را جزء وظایف خود نمی‌دانند و یا در کلامی دیگر آن را در شأن یک پرستار تحصیلکرده نمی‌دانند و این امر می‌تواند در کیفیت مراقبت ارائه شده خلل ایجاد نماید. هدف از این مطالعه بررسی ارزش کارهای بالینی از دیدگاه دانشجویان پرستاری به منظور شناسایی آمادگی با واقعیت‌های آینده حرفه‌ای شان می‌باشد.

روش: در این مطالعه توصیفی از دانشجویان پرستاری که سابقه کار در بالین را داشتند مصاحبه‌های ساختار یافته به عمل آمد. نمونه‌گیری مبتنی بر هدف بود. از شرکت‌کنندگان خواسته شد وظایفی که در بالین بیمار در زمان کارآموزی و عرصه انجام می‌دهند در

قالب در دو طبقه کارهای "شیک/تمیز" و "کارهای عادی/پیش افتاده" قرار دهند و دلیل آن را نیز بحث نمایند. یافته‌ها دست نویس، کدگذاری و طبقه بندی شد.

یافته‌ها: در این مطالعه توصیفی (۱۳۸۸)، ۷۰ دانشجوی پسر و دختر پرستاری دانشگاه علوم پزشکی گلستان شرکت نمودند. مراقبت‌ها یا کارهای شیک کارهایی از قبیل "دارو دادن، آموزش به بیمار، EKG، CPR، آنژیوکت، بخیه زدن، گزارش نویسی" بودند. "کارهای تمیز، کارهایی که با انجام آن دانشجو احساس شخصیت نماید، کارهایی که دیگران ارزش آن را بدانند مثل کار در ICU و کارهایی که نیاز به تخصص و یا به تجهیزات نیاز داشته باشد مثل گلوکومتر" کارهای شیک و مورد علاقه دانشجویان پرستاری بوده است. "اندازه گیری علائم حیاتی؛ مراقبت از سند فولی، پانسمان زخم‌های باز، سونداژ، ساکشن" از کارهایی بود که دانشجویان از انجام آنها اکراه داشتند. مشخصه این قبیل کارها؛ تکراری بودن، تماس با خون و ترشحات و عفونت بیمار بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری: تغییر نگرش و رفتارها از پایه شکل می‌گیرد. لذا ضروری است در برنامه آموزشی پرستاران بر اهمیت مراقبت‌های تأکید شود تا رغبت کافی برای انجام چنین کارهایی که بخش تفکیک‌ناپذیر وظایف آنان در آینده حرفه‌ای شان می‌باشد را داشته باشند. بدیهی است نحوه برخورد و مواجهه پرسنل پرستاری با انواع مراقبت‌ها بایستی به گونه‌ای باشد که الگوی مراقبتی صحیحی برای دانشجویان باشند.

کلیدواژه‌ها: دانشجوی، پرستاری، مراقبت، پاسخگویی، کارهای شیک، کارهای روتین.

(S.13SPos.6) نشست: ۱۳، پوستر: ۶

دانشجوی آینده و پژوهش: بررسی موانع پیش روی پژوهش دانشجویی از دید دانشجویان دانشکده پزشکی

شیراز

علی شرف خواه^۱، میترا امینی^۲، محمد اسمعیل قربانی نژاد^۳، فرناز سادات جوانمردی^۴، درنا فانی^۵

۱- دانشگاه علوم پزشکی شیراز مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، alisharafkhah@yahoo.com

۲- دانشگاه علوم پزشکی شیراز مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، aminim@sums.ac.ir

۳- دانشگاه علوم پزشکی شیراز مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، m_ghorbani1990@yahoo.com

۴- دانشگاه علوم پزشکی شیراز مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی،

۵- دانشگاه علوم پزشکی شیراز مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی،

مقدمه: با توجه به رشد روزافزون علم و فناوری، دانشجوی آینده علاوه بر آموزش گیر خوب بودن باید مدیر و پژوهشگر خوبی نیز باشد. در واقع با گسترش حیطه علم، نظام آموزشی دانشگاه‌ها با توجه به محدودیت‌های خود نمی‌تواند تمامی این گستره را در برنامه آموزشی (کریکولوم) خود قرار دهد. پس نظام آموزشی باید به صورتی طراحی شود که روحیه پرسشگری، تحقیق، پیگیری، پیوسته‌خواهی و قانع نشدن را در دانشجو تقویت نماید و در اینجاست که احساس می‌شود بخش‌های آموزشی و پژوهشی دانشگاه باید دارای ارتباط فعال و پویا و حتی دارای برنامه‌ریزی مرتبط و مشترک باشند. در یک کلام با توجه به دنیای نامحدود علم، دانشجوی آینده بیش از هر زمان دیگر باید به معنای واقعی کلمه دانش جو باشد و این چنین دانشجویانی در آینده می‌توانند موجب تعالی جامعه بشری شوند. هدف از مطالعه حاضر شناسایی موانع کنونی پیش روی پژوهش دانشجویی و دانشجوی پژوهشگر از نگاه دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز است.

روش: مطالعه پیش رو، به صورت تحلیلی مقطعی در سال ۱۳۸۸ روی ۳۰ نفر از دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز که با روش نمونه‌گیری در دسترس و آسان بودن انتخاب شدند، انجام گرفت. از این دانشجویان خواسته شده بود در مورد ۳۰ عبارت که در پرسشنامه به عنوان موانع پژوهش مطرح شده بود با ۵ مقیاس (کاملاً موافق-موافق-متوسط-مخالف-کاملاً مخالف) اعلام نظر نمایند. ضمناً پرسشنامه طراحی شده از نظر روایی توسط کارشناسان EDC شیراز و پایایی آن با آلفای کورنباخ ۹۵/۹٪ مورد تأیید قرار گرفت. سپس داده‌های استخراج شده در نرم افزار SPSS 15 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: در مجموع ۴۰ درصد جامعه آماری زن و ۶۰ درصد مرد بودند و ۳/۵۳ درصد از افراد مورد مطالعه دارای سابقه فعالیت پژوهشی می‌باشند. مهمترین عوامل بازدارنده پژوهش مربوط به عدم تقویت روح پژوهشی از دوران آموزش عمومی (۷/۹۶٪) عدم اعتماد به نفس به

خاطر عقب ماندگی علمی کشور (۳/۸۳٪) و سنگینی بار دروس و مشغله های بالینی، عدم وجود انگیزه، عدم روحیه مسئله یابی و حساسیت به مشکلات و عدم تسلط کافی به اصول پژوهش و نگارش مقاله (هرکدام با ۸۰٪) می باشند. همچنین کم اهمیت ترین موانع مربوط به مسائل سیاسی، کمبود امکانات دانشگاه ها، نبود ارتباط با دانشگاه های دیگر در سطح جهان و مشخص نبودن اولویت های پژوهشی بودند. همچنین نتایج تحلیل واریانس یکراهه و آزمون تی گروه های مستقل تفاوت معناداری بین یافته های به دست آمده از دانشجویان به تفکیک داشتن یا نداشتن سابقه پژوهشی نشان داد.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به نتایج به دست آمده به نظر می رسد بیشترین عوامل بازدارنده مربوط عوامل درونی و فردی مانند: نوع نگرش دانشجویان، نهادینه نشدن فرهنگ پژوهش در وجود آن ها و عدم انگیزه و اعتماد به نفس می باشد و کمبودهای امکاناتی و سخت افزاری دانشگاه از اهمیت کمتری برخوردارند؛ بنابراین انتظار می رود سیاستگذاران و برنامه ریزان دانشگاه به نهادینه کردن روح پژوهش و ایجاد مشوق ها و انگیزش ها و ریشه یابی هرکدام از موانع و رفع آن ها همت گمارند.

کلید واژه ها: پژوهش، دانشجوی آینده، موانع پژوهش

(S.26SPos.1) نشست: ۲۶، پوستر: ۱

بررسی اهمیت ویژگی های یک رهبری توانمند در آموزش پزشکی از دیدگاه دانشجویان پزشکی ایلام

فاطمه نصیری افرابی^۱، پرینا مجیدی^۲

۱. دانشجوی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایلام - ایلام، دانشگاه علوم پزشکی Ajik60@yahoo.com

۲. دانشجوی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایلام - ایلام، دانشگاه علوم پزشکی olduz1984@yahoo.com

مقدمه: رهبری اساسی ترین عامل برای ایجاد موفقیت مطلوب در تحقق اهداف آموزشی است. نقش رهبری پزشکی تنها به آموزش نظری یا عملی دانشجویان محدود نمی شود بلکه آنها وظایف دیگری مانند راهنمایی، برنامه ریزی، تسهیل گری و الگودهی نیز دارند. این پژوهش به منظور تعیین ویژگی های یک رهبری توانمند از دیدگاه دانشجویان پزشکی ایلام انجام شده است.

روش: در این مطالعه توصیفی-تحلیلی ۱۲۰ دانشجوی پزشکی با روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند که ۷۵ دختر (۶۲.۵٪) و ۴۵ پسر (۳۷.۵٪) ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه می باشد.

یافته ها: مهمترین ویژگی های رهبری توانمند از دیدگاه دانشجویان: فن بیان و مهارت تدریس (۸۳.۳٪) و سطح علمی ۸۰.۸٪ و حفظ احترام دانشجو (۸۰.۸٪) و رعایت عدالت (۷۴.۱۶٪) و در دسترس بودن (۶۶.۶۶٪) و ظاهر استاد (۴۳.۳۳٪) می باشد.

کلیدواژه ها: رهبری، آموزش، دانشجو

(S.26SPos.2) نشست: ۲۶، پوستر: ۲

ارتباط سبک های رهبری با رضایت شغلی در پرستاران شهر کرمان

مریم مرتضوی

maryammortazavi2000@yahoo.com

مقدمه: میزان رضایت شغلی در کارکنان بیانگر اثربخشی رهبری است و رضایت شغلی بالا نشانگر سازمانی است که به خوبی رهبری می شود، مدیران با اتخاذ و بکارگیری سبک رهبری مشارکتی میزان رضایت شغلی کارکنان را افزایش داده تا در نهایت باعث کارایی و تعهد سازمانی کارکنان شود تا آنها نیز کیفیت خدمات ارائه شده به بیماران را افزایش دهند. هدف این مطالعه یافتن ارتباط سبک های رهبری با رضایت شغلی پرستاران و پیشنهاد رهبری اثربخش می باشد.

روش: این مطالعه همبستگی توصیفی می باشد. ابزار گردآوری پرسشنامه می باشد و حجم نمونه ۲۰۰ نفر بوده و جامعه پژوهش کلیه کارکنان پرستاری و مدیران بیمارستان های شهر کرمان در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: در رابطه با نوع سبک رهبری مدیران، یافته‌ها نشان داد که ۴۶ درصد از مدیریت استبدادی استفاده می‌کردند و ۷۸ درصد کارکنان رضایت شغلی نداشتند. همچنین بین میانگین نمره رهبری و میزان رضایت شغلی پرستاران ارتباط معنی‌داری وجود داشت.

بحث و نتیجه‌گیری: مدیرانی که پرستاران خود را در تصمیمات مربوط به امورات خود مشارکت می‌دهند و یا اینکه محیط مشاوره‌ای ایجاد کرده بودند، میزان رضایت شغلی بالا بود بنابراین به مدیران پرستاری پیشنهاد می‌شود که کارکنان خود را در تصمیم‌گیری مشارکت دهند تا کارکنان تعهد سازمانی، رضایت شغلی بیشتری داشته باشند. در نهایت باعث افزایش کیفیت خدمات ارائه شده و رضایت بیماران خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: سبک‌های رهبری، رضایت شغلی، پرستاران.

(S.26SP0s.3) نشست: ۲۶، پوستر: ۳

بررسی راهکارهای افزایش بهره‌وری آموزشی از دیدگاه دانشجویان پرستاری و مامایی دانشکده پرستاری و مامایی شهر کرمان سال ۱۳۸۸

خانم فاطمه نادری بنی^۱، آقای محمد رحیمی مدیسه^۲، دکتر معصومه معزی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی پرستاری - دانشکده پرستاری و مامایی شهر کرمان neda_moradi2008@yahoo.com

۲. عضو هیئت علمی - دانشگاه علوم پزشکی شهر کرمان

۳. دانشگاه علوم پزشکی شهر کرمان

مقدمه: بهره‌وری به مفهوم کسب بهترین نتیجه از امکانات موجود و بهترین خروجی از ورودی سیستم آموزش است. در آموزش دانشجویان پرستاری و مامایی تکامل حرفه‌ای مسئله جدی بوده و برنامه آموزشی این رشته‌ها باید به گونه‌ای باشد که زمینه را برای کسب تبحر و حمایت دانشجویان مساعد نموده و بدین ترتیب بهره‌وری آموزشی را افزایش دهد. کسب نظرات و دیدگاه دانشجویان در مورد راهکارهای افزایش بهره‌وری در ارتقاء کیفیت آموزشی کمک‌کننده خواهد بود.

روش: مطالعه اخیر بصورت توصیفی مقطعی بر روی ۶۰ دانشجوی پرستاری و مامایی شاغل به تحصیل در ترم های ۶ و ۷ دانشکده پرستاری و مامایی شهر کرمان انجام گرفت. ابزار پژوهش، پرسشنامه پژوهشگر ساخته، ۱۳ سوال در حیطه‌های استاد، برنامه آموزشی، مشاور، ارزشیابی و روش تدریس بود. اطلاعات لازم از طریق تکمیل پرسشنامه کسب و با نرم افزار SPSS16 تجزیه و تحلیل گردید.

یافته‌ها: ۶۶/۷٪ از دانشجویان مورد مطالعه پرستاری و ۳۳/۳٪ مامایی بودند. ۶۶/۷٪ مونث و ۳۳/۳٪ از آنان مذکر بوده و متوسط سنی آنان $23 \pm (20-26)$ بود. راهکارهای افزایش بهره‌وری از دیدگاه دانشجویان به ترتیب با حیطه‌های استاد، برنامه آموزشی، مشاور، ارزشیابی و روش تدریس مرتبط بوده و ۵ عامل تاثیرگذار در اولویت برای افزایش بهره‌وری از دیدگاه دانشجویان شامل مقبولیت علمی، اجتماعی استاد ($4/36 \pm 8$)، استفاده از فنون مختلف تدریس ($4/08 \pm 84$)، وجود مقطع تحصیلی بالاتر در هر رشته تحصیلی در دانشگاه ($9/06 \pm 4$)، و تعیین آینده شغلی توسط اساتید مشاور ($4/06 \pm 8$)، کم کردن زمان دروس عمومی و افزایش زمان دروس تخصصی ($1/02 \pm 3/88$) بود.

بحث و نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد برنامه آموزشی دانشگاه در راستای استفاده بهینه از امکانات موجود بوده و افزایش مقبولیت اساتید از لحاظ علمی و نحوه تدریس، مشاوره، وجود مقطع تحصیلی بالاتر تحصیلی از عوامل مؤثر در افزایش بهره‌وری خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: بهره‌وری آموزشی، دانشجویان پرستاری و مامایی، استاد.

بررسی شاخص های مهارت گوش دادن فعال (active listening skill) رهبران آموزشی، به منظور تدوین**چک لیست ارزیابی مناسب این مهارت**خانم مریم علیزاده^۱، خانم مهسا شکور^۲

۱. دانشگاه علوم پزشکی اصفهان_ مرکز مطالعه و توسعه آموزش پزشکی، alizade.maryam@ymail.com

۲. دانشگاه علوم پزشکی اصفهان_ دانشکده پرستاری و مامایی، shakoor@nm.mui.ac.ir

مقدمه: در محیط آموزشی مدیری رهبر است که دیگران را از لحاظ افکار احساسات رفتار و کردار تحت تأثیر قرار دهد و در انجام دادن وظایف آموزشی آنان را یاری می کند. یکی از مهم ترین وظایف رهبر آموزشی برقراری ارتباط مؤثر با همکاران دانشجویان و خانواده هاست. برای رهبری اثربخش بر رفتار زیر دستان صاحب نظران به شایستگی های سه گانه ای اشاره کرده اند که شامل: تشخیص، سازگاری و ارتباط می باشد. رهبران آموزشی که اساتید نیز جزء آن ها هستند روزانه ارتباطات بین فردی زیادی به صورت رسمی یا غیر رسمی و در جلسات متعدد برقرار می کنند. جهان در حال تغییر است به دنبال آن زمینه ی آموزش ما نیز در حال تغییر است رهبری در هر بخش جامعه و کشور مهم است. برد دانشکده ی (trustees) معتقد است دانشجویان زمانی به بهترین نحو به کار گرفته می شوند که مدیر یا معاون وی رهبری اثربخش داشته باشند. یکی از مهمترین مهارت های رهبری مهارت برقراری ارتباط است یعنی دادوستد اطلاعات که خود شامل مهارتی است به نام مهارت گوش دادن مؤثر و فعال. نیاز به رهبری مؤثر غیر قابل انکار است آنچه که ناشناخته مانده است نقش گوش دادن (listening) در رهبری است. گوش دادن به عنوان اولین و مهمترین مهارت ارتباطی شناخته شده است. به دو دلیل: اولین مهارت ارتباطی که باید هر فردی ه دستاورد مهارت شنیدن است دوم اینکه در مقایسه با صحبت کردن خواندن و نوشتن اغلب در طول روز بیشتر استفاده می شود. رهبری نیازمند صلاحیت در رفتار های شنیداری است. گوش دادن سخت ترین مهارت برای یاد گیری است و شاید به این دلیل است که ما در طول زندگی مان عادات نادرست شنیدن را پرورش می دهیم و در هنر گوش نکردن متبحر می شویم و زمانی که باید به چیزی گوش دهیم علاقه ی شدیدی به فکر کردن در مورد چیزهای دیگر و متفاوت داریم هدف از این بررسی شناسایی شاخص های مهارت گوش دادن فعال (ALS) در رهبران آموزشی به منظور تدوین چک لیست ارزیابی مناسب جهت مهارت (listening)

روش: این مقاله با رجوع به مقالات و کتب موجود در زمینه ی رهبری آموزشی مهارت های آن و مهارت گوش دادن جهت شناسایی شاخص های مهارت گوش دادن فعال در رهبران آموزشی به منظور تدوین چک لیست مناسب انجام گردید.

یافته ها: در مطالعه ای که توسط جیمز آلیس در سال ۲۰۰۳ به منظور تعیین اهمیت listening در رهبری انجام شد مشخص گردید که در میان ۴ مهارت مازور زبانی (listening, listening speaking reading writing) اولین مهارت یاد گرفته شده و مهمترین و پر استفاده ترین مهارت در افراد بوده است. همان قدر که به مهارت صحبت کردن در رهبر تأکید می شود مهارت گوش دادن فعال نیز بسیار مهم و حیاتی است آنچه که تأییدی بر این مطلب است در مطالعه ای که توسط ماری لویز در دانشجویان پرستاری انجام گردید و مشخص نمود که فقدان این مهارت (listening) در پرستاران در نقش یک رهبر خطرات جدی برای بیماران به همراه خواهد داشت. همان طور که در مطالعات گرک ناتالی (gehrke nathalie) مشخص گردید که رشد مهارت های رهبری آموزشی در افراد و از جمله مهارت گوش دادن خود نیاز مند آموزش می باشد. در مطالعات شاون بورک و همکاران در سال ۲۰۰۶ مهمترین الزام رهبری برقراری روابط بین فردی مشخص گردید که نیازمند مهارت گوش دادن می باشد. ساواج در سال ۱۹۹۸ ده مانع ارتباطی در موقعیت مصاحبه تعیین کرد که یکی از آن ها ضعف در مهارت گوش دادن فعال بود. ۱۲ استفاده از مهارت شنیدن فعال نقش مهمی در ارتباط مؤثر بازی می کند. شنیدن فعال به عنوان یک فرایند چند مرحله ای می باشد که در مطالعات داون و همکاران (Down Hamlin) در سال ۲۰۰۷ با اختصار LAFF تعریف شد: L:listen A:ask F:focus F:find از آنجا که تمامی تعریف های رهبری آموزشی از طریق تأثیرگذاری بر رفتار دیگران و برقراری ارتباط مناسب با زیردستان تعریف شده است و برقراری ارتباط مؤثر خود مستلزم وجود مهارت گوش دادن فعال و مناسب است واز طرفی این مهارت خود دارای مراحل موانع و فاکتورهای اساسی است که بر اثرگذار بودن و فعال بودن آن اثر می گذارد و چون رهبری خوب گروه های آموزشی به اضافه تعامل همراه با مطالعه و تعهد و تعقل اعضای گروه می تواند یادگیری گروهی اثر بخش و کارایی را به دست دهد. اگر قرار باشد که رهبر آموزشی در کار خود توفیق یابد افراد گروه باید او را همچون یکی از اعضای گروه بشناسند.

پس شناسایی این فاکتورها به منظور تدوین ابزاری مانند چک لیست یا پرسشنامه‌های خود ارزیابی می‌تواند جهت تقویت این مهارت و شناسایی نقاط قوت و ضعف رهبران آموزشی مفید واقع گردد. برای این مهارت (listening skill) چک لیستی دارای ۶ شاخص اصلی که شامل: توجه و دقت، همدلی، به یادسپاری، احترام، فکریاز و پاسخگویی می‌باشد استخراج گردید که هر شاخص خود شامل چند آیتم می‌باشد. شاخص توجه و دقت ۱۳ آیتم، همدلی ۶ آیتم، به یادسپاری ۴ آیتم، احترام ۸ آیتم، فکر باز ۶ آیتم و پاسخگویی ۶ آیتم.

بحث و نتیجه‌گیری: از مهمترین مهارت‌های برقراری ارتباط مؤثر مهارت گوش دادن فعال می‌باشد که معمولاً نا شناخته باقی می‌ماند. این مهارت همانند سایر فاکتورها دارای شاخص‌ها و نشانه‌هایی جهت مؤثر بودن آن می‌باشد که شناسایی آنها هم جهت آموزش و هم جهت ارزیابی می‌تواند مفید واقع گردد. هر ارزیابی نیازمند ابزاری است که داده‌های عینی فراهم سازد نتایج این مطالعه می‌تواند جهت استفاده کاربردی و مؤثر در ارزیابی و آموزش مهارت (listening) استفاده گردد.

کلیدواژه‌ها: شاخص، مهارت گوش دادن فعال، رهبران آموزشی، چک لیست ارزیابی

(S.26SPos.5) نشست: ۲۶، پوستر: ۵

بررسی کیفیت معیار «مدیریت فرایند» در حوزه آموزش بیمارستان بقیه الله براساس مدل تعالی مالکولم بالدریج در سال ۱۳۸۸

محمد صالح فلاح^۱، شهرام توفیقی^۲، مجتبی خواجه آزاد^۳

۱. خیابان ملاصدرا- دانشگاه بقیه الله - معاونت تحقیقات، mosafa52@yahoo.com

۲. خیابان ملاصدرا- دانشگاه بقیه الله - معاونت تحقیقات،

۳. خیابان ملاصدرا- دانشگاه بقیه الله - دانشکده پزشکی،

مقدمه: مدل تعالی مالکولم بالدریج اصول مدیریت کیفیت فراگیر (TQM) را برای سازمانهای آموزشی-درمانی بهینه نموده که ششمین معیار این مدل مدیریت فرایند می‌باشد. هدف این مطالعه ارزیابی کیفیت مدیریت فرایند در حوزه آموزش بیمارستان بقیه الله براساس مدل تعالی مالکولم بالدریج بود.

روش: مطالعه توصیفی و مقطعی بود و اطلاعات از طریق مصاحبه، مشاهده مستندات و فرایندها با استفاده از چک لیست استاندارد مدل تعالی مالکولم بالدریج (نسخه ۲۰۱۰-۲۰۰۹) جمع آوری شد. کیفیت معیار مدیریت فرایند و هر یک از شاخص‌های آن با استفاده از ماتریس مدل در چهار سطح رویکرد، استقرار، یادگیری سازمانی و یکپارچگی امتیازدهی و تحلیل گردید.

یافته‌ها: در مجموع معیار مدیریت فرایند در حوزه آموزش بیمارستان بقیه الله براساس مدل بالدریج از مجموع ۸۵ امتیاز ۳۰/۲ (۳۵/۵۳٪) امتیاز را کسب نمود. این امتیاز از میانگین شاخص‌های «طراحی سیستم‌های کاری (۴۰٪) فرایندهای اصلی کار (۳۷/۵٪) آمادگی برای شرایط اضطراری (۳۵٪) مربوط به زیر معیار سیستم‌های کاری و شاخص‌های طراحی فرایند کار (۳۵٪) مدیریت فرایند کار (۳۰٪) ارتقاء فرایند کار (۳۷/۵٪) مربوط به زیر معیار فرایندهای کاری بدست آمده است.

بحث و نتیجه‌گیری: نتایج نسبت به مطالعه مشابه در سال ۱۳۸۶ در بیمارستان شهید هاشمی نژاد که ۲۰٪ امتیاز معیار «مدیریت فرایند» حوزه آموزش مدل بالدریج را کسب نموده، بهتر بود. این امر علاوه بر تفاوت در سال ارزیابی، می‌تواند به دلیل تلاش برای اعتباربخشی آموزش پزشکی براساس استانداردهای ملی و جهانی (WFME) در دانشکده پزشکی بقیه الله باشد. نتایج نشان می‌دهد که دانشکده پزشکی در این معیار در آغاز راه بوده و هم‌اکنون در حال شناسایی و طراحی سیستم‌های کاری، فرایندهای اصلی و راه‌های ارتقای آن است. اما این شناسایی هنوز به طراحی کامل فرایند کار منجر نشده است بنابراین مدیریت فرایند دارای ضعف عمده‌ای است. پیشنهاد می‌شود همزمان با شناسایی سیستم کاری و فرایندهای اصلی آن با استفاده از تکنیک رسم فلوچارت فرایند کار نیز تدوین گردد. این امر مدیریت فرایند را تسهیل نموده و راه‌های ارتقای فرایند و مدیریت آن در شرایط اضطراری را نمایان می‌سازد.

کلید واژه‌ها: مدل تعالی، کیفیت، مدیریت فرایند، مالکولم بالدریج، بیمارستان بقیه الله.

(S.26SPos.6) نشست: ۲۶، پوستر: ۶

مدیریت دانشگاهی و پاسخگویی؛ ضرورت استقلال و آزادی علمیزهرا کریمیان^۱، جواد کجوری^۲، فرهاد لطفی^۳، میترا امینی^۴

۱- دانشجوی دکتری علوم پزشکی شیراز و دانشگاه شهید بهشتی - شیراز، خیابان کریم خان زند، دانشکده پزشکی، ساختمان شماره

۳ طبقه هفتم مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

۳- دانشیار مرکز مطالعات و توسعه علوم پزشکی شیراز

۳- دانشجوی دکتری مرکز مطالعات و توسعه علوم پزشکی شیراز

۴- دانشیار مرکز مطالعات و توسعه علوم پزشکی شیراز

مقدمه: اصالت و پویایی فعالیت‌های دانشگاه نیاز به یک جو آزاد و دموکراتیک دارد. آزادی علمی از اصول پشتیبان فعالیت‌های اعضای هیأت علمی به شمار می‌رود. در یک جامعه سالم اعضای هیأت علمی می‌باید از حق طبیعی خود برای تبادل آزاد اندیشه‌ها و نظریه‌ها در کلاس درس، اجرای آزادانه پژوهش و انتشار نتایج آن و اظهارنظرهای تخصصی درباره موضوعات علمی و... برخوردار باشند. عامل دیگر در این مسئله بحث استقلال علمی دانشگاه‌هاست. استقلال دانشگاه به معنای آزادی در مدیریت دانشگاهی، عدم تقلید در دیوانسالاری دولتی و امکان ارائه شیوه‌های نوین در توزیع منابع مالی داخلی، کسب درآمد از منابع مالی خارجی، استخدام کارکنان، پذیرش دانشجو، شرایط تحصیل و... تعریف می‌شود. اعطای استقلال به دانشگاه‌ها سیاستی اصولی برای افزایش مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی و پویایی دانشگاه است. تحقیقات نیز نشان می‌دهد بهترین دانشگاه‌ها، مراکزی بوده‌اند که از نظر علمی مستقل عمل کرده‌اند و دولت نقش حمایتی، تسهیل‌کننده و نظارتی بر دانشگاه را داشته است. پژوهش حاضر با هدف بررسی وضعیت استقلال و آزادی علمی در دانشگاه از دیدگاه اعضای هیأت علمی انجام پذیرفته است.

روش: جامعه آماری پژوهش را ۵۵۰ عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز تشکیل می‌دهند. بر اساس جدول مورگان نمونه‌ای مشتمل بر ۲۳۰ نفر از اعضای هیأت علمی به نسبت دانشکده‌های مختلف انتخاب گردیدند و آزادی علمی و استقلال دانشگاه توسط پرسشنامه محقق ساخته با ۱۵ سوال بسته پاسخ در مقیاس لیکرت و یک سوال باز مورد سنجش قرار گرفت و نمره هر گویه از ۱۰۰ محاسبه گردید. روایی پرسشنامه توسط صاحب‌نظران و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ ۹۱ درصد مورد تایید قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان داد اعضای هیأت علمی معتقد بودند، عدم استقلال مالی دانشگاه و وابستگی به بودجه دولتی (۸۵/۶)، تأثیر روابط سیاسی کشور بر روابط علمی بین‌المللی و پذیرش مقالات در مجلات معتبر خارجی (۷۹/۱)، تأثیر نگرش‌های سیاسی برخی مدیران دانشگاهی بر فضای علمی (۷۶/۹)، تغییر مداوم برنامه‌ها و طرح‌های علمی بعد از تغییر و تحولات سیاسی (۷۶/۵) به ترتیب بیشترین و ناکافی بودن فضا آزاد علمی در تدریس و پژوهش (۶۶/۸)، کمترین میانگین را به خود اختصاص داد. در همین رابطه هیأت امنایی شدن مدیریت دانشگاهی و انتخاب مدیران علمی دانشگاه با هم رأی اعضای هیأت علمی به عنوان ضرورت اساسی در محیط‌های آکادمیک بر شمرده شد. همچنین بین دیدگاه اعضای هیأت علمی به تفکیک رشته تحصیلی، مرتبه علمی و جنسیت تفاوت معناداری احساس نشد ($P < 0.05$).

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به اهمیت استقلال مالی و اداری دانشگاه در پاسخگویی و رشد خلاقیت در دانشگاه‌ها و توانمندسازی مدیران این مسئله می‌باید مورد توجه قرار گیرد. همچنین توجه به افق بلندمدت در برنامه‌ریزی‌ها و نظام مدیریت استراتژیک و استقرار سیستم پایش و پاسخگویی سیستماتیک می‌تواند از بسیاری از دوباره کاری‌های ناشی از تغییرات سیاسی جلوگیری نماید.

کلیدواژه‌ها: دانشگاه، آزادی علمی، استقلال دانشگاه، پاسخگویی



(S.26SPos.7) نشست: ۲۶، پوستر: ۷

بررسی تأثیر ارائه طرح درس توسط اساتید بر بهره‌وری آموزشی از دیدگاه دانشجویان مقطع علوم پایه پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی مشهد

میلاد انوری^۱، امید حسنی^۲، محمدرضا جمعه زاده^۳۱. دانشگاه علوم پزشکی مشهد، anvarim861@mums.ac.ir۲. hassaniao861@mums.ac.ir۳. jomezadehm861@mums.ac.ir

مقدمه: اساتید جهت آشنایی اولیه دانشجویان و نیز جهت‌دهی افکار آن‌ها نسبت به درس و مبحث مورد نظر طرح درسی را ارائه می‌دهند. در این پژوهش میزان تأثیر این فاکتور در بهره‌وری آموزشی از دیدگاه دانشجویان مقطع علوم پایه پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی مشهد مورد بررسی قرار گرفته است.

روش: مطالعه حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است. برای جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه‌ای طراحی گردید که روایی و پایایی آن به تأیید رسید. این پرسشنامه در اختیار دانشجویان مقطع علوم پایه پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد که به صورت تصادفی-طبقه‌ای انتخاب شده بودند قرار گرفت. جامعه آماری به دست آمده برای این پژوهش شامل ۱۰۰ نفر (۵۲ مرد، ۴۸ زن) می‌باشد. در پایان داده‌ها توسط نرم افزار spss11 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: ۶۰٪ دانشجویان معتقد بودند ارائه طرح درس در ابتدای ترم توسط اکثر اساتید صورت نمی‌گیرد و از نظر ۴۹٪ آن‌ها لزوم ارائه طرح درس برای اغلب اساتید واضح و توجیه شده نیست. اغلب آن‌ها ابراز داشتند دیدی کلی از دروس به کمک طرح درس ارائه شده توسط اساتید به دست نمی‌آورند. ۷۴٪ آن‌ها بیان کردند که دانستن سر فصل‌های دروس و مطالبی که باید در طول ترم آموخته شود برای یادگیری بهتر دروس لازم و ضروری است.

بحث و نتیجه‌گیری: نتایج نشان می‌دهد از دیدگاه دانشجویان ارائه طرح درس توسط اساتید موجب بهبود یادگیری و فهم و درک بهتر آن‌ها از درس و مبحث موردنظر می‌گردد. بنابراین توجه بیشتر به این فاکتور توسط اساتید برای بهبود یادگیری و بهره‌وری آموزشی بهتر و بیشتر ضروری به نظر می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: طرح درس، بهره‌وری آموزشی، علوم پایه.

(S.26SPos.8) نشست: ۲۶، پوستر: ۸

بررسی نگرش دانشجویان پزشکی و فارغ التحصیلان پزشکی در مورد کاربردهای کامپیوترهای جیبی در پزشکی؛ یک مطالعه کیفی

آقای آیدین پرنیا^۱، دکتر پیام کبیری^۲، آقای حسام الدین خدادادی^۳، دکتر مجید احسن^۴، دکتر امیر مومنی^۵۱. draparnia@gmail.com۲. اصفهان، خیابان هزار جریب، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، معاونت پژوهشی، payam.kabiri@gmail.com۳. اصفهان، خیابان هزار جریب، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، مدیریت مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، ستاد پرورش استعدادهای علمی دانشجویان، dr_h_khodadadi@yahoo.com

۴. اصفهان، خیابان هزار جریب، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، مدیریت مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، ستاد پرورش استعدادهای علمی دانشجویان،

۵. amirmomenibr@yahoo.com

مقدمه: بیش از یک دهه است که کامپیوترهای جیبی جای خود را در پزشکی باز کرده‌اند. مطالعات بسیاری افزایش استفاده از کامپیوترهای جیبی را در بین پزشکان و دانشجویان پزشکی نشان داده‌اند. با این حال و با توجه به اینکه تأثیرات مثبت استفاده از

کامپیوترهای جیبی در یادگیری و طبابت بالینی به اثبات رسیده است، هنوز در ایران توجه زیادی به این موضوع نشده است. همچنین مشخص شده است که آموزش چگونگی استفاده از کامپیوترهای جیبی تأثیرات قابل قبولی در استفاده دستیاران از این دستگاه‌ها داشته است. لذا به نظر می‌رسد باید با طراحی مطالعات مختلف در جهت بومی‌سازی اطلاعات در این زمینه تلاش شود. بنابراین این مطالعه به بررسی نگرش دانشجویان پزشکی و فارغ التحصیلان این رشته و مقایسه آن‌ها برای بکارگیری در طراحی و برنامه‌ریزی مدل‌های آموزشی مناسب در زمینه کاربرد کامپیوترهای جیبی در پزشکی می‌پردازد.

روش: این مطالعه یک مطالعه توصیفی و مقطعی است که بوسیله توزیع پرسشنامه بین دو گروه دانشجویان و فارغ التحصیلان پزشکی انجام می‌شود. پرسشنامه‌ی مطالعه شامل دو بخش، سوال باز تشریحی که به بررسی نظر افراد در مورد کاربردهای کامپیوترهای جیبی می‌پردازد و ۲۲ سوال لیکرت چهارگزینه‌ای در سه موضوع اصلی، نگرش کلی کاربران پزشک در استفاده از کامپیوترهای جیبی، اطلاعات و استفاده‌های پایهای کامپیوترهای جیبی و نگرش در مورد کاربری‌های اختصاصی کامپیوترهای جیبی در پزشکی؛ می‌پردازد. برای آنالیز پرسشنامه‌ها نیز از دو روش استفاده می‌شود. برای سوالات باز از روش غوطه‌ورسازی و تبلور استفاده خواهد شد و در نهایت درون مایه‌های نظرات گزارش می‌شود. در مورد سوالات لیکرت چهارگزینه‌ای نیز میانگین و انحراف معیار محاسبه می‌شود. همچنین پاسخ‌های داده شده به سوالات لیکرت به تفکیک دو گروه مطالعه بوسیله Independent T-test با یکدیگر مقایسه می‌شوند.

یافته‌ها: در مجموع از ۱۰۰ پرسشنامه توزیع شده ۷۸ مورد وارد مطالعه شد که شامل ۵۳ دانشجو و ۲۵ فارغ التحصیل می‌شد. از آنالیز سوال باز تشریحی درون مایه‌های دسترسی راحت‌تر و سریع‌تر به کتب، راهنماهای بالینی، اطلاعات دارویی و دیگر اطلاعات؛ به‌روز بودن اطلاعات؛ استفاده برای طبابت مبتنی بر شواهد؛ کاهش خطاهای پزشکی و رویکرد غیرعلمی؛ صرفه‌جویی در زمان؛ کمک به یادگیری؛ بدست آمد. در مقایسه سوالات لیکرت دو گروه مطالعه تنها در ۵ سوال با یکدیگر اختلاف معنی‌داری داشتند.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج بدست آمده مشخص گردید که نگرش این دو گروه در مورد استفاده از کامپیوترهای جیبی برای یادگیری اختلاف دارند که نظر گروه فارغ التحصیلان در این زمینه مساعدتر است. این موضوع می‌تواند بدلیل اختلاف در پایه‌ای در مفهوم یادگیری در بین این دو گروه باشد. در مجموع نگرش دو گروه مطالعه اختلاف واضحی با یکدیگر ندارد، که این موضوع نشان‌دهنده نیاز آموزشی یکسان آنان می‌باشد. با نگاهی کلی بر نتایج می‌توان دریافت که برای آموزش بکارگیری کامپیوتر جیبی در طبابت نیاز به برنامه‌ای جامع است که بتواند تمام حیطه‌های بحث را پوشش دهد.

کلیدواژه‌ها: کامپیوترهای جیبی، آموزش بالینی، آموزش پزشکی، یادگیرندگان پزشکی، فارغ التحصیلان پزشکی

(S.26SPos.9) نشست: ۲۶، پوستر: ۹

ارزشیابی مدیریت آموزشی دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی رشت

مینومیترا چهرزاد^۱، عاطفه قنبری، پروانه رضا سلطانی، مجید پورشیخان، افسانه پاشا، کبری سلامی کهن

۱-دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی رشت

مقدمه: مدیریت آموزشی قلب دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی بوده و سنجش این امر که وضعیت یک نظام آموزشی چگونه است، تنها توسط یک رهیافت مناسب ارزشیابی از مدیریت آموزشی و عوامل تشکیل دهنده نظام و عملکرد آن امکان‌پذیر است. بنابراین نقش ارزشیابی جهت شناخت قوت‌ها و ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها به عنوان مبنای برنامه‌ریزی توسعه و بهبود قابل توجه است.

روش: مطالعه حاضر، توصیفی بوده که هدف آن ارزشیابی مدیریت آموزشی دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی رشت می‌باشد. جامعه پژوهش کلیه اعضا هیئت علمی، مدیران گروه‌های آموزشی، معاون و ریاست دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی رشت بودند که به روش سرشماری نمونه‌گیری شدند. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک و پرسشنامه سنجش مدیریت آموزشی در حیطه‌های رسالت و اهداف آموزشی، سنجش و ارزشیابی آموزشی و مدیریت و سازماندهی بود که به روش خود ایفا توسط واحدهای مورد پژوهش تکمیل می‌گردید. اطلاعات جمع‌آوری شده با استفاده از SPSS ورژن ۱۶ مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد در حیطه رسالت و اهداف آموزشی اکثریت واحدهای مورد پژوهش وضعیت کوریکوم آموزشی (۱۰۰٪) وجود اهداف آموزشی (۱۰۰٪) را مطلوب و بازنگری رسالت و اهداف آموزشی (۵۷/۱٪) و مشارکت اساتید در تدوین اهداف (۷۱/۴٪) را نامطلوب ارزشیابی نمودند. در حیطه سنجش و ارزشیابی اکثریت واحدهای مورد پژوهش وضعیت سنجش و ارزشیابی امتحانات نظری (۸۰٪)

وامتحانات بالینی (۸۳/۳٪) را نسبتاً مطلوب ارزشیابی نمودند. در حیطه مدیریت وسازماندهی نیز، اعضا هیئت علمی، مدیران را مورد ارزشیابی قرار داده و یافته ها نشان داد مدیران آموزشی از نظر ویژگی های فردی (۴۳٪) نسبتاً مطلوب، از نظر نحوه انتخاب (۹۵/۷٪) و نحوه ارزشیابی (۶۴/۳٪) مطلوب و از نظر نحوه تغییر (۵۵٪) نامطلوب می باشند. همچنین مدیران از نظر وظایف مورد سنجش قرار گرفته و یافته ها نشان داد مدیران آموزشی از نظر توانایی برنامه ریزی (۴۲/۳٪)، تهیه برنامه های اجرایی (۸۵/۷٪)، ارزشیابی مستمر اعضا (۶۰/۷٪)، تشویق و تنبیه (۶۲/۱٪)، برگزاری مرتب جلسات (۷۵٪) مطلوب و از نظر نظارت بر اجرای اهداف آموزشی (۵۲٪)، بررسی محیط آموزش بالینی قبل و حین کار آموزی (۳۷/۹٪)، توانمندسازی پژوهشی اعضا هیئت علمی (۵۷/۱٪) نسبتاً مطلوب و از نظر توانمندسازی آموزشی اعضا هیئت علمی (۴۴/۴٪) نامطلوب می باشند.

بحث و نتیجه گیری: باتوجه اینکه ارتقاء کیفیت آموزشی به شرایط مطلوب مدیریت آموزشی نیاز دارد، ارتقاء موارد بازنگری رسالت و اهداف آموزشی، مشارکت اساتید در تدوین اهداف، سنجش و ارزشیابی امتحانات نظری و بالینی، نظارت مدیران بر اجرای اهداف آموزشی، بررسی محیط آموزش بالینی قبل و حین کار آموزی و توانمندسازی پژوهشی و آموزشی اعضا هیئت علمی از مواردی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

کلید واژه ها: ارزشیابی، مدیریت آموزشی، دانشکده پرستاری و مامایی

(S.27SPos.1) نشست: ۲۷، پوستر: ۱

بررسی تطابق سرفصل ها و کمیت و کیفیت فعالیت دانشجویان بخش پروتز دانشکده دندانپزشکی قزوین با

دانشجویان در سال ۱۳۸۸

فاطمه جوادی^۱، شراره قاسمی^۲

darya_fj@yahoo.com .۱

sharareee88@yahoo.com .۲

مقدمه: به منظور بهبود وضعیت آموزشی در واحدهای مختلف و نیل به ارتقاء کیفیت آموزشی، بررسی تطابق سرفصل ها و کمیت و کیفیت فعالیت دانشجویان اهمیت ویژه ای دارد و با توجه به جایگاه علم پروتز در رشته دندانپزشکی بر آن شدیم تا این موضوع را در بخش پروتز دانشکده دندانپزشکی قزوین را از نظر دانشجویان در سال ۱۳۸۸ بررسی کنیم.

روش: این مطالعه به روش توصیفی-مقطعی انجام گردید. جامعه مورد مطالعه دانشجویان دندانپزشکی سال ۴ تا ۶ بودند که به شیوه نمونه گیری تصادفی آسان وارد مطالعه شدند ابزار جمع آوری اطلاعات ۱۰۰ پرسشنامه ای حاوی ۶۰ سوال با محوریت ۱- میزان فعالیت دانشجویان در امر درمان و آموزش

۲- تطابق سرفصل ها با نیازها و پیشرفت ها بود. روایی پرسشنامه را به شیوه تأیید روایی محتوا توسط مشاوره با صاحب نظران و پایایی آن با روش آلفای کرونباخ بدست آمد. پس از جمع آوری اطلاعات آنالیز در نرم افزار SPSS با استفاده از آمار توصیفی و آزمون های مجذور K و همبستگی انجام گرفت.

یافته ها: محدوده سنی شرکت کنندگان ۲۰ تا ۴۱ سال و بیشترین تعداد ۲۳ ساله ها (۳۷/۷) و ۲ (۶۷/۱٪) زن و (۳۲/۸٪) مرد بودند. در محور ۱: ۱۱/۵ درصد دانشجویان این ارتباط را بد و ۸۰/۳٪ متوسط و ۸/۲٪ خوب ارزیابی کردند. در محور ۲: ۴/۲۹ درصد دانشجویان این ارتباط را بد و ۶۷/۲٪ متوسط و ۲۶/۲٪ خوب ارزیابی کردند هر دو محور با سن و جنس ارتباط معنا دار داشت.

کلید واژه ها: آموزشی، سرفصل، درمان، فعالیت.

(S.27SPos.2) نشست: ۲۷، پوستر: ۲

مقایسه سه روش سخنرانی، سخنرانی همراه با پرسش و پاسخ و یادگیری براساس حل مسئله در آموزش دروس اختصاصی علوم پایه پزشکی از دیدگاه دانشجویان دانشکده پزشکی مشهد

تکتم مسعودی*، زهرا نیک فرجام**

دفتر استعدادهای درخشان مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی معاونت آموزشی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

massoudit861@mums.ac.ir*

nikfarjamz861@mums.ac.ir**

مقدمه: در اکثر دانشگاه‌های دنیا یادگیری بر اساس حل مسئله جایگزین تدریس سنتی شده است به همین منظور در این مطالعه، در حوزه آموزش دروس اختصاصی علوم پایه به دانشجویان پزشکی سه روش سخنرانی، سخنرانی همراه با پرسش و پاسخ و یادگیری بر اساس حل مسئله مقایسه گردیده است.

روش: نوع مطالعه توصیفی- مقطعی بوده و جامعه آماری ۳۵ نفر از دانشجویان ورودی مهر ۸۵ می باشند که به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. روش جمع‌آوری داده‌ها تکمیل پرسشنامه بود و از دانشجویان خواسته شد در رابطه با هریک از دروس تخصصی مقطع علوم پایه شامل: آناتومی، بافت شناسی، جنین شناسی، بیوشیمی، ایمنی شناسی، ویروس شناسی، باکتری شناسی، انگل شناسی، فیزیولوژی، فیزیک پزشکی، ژنتیک، پاتولوژی و تغذیه بهترین شیوه تدریس را از میان موارد: سخنرانی، سخنرانی همراه با پرسش و پاسخ و یادگیری براساس حل مسئله انتخاب نمایند. سپس آنالیز داده‌ها در نرم افزار آماری SPSS ۱۴ انجام گرفت.

یافته‌ها: شیوه سخنرانی در دروس فیزیک پزشکی (۵۲٪) و بافت شناسی (۴۵.۴۵٪)، سخنرانی همراه با پرسش و پاسخ، در دروس بیوشیمی (۳۷.۹٪) و تغذیه (۳۵.۳٪) یادگیری براساس حل مسئله، در دروس ایمنی شناسی (۶۱.۵٪)، انگل شناسی (۶۰.۷۰٪)، باکتری شناسی (۵۹.۲٪)، ژنتیک (۵۸.۳٪)، پاتولوژی (۵۴.۳٪)، فیزیولوژی (۵۰٪)، جنین شناسی (۴۸.۳۸٪)، آناتومی (۴۶.۴٪) و ویروس شناسی (۴۵.۴۵٪) به عنوان بهترین شیوه‌های تدریس برگزیده شدند.

بحث و نتیجه‌گیری: از دیدگاه دانشجویان بهترین شیوه تدریس در ۷۰٪ از دروس تخصصی مقطع علوم پایه، یادگیری بر اساس حل مسئله می‌باشد با توجه به این علاقه‌مندی و از آنجا که در سیستم آموزشی کنونی مطالب به صورت سنتی سخنرانی ارائه می شوند، توجه به روش‌های نوین آموزشی می تواند مثر ثمر باشد.

کلیدواژه‌ها: سخنرانی، سخنرانی همراه با پرسش و پاسخ، یادگیری براساس حل مسئله، مقطع علوم پایه، پزشکی

(S.27SPos.3) نشست: ۲۷، پوستر: ۳

تغییر در جو آموزشی: نیاز دانشجویان علوم پزشکی

فاطمه مهرآور*، لیلا جویباری**، اکرم ثناگو***

*دانشجو دانشگاه علوم پزشکی گلستان - گرگان-بلوار هیرکان-ابتدای جاده شست کلاه-کمیته تحقیقات دانشکده پرستاری و

مامایی گرگان mehrravar10261@yahoo.com

**استادیار دانشگاه علوم پزشکی گلستان - گرگان- l_juybari@yahoo.com

***استادیار دانشگاه علوم پزشکی گلستان - گرگان- A_sanagu@yahoo.com

مقدمه: طبق تعریف "جو سازمانی" کیفیت درونی سازمان مطابق ادراک و تجربه اعضای آن سازمان می باشد. "جو دانشگاه" نیز عبارت است از کیفیت نسبتاً پایدار محیط آموزشی که حاصل تلاش، کوشش و روابط و کنش‌های متقابل میان گروه‌های درونی دانشگاه؛ مسئولین، اساتید، کارکنان و دانشجویان است. حاصل نهایی این تعاملات شکل‌گیری ارزش‌ها، اعتقادات و موازین اجتماعی نظام دانشگاه است. هدف از این مطالعه بررسی دیدگاه دانشجویان در خصوص جو سازمانی و محیط دانشگاهی می باشد.

روش: پژوهش حاضر یک تحقیق در این پژوهش توصیفی دست نوشته های ۶۰ دانشجوی پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی گلستان (۱۳۸۸) که در ترم های مختلف آموزشی مشغول به تحصیل بودند بررسی شد. نمونه گیری مبتنی بر هدف بوده است. طی یک سوال باز از مشارکت کنندگان سوال شد "چنانچه جای مسئولین دانشگاه باشند چه تغییراتی را اعمال می نمایند". کلیه دست نوشته های دانشجویان خط به خط خوانده، زیر خطدار، کدگذاری و مطابق روش "تحلیل محتوا" آنالیز شد.

یافته ها: مضمون بر گرفته شده از این مطالعه "نیاز به تغییر" بود. پیشنهادات دانشجویان برای تغییرات در سه بعد "فیزیکی، روانی و آموزشی" بوده است. "تغییر محیط فیزیکی دانشگاه از قبیل در نظر گرفتن فضای استراحت در دانشگاه، افزایش کتابخانه ها"، "تغییر نیروی انسانی دانشگاه شامل اساتید، کارکنان و مسئولین"، "تغییر قوانین حاکم بر محیط آموزشی از قبیل تغییر زمان کلاس ها، افزایش بیمارستان های آموزشی" بود. دانشجویان متقاضی محیطی انعطاف پذیر، چالش برانگیز، مهیا بودن امکانات رفاهی، داشتن اساتید مجرب، رفتار احترام آمیز و جو مدیریتی در خدمت دانشجو بوده اند. هیچیک از تغییرات معطوف به خود دانشجویان نبوده است.

بحث و نتیجه گیری: تأکید دانشجویان بر تغییر می تواند نشانه هایی از مشتری محور نبودن سازمان های آموزشی باشد. از طرفی یافته ها مؤید درجاتی از دوگانگی خواسته ها و آرزوهای آموزشی می باشد. نگاه دانشجو یک طرفه و در جهت نیازهای شخصی بوده است. این امر می تواند ناشی از کم تجربگی آنان نسبت به مسائل آموزشی باشد. بررسی متون حاکی از ظهور نسل جدیدی به نام "نسل من" می باشد. مشخصه این نسل خودشیفتگی و متقاضی بودن به همراه اتکاء ضعیف بر توانایی های خود می باشد. رویکردهای آموزشی برای نسل جدید در اصل مقاله پیشنهاد می شود.

کلیدواژه ها: محیط آموزشی، تغییر، دانشجویان علوم پزشکی

(S.27SPos.4) نشست: ۲۷، پوستر: ۴

بررسی عوامل مؤثر بر تمرکز در کلاس از دیدگاه دانشجویان

محسن پورعزیزی^۱، حمید شاهین فر^۲، روناژ نیکخواه^۳، راهب قربانی^۴، شیدا ذوالفقاری^۵، سمیرا مهرعلیزاده^۶

۱. سمنان، دانشکده پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی، m.pourazizi@yahoo.com

۲. سمنان، دانشکده پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی، h.shahinfar@gmail.com

۳. سمنان، دانشکده پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی، ronaz.nikkhah@gmail.com

۴. سمنان، دانشکده پزشکی، raheb_ghorbani@yahoo.com

۵. سمنان، دانشکده پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی، sh_zolfaghary@yahoo.com

۶. سمنان، دانشکده پزشکی، mehralizadehmd@yahoo.com

مقدمه: عدم تمرکز در کلاس های درس و سمینارها به عنوان یکی از شایع ترین مشکلات آموزشی محسوب می شود. هدف از این مطالعه شناسایی و بررسی میزان تاثیرگذاری عوامل مرتبط با تمرکز، در جهت ارتقاء سطح تمرکز و کیفیت آموزشی می باشد.

روش: در این مطالعه مقطعی، کلیه دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی سمنان در سال تحصیلی ۸۸-۸۹ در چهار مقطع علوم پایه، فیزیوپاتولوژی، کارآموزی و کارورزی به روش سرشماری مورد بررسی قرار گرفتند. پرسشنامه هایی شامل سؤالاتی در مورد عوامل مؤثر بر تمرکز از دیدگاه دانشجویان، بصورت مقیاس پنج گزینه ای لیکرت با پاسخ های بی تأثیر تا خیلی زیاد در سه حیطه وابسته به دانشجو، وابسته به اساتید و وابسته به محیط در اختیار دانشجویان قرار گرفت. داده ها با آزمون های آماری T-Test، آنالیز واریانس و کای اسکور در نرم افزار SPSS 17 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: پرسشنامه ها توسط ۱۸۰ نفر از دانشجویان (۷۴.۴٪) تکمیل، که ۵۹/۳٪ آنها مؤنث بودند. عوامل مرتبط با دانشجو (۴۵.۷۱٪) بیشترین ارتباط را با تمرکز در کلاس نشان داد و پس از آن عوامل مرتبط با اساتید (۳۸.۹۷٪) و عوامل محیطی (۱۱.۴۸٪) قرار گرفتند. دانشجویان با جنسیت مؤنث با اختلاف معناداری ($P < 0.05$) نمره تمرکز را به اساتید و عوامل محیطی مرتبط می دانستند. بیشترین تأثیر در عوامل وابسته به دانشجو مربوط به خواب آلودگی در کلاس (0.66 ± 0.36) در عوامل وابسته به اساتید، مهارت در کاربردی مطرح کردن مطالب (0.80 ± 0.47) و در عوامل محیطی، وضعیت نور و تهویه کلاس (0.87 ± 0.07) بود. مقطع تحصیلی

دانشجویان تفاوت معناداری را در موارد مورد بررسی نشان نداد ($P < 0.05$). بیشترین میزان تمرکز در ردیف های جلوی کلاس (۵۸/۳٪) و مربوط به بازه زمانی ۱۲-۱۰ (۴۳/۸٪) بود. ضمن اینکه تمرکز بیش از ۸۵٪ دانشجویان در کلاس های صبح (۸-۱۲) بیشتر است.

بحث و نتیجه گیری: با علم به این موضوع که تمرکز امری اکتسابی است، با تغییر برخی الگوهای رفتاری دانشجویان از جمله برنامه ریزی زمانی در طول روز که موجب استراحت کافی شده و هم چنین توجه به کاربردی مطرح کردن مباحث درسی توسط اساتید محترم و ایجاد انگیزه در دانشجویان هنگام تدریس و نهایتاً بهبود عوامل محیطی از جمله شرایط فیزیکی کلاس از طرف مسئولین ذیربط، می توان در تقویت تمرکز در کلاس به عنوان عامل مهمی در بهبود کیفیت آموزشی گام برداشت.

کلیدواژه ها: تمرکز در کلاس، کیفیت آموزشی.

(S.27SPos.5) نشست: ۲۷، پوستر: ۵

بررسی دروس پایه و تخصصی دوره کارشناسی ارشد رشته مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی و ارائه الگوی

پیشنهادهای

- روح الله قائدامینی^۱، فاطمه عزیزیان^۲، طه نصیری^۳، شهرام توفیقی^۴
۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت خدمات بهداشتی درمانی - دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج) - دانشکده بهداشت
 ۲. کارشناس ارشد مدیریت خدمات بهداشتی درمانی - دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد
 ۳. کارشناس مدیریت خدمات بهداشتی درمانی - دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج)
 ۴. دکتری مدیریت خدمات بهداشتی درمانی - دانشکده بهداشت

Rouhollah.Ghaedamini@yahoo.com

مقدمه: تخصصی شدن علوم مختلف به ویژه در زمینه های مدیریت و بالخصوص در امر اداره ابعاد و سطوح مختلف نظام خدمات بهداشتی و درمانی در سطح جهانی از اهمیت اولویت خاصی برخوردار بوده و روز به روز مورد تأکید و توجه بیشتری قرار می گیرد و همراه با توسعه سیستم خدمات بهداشتی و درمانی و در کنار تربیت نیروی انسانی کارایی برای رشته های مختلف علوم پزشکی، پرورش مدیرانی که قادر به باشند در کنار سایر متخصصان در اداره چنین مؤسسات سهیم باشند در برنامه های آموزشی و درسی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشورهای مترقی گنجانیده شده است. در کشور ما، گسترش دامنه دار سیستم خدمات بهداشتی و درمانی خاصه بعد از انقلاب اسلامی و کمبود نیروی انسانی هرجهت اداره و مدیریت سازمان های بهداشتی و درمانی لزوم تربیت و آموزش افرادی به این منظور ایجاد می نماید. لذا؛ نیازمندی نظام خدمات بهداشتی و درمانی به تربیت شدگان این رشته در سطوح مختلف مدیریت لزوم برای تربیت کارشناسان ارشد رشته مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی را بارز می سازد.

روش: پژوهش حاضر مطالعه ای است توصیفی -تحلیلی واز نوع cross-sectional که بیشتر جنبه کاربردی دارد. جامعه مورد پژوهش در این طرح دروس پایه و تخصصی آخرین مصوبه شورای عالی برنامه ریزی است که تمام آنها مورد بررسی قرار میگیرند. روش جمع آوری اطلاعات در خصوص نظرات اساتید و دانشجویان از طریق پرسشنامه علمی طراحی شده توسط پژوهشگران بود، که اعتبار سنجی و اعتماد سنجی آن با مشارکت اساتید فن و دانشجویان کسب گردید. اطلاعات بدست آمده در خصوص سرفصل ها با مراجعه به گروه مدیریت و در نهایت نامه نگاری های گروه و از طریق مراجعت به مدیریت مطالعات و برنامه ریزی دانشکده بهداشت مقدور گردید و برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش های آماری پارامتریک و ناپارامتریک استفاده گردید.

یافته ها: طول دوره کارشناسی ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی ۲ سال می باشد و طبق آیین نامه های آموزشی است. دروس در این دوره بصورت نظری، عملی، کارآموزی و کارورزی تدریس و آموزش داده خواهد شد. هر واحد درس نظری در هر ترم معادل ۱۷ ساعت و هر درس عملی معادل ۳۴ ساعت می باشد. کارآموزی، کارورزی در بیمارستان ها و مراکز آموزشی تحقیقاتی انجام می گیرد. تعداد واحدهای درسی این دوره ۳۲ واحد در نظر گرفته شده است و به شرح ذیل ارائه می گردد: الف) دروس پایه: ۱۲ واحد، ب) دروس اختصاصی: ۱۲ واحد، ج) پایان نامه: ۴ واحد د) کارورزی و کارآموزی: ۴ واحد

بحث و نتیجه گیری: تعداد واحد های مصوب، مقدار ساعات نظری و عملی، محتوای سرفصل ها نسبت به نیاز رشته و تعداد واحدهای مصوب نسبت به سرفصل ها از نظر دانشجویان و اساتید به تفکیک مشخص گردید و میزان کاهش و یا افزایش آن تعیین گردید. با توجه به نتایج پیشنهاد مربوط به زمان ارائه دروس، نام و تعداد واحد هر درس در هر نیمسال ارائه گردید.



کلیدواژه‌ها: دروس پایه، تخصصی، مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، مقطع کارشناسی ارشد.

(S.27SPos.6) نشست: ۲۷، پوستر: ۶

بررسی عوامل مؤثر بر حضور و عدم حضور در کلاس های درس نظری از دیدگاه دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی چهارم در سال ۱۳۸۷

محمد یاسین کرمی^۱، آیدا امانت^۲، عبدالرضا ستوده چهارمی^۳

۱. دانشگاه علوم پزشکی چهارم، yasinkarami@gmail.com

۲. دانشگاه علوم پزشکی چهارم، aidaamanat@yahoo.com

۳. دانشگاه علوم پزشکی چهارم

مقدمه: کلاس های درسی و سخنرانی اساتید دارای اهمیت بسزایی هستند چون حجم زیادی از نگرش ها و تجربیات اساتید در این کلاس ها به دانشجویان پزشکی منتقل می شود، در این مکان اندیشه ها مبادله می گردد و تجزیه و تحلیل می گردد. هدف و نقش اصلی آموزش پزشکی تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص مورد نیاز بخش های مختلف می باشد. لازمه ی موارد فوق حضور فعال و مستمر دانشجویان پزشکی در کلاس درس تئوری است. غیبت در کلاس های درس، محیط پویای یاددهی-یادگیری را مختل نموده و آنجا را به محیط های کسالت آور و ناخوشایند تبدیل می نماید. مشکل غیبت دانشجویان در کلاس درس از زمان ورود به دانشگاه شروع شده و چه بسا برخی از دانشجویان در صورت عدم اجرای حضور و غیاب حتی یکبار هم سر کلاس درس حاضر نشوند. این مطالعه باهدف بررسی عوامل مؤثر بر حضور و عدم حضور در کلاس های درس نظری از دیدگاه دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی چهارم در سال ۱۳۸۷ انجام شد.

روش: این مطالعه توصیفی-تحلیلی که به صورت سرشماری از ۲۵۴ نفر از دانشجویان پزشکی مقاطع علوم پایه و فیزیوپاتولوژی و بالینی دانشگاه علوم پزشکی چهارم درخواست شد به پرسشنامه ای که شامل اطلاعات دموگرافیک (سن، جنس، مقطع) و ۱۲ عامل پیشنهادی مؤثر در غیبت کلاسی که هر یک براساس مقیاس پنج درجه ای لیکرت (از تأثیر بسیار تا بی تأثیر) نمره دهی شده بود پاسخ دهند. روایی آن با نظر اساتید صاحب نظر و پایایی آن با اندازه گیری ضریب پایایی آلفا-کرومباخ برابر ۰/۸۶۶ تأیید شد. اقدام به جمع آوری داده ها نموده و اطلاعات با استفاده از نرم افزار SPSS ۱۵ و شاخص های مرکزی، پراکندگی، رگرسیون و تحلیل مسیر آنالیز شد. سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ در نظر گرفته شد. دانشجویان در پر کردن پرسشنامه ها مختار بودند.

یافته ها: از ۱۸۱ دانشجو که پرسشنامه را تکمیل کردند، ۳/۶۶٪ مونث و ۸/۹۲٪ مجرد بودند. میانگین (انحراف معیار) سن دانشجویان ۴۸/۲۱ (±۲/۲) بود. ۷/۳۸٪ دانشجویان مورد مطالعه در مقطع علوم پایه و ۲/۳۹٪ در مقطع بالینی و ۱/۲۲٪ در حال گذراندن مقطع فیزیوپاتولوژی بودند. از بین عوامل مؤثر بر حضور در کلاس های درس نظری بیشترین میانگین نمره مربوط به کاربرد مطالب ارائه شده در بالین بیمار (۱۹/۴) بود، کمترین میانگین نمره به متغیر، استفاده از روش جدید آموزشی (PBL(2/48) اختصاص یافت همچنین از بین عوامل ۱۲ گانه ی مؤثر بر غیبت در کلاس های درس نظری بیشترین میانگین نمره مربوط به نامناسب بودن روش تدریس اساتید (۳/۴) بود و کمترین میانگین نمره به متغیر شلوغی کلاس های درس (۴۹/۲) اختصاص یافت. تعیین دیدگاه دانشجویان در هر یک از عوامل ۱۲ گانه مؤثر بر حضور در کلاس برحسب مقطع دانشجویان در ۳ مورد تفاوت معنی داری نشان داد که این موارد شامل: «علاقه داشتن به موضوع درسی» ($p=0.14/0$)، «وجود حضور و غیاب دائمی و جدی» ($p=0.001$)، «کاربرد مطالب ارائه شده در بالین بیمار» ($p=0.01/0$) بودند. اما تعیین دیدگاه دانشجویان در مورد هر یک از عوامل ۱۲ گانه مؤثر بر غیبت در کلاس برحسب مقطع در هیچکدام از موارد معنی دار نبود ($p<0.05/0$).

بحث و نتیجه گیری: می توان نتیجه گرفت که غیبت در کلاس درس متأثر از عوامل مربوط به هر دو گروه مدرسین و دانشجویان می باشد، اما کاربرد مطالب ارائه شده در بالین بیمار، تسلط استاد بر موضوع درسی، اهمیت و ضرورت موضوع درس است که میزان و تداوم حضور مؤثر آنان را در کلاس درس بیشتر تعیین میکند و تقویت موارد فوق با افزایش انگیزه ی دانشجویان پزشکی آنها را به حضور فعال در کلاس ترغیب میکند. نامناسب بودن روش تدریس اساتید، کم بودن بازدهی کلاس ها، خستگی ناشی از کلاس های قبلی از جمله مهمترین عواملی هستند که دانشجویان را به غیبت در کلاس درس ترغیب می کنند. رفع موارد فوق با افزایش انگیزه ی دانشجویان پزشکی آنها را به حضور فعال در کلاس ترغیب می کند. مطالعات گسترده در این زمینه پیشنهاد می شود.

کلیدواژه‌ها: عوامل موثر بر رغبت، کلاس درس نظری، دانشجویان پزشکی، چهارم

(S.27SPos.7) نشست: ۲۷، پوستر: ۷

بررسی بیشترین موارد دروس مردودی و ترم های مشروطی و تعیین عوامل مؤثر بر افت تحصیلی دانشجویان رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه

رضا سالم صافی، دکتر پیمان میکائلی، دکتر سید جواد موسوی، میر حجت ریحانی، پرویز سالم صافی
مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی ارومیه

مقدمه: افت تحصیلی یکی از مشکلات نظام‌های آموزشی می‌باشد. که بصورت مردودی، مشروطی، تکرار دروس، اخراج و سایر موارد، دیده می‌شود. پیامد طبیعی افت تحصیلی اتلاف سرمایه‌های مادی و وارد آمدن ضربات روحی و دانشجویان می‌باشد. هدف بررسی بیشترین موارد دروس مردودی و ترم‌های مشروطی و تعیین عوامل مؤثر بر افت تحصیلی

روش: این طرح به روش توصیفی - تحلیلی انجام و جامعه آماری دانشجویان پزشکی ورودی‌های سالهای ۸۰-۸۱-۸۳-۸۴ و ۸۲ و نمونه دانشجویان مشروط و غیرمشروط به تعداد ۳۰۷ نفر که به صورت سرشماری انتخاب گردید. جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرونده‌های تحصیلی دانشجویان استفاده گردید. پردازش داده‌های آماری به وسیله کامپیوتر تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS و شاخص‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد.

یافته‌ها: بیشترین موارد مشروطی در ترم‌های ۱ تا ۴ و کمترین موارد در ترم‌های ۶ و ۷ به ترتیب ۴ و ۲ مورد به وقوع پیوسته. آزمون تی به عمل آمده بین فاصله زمانی بین اخذ دیپلم و قبولی در کنکور رابطه معناداری را نشان داد هم چنین تفاوت معناداری بین معدل دیپلم دانشجویان مشروط و غیر مشروط دیده شد. ($T=5/53$ $P=0/00$) بین وضعیت تأهل و مشروطی رابطه معناداری ملاحظه شد. دروس ایمنولوژی در بین ورودی‌های ۸۰، ۸۱، ۸۲ و آناتومی در بین ورودی‌های ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳ و دروس فارسی و انقلاب اسلامی نیز در بین ورودی‌های ۸۰، ۸۱ دروسی بوده اند که دانشجویان به نظر در یادگیری آنها موفق نبوده میزان مردودی در درس ایمنولوژی بین ورودی‌های ۸۳ و ۸۴ به حداقل رسید است. بروز مشکل در درس بافت شناسی نیز از ورودی‌های ۸۲ شروع و در بین ورودی‌های ۸۴ به بیشترین تکرار نسبت به سنوات ۸۲ و ۸۳ رسیده است میزان بروز مردودی در بین دانشجویان دختر به غیر از ورودی‌های سال ۸۰ در سایر ورودی‌ها به مراتب بیشتر از پسران می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری: میزان افت تحصیلی در سال‌های اول و دوم بیشتر و دروس ایمنولوژی و آناتومی دروسی بوده‌اند که دانشجویان در یادگیری آنها موفق نبوده به نظر ناشی از ضعف پایه و عدم موفقیت، در یادگیری دروس مرتبط با این درس و تا حدودی از روش تدریس و عدم انطباق دانشجویان شرایط جدید باشد.

کلیدواژه‌ها: مردودی- مشروطی- افت تحصیلی- پزشکی- دانشگاه علوم پزشکی ارومیه

(S.27SPos.8) نشست: ۲۷، پوستر: ۸

ارزیابی میزان مهارت بالینی کارورزان دانشکده پزشکی تبریز در شرایط اورژانس

کمال نصیری پرتوی^۱، الهام اللهیاری^۲

۱- دانشجو، دانشگاه علوم پزشکی تبریز-دفتر استعدادهای درخشان kamalnasiri@gmail.com

۲- دانشجو، دانشگاه علوم پزشکی تبریز-دفتر استعدادهای درخشان elhamllhyr@yahoo.com

مقدمه: یکی از مهمترین وظایف سیستم آموزشی، توانمند سازی دانش آموزان آن سیستم برای اجرای نقش خود در اجتماع است. پزشکان نیز علاوه بر مبحث تئوری می‌بایست در زمینه انجام برخی از مهارت‌های عملی بطور نسبتاً خوب آموزش دیده و توانایی انجام مستقل آن را داشته باشند. لذا سیستم آموزشی باید هر از چندگاهی کیفیت کار خود را ارزیابی کند که یکی از این راه‌ها خودارزیابی دانش-

آموختگان است. این مطالعه بر مبنای نظرسنجی در رابطه با مهمترین مهارت‌های مورد نیاز یک پزشک در شرایط اورژانس و میزان مهارت آنان، در دانشکده پزشکی تبریز صورت گرفته است.

روش: روش و ابزار این مطالعه به روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از پرسشنامه خودسنجی انجام شده است. نمونه مورد مطالعه ۵۱ نفر از کارورزان بخش‌های بالینی بودند که از طریق نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شده و داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS و تست Chi-Square مورد تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌ها: دانشجویان از بین مهارت‌های لیست شده در پرسشنامه ۳ مهارت: ۱-انجام تراکتوستومی اضطراری ۲-گذاشتن لوله تراشه ۳-تعبیه chest tube، را مهم ارزیابی کرده اند. از این بین کمتر از ۲٪ دانشجویان اقدام به تراکتوستومی کرده اند که بیش از ۸۰٪ آنان مهارت خود را در این زمینه ضعیف ارزیابی کرده اند. از بین کسانی که اقدام به تعبیه chest tube کرده اند، که کمتر از ۱۰٪ بودند، ۷۸٪ مهارت خود را ضعیف ارزیابی نموده اند. گذاشتن لوله تراشه دارای بالاترین رقم در بین مهارت‌ها بود که ۵۴.۹٪ می‌باشد و میزان مهارت در گذاشتن لوله تراشه در ۳۷٪ موارد ضعیف در ۳۵٪ نسبتاً خوب و در ۲۸٪ موارد عالی ارزیابی شده است.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به اینکه ۳ مهارت فوق جزو اورژانس‌های پزشکی می‌باشد آموزش دقیق مهارت‌های فوق در دانشگاه‌های کشور الزامی به نظر می‌رسد. از آنجا که کمتر از ۲٪ دانشجویان در طول مدت تحصیل اقدام به تراکتوستومی نموده اند لازم است ارزیابی‌های بیشتری در مورد برخورداری از مهارت اداره راه‌های هوایی از دانشجویان به عمل آید تا مشخص شود که در شرایط اورژانس قادر به اداره بیمار می‌باشند یا خیر. از آنجا که کمتر از ۱۰٪ دانشجویان اقدام به تعبیه chest tube نموده اند لازم است در اورژانس‌های دانشگاه، استقلال عمل بیشتری به کارورزان داده شود تا در شرایط سخت قادر به اجرای مستقل و خوب این مهارت باشند. با توجه به توزیع تقریباً مساوی میزان مهارت گذاشتن لوله تراشه، لازم است در جهت بهبود آمار این مهارت، تمرین بیشتری روی مولاژ یا شرایط بیمارستانی صورت گیرد.

کلیدواژه‌ها: مهارت بالینی، کارورزان، اورژانس، دانشکده پزشکی تبریز

(S.27SPos.9) نشست: ۲۷، پوستر: ۹

بررسی سنجش و ارزشیابی آموزش پزشکی الکترونیکی بر اساس مدل Rodric Sims

شیوا حسینی فولادی^۱، سید امیر علی فاطمی^۲

۱. دانشگاه علوم پزشکی تهران، hosseinif@razi.tums.ac.ir

۲. علوم پزشکی اصفهان

مقدمه: در دهه‌های اخیر رویکردهای سنتی یادگیری با ظهور تکنولوژی‌های جدید نظیر چندرسانه‌ای‌ها، فرارسانه‌ای‌ها و ارتباطات از راه دور دستخوش تغییرات اساسی شده است و شکل‌های نوینی از نظام‌های آموزشی ارائه شده است. ولیکن در این راستا بایستی به برخی از چالش‌های جدی فراروی نظام‌های آموزشی توجه نمود. که از مهمترین این چالش‌ها می‌توان به چگونگی بهبود کیفیت تدریس و یادگیری اشاره نمود. امروزه آموزش الکترونیکی در بسیاری از کشورها از جمله کشور ایران به عنوان یک نظام آموزشی نوین شناخته شده است و به منظور بهبود، توسعه و تضمین کیفیت چنین نظامی به ارزشیابی مداوم نیاز داریم. چرا که سنجش و ارزشیابی به عنوان یکی از فعالیت‌های مهم و تأثیرگذار در فرایند آموزش است. به عبارت دیگر سنجش و ارزشیابی به عنوان معرف حقیقت یک نظام آموزشی تلقی می‌گردد. لذا با توجه به اهمیت موضوع این مقاله با هدف بررسی سنجش و ارزشیابی آموزش پزشکی الکترونیکی بر اساس الگوی (Rodric Sims) صورت گرفته است که در آن به تحلیل مؤلفه‌های مهم در ارزشیابی آموزش الکترونیکی پرداخته است.

روش: این پژوهش از نوع مطالعات تجربی می‌باشد که داده‌ها و اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و با استفاده از مقالات، کتب، اینترنت و ... جمع آوری شده است.

یافته‌ها: تجزیه و تحلیل مؤلفه‌های آموزشی پس از ارزشیابی بر اساس این الگو وضعیت مطلوبی را نشان داد. به بیان دیگر مؤلفه‌های مهم آموزشی در e-learning مانند اهداف و مقاصد برنامه، طراحی محتوا، طراحی محیط ارائه، تعامل، تحقق پیامدها و ... نسبتاً مطلوب ارزیابی گردید.

بحث و نتیجه‌گیری: آموزش الکترونیکی عبارت است از سازماندهی اطلاعات به منظور تسهیل یادگیری در محیط شبکه. بطور کلی راهکارهای ارائه شده منجر به بهبود نظام آموزش الکترونیکی شده و به تضمین کیفیت آن کمک خواهد کرد. لذا؛ با توجه به زندگی در

عصر اطلاعات و نیز مسئله کمبود پیشنهاد می‌گردد تا با رعایت نقش کلیدی ارزشیابی مستمر در ارتقاء کیفیت آموزش، از کارگاه‌ها و یا دوره‌های آموزش از راه دور (یادگیری الکترونیک) در آموزش علوم مختلف بویژه در آموزش پزشکی استفاده شود چرا که در آن یادگیری سریع، کم هزینه و بدون محدودیت زمانی و مکانی است.

کلیدواژه‌ها: سنجش، ارزشیابی، یادگیری، آموزش پزشکی الکترونیکی، مدل Rodric Sims، آموزش پزشکی

(S.27SPos.10) نشست: ۲۷، پوستر: ۱۰

Development of a valid and reliable questionnaire to assess interns' attitudes toward emergency medicine issues

S Ramezani Givi¹, M Jalili², P Hafezi Moghaddam³, M Daneshbodi⁴, M Abbasi³, D Farsi⁵, H R Baradaran⁶

۱. MD; Member of Gifted and Talented Students Center, Iran University of Medical Sciences
۲. Faculty member of Emergency Medicine Department, Tehran University of Medical Sciences
۳. Faculty member of Emergency Medicine Department, Iran University of Medical Sciences
۴. Medical Student; Iran University of Medical Sciences
۵. Chair of Emergency Medicine Department; Iran University of Medical Sciences
۶. Faculty member of Medical Education Development Center, Iran University of Medical Sciences

Introduction: Performance is strongly affected by attitude. Most instruments used in the assessment of medical students are designed to measure their knowledge and skills. Even questionnaires claiming to assess attitude actually focus on students' perception of their knowledge and skills rather than attitude. We sought to develop a valid and reliable emergency medicine attitude questionnaire.

Methods: Semi-structured interviews with faculty members were conducted to determine appropriate domains and their corresponding items. The selected domains were supposed to be life saving, strongly affected by attitude, or commonly associated with students' negative attitudes. 87 items assessing 8 domains were generated. In three rounds, the questionnaire was administered to a total of 185 interns and appropriate modifications were made after the first two rounds. Reliability was determined for the final questionnaire containing 50 items scored in five point Likert scale.

Summary of results: Overall questionnaire's Cronbach's alpha was 0.85. This figure varied for different domains: Triage ($\alpha=0.62$), Safety ($\alpha=0.66$), Evidence-based Practice ($\alpha=0.75$), Disaster Management ($\alpha=0.73$), Pain Management ($\alpha=0.63$), Wound Care ($\alpha=0.66$), Resuscitation ($\alpha=0.77$), and Trauma Care ($\alpha=0.71$). The attitudes in all domains were poor and mean scores were as following: Triage (3.70 ± 0.4), Safety (3.56 ± 0.5), Evidence-based Practice (3.17 ± 0.5), Disaster Management (3.91 ± 0.4), Pain Management (3.39 ± 0.5), Wound Care (3.67 ± 0.6), Resuscitation (3.82 ± 0.4), and Trauma Care (3.97 ± 0.4).

Conclusion: Emergency Medicine internship curriculum seems not to be compatible to improve interns' attitudes in Emergency medicine issues and attitudinal goals are needed to be set up. Also more reliable attitude assessment instruments should be designed to use in medical students' evaluation. Interns' attitudes toward EM issues can be evaluated using the questionnaire developed in this study.



(S.40SPos.1) نشست: ۴۰، پوستر: ۱

مهم ترین عوامل مؤثر در یادگیری درس آناتومی از دیدگاه دانشجویان پزشکی

- سید مصطفی پورحسینی^۱، روناژ نیکخواه^۲، شیدا ذوالفقاری^۳، راهب قربانی^۴، سمیرا مهر علیزاده^۵
۱. سمنان، دانشکده پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی، pourhosseinie@yahoo.com
 ۲. سمنان، دانشکده پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی، ronaz.nikkhah@gmail.com
 ۳. سمنان، دانشکده پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی، sh_zolfaghary@yahoo.com
 ۴. سمنان، دانشکده پزشکی، raheb_ghorbani@yahoo.com
 ۵. سمنان، دانشکده پزشکی، mehralizadehmd@yahoo.com

مقدمه: آناتومی یکی از مهمترین و از طرفی فرارترین دروس مقطع علوم پایه محسوب می شود و یادگیری آن برای دانشجویان پزشکی در مقاطع مختلف امری ضروری بشمار می آید. از آنجا که ارتقاء کیفیت آموزش بجز با شناخت دقیق ارکان آن میسر نخواهد بود، در این مطالعه به دنبال یافتن بهترین شیوه آموزش و مهمترین عوامل مؤثر بر یادگیری آناتومی از دیدگاه دانشجویان هستیم.

روش: این مطالعه مقطعی در سال ۱۳۸۸ بین ۱۱۳ نفر از دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی سمنان که تمامی واحدهای درس آناتومی را گذرانده بودند، صورت گرفت. اطلاعات بوسیله پرسشنامه‌ای که روایی و پایایی آن تأیید شده بود، جمع‌آوری شد. پرسشنامه شامل دو بخش مشخصات فردی و سؤالاتی در مورد عوامل مؤثر بر یادگیری آناتومی بصورت مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت با پاسخ‌های بی‌تأثیر تا خیلی زیاد بود. به پاسخ بی‌تأثیر نمره صفر، خیلی کم نمره ۱، کم نمره ۲، زیاد نمره ۳ و خیلی زیاد نمره ۴ داده شد. از آزمون‌های تی و آنالیز واریانس در سطح معنی‌داری ۵٪ برای تحلیل داده‌ها استفاده شد.

یافته‌ها: از ۱۱۳ دانشجوی پاسخگو به پرسشنامه ۷۷٪ دختر بودند. دامنه سنی دانشجویان از ۲۰ تا ۲۸ سال بود. از نظر دانشجویان مهم ترین عوامل تأثیرگذار در یادگیری درس آناتومی به ترتیب استفاده از مولاژ (۳/۵۹ ± ۰/۵۵)، بیان خوب استاد (۳/۵۸ ± ۰/۵۶)، استفاده از نکات کلینیکی مرتبط درحین درس (۳/۵۳ ± ۰/۶۸) و مرور مباحث تئوری درکلاس عملی (۳/۵۰ ± ۰/۶۰) بوده است. نظرات دختران و پسران دانشجو فقط در زمینه‌های استفاده از نکات کلینیکی مرتبط درحین درس ($P=0/005$)، صبوری و خونسردی استاد درکلاس ($P=0/017$) و برخورد صمیمانه استاد با دانشجویان ($P=0/006$) تفاوت معنی‌دار داشت و دانشجویان دختر به این موارد اهمیت بیشتری قائل بودند. در بررسی نظرات دانشجویان مقاطع گوناگون، دانشجویان سه مقطع فقط در زمینه داشتن پیش مطالعه درس تفاوت معنی‌دار داشتند ($P=0/020$) و اهمیت پیش مطالعه با بالا رفتن مقطع افراد افزایش نشان می دهد.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به اهمیت استفاده از لوازم کمک آموزشی، می توانیم با بکارگیری مناسب از این ابزارها و همچنین با جذب اساتیدی با مهارت بیان و آشنا به نکات کلینیکی، گامی مؤثر در پیشبرد یادگیری دانشجویان برداریم.

کلیدواژه‌ها: آناتومی، یادگیری، آموزش، استاد و دانشجو

(S.40SPos.2) نشست: ۴۰، پوستر: ۲

بررسی کیفیت معیار «تمرکز بردانشجویان» در دانشکده پزشکی بقیه الهب براساس مدل تعالی مالکولم بالدریج در سال ۱۳۸۸

آقای محمد صالح فلاح*، دکتر شهرام توفیقی

*خیابان ملا صدرا- دانشگاه بقیه الله- معاونت پژوهش، mosafa52@yahoo.com

مقدمه: مدل تعالی مالکولم بالدریج اصول مدیریت کیفیت فراگیر (TQM) را برای سازمان‌های آموزشی-درمانی بهینه نموده که سومین معیار این مدل تمرکز بر مشتریان (دانشجو) می‌باشد. هدف این مطالعه ارزیابی کیفیت تمرکز بر دانشجویان در دانشکده پزشکی بقیه اله بر اساس مدل تعالی مالکولم بالدریج بود.

روش: مطالعه توصیفی و مقطعی بود و اطلاعات از طریق مصاحبه، مشاهده مستندات و فرایندها با استفاده از چک لیست استاندارد مدل تعالی مالکولم بالدریج (نسخه ۲۰۱۰-۲۰۰۹) جمع‌آوری شد. کیفیت معیار رهبری و هریک از شاخص‌های آن با استفاده از ماتریس مدل در چهار سطح رویکرد، استقرار، یادگیری سازمانی و یکپارچگی امتیازدهی و تحلیل گردید.

یافته‌ها: در مجموع معیار تمرکز بر دانشجویان دردانشکده پزشکی بقیه الله براساس مدل بالدریج از مجموع ۸۵ امتیاز ۳۳/۲۹ (۳۹/۱۶۵٪) امتیاز را کسب نمود. این امتیاز از میانگین شاخص‌های برنامه‌های آموزشی، پیشنهادات و خدمات و حمایت از دانشجویان (۵۲/۵٪) فرهنگ سازی برای دانشجویان (۳۷/۵٪) مربوط به زیر معیار درگیر کردن مشتری و شاخص‌های گوش کردن به دانشجو (۴۲/۵٪) تعیین رضایتمندی دانشجویان و بکارگیری آنها (۳۰٪) استفاده از داده‌های دانشجو و تجزیه و تحلیل آن (۲۷/۵٪) مربوط به زیر معیار صدای مشتری بدست آمده است.

بحث و نتیجه‌گیری: کیفیت معیار تمرکز بر دانشجویان دردانشکده پزشکی بقیه الله بطور کلی متوسط ارزیابی شد. نتایج نشان می‌دهد که برنامه‌ها و خدمات آموزشی و حمایتی دانشکده پزشکی به دانشجویان نسبتاً مناسب است؛ اما به نظر می‌رسد خدمات ارائه شده چندان متناسب با نیازهای دانشجویان نبوده است. همچنین اخیراً رویکردهای مطلوبی برای شنیدن صدای دانشجویان با ایجاد کمیته دانشجویی دفتر توسعه آموزش فراهم گردیده است.

ما این رویکرد در سطح استقرار باقی مانده و به سطوح یادگیری سازمانی و یکپارچگی ارتقاء نیافته است. پیشنهاد می‌شود با یکپارچه سازی رویکردهای موجود، نیازسنجی با مشارکت دانشجویان در برنامه توسعه، پیش نیاز تخصیص بودجه ارائه خدمات گردد. این امر علاوه بر جلب رضایت دانشجویان موجب جلوگیری از اتلاف منابع سازمانی نیز می‌شود.

کلیدواژه‌ها: مدل تعالی، کیفیت، تمرکز بر دانشجو، مالکولم بالدریج، دانشکده پزشکی بقیه الله

(S.40SPos.3) نشست: ۴۰، پوستر: ۳

تنوع سبک‌های یادگیری و عوامل موثر بر آن در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ایلام

خانم منیره محمد حسن نهال^۱، آقا هادی پیمان^۲، خانم الهام قیصر بیگی^۳، خانم مرضیه عزیزیان فر^۴، خانم امینه زریان^۵، آقا جمیل صادقی فر^۶، دکتر علی دل پیشه^۷

۱. مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، واحد استعداد های درخشان، Monirehnaal@yahoo.com

۲. مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، واحد استعداد های درخشان، nu85_hadi@yahoo.com

۳. مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، واحد استعداد های درخشان، elham_qaisarbaigi@yahoo.com

۴. مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، واحد استعداد های درخشان، Marzie.azizianfar@ymail.com

۵. مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، واحد استعداد های درخشان، aminez84@yahoo.com

۶. مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، Jamil.sadeghifar@gmail.com

۷. گروه اپیدمیولوژی، دانشکده پزشکی، alidelpisheh@yahoo.com

مقدمه: سبک‌های یادگیری فراگیران به فراخور سلیقه‌ها، آمادگی‌های روحی و روانی و نیز شرایط جسمانی آنها در حیطه حواس پنجگانه بسیار متفاوت است. شناسایی و هدایت سبک‌های یادگیری مناسب نقش مهمی را در انتخاب روش‌های یاددهی و انتقال مفاهیم و دانش به فراگیران و نهایتاً اعتلای سطح آموزش ایفا می‌کند. هدف از مطالعه ی حاضر بررسی تنوع سبک‌های یادگیری در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ایلام در سال ۱۳۸۸ می‌باشد.

روش: در یک مطالعه توصیفی- تحلیلی ۱۴۱ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ایلام مورد بررسی قرار گرفتند. جهت گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استاندارد وارک (VARK) استفاده شد که بر مبنای آن سبک‌های: دیداری (Visual)، گفتاری (Aural)، خواندنی و نوشتاری (Read & write) و عملکردی (kinesthetic) تعیین گردیده است. داده‌های گردآوری شده با نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: در مجموع ۶۶٪ نمونه‌های مورد بررسی (۹۳٪) دختر و از نظر مقطع تحصیلی، ۲۸/۴٪ مقطع کاردانی، ۵۳/۸٪ مقطع کارشناسی و ۱۷٪ در مقطع دکتری حرفه‌ای مشغول به تحصیل بودند. در مجموع ۴۳/۳٪ نمونه‌ها استفاده از یک سبک یادگیری، ۱۶/۳٪ دو سبک یادگیری و ۱۳/۵٪ سه سبک یادگیری را ترجیح می‌دادند. کمتر از یک سوم نمونه‌ها (۲۷٪) استفاده از هر چهار سبک یادگیری



(VARK) را بیان نمودند. سبک‌های غالب یادگیری دانشجویان مورد مطالعه به ترتیب سبک شنیداری (۴۳/۳٪)، سبک خواندن/نوشتن (۳۹/۷٪)، سبک جنبشی حرکتی (۲۲/۷٪) و سبک دیداری (۱۰٪) گزارش گردید. بین رشته و مقطع تحصیلی با $p < 0.008$ (VARK)، جنسیت با سبک‌های یادگیری دیداری و خواندن/نوشتن ($p < 0.03$) و جنسیت و مقطع تحصیلی با تنوع سبک‌های یادگیری ($p < 0.005$) ارتباط معنی داری وجود داشت.

بحث و نتیجه‌گیری: در مقایسه با مطالعات صورت گرفته درصد کمتری از نمونه‌ها از هر چهار سبک یادگیری استفاده می‌کردند با این حال درصد بیشتری از آنان سبک‌های شنیداری و خواندن/نوشتن ترجیح می‌دادند. پیشنهاد می‌گردد در بدو ورود دانشجویان به دانشگاه، با توجه به جنسیت و رشته تحصیلی پذیرفته شده، نسبت به تعیین سبک‌های غالب یادگیری آنها با استفاده از این روش یا روش‌های مشابه اقدام شود و نتیجه در اختیار آموزش دانشکده‌ها، گروه‌های آموزشی و اساتید راهنمای دانشجویان قرار گیرد تا با انتخاب روش‌های مناسب تدریس به پیشبرد اهداف آموزشی کمک شود.

کلیدواژه‌ها: VARK، سبک‌های یادگیری، دانشجویان

(S.40SPos.4) نشست: ۴۰، پوستر: ۴

بررسی شیوه‌های مؤثر بر یادگیری درس فارماکولوژی از دیدگاه دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند (گامی در جهت تعالی آموزشی)

عاطفه رضایی*، زهره نصیری مقدم، سارا طاهری بجد، غلامرضا شریف زاده، آذر خزایی، محسن ناصری
rezaie_atefe@yahoo.com *
دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

مقدمه: آموزش عالی در دهه‌های اخیر با مسائل و چالش‌هایی روبرو شده که نیاز به تغییر و بهبود کیفیت آن به خوبی احساس می‌شود این در حالیست که دانشجویان و دانش‌آموختگان همواره از کیفیت پایین فرایند های تدریس، ارزیابی و ناتوانی آموزش در جهت یادگیری ناراضی هستند. در این میان فارماکولوژی از دروسی است که همواره اهمیت تدریس و یادگیری آن برای دانشجویان پزشکی مورد توجه بوده و نیاز به ارتقای کیفیت و آموزش این درس به خوبی احساس می‌شود. از این رو طی مطالعه‌ای روش‌های مؤثر بر بهبود یادگیری درس فارماکولوژی را بررسی کردیم تا گامی در جهت ارتقای سطح آموزش و یادگیری این درس داشته باشیم.

روش: در این مطالعه توصیفی تحلیلی تعداد ۷۸ دانشجوی رشته پزشکی درمقطع فیزیوپاتولوژی و بالینی شرکت داده شدند. اطلاعات با استفاده از پرسشنامه‌ای خود ایفا که روایی آن با نظر اساتید و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۲ مورد تأیید قرار گرفت جمع‌آوری شد. این پرسشنامه دارای ۲۱ سوال در ۵ گروه روش‌های تدریس تئوری، تدریس عملی و کاربردی، انجام فعالیت‌های تحقیقاتی، روش‌های ارزشیابی، دوره و مقطع تدریس طراحی شد و با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: از دیدگاه دانشجویان در بین روش‌های مؤثر بر تدریس بهتر فارماکولوژی، بکارگیری روش‌های تدریس عملی فارماکولوژی همچون مشاهده فیلم آموزشی و دیدن اشکال دارویی در اسلاید و در داروخانه و نیز دیدن اثرات داروها بر حیوانات دارای بیشترین تأثیر (۶۶٪) است. ۶۶٪ بکارگیری روش‌هایی چون PBL، ارائه کنفرانس، مطرح کردن موارد بالینی و استفاده از پاورپوینت را دارای تأثیر متوسطی دانستند که ارائه کنفرانس کمترین امتیاز و مطرح کردن کیس بالینی بیشترین امتیاز را بدست آورد. از نظر ۳۷٪ دانشجویان فعالیت‌های تحقیقاتی تأثیر متوسطی داشتند و ۴۰٪ ارزشیابی را دارای تأثیر کمی می‌دانستند. تغییر در مقطع تدریس فارماکولوژی بصورت اینتگریشن از دیدگاه ۸۳٪ از دانشجویان و بعد از آن تدریس در دو مقطع فیزیوپاتولوژی و استاژری دارای تأثیر بالایی بود.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به مطالعه حاضر لازم است واحد عملی برای فارماکولوژی در تدریس برای دانشجویان پزشکی در نظر گرفته شود. دیدن فیلم و مشاهده اثرات دارویی بر حیوانات و نیز دیدن اشکال دارویی از نزدیک در داروخانه تأثیر بالایی در ارتقای سطح آموزش فارماکولوژی خواهد داشت. به نظر می‌رسد تدریس این درس نباید فقط محدود به مقطع فیزیوپاتولوژی باشد بلکه بهتر است به صورت اینتگریشن و یا حداقل در دو دوره فیزیوپاتولوژی و استاژری ارائه گردد.

کلیدواژه‌ها: یادگیری، دانشجو

(S.40SPos.5) نشست: ۴۰، پوستر: ۵

بررسی عوامل مؤثر در روند یادگیری و خودارزیابی دانشجویان پزشکی دانشکده پزشکی شیراز

فرناز سادات جوانمردی،*، پرستو نعمت‌اللهی، محمد اسمعیل قربانی نژاد، محمد رضا بازرگانی، میترا امینی

* دانشگاه علوم پزشکی شیراز، farnaz205@gmail.com

مقدمه: از آنجا که یادگیری مطالب ارائه شده امری مهم در فرآیند آموزش پزشکی می‌باشد و با توجه به نقش پزشکان در امر سلامت، در صدد برآمدیم تا عواملی را که نقش به سزایی، در روند یادگیری دارند بررسی نماییم تا نهایتاً با تقویت این عوامل گامی مؤثر در جهت پیشرفت این امر برداریم و پزشکانی توانمند به عرصه بهداشت و درمان کشور ارائه دهیم.

روش: این مطالعه تحلیلی-مقطعی برای بررسی عوامل مؤثر در روند یادگیری دانشجویان پزشکی مقطع علوم پایه در دانشگاه علوم پزشکی شیراز انجام گرفت که به صورت تصادفی ۴۵ نفر از دانشجویان انتخاب شدند و با ارائه پرسشنامه‌ای با محتوای اهداف آموزشی، اولویت‌های یادگیری، ویژگی اساتید و روش‌های ارزیابی فردی اطلاعاتی در این زمینه گردآوری شد. روایی این پرسشنامه توسط صاحب‌نظران و پایایی آن توسط یک مطالعه اولیه مورد تایید قرار گرفت. داده‌ها از طریق نرم افزار spss-15 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: دانشجویان شرکت‌کننده در این تحقیق ۲۶ نفر زن (۵۷.۸٪) و ۱۹ نفر مرد (۴۲.۲٪) بودند و میانگین سنی آنها ۱۹ سال بود. نتایج نشان داد که در روند یادگیری دانشجویان عوامل متعددی از جمله هدف از یادگیری، ویژگی استاد، روش‌های ارزیابی فردی و اولویت‌های یادگیری نقش دارند. ۸۰٪ آنها هدف از یادگیری دانشگاهی را فراگیری دانش لازم برای شغل آینده می‌دانند. ۲۸.۹٪ افراد معتقدند که استاد دانشگاه باید به طور کامل و با دقت، تمام مطالب نوشته شده در کتاب مرجع را توضیح دهد و ۲۴.۴٪ بر این باورند که استاد باید در مواقع نیاز دانشجویان را مجبور کند که به طور مستقل فکر کنند. ۲۵٪ با دنبال کردن مثال‌های استاد به وسیله حل تمرین و این که در مورد عنوان درسی شخصاً تحقیق کنند یادگیری‌شان تقویت می‌شود. همچنین ۳۷.۲٪ از دانشجویان اطلاعات خود را از طریق مقایسه با سایر هم‌تایان و ۲۵.۶٪ از طریق به دست آوردن توانایی درک مطالب گسترده تر پیرامون موضوع مورد نظر یادگیری خود را مورد ارزیابی قرار می‌دهند.

بحث و نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌های این پژوهش هدف از یادگیری، ویژگی‌های استاد، و اولویت‌های یادگیری نقش مهمی در یادگیری دارند همچنین در خودارزیابی، مقایسه اطلاعات دانشجو با سایر هم‌تایان و به دست آوردن توانایی درک مطالب گسترده‌تر مدنظر می‌باشد. در مجموع به نظر می‌رسد که مسئولین دانشگاه می‌توانند با برنامه ریزی‌هایی نظیر برگزاری کارگاه‌های توانمندسازی اساتید و همچنین ایجاد امکانات به منظور درک گسترده‌تر مطالب (امکانات search و کامپیوتر) برای دانشجویان در تقویت یادگیری آنها نقش به سزایی داشته باشند.

کلیدواژه‌ها: یادگیری، خودارزیابی، اهداف آموزشی، آموزش پزشکی

(S.40SPos.6) نشست: ۴۰، پوستر: ۶

بررسی ارتباط ارزشیابی آموزشی و انگیزه مطالعه و یادگیری در دانشجویان پزشکی مقطع علوم پایه دانشگاه**علوم پزشکی مشهد**

امید حسنی، میلاد انوری، محمدرضا جمعه زاده، دکتر سید رضا موسوی

دانشگاه علوم پزشکی مشهد

مقدمه: یکی از رسالت‌های اصلی مدیریت و رهبری سیستم آموزش پزشکی افزایش کارایی آموزش و انگیزه یادگیری در دانشجویان می‌باشد. از طرفی ارزشیابی آموزشی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در یادگیری و انگیزش در آموزندگان به حساب می‌آید. علاوه بر استاد که به طور مستقیم بر ارزشیابی دانشجو نقش دارد، سیستم آموزشی نیز به عنوان ناظر و تعیین کننده چشم انداز آموزشی تأثیر بسزایی در این

مسئله دارد. هدف اصلی این پژوهش بررسی مؤثرترین نوع ارزشیابی از دیدگاه دانشجوی که خود نقش تعیین کننده‌ای در نظام آموزشی ایفا می کند، بود.

روش: پژوهش حاضر مطالعه‌ای توصیفی-تحلیلی از نوع مقطعی دارای جامعه آماری ۱۶۰ (۵۲٪ مرد، ۴۸٪ زن) بود. نمونه‌گیری به شکل تصادفی از بین دانشجویان پزشکی مقطع علوم پایه دانشکده پزشکی مشهد صورت گرفت. داده‌ها با پرسشنامه‌ای پژوهشگر ساخته (خودایفا) که روایی آن توسط اساتید آموزش پزشکی بررسی و پایایی آن با اجرای طرح پایلوت روی ۱۰ دانشجو تایید گردید، جمع آوری شد. در طراحی پرسشنامه استانداردهای لیکرت و (Situational Motivation Scale) SIMS رعایت گردیده است. در این پرسشنامه فاکتورهای ارزشیابی در سه گروه آموزشی آناتومی، فیزیولوژی و بیوشیمی مورد بررسی قرار گرفت. ارزیابی و تحلیل داده‌ها توسط شاخص‌های مرکزی و پراکندگی با نرم افزار SPSS 11.5 انجام گرفت.

یافته‌ها: از دیدگاه دانشجویان، نوع ارزشیابی تأثیر قابل توجهی در انگیزه و بهبود یادگیری دارد. همچنین دانشجویان برگزاری کوئیز (ارزشیابی بین ترمی) را به میزان "بسیار زیادی" در هر سه گروه آموزشی موجب افزایش یادگیری دانستند. به نظر آنها مناسب‌ترین شکل سؤال در ارزشیابی‌ها، (از میان شکل چند گزینه‌ای، کوتاه جواب و تشریحی) شکل چند گزینه‌ای بود (آناتومی ۶۴/۴٪، فیزیولوژی ۵۱/۳٪، بیوشیمی ۶۹/۴٪). علاوه بر این موارد، در پاسخ پرسشی در مورد کلاس‌های عملی دانشکده پزشکی مشهد، دانشجویان ارزشیابی «آناتومی عملی» را «زیاد» و «فیزیولوژی و بیوشیمی عملی» را «تا حدودی» متناسب با آموزش در کلاس عملی انتخاب کردند.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به این بررسی و سایر مطالعات مشابه در این موضوع مشخص می گردد که نوع و کیفیت ارزشیابی اهمیت زیادی در انگیزه یادگیری و آموزش دارد. در حالی که دانشجویان شکل چند گزینه‌ای را برای ارزشیابی بهتر تصور کرده اند ولی همیشه این نوع سؤال مناسب ارزیابی نیست، بلکه استاد بایستی با توجه به محتوای آموزشی و بررسی مهارت‌های مورد نظر بهترین نوع ارزشیابی را انتخاب نماید. بنابراین اساتید و دست اندرکاران آموزش پزشکی بهتر است توجه وافر به امر ارزشیابی آموزشی در نظام سلامت داشته باشند.

کلید واژه‌ها: ارزشیابی آموزشی، انگیزه یادگیری، دانشجوی پزشکی

(S.40SPos.7) نشست: ۴۰، پوستر: ۷

بررسی عوامل موثر بر مشروطی دانشجویان رشته پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی ارومیه

رضا سالم صافی*، دکتر پیمان میکائلی، دکتر سید جواد موسوی، میر حجت ریحانی، اکرم اکبری

r_salemsafy@yahoo.com:*

مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی ارومیه

مقدمه: از مشکلات نظام‌های آموزشی افت تحصیلی می‌باشد، که بصورت مردودی، مشروطی، تکرار دروس، اخراج و سایر موارد، در نظام‌های آموزشی دیده می شود در مراکز آموزشی عالی پیامد طبیعی افت تحصیلی اتلاف سرمایه‌های مادی و وارد آمدن ضربات روحی و دانشجویان می‌باشد. هدف بررسی عوامل موثر در مشروطی دانشجویان رشته پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی ارومیه بود.

روش: تحقیق به روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفت جامعه آماری دانشجویان رشته پزشکی ورودی‌های ۸۰ - ۸۱ - ۸۳ - ۸۴ و ۸۲ و نمونه دانشجویان مشروط و غیرمشروط ورودیهای مورد نظر به تعداد ۳۰۷ نفر که به صورت سرشماری انتخاب گردید. جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرونده‌های تحصیلی دانشجویان و پرسشنامه‌ای که پس از تعیین روایی توسط کارشناسان و پایایی به روش باز آزمایی به میزان ۶۵ درصد تعیین گردید استفاده گردید. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از کامپیوتر و نرم افزار SPSS و برای توصیف نتایج از شاخصهای آمار توصیفی درصد فراوانی مطلق، نمودار و آمار استنباطی آزمون کای دو و t استفاده بعمل آمد.

یافته‌ها: آزمون تی مستقل به عمل آمده تفاوت معناداری بین معدل دیپلم دانشجویان مشروط و غیر مشروط نشان داد. (T=5/53) P=0/00 بین وضعیت تأهل و مشروطی رابطه معناداری ملاحظه شد. $X^2=5/8$ DF=1 p=0/015 از نظر دانشجویان مشروط و غیر مشروط عواملی چون کیفیت تدریس، فقدان برنامه منظم مطالعاتی، عدم آشنایی به شیوه‌های مطالعه، ترس از آینده محتوای دروس، با تأثیر زیاد ارزیابی شده است. ۲۷/۸ از دانشجویان مراجعه کننده به کارشناس و ۲۴/۸ از دانشجویان که به کارشناس مراجعه نکرده بودند مشروط شده بودند که رابطه معناداری بین متغیر رجوع به کارشناس جهت کسب راهنمایی و مشروطی دانشجویان دیده نشد $X^2=0/27$.

DF=4 p=0/36 درصد دانشجویان مشروط و ۵۵/۷۵ درصد دانشجویان غیر مشروط از راهنمایی های ارائه شده توسط کارشناسان خدمات آموزش دارای رضایت زیاد بودند. ۶۸/۶۹ دانشجویان مشروط و ۷۹/۷۶ درصد غیر مشروط دارای رضایت زیاد از رشته تحصیلی بودند. رابطه معناداری بین رضایت از رشته و مشروطی دانشجویان دیده نشد. رابطه آماری معناداری را بین رضایت از راهنمایی کارشناسان و مشروطی دیده نشد. $X^2=2/84$ DF=4 p=0/59

بحث و نتیجه گیری: برای کاهش عوامل موثر تمهیدات و برنامه ریزی های لازم از طرف مسئولین دانشگاه بعمل آید.

کلیدواژه ها: مشروطی، پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ارومیه

(S.40SPos.8) نشست: ۴۰، پوستر: ۸

ارزشیابی محیط آموزشی دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی رشت

مینومیترا چهرزاد*، عاطفه قنبری، مجید پورشیخان، افسانه پاشا، کبری سلامی کهن، پروانه رضا سلطانی
*دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه شهید بهشتی رشت

مقدمه: محیط آموزشی یعنی فضای فیزیکی و امکانات و تجهیزات دانشگاه ها از موارد تأثیرگذار بر برنامه های آموزشی بوده و به همراه کلیه موارد تأثیرگذار بر فرآیند آموزشی باید به این مهم نیز توجه نمود. بنابراین ارزشیابی محیط آموزشی از موارد کمک کننده به مدیران آموزشی خواهد بود.

روش: مطالعه حاضر، توصیفی بوده که هدف آن ارزشیابی محیط آموزشی دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی رشت می باشد. جامعه پژوهش شامل کلیه اعضا هیئت علمی، مدیران گروه های آموزشی، مسئول کتابخانه و سمعی بصری، مدیر اداری مالی، معاون آموزشی و ریاست دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی رشت بودند که به روش سرشماری نمونه گیری شدند. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک و پرسشنامه سنجش فضای فیزیکی و امکانات و تجهیزات موجود در فضای عمومی دانشکده، کتابخانه، کلاس های درس، دپارتمان اساتید و مرکز سمعی-بصری دانشکده بود که به روش خود ایفا توسط واحدهای مورد پژوهش تکمیل می گردید. اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از SPSS ورژن ۱۶ مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: یافته ها نشان داد اکثریت واحدهای مورد پژوهش محل قرارگیری دانشکده (۶۵/۷٪) و فضای محوطه دانشکده (۵۱/۶٪)، امکانات و تجهیزات (۷۳/۲٪) و وجود بخش های ضروری در دانشکده (۶۳/۳٪) را نسبتاً مطلوب و وضعیت تردد افراد (۷۶/۲٪) را مطلوب ارزیابی نمودند. همچنین در مورد کلاس های درس، فضای کلاس (۵۲/۲٪)، وضعیت پنجره (۵۸/۳٪)، وضعیت تخته کلاس (۷۳/۱٪)، وضعیت نور (۵۸/۶٪) و صندلی های کلاس (۵۹/۳٪) را مطلوب و محل قرارگیری کلاس (۶۶/۷٪) و سقف و دیوار کلاس (۵۹/۳٪) را نسبتاً مطلوب ارزیابی نمودند. یافته ها در مورد دپارتمان اساتید نشان داد فضای فیزیکی اتاق اساتید (۵۴/۴٪) مطلوب، وسایل و تجهیزات اتاق اساتید (۶۰/۶٪) نسبتاً مطلوب می باشد. یافته ها در حوزه فضای فیزیکی کتابخانه نشان داد اکثریت واحدهای مورد پژوهش تعداد کتب موجود در کتابخانه (۴۶/۲٪) و قفسه های کتاب (۶۸/۷۵٪) و کتابدارها (۵۷/۷٪) را مطلوب، مساحت کتابخانه (۵۰٪) موقعیت کتابخانه (۴۵/۲٪)، اتاق مطالعه (۶۹/۲٪)، امکان استفاده از اینترنت (۵۸/۷٪) و میز مطالعه در سالن اصلی (۶۹/۲٪) را نسبتاً مطلوب و ساعات سرویس دهی کتابخانه (۸۳/۹٪)، تعداد عناوین پایان نامه ها (۷۵٪)، برگه دان (۶۴/۴٪)، محیط داخلی کتابخانه (۶۵/۴٪) و امکانات کامپیوتری کتابخانه (۶۵/۴٪) را نامطلوب ارزیابی کردند.

بحث و نتیجه گیری: باتوجه اینکه یکی از موارد تأثیرگذار بر کیفیت مطلوب آموزشی فضای فیزیکی و امکانات و تجهیزات آموزشی می باشد، توجه به محل قرارگیری دانشکده، فضای محوطه دانشکده، محل قرارگیری کلاس، سقف و دیوار کلاس و نیز وسایل و تجهیزات اتاق اساتید، مساحت و موقعیت کتابخانه، اتاق مطالعه، امکان استفاده از اینترنت، ساعات سرویس دهی کتابخانه، تعداد عناوین پایان نامه ها، برگه دان، محیط داخلی کتابخانه و امکانات کامپیوتری کتابخانه ضروری است.

کلید واژه ها: ارزشیابی، محیط آموزشی، دانشکده پرستاری و مامایی

(S.40SPos.9) نشست: ۴۰، پوستر: ۹

بررسی ارتباط افسردگی و موفقیت تحصیلی در بین دانشجویان پسر دانشگاه علوم پزشکی ایلام ۱۳۸۸

یوسف رجبی*، محمد سپهوند، امیر عبدالکریمی، سجاد علیزاده، فرناز سهیلی، معصومه چراغی
*ایلام - دانشگاه علوم پزشکی-ساختمان معاونت-کمیته تحقیقات، yousof_rajabi@yahoo.com

مقدمه: افسردگی یکی از اختلالات روانی است و یکی از مشکلات بهداشتی در تمام فرهنگ‌ها می‌باشد. اکثر افراد در طول زندگی خود درجات مختلفی از افسردگی را تجربه می‌کنند. دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی که هر یک به نحوی درگیر حفظ سلامت روحی و روانی افراد هستند خود مستعد ابتلا به افسردگی می‌باشند لذا این تحقیق با هدف بررسی شیوع افسردگی در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ایلام انجام شد.

روش: در این پژوهش که به صورت توصیفی مقطعی انجام شد، تعداد ۱۰۱ پرسشنامه استاندارد DASS جهت سنجش میزان افسردگی بین دانشجویان پسر ساکن خوابگاه‌های دانشگاه علوم پزشکی تقسیم شد و نتایج حاصل از پرسشنامه مذکور وارد نرم افزار SPSS آنالیز گردید و نتایج حاصله به صورت آمار توصیفی به دست آمد.

یافته‌ها: میانگین سنی افراد شرکت‌کننده در طرح ۲۱ سال و میانگین معدل آنها در طول دوره تحصیلات دانشگاهی ۱۵/۶ بود. ۲۳ نفر (۲۲/۸٪) این افراد دارای درجات مختلفی از افسردگی بودند و بین سن، معدل ترم گذشته، رشته تحصیلی افراد و بروز افسردگی ارتباط معنا داری پیدا نشد.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج پژوهش حاصل که بین شیوع نسبی افسردگی در بین دانشجویان پسر ساکن خوابگاه دانشگاه علوم پزشکی ایلام می‌باشد باید تدابیری اتخاذ گردد تا عواملی که در بروز افسردگی مؤثر هستند شناسایی و کاهش یابند تا از ایجاد مشکلات بعدی که ناشی از ابتلا به این بیماری است پیشگیری شود.
کلیدواژه‌ها: افسردگی، دانشجویان پسر، علوم پزشکی ایلام

(S.40SPos.10) نشست: ۴۰، پوستر: ۱۰

بررسی میزان دانش، نگرش و عملکرد مدیران بیمارستان‌های وابسته به دانشگاه علوم پزشکی اصفهان**پیرامون کاربرد رایانه و آموزش الکترونیکی در کیفیت مدیریت نظام سلامت**

شیوا حسینی فولادی^۱، سید امیر علی فاطمی^۲

۱. دانشگاه علوم پزشکی تهران، hosseinif@razi.tums.ac.ir

۲. دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

مقدمه: رایانه و شبکه اطلاع‌رسانی نقش مهم و فزاینده‌ای در امر آموزش پزشکی ایفا می‌کنند. امروزه پیشرفت‌های جدید در عرصه فناوری اطلاعات، فرصت مناسبی را برای بازآموزی علم و دانش به خصوص از طریق اینترنت و e-learning فراهم نموده است. بطور کلی آموزش الکترونیکی به هر نوع آموزشی اطلاق می‌شود که به شکلی غیر از روش‌های سنتی رو در رو انجام می‌گیرد. محتوای دروس ممکن است از طریق اینترنت یا استفاده از ویدئو، تصاویر فعال و تعامل دو طرفه انتقال یابند. لذا؛ با توجه به اهمیت موضوع این پژوهش با هدف بررسی آگاهی، نگرش و عملکرد مدیران بیمارستان‌های وابسته به دانشگاه علوم پزشکی اصفهان پیرامون کاربرد رایانه و شبکه اینترنت در کیفیت مدیریت و اداره نظام سلامت انجام شده است.

روش: این مطالعه توصیفی - مقطعی می‌باشد و جمع‌آوری اطلاعات توسط پرسشنامه‌ای که در آن سه حیطه دانش، نگرش و عملکرد مدیران را مورد بررسی قرار داد، صورت گرفت و پس از تعیین روایی و پایایی، پرسشنامه‌ها بین ۱۱۰ نفر از مدیران سطوح مختلف (ارشد، میانی و عملیاتی) بیمارستان‌های وابسته به دانشگاه علوم پزشکی اصفهان (۱۱ بیمارستان)، به صورت نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای توزیع شد. داده با استفاده از نرم افزار SPSS مورد آنالیز قرار گرفت.

یافته‌ها: ۹۵٪ درصد از مدیران به نقش مهم رایانه در یادگیری و ارتقاء کیفیت فعالیت‌های علمی- عملی خود در حیطه مدیریتی و آموزش پزشکی و نظام سلامت اعتقاد داشتند. میانگین دانش مدیران بیمارستان‌ها که نشانگر مهارت آنها در استفاده از کامپیوتر، نرم‌افزارهای رایج، پست الکترونیکی و جستجوی مقالات در بانک‌های اطلاعاتی می‌باشد، ۱۲ از ۲۰ محاسبه گردید. در بررسی عملکرد، این مدیران به طور متوسط در هفته $7/2 \pm 8/8$ ساعت از رایانه و $5/9 \pm 4/5$ ساعت در هفته از اینترنت بهره می‌گیرند. در مقایسه دانش مدیران با سطح مدیریتی و مدرک تحصیلی تفاوت معنی‌داری وجود نداشت.

بحث و نتیجه‌گیری: اکثریت مدیران بیمارستان‌ها نسبت به کاربرد رایانه و اینترنت در علوم پزشکی و نظام سلامت نگرش مثبت داشتند ولی درصد قابل توجهی از آنها، از دانش و مهارت کافی برخوردار نبودند. بنابراین، لازم است تدابیری برای ارتقای دانش و عملکرد مدیران بیمارستان‌ها در راستای استفاده بهینه از رایانه و اینترنت اتخاذ گردد و در این خصوص با توجه به مسئولیت سنگین مدیریت و مسئله کمبود وقت آزاد مدیران پیشنهاد می‌گردد از کارگاه‌ها و یا دوره‌های آموزش از راه دور نظیر یادگیری الکترونیک (e-Learning) استفاده شود که در آن یادگیری سریع، کم هزینه و بدون محدودیت زمانی و مکانی است.

پیشنهادهای: با توجه به مسئولیت سنگین مدیریت و مسئله کمبود وقت آزاد مدیران پیشنهاد می‌گردد از کارگاه‌ها و یا دوره‌های آموزش از راه دور نظیر یادگیری الکترونیک استفاده شود که در آن یادگیری سریع، کم هزینه و بدون محدودیت زمانی و مکانی است.

کلیدواژه‌ها: مدیران بیمارستان، کیفیت، نظام سلامت، یادگیری الکترونیک، کامپیوتر، اینترنت

(S.41SPos.1) نشست: ۴۱، پوستر: ۱

بررسی گزارش وضعیت بیماران بستری در هنگام خاتمه کار در بخش داخلی مرکز آموزشی و درمانی امام رضا

(ع) توسط کارآموزان

اتابک اسودی کرمانی^۱، سوسن کلاهی^۲، مهرزاد حاجعلیلو^۳، تورج اسودی کرمانی^۴

۱- دانشجوی پزشکی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز- مرکز تحقیقات هماتولوژی و انکولوژی - دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز- مرکز تحقیقات هماتولوژی و انکولوژی atili_13@yahoo.com

۲، ۳، ۴- MD دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز

مقدمه: نوشتن و سخن گفتن در پزشکی هر دو مهارت محسوب می‌شوند و پزشکان با دو شیوه گفتاری و نوشتاری در محیط‌های آموزشی-درمانی با یکدیگر و جامعه پیرامون خود ارتباط برقرار می‌کنند؛ بر آن شدیم نحوه نگارش Off Service Note توسط کارآموزان (گزارش وضعیت بیماران بستری در هنگام خاتمه کار)، در بخش داخلی را مورد بررسی قرار بدهیم.

روش: روش نوشتن Off Service Note را به دانشجویان در کلاس‌های سمپولوژی آموزش می‌دهند و در بخش‌های بالینی دانشجویان دانش خود را بصورت مهارت نشان می‌دهند و در زمان اتمام بخش، گزارش کار خود را ارائه می‌دهند، لذا ۵۷ پرونده بیماران بخش داخلی بصورت راندام انتخاب شده و آیت‌های تاریخ بستری، تشخیص هنگام بستری، اعمال تشخیصی درمانی انجام شده، سیر معالجات، نتایج معاینه، خلاصه آزمایشات قبلی و لیست مشکلات بیمار، ارزیابی از وضعیت بیمار، برنامه تشخیصی درمانی مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته‌ها: در کل ۶۸٪ کارآموزان Off Service Note درست نوشته بودند و ۸۷٪ تاریخ بستری و نتایج معاینه و خلاصه آزمایشات قبلی انجام شده، ۹۱٪ تشخیص هنگام بستری، ۸۰٪ اعمال تشخیصی درمانی انجام شده، ۴۲٪ سیر درمان انجام شده، ۵۴٪ ارزیابی از وضعیت بیمار، ۷۲٪ برنامه تشخیصی درمانی، ۰/۰۷ لیست مشکلات بیماران را صحیح نوشته بودند.

بحث و نتیجه‌گیری: نوشتن Off Service Note عامل بسیار مهمی در ارتباط پزشکان با یکدیگر و آشنایی با وضعیت بیماری است و در این بین سهم لیست مشکلات بیمار و ارزیابی از وضعیت بیمار بصورت کامل اهمیت داده نشده و لزوم توجه به آن بسیار ضروری است.

کلیدواژه‌ها: Off Service Note، کارآموزان

(S.41SPos.2) نشست: ۴۱، پوستر: ۲

بررسی عوامل مؤثر بر حضور دانشجویان مقطع علوم پایه دانشکده ی پزشکی تبریز و سنج در کلاس های**درس**امیر کمالی فر^۱، مهستی علیزاده^۲، نیما اسماعیل نسب^۳

۱- دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی تبریز amirkamalifar@gmail.com

۲- استادیار دانشگاه علوم پزشکی تبریز alizadehm@tbzmed.ac.ir

۳- دانشجو دانشگاه علوم dr.nimaen@gmail.com

مقدمه: دوره هفت ساله پزشکی عمومی یکی از طولانی ترین دوره های آموزش دانشگاهی است و از آنجائیکه هدف آن تربیت پزشکان جهت حفظ و ارتقای سلامت جامعه است بسیار با اهمیت می باشد. حدود دو سال از این دوره اختصاص به مقطع علوم پایه دارد که به عنوان اساس و پایه ای برای سایر دوره ها محسوب می باشد و لزوم آموزش صحیح این دوره بر کسی پوشیده نیست. هدف از این مطالعه تعیین عوامل مؤثر بر حضور دانشجویان در کلاس های مقطع علوم پایه می باشد.

روش: با استفاده از یک پرسشنامه نظرات دانشجویان علوم پایه پزشکی دانشکده علوم پزشکی تبریز و سنج جمع آوری شد. پرسشنامه ها به صورت جداگانه برای دانشجویان پسر و دختر توزیع شد و نتایج با نرم افزار SPSS مورد آنالیز قرار گرفت.

یافته ها: از ۲۸۷ نفر که پرسشنامه ها را پر کرده اند ۱۶۶ نفر زن و ۱۲۱ نفر مرد بوده اند. بیش از ۴۲٪ از دانشجویان به منظور حضور غیاب در کلاس های درس حاضر می شوند و نزدیک ۴۰٪ بجای حضور در کلاس خواب را ترجیح می دهند و بیش از ۶۵٪ معتقدند که دروس علوم پایه در حد متوسط و پایین تر از متوسط در روند آموزشی دوره های دیگر تأثیر گذار است و ۶۸٪ وضعیت ظاهری استاد در حضور دانشجویان در کلاس را متوسط و بالاتر از متوسط می دانند و ۴۶٪ معتقدند که حضور در کلاس به فهم دروس مربوطه کمک چندانی نمی کند و ۲۸٪ معتقدند که دروس عملی فیزیولوژی و بیوشیمی ارزش آموزشی در این دوره را ندارد ۷۰٪ نحوه ی تدریس استاد را در حضور دانشجویان در کلاس متوسط و بالاتر از متوسط میدانند و فقط ۵٪ تدریس استاد را در دروس انگل شناسی و پاتولوژی میکروب شناسی ایمنی شناسی فیزیولوژی بیوشیمی در فهم دروس را مؤثر می دانند.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به نتایج می توان گفت عدم آگاهی دانشجویان نسبت به دوره های بعدی آموزشی می تواند یکی از علل بی توجهی به این مقطع باشد. اساتید روش های تدریس مناسبی را پیش نمی گیرند و از توان لازم جهت انتقال دانش خود در اکثر موارد برخوردار نیستند و کلاس های درس نمی تواند در جهت افزایش توانمندی دانشجویان مؤثر باشد.

کلیدواژه ها: آموزش پزشکی، حضور در کلاس، حضور و غیاب

(S.41SPos.3) نشست: ۴۱، پوستر: ۳

بهره وری آموزش بالینی با مدیریت کیفیت فراگیر (TQM): راهکارآمنه محمدپور ارمینان^{*}، حمیده نوری اصل^{*} دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علوم پزشکی - تبریز - دانشگاه - دانشکده پزشکی - مرکز مهارت های بالینی

zahra_amaneh@yahoo.com

مقدمه: مدیریت کیفیت فراگیر به عنوان اصطلاحی بسیار متداول در جهان مدیریت امروز، اشاره به مجموعه تلاش های انجام شده برای پیشبرد و بهبود کیفیت دارد. امروزه فرهنگ و فلسفه ی ارتقای کیفیت دیگر نه به عنوان یک مکتب و تئوری، بلکه به عنوان روش عملیاتی و استراتژی برای بقا و حیات بسیاری از سازمان ها و راه کاری در جهت حفظ مشتریان و ارتقای سطح خدمات و به تبع آن افزایش رضایت مشتری مطرح می باشد. هدف این مقاله جستجوی راه های دستیابی به بیشترین و بهترین خدمات با کمترین هزینه می باشد.

روش: این پژوهش یک مطالعه مروری است که با بررسی کتابخانه‌ای و اسنادی و نیز جستجو در بانک‌های اطلاعاتی در مورد مدیریت کیفیت فراگیر، بهره‌وری، تعالی سازمان استخراج شده است.

یافته‌ها: یافته‌های حاصل از این بررسی نشان می‌دهد که دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی، زمانی می‌توانند در انجام مدیریت کیفیت فراگیر موفق شوند که مدیران علاوه بر بسترسازی فرهنگی، آگاهی، باور، اعتماد عمیق و مهارت نسبت به اجرای TQM داشته باشند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که حمایت مدیران عالی و ارشد و میانی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی بسیار ضروری به نظر می‌رسد و نیز مدیریت کیفیت جامع یک سیستم اثر هزینه است که مقصد نهایی جلب رضایت مشتری است. نتایج حاصل از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در صورتی که کارها برای اولین بار به صورت درست انجام شود باعث افزایش کیفیت و بهره‌وری می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری: هدف کلیه تلاش‌های مدیریت کیفیت جامع در سازمان در جهت بهبود و حفظ کیفیت، جلب رضایت کامل مشتری با کمترین هزینه است. در صورتیکه بتوانیم در سازمان‌های آموزشی خدماتی TQM را پیاده سازیم باعث صرفه جویی در هزینه و وقت دانشجویان و بیماران که از مشتریان اصلی دانشگاه علوم پزشکی می‌باشند خواهد شد. پس میتوان نتیجه گرفت که عمل کردن بر طبق مدیریت کیفیت فراگیر در واقع پیاده کردن فرمایشات مقام معظم رهبری میباشد که سال ۱۳۸۸ را به آن (اصلاح الگوی مصرف) نام نهاده‌اند.

کلیدواژه‌ها: مدیریت، کیفیت فراگیر، بهره‌وری

(S.41SPos.4) نشست: ۴۱، پوستر: ۴

بررسی و نقد فرآیند تفکر انتقادی با رویکرد تصمیم‌گیری بالینی، چالش‌ها و راهکارها

فریبا عسگری^۱، هاجر محبوب مودب^۲

۱- رشت، دانشکده پ.م.شهیديهشتی، asgari_f@gums.ac.ir

۲- دانشگاه آزاد اسلامی ص. پ. ۱۱۴۴، mahjoob_35@yahoo.com

مقدمه: امروزه صاحب‌نظران، تفکر انتقادی را به عنوان برونداد اصلی آموزش عالی معرفی کرده و تدریس تفکر را نکته پایه برای یادگیری به شمار می‌آورند. تفکر انتقادی جزء ضروری در تصمیم‌گیری بالینی و صلاحیت حرفه‌ای است، آموزش تفکر انتقادی، منجر به انگیزش یادگیری، کسب مهارت‌های حل مسأله، تصمیم‌گیری و خلاقیت می‌شود تفکر انتقادی، معرف توانایی شناختی است و توانایی‌های شناختی پرستار، به‌خصوص توانایی وی برای پردازش اطلاعات و تصمیم‌گیری، از اجزاء کلیدی عملکرد پرستاری با توجه به حوزه ی مورد نظر می باشد. با این وجود، پژوهشگران برآن شدند که ارتباط این نوع تفکر با فرآیند تصمیم‌گیری بالینی دانشجویان سال آخر پرستاری دانشگاه آزاداسلامی واحد آستارا را مورد بررسی قرار داده و براساس نتایج، راهکارهای کاربردی به مسئولین آموزشی ارائه دهند.

روش: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی همبستگی بود که به روش سرشماری کلیه دانشجویان ترم آخر کارشناسی پیوسته پرستاری (۵۶ نفر ورودی ۱۳۸۳) دانشگاه آزاداسلامی واحد آستارا که آخرین واحد کارورزی عرصه را می‌گذراندند موردبررسی قرارگرفتند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه ای مشتمل بر دو بخش مشخصات دموگرافیک و سؤالات آزمون تفکر انتقادی کالیفرنیا و همچنین به روش کیوسورت وبا استفاده از کارت‌های تصمیم‌گیری بالینی بود. سپس داده ها با استفاده از بسته آماری SPSS / Ver:13 مورد تجزیه و تحلیل آمار توصیفی (درصد و میانگین) واستنباطی (کای دو ودقیق فیشر) قرار گرفت.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که اکثریت واحدهای پژوهش، دارای معدل در محدوده ۱۷-۱۴ (۵۶/۵٪) با میانگین $15/38 \pm 1/74$ ، عدم برخورد با بیمار تحت جراحی بیلروت II در خانواده (۹۴/۴٪) و هیپچیک سابقه برخورد بابیماری درطول کارآموزی نداشتند. اکثریت (۸۹٪) دارای تفکر انتقادی ضعیف بوده و میانگین نمره تفکر انتقادی آنها $10/14 \pm 2/75$ است. آزمون کای دو، ارتباط معنی‌دار آماری بین نمره تفکر انتقادی با میانگین معدل واحدهای مورد پژوهش نشان داد. ($p = 0/02$) اکثریت واحدهای پژوهش (۵۳٪) تصمیم‌گیری مفید دارند. میانگین نمره تصمیم‌گیری بالینی $10/36 \pm 2/37$ بدست آمد. همچنین، ۴۸٪ واحدهای مورد پژوهش دارای نقش تصمیم‌گیری مشارکتی می باشند. بین نمره تصمیم‌گیری بالینی و سابقه برخورد با بیمار تحت جراحی بیلروت II در کارآموزی، ارتباط معنی‌دار آماری وجود داشت ($p = 0/03$). براساس تست دقیق فیشر نیز، بین نمره تفکر انتقادی و تصمیم‌گیری بالینی از نظر آماری ارتباط معنی دار وجود نداشت.



دانشگاه علوم پزشکی تهران

فصلنامه علمی پژوهشی

مطالعات و پژوهش

بحث و نتیجه گیری: پیشنهاد می شود با عنایت به پایین بودن نمره تفکر انتقادی واحدهای پژوهش و ارتباط تصمیم گیری بالینی با سابقه برخورد با بیماری در طی کارآموزی، برای بهبود مهارت تفکر انتقادی، لزوم به کارگیری روش های نوین آموزش نظری و بالینی اساتید (روش هایی چون یادگیری بر اساس حل مشکل، مباحثه، پرسش و پاسخ، شبیه سازی، نقشه های مفهومی و...) و توجه به مهارت های تفکر انتقادی توسط مسئولین آموزشی احساس می شود.

کلیدواژه ها: آموزش پرستاری، دانشجویان پرستاری، تصمیم گیری، تفکر انتقادی

(S.41SPos.5) نشست: ۴۱، پوستر: ۵

بررسی کیفیت معیار «برنامه ریزی استراتژیک» در آموزش بیمارستان بقیه الله براساس مدل تعالی مالکولم بالدریج در سال ۱۳۸۸

آقای محمد صالح فلاح*، دکتر شهرام توفیقی، آقای مجتبی خواجه آزاد
mosafa52@yahoo.com
دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله

مقدمه: مدل تعالی مالکولم بالدریج اصول مدیریت کیفیت فراگیر (TQM) را برای سازمان های آموزشی-درمانی بهینه نموده که دومین معیار این مدل برنامه استراتژیک می باشد. هدف این مطالعه ارزیابی کیفیت برنامه ریزی استراتژیک در آموزش بالینی بیمارستان بقیه الله براساس مدل تعالی مالکولم بالدریج بود.

روش: مطالعه توصیفی و مقطعی بود و اطلاعات از طریق مصاحبه، مشاهده مستندات و فرایندها با استفاده از چک لیست استاندارد مدل تعالی مالکولم بالدریج (نسخه ۲۰۱۰-۲۰۰۹) جمع آوری شد. کیفیت معیار «برنامه ریزی استراتژیک» و هریک از شاخص های آن با استفاده از ماتریس مدل در چهار سطح رویکرد، استقرار، یادگیری سازمانی و یکپارچگی امتیازدهی و تحلیل گردید.

یافته ها: در مجموع معیار برنامه استراتژیک در آموزش بالینی بیمارستان بقیه الله براساس مدل بالدریج از مجموع ۸۵ امتیاز ۳۰/۳۱ (۳۵/۶۵٪) امتیاز را کسب نمود. این امتیاز از میانگین شاخص های «فرایند توسعه استراتژی» ۲۲/۵٪ «اهداف استراتژیک» ۴۷/۵٪ مربوط به زیر معیار توسعه استراتژی و شاخص های «استقرار و توسعه برنامه عملی» ۳۰٪ «طراحی عملکرد» ۴۲/۵٪ مربوط به زیر معیار استقرار استراتژی بدست آمده است.

بحث و نتیجه گیری: نتایج با مطالعه مشابه در سال ۱۳۸۶ در بیمارستان شهید هاشمی نژاد که ۳۳٪ امتیاز معیار «برنامه ریزی استراتژیک» حوزه آموزش مدل بالدریج را کسب نموده، همخوانی داشت. کیفیت این معیار در آموزش بیمارستان بقیه الله متوسط ارزیابی شد. نتایج نشان می دهد که هرچند سازمان در سطح رویکرد و استقرار «اهداف استراتژیک» و «برنامه عمل» نسبتاً مناسبی برای ارتقای عملکرد خود طراحی نموده؛ اما به دلیل آنکه فرایند توسعه استراتژی به صورت علمی طی نشده، این اهداف استراتژیک و برنامه عمل ناشی از آن نتوانسته اند منجر به یادگیری سازمانی و یکپارچگی در سازمان شوند. پیشنهاد می شود با مشارکت بخش های مختلف و کارکنان و ذینفعان، «اهداف استراتژیک» و «برنامه عمل» به منظور یادگیری سازمانی و یکپارچه سازی بازنگری و تقویت شوند.

کلیدواژه ها: مدل تعالی، کیفیت، برنامه ریزی استراتژیک- مالکولم بالدریج، بیمارستان بقیه الله

(S.41SPos.6) نشست: ۴۱، پوستر: ۶

خودارزیابی دانشجویان مامایی دانشگاه علوم پزشکی ایلام از سطح مهارت های بالینی خود در سال ۱۳۸۸

الهام قیصر بیگی*، مرضیه عزیزیان فر ۲، هادی پیمان ۳، امینه زریان ۴، منیره محمد حسن نهال ۵، جمیل صادقی فر ۶، علی دل پیشه ۷
elham_qaisarbaigi@yahoo.com*

دانشگاه علوم پزشکی ایلام، بانگنجان خیابان پژوهش معاونت آموزشی پژوهشی مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی،

مقدمه: از ویژگی‌های مهم آموزش پزشکی لزوم یادگیری توأم مهارت‌های بالینی و آموزش‌های تئوری است. هدف از این پژوهش تعیین سطح مهارت‌های بالینی دانشجویان مامایی دانشگاه علوم پزشکی ایلام در سال ۱۳۸۸ می‌باشد.

روش: در این مطالعه توصیفی-مقطعی دانشجویان مامایی دانشگاه علوم پزشکی ایلام که سابقه‌ی کارآموزی در زایشگاه را داشتند وارد مطالعه گردیدند. از یک پرسشنامه استاندارد شده با مبنای نمره ۱۰۰ که روایی و پایایی آن اثبات شده بود جهت گردآوری داده‌ها استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS صورت گرفت.

یافته‌ها: میانگین سنی نمونه‌ها $21/7 \pm 1/1$ سال و میانگین کل معدل دوره تحصیلی آنان $15/86 \pm 0/46$ بود. مهارت بالینی دانشجویان مورد مطالعه به ترتیب در زمینه تعبیه سوند ادراری ($94/8$)، اندازه گیری علائم حیاتی ($93/2$)، ثبت اطلاعات و تکمیل پرونده بیمار ($91/8$) در بالاترین سطح و در زمینه ارزیابی شوک و احیای اولیه ($56/2$)، ارزیابی بیمار ترومایی ($62/8$) و کنترل خونریزی‌های خارجی ($64/4$) در پایین‌ترین سطح بود. در زمینه مهارت‌های تخصصی حرفه‌ی مامایی نیز، کنترل FHR (ضربان قلب جنین) (94)، آموزش‌های پس از زایمان (شامل شیردهی و مراقبت‌های دوران نفاس) ($92/4$) و پذیرش بیمار در بخش ($90/2$) در بالاترین سطح مهارت و اپی زیاتومی (68)، بی حسی موضعی (72) و آمنیوتومی ($68/8$) در پایین‌ترین سطح مهارت گزارش گردید. آزمون آماری T رابطه‌ی معنی‌داری را بین معدل کل دوره با میانگین نمره‌ی مهارت بالینی دانشجویان مورد مطالعه نشان داد ($p=0.016$).

بحث و نتیجه‌گیری: کنترل FHR و تعبیه سوند ادراری شاخص‌ترین مهارت دانشجویان مامایی مورد مطالعه بود. با این وجود اکثریت دانشجویان در مهارت‌هایی چون اپی زیاتومی، آمنیوتومی و بی حسی موضعی از عملکرد خود رضایت چندانی نداشتند. ارزیابی مستمر وضعیت مهارت‌های بالینی دانشجویان با کمک به شناسایی کاستی‌ها، ارتقای کیفیت آموزش بالینی و متعاقباً افزایش سطح مهارت‌های بالینی را به دنبال خواهد داشت.

کلیدواژه‌ها: مهارت‌های بالینی، خودارزیابی، دانشجویان مامایی، علوم پزشکی ایلام

(S.41SPos.7) نشست: ۴۱، پوستر: ۷

بررسی سطح آگاهی دانشجویان پزشکی مقطع استیودنتی دانشگاه علوم پزشکی شیراز نسبت به شخصیت

حرفه‌ای یک پزشک در محیط کار

احسان کریمی^۱، پرستو نعمت‌اللهی^۲، فرناز سادات جوانمردی^۳، امیر حسین کریمی^۴، میترا امینی^۵

۱- دانشگاه علوم پزشکی شیراز، Drpiroozgh@yahoo.com

۲، ۳، ۴- دانشگاه علوم پزشکی شیراز

۵- مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی شیراز

مقدمه: خودشناسی حرفه‌ای حالتی ذهنی است که در آن فرد خود را به عنوان عضوی از گروهی متخصص در آن حرفه می‌شناسد. نظام آموزشی پزشکی موجود دانشجویان پزشکی را برای بدست آوردن آمادگی در این زمینه محدود می‌کند و ممکن است خودشناسی حرفه‌ای آن‌ها را به تأخیر اندازد. امروزه همه به اهمیت و تأثیر برقراری ارتباط میان فردی در حیطه‌های حرفه‌ای واقف هستیم و در تمامی حرفه‌ها به خصوص حرفه پزشکی توانایی برقراری ارتباط مؤثر بین فردی یکی از اجزای حیاتی کار محسوب می‌شود. از سوی دیگر اخلاق و منش حرفه‌ای اساس قرار داد پزشکان با جامعه است که در آن به صداقت، احترام، تعهد و اعتماد تأکید شده است. آموزش اخلاق پزشکی به دانشجویان این رشته، یکی از مهم‌ترین نیازهای آموزشی در حیطه طبابت می‌باشد که طی دهه‌های اخیر تحولات زیادی یافته است. لذا؛ بر آن شدیم تا نگرش دانشجویان مقطع بالینی را در مورد آگاهی فعلی خود از مسائل اخلاقی را در کنار آگاهی خود را از مسائل فوق در آینده ارزیابی کرده‌اند، مورد بررسی قرار دهیم.

روش: در یک مطالعه مقطعی بررسی روی دانشجویان مقطع استیودنتی دانشکده پزشکی شیراز پرسشنامه‌ای پایا و روا با استفاده از متون علمی و نظر صاحب‌نظران تهیه و به روش خود ایفا تکمیل شد. جامعه آماری پژوهش فوق ۳۵ نفر از دانشجویان که به صورت تصادفی انتخاب شده بودند، تشکیل می‌دهند. اطلاعات با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: خود ارزیابی کردن دانشجویان نشان داد که آگاهی ایشان به ترتیب اولویت در موارد زیر در سطح بسیار خوب قرار دارد: ۱- آشنایی با روند تشخیص بیماری ۲۱.۲٪، ۲- آشنایی با کارگروهی ۱۸.۲٪، ۳- برخورد مناسب با اعتقادات بیمار ۱۵.۶٪، دانشجویان مورد



پرسش آگاهی فعلی خود را از موارد زیر در سطح متوسط ارزیابی می کنند: ۱- آشنایی با مباحث اخلاقی ۴۵.۵٪- استفاده از آموخته‌ها ۴۲.۲٪- رفتار مناسب در شرایط اضطراری ۴۰.۶٪. در مقابل دانشجویان انتظار دارند آگاهی خود در آینده نسبت به مسائل مذکور در سطح بسیار خوب و خوب قرار خواهد گرفت: (به ترتیب) ۱- آشنایی با کار گروهی ۷۵.۶٪- ۲- استفاده از آموخته‌ها ۶۰.۶٪- ۳- آشنایی با ارتباط بین پزشک و بیمار ۵۸.۱٪.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به اینکه دانشجویان در بالین با فرصت‌های یادگیری متنوع و بسیار مفید مواجه می‌شوند، انتظار می‌رود با گذشت زمان و افزایش آگاهی عملکرد ایشان در زمان مواجهه با موارد اخلاقی نسبت به مراحل اولیه بهبود پیدا کند. در صورتی که با در نظر گرفتن نقش تجربه در این مقوله به نظر می‌رسد نیاز به برگزاری کارگاه‌هایی جهت آموزش مدون پیرامون اخلاق حرفه‌ای به خصوص با محوریت مدیریت بحران و عکس العمل مناسب نسبت به رفتار بیمار و مواردی از این قبیل وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: نگرش حرفه‌ای، دانشجویان مقطع بالینی، آموزش اخلاق پزشکی

(S.41SPos.8) نشست: ۴۱، پوستر: ۸

بررسی مقایسه‌ای دیدگاه اساتید و دانشجویان پرستاری در خصوص آموزش بالینی اثر بخش

یوسف فتح الهی*، ابراهیم سلیمی، مریم دارش، محمد بانوی، جمیل صادقی ف
yousof.fathollahie@gmail.com*

دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، بلوار دانشجو، بانه‌نجان، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، واحد استعدادهای درخشان،

مقدمه: ارزیابی دقیق و مستمر آموزش بالینی، شناسایی نقاط قوت و ضعف آن و بالاخره ارائه راهکارهای موثر جهت بهبود آن مستلزم بهره‌گیری از نظرات دو رکن اصلی فرایند آموزش یعنی اساتید و فراگیران می‌باشد. پژوهش کاربردی حاضر با هدف ارزیابی و مقایسه‌ی دیدگاه اساتید و دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی ایلام در خصوص عوامل موثر بر آموزش بالینی طراحی و اجرا گردید. **روش:** در این مطالعه توصیفی-تحلیلی، ۱۵ نفر از اساتید بالینی و ۸۰ نفر از دانشجویان سال آخر رشته پرستاری به صورت سرشماری مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ی استاندارد شده‌ای بود که حاوی سوالاتی در خصوص عوامل مرتبط با آموزش بالینی اثربخش شامل پنج حیطه‌ی خصوصیات فردی فراگیر، مدرس بالین، محیط بالین، برنامه‌ریزی آموزشی و ارزشیابی بالینی بود که توسط فراگیران و اساتید بالینی تکمیل گردید. هر حیطه بر مبنای مقیاس پنج رتبه‌ای لیکرت امتیاز بندی شد. نرم افزار آمار SPSS جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت.

یافته‌ها: بیش از یک سوم (۴۰٪) دانشجویان و کمتر از دو سوم اساتید مورد مطالعه مرد بودند. مهمترین حیطه‌های موثر در آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان به ترتیب مربوط به خصوصیات فردی فراگیر (۳/۵۰)، مدرس بالین (۰۷/۳)، برنامه‌ریزی آموزشی (۲/۷۴)، محیط بالین (۲/۴۰) و ارزشیابی بالینی (۱۸/۲) بود. در حالیکه از دیدگاه اساتید مورد مطالعه، عوامل موثر بر آموزش بالین اثر بخش به ترتیب مربوط به مدرس بالین (۴/۰۷)، خصوصیات فردی فراگیر (۳/۳۴)، محیط بالین (۲/۹۳)، برنامه‌ریزی آموزشی (۲/۸۸) و ارزشیابی بالینی (۲/۵۸) بود. تنها در خصوص حیطه‌های مدرس بالین و ارزشیابی بالینی اختلاف آماری معنی‌داری بین دیدگاه دانشجویان و اساتید وجود داشت. ($p < 0.03$)

بحث و نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته در زمینه بهبود و ارتقای آموزش بالینی هنوز نقص‌هایی در این فرایند مهم موجود است. اعتبار بخشی به نظرات اساتید و دانشجویان می‌تواند به برنامه‌ریزان آموزش بالینی جهت ارائه راهکارهای مؤثر کمک شایانی بنماید.

کلیدواژه‌ها: آموزش بالینی اثربخش، اساتید بالینی، دانشجویان پرستاری

(S.41SPos.9) نشست: ۴۱، پوستر: ۹

مروری بر مدل‌های آموزش‌های بالینی

هنگامه حبیبی*، عباس عبادی

۱- دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله، hengamehabibi@ymail.com

آموزش بالینی از اهمیت خاص در آموزش پزشکی برخوردار است و در قلب آن جای دارد. برای ارائه یک آموزش بالینی موفق و اثربخش، نیاز مبرم به مطالعه، برنامه ریزی و بازاندیشی وجود دارد. بازاندیشی، جزء کلیدی آموزش بالینی است. در واقع یک عضو هیئت علم برای اینکه قادر باشد که خوب آموزش دهد، خود نیاز به فراگیری شیوه های یادگیری و روش های آموزش دادن دارد. او باید تصویر شفاف و روشنی از الگویی که درست و شایسته است، در ذهن داشته باشد تا بتواند در آموزش اثربخش موفق گردد. (۱) آموزش بالینی پرستاری شامل سازمان های آکادمیک و مراکز مراقبت بهداشتی است و این امر بر هردو تأثیرگذار است. (۲) تجربیات بالینی، یک بخش ضروری در برنامه آموزشی پرستاری می باشد که فرصتی برای دانشجویان و پرسنل بالینی فراهم می آورد تا با همکاری هم، دانشجویان را برای مهارت های پیشرفته آماده کنند. مشکلات متعددی در ساختار فعلی آموزش وجود دارد که اگرچه قابل رفع شدن هستند ولی نیازمند همکاری بین پرسنل آموزشی و درمانی بیمارستان ها می باشند. (۳) محیط بالینی مدت ها است که نقش کلیدی در آموزش دانشجویان پرستاری ایفا می کند که همراه با ساختارهای حمایتی بالینی، تسهیل کننده زمینه ارتباط تئوری با کار عملی است. (۴) بخش اورژانس بخشی ایده آل برای تمرین آموزش بالینی می باشد زیرا تعداد زیاد مراجعه کنندگان و موارد وخیم بیماری های مختلف، محیط مناسبی را برای آموزش فراهم کرده است. ولی متأسفانه فشار کاری زیاد اورژانس به علت بیماران فراوان و مسائل قانونی سبب شده که آموزش مورد نیاز به دانشجویان داده نشود. مزایای آموزش بالینی شامل ارتقاء مهارت بالینی و ارزیابی سابقه بیمار، پیشرفت رابطه های درمانی، ارتقاء دانش بیماران، مشاهده مستقیم شرایط بیماری ها می باشد. (۵) در کانادا و دیگر کشورها، برنامه های آموزشی برای سطوح مقدماتی آموزش پرستاران از بیمارستان ها به دانشگاه ها و مجموعه های دانشگاهی انتقال می یابد تا اینکه کیفیت آموزش بهبود یابد و به پرستاران آگاهی هایی در حیطه قوانین آکادمیک به خوبی تمام ابعاد بالینی ارائه دهد. پرستاران از مدل های مختلف آموزشی طراحی شده برای کمک به دانشجویان در توسعه علوم بالینی استفاده می کردند. ابعاد مهم مشخص شده در هر مدل نسبت های دانشجو به مربی، تفاوت ها در نقش ها و مسئولیت های دانشجویان، پرسنل علمی و بالینی در ارتباط با نظارت، تدریس، یادگیری و ارزشیابی و همچنین تفاوت هایی در ماهیت ارتباط بین سازمان های آکادمیک و بالینی است. همه مدل ها ذاتاً فواید و محدودیت هایی دارند که می توان بسته به شرایط اجرا آنها را به حداقل یا حداکثر رساند. (۲) هدف این مقاله بررسی و تشخیص مدل های آموزش بالینی رایج می باشد. انواع مدل ها و بخش های کلیدی، محدودیت ها و فواید مدل ها در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است. از ده مدل، شش مدل بر آموزش دانشجویان و چهار مدل بر استخدام دانشجویان با توجه به این آموزش متمرکز می باشند

کلیدواژه ها: مدل، آموزش، بالینی

(S.41SPos.10) نشست: ۴۱، پوستر: ۱۰

بررسی دیدگاه های دانشجویان پزشکی مقطع کارورزی نسبت به آموزش علوم پایه در دانشگاه علوم

پزشکی ایران سال ۱۳۸۸

محبوبه خباز مافی نژاد، مریم عبدالله زاده، دکتر جلیل کوهپایه زاده، دکتر زینب بیابانگردی

دانشگاه علوم پزشکی ایران

مقدمه: در آموزش علوم پزشکی زمانی می توان از کیفیت و تعالی آموزشی نام برد که دانشجو به شایستگی های مورد انتظار در برنامه ریزی آموزشی رسیده باشد. به عبارت دیگر، آموزش و برنامه های آموزشی باید به گونه ای باشند و افرادی را تربیت نمایند که از دانش، تجربه و مهارت کافی برخوردار باشند. اگر قرار است برنامه ی درسی برای دانشجویان پزشکی طراحی شود، این امر خطیر باید با دانش نسبت به اولویت ها، نیاز ها و توانایی های آن ها صورت پذیرد. لذا دخالت دادن و سهم نمودن دانشجویان در تمامی مراحل برنامه ریزی الزامی و ضروری است. این مطالعه با هدف تعیین دیدگاه های دانشجویان پزشکی مقطع اترنی دانشگاه علوم پزشکی ایران نسبت به آموزش دروس علوم پایه در سال ۱۳۸۸ صورت گرفت.

روش: در این مطالعه ی مقطعی، جامعه پژوهش را تمامی دانشجویان مقطع کارورزی دانشگاه علوم پزشکی ایران در سال ۱۳۸۸ تشکیل می دادند. نمونه های پژوهش را ۴۱ نفر از دانشجویان مقطع کارورزی بیمارستان های حضرت رسول و فیروزگر تشکیل می دادند که به روش تصادفی ساده انتخاب گردیدند. جمع آوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه ای محقق ساخته شامل دو بخش، اطلاعات دموگرافیک و یک پرسشنامه حاوی سوالات مرتبط با دروس مختلف مقطع علوم پایه (شامل ۱۱ سوال) صورت گرفت و در انتها داده ها با استفاده از نرم افزار Spss 17 وارد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: میانگین سنی پاسخ دهندگان ۲۵ سال بود که ۵۸.۵ درصد از آنها زنان و ۴۱.۵ درصد از آنها را مرد تشکیل می‌دادند. یافته‌های تحقیق نشان‌دهنده‌ی این است که از میان مجموعه دروس علوم پایه بیشترین میزان تناسب حجم مطالب ارائه شده با تعداد واحد درسی مربوط به تغذیه (۸۵٪) و کمترین میزان مربوط به انگل شناسی (۵۰٪) بود. همچنین به اعتقاد واحدهای پژوهش از میان مجموعه دروس علوم پایه، آناتومی در حل مسائل بالینی بیشترین (۶۷.۵٪) کاربرد و فیزیک پزشکی کمترین (۲۲.۵٪) کاربرد را در حل مسائل بالینی دارند.

بحث و نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده‌ی این موضوع است که به اعتقاد دانشجویان پزشکی اکثر دروس مقطع علوم پایه نمی‌توانند بستر لازم برای کسب شایستگی‌های حرفه‌ای را در آنها فراهم سازد که این موضوع لزوم توجه بیشتر برنامه‌ریزان آموزشی را به نظرات دانشجویان به عنوان یکی از ذی‌نفعان اصلی در تدوین برنامه‌های درسی بیش از پیش مشخص می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: دیدگاه، دانشجوی پزشکی، علوم پایه، آموزش

(S.41SPos.11) نشست: ۴۱، پوستر: ۱۱

چالش‌های توزیع نیروی متخصص بالینی جهت گذراندن تعهدات قانونی

مینا نجاتی*، دکتر رفعت محبی فر، خاطره خوشنام، خاطره اعتصام

*merciful.2008@yahoo.com

دانشگاه علوم پزشکی قزوین

مقدمه: یکی از اصلی‌ترین وظایف دبیرخانه شورای آموزش پزشکی و تخصصی کشور، تعیین ترکیب نهایی دستیاران رشته‌های تخصصی بالینی لازم به صورت علمی و منطبق با نیازهای بهداشتی و درمانی مردم می‌باشد، ضمن اینکه باید ساختار آموزشی مدون و تربیت دستیاران ورزیده و مطلع را نیز تأمین نماید. علی‌رغم تلاش‌های بسیار واحد مطالعات نیروی انسانی وزارت بهداشت در راستای برنامه‌ریزی نیروی انسانی پزشکی و هزینه‌های سنگین آموزش نیروهای متخصص، متأسفانه توزیع آنها در سطح کشور با مشکلات عدیده‌ای مواجه است.

روش: این مطالعه از نوع توصیفی-تحلیلی و کاربردی می‌باشد. با توجه به محدودیت زمانی استان‌های زنجان، قزوین، کردستان و خراسان جنوبی به صورت رندمی جهت مطالعه انتخاب شدند. با همکاری معاونت‌های درمان استان‌های مذکور آمار نیروهای متخصص توزیع شده جهت گذراندن تعهدات قانونی در این مناطق طی سال ۸۷ و ۸۸ اخذ شد و نهایتاً ۸۰ نفر از آنان به صورت تصادفی مورد مطالعه قرار گرفتند. داده‌ها از طریق پرسشنامه ۲۵ سوالی که پژوهشگران با مقیاس لیکرت طراحی کرده بودند و نیز مصاحبه با مسئولین یا کارشناسان معاونت‌های درمان استان‌های فوق‌الذکر گردآوری شده است.

یافته‌ها: نتایج حاکی از آن است که حدود ۸۰٪ از متخصصین مورد مطالعه نظام فعلی توزیع نیرو را که خود نیز مشمول آن بوده‌اند ضعیف توصیف نموده و اصلاح آن را ضروری دانستند. در عین حال ۶۳٪ نیز با اولویت‌هایی که وزارت بهداشت جهت توزیع نیرو در نظر می‌گیرد مخالف بوده و خواستار بازنگری آن‌ها بودند. ۷۱٪ آنان موافق گذراندن دوره طرح خود در شهرهای محروم و فاقد تجهیزات کافی، مشروط به دریافت مزایای خاص و تسهیلات ویژه بودند. ۴۹٪ نیز موافق بودند که نظام آموزش پزشکی هم باید بومی بودن را ملاک پذیرش دانشجو قرار دهد. از طرفی مسئولینی که مورد مصاحبه قرار گرفتند موقتی بودن دوره طرح و غیر بومی بودن متخصصین را ریشه بسیاری از مشکلات نظیر مدیریت ضعیف نیروی انسانی، بی‌انگیزگی پزشکان، عدم احساس تعلق در آنان دانستند.

بحث و نتیجه‌گیری: باتوجه به اینکه نیروی انسانی متخصص نقش مهمی در افزایش بهره‌وری نظام سلامت داشته و ازطرفی بخش اعظم هزینه‌های آموزش نیروی انسانی پزشکی را به خود اختصاص می‌دهد راهبردهای مناسبی جهت مدیریت آن باید اتخاذ گردد. لازمه تحقق این امر بازنگری نظام فعلی توزیع این نیروها از سوی وزارت بهداشت می‌باشد چرا که مشکلات عدیده آن، آینده سلامت کشور را در هاله‌ای از تردیدهای جدی فروبرده است. در این راستا باید نیروهای متخصص پزشکی موجود، تحت آموزش و مورد نیاز آینده با مطالعه دقیق و کارشناسانه برآورد شود تا ترکیب نهایی دستیاران رشته‌های تخصصی بالینی لازم به صورت علمی و منطبق با نیازهای بهداشتی و درمانی مردم معین گردد. در عین حال وزارت بهداشت باید اولویت‌هایی را که در امر توزیع مورد توجه قرار می‌دهد بازنگری نموده و با تقویت انجمن‌های تخصصی فعال در رشته‌های مختلف آنها را نیز به عنوان نماینده و ناظر درگیر توزیع نیروها نماید.

کلیدواژه‌ها: آموزش پزشکی، نیروی متخصص بالینی، انجمن‌های تخصصی

(S.55SPos.1) نشست: ۵۵، پوستر: ۱

بررسی تطابق ارزشیابی پیشرفت تحصیلی با هدف‌های آموزشی دروس نظری تخصصی دوره کارشناسی مامایی در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

اشرف کاظمی^۱، سهیلا احسانپور^۲

۱- دانشجوی دکتری دانشگاه علوم پزشکی اصفهان - اصفهان، خیابان هزار جریب، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دانشکده پرستاری و مامایی، گروه مامایی kazemi@nm.mui.ac.ir

۲- کارشناس ارشد دانشگاه علوم پزشکی اصفهان - اصفهان، خیابان هزار جریب، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دانشکده پرستاری و مامایی، گروه مامایی ehsanpour@nm.mui.ac.ir

مقدمه: تدوین هدف‌های یادگیری در طرح درس برای شفاف‌سازی مسیر آموزش و نحوه ارزشیابی ضروری است؛ لذا تحقیق حاضر با توجه به اهمیت نقش آموزش دروس نظری تخصصی مامایی با هدف ارزیابی روایی محتوای سوالات امتحان و هماهنگی بین محتوای اهداف آموزشی در طرح درس با محتوای ارزیابی شده در آزمون‌های دروس تخصصی مامایی انجام شده است.

روش: این تحقیق یک پژوهش از نوع ارزشیابی است که بر روی آزمون‌های هجده درس تخصصی نظری دوره کارشناسی مامایی انجام شده است. گردآوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه‌ای بود که روایی محتوا و پایایی آن ارزیابی شده بود. در طی تحقیق روایی محتوای سوالات آزمون‌ها، تعداد سوال مناسب و تعداد سوال موجود در آزمون‌ها برای هر محتوای درسی، سطح سوالات و سطح اهداف یادگیری عنوان شده در طرح درس بر اساس طبقه بندی بلوم ارزیابی شد.

یافته‌ها: در کل ۹۲/۳۸٪ سوالات کلیه آزمون‌ها دارای روایی محتوایی بودند. در سوالات ۶۹/۲۳٪ دروس بین سطح سوالات و سطح اهداف آموزشی در طرح درس همبستگی وجود داشت. همچنین در ۶۱/۱۱٪ دروس همبستگی بین تعداد سوالات برآورد شده و تعداد سوالات موجود در امتحان دیده داشت.

بحث و نتیجه‌گیری: نتایج نشان می‌دهد آزمون‌های انجام شده از روایی محتوایی مناسبی برخوردار است؛ ولی پایین بودن سطح سوالات در آزمون‌ها و عدم توجه به سطوح یادگیری مورد انتظار و همچنین مناسب نبودن تعداد سوال برای هر محتوای آموزشی در برخی امتحانات از نقاط ضعف ارزشیابی تحصیلی در ارزشیابی‌های مورد بررسی است. لذا؛ توصیه می‌شود مدرسین به تعداد سوال مناسب هر محتوای آموزشی و هماهنگی بین سطوح یادگیری اندازه‌گیری شده و تناسب آن با اهداف آموزشی بیشتر توجه کنند.

کلیدواژه‌ها: طرح درس، دروس تخصصی نظری مامایی، آزمون، سطوح یادگیری

(S.55SPos.2) نشست: ۵۵، پوستر: ۲

بررسی میزان رضایت کارآموزان و کارورزان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان از ارزشیابی مهارت‌های بالینی با استفاده از آزمون بالینی با ساختار عینی (OSCE) به عنوان یک رویکرد نوین آموزشی

شیوا حسینی فولادی^۱، سید امیر علی فاطمی^۲

۱- دانشگاه علوم پزشکی تهران، hosseinif@razi.tums.ac.ir

۲- دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

مقدمه: یکی از مهم‌ترین جنبه‌های آموزش بالینی، سنجش دقیق و ارزشیابی عینی شایستگی‌های حرفه‌ای دانشجویان پزشکی است. با استفاده از آزمون بالینی با ساختار عینی (objective structural clinical exam) طیف گسترده‌ای از مهارت‌های تکنیکی و پایه در محیط آزمایشگاهی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. رضایت دانشجویان از این روش ارزشیابی می‌تواند بستر مناسبی برای توسعه آن در آموزش بالینی ایجاد نماید. لذا؛ با توجه به اهمیت موضوع این مطالعه با هدف تعیین میزان رضایتمندی کارآموزان و کارورزان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان نسبت به شیوه ارزشیابی مهارت‌های بالینی با ساختار عینی (OSCE) صورت گرفت.

روش: این مطالعه از نوع مقطعی (Cross sectional) است. جامعه مورد مطالعه ۳۰۰ نفر از دانشجویان پزشکی (کارورز و کارآموز) دانشگاه علوم پزشکی اصفهان بودند که تجربه ارزشیابی بالینی به شیوه OSCE را داشتند. ابزار جمع آوری داده ها پرسشنامه ای پژوهشگر- ساخته بود که پس از کسب روایی مطلوب و تعیین پایایی با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ مورد استفاده قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج مطالعه حاضر بیانگر آن بود که کارآموزان و کارورزان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان که تجربه ارزشیابی مهارت‌های بالینی به شیوه OSCE را داشتند، نسبت به این شیوه ارزشیابی با کسب (۷۶.۴٪) نمره کل از رضایت مطلوبی برخوردار بودند. در مجموع افراد مورد مطالعه برای (۷۳.۱٪) عبارات، گزینه راضی یا کاملاً راضی، (۱۳٪) بی نظر و (۱۳.۹٪) ناراضی یا کاملاً ناراضی را انتخاب کردند. همچنین (۹۳.۸٪) آنها رضایت خود را نسبت به برگزاری این شیوه ارزشیابی اعلام نمودند. در بررسی ارتباط رضایت دانشجویان و توافقی نسبت به برگزاری این شیوه در سایر گروه‌های آموزشی ارتباط معنی‌دار آماری ($P<0.01$) مشاهده شد ولی در بررسی سایر متغیرهای زمینه‌های تفاوتی مشاهده نگردید.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به رضایتمندی دانشجویان از ارزشیابی با ساختار عینی (OSCE) و نیز ارتقاء مهارت‌های عملی-حرکتی (سایکوموتور) به نظر می‌رسد کاربرد وسیع این روش در بخش‌های مختلف بالینی ضروری باشد و لذا؛ پیشنهاد می‌گردد با برنامه‌ریزی اثربخش نسبت به طراحی و اجرای آن در امر آموزش و ارزشیابی اقدام گردد.

کلیدواژه‌ها: ارزشیابی بالینی، آزمون بالینی با ساختار عینی OSCE، رضایت، کارآموز، کارورز

(S.55SPos.3) نشست: ۵۵، پوستر: ۳

مقایسه بهترین شیوه ارزشیابی در دروس اختصاصی مقطع علوم پایه از دیدگاه اساتید و دانشجویان در دانشکده پزشکی مشهد

زهرآ نیک فرجام*، نکتتم مسعودی**

دفتر استعدادهای درخشان مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی معاونت آموزشی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

nikfarjamz861@mums.ac.ir*

massoudit861@mums.ac.ir**

مقدمه: ارزشیابی یکی از مؤلفه‌های مهم در فعالیتهای آموزشی است و به کمک آن می‌توان به نقاط ضعف و قوت برنامه آموزشی پی برد و راهکار مناسب را در جهت حل مشکلات ارائه نمود. در این مطالعه سعی بر آن است که به سنجش دیدگاه اساتید و دانشجویان در رابطه با بهترین شیوه ارزشیابی در دروس مقطع علوم پایه دوره پزشکی عمومی بپردازیم.

روش: این پژوهش به صورت توصیفی-مقطعی با تکمیل پرسشنامه توسط ۲۰ نفر از اساتید و ۵۰ نفر از دانشجویان مقطع علوم پایه ورودی مهر ۸۵ انجام گرفت و آنالیز توسط نرم افزار SPSS.14 صورت گرفت.

یافته‌ها: از دیدگاه اساتید و دانشجویان از بین عوامل: نمره ارزشیابی پایان ترم، نمره ارزشیابی در طول ترم، فعالیت‌های پژوهشی مرتبط، شرکت فعالانه حین تدریس و حضور در کلاس، بایستی نمره ارزشیابی پایان ترم، در تمامی دروس اختصاصی علوم پایه، بیشترین درصد نمره ارزشیابی نهایی را با میانگین ۶۱.۱۸٪ (از دیدگاه اساتید) و ۶۹.۴۶٪ (از دیدگاه دانشجویان) به خود اختصاص دهد و در رابطه با ارزشیابی پایان ترم، دانشجویان در هیچ یک از دروس به پرسش شفاهی و matching items درصدی را اختصاص ندادند. از نظر دانشجویان در درس فیزیک پزشکی از موارد: سوالات جواب کوتاه، سوالات تشریحی، چند گزینه ای و key feature، سوالات چندگزینه‌ای به عنوان بهترین شیوه ارزشیابی می‌باشند (۱۰۰٪) و در سایر دروس ترکیبی از موارد فوق با توجه به این نکته که سوالات چند گزینه‌ای با میانگین ۶۸.۶۴٪ بیشترین حجم سوالات را شامل شوند. از دیدگاه اساتید در تمامی دروس امتحان بایستی تلفیقی از انواع سوالات ذکر شده را شامل باشد، با توجه به این که سوالات چندگزینه‌ای باز هم با میانگین ۶۰٪ بیشترین حجم سوالات را تشکیل می‌دهند.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به نقطه نظر مشترک اساتید و دانشجویان به اهمیت امتحانات پایان ترم و نتایج حاصل از بهترین شیوه سوالات در امتحانات پایان ترم بایستی درصدد استانداردسازی هرچه بیشتر این امتحانات بایسیم.

کلیدواژه‌ها: شیوه ارزشیابی، دروس اختصاصی، مقطع علوم پایه

(S.55SPos.4) نشست: ۵۵، پوستر: ۴

بررسی سیستم ارزشیابی رایج در دروس اختصاصی مقطع علوم پایه پزشکی در دانشگاههای علوم پزشکی کشور - تابستان ۱۳۸۸

کتیم مسعودی*، زهرا نیک فرجام**

دفتر استعدادهای درخشان مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی معاونت آموزشی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

nikfarjamz861@mums.ac.ir*

massoudit861@mums.ac.ir**

مقدمه: ارزشیابی یکی از جنبه‌های مهم در فرایند فعالیتهای آموزشی است و توسط آن می‌توان به کاستی‌ها و نقاط قوت برنامه آموزشی پی برد و راهکار مناسبی را در جهت حل مشکلات برنامه آموزشی ارائه نمود. نظر به آن که بخش مهمی از فرآیند آموزشی، ارزشیابی پیشرفت تحصیلی یا ارزشیابی میزان یادگیری دانشجویان می‌باشد، برآن شدیم تا به بررسی سیستم ارزشیابی کنونی در ۱۸ دانشگاه علوم پزشکی کشور بپردازیم.

روش: این پژوهش در تابستان ۱۳۸۸ به صورت توصیفی-مقطعی با تکمیل پرسشنامه توسط ۳۵ نفر از دانشجویان رشته‌های علوم پزشکی مشغول به تحصیل در ۱۸ دانشگاه علوم پزشکی کشور شامل: ارتش، اردبیل، ارومیه، اصفهان، ایران، ایلام، بابل، بقیه‌الله، بوشهر، تهران، رفسنجان، زاهدان، زنجان، سمنان، شیراز، مشهد، هرمزگان و یاسوج انجام گرفت و آنالیز آماری توسط نرم افزار SPSS.14 صورت گرفت.

یافته‌ها: در سیستم ارزشیابی کنونی دانشگاههای علوم پزشکی شرکت‌کننده در این طرح، در دروس اختصاصی فیزیک پزشکی (۵۶٪)، بافت شناسی (۵۱/۸۵٪)، فیزیولوژی (۶۵/۵۱٪)، تغذیه (۶۰٪)، ویروس شناسی (۷۱/۴۶٪)، انگل شناسی (۵۶/۲۵٪)، ژنتیک (۶۴/۲۹٪)، ایمنی شناسی (۶۴/۷۱٪)، پاتولوژی (۸۱/۸۲٪) و جنین شناسی (۵۲٪) بیشترین شیوه سوالات از نوع چندگزینه‌ای بوده است و در دروس بیوشیمی (۵۰٪)، آناتومی (۶۰/۶٪)، باکتری شناسی (۵۳/۳۳٪) تلفیقی از سوالات تشریحی، جواب کوتاه و چندگزینه‌ای بیشترین شیوه ارزشیابی را تشکیل می‌دادند.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به آن که در سیستم ارزشیابی فعلی دانشجویان دانشگاههای علوم پزشکی شرکت‌کننده در طرح که اکثر دانشگاههای علوم پزشکی کشور را شامل می‌شوند، در بیش از ۸۰٪ از دروس اختصاصی مقطع علوم پایه پزشکی ارزشیابی دانشجویان فقط توسط سوالات چندگزینه‌ای صورت می‌گیرد و با در نظر گرفتن نقایص این روش انجام طرح‌های دیگری در زمینه کفایت این نوع ارزشیابی در سنجش جامع دانشجوی پزشکی، دستیابی به علل تمایل اساتید به این شیوه ارزشیابی و ارائه روش‌های ارزشیابی تکمیلی، ضروری به نظر می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: ارزشیابی، دروس اختصاصی، علوم پایه پزشکی

(S.55SPos.5) نشست: ۵۵، پوستر: ۵

بررسی مقایسه‌ای عوامل مؤثر بر «ارزشیابی دانشجو از استاد» از دیدگاه اساتید و دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی در سال تحصیلی ۸۵-۸۴

دکتر رامین همایونی زند^۱، دکتر حسین سلمان‌زاده^۲، دکتر جلیل کوهپایه‌زاده^۳

۱-د.ع.پ. شهید بهشتی، مرکز مطالعات، raminhom@hotmail.com

۲- مرکز مطالعات دانشگاه علوم پزشکی ایران

۳- مرکز مطالعات دانشگاه علوم پزشکی ایران

مقدمه: ارزشیابی دانشجو از تدریس استاد، بخش مهمی از ارزشیابی آموزشی هیأت علمی را تشکیل داده و نتایج آن بر وضعیت شغلی ایشان مانند ترفیع، ارتقاء و سایر موارد تشویقی و تنبیهی تأثیرگذار می‌باشد. این ارزشیابی معمولاً توسط پرسشنامه‌هایی صورت می‌گیرد که

در آن دانشجویان به کیفیت تدریس استاد امتیاز می‌دهند. این که چه ملاک‌هایی بعنوان تدریس خوب در پرسشنامه‌ها لحاظ شده، درک و برداشت دانشجو از این ملاک‌ها چیست؟ چه عواملی خارج از کنترل استاد بر قضاوت دانشجو درخصوص تدریس استاد تأثیر می‌گذارد؟ همواره موضوع قابل مناقشه‌ای بوده است که توجه صاحب‌نظران آموزشی را به خود جلب کرده است. هدف از این ارزشیابی مقایسه عوامل مؤثر بر ارزشیابی دانشجو از استاد، از دیدگاه دانشجویان و اساتید می‌باشد.

روش: روش این پژوهش یک بررسی مقطعی می‌باشد که در آن نظر اساتید و دانشجویان در مورد عوامل اصلی مؤثر بر ارزشیابی دانشجو از استاد یا همان عوامل مؤثر بر تدریس خوب (سازماندهی، میزان پوشش و وسعت اطلاعات، حمایت و راهنمایی دانشجویان، تعامل گروهی، منابع، تکالیف و بارکاری دانشجویان، ارزشیابی و امتحانات، مدیریت، تدریس تئوری و تدریس بالینی) و عوامل خارجی مؤثر بر ارزشیابی دانشجو از استاد که می‌تواند روی قضاوت دانشجو درخصوص تدریس تأثیر بگذارد (ویژگی‌های استاد، ویژگی‌های دوره، زمینه دوره، ویژگی‌های دانشجو، آگاهی از هدف ارزشیابی و اجرای ارزشیابی) از طریق پرسشنامه‌های چهارگانه تعیین و با یکدیگر مقایسه می‌شود. پرسشنامه‌ها بصورت خود ایفا و بر روی چهار نمونه دانشجویان پایه (۱۰۰ نفر) دانشجویان بالینی (۱۱۵ نفر)، اساتید پایه (۳۰ نفر) و اساتید بالینی (۴۰ نفر) رشته پزشکی در دانشکده پزشکی و بیمارستان‌های تابعه آن اجرا شد. برای آنالیز از آزمون آماری t استفاده شد و میزان خطای آلفا ۰/۰۵ بود.

یافته‌ها: نتایج دانشجویان شرکت‌کننده در پژوهش ۴۰٪ مرد و ۶۰٪ زن، و اساتید ۶۲٪ مرد و ۳۸٪ زن بوده‌اند. در نمونه دانشجویی ۴۷٪ علوم پایه و ۵۳٪ بالینی بوده‌اند و ۴۴٪ اساتید نیز علوم پایه و ۵۶٪ از اساتید بالینی بوده‌اند. با سابقه تدریس میانگین ۱۲/۴۴ سال برای اساتید. درصد میانگین نظرات شرکت‌کنندگان از امتیاز مطلوب برای عوامل اصلی گروه پایه ۸۱٪، عوامل اصلی گروه بالینی ۸۶/۳٪، و عوامل خارجی ۶۲/۱٪ بوده است. بیشترین امتیاز در عوامل اصلی برای سازماندهی (۸۹/۲٪) و کمترین امتیاز برای تعامل گروهی (۶۹٪) بوده است. بیشترین امتیاز در عوامل خارجی ۷۷/۸٪ برای ویژگی‌های دانشجو و کمترین امتیاز ۳۸٪ برای اجرای ارزشیابی بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری: دانشجویان و اساتید هر دو معتقدند عوامل اصلی شناسائی شده در این مطالعه بر روی یادگیری دانشجویان مؤثر بوده و طبیعتاً باید در ارزشیابی دانشجو از استاد لحاظ شود. همچنین هر دو گروه معتقدند عوامل خارجی که تحت کنترل استاد نمی‌باشند نیز بر قضاوت دانشجو درخصوص تدریس، تأثیرگذار می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: ارزشیابی استاد، دانشجو، عوامل

(S.56SPos.1) نشست: ۵۶، پوستر: ۱

مهارت‌های ارتباطی و حرفه‌گرایی در ارتباط با بیماران: خودارزیابی دانشجویان علوم پزشکی

نجمه شاهینی*، محمد زمان مجنونی، دکتر لیلا دکتر جویباری

*کمیتة دانشجویی مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی دانشگاه آموزش علوم پزشکی گاستان

مقدمه: برقراری ارتباط یک توانمندی انسانی است که با آموزش و یادگیری قابل توسعه به صورت مهارت ارتباطی است و این مهارت‌ها جزء جدایی‌ناپذیر فعالیت‌های بالینی پزشکان هستند. در عین حال هنوز نگرش غالب برنامه‌ریزان آموزش پزشکی رویکرد زیستی پزشکی است و آموزش مهارت‌های ارتباط انسانی در برنامه رسمی آموزش پزشکی گنجانده نشده است. هدف از این مطالعه تعیین مهارت‌های ارتباطی و رفتارهای حرفه‌ای در ارتباط با بیماران با استفاده از خودارزیابی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان می‌باشد.

روش: در این مطالعه توصیفی مقطعی (۱۳۸۸)، ۸۰ دانشجوی پزشکی (استاژ و اینترن) و پرستاری از طریق نمونه‌گیری آسان مورد بررسی قرار گرفتند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه حاوی اطلاعات دموگرافیک (۷ سوال) و مهارت‌های ارتباطی و رفتارهای حرفه‌ای با بیماران (۱۱ سوال) استفاده شد. سوالات از نوع خودارزیابی بوده است. معیار ورود به مطالعه حداقل یک ترم کارآموزی در محیط‌های بالینی و کار با بیمار بوده است.

یافته‌ها: میانگین سنی نمونه‌ها ۲۲.۲۸ (۱۹-۳۶ سال) بوده است، ۸۰ درصد آنان مؤنث، اکثریت نمونه‌ها به ترتیب ۵۵ درصد فارس و ۳۸.۸ درصد ترکمن و از نظر وضعیت تاهل ۹۱.۳ درصد مجرد بودند. ۲.۶ درصد دانشجویان از نظر مهارت‌های ارتباطی خود را در حد متوسط، ۲۵ درصد خوب، ۵۶.۳ درصد خیلی خوب و ۱۶.۳ درصد عالی ارزیابی نمودند. هیچ دانشجویی خود را از نظر مهارت‌های ارتباطی

ضعیف ارزیابی نکرد. ۴۸.۸ درصد دانشجویان از نظر حرفه‌گرایی خود را خوب ارزیابی نمودند. ارتباط بین متغیرها و مهارت‌های ارتباطی و رفتارهای حرفه‌ای دانشجویان از نظر آماری معنی‌دار نبود ($p > 0.05$).

بحث و نتیجه‌گیری: هرچند دانشجویان در خودارزیابی مهارت‌های ارتباطی و رفتارهای حرفه‌ای در ارتباط با بیماران خود را خوب ارزیابی نمودند اما در دوران دانشجویی به دلیل کمربودن مسئولیت دانشجو در قبال بیمار، رفتار حرفه‌ای واقعی شروع نشده است. مطالعات نشان می‌دهد پزشکان علی‌رغم نگرش مثبت نسبت به برقراری رفتار مناسب با بیمار اما در تجربه پزشکی خود قادر به برقراری ارتباط موثر با بیماران نمی‌باشند. با توجه به یافته‌ها، تدوین و اجرای برنامه آموزش مهارت‌های ارتباطی و حرفه‌ای و گنجاندن آن در برنامه درسی دانشجویان ضروری می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: حرفه‌گرایی، مهارت‌های ارتباطی، خودارزیابی، دانشجویان علوم پزشکی

(S.56SPos.2) نشست: ۵۶، پوستر: ۲

بررسی عوامل مؤثر در کاهش انگیزه تحصیلی و راهکارهای افزایش آن از دیدگاه دانشجویان دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

رضا شیرانی^۱، مریم زاهدی^۲، شکوفه محمدی^۳، سیده صغری احمدی^۴، دکتر معصومه معزی^۵

۱- شهرکرد، رحمتیه، دانشگاه علوم پزشکی دانشکده بهداشت، shirani.reza@yahoo.com

۲، ۳- شهرکرد، رحمتیه، دانشگاه علوم پزشکی دانشکده بهداشت

۵- شهرکرد، خ کاشانی، ستاد دانشگاه علوم پزشکی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

مقدمه: کاهش انگیزه تحصیلی از معضلات و مشکلات اصلی سیستم آموزشی بوده و تعیین عوامل مؤثر بر آن و راهکارهای افزایش آن از عوامل مؤثر در افزایش و ارتقاء کیفیت آموزش دانشگاه می‌باشد. بنابراین این مطالعه با هدف تعیین این عوامل از دیدگاه دانشجویان دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد انجام گرفت.

روش: مطالعه حاضر مطالعه‌ای توصیفی به روش مقطعی بوده و جامعه مورد مطالعه دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشکده بهداشت بودند. ابزار پژوهش پرسشنامه پژوهشگر ساخته بود که محتوای آن از طریق جستجوی اینترنتی، پرسشگری کیفی از دانشجویان و روش استخوان ماهی استخراج گردیده و به تایید کارشناسان آموزش رسید. پرسشنامه مذکور توسط ۵۳ نفر از دانشجویان بصورت لیکرت ۵ قسمتی تکمیل گردید و اطلاعات کسب شده از طریق نرم افزار spss17 تجزیه و تحلیل گردید.

یافته‌ها: ۳۴٪ دانشجویان مذکر و ۶۴٪ مؤنث بوده و از میانگین سنی 21.2 ± 1.9 برخوردار بودند. ۹۴.۳٪ آنان ساکن خوابگاه بوده و از نظر وضعیت رفاهی وضعیت ۴۵٪ خوب و ۵۱٪ متوسط و ۴٪ در حد عالی و ضعیف بودند. میزان علاقه‌مندی به رشته ۳۷.۷٪ آنان در حد زیاد و خیلی زیاد بوده و ۷۷٪ آنان در حد کم و خیلی کم با رشته خود قبل از انتخاب رشته آشنایی داشتند. خانواده در انتخاب رشته ۱۶.۸٪ از آنان در حد زیاد و خیلی زیاد نقش داشته و در ۱۷.۳٪ موارد دید جامعه نسبت به رشته در انتخاب آنان در حد زیاد و خیلی زیاد تأثیرگذار بود. ۲۸.۳٪ آنان به آینده شغلی خود در حد زیاد و خیلی زیاد امیدوار بودند. عوامل عمده تأثیرگذار بر کاهش انگیزه از دیدگاه آنان به ترتیب: مبهم بودن آینده شغلی (4.15 ± 1.1)، روش آموزشی نادرست، نمره محوری و عدم توجه به مهارت‌آموزی (3.84 ± 1.03)، دید منفی جامعه نسبت به رشته (3.82 ± 1.24)، عدم وجود علاقه به رشته (3.8 ± 1.4)، نحوه برخورد اساتید و مسئولین با دانشجو (3.65 ± 3.1)، عدم تطابق دروس با رشته تحصیلی (3.64 ± 1.17)، عدم تامین امکانات رفاهی و آموزشی (3.58 ± 1.1)، عدم بکارگیری نظرات دانشجویان در نحوه تدریس منابع درسی و .. (3.57 ± 1.97)، روش پذیرش دانشجو از طریق آزمون کنکور (3.45 ± 3.1) بوده و عواملی مانند وضعیت خانوادگی، استرس و افسردگی، نبود استعداد تحصیلی متناسب با رشته، نداشتن مهارت‌های ارتباطی، وجود اختلاف فرهنگی و فاصله بین محل تحصیل و زندگی از اهمیت کمی برخوردار بود. عمده‌ترین راهکارهای افزایش انگیزه بترتیب شامل موارد زیر بودند: اختصاص فرصت‌های شغلی جهت فارغ التحصیلان (4.4 ± 0.89)، افزایش توجه اساتید و مسئولین به دانشجویان (4.39 ± 0.79)، ارتقاء علمی منابع درسی (4.37 ± 0.79)، افزایش امکانات رفاهی و آموزشی برای دانشجویان از جمله سالنهای مطالعه (4.32 ± 0.72)، ارتقاء آگاهی دانشجویان نسبت به امکان ادامه تحصیل (4.34 ± 0.84)، تطبیق تخصص اساتید با دروس تدریسی (4.3 ± 0.97)، استفاده از روش تدریس فعال (4.21 ± 0.99)، سیاست‌گذاری در زمینه انطباق بیشتر دروس با رشته تحصیلی (4.19 ± 0.86)، آشنایی با رشته تحصیلی قبل از انتخاب رشته (4.15 ± 1.04)، برگزاری جلسات حضوری بین مسئولین و دانشجویان در جهت رفع مشکلات (4.11 ± 1.01)، برگزاری برنامه‌های

ورزشی و تفریحی برای دانشجویان (4.09 ± 0.94)، توجه به تفاوت‌های فردی دانشجویان (4.01 ± 1.1)، کاهش روابط و افزایش ضوابط در اشتغال (4.01 ± 1.33).

بحث و نتیجه‌گیری: یافته‌های این پژوهش نشانگر این است که بسیاری از عوامل کاهنده انگیزه و راهکارهای آن از دیدگاه دانشجویان دانشکده بهداشت با مسایل آموزشی مرتبط بوده و از طریق سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و پیگیری‌های مسئولین آموزشی قابل برطرف شدن خواهد بود و لازم است که مسئولین در این زمینه اهتمام ورزیده و با افزایش انگیزه از طریق راهکارهای پیشنهادی دانشجویان کیفیت آموزش را افزایش دهند.

کلید واژه‌ها: انگیزه، دانشجو، راهکار

(S.56SPos.3) نشست: ۵۶، پوستر: ۳

The effect of emergency medicine internship course on improving the interns' paraclinical tests interpretation skills

Marziyeh Daneshbodi¹, Samane Ramezani Givi², Peyman Hafezi Moghaddam³, Peyman Erfantalab Evini⁴.

Medical Student; Iran University of Medical Sciences -^۱

MD; Member of Gifted and Talented Students Center, Iran University of Medical Sciences -^۲

Faculty member of Emergency Medicine Department, Iran University of Medical Sciences -^۳

Emergency Medicine specialist; Iran University of Medical Sciences -^۴

Introduction: Handling emergency situations is needed for all graduating students and teaching to interpret paraclinical finding has known as one of the tasks of the medical schools' curriculum. Internship course in the emergency department can provide precious clinical experiences for undergraduates and it is suggested as one of the best settings for improving their clinical skills. ECG and Imaging interpretation have been showed that are two important skills in managing emergencies, making differential diagnosis for undifferentiated patient, and designing initial management plans. This study aims to objectively assess the effectiveness of one month EM internship course on interns' ECG and Imaging interpretation skills improvement.

Methods: A 7 month pretest-posttest computer-base OSCE was conducted on a total of 74 interns before and after their one month EM internship course in Rasoul Akram Hospital of Tehran. The OSCE validity was approved by an expert panel of emergency medicine and its reliability was calculated in terms of cronbach's alpha. The OSCE included 20 stations evaluating ECG and Imaging interpretation skills that each station was scored between 0 (totally false) and 1 (totally true). P value < 0.05 considered as significant and paired t-test was used to compare the pretest and posttest scores.

Results: Reliability of the OSCE was acceptable and cronbach's alpha for pretest and posttest were respectively 0.70 and 0.77. The mean age of the participants was 25.7 ± 1.0 years and 73% were female. We found a significant progressive trend in the interns' post-test scores compared with the pretest scores ($p=0.000$). However their skills' progression in imaging interpretation was significantly higher than in ECG interpretation ($p=0.000$). Also interns who did not pass the internal medicine and surgery internship courses obtained significantly lower pretest scores than those who previously passed these courses ($p=0.036$); however in contrast, the second group's improvement in their skills was lower than the first group's skills improvement ($p=0.044$).

Conclusion: However EM internship curriculum is capable to upgrade interns' general skills in paraclinical tests interpretation; placing this course in the beginning of the internship period –before the major courses such as internal medicine and surgery- seems to make it more effective on their skills improvement. To meet an important part of the general practitioners' educational needs, paraclinical tests interpretation skills are suggested to be more focused by the undergraduate clinical teachers and educational curriculum programmers.

(S.56SPos.4) نشست: ۵۶، پوستر: ۴

To assess the healthcare professionals' attitude toward diabetes: As an outcome for medical schools training curriculum in Iran

Samane Ramezani Givi ¹, Hamid Reza Baradaran ², Maryam Vatani ³, Mohammad Ebrahim Khamseh⁴

MD; Member of Gifted and Talented Students Center, Iran University of Medical Sciences -^۱

Faculty member of department of Endocrinology and Department of Medical Education Development Center, Iran University of Medical Sciences -^۲

Radiology Students; Member of Gifted and Talented Students Center, Iran University of Medical Sciences -^۳

Faculty member of Medical Education Development Center, Iran University of Medical Sciences -^۴

Introduction: To lead healthcare professionals toward a perfect set of knowledge, attitude and practice is an indisputable task of medical education. An acceptable quality of care especially in chronic diseases is related to appropriate attitudes and assessing the healthcare professionals' attitude can be considered as an evaluation of medical education curriculum outcome. In this context, assessing the healthcare professionals' attitudes toward diabetes as a prevalent expensive health problem over the world will help the health policy makers to improve the diabetes oriented educational programs along with diabetes care. To assess the attitude of attending physicians, residents, medical interns, medical students and nurses toward type 1 and type 2 diabetes mellitus.

Methods: The third version of Diabetes Attitude Scale (DAS-3) is an international valid and reliable diabetes attitude assessment tool which measures five subscales with five-point Likert scale. We translated DAS-3 to Persian and validated it by an expert panel. Its reliability was confirmed by a pilot study and reliability analysis was accomplished by calculating Cronbach's alpha for the total items as well as each subscale. Then 291 healthcare professionals containing 46 attending physicians, 71 residents, 62 medical interns, 55 medical students and 57 nurses completed the Persian translation (DAS-3).

Results: The mean age of the participants was 31.7 years (SD=9.34) and 63.9% were female. Overall, all groups' attitudes towards the Need for special training (Mean=4.49, SD=0.40), and the Psychosocial impact of diabetes (Mean=3.98, SD=0.50) were positive. In the other two subscales; the Seriousness of Type2 diabetes (Mean=3.70, SD=0.51), and the Value of tight control (Mean=3.80, SD=0.42), their attitudes tended to be positive. Although their beliefs about Patient autonomy was not strong (Mean=3.31, SD=0.40).

Differences in attitude scores towards Seriousness of type 2 diabetes between nurses and residents, also nurses and interns were statistically significant (P=0.000, P=0.003, respectively); nurses scored the lowest in both. For the Patient autonomy, differences in attitude scores between nurses and attending physicians, also nurses and residents were

statistically significant ($P=0.005$, $P=0.020$, respectively). Attending physicians scored the lowest and nurses obtained the highest score in this subscale. Diabetes-oriented extracurriculum training was significantly effective in improving attitude scores. Also the best attitude scores were obtained by those healthcare professionals who had 30-35 years old, 5-10 years of clinical practice and had diabetic patient in their family. Endocrinologists and pediatricians scored the highest among different medical specialists.

Conclusion: Healthcare professionals' poor attitudes in diabetes reveal that curriculum in medical schools in Iran is not appropriately prepared to offer health promotion empowering programs for undergraduates and postgraduates. The imperfect attitudes of medical teachers as may also negatively affect the trainees' attitudes. Medical education curriculum and CME programs in Iran are suggested to be more attitudes oriented.

(S.56SPos.5) نشست: ۵۶، پوستر: ۵

آیا دانشجویان سازمان نظام پرستاری را می شناسند؟

سامیه غنا^۱، محمدزمان مجنونی^۲، اکرم ثناگو^۳، لیلا مهستی جویباری^۴

۱- دانشجو کمیته دانشجویی مرکز مطالعات و آموزش علوم پزشکی گرگان - گرگان-شصتکلا - دانشگاه علوم پزشکی

S-ghana@hotmail.com

۲- دانشجو کمیته دانشجویی مرکز مطالعات و آموزش علوم پزشکی گرگان

۳- استادیار مرکز مطالعات و آموزش علوم پزشکی گرگان a_sanagu@yahoo.com

۴- استادیار مرکز مطالعات و آموزش علوم پزشکی گرگان

مقدمه: داشتن نظام صنفی مستقل که بتواند مدافع حقوق پرستاران و مرجعی جهت رسیدگی به مشکلات پرستاران کشور باشد. از آرزوهای دیرینه پرستاران ایران بود که در سال های ۱۳۷۳ با تلاش عده ای از دلسوزان جامعه پرستاری که عمدتاً دانشجویان پرستاری و اعضاء هیئت علمی بودند هسته های اولیه فعالیت در جهت پیگیری نظام پرستاری تشکیل شد و با تلاش پیگیرانه پرستاران در جلسه علنی دی ماه ۱۳۸۰ قانون تشکیل سازمان نظام پرستاری مورد تصویب مجلس قرار گرفت. هدف از این مطالعه بررسی نحوه و میزان شناخت دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی گلستان از سازمان نظام پرستاری می باشد.

روش: در این مطالعه توصیفی با ۵۰ دانشجوی پرستاری از ترم های مختلف که در دانشگاه علوم پزشکی گرگان در سال ۱۳۸۸ مشغول به تحصیل بودند مصاحبه به عمل آمد. سوالات مصاحبه در ارتباط با آشنایی با این سازمان، منبع کسب اطلاعات و شناخت از اهداف سازمان بوده است. داده ها با استفاده از آمار توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: میزان آشنایی دانشجویان با سازمان نظام پرستاری اندک و در حد شنیدن نام سازمان بوده است. در مورد فعالیت های سازمان و حوزه کاری آن هیچگونه اطلاعاتی نداشتند. تعداد انگشت شماری از دانشجویان از فعالیت های نظام پرستاری اطلاعات مختصری داشتند. منبع این اطلاعات، شرکت در یک همایش بوده است. دانشجویان معتقد بودند دانستن آگاهی در باره نظام پرستاری به آنها ربطی ندارد و انگیزه ای هم برای کسب شناخت در باره نظام پرستاری نداشتند.

بحث و نتیجه گیری: با تلاش عده ای از دلسوزان جامعه پرستاری که عمدتاً دانشجویان پرستاری و اعضاء هیئت علمی بودند هسته های اولیه فعالیت در جهت پیگیری نظام پرستاری تشکیل شد. این هسته اولیه بنام شوراهای همبستگی پرستاری با هدایت دانشجویان آغاز شد. این زنجیره پیوستگی که احساس نیاز دانشجویان پرستاری و پرستاران و دانشکده های پرستاری به این نظام بوده است در کجای زمان قطع شد که دانشجویان در حال حاضر نه تنها از اهداف آن با خبر نیستند بلکه حتی سوال که در مور نظام از آنها پرسیده می شود "پاسخ به چه درد می خورد" را بیان می کنند. در دروس پرستاری مقطع کارشناسی با نظام پرستاری آشنا نمی شوند و در دانشکده های پرستاری نیز سازمان نظام پرستاری فاقد حتی یک اتاق است. برقراری ارتباط قوی تر بین دانشکده ها و سازمان نظام پرستاری یک ضرورت است.

کلیدواژه‌ها: سازمان نظام پرستاری، دانشجو، آگاهی

(S.56SPos.6) نشست: ۵۶، پوستر: ۶

ارزیابی طرح درس‌های ارائه شده توسط اساتید دانشگاه علوم پزشکی ایلام در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۸۸اکرم فیضی^{*}، محمد بانوی، علیرضا میرزایی، جمیل صادقی فر، مریم دارش، یوسف فتح الهی

*feizy2010mordad@yahoo.com

بانگنجناب خیابان پژوهش معاونت آموزشی پژوهشی مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

مقدمه: طرح درس یکی از عوامل مؤثر و کلیدی در فرایند آموزش است. هدف اصلی از تدوین طرح درس، تسهیل در یادگیری فراگیران از طریق برقراری یک بستر مناسب ارتباطی می باشد. این مطالعه با هدف ارزیابی طرح درس‌های ارائه شده توسط مدرسین دانشگاه علوم پزشکی ایلام در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۸۸ صورت گرفته است.

روش: در این پژوهش ۱۰۸ طرح درس ارائه شده توسط مدرسین دانشگاه علوم پزشکی ایلام در نیمسال اول و دوم سال تحصیلی ۱۳۸۷-۸۸ مورد ارزیابی قرار گرفتند. ارزیابی طرح درس‌های ارائه شده در کمیته ی ارزیابی طرح درس و با استفاده از یک چک لیست (شامل ۱۳ حیطه مؤثر بر طرح درس) و بر مبنای ارزشیابی از ۱۰۰ نمره صورت گرفت. از نرم افزار آماری SPSS جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد.

یافته‌ها: از مجموع ۱۰۸ طرح ارائه شده، بیشترین و کمترین طرح درس به ترتیب مربوط به دانشکده‌های بهداشت (۴۳٪) و پزشکی (۱۲٪) بود. میانگین نمره ی طرح درس ارائه شده در دانشکده‌های بهداشت، پیراپزشکی، پزشکی و پرستاری به ترتیب ۷۴/۴۷، ۶۷/۳۴، ۶۱/۱۴ و ۵۹/۷۹ بود و آزمون آماری t اختلاف معنی داری بین میانگین نمرات ارزشیابی طرح درس‌های ارائه شده ی آنان نشان داد ($p < 0.005$). بیشترین مشکل مربوط به مشخص نبودن سیاست‌ها و قوانین کلاس و درس (۵۸/۳٪)، عدم برنامه‌ریزی برای آمادگی دانشجویان قبل از شروع کلاس (۵۵/۶٪) و استفاده از وسایل کمک آموزشی (۴۰/۷٪) بود و در طرح درس‌های بررسی شده بخش‌های مربوط به اهداف کلی درس (۸۹/۹٪)، روش تدریس (۸۲/۴٪) و معرفی منابع (۸۲/۴٪) دارای بیشترین نمره بودند.

بحث و نتیجه‌گیری: پژوهش حاضر نشان می دهد کیفیت طرح درس‌های تدوین شده توسط اساتید دانشگاه علوم پزشکی ایلام در برخی از حیطه‌ها با وضعیت مطلوب فاصله داشته و نیازمند برنامه‌ریزی هدفمند و اشتراک مساعی دست اندرکاران جهت بهبود توانمندی اساتید در این زمینه می باشد. ارائه طرح درس مناسب به دانشجویان با در نظر گرفتن کلیه ی عوامل مؤثر بر آموزش می تواند تأثیر بسزایی در بهبود یادگیری فراگیران داشته باشد. همچنین لزوم ارائه طرح درس جهت تعیین خط مشی دوره ی آموزشی توسط اساتید قبل از شروع دوره در مطالعات مشابه مورد تأکید قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: طرح درس، دوره آموزشی، استاد

(S.68SPos.1) نشست: ۶۸، پوستر: ۱

بررسی مهارت ارتباطی اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۸۸پریسا مجیدی^۱، فاطمه نصیری^۲

۱- دانشجوی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایلام - ایلام، بانگنجناب، دانشکده پزشکی، دفتر استعدادهای درخشان

olduz1984@yahoo.com

۲- دانشجوی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایلام - ایلام، بانگنجناب، دانشکده پزشکی، دفتر استعدادهای درخشان

Ajik60@yahoo.com

مقدمه: در فرایند آموزشی ارتباط عبارت است از برقراری رابطه بین دو موضوع، دو فرد، دو اندیشه و در اصل تفاهم فکر بین استاد و دانشجو. ارتباط در فرایند آموزشی به صورت تبادل افکار و اطلاعات در یک تعامل دو طرفه بین استاد و دانشجو انجام می‌گیرد. این پژوهش به منظور تعیین وضعیت مهارت ارتباطی اعضای هیات علمی انجام گرفته است.

روش: این تحقیق به صورت توصیفی انجام گرفت. نمونه ها، ۴۰ نفر از اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام بودند که تصادفی انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه فردی و مهارت ارتباطی بود. محرمانه بودن اطلاعات در پرسشنامه قید شد. داده ها با ابزار آماری SPSS تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: در آزمون مهارت های ارتباطی، ۴ اitem مهم در برقراری ارتباط سنجیده شد: روابط بین فردی (۷۲/۳٪ مطلوب، ۲۷/۷٪ متوسط)، خودابرازی (۵۴/۵٪ مطلوب، ۴٪ متوسط، ۶/۵٪ ضعیف)، قاطعیت (۵۰/۳٪ مطلوب، ۴۵/۳٪ متوسط، ۴/۴٪ ضعیف)، همدلی (۸۵/۳٪ مطلوب، ۱۵/۷٪ متوسط) بوده است. در کل اکثریت نمونه ها دارای مهارت ارتباطی در سطح متوسط (۹۰/۷٪) و ۹/۳٪ در سطح مطلوب بودند. نتایج حکایت از کارایی آزمون در سنجش مهارت های ارتباطی داشتند ($p < 0.001$).

بحث و نتیجه گیری: با توجه به نتایج بدست آمده و با توجه به اینکه برقراری ارتباط صحیح با دانشجویان باعث بهبود روند آموزش میشود چگونگی برقراری روابط دارای اهمیت بوده و میتوان آن را با برگزاری کارگاه ها و کلاسهای آموزشی ارتقاء داد. پیشنهاد می-شود تحقیقاتی در خصوص موانع برقراری ارتباط و نتایج کارگاه های آموزش برقراری ارتباط انجام گیرد.

کلیدواژه ها: مهارت، ارتباط، آموزش، استاد

(S.68SPos.2) نشست: ۶۸ پوستر: ۲

Assessment the criteria of a good teacher in teaching medicine at medicine school of Shahid Sadoughi medical university in 1388

hengameh zandi², hamidreza dehghan², mehran karimi², 'Mohammad rezaeisadrabadi
alimohammad fallah² و sanaz zand²
medicine school of Shahid Sadoughi medical university -^۱
mohamad_rezaei_s@yahoo.com
medicine school of Shahid Sadoughi medical university -^۲

Introduction: Quality of a good teacher in medicine is an important discussion in literature. Some reviews showed that a good teaching skill consists of some skills like attraction, managing tutorial programs, using up to date information and applied ones. This study was designed to compare the teachers of Medicine School of Shahid Sadoughi University by standard characteristics of good teacher.

Methods: In a descriptive cross-sectional study, we designed a check list for scoring teachers in teaching skills and asked students about attraction in teaching, programs, attention to students' demands, using up to date and applied information by references and mastery of subjects. 174 students randomly answered the questions by scores from zero to four and data analyzed by spss16.

Results: Because of different educational programs we divided students into three parts, according to their courses. More than 66% of students scored teachers mastery good and very good. Their experience for teaching and having program for teaching was respectively answered very good 33.5% and 28%.making students attracted and using applied information also answered respectively 41.1% and 59.1%.referencing to determined books voted very good 20.2%.

Conclusion: We concluded that most of students were satisfied by their teachers' mastery and attention to students needs. But in some characteristics like using references and making attraction they were not so and it was different from our study and international studies.it is recommended to use this check list for different universities and use them for improving educational systems.

Key words: Good teacher, charectristics, teaching skill, program

(S.68SPos.3) نشست: ۶۸ پوستر: ۳

ویژگی‌های یک استاد توانمند از دیدگاه دانشجویان

امینه زریان^۱، مرضیه عزیزیان فر^۲، هادی پیمان^۳، منیره محمد حسن نهال^۴، الهام قیصر بیگی^۵، جمیل صادقی فر^۶، دکتر علی دل پیشه^۷

- ۱- واحد استعداد های درخشان، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، aminez84@yahoo.com
- ۲- واحد استعداد های درخشان، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، Marzie.azizianfar@ymail.com
- ۳- واحد استعداد های درخشان، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، Nu85_hadi@yahoo.com
- ۴- واحد استعداد های درخشان، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، Monirehnahal@yahoo.com
- ۵- واحد استعداد های درخشان، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، elham_qaisarbaigi@yahoo.com
- ۶- مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، jamil.sadeghifar@gmail.com
- ۷- گروه اپیدمیولوژی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، alidelpisheh@yahoo.com

مقدمه: استاد به عنوان مهمترین رکن آموزش، نقش مهمی را در فرآیند یادگیری ایفا می نماید. شناسایی عوامل تأثیرگذار بر ارزشیابی اساتید از دیدگاه رکن دیگر فرآیند آموزش یعنی فراگیران، با شناسایی نقاط قوت و ضعف آنان در عرصه‌ی فعالیت آموزشی می تواند تأثیر بسزایی در ارتقاء کیفیت آموزشی داشته باشد. هدف از پژوهش حاضر تعیین ویژگی‌های یک استاد توانمند از دیدگاه دانشجویان می باشد.

روش: در این پژوهش توصیفی مقطعی، تعداد ۸۰ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ایلام با روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای تخصیص یافته وارد مطالعه گردیدند. داده‌ها با استفاده از یک پرسشنامه استاندارد شده که روایی و پایایی آن قبلاً سنجیده شده بود جمع‌آوری و با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

یافته‌ها: در مجموع ۶۸/۸٪ نمونه‌ها دختر، ۶۳/۲٪ در مقاطع کارشناسی و کاردانی و بقیه در مقطع دکترای حرفه ای مشغول به تحصیل بودند. از دیدگاه دانشجویان مقاطع کارشناسی و کاردانی، مدرک تحصیلی و مرتبه علمی (۷۷/۲٪)، بکارگیری استعدادهای فردی دانشجویان (۶۵/۰٪) و از دیدگاه دانشجویان مقطع دکترای حرفه‌ای، مهارت استاد در برقراری ارتباط با دانشجویان (۶۲/۵٪) و استفاده از شیوه‌های نوین تدریس در امر یادگیری (۴۳/۶٪) به عنوان مهمترین ویژگی‌های یک استاد توانمند معرفی گردیدند ($p < 0.05$). سایر متغیرهای مستقل نظیر سن و جنس دانشجویان، موجد اختلاف معنی‌داری در دیدگاه‌های آنان درباره ویژگی‌های یک استاد توانمند نگردید.

بحث و نتیجه‌گیری: نیازها، علائق و دیدگاه‌های دانشجویان مقاطع مختلف تحصیلی درخصوص ویژگی‌های یک استاد توانمند لزوماً یکسان و هماهنگ نمی‌باشد و پیشنهاد می‌گردد این موضوع در برنامه‌ریزی های آموزشی دانشکده‌ها مورد توجه قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: استاد توانمند، ارزشیابی، دانشجویان

(S.68SP0s.4) نشست: ۸، پوستر: ۴

بررسی نظرات دانشجویان درخصوص عملکرد اساتید راهنمای تحصیلی در حل مشکلات آنان

رضا سالم صافی*، دکتر پیمان میکائیلی، دکتر سید جواد موسوی

*r_salemsafy@yahoo.com

ستاد دانشگاه علوم پزشکی ارومیه مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

مقدمه: عدم آگاهی در خصوص چگونگی حل و کنار آمدن با مشکلات در اتخاذ تصمیم مناسب موجب وارد شدن صدمات روحی روانی و تحصیلی به دانشجو می‌شود که لازم است دانشجویان درطول تحصیل راهنمایی و هدایت شوند. مطالعه به منظور بررسی نظرات دانشجویان درخصوص عملکرد استاد راهنما در حل مشکلات آنان انجام گرفت.

روش: مطالعه به روش توصیفی و ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته که روایی آن توسط کارشناسان تأیید و پایایی آن به روش بازآزمایی به میزان ۶۵ درصد بدست آمد استفاده شد روش نمونه‌گیری سهمیه ای با تخصیص متناسب بر اساس فرمول کاکران با

اطمینان ۹۵٪ و ۵ درصد خطا ۳۱۷ نفر برآورد گردید جامعه آماری دانشجویان شاغل به تحصیل، پردازش داده‌ها توسط کامپیوتر و تجزیه تحلیل داده‌ها توسط نرم افزار SPSS و و برای توصیف داده‌ها از روشهای آمار توصیفی استفاده گردید.

یافته‌ها: اطلاعات استاد در زمینه‌های آگاهی از مقررات و قوانین آموزشی، برقراری رابطه حسنه، نحوه توجیه آیین‌نامه، نحوه کمک به دانشجو جهت شناسایی نقاط قوت خود نحوه کمک به دانشجو در خصوص برنامه‌ریزی برای یادگیری بانمره ۷۲/۴۹ متوسط ارزیابی می شود. در خصوص اطلاع از وجود استاد راهنما در دانشگاه (۷۷/۴۳) پاسخ مثبت و (۱۴/۲۰) درصد پاسخ منفی و (۸/۳) درصد از پاسخ به سوال فوق امتناع نموده اند. در خصوص مراجعه جهت کسب راهنمایی و مشورت در حل مشکلات به استاد راهنما (۴۶/۵۱) درصد پاسخ بلی و (۴۵/۱۵) درصد خیر و (۸/۳) درصد بدون پاسخ ذکر کرده اند. (۳۵/۹۲) میزان راهنمایی‌های ارائه شده توسط استاد راهنما را خیلی خوب، (۲۶/۹۴) خوب و (۱۴/۹۷) متوسط، (۵/۹) ضعیف و (۵/۳) خیلی ضعیف ذکر نموده اند. تعداد ۹۳ نفر از پاسخ به سوال مورد نظر امتناع نموده اند نمره ارزیابی ۷۶/۰۷ که متوسط ارزیابی می شود. ۳۱/۷۳ درصد حضور استاد راهنما در جلسات تعیین‌شده را جهت راهنمایی دانشجویان خیلی خوب، ۲۵/۱۴ درصد خوب، ۲۸/۱۴ درصد متوسط، ۴/۷۹ درصد ضعیف، ۱/۴ درصد خیلی ضعیف عنوان نموده اند. نمره ارزیابی ۷۶/۰۵ درصد که متوسط ارزیابی می شود.

بحث و نتیجه گیری: مشکلات دانشجویان جدی تلقی گردیده و سیستم استاد راهنما در دانشگاه تقویت گردد. توسعه مراکز ارائه خدمات مشاوره ای به دانشجویان در راس برنامه‌های دانشگاه قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: دانشجو، اساتید، راهنمای تحصیلی، مشکلات

(S.68SPos.5) نشست: ۶۸، پوستر: ۵

بررسی دیدگاه اساتید راهنمای دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان نسبت به فرآیند استاد راهنمای آموزشی دانشجویان پزشکی

سلیمه سیروس^۱، محمد رضا صبری^۲، مهدی نعمت بخش^۳، وحید عشوریون^۴، پردیس ادهمیان^۵

۱- دانشجوی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دانشکده پزشکی - salimeh.sirous@yahoo.com

۲- دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دانشکده پزشکی - sabri@med.mui.ac.ir

۳- دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دانشکده پزشکی - nematbakhsh@gmail.com

۴- دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دانشکده پزشکی - ashoorion@gmail.com

۵- دانشجوی پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، دانشکده پزشکی، باشگاه پژوهشگران جوان - adh276@yahoo.com

مقدمه: راهنمایی دانشجویان پزشکی در امور آموزشی و در هر مقطع تحصیلی توسط استاد راهنما، ضامن ارتباط استاد با دانشجویان می باشد و در فرآیند آموزشی و ارتقای علمی دانشجویان و بهره گیری بهتر و به موقع آنان از تسهیلات علمی دانشگاه نیز حائز اهمیت است. اما فرآیند استاد راهنما علی رغم تاکید سیستم آموزشی و آئین‌نامه های مربوطه، مبتلا به یک خلاء اجرایی است و نه تنها از سوی دانشجویان بلکه از سوی اساتید راهنما نیز مورد استقبال جدی واقع نمی‌شود و دستیابی به هدف مهم حمایت و راهنمایی دانشجویان را دشوار می سازد. لذا به منظور علت‌یابی مسئله و بررسی نظر اساتید راهنما در ارتباط با فرآیند استاد راهنما و شناسایی پاره‌ای از نقاط قوت و ضعف فرایند مذکور، مطالعه حاضر طراحی گردید.

روش: جمعیت مورد مطالعه ۴۲ نفر از اعضای هیئت علمی علوم پایه دانشکده پزشکی بودند که به عنوان استاد راهنما جهت حمایت و راهنمایی دانشجویان پزشکی در مقاطع علوم پایه و فیزیوتراپولوژی از سوی دانشکده انتخاب شده و فعالیت می‌نمودند. در نیمسال دوم سال تحصیلی ۸۸-۸۷ پرسشنامه‌ای حاوی اطلاعات دموگرافیک و سوالاتی بر اساس مقیاس لیکرت تهیه شد و در اختیار اساتید راهنما قرار گرفت.

یافته‌ها: ۷۱٪ از اساتید راهنما به پرسشنامه پاسخ دادند که از این تعداد ۸۶.۷٪ مذکر و ۱۳.۳٪ مونث، ۷۳.۴٪ دارای مدرک PhD و ۲۳.۳٪ MD-PhD و ۳.۳٪ کارشناسی ارشد بودند. ۶۶.۷٪ از اساتید راهنما برای بیشتر از ۵ ترم به عنوان استاد راهنما فعالیت داشتند. ۴۳.۳٪ از اساتید در ترم تحصیلی گذشته هیچ ملاقاتی با دانشجویان تحت نظارت خود نداشتند. در مورد ضرورت وجود استاد راهنمای مناسب برای دانشجویان، ۹۳.۳٪ از اساتید راهنما موافق و کاملاً موافق بودند. در حیطه انتظارات آموزشی و اجرایی اساتید راهنما از

دانشکده، ۹۰٫۶٪ برگزاری کارگاه‌های آموزشی و جلسات گروهی برای اساتید راهنما و دادن قدرت تصمیم‌گیری‌های آموزشی به اساتید راهنما را ضروری دانستند. ۸۱٫۷٪ از اساتید راهنما با فرایندهای تشویقی از قبیل پرداخت حق الزحمه و امتیاز جهت ارتقای رتبه، از طرف دانشکده موافق و کاملاً موافق بودند. در ارتباط با داوطلبانه بودن استاد راهنما، ۹۳٫۴٪ لازم دانستند استاد راهنما با علاقه و خواست شخصی شروع به فعالیت کند و در صورت لزوم امکان خروج از فرایند را نیز داشته باشد. ۸۱٫۶٪ از اساتید راهنما معتقد بودند که باید امکان انتخاب و تعویض استاد راهنما به دانشجوی داده شود. نهایتاً تنها ۳۹٫۹٪ همکاری آموزشی و اجرایی دانشکده را جهت قرار دادن به موقع اطلاعات دانشجویان در اختیار استاد راهنما، نظرخواهی از اساتید راهنما جهت بررسی عملکرد دانشجویان و توجیه اساتید راهنما نسبت به فرایند استاد راهنما مناسب دانستند.

بحث و نتیجه‌گیری: ضرورت وجود استاد راهنما در نظام آموزشی امری اجتناب‌ناپذیر است و با توجه به نقش ویژه اساتید راهنما جهت حمایت و راهنمایی دانشجویان پزشکی، بازنگری در فرایند استاد راهنما و عنایت ویژه مدیریت سیستم به این فرآیند به منظور افزایش رضایت مندی و کارایی ضروری به نظر می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: بررسی، فرآیند استاد راهنما، دیدگاه اساتید راهنما

(S.69SPos.1) نشست: ۹، پوستر: ۱

بررسی نقش آموزش مبانی و اصول اخلاق پزشکی بر میزان توانمندی دانشجویان مقطع استیودنتی دانشکده پزشکی شیراز در مواجهه با موارد اخلاقی

پرستو نعمت‌اللهی^۱، فرناز السادات جوانمردی^۲، محمد اسمعیل قربانی نژاد^۳، مسعود ابولوردی^۴، میترا امینی^۵

۱- دانشگاه علوم پزشکی شیراز، neamatollahi68@gmail.com

۲، ۳- دانشگاه علوم پزشکی شیراز

۵-مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی شیراز

مقدمه: آموزش طب و تربیت پزشک در تاریخ بشری سابقه چند هزار ساله دارد و پایه‌های آن بر مبانی اخلاق استوار است. گسترش دانش طب، ایجاد تکنولوژی‌های نوین و پیدایش روش‌های نو ظهور درمانی و تشخیصی و پیشرفت‌های فناوری در این عرصه، علوم پزشکی را با موضوعات اخلاقی جدیدی مواجهه کرده و از آن جایی که قسمت قابل توجهی از دوره آموزش پزشکی در محیط بالینی سپری می‌گردد و هم چنین با در نظر گرفتن این که دانش‌آموختگان هر سیستم می‌توانند یکی از بهترین افرادی باشند که برای ارزیابی سیستم آموزشی مورد پرسش قرار می‌گیرند. لذا؛ در این مطالعات با توجه به اهمیت روزافزون آموزش اخلاق و حرفه‌ای شدن (Professionalism) در میان جوامع جهانی مرتبط با آموزش پزشکی بر آن شدیم تا نظر دانشجویان را در خصوص مباحث مرتبط با اخلاق و اخلاق حرفه‌ای را که در بیمارستان اتفاق می‌افتد جویا شده، سپس توانایی مواجهه ایشان را با این موارد و حل مشکل بررسی کنیم.

روش: این مطالعه تحلیلی-مقطعی در سال تحصیلی ۱۳۸۸ در دانشکده پزشکی شیراز انجام شده است. داده‌ها توسط پرسشنامه‌ای حاوی ۹ سؤال که روایی آن توسط صاحب‌نظران و پایایی ثابت درونی آن در یک مطالعه اولیه مورد تأیید قرار گرفته، جمع‌آوری گردیده است. جامعه آماری پژوهش را دانشجویان پزشکی مقطع استیودنتی تشکیل می‌دهند. در مجموع از ۵۰ پرسشنامه پخش شده ۳۵ مورد تکمیل و باز گردانده شد.

یافته‌ها: نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که طبق نظر دانشجویان موارد اخلاقی مرتبط با مباحث زیر به ترتیب اولویت در محیط بیمارستان بیشتر اتفاق می‌افتند: ۱- راز داری ۲۵٫۷٪، ۲- سوءاستفاده کردن یا اهمال کردن ۲۰٪، ۳- افشاجری ۱۷٫۱٪. این در حالی است که دانشجویان توانایی خود را در مواجهه با موارد مشابه به ترتیب اولویت این گونه ارزیابی می‌کنند: ۱- سوء استفاده کردن یا اهمال کردن ۲۰٪، ۲- خود مختاری ۲۰٪، ۳- رازداری ۲۰٪. یکی از مهم‌ترین نشانه‌های توانایی دانشجویان در مواجهه با موارد اخلاقی، مداخله کردن در زمان‌هایی است که ایشان با روند حل و فصل مسئله موافق نبوده و احساس می‌کنند نیاز به مداخله می‌باشد. ۷۴٫۳٪ دانشجویان مورد پرسش توانایی مداخله در موارد مشابه را در خود مشاهده می‌کنند. ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که دانشجویان در مواجهه با موارد اخلاقی به ترتیب اولویت با اشخاص زیر مشورت می‌کنند: ۱- اساتید ۳۴٫۳٪، ۲- خانواده بیمار ۲۸٫۶٪، ۳- خود بیمار ۲۸٫۶٪. و در آخر طبق نظر دانشجویان (۵۷٫۱٪) آموزش‌های قبل از دوره بالینی نتوانسته است ایشان را برای حل و فصل مسائل اخلاقی آماده کند.

بحث و نتیجه‌گیری: آنچه نتایج بدست آمده نشان می‌دهد نیاز گسترده به آموزش عمیق و مؤثر مفاهیم و اصول اخلاقی به دانشجویان است. هم چنین آموزش‌های این بخش باید بیشتر از هر مبحث دیگر مرتبط و هم سو با موارد بالینی و تجربی باشد تا آمادگی لازم را در دانشجویان ایجاد کند. در این جا ذکر این نکته خالی از لطف نیست که اساتید می‌توانند نقش بسزایی را در بهبود وضعیت موجود و راهنمایی صحیح دانشجویان در این زمینه ایفا کنند.

کلیدواژه‌ها: آموزش اخلاق حرفه‌ای، دانشجویان دوره باینی، مواجهه با موارد اخلاقی

(S.69SPos.2) نشست: ۶۹، پوستر: ۲

بررسی عوامل استرس‌زا و ارتباط آن با سلامت روان در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گرگان

سامیه غنا^۱، محمد قزل^۲، اکرم ثناگو^۳، لیلا مهستی جویباری^۴

۱- دانشجو کمیته دانشجویی مرکز مطالعات و آموزش علوم پزشکی گرگان - گرگان-شصتکلا-دانشگاه علوم پزشکی S-ghana@hotmail.com

۲- دانشجو کمیته دانشجویی مرکز مطالعات و آموزش علوم پزشکی گرگان - گرگان-شصتکلا-دانشگاه علوم پزشکی

۳، ۴- استادیار مرکز مطالعات و آموزش علوم پزشکی گرگان - گرگان-شصتکلا-دانشگاه علوم پزشکی a_sanagu@yahoo.com

مقدمه: دوره‌ی تحصیلات دانشگاهی با حضور عوامل متعددی از جمله دوری از خانواده، سازگاری با شرایط تحصیل در دانشگاه، سازگاری با محیط‌های خوابگاهی، ناکامی‌های تحصیلی، و ... یک دوره‌ی فشارزای روانی است. که می‌تواند بر سلامت روانی تأثیرگذار باشد. هدف از این مطالعه تعیین عوامل استرس‌زا و ارتباط آن با سلامت روان در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گرگان بود.

روش: در این پژوهش توصیفی-تحلیلی ۱۶۸ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گرگان در سال ۱۳۸۸ به روش تصادفی انتخاب شدند. جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه SCL25 و استرس‌ور انجام شد. متغیرهای رشته، قومیت، محل سکونت، مورد بررسی قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی و تحلیلی انجام شد.

یافته‌ها: میانگین سن ۲۰.۲۹، ۶۰.۷ درصد مونث، ۵۰.۶ درصد فارس ۴۰.۵ درصد ترکمن بودند. داده‌ها نشان داد که ۵.۴ درصد فاقد اختلال روانی، ۶۵.۵ درصد اختلال روانی خفیف، ۲۷.۴ درصد متوسط و ۱.۸ درصد شدید بودند. از نظر استرس، فاقد استرس صفر درصد، ۷۰.۱ درصد خفیف، ۶۹.۶ درصد متوسط، ۲۳.۲ درصد شدید بودند. بین سلامت روان و عوامل استرس‌زا در دانشجویان با $p=0.003$ ارتباط معنی‌دار آماری دیده شد.

بحث و نتیجه‌گیری: نتایج بازگوکننده این مسئله است که دانشجویان عوامل استرس‌زای زیادی را در محیط آموزشی تجربه می‌نمایند که می‌تواند بر سلامت روان آنها تأثیرگذار باشد ..

کلیدواژه‌ها: سلامت روان، استرس، دانشجو

(S.69SPos.3) نشست: ۶۹، پوستر: ۳

بررسی ویژگی‌های دانشجویی توانمند از دیدگاه اساتید و دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

عاطفه رضایی^{*}، فرنوش شریفی‌مود، غلامرضا شریف‌زاده

* rezaie_atefe@yahoo.com

مقدمه: بر اساس مطالعات وسیع، رویکردها و نگرش‌های جدید در آموزش پزشکی مطرح شده است تا تضمین‌کننده آموزش بهتر و تربیت دانشجویانی شود که توانایی‌های مورد انتظار را داشته باشند. دانشجویان به عنوان دروندادهای نظام دانشگاهی دارای ویژگی‌های ممتاز و بااهمیتی هستند. وضعیت آنها در هنگام ورود به دانشگاه، رفتارهای آموزشی آنها در حین تحصیل در دانشگاه و قابلیت‌های کسب شده آنان به هنگام خروج از محیط آموزشی دانشگاه از مؤلفه‌های مهم و اساسی است که شایسته است به نحو مطلوب مورد بررسی قرار بگیرد از این رو تصمیم گرفتیم طی مطالعه‌ای ویژگی‌هایی را که به عنوان توانمندی برای دانشجویان به شمار می‌آید را بررسی کنیم.

روش: در این مطالعه توصیفی تحلیلی بر روی ۳۲ عضو هیئت علمی (۲۶ نفر مرد و ۶ نفر زن) و ۱۲۱ دانشجوی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند (۲۶ پسر و ۹۵ دختر) که بصورت تصادفی ساده انتخاب شدند، انجام شد. اطلاعات با استفاده از پرسشنامه ای خود ایفا که بر اساس اهداف طرح طراحی شد و شامل ۲۶ سوال در مورد ویژگی‌های دانشجوی توانمند بود و روایی آن با نظر اساتید و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۲ مورد تأیید قرار گرفت جمع‌آوری شد و با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: از دیدگاه اساتید مهم‌ترین عواملی که به عنوان معیار توانمندی برای یک دانشجو به حساب می‌آیند به ترتیب: داشتن اعتماد به نفس، تسلط به زبان انگلیسی، تسلط به کامپیوتر، حضور فعال در کلاس و پاسخگویی به سوالات اساتید، حضور به موقع سر کلاس، توانایی بکارگیری روش حل مسئله برای رفع مشکلات خود و کسب رتبه در آزمون‌های علمی بود. از دیدگاه دانشجویان مهم‌ترین عوامل به ترتیب داشتن اعتماد به نفس، کسب رتبه در آزمون‌های علمی، تسلط به زبان انگلیسی، توانایی بکارگیری روش حل مسئله برای رفع مشکلات، شرکت در همایش‌های علمی و کسب معدل بالای ۱۷ بودند. از ۲۳ سوال مطرح شده در ۱۳ مورد اختلاف معنی‌داری مشاهده شد. از دیدگاه دانشجویان حضور فعال در کلاس و پاسخگویی به سوالات اساتید، حضور بموقع سر کلاس، ارائه کنفرانس، برخورد مؤدبانه با اساتید، همکاری با اساتید جهت تهیه فیلم و اسلاید آموزشی، فعالیت در گروه‌های مذهبی و عضویت در کمیته‌های علمی دانشجویی عوامل مؤثری نبودند در حالی که از دیدگاه اساتید مهم بودند.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به اینکه موارد مؤثر مشابه از دیدگاه اساتید و دانشجویان داشتن اعتماد به نفس، تسلط به زبان انگلیسی، توانایی بکارگیری روش حل مسئله برای رفع مشکلات و کسب رتبه در آزمون‌های علمی بود این موارد را می‌توان به عنوان معیار توانمندی برای دانشجویان به حساب آورد.

کلیدواژه‌ها: دانشجو، توانمند، استاد

(S.69SPos.4) نشست: ۹، پوستر: ۴

بررسی مهارت‌های مطالعه در دانشجویان دندانپزشکی شیراز (۱۳۸۷-۱۳۸۸)

لادن زرشناس^۱، شهلا مومنی دانایی^۲، الهام مزارعی^۳، هومن ظریف^۴

۱- شیراز- فلکه نمازی- دانشکده پرستاری

۲، ۳-۴- قماباد قصرالدشت- دانشکده دندانپزشکی

مقدمه: جریان یادگیری، جریان پیوسته ای است که شامل تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار نهفته فرد می‌باشد. این امر از فردی به فرد دیگر متفاوت است و در افراد گوناگون ظرفیت‌های متفاوتی را شامل می‌شود. بکارگیری روش‌ها و مهارت‌های متنوع مطالعه در نقاط مختلف جهان در یادگیری بهتر دانشجویان مورد تأیید قرار گرفته است. از آنجائیکه دانشجویان رشته دندانپزشکی در دوران تحصیلی خود با حجم گسترده ای از مطالب و دروس مواجه هستند و از طرف دیگر لزوم فراگیری مطالب جدید، به حافظه سپردن متون علمی را دشوارتر می‌نماید، یادگیری این مطالب نیازمند صرف زمان و داشتن برنامه منظم می‌باشد. بدیهی است که عدم انتخاب روش صحیح مطالعه، دانشجو را دچار سردرگمی و دلزدگی از تحصیلی می‌نماید و باعث هدر رفتن انرژی آنها و سوق به روش‌های نادرست مطالعه می‌گردد. هدف از این مطالعه بررسی دقیق مهارت‌ها و عادات مطالعه دانشجویان رشته دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز است، تا بتوان نقاط ضعف و قوت موجود در این زمینه را شناسایی نمود و با تقویت نقاط قوت و کاستن نقاط ضعف، مهارت‌های مطالعاتی دانشجویان را در جهت یادگیری بهتر و مؤثرتر توسعه داد.

روش: در این مطالعه کلیه دانشجویان رشته دندانپزشکی (۴۵۰ نفر) که در زمان انجام مطالعه در تمامی مقاطع در سال تحصیلی جاری در حال تحصیل هستند بصورت سرشماری انتخاب شدند. جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌ای شامل دو بخش مشخصات دموگرافیک (جنس، محل سکونت و مقطع تحصیلی) و ۶۴ سوال اختصاصی در زمینه مهارت‌های مطالعه که در ۸ حوزه مدیریت زمان، تمرکز/حافظه، کمک‌های مطالعه/یادداشت برداری، استراتژی‌های امتحان، پردازش اطلاعات، انگیزه، خود ارزیابی/مهارت خواندن و مهارت نوشتن می‌باشد. که هر قسمت شامل ۸ سوال می‌باشد. روایی پرسشنامه با استفاده از روش translate- retranslate و با استفاده از نظر متخصصان و روایی محتوا تأیید شد. پایایی آن نیز با استفاده از آلفا کرونباخ ۰/۸۹ بدست آمد. اطلاعات بدست آمده با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: دانشجویانی که قبلاً در کارگاه‌های مهارت مطالعه شرکت داشته‌اند از دانشجویانی که در این کارگاه‌ها شرکت نکرده‌اند مهارت قوی‌تری دارند. دانشجویان مقطع تخصصی دارای مهارت بیشتری از دانشجویان عمومی هستند. مهارت مدیریت زمان، انگیزه و پردازش اطلاعات در دانشجویان تخصصی وضعیت مطلوب‌تری دارد و کلاً بر حسب مقطع تحصیلی تفاوت معنی‌داری نشان داد. در زمینه پردازش اطلاعات دانشجویان ساکن در منازل دانشجویی وضعیت بهتری نسبت به بقیه دارند. وضعیت تأهل در مهارت مطالعه تفاوت معنی‌داری نشان نداد.

بحث و نتیجه‌گیری: کارآمدی مهارت‌های مطالعه بسیاری از نارسایی‌های احتمالی موجود در محیط آموزشی، انگیزش شخصیتی و سلامت جسمی - روانی را جبران می‌نماید. با تشخیص نقاط ضعف و قوت موجود و پیشنهاد برگزاری برنامه‌هایی از طریق مرکز مشاوره، می‌توان مهارت‌های مطالعاتی در دانشجویان را توسعه یابد.

کلیدواژه‌ها: مهارت مطالعه، دانشجو، دندانپزشکی

(S.69SPos.5) نشست: ۶۹، پوستر: ۵

بررسی دیدگاه دانشجویان رشته بهداشت حرفه‌ای درباره وضعیت آموزشی این رشته

احمد عبدالملکی*، مهناز صلیحی، علی اصغر فرشاد، مجید فلاحی، فاطمه شاه کرمی
*ahmad.abdolmaleki@gmail.com

مقدمه: بررسی دیدگاه دانشجویان از روند تحصیلی و کمیت و کیفیت امکانات و تسهیلات آموزشی برای رسیدن به اهداف یک رشته دانشگاهی بسیار حائز اهمیت است. این مطالعه با هدف تعیین دیدگاه دانشجویان رشته بهداشت حرفه‌ای درباره وضعیت آموزشی این رشته در طول تحصیل و دوره کارآموزی در عرصه با همکاری اداره کل سلامت محیط و کار وزارت بهداشت برای اولین بار در کشور صورت گرفته است. این مطالعه با شناسایی نقاط ضعف و قوت، فرصت‌ها و تهدیدهای موجود می‌تواند در ارتقاء برنامه‌ریزی بهتر این رشته به کار رود.

روش: این مطالعه مقطعی - توصیفی در سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ در سطح ملی در ۱۲ دانشگاه علوم پزشکی کشور انجام شد. روش گردآوری داده‌ها پرسشنامه است. اعتبار و روایی پرسشنامه از طریق پانل اساتید و آزمون آلفا کرونباخ (با ضریب ۰/۸۰) کسب شد. حجم نمونه با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه برحسب نسبت دیدگاه‌ها، ۳۲۴ دانشجو در مقطع کارشناسی تعیین شد. داده‌های بدست آمده در نرم افزار SPSS مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: ۴۶ درصد دانشجویان میزان رضایتمندی خویش را از وضعیت فعلی رشته بهداشت حرفه‌ای در حد "متوسط"، ۱۹/۸ درصد در حد "خیلی کم"، ۱۸/۸ درصد در حد "کم" و فقط ۳ درصد در حد "خیلی زیاد" ارزیابی کردند. ۲۸/۷ درصد دانشجویان با عنوان رشته تحصیلی خویش (بهداشت حرفه‌ای) "خیلی کم"، ۱۶/۷ درصد "کم"، ۳۱/۸ درصد "متوسط" و فقط ۵/۸ درصد "خیلی زیاد" موافق بودند. ۴۷/۲ درصد دانشجویان میزان اجرایی بودن سرفصل‌های آموزشی ارائه شده در طول تحصیل را "متوسط" ارزیابی کردند. ۲۱/۹ درصد میزان اجرایی بودن سرفصل‌های آموزشی را "کم"، ۱۹/۱ درصد "خیلی کم" و تنها ۳ درصد "خیلی زیاد" اعلام کردند. ۵۲/۵ درصد دانشجویان علاقه خویش را به سرفصل‌های آموزشی در حد "متوسط"، ۲۱/۶ درصد "کم"، ۱۲/۳ درصد "خیلی کم" و تنها ۵/۹ درصد "خیلی زیاد" اعلام کردند.

بحث و نتیجه‌گیری: دیدگاه‌های دانشجویان بهداشت حرفه‌ای دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور درباره وضع آموزشی رشته بهداشت حرفه‌ای متوسط است. یک نظام آموزشی در صورتی مؤثر و کارآمد خواهد بود که از جنبه‌های نظری، عملی و شرایط اجرای کار مورد بازبینی مداوم قرار گیرد تا بتواند پاسخگوی نیازهای فعلی و آینده جامعه باشد. لذا؛ در نظر گرفتن نظرات دانشجویان در برنامه‌ریزی - های آموزشی این رشته در کنار نظرات اساتید این رشته توصیه می‌شود. یافته‌های این مطالعه در برنامه ریزی های آموزشی متناسب با نیازهای دانشجویان کاربرد دارد.

کلیدواژه‌ها: دیدگاه، دانشجویان بهداشت حرفه‌ای، وضع آموزشی

ارائه دانشجوی (گزارش پایان نامه پژوهشی آموزش پزشکی: دکتر ا و student presentation (PhD/MSc Reviews) کارشناسی ارشد)

(S.18SR1) نشست: ۱۸، ارائه: ۱

بررسی مقایسه‌ای دیدگاه بیماران، دانشجویان بالینی و اعضای هیأت علمی بالینی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بابل در خصوص بیمارمحوری در ارتباط پزشک و بیمار با استفاده از پرسشنامه PPOS

پژوهشگر: دکترایمان جهانیان

استاد راهنما: دکتر عظیم میرزازاده

اساتید مشاور: دکتر فرهاد شاهی - دکتر سیروس جعفری

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران

مقدمه: در خصوص اهمیت ارتباط مؤثر در پزشکی، نکات متعددی بیان شده است. مهارت‌های ارتباطی با افزایش رضایت پزشک و بیمار پیوندی محکم دارد. علاوه بر آن موجب تبعیت بهتر از درمان، تصمیم‌سازی بهتر و دستاوردهای مثبت بهداشتی- درمانی برای بیمار می‌شود. بر- اساس مطالعات انجام گرفته دو سبک عمده طبابت پزشک مشاهده شده است: سبک پزشک‌محور و سبک بیمارمحور. در مطالعه حاضر به مقایسه دیدگاه بیماران، دانشجویان بالینی و اعضای هیأت علمی بالینی، بعنوان سه رکن مهم و اساسی در آموزش پزشکی پرداخته و دیدگاه آنان را در خصوص بیمارمحوری در ارتباط پزشک و بیمار بررسی خواهیم نمود.

روش: این مطالعه توصیفی-تحلیلی بصورت مقطعی (cross-sectional) در بیمارستان‌های آموزشی تخصصی و فوق تخصصی دانشگاه علوم پزشکی بابل، شامل بیمارستان شهید بهشتی و بیمارستان شهید یحیی نژاد در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۸۸ انجام گردید. جمعیت مورد مطالعه شامل دانشجویان پزشکی بالینی (کارآموز سال ۱ و ۲- کارورز)، اعضای هیأت علمی بالینی دانشکده پزشکی و بیماران مراجعه کننده به بیمارستان‌های مذکور بوده و نمونه‌ها با روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای و تصادفی وارد مطالعه شدند.

ابزار ما برای جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه استاندارد PPOS (Patient-Practitioner Orientation Scale) بوده که روایی و پایایی آن به اثبات رسیده است. نهایتاً اطلاعات کدگذاری و وارد کامپیوتر شده و با نرم افزار SPSS 15.0 آنالیز گردید.

یافته‌ها: در مطالعه حاضر، میانگین نمره caring اعضای هیأت علمی بالینی ۳/۷۲، sharing آنان ۳/۱۰ و نمره کل ۳/۴۱ بوده است. میانگین نمره caring دانشجویان بالینی ۳/۷۵، sharing آنان ۳/۰۹ و نمره کل ۳/۴۲ و میانگین نمره caring بیماران ۳/۸۷، sharing آنان ۳/۴۵ و نمره کل ۳/۶۶ بوده است.

بر اساس این مطالعه، بین دیدگاه اعضای هیأت علمی بالینی و دانشجویان بالینی تفاوت معنی داری در نمره زیر واحد caring (P-value=0.973) sharing، زیر واحد caring (P-value=0.960) و نمره کلی PPOS (P-value=0.979) وجود ندارد. بین دیدگاه اعضای هیأت علمی بالینی و بیماران تفاوت معنی داری در زیر واحد caring (P-value=0.006) sharing و نمره کلی PPOS (P-value=0.008) وجود دارد اما تفاوت زیر واحد caring معنی دار نیست (P-value=0.068).

بین دیدگاه دانشجویان بالینی و بیماران بالینی تفاوت معنی داری در زیر واحد caring (P-value=0.006) sharing و نمره کلی PPOS (P-value=0.009) وجود دارد اما تفاوت زیر واحد caring معنی دار نیست (P-value=0.082).

بحث و نتیجه‌گیری: بر اساس این مطالعه اقدام به برنامه‌ریزی، اجرا و ارزشیابی دوره مهارت‌های ارتباطی برای دانشجویان دوره پزشکی عمومی و همچنین برگزاری کارگاه‌های مهارت‌های ارتباطی پزشک و بیمار برای اعضای هیأت علمی بالینی پیشنهاد می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: دیدگاه، بیماران، دانشجویان بالینی، اعضای هیأت علمی بالینی، بیمارمحوری، ارتباط پزشک و بیمار، پرسشنامه PPOS

(S.18SR2) نشست: ۱۸، ارائه: ۲

تبیین درک اعضای هیات علمی از فرایند آموزش بالینی: مطالعه کیفی

پژوهشگر: رقیه گندم کار

اساتید راهنما: دکتر مهوش صلصالی-دکتر عظیم میرزازاده

استاد مشاور: دکتر زهرالسادات مشکانی

دانشگاه علوم پزشکی تهران-دانشکده پزشکی

مقدمه: آموزش بالینی بخش مهمی از آموزش در دوره پزشکی می باشد که بدون آن تربیت پزشکی کارآمد و شایسته غیرممکن می باشد. با توجه به پیچیدگی های موجود در آموزش بالینی، تأثیرپذیری آن از عوامل مختلف محیطی، تغییرات اخیر در محیط بالینی و نقش های چندگانه اعضای هیأت علمی بالینی، لزوم بررسی این پدیده به صورت جامع احساس شد. این تحقیق به تبیین مفاهیم و عناصر مؤثر در آموزش بالینی با تکیه بر تجارب و درک اعضای هیأت علمی بالینی می پردازد.

روش: این مطالعه کیفی و به روش گراند تئوری می باشد. در ابتدا از روش نمونه گیری مبتنی بر هدف و در ادامه از نمونه گیری تئوریک استفاده شد. حجم نمونه را ۸ نفر از اعضای هیأت علمی بالینی و ۲ نفر دانشجوی پزشکی تشکیل دادند. همزمان با جمع آوری داده ها تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از روش کدگذاری و مقایسه مداوم استراوش- کوربین انجام شد.

یافته ها: براساس یافته های حاصل از مراحل کدگذاری "ساختار آموزشی"، "عوامل انگیزشی" و "وظایف حرفه ای" عوامل زمینه ای هستند که بر "آموزش بالینی" اثر می گذارند. از دید مشارکت کنندگان محدود بودن زمان در اختیار برای آموزش، وظایف و مسئولیت های متنوع، گسترده و با حجم بالا برای اعضای هیأت علمی، عدم تأمین مالی، نبود شأن و منزلت مناسب برای آموزش، پررنگ بودن نقش پژوهش در مقایسه با آموزش و چالش های نقش معلمی از مهمترین عوامل زمینه ای هستند که فرایند آموزش بالینی را تحت تأثیر قرار می دهند.

بحث و نتیجه گیری: عدم حضور و مشارکت اعضای هیأت علمی در ارائه آموزش، عدم ارائه آموزش بر بالین و تمایل به آموزش تئوریک مفاهیم مرتبط با فرایند یاددهی- یادگیری می باشند. نتایج این پژوهش می تواند مسئولان دانشگاه های علوم پزشکی و اعضای هیأت علمی را در یافتن راهکارهایی برای ارتقای فرایند آموزش بالینی یاری رساند.

کلیدواژه ها: آموزش بالینی، اعضای هیات علمی، گراند تئوری، عوامل زمینه ای آموزش بالینی

(S.18SR3) نشست: ۱۸، ارائه: ۳

تعیین حداقل های ضروری یادگیری کارورزان رشته پزشکی در چهار بخش اصلی (داخلی- جراحی- زنان- اطفال) و مقایسه میزان حصول به اهداف در دانشگاه های علوم پزشکی اصفهان - چهارمحال بختیاری و دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

پژوهشگر: دکتر مسیح صبوری

اساتید راهنما: دکتر قربانعلی اسدالهی، دکتر علیرضا یوسفی

مقدمه: تعیین اهداف آموزشی پایه و اساس هر آموزش اثر بخش را تشکیل می دهد و به عنوان چراغ راه و راهنمایی فرآیند یاددهی- یادگیری و ارزشیابی مورد استفاده قرار می گیرد. در بین اهداف آموزشی، هدف های آموزشی حیطه مهارتی از اهمیت ویژه و به خصوصی در مشاغل و رشته های پزشکی برخوردار است. این مطالعه بر اساس اجماع بین منابع و دیدگاه صاحب نظران، اساتید بالینی، دستیاران پزشکی و پزشکان عمومی به تعیین اهداف ضروری چهار بخش اصلی (داخلی، جراحی، زنان و اطفال) پرداخته و سپس میزان حصول به این اهداف را در سه دانشگاه علوم پزشکی (اصفهان، چهارمحال و بختیاری و آزاد اسلامی واحد نجف آباد) از دیدگاه کارورزان پزشکی سه دانشگاه مذکور مورد مقایسه قرار داده است.

روش: این پژوهش یک مطالعه توصیفی (از نوع دلفی، پیمایشی- مقطعی و علی- مقایسه ای) است. از بین کارورزان پزشکی سه دانشگاه به روش نمونه گیری تصادفی ساده ۷۶ نفر کارورز انتخاب شدند. ابزار جمع آوری اطلاعات چک لیستی شامل: اهداف ضروری حیطه مهارتی در چهار بخش اصلی است که بر اساس اجماع بین منابع و دیدگاه صاحب نظران، اساتید بالینی، دستیاران پزشکی و پزشکان عمومی به روش دلفی

تعیین شده است. بر اساس این چک لیست میزان دستیابی کارورزان پزشکی به اهداف ضروری حیطه‌های مهارتی در چهار بخش اصلی مورد ارزیابی و در سه دانشگاه مورد مقایسه قرار گرفته است. داده‌ها با استفاده از برنامه نرم‌افزاری SPSS و روش‌های آماری توصیفی و استنباطی (پارامتری و ناپارامتری به کروسکال والیس -a و من و یتنی، x^2 و دان) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌ها: حداقل‌های ضروری یادگیری برای کارورزان بخش داخلی، زنان، جراحی و اطفال به ترتیب شامل: ۲۶، ۳۹، ۵۱ و ۳۵ مورد می‌باشد که این مهارت‌ها را می‌توان در سه مقوله، (۱) معاینه فیزیکی کامل و گرفتن شرح حال به عنوان مهم‌ترین مهارت در چهار بخش اصلی (۲) مهارت انجام پروسیجرها (۳) تشخیص و اداره بیماریه‌های شایع طبقه‌بندی نمود.

بحث و نتیجه‌گیری: کارورزان پزشکی سه دانشگاه ۲۰ درصد از اهداف یادگیری ضروری چهاربخش اصلی را به صورت عالی، ۳۵ درصد از اهداف را به صورت خوب، ۲۴ درصد از اهداف را به صورت متوسط و ۲۱ درصد از اهداف را به صورت ضعیف قادر به انجام آن می‌باشند و در کل توانمندی انجام اهداف یادگیری ضروری در چهاربخش اصلی توسط کارورزان (با توجه به میانگین وزنی ۳/۱۲) در حد متوسط ارزیابی شده است. میانگین وزنی توانمندی کارورزان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، چهارمحال و دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد در کل و در چهار بخش اصلی به ترتیب برابر: ۲/۸۶، ۳/۵۳ و ۲/۹۱ و میانگین رتبه سه دانشگاه نیز به ترتیب برابر با: ۳۱/۲۳ و ۴۹/۶۹ و ۳۴/۸۹ می‌باشد که بر اساس آزمون دان فقط بین میزان توانمندی کارورزان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و چهارمحال و بختیاری در چهار بخش اصلی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. هدف‌های آموزشی، اهدافی می‌باشند که می‌توان بر اساس آن مواد آموزشی، عنوان، برنامه روش تدریس و نظام ارزشیابی را تعیین نمود. آنچه مسلم است این است که اهداف آموزشی بالینی بر اساس نیازهای فراگیران و نیازهای جامعه و نیز بر اساس دیدگاه‌های متخصصان موضوع درسی تعیین می‌شوند. بر اساس نتایج این پژوهش تعیین (حداقل‌های ضروری یادگیری در چهار بخش اصلی) علاوه بر تعیین اهداف یادگیری در حیطه مهارتی به ترتیب اولویت، وظایف فراگیر نیز به روشنی قابل استخراج می‌باشد. علل عمده تفاوت بین توانمندی کارورزان پزشکی سه دانشگاه نیز به شرح زیر می‌باشد.

- ۱- وجود دوره‌های تخصصی و فوق تخصصی در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و تاثیر گذاری آن بر فرآیند یاددهی-یادگیری کارورزان پزشکی
- ۲- نوع بیماران مراجعه کننده به مراکز بهداشتی - درمانی سه دانشگاه و تاثیر آن بر فرایند یاددهی-یادگیری کارورزان پزشکی
- ۳- میزان درگیری مستقیم اساتید سه دانشگاه در اداره بیماران مراجعه کننده به مراکز بهداشتی - درمانی تحت پوشش بر فرآیند یاددهی - یادگیری کارورزان پزشکی

کلیدواژه‌ها: اهداف آموزشی، اهداف آموزش در حیطه مهارتی، کارورزان رشته پزشکی، خودارزیابی

(S.18SR4) نشست: ۱۸، ارائه: ۴

بررسی مقایسه‌ای انواع روشهای ترجیحی یادگیری ادراکی و رضایت دانشجویان پزشکی و دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان (۱۳۸۵)

پژوهشگر: الهیار نجفی

استاد راهنما: جناب آقای دکتر مصطفی صادقی

استاد مشاور: جناب آقای حمید بخشی

مقدمه: عوامل موثر بر یادگیری بسیار متفاوت می‌باشد. شناخت سبک‌های یادگیری و رضایت تحصیلی دانشجویان توسط اساتید، می‌تواند در الگوی آموزشی اساتید و بر موفقیت تحصیلی فراگیران مفید باشد زیرا انتخاب روش‌های متنوع در تدریس می‌تواند فرصت‌های مناسب یادگیری را افزایش دهد. لذا این بررسی با هدف تعیین انواع سبک‌های یادگیری ترجیحی و رضایت تحصیلی دانشجویان پزشکی و دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان در سال ۱۳۸۵ طراحی و اجرا گردیده است.

روش: این مطالعه توصیفی بر روی تعداد ۲۲۰ نفر از دانشجوی پزشکی و دندانپزشکی دانشگاه با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی براساس رشته تحصیلی و جنس صورت گرفت. پس از اجرای مطالعه پایلوت با کمک پرسشنامه‌های تعیین کننده رضایت تحصیلی و پرسشنامه سبک‌های یادگیری ترجیحی (Joy Reid) مطالعه اصلی صورت گرفت که دانشجویان بطور تصادفی و با روش مذکور از لیست‌های اسامی دانشجویان رشته‌های پزشکی و دندانپزشکی دانشگاه در آموزش کل صورت گرفت و برای هر کدام یک نمونه، پاکت حاوی پرسشنامه‌ها در

محل دانشکده‌ها تحویل آنان شد و پس از جمع‌آوری، اطلاعات آنان وارد برنامه SPSS شد. بر اساس دستورالعمل پرسشنامه‌ها استخراج نتایج گرفت. متغیرهای مورد اندازه‌گیری بوسیله پرسشنامه شامل روش‌های یادگیری ترجیحی دانشجویان شامل روش‌های بصری، سمعی، تجربی، عملی و رضایت بود.

یافته‌ها: نتایج بررسی نشان داد که سبک‌های ترجیحی یادگیری در دانشجویان پزشکی و دندانپزشکی به ترتیب سبک حرکتی یا عملی، بصری، لمسی، سمعی، گروهی و فردی بود. سبک‌های اصلی (ماژور) ترجیحی یادگیری در دانشجویان دندانپزشکی: سبک حرکتی، بصری و سبک ماژور دانشجویان پزشکی هم مشابه بود. سبک ترجیحی فرعی دانشجویان سبک سمعی و گروهی بود. ضمناً سبک نامحسوس در دانشجویان مورد بررسی سبک فردی و گروهی در الویت قرار داشتند. بیشتر از نیمی از دانشجویان از وضعیت تحصیلی خود رضایت نداشتند که تفاوت آماری بر حسب جنس مشاهده گردید ولی بر حسب رشته تفاوت آماری دیده نشد.

بحث و نتیجه‌گیری: جهت آموزش دانشجویان توجه به سبک اصلی و ترجیحی یادگیری دانشجویان و رضایت درونی و بیرونی آنان ضروری است و باید اساتید بیشتر برای دانشجویان دانشگاه از روش‌های فعال در تدریس دروس بدلیل سبک اکثریت دانشجویان "کار عملی در فیلد و آزمایشگاه" استفاده نمایند تا تأثیر بیشتری در امر یادگیری دانشجویان داشته باشند و از روش‌های غیر فعال تدریس همانند سخنرانی پرهیز کنند.

کلیدواژه‌ها: روش‌های ترجیحی، یادگیری ادراکی، دانشجوی پزشکی و دندانپزشکی

(S.18SR5) نشست: ۱۸، ارائه: ۵

مقایسه سبک‌های یادگیری دانشجویان سال اول و سال پنجم رشته پزشکی و ارتباط آن با پیشرفت تحصیلی

پژوهشگر: اعظم معیاری

احمد صبوری کاشانی، میترا قریب، مهدی بیگلرخانی

مقدمه: در یک نظام آموزشی موفق، سبک یادگیری دانشجویان به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی همواره مورد توجه قرار می‌گیرد. با شناسایی سبک یادگیری، هم روش تدریس مناسب‌تر توسط اساتید و هم روش یادگیری صحیح‌تر توسط فراگیران اتخاذ می‌شود. این پژوهش با هدف تعیین سبک یادگیری دانشجویان پزشکی و ارتباط آن با پیشرفت تحصیلی صورت گرفت.

روش: در این مطالعه توصیفی-تحلیلی دانشجویان سال اول و پنجم رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران، با پاسخ به پرسش‌نامه استاندارد کلب، شرکت کردند. میانگین کل دروس نظری و عملی کلیه دانشجویان و نمره آزمون پیش‌کارورزی و آسکی پایان دوره کارآموزی دانشجویان سال پنجم به عنوان شاخص پیشرفت تحصیلی در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: بیشترین سبک‌های یادگیری در دانشجویان سال اول به ترتیب، همگرا (۵۰/۳ درصد) و جذب‌کننده (۳۶/۶ درصد)، و در دانشجویان سال پنجم، همگرا (۶۹ درصد) و انطباق‌یابنده (۱۶/۷ درصد) بودند. بین سبک یادگیری دو گروه دانشجویان، اختلاف معنی‌داری یافت شد ($P=0/0001$)، به طوری که در دانشجویان سال پنجم، سبک همگرا و انطباق‌یابنده بیش از دانشجویان سال اول و در مورد سبک جذب‌کننده و واگرا، نتیجه بالعکس بود. بین سبک یادگیری با پیشرفت تحصیلی دانشجویان ارتباط معنی‌داری یافت نشد.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به این که سبک یادگیری غالب در کلیه دانشجویان همگرا می‌باشد و بهترین محیط‌های یادگیری در این افراد، استفاده از شبیه‌سازی‌ها، تکالیف آزمایشگاهی و یادگیری بر پایه حل مسئله می‌باشد، لذا شایسته است برنامه‌ریزان آموزشی، چنین محیط‌هایی را بیشتر فراهم سازند.

کلیدواژه‌ها: سبک یادگیری، دانشجوی پزشکی، پیشرفت تحصیلی

(S.18SR6) نشست: ۱۸، ارائه: ۶

مطالعه تطبیقی تکنیک‌ها و مؤلفه‌های مؤثر در نیازسنجی برنامه‌های آموزش مداوم و ارائه راهنمای کاربردی برای انتخاب و بکارگیری هر یک از تکنیک‌های نیازسنجی

شهلا شهیدی، دکتر حسین سلمان زاده، دکتر طاهره چنگیز، دکتر علیرضا یوسفی

مقدمه: برنامه‌ریزی آموزش مداوم و توسعه آن می‌باید بر اساس سنجش نیازهای فراگیران باشد، نیازهای آموزشی که مرتبط با فعالیت حرفه‌ای پزشکان باشد. الگوهای نیازسنجی به منظور راهنمایی فرایند جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات در جهت تسهیل تصمیمات برنامه‌ریزی تدوین شده‌اند. الگوها اگرچه عمدتاً دارای ماهیتی با کاربرد عمومی هستند اما هر کدام تحت شرایط معینی قابل استفاده‌اند. پراکندگی منابع نیازسنجی آموزشی از یک طرف و وجود معایب و مزایای متفاوت برای هر یک از الگوها و روش‌های نیازسنجی از طرف دیگر، انتخاب یک روش مناسب، دقیق و معتبر نیازسنجی را مشکل نموده است. لذا این مطالعه با هدف طراحی و تدوین یک راهنمای عملی در خصوص انتخاب الگو و تکنیک نیازسنجی با توجه به منابع علمی، تجارب جهانی و امکانات کشوری صورت گرفت.

روش: مطالعه توصیفی بوده و در دو مرحله انجام شد. در مرحله اول با بررسی مطالعات صورت گرفته در این زمینه (با بررسی مستندات کتابخانه‌ای و Online و بحث گروهی متمرکز)، اطلاعات لازم برای شناسایی مولفه‌های موثر و راهنما جمع‌آوری و راهنما تهیه شد. سپس در مرحله دوم، راهنمای تهیه شده از طریق مکاتبه در اختیار دبیران آموزش مداوم دانشگاه‌های علوم پزشکی قرار گرفت و پس از جمع‌آوری نقطه نظرات ایشان، اطلاعات در نرم افزار SPSS12 وارد و با استفاده از آماره‌های توصیفی و آزمون (χ^2) و (T.test) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و نهایتاً با استفاده از نقطه نظرات نمونه‌های پژوهش راهنمای تهیه شده تکمیل و نهائی گردید.

یافته‌ها: جستجوی مستندات و نظر کارشناسان، نشان داد مولفه‌های موثر بر انتخاب الگوها و فنون نیازسنجی عبارتند از: سطح نیازسنجی، هدف نیازسنجی، گروه هدف (نوع، تعداد و پراکندگی)، نوع نیاز، تعریف نیاز، منابع (مالی و انسانی، زمان و ...) راهنمای کاربردی نیازسنجی، با توجه به مولفه‌های فوق الذکر، در ۸ بخش و بطور گام به گام طراحی گردید. این راهنما شامل ۳ الگوریتم و ۴ جدول برای راهنمایی مجریان نیازسنجی بود. در ارزشیابی راهنما از دید دبیران آموزش مداوم، ۸۷/۵ درصد پاسخ دهندگان محتوای کلی راهنما را شفاف و روشن و ۸۷/۲ درصد آن را کاربردی ارزیابی کردند. ۵۰ درصد پاسخ دهندگان مطالعه راهنما را برای بهره‌برداری کافی دانسته و بقیه آموزش راهنما را در یک جلسه حضوری را ضروری دانسته‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به نظر اکثریت واحدهای مورد پژوهش در مورد شفاف و کاربردی بودن راهنما و نقطه نظرانی که برای اصلاح چک لیست ارائه دادند، به نظر می‌رسد می‌توان از راهنمای تدوین شده در نیازسنجی آموزش مداوم بهره جست. این بهره‌گیری و استفاده نیاز به آموزش استفاده‌کنندگان در زمینه محتویات راهنما دارد.

کلید واژه‌ها: نیازسنجی، آموزش مداوم، الگوی نیازسنجی، تکنیک نیازسنجی

(S.18SR7) نشست: ۱۸، ارائه: ۷

تاثیر آموزش الکترونیک بر خودمراقبتی بیماران دیابت نوع ۲ مراجعه کننده به مراکز دیابت دانشگاه علوم پزشکی

کرمان

مریم خاندان، عصمت نوحی

مقدمه: بیماری دیابت به دلیل روند طولانی، مشارکت بیمار در امر مراقبت از خود را طلب می‌نماید. افزایش شیوع و عوارض ناشی از آن نشان می‌دهد که آموزش‌های سنتی که تا کنون انجام شده کافی نبوده است. آموزش الکترونیک این امکان را فراهم می‌کند تا بیماران نوع جدیدی از ارتباط، مراقبت، آموزش و بیمار محوری را تجربه نمایند. پژوهش حاضر یک مطالعه نیمه تجربی است که با هدف تعیین تأثیر آموزش الکترونیک بر خود مراقبتی بیماران دیابت نوع ۲ مراجعه کننده به مراکز دیابت دانشگاه علوم پزشکی کرمان در سال ۱۳۸۷ انجام شده است.

روش: ۱۷۰ بیمار دیابت نوع ۲ با روش نمونه‌گیری ساده انتخاب و سپس طور تصادفی به دو گروه ۸۶ و ۸۴ نفر در گروه مورد و شاهد تقسیم شدند. به گروه شاهد آموزش‌های روتین و به گروه مورد به روش الکترونیک به مدت ۳ ماه آموزش داده شد. قبل و بعد از مداخله اطلاعات مربوط به خود مراقبتی به وسیله پرسشنامه جمع‌آوری و نمونه خون جهت آزمایش قند خون ناشتا و هموگلوبین گلیکوزیته جامعه پژوهش اندازه‌گیری شد.

یافته‌ها: میانگین نمرات حیطة دانش، نگرش و عملکرد گروه مورد قبل از آموزش به ترتیب 19.3 ± 2.4 ، 21.4 ± 3.9 ، 24.1 ± 7.1 و بعد از آموزش 20.6 ± 5.5 ، 22.8 ± 6.9 ، 32.2 ± 9.5 بود. در گروه مورد اختلاف آماری معنی‌داری مشاهده شد ($P < 0.05$). میانگین و انحراف معیار قند خون



ناشتا و هموگلوبین گلیکوزیده در گروه مورد قبل از آموزش $223/8 \pm 77/2$ میلی گرم در دسی لیتر و $9/5 \pm 1/9$ درصد و بعد از آموزش $167/5 \pm 55/2$ میلی گرم در دسی لیتر، $8/4 \pm 1/6$ درصد بود و فقط در گروه مورد تفاوت معنی دار ($P < 0/01$) مشاهده شد.

بحث و نتیجه گیری: آموزش الکترونیک موجب بهبود خودمراقبتی و همچنین بهبود میانگین قند خون ناشتا و هموگلوبین گلیکوزیده در بیماران گروه مورد بعد از آموزش گردیده است. که با توجه به منافع این شیوه آموزشی طراحی و به کارگیری آن در فرایند آموزش بیماران توصیه می گردد.

کلید واژه ها: آموزش الکترونیک، دیابت نوع ۲، خود مراقبتی

(S.32SR1) نشست: ۳۲، ارائه: ۱

بررسی تاثیر استفاده از "بیمار استاندارد" بر ارتقای مهارت های گرفتن شرح حال دانشجویان دوره مقدمات

پزشکی بالینی

پژوهشگر: دکتر فرشاد جعفری

استاد راهنما: دکتر مسیح صبوری

دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

مقدمه: استفاده از "بیمار استاندارد -SP" در امر آموزش مهارت گرفتن شرح حال می تواند فرصت کاملاً مناسب و مطمئنی برای دانشجویان باشد تا نحوه ی گرفتن شرح حال و برخورد اولیه با بیمار را فرا گیرند. SP فردی است که می آموزد تا چگونه داستان یک بیمار را بازی کند. این پروژه این فرصت را فراهم می کند تا برای اولین بار تربیت کلاسیک بیمار استاندارد صورت گرفته و برای اولین بار از این روش در آموزش مهارت گرفتن شرح حال برای دانشجویان دوره مقدمات بالینی (سال سوم پزشکی) دانشگاه علوم پزشکی اصفهان استفاده شود. هدف این تحقیق بررسی تاثیر استفاده از بیمار استاندارد بر ارتقای مهارت گرفتن شرح حال دانشجویان دوره مقدمات پزشکی بالینی می باشد. نتایج این پژوهش می تواند باعث بهبود ارائه درس گرفتن شرح حال و معاینه فیزیکی طبیعی دانشجویان دوره مقدمات بالینی، که توسط دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در حال تدوین و تکمیل است شود و یک بانک بیمار استاندارد برای مقاصد آموزشی و ارزیابی در همه سطوح فراهم گردد.

روش: این پروژه یک مطالعه شبه آزمایشی است. ۱۳ نفر از افراد علاقه مند در یک کارگاه آموزشی بیمار استاندارد شرکت نمودند. ۵ نفر از بیماران استاندارد اعتبار لازم برای شرکت در جلسه آموزشی با دانشجویان را کسب نمودند. ۹۵ نفر از دانشجویان دوره مقدمات بالینی به دو گروه تقسیم شدند. گروه کنترل جلسه آموزش گرفتن شرح حال را در گروه های کوچک به صورت سخنرانی و گروه مداخله این جلسه را در گروه های کوچک با استفاده از بیمار استاندارد گذراندند. در پایان این دوره در طی یک آزمون بالینی ساختارمند عینی مهارت گرفتن شرح حال دو گروه مورد ارزیابی قرار گرفت و نمرات دو گروه با یکدیگر مقایسه شد. در طی هر یک از مراحل پروژه بررسی میزان رضایت مندی شرکت کنندگان نیز انجام گردید.

یافته ها: رضایت شرکت کنندگان در کارگاه آموزش و بکارگیری بیمار استاندارد عالی بود و همه ی آنها این کارگاه را برای اجرای برنامه بیمار استاندارد ضروری می دانستند. آزمون ارزیابی عملکرد بیماران استاندارد دارای پایایی $0/79$ بود و روایی SP ها مورد تایید ارزیاب ها قرار گرفت. $86/5\%$ دانشجویان استفاده از بیمار استاندارد را روش بهتری نسبت به سخنرانی می دانستند و خواهان استفاده از SP در تمرینات معاینه فیزیکی نیز بودند. $78/3\%$ دانشجویان موافق بودند که SP ها در ارائه شرح حال مهارت لازم را داشتند. در مقایسه مهارت گرفتن شرح حال در گروه کنترل و مداخله اگر چه تفاوت معناداری در هر یک از سوالات چک لیست مشاهده نشد ولی گروه مداخله به طور معنی داری نمره کل (global rating) بالاتری نسبت به گروه کنترل کسب نمود.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به کاربردهای بیمار استاندارد در امر آموزش و ارزیابی دانشجویان، داشتن یک بانک SP برای دانشگاه های پزشکی لازم است. بیمار استاندارد به عنوان یک روش شبیه سازی در پزشکی، موقعیت مناسبی را برای دانشجویان پزشکی تازه وارد فراهم می آورد تا بتوانند مهارت های گرفتن شرح حال و ارتباط با بیمار را به صورت تجربی فرا گیرند. با توجه به نتایج و نظر سنجی انجام شده در این پروژه، پیشنهاد می گردد از SP در امر آموزش معاینه فیزیکی به دانشجویان دوره مقدماتی بالینی هم استفاده شود.

کلید واژه ها: بیمار استاندارد، بیمار نما، آزمون بالینی ساختار یافته عینی (OSCE) standardized , simulated patient

patient

(S.32SR2) نشست: ۳۲، ارائه: ۲

کیفیت محیط یادگیری دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان از دیدگاه فراگیران بر اساس مدل**DREEM**دکتر محمد مهدی یاقوتی^۱، حمید بخشی^۲، ثمانه چالاک^۳

۱- استاد یار عضو هیات علمی دانشکده دندانپزشکی

۲- عضو هیات علمی مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

۳- دانشجوی دندانپزشکی

مقدمه: محیط یادگیری نقش اساسی در موفقیت آموزشی دانشجویان ایفا می‌نماید براین اساس این مطالعه با هدف تعیین کیفیت محیط یادگیری در دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان از نظر دانشجویان در سال ۱۳۸۷ انجام شده است.

روش: مطالعه حاضر از نوع توصیفی است که با کمک پرسشنامه استاندارد DREEM (دانشگاه دندی) حاوی ۵۰ سؤال در پنج حیطه یادگیری، اساتید، درک دانشجویان از توانایی فرد، فضای آموزشی و درک از شرایط اجتماعی فرد بود. بر روی ۱۰۷ نفر از دانشجویان دوره علوم پایه، کار آموز و کارورز دانشکده دندانپزشکی رفسنجان انجام گرفت. داده‌ها بر اساس دستور العمل پرسشنامه و با نرم افزار SPSS 17 و کاربرد آمار توصیفی و تحلیلی تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: میانگین امتیازات بدست آمده در پنج حیطه از نظر دانشجویان ۹۸/۷۲ از ۲۰۰ بود ($p=0.04$) ($C = 93 / 82 - 103 / 6$) تفاوت نمرات کل بر حسب سال ورودی و دوره تحصیلی و سن از نظر آماری معنی‌دار بود ($P < 0.05$) بطوری که نمرات کل DREEM جنس مؤنث (۹۶) در برابر مذکر (۱۰۳) کمتر بود ($P < 0.05$) و نمرات نظرات دانشجویان بر حسب دوره تحصیلی نشان داد که بیشترین نمره درخصوص دانشجویان کارآموز، و کمترین نمره مربوط به دانشجویان کارورز بوده است ($P < 0.05$). ضمناً بیشترین نمره مربوط به درک خود آکادمیک فضای آموزشی و کمترین نمره مربوط به درک از یادگیری، درک از خود اجتماعی و درک از اساتید بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری: مطالعه حاضر مشخص نمود که درک دانشجویان دندانپزشکی از محیط یادگیری خود در دانشکده منفی است و از محیط یادگیری خود در حیطه درک از یادگیری و درک از اساتید ناراضی و از درک خود آکادمیک رضایت داشتند که توجه اساتید و مسئولین دانشکده به رعایت اصول برنامه‌ریزی آموزشی و ایجاد فضای مناسب و رفع نواقص جهت ارتقا محیط یادگیری دانشجویان ضروری است.

کلیدواژه‌ها: الگوی DREEM، محیط یادگیری، دانشکده دندانپزشکی رفسنجان

(S.32SR3) نشست: ۳۲، ارائه: ۳

بررسی دیدگاه اساتید و کارورزان درمورد وضعیت عرصه آموزش درمانگاهی دوره کارآموزی در بخش‌های بالینی**اصلی دانشگاه علوم پزشکی همدان در سال تحصیلی ۸۷-۸۶**

بیگلرخانی مهدی، معیاری اعظم، بهادر حمید الله، بخشائی محمدحسین

مقدمه: براساس راهبردهای نوین آموزش پزشکی عمومی، آموزش درمانگاهی بخش بسیار مهم از آموزش بالینی است و تأثیری اساسی در کسب توانمندی شغلی پزشکان آینده و رفع نیازهای واقعی موجود در سلامت جامعه دارد. بررسی وضعیت عرصه آموزش درمانگاهی ارائه شده در مقطع کارآموزی به‌ویژه در بخش‌های بالینی اصلی از دیدگاه دوگروه دانشجویان دریافت‌کننده خدمت که حال از قابلیت خوبی برای نظردهی در این مورد برخوردارند و به مقطع بالاتر و کاربردی‌تر یعنی کارورزی رسیده‌اند و اساتید که ارائه‌کنندگان اصلی خدمات و رکن آموزش محسوب می‌شوند؛ و همچنین مقایسه نظرات آنها می‌تواند در تعیین نقاط ضعف و قوت موجود در آموزش بالینی دوره پزشکی عمومی و متعاقباً برنامه‌ریزی‌ها و انجام اصلاحات لازم موثر باشد.

روش: مطالعه از نوع توصیفی مقطعی در کلیه بخش‌های بالینی اصلی دانشگاه علوم پزشکی همدان شامل کودکان، داخلی، زنان و زایمان و جراحی و بر روی کلیه اساتید آنها و کلیه کارورزان دانشگاه که حداقل یک‌ماه از دوره اینترنی یکی از این بخش‌ها را گذرانده بودند، انجام شد



پرسشنامه‌ها در هر یک از دو گروه علاوه بر ۶ سؤال در مورد اطلاعات دموگرافیک شامل ۲۰ سؤال در زمینه رعایت اصول آموزش درمانگاهی جهت هر یک از این چهار بخش بود. اطلاعات پرسشنامه‌های تکمیل شده به SPSS-11 وارد و با استفاده از روش‌های آماری توصیفی ارائه و نتایج با استفاده از آزمون‌های آماری T-test و مجذور کا (خطای آلفای کمتر از ۰/۰۵) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: میزان بازگشت پاسخنامه‌ها در گروه کارورزان ۸۵ درصد بود. تعداد کارورزان پاسخ دهنده ۶۳ نفر و شامل ۶۳/۵ درصد زن و ۳۶/۵ درصد مرد بود. میزان بازگشت پاسخنامه‌ها در گروه اساتید ۷۰ درصد بود. تعداد اساتید پاسخ دهنده شامل ۴۴ درصد زن و ۵۶ درصد مرد بود. میانگین امتیاز نظرات گروه دانشجویان و اساتید در عرصه آموزش درمانگاهی در هر یک از چهار بخش بالینی اصلی از نظر آماری تفاوتی معنادار داشت به گونه‌ای که در گروه اساتید وضعیت آموزشی این عرصه در هر چهار بخش مزبور امتیاز بالایی را به خود اختصاص داده بود و در حالیکه از دیدگاه کارورزان، وضعیت این عرصه در هر چهار بخش مورد نظر از امتیاز پائینی برخوردار بود.

(با $P.V = ۰/۰۰۰$ در بخش کودکان، $P.V = ۰/۰۰۳$ در بخش داخلی، $P.V = ۰/۰۰۰$ در بخش زنان و زایمان و $P.V = ۰/۰۰۰$ در بخش جراحی)

بحث و نتیجه‌گیری: وجود تفاوت معنادار در دیدگاه دو گروه اساتید با کارورزان در مورد وضعیت عرصه آموزش درمانگاهی دوره کارآموزی در مقطع پزشکی عمومی نشانه وجود نقص عمومی در این عرصه در چهار بخش بالینی اصلی می‌باشد و لزوم طراحی و اجرای برنامه‌های اصلاحی لازم را تأیید می‌نماید و بنظر می‌رسد ارتقاء دانش، اصلاح نگرش و توانمندسازی اساتید بالینی در ارائه آموزش درمانگاهی صحیح و بر مبنای اصول نوین پذیرفته شده آموزش در این عرصه و هم‌چنین پایش ارائه آموزش صحیح و مناسب از طریق سیستم آموزش دانشگاه، از راهکارهای مهم ارتقاء کیفیت آموزش بالینی و اصلاح ایرادات موجود در مقطع بالینی دوره پزشکی عمومی باشند.

کلید واژه‌ها: آموزش بالینی، آموزش درمانگاهی، کارآموزی، اساتید، کارورزان

(S.32SR4) نشست: ۳۲، ارائه: ۴

طراحی ابزار ارزشیابی برنامه درسی دوره علوم پایه از نظر استراتژی‌های در هم تنیدگی و مسئله محوری (راهنمایی برای اجرای عملی)

پژوهشگر: وجیهه غلامی رنانی (وفامهر)

استاد راهنما: دکتر علیرضا یوسفی، دانشیار گروه آموزش پزشکی

اساتید مشاور: دکتر طاهره چنگیز، دانشیار گروه آموزش پزشکی، دکتر نیکو یمانی

مقدمه: تا کنون استراتژی‌های آموزشی مختلفی برای یادگیری بهتر دانشجویان پزشکی معرفی شده است. از جمله آنها یادگیری مساله محور و یادگیری در هم تنیده است که دو استراتژی اصلی پیچیده و گسترده در آموزش پزشکی و بخصوص آموزش علوم پایه در پزشکی هستند. در مدل SPICES یادگیری مساله محور و یادگیری در هم تنیده به صورت ۲ پیوستار بیان شده اند. (از یادگیری بر پایه اطلاعات اندوزی تا یادگیری مساله محور/ از یادگیری رشته محور تا یادگیری در هم تنیده) در این مطالعه به تهیه ۲ پرسشنامه به عنوان ابزاری برای ارزشیابی برنامه، بر پایه ۳ پیوستار فوق پرداخته شده است.

روش: این مطالعه توسعه‌ای ۲ فاز داشته است. فاز اول مدل‌سازی مفهومی و تهیه ابزار بود. این فاز از طریق مرور وسیع متون و تشکیل گروه‌های متمرکز از متخصصین انجام گرفت. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه به تایید گروه‌ها رسید. فاز دوم استفاده پایلوت از پرسشنامه‌ها بود. در این فاز، پرسشنامه مساله محوری برای ارزشیابی درس بیولوژی استفاده شد. کلیه دانشجویان ICM که این درس را ۲ ترم قبل به صورت مساله محور گذرانده بودند. این پرسشنامه را تکمیل کردند. پرسشنامه در هم تنیدگی برای ارزشیابی برنامه درسی تئوری دوره علوم پایه در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان استفاده گردید و ۱۱ نفر از اساتید دوره علوم پایه آن را تکمیل نمودند. با استفاده از فراوانی انتخاب گزینه‌ها، موقعیت هر مولفه بر روی پیوستار مشخص گردید. برای بررسی پایایی پرسشنامه از α کرونباخ استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که درس بیولوژی در تمام مولفه‌ها در انتهای سستی پیوستار مساله محوری قرار دارد (نقش دانشجو، نقش معلم، منابع، محتوای آزمون‌ها، نحوه ی نمره دهی، مدیریت زمان، محیط فیزیکی). هم‌چنین برنامه درسی تئوری دوره علوم پایه در تمام جنبه‌ها در سمت چپ پیوستارهای مربوطه قرار داشت. (مدیریت و سازماندهی برنامه، روش‌های یاددهی - یادگیری، منابع، آزمون‌ها، محیط فیزیکی)

بحث و نتیجه‌گیری: بسیاری از دانشکده‌های پزشکی سراسر دنیا یادگیری مساله محور و درهم تنیده را در آموزش خود به کار برده و به بررسی میزان موثر بودن این استراتژی‌ها در یادگیری بهتر پرداخته‌اند. اما کمتر مطالعه به ارزشیابی برنامه درسی بر اساس این استراتژی‌ها پرداخته‌اند. مطالعه حاضر می‌تواند به عنوان راهنمایی برای ارزشیابی برنامه‌های درسی بر مبنای استراتژی‌های آموزش، به کار برده شود.

کلید واژه‌ها: مساله محوری - درهم تنیدگی - ارزشیابی - برنامه درسی

(S.32SR5) نشست: ۳۲، ارائه: ۵

قابلیت تلفیق آموزش اخلاق پزشکی در طول دوره بالینی دانشجویان پزشکی از دیدگاه اعضای هیئت علمی بالینی دانشگاه علوم پزشکی تهران: مطالعه کیفی

پژوهشگر: دکتر محمد رضا یوسفی

اساتید راهنما: دکتر محمد علی محقق، دکتر زهرا السادات مشکانی

مقدمه: آموزش طب و تربیت پزشک در تاریخ بشری سابقه چند هزار ساله دارد و پایه‌های آن بر مبنای اخلاقی استوار است. قسمت قابل توجهی از دوره آموزش پزشکی در محیط بالینی سپری می‌گردد و سیستم رایج آموزش پزشکی بیشتر روی فعالیت‌های حرفه‌ای تأکید دارد. بطوریکه دانشجویان در طول آموزش بالینی، دستخوش تحلیل و کم‌توجهی به موضوعات اخلاق پزشکی می‌شوند. اگر استراتژی‌های آموزشی رایج بر توانایی دانشجویان در تحلیل موقعیت‌های ویژه و چالش بر انگیز اخلاقی که ممکن است دانشجویان در آموزش بالینی با آن مواجه گردند تأکید داشت ما کمتر شاهد ناسازگارهای حرفه‌ای پزشکان بودیم. در حال حاضر آموزش اخلاق پزشکی به صورت درس دو واحدی نظری در مقطع فیزیوتولوژی ارائه می‌گردد. با توجه به اهداف والای آموزش اخلاق پزشکی به نظر می‌آید برنامه کنونی توان لازم را برای تغییر نگرش و رفتار ندارد. از این رو ممکن است رهیافت‌های دیگری در فراگیری اخلاق پزشکی در طول دوره بالینی در برنامه درسی لازم باشد، مورد توجه قرار گیرد. هدف اصلی این مطالعه بررسی ضرورت و امکان ارائه درس اخلاق پزشکی در طول دوره بالینی پزشکی می‌باشد.

روش: این مطالعه به روش کیفی و از رویکرد مطالعه موردی استفاده شده است. شرکت‌کنندگان اعضای هیئت علمی دانشکده پزشکی تهران بودند. نمونه‌گیری بر اساس مبتنی بر هدف می‌باشد. داده‌های مطالعه از طریق مصاحبه عمیق (in depth interview) و بحث گروهی متمرکز (FGD) جمع‌آوری شده است. متن مصاحبه‌های استخراج شده به روش تجزیه و تحلیل محتوا (Text Analysis) مورد تحلیل قرار گرفتند. کدهای مفهومی از آن استخراج و به شش مفهوم اصلی و زیر مفهوم‌های مربوطه دسته‌بندی شدند.

یافته‌ها: نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها در قسمت ضرورت شامل مضمون‌های ضرورت ارائه درس اخلاق پزشکی در طول دوره بالینی، آشنا شدن عملی و کاربردی با موضوعات اخلاق پزشکی، همزمانی آموزش و بکارگیری مباحث اخلاق پزشکی در مواجهه با بیمار، مفید و موثرتر بودن ارائه درس اخلاق پزشکی در طول دوره بالینی، تجربه کردن موضوعات اخلاقی و رفتار اساتید در مدت طولانی‌تر در محیط بالینی، تئوری نبودن بسیاری از مباحث اخلاق پزشکی می‌باشد و در قسمت چالش‌ها آشنایی ناکافی مدرسین با مباحث اخلاق پزشکی و شیوه انتقال آن، مشکلات اجرایی برنامه و نامالایمات و مشکلات سیستم آموزشی، تأثیر خلاء فرهنگی در برنامه‌ریزی، کمبود اساتید مجرب و کارآمد و عامل به اخلاق پزشکی و در قسمت امکان‌پذیری، امکان پذیر بودن ارائه درس اخلاق پزشکی در طول بالینی، آموزش اساتید جهت آشنایی با این مباحث و شیوه انتقال آن به دانشجو، برنامه‌ریزی و تهیه محتوای آموزشی اخلاق پزشکی متناسب با دوره بالینی و فرهنگ، سنت و مذهب خودمان، استفاده از اساتید بالینی واثق و عالم و عامل به اخلاق پزشکی، استفاده از تجربه و عدم استفاده مستقیم از برنامه‌های آماده کشورهای بیگانه می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری: موضوع اخلاق پزشکی جهت حفظ مقام و کرامت انسانی علاوه بر محیط آموزشی و شیوه‌ها و افراد ارائه دهنده آن، با زمینه‌های منحصر به فرد اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و روانشناختی دانشجویان پزشکی ارتباط تنگاتنگ دارد. از این رو یک رویکرد ساده آموزشی به شمار نمی‌آید. ارائه درس اخلاق پزشکی در طول دوره بالینی برای دانشجویان پزشکی با توجه به استمرار آموزشی و انتقال عملی و تجربی در برخورد با موضوعات اخلاق پزشکی با تغییر نگرش و رفتار جهت کاهش ناسازگاری‌های حرفه‌ای امری ضروری بنظر می‌آید و با توجه به پتانسیل‌های موجود از جمله فرهنگ غنی اسلامی و وجود اعضای هیئت علمی مجرب بالینی و آگاه و عامل به موضوعات اخلاق پزشکی و نیز توانمندی سیستم آموزشی و امکانات موجود ارائه درس اخلاق پزشکی در طول دوره بالینی پزشکی امکان‌پذیر خواهد بود.

کلید واژه‌ها: اخلاق پزشکی، ناسازگاری‌های حرفه‌ای پزشکان، آموزش پزشکی

بررسی فرایند یاددهی - یادگیری در درمانگاه‌های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان به منظور پیشنهاد الگوی مناسب تدریس

رویا ملا باشی، فریبا حقانی، دکتر مهرداد معمارزاده

مقدمه: بدنبال تحولات چشمگیر در آموزش پزشکی، آموزش از کلاس‌های درس نظری و بخش‌های بیمارستانی به سمت پزشکی سرپائی و آموزش درمانگاهی گرایش پیدا کرده است. علی‌رغم ایجاد این تغییرات و گسترش آن، این روش نوین با چالش‌های آموزشی متعددی روبروست. با توجه به ارزش و اهمیت آموزش درمانگاهی، مطالعات داخلی و خارجی اندکی در این باره وجود دارد. لذا این مطالعه به منظور «بررسی فرایند یاددهی یادگیری در درمانگاه‌های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان به منظور پیشنهاد الگوی مناسب تدریس» انجام گرفت.

روش: یک مطالعه توصیفی مقطعی در سال تحصیلی ۸۷-۸۶ در درمانگاه‌های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان طی دو مرحله انجام گرفت:

مرحله اول: محیط فیزیکی کلیه درمانگاه‌های آموزشی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان (۳۳ درمانگاه) به روش سرشماری بررسی شد. مرحله دوم: در این مرحله فرایند یاددهی - یادگیری مورد بررسی قرار گرفت. جامعه آماری مرحله دوم کلیه درمانگاه‌های آموزشی بود. جمعیت نمونه را چهار درمانگاه مائور (داخلی، جراحی، زنان و مامایی و کودکان) تشکیل می‌داد که تعداد ۴۵ جلسه آموزشی به روش خوشه‌ای تصادفی انتخاب شدند. روش جمع‌آوری اطلاعات هر دو مرحله مشاهده مستقیم و ابزار جمع‌آوری اطلاعات چک لیستی محقق ساخته بود. چک لیست‌های هر دو مرحله با استفاده از متون علمی مربوط به تدریس و آموزش بالینی با تمرکز بر آموزش سرپائی و آموزش درمانگاهی تهیه و تنظیم شدند. به منظور تأمین روایی، چک لیست‌ها در اختیار جمعی از متخصصان آموزش پزشکی، استاد راهنما و مشاوران بالینی گذاشته شد. کلیه اطلاعات جمع‌آوری شده توسط SPSS ویرایش ۱۰/۵ مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، از آمار توصیفی استفاده شد.

یافته‌ها: بالاترین درصدهای فراوانی به حیطه میزان روشنایی (سیستم برق اضطراری و رنگ روشن دیوارها ۱۰۰٪) و تسهیلات (سیستم خنک کننده ۷۸/۸٪ و چینه‌سندلی‌ها ۸۴/۸٪) اختصاص داشت و پایین‌ترین فراوانی مربوط به وجود دیوارها با عایق صوتی (۰٪) و دسترسی به منابع آموزشی مانند دسترسی به اینترنت و رایانه (۳٪)، دسترسی به کتاب‌های مرجع (۶/۱٪) بود.

با توجه به بررسی مهارت‌های تدریس استاد در مرحله دوم مطالعه، نتایج این مرحله عبارت بود از: در حیطه مهارت‌های پیش از تدریس (تبیین اهداف آموزشی و استفاده از گرم‌کن جهت شروع کلاس) و پس از تدریس (جمع‌بندی مطالب آموزشی و ارائه بازخورد به فراگیران) استادان ضعیف بودند. علی‌رغم این که مهارت استادان در برخی از موارد معاینه و مصاحبه بیماران مانند برقراری «تماس چشمی با بیماران»، «رعایت حریم خصوصی» و «توجه به پوشش مناسب بیماران» در وضعیت عالی قرار داشت، وضعیت آنها در موارد «ارتباط بین آموخته‌های جدید و آموخته‌های قبلی» و برخی از مهارت‌های انجام مصاحبه و معاینه (مانند «توضیح به بیمار درباره نحوه انجام معاینه» و «کسب اجازه برای معاینه بیماران») ضعیف بود. بیشترین منبع مورد استفاده توسط استادان مدارک پزشکی و بیشترین روش تدریس مورد استفاده روش «سخنرانی بر مبنای بیماری» بود.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به اهمیت محیط فیزیکی در فرایند یاددهی - یادگیری و با توجه به ضعف موجود در برخی از حیطه‌های این محیط (به ویژه دسترسی به منابع آموزشی)، لازم است مطالعات گسترده‌ای جهت بررسی و اصلاح وضعیت موجود انجام شود. با توجه به نتایج مرحله دوم مشخص می‌شود که استادان علی‌رغم داشتن وضعیت خوب در قسمتی از حیطه‌های بالینی، در حیطه مهارت‌های تدریس ضعیف و یا متوسط بودند. با توجه به نتایج به‌دست آمده، نیاز است برنامه‌های آموزشی مناسبی در جهت افزایش آگاهی و عملکرد استادان در زمینه مهارت‌های تدریس برگزار شود، همچنین با توجه به اهمیت و ارزش این مطالعه نتیجه‌گیری می‌شود که فرایند یاددهی - یادگیری در جلسات آموزش درمانگاهی نیازمند بررسی‌های مکرر و انجام مطالعات مشابه بیشتری در این زمینه می‌باشد.

کلید واژه‌ها: فرایند یاددهی - یادگیری، آموزش درمانگاهی، پزشکی سرپائی

بررسی توانایی تفکر انتقادی و تصمیم‌گیری بالینی دانشجویان کارآموز و کارورز پرستاری دانشگاه علوم پزشکی کرمان

نویسنده: مریم کریمی نقدر

استاد راهنما: عصمت نوحی

مقدمه: صاحب‌نظران پرستاری معتقدند توانایی تفکر انتقادی پرستاری نقش بسیار مهمی در ارائه مراقبت‌های خاص به هر بیمار دارد. تصمیم‌گیری در رابطه با مراقبت‌های بیمار از نقش‌های مهم پرستاری است و تفکر انتقادی می‌تواند به پرستار برای اتخاذ تصمیم درست کمک کند. هدف اصلی از توسعه تفکر انتقادی در برنامه آموزشی پرستاری افزایش قدرت تصمیم‌گیری مستقل در این حرفه است. هدف از این پژوهش تعیین توانایی تفکر انتقادی و تصمیم‌گیری بالینی دانشجویان کارآموز و کارورز پرستاری دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی کرمان ۱۳۸۷ می‌باشد.

روش: جامعه پژوهش شامل ۵۶۳ نفر دانشجویان پرستاری دانشکده‌های پرستاری و مامایی رازی کرمان، زرنده، بم و جیرفت بود و نمونه پژوهش مشتمل بر ۳۰۰ نفر از دانشجویان سال‌های دوم، سوم و چهارم پرستاری بود. پرسشنامه پژوهش بصورت سرشماری به کل جامعه توزیع و پیگیری شد تا حجم نمونه لازم جمع‌آوری شد.

یافته‌ها: یافته‌های این پژوهش حاکی از آن بود که ۷۳/۷٪ دانشجویان را زنان و میانگین سنی دانشجویان ۲۱/۷۵ سال بود. ۳۴٪ حجم نمونه را دانشجویان سال دوم، ۳۲/۳٪ دانشجویان سال سوم و ۳۲/۷٪ دانشجویان سال چهارم تشکیل می‌دادند. نتایج نشان داد که توانایی تفکر انتقادی دانشجویان ضعیف با میانگین ۵/۴۰ و نمره تصمیم‌گیری بالینی آنان متوسط ۱۲/۲۸ از ۲۰ نمره بود. همچنین نتایج حاکی از آن بود که میان توانایی تفکر انتقادی و متغیر جنسیت با $p=0/015$ ارتباط معنی‌داری داشت و توانایی تفکر مردان از زنان بالاتر بود. همچنین توانایی تصمیم‌گیری بالینی با وجود عدم معنی‌داری در مردان بالاتر از زنان بود. همچنین نتایج حاکی از آن بود که توانایی تصمیم‌گیری بالینی دانشجویان جیرفت بصورت معنی‌داری از دانشجویان کرمان بیشتر بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که میان تصمیم‌گیری بالینی و تفکر انتقادی $p=0/015$ ارتباط معنی‌داری مشاهده نشد. علارغم افزایش میانگین نمره تفکر انتقادی و تصمیم‌گیری بالینی در کارآموزان نسبت به کارورزان ولی این افزایش در حد معنی‌داری نبود. همچنین افرادی که توانایی استنباط بهتری داشتند توانایی ارزشیابی بالاتری نیز داشتند و افرادی که توانایی ارزشیابی بهتری داشتند توانایی تصمیم‌گیری بالینی بالاتری را داشتند.

بحث و نتیجه‌گیری: با وجود اهمیت تفکر انتقادی در پرستاری نتایج پژوهش حاکی از ضعف توانایی تفکر انتقادی دانشجویان و عدم رشد و ارتقا این توانایی در طی دوران چهارساله دانشگاهی بود. همچنین نتایج پرسشنامه تصمیم‌گیری بالینی حاکی از توانایی متوسط دانشجویان در تصمیم‌گیری بود که این توانایی بیشتر مربوط به موارد روتین و شایع بود و چنانچه دانشجویان با مسائل پیچیده مواجه می‌شدند به علت عدم قدرت تصمیم‌گیری از تصمیم‌گیری اجتناب می‌کردند. یافته‌های این پژوهش بر لزوم بازنگری در استراتژی‌های آموزشی فعلی و استفاده بیشتر از استراتژی‌های فعال یادگیری در آموزش نظری و بالینی پرستاری تاکید دارد و نیز استفاده از روش‌های ارائه مراقبت‌های پرستاری به بیماران مطابق با الگوی فرآیند پرستاری که دانش، نگرش، مهارت و انگیزه لازم را برای ایجاد رشد توانایی تفکر انتقادی دانشجویان فراهم می‌سازد را مورد توجه قرار می‌دهد.

کلید واژه‌ها: تفکر انتقادی، تصمیم‌گیری بالینی، دانشجویان پرستاری

استاد راهنما: دکتر علیرضا یوسفی، دانشیار گروه آموزش پزشکی
اساتید مشاور: دکتر طاهره چنگیز، دانشیار گروه آموزش پزشکی

مقدمه: ارزشیابی فراگیران از عملکرد استاد به عنوان یکی از منابع در دسترس برای ارزشیابی استاد، نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی ایفا می‌کند. از طرف دیگر بهبود عملکرد آموزشی اساتید و برنامه‌های رشد هیأت علمی بدون وجود یک سیستم ارزشیابی با فرایندهای واضح، تعریف شده و عادلانه امکان‌پذیر نیست. اما عواملی همچون فقدان ابزار مناسب برای ارزشیابی استاد، نگرش منفی استاد نسبت به ارزشیابی و لحاظ نکردن تفاوت‌های موجود در عرصه‌های مختلف آموزشی در سیستم‌های فعلی ارزشیابی از جمله دلایل عدم موفقیت ارزشیابی در نیل به اهداف خود است. تلاش مطالعه حاضر بر این بوده است که مدلی از ارزشیابی استاد را پیشنهاد نماید که ضمن توجه به عوامل مشکل ساز در ارزشیابی استاد، بتواند اطلاعات مورد نظر برای مقاصد مختلف ارزشیابی را فراهم نماید.

روش: مطالعه کنونی در پنج مرحله طراحی و اجرا گردید. در مرحله اول طرح که به صورت تحقیق و توسعه بود، گزینه‌های ارزشیابی از منابع مختلف داخل و خارج از کشور جمع‌آوری شده و با استفاده از نظر صاحب نظران پالایش اولیه صورت گرفته و به صورت بانک گزینه‌های ارزشیابی حیطه‌بندی شد. در مرحله دوم طی این یک مطالعه توصیفی از ۱۰۱ نفر از اساتید دانشکده‌های مختلف راجع به گزینه‌های نظر خواهی شده و بر اساس نظرات آنان و صاحب نظران، بانک گزینه‌های نهایی بدست آمد. مرحله سوم طرح نیز که تحقیق و توسعه بود، مدل انفرادی سازی ساخت پرسشنامه را ارائه داده و بر اساس گام‌های طراحی شده پیشنهاد ساخت نرم‌افزاری برای تسهیل فرایند انفرادی سازی نمود. مرحله چهارم، اجرای آزمایشی مدل پیشنهادی بوده و مرحله پنجم به صورت یک مطالعه توصیفی طراحی گردید و از ۴۶ نفر از اساتید گروه-های مختلف دانشکده پزشکی که در اجرای آزمایشی شرکت کرده بودند راجع به این مدل نظر خواهی شد. داده‌های مرحله دوم و پنجم با استفاده از نرم افزار SPSS و آمار توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: در مرحله اول پس از پالایش گزینه‌های تدوین شده، بانک گزینه‌ها حاوی ۳۶۱ گزینه ارزشیابی تحت ۱۴ زیر حیطه تدوین گردید و تخصیص گزینه‌ها بر حسب رده‌های مختلف فراگیران و عرصه‌های مختلف تدریس با کمک افراد صاحب نظر صورت گرفت. در مرحله دوم بر اساس نظرات اساتید در مورد بانک گزینه‌های طراحی شده، گزینه‌ها حذف، بازنگری و گزینه‌های جدید اضافه شد و بانک نهایی حاوی ۲۷۱ گزینه ارزشیابی تحت ۱۳ زیر حیطه بدست آمد. در مرحله سوم طرح، مدل پیشنهادی و گام‌های آن ارائه شده و بر اساس نرم افزار انفرادی سازی ارزشیابی طراحی و قابل کاربرد گردید. در مرحله چهارم اجرای آزمایشی طرح با مشارکت اساتید دانشکده پزشکی و با استفاده از نرم افزار طراحی شده با موفقیت انجام گرفت و در مرحله پنجم نظرخواهی از اساتید راجع به مدل پیشنهادی نشان داد که اکثر آنان دید مثبتی نسبت به ارزشیابی با مدل انفرادی سازی داشتند و حیطه مشارکت اساتید در ارزشیابی بالاترین نمره را به خود اختصاص داد.

بحث و نتیجه‌گیری: مدل ارائه شده با فراهم نمودن امکان طراحی پرسشنامه‌ها بر اساس عرصه‌های مختلف تدریس و رده‌های مختلف فراگیران با موفقیت اجرا گردید و اساتید کلاً در مورد مدل انفرادی سازی دیدگاه مثبتی داشتند. این مدل با توجه به اختصاصی کردن ارزشیابی بر حسب عرصه تدریس و رده فراگیران قارد به فراهم نمودن بازخورد های مورد نظر به منظور بهبود برای اساتید است. در ضمن با در نظر گرفتن گزینه های ثابت در هر حیطه و استفاده از سوال باز در مورد اثربخشی کلی تدریس استاد، تا حدی امکان استفاده از این مدل برای مقاصد مدیریتی را فراهم می کند. مطالعات بیشتری توصیه می شود که وزن دهی به گزینه ها و کاربرد بانک گزینه ها در سایر رشته ها و دانشکده ها را مورد بررسی قرار دهد.

کلید واژه‌ها: ارزشیابی، ارزشیابی استاد، بانک گزینه ها، تدریس اثربخش

(S.48SR2) نشست: ۴۸، ارائه: ۲

رهبری در معیارهای آموزشی الگوی بالدریج (۲۰۰۹-۲۰۱۰)

سارا آقابابا^۱، محمدرضا ملکی^۲، فرشته فرزین پور^۳، مریم مرتضوی^۴

- ۱- دانشجوی دکترای مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی
- ۲- دکترای مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی ایران
- ۳- دکترای مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، استادیار دانشگاه علوم پزشکی تهران
- ۴- کارشناس ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی

مقدمه: آموزش عالی به واسطه نقشی که در تربیت نیروی انسانی متخصص و تولید دانش دارد، از اهمیت بالایی در ارتباط با تسریع و تسهیل توسعه کشور برخوردار است. برای این مقصود، ساز و کارهای متعدد ارزیابی جهت سنجش دقیق عملکرد در مؤسسات آموزش عالی نیز گسترش یافته است. پژوهش‌ها حاکی از آنست که بهبود کیفیت منجر به کسب مزایای رقابتی برای سازمان‌ها، از جمله آموزش عالی شده است. در این راستا یکی از الگوهای رایج جهت سنجش عملکرد سازمان‌های آموزشی استفاده از معیارهای آموزشی بالدریج است که هدف از این مقاله معرفی اصول و معیارهای آن با تمرکز بر معیار رهبری بر اساس نسخه سال ۲۰۰۹-۲۰۱۰ بوده است.

روش: مطالعه حاضر از نوع مروری است. به منظور گردآوری داده‌ها کتب، پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها، طرحهای پژوهشی، مقالات ژورنال‌ها و نسخه ۲۰۰۹-۲۰۱۰ الگوی بالدریج از طریق جستجو در اینترنت مورد استفاده قرار گرفت.

بحث و نتیجه‌گیری: بکارگیری معیارهای بالدریج منجر به بهبود مستمر کیفیت در مؤسسات آموزش عالی بویژه دانشگاه‌ها گردیده است. نظر به آنکه در الگو بیشینه امتیازات به معیار رهبری اختصاص یافته است، بنابراین استفاده از این معیارها گامی در جهت خودارزیابی و تعالی سازمان بواسطه رهبران آنها خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: رهبری، الگوی بالدریج، ارزیابی عملکرد، آموزش عالی

(S.48SR3) نشست: ۴۸، ارائه: ۳

ارزیابی نیازهای دندانپزشکان استان کرمان در مورد محتوای آموزشی برنامه آموزش مداوم در سال ۸۷

محمد علی نظریان، نادر نوابی، مریم راد

Introduction: Continuous dental education (CDE) program is recognized as a necessary measure for promoting and maintaining the level of knowledge and skill of dental students graduates. Assessing educational need and prioritizing them, is the first step of CDE course planning, the aim of this study was to determine the opinion of general dental practitioners ' (GDPs) and faculty members view points about the contents concordance with demands and different aspects of these programs.

Method and materials: This qualitative study used focus groups of Kerman GDPs and members of the dentistry faculty. After reaching a saturation point of data collected the next step was to transcript the entire discussions and content analysis by coding and categorizing the data.

Results: The most CDE learning needs of GDPs were: operative dentistry, root canal therapy and dental prosthesis. Almost our entire sample group stated workshops to be the best form of CDE and participants believed applied topics, consideration to select the subjects with accuracy, to set appropriate time for each topic and to take advantage of need assessment to select the future subjects.

Conclusion: The results of this research indicate that, in Iran, CDE goals have a great distance before they can be achieved; and for the purpose of improving the quality, effectiveness and impact of such programs, certain changes have to be made.

Keywords: Qualitative, need assessment, continuing education, dentists.

(S.48SR4) نشست: ۴۸، ارائه: ۴

جایگاه مشارکتهای دانشجویی در رهبری و سیاست‌گذاری آموزش پزشکی

هومن یزدچی

دانشجوی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز، مرکز مطالعات و توسعه‌ی آموزش علوم پزشکی، دفتر استعدادهای درخشان

مقدمه: یک مدیریت توانمند در بستری علمی و مطابق با متدهای نوین مدیریتی، می‌بایست از تمام پتانسیل‌های موجود در راستای رهبری مطلوب بهره گرفته و از نظرات و مشارکتهای مختلف استفاده نماید. در مدیریت آموزشی دانشگاهی، ضرورت مشارکت دانشجویان بعنوان مشتریان اصلی سیستم آموزشی، جداً حس می‌گردد و این امر اثر قابل توجهی در راستای تعالی نظام آموزشی علی‌الخصوص آموزش پزشکی که هم اکنون با مشکلاتی روبروست، خواهد داشت.

دانشجویان که با سیستم آموزشی و محصولات آن در تماس مستقیم می‌باشند بهترین افراد جهت ارزیابی دقیق سیستم به شمار می‌آیند. در این راستا می‌بایستی در سطح وزارت، جایگاه دقیق و تعریف شده‌ای برای فعالیت‌ها و مشارکتهای دانشجویی طراحی و تبیین شده و این امر به فرایندی نهادینه و اجرایی تبدیل گردد.

سایر محورهای مورد بحث:

- ایجاد انگیزه‌ی مشارکت بین دانشجویان و توانمندسازی ایشان در مهارت‌های مدیریتی
- اعتماد به دانشجویان و نیروهای جوان در اخذ مشاوری سیاست‌گذاری و اجرایی
- ارائه‌ی گزارشی مختصر از فعالیت‌های آموزشی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز و نیز همایش دانشجویی

آسیب شناسی آموزش پزشکی عمومی

ایجاد دو تشکل دانشجویی تحت عناوین شورای مشاورین جوان و کمیته‌ی دانشجویی پژوهش در آموزش مرکز مطالعات و توسعه‌ی آموزش علوم پزشکی تبریز فضایی جهت مشارکتهای موثر دانشجویی در رهبری آموزشی فراهم ساخته است.

برگزاری همایش دانشجویی آسیب شناسی آموزش پزشکی عمومی مورخه‌ی ۱۵ اسفند ۸۸ با حضور معاونت آموزشی وزارت بهداشت، از جمله فعالیت‌های دانشجویی قابل ذکر می‌باشد.

که پس از میزگرد دانشجویی، جناب آقای دکتر محقق بر ضرورت حضور دانشجویان در عرصه‌های مدیریتی آموزشی تاکید کردند و مسائل مطرح شده در میزگرد را در خور توجه و قابل استفاده دانستند.

در پایان با توجه به عناوین بحث به شرح فوق، به اقتضای زمان، با پایه‌ی علمی و در حد امکان با اشاره به روشهای مدیریتی نوین، جایگاه مشارکتهای دانشجویی تبیین گردیده و راهکارهای مدنظر در این راستا مطرح خواهند گردید.

خلاصه مقالاتی که صرفاً در کتابچه درج می‌شوند

تاثیر بازاندیشی در شناخت خطای پزشکی

نعمت بیلان*

* استاد علوم پزشکی تبریز - تبریز خیابان ششگلان بیمارستان کودکان bilan@tbzmed.ac.ir

مقدمه: خطای طبی در هر حال و در همه جا در کمین تولید کنندگان خدمات بهداشتی، درمانی بوده، لذا شناخت چهرهای مختلف آن برای دانشجویان پزشکی جهت اجتناب از پیدایش آن نقش حیاتی خواهد داشت.

روش: از دانشجویان خواسته میشود تا براساس کارگاه یک روزه ای که در ابتدای دوره در ارتباط با خطاهای طبی (Medical Error) گذرانده اند، در طول دوره آنچه را که از Medical Error مشاهده میکنند، یادداشت و آن را در طول دوره و پایان دوره ارائه نمایند. در طی یک دوره سه ماهه اکسترنی دانشجویان با موارد متعددی از خطاهای طبی در بخش ها، کشیکها، گزارش های صبحگاهی آشنا شده و آنرا گزارش می نمایند.

یافته ها: در یک دوره هر دانشجو حداقل ۱۰ مورد خطا در سطوح مختلف را یادداشت و ارائه نمود که در مواردی یکسان و در مواردی نیز کاملاً انحصاری بود.

بحث و نتیجه گیری: بازاندیشی میتواند ابزاری معتبر برای شناخت چهرهای مختلف خطاهای طبی بوده و دانشجویان را برای پرهیز از آن ترغیب نماید.

کلیدواژه ها: بازاندیشی، خطاهای طبی

(NP2)

بررسی نگرش دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان در مورد کیفیت آموزشی درس

عفونی

نازنین ضیاء شیخ الاسلامی^۱، مهرداد فرخ نیا^۲* ۱- استادیار دانشگاه علوم پزشکی قم - قم خیابان معلم ۲ crcdc_research@yahoo.com

۲- استادیار دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان - رفسنجان بلوار امام علی

مقدمه: حساسیت امر آموزش و توجه به فرآیندهای آموزشی در دانشگاهها، ضرورت ارزشیابی را که بهبود کیفیت آموزش و در نهایت بهبود کارایی و اثر بخشی سیستم آموزشی کشور را به دنبال خواهد داشت، مورد تاکید قرار داده است از جمله نتایج ارزشیابی از دانشجویان است. تا کنون مطالعه ای در مورد ارزشیابی بخش عفونی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان با استفاده از نظرات دانشجویان انجام نگرفته است لذا بر آن شدیم تا این مطالعه را انجام دهیم.

روش: مطالعه توصیفی بوده و جمعیت مورد بررسی (۴۴ نفر از دانشجویان پزشکی رفسنجان تشکیل میدادند پرسشنامه مورد استفاده در این مطالعه بر اساس منابع معتبر تهیه و در این مورد با اساتید رشته عفونی مشاوره شده است و تلاش لازم بعمل آمده تا با استفاده از روایی محتوا مهمترین سؤالات مربوطه در آن لحاظ گردد. برای سنجش پایایی پرسشنامه، ابتدا پرسشنامه توسط ۱۰ نفر از جمعیت هدف تکمیل و یک هفته بعد آن ۱۰ نفر مجدداً پرسشنامه را تکمیل کردند. سپس با محاسبه الفبای کرونباخ بار دیگر پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت. پرسشنامه مشتمل بر ۲۳ سوال بود. هر سوال ۵ گزینه الف: بسیار زیاد، ب: زیاد، ج: متوسط، د: کم، ه: بسیار کم داشت. کلیه پرسشنامه ها وارد نرم افزار SPSS شده و با استفاده از روش های آمار توصیفی و تحلیلی (ورژن ۱۶) مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. کلیه اطلاعات محرمانه بود.

یافته ها: جمعا ۴۴ نفر (۱۲ نفر و ۳۲ نفر زن) مورد بررسی قرار گرفتند. * اکثریت افراد شرکت کننده اثر بخشی مباحث مطرح شده در گزارش صبحگاهی داخلی را برای یادگیری دانشجویان متوسط ارزیابی کردند * به نظر اکثریت افراد شرکت کننده میزان یادگیری دانشجویان بخش عفونی از ویزیت بیماران بستری متوسط ارزیابی شده است. * به نظر اکثریت افراد شرکت کننده میزان استفاده دانشجویان بخش عفونی از بیماران درمانگاه سر پایی (در صورت وجود) بسیار زیاد می باشد * اکثریت افراد شرکت کننده نحوه تدریس اساتید را بخش عفونی متوسط ارزیابی کردند. * اکثریت افراد شرکت کننده رضایت زیاد از نحوه تدریس اساتید در تئوری عفونی داشتند.

* اکثریت افراد شرکت کننده معتقد بودند که اساتید عفونی بطور زیادی از وسائل سمعی و بصری استفاده کرده اند. * بنظر اکثریت افراد فضای فیزیکی کلاسهای تئوری عفونی مناسب نبوده است و گزینه کم را انتخاب کرده بودند. * اکثریت معتقد بودند که زمان برگزاری کلاس بطور زیادی مناسب بوده است و اساتید عفونی وقت بسیار زیادی برای پاسخ دهی به سؤالات دانشجویان در کلاسهای تئوری و در بخش عفونی گذاشته اند. * بنظر اکثریت افراد برخورد های اساتید عفونی با دانشجویان به طور زیادی احترام آمیز بوده است. * اکثریت افراد معتقد بودند برگزاری کنفرانس هفتگی بیمارستان تا حد متوسطی می تواند در یادگیری دانشجویان عفونی موثر باشد. * بنظر اکثریت افراد برگزاری گراندها و راندها هفتگی در بخش در یادگیری دانشجویان عفونی ارزش کمی دارد. * اکثریت افراد ارزش برگزاری ژورنال کلاب را در یادگیری دانشجویان عفونی متوسط ارزیابی کردند. (لازم به ذکر است که فعلا ژورنال کلاب برگزار نمی شود). * اکثریت افراد کفایت تعداد بیماران بستری در بخش عفونی را برای یادگیری دانشجویان عفونی متوسط ارزیابی کردند. * اکثریت افراد از نظر معاینه بیماران تنوع بیماران بستری در بخش عفونی را برای یادگیری دانشجویان عفونی متوسط ارزیابی کردند. * اکثریت افراد بطور مستقل زیر نظر اساتید در بخش را متوسط ارزیابی کردند. * اکثریت افراد معتقد بودند که در اورژانس بطور کمی بیماران را بطور مستقل زیر نظر اساتید معاینه کردند. * اکثریت افراد اساتید عفونی در بخش عفونی وقت کافی و زیادی برای دانشجویان گذاشته اند. * اکثریت افراد معتقد بودند که حضور و غیاب تا حد متوسطی می تواند در یادگیری دانشجویان عفونی موثر باشد.

بحث و نتیجه گیری: همچنان که ملاحظه می شود عدم وجود درمانگاه عفونی یکی از معایب آموزشی در بخش عفونی محسوب می شود و حتما باید تشکیل گردد. - اکثریت افراد شرکت کننده نحوه تدریس اساتید را بخش عفونی متوسط ارزیابی کردند که به نظر می رسد برای ارتقاء تدریس اساتید نظرات جزئی تر دانشجویان راجع به تک تک اساتید گرفته شود و در گروه عفونی در این مورد تبادل نظر شود و همچنین اکثرا فضای فیزیکی کلاسهای تئوری عفونی را مناسب ندانسته اند که بهتر است در این مورد با مسئولین بیمارستان صحبت شود یا کلاس به دانشکده پزشکی که فضای بهتری دارد منتقل شود. - اکثریت افراد شرکت کننده کفایت تعداد بیماران بستری در بخش عفونی را برای یادگیری دانشجویان عفونی متوسط ارزیابی کردند که برای بهبود این وضعیت بهتر است ضمن فعال کردن درمانگاه سرپایی اساتید عفونی در تدریس به کارآموزان عفونی ساعات بیشتری را به ویزیت بیماران درمانگاه اسکرین اورژانس اختصاص دهند و همچنین اکثرا از نظر معاینه بیماران بطور مستقل زیر نظر اساتید آموزش در بخش را متوسط ارزیابی کردند و همچنین اکثریت افراد شرکت کننده معتقد بودند که در اورژانس بطور کمی بیماران را بطور مستقل زیر نظر اساتید معاینه کرده اند، لذا به نظر می رسد اساتید عفونی در تدریس به کارآموزان عفونی ساعات بیشتری را به ویزیت بیماران در بخش اورژانس بیمارستان اختصاص دهند و از بازگو کردن مباحث تئوریک پرهیز کنند که قرار شده است در برنامه ریزی بعدی کارآموزان در بخش عفونی مسائل مطروحه در بالا لحاظ گردد.

کلیدواژه ها: رفسنجان، دانشجوی پزشکی، آموزش، عفونی

(NP3)

نظر خواهی از اساتید بالینی در مورد ادغام برخی مطالب پایه در دوره بالینی

زهرای بیگم موسوی*

*دانشیار دانشگاه علوم پزشکی اهواز - اهواز بیمارستان امام خمینی - بخش پوست moosavi.za@gmail.com

مقدمه: واژه integration یا ادغام به مفهوم در کنار هم گذاشتن اجزای یک کل و ساختن تصویری منسجم از آن مجموعه است. این واژه در آموزش پزشکی برای بیان یکی از استراتژی های مهم بکار رفت. و آن عمق بخشیدن به فراگیری در اثر در کنار هم قرار دادن موضوعات مختلف حول یک سیستم ارگان و یا شکایت بود به این ترتیب که مثلا "در یک بلوک زمانی مطالب مربوط به جنین شناسی، بافت شناسی، ژنتیک، بیوشیمی، میکرو بیولوژی، فیزیولوژی و آناتومی دستگاه قلب و عروق به دانشجویان ارائه گردد. ادغام میتواند عمودی یا افقی و یا ترکیبی از هر دو تحت عنوان ماریچی باشد. هر چند این استراتژی در کوریکولوم های دنیا آنچنان جا افتاده که به آن به چشم یک حقیقت (fact) مینگرند، اما ما بر آن شدیم تا نظر اساتید بالینی را در مورد مفاهیم آن بدون آنکه نامی از "ادغام" برده باشیم بررسی نماییم.

روش: پرسشنامه‌هایی شامل هشت سوال طراحی شد. این سوالات به ارائه برخی مطالب پایه در بالین و برخی مطالب بلینی در پایه اشاره داشت. این پرسشنامه‌ها به گروه‌های پایه ارسال شد. پس از جمع آوری اطلاعات با برنامه SPSS-17 بررسی شد.

یافته‌ها: نه گروه به سوالات پاسخ دادند. سوالات مربوط به استفاده از مطالب پایه در بالین بین ۷۰ تا ۱۰۰٪ پاسخ موافق و کاملاً موافق دادند. در مورد تدریس مطالب فوق توسط اساتید پایه ۲۲٪ مخالف بودند. در مورد اینکه برخی نکات کلیدی بالینی در پایه مطرح شود ۷۸٪ موافق و یا کاملاً موافق بودند.

بحث و نتیجه گیری: به نظر می‌رسد مفهوم ادغام برای اکثر اساتید مورد پذیرش می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: ادغام، اهواز، نظر خواهی

(NP4)

آموزش درمانگاهی: نگاهی به واقعیت‌ها، کاستی‌ها و مشکلات موجود از دیدگاه کارورزان دانشکده پزشکی کرمانشاه در سال ۸۸-۸۷

یزدان حمزوی*، علی محمد احمدی

* کرمانشاه، بلوار شهید شیرودی، خیابان دانشگاه، دانشکده پزشکی، کد پستی ۶۷۱۴۸۶۹۹۱۴ yhamzavi@gmail.com

مقدمه: آموزش طب سربایی از مهمترین بخشهای آموزش پزشکی است که به همین دلیل یکی از بیشترین وزنها را در رتبه بندی آموزشی دانشکده های پزشکی دارد. این بخش از آموزش به علت ارتباط عمیق با آینده کاری پزشکان نیاز به توجه خاصی دارد. هدف از این مطالعه که برای اولین بار در این دانشکده انجام شده، شناسایی دقیق تر واقعیات، کاستی‌ها و مشکلات آموزش درمانگاهی از دیدگاه کارورزان رشته پزشکی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه در سال ۸۸-۸۷ می‌باشد.

روش: این مطالعه به روش توصیفی - مقطعی انجام گرفت. جامعه مورد مطالعه دانشجویان ترم آخر و در حال تسویه رشته پزشکی عمومی (اینترنت) دانشکده پزشکی کرمانشاه بودند. افراد با نمونه گیری آسان مبتنی بر دسترسی وارد مطالعه شدند. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه ای پایا و روا حاوی ۲۹ سؤال در مورد متغیرهای زمینه ای و آموزشی درمانگاهی بود. اطلاعات جمع آوری شده توسط نرم افزار SPSS و با استفاده از آمار توصیفی و تحلیلی آنالیز گردیدند.

یافته‌ها: بر اساس نظرات ۵۴ نفر از اینترنت های شرکت کننده در پژوهش مشخص شد که مشکلات و نارسایی های مهمی از جمله: عدم وجود ویزیت مستقل توسط کارورزان، نواقصی در آموزش مهارت نسخه نویسی، عدم وجود زمان کافی برای management بیماران و تشخیص و plan درمانی و ... وجود دارند که ناخواسته تاثیر نامطلوبی بر یادگیری و نگرش کارورزان از آموزش درمانگاهی داشته اند.

بحث و نتیجه گیری: بنابر نتایج به دست آمده از این تحقیق می‌توان گفت که غالب پزشکان جوانی که در شرف ورود به عرصه واقعی کار و پذیرش مسئولیت حساس و خطیر پزشکی عمومی هستند در خصوص میزان آموخته های خود در آموزش درمانگاهی رضایت مطلوبی ندارند. لذا به منظور رفع مشکلات، دغدغه ها و نگرانی های کارورزان در این تحقیق، پیشنهاداتی در جهت برنامه ریزی هدفمند و نظارت بیشتر بر امر آموزش درمانگاهی به عنوان یک ضرورت فوری مورد توجه قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: آموزش درمانگاهی، دانشجویان پزشکی، کرمانشاه

(NP5)

بررسی وضعیت مطلوب و موجود برنامه آموزش بالینی پرستاری

حسین کریمی موتقی^۱، فاطمه زوبین^۲، سید رضا مظلوم^۳، اکبر درخشان^۴

* ۱- استادیار دانشگاه علوم پزشکی مشهد - دانشگاه علوم پزشکی مشهد - مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

- ۲- مربی دانشگاه علوم پزشکی مشهد - مشهد - بیمارستان قائم (عج)
۳- مربی دانشگاه علوم پزشکی مشهد - دانشگاه علوم پزشکی مشهد - دانشکده پرستاری و مامایی
۴- دانشیار دانشگاه علوم پزشکی مشهد - مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد - گروه چشم پزشکی

مقدمه: علی رغم این که برنامه ریزان آموزش پرستاری، اصلی ترین بخش در آموزش پرستاری را آموزش بالینی می دانند، نتایج تحقیقات پژوهشگران پرستاری نشان داده است که کیفیت آموزش بالینی مطلوب نبوده و نارسایی هایی وجود دارد. بررسی و ارزیابی وضعیت مطلوب و موجود برنامه آموزش بالینی می تواند جهت بهبود کیفیت برنامه آموزش بالینی پرستاری و نتایج متعاقب آن راه گشا باشد.

روش: هدف این مطالعه توصیفی- مقطعی، تعیین وضعیت مطلوب و موجود برنامه آموزش بالینی رشته پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی مشهد بود. جامعه پژوهش مدرسان بالینی و دانشجویان کارشناسی پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی مشهد و نیز سرپرستاران بیمارستان های آموزشی بودند که به روش سرشماری وارد پژوهش گردیدند. جهت جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه پژوهشگر ساخته استفاده گردید. به منظور تهیه پرسشنامه، پس از تعیین معیارهای مطلوب آموزش بالینی از طریق مطالعه منابع، متون و... اقدام به برگزاری شش جلسه گروه متمرکز با حضور اساتید، دانشجویان و سرپرستاران گردید تا متغیرهای هر یک از معیارها تعیین شود. سپس با توجه به مطالعات انجام شده و متن مصاحبه ها، ۲۱۱ گویه استخراج شد و در قالب سه پرسشنامه جهت مدرسان بالینی (با ۵ معیار و ۸۱ گویه)، دانشجویان (با ۵ معیار و ۶۰ گویه) و سرپرستاران (با ۴ معیار و ۶۱ گویه) آماده گردیدند. پس از تعیین روایی پرسشنامه ها توسط شرکت کنندگان و افراد صاحب نظر و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، پرسشنامه ها در پایان نیمسال تحصیلی توسط واجدین معیارهای ورود به مطالعه تکمیل شد. سپس داده ها وارد کامپیوتر شده و با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون های آماری مناسب تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: نتایج پژوهش نشان داد که وضعیت موجود برنامه آموزش بالینی پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی مشهد در مورد ۶ معیار از ۷ معیار مطلوب تعیین شده یعنی: شفافیت جایگاه و اهمیت آموزش بالینی، طرح و برنامه درسی بالینی مدون و جامع، دانشجوی کارآمد، شرایط و امکانات مناسب محیط بالینی، تعاملات بین فردی موثر در محیط بالین و تعامل متقابل دانشکده و بالین در سطح «نسبتا مطلوب» قرار دارد. معیار دیگر یعنی «مدرس بالینی متبحر» از نظر سرپرستاران در «سطح مطلوب» و از نظر دانشجویان در سطح «نسبتا مطلوب» قرار گرفت.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به این که سطح مطلوبیت بیشتر معیارهای مطلوب آموزش بالینی پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی مشهد، «نسبتا مطلوب» بدست آمد، با تقویت جنبه های مثبت و اصلاح نقایص و نقاط ضعف، می توان گامی موثر در راستای ارتقای کیفیت برنامه آموزش بالینی پرستاری و رسیدن به سطح مطلوب برداشت.

کلیدواژه ها: وضعیت موجود، وضعیت مطلوب، برنامه آموزش بالینی، رشته پرستاری.

(NP6)

بررسی عوامل موثر جهت افزایش روحیه آموزشی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی لرستان

محمد زیبایی^۱، علی خسروبیگی^۲، علی محمدی^۳

* ۱- استادیار دانشگاه علوم پزشکی لرستان - لرستان، مجتمع دانشگاهی پردیس (کمالون)، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، دانشکده

- پزشکی، گروه انگل شناسی و قارچ شناسی، کد پستی: ۳۸۱۳۵۱۶۹۸: zibaeim@sums.ac.ir
- ۲- استادیار دانشگاه علوم پزشکی لرستان - لرستان، مجتمع دانشگاهی پردیس (کمالون)، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، دانشکده پزشکی، گروه بیوشیمی، کد پستی: ۳۸۱۳۵۱۶۹۸: khosrowbeygi@yahoo.com
- ۳- مربی دانشگاه علوم پزشکی لرستان - لرستان، مجتمع دانشگاهی پردیس (کمالون)، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، دانشکده پزشکی، گروه مدارک پزشکی، کد پستی: ۳۸۱۳۵۱۶۹۸: ali_him57@yahoo.com

مقدمه: آموزش فرایند پیچیده ای می باشد که عوامل و متغیرهای فراوانی می توانند بر روی آن موثر باشند. ویژگی هایی نظیر استاد، امکانات آموزشی، رفاهی و غیره می توانند تاثیر زیادی در فرایند یادگیری داشته باشند. این مطالعه به منظور بررسی نظر دانشجویان در خصوص وجود نقش اساتید، امکانات علمی، امکانات مادی و معنوی و سایر فاکتورها در ایجاد تحول روحیه آموزشی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی لرستان در سال ۱۳۸۸ انجام گرفته است.

روش: در این تحقیق که به روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است، تعداد ۲۲۰ نفر از دانشجویان رشته های پزشکی، علوم آزمایشگاهی، پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی لرستان انتخاب گردیدند. ابزار جمع آوری داده ها، پرسشنامه هایی مشتمل بر ۳۳ سوال بود که توسط دانشجویان تکمیل گردیده سپس با استفاده از نرم افزار SPSS و بصورت میانگین، انحراف معیار با آزمون t -test و ANOVA مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: نتایج بررسی حاضر نشان داد که از میان فاکتورهای موثر جهت بالا بردن روحیه آموزشی و یادگیری نزد دانشجویان، اولویت اول اختصاص به امکانات رفاهی دانشگاه (خوابگاه، تغذیه، سالن مطالعه) داشته سپس نقش استاد (روش تدریس، تسلط در درس، فعالیت های پژوهشی ارائه شده)، فاکتورهای اقتصادی - اجتماعی خانواده (سطح تحصیلات والدین، برادران و خواهران، وضعیت اقتصادی) و در نهایت وسایل کمک آموزشی (منابع کتابخانه ای، آزمایشگاهی و اینترنتی) را به ترتیب مهمترین عوامل موثر دانسته اند.

بحث و نتیجه گیری: با در نظر گرفتن یافته های مطالعه، به باور دانشجویان برای ایجاد انگیزه آموزشی و پیشبرد امر یادگیری نیاز به رفع کمبود امکانات رفاهی، توجه به ویژگیهای اساتید در بکارگیری آنان در مقاطع تحصیلی مختلف، عوامل اقتصادی - اجتماعی و همچنین برطرف کردن نقص در اطلاع رسانی می تواند متضمن بهبود کیفیت در حیطه آموزش باشد.

کلیدواژه ها: آموزش، عوامل موثر، روحیه، دانشگاه علوم پزشکی لرستان

(NP7)

دیدگاه و عملکرد مدرسین برنامه های آموزش مداوم پزشکی تبریز در مورد اصول یادگیری بزرگسالان در سال

۱۳۸۸

- مهدی امیرنیا^۱، فائزه محمدی^۲، مهستی علیزاده^۳، چنگیز قلیپور^۴، مرتضی قوجازاد^۵
- * ۱- استادیار علوم پزشکی تبریز - اداره آموزش مداوم MEHAMIR46@G Mail.com
- ۲- کارشناس ارشد مامائی علوم پزشکی تبریز - اداره آموزش مداوم faezehmohammadi90@yahoo.com
- ۳- دانشیار علوم پزشکی تبریز - اداره آموزش مداوم alizadm@yahoo.com
- ۴- دانشیار علوم پزشکی تبریز - معاونت آموزشی C-gholipour@yahoo.com
- ۵- استادیار علوم پزشکی تبریز - اداره آموزش مداوم as4007@yahoo.com

مقدمه: در تحقیقات متعدد بر اهمیت روشهای تدریس و لزوم بازنگری شیوه های اجرای برنامه های آموزش مداوم تاکید شده است. بر اساس اصول نظری، یادگیری بزرگسالان فرایندی خودراهبر، هدف مدار، مبتنی بر تجربه فراگیر و مساله محور بوده و علاوه بر این بایستی بر اساس محدودیت های سنی و مراحل رشد و تکامل فردی و انتخاب فراگیران باشد. از این رو توجه مدرسین به اصول یادگیری بزرگسالان و انتخاب روش تدریس مناسب میتواند زمینه را برای تحقق یادگیری و اثر بخشی برنامه های آموزش مداوم فراهم آورد. این مطالعه با هدف تعیین دیدگاه مدرسین برنامه های آموزش مداوم تبریز در زمینه اصول یادگیری بزرگسالان و ارزیابی عملکرد آنان در تدریس انجام گرفت.

روش: در یک مطالعه توصیفی تحلیلی، باتوجه به تقویم برنامه های آموزش مداوم، ۷۵ نفر از مدرسین گروههای مختلف پزشکی، مورد ارزیابی قرار گرفتند. ابزار گرد آوری اطلاعات، پرسشنامه ای شامل ۲۰ سوال در رابطه با اهداف مطالعه و بر اساس مقیاس ۵ درجه ای لیکرت (از بسیار کم نمره ۱ تا بسیار زیاد نمره ۵) بوده و فرم مشاهده تأیید شده ساختار روش تدریس برنامه های آموزش مداوم شامل ۱۵ سوال در مورد روش تدریس به بزرگسالان، جهت ارزیابی عملکرد مدرسین مورد استفاده قرار گرفت. در تمامی برنامه های آموزش مداوم سعی شد پرسشنامه توسط مدرسین تکمیل شده و شیوه تدریس با فرم مشاهده توسط پژوهشگر ارزیابی شود. روائی ابزار از طریق روائی محتوا و پایائی به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۵ تعیین گردید. اطلاعات بدست آمده با استفاده از SPSS 15 و آزمون همبستگی پیرسون تجزیه و تحلیل گردید.

یافته ها: میانگین نمره دیدگاه شرکت کنندگان $7/93 \pm 28/87$ بود. میانگین امتیاز دیدگاه مدرسین در زمینه اهمیت مشخص بودن هدف از تدریس و کاربرد آن در زمینه شغلی $1/84 \pm 17/75$ ، میانگین امتیاز اهمیت مشارکت فراگیران در یادگیری $2/37 \pm 16/44$ ، میانگین امتیاز اهمیت انتخاب شیوه تدریس مناسب $2/50 \pm 21/52$ و میانگین امتیاز اهمیت خصوصیات فردی و شرایط سنی بزرگسالان $2/81 \pm 31/77$ بود. میانگین نمره عملکرد مشاهده شده مدرسین $3/04 \pm 9/02$ (از حداکثر نمره ۲۲ و بالاتر) بود. کلیه مدرسینی که مورد مشاهده قرار گرفتند، از روش سخنرانی و ۱۶/۷ درصد از سوال و جواب نیز استفاده کردند. ۶۳/۶ درصد اصلاً حضار را در بحث مشارکت ندادند. ارتباط آماری معنی داری بین دیدگاه و عملکرد مدرسین با رشته تحصیلی، جنس، سن و سابقه کار بدست نیامد. ارتباط آماری معنی داری بین دیدگاه مدرس در مورد اهمیت مشارکت فراگیران در یادگیری و عملکرد مشاهده شده وی در مورد مشارکت دادن فراگیران در بحث ها وجود داشت ($r = 0/57$ و $p = 0/001$). ارتباط آماری معنی داری بین عملکرد مشاهده شده مدرسین با دیدگاه آنها در زمینه اهمیت مشخص بودن هدف از تدریس و کاربرد آن در زمینه شغلی ($r = 0/33$ و $p = 0/11$) و اهمیت مشارکت فراگیران در یادگیری ($r = 0/19$ و $p = 0/26$) و با اهمیت انتخاب شیوه تدریس مناسب ($r = 0/16$ و $p = 0/29$) وجود نداشت. این ارتباط بین عملکرد با اهمیت خصوصیات فردی و شرایط سنی بزرگسالان معنی دار و منفی بود ($r = -0/81$ و $p = 0/04$).

بحث و نتیجه گیری: به نظر میرسد با توجه به میانگین نمرات دیدگاه و عملکرد مدرسین وعدم همخوانی که بین دیدگاه و عملکرد در مورد روشهای استفاده شده در اکثر موارد وجود دارد، آمادگی لازم در مدرسین به منظور تغییر عملکرد و آموزش استفاده از شیوه های مشارکتی و مساله محور وجود دارد.

کلیدواژه ها: دیدگاه، عملکرد، مدرس، برنامه آموزش مداوم پزشکی، اصول یادگیری بزرگسالان

(NP8)

دیدگاه اساتید در مورد اهمیت سؤالات پرسشنامه ارزشیابی کیفیت تدریس

صدیقه جوادپور^۱، سمیره عابدینی^۲، تیمور آقاملایی^۳

* ۱- استادیار دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان- دانشکده پزشکی - دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان- دانشکده پزشکی

sadatja@yahoo.com

۲- مربی، هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان - دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

۳- دانشیار دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان - دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان

مقدمه: حساسیت امر آموزشی و توجه به فرآیندهای آموزشی در دانشگاهها، ضرورت ارزشیابی را که بهبود کیفیت آموزشی و در نهایت بهبود و کارائی و اثربخشی سیستم آموزشی کشور را به دنبال خواهد داشت مورد تأکید قرار داده است. این مطالعه با هدف تعیین دیدگاه اساتید در مورد اهمیت سؤالات ارزشیابی کیفیت تدریس انجام شد.

روش: این مطالعه توصیفی مقطعی بر روی اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان انجام گرفت. نمونه گیری به صورت سرشماری بود و پرسشنامه در اختیار ۷۰ نفر از اعضای هیات علمی قرار گرفت. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه بود که دارای دو بخش بود. قسمت اول اطلاعات جمعیت شناختی و قسمت دوم سؤالات پرسشنامه ارزشیابی کیفیت تدریس اعضای هیات علمی با بیست و دو سؤال بود که با استفاده از مقیاس لیکرت چهار قسمتی (بسیار مهم تا بی اهمیت) نمرات ۳-۰ را به خود اختصاص می داد. اطلاعات با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: از ۷۰ نفر اساتید شرکت کننده ۴۰ نفر مرد و ۳۰ نفر زن بودند و میانگین سنی آنها $41/4 \pm 5/7$ سال بود. میانگین سابقه کار آنها $6/4 \pm 10/1$ سال و تعداد واحدهای تدریس در هر سال تحصیلی با میانگین $9/4 \pm 7/1$ واحد بود. اکثریت واحدهای مورد پژوهش به مواردی چون، حضور به موقع، استفاده بهینه از وقت، بیان اهمیت موضوع درس، استفاده از مثالهای کاربردی حین تدریس، تسلط علمی بر موضوع درس، توانایی انتقال مفاهیم، قدرت اداره و رهبری کلاس و رعایت موازین اخلاقی بیشترین نمره را اختصاص دادند.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به درجه اهمیت سؤالات ارزشیابی در پرسشنامه ارزشیابی کیفیت تدریس فقط هشت مورد از بیست و دو مورد از درجه اهمیت بالایی برخوردار بود. لذا پیشنهاد می گردد در خصوص سؤالات پرسشنامه ارزشیابی کیفیت تدریس اساتید بازننگری صورت گیرد.

کلیدواژه‌ها: اساتید، ارزشیابی، دیدگاه

(NP9)

ادغام اورژانسهای جراحی در دوره کارورزی در جهت افزایش کیفیت آموزش طب اورژانس

محمد رضا اخلاقی^۱، وجیهه وفامهر^۲، محمد دادگستر نیا^۳

* ۱- استادیار - دانشکده پزشکی اصفهان معاونت آموزشی akhlaghi@med.mui.ac.ir

۲- دانشکده پزشکی اصفهان معاونت آموزشی vgrenani@yahoo.com

۳- دانشکده پزشکی اصفهان معاونت آموزشی dadgostar@med.mui.ac.ir

در ایران با راه اندازی رشته طب اورژانس در دانشگاههای علوم پزشکی این امکان فراهم شده است تا علاوه بر ارتقاء کیفیت و نظارت بر سیستم های خدمات اورژانس پیش بیمارستانی و بیمارستانی، به آموزش طب اورژانس به دانشجویان پزشکی نیز سر و سامانی داده شود. روش: در این مطالعه سعی گردیده است که با استفاده از رویکرد های مساله محور در نیازسنجی، شناسایی عیوب و کاستی های مراکز آموزشی درمانی اورژانس مبنای تعیین نیازها قرار گیرد. مشاهده ها و مصاحبه ها با افراد مختلف و بررسی اطلاعات موجود، مشکلاتی را در اورژانس های آموزشی نمایان ساخت. با توجه به این مشکلات، طرح ادغام اورژانسهای جراحی (جراحی عمومی - جراحی اعصاب - ارولوژی - ارتوپدی - ENT) با سرپرستی گروه طب اورژانس، راهگشا به نظر می رسد. اهداف این طرح شامل موارد زیر می باشد: ۱- توجه رسمی به آموزش اینترن در اورژانس ۲- افزایش یادگیری Management بیماران اورژانسی توسط اینترنها ۳- افزایش تعداد بیماران اورژانسی که اینترنها در کل دوره اینترنی با آنها برخورد می کنند ۴- وجود متولی خاص و پاسخگو برای آموزش اینترن در اورژانس ۵- افزایش امکان برخورد عملیاتی اینترن با بیماران متنوع به عنوان یک پزشک عمومی ۶- افزایش تعادل در حجم کاری اینترن در بخش های مختلف ماژور و مینور ۷- کاهش برخی دوباره کاریها در اورژانس مانند شرح حال گیری های تشریفاتی ۸- افزایش کیفیت و سرعت خدمات ارائه شده به بیماران در اورژانس ۹- افزایش رضایت کارکنان اورژانس در این طرح اینترنهای کشیک اورژانس که از بخش های پنجگانه جراحی در اورژانس حاضر می شوند، بدون توجه به نوع بیمار مراجعه کننده، به management بیماران مراجعه کننده با هدایت و سرپرستی مستقیم اساتید طب اورژانس و یا پزشک مسئول اورژانس می پردازند و در صورت نیاز از مشاوره گروههای مختلف استفاده می نمایند. علاوه برآموزش بر بالین بیمار، به منظور افزایش دانش اینترنها در زمینه طب اورژانس، کلاسهای درس براساس اهدافی که برای آموزش طب اورژانس تهیه و تدوین می گردد، برنامه ریزی و اجرا می شود. بحث: در این طرح بار جنرال آموزش در اورژانس های بخش های ۵ گانه جراحی بیشتر شده و هدایت آن به دست یک اتند جراحی عمومی (برای دانشگاههایی که طب اورژانس ندارند) و یا یک اتند طب اورژانس سپرده می شود. همچنین مزیت دیگر آن این است که آموزش طب اورژانس را در کل دوره اینترنی مورد توجه قرار میدهد و نه در یک دوره کوتاه مدت. این نوع آموزش قطعاً به یادگیری بهتری منجر خواهد شد. همچنین این طرح منجر به تهیه اهداف آموزشی طب اورژانس برای دوره پزشکی عمومی نیز خواهد شد. در حال حاضر مشخص نبودن چنین اهدافی در اورژانس های آموزشی، یکی از دلایل اشکال در آموزش طب اورژانس به دانشجویان پزشکی می باشد.

کلیدواژه‌ها: طب اورژانس - اورژانسهای جراحی - دوره کارورزی

(NP10)



گزارش صبحگاهی مبتنی بر بازاندیشی برای دانشجویان پزشکی

نعمت بیلان*

* استاد علوم پزشکی تبریز - تبریز خیابان ششگلان بیمارستان کودکان bilan@tbzmed.ac.ir

مقدمه: دانشجویان سال ۵ پزشکی لازم است نقش آینده خویش را تمرین نموده و آمادگی لازم را پیدا بکنند، لذا تقبل کشیک در این دوران و نیز رسیدگی به بیماران و گزارش فرایند یادگیری عناصریست که میتواند آنان را در این مسیر یاری دهد.

روش: دانشجویان سال ۵ پزشکی در دفتری با عنوان "یک روز کاری" و یا "آنچه آموختم"، فراگیریهای خویش را یادداشت نموده و در گزارش صبحگاهی روز بعد گزارش مینمایند.

یافته‌ها: فراگیران تجربیات یادگیری خویش را یادداشت نموده، آن را تحلیل کرده و در جلسه گزارش پس خوانند لازم را دریافت می نمایند. حاصل چنین فرایندی بازاندیشی حین عمل و بعد از عمل و پس خوانند از اساتید و همکاران است که به ماندگاری و تعمیق تجربیات کمک می نماید.

بحث و نتیجه گیری: یادداشت روزانه یادگیریها در قالب دانش، منش، کنش و نیز ارائه آن به همکاران و اساتید و دریافت پس خوانند، به پالایش از یک طرف و تعمیق یادگیری از طرف دیگر کمک میکند.

کلیدواژه‌ها: گزارش صبحگاهی، بازاندیشی

(NP11)

تاثیر بازاندیشی در تغییر سبک یادگیری

نعمت بیلان*

* استاد علوم پزشکی تبریز - تبریز بیمارستان کودکان bilan@tbzmed.ac.ir

مقدمه: سبک های مختلف یادگیری وجود دارد که در آن از اصالت محیط و تاثیر صرف شرایط تا اصالت انسان و تاثیر صرف خواسته های فرد را می توان دید. این مطالعه بر آن است تا تاثیر بازاندیشی را در حقیقت فرمی از واکنش یادگیرنده به تجربه است درانتقال از یک سبک یادگیری به سبک دیگر بررسی نماید.

روش: حدود ۴۰ نفر از دانشجویان سال ۵ پزشکی در طی سه ماه از طریق نوشتن آنچه در حیطه های مختلف یادگیری کسب کرده بودند به نقد خویش و دانسته های قبلی خویش پرداختند.

یافته‌ها: فراگیران از سبک یادگیری رفتارگرایانه که عمدتاً به عوامل بیرونی نظیر تمرین و تکرار و رفتار قابل مشاهده استوار است به سبک های یادگیری شناختی که یک امر درونی بوده و در آن ذهن به عوامل محیطی واکنش نشان میدهد حرکت کردند.

بحث و نتیجه گیری: استفاده از بازاندیشی به فرم ژورنال نویسی یا یادداشتهای روزانه میتواند به عنوان ابزاری برای انتقال از سبک های یادگیری براساس محرک های بیرونی به سمت محرک های درونی مدنظر باشد.

کلیدواژه‌ها: بازاندیشی، سبکهای یادگیری

(NP12)

نیازهای آموزشی پرستاران شاغل از نظر مدیران پرستاری در بیمارستانهای استان همدان

عفت صادقیان*

* مربی دانشگاه علوم پزشکی همدان - همدان - بلوار شهید فهمیده - دانشگاه علوم پزشکی - دانشکده پرستاری و مامایی

parastoo_iran2003@yahoo.com

مقدمه: اولین و اساسی ترین گام در برنامه ریزی هر سیستم نیاز سنجی است. نیاز سنجی با شناسایی مهم ترین نیاز ها مبنایی برای تعیین اهداف و بستر مناسبی برای سامان دهی سایر عناصر فراهم می سازد. در سیستم آموزشی کنونی در نظر گرفتن نیاز های آموزشی و معین نمودن اولویت ها در برنامه های آموزش مداوم امکان استفاده بهینه از منابع محدود و در دسترس را فراهم می کند. بر این اساس پژوهشی با هدف تعیین نیازهای آموزشی پرستاران شاغل از نظر مدیران پرستاری در بیمارستانهای همدان انجام شد.

روش: در این پژوهش توصیفی- مقطعی ۶۹ سرپرستار و مدیر خدمات پرستاری شاغل در بیمارستانهای وابسته به دانشگاه علوم پزشکی استان همدان بصورت تصادفی ساده انتخاب شدند. اطلاعات بوسیله پرسشنامه با ساختار که توسط محقق ساخته و اعتبار و اعتماد آن به اثبات رسید جمع آوری شد و با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۰ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: نتایج نشان داد که ده اولویت اول نیاز آموزشی پرستاران را از نظر مدیران به ترتیب ۱- CPR ۲- استفاده از تجهیزات در بخش های ویژه ۳- قوانین و مقررات و حقوق پرستاران ۴- استفاده از تجهیزات و تکنولوژی پزشکی جدید ۵- اورژانس های پزشکی ۶- گزارش نویسی پرستاری ۷- شناخت داروهای جدید ۸- رهبری و مدیریت در پرستاری ۹- دوره آموزش خواندن الکتروکاردیو گرام ۱۰- استفاده از دستگاه ونتیلاتور بود. مدیران مناسب ترین روش تدریس را کارگاه دانسته اند، طول مدت اجرای دوره بازآموزی را یک روز به مدت ۴ ساعت و فواصل بین دوره های بازآموزی را هر ماه یکبار پیشنهاد کرده اند و زمان ناکافی بعلت کار زیاد را بعنوان یک مانع آموزشی برای پرستاران بیان نموده اند.

بحث و نتیجه گیری: بررسی نیازهای آموزشی اطلاعات بار ارزشی را جهت برگزاری دوره های با کیفیت آموزش ضمن خدمت فراهم می کند که رضایت پرسنل را به دنبال خواهد داشت.

کلیدواژه ها: نیاز-نیاز سنجی- پرستار-مدیران پرستاری

(NP13)

نقش رهبری چشم اندازانه در بهبود عملکرد سیستم های آموزشی

مریم روانی پور^۱، معصومه روانی پور^۲

* ۱- استادیار دانشگاه علوم پزشکی بوشهر - بوشهر- خیابان معلم- دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

m.ravanipoor@bpums.ac.ir

۲- دانشجوی ارشد دانشگاه علوم پزشکی بوشهر - بوشهر- خیابان معلم- دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

مقدمه: نقش اولیه هر رهبر متحدسازی افراد حول ارزشهاست. رهبران آموزشی خوب آگاه هستند که از طریق پایه ریزی ارزشهای شخصی و آموزشی که بیانگر اهداف اخلاقی آن موسسه آموزشی باشد، می توانند کارآمد عمل کنند. اجرای سیاست های آموزشی در عمل مشکل است. لازم است رهبران آموزشی با نگاهی به آینده، محیط را برای عوامل خارجی تغییر بر دانشگاهها و موسسات آموزشی ارزیابی نماید. با توجه به چالش های موجود در زمینه جستجوی یافتن نوعی رهبری جهت بقای سازمان و حفظ رقابت به نظر می رسد رهبری چشم اندازانه پاسخ اصلی باشد.

روش: این پژوهش با جستجوی منابع مختلف الکترونیک و کتابخانه ای و مروری بر این متون صورت گرفته است.

یافته ها: مطالعه متون مختلف مشخص نمود تعریف چشم انداز بر حسب محتوا و زمینه ای که از آن ریشه می گیرد؛ می تواند از رهبری به رهبر دیگر متفاوت باشد. اما آنچه در کل مهم است چشم اندازی است که رهبر در عمل به کار می گیرد. انتساب های چشم انداز عبارتند از: اختصار، وضوح، انتزاعی بودن، چالش برانگیز بودن، آینده محوری، ثبات و آرمانی بودن. مراحل فرایند طراحی چشم انداز عبارتند از: ارائه تصویری از آینده مورد نظر به سازمان، برقراری ارتباطات مشارکتی و قدرتمندسازی پیروان. بر اساس این مراحل یک رهبری مبتنی بر چشم انداز باید رفتارهای ویژه ای چون توانمندی در مدیریت، رعایت ثبات، برابری در پاداش، خلاقیت و نیز آماده سازی شرایط ریسک برای پیروان را بروز دهد.

بحث و نتیجه گیری: در رهبری چشم اندازانه به نظر می رسد ارتباطات و مشارکت نقش کلیدی ایفا کند که جهت برقراری ارتباطات موثر، شناخت از ارزش ها و نرم های فرهنگی بسیار پر اهمیت می باشد؛ به گونه ای که متناسب قلمداد شدن و پذیرش کارآمدی رفتارهای رهبری می تواند نشانگر هماهنگی چشم اندازهای رهبر با نرم های آن جامعه باشد.



(NP14)

وظایف، توانایی‌ها و معیارهای سنجش عملکرد معاون آموزشی دانشگاه

رامین سرچمی، علی اکبر زینالو

دانشگاه علوم پزشکی قزوین

مقدمه: اداره سازمانهای علمی در دنیای مدرن بر پایه قانون مداری همراه با دانش، بصیرت، تخصص، و تعهد اخلاقی، به گونه ای که پاسخگوی نیازهای حرفه ای بوده و توانایی مواجهه با انواع دگرگونی ها را داشته باشند، تنها از عهده کسانی برمی آید که در زمره نخبگان نواندیش و به بیان دیگر، شایستگان باشد. هدف: این مطالعه به منظور تعیین وظایف و تواناییهای معاونین آموزشی دانشگاهها از دیدگاه اعضاء هیأت علمی دانشگاه قزوین در سال ۱۳۸۶ انجام گرفته است.

روش: این مطالعه با استفاده از پرسشنامه ای محقق ساخته انجام گرفت که در آن براساس مطالعات و مستندات داخلی و بین المللی، محورهای تعیین شده بود و پاسخ دهندگان می باید در ذیل هریک از محورها که مناسب تشخیص می داند جزئیات مورد نظرشان را قید می کردند. از مجموع پرسشنامه های ارائه شده ۱۰۵ مورد بازگشت داده شد که مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: از تحلیل داده ها مجموعاً ۴۲ وظیفه و توانایی برای معاون آموزشی دانشگاه ثبت گردید که مهمترین آنها عبارت بودند از: ۱- تدوین برنامه بلند مدت آموزشی دانشگاهها؛ ۲- تسلط بر قوانین مرتبط با آموزش در دانشگاه؛ ۳- گذراندن دوره های تخصصی در ارتباط با مفاهیم آموزشی؛ ۴- داشتن صلاحیت های حرفه ای تدریس؛ ۵- داشتن توان ارتباطی مناسب با نیروهای تابعه به ویژه اعضاء هیأت علمی؛ ۶- داشتن روحیه مسئولیت پذیری و پاسخگویی؛ ۷- اعتقاد به اصل مدیریت مشارکتی؛ ۸- داشتن اعتقاد به کیفیت و آشنایی با روشهای ارتقاء کیفیت در دانشگاه؛ ۹- آشنایی با فنون مدیریت تغییر؛ ۱۰- آشنایی با ادبیات نوپدید آموزش عالی، جهانی شدن، دانشگاههای بدون مرز و ... و داشتن رویکرد مناسب برای کنار آمدن با آنها.

بحث و نتیجه گیری: در طی ۱۵-۱۰ سال گذشته، تغییرات اقتصادی، سیاسی، جغرافیایی و فناوری، به همراه افزایش رقابت جهانی، سازمانها را مجبور کرده است تا در شیوه های مدیریت خود تعمق نموده و مدیران خود را بهسازی کنند. معاونین آموزشی در قلب فعالیتهای دانشگاهی قرار داشته و نقش حیاتی و تعیین کننده ای دارند، لذا شناسایی مدیران حائز صلاحیتهای کافی و ارتقاء شایستگی های آنان برای موفقیت دانشگاه اجتناب ناپذیر است.

کلیدواژه‌ها: معاون آموزشی، دانشگاه، شایستگی

(NP15)

بررسی وضعیت مطلوب و موجود برنامه آموزش بالینی پرستاریحسین کریمی مونقی^۱، فاطمه زوبین^۲، سید رضا مظلوم^۳، اکبر درخشان^۴

* ۱- استادیار دانشگاه علوم پزشکی مشهد - دانشگاه علوم پزشکی مشهد - مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

karimih@mums.ac.ir

۲- مربی دانشگاه علوم پزشکی مشهد - مشهد - بیمارستان قائم (عج)

۳- مربی دانشگاه علوم پزشکی مشهد - دانشگاه علوم پزشکی مشهد - دانشکده پرستاری و مامایی

۴- دانشیار دانشگاه علوم پزشکی مشهد - مشهد - دانشگاه علوم پزشکی مشهد - گروه چشم پزشکی

مقدمه: علی رغم این که برنامه ریزان آموزش پرستاری، اصلی ترین بخش در آموزش پرستاری را آموزش بالینی می دانند، نتایج تحقیقات پژوهشگران پرستاری نشان داده است که کیفیت آموزش بالینی مطلوب نبوده و نارسایی هایی وجود دارد. بررسی و ارزیابی وضعیت مطلوب و موجود برنامه آموزش بالینی می تواند جهت بهبود کیفیت برنامه آموزش بالینی پرستاری و نتایج متعاقب آن راه گشا باشد.

روش: هدف این مطالعه توصیفی-مقطعی، تعیین وضعیت مطلوب و موجود برنامه آموزش بالینی رشته پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی مشهد بود. جامعه پژوهش مدرسان بالینی و دانشجویان کارشناسی پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی مشهد و نیز سرپرستاران بیمارستان های آموزشی بودند که به روش سرشماری وارد پژوهش گردیدند. جهت جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه پژوهشگرساخته استفاده گردید. به منظور تهیه پرسشنامه، پس از تعیین معیارهای مطلوب آموزش بالینی از طریق مطالعه منابع، متون و... اقدام به برگزاری شش جلسه گروه متمرکز با حضور اساتید، دانشجویان و سرپرستاران گردید تا متغیرهای هر یک از معیارها تعیین شود. سپس با توجه به مطالعات انجام شده و متن مصاحبه ها، ۲۱۱ گویه استخراج شد و در قالب سه پرسشنامه جهت مدرسان بالینی (با ۵ معیار و ۸۱ گویه)، دانشجویان (با ۵ معیار و ۶۰ گویه) و سرپرستاران (با ۴ معیار و ۶۱ گویه) آماده گردیدند. پس از تعیین روایی پرسشنامه ها توسط شرکت کنندگان و افراد صاحب نظر و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، پرسشنامه ها در پایان نیمسال تحصیلی توسط واجدین معیارهای ورود به مطالعه تکمیل شد. سپس داده ها وارد کامپیوتر شده و با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون های آماری مناسب تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: نتایج پژوهش نشان داد که وضعیت موجود برنامه آموزش بالینی پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی مشهد در مورد ۶ معیار از ۷ معیار مطلوب تعیین شده یعنی: شفافیت جایگاه و اهمیت آموزش بالینی، طرح و برنامه درسی بالینی مدون و جامع، دانشجوی کارآمد، شرایط و امکانات مناسب محیط بالینی، تعاملات بین فردی موثر در محیط بالین و تعامل متقابل دانشکده و بالین در سطح «نسبتا مطلوب» قرار دارد. معیار دیگر یعنی «مدرس بالینی متبحر» از نظر سرپرستاران در «سطح مطلوب» و از نظر دانشجویان در سطح «نسبتا مطلوب» قرار گرفت.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به این که سطح مطلوبیت بیشتر معیارهای مطلوب آموزش بالینی پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی مشهد، «نسبتا مطلوب» بدست آمد، با تقویت جنبه های مثبت و اصلاح نقایص و نقاط ضعف، می توان گامی موثر در راستای ارتقای کیفیت برنامه آموزش بالینی پرستاری و رسیدن به سطح مطلوب برداشت.

کلیدواژه ها: وضعیت موجود، وضعیت مطلوب، برنامه آموزش بالینی، رشته پرستاری.

(NP16)

خود ارزیابی عملکرد دانشکده های علوم پزشکی منتخب کشور در طرح تعالی آموزشی علوم پزشکی با استفاده از مدل مالکوم بالدريج

دکتر زهره سهرابی^۱، معصومه فرج الهی^۲

۱. مشاور معاون آموزشی وزارت بهداشت و عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران

۲. کارشناس واحد مدیریت کیفیت وزارت بهداشت

مقدمه: امروزه مدل های مختلف تعالی سازمانی به عنوان ابزاری مناسب برای ارزیابی عملکرد سازمانی و بهبود مستمر آن، توسط سازمان های تجاری و خدماتی مورد استفاده قرار می گیرند. بسیاری از دانشگاه ها نیز به عنوان یک سازمان خدماتی بزرگ، در راستای نیل به پیشرفت و تعالی از این مدل ها بهره می گیرند تا بتوانند به رسالت خود که همان ارائه خدمات آموزشی و پژوهشی با بالاترین کیفیت ممکن و متناسب با نیاز های جامعه بشری است، دست یابند.

روش: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی-مشاهده ای با هدف خود ارزیابی عملکرد دانشکده های علوم پزشکی منتخب کشور با استفاده از مدل مالکوم بالدريج است. دانشکده های منتخب با استفاده از روش نمونه گیری طبقه ای از سه تیپ دانشگاهی انتخاب شده اند. ابزار گردآوری داده ها یک پرسشنامه خود ارزیابی بر اساس مدل مالکوم بالدريج با ۱۰۰۰ امتیاز بوده است.

یافته ها: هر یک از دانشکده های منتخب در خود ارزیابی عملکرد، یک امتیاز نهایی کسب کرده بوده اند که بر مبنای خود اظهاری دانشکده پزشکی مازندران بیشترین امتیاز (۷۲۵) و دانشکده توانبخشی تبریز (۶۳/۱) کمترین امتیاز را گزارش کرده بود. همچنین نقاط قوت و قابل بهبود مشترکی بین دانشکده های منتخب وجود داشت که بیشترین نقطه قوت مشترک "تمرکز بر فرایند های کلیدی (۷۲٪) مربوط

به معیار مدیریت فرایند ها و بیشترین نقطه قابل بهبود مشترک " مشارکت دادن بیشتر کارکنان در برنامه های بهبود عملکرد " (۵۴٪) مربوط به معیار تمرکز بر نیرو های کاری بود.

کلیدواژه ها: ارزیابی عملکرد، مدل تعالی سازمانی، مدل بالدریج

(NP17)

ارزیابی درونی گروه های آموزشی دانشکده بهداشت علوم پزشکی ایران

دکتر محمد رضا وفا^۱، دکتر مهدی فرزاد کیا^۲، دکتر میترا غلامی^۳، دکتر شهناز ریماز^۴، مهندس اختر افشاری^۵، دکتر محمد حسین تقدیسی^۶، دکتر مهناز صلیحی^۷، دکتر روشنک رضایی کلانتری^۸، دکتر شهریار اقتصادی^۹، دکتر شهناز باکند^{۱۰}، مهندس اعظم مقتدری^{۱۱}، دکتر محسن اسدی لاری^{۱۲}، دکتر علی اصغر فرشاد^{۱۳}

۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳. دانشیار دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی ایران

۱۱. عضو هیئت علمی

۷، ۸، ۱۰، ۱۲. استادیار دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی ایران

۹. استاد دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی ایران

مقدمه: کیفیت آموزشی از جمله دغدغه هایی است که همیشه نظام های دانشگاهی برای دستیابی به آن تلاش می کنند. ارتقای مستمر کیفیت آموزش عالی مستلزم استفاده از ارزیابی آموزشی است. هدف های اصلی هر نظام دانشگاهی که در سه زمینه آموزش، پژوهش و عرضه خدمات است، در صورتی به طور مطلوب تحقق می یابد که از اولین گام (طراحی) تا گام نهایی (عرضه برونداد) به ارزیابی اقدامات و نتایج حاصل از کوشش ها پرداخته شود. با توجه به نقش مهم ارزیابی در کیفیت آموزش، هدف این مطالعه ارزیابی درونی گروه های آموزشی در دانشکده بهداشت علوم پزشکی ایران می باشد.

روش: در این مطالعه توصیفی مقطعی که فرایند ارزیابی درونی طی دوازده گام با استفاده از نشانگرهای کتاب فرایند اجرای ارزیابی بازگان (۱- اهداف، جایگاه سازمانی و مدیریت و تشکیلات، ۲- هیأت علمی، ۳- دانشجویان، ۴- دوره های آموزشی مورد اجرا، ۵- فرایند یاددهی -یادگیری به اجرا در آمد، اطلاعات مورد نیاز بر اساس شواهد موجود، مصاحبه و تکمیل پرسش نامه بوسیله همه مدیران گروه، هیئت علمی و دانشجویان از مهر سال ۱۳۸۶ تا مهر سال ۱۳۸۸ بدست آمد. نتایج حاصله در مورد هر یک از متغیرهای مورد بررسی پس از مقایسه با وضعیت مطلوب به یکی از سه صورت مطلوب، نسبتاً مطلوب و نا مطلوب نشان داده شده است.

یافته ها: در رابطه با ملاک ۱ تمامی گروه ها در حد مطلوب و نسبتاً مطلوب بودند و وضعیت نسبتاً مطلوب بیشتر در رابطه با امکانات مالی و نیروی انسانی بوده است. در رابطه با ملاک ۲، تقریباً تمام موارد در حد مطلوب بوده و اشکالاتی که در ارزیابی این بخش بنظر میرسد باز هم عدم وجود منابع مالی، کمبود فضای آموزشی و امکانات و تجهیزات با نیازهای هیأت علمی میباشد. در رابطه با ملاک ۳، سه گروه از پنج گروه وضعیت نسبتاً مطلوب داشتند که با بررسی انجام شده در اکثر موارد کمبود و امکانات و تجهیزات آموزشی، عدم آگاهی دانشجویان از رشته انتخابی خود میباشد. در رابطه با ملاک ۴ در رابطه با تخصص هیأت علمی در حد مطلوب بوده ولی باز هم تجهیزات و امکانات نسبتاً مطلوب در تمام گروه های آموزشی ارزیابی شده است. در رابطه با ملاک ۵، نظر به اینکه دروس هر رشته در برد تخصصی آن رشته مشخص و تصویب میگردد و نهایتاً با چند واحد درس اختیاری میتوان تغییر اندکی در ماهیت دوره ها داشت.

بحث و نتیجه گیری: در گروه های پنج گانه آموزشی دانشکده مذکور، از بین مؤلفه های، پنج مؤلفه رسالت و اهداف، ساختار سازمانی و مدیریت، فرایند یاددهی -یادگیری، دوره های آموزشی از وضعیت نسبتاً مطلوبی برخوردارند ولی از نظر امکانات و تجهیزات آموزشی در وضعیت نا مطلوبی میباشد. بنابراین اتخاذ تمهیداتی در جهت تامین امکانات و تجهیزات آموزشی توصیه می شود. در آخر با عنایت به این نکته که ارزیابی درونی برای اولین بار در این دانشکده انجام گرفته و هدف آن بهبود کیفیت آموزشی است، لازم است نتایج این پژوهش با ارزیابی درونی بعدی مقایسه گردد.

کلیدواژه ها: ارزیابی درونی، گروه های آموزشی، دانشکده بهداشت

(NP18)

آیا آزمون ارتقاء دستیاران بالینی در سال پنجم بعد از واگذاری به دانشگاه ها به سمت ارتقای کیفیت آن رهبری شده است؟

رامین مصری^۱، داریوش سوادی اسکویی^۲، سکینه حاج ابراهیمی^۳، یاسر احدی^۴

۱. تبریز، خیابان گلگشت، خیابان عطار نیشابوری، دانشکده پزشکی، ساختمان آموزش، دایره امتحانات،

dr_mesry@yahoo.com

۲. تبریز، خیابان گلگشت، خیابان عطار نیشابوری، دانشکده پزشکی، ریاست

۳. تبریز، خیابان گلگشت، خیابان عطار نیشابوری، دانشکده پزشکی، معاونت آموزش تخصصی و فوق تخصصی،

hajebrahimis@gmail.com

۴. تبریز، خیابان گلگشت، خیابان عطار نیشابوری، دانشکده پزشکی، ساختمان آموزش، دایره امتحانات،

yaser.ahadi@live.com

مقدمه: آزمون وسیله ای است عینی و هنجار شده برای اندازه گیری نمونه ای از رفتار (آناستازی ۱۹۸۸). امروزه ابزارهای مختلفی شامل MCQs، MEQs، OSCE، DOPS، Mini-CEX و... برای ارزیابی دستیاران بکار میرود که هر کدام سطوح مختلفی از اعتبار حرفه ای دستیار را می سنجد. با توجه به واگذاری آزمون ارتقا به دانشگاهها، استقرار روشهای مستمر ارزیابی دستیاران و اجرای سیاست واگذاری آزمون گواهینامه به دانشگاهها دبیرخانه محترم شورای آموزش پزشکی و تخصصی از سال ۸۷ اقدام به Ranking این آزمون نموده و نحوه برگزاری آنرا مورد بررسی قرار میدهد. مراحل برگزاری آزمون شامل مرحله قبل از آزمون، حین آزمون و بعد از آزمون بوده و یک آزمون میبایست از نظر اعتبار، روائی صوری، محتوی، ملاکی و ساختار در سطح قابل قبولی برگزار شود. نظر به اهمیت و ضرورت کارآمد بودن روشهای ارزیابی برآن شدیم تا با تحلیل میزان همبستگی بین آزمونهای درون بخشی و ارتقا دستیاران در سال ۸۸ و مقایسه آن با نتایج ۴ سال اخیر نحوه مدیریت ارتقا کیفیت این آزمون و به تبع آن میزان هدایت و دستیابی آزمون به اهداف را مورد بررسی قرار دهیم.

روش: طی یک مطالعه توصیفی و تحلیلی نمرات آزمونهای ارتقا و درون بخشی دستیاران دانشکده پزشکی در سال ۸۸ با کل جامعه مورد مطالعه ۳۰۹ نفر و با استفاده از پرسشنامه استخراج و توسط نسخه ۱۵ نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل و مقایسه با نتایج ۴ سال قبل قرار گرفت.

یافته ها: نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان می دهد که بین نمرات آزمونهای درون بخشی و ارتقا در سال ۸۸ همبستگی مثبت وجود دارد. ($p < 0.000$) ضریب همبستگی آزمون درون بخشی - آزمون ارتقا سال ۸۸ ($r = 0.499$) = . این ضریب در سال ۸۷ ($r = 0.473$) = و در سال ۸۶ ($r = 0.480$) = و در سال ۸۵ ($r = 0.497$) = با ($p < 0.000$) و در سال ۸۴ ($r = 0.084$) = با ($p < 0.237$) بین آزمون درون بخشی و ارتقا در سال ۸۴ (سال قبل از واگذاری آزمون ارتقا) همبستگی مشاهده نشده و نیز آزمون ارتقا ۸۴ با سالهای بعد همبستگی نداشته است. در عین حال در سالهای بعد از واگذاری ضریب همبستگی مثبت ایجاد شده و رو به افزایش بوده است.

بحث و نتیجه گیری: بررسی کمی یافته ها حاکیست که در این دانشکده همبستگی مثبت و تقارب بین آزمونهای ارتقا که سطوح مختلف دانش نظری دستیار را ارزیابی میکند و آزمونهای درون بخشی که سطوح مختلف مهارتهای بالینی، عملکرد و کارایی دستیار را بررسی میکند وجود دارد. ولی ضرایب همبستگی در حد متوسط بوده و با استاندارد (۰/۶ الی ۰/۹) فاصله دارد. لذا با توجه به اینکه آزمون فرصتی برای تداوم آموزش میباشد بنظر میرسد بدنبال اجرای سیاست واگذاری آزمون ارتقا، استقرار روشهای مستمر ارزیابی دستیاران و تصمیم به واگذاری آزمون گواهینامه که اثرات مثبتی در ارتقا کیفیت آموزش خواهد گذاشت، لازم است رهبری آموزش، آزمون ارتقا را نه تنها از نظر نحوه برگزاری بلکه از نظر کیفیت طراحی سوالات (روا، پایا، بدون اشکال ساختاری، با تآکسونومی بالا) نظارت و مدیریت کند تا آزمون از هدف خود دور نشود. در عین حال نتایج نشان میدهد که برای افزایش میزان Converrgence و همبستگی انواع ارزیابی ها، میبایست کارگاههای توانمند سازی اساتید برای طراحی بهینه سوالات چند گزینه ای، طراحی OSCE، ارزیابی بروش DOPS و Mini-CEX به شکل small Groups و large Groups برگزار گردد تا کیفیت ارزیابی های درون بخشی نیز بالا رفته و نشانگر عملکرد واقعی دستیار باشد.

کلیدواژه ها: آزمون، ارتقا، ارزیابی درون بخشی، همبستگی، کیفیت



دانشگاه علوم پزشکی تهران

فصلنامه علمی پژوهشی

مجله تازه

بررسی مدل رهبری خدمتگزار در آموزش پزشکی

دکتر داریوش سوادی اسکویی^۱، دکتر آذین عزیزاده اصل، مقصود شریفی، آمنه محمدپور ارمنیان، حمیده نوری اصل^۲*

* تبریز - دانشگاه - دانشکده پزشکی - مرکز مهارت‌های بالینی، zahra_amaneh@yahoo.com

** h_noriasl@yahoo.com

مقدمه: یکی از اشکال رهبری که از منظر ارائه خدمت، رشد، توسعه و توانمندسازی، به رابطه بین رهبر و پیروان توجه دارد، رهبری خدمتگزار است. رهبری خدمتگزار، اولین بار در نوشته‌های رابرت گرین لیف آمده است وی اعتقاد دارد رهبر خدمتگزار کسی است که در وهله اول خدمتگزار باشد. هدف از این پژوهش بررسی مدل رهبری خدمتگزار در آموزش پزشکی، مشخصه‌ها و ویژگی‌های آنان می‌باشد. **روش:** این پژوهش یک مطالعه مروری بوده که با بررسی کتابخانه‌ای و اسنادی و نیز جستجو در بانک‌های اطلاعاتی در مورد رهبری، سبک‌ها و مدل‌های رهبری خدمتگزار در آموزش عالی و تجربیات مربوطه در زمینه آموزش پزشکی انجام گرفته است.

یافته‌ها: طبق نظر اسپیرز، اصولی از رهبری خدمتگزار که در آموزش پزشکی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد عبارتند از: گوش دادن، همدلی، بهبودبخشی، آگاهی، تشویق و ترغیب، مفهوم سازی، آینده نگری و دوراندیشی، خادمیت، تعهد به رشد افراد و ایجاد گروه. پژوهش‌های دیگر نیز سایر ویژگی‌ها را به رهبری خدمتگزار نسبت داده انداز جمله می‌توان به عشق، تهور، پشتکار، تمرکز، ایجاد انگیزه، تشریک مساعی، انعطاف پذیری، حمایت از پیروان، تفویض اختیار، درستکاری، قدردانی از دیگران، پیشگامی، الگوسازی، توانمندسازی. چارچوب اندازه گیری رهبری خدمتگزار از نظر پیچ و ونگ "شخصیت، روابط، وظیفه و فرایند" می‌باشد. رهبری خدمتگزار زمانی اتفاق می‌افتد که رهبران در روابط خود با پیروان، موقعیت خدمتگزاری را بپذیرند. خودخواهی و نفع شخصی نباید رهبری خدمتگزار را برانگیزد بلکه به جای آن بایستی در جهت افزایش انگیزش تمرکز بر نیازهای دیگران به کار گرفته شود. نتایج حاصل از تحقیقات دانشگاه بیرمنگام حاکی از این است که رهبری خدمتگزار می‌تواند باعث توسعه دانش دانشجویان میشود.

بحث و نتیجه گیری: توجه به تفاوت‌های فراوان در ادراک‌ها و نیازهای مشتریان در آموزش عالی بخصوص آموزش پزشکی باعث استفاده از سبک‌ها، روش‌ها و دستاوردهای متنوع در زمینه مدیریت و رهبری در کشورهای جهان شده است، بنابراین در سازمان‌های آموزش عالی، برای برآورده ساختن نیازهای مشتریان و اجتماع باید همانند افرادی خدمتگزار عمل کرد. و نتیجه نهایی استفاده از رهبری خدمتگزار، افزایش ارتقای زندگی شخصی افراد و مسئولیت‌های آنان در مقابل نهادها و افراد اطرافشان می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: رهبری خدمتگزار، مدل‌های رهبری

(NP20)

سازماندهی نحوه اجرا و مستندسازی گزارشات صبحگاهی برگزارشده در گروه‌های آموزشی بالینی دانشکده پزشکی

داریوش سوادی اسکویی^۱، ابوالقاسم امینی^۲، سعیده غفاریفار^۳، پریناز صحاف^۴

۱- دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تبریز - دانشکده پزشکی - EDO

۲- استادیار دانشگاه علوم پزشکی تبریز - دانشکده پزشکی - EDO

* ۳- پزشک عمومی دانشگاه علوم پزشکی تبریز - دانشکده پزشکی - EDO sa.ghafarifar@yahoo.com

۴- استادیار دانشگاه علوم پزشکی تبریز - دانشکده پزشکی - EDO

مقدمه: جایگاه بسیار مهم گزارشات صبحگاهی در آموزش پزشکی و در دسترس نبودن تشخیص نهایی ۲۸ درصد بیماران در زمان ترخیص و توجه به جزء بسیار مهم آموزشی پیگیری بیماران در گزارشات صبحگاهی گروه‌ها، ما را بر آن داشت، نحوه اجرا و مستندسازی گزارشات صبحگاهی برگزارشده در گروه‌های آموزشی بالینی دانشکده پزشکی را بازنگری، سازماندهی مجدد و ساختارمند نماییم تا با بهره گیری از یک ابزار علمی، امکان هرگونه پیگیری و ارزشیابی برای خود، فراگیران و محققین عرصه آموزش پزشکی را فراهم آوریم.

روش: در این مطالعه که قسمت عمده آن به روش کیفی انجام شد، بعد از انجام جستجوهای لازم و مطالعه مقالات معتبر و محتوای علمی و مکتوب کارگاه‌های آموزشی برگزار شده در زمینه چگونگی برگزاری گزارشات صبحگاهی موفق و ارزیابی نقادانه و خلاصه نویسی

آنها، ابزار علمی لازم برای مستند سازی گزارشات صبحگاهی گروههای آموزشی تدوین و به منظور بررسی روایی و پایایی آن، ابزار ساخته شده در اختیار مسئولین آموزشی گروه زنان دانشکده پزشکی قرار گرفت و نتایج اجرای پایلوت آن در ۲۷ جلسه از گزارشات صبحگاهی گروه بررسی و اصلاحات لازم اعمال شد.

یافته‌ها: به دلایل مهم زیر استفاده از این ابزار می‌تواند موجب تعالی آموزش گردد: ۱- تغییر روند معرفی بیمار با محوریت دانشجوی ایفای نقش فعال توسط سطوح مختلف فراگیران ۲- شفاف سازی نحوه مدیریت و مسئولیت اداره جلسات گزارش صبحگاهی ۳- تغییر نگرش تیم آموزشی در معرفی بیماران سرپایی و در حال ترخیص ۴- صرف زمان بیشتر جهت بررسی مسائل مربوط به پیگیری بیماران بحث و **بحث و نتیجه گیری:** ایفای نقش ماهرانه و مبتنی بر شواهد اساتید به عنوان رهبران آموزش در اجرا و مستند سازی گزارشات صبحگاهی می‌تواند موجبات بهره‌وری آموزشی بیشتر از پیش را در علوم پزشکی فراهم آورد.

کلیدواژه‌ها: گزارشات صبحگاهی، مستند سازی، کیفی

(NP21)

تحلیل کارایی حوزه معاونت آموزشی دانشگاه های علوم پزشکی ایران

دکتر زهره سهرابی^۱، مهدی یوسفی^۲

۱. مشاور معاون آموزشی وزارت بهداشت و عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران

۲. کارشناس ارشد اقتصاد بهداشت

مقدمه: با توجه به گسترش و اهمیت دانشگاه های علوم پزشکی در نظام آموزشی کشور، این مطالعه هدف تحلیل کارایی حوزه معاونت آموزشی دانشگاه های علوم پزشکی ایران را دنبال کرده است.

روش: در این مطالعه توصیفی - تحلیلی، کارایی آموزشی ۴۱ دانشگاه علوم پزشکی کشور با استفاده از ۴ نهاد و ۲ ستاده در سال ۱۳۸۷ مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج مربوط به اندازه گیری انواع کارایی حاکی از آن بود که ۲۵ و ۳۲ درصد دانشگاه های علوم پزشکی به ترتیب دارای کارایی فنی و کارایی مدیریتی ۱۰۰ درصد بوده اند و ۷۱ درصد از واحدهای مورد مطالعه در مقیاس بهینه فعالیت نمی کنند.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به وجود ظرفیت ۲۷ درصدی افزایش کارایی در واحدهای مورد مطالعه می‌توان با یک برنامه ریزی مناسب و با استفاده از الگوهای برتر کارایی، ارتقای کارایی در واحدهای ناکارا را دنبال کرد.

کلیدواژه‌ها: کارایی، تحلیل پوششی داده ها، دانشگاه های علوم پزشکی

(NP22)

سنجش نحوه عملکرد آموزشی یک بیمارستان آموزشی با استفاده از الگوهای تعالی در سال ۱۳۸۶

آزاده فاتح پناه^۱، محمد رضا ملکی^۲

۱. یزد، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، دانشکده بهداشت، گروه مدیریت خدمات بهداشتی درمانی.

fatehpanah@ssu.ac.ir

۲. دانشگاه علوم پزشکی ایران. maleki@iums.ac.ir

مقدمه: هر چند آموزش پزشکی، نقش بزرگی در سلامت انسانها در قرن بیستم ایفا کرد ولی این سیستم در طول زمان نیازمند تغییر است. در چنین شرایطی تغییرات لازم باید ایجاد شود و بهبود سازمانی مورد نیاز جهت برآورده سازی اهداف سازمانی ایجاد گردد. الگوهای برتری چارچوبهای کل نگر هستند که قادر به برآورده سازی منظور فوق می باشند. در بخش بهداشت و درمان نیز با استفاده و اتخاذ از چنین الگویی امکان ایجاد تغییر و تحول لازم وجود دارد.

روش: این پژوهش مطالعه ای توصیفی است که به صورت مقطعی انجام گرفت. ابزار گردآوری داده ها، چک لیست استاندارد و جهانی مالکوم بالدريج (ویرایش ۲۰۰۷) بود. همچنین با توجه به استاندارد و جهانی بودن چک لیست ها بدلیل اینکه قبلا پایایی و روایی آنها سنجیده شده بودند در این پژوهش دیگر نیازی به سنجش پایایی و روایی این ابزارها نبود. محیط پژوهش، بیمارستان شهید هاشمی نژاد بود که یک بیمارستان آموزشی درمانی وابسته به دانشگاه علوم پزشکی ایران است. روش گردآوری داده ها، مصاحبه با مدیران ارشد بیمارستان، مشاهده مستندات و تکمیل چک لیست های مربوط بوده است. داده های بدست آمده به صورت کیفی تحلیل شده اند.

یافته ها: با توجه به اینکه مدل تعالی بالدريج عملکرد موسسات آموزشی را در هفت معیار (رهبری ۱۲۰ امتیاز، برنامه ریزی استراتژیک ۸۵ امتیاز، تمرکز بر دانشجویان گروه های ذینفع و بازار ۸۵ امتیاز، اندازه گیری تحلیل و مدیریت دانش ۹۰، تمرکز بر کارکنان ۸۵، مدیریت فرآیندها ۸۵، نتایج عملکرد سازمانی ۴۵۰ امتیاز) مورد ارزیابی قرار می دهد؛ این بیمارستان از ۱۰۰۰ امتیاز موجود در الگو؛ ۲۲۲ امتیاز (یعنی ۲۲.۲٪ از ۱۰۰ درصد کل امتیاز موجود در الگو) را کسب نمود. از این ۲۲۲ امتیاز؛ بیشترین امتیاز مربوط به معیار های تمرکز بر دانشجویان، گروه های ذینفع و بازارها و برنامه ریزی استراتژیک با کسب ۳۳٪ امتیاز نسبت به امتیاز الگو و کمترین امتیاز مربوط به معیار نتایج عملکرد سازمانی با کسب ۱۸٪ امتیاز الگو می باشد.

بحث و نتیجه گیری: طبق روش لیکرت عملکرد این بیمارستان در حیطه ی آموزش امتیاز ضعیفی را کسب نمود. و از آنجا که اولین رسالت یک بیمارستان آموزشی؛ فعالیت در جهت آموزش هر چه بهتر دانشجویان کارورز و آموزش گیرنده اش می باشد لذا این امر نشان دهنده لزوم توجه هر چه بیشتر به عملکرد سازمان خصوصا، در حیطه آموزش است. بر مبنای نتایج پژوهش، الگوی بالدريج، می تواند به عنوان الگوی جامع برای ارزیابی عملکرد موسسات آموزشی درمانی مورد استفاده قرار گیرد. با استفاده از این الگو نقاط قوت و ضعف سازمان برای مسئولین سازمان روشن شده و آنها می توانند با استفاده از این داده ها در جهت بهبود و اعتلای روز افزون سازمان خود گام بردارند.

کلیدواژه ها: ارزیابی عملکرد، مالکوم بالدريج، بیمارستان آموزشی شهید هاشمی نژاد، الگوی تعالی

(NP23)

آیا میزان آشنایی و انگیزه دانشجویان از رشته تحصیلی در بدو ورود به دانشگاه تضمین کننده هدایت آنان به

سمت تعالی آموزشی است؟ : نتایج یک بررسی

آقای حیدر آرش^۱، آقای مسلم حسام^۲، آقای سیدضیا عسکری^۳، دکتر اکرم ثناگو^۴، دکتر لیلا جویباری^۵

۱. گرگان، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، معاونت آموزشی

۲. گرگان، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، معاونت آموزشی، moslem.1960@yahoo.com

۳. گرگان، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، معاونت آموزشی

۴. گرگان، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، معاونت آموزشی، a_sanagu@yahoo.com

۵. گرگان، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، معاونت آموزشی، lm_jouybari@yahoo.com

مقدمه: بررسی های پژوهشی متعددی نشان می دهد که عملکرد تحصیلی دانشجویان و فعالیت های مرتبط با آن در دوره آموزش دانشگاهی از کیفیت مطلوبی برخوردار نیست. دانشجویان مستعد از توانایی های خود به خوبی استفاده نمی کنند و از امکانات دانشگاهی، استفاده مطلوب و مناسب صورت نمی گیرد. دانشجویان اکثرا روحیه علمی و انگیزه کافی ندارند و معمولا به جای توجه به ارتقای سطح علمی خود به ارتقاء سطح تحصیلی (اخذ مدارج بالاتر) می اندیشند. از عوامل زیادی در خصوص این نارسایی آموزشی یاد شده است که می توان به عدم توفیق دانشگاه ها در ایجاد روحیه علمی و عدم آشنایی و انگیزه از رشته تحصیلی آنها باشد. هدف: تعیین میزان آشنایی و انگیزه دانشجویان رشته علوم پزشکی از رشته تحصیلی در زمان انتخاب رشته.

روش: در این مطالعه توصیفی مقطعی ۲۹۴ دانشجوی علوم پزشکی در سال ۱۳۸۸ مورد مطالعه قرار گرفتند با استفاده از پرسشنامه مشخصات "دموگرافیک، تحصیلی دانشجویان و میزان آشنایی با و انگیزه انتخاب رشته" مورد بررسی قرار گرفت. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون های آماری توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: ۶۲.۹ درصد شرکت کنندگان مونث بودند. تنها ۲۵.۴ درصد دانشجویان بلافاصله بعد از اخذ دیپلم وارد دانشگاه شدند. ۵۵.۸ درصد بعد از یک سال و مابقی ۲ سال و یا بیشتر وارد دانشگاه شدند. ۲۵.۳ درصد دانشجویان اظهار داشتند با رشته خود آشنایی زیاد و ۴۳.۹ درصد آشنایی متوسط و ۳۰.۷ درصد آشنایی کم داشتند و از نظر انگیزه نسبت به رشته انتخابی ۳۷.۷ درصد از انگیزه بالا، ۳۶.۲ درصد از انگیزه متوسط و ۲۶.۱ درصد از انگیزه ضعیفی برخوردار بودند. بین دو متغیر آشنایی به رشته و نوع رشته با "انگیزش نسبت به رشته" ارتباط معنی دار آماری دیده شد ($P=0.001$). دانشجویانی که نسبت به رشته خود انگیزه خوبی داشتند آینده رشته خود را نیز خوب می دیدند ($P=0.001$).

بحث و نتیجه گیری: در یک بررسی بر ۱۵۲۲ دانشجو از سراسر کشور نشان داد حدود ۱۵ درصد از دانشجویان از رشته تحصیلی خود ناراضی هستند و حدود هشتاد درصد آنان انگیزه کافی برای درس خواندن ندارند. پژوهش های دیگر نیز آمارهای مختلفی را از نارضایتی دانشجویان از رشته تحصیلی خود حکایت می نماید. این عدم تمایل و نگرش منفی، علاوه بر اینکه منجر به هدر رفتن بخشی از امکانات و منابع کشور، اتلاف وقت و عمر دانشجویان و عدم استفاده مناسب از منابع مادی و انسانی بر پیشرفت کشور می شود، می تواند عوارض ناخوشایندی نیز برای بهداشت و سلامت روانی دانشجویان در پی داشته باشد. اگر قرار است دانشجویان فعلی، ارائه دهندگان خدمات بهداشتی، پاسخگو مسئول باشند و سبب تعالی سیستم های آموزشی درمانی شوند اتخاذ تدابیری مناسب قبل از ورود به دانشگاه و حین دوره تحصیلی از اهمیت خاص برخوردار خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: رشته تحصیلی، انگیزه، دانشجویان علوم پزشکی

(NP24)

اهمیت کاربرد آموزش الکترونیک در درس آناتومی و اثربخشی آن در یادگیری

محمدحسن کریم فر*، آقای شهرام محمدپور، آقای ابراهیم خرازی نژاد

* استادیار دانشگاه - ایلام دانشگاه علوم پزشکی mhkarimfar@yahoo.com

دهکده جهانی و عصر انفجار اطلاعات و پیامدهای ناشی از آن باعث تحول در زمینه های مختلف زندگی بشر اعم از زندگی روزمره، تجارت، اقتصاد و خصوصاً در امر آموزش علوم پزشکی گردیده است. این روزها آموزش باید مفهومی جدید، متناسب با نیازهای روز بشر به خود بگیرد. توسعه روزافزون شبکه جهانی گستر وب، افق جدید را پیش روی مؤسسات آموزشی علوم پزشکی قرار داده است. به نظر می رسد استفاده از این امکانات جدید برای آموزش، به تحقق برخی از آرزوها و آرمانهایی که به عنوان ملاکهای کیفیت آموزش از آن نام برده می شود از جمله فراگیر محوری، یادگیری فعال، تعامل در یادگیری و چند رسانه ای بودن کمک کند این مطالعه با هدف بررسی کاربرد اینترنت و آموزش الکترونیک در آموزش درس آناتومی و میزان اثربخشی آن در یادگیری صورت گرفته است. برای همه مشخص شده است که یادگیری دروس آناتومی از همه دروس مشکل تر بوده و سریعتر فراموش می شود. برای اینکه بتوانیم یادگیری آن را آسان تر، میزان آنرا بیشتر و مدت ماندگاری مطالب را در ذهن افزایش دهیم. در درس آناتومی یک برای دانشجویان رشته اطلاق عمل به روش سنتی تدریس کردیم و درس آناتومی دو را به روش ابداعی تدریس نمودیم به این شکل که از هر کدام از دانشجویان خواسته شد تا با استفاده از کامپیوتر و اینترنت و شبکه جهانی گستر وب یک موضوع مشخص را تحقیق کنند و تصاویر، اسلایدها و مطالب تهیه شده را به استاد و دانشجویان همکلاسی خود تحویل دهند که سایر دانشجویان نیز آنها را مطالعه و بررسی کرده و اشکالات آنها را لیست کنند و استاد نیز از همان اسلایدها برای تدریس موضوع مربوطه استفاده کند که در مقایسه با درس آناتومی یک باعث افزایش سطح علمی و همچنین رضایتمندی بیشتر دانشجویان گردیده است و پیشنهاد می شود که کمیته های نوآوری در آموزش علوم پزشکی جهت هدایت و هدفمند نمودن فعالیتهای اساتید تشکیل گردد تا اثربخشی بیشتر آموزش را شاهد باشیم. همچنین کمیته های دانش پژوهی و نوآوری در آموزش در ساختار و چارت سازمانی دانشکده ها گنجانده شود.

راهبردهای مدیریت تغییر در برنامه درسی رشته های علوم پزشکی در عصر تحولات سریع اطلاعات و دانش

رمضان رحمانی ، فاطمه رحمانی ، حسن ملکی ، یدا. وهابی ، محمد مهدی سالاری ، حسن قشونی، بتول نحیر
دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌اله

یکی از چالشهای بزرگ در آموزش علوم پزشکی در عصر جدید تغییرات و تحولات سریع در اطلاعات و تولید دانش است. در دو دهه اخیر سرعت تولید ، تغییر و انتقال اطلاعات، دانش و فناوری در جهان و در تمامی علوم افزایش چشمگیری پیدا کرده است، به طوری که در حال حاضر جهان به سوی خلق یک جامعه دانش محور پیش می رود، که تغییرات آن بسیار سریع است. علوم پزشکی نه تنها از این قاعده مستثنی نیست بلکه به جهت ارتباط مستقیم این علوم با جسم و روح و سلامتی انسان، متخصصین این رشته های علمی به مراتب بیشتر از سایر علوم نیاز به همگامی با این تغییرات سریع دانش دارند. تا بتوانند جدید ترین یافته های علمی را در امر بهداشت، درمان و آموزش بکار گیرند. شرایط انفجار دانش و تغییرات سریع آن و در نتیجه منسوخ شدن روشهای تشخیص ، پیشگیری و درمان جاری در عصر حاضر، علوم پزشکی و نظامهای آموزشی را با چالش تغییر و دگرگونی های سریع مواجه ساخته است. طراحی برنامه های درسی به روز برای ارایه جدید ترین محتوای آموزشی به دانشجویان علوم پزشکی و توانمند سازی فراگیران برای یادگیری سریع و آسان از ضرورت های مهم و قابل توجه نظامهای آموزشی دانشگاههای علوم پزشکی است. برنامه درسی: عبارت است از طراحی فرصت ها ، فعالیت ها و تجارب یادگیری برای فراگیران . عناصر اصلی یک برنامه درسی عبارتند از: اهداف آموزشی ، محتوای آموزشی ، روش های آموزش و ارزشیابی در شرایط عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات و تغییرات سریع در تولید دانش و روشها ، ضمن اینکه تمامی عناصر برنامه درسی دستخوش تغییرات و دگرگونی می شوند. به نظر می رسد محتوا و روشهای آموزش بیشتر از سایر عوامل دچار تغییر می گردند. در این شرایط مدیران آموزشی و طراحان برنامه های درسی علوم پزشکی به منظور همراهی با این تغییرات و آمادگی و موفقیت در مقابله با چالشهای آن نیازمند اتخاذ تدابیر مدیریتی و راهبرد هایی هستند که مناسب و پاسخگوی این تغییرات و شرایط باشد. راهبردهای پیشنهادی چند برای طراحی برنامه درسی در عصر جدید (فناوری اطلاعات و ارتباطات): ۱- باز نگری سالانه در محتوای برنامه درسی رشته های تحصیلی ۲- بکار گیری روشهای نوین در آموزش و تدریس به ویژه ICT ۳- ایجاد مهارتهای یادگیری خود محور ۴- مهارتهای تفکری سطوح بالا (تفکر نقادانه ، استدلال، پرسش، استفاده از فرآیندهای علمی تفکر در باره سیستمهای پیچیده، تفکر کل نگر، تفکر انتزاعی، خلاقیت) ۵- یاد دادن نحوه یادگیری (چگونه یاد گرفتن) به فراگیران و توانمند سازی آنان به خود یادگیری و دستیابی به منابع اطلاعاتی الکترونیکی و استفاده از آنها ۶- توسعه مهارتهای فراشناختی (مهارتهای فراشناختی شامل خودآگاهی، خودنظارتی و خود تنظیمی می باشد) ۷- خود ارزشیابی در یادگیری ۸- توسعه و توجه جدی به یادگیری مادام العمر به دانشجویان و دانش آموختگان علوم پزشکی: سازمان یونسکو در رابطه با مسئله تغییر ، پیشرفت سریع دانش و برای هدف ایجاد جامعه دانش محور در قرن بیست و یکم ، دو ایده اساسی را در نظامهای آموزشی به جامعه جهانی توصیه نموده است: ۱) چهار رکن یادگیری یعنی: یادگیری برای دانستن ، یادگیری برای انجام دادن ، یادگیری برای زیستن و یادگیری زندگی با دیگران ۲) یادگیری مادام العمر در جهت تحقق این هدفها در سطح جهانی سازمان یونسکو در حمایت از کشور ها در رسیدن به هدفهای برنامه جهانی " آموزش برای همه تا سال ۲۰۱۵ " راهنمای عملکرد جهانی را منتشر کرده است. در بخش دستور العملهای راهبردی آن به این مطلب اشاره دارد که افراد هر جامعه باید به صورت "متفکرانی که کار می کنند و کار گرانی که فکر می کنند" تربیت شوند. برای تربیت این افراد، نظام آموزشی باید آموزش یادگیری مادام العمر را هدف قرار دهد، و در این راستا باید روشهای خلاق و مناسبی را در پیش گیرد.

کلیدواژه‌ها: آموزش علوم پزشکی ، راهبرد ، برنامه درسی ، عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات ، مدیریت تغییر

بررسی میزان مشارکت اعضای هیئت علمی در تصمیم گیریهای دانشگاهی از دیدگاه مسئولین آموزشی در دانشگاه

علوم پزشکی شهرکرد-۱۳۸۸

معصومه معزی*، دکتر جعفر نصیری، محمد رحیمی، امیر علی ناطق، دکتر بهروز پورحیدر
* استادیار گروه پزشکی اجتماعی مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی - شهرکرد - خیابان کاشانی - ستاد دانشگاه علوم پزشکی،
معاونت آموزشی - مرکز مطالعات Imoezzi@yahoo.com

مقدمه: دانشگاه علوم پزشکی بعنوان سازمان متولی سلامت جامعه بوده و اعضای هیئت علمی از ارکان اساسی عملکرد این سازمان بوده و میزان مشارکت آنان در تصمیم گیریها قطعاً در پیشبرد اهداف تاثیرگذار خواهد بود. این مطالعه با هدف تعیین میزان مشارکت اعضای هیئت علمی در فعالیتهای مختلف از دیدگاه مسئولین آموزشی دانشگاه انجام گرفت.

روش: مطالعه حاضر مطالعه توصیفی - مقطعی بوده و مسئولین آموزشی دانشگاه شامل روسای دانشکده ها، معاونین آموزشی دانشکده ها و مدیران گروههای آموزشی بصورت سرشماری مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزار جمع آوری داده ها پرسشنامه پایا و روا بود که میزان مشارکت اعضای هیئت علمی در حوزه های آموزش، پژوهش، امور هیئت علمی، مدیریت گروه و دانشگاه را بصورت لیکرت مورد بررسی قرار می داد. در این مطالعه کسب میانگین ۲/۶-۱ مشارکت کم، ۲/۶۱ تا ۳/۵ متوسط و ۳/۵۱ تا ۵ مشارکت بالا در نظر گرفته شد. داده های کسب شده از طریق نرم افزار spss13 و پارامترهای آماری توصیفی تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: بیشترین میزان مشارکت به حوزه آموزش با میانگین $3/89 \pm 0/9$ و کمترین به مشارکت در حوزه امور مربوط به اعضای هیئت علمی ($2/88 \pm 0/8$) اختصاص داشت. میزان مشارکت اعضای هیئت علمی در حوزه پژوهش ($3/41 \pm 1/003$) و مدیریت گروه و دانشگاه ($3/05 \pm 1/109$) در حد متوسط بود.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به میزان مشارکت کمتر اعضای هیئت علمی در حوزه های غیر از آموزش بنظر میرسد فراهم نمودن تمهیدات و ساختار لازم توسط مسئولین امر جهت جلب مشارکت اعضای هیئت علمی و ترغیب آنان به مشارکت بیشتر در کلیه حوزه ها لازم می باشد.

کلیدواژه ها: مشارکت، تصمیم گیری، اعضای هیئت علمی

(NP27)

پاسخگویی به جامعه، پارادایم جدید آموزش پزشکی

مصطفی دهقانی پوده*

* اصفهان- خیابان هزار جریب- دانشگاه علوم پزشکی اصفهان- دانشکده پزشکی- دفتر توسعه آموزش،
m_dehghani@edc.mui.ac.ir

هدف اصلی دانشکده های پزشکی تربیت پزشکانی است که بتوانند به بهترین نحو آلام و بیماریهای جامعه را تسکین و التیام بخشند تا در نهایت منجر به ارتقاء سطح سلامت جامعه شوند. از طرفی با توجه به تعریف WHO از پاسخگویی به جامعه یعنی "التزام به جهت دهی آموزش پژوهش و ارائه خدمات به سمت رفع نگرانی های سلامتی اولویت دار"، در حقیقت دانشکده هایی در این امر موفق هستند که پیوسته در فرایندهای خود طوری بازنگری میکنند که نیازهای جامعه خود را مرتفع سازند و در این راستا هدفشان ایجاد یک نظام سلامت متناسب با نیازها، با کیفیت، هزینه اثر بخش و عادلانه بوده و کلیه آحاد جامعه از خدمات آن بهره مند گردند. در بسیاری از کشورهای جهان از جمله کانادا برنامه های کشوری در این خصوص تهیه و اجرا شده است. البته در برخی از کشورهای در حال توسعه مثل نپال و مکزیک نیز پاسخگویی به نیازهای جامعه در مراحل بسیار ابتدایی خود شروع شده است. در این راستا با مینا قرار دادن اصول پاسخگویی میتوان علاوه بر جلوگیری از سردرگمی در اهداف، قداست رشته پزشکی که بنظر میرسد در حال کمرنگ شدن است را احیا نمود. راهکار عملیاتی: ۱- دستیابی به ادبیات مشترک - ۲- بسترسازی - ۳- بازنگری در سرفصلهای دروس مختلف رشته پزشکی اعم از علوم پایه و بالینی ۴- اجرا و ارزشیابی اما در دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان هم اکنون با تشکیل شورای جامعه نگر و برگزاری اولین جلسه از آن، اولین گام در زمینه بستر سازی برداشته شده است که در ادامه میبایست با یاری خداوند متعال با برپائی یک کارگاه آموزشی نسبت به دستیابی به ادبیات مشترک نیز اقدام شود، البته برنامه های اولیه آن نیز آماده شده است که به محض تصویب در جلسه آتی شورای جامعه نگر دانشکده، این کارگاه برگزار خواهد شد

**آیا دانشگاه یک سازمان یادگیرنده است؟**رامین سرچمی^۱، پرویز فلاح عابد^۲، علی اکبر زینالو^۳

* ۱- مربی علوم پزشکی قزوین - قزوین، بلوار شهید باهنر، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی
sarchami_3000@yahoo.com

۲- دانشیار علوم پزشکی قزوین - قزوین، بلوار شهید باهنر، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

۳- دانشیار علوم پزشکی قزوین - قزوین، بلوار شهید باهنر، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

مقدمه: یکی از ویژگی‌های اساسی سازمان‌های هزاره جدید، شکل‌گیری آنها بر مبنای یادگیری است. سازمان یادگیرنده، سازمانی است که یادگیری و دریافت دانش و مهارت‌های جدید را اولویت اصلی خود قرار می‌دهد و نه تنها یادگیری توسط تمام مدیران و کارکنان، بلکه اشاعه موارد یاد گرفته شده را در سازمان تشویق می‌کند. هدف: این مطالعه بمنظور تعیین دیدگاه اعضای هیأت علمی در رابطه با میزان تطابق معیارهای موجود در دانشگاه با عناصر سازمان یادگیرنده در سال ۱۳۸۵ انجام گرفته است.

روش: در این مطالعه از پرسشنامه ای مشتمل بر ۵ سوال باز استفاده شد که میزان تطابق وضعیت دانشگاه را در ارتباط با هریک از عناصر سازمان یادگیرنده مورد بررسی قرار میداد. این پرسشنامه در بین دو گروه از اعضای هیأت علمی با سابقه بالا و نزدیک به بازنشستگی و افراد با سابقه کمتر از ۱۰ سال توزیع و پس از تکمیل جمع‌آوری گردید.

یافته‌ها: از بین پنج ویژگی سازمانهای یادگیرنده یعنی وجود الگوهای ذهنی، آرمان مشترک، یادگیری تیمی، قابلیت فردی و در نهایت تفکر سیستمی در دانشگاه، بالاترین میزان توافق به ترتیب بر روی تفکر سیستمی و آرمان مشترک بود و سه جزء دیگر یعنی الگوهای ذهنی، قابلیت فردی، و یادگیری تیمی در رده‌های بعدی قرار داشتند. همچنین در ارتباط با درصد وجود هریک از اجزاء فوق در دانشگاه، اکثریت پاسخ دهندگان در هر پنج مورد، این میزان را نزدیک به صفر در نظر داشتند.

بحث و نتیجه گیری: مدیران نیاز دارند که برای حفظ بقا، سازمان‌ها را با دگرگونی‌ها هماهنگ سازند و برای دستیابی به این امر، باید به یادگیری به عنوان پدیده‌ای ارزشمند بنگرند و بدینوسیله همواره خود را آماده پذیرش تغییرات کنند و کارکنان سازمان را نیز با دگرگونی‌ها همراه سازند. بهره‌وری محور اصلی سازمان‌های یادگیرنده می‌باشد و برای نیل به آن باید مرتب در بالا بردن اطلاعات، دانش و توانایی خودشان کوشش کنند و بر آموزش کارکنان ارزش قائل شوند.

کلیدواژه‌ها: مدیران دانشگاهی، سازمان یادگیرنده، دانشگاه

بررسی دیدگاه اعضای هیئت علمی در مورد نظارت مدیران گروه‌های آموزشی بالینی بر انجام برنامه های آموزشی

روزیتا حسینی^{*}، داریوش سوادی اسکوئی، زینب خلیل زاده، حسن جلیلیان، آیدین دهقان زاده، سهیلا مجتبیایی، رقیه ماکویی، نگار بناکار

تبریز - خیابان گلگشت - خیابان عطار نیشابوری - دانشکده پزشکی - دفتر توسعه آموزش،

* Hoseine1375@yahoo.com

مقدمه: به کار بردن شیوه های نظارتی که به ابعاد آموزشی توجه دارد، میتواند موجب افزایش اثر بخشی فعالیتهای آموزشی گردد. یکی از مهمترین فعالیتهای مدیریت و رهبری در سازمانهای آموزشی نظارت بر اجرای برنامه های آموزشی می باشد. هدف از این مطالعه بررسی دیدگاه اعضای هیئت علمی در مورد نظارت مدیران گروههای آموزشی بالینی بر انجام برنامه های آموزشی می باشد.

روش : در یک مطالعه توصیفی در سال ۱۳۸۸ برای ارزیابی فعالیت ۱۵ نفر از مدیران گروههای بالینی ۲۱۴ فرم تهیه شد و توسط اعضای هیئت علمی گروههای آموزشی تکمیل گردید. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه نظر سنجی از هیئت علمی در مورد فعالیتهای مدیر گروههای بالینی بود. بعد از حذف فرمهای مخدوش از مطالعه داده ها با نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. **یافته ها:** از میان اعضای هیئت علمی ۱۵ گروه آموزشی بالینی ۹۱٪ افراد نظارت بر اجرای برنامه های آموزشی توسط مدیر گروه را مطلوب و ۷٪ نیمه مطلوب و ۲٪ نا مطلوب دانسته اند.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به نتایج فوق مدیران گروههای بالینی تدابیر و راهکارهای موثر در جهت ارتقاء هر چه بیشتر نظارت بر انجام برنامه های آموزشی را اتخاذ می نمایند.

کلیدواژه ها: نظارت، برنامه آموزشی، مدیران گروهها، هیئت علمی



نمایه نویسندگان

الف

- آذربیزین، مهرداد 182،
 آر تیمانی، طیبیه 66،
 آزما، کامران 58،
 آقائی، میبدی، محمد رضا 60،
 آقایی، سارا 326،
 آقایی، سودابه 66،
 آقایی، سویل 145،
 آقاخانی، نادر 240،
 آقاملایی، تیمور 63،
 آهنگری، مهدی 133،
 آویژگان، مریم 163، 254
 ابراهیم زاده، عیسی 40
 ابراهیم طاهری، گیتی 213، 167
 ابراهیمی، الهام 184،
 ابراهیمی، صدیقه 187، 217،
 ابراهیمی، احمد 219،
 ابراهیمی، صدیقه 232، 241، 59،
 ابراهیمی، امرالله 219،
 ابولوردی، مسعود 265، 310،
 احتشامی، سارا 229،
 احسانپور، سهیلا 298،
 احسانی، مریم 123،
 احسن، مجید 273،
 احمدی، مریم 102،
 احمدی، صغری 302،
 احمدی، سلیمان 37،
 احمدی پور، حبیبیه 185،
 اخلاقی، محمد رضا 86،
 ادهمی، اشرف 189،
 ادهمیان، پردیس 255،
 ادیبی، پیمان 166،
 ارجمند، میر جلیل 159،
 آرش، ماندانا 184،
 ارشاد سرابی، رقیه 127، 189، 160،
 اسبکیان، بهاره 93،
 اسحاقی، رضا 185،
 اسدی، زهرا السادات 128،
 اسدی، عطا... 164،
 اسدی، عطاء اله 180،
 اسدی، رضا 224،
 اسفندیاری، الهام 219،
 اسلامی نژاد، طاهره 127، 160،
 اسماعیل زاده، زهره 91، 150، 192، 198، 241،
 اسماعیل نسب، نیما 291،
 اسماعیلی، آتوسا 163، 254،
 اسماعیل زاده، زهره 108، 92،
 اسمعیل قربانی نژاد، محمد 250،
 اسودی کرمانی، تورج 290،

اسودی کرمانی، اتابک 290،
اشرف گنجویی، زهره 148،
اشکانی، سهیل 59،
اصالت منش، سوفیا 104،
اصغرزاده، اکبرعلی 119،
اصلانی، اعظم 125،
اطهری، فر، رضا 240،
اعتصام، خاطره 234، 297،
افراسیابی، صدیقه 123، 74، 105،
افراسیابی، صدیقه
افراسیابی، صدیقه
افراسیابی، زهره 115،
افضلی، علی 175،
اقبال، عبدالعظیم 54، 153،
اقبال، عبدالعظیم
اقدسی، ناهید 67،
اکابریان، شرافت 152، 123،
اکابریان، شرافت
اکبر ده حقی، علی 158،
اکبرزاده، فریبرز 145،
اکبری، محمد اسماعیل 40،
اکبری، حسین 151،
اکبری، نسreen 181، 191،
اکبری، نسreen
اکبری، محمد 192،
اکبری، حسین 197،
اکبری، زهرا 249،
اکبری، اکرم 287،
اکبری، مجید 231،
الهیاری، الهام 280،
امام جمعه، محمدرضا 192،
امامی، امیرحسین 183،
امامی رضوی، حسن 130،
امانت، آیدا 279،
امید، دکتر اطهر 163،
امیری، حسن 242،
امینی، میترا 256، 66، 91، 92، 118، 150، 190، 192، 198، 246، 250، 265،
267، 286، 294، 310،
امینی، منوچهر 183،
امینی، صدیقه 190،
امینی، ابوالقاسم 228،
امینی پور، محمدرضا 122، 153،
امید، اطهر 49،
امیری، میرسجاد 108،
امینی پور، محمد رضا 81،
امینیان، علی 130،
انصاری، زهره 149،
انوری، میلاد 252، 273، 286،
اولادی، سمیه 72، 133،
اولی پور، علیرضا 100، 78،
اینالو، سرور 121، 203، 63،



بابا شاهی، منیره 78،
 بازرگانی، محمدرضا 265، 286،
 باغچقی، نیره 224،
 باقرزاده، راضیه 65، 74، 115، 123،
 باقری لنکرانی، کامران 34،
 بانوی، محمد 295، 306،
 ببری، شیرین 167،
 بخت، رفعت 66،
 بخشی، حمید 173، 216،
 بدیعی، پروژین 250،
 بذرافکن، لیلا 187، 190، 225، 88، 60،
 برادران، آذر 219،
 برادران، حمید رضا 114، 251، 257، 282، 304،
 بر خورداری، معصومه 136،
 بردبار، اختر 56،
 بروملز، متر 48،
 بریم نژاد، لیلی 148،
 بزم، سهیلا 150،
 بهادرخانی، مجید 48،
 بهارلو، مرضیه 129،
 بهرادمنش، سعید 219،
 بهرام پور، قمر 239،
 بهرام رضایی، مؤده 69،
 بهرامخانی، لیلا 247،
 بهرامخانی، فریده 247،
 بوشهری، الهام 39،
 بیابانگردی، زینب 296، 39،
 بیدگلی، مسعود 106،
 بیلان، نعمت 73، 217،
 بیات، نوشین 138،
 بیرقی طوسی، آرش 42،
 بیکمرادی، علی 48،
 بیگدلی، شعله 39،
 بیگلرخانی، مهدی 320،

پ

پازکیان، مرضیه 222،
 پاسبان، فاطمه 212،
 پاشا، افسانه 157، 288،
 پالیزوان، محمدرضا 184،
 پرنیا، آیدین 273،
 پروانه، منیره 244،
 پروین، ندا 181،
 پرویزی، سرور 95،
 پناهنده، لیلی 126، 143،
 پنجه شاهین، مریم 250،
 پورارمنیان، محمد 58،
 پورحسینی، مصطفی 283،
 پورحیدر، بهروز 161،
 پورداراب، مدینه 56،
 پورشیخان، مجید 157، 288،
 پورعزیزی، محسن 277،
 پورمقیم، هادی 108،
 پورمیرزا کلهری، رضا 158، 156،

پوشانه، کامبیز 129،
پولادی، آرش 130، 69،
پیراسته، اشرف 197،
پیری، زکيه 57، 223،
پیمان، هادی 284، 293، 308،
پیمان، نوشین 97،

ت

تاج الدینی، نازیلا 179،
تبریزی، جعفر صادق 127،
تحریر، بتول 67،
ترک زاده، عاتکه 92،
تفنگچیها، شهناز 202،
تقریبی، زهرا 197، 151،
تقوی، امیر معین 231،
تقوی، نیا، منصوره 296،
تقوی، علیرضا 105،
تقی، خانی، افشین 219،
تقی، زاده، علی 242،
توفیقی، شهرام
توفیقی، شهرام 271، 120، 278، 283، 293، 58،
تیموری، مریم 200، 209،

ث

ثاقبی، روشنک 99،
ثناگو، اکرم 77، 102، 253، 266، 276، 305، 311،

ج

جامه بزرگ، زهرا 211،
جباری، مرتضی 205،
جدی آرانی، طیبه سادات 142،
جعفری، نوراله 231،
جعفری روحی، امیر حسین 242،
جعفریان، علی 130، 183،
جعفری، الهام 215،
جعفری روحی، امیر حسین 230،
جلالی، شیدا 129،
جلیلی، محمد 251، 183، 282،
جلیلیان، نسرين 145، 242، 158،
جلیلیان، ناهید 158،
جلیلیان، حامد، حسن 125،
جمالی، اختر 40،
جمعه زاده، محمد رضا 252، 273، 286،
جمند، طیبه 105،
جنیدی جعفری، احمد 109،
جهانپان، ایمان 314، 286،
جهانگیر، فرحناز 213،
جهانی، پگاه 265،
جهانی هاشمی، حسن 115،
جهانپان بهنمیری، زینب 93،
جوادی، فاطمه 275،
جوادی نیا، علی رضا 174،
جوادی، رفعت 210،



جوانمردی، فرناز، 267، 265، 286، 294، 310

جولایی، سودابه، 95

جوهری، زهرا، 197

جویباری، لیلا، 253، 301، 276، 311، 77، 102

جویانی، مهناز، 89، 113، 161

چالاکی، ثمانه، 216، 320

چتربر، قاسم، 80

چراغی، معصومه، 289

چنانه، مریم، 115

چنگیز، طاهره، 166، 200

چنگیزی آشتیانی، سعید، 231

چهرزاد، مینو میترا، 157

ح

حاج ابراهیمی، سکینه، 167، 132، 146، 45

حاج علیلو، مهرداد، 290

حاجی آبادی، طاهره، 134

حاجی آبادی، محمدرضا، 134، 112

حاجی آبادی، طیبه، 134

حاجی آقا جانی، سعید، 44

حاجی قاسمی، فاطمه، 178

حافظی، زهرا، 122، 149

حافظی مقدم، پیمان، 251، 282، 303

پیمانحافظی، زهرا، 81

حبیب زاده، حسین، 99

حبیبی، هنگامه، 295

حدادی، مشیانه، 218

حریریان، حمید رضا، 99

حسن پور، پیمان، 233

حسن زاده، اکبر، 200، 209

حسن زاده سلماسی، سوسن، 80، 165، 195، 200، 202، 226، 244، 43

حسینی اکبری، امید، 252، 273، 286

حسین کریمی، امیر، 294

حسینی، محمد علی، 46

حسینی، علی، 46

حسینی، عباس، 180

حسینی، مرضیه، 254

حسینی، محبوبه سادات، 138

حسینی، مسعود، 243

حسینی فولادی، شیوا، 261، 263، 264، 281، 289، 298

حسینیان، معصومه، 104

حضرتی کندجانی، حکیمه، 80، 195، 244

حق جوی جوانمرد، شقایق، 49

حق دوست اسکویی، فاطمه، 148

حق نگهدار، علی، 92

حق دوست، علی اکبر، 38

حکیم، هادی، 145

حکیم، اشرف السادات، 100، 199

حمزه، بهروز، 172

حمزه ای، زهرا، 127

حنیفی، نسرين، 95

حیدری، محمدرضا، 54، 153، 227، 81

حیدرانلو، اسماعیل، 67

خ

خاقانی زاده، مرتضی 186،
خاندان، مریم 318،
خانی آباد، ژیللا 194، 51،
خیابان مافی نژاد، محبوبه 296،
خدادادی، حسام الدین 273،
خراچی، مائده 135،
خرازی نژاد، ابراهیم 165،
خرم رودی، رزیتا 106،
خزائلی، پیام 47،
خزائی، آذر 285،
خزاعی، زهره 95، 126،
خزاعی، طیبه 112،
خزاعی، طاهره 112،
خسرویگی، علی 175،
خلقی فرد، حمیده 53، 53، 194،
خلیل زاد، علی 167،
خلیلی، رویا 190،
خلیل زاده، زهرا 101،
خمسه، محمد ابراهیم 304،
خواجه آزاد، مجتبی 58، 120، 137، 138، 227، 237،
خواجه زاده، مجتبی 293، 271،
خواجه کاظمی، راضیه 96،
خوش باطن، منوچهر 228،
خوشبخت، نگین 56،
خوشرنگ، حسین 164،
خوشنام، خاطره 234، 297،
خیری، فریدون 148،

د

دادگسترینیا، محمد 85، 86، 86،
دادمان، میترا 200، 209،
دارش، مریم 295، 306،
داشی پور، علیرضا 144،
دانشیدی، مرضیه 282، 303، 251،
داننده پور، عباس 109،
داوری، حمید رضا 116،
دبیر، سیروس 195،
درانی، کمال 55،
درخشان، اکبر 42،
درخشان، فریبا 90، 182،
درخشنده، سمیه 181،
دری پور، فاطمه 169،
دزفول منش، ژاله 158،
دل آرام، معصومه 172،
دل پیشه، علی 284،
دل پیشه، علی 293، 308،
دنبلی میانداوبی، فاطمه 226،
دهقان، فاتره 108، 122،
دهقان، هاجر 121، 63، 203، 248،
دهقان، حمیدرضا 251،
دهقان، حمیدرضا 307،
دهقانی، محمدرضا 66، 190، 192،
دهقانی، محمد 126،



دهقانی، مصطفی 200، 49،
 دهقانی، نسرين 53، 194،
 دهقانی، لیلا 65، 115،
 دهقانی پوده، مصطفی 163، 209،
 دهنویه، رضا 112، 88،
 دوايي، مهدی 129،
 دیانت، محمد 171،
 دیده دار، مریم 113،
 دیانت، مهین 171،
 ذوالفقاری، شیدا 283،

ر

رئیسى فر، افسانه 132،
 ربانی، عباس 130،
 ربانی، محمد رضا 140،
 رجایی، سیامک 117،
 رجبی، یوسف 289،
 رحمانی، الهام 73،
 رحمانی، رمضان 175،
 رحمت وند، ندا 154،
 رحیمی، محمد 161، 191،
 رحیمی مدیسه، محمد 262، 269، 101، 135،
 رحیمیان، قربانعلی 219،
 رحیمی، عباس 106،
 رحیمی، فاطمه 64، 121، 203،
 رخ افروز، داریوش 100،
 رزاقی، فاطمه 93،
 رسولی نژاد، اصغر 151،
 رشید زاد، رضا 64،
 رضا سلطانی، پروانه 157،
 رضائی، نسرين 233،
 رضا سلطانی، پروانه 288،
 رضایی، محمد جعفر 130،
 رضایی، موسی 178،
 رضایی، پیمان 223،
 رضایی، عاطفه 285، 311،
 رضایی صدر آبادی، محمد 251،
 رضایی، پروین 79، 43،
 رضایی، کورش 224،
 رضایی صدر آبادی، محمد 307،
 رفیعی، محمد رضا 61، 202، 222،
 رفیعی، فروغ 79، 148،
 رفیعی، الیاس 135،
 رفیق دوست، هوشنگ 235،
 رفیعی، ابوالحسن 97،
 رفیعی، محمد 46،
 رفیعی، ژینب 212،
 رمضان، سمانه 282، 303، 304، 112،
 رمضان، گیوی، سمانه 251،
 رنجبر، فاطمه 145،
 رنجبر، منصور 133،
 رنگرز جدی، فاطمه 188،
 رهبر، نرگس 240،
 روانگرد، زینت 160،

روانی پور، مریم 129, 152,
روخی، حمید 219,
روزبهی، امراالله 140, 170,
روشن پور، فرح 158,
روشن میلانی، شیوا 240,
ریحانی، میر حجت 280, 287,
ریسی، پوران 50,

ز

زادگان، علیرضا 154, 155, 159, 190, 205, 221, 238, 64,
زادگان، نادره 159,
زارع، شهرام 174,
زارعی، علی 237,
زارعی، اصغر 106,
زارعیان، پروین 42, 199,
زاهدی، مریم 302,
زربان، امینه 284, 293, 308,
زرشناس، لادن 312,
زمانی، بتول 141,
زمانی، ندا 185,
زنجانی، زهرا 119,
زند، ساناز 251, 307,
زندى، بهمن 225, 98,
زندى، هنگامه 251, 307,
زیبایی، محمد 175,

س

ساجدی، نورالسادات 62, 207,
ساریچلو، محمد ابراهیم 115,
سالاری، محمد مهدی 175,
سالک، فریبا 81
سالک رنجبرزاده، فریبا 165, 195, 202, 203, 226, 244,
سالک زمانی، یعقوب 238,
سالم صافی، پرویز 280, 287,
سالم صافی، رضا 280, 287, 308,
سامی، مریم 249,
سبز مکان، لیلا 247,
سبزواری، سکینه 189,
سپهوند، محمد 289,
ستایش برحق، مهدی 156,
ستوده جهرمی، عبدالرضا 279,
سجادی، پروین 244,
سرچمی، رامین 41, 84,
سررشته داری، مجید 90, 247,
سرمدی، محمد رضا 192,
سرهنگی، فروغ 132,
سکاکی، علی 208,
سلامی، حسن 154, 155, 159, 190, 205, 221, 64,
سلامی رنجبران، حسن 238,
سلامی کهن، کبری 157, 288,
سلحشوری، یاسر 72,
سلطانی عربشاهی، کامران 114, 206,
سلمانزاده، حسین 300,
سلیم زاده، احمد 183,



سلیمانپور، حسن 242،

سلیمانی، زهرا 141،

سلیمی، محمد 211،

سلیمی، ابراهیم 295،

سمیعی زاده طوسی، طیبه 144،

سمیعی راد، فاطمه 71، 105، 109، 110،

سهرابی، زهره 71، 143،

سهرابی زاده، ساناز 233،

سهیلی، فرناز 289،

سوادزاده، شهین 139،

سوادی اسکویی، داریوش 125، 131، 154،

سوکی، زهرا 197،

سیاح برگرد، مهدی 171،

سیاح ملی، منیژه 142،

سید فاطمی، دکتر نعیمه 148،

سیاوش وهابی، یدالله 67،

سیروس، سلیمه 255، 309،

سیروس، سلیمه

سیفی، اکرم 46،

ش

شاددل، مینو 61،

شاه غیبی، شعله 69،

شاه کرمی، فاطمه 313،

شاهین فر، حمید 277،

شاهینی، نجمه 301،

شایسته، دکتر علی اکبر 171،

شایقی، صدیقه 66، 225،

شبانکاره، نسرين 105،

شجاعی زاده، داوود 213،

شجاعیان، بهمن 225،

شجاعی، فاطمه 97،

شجری، ژيلا 40،

شرف خواه، علی 250، 265، 267،

شریف زاده، غلامرضا 285، 311،

شریفی، خدیجه 197،

شریفی مود، فرنوش 311،

شریعتی، احمد 77،

شریفیان، سکینه 96،

شعیبی، ناصر 97،

شغلی، علیرضا 48،

شفیعیان، هاجر 127،

شکارچی، بابک 58، 199،

شکری، ناصر 89، 161، 113،

شکری زاده ارانی، لیلا 81،

شکور، مهسا 52، 270،

شکورنیا، عبدالحسین 176،

شکوه، فروزان 46،

شمس، فریماه 149،

شمس، بهزاد 185،

شمسی، محسن 231،

شهناز نژاد، لیلا 229،

شهیدانی، الهام 249،

شهیدی، شهلا 318،

شوقی شفق آریا، فرنگیس 55, 55, 83,
شیخها، محمدحسن 54, 81,
شیعه، هاجر 111,
شیوا، سیامک 217, 230,
شیرانی، رضا 302,
شیرین حصار، راضیه 53,
شیعه، هاجر 232, 241,

ص

صابر، محبوبه 111, 163, 190,
صابری، حمیدرضا 141,
صادقی، سمیه 119,
صادقی، مصطفی 173,
صادقی، جمیل 293,
صادقی، بازرگانی، همایون 146,
صادقی حسن آبادی، علی 256,
صادقی فر، الیزا 146,
صادقی فر، جمیل 284, 295, 306, 308,
صادقی غیاثی، فاطمه 45, 132, 167,
صادقی غیاثی، معصومه 167,
صالحی، آسیه 196, 233,
صالحیان، تهمینه 191,
صالحی فراهانی، الهه 184,
صباحی بیدگلی، محمد 56, 142,
صبری، محمدرضا 255, 309,
صبوری، مسیح 315,
صحاف، فرناز 142,
صداقتی، مریم 123,
صدوقی، فرحناز 188,
صفاری، زهرا 190,
صفاری، محسن 213,
صفایی، ناصر 203,
صفدری، رضا 68,
صفدری، علی 135,
صفدری، فرانک 181,
صفدری ده چشمه، فرانک 191,
صفدری، فاطمه 90,
صلحی، مهناز 313,
صلصالی، مهوش 137,
صمدی، محمود 230,
صومی، محمد حسین 169,
صیادی، ندا 100,

ض

ضمیران، بهار 228,
ضیایی، زهرا 249,

ط

طالبیان، احمد 141,
طالبی، رضا 108,
طاهر پور، معصومه 258,
طاهری، بجد، سارا 285,
طاهری، ماهدخت 164, 180,
طباطبایی، شیمما 260,



طیبی، جمال الدین 50،
طلایی، طاهره 100،
طلب اوینی، عرفان 251،
طهرانی، هادی 213،

ظ

ظریف، هومن 312،

ع

عابدی مدیسه، سمیه 262،
عابدی مدیسه، شیما 135، 262
عابدینی، سمیرا 174،
عابدینی، سمیرا 210،
عادل مهربان، مرضیه 124،
عازمیان، آزاده 62، 207، 92،
عالم رجبی، فاطمه 54، 122، 153، 227،
عالم رجبی، مهدی 54،
عاملی، حسین 151،
عبادی، عباس 67، 295،
عباسپور، علیرضا 258،
عباسی، کریم 60،
عباسی، علیرضا 156، 96،
عباسی، علی 194،
عباسی، عمار 266،
عباسی، محسن 282،
عباسی، سعید 218،
عبدالکریمی، امیر 289،
عبدالمالکی، پروانه 51، 75، 194، 75، 201،
عبدالمالکی، سعید 51، 75، 201،
عبدالمالکی، قیاد 75،
عبدالملکی، احمد 313،
عبداله زاده، مریم 257، 296،
عبیدی، نرگس 239،
عرفان طلب، پیمان 303،
عزیزیان، فاطمه 278،
عزیزیان فر، مرضیه 284، 293، 308،
عسگری، فریبا 292،
عسگری غنچه، کریم 48،
عشوریون، وحید 163، 255، 309،
عطوف، فاطمه 119،
علا، علیرضا 242،
علامی، عباس 90، 90،
علوی نیا، علی 227،
علوی نیا، فاطمه 227،
علی پور، احمد 225،
علیپور یگانه، فاطمه 146، 45،
علیزاده، سجاد 289،
علیزاده، مریم 52، 270،
علیزاده، مهستی 291، 125، 179،
علی اکبری، فاطمه 178،
علی پور، احمد 98،
عمادی کوچک، حمید 183،
عودی، داود 212،

غ

غراوی،انه محمد260،
غریبی، طویه 115،
غریبی،طویه65،
غفاری،رضا179,202, 131, 142, 169, 228, 242،
غفاریفر،سعیده125،
غفوربان بروجردنیا،مهتری176،
غلامی،عباس168, 183،
غلامی،مریم105،
غلامی،مرجان105،
غلامی رنانی،وجیهه321،
غنا،سامیه288, 305, 311،
غیبی، نعمت الله 109،

ف

فاخری،طراوت145, 242،
فاضل،اسماعیل63،
فاطمی،امیرعلی263, 281, 289, 298, 261, 264،
فانی،دینا267،
فتاحی زاده،لیدا44،
فتح اللهی،یوسف295, 306،
فتیحی واجارگاه،کوروش186،
فخاریان،اسماعیل141, 151،
فخرزاد،مریم61, 163،
فخرزاد،نورالهدی163, 60, 196،
فخری، سعادت 115،
فرح نژاد،زهره42, 58, 62, 199،
فردوسی،علی اکبر67،
فردی آذر،زهره142،
فرزادفر،فرشاد69،
فرزندی پور،مهرداد81،
فرزبان پور،فرشته106،
فرشاد،علی اصغر313،
فرمانبر، ربیع الله 50،
فرهادی،پویا232،
فرهمند،ابوالفضل168،
فرهودی،مهدی146،
فروزنده،نسرین182،
فصیحی هرنندی،طویه189،
فقیه ملک مرزبان،تهمینه218, 219،
فلاح، پرویز84،
فلاح،محمد صالح58, 120, 271, 283, 293،
فلاح،علی محمد307،
فلاح تفتی،علی محمد251،
فلاح عابد،پرویز110, 208،
فلاحی،مجید313،
فتابی،دکتر سید احمد137،
فیضی،اکرم306،

ق

قائدامینی،روح الله278،
قادری پاکدل،فیروز218،
قادری نانسا،لیلا223،
قاسم زاده،عالیه142،



قاسمی، شهناز: 174،

قاسمی، زهرا: 110،

قاسمی، شراره: 275،

قدسی، رقیه: 56،

قربان نیتی، مالک: 154، 190، 205، 221،

قربانی، اعظم: 115،

قربانی، راهب: 283،

قربانی نژاد، محمد اسمعیل: 265، 267، 286، 310،

قریب، آتوسا: 40،

قریب، میترا: 40،

قرل، محمد: 311،

قلع ریز، پروین: 124،

قلی پور، چنگیز: 242،

قلی زاده پاشا، عبدالرحیم: 215،

قمی، حبیب اله: 155، 159، 190، 238، 64، 154، 205، 221،

قنبری، محسن: 82،

قنبری، عاطفه: 123، 157، 288،

قنبری، محمدرضا: 117،

قهرمانی، زینب: 233،

قیصر بیگی، الهام: 284، 308، 293،

ک

کارگزار، محمدرضا: 82،

کاشانیان، مریم: 114، 206،

کاظمی، رضا: 89، 161،

کاظمینی، علیرضا: 130،

کاظمی، اشرف: 298،

کامکار حقیقی، مهران: 156،

کبیری، پیام: 273،

کبیری نیا، کبری: 231،

کجووری، جواد: 91، 111، 150، 150، 190، 192، 198، 232، 241، 246، 256، 92، 118،

کجویی، حسین: 138،

کدیور، محمدرحیم: 91، 150، 198،

کردافشاری، غلامرضا: 99، 204،

کردی، آرش: 90،

کرمانی، طیبه: 174،

کریمی، مهتاب: 68،

کریمی، محمد: 219،

کریمی، علی: 87، 214،

کریمی، محمد یاسین: 279،

کریمی، کبری: 78،

کریم فر، محمد حسن: 165،

کریمی، اقدس: 126،

کریمی، حمیده: 240،

کریمی، مهران: 251، 307،

کریمی، احسان: 265، 294،

کریمیان، زهرا: 118، 192، 246، 256،

کریم فر، محمد حسن: 109، 208،

کریمی، شهناز: 169،

کریمی، فرشته: 239،

کریمی نقندر، مریم: 324، 319،

کشاوری، فرحناز: 145، 242،

کلاهی، سوسن: 290،

کمالی، صدیقه: 215،

کمالی، فرحنا، 65، 115، 74،
کمالی، فر، امیر، 291،
کمیلی، غلامرضا، 235،
کمیلی ثانی، حسین، 78،
کوچه بیوکی، لیلا، 149،
کوه پایه زاده، جلیل، 114، 119، 257، 296، 300، 206،
کوهستانی، حمیدرضا، 224،
کیانفر، صدیقه، 212،
کیهان منش، رعنا، 167،

گ

گرگ یراقی، محمد، 219،
گرنٹ، ژنت، 34، 36،
گشمرد، رقیہ، 74،
گل عنبر، پریسا، 43، 165،
گلستانی، ابوالفضل، 183،
گنجو، مہستی، 66،
گنجی، فروزان، 245،
گندم کار، رقیہ، 71، 137، 315،
گوہری، محمود، 188،
گوہری نژاد، سلیمہ، 88، 96،
گیاهی، مقصود، 155، 221،

ل

لامعی، ابوالفتح، 55، 55،
لیاف قاسمی، رضا، 55، 55،
لطفی، فرہاد،
لطفی، فرہاد، 91، 118، 150، 198، 246، 256، 93،
لک، مرضیہ، 137، 138، 227،

م

ماسیلو، ایتالو، 48،
مافی نژاد، محبوبہ، 71، 257،
مبارکی، آسیہ، 170، 211،
مجنوبی، محمد زمان، 266، 305، 99،
مجیدی، پریسا، 268، 306،
محبی، فر، رفعت، 48، 84، 297، 234، 208،
محبوب، سلیمان، 103،
محبوب، ہاجر، 292،
محدث، گیسو، 167،
محدث حکاک، حمیدرضا، 258،
محرر زاده، پیمان، 242،
محقق، محمد علی، 40، 83،
محمد حسن نہال، منیرہ، 284، 293، 308،
محمد صالحی، نرگس، 188،
محمد بیگی، ابوالفضل، 188،
محمدپور، یوسف، 100،
محمدپور، شہرام، 165،
محمدپور ارمنیان، آمنہ، 291،
محمدزادہ، محمد، 131،
محمدی، اقدس، 142،
محمدی، نوید، 168،
محمدی، شکوفہ، 302،



محمّدی باغملایی، بی بی ماه 152،
 محمّدی کناری، حوریه
 محمّدی نیا، ندا 144،
 محمّدی، میترا 72،
 محمّدی، حوریه 93،
 محمّدی، نوید 110،
 محمّدی کناری، حوریه 99، 204،
 محمودی، میترا 133، 229،
 محنتی، پریناز 76،
 مددزاده، نگین 139،
 مدیری، مهرزاد 171،
 مرتاض هجری، سارا 183،
 مرتضوی، میرفتاح 48،
 مرتضوی، مریم 268،
 مردانی، سعید 219،
 مروت، اکبر 240،
 مزارعی، الهام 312،
 مسافری، محمد 148،
 مسعودی، تکتم 249، 257، 259، 276، 299، 300،
 مشکینی، علی 131،
 مصری، رامین 45، 154،
 مصلی نژاد، لیلی 98، 225،
 مظلومی، سعید 122، 149، 247،
 معتمد، نیلوفر
 معتمد، نیلوفر 63، 92، 207، 239،
 معزی، معصومه 101، 135، 161، 302،
 معصومی، معصومه 132،
 معلایی، حسین 128،
 معیاری، اعظم 317،
 مغزی، معصومه 269،
 مقدمی، محسن 91، 150، 198،
 مقیمیان، مریم 182،
 مکارم، عباس 42،
 ملاباشی، رویا 323،
 ملاح، مریم 266،
 ملکان راد، الهه 35،
 ملکی، حسن 186،
 ملکی، محمدرضا 96،
 ممتازمنش، نادر 55، 56، 83،
 ممقانی، اقدس 159،
 ممیزی، مهدیه 82، 154، 122، 220،
 منتظری، سیمین 102،
 منفرد، علی 164،
 منیری، رضوان 212،
 مهدیان، مهرداد 119، 119،
 مهربان، فردین 50،
 مهرالحسنی، محمدحسین 47،
 مهرآور، فاطمه 253، 276،
 مهرپرور، امیر هوشنگ 227،
 مهرعلیزاده، سمیرا 283، 277،
 مهرورز، شعبان 137،
 مهستی جویباری، لیلا 266، 305،
 موسوی، غلامعباس 142،
 موسوی، جواد 280، 287، 308،
 موسوی، رضا 286،

موسوی نائینی، مرتضی 137،
موسوی، غلامعباس 56،
موسوی، حوریه 77،
موسوی، پروانه 102،
موسی پور، نعمت اله 148،
مومن هروی، منصوره 141،
مومنی، علی 219، 245،
مومنی، لیلا 233،
مومنی، امیر 273،
مومنی دانایی، شهلا 312،
میدانی، زهرا 81،
میرحسینی، فخرالسادات 152،
میرزائی، علیرضا 306،
میرزازاده، عظیم 137، 183،
میرزایی باویل، فریبا 168،
میرشریفی، رسول 130،
میری، محسن 212،
میکائیلی، پیمان 280، 287، 308،
میر، فاطمه 193،
میرحسینی، فخرالسادات 56، 119، 119،
میرزایی دیزگاه، ایرج 108،
میرموسوی، جمال 236،

ن

نادر فام، شاپور 64، 154، 155، 159، 190، 205، 221، 238،
نادری، مصطفی 227،
نادری، سمیه 218،
نادری بنی، فاطمه 269،
ناصری، محسن 285،
ناطق، امیرعلی 161،
ناظریان، بهاره 72،
نانکلی، انیس الدوله 145، 242،
نبوتی، بهنام 206،
نجاتی، مینا 234، 297،
نجار، شهناز 102،
نجفی، الهیار 173، 316،
نجفی کلیانی، مجید 169،
نجفی، فرید 172،
نسیمی، کتایون 43، 226، 244،
نشاط آور، راضیه 248،
نصرتی، لی 132،
نصری، حمید 219،
نصری، پروانه 254،
نصیرپور، حسنعلی 235،
نصیری، جعفر 161،
نصیری، احمد 212،
نصیری، طه 278،
نصیری طوسی، محسن 183،
نصیری مقدم، زهره 285،
نصیری، فاطمه 268، 306،
نصیری پرتوی، کمال 280،
نصیری پور، امیر اشکان 51،
نظری، کریم 195، 203، 244،
نظریان، محمدعلی 326،



نعمت الهی، پرستو 265, 294, 310, 286,
 نعمت بخش، پردیس 309,
 نعمت بخش، مهدی 309, 255,
 نعمتی، شادمان 180,
 نهاردانی، زهرا 192,
 نوایی، فرشته سادات 142,
 نوروزی، کبری 115,
 نوری اصل، حمیده 291,
 نوری حکمت، سمیه 88, 96, 112,
 نیری، فاطمه السادات 184,
 نیک فرجام، زهرا 249, 257, 259, 276, 300, 299,
 نیکخواه، رونا 277, 283,
 نیمایی، فریده 175,

هـ

هاشمی، ستاره 72,
 هاشمی، فریا 247,
 هاشمی نیا، علی 172,
 هریرچی، حمیده 76, 154,
 هزارخوانی، شرابه 117,
 همایونی زند، رامین 300,
 همیلتون، ژان 37,

و

واحد جباری، مرتضی 190,
 واحدپرست، حکیمه 115,
 واحدی، لیلا 179,
 وحیدشاهی، کوروش 133, 229,
 ودیعتی، هدی 47,
 ودیعتی، بنت الهدی 112,
 وطنی، مریم 304,
 وفادار، زهره 175,
 وفامهر، وجیهه 85, 86,
 وکیلی، زریچهر 57, 119, 142,
 وکیلی، عابدین 162,

ی

یاری، میترا 242, 146,
 یاسائی، صغری 60,
 یاقوتی، محمد مهدی 216,
 یخ فروش ها، افسانه 48, 84, 209, 208,
 یزدان جو، جواد 199,
 یزدانی، محمد 143,
 یزدانی، فریدخت 94,
 یزدانی جو، جواد 58,
 یزدچی، هومن 327,
 یزدی، زهره 168,
 یساقی، زهرا 102,
 یکه فلاح، لیلی 177,
 یمانی، نیکو 166, 200, 209, 325,
 یمنی، محمد 237,
 یوسفی، ربعلی 65, 154, 222,
 یوسفی، علیرضا 124,



وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

سازمان آموزش و پژوهش

پایه و اساس

یازدهمین همایش کشوری آموزش علوم پزشکی

یوسفی، قاسم 225،

یوسفی، محمدرضا 117، 322،



Medical Sciences
Ministry of Health & Medical Education

Tebvæ

Tæzkiyeh

**Research &
Scientific Journal**

Special Issue, 30 Apr - 2 May 2010

ISSN:1608-2397



Academic Leadership

11th Iran Medical Education Conference